دنیا و آخرت

از نگاه قرآن و حدیث

محمدی ری‌شهری

با همکاری رسول موسوی

مترجم حمیدرضا شیخی

۱-۲

دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان و نام پدیدآور : دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث / محمدی ری شهری، با همکاری رسول موسوی ؛ مترجم حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر ، 1384.

مشخصات ظاهری : 2ج.

فروست : مرکز تحقیقات دارالحدیث ؛ 115.

شابک : 60000 ریال : دوره : 964-493-113-0 ؛ ج. 1 : 964-493-111-4 ؛ 90000 ریال : ج.1، چاپ دوم : 978-964-493-111-6 ؛ ج. 2 : 964-493-112-2 ؛ 90000 ریال : ج.2، چاپ دوم : 978-964-493-112-3

یادداشت : کتاب حاضر بخشی از کتاب " میزان الحکمه: اخلاقی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی" نوشته محمد محمدی ری شهری است.

یادداشت : ج. 1و2 (چاپ دوم: 1386).

عنوان دیگر : میزان الحکمه: اخلاقی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی.

موضوع : دنیای فانی -- جنبه های قرآنی

موضوع : دنیای فانی -- احادیث

موضوع : معاد -- جنبه های قرآنی

موضوع : معاد -- احادیث

شناسه افزوده : موسوی، سیدرسول، 1340 -

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، 1337 -مترجم

شناسه افزوده : محمدی ری شهری، محمد، 1325- . میزان الحکمه: اخلاقی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی.

شناسه افزوده : موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث

رده بندی کنگره : BP104 /د84 م3 1384

رده بندی دیویی : 297/159

شماره کتابشناسی ملی : 1242885

ص : 1

جلد 1

اشاره

ص: 1

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

پیش گفتار

پیش گفتارستایش ، پروردگار جهانیان را ، و سلام و درود بر بنده برگزیده اش محمّد ، و دودمان پاک و اصحاب نیک و خجسته او! دنیا و آخرت ، دو موضوع بنیادین در حوزه معارفِ مرتبط با جهان شناسی ، انسان شناسی و دین شناسی اند و جهتگیری های انسان در زمینه های گوناگونِ اعتقادی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی ، ارتباط نزدیکی با چگونگی نگاه او به دنیا و آخرت دارند . از این رو ، شناخت دیدگاه اسلام در باره این دو موضوعِ سرنوشت ساز ، برای پیروان این آیین آسمانی ، از اهمّیت فراوانی برخوردار است . کتاب دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث ، مجموعه رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی را با نظمی نوین ، در چهار بخش ، ارائه می نماید .

محتوای کتاببخش یکم ، درباره تبیین حقیقت دنیا و ویژگی های آن ، نقش دنیا در ساختن آخرت ، و رهنمودهای اسلام برای برخورداری از خوش بختی در دنیا و آخرت است . بخش دوم ، به تعریف دنیای نکوهیده و ویژگی های آن و ارزیابی آن و بیم دادن از آن پرداخته است . در این بخش ، همچنین زیان های دل بستگی به دنیای نکوهیده و

.

ریشه ها و نشانه های این دل بستگی توضیح داده می شود . بخش سوم ، معنای «زهد» در دنیا ، آثار و برکات آن ، زمینه ها و ریشه های آن و تفاوت زُهد اسلامی و رُهبانیّت مسیحی را بیان می کند ، و نیز رهنمودهایی برای دستیابی به این خصلت ارجمند ، و نمونه هایی از الگوهای زهد اسلامی ارائه می دهد . بخش چهارم ، درباره تبیین حقیقت «آخرت» و زندگی پس از مرگ ، ویژگی های آن ، تأکید بر اهمّیت دادن به زندگی در سرای جاوید ، ویژگی های آخرت مداران ، آثار و برکات اهمّیت دادن به آخرت ، تأکید بر یاد کردن آخرت و فراموش نکردن آن ، منافع یاد کردن آخرت و زیان های فراموشی آن ، و تأکید بر کارهایی است که موجب خوش بختی و کام روایی در آخرت می گردد .

دو نکته مهمشرح آنچه به اجمال گفتیم ، در متن این مجموعه خواهد آمد ؛ لیکن پیش از آن ، توجّه به دو نکته ضروری است : 1 . اعجاز در بیان حقیقت دنیا و آخرت آنچه در قرآن و احادیث اسلامی در تبیین حقیقت دنیا و آخرت و چگونگی برخورد با آنها آمده ، حقیقتا در حدّ اعجاز است . با تأمّل می توان به روشنی دریافت که اندیشه انسان ، بدون ارتباط با مبدأ وحی ، نمی تواند با چنین دقّتی که در احادیث اسلامی دیده می شود میان دنیایی که مزرعه آخرت است و دنیایی که در برابر آخرت قرار دارد ، مرزبندی کند ، و راه نجات از دام دنیای نکوهیده را بشناسد و او را به آبادسازی سرای همیشگی در کنار آباد کردنِ سرای زندگی موقّت ، وا دارد .

.

2 . توصیه به مکرّر خواندن این کتاب ، در واقع ، عصاره رهنمودهای اسلام در باره حقایق مربوط به دنیا و آخرت است و نکات فوق العاده آموزنده و سازنده ای برای همه پیروان قرآن ، بویژه برای دولت مردان و پویندگان سیر و سلوک به سوی حق تعالی ، ارائه می نماید . همچنین بخش هایی از آن ، برای کسانی که با اضطراب ها و نگرانی های ناشی از مشکلات زندگی دست به گریبان اند ، سودمند خواهد بود . کتاب دنیا و آخرت ، در واقع ، درست زندگی کردن را به انسان می آموزد . پس انسان ، تا زنده است ، به مطالعه آن ، نیاز دارد . از این رو ، یک بار خواندن این کتاب ، کافی نیست و درس های آموزنده آن ، باید آن قدر تکرار شود که ضمیمه جان گردد .

روش کتابروش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه ، متّکی به عناصر زیر است : 1 . از دیدگاه ما ، احادیثی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده اند ، در واقع ، حدیث پیامبر خدایند ، همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود : «ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می گوییم» (1) و نیز امام صادق علیه السلام فرمود : «سخن من ، سخن پدرم است و سخن پدرم ، سخن جدّم است و سخن جدّم ، سخن حسین است و سخن حسین ، سخن حسن است و سخن حسن ، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان ،سخن پیامبر خداست و سخن پیامبر خدا ، سخن خداوند متعال است» . (2) کلمه «سنّت» که در عنوان این کتاب آمده است ، برای بیان همین نکته و مفهوم

.

1- .رجال الکشّی : ج 2 ص 490 ح 401 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 250 ح62
.
2- .الکافی : ج1 ص53 ح 14 ، منیه المرید : ص373 ، الإرشاد : ج2 ص186 ، بحار الأنوار : ج2 ص179 ح28 . ر .ک : اهل بیت در قرآن و حدیث : بخش چهارم / فصل یکم / حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست .

است که در کتاب ، از همه احادیثِ روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او ، یکسان بهره گرفته شده است . 2 . کوشیده ایم در حدّ توان ، همه روایات مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگونِ شیعه و اهل سنّت ، به طور مستقیم ، استخراج و گرآوری کنیم و با بهره گیری از نرم افزارهای رایانه ای ، آنها را روی برگه های مخصوص ، تنظیم نماییم تا زمینه گزینش کامل ترین ، موثّق ترین و کهن ترینِ آنها فراهم آید . در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک ، تنها از ادعیه ای که مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام است ، بهره گرفته ایم . 3 . سعی کرده ایم تا از آوردن روایات تکراری پرهیز نماییم ، جز در این موارد : الف آن جا که نکته مهمّی در تفاوت واژه ها و اصطلاحات ، نهفته بوده است . ب در مواردی که متن حدیث ، در متون شیعه و اهل سنّت ، تفاوت داشته است . ج آن جا که متن حدیث ، بیش از یک سطر نبوده و در عین حال، مرتبط با دو باب بوده است . 4 . اگر در موضوع واحد ، احادیث رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم السلام ، متعدّد باشند ، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله (یا قائل متقدّم) در متن ، و نشانی احادیث دیگر (با ذکر قائل و منبع) ، در پانوشت می آید ، مگر آن که احیانا یکی از آنها ، نکته تازه ای داشته باشد که آن نیز در متن خواهد آمد . 5 . در هر موضوع ، پس از ذکر آیات مربوط به آن ، احادیث ، به ترتیبِ زمانی (از پیامبر خدا تا امام مهدی علیه السلام) می آیند ، مگر آن که حدیث ، در تفسیر آیاتِ مذکور باشد (که در این صورت ، پیش از دیگر احادیث می آید) ، یا آن که تناسب موضوعی احادیث ، ترتیب دیگری را ایجاب کند .

.

6 . در آغاز هر روایت ، تنها نام پیامبر یا امامی را آورده ایم که حدیث از او نقل شده است ، مگر آن که راوی ، فعل آنان را نقل کرده باشد ، یا سؤال و جوابی در میان بوده باشد و یا راوی ، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر ، یا امام نیست . 7 . به خاطر تعدّد نام ها و لقب های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام ، نام واحدی را برای هر یک از آن بزرگواران برگزیده ایم که به صورت ثابت در اوّل روایت می آید و بر شخص موردنظر ، دلالت می کند . 8 . در پانوشت ها ، منابع احادیث ، به ترتیب معتبرترینِ آنها تنظیم شده است ؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محقّقان پوشیده نیست (از جمله : پرهیز از تکرار ، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده) ، این ترتیب را پس از نخستین منبع ، مراعات نکرده ایم . 9 . هر گاه دسترس به منابع اوّلیه ممکن باشد ، حدیث مستقیما از آنها نقل می شود . آن گاه نشانیِ بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمّال (در احادیث اهل سنّت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنّت ، افزوده می شود . 10 . پس از ذکر منابع ، گاه با نشانه «ر .ک» ، به منابع دیگر ارجاع داده می شود و این ، وقتی است که متن ارجاعی ، با متن نقل شده ، تفاوت بسیار دارد و در عین حال ، با آن و با موضوع بحث ، مرتبط است . 11 . ارجاع به ابواب دیگر این کتاب ، به خاطر تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست . 12 . هدف از «درآمد»هایی که برای فصل های کتاب ، نوشته شده یا توضیحات و استنتاج هایی که در پی احادیث آمده است ، ارائه چشم انداز کلّی روایات آن بخش یا آن فصل است . گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث ،

.

پرداخته شده است . 13 . مهم ترین نکته در این شیوه ، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان آورِ صدور احادیث هر باب از پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث ، صورت پذیرفته است . * گفتنی است که این مجموعه ، بخش دیگری از دانش نامه میزان الحکمه است که به دلیل اهمیت آن ، به صورت مستقل منتشر می شود . در این جا ، لازم می دانم مراتب سپاس خود را از همه فضلا و پژوهشگران عزیز و بزرگوار در مرکز تحقیقات دارالحدیث که در پدید آوردن و عرضه این اثر ، کوشش های ستودنی داشته اند و بویژه از فاضل گران قدر ، جناب آقای سیّد رسول موسوی که در تحقیق این کتاب ، این جانب را مساعدت نمودند ابراز دارم . همچنین از فاضل گران مایه جناب آقای حمیدرضا شیخی که با ترجمه دقیق ، روان و زیبای این کتاب ، زمینه بهره مندی پارسی زبانان را فراهم ساختند ، صمیمانه سپاس گزارم . از خداوند منّان ، برای همه آنان ، پاداشی درخور فضل حضرتش مسئلت دارم . ربَّنا ! تَقَبَّل منّا ، إنّک أنت السمیعُ العلیم . محمّد محمّدی ری شهری 30 تیرماه 1384 14 جمادی الثانی 1426

.

ص: 13

بخش یکم: دنیا

اشاره

بخش یکم: دنیافصل یکم: شناخت دنیافصل دوم: اهمّیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرتفصل سوم: راه های دستیابی به خیر دنیا و آخرتفصل چهارم: گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرتفصل پنجم: هشیاری در طلب دنیا (دنیاطلبی آگاهانه)

.

درآمد

دنیا ، در لغت

درآمددنیا ، در لغتدنیا ، مؤنّث «أدنی (نزدیکتر) » از ریشه «دنو» به معنای «نزدیک بودن» است و برای زندگی قبل از مرگ ، صفت واقع می شود در مقابل «آخرت» که برای زندگی پس از مرگ ، صفت واقع می شود . ابن فارس در تبیین ریشه کلمه «دنیا» می گوید : الدال والنون والحرف المعتلّ أصل واحد یقاس بعضه علی بعض وهو المقاربه ، ومن ذلک الدَّنیّ ، وهو القریب ، من دنا یدنو ، وسُمّیت الدّنیا لدنوّها . (1) دال و نون و واو (دنو) ، به معنای نزدیکی است ، و از همین ریشه است کلمه «دَنیّ» به معنای «نزدیک» ، از «دَنا یَدنو» . و دنیا را به خاطر نزدیک بودنش «دنیا» نامیده اند . سایر لغویان نیز این واژه را همین گونه ریشه یابی و معنا کرده اند . (2)

.

1- .معجم مقاییس اللغه : ج 2 ص 303 .
2- .ر .ک : العین : ص 274 ، صحاح اللغه : ج 6 ص 2341 ، مفردات ألفاظ القرآن : ص 318 ، القاموس المحیط : ج4 ص329 ، تاج العروس : ج19 ص417 ، لسان العرب : ج14 ص271 ، مجمع البحرین : ج 1 ص 613 ، المنجد فی اللغه : ص 226 .

دنیا ، در قرآن و حدیث

اشاره

دنیا ، در قرآن و حدیثقرآن کریم ، زندگی پیش از مرگ را گاه «زندگی دنیا» (1) می نامد ، مانند: « یَعْلَمُونَ ظَهِرًا مِّنَ الْحَیَوهِ الدُّنْیَا وَ هُمْ عَنِ الاْخِرَهِ هُمْ غَفِلُونَ. (2) از زندگی دنیا ، ظاهری را می شناسند و از آخرت غافل اند » . و گاه آن را «زندگی نخست» می خواند ، مانند: « لَهُ الْحَمْدُ فِی الاْءُولَی وَ الاْخِرَهِ . (3) ستایش ، در زندگی نخست و زندگی پسین ، ویژه اوست » . و گاه با تعبیر «أدنی» به آن اشاره می نماید ، مانند : «یَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الأَدْنَی. (4) متاع این [زندگیِ] نزدیک تر (/ پست تر) را می گیرند » . و گاه آن را «زندگی زودگذر (العاجله) » می نامد، مانند: «مَّن کَانَ یُرِیدُ الْعَاجِلَهَ عَجَّلْنَا لَهُ فِیهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِیدُ . (5) هر که خواهان گذراست ، در همین دنیا آنچه را بخواهیم ، به هر که بخواهیم ، می دهیم » .

.

1- .کلمه «دنیا» در قرآن ، یکصد و یازده بار در «زندگی پیش از مرگ» به کار رفته است که شصت و نه بار آن ،پس از لفظ «حیات» است.
2- .روم : آیه 7 .
3- .القصص : آیه 70 . نیز ر .ک : لیل : آیه 13 وضحی : آیه 4 .
4- .اعراف : آیه 169 .
5- .اسراء : آیه 18 . نیز ، ر .ک : قیامت : آیه 20 ، انسان : آیه 27 .

1 . تبیین حقیقت دنیا و جهان پیش از مرگ

با تأمّل در آیات و احادیثی که کلمه «دنیا» (1) در آنها به کار رفته است ، روشن می شود که این واژه در احادیث اسلامی سه کاربرد دارد : 1 . جهانِ پیش از مرگ و زندگی در آن (در مقابل جهانِ پس از مرگ و زندگی در آن) . این کاربرد ، هماهنگ با معنای لغوی «دنیا»ست . 2 . بهره گیری از امکاناتِ جهانِ پیش از مرگ در جهت تأمین نیازهای مادّی و معنوی ، و دنیوی و اُخروی در کنار هم . 3 . بهره گیری از امکانات جهانِ پیش از مرگ در جهت تأمین خواسته های مادّی به بهای از دست دادن ارزش های معنوی و آسایش اُخروی . دنیا به معنای اوّل ، از آیات الهی و نشانه های حکمت و قدرت اوست ، به معنای دوم ، دنیای ستوده و به معنای سوم ، دنیای نکوهیده است . بخش نخست این کتاب ، ناظر به معنای اوّل و دومِ «دنیا» ، و بخش دوم ، ناظر به معنای سوم «دنیا» ، و بخش سوم ، در واقع ، دعوت به مبارزه با رغبت به دنیا به معنای سوم است . بخش اوّل ، شامل پنج فصل با مطالب زیر است :

1 . تبیین حقیقت دنیا و جهان پیش از مرگدر فصل یکم ، ابتدا موضوع نام گذاری جهان پیش از مرگ به «دنیا» از نگاه قرآن و حدیث ، مطرح شده که هماهنگ با مفهوم لغوی این واژه است . سپس ویژگی ها و مشخّصات جهانِ پیش از مرگ ، توضیح داده شده است . این ویژگی ها ، پژوهشگر را با حقیقت دنیا و هدف از آفرینش آن از نگاه اسلام ، آشنا می کند .

.

1- .گفتنی است که کلمهِ «دنیا» در قرآن ، گاه به معنای لغوی آن استعمال شده است ، مانند : «إِذْ أَنتُم بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا؛ آن گاه که شما در دامنه نزدیک ترِ کوه بودید» (انفال: آیه 42) که خارج از موضوع بررسی ماست.

2 . تبیین اهمّیت و ارزش دنیا

در ادامه ، با آمدن مثال هایی ، حقیقت دنیا و زندگی در آن ، توضیح بیشتری داده شده و در پایان فصل ، احادیثی که درباره مدّت زمانی جهانِ پیش از مرگ وارد شده اند ، مورد نقد و بررسی قرار گرفته اند .

2 . تبیین اهمّیت و ارزش دنیادر فصل دوم ، برای اثبات اهمّیت و ارزش دنیا و نقش آن در سازندگی جهانِ پس از مرگ ، ابتدا آیات و احادیثی آمده اند که با صراحت ، بر این مدّعا دلالت دارند و تأکید می کنند که : اسلام ، دینِ دنیا و آخرت و برنامه تکامل مادّی و معنویِ انسان است ، دنیا مزرعه آخرت است ، مسلمان کسی است که به دنیا و آخرت اهمّیت می دهد و سرانجام ، جامعه اسلامی ، هنگامی به نقطه مورد نظر اسلام رسیده است که در اوج تکامل مادّی و معنوی باشد . گفتنی است که محبّت دنیا به این معنا (مزرعه آخرت بودن) ریشه در فطرت انسان دارد (1) و از این رو ، نکوهیده نیست؛ (2) بلکه دنیا اگر در کنار آخرت و مقدّمه آخرت باشد ، پاره ای از آخرت است . بر این پایه ، اسلام ، با صراحت ، رهبانیت را ممنوع ساخته و تحریم لذایذ حلال بر خویشتن را نهی کرده است (3) و پیشوایان بزرگ دین با کسانی که در اثر کج فهمی یا انگیزه های گوناگون ، مردم را به ترک دنیا دعوت کرده اند ، مبارزه نموده اند . (4) بر این اساس ، متون دینی اسلام ، به تلاش برای سازندگی دنیا و بهره گیری از

.

1- .ر .ک : ص 119 (سرشت دنیا دوستی در انسان) .
2- .ر .ک : ص 121 (نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن) .
3- .ر .ک : ص127 (نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است) .
4- .ر .ک : ص 147 (اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا) .

3 . رهنمودهای اسلام برای سازندگی دنیا و آخرت

مواهب آن در جهت تقویت ارزش های معنوی و آبادانی جهانِ پس از مرگ (1) و نیز دعا برای رفاه در زندگی توصیه می کنند (2) و بر پاداش اخروی برای کسی که در مسیر تأمین منافع دنیوی ، از مسیر حقْ خارج نمی شود ، تأکید دارند . (3)

3 . رهنمودهای اسلام برای سازندگی دنیا و آخرتنکته قابل توجّه ، این است که هر کسی نمی تواند منافع اُخروی خود را در کنار منافع مادّی تأمین کند . چه بسا کسانی که به نام اسلام و آخرت ، در هوس های مادّی غرق می شوند و زندگی معنوی خود را تباه می سازند . از این رو ، اسلام برای تأمین منافع اُخروی در کنار منافع دنیوی ، رهنمودهای ارزنده ای دارد که میزان بهره وری انسان از دنیا و آخرت ، به آنها بسته است . (4) بدین سان ، مردم از نظر برخورداری از دنیا و آخرت ، به چهار دسته تقسیم می شوند (5) : جمعی ، نه دنیا دارند و نه آخرت . عدّه ای ، در دنیا وضعشان خوب است؛ امّا در آخرت دچار مشکل هستند . گروهی در دنیا زندگی مناسبی ندارند؛ ولی در آخرت از زندگی خوبی برخوردارند . و عدّه ای هستند که هم دنیا دارند و هم آخرت : «لَهُمُ الْبُشْرَی فِی الْحَیَوهِ الدُّنْیَا وَ فِی الاْخِرَهِ ؛ در زندگی دنیا و در آخرت ، مژده برای آنان است » (6) .

.

1- .ر .ک : ص 161 (بهره گیری از دنیا) و 163 (این ، دنیاطلبی نیست) .
2- .ر .ک : ص 165 (دعا برای رفاه در زندگی) .
3- .ر .ک : ص 181 (پاداش کسی که دنیا را به حق برگیرد) .
4- .ر .ک : ص 185 (فصل سوم : عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت) .
5- .ر .ک : ص 209 (فصل چهارم : گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت) .
6- .یونس : آیه 64 .

4 . هشیاری نسبت به آفات توسعه مادّی

4 . هشیاری نسبت به آفات توسعه مادّیآخرین و مهم ترین نکته در ارتباط با جمع میان دنیا و آخرت ، هشیاری نسبت به خطر آفاتی است که توسعه مادّی به دنبال دارد؛ آفاتی که اگر درست شناخته نشوند و به موقعْ پیشگیری نگردند ، بی تردید ، انسان در دام دنیای نکوهیده قرار خواهد گرفت . از آن جا که این آفات و راه پیشگیری از آنها را به تفصیل در کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث آورده ایم ، (1) در فصل پنجم از این کتاب ، تنها به یک نکته اساسی اشاره می نماییم و آن ، هشیاری در طلب دنیا و میانه روی در تأمین منافع مادّی و اجتناب از حرص است .

.

1- .توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش پنجم : آفات توسعه .

الفصل الأوّل : معرفه الدّنيا1 / 1تَسمِيَهُ الدُّنياالكتاب«وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِی الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَهِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» . (1)

«لَهُ الْحَمْدُ فِی الأْءُولَی وَ الآخِرَهِ» . (2)

«مَّن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَهَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا» . (3)

«فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُواْ الْكِتَبَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الأَْدْنَی» (4) .

راجع : اللّيل : 13 و الضحی : 4 .

.

1- .البقره : 201 .
2- .القصص : 70 .
3- .الإسراء : 18 .
4- .الأعراف : 169 . قال العلاّمه المجلسی قدس سره فی توضيح معنی «الأدنی» فی الآيه الشريفه : يعنی الدنيا ؛ من الدنوّ بمعنی القرب . وقال سبحانه : «وَ لَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الأَْدْنَی» السجده : 21 . وبالجمله : الأدنی والدنيا يصرفان علی وجوه ، فتاره يعبّر به عن الأقلّ فيقابل بالأكثر والأكبر ، وتاره عن الأرذل والأحقر فيقابل بالأعلی والأفضل ، وتاره عن الأقرب فيقابل بالأقصی ، وتاره عن الاُولی فيقابل بالآخره ، وبجميع ذلک ورد التنزيل علی بعض الوجوه . وقال الجزری : الدنيا اسم لهذه الحياه لبُعد الآخره عنها (بحار الأنوار : ج57 ص356) .

فصل یکم : شناخت دنیا

1 / 1 نام گذاری دنیا

فصل یکم: شناخت دنیا1 / 1نام گذاری دنیاقرآن«و برخی از آنان می گویند: پروردگارا ! در دنیا به ما نیکی ده و در آخرت نیز نیکی عطایمان کن و ما را از عذاب آتش ، نگه دار».

«و ستایش ، از آنِ اوست در این [سرای] نخستین و در آخرت».

«هرکس خواهان [دنیای] زودگذر است ، به زودی هر که را بخواهیم ، از آن می دهیم . آن گاه ، دوزخ را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد، برای او مقرّر می داریم».

«آن گاه ، بعد از آنان، جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست (1) را می گیرند».

ر . ک : لیل : آیه 13 ، ضحی : آیه 4.

.

1- .علاّمه مجلسی می گوید: مقصود از «أدنی» در روایت ، دنیاست، از ریشه «دنوّ» به معنای نزدیک. خداوند سبحان می فرماید: «و از عذاب نزدیک تر به آنها می چشانیم» (سجده : آیه 21). به طور کلّی ، أدنی و دنیا ، چند وجه دارند. گاه مراد از آنها «أقلّ(کمتر)» است ، در مقابل «أکثر(بیشتر)» و «أکبر (بزرگ تر)». وگاه به معنای «أحقر (پست تر و حقیرتر)» در مقابل «أعلی (بالاتر)» و «أفضل (برتر)» وگاه به معنای «أقرب (نزدیک تر)» است ، در مقابل «أقصی (دورتر)»، و گاه به معنای «اُولی (نخستین)» است در مقابل «آخره (دیگر، پسین)» و در قرآن به همه این معانی آمده است. جزری می گوید: دنیا ، نامی است برای این زندگی ؛ چون آخرت از آن دور است (بحار الأنوار : ج 57 ص 356).

الحديث240.1 . روى أبو الفتوح الرازى فى تفسيره عن جماعه من ارسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا دَنِيَّهٌ (1) خُلِقَت مِن دونِ الآخِرَهِ ، ولَو خُلِقَت مَعَ الآخِرَهِ لَم يَفنَ أهلُها ، كَما لا يَفنى أهلُ الآخِرَهِ . (2)239.ما رواه الكلينى بإسناده عن محمّد بن عبد الخالق وأالإمام علىّ عليه السلام :إنَّما سُمِّيَتِ الدُّنيا دُنيا ؛ لِاءَنَّها أدنى (3) مِن كُلِّ شَىءٍ. (4)1 / 2خَصائِصُ الدُّنياأ دارُ ابتِلاءٍالكتاب«إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْاءَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً» . (5)

«الَّذِى خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَوهَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً» . (6)

«وَ هُوَ الَّذِى خَلَقَ السَّمَوَ تِ وَ الْاءَرْضَ فِى سِتَّهِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً» . (7)

«وَ لاَ تَمُدَّنَّ عَيْنَيْکَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَ جًا مِّنْهُمْ زَهْرَهَ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّکَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» . (8)

.

1- .قال العلاّمه المجلسى قدس سره : أى أخسّ ؛ لِبعد الآخره عنها (بحار الأنوار : ج 57 ص 356) .
2- .علل الشرائع : ص 470 ح 33 عن يزيد بن سلام ، بحار الأنوار : ج 57 ص 356 ح 2 .
3- .قال العلاّمه المجلسى قدس سره : أى أقرب بحسب المكان أو بحسب الزمان ، أو أخسّ وأرذل (بحار الأنوار : ج57 ص356) .
4- .علل الشرائع : ص 2 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 355 ح 1 .
5- .الكهف : 7 .
6- .الملک : 2 .
7- .هود : 7 .
8- .طه : 131 .

1 / 2 ویژگی های دنیا

الف سرای آزمایش

حدیث229.2 . وروی الکلینی بإسناده عن محمّد بن عبده النیسابپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به این پرسش که:چرا دنیا را دنیا ، گفته اند؟ : دنیا ، پست و نزدیک [به ما] و پیش از آخرت آفریده شده است. اگر دنیا هم زمان با آخرت آفریده شده بود ، اهل آن فانی نمی شدند ، چنان که اهل آخرت فنا نمی پذیرند.228.1 . روی الشیخ الطوسی قدس سرهبإسناده عن عبد اللّهامام علی علیه السلام :دنیا را دنیا نامیده اند ، چون فرومایه تر (1) از هر چیزی است.1 / 2ویژگی های دنیاالف سرای آزمایشقرآن«ما آنچه را بر روی زمین است ، زیور آن قرار دادیم تا ایشان را بیازماییم که کدامینشان نیک کردارترند».

«آن خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامینتان بهتر عمل می کنید».

«و او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز بیافرید، و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید».

«و زنهار ، به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو ، بهتر و پایدارتر است».

.

1- .علاّمه مجلسی می گوید: یعنی از حیث زمان یا مکان ، نزدیک تر است یا پست تر و فرومایه تر است (بحارالأنوار : ج 57 ص 356).

الحديث218.روى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا دارُ بَلاءٍ (1) ، ومَنزِلُ بُلغَهٍ (2) وعَناءٍ ، قَد نزَعَت (3) عَنها نُفوسُ السُّعَداءِ ، وَانتُزِعَت بِالكُرهِ مِن أيدِى الأشقِياءِ . (4)217.2 . روى الصدوق قدس سره بإسناده إلى الرضا عليه السالإمام علىّ عليه السلام :ألا إنَّ الدُّنيا دارٌ لايُسلَمُ مِنها إلاّ فيها (5) ، ولا يُنجى بِشَىءٍ كانَ لَهَا ، ابتُلِىَ النّاسُ بِها فِتنَةً ، فَما أخَذوهُ مِنها لَها اُخرِجوا مِنهُ وحوسِبوا عَلَيهِ ، وما أخَذوهُ مِنها لِغَيرِها قَدِموا عَلَيهِ وأقاموا فيهِ . (6)216.1 . فى خبر ابن الجهم أنّه سأل المأمون الرضا عليهعنه عليه السلام فى وَصفِ الدُّنيا :دارٌ بِالبَلاءِ مَحفوفَهٌ وبِالغَدرِ مَعروفَهٌ ، لاتَدومُ أحوالُها ، ولايَسلَمُ نُزّالُها ، أحوالٌ مُختَلِفَهٌ ، وتاراتٌ (7) مُتَصَرِّفَهٌ ، العَيشُ فيها مَذمومٌ ، وَالأمانُ مِنها مَعدومٌ ، وإنَّما أهلُها فيها أغراضٌ (8) مُستَهدَفَهٌ ، تَرميهِم

بِسِهامِها ، وتُفنيهِم بِحِمامِها (9) . (10) .

1- .البلاء : الاختبار ؛ ويكون بالخير والشرّ (الصحاح : ج 6 ص 2285 «بلا») .
2- .دارُ بُلْغَه : أى دارُ عملٍ يُتبلّغ فيها من صالح الأعمال ويُتزوّد (مجمع البحرين : ج 1 ص 187 «بلغ») .
3- .نَزَع عن الشىء : كَفَّ وأقْلَعَ عنه (المصباح المنير : ص600 «نزع») .
4- .أعلام الدين : ص 342 ح 32 عن معاويه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 185 ح 10 .
5- .فى شرح ابن أبى الحديد : «تقدير الكلام أنّ الدّنيا دار لا يُسلم من عقاب ذنوبها إلاّ فيها ، وهذا حق . . .» ، لكن يبدو أنّ فى الكلام سقط والأصل كان : «إنّ الدنيا دار لا يسلم منها إلا بالزهد فيها» كما فى «عيون الحكم والمواعظ ص107» ، و يؤيّد هذا النظر ما فى بعض نسخ نهج البلاغه حيث أضيفت كلمه «الزهد» بعد «إلاّ فيها» بين القوسين .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 63 ، روضه الواعظين : ص 483 ، غرر الحكم : ح 3698 وليس فيه «ولاينجى بشىء كان لها» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 133 ح 136 .
7- .التارَةُ : الحين والمرّه ، والجمع تارات (القاموس المحيط : ج 1 ص 381 «تور») .
8- .الغَرَضُ : الهَدَف الذى يُرمى فيه (الصحاح : ج 3 ص 1093 «غرض») .
9- .الحِمَامُ : المَوْتُ (النهايه : ج 1 ص 446 «حمم») .

10- .نهج البلاغه : الخطبه 226 ، إرشاد القلوب : ص 30 ، غرر الحكم : ح 5124 وفيه صدره إلى «ولا يسلم نزّالها» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 82 ح 45 ؛ تذكره الخواصّ : ص 123 ، المناقب للخوارزمى : ص 370 ح 389 كلاهما عن عبد اللّه بن صالح العجلى عن رجل من بنى شيبان ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 312 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 202 ح 44224 نقلاً عن الدينورى وابن عساكر .

حدیث214.3 . وکذا ما رواه الشیخ قدس سره بإسناده عن محمّد بپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، سرای آزمایش است و منزلگاه روزیِ گذران زندگی و رنج . جان های نیک بختان از [علاقه به] آن کَنده شده و از دست شوربختان به زور گرفته می شود.213.2 .روی الکلینیوالشیخ الطوسیبإسنادهما عن زراره بنامام علی علیه السلام :هان! دنیا سرایی است که از آن ، به سلامت نتوان رَست مگر [به زهد] (1) در آن، و با هرآنچه برای دنیا باشد ، نجات نمی توان یافت . مردم از بهر آزمایش ، گرفتار دنیا شده اند . پس آنچه را از دنیا برای دنیا برگیرند ، از کَفِشان بیرون می رود و برای آن حسابرسی خواهند شد، و آنچه را از دنیا برای غیر آن (آخرت) برگیرند ، به آن خواهند رسید و با آن خواهند زیست.212.1 . عن النبیّ صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام در وصف دنیا :سرایی است که به رنج و بلا اندر است و به بی وفایی و عهدشکنی شُهره. حالاتش نمی پاید و ساکنانش را ایمنی نیست. احوالش دیگرگون است و هر دَم به رنگی در می آید. زندگی در آن ، نکوهیده است و آسودگی در آن ، نایاب ؛ بلکه مردم آن در دنیا هدف هایی نشانه رفته اند، و دنیا ، تیرهایش را به سوی آن ها پرتاب می کند، و با خدنگ های مرگ ،

نابودشان می گردانَد. .

1- .ترجمه آنچه در متن نهج البلاغه آمده ، این است : «دنیا ، سرایی است که در آن به سلامت نتوان رَست ، مگر در آن» . ابن ابی الحدید ، در توضیح این جمله می گوید: «تقدیر کلام ، این است که دنیا ، خانه ای که از عِقاب گناهانش ، جز در آن نتوان به سلامت رَست ، و این حق است...» ؛ لیکن به نظر می رسد که جمله سقط داشته باشد و در اصل این بوده : «... از آن به سلامت نتوان رَست ، مگر به زهد در آن» ، چنان که در عیون الحکم والواعظ (ص 107) چنین آمده است . گفتنی است که در برخی نسخ مطبوع نهج البلاغه نیز کلمه «زهد» پس از «إلاّ فیها» قرار دارد که مؤیّد این نظر است.

211.4 . الشيخ والكلينى بإسناده الصحيح عن زرارة، عن أبعنه عليه السلام :اِعلَم أنَّ الدُّنيا دارُ بَلِيَّةٍ ، لَم يَفرُغ صاحِبُها فيها قَطُّ ساعَةً إلاّ كانَت فَرغَتُهُ عَلَيهِ حَسرَةً يَومَ القِيامَةِ . (1)210.3 . الشيخ بإسناده عن أبى بصيرعن أبى عبداللّه عليهعنه عليه السلام فى وَصفِ الدُّنيا :هِىَ دارُ عُقوبَةٍ وزَوالٍ ، وفَناءٍ وبَلاءٍ ، نُورُها ظُلمَةٌ ، وعَيشُها كَدِرٌ ، وغَنِيُّها فَقِيرٌ ، وصَحيحُها سَقيمٌ ، وعَزيزُها ذَليلٌ ، فَكُلُّ مُنعَمٍ بِرَغدِها (2) شَقِىٌّ ، وكُلُّ مَغرورٍ بِزينَتِها مَفتونٌ ، وعِندَ كَشفِ الغِطاءِ يَعظَمُ النَّدَمُ ، ويُحمَدُ الصَّدرُ (3) أو يُذَمُّ . (4)209.2 . موثّقه إسماعيل بن جابر، قال :عنه عليه السلام من وَصِيَّتِهِ لِوَلَدِهِ الحَسَنِ عليه السلام :اِعلم... أنَّ الدُّنيا لَم تَكُن لِتَستَقِرَّ إلاّ عَلى ما جَعَلَهَا اللّهُ عَلَيهِ مِنَ النَّعماءِ وَالاِبتِلاءِ وَالجَزاءِ فِى المَعادِ، أو ما شاءَ مِمّا لاتَعلَمُ. (5)208.1 . الشيخ الطوسى بإسناده الصحيح عن محمّد بن مسلمالإمام زين العابدين عليه السلام :اِعلَموا أنَّ اللّهَ لَم يُحِبَّ زَهرَةَ الدُّنيا وعاجِلَها لِاَحَدٍ مِن أولِيائِهِ ، ولَم يُرَغِّبهُم فيها وفى عاجِلِ زَهرَتِها وظاهِرِ بَهجَتِها ، وإنَّما خَلَقَ الدُّنيا وخَلَقَ أهلَها لِيَبلُوَهُم فيها أيُّهُم أحسَنُ عَمَلاً لِاآخِرَتِهِ ، واَيمُ اللّهِ لَقَد ضَرَبَ لَكُم فيهِ

الأَمثالَ ، وصَرَّفَ الآياتِ لِقَومٍ يَعقِلونَ ، ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ . (6) .

1- .نهج البلاغه : الكتاب 59 ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 296 ح 201 وفيه «الدنيا دار بليّه» فقط ، بحار الأنوار : ج 33 ص 511 ح 708 .
2- .فى المصدر : «فكلّ نعم يرغدها» ، والتصويب من بحار الأنوار . ورَغُدَ العَيشُ : اِتّسع ولانَ فهو رَغْد (المصباح المنير : ص 231 «رغد») .
3- .صَدْرُ كلّ شىء : أوّله (الصحاح : ج 2 ص 709 «صدر») . والصَّدَر بالتحريک : رجوع المسافر من مقصده والشارِبَه من الوِرد (النهايه : ج 3 ص 15 «صدر») .
4- .مطالب السؤول : ص 52 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 22 ح 84 .
5- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 72 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 220 ح 2 .
6- .الكافى : ج 8 ص 75 ح 29 عن سعيد بن المسيّب ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 49 ، تحف العقول : ص 251 وليس فيه «وعاجلها» ، الأمالى للصدوق : ص 595 ح 882 عن سعيد بن المسيّب وفيه «لم يختر هذه الدنيا» بدل «لم يحبّ زهره الدنيا» ، أعلام الدين : ص 225 وفيه «هذه الدنيا» بدل «زهره الدنيا» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 145 ح 6 .

207.البخاری بإسناده عن مسروق بن الأجدع، قال حدّثتنی اامام علی علیه السلام :بدان که دنیا ، بلا خانه ای است که صاحبش هرگز دَمی در آن نیاسود ، مگر این که آن آسودگی اش در روز قیامت ، مایه افسوس او شد.206.ومنها :امام علی علیه السلام در وصف دنیا :دنیا ، سرای کیفر و زوال، و نابودی و بلاست. روشنایی آن ، تاریکی است و عیش آن ، مکدّر . توانگرش نادار، تن درستش ناخوش و عزیزش خوار. هر برخوردار از نعمت های آن ، شوربخت است و هر سرمست از زر و زیورهای آن ، فریفته. آن گاه که پرده کنار برود ، پشیمانی بالا می گیرد و آغاز [کار] ، ستایش یا نکوهش می شود.205.3 . النسائی بإسناده عن أبی بکر بن سلیمان بن أبی حامام علی علیه السلام : در سفارش به فرزندش امام حسن علیه السلام : بدان . . . بدرستی که دنیا ، جز بر آن روال که خداوند قرارش داده است بر برخورداری و گرفتاری (یا: آزمایش) و سزادهی در معاد، و یا آنچه که او خواسته است و تو نمی دانی ، قرار نمی گیرد.204.2 . البیهقی بإسناده عن أبی بکر بن سلیمان بن أبی حامام زین العابدین علیه السلام :بدانید که خداوند زرق و برق زودگذر دنیا را برای هیچ یک از دوستانش نخواسته است و آنان را به دنیا و به زیور گذرای آن و زیبایی ظاهری آن ، ترغیب نکرده است؛ بلکه دنیا را آفرید و اهل آن را خلق کرد تا آنان را در دنیا بیازماید که کدامینشان برای آخرتش بهتر عمل می کنند. به خدا سوگند که او در این باره ، برای شما مثال ها آورده و برای مردمی که خِرد ورزند دلایل

گوناگون آورده است ؛ و نیرویی نیست ، مگر به واسطه خداوند. .

203.1 . الكلينى بإسناده عن علىّ بن أسباط ، عن عمّه يعالكافى عن الوَليد بن صَبيح عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :دَخَلتُ عَلَيهِ يَوما فَألقى إلَىَّ ثِيابا وقالَ : يا وَليدُ ، رُدَّها عَلى مَطاويها . فَقُمتُ بَينَ يَدَيهِ ، فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : رَحِمَ اللّهُ المُعَلّى بنَ خُنَيسٍ ، فَظَنَنتُ أنَّهُ شَبَّهَ قِيامى بَينَ يَدَيهِ بِقِيامِ المُعَلّى بَينَ يَدَيهِ ، ثُمَّ قالَ : اُفٍّ لِلدُّنيا اُفٍّ لِلدُّنيا ! إنَّمَا الدُّنيا دارُ بَلاءٍ يُسَلِّطُ اللّهُ فيها عَدُوَّهُ عَلى وَلِيِّهِ ، وإنَّ بَعدَها دارا لَيسَت هكَذا . فَقُلتُ : جُعِلتُ فِداكَ ، وأينَ تِلكَ الدّارُ؟! فَقالَ : ها هُنا ، وأشارَ بِيَدِهِ إلَى الأرضِ . (1)راجع : ج2 ص274 (خصائص الآخره / دار الجزاء) .

ب دارُ مِحنَةٍ200.روى الشيخ بإسناده عن علىّ بن يقطين عن أبى الحسن عرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا دارُ مِحنَةٍ (2) . (3)199.2 . ما رواه بإسناده عن عبدالرحمن بن الحجّاج، قالالإمام علىّ عليه السلام :إنَّ الدُّنيا دارُ مِحَنٍ ومَحَلُّ فِتَنٍ . (4)198.1 . ما رواه الشيخ الطوسى بإسناده عن محمّد بن إسماعنه عليه السلام :مَن ظَفِرَ بِالدُّنيا نَصِبَ (5) ، ومَن فاتَتهُ تَعِبَ . (6) .

1- .الكافى : ج 8 ص 304 ح 469 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 49 .
2- .المِحْنه : واحده المِحَن التى يُمْتَحَنُ بها الإنسان من بليّه . ومَحَنتُه وامتَحَنتُه : أى اختبرته ، والاسم المحنه (الصحاح : ج 6 ص 2201 «محن») .
3- .عوالى اللآ لى : ج 1 ص 285 ح 130 ، غرر الحكم : ح 1097 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 164 ح 2 .
4- .غرر الحكم : ح 3673 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3234 .
5- .نَصِبَ الرجلُ : أعيا وتعِب (لسان العرب : ج 1 ص 758 «نصب») .
6- .غرر الحكم : ح 9012 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 427 ح 7251 .

ب. محنتکده

197.وعنه، عن أحمد بن محمّد، عن علیّ بن الحکم، عن حمزهالکافی به نقل از ولید بن صبیح ولید گفت:روزی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم . ایشان ، جامه هایی به طرف من انداخت و فرمود: «ای ولید ! اینها را تا بِزَن».

من در برابرِ ایشان ایستادم. فرمود: «خدا ، معلّی بن خُنیس را رحمت کند!» . من گمان بردم که امام علیه السلام ایستادن مرا در حضورش به ایستادن معلّی در برابرش تشبیه کرد. (1) سپس فرمود: «اُف بر دنیا ، اف بر دنیا ! دنیا، در حقیقت، سرای آزمایش [و گرفتاری] است و خداوند ، در آن ، دشمنش را بر دوست خود مسلّط می گردانَد ؛ امّا از پسِ دنیا سرایی است که این گونه نیست».

گفتم: فدایت شوم ! آن خانه کجاست؟

امام علیه السلام با دست خود به زمین اشاره کرد و فرمود: «این جا».ر . ک : ج2 ص275 (ویژگی های آخرت / سرای سزا) .

ب. محنتکده194.3 . وکذا الحمیری بإسناده عن إسماعیل بن عبد الخالقپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، سرای محنت (2) است.193.2 . الکلینی بإسناده عن معاویه بن وهب، قال:امام علی علیه السلام :دنیا، سرای محنت ها و جایگاه فتنه هاست.192.1 . الشیخ الطوسی بإسناده عن محمّد بن حمران ، عن أامام علی علیه السلام :هرکه به دنیا دست یافت ، رنج بُرد و هر که از دستش داد ، به مشقّت افتاد.

.

1- .یعنی به یاد معلّی افتاد که خدمتکارش بود و داوود بن علی، فرماندار مدینه، او را کُشت و اموال امام علیه السلام را تصاحب کرد.
2- .مِحنت: بلایی که خداوند ، آدمی را بدان بیازماید (الصحاح : ج 6 ص 2201 «محن»).

191.ما رواه الشيخ بإسناده عن محمّد بن إسماعيل، عن الرعنه عليه السلام :مُصاحِبُ الدُّنيا هَدَفُ النَّوائِبِ وَالغِيَرِ (1) . (2)190.4 . وما رواه الشيخ بإسناده عن أبى عينيه، قال :عنه عليه السلام :أهلُ الدُّنيا غَرَضُ النَّوائِبِ ، ودَرِيَّهُ (3) المَصائِبِ ، ونَهبُ الرَّزايا . (4)189.3 . روى الشيخ بإسناده عن معاويه، عن أبى عبد اللّهالإمام الصادق عليه السلام :لَيسَ مِن أحَدٍ وإن ساعَدَتهُ الاُمورُ بِمُستَخلِصٍ غَضارَهَ (5) عَيشٍ إلاّ مِن خِلالِ مَكروهٍ . (6)راجع : ص 422 (مضارّ حبّ الدنيا / التعب) .

ج دارُ مُصيبَهٍ186.2 . روى الشيخ الطوسى بإسناده عن حريز ، عمن أخبرهالإمام علىّ عليه السلام :الدُّنيا مَلينَهٌ بِالمَصائِبِ ، طارِقَهٌ بِالفَجائِعِ وَالنَّوائِبِ . (7)185.1 . روى الحميرى عن محمّد بن عبد الحميد، عن محمّدعنه عليه السلام :الدُّنيا مَصائِبُ مُفجِعَهٌ ، ومَنايا موجِعَهٌ ، وعِبَرٌ مُقَطِّعَهٌ . (8)184.روى الكلينى والصدوق بإسنادهما عن حمران، قال قلت لعنه عليه السلام فى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :الدُّنيا جَمَّهُ (9) المَصائِبِ ، مُرَّهُ المَشارِبِ ، لا تُمَتِّعُ صاحِبا بِصاحِبٍ . (10)183.3 . الصدوق بإسناده عن هشام بن سالم عن أبى عبد اللعنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا دارُ فَجائِعَ ، مَن عوجِلَ فيها فُجِعَ بِنَفسِهِ ، ومَن اُمهِلَ فيها فُجِعَ بِأَحِبَّتِهِ . (11) .

1- .أى تغيّر الحال وانتقالها عن الصلاح إلى الفساد . والغِيَر : الاسم ؛ من قولک : غيَّرت الشىء فتغيّر (النهايه : ج 3 ص 401 «غير») .
2- .غرر الحكم : ح 9798 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 489 ح 9065 .
3- .الدَّرِيّه : ما يُتعَلّم عليه الطعن (القاموس المحيط : ج 4 ص 327 «درى») .
4- .عيون الحكم والمواعظ : ص 121 ح 2767 ، غرر الحكم : ح 3196 وفيه «عرض» بدل «غرض» و«ذريّه» بدل «دريّه» .
5- .الغَضارَه : الطيب واللذّه (النهايه : ج 3 ص 370 «غضر») .
6- .تحف العقول : ص 381 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 268 ح 181 .
7- .غرر الحكم : ح 1724 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1351 وليس فيه «طارقه بالفجائع» .
8- .غرر الحكم : ح 2042 .
9- .الجَمُّ : الكثير (الصحاح : ج 5 ص 1889 «جمم») .
10- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 271 ح 140 .
11- .غرر الحكم : ح 3659 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3223 .

ج مصیبتکده

182.2 . روی الصدوق بإسناده عن حنان بن سدیر، عن أبی عبامام علی علیه السلام :دنیا ، دار آماجِ بلاها و پیشامدهاست.181.1 . روی الکلینی بإسناده عن محمّد بن مسلم، قال :امام علی علیه السلام :مردم دنیا، آماج بلاهایند، و هدف (1) مصیبت ها، و تاراج رنج ها و صَدَمات.180.روی الشیخ والصدوق بإسنادهما عن أبی السفاتج، عن أبامام صادق علیه السلام :هیچ کس نیست که به نوشی بی نیش دست یابد، اگر چه همه عوامل به یاری اش بیاید.ر . ک : ص 423 (زیان های دنیادوستی / خستگی) .

ج مصیبتکده177.روی الکلینی والشیخ الطوسیوالصدوق قدس سرهمبأسانیدهامام علی علیه السلام :دنیا، مالامال از مصیبت هاست و با فاجعه ها و رویدادهای تلخ ، فرا می رسد. (2)176.2 . روی الصدوق بإسناده عن ابن أبی عمیر، قال:امام علی علیه السلام :دنیا، [سراسر] مصیبت هایی جگرسوز است، مرگ هایی دردناک و مجازات هایی خُرد کننده.175.1 . روی الصدوق بإسناده عن عبد العظیم بن عبد اللّهامام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :دنیا، پُر مصیبت است . آبشخورهایش تلخ است و دوستی را از دوستی بهره مند نمی گردانَد.174.2 . ما رواه هو والکلینیبالإسناد عن الحسین بن أبیامام علی علیه السلام :دنیا، سرای ناگواری هاست. هرکه در آن مهلت داده نشود ، به مصیبت مرگ خویش ، گرفتار می آید و هرکه در آن مهلت داده شود ، به مرگ عزیزانش داغدار می شود.

.

1- .دَریّه یا دریئه: حلقه ای که برای آموختن، بر آن تیر و نیزه اندازند (القاموس المحیط : ج4 ص327 «دری»).
2- .طارق: آینده در شب، پیشامد ناگوار، پیشامد ناگوار در شب. طارق ، در اصل، کسی را گویند که در شب نزد کسی بیاید و گاهی در مطلق کسی که نزد کسی برود ، استعمال می شود.

173.1 . ما رواه الشيخ الطوسى بإسناده عن محمّد بن مسلمعنه عليه السلام :الدُّنيا مَحَلُّ الآفاتِ . 172.2(1) . ما رواه الشيخ الطوسى بإسناده عن أبى بصير، قالعنه عليه السلام :عَينُ الدَّهرِ تَطرِفُ بِالمَكارِهِ وَالنّاسُ بَينَ أجفانِهِ . (2)د دارُ تَرَحٍ170.3 . الكلينى بإسناده عن جابر ، عن أبى جعفر عليه الرسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى التَّحذيرِ مِنَ الدُّنيا :أيُّهَا النّاسُ ! هذِهِ دارُ تَرَحٍ (3) لا دارُ فَرَحٍ ، ودارُ البَلاءِ لا دارُ اَستِواءٍ ، فَمَن عَرَفَها لَم يَفرَح لِرَجاءٍ ، ولَم يَحزَن لِشَقاءٍ . (4)ه دارُ عِبرَةٍ168.1 . الكلينى بإسناده قال :الإمام علىّ عليه السلام :اُوصيكُم عِبادَ اللّهِ بِتَقوَى اللّهِ الَّذى ضَرَبَ الأَمثالَ . . . وأنذَرَكُم بِالحُجَجِ البَوالِغِ ، فَأَحصاكُم عَدَدا ووَظَّفَ لَكُم مُدَدا (5) ، فى قَرارِ خِبرَةٍ ودارِ عِبرَةٍ ، أنتُم مُختَبَرونَ فيها ومُحاسَبون عَلَيها . (6)167.2 . وروى مسلم عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :أبلَغُ ناصِحٍ لَكَ الدُّنيا لَوِ انتَصَحتَ ؛ بِما تُريكَ مِن تَغايُرِ الحالاتِ ، وتُؤذِنُكَ بِهِ مِنَ البَينِ (7) وَالشَّتاتِ . (8) .

1- .غرر الحكم : ح 576 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 25 ح 268 .
2- .إرشاد القلوب : ص 112 .
3- .تَرِحَ تَرَحا فهو تَرِح : إذا حَزِن (المصباح المنير : ص 74 «ترح») .
4- .أعلام الدين : ص 343 عن ابن عمر ، بحار الأنوار : ج 77 ص 187 ح 10 ؛ كنز العمّال : ج 3 ص 211 ح 6203 نقلاً عن الديلمى عن ابن عمر .
5- .المُدَّةُ : طائفه من الزمان ؛ تقع على القليل والكثير (النهايه : ج 4 ص 309 «مدد») .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 83 .
7- .البَيْن : البعد والفراق (النهايه : ج 1 ص 175 «بين») .
8- .غرر الحكم : ح 3362 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 126 ح 2880 .

د غمکده

ه عبرتکده

166.1 . روی ابن ماجه بإسناده عن النبی صلی الله علیه وامام علی علیه السلام :دنیا، جایگاه آسیب هاست.165.2 . روی الشیخ أیضا بإسناده إلی أبی الورد ، قال :امام علی علیه السلام :چشم روزگار به ناگواری ها پلک می زند و مردم در میان پلک های او قرار دارند.د غمکده163.2 . ما رواه الکلینیوالصدوق والبرقی قدس سرهمبالإسنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در برحذر داشتن از دنیا :ای مردم! این جا سرای غم است ، نه سرای شادی، و سرای پیچ در پیچ است ، نه سرای سر راست. پس هرکه دنیا را شناخت ، به امیدی شاد نشد و از رنجی اندوهگین نگشت.ه عبرتکده161.3 . ما رواه علیّ بن جعفر فی کتابه، عن أخیه موسی بامام علی علیه السلام :ای بندگان خدا ! شما را به پروا از آن خدایی سفارش می کنم که نمونه ها آورده... و با حجّت های رسا هشدارتان داده است ، شمار شما را می داند ، و عمری برایتان مقرّر کرده است، در جایگاه آزمایش و سرای عبرت . شما در دنیا آزمایش می شوید و برای آن ، مورد حسابرسی قرار می گیرید.160.2 . وما رواه الشیخ الطوسی قدس سرهبإسناده عن ابن مامام علی علیه السلام :بهترین پندآموز برای تو دنیاست، اگر از دگرگونی حالاتی که به تو نشان می دهد و از جدایی و پراکندگی ای که به تو اعلام می کند ، پند گیری.

.

و دارُ مَتاعٍالكتاب«يَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَوهُ الدُّنْيَا مَتَعٌ وَ إِنَّ الآخِرَهَ هِىَ دَارُ الْقَرَارِ» . (1)

«وَ مَا أُوتِيتُم مِّن شَىْ ءٍ فَمَتَعُ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلاَ تَعْقِلُونَ» . (2)

«وَ فَرِحُواْ بِالْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَوهُ الدُّنْيَا فِى الآخِرَهِ إِلاَّ مَتَعٌ» . (3)

راجع : الشورى : 36 و النساء : 77 .

الحديث152.3 . وما رواه الشيخ الطوسيبإسناده عن الحسن بن الجهالإمام علىّ عليه السلام :إنَّما الدُّنيا مَتاعُ أيّامٍ قَلائِلَ ، ثُمَّ تَزولُ كَما يَزولُ السَّرابُ ، وتُقشَعُ (4) كَما يَنقَشِعُ (5) السَّحابُ . (6)151.2 . ما رواه المشايخ الثلاثه بالإسناد إلى محمّد بنعنه عليه السلام :الأَمرُ قَريبٌ ، وَالاِصطِحابُ قَليلٌ . (7)150.1 . ما رواه الكلينى قدس سره بإسناده عن يحيى بن أبعنه عليه السلام :إنَّما الحَياهُ الدُّنيا مَتاعٌ ؛ ومَتاعُ الدُّنيا بَطىءُ الاِجتِماعِ ، قَليلُ الاِنتِفاعِ ، سَريعُ الاِنقِطاعِ . (8)149.1 . عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :أوقاتُ الدُّنيا وإن طالَت قَصيرَهٌ ، وَالمُتعَهُ بِها وإن كَثُرَت يَسيرَهٌ . (9) .

1- .غافر : 39 .
2- .القصص : 60 .
3- .الرعد : 26 .
4- .قشعت الرّيحُ السّحابَ من باب نَفَعَ أى كشفتْه، فانقشع وتقشَّع (مجمع البحرين : ج 3 ص 1481 «قشع») .
5- .فى الطبعه المعتمده : «تقثع كما يقثع ...» ، والتصويب من طبعه النجف وبيروت وطهران.
6- .غرر الحكم : ح 3890 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 178 ح 3671 .
7- .نهج البلاغه : الحكمه 168 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 109 ، غرر الحكم : ح 10039 وفيه «هوّن عليک فإنّ الأمر قريب ، والاصطحاب قليل ، والمقام يسير» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 130 ح 135 .
8- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 102 .
9- .غرر الحكم : ح 2188 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 67 ح 1698 .

و سرای برخورداری محدود

و سرای برخورداری محدودقرآن«ای قوم من! این زندگی دنیا ، تنها برخورداری [محدود و موقّت] است، و در حقیقت، آن آخرت است که سرای ماندگاری است».

«و هر آنچه به شما داده شده است، برخورداری زندگی دنیا و زیور آن است ؛ ولی آنچه پیش خداست ، بهتر و پایدارتر است . مگر نمی اندیشید؟».

«و به زندگی دنیا شاد شده اند ، حال آن که زندگی دنیا در برابر آخرت ، جز برخورداری [محدود و موقّت] نیست».

ر . ک : شورا: آیه 36، نساء: آیه 77.

حدیث141.2 . ما رواه المشایخ الثلاثه «قدّست أسرارهم» عن أبامام علی علیه السلام :دنیا ، در حقیقت، برخورداری چند روزه ای اندک است . سپس ، همچون سراب از میان می رود و به سان ابر ، پراکنده می شود.140.1 . ما رواه الشیخ الطوسی بإسناده عن عمر بن یزید،امام علی علیه السلام :مرگ ، نزدیک، و همراهی [با دنیا] اندک است.139.وقد روی ابن أبی جمهور مرسلاً {-1-} والنسائی {-2امام علی علیه السلام :زندگی دنیا ، کالایی بیش نیست و کالای دنیا ، دیر فراهم می آید و اندک به کار می آید و زود از کف می رود.138.قال الإمام علیه السلام حین سئل عن أحادیث البدعامام علی علیه السلام :اوقات دنیا، اگرچه بلند باشد، کوتاه است و بهره مندی از آنها، هرچند بسیار باشد، اندک است.

.

137.2 . روى مسلم فى صحيحه عن عائشه :عنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا عَيشُها قَصيرٌ وخَيرُها يَسيرٌ ، وإقبالُها خَديعَهٌ وإدبارُها فَجيعَهٌ ، ولَذّاتُها فانِيَهٌ وتَبِعاتُها باقِيَهٌ . (1)136.1 . روى الكلينى قدس سره فى الكافى بسنده عن الإمامالإمام الصادق عليه السلام :فى وَصِيَّهِ لُقمانَ لِابنِهِ : يا بُنَيَّ اعلَم أنَّ الدُّنيا قَليلٌ ، وعُمُرَکَ مِنها قَليلٌ مِن قَليلٍ ، ويَقِرُّ مِنَ القَليلِ قَليلٌ . (2)135.روى عن النبىّ صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :قالَ لُقمان لِابنِهِ : . . . يا بُنَيَّ إنَّ الدُّنيا قَليلٌ ، وعُمُرَکَ قَصيرٌ . (3)ز دارُ قُلعَهٍ133.1 . الهيثمى بإسناده عن على بن أبيطالب، قال :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ الدُّنيا مَنزِلُ قُلعَهٍ ولَيسَت بِدارِ نُجعَهٍ (4) ، خَيرُها زَهيدٌ وشَرُّها عَتيدٌ (5) ، ومُلکُها يُسلَبُ وعامِرُها يَخرَبُ . (6)132.فقد روى الصدوق قدس سره بإسناده عن عبد المؤمن الأنعنه عليه السلام :اُحَذِّرُکُمُ الدُّنيا ؛ فَإنَّها مَنزِلُ قُلعَهٍ ولَيسَت بِدارِ نُجعَهٍ ، قَد تَزَيَّنَت بِغُرورِها وغَرَّت بِزينَتِها . (7)عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام :اِعلَم يا بُنَيَّ أنَّکَ إنَّما خُلِقتَ لِلآخِرَهِ لا لِلدُّنيا ، ولِلفَناءِ لا لِلبَقاءِ ، ولِلمَوتِ لا لِلحَياهِ ، وأنَّکَ فى قُلعَهٍ ودارِ بُلغَهٍ وطَريقٍ

إلَى الآخِرَهِ . (8) .

1- .غرر الحكم : ح 3670 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 146 ح 3239 .
2- .مشكاه الأنوار : ص 461 ح 1537 .
3- .قصص الأنبياء : ص 195 ح 245 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 420 ح 14 .
4- .مَنزِل قُلعَه : إذا لم تصلح للاستيطان . والنُجْعَه : طلب الكلأ من مواضعه . وحاصله : أنّها ليست دار راحهٍ وطيبَ عيشٍ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1753 «نجع») .
5- .العَتيد : الشىء الحاضر المهيّأ (الصحاح : ج 2 ص 505 «عتد») .
6- .غرر الحكم : ح 3667 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3231 .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 113 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 77 ، كشف الغُمّه : ج 1 ص 172 وليس فيهما ذيله ، بحار الأنوار : ج 78 ص 4 ح 53 ؛ مطالب السؤول : ص 32 وليس فيه ذيله .
8- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، تحف العقول : 76 ، كشف المحجّه : ص 228 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 117 وليس فيه «وللموت لا للحياه» ، بحارِ الأنوار : ج 77 ص 205 ح 1 ؛ كنز العمّال : ج 16 ص 173 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .

ز سرای کوچیدن

131.2 . عنه صلی الله علیه و آله وسلم :امام علی علیه السلام :دنیا، زندگی اش کوتاه و خیرش اندک است ، رو آوردنش مکر و پشت کردنش مصیبت است ، خوشی هایش رفتنی و پیامدهای آن ، ماندنی است.130.1 . عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام در سفارش لقمان به فرزندش :فرزندم ! بدان که دنیا اندک است و عمر تو در آن ، اندکی از اندک است، و از اندک، اندک می مانَد.129.3 . الکلینی بإسناده عن یونس، عنهم علیهم السلامامام صادق علیه السلام :لقمان به فرزندش گفت:... فرزندم ! دنیا اندک است و عمر تو کوتاه.ز سرای کوچیدن127.1 . الکلینی بإسناده عن عبد اللّه بن سنان، قال: قلامام علی علیه السلام :دنیا ، منزلگاه کوچیدن است و سرای آرمیدن نیست ، خوبی آن ، ناچیز است و بدی اش آماده ؛ مُلکش از چنگ می رود و آبادش ویران می گردد.126.حکی عن أبی موسی محمّد بن المثنی العنزی الملقّب باامام علی علیه السلام :شما را از دنیا برحذر می دارم ، که دنیا ، منزلگاه کوچیدن است و سرای آرمیدن نیست ؛ با فریبندگی اش خود را آراسته و با آرایشش می فریبد.125.أمّا لفظ التهذیب فقد عرفته ، وأمّا کتاب المسائل فامام علی علیه السلام در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام :بدان، ای فرزندم، که تو در حقیقت برای آخرت آفریده شده ای ، نه برای دنیا ؛ برای رفتن ، نه برای ماندن ؛ برای مُردن ، نه برای زنده ماندن، و تو در حال کوچیدنی و در سرای توشه برگرفتن و در راهی به سوی آخرت.

.

ح دارُ شُخوصٍ123.1 . الشيخ الطوسى بإسناده عن علىّ بن جعفر ، عن أخيالإمام علىّ عليه السلام :أُوصيكُم عِبادَ اللّهِ بِتَقوَى اللّهِ ، واُحَذِّرُكُمُ الدُّنيا ؛ فَإنَّها دارُ شُخوصٍ (1) ، ومَحَلَّهُ تَنغيصٍ ، ساكِنُها ظاعِنٌ (2) ، وقاطِنُها بائِنٌ . (3)122.2 . ورواه الشيخ فى بعض نسخ التهذيب معلّقا عن الكلعنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا دارُ شُخوصٍ ومَحَلَّهُ تَنغيصٍ ، ساكِنُها ظاعِنٌ ، وقاطِنُها بائِنٌ ، وبَرقُها خالِبٌ (4) ، ونُطقُها كاذِبٌ ، وأموالُها مَحروبَهٌ (5) ، وأعلاقُها (6) مَسلوبَهٌ . أَلا وهِىَ المُتَصَدِّيَهُ العَتونُ (7) ، وَالجامِحَهُ (8) الحَرونُ (9) ، وَالمانِيَهُ الخَؤونُ . (10)ط دارُ مَمَرٍّ120.وما رواه الصدوق بإسناده عن ابن أبى يعفور عن أبى عالإمام علىّ عليه السلام :الدُّنيا دارُ مَمَرٍّ لا دارُ مَقَرٍّ ، وَالنّاسُ فيها رَجُلانِ : رَجُلٌ باعَ فيها

نَفسَهُ فَأَوبَقَها (11) ، ورَجُلٌ اِبتاعَ نَفسَهُ فَأَعتَقَها . (12) .

1- .شَخَصَ من بلدٍ إلى بلدٍ شخوصاً : أى ذهب . وأشخَصَهُ غيرُه (الصحاح : ج 3 ص 1043 «شخص») .
2- .ظَعَنَ : ارتحل ، والفاعل : ظاعن (المصباح المنير : ص 385 «ظعن») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 196 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 133 ح 137 .
4- .يقال للسَّحاب يومِضُ بَرْقُه حتّى يُرجى مطَرُه ، ثمّ يُخلِفُ ويُقلِع وينقشع : الخُلَّب؛ وكأنّه من الخِلابه : وهى الخداع بالقول اللطيف (اُنظر النهايه : ج 2 ص 58 «خلب») .
5- .المَحرُوبُ : المسلوبُ المنهوبُ (النهايه : ج 1 ص 358 «حرب») .
6- .الأعْلاق : أى نفائس الأموال ، الواحد : عِلق ، قيل : سُمّى به لتعلّق القلب به (النهايه : ج 3 ص 290 «علق») .
7- .العُتُن : الأشدّاء ، الواحد عَتون (القاموس المحيط : ج 6 ص 246 «عتن») .
8- .جَمَحَ : أى أسرع إسراعا لا يردّه شىء (النهايه : ج 1 ص 291 «جمح») .
9- .فَرَسٌ حَرون : لايَنقاد ، وإذا اشتدَّ به الجرىُ وقف (الصحاح : ج 5 ص 2097 «حرن») .
10- .غرر الحكم : ح 3672 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 146 ح 3241 وص 556 ح 10243 نحوه .
11- .وبق : إذا هلك ، وأوبقه غيره (النهايه : ج 5 ص 146 «وبق») .

12- .نهج البلاغه : الحكمه 133 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 103 ، نزهه الناظر : ص 67 ح 58 وفيهما «إلى دار مقرّ» بدل «لا دار مقرّ» ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 75 وليس فيه «لا دار مقرّ» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 130 ح 135 .

ح سرای رفتن

ط گذرگاه

ح سرای رفتن118.2 . وفی الکافی مسنداً إلی الحسین بن سعید، عن عبدامام علی علیه السلام :ای بندگان خدا! شما را به پروا از خدا سفارش می کنم و از دنیا برحذرتان می دهم؛ زیرا که دنیا ، سرای رفتن است و جایگاه تلخی ها ؛ ساکن آن ، کوچ گراست و مقیم آن ، از دنیا جدا می شود.117.1 . روی الشیخ الطوسی قدس سرهبإسناده عن الحسین بنامام علی علیه السلام :دنیا ، سرای رفتن است و جایگاه تلخی ها ؛ ساکن آن ، کوچنده است و مقیم آن ، از دنیا جدا می شود ؛ آذرخشش بی باران است، گفتارش دروغ، دارایی هایش به غارت رونده و نفایسش از کف رونده. بدانید که دنیا سخت گیر (1) و سرکش و چموش است و دروغ گویی خیانت پیشه است.ط گذرگاه115.2 . ورواه الکلینی قدس سره مرفوعا عن أبان، قال :امام علی علیه السلام :دنیا، گذرگاه است ، نه قرارگاه؛ و مردم در آن دو دسته اند: دسته ای که در دنیا خود را فروختند و به نابودی افکندند، و دسته ای که خود را خریدند و آزاد کردند.

.

1- .عبارت «المتصدیه العتون» که در متن اصلی روایت آمده ، به معنای «سختگیر بر بدهکار» و «آزار دهنده» معنا شده است ؛ یعنی دنیا عرصه را بر انسان سخت می گیرد تا او را شکار کند و به دام افکَنَد.

114.1 . روى الشيخ الطوسى قدس سرهبإسناده عن محمّد بن يعنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا لَم تُخلَق لَكُم دارَ مُقامٍ ، بَل خُلِقَت لَكُم مَجازا لِتَزَوَّدوا مِنهَا الأَعمالَ إلى دارِ القَرارِ . فَكونوا مِنها عَلَى أوفازٍ (1) ، وقَرِّبُوا الظُّهورَ لِلزِّيالِ (لِلزَّوالِ) . (2)113.4 . ورواه الشيخ فى التهذيب :عنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا لَم تُخلَق لَكُم دارَ مُقامٍ ولا مَحَلَّ قَرارٍ ، وإنَّما جُعِلَت لَكُم مَجازا لِتَزَوَّدوا مِنهَا الأَعمالَ الصّالِحَةَ لِدارِ القَرارِ . فَكونوا مِنها عَلى أوفازٍ ، ولا تَخدَعَنَّكُم مِنهَا العاجِلَةُ ولا تَغُرَّنَّكُم فيهَا الفِتنَةُ . (3)راجع : ج2 ص262 (خصائص الآخره / دار القرار) .

ى دارُ فِراقٍ110.1 . ابن إدريس الحلّى من مسائل علىّ بن الريّان الإمام علىّ عليه السلام :اِعتَبِر بِما مَضى مِنَ الدُّنيا لِما بَقِىَ مِنها ؛ فَإِنَّ بَعضَها يُشبِهُ بَعضا ، وآخِرَها لاحِقٌ بِأَوَّلِها ، وكُلُّها حائِلٌ مُفارِقٌ (4) . (5)109.2 . البخارى:الإمام الصادق عليه السلام :أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ هذِهِ الدُّنيا دارُ فِراقٍ ودارُ التِواءٍ لا دارُ استِواءٍ ، عَلى أنَّ فِراقَ المَألوفِ حُرقَةٌ لا تُدفَعُ ، ولَوعَةٌ لا تُرَدُّ . (6) .

1- .على أوفاز : على سفر (النهايه : ج 5 ص 210 «وفز») .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 132 .
3- .غرر الحكم : ح 3699 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 148 ح 3251 .
4- .حائِلٌ : أى مُتغيّر ، وكلّ متغيّر حائلٌ (النهايه : ج 1 ص 463 «حول») .
5- .نهج البلاغه : الكتاب 69 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 508 ح 707 .
6- .كمال الدين : ص 74 ، الأمالى للصدوق : ص 309 ح 356 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 165 وفيه «لاتقلع» بدل «لاتردّ» ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 1 ص 267 وليس فيه ذيله من «على أنّ فراق . . .» وكلّها عن عنبسه بن بجّاد العابد ، روضه الواعظين : ص 486 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 245 ح 3 .

ی سرای جدایی

108.1 . ابن ماجه بإسناده عن عبد المجید بن وهب، قال:امام علی علیه السلام :دنیا آفریده نشده که سرای ماندن شما باشد، بلکه آفریده شده، که گذرگاه شما باشد تا از آن برای سرای ماندگاری تان توشه عمل برگیرید. پس، در دنیا همواره مهیّای سفر باشید و مَرکب ها را برای رفتن ، آماده سازید.107.ما رواه البیهقی بإسناده عن أبی هریره، عن النبیّ صامام علی علیه السلام :دنیا آفریده نشده که برای شما سرای ماندن و جای آسودن باشد ؛ بلکه گذرگاه شما قرار داده شده است تا از آن برای سرای استقرارتان توشه اعمال نیک بردارید . پس، در دنیا همواره آماده باشید ؛ و زنهار که خوشی های زودگذر آن ، شما را نفریبد و فریبندگی هایش شما را گول نزند.ر . ک : ج2 ص263 (ویژگی های آخرت / سرای ماندن) .

ی سرای جدایی104.1 . روت العامّه عن عمر وعن سمره أنّ رجلاً أتی النامام علی علیه السلام :از گذشته دنیا برای آینده اش عبرت بگیر؛ زیرا همه اجزای آن ، شبیه یکدیگرند و انجام آن به آغازش می پیوندد و تماماً دگرگون شونده و از کف رفتنی است.103.کما روی الکلینی بإسناده الصحیح المعتضد بالأحادیامام صادق علیه السلام :ای مردم! این دنیا ، سرای فراق و خانه پیچ در پیچ است ، نه خانه ای سرْ راست. فراق عزیزان ، داغی است که مانعش نمی توان شد و سوزی است که جلوی آن را نمی توان گرفت.

.

ک دارُ فَناءٍ101.وروی ابن حنبل بإسناده الآخر عن شدّاد بن أوس أنّهالإمام علیّ علیه السلام :الدُّنیا دارٌ مُنِیَ (1) لَهَا الفَناءُ . (2)100.روی الصدوق قدس سره بإسناده عن عبایه بن ربعی، قالعنه علیه السلام :إنَّ الدُّنیا دارُ فَناءٍ وعَناءٍ ، وغِیَرٍ وعِبَرٍ ؛ فَمِنَ الفَناءِ أنَّ الدَّهرَ موتِرٌ قَوسَهُ (3) ، لا تُخطِئُ سِهامُهُ ، ولا تُؤسی (4) جِراحُهُ ، یَرمِی الحَیَّ بِالمَوتِ ، وَالصَّحیحَ بِالسَّقَمِ ، وَالنّاجِیَ بِالعَطَبِ ، آکِلٌ لا یَشبَعُ ، وشارِبٌ لا یَنقَعُ (5) . ومِنَ العَناءِ أنَّ المَرءَ یَجمَعُ ما لا یَأکُلُ ، ویَبنی ما لا یَسکُنُ . (6)99.3 . الکلینی قدس سره بإسناده عن الحسین بن أبی العلعنه علیه السلام :عَجِبتُ لِعامِرِ الدُّنیا دارِ الفَناءِ ، وهُوَ نازِلٌ دارَ البَقاءِ . (7)98.2 . الشیخ الطوسی قدس سره بإسناده عن عبد اللّه بنعنه علیه السلام :أیُّهَا النّاسُ ، ألا إنَّ الدُّنیا دارُ فَناءٍ وَالآخِرَهَ دارُ بَقاءٍ ، فَخُذوا مِن مَمَرِّکُم لِمَقَرِّکُم ، ولا تَهتِکوا أستارَکُم عِندَ مَن لا تَخفی عَلَیهِ أسرارُکُم . (8)97.1 . روی ابن حنبل بإسناده عن أبی هریره أنّ النبیّعنه علیه السلام :لَو بَقِیَتِ الدُّنیا عَلی أحَدِکُم ، لَم تَصِل إلی مَن هِیَ فی یَدَیهِ . (9) .

1- .مُنِیَ له : أی قُدّر (لسان العرب : ج 15 ص 292 «منی») .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 45 ، کفایه الأثر : ص 103 عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله وفیه «الدنیا دار الفناء» ، روضه الواعظین : ص 482 وفیه «مضی» بدل «مُنی» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 42 .
3- .أوترتُ القوس : شددت وَتَرها (المصباح المنیر : ص 647 «وتر») .
4- .الأسا : المداواه والعلاج (لسان العرب : ج 14 ص 34 «أسا») .
5- .لا یَنْقع : لا یروی (النهایه : ج 5 ص 108 «نقع») .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 114 ، تحف العقول : ص 218 ، الأمالی للطوسی : ص 443 ح 992 عن ثعلبه بن میمون عن الإمام الصادق عنه علیهماالسلام ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 168 کلّها نحوه ، غرر الحکم : ح 3658 وفیه «إنّ الدنیا دار عناء وفناء وغِیَر وعِبَر ومحلّ فتنه ومحنه» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 99 ح 86 .
7- .أعلام الدین : ص 296 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 94 ح 107 .
8- .عیون أخبار الرضا : ج 1 ص 298 ح 56 ، الأمالی للصدوق : ص 172 ح 174 کلاهما عن أحمد بن الحسن الحسینی عن الإمام العسکری عن آبائه علیهم السلام ، مشکاه الأنوار : ص 468 ح 1567 ، روضه الواعظین : ص 485 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 88 ح 56 .

9- .غرر الحكم : ح 7608 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 417 ح 7086 .

ک سرای نابودی

ک سرای نابودی95.ما رواه الکلینی بإسناده عن عبد العزیز بن مسلم، عنامام علی علیه السلام :دنیا ، سرایی است که نابودی برای آن رقم خورده است.94.2 . السیوطی :امام علی علیه السلام :دنیا ، سرای نابودی و رنج، و پیشامدها و عبرت هاست . از نشانه نابودگری[دنیا] آن که روزگار ، زِه کمان خویش را بر کشیده است، تیرهایش به خطا نمی رود و زخم هایش درمان نمی پذیرد ؛ زندگان را با تیر مرگ نشانه می رود، تن درستان را با تیر بیماری، و رهیدگان را با تیر هلاکت ؛ خورنده ای (آدمخواری) است که سیر نمی شود و نوشنده ای (خون آشامی) است که سیراب نمی گردد. و از نشانه رنج بودن دنیا آن که آدمی ، آنچه را که نمی خورد، گِرد می آورد ، و بنایی را که در آن سُکنا نمی گزیند ، می سازد.93.1 . کنز العمّال مرفوعا عن رجل من آل الحکم بن أبیامام علی علیه السلام :در شگفتم از کسی که دنیا، این سرای نیستی را آباد می کند ، حال آن که در سرای ماندگاری اقامت خواهد گزید.92.روی الکلینی قدس سره بإسناده عن جمیل بن درّاج، قالامام علی علیه السلام :ای مردم! بدانید که دنیا ، سرای نیستی است و آخرت ، سرای ماندگاری . پس، از گذرگاهتان برای اقامتگاهتان [توشه] برگیرید و در نزد کسی که رازهای شما بر او پوشیده نیست ، پرده دری مکنید.91.ومنها ما رواه الصدوق فی الهدایه :امام علی علیه السلام :اگر دنیا برای کسی از شما باقی می مانْد ، به کسی که دنیا در دست اوست ، نرسیده بود.

.

90.وبهذا الإسناد عن القاسم بن عروه، عن شجره أخى بشيرعنه عليه السلام :إنَّ مِن نَكَدِ (1) الدُّنيا أنَّها لا تَبقى عَلى حالَهٍ ، ولا تَخلو مِنِ استِحالَهٍ ، تُصلِحُ جانِبا بِفَسادِ جانِبٍ ، وتَسُرُّ صاحِبا بِمَساءَهِ صاحِبٍ ، فَالكَونُ فيها خَطَرٌ ، وَالثِّقَهُ بِها غَرَرٌ ، وَالإخلادُ إلَيها مُحالٌ ، وَالاِعتِمادُ عَلَيها ضَلالٌ . (2)89.ما رواه النورى عن كتاب القراءات للسيّارى، عن البرعنه عليه السلام :كَفاكَ مِن عُيوبِ الدُّنيا ألاّ تَبقى . (3)88.وكذا المحقّق فى الشرائع قال :عنه عليه السلام :اِحذَرُوا الزّائِلَ الشَّهِىَّ ، وَالفانِىَ المَحبوبَ . (4)87.الطبرسى فى مجمع البيان من قوله :عنه عليه السلام :كُلُّ أحوالِ الدُّنيا زِلزالٌ ، ومِلكُها سَلَبٌ وَانتِقالٌ . (5)86.الصدوق بإسناده عن معاويه بن عمّار، عن أبى عبد اللعنه عليه السلام :الدُّنيا مُنتَقِلَهٌ فانِيَهٌ ، إن بَقِيَت لَكَ لَم تَبقَ لَها . (6)85.ما رواه العيّاشى والمحقّق فى المعتبر نقلاً عن كتاعنه عليه السلام :كُلُّ مُدَّهٍ مِنَ الدُّنيا إلَى انتِهاءٍ ، وكُلُّ حَىٍّ فيها إلى مَماتٍ وفَناءٍ . (7)84.ما رواه الشيخ بإسناده عن ابن أبى عمير، عن بعض أصحعنه عليه السلام :لا تَتَنافَسوا فى عِزِّ الدُّنيا وفَخرِها ، ولا تَعجَبوا بِزينَتِها ونَعيمِها ، ولا تَجزَعوا مِن ضَرّائِها وبُؤسِها ؛ فَإنَّ عِزَّ الدُّنيا وفَخرَها إلَى انقِطاعٍ ، وإنَّ زينَتَها ونَعيمَها إلى زَوالٍ ، وإنَّ ضَرَّها وبُؤسَها إلى نَفادٍ ، وكُلَّ مُدَّهٍ مِنها إلى مُنتَهىً ، وكُلَّ حَىٍّ مِنها إلَى فَناءٍ وبَلاءٍ . (8) .

1- .النَكَدُ : الشُؤمُ واللُّؤم (لسان العرب : ج 3 ص 427 «نكد») .
2- .غرر الحكم : ح 3684 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 144 ح 3214 .
3- .المواعظ العدديّه : ص 60 .
4- .غرر الحكم : ح 2587 .
5- .غرر الحكم : ح 6916 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 376 ح 6371 .
6- .غرر الحكم : ح 1802 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 22 ح 151 .
7- .غرر الحكم : ح 6920 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 377 ح 6374 و6375 .
8- .كتاب من لايحضره الفقيه : ج 1 ص 430 ح 1263 ، نهج البلاغه : الخطبه 99 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 254 وليس فيهما «وبلاء» ، مصباح المتهجّد : ص 381 ح 508 عن زيد بن وهب وفيه «ارتجاع» بدل «زوال» وليس فيه «فناء» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 113 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .

83.2 . وبإسناده عن العلاء، عن زيد الشحّام، قال :امام على عليه السلام :از بى خبرى دنياست كه بر يک حال نمى مانَد و از دگرگونى خالى نيست ؛ با خراب كردن گوشه اى ، گوشه اى ديگر را آباد مى كند و با ناراحت كردن دوستى، دوستى ديگر را شاد مى كند . پس بودنِ در دنيا با خطرها همراه است و اعتماد كردن به آن ، فريب خوردن است و دل بستن به آن ، نشايد و تكيه كردن به آن ، خطاست.82.1 . الشيخ الطوسى بإسناده عن ابن مسكان، عن زيد الشامام على عليه السلام :از عيب هاى دنيا ، همين تو را بس كه نمى مانَد.81.3 . الشيخ الطوسى بإسناده عن السكونى، عن جعفر، عنامام على عليه السلام :از آن دلخواهى كه زوال مى پذيرد و از آن دلدارى كه نيستى مى گيرد ، دورى كنيد.80.2 . الكلينى بإسناده عن عمّار بن موسى عن أبى عبد االمام على عليه السلام :احوال دنيا، همه لرزان است و دارايى آن ، گرفتنى و قابل سپردن به ديگرى.79.1 . الكلينى بإسناده عن عبد اللّه بن سنان، عن أبيامام على عليه السلام :دنيا، در حال انتقال از يكى به ديگرى است و از كف رفتنى است. گيرم كه دنيا براى تو بمانَد، تو براى آن نمى مانى.78.2. ابن ماجه بإسناده عن عبد الوهاب الثقفى ، عن جعفامام على عليه السلام :هر زمانى از دنيا ، سرانجام به پايان مى رسد و هر زنده اى در آن ، رو به سوى مرگ و نيستى است.77.1. الشيخ الطوسى بإسناده عن جعفر بن محمّد، عن أبيهامام على عليه السلام :در كسب عزّت و افتخارات دنيوى با هم به رقابت برنخيزيد و به زيور و نعمت آن ، سرخوش نشويد و بر سختى و مشقّت دنيا ، بى تابى مكنيد؛ زيرا كه عزّت و افتخارات دنيا به سر مى آيد و زيور و نعمت آن ، زوال مى گيرد و سختى و مشقّتش به پايان مى رسد . هر زمانى از دنيا پايانى دارد و هر زنده اى از آن ، به نيستى و پوسيدگى مى انجامد. .

76.1 . ما روى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :يَنبَغى لِمَن عَرَفَ دارَ الفَناءِ أن يَعمَلَ لِدارِ البَقاءِ . (1)75.روى عن النبى صلى الله عليه و آله أنّه نظر إلى بعضعنه عليه السلام :اِتَّقُوا اللّهَ عِبادَ اللّهِ . . وكونوا قَوما صيحَ بِهِم فَانتَبَهوا ، وعَلِموا أنَّ الدُّنيا لَيسَت لَهُم بِدارٍ فَاستَبدَلوا . (2)74.2 . محمّد بن يعقوب بإسناده، عن محمّد بن مسلم عن أعنه عليه السلام :أينَ الَّذينَ مَلَكوا مِنَ الدُّنيا أقاصِيَها ؟ ! (3)73.1 . روى أبو هريره عن رسول اللّه صلى الله عليه و آعنه عليه السلام :أينَ الَّذينَ بَلَغوا مِنَ الدُّنيا أقاصِىَ الهِمَمِ؟ ! (4)72.ما رواه الشيخ الطوسى بإسناده عن أبى بصير، قال:عنه عليه السلام :أسبابُ الدُّنيا مُنقَطِعَةٌ ، وعَواريها مُرتَجِعَةٌ . (5)71.2 . الشيخ بإسناده عن علىّ بن جعفر، عن أخيه موسى بالإمام زين العابدين عليه السلام :العَجَبُ كُلُّ العَجَبِ لِمَن عَمِلَ لِدارِ الفَناءِ ، وتَرَكَ دارَ البَقاءِ . (6)70.1 . الشيخ الطوسى قدس سره بإسناده عن محمّد بن سنانتنبيه الخواطر :رُوِىَ أنَّ سُلَيمانَ بنَ داوودَ عليه السلام مَرَّ فى مَوكِبِهِ وَالطَّيرُ تُظِلُّهُ ، وَالجِنِ وَالإِنس عَن يَمينِهِ وعَن شِمالِهِ قالَ : فَمَرَّ بِعابِدٍ مِن عُبّادِ بَنى إسرائيلَ ، فَقالَ : وَاللّهِ يَابنَ داوود ، لَقَد آتاكَ اللّهُ مُلكا عَظيما! قالَ : فَسَمِعَهُ سُلَيمان عليه السلام فَقالَ : لَتَسبيحَةٌ فى صَحيفَهِ مُؤمِنٍ خَيرٌ مِمّا أُعطِىَ ابنُ داوودَ ، وإنَّ ما أُعطِىَ ابنُ داوودَ يَذهَبُ وَالتَّسبيحَةُ تَبقى . (7)69.2 . الشيخ الطوسى فى الاستبصار بإسناده عن الحسن بنالإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : إنَّ الَّذينَ بَنَوا فَطالَ بِناؤُهُم وَاستَمتَعوا بِالأَهلِ وَالأَولادِ جَرَتِ الرِّياحُ عَلى مَحَلِّ دِيارِهِم فَكَأَنَّهُم كانوا عَلى ميعادٍ وأرَى النَّعيمَ وكُلَّ ما يُلهى بِهِ يَوما يَسيرُ إلى بِلىً ونَفادِ (8)9 .

1- .غرر الحكم : ح 10929 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 551 ح 10168 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 64 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 396 ح 6697 وح 6700 وفيه «بِدارهم» بدل «لهم بدارٍ» .
3- .غرر الحكم : ح 2811 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 129 ح 2930 .
4- .غرر الحكم : ح 2814 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 130 ح 2936 .
5- .غرر الحكم : ح 1365 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 70 ح 1777 وص 127 ح 2893 وفيهما «وأحبابها بها مُتفجِّعه» بدل «وعواريها مرتجعه» .
6- .الأمالى للطوسى : ص 664 ح 1387 ، المحاسن : ج 1 ص 378 ح 832 نحوه وكلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، جامع الأخبار : ص 296 ح 810

، بحار الأنوار : ج 78 ص 142 ح 4 .
7- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 129 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 83 ح 27 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 300 .
8- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 206 الرقم 134 .

68.1 . الکلینی بإسناده عن إسماعیل بن جابر، قال :امام علی علیه السلام :برای کسی که سرای نیستی را شناخته ، سزاوار است که برای سرای ماندگاری کار کند.67.2 . ورواه الشیخ الطوسی فی التهذیب بإسناده عن محمّدامام علی علیه السلام :ای بندگان خدا! از خدا پروا کنید... و [چونان [مردمانی باشید که بر آنان ، بانگ زده شد و بیدار شدند و دریافتند که دنیا ، خانه آنها نیست و از این رو ، جایگزینش کردند.66.1 . قال الصدوق قدس سره :امام علی علیه السلام :کجایند آنان که تا دوردست های زمین ، پادشاهی کردند؟ !65.2. الکلینی أیضا والمفید بإسنادهما إلی شاهویه بن عامام علی علیه السلام :کجایند آنان که به دورترین خواست های دنیوی رسیدند؟ !64.1. محمّد بن یعقوب بإسناده إلی علیّ بن عمرو العطّاامام علی علیه السلام :اسباب دنیا از هم گسیختنی است و عاریه های آن ، بازگشتنی.63.وما رواه الأخیران عن أبی عبد اللّه علیه السلام امام زین العابدین علیه السلام :شگفتا ، بس شگفتا از آن که برای سرای نیستی می کوشد و بر سرای ماندگاری چشم می پوشد !62.کما رواه المشایخ الثلاثه الکلینی والشیخ الطوسیتنبیه الخواطر:روایت شده است که سلیمان بن داوود علیهماالسلام با گروه همراه خود می رفت ، در حالی که پرندگان بر او سایه افکنده بودند و جنّیان و آدمیان ، از راست و چپ او حرکت می کردند. بر عابدی از عابدان بنی اسرائیل گذشت . عابد گفت: ای پور داوود ! به خدا سوگند که خداوند ، سلطنت با عظمتی به تو عطا کرده است .

سلیمان علیه السلام که سخن او را شنید، گفت: «یک ذکر سبحان اللّه در کارنامه مؤمن ، بهتر از آن چیزی است که به پورِ داوود داده شده است؛ زیرا آنچه به پور داوود داده شده ، می رود و ذکر تسبیح می مانَد».61.2 . الکلینی، عن علیّ بن إبراهیم، عن أبیه، عن ابنامام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : آنان که بناهای بلند بر ساختندو از زن و فرزندان ، برخوردار شدند . بادها بر خانه هایشان همی وزید

انگار که بر این قرار ، وعده داشتند . ونعمت ها و همه سرگرمی ها را می بینم

که روزی کهنه و نابود می شوند . 1 .

60.1 . مارواه الشيخ الطوسى بإسناده عن الحسين بن سعيدعنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : تَحَرَّز مِنَ الدُّنيا فَإنَّ فَناءَها مَحَلٌّ فَناءٍ لا مَحَلُّ بَقاءِ فَصَفوَتُها مَمزوجَةٌ بِكُدورَهٍ وراحَتُها مَقرونَةٌ بِعَناءِ (1)59.2. الشيخ الطوسى قدس سره بإسناده عن أيّوب بن نوح،عنه عليه السلام فى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : إنَّمَا الدُّنيا فَناءٌ لَيسَ لِلدُّنيا ثُبوتُ إنَّمَا الدُّنيا كَبَيتٍ نَسَجَتهُ العَنكَبوتُ ولَقَد يَكفيکَ مِنها أيُّهَا الطّالِبُ قوتُ وَلَعَمرى عَن قَليلٍ كُلُّ مَن فيها يَموتُ (2) .

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 38 الرقم 10 .
2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 162 الرقم 90 .

58.1 . الکلینی، عن محمّد بن إسماعیل، عن الفضیل بن شاامام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : حَذَر از دنیا، که دنیای فانی منزلگاه رفتن است ، نه جای ماندن . زلالی اش آمیخته با تیرگی است و آسودگی اش قرین رنج .57.تفسیر فرات وفی شواهد التنزیل عن [الإمام]علیّ علامام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : جز این نیست که دنیا فانی است دنیا را پایندگی نیست . دنیا ، همانند خانه ای است که عنکبوت آن را بتَنَد . تو را از دنیا بسنده کند ای دنیاجوی، قُوتی . به جانم سوگند که به زودی هرکه در آن است ، می میرد . .

ل سَريعَهُ الزَّوالِ55.1 . الطبرسى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا ساعَهٌ فَاجعَلها طاعَهً . (1)54.منها :عنه صلى الله عليه و آله :وَاللّهِ ما يُساوى ما مَضى مِن دُنياكُم هذِهِ بِأهداب (2) بُردى هذا ، ولَما بَقِىَ مِنها أشبَهُ بِما مَضى مِنَ الماءِ بِالماءِ ، وكُلُّ إلى بَقاءٍ وَشيكٍ وزَوالٍ قَريبٍ . (3)53.وروى ابن حنبل بإسناده عن أبى هريره قال:عنه صلى الله عليه و آله :لَمّا بَعَثَ اللّهُ نوحا إلى قَومِهِ بَعَثَهُ وهُوَ ابنُ خَمسينَ ومِئَتى سَنَهٍ ، فَلَبِثَ فى قَومِهِ ألفَ سَنَهٍ إلاّ خَمسينَ عاما ، وبَقِىَ بَعدَ الطّوفانِ خَمسينَ ومِئَتى سَنَهٍ ، فَلَمّا أتاهُ مَلَكُ المَوتِ قالَ : يا نوحُ ، يا أكبَرَ الأنبِياء ويا طَويلَ العُمُرِ ويا مُجابَ الدَّعوَهِ ، كَيفَ رَأيتَ الدُّنيا؟ قالَ : مِثلَ رَجُلٍ بُنِىَ لَهُ بَيتٌ لَهُ بابانِ فَدَخَلَ مِن واحِدٍ وخَرَجَ مِنَ الآخَرِ . (4)52.وروى أيضاً بإسناده عن علىّ عليه السلام قال :الإمام الصادق عليه السلام :عاشَ نوحٌ عليه السلام ألفَى سَنَهٍ وثَلاثَمِئَهِ سَنَهٍ ؛ مِنها ثَمانُمِئَهٍ وخَمسونَ سَنَهً قَبلَ أن يُبعَثَ ، وألفُ سَنَهٍ إلاّ خَمسينَ عاما وهُوَ فى قَومِهِ يَدعوهُم ، وخَمسُمِئَهِ عامٍ بَعدَما نَزَلَ مِنَ السَّفينَهِ ونَضَبَ (5) الماءُ ، فَمَصَّرَ الأمصارَ ، وأسكَنَ وُلدَهُ البُلدانَ .

ثُمَّ إنَّ مَلَكَ المَوتِ جاءَهُ وهُوَ فِى الشَّمسِ ، فَقالَ : السَّلامُ عَلَيكَ !

فَرَدَّ عَلَيهِ نوح عليه السلام وقالَ : ما جاءَ بِكَ يا مَلَكَ المَوتِ؟

قالَ : جِئتُكَ لِاَقبِضَ روحَكَ .

قالَ : دَعنى أدخُل مِنَ الشَّمسِ إلَى الظِّلِّ .

فَقالَ لَهُ : نَعَم .

فَتَحَوَّلَ ، ثُمَّ قالَ : يا مَلَكَ المَوتِ ، كُلُّ ما مَرَّ بى مِنَ الدُّنيا مِثلُ تَحويلى مِنَ الشَّمسِ إلَى الظِّلِّ ، فَامضِ لِما اُمِرتَ بِهِ . فَقَبَضَ روحَهُ عليه السلام . (6) .

1- .عوالى اللآ لى : ج 1 ص 285 ح 131 ، مصباح الشريعه : ص 33 وفيه «عباده» بدل «طاعه» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 68 ح 14 .
2- .هُدْب الثوب : ما على أطرافه (الصحاح : ج 1 ص 237 «هدب») .
3- .أعلام الدين : ص 341 ح 28 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 183 ح 10 .

4- .تفسير القرطبى : ج 13 ص 333 ، كنز العمّال : ج 3 ص 235 ح 6320 نقلاً عن ابن عساكر ؛ كشف الغُمّه : ج 3 ص 333 ، إعلام الورى : ج 1 ص 305 كلّها عن أنس وراجع تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 و مصباح الشريعه : ص 169 .
5- .نضبَ الماء : غار فى الأرض (المصباح المنير : ص 609 «نضب») .
6- .الكافى : ج 8 ص 284 ح 429 ، قصص الأنبياء : ص 87 ح 80 ، روضه الواعظين : ص 488 ، الأمالى للصدوق : ص 602 ح 836 ، كمال الدين : ص 523 ح 1 كلاهما عن هشام بن سالم وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 11 ص 285 ح 2 .

ل زودگذر

ل زودگذر50.روی الکلینی قدس سره بإسناده عن حمزه بن محمّد، قالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا ، ساعتی است . پس آن را به طاعت بگذران.49.2 . الصدوق بإسناده عن إبراهیم بن محمّد الهمدانی قپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدا سوگند ، آنچه از این دنیای شما سپری شده ، با نخ های زاید [اطراف] این ردای من ، برابری نمی کند و باقی مانده آن به گذشته اش مانندتر از آب به آب است، و زودا که همه زوال گیرند و به [سرای] ماندگاری روند.48.1 . روی البخاری بإسناده عن أبی هریره، عن النبی صلپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زمانی که خداوند ، نوح علیه السلام را به پیامبری در میان قومش برانگیخت، دویست و پنجاه سال از عمر نوح می گذشت و نهصد و پنجاه سال نیز در میان قومش دعوت کرد و پس از توفان نیز دویست و پنجاه سال مانْد و [با این حال] چون مَلَک الموت نزد او آمد، گفت: ای نوح! ای بزرگ ترینِ پیامبران، ای صاحب عمر دراز، ای مستجاب الدعوه! دنیا را چگونه دیدی؟

نوح علیه السلام گفت: «مَثَل مردی که برایش خانه ای بنا شود ، با دو در که از یکی در آید و از دیگری به دَر رود».47.2 . الصدوق بإسناده عن أبی الصلت الهروی، قال :امام صادق علیه السلام :نوح علیه السلام دو هزار و سیصد سال ، عمر کرد. هشتصد و پنجاه سالِ آن را پیش از آن که برانگیخته شود، نهصد و پنجاه سال را به دعوت قومش پرداخت و پانصد سال پس از آن که از کشتی فرود آمد و آب ، فروکش کرد و شهرها را ساخت و فرزندانش را در آبادی ها اسکان داد.

سپس ، مَلَک الموت ، نزد او که در گوشه آفتاب نشسته بود، آمد و گفت: سلام بر تو!

نوح علیه السلام جواب سلامش را داد و گفت: «برای چه آمده ای ، ای ملک الموت؟» .

گفت: آمده ام که جان تو را بگیرم.

نوح علیه السلام گفت: «اجازه بده که از آفتاب به سایه بروم».

ملک الموت گفت: باشد.

نوح علیه السلام به سایه رفت و سپس گفت: ای ملک الموت! این همه عمری که در دنیا سپری کردم ، همانند این رفتنم از آفتاب به سایه بود . حالا مأموریتت را اجرا کن».

ملک الموت نیز جان نوح علیه السلام را گرفت.

.

46.1 . علىّ بن إبراهيم بإسناده عن هشام، عن الصادق علالإمام علىّ عليه السلام فى ذَمِّ الدَّنيا :اُذكُروا عِندَ تَصَرُّفِها بِكُم سُرعَةَ انقِضائِها عَنكُم ، ووَشكَ زَوالِها ، وضَعفَ مَجالِها ، أَلَم تَجِدكُم عَلى مِثالِ مَن كانَ قَبلَكُم ، ووَجَدَت مَن كانَ قَبلَكُم عَلى مِثالِ مَن كانَ قَبلَهُم ، جيلٌ بَعدَ جيلٍ ، واُمَّةٌ بَعدَ اُمَّةٍ ، وقَرنٌ بَعدَ قَرنٍ ، وخَلَفٌ بَعدَ خَلَفٍ ، فَلا هِيَ تَستَحى مِنَ العارِ ، وما لا يَنبَغى مِنَ المُبدِياتِ ، ولا تَخجَلُ مِنَ الغَدرِ . (1)45.وروى أيضا بإسناده عن علىّ عليه السلام قال :عنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا سَريعَةُ التَّحَوُّلِ ، كَثيرَةُ التَّنَقُّلِ ، شَديدَةُ الغَدرِ ، دائِمَةُ المَكرِ ، فَأَحوالُها تَتَزَلزَلُ ، ونَعيمُها يَتَبَدَّلُ ، ورَخاؤُها يَتَنَغَّصُ ، ولَذّاتُها تَتَنَغَّصُ ، وطَالِبُها يَذِلُّ ، وراكِبُها يَزِلُّ . (2)44.روى الصدوق بإسناده عن الحسين بن خالد، قال :عنه عليه السلام :أَوَلا تَرى أَنَّ الدُّنيا ساعَةٌ بَينَ ساعَتَينِ ؛ ساعَةٍ مَضَت ، وساعَةٍ بَقِيَت ، وساعَةٍ أنتَ فيها! (3) .

1- .بحار الأنوار : ج 73 ص 115 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
2- .غرر الحكم : ح 3685 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 147 ح 3245 .
3- .التحصين لابن فهد : ص 16 ح 28 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 112 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .

43.کما روی الکلینی قدس سره بإسناده عن حمزه بن محمّد،امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا :در هنگام برگشتن دنیا از شما، به یاد آورید که دنیا بر شما زود می گذرد، محکوم به زوال است و عرصه اش تنگ. آیا شما را به مانند کسانی که پیش از شما بودند، نیافت، و پیشینیان شما را نیز به مانند پیشینیان آنان: نسلی از پیِ نسلی، و امّتی از پسِ امّتی و قومی از پسِ قومی؟ پس، دنیا از ننگ و از رسوایی ها شرم نمی کند و از خیانت و بی وفایی خجالت نمی کشد.42.2 . الصدوق بإسناده عن إبراهیم بن محمّد الهمدانی،امام علی علیه السلام :دنیا، زود از حالی به حالی در می آید و بسیار جا به جا می شود، سخت عهدشکن و بی وفاست و پیوسته ، مکّاری می کند. احوال آن ، لرزان است و نعمت هایش در حال تغییر ؛ آسودگی اش کاستی می پذیرد و خوشی هایش به تلخی می گراید. جوینده آن ، خوار می شود و سوار بر آن ، می لغزد.41.1 . ابن حنبل بإسناده عن أبیهریره،عن النبی صلی اللامام علی علیه السلام :نمی بینی که دنیا ساعتی است میان دو ساعت: ساعتی که گذشته و ساعتی که باقی مانده، و ساعتی که تو در آنی؟ ! .

40.روى الكلينى بإسناده عن زراره والفضيل، عن أبى جعفرالإمام الصادق عليه السلام :اِصبِروا عَلى طاعَهِ اللّهِ وتَصَبَّروا عَن مَعصِيَهِ اللّهِ ، فَإِنَّمَا الدُّنيا ساعَهٌ ؛ فَما مَضى فَلَيسَ تَجِدُ لَهُ سُرورا ولا حُزنِا ، وما لَم يَأتِ فَلَيسَ تَعرِفُهُ ، فَاصبِر عَلى تِلكَ السّاعَهِ الَّتى أنتَ فيها ، فَكَأَنَّكَ قَدِ اغتَبَطتَ . (1)راجع : ج2 ص266 (خصائص الآخره / دار البقاء) .

م مَحفوفَهٌ بِالشَّهَواتِ37.روى الشيخ قدس سره بإسناده عن صفوان بن يحيى، عن إسرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ألا إنَّ الآخِرَهَ اليَومَ مُحَفَّفَهٌ (2) بِالمَكارِهِ ، وإنَّ الدُّنيا مُحَفَّفَهٌ بِالشَّهَواتِ . (3)36.2 . الشيخ بإسناده عن جعفر بن بشير، عن إسماعيل، عنالإمام علىّ عليه السلام :إنّى اُحَذِّرُكُمُ الدُّنيا ؛ فَإِنَّها حُلوَهٌ خَضِرَهٌ (4) ، حُفَّت بِالشَّهَواتِ ، وتَحَبَّبَت بِالعاجِلَهِ ، وراقَت (5) بِالقَليلِ ، وتَحَلَّت بِالآمالِ ، وتَزَيَّنَت بِالغُرورِ . لا تَدومُ حَبرَتُها (6) ، ولا تُؤمَنُ فَجعَتُها ، غَرّارَهٌ ضَرّارَهٌ ، حائِلَهٌ زائِلَهٌ ، نافِدَهٌ بائِدَهٌ ، أكّالَهٌ غَوّالَهٌ (7) . (8)راجع : ج2 ص276 (خصائص الآخره / دار محفوفه بالمكاره) .

.

1- .الكافى : ج 2 ص 459 ح 21 عن سماعه وص 454 ح 4 نحوه ، تحف العقول : ص 396 عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام وراجع الزهد للحسين بن سعيد : ص 46 ح 124 .
2- .حَفَّ القومُ بالشىء وحَوالَيه وحَفُّوه وحَفَّفُوه : أحدقُوا به وأطافُوا به وعكفوا واستداروا(لسان العرب : ج 9 ص 49 «حفف») .
3- .المعجم الكبير : ج 19 ص 200 ح 449 عن كليب بن حزن ، كنز العمّال : ج 15 ص 932 ح 43598 نقلاً عن ابن منده عن معاويه بن خفاجه .
4- .خَضِرَه : أى غَضّه ناعمه طريّه (النهايه : ج 2 ص 41 «خضر») .
5- .راقنى الشىء : أى أعجبنى(الصحاح : ج 4 ص 1486 «روق») . قال ابن أبى الحديد : أى أعجبت أهلها ، وإنّما أعجبتهم بأمرٍ قليلٍ ليس بدائم (شرح نهج البلاغه : ج 7 ص 228») .
6- .الحَبره : النعمه وسعه العيش ، وكذلک الحبور(النهايه : ج 1 ص 327 «حبر») .
7- .التغوّل : التلوّن فى صورٍ شتّى . وتَغولُهُم : تُضِلُّهم عن الطريق (انظر النهايه : ج 3 ص 397 وص 396 «غول») .

8- .نهج البلاغه : الخطبه 111 ، تحف العقول : ص 180 نحوه ، غرر الحكم : ح 3686 وفيه «نضره» بدل «خضره» وليس فيه «وتحبّبت بالعاجله» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 96 ح 82 ؛ مطالب السؤول : ص 50 نحوه .

م احاطه شده به شهوت ها

34.روی الکلینی والشیخ الطوسی والصدوق قدّست أسرارهم بامام صادق علیه السلام :بر طاعت خدا بشکیبید و بر ترک معصیت او صبوری کنید ؛ چرا که دنیا ساعتی بیش نیست؛ زیرا برای آنچه گذشته است ، نه شادی ای می یابی و نه اندوهی، و آنچه هم که نیامده است ، نمی دانی چگونه است. پس، بر آن ساعتی که در آنی صبر کن، گویا که تو رشک برده شده ای.ر . ک : ج2 ص267 (ویژگی های آخرت / سرای ماندگاری) .

م احاطه شده به شهوت ها31.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدانید که آخرت را ناملایمات در میان گرفته است، و دنیا را خوشی ها و شهوات احاطه کرده است.30.1 . قال السیوطی فی الدرّ المنثور :امام علی علیه السلام :من ، شما را از دنیا برحذر می دارم؛ زیرا که دنیا شیرین و خرّم است و تمایلات نفسانی آن را در میان گرفته است ؛ با لذّت های زودگذرش دل می بَرَد و با [متاع] اندکِ خود ، جلوه گری می کند ؛ به آرزوها آراسته است و با زیور فریب ، خود را می آراید ؛ ناز و نعمتش پایدار نیست و از مصائب آن ، ایمنی نیست ؛ گول زننده است و آسیب رسان ؛ دگرگون شونده است و زوال پذیر ؛ پایان پذیر است و نابود شونده ؛ آدمخوار است و مرگبار.ر . ک : ج2 ص277 (ویژگی های آخرت / سرای محصور در ناملایمات) .

.

1 / 3خُلِقَت لِغَيرِها26.وروى أيضا بإسناده عن علىّ عليه السلام ، قال :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّكُم خُلِقتُم لِلآخِرَهِ ، وَالدُّنيا خُلِقَت لَكُم . (1)25.روى الصدوق بإسناده عن الحسين بن خالد، قال :عنه صلى الله عليه و آله فى خُطبَهٍ لَهُ :فَليَأخُذِ العَبدُ المُؤمِنُ مِن نَفسِهِ لِنَفسِهِ ، ومِن دُنياهُ لِآخِرَتِهِ . (2)24.روى ابن حنبل بإسناده عن أبى هريره عن النبى صلى الالإمام علىّ عليه السلام :الدُّنيا خُلِقَت لِغَيرِها ولَم تُخلَق لِنَفسِها . (3)23.3 . وروى الصدوق بإسناده عن إبراهيم بن محمّد الهمدعنه عليه السلام :فِى الدُّنيا حَبيتُم ، ولِلآخِرَهِ خُلِقتُم . (4)22.2 . روى الكلينى قدس سره بإسناده عن حمزه بن محمّد،عنه عليه السلام :إنَّكَ مَخلوقٌ لِلآخِرَهِ فَاعمَل لَها . إنَّكَ لَم (5) تُخلَق لِلدُّنيا فَازهَد فيها وأعرِض عَنها . (6)21.1 . قال حرب الكرمانى فى كتاب السنّه:عنه عليه السلام :ألا وإنَّ هذِهِ الدُّنيَا الَّتى أصبَحتُم تَتَمَنَّونَها وتَرغَبونَ فيها وأصبَحَت تُغضِبُكُم وتُرضيكُم ، لَيسَت بِدارِكُم ، ولا مَنزِلِكُمُ الَّذى خُلِقتُم لَهُ ولاَ الَّذى دُعيتُم إلَيهِ . ألا وإنَّها لَيسَت بِباقِيَهٍ لَكُم ولا تَبقَونَ عَلَيها ، وهِىَ وإن غَرَّتكُم مِنها فَقَد حَذَّرَتكُم شَرَّها ، فَدَعوا غُرورَها لِتَحذيرِها ، وأطماعَها لِتَخويفِها ، وسابِقوا فيها

إلَى الدّارِ الَّتى دُعيتُم إلَيها . (7) .

1- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 360 ح 10581 عن الحسن البصرى ، تنبيه الغافلين : ص 238 ح 309 عن جابر بن عبد اللّه .
2- .الكافى : ج 2 ص 70 ح 9 عن حمزه بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 27 وليس فيه «المؤمن» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 362 ح 7 .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 463 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 133 ح 136 .
4- .عيون أخبار الرضا : ج 1 ص 298 ح 56 ، الأمالى للصدوق : ص 172 ح 174 كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسينى عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، مشكاه الأنوار : ص 468 ح 1567 ، الإرشاد : ج 1 ص 296 ، إرشاد القلوب : ص 19 وفيهما «حبستم» بدل «حييتم» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 88 ح 56 .
5- .فى المصدر «لن» بدل «لم» ، وما فى المتن أثبتناه من عيون الحكم و المواعظ .
6- .غرر الحكم : ح 3810 و3811 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 172 ح 3597 و ص 171 ح 3570 .

7- .نهج البلاغه : الخطبه 173 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 95 ح 1 وراجع تحف العقول : ص 184 .

1 / 3دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است18.روی الکلینی بإسناده عن سلیم بن قیس الهلالی ، قالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شما برای آخرت آفریده شده اید و دنیا برای شما آفریده شده است.17.وعنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه هایش :بنده مؤمن باید از خود برای خود بهره گیرد و از دنیای خود برای آخرتش.16.وعنه صلی الله علیه و آله فی صفه علیّ علیه السلاامام علی علیه السلام :دنیا ، برای غیرِ خود آفریده شده و برای خودش آفریده نشده است.15.عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :در دنیا زندگی می کنید ؛ امّا برای آخرت ، آفریده شده اید.14.وروی الهندی عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :تو برای آخرت آفریده شده ای . پس برای آن کار کن . تو هرگز برای دنیا خلق نشده ای . پس از دنیا دل برکَن و از آن ، روی بگردان.13.الکلینی مسندا عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :هان! این دنیایی که شما آرزویش را دارید و خواهان آنید، ولی او شما را گاه ناخشنود و گاه خشنود می سازد، آن سرا و منزلگاهی نیست که برایش آفریده شده اید ، و نه آن جایی که بدان فرا خوانده شده اید.

هان! دنیا برای شما ماندگار نیست و شما نیز در آن باقی نمی مانید. دنیا، اگر چه شما را می فریبد ؛ امّا همو، خود، شما را از شرّ خویش برحذر داشته است . پس، هشدارش را بگیرید و فریبش را بگذارید و بیم دادنش را بگیرید و طمع هایش را وا نهید و در آن برای سرایی از یکدیگر سبقت بگیرید که به آن ، فرا خوانده شده اید.

.

12.2 . الكلينى، والنعمانى، والشريف الرضى ، عن الإمامعنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَعالى جَعَلَ الدُّنيا لِما بَعدَها ، وَابتَلى فيها أهلَها لِيَعلَمَ أيُّهُم أحسَنُ عَمَلاً ، ولَسنا لِلدُّنيا خُلِقنا ، ولا بِالسَّعيِ لَها اُمِرنا ، وإنَّما وُضِعنا فيها لِنُبتَلى بِها ، ونَعمَلَ فيها لِما بَعدَها . (1)11.وروى المفيد مرفوعا :الإمام الصادق عليه السلام :أحكِم أمرَ دينِكَ كَما أحكَمَ أهلُ الدُّنيا أمرَ دُنياهُم ، فَإنَّما جُعِلَتِ الدُّنيا شاهِدا يُعرَفُ بِها ما غابَ عَنها مِنَ الآخِرَهِ ، فَاعرِفِ الآخِرَهَ بِها ، ولا تَنظُر إلَى الدُّنيا إلاّ بِالاِعتِبارِ . (2)راجع : ص 106 (الدنيا مزرعه الآخره)

وج2 ص282 (الفصل الثانى : الاهتمام بالآخره) .

1 / 4مَثَلُ الدُّنياأ مَثَلُ خَميلهِ الرَّبيعِالكتاب«إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَمُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ ازَّيَّنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلاً أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَ لِکَ نُفَصِّلُ الآيَتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» . (3)

.

1- .غرر الحكم : ح 3696 ، نهج البلاغه : الكتاب 55 وليس فيه ذيله ، معادن الحكمه : ج 1 ص 277 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 116 ح 409 .
2- .الكافى : ج 8 ص 243 ح 337 عن خالد بن نجيح ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 153 .
3- .يونس : 24 .

ص: 59

1 / 4 مَثَل دنیا

الف مَثَل مرغزار بهاری

3.وروی الکلینی بإسناده عنه عن فضیل عن أبی عبد اللّهامام علی علیه السلام :خداوند بلند مرتبه، دنیا را برای پس از آن آفرید و مردمش را در آن به بوته آزمایش نهاد تا معلوم شود که چه کسی بهتر عمل می کند. ما برای دنیا آفریده نشده ایم و به تلاش برای آن ، مأمور نشده ایم ؛ بلکه در دنیا نهاده شده ایم تا به وسیله آن ، آزموده شویم و در دنیا برای جهان پس از آن ، کار کنیم.2.روی الشیخ الطوسی بإسناده عن ابن أخی فضیل عن أبی عامام صادق علیه السلام :کار دینت را استوار ساز ، چنان که دنیاداران ، کار دنیایشان را استوار می سازند؛ زیرا دنیا، در حقیقت، علامت و گواهی قرار داده شده تا با آن ، غیب دنیا، یعنی آخرت، شناخته شود . پس به وسیله دنیا ، آخرت را بشناس و به دنیا ، جز با دیده اعتبار منگر.ر . ک : ص 107 (دنیا ، کشتزار آخرت)

وج2 ص283 (فصل دوم : اهتمام به آخرت).

1 / 4مَثَل دنیاالف مَثَل مرغزار بهاریقرآن«در حقیقت، مَثَلِ زندگی دنیا به سان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم . پس گیاه زمین ، از آنچه مردم و دام ها می خورند ، با آن در آمیخت تا آن گاه که زمین ، پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان ، بر آن قدرت دارند . شبی یا روزی فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان در دیده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است. این گونه ، نشانه ها[ی خود] را برای مردمی که می اندیشند ، به روشی بیان می کنیم».

.

«وَ اضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْ ءٍ مُّقْتَدِرًا» . (1)

الحديث15.محمّد بن أبى عُمير، عن الحسين الأحمسى، عن أبى عبدالإمام علىّ عليه السلام فى وَصفِ الدُّنيا :فَهِىَ كَرَوضَهٍ اِعتَمَّ (2) مَرعاها ، وأعجَبَت مَن يَراها ، عَذبٌ شِربُها ، طَيِّبٌ تُربُها ، تَمُجُّ عُروقُها الثَّرى (3) ، وتَنطُفُ (4) فُروعُهَا النَّدى ، حَتّى إذا بَلَغَ العُشبُ إبّانَهُ (5) ، وَاستَوى بَنائُهُ (6) ، هاجَت رِيحٌ تَحُتُّ (7) الوَرَقَ ، وتُفَرِّقُ مَا اتَّسَقَ ، فَأَصبَحَت كَما قالَ اللّهُ : «هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْ ءٍ مُّقْتَدِرًا» ، اُنظُروا فِى الدُّنيا فى كَثرَهِ ما يُعجِبُكم ، وقِلَّهِ ما يَنفَعُكُم . (8)14.محمّد بن أبى عُمير، عن ابن بُكير، عن أبى عبد اللّالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ هذِهِ الدُّنيا وإن أمتَعَت بِبَهجَتِها وغَرَّت بِزِبرِجِها ، فَإنَّ آخِرَها لا يَعدو أن يَكونَ كَآخِرِ الرَّبيعِ الَّذى يَروقُ بِخُضرَتِهِ ثُمَّ يَهِيجُ عِندَ انتِهاءِ مُدَّتِهِ . وعَلى مَن نَصَحَ لِنَفسِهِ وعَرَفَ حَقَّ ما عَلَيهِ ولَهُ ، أن يَنظُرَ إلَيها نَظَرَ مَن عَقَلَ عَن رَبِّهِ جَلَّ وعَلا ، وحَذَرَ سوءَ مُنقَلَبِهِ ؛ فَإنَّ هذِهِ الدُّنيا قَد خَدَعَت قَوما فارَقوها أسَرَّ

ما كانوا إلَيها ، وأكثَرَ ما كانُوا اغتِباطا بِها ، طَرَقَتهُم آجالُهُم بَياتا وهُم نائِمونَ ، أو ضُحىً وهُم يَلعَبونَ ... . (9) .

1- .الكهف : 45 .
2- .اعْتَمّ : يقال للنبت إذا طال : قد اعتمّ (النهايه : ج 3 ص 302 «عمم») .
3- .قال العلاّمه المجلسى قدس سره : فى مصباح اللغه : «مجّ الرجل الماء من فيه مَجّا : رمى به» . وقال : «الثَّرى : ندى الأرض ، والثّرى أيضا : التراب الندىّ» . أقول : إذا حملت الثرى على الندى ، فالمعنى ظاهر ؛ أى يترشّح من عروقها الماء لكثره طراوتها وارتوائها . وإذا حملت على التراب الندىّ ، فالمعنى : تقذف عروقها الماء فى الثرى ، أو المراد أنّ عروقها لقوّتها وكثرتها تقذف التراب وتدفعها إلى فوق وترفعها (مرآه العقول : ج 25 ص 35) .
4- .تَنْطُف : تقطر (النهايه : ج 5 ص 75 «نطف») .
5- .إبّانُ كلّ شىء : وقتُه وحينُه الذى يكون فيه (لسان العرب : ج 13 ص 4 «أبن») .
6- .البَنَانُ : الرياض الحاليه بالزهر (المعجم الوسيط : ج 1 ص 72 «بنّ») .

7- .الحَتّ : سقوط الورق عن الغصن وغيره (تاج العروس : ج 3 ص 34 «حتت») .
8- .الكافى : ج 8 ص 17 ح 3 عن محمّد بن إسماعيل الهمدانى عن الإمام الكاظم عليه السلام .
9- .بحار الأنوار : ج 94 ص 272 ح 1 نقلاً عن مهج الدعوات : ص 222 عن الربيع وفى بعض عباراته شىء من التصحيف .

«و برای آنان ، زندگی دنیا را مَثَل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان ، فرو فرستادیم . سپس ، گیاه زمین با آن در آمیخت و [چنان] خشک گردید که بادها پراکنده اش کردند ؛ و خداست که همواره بر هر کاری تواناست».

حدیث11.امام علی علیه السلام در وصف دنیا :دنیا چون مرغزاری است که گیاهانش قد کشیده و بیننده اش را خوش می آید ، آبش گواراست و خاکش خوش. از آوندهایشان تَری می تراود و از شاخه هایشان ژاله می چکد، و چون سبزه هایش رشد کنند و گل و گیاهانش قامت بیفرازند، به ناگاه ، بادی وزیدن می گیرد و برگ ها را فرو می ریزد و آن همه نظم و هماهنگی را از هم می پراکند و چنان می شود که خداوند فرموده است: «و چنان خشک گردید که بادها پراکنده اش کردند، و خداست که همواره بر هر کاری تواناست . دنیا را بنگرید که از آنچه شما را خوش می آید، چه فراوان دارد و آنچه شما را سودمند می افتد ، چه اندک دارد» .10.إبراهیم بن أبی البِلاد، عن أبیه، عن بعض أصحابهم اامام صادق علیه السلام :این دنیا، اگرچه با خرّمی هایش لذّت می بخشد و با زرق و برقش می فریبد، امّا فرجامی جز فرجام بهار ندارد که سرسبزی آن ، دل نشین است ؛ لیکن در پایان عمر بهار ، آن همه خرّمی می خشکد. آن که دلسوز خویش است و وظایف و حقوق خویشتن را می شناسد ، باید به دنیا چونان کسی بنگرد که خداپسندانه می اندیشد و از بدفرجامی خویش بترسد؛ زیرا این دنیا ، مردمانی را فریفت و در حالی از دنیا جدا شدند که در اوج سرخوشی از دنیا و شادمانی نسبت به آن بودند ، شب هنگام که خفته بودند یا روز هنگام که سرگرم بازی [و تفریح [بودند، اجل هایشان ، ناگاه به سراغشان آمد... .
.

ب مَثَلُ القَنطَرَهِ8.الحسنُ بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن زيد بن علىّ،الإمام علىّ عليه السلام فِى الحَثِّ عَلَى الزُّهدِ فِى الدُّنيا :ما يَصنَعُ بِالمالِ وَالوَلَدِ مَن يَخرُجُ مِنها ويُحاسَبُ عَلَيها؟! عُراهً دَخَلتُمُ الدُّنيا وعُراهً تَخرُجونَ مِنها ، وإنَّما هِىَ قَنطَرَهٌ فَاعبُروا عَلَيها وَانتَظِروها . (1)7.الحسنُ بن علوان، عن سعد بن طَريف، عن زيد بن علىّ،عنه عليه السلام :الدُّنيا مَعبَرَهُ الآخِرَهِ . (2)6.النَّضرُ بن سُويد، عن دُرُست، عن أبى المِغرا، عنالإمام زين العابدين عليه السلام لِاَصحابِهِ :أما بَلَغَكُم ما قالَ عيسَى بنُ مَريَمَ عليه السلام لِلحَوارِيّين ! قالَ لَهُم : الدُّنيا قَنطَرَهٌ ، فَاعبُروها ولا تَعمُروها (3) . (4)5.الحسنُ بن محبوب، عن علىّ بن رِئاب، عن أبى عُبيده،شُعب الإيمان عن مالک بن دينار :قالوا لِعيسَى بنِ مَريَم : يا روح اللّه ، ألا نَبنى لَکَ بَيتا؟ قالَ : بَلَى ، ابنوهُ عَلى ساحِلِ البَحرِ . قالوا : إذا يَجىءُ الماءُ فَيَذهَبُ بِهِ ! قالَ : أينَ تُريدونَ تَبنونَ لى ؟ عَلَى القَنطَرَهِ؟! (5) .

1- .إرشاد القلوب : ص 19 .
2- .غرر الحكم : ح 439 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 19 ح 64 .
3- .قال فى تنبيه الخواطر بعد نقله قول النبىّ عيسى عليه السلام : هو مثال واضح ، فإنّ حياه الدنيا معبر الآخره ، والمَهد هو المثل الأوّل على رأس القنطره ، واللحد هو المثل الثانى ، وبينهما مسافه محدوده ؛ فمن الناس من قطع نصف القنطره ، ومنهم من قطع ثلثها ، ومنهم من قطع ثلثيها ، ومنهم من لم يبق إلاّ خطوه واحده وهو غافل عنها ، وكيف ما كان لابدّ من العبور .
4- .الأمالى للمفيد : ص 43 ح 1 عن أبى حمزه الثمالى ، الخصال : ص 65 ح 95 عن الزهرى ، التحصين لابن فهد : ص 30 ح 54 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 147 ، روضه الواعظين : ص 483 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 107 ح 107 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 317 .
5- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 399 ح 10745 عن مالک بن دينار ، الدرّ المنثور : ج 2 ص 202 .

ب مَثَل پُل

ب مَثَل پُل3.القاسم بن محمّد، عن علیّ، عن أبی بصیر، قال:امام علی علیه السلام در ترغیب به بی اعتنایی به دنیا :مال و فرزند ، کسی را که از دنیا می رود و برای آن حسابرسی می شود ، چه به کار می آید؟! برهنه به دنیا در آمدید و برهنه از آن برون می روید. دنیا، در حقیقت، پُلی است . پس ، از آن بگذرید و مراقبش باشید.2.امام علی علیه السلام :دنیا، گذرگاه آخرت است.1.حدّثنا الحسین بن سعید، قال:امام زین العابدین علیه السلام به یارانش :آیا به شما نرسیده است که عیسی بن مریم علیه السلام به حواریان چه گفت؟ به آنان فرمود: «دنیا، پُلی است . پس ، از آن بگذرید و آبادش مسازید».12.فُضیل بن عثمان، عن أبی عُبیده الحذّاء، قال:شُعب الایمان به نقل از مالک بن دینار :به عیسی بن مریم گفتند: ای روح خدا! خانه ای برایت نسازیم؟

فرمود: «چرا . آن را بر کرانه دریا بسازید».

گفتند: آن گاه، آب می آید و آن را می بَرَد.

فرمود: «کجا می خواهید برایم بسازید؟ بر پُل؟!» . (1)

.

1- .در تنبیه الخواطر، پس از نقل این سخن عیسی علیه السلام آمده است: این یک مثال روشن است؛ چرا که زندگی دنیا پُل آخرت است. گهواره ، یک سرِ این پل است و گور ، سرِ دیگر این و میان این دو مسافتی محدود است. عدّه ای از مردم تا نیمه پل رفته اند، عدّه ای تا یک سوم، برخی تا دو سوم آن و برخی هم فقط یک گام تا انتهایش دارند و با این حال غافل اند. به هر حال ، باید از این پل گذشت.

11.الحسنُ بن محبوب، عن أبى حمزه، عن أبى إسحاق، قال:الإمام الصادق عليه السلام :كانَ فيما وَعَظَ بِهِ لُقمان ابنَهُ : يابُنَىَّ . . . اجعَلِ الدُّنيا بِمَنزِلَهِ قَنطَرَهٍ عَلى نَهرٍ ، جُزتَ عَلَيها وتَرَكتَها ، ولَم تَرجِع إلَيها آخِرَ الدَّهرِ . (1)ج مَثَلُ الظِّلِّ وَالغَيم9.محمّد بن أبى عُمير، عن عبد الرحمن بن الحَجّاج، عنالزهد عن عبداللّه بن سنان :سَمِعتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام يَقولُ : دَخَلَ عَلَى النَّبِى صلى الله عليه و آله رَجُلٌ وهُوَ عَلى حَصيرٍ قَد أثَّرَ فى جِسمِهِ ، ووِسادَهِ ليفٍ قَد أثَّرَت فى خَدِّهِ . فَجَعَلَ يَمسَحُ ويَقولُ : ما رَضِىَ بِهذا كِسرى ولا قَيصَر ، إنَّهُم يَنامونَ عَلَى الحَريرِ وَالدّيباجِ وأنتَ عَلى هذَا الحَصيرِ؟ !

قالَ : فَقالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : لاَءَنا خَيرٌ مِنهُما وَاللّهِ ، لاَءَنَا أكرَمُ مِنهُما وَاللّهِ ، ما أنَا وَالدُّنيا ، إنَّما مَثَلُ الدُّنيا كَمَثَلِ رَجُلٍ راكِبٍ مَرَّ عَلى شَجَرَهٍ ولَها فَىءٌ فَاستَظَلَّ تَحتَها ، فَلَمّا أن مالَ الظِّلُّ عَنهَا ارتَحَلَ فَذَهَبَ وتَرَكَها . (2)8.محمّد بن أبى عُمير، رفعه، عن أبى عبد اللّه عليه االإمام علىّ عليه السلام :الدُّنيا ظِلٌّ زائِلٌ . (3)7.محمّد بن أبى عُمير، عن عبد الرحمن بن الحَجّاج، قاعنه عليه السلام :الدُّنيا ظِلُّ الغَمامِ ، وحُلُمُ المَنامِ . (4)6.فَضاله، عن رِبعى، عن الفُضيل، عن أبى جعفر عليه العنه عليه السلام :لا يَغُرَّنَّكُم ما أصبَحَ فيهِ أهلُ الغُرورِ ، فَإنَّما هُوَ ظِلٌّ مَمدودٌ إلى أجَلٍ مَعدودٍ . (5)9.النَّضرُ بن سُويد، عن يحيَى الحلبى، عن أيّوب، قالعنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا ظِلُّ الغَمامِ ، وحُلُمُ المَنامِ ، وَالفَرَحُ المَوصولُ بِالغَمِّ ، وَالعَسَلُ المَشوبُ بِالسَّمِّ ، سَلاّبَهُ النِّعَمِ ، أكّالَهُ الاُمَمِ ، جَلاّبَهُ النِّقَمِ . (6) .

1- .الكافى : ج 2 ص 134 ح 20 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 194 كلاهما عن يحيى بن عقبه الأزدى ، بحار الأنوار : ج 73 ص 69 ح 36 .
2- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 50 ح 134 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : ج 73 ص 126 ح 124 .
3- .غرر الحكم : ح 318 و ح 3669 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 19 ح 62 .
4- .غرر الحكم : ح 1960 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 21 ح126 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 89 ، تحف العقول : ص 212 وفيه «إنّما الدنيا ظلّ ممدودٌ إلى أجلٍ معدود» فقط ، بحار الأنوار : ج 34 ص 253 ح 1001 .
6- .غرر الحكم : ح 3681 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 144 ح 3217 .

ج مَثَل سایه

10.صفوان، عن ابن مُسکان، عن أبی عُمیر البزّازامام صادق علیه السلام از اندرزهای لقمان به فرزندش :فرزندم !... دنیا را به سان پلی بر رودخانه ای بدان که از آن بگذری و رهایش کنی و دیگر ، هرگز به سویش باز نگردی.

ج مَثَل سایه و ابر11.صفوانُ، عن أبی بصیر، عن أبی جعفر علیه السلام ، قاالزهد حسین بن سعید به نقل از عبداللّه بن سنان :شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود : مردی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد ، در حالی که ایشان بر بوریایی خفته بود و بالشی از لیف خرما زیرِ سر داشت و اثر [زِبریِ] آن بوریا و بالش بر بدن و گونه پیامبر صلی الله علیه و آله مانده بود. مرد ، شروع به دست کشیدن [بر جای بوریا] کرد و می گفت: کسرا و قیصر به این چیزها رضایت ندارند. آنان بر بستر حریر و دیبا می خفتند و تو بر چنین بوریایی؟ !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدا که من از آنها بهترم. به خدا سوگند که من ، از آنان گرامی ترم. مرا چه به دنیا؟ حکایت دنیا، در حقیقت، حکایت مردی سواره است که از درختی می گذرد و آن درخت را سایه ای است و در سایه آن ، فرود می آید و چون سایه اش می رود ، او می کوچد و می رود و درخت را رها می کند».12.امام علی علیه السلام :دنیا، سایه ای ناپایدار است.1.حدّثنا الحسین بن سعید، قال:امام علی علیه السلام :دنیا، سایه ابر است و خوابی که خُفته می بیند.2.إبراهیم بن أبی البلاد، عن بعض أصحابه، رفعه إلی بعامام علی علیه السلام :زنهار، برخورداری فریب خوردگان [دنیا] شما را نفریبد؛ زیرا که در دنیا [چون [سایه ای است که تا زمانی محدود ، پهن می شود.3.القاسم وعثمان بن عیسی، عن علیّ، عن أبی بصیر، عن أامام علی علیه السلام :دنیا ، سایه ابر است، خوابی است که خفته می بیند، شادیِ پیوسته به غم و شهد آمیخته به شرنگ است؛ رباینده نعمت ها خورنده ملّت ها و جلب کننده رنج و عذاب هاست.

.

4.وقال أبو بصير:عنه عليه السلام :ما مَثَلُ دُنياكُم عِندى إلاّ كَمَثَلِ غَيمٍ عَلا فَاستَعلى ، ثُمَّ استَغلَظَ فَاستَوى ، ثُمَّ تَمَزَّقَ فَانجَلى . (1)5.فَضاله، عن أبان، عن بشيرٍ النبّال، قال:عنه عليه السلام يَصِفُ الدُّنيا :إنَّها عِندَ ذَوى العُقولِ كَفَىءِ الظِلِّ ؛ بَينا تَراهُ سابِغا (2) حَتّى قَلَصَ (3) ، وزائِدا حَتّى نَقَصَ . (4)6.علىُّ بن النعمان، عن ابن مُسكان، عن سليمان بن خالعنه عليه السلام :مَثَلُ الدُّنيا كَظِلِّكَ ، إن وَقَفتَ وَقَفَ ، وإن طَلَبتَهُ بَعُدَ . (5)7.محمّد بن أبى عُمير، عن جميلٍ، عن أبى عبد اللّه عليالإمام زين العابدين عليه السلام :إنَّ جَميعَ ما طَلَعَت عَلَيهِ الشَّمسُ فى مَشارِقِ الأَرضِ ومَغارِبِها بَحرِها وبَرِّها وسَهلِها وجَبَلِها عِندَ وَلِيٍّ مِن أولِياءِ اللّهِ وأهلِ المَعرِفَهِ بِحَقِّ اللّهِ ، كَفَىءِ الظِلالِ . (6)8.ابنُ أبى البِلاد، عن أبيه، عن بعض أصحابه،الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ الدُّنيا عِندَ العُلَماء مِثلُ الظِلِّ . (7)9.محمّد بن أبى عُمير، عن علىّ، عن أبى بصير، قال:الإمام الصادق عليه السلام :كانَ فيما وَعَظَ اللّهُ بِهِ عيسَى بنَ مَريَم عليه السلام : . . . يا عيسى ، لاتُشرِك بى شَيئا ، وكُن مِنّى عَلى حَذَرٍ ، ولا تَغتَرَّ بِالصِّحَّهِ ولاتُغَبِّط نَفسَكَ ؛ فَإِنَّ الدُّنيا كَفَىءٍ زائِلٍ ، وما أقبَلَ مِنها كَما أدبَرَ . (8) .

1- .الاحتجاج : ج 1 ص 246 ح 48 ، معادن الحكمه : ج 1 ص 381 ح 68 .
2- .شىء سابِغ : أى كاملٌ وافٍ (الصحاح : ج 4 ص 1321 «سبغ») .
3- .قَلَصَ : انضمَّ وانزَوى (الصحاح : ج 3 ص 1053 «قلص») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 63 ، روضه الواعظين : ص 483 ، غرر الحكم : ح 3698 وفيهما «سائغا» بدل «سابقا» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 119 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
5- .غرر الحكم : ح 9818 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 487 ح 9020 .
6- .تحف العقول : ص 391 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 78 ص 306 ح 1 .
7- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 50 ح 133 ، الأمالى للطوسى : ص 296 ح 582 ، بشاره المصطفى : ص 189 ، الفضائل : ص 7 كلّها عن جابر وفى الثلاثه الأخيره «عند ذوى الألباب كفىء الظلال» بدل «عند العلماء مثل الظلّ» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 126 ح 123 .
8- .الأمالى للصدوق : ص 610 613 ح 842 عن أبى بصير ، الكافى : ج 8 ص 141 ح 103 عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تحف العقول :

ص 500 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 145 وفيه «بالنصيحه» بدل «بالصحّه» ، بحار الأنوار : ج 14 ص 299 ح 14 .

10.امام علی علیه السلام :حکایت دنیای شما در نزد من نیست ، مگر به سان حکایت ابری که [به تدریج] بالا و بالاتر می آید و سِتَبر و پُر می شود و سپس از هم می پراکنَد و از بین می رود.1.امام علی علیه السلام در توصیف دنیا :دنیا در نظر خردمندان ، چون حرکت سایه است که هنوز پهن نشده ، جمع می شود و هنوز زیاد نشده ، کم می شود.2.الحسنُ بن محبوب، عن علیّ بن رِئاب، عن أبی عبد اللامام علی علیه السلام :حکایت دنیا، به سان سایه توست که اگر بِایستی ، می ایستد و اگر دنبالش کنی ، دور می شود.3.القاسم، عن علیّ، عن أبی بصیر، عن أبی عبد اللّه علامام زین العابدین علیه السلام :همه آنچه خورشید بر آن طلوع کند ، در خاوران و باختران زمین از دریاها و خشکی هایش و دشت ها و کوه هایش ، در نزد هر یک از اولیای خدا و به نزد آنان که خدا را به درستی می شناسند، همانند جا به جا شدن سایه هاست.4.امام باقر علیه السلام :دنیا، در نظر عالمان، به سان سایه است.5.القاسمُ بن محمّد، عن علیّ، قال:امام صادق علیه السلام :از جمله اندرزهای خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام : ... ای عیسی! چیزی را شریک من مگردان، از من برحذر باش و به تن درستی غرّه مشو و خویشتن را خوش بخت مپندار ؛ زیرا دنیا همانند سایه ای ناپایدار است و آنچه از آن بیاید ، به مانند آن است که رفته است. .

6.القاسم، عن علىّ، عن أبى بصير، قال:مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمام الصّادِق عليه السلام :إنَّ الدُّنيا خَلَقَهَا اللّهُ تَعالى بِمَنزِلَهِ ظِلِّکَ ، إن طَلَبتَهُ أتعَبَکَ ولاتَلحَقُهُ أبَدا ، وإن تَرَکتَهُ يَتبَعُکَ وأنتَ مُستَريحٌ . (1)7.القاسم، عن علىّ، عن أبى بصير، عن أبى عبد اللّه علالإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : إنَّمَا الدُّنيا كَظِلٍّ زائِلٍ أو كَضَيفٍ باتَ لَيلاً فَارتَحَل أو كَنَومٍ قَد يَراهُ نائِمٌ أو كَبَرقٍ لاحَ فى اُفُقِ الأَمَل (2)8.القاسم، عن علىّ، عن أبى بصير، قال:تنبيه الخواطر : كانَ الحَسَنُ بنُ عَلِى عليه السلام يَتَمَثَّلُ ويَقولُ : يا أهلَ لَذّاتِ دُنيا لا بَقاءَ لَها إنَّ اغتِرارا بِظِلٍّ زائِلٍ حُمُقُ (3)د مَثَلُ الحُلمِ10.الحسنُ بن محبوب، عن مالک بن عطيّه، عن فلان بن عمّرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا حُلمٌ (4) ، وأهلُها عَلَيها مُجازَونَ مُعاقَبونَ . (5)راجع : ج2 ص182 (اجعل الدنيا بمنزله ما يصاب فى المنام) .

.

1- .مصباح الشريعه : ص 187 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 165 ح 26 .
2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 404 الرقم 319 ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 177 ح 7 عن يحيى بن أبى عباد عن عمّه عن الإمام الرضا عليه السلام ؛ البدايه والنهايه : ج 10 ص 250 عن الإمام الرضا عليه السلام وفيهما : إنَّمَا الدُّنيا كَظِلٍّ زائِلٍ حَلَّ فيهِ راكِبٌ ثُمَّ ارتَحَل
3- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 145 ، أعلام الدين : ص 241 ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 15 ، كشف الغمّه : ج 2 ص 187 ، إرشاد القلوب : ص 186 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 122 ح 111 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 315 .
4- .الرُّؤيا والحُلْم : عباره عمّا يراه النائم فينومه من الأشياء ، لكن غَلَبت الرؤيا على ما يراه من الخير والشىء الحسن ، وغَلَب الحُلم على ما يراه من الشرّ والقبيح (النهايه : ج 1 ص 434 «حلم») .
5- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 145 ، روضه الواعظين : ص 491 وفيه «حلم المنام» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 122 ح 110 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 315 .

د مَثَل رؤیا

12.مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده :دنیا را خداوند متعال به سان سایه تو قرار داده است که اگر در پِی آن بدَوی ، تو را خسته می کند و هرگز بدان نمی رسی و اگر رهایش کنی ، او در پیِ تو می آید و تو آسوده باشی.13.إبراهیم بن أبی البلاد، عن یعقوب بن شُعیب بن میثم،امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : دنیا ، چون سایه ناپایدار است/ یا چون میهمانی که شبی بیتوته کند و سپس برود . یا چون رؤیایی که خفته می بیند/ یا چون آذرخشی که در افق آرزو بر می جَهَد .14.الحسنُ بن محبوب، عن الحسن بن علیّ، قال:تنبیه الخواطر:حسن بن علی علیهماالسلام به این بیت تمثّل می جُست:

ای اهل لذّت های دنیای ناپایدار!/ فریفتگی به سایه ای گذرا ، حماقت است .د مَثَل رؤیا2.فَضاله بن أیّوب، عن عمر بن أبان، عن آدم أخی أیّوبپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، خوابی است (1) که خفته ببیند و مردم دنیا برای آن سزا و کیفر ببینند.ر . ک : ج2 ص183 (دنیا را به سان چیزی بدان که در رؤیا به آن ، دست می یابی).

.

1- .رؤیا و حُلُم، خواب هایی اند که دیده می شوند. تفاوت رؤیا با حُلُم در این است که در رؤیا ، غلبه با خوبی است و در حُلُم ، غلبه با شرّ و بدی (النهایه : ج1 ص434 «حلم»).

ه مَثَلُ السَّرابِ5.عثمان بن عيسى، عن ابن مُسكان، عن أبى بصير، قال:الإمام علىّ عليه السلام :مَن سَعى فى طَلَبِ السَّرابِ ، طالَ تَعَبُهُ وكَثُرَ عَطَشُهُ . (1)و مَثَلُ البَحرِ العَميقِ1.288 . الكلينى بإسناده عن علىّ بن أبى المغيره قال:الإمام الصادق عليه السلام فى بيان مَواعِظِ لُقمانَ لِابنِهِ :يابُنَىَّ ، إنَّ الدُّنيا بَحرٌ عَميقٌ ، قَد هَلَكَ فيها عالَمٌ كَثيرٌ ، فَاجعَل سَفينَتَکَ فيهَا الإيمانَ ، وَاجعَل شِراعَهَا التَّوَكُّلَ ، وَاجعَل زادَکَ فيها تَقوَى اللّهِ ، فَإن نَجَوتَ فَبِرَحمَهِ اللّهِ ، وإن هَلَكتَ فَبِذُنوبِکَ . (2)2.289 . الشيخ الطوسى والصدوقبإسنادهما إلى يونس بن يعقالإمام الكاظم عليه السلام :إنَّ لُقمان قالَ لِابنِهِ : . . . يابُنَىَّ ، إنَّ الدُّنيا بَحرٌ عَميقٌ ، قد غَرِقَ فيها عالَمٌ كَثيرٌ ، فَلتَكُن سَفينَتُکَ فيها تَقوَى اللّهِ ، وحَشوُهَا الإيمانَ ، وشِراعُهَا التَّوَكُّلَ ، وقَيِّمُهَا (3) العَقلَ ، ودَليلُهَا العِلمَ ، وسُكّانُهَا (4) الصَّبرَ . (5)1.290 . الصدوق بإسناده عن زراره عن أبى جعفر عليه السلام عليه السلام :كانَ لُقمان يَقولُ لِابنِهِ : يابُنَىَّ ، إنَّ الدُّنيا بَحرٌ ، وقَد غَرِقَ فيها جيلٌ كَثيرٌ ، فَلتَكُن سَفينَتُکَ فيها تَقوَى اللّهِ تَعالى ، وَليَكُن جِسرُکَ إيمانا بِاللّهِ ، وَليَكُن شِراعُهَا التَّوَكُّلَ ، لَعَلَّکَ يابُنَىَّ تَنجو وما أظُنُّکَ ناجِيا . (6) .

1- .غرر الحكم : ح 9064 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 425 ح 7207 .
2- .تفسير القمّى : ج2 ص163 عن حمّاد، كتاب من لايحضره الفقيه : ج2 ص282 ح2457، الاعتقادات : ص49، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 540 ح 1875 ، أعلام الدين : ص 93 نحوه ، بحار الأنوار : ج 6 ص 250 ح 87 .
3- .القيِّم : السيّد وسائس الأمر (لسان العرب : ج 12 ص 502 «قيم») .
4- .سُكّان السفينه : ما تُسكّن به السفينه وتمنع من الحركه والاضطراب (لسان العرب : ج 13 ص 210 «سكن») .
5- .الكافى : ج 1 ص 16 ح 12 ، تحف العقول : ص 386 كلاهما عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 78 ص 299 ح 1 .
6- .قصص الأنبياء : ص 190 ح 238 عن عبد الحميد عن أبى الحسن عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 135 وفيه «حشوها» بدل «جسرک» ، بحار الأنوار : ج 13 ص 416 ح 10 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 304 ، الدرّ المنثور : ج 6 ص 518 نقلاً عن ابن حنبل وفيهما «حشوها» بدل «جسرک» .

ه مَثَل سراب

و مَثَل دریای ژرف

ه مَثَل سراب292.1 . حکی الشوکانی عن ابن حنبل روایته عن عائشه :امام علی علیه السلام :هرکه در پیِ سراب بدَوَد، خسته تر و تشنه تر می شود.

و مَثَل دریای ژرف293.ثمّ قال الشوکانی :امام صادق علیه السلام در بیان اندرزهای لقمان به فرزندش :فرزندم! دنیا ، دریایی ژرف است که خلقی بسیار در آن نابود شدند . پس کِشتی خود را در آن ، ایمان قرار ده و بادبانش را توکلّ و توشه ات را تقوای الهی . [با این حال] اگر رستی ، به لطف خدا رسته ای و اگر هلاک شدی ، به سبب گناهانت هلاک شده ای».294.1 . الشریف الرضی قدس سره وغیره عن الإمام أمیرامام کاظم علیه السلام :لقمان به فرزندش گفت: «... فرزندم! دنیا ، دریای ژرفی است که مردمان بسیاری در آن غرق شدند . پس کشتی تو در آن باید تقوای الهی باشد و اندرون آن کشتی ، ایمان و بادبانش ، توکلّ و ناخدایش ، خِرد و راهنمایش ، دانش و سُکّانش ، شکیبایی».295.2 . الآمدی مرفوعا عن الإمام أمیر المؤمنین علیه القصص الأنبیاء:لقمان علیه السلام به فرزندش می گفت: «فرزندم! دنیا ، دریایی است که نسل های فراوانی در آن غرق گشته اند . پس باید که کِشتی تو در این دریا ، پروا از خدای تعالی باشد و گذرگاهت ، ایمان به خدا و بادبانش توکّل باشد تا نجات یابی ، فرزندم! هرچند [با این همه] گمان نمی کنم که نجات یابی» .

.

296.الكلينى بإسناده المرفوع عن رسول اللّه صلى الله علالاختصاص عن الأَوزاعىّ :إنَّ لُقمان الحَكيمَ رحمه الله لَمّا خَرَجَ مِن بِلادِهِ نَزَلَ بِقَريَةٍ بِالمَوصِلِ يُقالُ لَها : كومليس (1) . قالَ : فَلَمّا ضاقَ بِها ذَرعُهُ وَاشتَدَّ بِها غَمُّهُ ولَم يَكُن بِها أحَدٌ يُعينُهُ عَلى أمرِهِ ، أغلَقَ البابَ وأدخَلَ ابنَهُ يَعِظُهُ ، فَقالَ :

يابُنَىَّ ، إنَّ الدُّنيا بَحرٌ عَميقٌ هَلَكَ فيها بَشَرٌ كَثيرٌ ، تَزَوَّد مِن عَمَلِها وَاتَّخِذ سَفينَةً حَشوُها تَقوَى اللّهِ ، ثُمَّ اركَب لُجَجَ الفُلكِ تَنجو ، وإنّى لَخائِفٌ أَلاّ تَنجُوَ .

يابُنَىَّ ، السَّفينَةُ إيمانٌ ، وشِراعُهَا التَّوَكُّلُ ، وسُكّانُهَا الصَّبرُ ، ومَجاذيفُهَا الصَّومُ وَالصَّلاةُ وَالزَّكاةُ .

يابُنَىَّ ، مَن رَكِبَ البَحرَ مِن غَيرِ سَفينَةٍ غَرِقَ . (2)ز مَثَلُ الثَّوبِ المَشقوقِ298.الحميرى بإسناده عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم ارسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَثَلُ هذِهِ الدُّنيا مَثَلُ ثَوبٍ شُقَّ مِن أوَّلِهِ إلى آخِرِهِ ، فَبَقِىَ مُتَعَلِّقا بِخَيطٍ فى آخِرِهِ ، فَيوشِكُ ذلِكَ الخَيطُ أن يَنقَطِعَ . (3) .

1- .وفى بعض النسخ : «كوماس» (هامش المصدر) .
2- .الاختصاص : ص 336 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 427 ح 22 نقلاً عن كتاب النوادر لجعفر بن الحسين وفيه «يتّبعه على أثره» بدل «يعينه على أمره» .
3- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 260 ح 10240 ، مشكاه المصابيح : ج 3 ص 49 ح 5515 كلاهما عن أنس ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 317 ، حليه الأولياء : ج 8 ص 131 عن أنس وفيه «الدنيا والآخره» بدل «هذه الدنيا» و«منها فما لبث» بدل «فى آخره فيوشك» ، كنز العمّال : ج 3 ص 231 ح 6301 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 148 وفيه «هذه» بدل «مثل هذه» .

ز مَثَل جامه دریده

299.1 . روی القمّی بإسناده عن إسحاق بن عمّار عن أبی عالاختصاص به نقل از اوزاعی :لقمان حکیم ، چون از شهر خویش برون شد ، در آبادی ای در موصل فرود آمد که بدان ، کوملیس (1) می گفتند. چون در آن آبادی طاقتش طاق شد و غَمَش بالا گرفت و در آن آبادی کسی نبود که او را در کارهایش کمک کند [و از غم و تنهایی به در آورد]، در به روی خویش بست و فرزندش را به درون خواند و به اندرز دادن وی پرداخت و گفت:

«فرزندم! دنیا ، دریای ژرفی است که انسان های بسیار در آن نابود شدند. از کار دنیا توشه برگیر و کِشتی ای بساز ، اندرونش از تقوای الهی . سپس با آن ، گرداب های این دریا را بپیمای تا نجات یابی، گرچه باز هم می ترسم که نجات نیابی.

فرزندم! آن کشتی، ایمان است و بادبانش ، توکلّ و سکّانش ، شکیبایی و پاروهایش ، روزه و نماز و زکات.

فرزندم! هرکه بی کشتی به دریا برود ، غرق می شود».ز مَثَل جامه دریده301.1 . عن أمیر المؤمنین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مَثَل این دنیا ، مَثَل جامه ای است که از سِر تا به تَه ، دریده و در انتهایش به نخی آویخته است. زودا که آن نخ نیز بگُسلد.

.

1- .در برخی نسخه ها، «کوماس» است.

1 / 5مَثَلُ أهلِ الدُّنياأ مَثَلُ المُسافِرِ305.1 . روى الصدوق بإسناده عن طلحه بن يزيد ، عن جعفرروضه الواعظين :قيلَ لِلنَّبِى صلى الله عليه و آله : كَيفَ يَكونُ الرَّجُلُ فِى الدُّنيا؟

قالَ : مُتَشَمِّرا (1) كَطالِبِ القافِلَهِ .

قيلَ : فى كَمِ القَرارُ فيها؟

قالَ : كَقَدرِ المُتَخَلِّفِ عَنِ القافِلَهِ .

قيلَ : فَكَم ما بَينَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ؟

قالَ : غَمضَهُ عَينٍ ؛ قالَ اللّهُ : «كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُواْ إِلاَّ سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ» (2) . (3)306.2 . روى الصدوق والمفيد الثانى قدس سرهبإسنادهما عنالإمام علىّ عليه السلام :أهلُ الدُّنيا كَرَكبٍ يُسارُ بِهِم وهُم نِيامٌ . (4)307.3 . روى الصدوق بإسناده عن المعلّى بن خنيس، قالَ :عنه عليه السلام :إنَّ أهلَ الدُّنيا كَرَكبٍ ؛ بَينا هُم حَلّوا إذ صاحَ بِهِم سائِقُهُم فَارتَحَلوا . (5)308.1 . الشهيد الثانى بإسناده إلى الشيخ الطوسى، بإسناعنه عليه السلام فى صِفَهِ الدُّنيا :إنَّما مَثَلُكُم ومَثَلُها كَرَكبٍ سَلَكوا سَبيلاً فَكَأَن قَد قَطَعوهُ ، وأفضَوا إلى عَلَمٍ (6) فَكَأن قَد بَلَغوهُ ، وكَم عَسَى المُجرى إلَى الغايَهِ أن

يُجرى إلَيها حَتّى يَبلُغَها ، وكَم عَسى أن يَكونَ بَقاءُ مَن لَهُ يَومٌ لا يَعدوهُ ، وطالِبٌ حَثيثٌ فِى الدُّنيا يَحدوهُ حَتّى يُفارِقَها؟ ! (7) .

1- .التَّشمِيرُ فى الأمر : السرعه فيه والخفّه . وشمّر ثوبه : رفعه . ومنه قيل : شمَّر فى العباده ؛ إذا اجتهد وبالغ (المصباح المنير : ص 322 «شمر») .
2- .الأحقاف : 35 .
3- .روضه الواعظين : ص 491 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 122 ح 110 .
4- .نهج البلاغه : الحكمه 64 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 77 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 128 ح 131 .

5- .نهج البلاغه : الحكمه 415 ، مشكاه الأنوار : ص 468 ح 1563 ، روضه الواعظين : ص 483 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 132 ح 136 ؛ مطالب السؤول : ص 57 .
6- .العَلَم : شىء يُنصب فى الفلوات تهتدى به الضالّه (لسان العرب : ج 12 ص 419 «علم») .
7- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 429 ح 1263 ، مصباح المتهجّد : ص 381 ح 508 وفيه «من الموت» بدل «فى الدنيا» وليس فيه «حتّى يفارقها» ، بحار الأنوار : ج 89 ص 237 ح 68 .

الف مَثَل مسافر

1 / 5مَثَل اهل دنیاالف مَثَل مسافر312.1 . فی مجمع البیان نقلاً عن تفسیر العیّاشی بإسنادروضه الواعظین:به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: آدمی در دنیا چگونه به سر بَرَد؟

فرمود: «کوشا، همچون جوینده کاروان».

گفته شد: چند در آن بماند؟

فرمود: «به اندازه شخص عقب مانده از کاروان» .

گفته شد: فاصله میان دنیا و آخرت ، چند است؟

فرمود: «چشم بستنی. خدای می فرماید: «روزی که آنچه را وعده داده می شوند ، بنگرند، گویی که آنان ، جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده اند» .313.2 . روی الکلینی بإسناده عن سلام بن المستنیر، عن أامام علی علیه السلام :مردم دنیا، به سان کاروانی خفته اند که می بَرَندشان.314.3 . روی الصدوق بإسناده عن عبدالحمید، عن ابن أبی اامام علی علیه السلام :مردم دنیا، چونان کاروانیانی هستند که هنوز بار نیفکنده ، ساربان بر آنان بانگ [الرحیل] می زند و می کوچند.315.4 . وروی الکلینی قدس سره بإسناده عن عمر بن یزید،امام علی علیه السلام در توصیف دنیا :حکایت شما و حکایت دنیا ، به سانِ مسافرانی است که در راهی قدم گذاشتند و گویی ، آن را پشت سر نهاده اند و به سوی نشانی رفتند و چنان است که بدان رسیده اند. آن که [مَرکب خویش را] به سوی هدفی تازاند ، چند امید است که بتازد تا بدان رسد و آن که عمر یک روزه ای بیش ندارد و جوینده ای شتابان (یعنی مرگ) در دنیا او را می راند تا از دنیا جدا شود، چند امید است که بمانَد؟!

.

316.1 . الشريف الرضى قدس سره عن أمير المؤمنين عليه العنه عليه السلام :عبادَ اللّه ! أُوصيكُم بِالزَّفضِ لِهذِهِ الدُّنيا . . . فَإِنَّما مَثَلُكُم ومَثَلُها كَسَفرٍ (1) سَلَكوا سَبيلاً فَكَأَنَّهُم قَد قَطَعوهُ ، وأمّوا عَلَما فَكَأَنَّهُم قَد بَلَغوهُ .

317.2(2) . روى الكليني قدس سره بإسناده إلى الأصبغ بن نباعنه عليه السلام :أيُّهَا النّاسُ ! إنَّ الدُّنيا لَيسَت لَكُم بِدارٍ ولا قَرارٍ ، إنَّما أنتُم فيها كَرَكبٍ عَرَّسوا (3) فَأناخوا ، ثُمَّ استَقَلّوا فَغَدَوا وراحوا ، دَخَلوا خِفافا وراحوا خِفافا ، لَم يَجِدوا عَن مُضِيٍّ نُزوعا ، ولا إلى ما تَرَكوا رُجوعا ، جُدَّ بِهِم فَجَدّوا ، ورَكَنوا إلَى الدُّنيا فَمَا استَعَدّوا ، حَتّى إذا اُخِذَ بِكَظَمِهِم (4) وخَلَصوا (5) إلى دارِ قَومٍ جَفَّت أقلامُهُم ، لَم يَبقَ مِن أكثَرِهِم خَبَرٌ ولا أثَرٌ ، قَلَّ فِى الدُّنيا لَبثُهُم ، وعُجِّلَ إلَى الآخِرَهِ بَعثُهُم ، فَأصبَحتُم حُلولاً فى دِيارِهِم ، ظاعِنينَ (6) عَلى آثارِهِم ، وَالمَطايا بِكُم تَسيرُ سَيرا ما فيهِ أينٌ (7) ولا تَفتيرٌ ، نَهارُكُم بِأنفُسِكُم دَؤوبٌ ، ولَيلُكُم بِأرواحِكُم ذَهوبٌ ، فَأصبَحتُم تَحكونَ مِن حالِهِم حالاً وتَحتَذونَ مِن مَسلَكِهِم مِثالاً ، فَلا تَغُرَّنَّكُمُ الحَياهُ الدُّنيا ؛ فَإِنَّما أنتُم فيها سَفرٌ حُلولٌ ، المَوتُ بِكُم نُزولٌ ،

فيكُم مَناياهُ ، وتَمضى بِأَخبارِكُم مَطاياهُ ، إلى دارِ الثَّوابِ وَالعِقابِ وَالجَزاءِ وَالحِسابِ . (8) .

1- .السَّفْرُ : جَمْعُ سافِر ، والمُسافِرون جمع مُسافِرُ ، والسَّفْرُ والمسافرون بمعنى (النهايه : ج 2 ص 371 «سفر») .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 99 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 254 وفيه «كرَكب» بدل «كسفر» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 113 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
3- .التعريس : نزول المسافر آخر الليل نزله للنوم والاستراحه ، يقال : عرّس (النهايه : ج 3 ص 206 «عرس») .
4- .. الكَظَم : هو مخرج النَفَس من الحلق (النهايه : ج 4 ص 178 «كظم») .
5- .خَلَصَ إليه : وَصَلَ (القاموس المحيط : ج 2 ص 301 «خلص») .
6- .ظَعَنَ : ارتحل ، والفاعل : ظاعن (المصباح المنير : ص 385 «ظعن») .
7- .الأين : الإعياء والتعب (النهايه : ج 1 ص 87 «أين») .
8- .الكافى : ج 8 ص 171 ح 193 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 149 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 348 ح 30 وراجع مطالب السؤول : ص 51 .

318.3 . روی الشریف الرضی قدس سره عنه علیه السلام فی خامام علی علیه السلام :ای بندگان خدا! شما را به روی برتافتن از این دنیا سفارش می کنم... زیرا حکایت شما و حکایت آن ، به مانند مسافرانی است که در راهی قدم گذاشته اند و گویی آن را پشت سر نهاده اند و آهنگ نشانه ای کردند و چنان است که بدان رسیده اند.319.4 . وروی عنه أیضا :امام علی علیه السلام :ای مردم! دنیا ، نه سرای شهادت و نه ماندنگاهتان است؛ بلکه شما در آن به سان کاروانی هستید که اواخر شب در جایی اتراق می کنند و می آسایند، و صبحگاهان بر می نشینند و می کوچند ، زود در می آیند و زود می روند، از رفتن گزیری نمی یابند و به آنچه بر جای نهاده اند ، بازگشتی ندارند. آنان را به شتاب وا داشتند و شتافتند، و به دنیا میل کردند و خود را آماده نساختند، تا آن که حلقومشان گرفته شد و به سرای مردمانی در آمدند که قلم هایشان خشکید (1) و از بیشتر آنان ، نام و نشانی نماند. در دنیا ، اندک ماندند و زود ، رهسپار آخرت شدند و شما در خانه های آنان ، مقیم شدید و در پیِ آنان می کوچید و مَرکب ها، بی هیچ خستگی و سستی، شما را می برند. روزتان ، جسم های شما را می فرساید و شبتان ، جان های شما را می بَرَد و شما ، حکایتگر حالِ آن رفتگان می شوید و به راه آنان می روید. پس، زنهار که زندگی دنیا شما را نفریبد؛ چه ، شما در دنیا مسافرانی هستید فرود آمده [در این منزلگاه]، و مرگ در میان شما فرود آمده و با تیرهای نابودی آماجتان قرار

داده و مَرکب های آن ، خبرهای شما را به سوی سرای پاداش و کیفر و سزا و حساب می بَرَد. .

1- .مراد ، این است که : به خاطر دور بودن روزگار آنها و نابود شدن آثارشان ، قلم مردمان ، از این که آثار آنان را ثبت کند ، خشکید به خاطر دوری دوران آنها و نابودی آثارشان (بحار الأنوار : ج 74 ص 248). احتمال هم دارد که مراد، قلم فرشتگان باشد. در این صورت، کنایه از قطع شدن علم فرشتگان نسبت به آنهاست . احتمال هم دارد کنایه از چیزی باشد که در لوح و قلم ، تقدیر شده است. گویا براساس آن، فرشتگان از نگارش آنچه مربوط به آنهاست ، فارق شده اند و دیگر به حساب آورده نمی شوند (شرح اصول الکافی ملاّ صالح مازندرانی ج12، ص209).

320.المجلسى عن جامع الاُصول، عن علىّ عليه السلام ، قاعنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام :يابُنَيَّ إنّى قَد أنبَأتُکَ عَنِ الدُّنيا وحالِها وزَوالِها وَانتِقالِها ، وأنبَأتُکَ عَنِ الآخِرَهِ وما اُعِدَّ لِاءَهلِها فيها ، وضَرَبتُ لَکَ فيهِمَا الأمثالَ ، لِتَعتَبِرَ بِها ، وتَحذُوَ عَلَيها .

إنَّما مَثَلُ مَن خَبَرَ الدُّنيا كَمَثَلِ قَومٍ سَفرٍ نَبا (1) بِهِم مَنزِلٌ جَديبٌ (2) ، فَأَمّوا مَنزِلاً خَصيبا وجَنابا (3) مَريعا (4) ، فَاحتَمَلوا وَعثاءَ (5) الطَّريقِ ، وفِراقَ الصَّديقِ ، وخُشونَهَ السَّفَرِ ، وجُشوبَهَ (6) المَطعَمِ ، لِيَأتوا سَعَهَ دارِهِم ، ومَنزِلَ قَرارِهِم ، فَلَيسَ يَجِدونَ لِشَىءٍ مِن ذلِکَ أَلَما ، ولا يَرَونَ نَفَقَهً فيهِ مَغرَما ، ولا شَىءَ أحَبُّ إلَيهِم مِمّا قَرَّبَهُم مِن مَنزِلِهِم ، وأدناهُم مِن مَحَلَّتِهِم .

ومَثَلُ مَنِ اغتَرَّ بِها كَمَثَلِ قَومٍ كانوا بِمَنزِلٍ خَصيبٍ ، فَنَبا بِهِم إلى مَنزِلٍ جَديبٍ ، فَلَيسَ شَىءٌ أكرَهَ إلَيهِم وِلا أفظَعَ عِندَهُم مِن مُفارَقَهِ ما كانوا فيهِ إلى ما يَهجُمونَ عَلَيهِ ، ويَصيرونَ إلَيهِ . (7)321.1 . عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :عِبادَ اللّهِ ، اللّهَ اللّهَ فى أعَزِّ الأنفُسِ عَلَيكُم ، وأحَبِّها إلَيكُم ، فَإِنَّ اللّهَ قَد

أوضَحَ لَكُم سَبيلَ الحَقِّ وأنارَ طُرُقَهُ ، فَشَقوَهٌ لازِمَهٌ ، أو سَعادَهٌ دائِمَهٌ ؛ فَتَزَوَّدوا فى أيّامِ الفَناءِ لِاءَيّامِ البَقاءِ ، قد دُلِلتُم عَلَى الزّادِ ، واُمِرتُم بِالظَّعنِ ، وحُثِثتُم عَلَى المَسيرِ ، فَإِنَّما أنتُم كَرَكبٍ وُقوفٍ ، لا يَدرونَ مَتى يُؤمَرونَ بِالسَّيرِ . ألا فَما يَصنَعُ بِالدُّنيا مَن خُلِقَ لِلآخِرَهِ ؟ ! (8) .

1- .نَبَا بِهِ منزله : إذا لم يوافقه (النهايه : ج 5 ص 11 «نبا») .
2- .جَدُب المكان : يَبُسَ لاحتباس الماء عنه (المعجم الوسيط : ج 1 ص 109 «جدب») .
3- .الجناب : الناحيه (النهايه : ج 1 ص 303 «جنب») .
4- .أرض مَرِيعه : مخصبه (الصحاح : ج 3 ص 1223 «ريع») .
5- .الوَعثاء : الشدّه والمشقّه (النهايه : ج 5 ص 206 «وعث») .
6- .الجَشِب : الغليظ الخشن من الطعام (النهايه : ج 1 ص 272 «جشب»).
7- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 73 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 202 ح 1 .
8- .نهج البلاغه : الخطبه 157 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 431 ح 46 .

322.2 . ما رواه الكلينى بإسناده عن يزيد بن خليفه، قالامام على عليه السلام در سفارش به فرزندش حسن عليه السلام :فرزندم! من ، تو را از دنيا و حال و روز آن ، و از كف رفتن و دست به دست شدنش آگاه ساختم، و از آخرت و آنچه براى اهل آخرت در آن جا آماده شده است ، تو را آگاه ساختم، و درباره آن ، برايت نمونه هايى آوردم تا از آنها درس بياموزى و راه درست بپويى.

همانا حكايت آن كه حقيقت دنيا را شناخت ، [مردم دنيا در نظرش [حكايت گروه مسافرانى است كه فرود آمدن در منزلگاهى خشك و بى آب و علف را خوش ندارند و آهنگ منزلگاهى سرسبز و ناحيه اى خرّم كنند . پس دشوارى راه و فراق يار و سختى سفر و ناگوارى خوراك را تحمّل كنند تا به سراى دلباز و منزلگاه آسوده خود در آيند . چنين مسافرانى از هيچ يك از اين سختى ها درد و رنجى احساس نمى كنند و از خرج كردن در اين باره ، زيان نمى بينند و هيچ چيز برايشان دوست داشتنى تر از آن چيزى نيست كه آنان را به سرمنزل مقصود و بارافكنشان نزديك مى گردانَد.

و حكايت كسى كه فريفته دنيا شود، حكايت گروهى است كه در منزلگاهى سرسبز و خرّم ، فرود آمده باشند و از آن جا به منزلگاهى خشك بكوچند. براى چنين گروهى ، چيزى ناخوشايندتر و وحشتناك تر از آن نيست كه از آن جايى كه بوده اند ، جدا شوند و به آن جايى كه مى كوچ اند و رهسپار آن اند، بروند.323.3 . ما رواه الآمدى عن أمير المؤمنين عليه السلام :امام على عليه السلام :اى بندگان خدا! خداى را در نظر آوريد و به آن كه در نزد شما عزيزترين و محبوب ترين است (يعنى خودتان) بينديشيد ، كه خداوند ، مسير

حق را براى شما آشكار نموده و راه هايش را روشن ساخته است . پس [در نهايت [يا شوربختى ماندگار است يا نيك بختى پايدار . بنا بر اين، در روزهاى رفتنى ، براى روزهاى ماندگارى [خود] توشه برگيريد. توشه به شما نشان داده شده و به كوچيدن فرمانتان داده اند و به رفتن ، ترغيب شده ايد. شما به سان كاروانى هستيد كه توقّف كرده و نمى دانند كه چه وقت فرمان حركت داده مى شوند. هان! با دنيا چه كند آن كه براى آخرت آفريده شده است؟!.

324.روى الصدوق قدس سره بإسناده عن ابن عبّاس قال :الإمام الباقر عليه السلام :أهلُ الدُّنيا سَفرٌ يَحُلّونَ عَقدَ رِحالِهِم فى غَيرِها . (1)ب مَثَلُ الضَّيفِ326.2 . الشيخ الطوسى بإسناده عن علىّ بن جعفر، عن أخيهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ النّاسَ فِى الدُّنيا ضَيفٌ ، وما فى أيديهِم عارِيَةٌ ، وإنَّ الضَّيفَ راحِلٌ ، وإنَّ العارِيَةَ مَردودَةٌ . (2)327.ما رواه الشيخ والكلينى بإسنادهما عن بكر بن حبيب ،عنه صلى الله عليه و آله :ما أصبَحَ فِى الدُّنيا أحَدٌ إلاّ ضَيفا ومالُهُ عارِيَةٌ ، فَالضَّيفُ مُنطَلِقٌ وَالعارِيَةُ مُؤَدّاةٌ . (3)328.والكلينى بإسناده عن ابن أبى يعفور ، عن أبى عبد الإلإمام علىّ عليه السلام :عِبادَ اللّهِ ! إنَّكُم وما تَأمُلُونَ مِن هذِهِ الدُّنيا أثوِياءُ (4) مُؤَجَّلونَ . (5)329.1 . ابن حنبل بإسناده عن ابن عبّاس ، قال :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ أبوذَرٍّ رضى الله عنه يَقولُ فى خُطبَتِهِ : يا مُبتَغِىَ العِلمِ ، كَأَنَّ شَيئا مِنَ الدُّنيا لَم يَكُن شَيئا ، إلاّ ما يَنفَعُ خَيرُهُ ويَضُرُّ شَرُّهُ إلاّ مَن رَحِمَ اللّهُ .

يا مُبتَغِىَ العِلمِ ، لايَشغَلُكَ أهلٌ ولا مالٌ عَن نَفسِكَ ، أنتَ يَومَ تُفارِقُهُم كَضَيفٍ بِتَّ فيهِم ثُمَّ غَدَوتَ عَنهُم إلى غَيرِهِم ، وَالدُّنيا وَالآخِرَةُ كَمَنزِلٍ تَحَوَّلتَ مِنهُ إلى

غَيرِهِ ، وما بَينَ المَوتِ وَالبَعثِ إلاّ كَنَومَةٍ نِمتَها ثُمَّ استَيقَظتَ مِنها .

يا مُبتَغِىَ العِلمِ ، قَدِّم لِمَقامِكَ بَينَ يَدَيِ اللّهِ ، فَإِنَّكَ مُثابٌ بِعَمَلِكَ ، كَما تَدينُ تُدانُ يا مُبتَغِىَ العِلمِ . (6) .

1- .تحف العقول : ص 299 ، الأمالى للمفيد : ص 18 ح 5 عن محمّد بن الحنفيّه من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 78 ص 179 ح 59 ؛ البدايه والنهايه : ج 9 ص 282 من دون إسنادٍ إلى المعصوم .
2- .إرشاد القلوب : ص 23 ، أعلام الدين : ص 344 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 187 ح 10 .
3- .الفردوس : ج 4 ص 63 ح 6197 عن أبى سعيد الخدرى .
4- .الثَّوِىّ : الضيف (الصحاح : ج 6 ص 2296 «ثوى») .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 129 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 89 ح 940 .
6- .الكافى : ج 2 ص 134 ح 18 عن أبى بصير ، الأمالى للمفيد : ص 179 ح 1 وفيه «إلاّ عملاً ينفع» بدل «إلاّ ما ينفع» و«نزلته ثمّ عدلت عنه» بدل «تحوّلت منه» ، الأُصول الستّه عشر : ص 35 وفيهما «مرتهن» بدل

«مثاب» ، المحاسن : ج 1 ص 357 ح 759 كلّها عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام ، الأمالى للطوسى : ص 543 ح 1165 عن مسعده بن زياد الربعى عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 65 ح 34 .

ب مَثَل میهمان

330.2 . الکلینی بإسناده عن عذافرقال :امام باقر علیه السلام :مردم دنیا ، مسافرانی هستند که در غیرِ دنیا بار می گشایند (بارانداز نهایی شان آخرت است).ب مَثَل میهمان1.332 . روی الشریف الرضی قدس سره کتاب الإمام أمیر المپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مردم در دنیا ، میهمان هستند و آنچه در اختیار دارند ، عاریت است. میهمان ، رفتنی است و عاریت ، پس دادنی.333.2 . روی الکلینیوالصدوقبإسنادهما عن عبد العزیز بنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس در دنیا نیست ، مگر آن که میهمان است و دارایی اش عاریت. میهمان ، رفتنی است و عاریت ، بازگرداندنی.334.1 . فی أمالی الطوسی بإسناده عن عبد الرحمن بن کثیرامام علی علیه السلام :بندگان خدا! شما و آرزوهای شما در این دنیا ، میهمانانی موقّت هستید.335.وفی حدیث آخر :امام صادق علیه السلام :ابو ذر در سخنرانی اش می گفت: ای جوینده دانش! هیچ چیز دنیا را چیز مینگار جز آنچه خیرش سود رساند و شرّش زیان زند ، مگر به کسی که خدایش بدو رحم کند. ای جوینده علم! زنهار، زن و فرزند و مال ، تو را از خویشتن باز ندارد؛ چه، روزی که از آنها جدا می شوی ، [خواهی دانست که [همانند میهمانی بوده ای که شبی را در میان ایشان گذرانده ای و صحبگاهان از نزدشان به جای دیگران رفته ای . دنیا و آخرت ، به سانِ منزلگاهی است که از آن به منزلگاهی دیگر منتقل شده ای. فاصله ای میان مرگ و رستاخیر نیست ،

مگر به اندازه خوابی کوتاه که بخوابی و سپس ، بیدار شوی.

ای جوینده دانش! برای آن روز که در پیشگاه خداوند قرارگیری ، چیزی پیش فرست؛ زیرا که تو در برابر عملت پاداش می یابی . ای جوینده دانش! از هر دست که بدهی ، با همان دست پس می گیری.

.

ج مَثَلُ ساكِنِ دارٍ لَيسَت لَهُ337.عن أمير المؤمنين عليه السلام :الإمام الكاظم عليه السلام :كُن فِى الدُّنيا كَساكِنِ دارٍ لَيسَت لَهُ ، إنَّما يَنتَظِرُ الرَّحيلَ . (1)1 / 6الدُّنيَا الحَميدَهُأ ما كانَ للّهِ341.و ما روى عن الإمام الصادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ الدُّنيا مَلعونَهٌ مَلعونٌ ما فيها ، إلاّ مَا ابتُغِىَ بِهِ وَجهُ اللّهِ . (2)342.عن أمير المؤمنين عليه السلام وقد سمع قوما من أصعنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا مَلعونَهٌ مَلعونٌ ما فيها ، إلاّ ما كانَ لِلّهِ . (3) .

1- .تحف العقول : ص 398 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 313 ح 1 .
2- .الأمالى للطوسى : ص 531 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 368 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 56 ، أعلام الدين : ص 194 كلّها عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 80 ح 3 .
3- .الزهد لابن حنبل : ص 37 عن محمّد بن المنكدر ، حليه الأولياء : ج 3 ص 157 عن جابر ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 298 ، جامع المسانيد : ج 2 ص 72 عن اُمّ هانئ وفى ذيله «إلاّ المؤمنين وما كان للّه تعالى» ، كنز العمّال : ج 3 ص 185 ح 6083 .

ج مَثَل ساکن در خانه ای که از او نیست

1 / 6 دنیای پسندیده

الف آنچه برای خدا باشد

ج مَثَل ساکن در خانه ای که از او نیست344.1 . الإمام الصادق علیه السلام :امام کاظم علیه السلام :در دنیا ، مانند کسی باش که در خانه ای ساکن است که مال او نیست و منتظر رفتن است.1 / 6دنیای پسندیدهالف آنچه برای خدا باشد348.3 . وروی عنه علیه السلام أیضا أنّه قد سمع رجلاً یپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، لعنت شده است و آنچه در آن است نیز لعنت شده ، مگر آنچه بدان رضایت خدا طلب شود.349.1 . الشیخ الطوسی والکلینیبإسنادهما (والصدوق مرسلاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، لعنت شده است و آنچه در آن است نیز لعنت شده ، مگر آنچه برای خدا باشد.

.

350.2 . الشيخ الطوسى بإسناده عن محمّد بن مسلم، عن أبيعنه صلى الله عليه و آله :يُؤتى بِالدُّنيا يَومَ القِيامَهِ ، فَيُمازُ (1) ما كانَ لِلّهِ ، ثُمَّ يُقَدَّمُ سائِرُهُ إلَى النّارِ . (2)351.ب ما رواه الكلينى والشيخ الطوسى بإسناده عن الكلالإمام الصادق عليه السلام :فى مُناجاهِ موسى عليه السلام : يا موسى ، إنَّ الدُّنيا دارُ عُقوبَهٍ ، عاقَبتُ فيها آدَم عِندَ خَطيئَتِهِ ، وجَعَلتُها مَلعونَهً ؛ مَلعونٌ ما فيها إلاّ ما كانَ فيها لى . (3)ب ما كانَ لِلآخِرَهِ353.قد ورد عن النبىّ صلى الله عليه و آله وأهل بيته علرسول اللّه صلى الله عليه و آله لِاَبى ذَر :يا أبا ذَرٍّ ، لا يَصيرُ مِنَ الدُّنيا ما كانَ لِلآخِرَهِ ، إنَّما يَصيرُ مِنَ الدُّنيا ما كانَ لِلدُّنيا . (4)354.1 . ما رواه الصدوق قدس سره بإسناده عن أحمد بن المعنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا مَلعونَهٌ مَلعونٌ ما فيها ، إلاّ بُلغَهَ المُؤمِنِ لِمَعادِهِ ، أو ذِكرَ اللّهِ ، أو ما والاهُ عالِمٌ أو مُتَعَلِّمٌ . (5)355.2 . روى ابن حنبل والبيهقيبإسنادهما عن أبى سعيد الالإمام علىّ عليه السلام :إنَّما لَکَ مِن دُنياکَ ما أصلَحتَ بِهِ مَثواکَ . (6) .

1- .مُزتُ الشىءَ فانماز : عزلته وفرزته (الصحاح : ج 3 ص 897 «ميز») .
2- .الفردوس : ج 5 ص 460 ح 8754 عن أبى هريره ، الزهد لابن المبارک : ص 192 ح 544 عن عباده بن الصامت ، شُعب الإيمان : ج 5 ص 338 ح 6848 عن عماره وكلاهما نحوه و من دون إسناد إلى رسول اللّه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : ج 3 ص 237 ح 6329 .
3- .الكافى : ج 2 ص 317 ح 9 ، ثواب الأعمال : ص 263 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 765 ح 1028 ، تفسير القمّى : ج 1 ص 243 كلّها عن حفص بن غياث ، مشكاه الأنوار : ص 470 ح 1575 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 21 ح 10 .
4- .الفردوس : ج 5 ص 341 ح 8375 ، كنز العمّال : ج 3 ص 728 ح 8593 نقلاً عن أبى نعيم وكلاهما عن ابن عبّاس .
5- .الفردوس : ج 2 ص 231 ح 3111 عن أبى هريره .
6- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 117 ، تحف العقول : ص 83 ، كشف المحجّه : ص 233 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 133 ح 66 ؛ كنز العمّال : ج 16 ص 180 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .

ب آنچه برای آخرت باشد

356.عن الإمام الصادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روز قیامت، دنیا را می آورند و آنچه برای خدا بوده ، به کناری نهاده می شود . سپس ، بقیه آن به آتش برده می شود.357.1 . روی الصدوق بإسناده عن عبد الملک بن عنتره الشیامام صادق علیه السلام :در مناجات خدا با موسی علیه السلام آمده است: «ای موسی ! دنیا، سرای کیفر است . در آن ، آدم را بر خطایش کیفر دادم. دنیا و آنچه را در آن است ، لعنت شده قرار دادم ، مگر آنچه از آن که برای من باشد».ب آنچه برای آخرت باشد359.الاستبصار :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو ذر :ای ابو ذر ! از دنیا آنچه برای آخرت باشد ، دنیایی به شما نمی آید، بلکه آنچه برای دنیا باشد و دنیایی به حساب آید.360.معانی الأخبار :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا و آنچه در آن است ، لعنت شده است ، مگر رهتوشه مؤمن برای معادش، یا ذکر خدا، یا آنچه که دانشمند یا دانشجویی در پیِ آن باشد.361.1 .امام علی علیه السلام :در حقیقت، از دنیای تو آن چیز مال توست که با آن ، آرامگاهت را آباد کنی.

.

ج ما لا يُحاسَبُ عَنهُ يَومَ القِيامَهِ363.3 . الشريف الرضي قدس سرهوالكلينيعن الإمام أمير الإلإمام الصادق عليه السلام :إنِ استَطَعتَ (1) ألاّ تَنالَ مِنَ الدُّنيا شَيئا تُسأَلُ عَنهُ غَدا فَافعَل . (2)راجع : ص 162 (هذا طلب الآخره) .

1 / 7ما رُوِىَ فى عُمُرِ الدُّنيا367.2 . وروى الكلينى بإسناده عن محمّد بن مسلم، قال:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عُمُرُالدُّنيا سَبعَهُ أيّامٍ مِن أيّامِ الآخِرَهِ ، قالَ اللّهُ تَعالى : «وَ إِنَّ يَوْمًا عِندَ رَبِّکَ کَأَلْفِ سَنَهٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ» (3) . (4)368.ما روى عن النبىّ صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا سَبعَهُ آلافِ سَنَهٍ ، وأنَا فى آخِرِها ألفا . . . لا نَبِىَّ بَعدى ولا اُمَّهَ بَعدَ اُمَّتى . (5)369.ما رواه الكلينى والشيخ الطوسيبإسنادهما إلى سماعهعنه صلى الله عليه و آله :مَن قَضى حاجَهَ المُسلِمِ فِى اللّهِ کَتَبَ اللّهُ لَهُ عُمُرَ الدُّنيا سَبعَهَ آلافٍ ؛ صِيامَ نَهارِهِ وقِيامَ لَيلِهِ . (6)370.وأيضا بإسنادهما إلى علىّ بن أبى حمزه، عن أبى عبدعنه صلى الله عليه و آله :لَو أنَّ عَبدا عَبَدَ اللّهَ سَبعَهَ آلافِ سَنَهٍ وهُوَ عُمُرُ الدُّنيا ثُمَّ أتَى اللّهَ يُبغِضُ عَلِى بنَ أبى طالِب جاحِدا (7) لِحَقِّهِ ناکِثا لِوِلايَتِهِ ، لاَعتعَسَ اللّهُ خَيرَهُ

وجَدَعَ أنفَهُ . (8) .

1- .فى المصدر : «مِن ألاّ تنال» والصحيح ما أثبتناه كما فى بحار الأنوار .
2- .كشف الريبه : ص 95 عن عبد اللّه بن سليمان النوفلى ، بحار الأنوار : ج 78 ص 277 ح 112 .
3- .الحجّ : 47 .
4- .الفردوس : ج 3 ص 57 ح 4151 عن أنس وراجع كشف الخفاء : ج 2 ص 314 ح 2799 .
5- .المعجم الكبير : ج 8 ص 303 ح 8146 ، دلائل النبوّه للبيهقى : ج 7 ص 38 ، تاريخ دمشق : ج 67 ص 228 ح 13572 كلّها عن ضحّاک بن زمل الجهنى ، كنز العمّال : ج 14 ص 191 ح 38333 .
6- .تاريخ دمشق : ج 23 ص 133 ح 5026 عن أنس ، كنز العمّال : ج 6 ص 444 ح 16459 .
7- .فى الطبعه المعتمده : «جاهدا» ، والتصويب من طبعه مركز الغدير .
8- .الغدير : ج 2 ص 301 نقلاً عن الحافظ السمّان فى أماليه .

ج آنچه در روز قیامت از آن حسابرسی نشود

1 / 7 گزارش هایی درباره عمر دنیا

اشاره

ج آنچه در روز قیامت از آن حسابرسی نشود372.2 . الشیخ بإسناده عن غیاث بن إبراهیم ، عن جعفر ،امام صادق علیه السلام :اگر توانستی از دنیا چیزی به دست نیاوری که فردا [ی قیامت [برای آن بازخواست شوی، چنین کن.ر . ک : ص163 (این ، دنیاطلبی نیست) .

وص 219 (بخش دوم : دنیای نکوهیده) .

1 / 7گزارش هایی درباره عمر دنیا377.2 . وروی الآمدی مرفوعا عن الإمام أمیر المؤمنین علیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عمر دنیا ، هفت روز از روزهای آخرت است. خدای متعال می فرماید: «یک روز در نزد پروردگار تو ، مانند هزار سال است از آنچه شما می شمرید».378.1 . فی توحید المفضّل عن مولانا الإمام الصادق علیهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا ، هفت هزار سال است و من ، در هزاره آخر آن هستم . پس از من ، پیامبری و پس از امّت من ، امّتی نیست.379.2 . الصدوق قدس سره بإسناده عن أبی هاشم الخادم ، قپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکس از برای خدا نیاز مسلمانی را برآورد ، خداوند به اندازه عمر دنیا که هفت هزار سال است، روزهایش را برای او روزه می نویسد و شب هایش را عبادت.380.3 . روی الصدوق بإسناده عن دینار مولی أنس بن مالکپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر بنده ای به اندازه عمر دنیا که هفت هزار سال است ، خدا را عبادت کند ، ولی با بغض نسبت به علی بن ابی طالب و انکار حقّ او و شکستن

پیمان ولایت او بر خداوند در آید ، خدا خوبی هایش را نابود می کند و بینی اش را می بُرد.

.

381.4 . روي ابن طاووس قدس سره بإسناده قال :الإمام علىّ عليه السلام لَمّا سَأَلَهُ رَجُلٌ عَن عُمُرِ الدُّنيا :يُقالُ : سَبعَهُ آلافٍ ، ثُمَّ لا تَحديدَ (1) . (2) .

1- .قوله : «يقال» إيعاز إلى عدم ارتضائه بذلک ، ويمكن أيضا أن يكون السائل سأل عن ابتداء خلقه آدم عليه السلام إلى زمانه لا ابتداء تكوّن الأرض ووجودها . هذا بالنسبه إلى الابتداء ، وأمّا الانتهاء فقال : لا تحديد ، أي لا نهايه ، ولعلّه بالنسبه إلى نوع الدنيا لا أرضنا هذه بالخصوص (بحار الأنوار : ج10 ص127) .
2- .بحار الأنوار : ج 10 ص 127 ح 6 نقلاً عن إرشاد القلوب : ص 377 وفيه «سبقه ثمّ لا تجديد» بدل «سبعه آلاف ثمّ لا تحديد» !

382.5 . النعمانی بإسناده عن ابن سنان، عن أبی السائب،امام علی علیه السلام در پاسخ به سؤال مردی از عمر دنیا :گفته می شود: هفت هزار است؛ امّا مشخّص نیست. 1 .

پژوهشی درباره عمر دنیا

پژوهشی درباره عمر دنیااحادیثی که گذشتند ، دلالت می کنند بر این که عمر دنیا هفت هزار سال است . اگر مقصود از این سخن ، آن باشد که پس از گذشت این مدّت ، قیامت کبرا بر پا می شود چنان که به حسب ظاهر ، مقصود ، همین است این معنا بی تردید ، قابل قبول نیست؛ زیرا : اوّلاً : سند این احادیث ، معتبر نیست؛ (1) بلکه برخی ، این احادیث را از مجعولات شمرده اند (2) . ثانیا : معیّن بودن وقت قیامت ، خلاف گفته قرآن است ؛ چرا که از نظر قرآن ، قیامت ، ناگهان فرا می رسد و کسی جز خداوند متعال ، وقت آن را نمی داند . (3) ثالثا : خلاف واقع بودن برخی از آنها (مانند روایت شماره 134) ، در عصر حاضر ، قطعی است ؛ زیرا اکنون بیش از چهارصد سال از تاریخی که در آن مشخّص

.

1- .الإصابه : ج 4 ص 540 ش 4703 ، أخبار الزمان : ص 310 ، تفسیر الثعالبی : ج 5 ص 335 ، ردّ اعتبار الجامع الصغیر : ص 150 ، فیض القدیر : ج 3 ص 731 ح 4278 ، کشف الخفاء : ج 2 ص 315 .
2- .الموضوعات : ج 3 ص 243 ، سبل الهدی : ج 3 ص 315 ، تذکره الموضوعات : ص 223 ، أضواء علی السنّه المحمّدیّه : ص 288 .
3- .ر .ک : انعام : آیه 31 ، اعراف : آیه 187 ، یوسف : آیه 107 حج : آیه 55 ، لقمان : آیه 34 ، احزاب : آیه 63،شورا : آیه 17 ، زخرف : آیه 85 ، محمّد : آیه 18 ، نازعات : آیه 43 ، قیامت : آیه 6 .

شده ، گذشته است. رابعا : اگر هیچ یک از اشکالات گذشته هم وجود نداشت ، در این گونه موارد ، صحّت سند ، کافی نیست و قطع به صدور ، ضروری است . امّا اگر مقصود ، این باشد که عمر دنیا در هنگام صدور احادیث ، در آستانه هزاره هفتم است ، احتمال صحّت آن بعید نیست ، و شاید متن احادیث ، در نقل به معنا و در اثر کج فهمی راوی ، بدین گونه که ملاحظه می شود ، تحریف شده است . گفتنی است که روایت عیسی بن ابی حمزه ، مؤیّد این تحلیل است . او می گوید : مردی به امام صادق علیه السلام گفت : فدایت گردم ! مردم می گویند که عمر دنیا هفت هزار سال است . امام علیه السلام ضمن ردّ این سخن و ارائه توضیحاتی در مورد آنچه پیش از آفرینش آدم در زمین روی داده ، فرمود : ثُمَّ بَدَأَ اللّهُ فَخَلَقَ آدَمَ، وقَدَّرَ لَهُ عَشرَةَ آلافِ عامٍ ، وقَد مَضى مِن ذَلِکَ سَبعَهُ آلافِ عامٍ ومِئَتانِ ، وأنتُم فى آخِرِ الزَّمانِ . (1) آن گاه خداوند ، آغاز کرد . پس آدم را آفرید و برای او ده هزار [سال] مقرّر کرد و از آن ، هفت هزار و دویست سال می گذرد و اکنون شما در آخِر زمان به سر می برید . علاّمه سیّد محمّد حسین طباطبایی در این باره می گوید : تاریخ یهود می گوید که عمر نوع بشر ، به فراتر از قریب هفت هزار سال نمی رسد . این مطلب ، چندان هم بی وجه نیست ؛ چرا که اگر ما زن و مردی را در نظر بگیریم که دارای عمر متوسّطی بوده اند و با مزاج معتدل زیسته اند و در وضعیت میانگینی از امنیت و فراوانی و رفاه و سایر عوامل و شرایط تأثیرگذار در زندگی قرار داشته اند ، آن گاه در نظر بگیریم که آن دو با هم ازدواج کرده و در وضعیت متوسّط و متناسب ، تولید نسل کرده اند و دقیقا همین فرض را درباره فرزندانشان (چه چه

.

1- .تفسیر العیّاشی : ج 1 ص 31 ح 8 .

دختر و چه پسر) ، بر حسب آنچه از میانگین حال انسان ها به دست می آید ، در نظر بگیریم ، خواهیم دید که دو نفر اوّلی که ابتدا در نظر گرفتیم در یک قرن (در سر سده) ، متجاوز از هزار نفر شده اند؛ یعنی هر یک نفر در طول یکصد سال ، به قریب پانصد نفر افزایش پیدا کرده است . حال اگر صدماتی را که از سوی عوامل گوناگون و بلایای عمومی (از قبیل : سرما ، گرما ، توفان ، زلزله ، وبا ، طاعون ، فرو رفتن در زمین ، خرابی ، نسل کشی و سایر بلایا) به انسان وارد می شوند ، محاسبه کنیم و آنها را در بالاترین حد ، به گونه ای که عوامل نابود کننده همه را در بر بگیرند ، در نظر بگیریم ، یعنی فرض کنیم که در هر یکصد سال ، از هزار نفر ، تنها یک نفر بماند و 999 نفر از بین بروند و در نتیجه ، عامل تناسل ، در هر یکصد سال ، تنها یک در هزار را باقی بگذارد ، آن گاه این عدد را به هفت هزار سال یعنی هفتاد قرن ، ضرب کنیم ، خواهیم دید که جمعیت انسان ها در دنیا به دو و نیم میلیارد نفر می رسد ، یعنی تعداد جمعیت امروز جهان (1) بر اساس آمارهای جهانی . این محاسبه تأیید می کند که عمر نوع بشر ، همان مقدارِ گفته شده است ؛ امّا دانشمندان زمین شناس (دانش شناخت طبقات زمین) گفته اند که عمر زمین ، بیش از میلیون ها سال است . آنها فسیل انسان ها و اجساد و آثار آنها را یافته اند که فراتر از پانصد هزار سال عمر دارد (بنا بر آنچه آنان گفته اند) . این ، یافته آنهاست؛ امّا دلیل قانع کننده ای ندارند تا دل را راضی کند که این نسل ها پی در پی و بدون انقطاع ادامه یافته اند . پس رواست که گفته شود : این نوع [از موجودات ،] در زمین پدید آمده ، سپس زیاد شده و رشد کرده و زیسته و منقرض شده و مجدّدا پدید آمده و منقرض شده است و این وضع چندین بار تا نسل کنونی که آخرین بار است ادامه یافته

.

1- .مقصود ، زمان تألیف این صفحات از تفسیر المیزان است .

است . (1) بنا بر این ، به فرض صحّت این سخن که عصر زندگی پیامبر خدا ، آغاز هزاره هفتم عمر دنیا از ابتدای آفرینش آدم ابو البشر است ، می توان گفت احادیثی که عمر دنیا را هفت هزار سال می دانند ، در اصل ، ناظر به این معنا بوده اند و در اثر تحریف ، به گونه ای نقل شده اند که خلاف مقصود را می رسانند و ظاهرشان این گونه است که پس از هفت هزار سال از آغاز جهان ، قیامت برپا می گردد . گفتنی است که درباره عمر دنیا ، آرای فراوان دیگری نیز وجود دارد که نیازی به ذکر یکایک آنها نیست . (2)

.

1- .المیزان فی تفسیر القرآن : ج 4 ص 139 .
2- .برای اطلاع بیشتر ، ر. ک : شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید : ج 10 ص 195 ، ج 13 ص 133 ، تفسیر ابن کثیر : ج 4 ص 227 ، اللمعه البیضاء : ص 111 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 223 ، ینابیع المودّه : ص 212 ، تاریخ جرجان : ص 14 ، أحکام القرآن : ج 3 ص 250 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 598 ، مجمع الزوائد : ج 4 ص 314 ، المعجم الکبیر : ج 11 ص 79 ، تفسیر مجاهد : ج 1 ص 53 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 222 ،تفسیر القرطبی : ج 17 ص 125 ، العلل : ص 1211 ، تاریخ مدینه دمشق : ج 1 ص 270 ، تاریخ الطبری : ج 1 ص 70 .

الفصل الثانى : أهمّيه الدّنيا ودورها فى بناء الآخره2 / 1الإسلامُ دينُ الدُّنيا وَالآخِرَهِالكتاب«مَن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالآخِرَهِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعَا بَصِيرًا» . (1)

«فَئاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الآخِرَهِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» . (2)

«لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ الْحُسْنَى وَ زِيَادَهٌ وَ لاَ يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَ لاَ ذِلَّهٌ أُوْلَئِکَ أَصْحَبُ الْجَنَّهِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» . (3)

«مَنْ عَمِلَ صَلِحًا مِّن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَوهً طَيِّبَهً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا کَانُواْ يَعْمَلُونَ» . (4)

«الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ کَانُواْ يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِى الْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَ فِى الآخِرَهِ لاَ تَبْدِيلَ لِکَلِمَتِ اللَّهِ ذَ لِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (5)

«وَ الَّذِينَ هَاجَرُواْ فِى اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُواْ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِى الدُّنْيَا حَسَنَهً وَ لاَءَجْرُ الآخِرَهِ أَکْبَرُ لَوْ کَانُواْ يَعْلَمُونَ» . (6)

.

1- .النساء : 134 .
2- .آل عمران : 148 .
3- .يونس : 26 .
4- .النحل : 97 .
5- .يونس : 63 و 64 .
6- .النحل : 41 .

2 / 1 اسلام، دین دنیا و آخرت

فصل دوم: اهمّیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت2 / 1اسلام، دین دنیا و آخرتقرآن«هرکس پاداش دنیا را بخواهد، پاداش دنیا و آخرت نزد خداست، و خدا شنوای بیناست».

«پس خداوند ، پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد ، و خداوند ، نیکوکاران را دوست دارد».

«برای کسانی که کار نیکو کرده اند، نیکویی [بهشت] و زیاده [بر آن] است. چهره هایشان را غباری و ذلّتی نمی پوشاند. اینان ، اهل بهشت اند و در آن ، جاودانه خواهند بود».

«هر کس از مرد یا زن ، کار شایسته کند و مؤمن باشد ، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] می بخشیم، و مسلّماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند ، پاداش خواهیم داد».

«همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده اند. در زندگی دنیا و در آخرت ، مژده ای برای آنان است. وعده های خدا را تبدیلی نیست . این ، همان کامیابی بزرگ است».

«و کسانی که پس از ستمدیدگی، در راه خدا هجرت کرده اند، در این دنیا ، جان نیکویی به آنان می دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت ، بزرگ تر خواهد بود».

.

«وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَـقَ وَ يَعْقُوبَ وَ جَعَلْنَا فِى ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَ الْكِتَبَ وَ ءَاتَيْنَهُ أَجْرَهُ فِى الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِى الآخِرَهِ لَمِنَ الصَّلِحِينَ» . (1)

«وَ كَذَ لِکَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِى الاْءَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ وَ لاَ نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ * وَ لاَءَجْرُ الآخِرَهِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ كَانُواْ يَتَّقُونَ» . (2)

«وَ مَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّهِ إِبْرَ هِيمَ إِلاَّ مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدِ اصْطَفَيْنَهُ فِى الدُّنْيَا و إِنَّهُ فِى الآخِرَهِ لَمِنَ الصَّلِحِينَ» . (3)

«وَ لَكُمْ فِى الاْءَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَعٌ إِلَى حِينٍ» . (4)

الحديث410.3 . عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى حَديثِ إنذارِ العَشيرَهِ (5) : يا بَنى عَبدِ المُطَّلِب ، إنّى وَاللّهِ ما أعلَمُ شابّا فِى العَرَبِ جاءَ قَومَهُ بَأفضَلَ مِمّا جِئتُكُم بِهِ ، إنّى قَد جِئتُكُم بِخَيرِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ! (6)أهمّيه الدّنيا ودورها فى بناء الآخره412.وعنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ لايَظلِمُ مُؤمِنا حَسَنَهً ؛ يُعطى بِها فِى الدُّنيا ويُجزى بِها فِى

الآخِرَهِ . (7) .

1- .العنكبوت : 27 .
2- .يوسف : 56 و 57 .
3- .البقره : 130 .
4- .البقره : 36 .
5- .لمّا نزلت الآيه الكريمه «وَ أَنذِرْ عَشِيرَتَکَ الاْءَقْرَبِينَ» (الشعراء : 214) دعا رسول اللّه صلى الله عليه و آله وسلم عشيرته الأقربين وهم يومئذٍ أربعون رجلاً إلى مأدبه وأعلن لهم رسالته (بحار الأنوار : ج18 ص163) .
6- .الأمالى للطوسى : ص 583 ح 1206 عن ابن عبّاس عن الإمام علىّ عليه السلام ، شرح الأخبار : ج 1 ص 107 ح 27 وفيه «بمثل» بدل «بأفضل» ، تفسير فرات : ص 300 ح 404 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «بأمر» بدل «بخير» ، بحار الأنوار : ج 18 ص 192 ح 27 ؛ تاريخ الطبرى : ج 2 ص 320 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص

49 ح 8381 ، تفسير الطبرى : ج 11 الجزء19 ص 122 ، دلائل النبوّه للبيهقى : ج 2 ص 180 وفيه «بأمر» بدل «بخير» وكلّها عن عبد اللّه بن عبّاس عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : ج 13 ص 133 ح 36419 .
7- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2162 ح 56 ، مشكاه المصابيح : ج 2 ص 648 ح 5159 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 252 ح 12266 ، مسند الطيالسى : ص 269 ح 2011 ، الزهد لابن المبارک : ص 111 ح 327 كلّها عن أنس وفيهما «حسنته» بدل «حسنه» وفى الثلاثه الأخيره «يثاب عليها الرزق» بدل «يعطى بها» ، كنز العمّال : ج 1 ص 68 ح 262 .

«و اسحاق و یعقوب را به او (ابراهیم) عطا کردیم و در میان فرزندانش پیامبری و کتاب قرار دادیم و در دنیا ، مزدش را به او دادیم و در آخرت نیز قطعاً از شایستگان خواهد بود».

«و بدین گونه ، یوسف را در سرزمین [مصر] قدرت دادیم که در آن، هرجا که می خواست، سکونت می کرد . هرکه را بخواهیم ، به رحمت خود می رسانیم و اجر نیکوکاران را تباه نمی سازیم. البته اجر آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری می نمودند، بهتر است».

«و چه کسی جز آن که به سبُک مغزی دچار شد از آیین ابراهیم روی بر می تابد؟ و ما او را در این دنیا برگزیدیم، و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود».

«و برای شما در زمین ، قرارگاه و تا چندی برخورداری خواهد بود».

حدیث418.وعنه علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیث انذار عشیره (1) : ای فرزندان عبد المطّلب ! به خدا سوگند، من در میان عرب ، جوانی را نمی شناسم که برای قوم خویش ، بهتر از آن چیزی آورده باشد که من برای شما آورده ام. من ، خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام .419.وعن الإمام الصادق علیه السلام فی مصحّحه عمر بنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، هیچ کار نیکی از مؤمن را نادیده نمی گیرد ؛ بلکه به ازایِ آن در دنیا عطا می شود و در آخرت ، پاداش می یابد. .

1- .زمانی که آیه «وَ أَنذِرْ عَشِیرَتَکَ الْأَقْرَبِینَ» (شعراء : آیه 214) نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ، خویشان نزدیک خود را که چهل مرد بودند به طعامی فرا خواند و ضمن اطعام آنان، رسالت خویش را به آنها اعلام فرمود. (بحار الأنوار : ج 18 ص 163).

420.روى الصدوق بإسناده عن إبراهيم الكرخي ، عن أبى عبدالإمام علىّ عليه السلام :مَن رُزِقَ الدّينَ فَقَد رُزِقَ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (1)421.1 . الكليني بإسناده عن علىّ بن مهزيار، قال :عنه عليه السلام :اِعلَموا عِبادَ اللّهِ أنَّ المُتَّقينَ ذَهَبوا بِعاجِلِ الدُّنيا وآجِلِ الآخِرَهِ ، فَشارَكوا أهلَ الدُّنيا فى دُنياهُم ولَم يُشارِكوا أهلَ الدُّنيا فى آخِرَتِهِم ، سَكَنُوا الدُّنيا بِأفضَلِ ماسُكِنَت ، وأكَلوها بِأفضَلِ ما اُكِلَت ، فَحَظوا مِنَ الدُّنيا بِما حَظِىَ بِهِ المُترَفونَ ، وأخَذوا مِنها ما أخَذَهُ الجَبابِرَه المُتَكَبِّرونَ ، ثُمَّ انقَلَبوا عَنها بِالزّادِ المُبَلِّغِ وَالمَتجَرِ الرّابِحِ . أصابوا لَذَّهَ زُهدِ (2) الدُّنيا فى دُنياهُم ، وتَيَقَّنوا أنَّهُم جيرانُ اللّهِ غَداً فى آخِرَتِهِم ، لا تُرَدُّ لَهُم دَعوَهٌ ، ولايُنقَصُ لَهُم نَصيبٌ مِن لَذَّهٍ . (3)422.2 . وروى أيضا بإسناده عن علىّ بن عمر النوفلى، قالعنه عليه السلام فى كِتابِهِ إلى مُحَمَّدِ بنِ أبى بَكرٍ وأهلِ مِصر :عَلَيكُم بِتَقوَى اللّهِ ؛ فَإنَّها تَجمَعُ مِنَ الخَيرِ ما لا يَجمَعُ غَيرُها ، ويُدرَكُ بِها مِنَ الخَيرِ ما لايُدرَكُ بِغَيرِها مِن خَيرِ الدُّنيا وخَيرِ الآخِرَهِ ، قالَ اللّهُ : «وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْاْ مَاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُواْ خَيْرًا لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَهٌ وَ لَدَارُ الآخِرَهِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ» . (4)

اِعلَموا يا عِبادَ اللّهِ ، أنَّ المُؤمِنَ يَعمَلُ لِثَلاثٍ مِنَ الثَّوابِ :

إمّا لِخَيرِ الدُّنيا ؛ فَإنَّ اللّهَ يُثيبُهُ بِعَمَلِهِ فى دُنياهُ ، قالَ اللّهُ سُبحانَهُ لاِءِبراهيم : «وَ ءَاتَيْنَهُ أَجْرَهُ فِى الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِى الآخِرَهِ لَمِنَ الصَّلِحِينَ» ، (5) فَمَن عَمِلَ لِلّهِ تَعالى أعطاهُ أجرَهُ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وكَفاهُ المُهِمَّ فيهِما ، وقَد قالَ اللّهُ : «يَعِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُواْ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَهٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَ سِعَهٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّبِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ» (6) ، فَما أعطاهُمُ اللّهُ فِى الدُّنيا لَم يُحاسِبهُم بِهِ فِى الآخِرَهِ ، قالَ اللّهُ : «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ الْحُسْنَى وَ زِيَادَهٌ» (7) ، فَالحُسنى هِىَ الجَنَّهُ ، وَالزِّيادَهُ هِىَ الدُّنيا .

وإمّا لِخَيرِ الآخِرَهِ ؛ فَإنَّ اللّهَ يُكَفِّرُ بِكُلِّ حَسَنَهٍ سَيِّئَهً ، قالَ اللّهُ : «إِنَّ الْحَسَنَتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَ لِكَ ذِكْرَى لِلذَّ كِرِينَ» (8) ، حَتّى إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ حُسِبَت لَهُم حَسَناتُهُم ، ثُمَّ أعطاهُم بِكُلِّ واحِدَهٍ عَشرَ أمثالِها إلى سَبعِمِئَهِ ضِعفٍ ، قالَ اللّهُ : «جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا» (9) ، وقالَ : «فَأُوْلَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُواْ وَ هُمْ فِى الْغُرُفَتِ ءَامِنُونَ» (10) فَارغَبوا فى هذا رَحِمَكُمُ اللّهُ وَاعمَلوا لَهُ وتَحاصّوا (11) عَلَيهِ .

وَاعلَموا يا عِبادَ اللّهِ ، أنَّ المُتَّقينَ حازوا عاجِلَ الخَيرِ وآجِلَهُ ، شارَكوا أهلَ الدُّنيا فى دُنياهُم ولَم يُشارِكهُم أهلُ الدُّنيا فى آخِرَتِهِم ، أباحَهُمُ اللّهُ مِنَ الدُّنيا ما كَفاهُم وبِهِ أغناهُم ، قالَ اللّهُ عَزَّ اسمُهُ : «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتى أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِىَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِى الْحَيَوهِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَمَهِ كَذَ لِکَ

نُفَصِّلُ الآيَتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (12) سَكَنُوا الدُّنيا بِأَفضَلِ ماسُكِنتَ ، وأكَلوها بِأفضَلِ ما اُكِلَت ، شارَكوا أهلَ الدُّنيا فى دُنياهم فَأكَلوا مَعَهُم مِن طَيِّباتِ ما يَأكُلونَ ، وشَرِبوا مِن طَيِّباتِ ما يَشرَبونَ ، ولَبِسوا مِن أفضَلِ ما يَلبَسونَ ، وسَكَنوا مِن أفضَلِ ما يَسكُنونَ ، وتَزَوَّجوا مِن أفضَلِ ما يَتَزَوَّجونَ ، ورَكِبوا مِن أفضَلِ مايَركَبونَ ، أصابوا لَذَّةَ الدُّنيا مَعَ أهلِ الدُّنيا ، وهُم غَدا جيرانُ اللّهِ يَتَمَنَّونَ عَلَيهِ ، فَيُعطيهِم ما تَمَنَّوهُ ، ولا يَرُدُّ لَهُم دَعوَةً ولا يَنقُصُ لَهُم نَصيبا مِنَ اللَّذَّهِ . فَإلى هذا يا عِبادَ اللّهِ يَشتاقُ إلَيهِ مَن كانَ لَهُ عَقلٌ ، ويَعمَلُ لَهُ بِتَقوَى اللّهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ . (13) .

1- .غرر الحكم : ح 8523 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 450 ح 8000 .
2- .التأمّل فى مضمون الروايه يدل على منافاه كلمه «الزهد» لما يروم الإمام عليه السلام بيانه ، ولهذا فالذى يبدو هو أنّ هذه الكلمه من إضافه النسّاخ ، أو لعلّها تصحيف لكلمه «أهل» . والذى يؤيّد ما ذكرنا هو الروايه اللاحقه التى يمكن أن تعد المتن الأصلى لهذه الروايه ، حيث إنّها خاليه من كلمه «الزهد» .
3- .نهج البلاغه : الكتاب 27 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 581 ح 726 .
4- .النحل : 30 .
5- .العنكبوت : 27 .
6- .الزمر : 10 .
7- .يونس : 26 .
8- .هود : 114 .
9- .النبأ : 36 .
10- .سبأ : 37 .
11- .الحَضّ على الشىء : الحثّ على الشىء (النهايه : ج 1 ص 400 «حضض») .
12- .الأعراف : 32 .
13- .الأمالى للمفيد : ص 261 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 25 ح 31 ، بشاره المصطفى : ص 44 كلّها عن أبى إسحاق الهمدانى ، الغارات : ج 1

ص 234 عن عبايه وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 66 ح 11 وراجع تحف العقول : ص 176 .

423.ما رواه الكلينى بإسناده إلى أبى بكر الفهفكى، قالامام على عليه السلام :هركه دين روزى اش شود، خير دنيا و آخرت ، روزى اش شده است.424.1 . الحسن بن سليمان الحلّى، عن الصفّار، بإسناده عامام على عليه السلام :بدانيد، اى بندگان خدا كه پرهيزگاران ، هم دنياى زودگذر دارند ، هم آخرت ماندگار. با اهل دنيا در دنيايشان شريک اند ، ولى اهل دنيا در آخرت ايشان با آنان شريک نيستند. در دنيا به بهترين وجه زيستند و به بهترين وجه ، خوردند، و از دنيا همان گونه بهره مند شدند كه متموّلان شدند و از آن ، همانى را برگرفتند كه قدرتمندان متكبّر گرفتند . سپس با توشه كافى و تجارتى سودآور از دنيا رفتند. در دنياى خويش به لذّت [زهد در] (1) دنيا رسيدند و يقين كردند كه فردا در آخرتشان همجوار خدا هستند، هيچ دعايى از دعاهاى آنان رد نمى شود و از لذّتشان [در آخرت[چيزى كم نمى گردد.425.2 . الكلينى عن محمّد بن يحيى وغيره، عن محمّد بن أامام على عليه السلام در نامه اش به محمّد بن ابى بكر و مصريان :بر شما باد پروا داشتن از خدا؛ زيرا هيچ چيز به مانند پروای از خدا ، جامع خوبى ها نيست و به هيچ چيز چون تقوا نمى توان به خير دنيا و آخرت رسيد . خداوندمى فرمايد: «به آنان كه تقوا پيشه كرده اند ، گفته مى شود : پروردگارتان چه فرو مى فرستاد؟ مى گويند: خوبى. برای آنان كه نيكى كردند ، در اين دنيا نيكى است، و البته سراى آخرت ، بهتر است، و چه نيكوست جايگاه تقوا پيشگان» .

بدانيد اى بندگان خدا كه مؤمن ، برای سه پاداش كار مى كند: يا برای خير دنيا؛ زيرا كه خداوند ، او را در همين دنيا برای كارش پاداش مى دهد. خدای

سبحان درباره ابراهيم فرموده است: «و مزدش را در دنيا به او داديم و در آخرت نيز از شايستگان خواهد بود» . پس، هركه برای خدای متعال كار كند ، خداوند ، مزدش را در دنيا و آخرت به او مى دهد و در هر دو جا خواست هاى او را بر مى آورد. خداوندفرموده است: «اى بندگان من كه ايمان آورده ايد ! از پروردگارتان بترسيد. برای آنان كه خوبى كردند ، در اين دنيا خوبى است، و زمين خدا پهناور است . براستى كه شكيبايان مزد خويش را بى حساب ، دريافت خواهند كرد» . پس خداوند ، آنان را بدانچه در دنيا عطايشان كرده است ، در آخرت حسابرسى نمى كند. خدايفرموده است:

«برای آنان که کار نیک کنند ، پاداش نیک است و افزونی» . مراد از پاداش نیک، بهشت است و از افزونی، دنیا.

و یا برای خیر آخرت [کار می کند]؛ زیرا که خداوند در برابر هر کار نیکی یک گناه می بخشد. خدای می فرماید: «همانا خوبی ها بدی ها را از بین می برند. این ، پندی است برای پندگیرندگان» تا این که چون روز قیامت شود ، خوبی هایشان برای آنان محاسبه گردد، سپس به شمار هریک از آنها ، ده تا هفتصد برابر به ایشان عطا کند. خداوند می فرماید: «این ، پاداشی است از پروردگار تو ؛ عطایی از روی حساب» . و می فرماید: «پس، برای آنان دو برابر آنچه انجام داده اند ، پاداش است و آنها در غرفه ها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود» پس خدایتان رحمت کناد به این همه پاداش ، روی آورید و برای آن کار کنید و به ترغیب یکدیگر بپردازید.

بدانید، ای بندگان خدا، که تقواپیشگان ، خیر دنیا و آخرت را به دست آوردند: با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند ؛ لیکن اهل دنیا در آخرت آنان شریکشان نیستند. خداوند ، از دنیا به آن اندازه ای که بسنده شان کند و بی نیازشان سازد، برایشان مباح و روا ساخت. خداوند بلند نام می فرماید: «بگو: چه کسی زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی های

پاکیزه، را حرام گردانیده است؟ بگو: همه اینها در زندگی دنیا از آنِ کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت نیز ویژه آنان است. این گونه ، آیات خود را برای گروهی که می دانند ، به روشنی بیان می کنیم» . آنان در دنیا به بهترین وجه زیستند، به بهترین وجه ، خوردند و با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند. در کنار آنان ، از خوراک های پاکیزه ای که اهل دنیا می خورند خوردند و از نوشیدنی های گوارایی که ایشان می نوشند، نوشیدند و از بهترین لباس هایی که می پوشند، پوشیدند و در بهترین خانه هایی که ایشان سکونت می کنند، سکونت کردند و مانند آنها با بهترین همسران ، ازدواج کردند و بر بهترین مَرکب ها سوار شدند ؛ همانند اهل دنیا از لذّت دنیا بهره مند شدند و فردا [ی قیامت [هم در جوار خداوند هستند و از او آرزو و تمنّا می کنند و خدا آرزوهایشان را بر می آورد ؛ نه دعا و درخواستی از ایشان را ردّ می کند و نه از بهره لذّت هایشان چیزی می کاهد. پس، ای بندگان خدا! هرکه را خِرَدی باشد ، به چنین چیزی اشتیاق می ورزد و برای آن کار می کند و تقوای الهی در پیش می گیرد . هیچ توش و توانی نیست ، مگر به واسطه خداوند. .

1- .تأمّل در مضمون روایت ، نشان می دهد که کلمه «زهد» در این جا با مقصدی که امام علیه السلام در صدد تبیین آن است ، منافات دارد . و لذا به نظر می رسد که این کلمه ، توسّط ناسخ به متن افزوده شده است . آنچه این نظر را تقویت می کند، روایت بعدی است که در واقع ، متن اصلی این روایت محسوب می شود و کلمه «زهد» در آن نیست.

ص: 100

. .

ص: 101

. .

426.ما رواه الكلينى بإسناده عن محمّد بن عبد الخالق وألإمام الباقر عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ الْحُسْنَى وَ زِيَادَةٌ» : فَأَمَّا الحُسنَى الجَنَّهُ (1) ، وأَمَّا الزِّيادَهُ فَالدُّنيا ، ما أعطاهُمُ اللّهُ فِى الدُّنيا لَم يُحاسِبهُم بِهِ فِى الآخِرَهِ ، ويَجمَعُ ثَوابَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، ويُثيبُهُم بِأَحسَنِ أعمالِهِم فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (2)427.1 . السيّد ابن طاووس عن كتاب حسن بن أشناس، بإسنادالإمام الصادق عليه السلام :مَن يَتَّقِ اللّهَ فَقَد أحرَزَ نَفسَهُ مِنَ النّارِ بِإذنِ اللّهِ ، وأصابَ الخَيرَ كُلَّهُ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (3)428.عن أبى الحسن عليه السلام أنّه سئل عن العجب الّذيالكافى عن الرَّبيعِ بن خَيثَمٍ :شَهِدتُ أبا عَبدِ اللّه عليه السلام وهُوَ يُطافُ بِهِ حَولَ الكَعبَه فى

مَحمِلٍ وهُوَ شَديدُ المَرَضِ ، فَكانَ كُلَّما بَلَغَ الرُّكنَ اليَمانِى أَمَرَهُم فَوَضَعوهُ بِالأَرضِ ، فَأَخرَجَ يَدَهُ مِن كُوَّهِ (4) المَحمِلِ حَتّى يَجُرَّها عَلَى الأَرضِ ، ثُمَّ يَقولُ : اِرفَعونى .

فَلَمّا فَعَلَ ذلِكَ مِرارا فى كُلِّ شَوطٍ ، قُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداكَ يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، إنَّ هذا يَشُقُّ عَلَيكَ !

فَقالَ : إنّى سَمِعتُ اللّهَ يَقولُ : «لِّيَشْهَدُواْ مَنَفِعَ لَهُمْ» (5) . فَقُلتُ : مَنافِعَ الدُّنيا أو مَنافِعَ الآخِرَهِ؟ فَقالَ : الكُلَّ . (6) .

1- .فى بحار الأنوار : «فالجنّه» .
2- .تفسير القمّى : ج 1 ص 311 عن أبى الجارود ، بحار الأنوار : ج 70 ص 66 ح 10 .
3- .مختصر بصائرالدرجات : ص 79 ، بصائرالدرجات : ص 526 ح 1 وفيه «من يتّق فقد ...» وكلاهما عن المفضّل بن عمر ، بحار الأنوار : ج 24 ص 286 ح 1 .
4- .الكوَّه : الخرق فى الحائط والثقب فى البيت ونحوه (لسان العرب : ج 15 ص 236 «كوى») .
5- .الحجّ : 28 .
6- .الكافى : ج 4 ص 422 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 122 ح 398 وفيه «فأدخل» بدل «فأخرج» .

429.1 . الحسین بن سعید، عن إبراهیم بن أبی البلاد، قالامام باقر علیه السلام درباره این سخن خدای متعال: «برای آنان که نیکی کنند، نیکی است و افزونی» : نیکی، بهشت است و افزونی، دنیا. آنچه خداوند در دنیا عطایشان کند ، در آخرت برای آن حسابرسی نمی کند و پاداش دنیا و آخرت را برایشان فراهم می آورد و در برابر بهترین کارهایشان ، در دنیا و آخرت ، پاداششان می دهد.430.2 . الکلینی بإسناده إلی ابن القدّاح، عن أبی عبد االمام صادق علیه السلام :هرکه از خدا پروا کند، به اذن خداوند، خویشتن را از آتش مصون دانسته است و در دنیا و آخرت به همه خوبی ها دست یافته است.431.ما رواه الشیخ الطوسی قدس سره بإسناده عن محمّد یالکافی به نقل از ربیع بن خیثم :امام صادق علیه السلام را دیدم که سخت بیمار بود و او را در محملی بر گِرد کعبه طواف می دادند و هرگاه به رُکن یمانی می رسید ،

دستور می داد او را بر زمین می نهادند و دستش را از سوراخ محمل ، بیرون می آورد و به زمین می کشید و سپس می فرمود: «مرا بلند کنید».

چون در هر دور ، این کار را تکرار کرد، به ایشان گفتم: فدایت شوم ، ای فرزند پیامبر خدا ! این کار ، شما را به زحمت می اندازد .

فرمود: «سخن خداوند را شنیده ام که می فرماید: «تا شاهد منافع خویش باشند» ».

گفتم: منافع دنیا یا منافع آخرت؟

فرمود: «هر دو». .

راجع : ص 164 (الدعاء للرفاهيّه فى المعيشه)

والتنميه الاقتصاديه فى الكتاب والسنّه : القسم الأوّل : التقدّم الاقتصادى.

2 / 2المُسلِمُ مَن يَهتَمُّ بِالدُّنيا وَالآخِرَهِ436.ما رواه السيّد ابن طاووس قدس سره عن زبور داوود علىرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أعظَمُ النّاسِ هَمّا ، المُؤمِنُ الَّذى يَهُمُّ بِأمرِ دُنياهُ وأمرِ آخِرَتِهِ . (1)437.1 . عن رسولَ اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى اللَه عليه و آله :لَيسَ خَيرُكُم مَن تَرَکَ الدُّنيا لِلآخِرَهِ ولاَ الآخِرَهَ لِلدُّنيا ، ولكِن خَيرُكُم مَن أخَذَ مِن هذِهِ وهذِهِ . (2)438.2 . عن مولانا الإمام زين العابدين عليه السلام فيعنه صلى الله عليه و آله :لَيسَ خَيرُكُم مَن تَرَکَ دُنياهُ لِاٰخِرَتِهِ ولاآخِرَتَهُ لِدُنياهُ ، حَتّى يُصيبَ منِهُما

جَميعا ، فَإِنَّ الدُّنيا بَلاغٌ إلَى الآخِرَهِ ، ولا تَكونوا كَلاًّ (3) عَلَى النّاسِ . (4) .

1- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 725 ح 2143 ، الهمّ والحزن لابن أبى الدنيا : ص 75 ح 109 ، الفردوس : ج 1 ص 359 ح 1449 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 1 ص 144 ح 702 .
2- .ربيع الأبرار : ج 1 ص 53 ، تاريخ أصبهان : ج 2 ص 167 ح 1369 عن أنس ، حليه الأولياء : ج 1 ص 278 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 733 ح 8605 نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن حذيفه .
3- .الكَلّ : العيال والثقل (الصحاح : ج 5 ص 1811 «كلل») .
4- .فردوس الأخبار : ج 3 ص 455 ح 5290 ، الفردوس : ج 3 ص 409 ح 5249 وفيه «فإن يبلغه إلى الأُخرى» بدل «فإنّ الدنيا بلاغ إلى الآخره» ، كنز العمّال : ج 3 ص 248 ح 6334 نقلاً عن ابن عساكر وكلّها عن أنس .

2 / 2 مسلمان ، کسی است که به دنیا و آخرت ، اهتمام ورزد

ر . ک : ص165 (دعا برای رفاه در زندگی) .

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش اول: پیشرفت اقتصادی .

2 / 2مسلمان ، کسی است که به دنیا و آخرت ، اهتمام ورزد443.ما رواه القمّی، عن أبیه، عن الحسین بن خالد، عن أبیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :با همّت ترینِ مردم، مؤمن است که به کار دنیا و آخرتش اهتمام می ورزد.444.ما رواه الصدوق فی المعانی بإسناده عن عبد العظیم اپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترینِ شما کسی نیست که دنیا را برای آخرت یا آخرت را برای دنیا ترک کند ؛ بلکه بهترینِ شما کسی است که از این هر دو ، بهره گیرد.445.1 . الشیخ الطوسی بإسناده، عن منصور بن حازم، عن أبیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترینِ شما کسی نیست که دنیایش را به خاطر آخرتش و یا آخرتش را به خاطرِ دنیایش وا گذارد ؛ بلکه آن کس است که از هر دوی اینها بهره اش برگیرد؛ چرا که دنیا وسیله رسیدن به آخرت است. سربارِ دیگران نباشید.

.

446.2 . وبإسناده عن ابن شجره ، عمن ذكره ، عن أبي عبدعنه صلي الله عليه و آله :خَيرُكُم مَن لَم يَترُک آخِرَتَهُ لِدُنياهُ ، ولادُنياهُ لِاٰخِرَتِهِ ، ولَم يَکُن کَلاًّ عَلَى النّاسِ . (1)447.ما رواه الصدوق بإسناده عن أبى جعفر الأحول، عمّن رالإمام علىّ عليه السلام :خِيارُكُم مَن لَم يَدَع آخِرَتَهُ لِدُنياهُ ، ولا دُنياهُ لِاٰخِرَتِهِ . (2)448.الشيخ الطوسى بإسناده عن حفص بن البخترى ، عن أبى عالإمام الصادق عليه السلام :لَيسَ مِنّا مَن تَرَکَ دُنياهُ لِاٰخِرَتِهِ ، ولا آخِرَتَهُ لِدُنياهُ . (3)449.وبإسناده عن عبد الرحمن بن أبى عبد اللّه ، قال :الإمام الكاظم عليه السلام :اِجعَلوا لِاَنفُسِكُم حَظّا مِنَ الدُّنيا بِإِعطائِها ما تَشتَهى مِنَ الحَلالِ وما لا يَثلِمُ المُروءَةَ وما لا سَرَفَ فيهِ ، وَاستَعينوا بِذلِکَ عَلى اُمورِ الدّينِ ، فَإِنَّهُ رُوِىَ : لَيسَ مِنّا مَن تَرَکَ دُنياهُ لِدينِهِ ، أو تَرَکَ دينَهُ لِدُنياهُ . (4)2 / 3الدُّنيا مَزرَعَهُ الآخِرَهِالكتاب«وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَأُوْلِى الأَلْبَبِ» . (5)

.

1- .تاريخ بغداد : ج 4 ص 221 الرقم 1918 ، كنز العمّال : ج 3 ص 238 ح 6336 نقلاً عن الحاكم وكلاهما عن أنس .
2- .كنز العمّال : ج 3 ص 732 ح 8604 نقلاً عن علىّ بن معبد فى كتاب الطاعه والعصيان .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 156 ح 3568 ، وسائل الشيعه : ج 12 ص 49 ح 1 ، المحجّه البيضاء : ج 7 ص 418 .
4- .تحف العقول : ص 410 ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص 337 عن العالم عليه السلام وفيه «لم ينل» بدل «لا يثلم» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 321 ح 18 .
5- .البقره : 197 .

455.1 . روی الشریف الرضیّ عن أمیرالمؤمنین علیه السلامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترینِ شما کسی است که آخرتش را به خاطر دنیایش وا نگذارد و دنیایش را به خاطر آخرتش، و سربارِ مردم نباشد.456.2 . الکلینی بإسناده عن الوشّاء، قال :امام علی علیه السلام :بهترینِ شما کسی است که آخرتش را به خاطر دنیایش فرو نگذارد و دنیایش را به خاطر آخرتش.457.ما رواه الکلینی بإسناده عن حماد بن عثمان :امام صادق علیه السلام :کسی که دنیایش را به خاطر آخرتش و یا آخرتش را به خاطر دنیایش ترک کند ، از ما نیست.458.الکشّی بإسناده عن علیّ بن أسباط ، قال :امام کاظم علیه السلام :با برآوردن خواست های روای خود تا آن جا که به مروّت [و شخصیّت] صدمه نزند و اسراف نباشد، خویشتن را از دنیا بهره مند سازید و از دنیا در کارهای دینتان کمک بگیرید؛ زیرا روایت شده است که: از ما نیست آن که دنیایش را برای دینش یا دینش را به خاطر دنیایش وا گذارد.2 / 3دنیا، کشتزار آخرتقرآن«توشه برگیرید، و بهترین توشه ، پروامندی است. ای خردمندان! از من پروا کنید».

.

«وَ ابْتَغِ فِيمَا ءَاتَاکَ اللَّهُ الدَّارَ الآخِرَهَ وَ لاَ تَنسَ نَصِيبَکَ مِنَ الدُّنْيَا» . (1)

الحديث465.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا مَزرَعَهُ الآخِرَهِ .
466(2).ابن شهر آشوب وابن بطّه فى الإبانه بإسناده منعنه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لِاءَبى ذَر :يا أبا ذَر ، إنَّكُم فى مَمَرِّ اللَّيلِ وَالنَّهارِ ، فى آجالٍ مَنقوصَهٍ ، وأعمالٍ مَحفوظَهٍ ، وَالمَوتُ يَأتى بَغتَهً ، فَمَن يَزرَع خَيرا يوشِکُ أن يَحصُدَ رَغبَهً ، ومَن يَزرَع شَرّا يوشِکُ أن يَحصُدَ نَدامَهً ، ولِكُلِّ زارِعٍ ما زَرَعَ .
467(3).عن ابن نجيح :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّكُم فى آجالٍ مَقبوضَهٍ ، وأيّام مَعدودَهٍ ، وَالمَوتُ يَأتى بَغتَهً ، مَن يَزرَع خَيرا يَحصُد غِبطَهً ، ومَن يَزرَع شَرّا يَحصُد نَدامَهً ، ولِكُلِّ زارِعٍ ما زَرَعَ . (4)
468.السمعانى عن عمر، قال :عيسى عليه السلام :إنَّ الدُّنيا خُلِقَت مَزرَعَهً تَزرَعُ فيهَا العِبادُ الحُلوَ وَالمُرَّ وَالشَّرَّ وَالخَيرَ ، وَالخَيرُ لَهُ مَغَبَّهٌ (5) نافِعَهٌ يَومَ الحِسابِ ، وَالشَّرُّ لَهُ عَناءٌ وشَقاءٌ يَومَ الحَصادِ . (6)
469.فى دعائم الإسلام مرفوعا عن الإمام علىّ عليه السلارسول اللّه صلى الله عليه و آله فِى الدُّعاءِ :اللّهُمَّ أعِنّى عَلى دينى بِدُنياىَ ، وعَلى آخِرَتى

بِتَقواىَ ، وَاحفَظنى فيما غِبتُ عَنهُ ولاتَكِلنى إلى نَفسى فيما حَضَرتُهُ . (7) .

1- .القصص : 77 .
2- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 183 ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 267 ح 66 ؛ إحياء علوم الدين : ج 4 ص 31 .
3- .الأمالى للطوسى : ص 527 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 365 ح 2661 وفيه «خيرا» بدل «رغبه» ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 53 وفيه «زرعه» بدل «رغبه» ، أعلام الدين : ص 190 كلّها عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 71 ص 176 ح 15 .
4- .الكافى : ج 2 ص 458 ح 19 ، تحف العقول : ص 489 عن الإمام العسكرى عليه السلام وفيه «منقوصه» بدل «مقبوضه» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 373 ح 19 .
5- .الغِبُّ : عاقبه الشىء (القاموس المحيط : ج 1 ص 109 «غبّ») .
6- .تحف العقول : ص 510 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 314 ح 17 .
7- .مهج الدعوات : ص 238 ، العدد القويّه : ص 157 ح 88 كلاهما عن الربيع عن الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام ، مصباح

المتهجّد : ص 172 ح 259 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 405 ح 7 نقلاً عن اختيار ابن الباقى من أدعيه الإمام الصادق عليه السلام .

«و با آنچه خدایت داده ، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن».

حدیث472.1 . الصدوق :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، کشتزار آخرت است.473.2 . السیّد الشریف الرضی مرسلاً عن أمیر المؤمنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیه هایش به ابو ذر :ای ابو ذر! شما در گذر شب و روز، عمری رو به کاهش دارید و اعمالتان نگهداری می شود و مرگ ، ناگهان می رسد. پس، هرکه خوبی بکارد ، زودا که بِدرَوَد و هرکه بدی بکارد ، به زودی پشیمانی می دِرَود. [آری!] هر کشتگر ، آن درویدِ که کاشت.474.1 . روی الکلینی قدس سره بإسناده عن یونس بن یعقوب،امام صادق علیه السلام :شما در عمرهایی به سر آمدنی و روزهای چند به سر می برید و مرگ ، به ناگاه فرا می رسد. هرکه نیکی بکارد ، شادی می دِرَود، و هرکه بدی بکارد ، پشیمانی درو می کند. هر کشتگری ، آن درویدِ که کاشت.475.2 . وروی بإسناده عن عبدالرحمن بن کثیر، عن أبی عبدعیسی علیه السلام :دنیا ، کشتزاری آفریده شده است که بندگان در آن ، شیرینی و تلخی ، و بدی و خوبی می کارند. خوبی، در روز حسابرسی، فرجامی سودمند دارد و بدی، در روز درویدن، رنج و شقاوت به بار می نشانَد.476.3 . وروی بإسناده عن الحسن بن الجهم، قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا :خدایا! مرا با دنیایم بر دینم، و با تقوایم بر آخرتم کمک فرما و در آنچه از آن غایبم ، حفظم نما و در آنچه هم حاضرم ، مرا به خودم وا مگذار. .

477.1 . الشيخ الطوسى بإسناده عن محمّد بن عمر، أنّه كتعنه صلى الله عليه و آله :لِيَتَزَوَّدِ العَبدُ مِن دُنياهُ لِاٰخِرَتِهِ ، ومِن حَياتِهِ لِمَوتِهِ ، ومِن شَبابِهِ لِهَرَمِهِ ؛ فَإِنَّ الدُّنيا خُلِقَت لَكُم ، وأنتُم خُلِقتُم لِلآخِرَهِ . (1)478.2 . الشيخ بإسناده عن عبد الرحمن بن الحجاج ، عن أبعنه صلى الله عليه و آله :لِيَأخُذِ العَبدُ المُؤمِنُ مِن نَفسِهِ لِنَفسِهِ ، ومِن دُنياهُ لِاٰخِرَتِهِ . (2)479.3 . الكلينى بإسناده عن محمّد بن قيس، عن أبى جعفرعنه صلى الله عليه و آله :مَن يَتَزَوَّد فِى الدُّنيا يَنفَعهُ فِى الآخِرَهِ . (3)480.ما رواه الشيخ الطوسى بإسناه عن سلمه بن محرز، قال:عنه صلى الله عليه و آله :المُؤمِنُ يَتَزَوَّدُ ، وَالكافِرُ يَتَمَتَّعُ . (4)481.الكلينى بإسناده عن عمرو الأزرق، قال:عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى . . . جَعَلَ الدُّنيا دارَ الأعمالِ ، وجَعَلَ الآخِرَهَ دارَ القَرارِ «لِيَجْزِىَ الَّذِينَ أَسَئُواْ بِمَا عَمِلُواْ وَ يَجْزِىَ الَّذِينَ أَحْسَنُواْ بِالْحُسْنَى» (5) . (6)482.1 . الشيخ الطوسى قدس سره بإسناده عن زراره، عن أبيعنه صلى الله عليه و آله :أنتُم اليَومَ فِى المِضمار (7) وغَدا فِى السِّباقِ ، فَالسَّبقُ الجَنَّهُ

وَالغايَهُ النّارُ . (8) .

1- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 301 وزاد فيه «من نفسه لنفسه» بعد «العبد» ، وراجع الفردوس : ج 5 ص 278 ح 8178 .
2- .الكافى : ج 2 ص 70 ح 9 عن حمزه بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 27 ، أعلام الدين : ص 333 وليس فيهما «المؤمن» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 362 ح 7 .
3- .المعجم الكبير : ج 2 ص 305 ح 2271 ، تاريخ بغداد : ج 14 ص 446 الرقم7828 ، تفسير ابن كثير : ج 1 ص 348 كلّها عن جرير بن عبد اللّه ، كنز العمّال : ج 15 ص 775 ح 43052 .
4- .إرشاد القلوب : ص 18 ، أعلام الدين : ص 297 ، كشف الغمّه : ج 2 ص 199 كلاهما عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 78 ص 112 ح 6 .
5- .النجم : 31 .
6- .كمال الدين : ص 264 ح 10 ، إرشاد القلوب : ص 420 كلاهما عن سلمان ، كتاب سليم بن قيس : ج 2 ص 769 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «دار الثواب والعقاب» بدل «دار القرار» ،

بحار الأنوار : ج 28 ص 54 ح 21 ؛ البدايه والنهايه : ج 7 ص 263 عن زيد بن وهب عن الإمام علىّ عليه السلام .
7- .المِضمار : الموضع الذى تُضمَّر فيه الخيل ، ويكون وَقْتا للأيّام التى تُضَمَّر فيها . وتضمير الخيل : هو أن يظاهَر عليها بالعَلَف حتّى تسمن ، ثمّ لا تعلف إلاّ قوتا لتخفّ (النهايه : ج 3 ص 99 «ضمر») .
8- .كنز العمّال : ج 15 ص 794 ح 43153 نقلاً عن ابن لال فى مكارم الأخلاق عن جابر .

483.2 . الشیخ بإسناده عن عبدالملک بن عمرو، قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده باید از دنیای خویش برای آخرتش ، از زندگی اش برای مرگش و از جوانی اش برای پیری اش توشه برگیرد؛ زیرا که دنیا برای شما آفریده شده است و شما برای آخرت ، آفریده شده اید.484.ما رواه الکلینی بإسناده عن أبی بصیر، قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده مؤمن ، باید از خود برای خود، و از دنیای خود برای آخرتش بهره برگیرد.485.1 . الشیخ الطوسی بإسناده عن سماعه، قال:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکه در دنیا توشه برگیرد، در آخرت سودش می دهد.486.2 . وأیضا بإسناده عن ابن أبی نصر ، عن أبی الحسن اپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مؤمن ، توشه فراهم می آورد و کافر به کامجویی می گذرانَد.487.1 . الشیخ الطوسی بإسناده عن زراره ، عن أبی جعفر عپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی ... دنیا را سرای عمل قرار داد و آخرت را سرای آسودن ، «تا کسانی را که بد کرده اند ، به سزای آنچه انجام داده اند ، کیفر دهد، و آنان را که نیکی کرده اند ، به نیکی پاداش دهد» .488.2 . وبإسناده عن معاویه بن شریح، قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شما امروز در آمادگاهید (1) و فردا در [میدان] مسابقه . جایزه این مسابقه ، بهشت است و خطّ پایان [برای بازنده] ، آتش. .

1- .آمادگاه ، ترجمه «مضمار» است و مضمار ، جایی یا مدّت زمانی را می گویند که در آن ، اسب را برای مسابقه پرورش می دهند و آماده مسابقه می سازند (النهایه : ج3 ص99 «ضمر») .

489.الكلينى بإسناده عن محمّد بن مسلم، عن أبى عبد اللّعيسى عليه السلام :إنَّما أعطاكُمُ اللّهُ الدُّنيا لِتَعمَلوا فيها لِلآخِرَهِ ولَم يُعطِكُموها لِتَشغَلَكُم عَنِ الآخِرَهِ ، وإنَّما بَسَطَها لَكُم لِتَعلَموا أنَّهُ أعانَكُم بِها عَلَى العِبادَهِ ولَم يُعِنكم بِها عَلَى الخَطايا ، وإنَّما أمَرَكُم فيها بِطاعَتِهِ ولَم يَأمُرِكُم فيها بِمَعصِيَتِهِ ، وإنَّما أعانَكُم بِها عَلَى الحَلالِ ولَم يُحِلَّ لَكُم بِهَا الحَرامَ ، وإنَّما وَسَّعَها لَكُم لِتَواصَلوا فيها ، ولَم يُوَسِّعها لَكُم لِتَقاطَعوا فيها . (1)490.1 . أبو عتّاب عبد اللّه والحسين ابنا بسطام بن سابالإمام علىّ عليه السلام :ألا وإنَّ المِضمارَ اليَومَ وَالسِّباقَ غَدا ، ألا وإنَّ السُّبقَهَ الجَنَّهُ وَالغايَهَ النّارُ . (2)491.2 . وكذا الصدوق فى العلل بإسناده عن أبى بصيرعنه عليه السلام :إنَّمَا الدُّنيا مُنتَهى بَصَرِ الأعمى ؛ لا يُبصِرُ مِمّا وَراءَها شَيئا ، وَالبَصيرُ يَنفُذُها بَصَرُهُ ويَعلَمُ أنَّ الدّارَ وَراءَها ، فَالبَصيرُ مِنها شاخِصٌ ، وَالأعمى إلَيها شاخِصٌ ، وَالبَصيرُ مِنها مُتَزَوِّدٌ ، وَالأَعمى لَها مُتَزَوِّدٌ . (3)492.3 . الشيخ الطوسى بإسناده إلى عمّار، عن أبى عبد العنه عليه السلام :بِالدُّنيا تُحرَزُ (4) الآخِرَهُ . (5) .

1- .تحف العقول : ص 511 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 315 ح 17 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 516 ح 1482 ، نهج البلاغه : الخطبه 28 ، الإرشاد : ج 1 ص 235 ، تحف العقول : ص 153 ، مصباح المتهجّد : ص 661 ح 728 عن جندب بن عبد اللّه الأزدى عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 294 ح 2 ؛ تاريخ دمشق : ج 42 ص 497 عن أوفى بن دلهم وفيه صدره ، مطالب السؤول : ص 51 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 133 ، إرشاد القلوب : ص 19 وفيه «البوار» بدل «الدار» وليس فيه «والأعمى لها متزوّد» .
4- .أحرَزَ الشىءَ: حازَهُ. يقال: أحرَزتُ الشىءَ؛ إذا حفظته وضممته إليک وصُنتَه عن الأخذ (لسان العرب: ج 5 ص 333 «حرز»).
5- .نهج البلاغه : الخطبه 156 ، تحف العقول : ص 164 وفيه «تحذو» بدل «تحرز» ؛ كنز العمّال : ج 16 ص 188 ح 44216 نقلاً عن وكيع وفيه «تخرج» بدل «تحرز» .

493.1 . فی تفسیر القمّی عن الإمام الصادق علیه السلامعیسی علیه السلام :خداوند ، دنیا را به شما داده است تا در آن برای آخرت ، کار کنید . آن را به شما نداده است که از آخرت ، بازتان دارد. آن را برای شما گسترانیده است تا بدانید که آن را کمکْ کارِ شما در عبادت قرار داده ؛ نه این که کمک کارِ شما در گناهان قرار داده باشد. شما را در دنیا به طاعت خویش فرمان داده و در آن ، به معصیت خویش فرمانتان نداده است به واسطه آن ، شما را بر حلال کمک کرده و به وسیله آن ، حرام را برای شما حلال نساخته است. دنیا را برای شما وسعت بخشیده تا در آن به یکدیگر رسیدگی کنید و برایتان وسعت نبخشیده که در آن ، از یکدیگر ببُرید.494.2 . وفی الدرّ المنثور عن عدّه من أصحاب التفسیر واامام علی علیه السلام :بدانید که امروز ، روز آماده سازی (خودسازی) است و فردا ، [روز [مسابقه. بدانید که جایزه این مسابقه ، بهشت است و خطّ پایان [برای بازنده] ، آتش.495.3 . وفی الدرّ المنثور أیضا :امام علی علیه السلام :دنیا ، آخرین دیدرس شخص کور[دل] است و از آنچه فرا سوی آن است ، چیزی نمی بیند ؛ امّا شخص بینا ، نگاهش از دنیا فراتر می رود و می داند که سرای حقیقی ، در ورایِ این دنیاست. پس، بینا از دنیا دل بر می کَنَد و کوردل ، به آن رو می کَند. بینا ، از آن توشه بر می گیرد و کوردل ، برای آن توشه فراهم می آورد.496.1 . الشیخ الطوسی بإسناده عن أبی هریره، قال:امام علی علیه السلام :با دنیاست که آخرت به دست می آید. .

497.2 . الكراجكى بإسناده عن كليب بن معاويه الأسدى ، عنه عليه السلام :بِالدُّنيا تَجوزُ القِيامَة (1) . (2)498.3 . علىّ بن الحسن بن الفضل، عن أنس:عنه عليه السلام :عَجِبتُ لِمَن عَرَفَ أنَّهُ مُنتَقِلٌ عَن دُنياهُ ، كَيفَ لا يُحسِنُ التَّزَوُّدَ لِأُخراهُ! (3)499.1 . الصدوق بإسناده عن عبد اللّه بن مسعود، قال :عنه عليه السلام :تَزَوَّدوا مِنَ الدُّنيا ما تَحوزونَ (4) بِهِ أنفُسَكُم غَدا ، وخُذوا مِنَ الفَناءِ لِلبَقاءِ . (5)500.2 . ما رواه الحاكم الحسكانيبإسناده إلى جميع التيمعنه عليه السلام :تَزَوَّدوا فِى الدُّنيا مِنَ الدُّنيا ما تُحرِزونَ بِهِ أنفُسَكُم غَدا . (6)501.1 . ابن المشهدى فيذيل :عنه عليه السلام يَصِفُ الدُّنيا :ولَنِعمَ دارُ مَن لَم يَرضَ بِها دارا ، ومَحَلُّ مَن لَم يُوَطِّنها مَحَلاً . (7)502.2 . الواحدى فى الآيه :عنه عليه السلام :الأعمالُ فِى الدُّنيا تِجارَةُ الآخِرَهِ . (8)503.1 . ابن عساكر والسيوطى عن جعفر بن محمّد، عن أبيهعنه عليه السلام مِن كِتابٍ لَهُ إلى مُعاوِيَهَ :إنَّ الدُّنيا دارُ تِجارَهٍ ، ورِبحُها أو خُسرُها

الآخِرَهُ ، فَالسَّعيدُ مَن كانَت بِضاعَتُهُ فيهَا الأَعمالَ الصّالِحَهَ ، ومَن رَأَى الدُّنيا بِعَينِها وقَدَّرَها بِقَدَرِها . (9) .

1- .قال العلاّمه المجلسى قدس سره : على صيغه الخطاب من الجواز ، وفى بعض النسخ بصيغه الغيبه ؛ أى يجوز المؤمن أو الإنسان ، وفى بعضها : «يُجاز» على بناء المجهول ، وهو أظهر ، وفى بعضها : «يُحاز» بالحاء المهمله من الحيازه ؛ أى تُحاز مثوبات القيامه . . . ومنهم من قرأ : «تحوز» بالحاء المهمله ؛ أى بسبب الدنيا وأعمالها تجمع القيامهُ الناسَ للحساب والجزاء (بحار الأنوار : ج68 ص364) .
2- .الكافى : ج 2 ص 50 ح 1 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عن الأصبغ بن نباته ، الأمالى للمفيد : ص 277 ح 3 عن قبيصه بن جابر الأسدى ، كتاب سليم بن قيس : ج 2 ص 619 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 350 ح 18 .
3- .غرر الحكم : ح 6275 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 329 ح 5640 وفيه «علم» بدل «عرف» .
4- .حازه يحوزه : إذا قبضه وملكه واستبدّ به (النهايه : ج 1 ص 459 «حوز») .
5- .غرر الحكم : ح 4535 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 200 ح 4047 وفيه «تنقذون» بدل «تحوزون» وص 109 ح 2393 وليس فيه ذيله .

6- .نهج البلاغه : الخطبه 28 و 64 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 8 ، تحف العقول : ص 153 ، إرشاد القلوب : ص 34 وفيه «تنجون» بدل «تحرزون» وليس فيهما «غدا» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 333 ح 21 ؛ مطالب السؤول : ص 59 وفيه «تحوزوا» بدل «تحرزون» .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 223 .
8- .غرر الحكم : ح 1307 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 47 ح 1193 وفيه «فى الآخره» .
9- .شرح نهج البلاغه : ج 16 ص 133 ؛ بحار الأنوار : ج 33 ص 85 ح 400 .

504.2 . ما رواه الترمذی بإسناده إلی یوسف بن سعد قال :امام علی علیه السلام :با دنیاست که قیامت را به چنگ می آوری.505.من جمله ما استدرکه ابن أبی الحدید علی روایات السیامام علی علیه السلام :در شگفتم از کسی که می داند از دنیا منتقل می شود، چگونه برای آخرتش توشه فراهم نمی آورد !506.الکلینی عن أحمد بن مهران وعلیّ بن إبراهیم، جمیعاامام علی علیه السلام :از دنیا ، توشه ای بردارید که فردای قیامت ، با آن خود را حفظ کنید و از سرای نیستی برای سرای ماندگاری برگیرید.507.أخرج البیهقی فی الدلائل عن محمّد بن علی یعنی الامام علی علیه السلام :در دنیا، از دنیا توشه ای برگیرید که فردای قیامت ، با آن خویشتن را حفظ کنید.508.أخرج الزبیر بن بکّار وابن عساکر، عن جعفر بن محمّدامام علی علیه السلام در وصف دنیا :نیکو سرایی است دنیا برای آن کس که آن را خانه [ی همیشگی [خویش نداند، و نیکو منزلگاهی است برای آن کس که آن را وطن خویش نگیرد.509.1 . البخاری فی صحیحه والنسائیفی سننه ، عن عبد اللامام علی علیه السلام :کارها [ی نیک] در دنیا، تجارت آخرت است.510.2 . قال أبو الصلاح :امام علی علیه السلام در نامه ای به معاویه :دنیا، تجارت خانه ای است و سود یا زیان آن ، آخرت است [و در آخرت معلوم می شود] . پس سعادتمند ، کسی است که کالای او در دنیا ، کارهای نیک باشد و کسی که دنیا را به چشم دنیا دید و به آن در همان حدّ خویش ارزش نهاد. .

511.3 . الطبرسی :الإمام زین العابدین علیه السلام :الدُّنیا سوقُ الآخِرَهِ ، وَالنَّفسُ تاجِرٌ ، وَاللَّیلُ وَالنَّهارُ رَأسُ المالِ ، وَالمَکسَبُ الجَنَّهُ ، وَالخُسرانُ النّارُ . (1)512.4 . الطبرسی :الإمام الباقر علیه السلام لِعُمَرَ بنِ عَبدِ العَزیز :یا عُمَر ، إنَّمَا الدُّنیا سوقٌ مِنَ الأسواقِ ؛ مِنها خَرَجَ قَومٌ بِما یَنفَعُهُم ، ومِنها خَرَجوا بِما یَضُرُّهُم . (2)513.1 . ما ورآه الحاکم الحسکانیبإسناده عن أم سلمه عنه علیه السلام :نِعمَ العَونُ الدُّنیا عَلی طَلَبِ الآخِرَهِ . (3)514.2 . وبإسناده عن إسماعیل بن عبد اللّه بن جعفر الطیالإمام الصادق علیه السلام :نِعمَ العَونُ الدُّنیا عَلَی الآخِرَهِ . (4)515.3 . الحاکم الحسکانی بإسنادین عن محمّد بن مصعب، وعالاحتجاج فی ذکرِ أسئِلَهِ زِندیقٍ لِلإمامِ الصّادِقِ علیه السلام :قالَ [الزِّندیقُ] : فَلِاَیّ عِلَّهٍ خَلَقَ الخَلقَ وَهُوَ غَیرُ مُحتاجٍ إلَیهِم ولا مُضطَرٍّ إلی خَلقِهِم ، ولایَلیقُ بِهِ التَّعَبُّثُ بِنا؟

قالَ علیه السلام : خَلَقَهُم لِاِظهارِ حِکمَتِهِ ، وإنفاذِ عِلمِهِ ، وإمضاءِ تَدبیرِهِ .

قالَ : وکَیفَ لایَقتَصِرُ عَلی هذِهِ الدّارِ فَیَجعَلَها دارَ ثَوابِهِ ومُحتَبَسَ عِقابِهِ؟

قالَ : إنَّ هذِهِ الدّارَ دارُ ابتِلاءٍ ، ومَتجَرُ الثَّوابِ ، ومُکتَسَبُ الرَّحمَهِ ، مُلِئَت

آفاتٍ ، وطُبِّقَت (5) شَهَواتٍ ، لِیَختَبِرَ فیها عَبیدَهُ بِالطّاعَهِ ؛ فَلایَکونُ دارُ عَمَلٍ دارَ جَزاءٍ . (6) .

1- .أعلام الدین : ص 96 .
2- .الخصال : ص 104 ح 64 عن هشام بن معاذ ، المسترشد : ص 504 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 181 ح 6 وراجع المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 207 .
3- .الکافی : ج 5 ص 73 ح 14 .
4- .الکافی : ج 5 ص 72 ح 8 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 3 ص 156 ح 3567 ، الأُصول الستّه عشر : ص 88 کلّها عن ذریح المحاربی ، الزهد للحسین بن سعید : ص 51 ح 136 عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 127 ح 126 .
5- .طَبَّقَ الغیم : إذا أصاب بمطره جمیع الأرض (الصحاح : ج 4 ص 1512 «طبق») .
6- .الاحتجاج : ج 2 ص 217 ح 223 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 317 ح 14 .

516.امام زین العابدین علیه السلام :دنیا ، بازار آخرت است و نفس ، بازرگان است و شب و روز ، سرمایه و سود ، بهشت و زیان ، دوزخ.517.2 . الطبرانی عن حفص بن سعید القرشی ، قال :امام باقر علیه السلام به عمر بن عبد العزیز :ای عمر! دنیا، در حقیقت، بازاری از بازارهاست . گروهی از این دنیا ، چیزی را بردند که سودشان رسانْد، و گروهی ، کالایی را که زیانشان داد.518.3 . فی کتاب المناقب لابن شهر آشوب عن تفسیر الثعلبامام باقر علیه السلام :چه خوب کمکی است دنیا برای به دست آوردن آخرت!519.1 . أخرج ابن مردویه عن ابن عبّاس، قال:امام صادق علیه السلام :نیکو کمکی است دنیا برای آخرت!520.2 . الدرّ المنثور :الاحتجاج در بیان پرسش های زندیق از امام صادق علیه السلام :زندیق گفت: پس به چه علّت خداوند ، خلق را آفرید ، در حالی که نه به آنها نیاز داشت ، نه به آفریدنشان مجبور بود، و بازیچه قرار دادن ما هم شایسته او نیست؟

فرمود: «آنها را آفرید تا حکمت خویش را نمایان سازد و دانش خویش را به اجرا درآورد و تدبیرش را به کار بَرَد».

زندیق گفت: چرا به همین سرا بسنده نمی کند و آن را سرای پاداش و زندان کیفر خویش قرار نمی دهد [و به آخرت موکول کرده است]؟

فرمود: «این سرا، سرای آزمایش، تجارت خانه ثواب و محلّ کسب رحمت است ؛ آکَنده از آفات و پُر از شهوات ، قرار داده شده است تا خداوند ، در آن بندگانش را به طاعت بیازماید. پس، خانه عمل، خانه پاداش نیست». .

521.تأويل الآيات بإسناده عن عبد اللّه بن أبي رافع ، عالإمام الهادى عليه السلام :الدُّنيا سوقٌ ، رَبِحَ فيها قَومٌ وخَسِرَ آخَرونَ . (1)راجع : ص262 (خصائص الدنيا / مزرعه الشر) .

و 264 (خصائص الدنيا / سوق الخسران) .

2 / 4الإِنسانُ مَطبوعٌ عَلى حُبِّ الدُّنيا526.2 . فى نهج البيان :الإمام علىّ عليه السلام :النّاسُ أبناءُ الدُّنيا ، وَالوَلَدُ مَطبوعٌ عَلى حُبِّ اُمِّهِ . (2)527.3 . ابن أبى حاتم عن السدى :عنه عليه السلام :النّاسُ أبناءُ الدُّنيا ، ولا يُلامُ الرَّجُلُ عَلى حُبِّ اُمِّهِ . (3)528.1 . الكلينى بإسناده عن أبى الجارود عن أبى جعفر علنثر الدرّ :قالَ لَهُ [لِعَلِى عليه السلام] الحَسَن عليه السلام : أما تَرى حُبَّ النّاسِ لِلدُّنيا؟ قالَ : هُم أولادُها ، أفيُلامُ المَرءُ عَلى حُبِّ والِدَتِهِ؟! (4)529. وعن كتاب نزول القرآن يرفعه إلى علىّ بن عامر، عنتيسير المطالب عن أبى الحسن علىّ بن مهدى الطّبرى :رُوِىَ عَن أميرِ المُؤمِنين عليه السلام أنَّ رَجُلاً قامَ إلَيهِ ، فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، ما بالُنا نُحِبُّ الدُّنيا ؟

قالَ : لاِءَنّا مِنها ، وهَل يَأثَمُ الرَّجُلُ بِحُبِّهِ لاِءَبيهِ واُمِّهِ؟

قالَ : وأنشَدَنا أبو عَبدِ اللّهِ الأَزدِى ، قالَ : أنشَدَنا ثَعلَب :

ونَحنُ بَنو الدُّنيا خُلِقنا لِغَيرِهاوما كُنتَ مِنهُ فَهُوَ شَىءٌ مُحَبَّبُ (5) .

1- .تحف العقول : ص 483 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 366 ح 6 .
2- .غرر الحكم : ح 1850 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 55 ح 1423 .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 303 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 131 ح 135 .
4- .نثر الدرّ : ج 1 ص 284 ؛ ربيع الأبرار : ج 1 ص 45 .
5- .تيسير المطالب : ص 340 .

530.2 . حکی العلاّمه الطباطبائی قدس سرهعن المناقب الفامام هادی علیه السلام :دنیا، بازاری است که قومی در آن سود بُردند و شماری دیگر ، زیان کردند.ر . ک : ص263 (ویژگی های دنیا / کشتزار بدی) .

و 265 (ویژگی های دنیا / بازار زیانکاری) .

2 / 4سرشت دنیادوستی در انسان535.1 . القمّی فی ذیل الآیه :امام علی علیه السلام :مردمان ، فرزندان دنیا هستند و فرزند ، بر عشق به مادرش سرشته شده است.536.2 . شرف الدین الحسینی بإسناده عن محمّد بن الفضیلامام علی علیه السلام :مردم ، فرزندان دنیا هستند و آدمی ، بر دوست داشتن مادرش ملامت نمی شود .537.کتاب اللّه عز و جل علی أربعه أشیاء :نثر الدرّ:حسن علیه السلام به او (علی علیه السلام) گفت: چرا مردم ، دنیا را دوست دارند؟

فرمود: «آنان ، فرزندان دنیا هستند. آیا آدمی بر دوست داشتن مادرش ملامت می شود؟!»538.1 . الکلینی بإسناده عن محمّد بن النعمان أو غیره،تیسیر المطالب به نقل از ابو الحسن علی بن مهدی طبری :روایت شده است که مردی از امیر مؤمنان علیه السلام پرسید: ای امیر مؤمنان! به چه سبب ما دنیا را دوست داریم؟

فرمود: «چون ما از دنیا هستیم. آیا گناه است که انسان ، پدر و مادرش را دوست بدارد؟» .

راوی می گوید: ابو عبد اللّه اَزْدی این بیت را از ثَعلَب برایمان خواند:

ما فرزندان دنیاییم که برای غیر آن ، آفریده شده ایم/ و تو ، آنچه را از آنی، دوست می داری.

.

راجع : ج2 ص282 (الحثّ على الاهتمام بالآخره) .

2 / 5النَّهىُ عَن سَبِّ الدُّنيا وذَمِّها542.5 . الطبرسى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَسُبُّوا الدُّنيا ؛ فَنِعمَت مَطِيَّةُ المُؤمِنِ ، فَعَلَيها يَبلُغُ الخَيرَ ، وبِها يَنجو مِنَ الشَّرِّ . إنَّهُ إذا قالَ العَبدُ : لَعَنَ اللّهُ الدُّنيا ، قالَتِ الدُّنيا : لَعَنَ اللّهُ أعصانا لِرَبِّهِ . (1)543.6 . الطبرى بأسانيده عن عمرو ذى مرّ ، قال:عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ : قَبَّحَ اللّهُ الدُّنيا ، قالَتِ الدُّنيا : قَبَّحَ اللّهُ أعصانا لَهُ . (2)544.7 . السيوطى :عنه صلى الله عليه و آله :نِعمَتِ الدّارُ الدُّنيا لِمَن تَزَوَّدَ مِنها لِاٰخِرَتِهِ حَتّى يُرضِىَ رَبَّهُ ، وبِئسَتِ الدّارُ لِمَن صَدَّتهُ عَن آخِرَتِهِ وقَصُرَت بِهِ عَن رِضاءِ رَبِّهِ ، وإذا قالَ العَبدُ : قَبَّحَ اللّهُ الدُّنيا ، قالَتِ الدُّنيا : قَبَّحَ اللّهُ أعصانا لِرَبِّهِ . (3)545.1 . العيّاشى عن مسعده بن صدقه عن أبى عبد اللّه علتحف العقول عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى :كُنّا مَعَ أميرِ المُؤمِنين عليه السلام بِالبَصرَه فَلَمّا فَرَغَ مِن قِتالِ مَن قاتَلَهُ أشرَفَ عَلَينا مِن آخِرِ اللَّيلِ ، فَقالَ : ما أنتُم فيهِ؟ فَقُلنا : فى ذَمِّ الدُّنيا . فَقالَ : عَلامَ تَذُمُّ الدُّنيا يا جابِر؟ ! ثُمَّ حَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، وقالَ :

أمّا بَعدُ ، فَما بالُ أقوامٍ يَذُمّونَ الدُّنيَا ، انتَحَلُوا الزُّهدَ فيها؟ الدُّنيا مَنزِلُ صِدقٍ لِمَن صَدَقَها ، ومَسكَنُ عافِيَهٍ لِمَن فَهِمَ عَنها ، ودارُ غِنىً لِمَن تَزَوَّدَ مِنها ، مَسجِدُ

أنبِياءِ اللّهِ ، ومَهبِطُ وَحيِهِ ، ومُصَلّى مَلائِكَتِهِ ، ومَسكَنُ أحِبّائِهِ ، ومَتجَرُ أولِيائِهِ ؛ اكتَسَبوا فيهَا الرَّحمَةَ ، ورَبِحوا مِنهَا الجَنَّةَ ، فَمَن ذا يَذُمُّ الدُّنيا يا جابِر؟ وقَد آذَنَت بِبَينِها (4) ، ونادَت بِانقِطاعِها ، ونَعَت نَفسَها بِالزَّوالِ ، ومَثَّلَت بِبِلائِها البَلاءَ ، وشَوَّقَت بِسُرورِها إلَى السُّرورِ ، وراحَت (5) بِفَجيعَهٍ ، وَابتَكَرَت (6) بِنِعمَهٍ وعافِيَهٍ ؛ تَرهيبا وتَرغيبا ، يَذُمُّها قَومٌ عِندَ النَّدامَهِ ، خَدَمَتهُم جَميعا فَصَدَّقَتهُم ، وذَكَّرَتهُم فَذَكَروا ، ووَعَظَتهُم فَاتَّعَظوا ، وخَوَّفَتهُم فَخافوا ، وشَوَّقَتهُم فَاشتاقوا .

فَأَيُّهَا الذّامُّ لِلدُّنيَا المُغتَرُّ بِغُرورِها ، مَتَى استَذَمَّت إلَيكَ ؟ بَل مَتى غَرَّتكَ بِنَفسِها؟ بِمَصارِعِ آبائِكَ مِنَ البِلى؟ أم بِمَضاجِعِ اُمَّهاتِكِ مِنَ الثَّرى؟ كَم مَرَّضتَ (7) بِيَدَيكَ ، وعَلَّلتَ (8) بِكَفَّيكَ؟ تَستَوصِفُ لَهُمُ الدَّواءَ ، وتَطلُبُ لَهُمُ الأطِبّاءَ ، لَم تُدرِك فيهِ طَلِبَتَكَ ، ولَم تُسعَف (9) فيهِ بِحاجَتِكَ ، بَل مَثَّلَتِ الدُّنيا بِهِ نَفسَكَ ، وبِحالِهِ حالَكَ ، غَداهَ لا يَنفَعُكَ أحِبّاؤُكَ ، ولايُغنى عَنكَ نِداؤُكَ ، حِينَ يَشتَدُّ مِنَ المَوتِ أعالينُ المَرَض ، وأليمُ لَوعاتِ المَضَض ، حينَ لايَنفَعُ

الأليلُ (10) ، ولا يَدفَعُ العَويلُ ، يَحفَزُ (11) بِهَا الحَيزومُ (12) ، ويَغُصُّ بِهَا الحُلقومُ ، لايُسمِعُهُ النِّداءُ ، ولا يَروعُهُ

الدُّعاءُ ، فَيا طولَ الحُزنِ عِندَ انقِطاعِ الأَجَلِ .

ثُمَّ يُراحُ بِهِ عَلى شَرجَعٍ (13) نَقَلَهُ أكُفٌّ أربَعٌ ، فَيَضجَعُ فى قَبرِهِ فى لَبثٍ (14) وضيقِ جَدَثٍ ، فَذَهَبَتِ الجِدَهُ (15) ، وَانقَطَعَتِ المُدَّهُ ، ورَفَضَتهُ العُطَفَهُ ، وقَطَعَتهُ اللُّطَفَهُ ، لا تُقارِبُهُ الأَخِلاَّءُ ، ولا يُلِمُّ بِهِ الزُّوّارُ ، ولاَ اتَّسَقَت بِهِ الدّارُ ، انقَطَعَ دونَهُ الأَثَرُ ، وَاستُعجِمَ دونَهُ الخَبَرُ ، وبَكَّرَت وَرَثَتُهُ فَاقتَسَمَت تَرَكَتُهُ ، ولَحِقَهُ الحَوبُ (16) ، وأحاطَت بِهِ الذُّنوبُ ، فَإن يَكُن قَدَّمَ خَيرا طابَ مَكسَبُهُ ، وإن يَكُن قَدَّمَ شَرّا تَبَّ مُنقَلَبُهُ . وكَيفَ يَنفَعُ نَفسا قَرارُها وَالمَوتُ قَصارُها وَالقَبرُ مَزارُها ؟ ! فَكَفى بِهذا واعِظا .

كَفى يا جابِر ، امضِ مَعى . فَمَضَيتُ مَعَهُ حَتّى أتَينَا القُبورَ ، فَقالَ :

يا أهلَ التُّربَهِ ويا أهلَ الغُربَهِ ، أمَّا المَنازِلُ فَقَد سُكِنَت ، وأمَّا المَواريثُ فَقَد قُسِمَت ، وأمَّا الأَزواجُ فَقَد نُكِحَت ، هذا خَبَرُ ما عِندَنا ، فَما خَبرُ ما عِندَكُم؟

ثُمَّ أمسَكَ عَنّى مَلِيّا ، ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ فَقالَ : وَالَّذى أقَلَّ السَّماءَ فَعَلَت ، وسَطَحَ الأَرضَ فَدَحَت ، لَو اُذِنَ لِلقَومِ فِى الكَلامِ ، لَقالوا : إنّا وَجَدنا خَيرَ الزّادِ التَّقوى . ثُمَّ قالَ : يا جابِر إذا شِئتَ فَارجِع . (17) .

1- .أعلام الدين : ص 335 عن أبى موسى الأشعرى ، إرشاد القلوب : ص 176 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 178 ح 10 ؛ ربيع الأبرار : ج 1 ص 66 ح 67 ، الفردوس : ج 5 ص 10 ح 7288 كلاهما عن ابن مسعود نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 239 ح 6343 .
2- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 143 ح 128 ، كنز العمّال : ج 3 ص 607 ح 8140 نقلاً عن الديلمى وكلاهما عن المطّلب بن حنطب ؛ كنز الفوائد : ج 2 ص 162 ، أعلام الدين : ص 152 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 171 ح 7 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 348 ح 7870 عن سعد بن طارق عن أبيه ، الفردوس : ج 4 ص 269 ح 6794 عن طارق بن أشيم وفيه صدره إلى «رضاء ربّه» ، كنز العمّال : ج 3 ص 239 ح 6341 .
4- .البَيْن : البعد والفراق (النهايه : ج 1 ص 175 «بين») .
5- .الرَّواح : نقيض الصباح ، وهو اسم للوقت من زوال الشمس إلى الليل (الصحاح : ج 1 ص 368 «روح») .

6- .البُكرَه : الغُدوه [أى ما بين صلاه الغداه وطلوع الشمس] . وبَكَر عليه وإليه وفيه وابتكَر : أتاه بُكرَةً (القاموس المحيط : ج 1 ص 376 «بكر») .
7- .مرّضْتَهُ : تكفّلتَ بمداواته (المصباح المنير : ص 569 «مرض») .
8- .عَلَّلَه بالشىء : أى لَهّاه به ؛ كما يُعلَّل الصبىّ بشىء من الطعام يتجزّأ به عن اللبن (الصحاح : ج 5 ص 1774 «علل») . والمعنى : خدمتَه فى علّته .
9- .أسعَفتُه بحاجته إسعافا : قضيتُها له (المصباح المنير : ص 277 «سعف») .
10- .الأَلِيْل : الأنين (الصحاح : ج 4 ص 1626 «ألل») .
11- .الحَفْز : الحثّ والإعجال (النهايه : ج 1 ص 407 «حفز») .
12- .الحَيزُوم : وسط الصدر وما يُشدّ عليه الحزام (الصحاح : ج 5 ص 1899 «حزم») .
13- .الشَّرْجَعُ : النّعْشُ أو الجنازه (القاموس المحيط : ج 3 ص 43 «شرجع») .
14- .اللَّبْث : المَكْثُ (القاموس المحيط : ج 1 ص 173 «لبث») .
15- .واجِدٌ للشىء : قادرٌ عليه (المصباح المنير : ص 648 «وجد») .
16- .الحَوْب : الإثم (الصحاح : ج 1 ص 116 «حوب») .
17- .تحف العقول : ص 186 وراجع الإرشاد : ج 1 ص 296 والأمالى للطوسى : ص 594 ح 1231 وخصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 102 والزهد للحسين بن سعيد : ص 47 ح 128 ونهج البلاغه : الحكمه 131 وبحار الأنوار : ج 73 ص 129 ح 135 وتاريخ بغداد : ج 7 ص 287 ح 3789 وتاريخ دمشق : ج 42 ص 499 وكنزالعمّال : ج 3 ص 732 ح 8603 .

ر . ک : ج2 ص283 (تشویق به آخرت گرایی) .

2 / 5نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن549.2 . ما رواه المجلسی عن کنز جامع الفوائد للشیخ علمپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به دنیا ناسزا مگویید؛ چه، دنیا نیکو مَرکبی است برای مؤمن ؛ به وسیله آن به خوبی می رسد و از بدی می رَهَد. هرگاه بنده بگوید: «لعنت خدا بر دنیا» ، دنیا گوید: لعنت خدا بر نافرمان ترینِ ما از پروردگارش.550.3 . ما رواه الصدوق بإسناده عن الفضیل بن یسارَ ، قاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکس بگوید: «ننگ بر این دنیا» ، دنیا گوید: ننگ بر نافرمان ترینِ ما از خدا.551.1 . الصدوق بإسناده عن عبد الملک بن عمیر الشیبانی،پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوبْ سرایی است دنیا برای کسی که از آن برای آخرتش توشه برگیرد تا پروردگارش را خشنود گرداند و بد سرایی است برای کسی که دنیا ، او را از آخرتش باز دارد و نگذارد که موجبات خشنودی پروردگارش را فراهم آورد. هرگاه بنده بگوید: «ننگ بر دنیا» ، دنیا گوید: ننگ بر نافرمان ترینِ ما از پروردگارش.552.2 . علیّ بن إبراهیم القمّی، عن أبیه، عن ابن أبی عتحف العقول به نقل از جابر بن عبد اللّه انصاری :ما در بصره [در جنگ جمل [با امیر مؤمنان علیه السلام بودیم. چون ایشان از جنگ با جنگ افروزان ، آسوده شد، در آخرِ شب به نزد ما آمد و فرمود: «در چه حالید؟» .

گفتیم: بر سرِ نکوهش دنیا.

فرمود: «دنیا را بر چه نکوهش می کنی ، ای جابر؟ !» .

سپس، حمد و ثنای الهی به جای آورد و فرمود: «چه شده است که

عدّه ای دنیا را نکوهش می کنند و دَم از بی رغبتی به آن می زنند؟ دنیا ، برای کسی که با آن از در راستی درآید ، منزلگاه راستی و صداقت است و برای کسی که متوجّه منظورش شود، سکونتگاه عافیت است و برای کسی که از آن توشه برگیرد ، سرای ثروت است و عبادتگاه پیامبران خداست و فرودگاه وحی او و نمازخانه فرشتگانش و مسکن دوستدارانش

و تجارت خانه اولیایش . در دنیا ، رحمت کسب کردند و از آن ، بهشت را سود بردند. پس کیست که دنیا را نکوهش کند ، ای جابر؟ در حالی که دنیا خود، جدایی خویش را اعلام کرده و رفتنش را جار زده و خبر مرگ و زوال خویش را داده است و با بلاهایش درس عبرت داده و با شادی هایش به شادی تشویق کرده است، در نیم روز ، فاجعه آورده و در صبحگاه ، نعمت و عافیت ؛ بیم می دهد و امید می بخشد. گروهی در هنگام پشیمانی به نکوهش دنیا می پردازند. دنیا به همه آنها خدمت کرد و با صداقت برخورد کرد ، یادآوری شان کرد و یادآور شدند ؛ اندرزشان داد و اندرز گرفتند ؛ ترساندشان و ترسیدند ؛ و تشویقشان کرد و به شوق آمدند.

پس، ای آن که دنیا را نکوهش کنی ، امّا فریفته فریبندگی های آنی ! کِی دنیا جای نکوهش برای تو داشته و کجا تو را فریفته است؟ به قبرهای پوسیده پدرانت یا به گورهای نَمور مادرانت؟ چه بسیار کسانی که با دستان خود ، پرستاری آنها کردی و تیمارداری شان را نمودی ، برایشان دارو تجویز کردی و پزشکانی به بالینشان آوردی ، امّا به مقصود خود نرسیدی و مراد خویش را نیافتی [و آن بیماران ، بهبود نیافتند] ؛ بلکه دنیا ، آنها را نمونه[برای] تو و حال ایشان را حکایتِ حال تو قرار داد. فردا ، نه دوستدارانت تو را سودی می بخشند ، نه فریادخواهی ات گِرِه از کارت می گشاید، آن گاه که بیماری مرگ و سوزش های درد و رنج ، بالا گیرد؛ آن گاه که ناله ، سودی نمی بخشد و از شیون [اطرافیان] ، کاری بر نمی آید، سینه را سخت می فشرد و گلو ، گرفته

می شود ، فریاد به گوش او نمی رود و فریادخواهی به هراسش نمی فکَند. آه از بسیاریِ اندوه ، به هنگام سر رسیدن عمر !

سپس ، نعش او را بر تابوتی نهند و بر روی چهار دست بردارند و برای لحظه ای در گورش خوابانند؛ گوری تنگ ؛ توش و توان از میان رفته ؛ عمر به سر شده و دوستداران ، او را به دور افکنده و نوازشگرانش ، از او بُریده اند و دوستان ، به او نزدیک نمی شوند و دیدارکنندگان ، به دیدارش نمی آیند و خانه ، در انتظار او نیست. نشانی از او نمی مانَد و خبری از او نمی آید. وارثانش ، صبح زود بشتابند و مُرده ریگش را تقسیم کنند، در حالی که گناه ، دامن او را گرفته و گناهان در میانش گرفته اند. اگر کار نیکی پیش فرستاده ، حاصل نیک ببیند و اگر بدی فرستاده ، فرجامی تباه دارد. چگونه آرمیدن در دنیا برای کسی که مرگ ، فرجام آن است و گورْ مزارش ، سود دهد ! و این خود ، بهترین پندآموز است. بس است ، ای جابر . با من بیا».

پس با امام علیه السلام رفتم تا به گورستان رسیدیم . پس فرمود: «ای خاک نشینان، و ای تنهایان! خانه های شما ، مسکنِ دیگران شده و میراث ها تقسیم شده و همسرانتان شوهر کردند. این ، خَبری است که ما داریم. شما چه خبر دارید؟» .

سپس ، لَختی دراز ، خاموش مانْد و آن گاه ، سرش را بلند کرد و فرمود: «سوگند به آن که آسمان را برافراشت و زمین را بگسترانْد، اگر به این جماعت [مردگان [اجازه سخن گفتن داده شود، هرآینه خواهند گفت: ما ، بهترین ره توشه را تقوا یافتیم».

آن گاه فرمود: «ای جابر! حال اگر می خواهی، برگرد».

.

ص: 122

. .

ص: 123

. .

553.3 . العيّاشى : أبو بصير عنه [يعنى أبا عبد اللّه عالإمام علىّ عليه السلام نَحوَ ما مَرَّ إلى أن قالَ :فَإِن ذَمَمتَها لِصَبِرِها فَامدَحها لِشَهدِها ،

وإلاّ فَاطرَحها لا مَدحَ ولا ذَمَّ ، قَد مُثِّلَت لَکَ نَفسُکَ حَتّى ما يُغنى عَنکَ بُکاؤُکَ ، ولا يَرحَمُکَ إخاؤُکَ . (1) .

1- .مطالب السؤول : ص 51 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 18 ح 74 .

554.العیّاشی عن أبی عمرو الزبیری، عن أبی عبد اللّه علامام علی علیه السلام در حدیثی نظیر حدیث پیشین، با این افزوده :اگر دنیا را بر شَرَنگش نکوهش می کنی ، برای شهدش نیز او را بستای، وگرنه رهایش کن ؛

نه بستای و نه نکوهش نمای . نفس تو برایت نمونه آورده شده است تا جایی که نه گریه ات گِرِه از کار تو می گشاید، و نه برادری و رفاقتت به تو رحم می کند. .

2 / 6النَّهيُ عَنِ التَّرَهُّبِ وتَحريمُ ما أحَلَّ اللّهُالكتاب«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ تُحَرِّمُواْ طَيِّبَتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ ولاَ تَعْتَدُواْ إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» . (1)

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِى أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَتِ مِنَ الرِّزْقِ قُل هِىَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِى الْحَيَوهِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَمَهِ كَذَ لِکَ نُفَصِّلُ الاَيَتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّىَ الْفَوَ حِشَ مَاظَهَرَ مِنْهَا وَمَابَطَنَ وَالاِْثْمَ وَ الْبَغْىَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَن تُشْرِكُواْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَنًا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى اللَّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ» . (2)

«ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى ءَاثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ ءَاتَيْنَهُ الاْءِنجِيل وَ جَعَلْنَا فِى قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَهَا عَلَيْهِمْ إِلاَّ ابْتِغَاءَ رِضْوَ نِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَئَاتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَسِقُونَ» . (3)

الحديث562.فرات بن إبراهيم بإسناده عن محمّد بن علىّ، عن أبيمجمع البيان عن ابن مسعود :كُنتُ رَديفَ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله عَلى حِمارٍ فَقالَ : يَابنَ اُمِّ عَبد ، هَل تَدرى مِن أينَ أحدَثَت بَنو إسرائيل الرَّهبانِيَّة ؟ فَقُلتُ : اللّهُ

ورَسولُهُ أعلَمُ !

فَقالَ : ظَهَرَت عَلَيهِمُ الجَبابِرَه بَعدَ عيسى عليه السلام يَعمَلونَ بِمَعاصِى اللّهِ ، فَغَضِبَ أهلُ الإيمانِ فَقاتَلوهُم، فَهُزِمَ أهلُ الإيمانِ ثَلاثَ مَرّاتٍ ، فَلَم يَبقَ مِنهُم إلاَّ القَليلُ ، فَقالوا : إن ظَهَرنا لِهؤُلاءِ (4) أفنَونا ولَم يَبقَ لِلدّينِ أحَدٌ يَدعو إلَيهِ ، فَتَعالَوا نَتَفَرَّق فِى الأَرضِ إلى أن يَبعَثَ اللّهُ النَّبِىَّ الَّذى وَعَدَنا بِهِ عيسى عليه السلام ؛ يَعنونَ مُحَمَّدًا صلى الله عليه و آله ، فَتَفَرَّقوا فى غيرانِ الجِبالِ وأحدَثوا رَهبانِيَّةً ، فَمِنهُم مَن تَمَسَّکَ بِدينِهِ ، ومِنهُم مَن كَفَرَ . ثُمَّ تَلا هذِهِ الآيَةَ : «وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَهَا عَلَيْهِمْ» إلى آخِرِها .

ثُمَّ قالَ : يَابنَ اُمِّ عَبد ، أتَدرى ما رَهبانِيَّةُ اُمَّتى ؟ قُلتُ : اللّهُ ورَسولُهُ أعلَمُ ! قالَ : الهِجرَةُ ، وَالجِهادُ ، وَالصَّلاةُ ، وَالصَّومُ ، وَالحَجُّ ، وَالعُمرَةُ . (5) .

1- .المائده : 87 .

2- .الأعراف : 32 و 33 .
3- .الحديد : 27 .
4- .فى بحار الأنوار «إن ظَهَرَنا هؤلاءِ» .
5- .مجمع البيان : ج 9 ص 366 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 277 ؛ تفسير القرطبى : ج 17 ص 265 نحوه .

2 / 6نهی از رُهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده استقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای شما حلال کرده ، حرام مشمارید و از حدّ مگذرید ، که خدا ، از حد گذرندگان را دوست نمی دارد».

«بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و نیز روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو: این نعمت ها در زندگی دنیا ، برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] ویژه آنان است. این گونه ، آیات را برای گروهی که می دانند ، به روشنی بیان می کنیم. بگو: پروردگار من ، فقط زشتکاری ها را ، چه آشکارش و چه پنهان ، و گناه و ستم به ناحق را حرام گردانیده است ؛ و نیز این که چیزی را شریک خدا مسازید که دلیلی بر [حقانیّت [آن نازل نکرده است؛ و این که چیزی را که نمی دانید ، به خود نسبت دهید».

«آن گاه ، به دنبال آنان ، پیامبران خود را پی در پی آوردیم و عیسی پسر مریم را در پیِ آنان آوردیم و به او انجیل عطا کردیم و در دل های کسانی که از او پیرویِ کردند ، رأفت و رحمت نهادیم ؛ و امّا ترک دنیایی که از پیش خود در آوردند ، ما آن را برایشان مقرّر نکردیم ، مگر برای آن که کسب خشنودی خدا کنند . با این حال ، آن را چنان که حقّ رعایت آن بود ، منظور نداشتند. پس ، پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند ، بدانها دادیم ؛ ولی بسیاری از آنان ، دست خوش انحراف اند».

حدیث570.5 . العیّاشی أیضا عن عبد اللّه بن بکیر، عمّن حدّثمجمع البیان به نقل از ابن مسعود :من در ترک پیامبر خدا ، بر الاغی سوار بودم . ایشان فرمود: «ای پسرِ مادرْ غلام! آیا می دانی که چرا بنی اسرائیل ، رهبانیت را پدید آوردند؟»

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند .

فرمود: «بعد از عیسی علیه السلام ، شاهان بر بنی اسرائیل چیره شدند و گنهکاری پیشه کردند. مؤمنان ، به خشم آمدند و با آنان به جنگ برخاستند ؛

ولی اهل ایمان ، سه بار شکست خوردند ، به طوری که تنها شماری اندک از ایشان ، باقی ماندند. پس گفتند: اگر اینان بر ما چیره آیند ، نابودمان می کنند و دیگر طرفداری برای دین ، باقی نمی ماند که به آن دعوت کند. بیایید در زمین ، پراکنده شویم تا خداوند ، پیامبری را که عیسی علیه السلام وعده آمدنش را داده است ، برانگیزد. مقصودشان محمّد صلی الله علیه و آله بود. پس، در غارهای کوه ها پراکنده شدند و رهبانیت را پدید آوردند. عدّه ای از ایشان به دین خویش ، پایدار ماندند و برخی به کفر گراییدند».

سپس این آیه را تلاوت کرد: « «و ترک دنیایی که از پیشِ خود درآوردند ، ما آن را برایشان مقرّر نکردیم ،مگر برای آن که کسب خشنودی خدا کنند . با این حال، آن را چنان که حقّ رعایت آن بود منظور نداشتند» » .

سپس فرمود: «ای پسر مادرْ غلام! آیا می دانی رهبانیّت امّت من چیست؟» .

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند .

فرمود: «هجرت ، جهاد ، نماز ، روزه ، حجّ و عمره».

.

571.1 . الصدوق بإسناده عن داوود الرقّى، عن أبى عبد المجمع البيان عن ابن مسعود :دَخَلتُ عَلَى النَّبِى صلى الله عليه و آله فَقالَ : يَابنَ مَسعود، اِختَلَفَ مَن كانَ قَبلَكُم عَلَى اثنَتَينِ وسَبعينَ فِرقَةً ؛ نَجا مِنهَا اثنَتانِ وهَلَکَ سائِرُهُنَّ : فِرقَةٌ قاتَلُوا المُلوک عَلى دينِ عيسى عليه السلام فَقَتَلوهُم ، وفِرقَةٌ لَم تَکُن لَهُم طاقَةٌ لِمُوازاهِ المُلوکِ ولا أن يُقيموا بَينَ ظَهرانَيهِم يَدعونَهُم إلى دينِ اللّهِ تَعالى ودينِ عيسى عليه السلام ؛ فَساحوا فِى البِلادِ وتَرَهَّبوا ، وهُمُ الَّذينَ قالَ اللّهُ لَهُم : «وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَهَا عَلَيْهِمْ» .

ثُمَّ قالَ النَّبِى صلى الله عليه و آله : مَن آمَنَ بى وصَدَّقَنى وَاتَّبَعَنى فَقَد رَعاها حَقَّ رِعايَتِها ، ومَن لَم يُؤمِن بى فَاُولئِکَ هُمُ الهالِکونَ . (1) .

1- .مجمع البيان : ج9 ص366، بحار الأنوار : ج 68 ص 320 ؛ المعجم الكبير : ج 10 ص 221 ح10531، المعجم الأوسط : ج 4 ص 377 ح 4479 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 224 ، تفسير القرطبى : ج 17 ص 265 كلّها نحوه .

572.2 . الصدوق بإسناده عن یحیی بن أبی القاسم، قال:مجمع البیان به نقل از ابن مسعود :بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم . فرمود: «ای پسر مسعود ! کسانی که پیش از شما بودند ، به 72 فرقه تقسیم شدند که دو فرقه آنان ، نجات یافتند و بقیه هلاک شدند. فرقه ای که برای دفاع از دین عیسی علیه السلام با شاهان جنگیدند و کشته شدند، و فرقه ای که نه توان مقابله با شاهان را داشتند و نه در میان ایشان ماندند تا آنان را به دین خدای متعال و آیین عیسی علیه السلام

فرا خوانند . از این رو ، به سیاحت (1) در آبادی ها پرداختند و رهبانیت پیشه کردند.

اینان ، همانهایند که خداوند ، درباره آنها فرموده است: «و ترک دنیایی که از پیشِ خود درآوردند ، ما آن را برایشان مقرر نکردیم» .

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس فرمود: «هرکس به من ایمان آورد و تصدیقم کرد و از من پیروی نمود ، این رهبانیت را، چنان که باید، رعایت کرده است و آنان که به من ایمان نیاوردند، هم ایشان اند هلاک شدگان». .

1- .سیاحت: گشتن در زمین برای عبادت (لسان العرب: ج 2، ص 492 «سیح»)، درویشی ، دوره گردی.

573.3 . على بن إبراهيم بإسناده عن أبى بصير عن أبى عبدرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا رَهبانِيَّةَ فِى الإِسلام (1) . (2)574.التفسير المنسوب للإمام العسكرى عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لا زِمامَ ولا خِزامَ (3) ولارَهبانِيَّةَ ولاتَبَتُّلَ ولا سِياحَةَ فِى الإِسلام . (4)575.1 . روى الكلينى بإسناده عن الفضل بن أبى قرّه رفعهالإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : لَيسَ فى اُمَّتى رَهبانِيَّةٌ ، ولا سِياحَةٌ (5) ، ولا زَمٌّ ؛ يَعنى : سُكوتٌ . (6)576.2 . وروى الشيخ الطوسى بإسناده عن أبى بصير ، عن أبرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إيّاكُم ولِباسَ الرُّهبانِ ، فَإِنَّهُ مَن يَتَرَهَّبُ أو يَتَشَبَّهُ بِهِم فَلَيسَ مِنّى ، ومَن تَرَكَ اللَّحمَ وحَرَّمَهُ عَلَى نَفسِهِ فَلَيسَ مِنّى ، ومَن تَرَكَ النِّساءَ كَراهِيَةً فَلَيسَ مِنّى . (7) .

1- .هى من رهبنه النصارى . وأصلها من الرهبه : الخوف ، كانوا يترهّبون بالتخلّى من أشغال الدنيا وترک ملاذّها والزهد فيها والعزله عن أهلها وتعمّد مشاقّها ، حتى إنّ منهم من كان يخصى نفسه ويضع السلسله فى عُنقه ، وغير ذلک من أنواع التعذيب ، فنفاها النبىّ صلى الله عليه و آله عن الإسلام ونهى المسلمين عنها . والرهبان : جمع راهب ، وقد يقع على الواحد ويجمع على رهابين ورهابنه . والرهبنه فَعلنه أو فعلله ، على تقدير أصليّه النون وزيادتها . والرهبانيه منسوبه إلى الرهبنه بزياده الألف (النهايه : ج2 ، ص280 «رهب») .

2- .النهايه فى غريب الحديث : ج 2 ص 280 ، كشف الخفاء : ج 2 ص 377 ح 3154 ؛ دعائم الإسلام : ج 2 ص 193 ح 701 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 319 .

3- .أراد ما كان عبّاد بنى إسرائيل يفعلونه من زمّ الأنوف ؛ وهو أن يُخرَق الأنف ويُعمل فيه زِمام كزِمام الناقه ليُقاد به . والخِزام جمع خِزامه ؛ وهى حلقه من شعر تجعل فى أحد جانبى منخرى البعير . كانت بنو إسرائيل تخزم اُنوفها وتخرق تراقِيَها ونحو ذلک من أنواع التعذيب ، فوضعه اللّه عن هذه الاُمّه ، أى : لا يُفعل الخِزام فى الإسلام (النهايه : ج 2 ص 314 «زمم» و ص 29 «خزم») .

4- .نثر الدرّ : ج 1 ص 216 ؛ المصنّف لعبد الرزّاق : ج 8 ص 448 ح 15860 نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 220 ح 1111 نقلاً عن شُعب الإيمان وكلاهما عن طاووس .

5- .السِّياحَةُ : الذهاب فى الأرض للعباده والترهّب (لسان العرب : ج 2 ص 492 «سيح») .
6- .الخصال : ص 137 ح 154 ، معانى الأخبار : ص 174 ح 1 وفيه «ولا رمّ» بدل «ولا زمّ» وكلاهما عن زيد بن علىّ عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 70 ص 115 ح 2 .
7- .الفردوس : ج 1 ص 381 ح 1534 عن الإمام علىّ عليه السلام ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 178 ح 3909 ، مجمع الزوائد : ج 5 ص 230 ح 8575 كلاهما عن أبى كريمه عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيهما ذيله مِن «ومن ترک اللحم . . .» .

577.3 . وفی آخر السرائر نقلاً من کتاب محمّد بن علیّ بپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در اسلام، رهبانیت نیست.578.4 . وروی العیّاشی عن زراره وحمران ومحمّد بن مسلمپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زِمام و خِزام (1) و رهبانیت و گوشه نشینی و سیاحت ، در اسلام نیست.579.ما رواه العیّاشی عن عبید بن زراره ، عن أبی عبد الامام علی علیه السلام :پیامبر خدا فرمود: «رهبانیت (2) و سیاحت و زَم (یعنی سکوت) در امّت من نیست».580.وروی المتّقی الهندی عن علیّقال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از درآمدن به جامه راهبان بپرهیزید، که هرکس رهبانیت پیشه کند تا به راهبان همانندی بجوید ، از من نیست و هرکس گوشت خوردن را ترک کند و آن را بر خویشتن حرام سازد ، از من نیست و هرکس از سرِ بیزاری ترک زن کند ، از من نیست. .

1- .زِمام ، کاری بود که عابدان بنی اسرائیل می کردند. آنها ، بینی خود را می شکافتند و مثل شتر ، خود را مهار می زدند. خِزام نیز جمع «خزامه» است و خزامه ، حلقه ای موبین است که در بینی شتر می کنند و مهار بر آن می بندند. بنی اسرائیل نیز با خود ، همین کار را می کردند و امثال این شکنجه ها را بر سرِ خود می آوردند. خداوند ، این رسوم و عادات را از امّت اسلام برداشت.

2- .از ریشه «رَهبه» است ، به معنای ترس و خوف. راهبان مسیحی ، از کار و لذّت های دنیا دست می شستند و تارک دنیا می شدند و از مردم ، کناره می گرفتند و حتّی بعضی از آنها خود را خواجه می کردند و زنجیر به گردن می آویختند و شکنجه های دیگری بر خویش روا می داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله همه اینها را از اسلام ، حذف کرد و مسلمانان را از آن اعمال ، نهی فرمود.

581.1 . علىّ بن إبراهيم القمّى بإسناده عن أبى بصير، ععنه صلى الله عليه و آله :تَزَوَّجوا فَإِنّى مُكاثِرٌ بِكُمُ الاُمَمَ يَومَ القِيامَهِ ، ولا تَكونوا كَرَهبانِيَّهِ النَّصارى . (1)582.2 . تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهرهعنه صلى الله عليه و آله :لا إخصاءَ فِى الإِسلام ولا بُنيانَ كَنيسَهٍ . (2)583.ما رواه الكلينى بإسناده عن سدير الصيرفى ، قال :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى أعطى مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله شَرائِعَ نوح وإبراهيم وموسى وعيسى عليهم السلام : التَّوحيدَ وَالإِخلاصَ وخَلعَ الأَندادِ وَالفِطرَهَ الحَنيفِيَّهَ السَّمحَهَ ، ولا رَهبانِيَّهَ ولا سِياحَهَ ، أحَلَّ فِيهَا الطَّيِّباتِ وحَرَّمَ فيهَا الخَبائِثَ ، ووَضَعَ عَنهُم إصرَهُم (3) وَالأَغلالَ (4) الَّتى كانَت عَلَيهِم . (5)584.العيّاشى عن عبد الرحيم القصير، قال :عنه عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ تُحَرِّمُواْ طَيِّبَتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» : نَزَلَت هذِهِ الآيَهُ فى أميرِ المُؤمِنين عليه السلام وبِلال وعُثمانَ بن مَظعون ، فَأَمّا أميرُ المُؤمِنين عليه السلام فَحَلَفَ ألاّ يَنامَ بِاللَّيلِ أبَدا ، وأَمّا بِلالٌ فَإِنَّهُ حَلَفَ ألاّ يُفطِرَ بِالنَّهارِ أبَدا ، وأمّا عُثمانُ بنُ مَظعونٍ فَإِنَّهُ حَلَفَ ألاّ يَنكِحَ أبَداَ .

فَدَخَلَتِ امرَأَهُ عُثمان عَلى عائِشَهَ وكانَتِ امرَأَهً جَميلَهً ، فَقالَت عائِشَه :

ما لى أراكِ مُعَطَّلَهً؟ فَقالَت : ولِمَن أتَزَيَّنُ؟ فَوَاللّهِ ما قارَبَنى زَوجى مُنذُ كَذا وكَذا ، فَإِنَّهُ قَد تَرَهَّبَ ولَبِسَ المُسوحَ وزَهِدَ فِى الدُّنيا .

فَلَمّا دَخَلَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله أخبَرَتهُ عائِشَه بِذلِكَ ، فَخَرَجَ فَنادَى الصَّلاهَ جامِعَهً ، فَاجتَمَعَ النّاسُ ، فَصَعِدَ المِنبَرَ فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ :

ما بالُ أقوامٍ يُحَرِّمونَ عَلى أنفُسِهِمُ الطَّيِّباتِ؟ ! ألا إنّى أنامُ بِاللَّيلِ ، وأنكِحُ ، وأُفطِرُ بِالنَّهارِ ، فَمَن رَغِبَ عَن سُنَّتى فَلَيسَ مِنّى .

فَقاموا هؤُلاءِ فَقالوا : يا رَسولَ اللّه ، فَقَد حَلَفنا عَلى ذلِكَ ! فَأَنزَلَ اللّهُ تَعالى : «لاَ يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِى أَيْمَنِكُمْ وَلَكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ الاْءَيْمَنَ فَكَفَّرَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَهِ مَسَكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَهٍ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَثَهِ أَيَّامٍ ذَ لِكَ كَفَّرَهُ أَيْمَنِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ» (6) الآيه . (7) .

1- .السنن الكبرى : ج 7 ص 125 ح 13457 عن أبى اَمامه ، سلسله الأحاديث الصحيحه : ج 4 ص 385 ح 1782 ، كنز العمّال : ج 16 ص 275 ح 44432 .
2- .السنن الكبرى : ج 10 ص 41 ح 19793 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 16 ص 273 ح 44417 ؛ الجعفريّات : ص 80 ، النوادر للراوندى : ص 169 ح 264 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيهما «كنيسه محدثه» بدل «بنيان كنيسه» .
3- .الإصر : الإثم والعقوبه ، وأصله من الضيق والحبس ، يقال : أصره إذا حبسه وضيّق عليه (النهايه : ج 1 ص 52 «أصر») .
4- .الغُلّ : طوق من حديد يجعل فى العنق ، والجمع : أغلال (المصباح المنير : ص 452 «غل») . أى ما كان محرّما عليهم من التكاليف الشاقّه ؛ نحو قرْض موضع النجاسه من الجلد والثوب ، وإحراق الغنائم ، وتحريم السبت ، وذِكر الأغلال مَثَلٌ لها ؛ فكأنّهم غُلّوا عنها (مجمع البحرين : ج 2 ص 1330 «غلل») .
5- .الكافى : ج 2 ص 17 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 448 ح 1035 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 317 ح 1 .
6- .المائده : 89 .
7- .تفسير القمّى : ج 1 ص 179 عن ابن أبى عمير عن بعض رجاله ، بحار الأنوار : ج 70 ص 116 ح 4 .

585.العیّاشی بإسناده مرفوعا عن خیثمه، قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ازدواج کنید؛ زیرا که من ، در روز قیامت به وجود شما بر امّت ها مباهات می کنم . مانند نصارا ، رهبانیت پیشه مسازید.586.الصدوق بإسناده عن حمران بن أعین ، قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در اسلام ، خواجه کردن و کلیسا ساختن ، روا نیست.587.الصفّار بإسناده عن فضیل بن یسار، قال :امام صادق علیه السلام :خدای تبارک و تعالی شریعت های نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام را به محمّد صلی الله علیه و آله عطا کرد: یکتاپرستی را ، اخلاص را ، شرک ستیزی را و فطرت حنیفی آسان (آیین اسلام و خداپرستی) را. رهبانیت و سیاحت ، روا نیست. در این شریعت ها ، چیزهای پاک و پاکیزه را حلال کرد و پلیدی ها را حرام گردانید و سختگیری ها و زنجیرهایی را که بر گردن آنها بود، از ایشان برداشت.588.1 . السیّد شرف الدین علیّ الحسینی فی تأویل الآیاتامام صادق علیه السلام درباره آیه شریف «ای کسانی که ایمان آورده اید! پاکیزه هایی را که خدا برای شما حلال کرده است ، حرام مشمارید» :این آیه درباره امیر مؤمنان علیه السلام و بلال و عثمان بن مظعون ، نازل شد. امیر مؤمنان ، سوگند خورد که شب ، هرگز نخوابد ؛ بلال ، سوگند خورد که همیشه روزه بگیرد عثمان بن مظعون نیز سوگند خورد که هرگز نزدیکی نکند.

[روزی] همسر عثمان که زن زیبایی بود نزد عایشه آمد. عایشه گفت: چرا به خودت نمی رسی؟

گفت: برای چه کسی آرایش کنم؟ به خدا سوگند که شوهرم از فلان و بهمان وقت با من نزدیکی نکرده است ، رهبانیت پیشه کرده و پشمینه پوشیده و زاهد شده است.

چون پیامبر خدا آمد، عایشه ، موضوع را به ایشان گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد و مردم را به مسجد فرا خواند. مردم جمع شدند. ایشان بر منبر رفت و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس فرمود: «عدّه ای را چه می شود که چیزهای پاک و روا را بر خود ، حرام می شمارند؟! بدانید که من ، شب می خوابم و نزدیکی می کنم، و روز ، غذا می خورم. پس، هر که از راه و رسم من روی گردانَد ، از من نیست.

آن سه نفر برخاستند و گفتند: ای پیامبر خدا! ما بر این کار ، سوگند خورده ایم .

در این هنگام ، خداوند متعال این آیات را فرو فرستاد: «خدا ، شما را بر سوگندهای بیهوده تان مؤاخذه نمی کند ؛ بلکه به سوگندهایی که [از روی اراده] ، می خورید [و می شکنید] ، شما را مؤاخذه می کند وکفّاره اش ، خوراک دادن به ده بینوا از غذاهای متوسّطی است که به کسان خود می خورانید ، یا پوشانیدن آنان ، یا آزاد کردن بنده ای، و کسی که [هیچ یک از اینها را] نیابد ، سه روز روزه بدارد. این است کفّاره سوگندهای شما ، وقتی که سوگند می خورید» . .

589.2 . الصدوق بإسنادين له عن أحمد بن عبد اللّه الهروتفسير الطبرى عن ابن عبّاس فى قَولِهِ تَعالى : «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ تُحَرِّمُواْ طَيِّبَتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» : هُم رَهطٌ مِن أصحابِ النَّبِى صلى الله عليه و آله قالوا : نَقطَعُ مَذاكيرَنا ونَترُكُ شَهَواتِ الدُّنيا ونَسيحُ فِى الأَرضِ ، كَما تَفعَلُ الرُّهبانُ .

فَبَلَغَ ذلِكَ النَّبِى صلى الله عليه و آله فَأَرسَلَ إلَيهِم فَذَكَرَ ذلِكَ لَهُم ، فَقالوا : نَعَم . فَقالَ النَّبِى صلى الله عليه و آله :

لكِنّى أصومُ وأُفطِرُ وأُصَلّى وأنامُ وأنكِحُ النِّساءَ ، فَمَن أخَذَ بِسُنَّتى فَهُوَ مِنّى ، ومَن لَم يَأخُذ بِسُنَّتى فَلَيسَ مِنّى . (1) .

1- .تفسير الطبرى : ج 5 الجزء 7 ص 10 ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 160 ، الدرّ المنثور : ج 3 ص 139 .

590. ما رواه فرات ، قال :تفسیر الطبری به نقل از ابن عبّاس ، درباره این سخن خدای متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! پاکیزه هایی را که خدا برای شما حلال کرده است ، حرام مشمارید» : اینان ، تعدادی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که گفتند: خود را آخته می کنیم و شهوات دنیا را فرو می گذاریم و مانند راهبان در زمین به گشت [و رهبانیت [می پردازیم.

این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید . در پیِ ایشان فرستاد و ماجرا را از آنان جویا شد. گفتند: آری [؛ چنین گفته ایم].

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «امّا من [به جای خود] روزه می گیرم و [به جای خود [روزه نمی گیرم، هم نماز می خوانم و هم [شب ها] می خوابم، و با زنان نیز هم بستر می شوم. پس هرکه به سنّت من عمل کند ، از من است و هرکه به سنّت من عمل نکند ، از من نیست». .

591.1 . الشيخ الطوسى مرفوعا عن أبى جعفر وأبى عبد اللّمسند ابن حنبل عن عُروَه :دَخَلَتِ امرَأَهُ عُثمانَ بنِ مَظعونٍ أحسَبُ اسمَها خَولَهَ بِنتَ حَكيم عَلى عائِشَه وهِىَ بادَّهُ الهَيئَهِ ، فَسَأَلَتها : ما شَأنُكِ؟ فَقالَت : زَوجى يَقومُ اللَّيلَ ويَصومُ النَّهارَ .

فَدَخَلَ النَّبِى صلى الله عليه و آله ، فَذَكَرَت عائِشَه ذلِكَ لَهُ ، فَلَقِيَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله عُثمان فَقالَ : يا عُثمانُ ، إنَّ الرَّهبانِيَّهَ لَم تُكتَب عَلَينا ، أفَما لَكَ فِىَّ اُسوَهٌ؟ فَوَاللّهِ إنّى أخشاكُم لِلّهِ وأحفَظُكُم لِحُدودِهِ . (1)592.2 . ما فى حديث اُبىّ عن رسول اللّه صلى الله عليهالإمام الصادق عليه السلام :جاءَتِ امرَأَهُ عُثمانَ بنِ مَظعونٍ إلَى النَّبِى صلى الله عليه و آله فَقالَت : يا رَسولَ اللّه ، إنَّ عُثمانَ يَصومُ النَّهارَ ويَقومُ اللَّيلَ !

فَخَرَجَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله مُغضَبا يَحمِلُ نَعلَيهِ ، حَتّى جاءَ إلى عُثمان فَوَجَدَهُ يُصَلّى ، فَانصَرَفَ عُثمانُ حينَ رَأى رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله ، فَقالَ لَهُ : يا عُثمان ، لَم يُرسِلنِى اللّهُ تَعالى بِالرَّهبانِيَّهِ ، ولكِن بَعَثَنى بِالحَنيفِيَّهِ السَّهلَهِ السَّمحَهِ ، أصومُ وأُصَلّى وألمِسُ أهلى ، فَمَن أحَبَّ فِطرَتى فَليَستَنَّ بِسُنَّتى ومِن سُنَّتِىَ النِّكاحُ . (2)593.3 . القطب الراوندى فى لبّ اللباب عنه صلى الله عليالطَبقات الكُبرى عن أبى قِلابَه :إنَّ عُثمانَ بنَ مَظعونٍ اتَّخَذَ بَيتا فَقَعَدَ يَتَعَبَّدُ فيهِ ، فَبَلَغَ ذلِكَ النَّبِى صلى الله عليه و آله ، فَأتاهُ فَأخَذَ بِعِضادَتَى بابِ البَيتِ الَّذى هُوَ فيهِ ، فَقالَ :

يا عُثمان ، إنَّ اللّهَ لَم يَبعَثنى بِالرَّهبانِيَّهِ مَرَّتينِ أو ثَلاثا وإنَّ خَيرَ الدّينِ عِندَ اللّهِ الحَنيفِيَّهُ السَّمحَهُ . (3) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 10 ص 56 ح 25951 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 7 ص 150 ح 12591 ، صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 185 ح 9 ، موارد الظمآن : ص 313 ح 1288 ، المعجم الكبير : ج 9 ص 38 ح 8319 والثلاثه الأخيره عن عائشه ، كنز العمّال : ج 3 ص 47 ح 5420 .
2- .الكافى : ج 5 ص 494 ح 1 عن ابن القدّاح ، بحار الأنوار : ج 22 ص 264 ح 3 .
3- .الطبقات الكبرى : ج 3 ص 395 ، تلبيس إبليس : ص 220 نحوه ، الدرّ المنثور : ج 3 ص 145 ، سلسله الأحاديث الصحيحه : ج 4 ص 386 ح 1782 ، كنز العمّال : ج 3 ص 47 ح 5422 .

594.4 . البرهان عن کتاب خواصّ القرآن :مسند ابن حنبل به نقل از عروه :زن عثمان بن مظعون که گمان می کنم نامش خوله دختر حکیم باشد با ظاهری ژولیده و نامرتّب ، بر عایشه وارد شد. عایشه گفت: این ، چه سر و وضعی است؟

گفت: شوهرم شب ها را به عبادت می گذراند و روزها را به روزه داری.

پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. عایشه ، موضوع را به ایشان گفت: پیامبر خدا ، عثمان را ملاقات کرد و فرمود: «ای عثمان! رهبانیت بر ما مقرّر نشده است. آیا من ، سرمشق تو نیستم؟ به خدا سوگند که من از همه شما خداترس ترم و بیش از همه شما حدود او را پاس می دارم.595.5 . الطبری بإسناده عن سعید بن جبیر :امام صادق علیه السلام :زن عثمان بن مظعون ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! عثمان، کارش این شده که روزها را روزه بگیرد و شب ها را به عبادت بگذراند .

پیامبر خدا ، پای افزار به دست و خشمناک ، بیرون شد تا نزد عثمان آمد . او را مشغول نماز خواندن یافت. عثمان با دیدن پیامبر خدا ، نمازش را سلام داد و به او فرمود: «ای عثمان! خداوند متعال ، مرا با رهبانیت نفرستاده؛ بلکه با آیین مستقیم و ساده و آسانگیر ، فرستاده است. من ، هم نماز می خوانم، هم روزه می گیرم و هم به همسرم می رسم. پس، هر که آیین مرا دوست دارد ، باید از سنّت من پیروی کند، و از سنّت من است نزدیکی کردن».596.6 . الطبری بإسناده عن عکرمه فی الآیه {Q} « أَلَالطبقات الکبری به نقل از ابو قلابه :عثمان بن مظعون ، اتاقی ساخت و در آن به عبادت نشست. خبرش به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. نزد او آمد و دو چارچوب درِ اتاقی را که عثمان در آن بود ، گرفت و دو یا سه بار فرمود: «ای عثمان! خداوند ، مرا با رُهبانیت نفرستاده است. بهترین دین در نزد خدا ، دین مستقیم و آسان است». .

597.7 . الطبرى بإسناده عن أنس بن مالک :سنن الدارمى عن سعد بن أبى وَقّاص :لَمّا كانَ مِن أمرِ عُثمانَ بنِ مَظعون الَّذى كانَ مِن تَركِ النِّساءِ ، بَعَثَ إلَيهِ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا عُثمان ، إنّى لَم اُومَر بِالرَّهبانِيَّهِ ، أرَغِبتَ عَن سُنَّتى ؟

قالَ : لا يا رَسولَ اللّهِ .

قالَ : إنَّ مِن سُنَّتى أن اُصَلِّىَ وأنامَ ، وأصومَ وأطعَمَ ، وأنكِحَ واُطَلِّقَ ، فَمَن رَغِبَ عَن سُنَّتى فَلَيسَ مِنّى . يا عُثمان ، إنّ لِاءَهلِکَ عَلَيکَ حَقّا ، ولِنَفسِکَ عَلَيکَ حَقّا .

قالَ سَعد : فَوَاللّهِ لَقَد كانَ أجمَعَ رِجالٌ مِنَ المُسلِمين عَلى أنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله إن هُوَ أقَرَّ عُثمانَ عَلى ما هُوَ عَلَيهِ أن نَختَصِىَ ، فَنَتَبَتَّلَ . (1)598.1 . ما رواه الطوسى بإسناده إلى الأصبغ بن نباته ،عوالى اللآلى :رُوِىَ فِى الحَديثِ أنَّ النَّبِى صلى الله عليه و آله جَلَسَ لِلنّاسِ ووَصَفَ يَومَ القِيامَهِ ، ولَم يَزِدهُم عَلَى التَّخويفِ ، فَرَقَّ النّاسُ وبَكَوا . فَاجتَمَعَ عَشَرَهٌ مِنَ الصَّحابَه فى بَيتِ عُثمانَ بنِ مَظعون ، وَاتَّفَقوا عَلى أن يَصومُوا النَّهارَ ، ويَقومُوا اللَّيلَ ، ولا يَقرَبُوا النِّساءَ ، ولاَ الطّيبَ ، ويَلبَسُوا المُسوحَ ، ويَرفُضُوا الدُّنيا ، ويَسيحوا فِى الأرضِ ويَتَرَهَّبوا ، ويَخصُوا المَذاكيرَ .

فَبَلَغَ ذلِکَ النَّبِى صلى الله عليه و آله فَأَتى مَنزِلَ عُثمانَ فَلَم يَجِدهُ ، فَقالَ لِامرَأَتِهِ : أحَقٌّ ما بَلَغَنى؟ فَكَرِهَت أن يُكذَبَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله ، وأن تَبتَدى عَلى زَوجِها ، فَقالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، إن كانَ أخبَرَکَ عُثمانُ فَقَد صَدَقَکَ . وَانصَرَفَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله .

وأتى عُثمانُ مَنزِلَهُ ، فَأَخبَرَتهُ زَوجَتُهُ بِذلِکَ ، فَأَتى هُوَ وأصحابُهُ إلَى النَّبِى صلى الله عليه و آله فَقالَ لَهُم : أَلَم اُنبَأ أنَّكُمُ اتَّفَقتُم؟ فَقالوا : ما أرَدنا إلاَّ الخَيرَ ، فَقالَ : إنّى لَم اُومَر بِذلِکَ ، ثُمَّ قالَ :

إنَّ لِاءَنفُسِكُم عَلَيكُم حَقّا ؛ فَصوموا وأفطِروا ، وقوموا وناموا ، فَإنّى أصومُ وأُفطِرُ وأقومُ وأنامُ ، وآكُلُ اللَّحمَ وَالدَّسَمَ ، وآتِى النِّساءَ ، فَمَن رَغِبَ عَن سُنَّتى فَلَيسَ مِنّى .

ثُمَّ جَمَعَ النّاسَ وخَطَبَهُم ، وقالَ : ما بالُ قَومٍ حَرَّمُوا النِّساءَ ، وَالطّيبَ ، وَالنَّومَ ، وشَهَواتِ الدُّنيا؟ وأمّا أنَا فَلَستُ آمُرُكُم أن تَكونوا قِسّيسينَ ورُهبانا ، إنَّهُ لَيسَ فى دينى تَركُ اللَّحمِ وَالنِّساءِ ، وَاتِّخاذُ الصَّوامِعِ ، إنَّ سِياحَةَ اُمَّتى فِى الصَّومِ ، ورَهبانِيَّتَهَا الجِهادُ .

اعبُدُوا اللّهَ ولا تُشرِكوا بِهِ شَيئا ، وحُجّوا وَاعتَمِروا ، وأقيمُوا الصَّلاةَ ، وآتُواالزَّكاةَ ، وصوموا شَهرَ رَمَضانِ ، وَاستَقيموا يَستَقِم لَكُم ، فَإِنَّما هَلَكَ مَن قَبلَكُم بِالتَّشديدِ ، شَدَّدوا عَلى أنفُسِهِم فَشَدَّدَ اللّهُ عَلَيهِم ، فَاُولئِکَ بَقاياهُم فِى الدِّياراتِ وَالصَّوامِعِ . (2) .

1- .سنن الدارمى : ج 2 ص 570 ح 2092 ، سلسله الأحاديث الصحيحه : ج 1 ص 679 ح 394 وراجع سنن أبى داوود : ج 2 ص 48 ح 1369 .
2- .عوالى اللآلى : ج 2 ص 149 ح 418 ، مستدرک الوسائل : ج 16 ص 54 ح 19126 .

599.1 . روی الشیخ الطوسی بإسناده عن إسماعیل الجعفی، عسنن الدارمی به نقل از سعد بن ابن وقّاص :چون عثمان بن مظعون ، ترک زن کرد، پیامبر خدا در پی او فرستاد و فرمود: «ای عثمان! من به رهبانیّت امر نشده ام. آیا از سنّت من روی گردانی؟» .

عثمان گفت: نه، ای پیامبر خدا!

فرمود: «از سنّت من است که نماز بخوانم و بخوابم، و روزه بگیرم و غذا بخورم، و ازدواج کنم و طلاق بدهم. پس، هر که به سنّت من پشت کند ، از من نیست. ای عثمان! زن تو هم بر تو حقّی دارد و نفس تو را نیز بر تو حقّی است».

سعد گفت: به خدا سوگند، تعدادی از مردان مسلمان هم داستان شده بودند که چنانچه پیامبر خدا بر کار عثمان صحّه گذاشت، خود را خواجه سازیم و با زن ، هم بستر نشویم.600.2 . وروی أیضا بإسناده عن الفضیل بن یسار وزراره بنعوالی اللآلی:در حدیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم دیدار کرد و به وصف روز قیامت پرداخت و برای آنان ، همه اش از عذاب گفت. مردم ، متأثّر شدند و گریستند. ده نفر از یاران ایشان در خانه عثمان بن مظعون ، گِرد آمدند و با هم قرار گذاشتند که روزها ، روزه بگیرند و شب ها را به عبادت بگذرانند و با زنان ، هم بستر نشوند و از بوی خوش ، استفاده نکنند ، پشمینه بپوشند، ترک دنیا گویند و سر به کوه و بیابان بگذارند و رهبانیت پیشه کنند و خویشتن را خواجه سازند.

این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. به خانه عثمان آمد ؛ امّا او را در آن جا نیافت. از همسر او پرسید: «آیا خبری که به من رسیده است ، صحّت دارد؟» .

او که دوست نداشت به پیامبر خدا دروغ بگوید و از سوی دیگر ، نخواست پرده از کار شوهرش بردارد، گفت: ای پیامبر خدا! اگر عثمان به شما گفته است، درست گفته است.

پیامبر خدا رفت. عثمان به خانه اش آمد. همسرش ماجرا را به او گفت. عثمان و یارانش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند. پیامبر صلی الله

علیه و آله به آنان فرمود: «[گمان می کنید [خبر ندارم که بر چه هم داستان شده اید؟».

گفتند: ما جز نیّت نیک نداشته ایم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من ، مأمور به این کارها نشده ام» .

سپس فرمود: «نفس های شما را بر شما حقّی است. پس [به وقتش [روزه بگیرید و [به وقتش] روزه نگیرید، هم نماز شب بخوانید و هم شب ها بخوابید؛ زیرا که من ، هم روزه می گیرم، هم [به وقتش] روزه نمی گیرم، هم شب ها را عبادت می کنم و هم می خوابم ، گوشت و چربی می خورم و با زنان نزدیکی می کنم. پس، هرکه از راه و رسم من روی برتابد ، از من نیست».

آن گاه ، مردم را جمع کرد و برایشان سخن گفت و فرمود: «عدّه ای را چه شده که زن و بوی خوش و خواب و تمایلات دنیوی را بر خود حرام کرده اند؟ ! امّا من ، به شما دستور نمی دهم که کشیشی و راهبی پیشه کنید. ترک گوشت و زن و صومعه نشینی در دین من نیست. سیاحت امّت من ، در روزه است و رهبانیتش در جهاد . خدا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید. حج بگزارید و عمره به جای بیاورید و نماز بخوانید و زکات بپردازید و ماه رمضان را روزه بگیرید و [در دینتان] مستقیم [و معتدل [باشید تا برایتان مستقیم بماند؛ چه، کسانی که پیش از شما بودند، در حقیقت، به سبب همین سختگیری ها نابود شدند ، بر خود سخت گرفتند و در نتیجه ، خدا هم بر آنان سخت گرفت ، و اینها که در دِیرها و صومعه ها می بینید ، بقایای همین افراد هستند. .

601.3 . وروى أيضا بإسناده عن محمّد بن أحمد بن يحيى قامسند ابن حنبل عن مجاهد عن رجل من الأنصار من أصحاب الرسول صلى اللهِ عليه و آله ذَكَروا عِندَ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله مَولاةً لِبَنى عَبدِ المُطَّلِب ، فَقالَ: إنَّها تَقومُ اللَّيلَ وتَصومُ النَّهارَ . فَقالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله :

لكِنّى أنَا أنامُ وأُصَلّى ، وأصومُ وأُفطِرُ ، فَمَنِ اقتَدى بى فَهُوَ مِنّى ، ومَن رَغِبَ عَن سُنَّتى فَلَيسَ مِنّى . (1) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 124 ح 23533 ، اُسد الغابه : ج 6 ص 377 ح 6504 نحوه ، مجمع الزوائد : ج 3 ص 442 ص 5165 .

602.1 . روی الصدوق قدس سره بإسناده عن المفضّل بن عمر،مسند ابن حنبل به نقل از مجاهد ، از مردی از انصار که صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله بود :در نزد پیامبر خدا از کنیزی از بنی عبد المطّلب ، سخن به میان آوردند. مرد انصاری گفت: آن زن ، شب ها عبادت می کند و روزها روزه می گیرد.

پیامبر خدا فرمود: «امّا من ، می خوابم و نماز می خوانم و [گاه] روزه می گیرم و [گاه] نمی گیرم . پس، هر که به من اقتدا کند ، از من است و هرکه به راه و رسم من پشت کند ، از من نیست». .

603.2 . عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ ثَلاثَ نِسوَةٍ أتَينَ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله فَقالَت إحداهُنَّ : إنَّ زَوجى لا يَأكُلُ اللَّحمَ ، وقالَتِ الاُخرى : إنَّ زَوجى لا يَشُمُّ الطّيبَ ، وقالَتِ الاُخرى : إنَّ زَوجى لا يَقرَبُ النِّساءَ .

فَخَرَجَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله يَجُرُّ رِداءَهُ حَتّى صَعِدَ المِنبَرَ ، فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ : ما بالُ أقوامٍ مِن أصحابى لا يَأكُلونَ اللَّحمَ ولا يَشُمّونَ الطّيبَ ولا يَأتونَ النِّساءَ ! أما إنّى آكُلُ اللَّحمَ وأشُمُّ الطّيبَ وآتِى النِّساءَ ، فَمَن رَغِبَ عَن سُنَّتى فَلَيسَ مِنّى . 1604.1 . ما رواه الصدوق قدس سره بإسناده عن الحسن بن راعنه عليه السلام لَمّا كَتَبَ إلَيهِ سُكَينٌ النَّخَعِى ؛ وكانَ تَعَبَّدَ وتَرَكَ النِّساءَ وَالطّيبَ وَالطَّعامَ ، فَكَتَبَ إلى أبى عَبدِ اللّه عليه السلام يَسأَلُهُ عَن ذلِكَ ، فَكَتَبَ إلَيهِ عليه السلام :أمّا قَولُكَ فِى النِّساءِ فَقَد عَلِمتَ ما كانَ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِنَ النِّساءِ، وأمّا قَولُكَ فِى الطَّعامِ فَكانَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله يَأكُلُ اللَّحمَ وَالعَسَلَ . (1)605.2 . ما فى إرشاد القلوب للديلمى، عن الصادق عليه الرسول اللّه صلى الله عليه و آله :المُؤمِنُ حُلوٌ يُحِبُّ الحَلاوَةَ ، ومَن حَرَّمَها عَلى نَفسِهِ فَقَد عَصَى اللّهَ ورَسولَهُ ، لا تُحَرِّموا نِعمَةَ اللّهِ وَالطَّيِّباتِ عَلى أنفُسِكُم ، وكُلوا وَاشرَبوا وَاشكُروا ،

فَإن لَم تَفعَلوا لَزِمَتكُم (2) عُقوبَةُ اللّهِ . (3) .

1- .الكافى : ج 5 ص 320 ح 4 ، رجال الكشّى : ج 2 ص 688 ح 691 ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 193 ح 702 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 117 ح 6 .
2- .فى المصدر : «ألزمتكم» ، وما فى المتن أثبتناه من كنز العمّال .
3- .الفردوس : ج 4 ص 177 ح 6551 عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : ج 1 ص 367 ح 1612 .

606.3 . ومثله ما رواه العيّاشی عن الصادق علیه السلامامام صادق علیه السلام :سه زن نزد پیامبر خدا آمدند. یکی از آنها گفت: شوهرم گوشت نمی خورد.

دیگری گفت: شوهرم بوی خوش نمی بوید .

سومی گفت: شوهرم به زنان نزدیک نمی شود.

پیامبر خدا ، رداکشان بیرون رفت و بر منبر شد و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس فرمود: «عدّه ای از یاران مرا چه شده است که گوشت نمی خورند و عطر نمی بویند و به زنان نزدیک نمی شوند؟ ! بدانید که من، خود، گوشت می خورم و عطر می بویم و پیش زنان می روم. پس، هرکه از سنّت من روی گردانَد ، از من نیست».607.1 . ما رواه العیّاشی عن إبراهیم بن عمر، عمّن ذکرهامام صادق علیه السلام در پاسخ نامه سُکین نخعی که به عبادت روی آورده و زن و استعمال بوی خوش و خوردن غذا [های لذیذ] را ترک کرده و در این باره از امام علیه السلام پرسیده بود چنین نوشت :امّا سخن تو درباره زن . تو خود می دانی که پیامبر خدا زنانی داشته است؛ و امّا سخن تو درباره خوراکی ها . پیامبر خدا ، گوشت و عسل می خورد.608.2 . وفی أمالی الطوسی بإسناده إلی أبی جعفر علیه الپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مؤمن ، شیرین است و شیرینی را دوست دارد و هرکس آن را بر خود حرام گردانَد ، خدا و پیامبرش را نافرمانی کرده است. نعمت خدا و حلال ها را بر خود حرام نکنید. بخورید و بیاشامید و شکر خدا کنید که اگر

چنین نکردید ، کیفر خدای را بر شما لازم می سازم. .

609.3 . ما رواه الصدوق بإسناده عن مثنّى الحنّاط، عن اعنه صلى الله عليه و آله :طوبى لِمَن تَواضَعَ لِلّهِ عَزَّ ذِكرُهُ ، وزَهِدَ فيما أحَلَّ اللّهُ لَهُ مِن غَيرِ رَغبَةٍ عَن سيرَتى ، ورَفَضَ زَهرَةَ الدُّنيا مِن غَيرِ تَحَوُّلٍ عَن سُنَّتى .

610.1(1) . الكلينى بإسناده عن سفيان بن عيينه، عن أبى عبدنهج البلاغه :مِن كَلامٍ لَهُ [الإمامِ عَلِى عليه السلام] بِالبَصرَه ، وقَد دَخَلَ عَلَى العَلاءِ بنِ زِيادٍ الحارِثِى وهُوَ مِن أصحابِهِ يَعودُهُ ، فَلَمّا رَأى سَعَةَ دارِهِ قالَ:

ما كُنتَ تَصنَعُ بِسَعَهِ هذِهِ الدّارِ فِى الدُّنيا ، وأنتَ إلَيها فِى الآخِرَهِ كُنتَ أحوَجَ؟ وبَلى إن شِئتَ بَلَغتَ بِهَا الآخِرَهَ : تُقرِى فيهَا الضَّيفَ ، وتَصِلُ فيهَا الرَّحِمَ ، وتُطلِعُ مِنهَا الحُقوقَ مَطالِعَها ، فَإِذا أنتَ قَد بَلَغتَ بِهَا الآخِرَهَ .

فَقالَ لَهُ العَلاءُ : يا أميرَ المُومِنين ، أشكو إلَيكَ أخى عاصِمَ بنَ زِياد . قالَ : وما لَهُ؟ قالَ: لَبِسَ العَباءَهَ وتَخَلّى عَنِ الدُّنيا . قالَ : عَلَى بِهِ . فَلَمّا جاءَ قالَ:

يا عُدَيَّ نَفسِهِ ، لَقَدِ استَهامَ بِكَ الخَبيثُ! (2) أما رَحِمتَ أهلَكَ ووَلَدَكَ؟ أتَرَى اللّهَ أحَلَّ لَكَ الطَّيِّباتِ ، وهُوَ يَكرَهُ أن تَأخُذَها! أنتَ أهوَنُ عَلَى اللّهِ مِن ذلِكَ!

قالَ : يا أميرَ المُؤمِنين ، هذا أنتَ فى خُشونَهِ مَلبَسِكَ وجُشوبَهِ مَأكَلِكَ!

قالَ : وَيحَكَ ، إنّى لَستُ كَأَنتَ ، إنَّ اللّهَ تَعالى فَرَضَ عَلى أئِمَّهِ العَدلِ أن يُقَدِّروا أنفُسَهُم بِضَعَفَهِ النّاسِ ؛ كَيلا يَتَبَيَّغَ (3) بِالفَقيرِ فَقرُهُ! (4) .

1- .الكافى : ج 8 ص 169 ح 190 عن أبى مريم عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد اللّه ، تحف العقول : ص 30 وفيه «سنّتى» بدل «سيرتى» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 126 ح 32 .
2- .استهام بک الخبيث : يعنى الشيطان ؛ أى جعلک هائما ضالاًّ (شرح نهج البلاغه : ج 11 ص 33) .
3- .لا يتبيّغ : أى لا يتهيّج (الصحاح : ج 4 ص 1317 «بوغ») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 209 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 118 ح 8 وراجع ربيع الأبرار : ج 4 ص 380 .

611.2 . الطبرسی مرسلاً :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوشا به حال کسی که برای خداوندِ بلند نام ، خاکساری کرد و به آنچه که خدا برایش حلال کرده ، زهد ورزید، بی آن که از راه و رسم من ، روی گردان باشد و زرق و برق دنیا را رها کرد ، بی آن که از سنّت من برگردد.612.3 . الطبری بإسناده عن عبد اللّه بن عمرو ، عن النبنهج البلاغه از سخنان علی علیه السلام در بصره ، هنگامی که به عیادت علاء بن زیاد حارثی ، یکی از یارانش رفت و وسعت خانه او را دید :این سرای فراخ در دنیا به چه کار تو می آید، در حالی که در آخرت به چنین خانه ای محتاج تری؟ البته، اگر بخواهی ، می توانی با همین خانه به آخرت دست یابی: در آن از میهمان پذیرایی کنی، با خویشاوندان ، صله رَحِم نمایی و حقوقی را که بر عهده توست ، ادا کنی . در این صورت با آن به آخرت رسیده ای».

علاء گفت: ای امیرمؤمنان! از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت می کنم.

فرمود: «چه شده است؟» .

گفت: ردا پوشیده و تارک دنیا شده است.

فرمود: «او را نزد من بیاورید».

چون آمد ، امام علیه السلام حضرت فرمود: «ای دُشمَنک خویش! [شیطان] پلید تو را گم راه ساخته است . به زن و فرزندانت رحم نمی کنی؟! تو می پنداری که خداوند ، نعمت های پاکش را بر تو حلال کرده است ، امّا دوست ندارد از آنها بهره بگیری؟! تو نزد خداوند ، خوارتر از این حرف هایی!» .

گفت: ای امیر مؤمنان! تو خود ، جامه ای چنین خشن می پوشی و خوراکی چنان خشک می خوری!

فرمود: «حیف از تو! من چون تو نیستم. خدای متعال بر پیشوایان عدالت فرض کرده است که خویشتن را در سطح مردمان نادار قرار دهند تا ناداری فقیر ، او را برنشورانَد» . .

2 / 7الاِحتِجاجُ عَلى مَن يَدعو إلى تَركِ الدُّنيا615. الكلينى بإسناده عن هشام بن الحكم، أنّه سأل أباالكافى عن مَسعَدَةَ بنِ صَدَقه :دَخَلَ سُفيانُ الثَّورِى عَلى أبى عَبدِ اللّه عليه السلام فَرَأى عَلَيهِ ثِيابَ بيضٍ كَأنَّها غِرقِئُ (1) البَيضِ ، فَقالَ لَهُ : إنَّ هذَا اللِّباسَ لَيسَ مِن لِباسِكَ !

فَقالَ لَهُ: اِسمَع مِنّى وعِ ما أقولُ لَكَ ، فَإنَّهُ خَيرٌ لَكَ عاجِلاً وآجِلاً ، إن أنتَ مِتَّ عَلَى السُّنَّهِ وَالحَقِّ ولَم تَمُت عَلى بِدعَهٍ !

اُخبِرُكَ أنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله كانَ فى زَمانٍ مُقفِرٍ جَدبٍ (2) ، فَأمّا إذا أقبَلَتِ الدُّنيا فَأحَقُّ أهلِها بِها أبرارُها لا فُجّارُها ، ومُؤمِنوها لا مُنافِقوها ، ومُسلِموها لا كُفّارُها ، فَما أنكَرتَ يا ثَورِى ، فَوَاللّهِ إنَّنى لَمَعَ ما تَرى ما أتى عَلَىَّ مُذ عَقَلتُ صَباحٌ ولامَساءٌ ولِلّهِ فى مالى حَقٌّ أمَرَنى أن أضَعَهُ مَوضِعا إلاّ وَضَعتُهُ .

قالَ :فَأَتاهُ قَومٌ مِمَّن يُظهِرونَ الزُّهدَ ، ويَدعونَ النّاسَ أن يَكونوا مَعَهُم عَلى مِثلِ الَّذى هُم عَلَيهِ من التَّقَشُّفِ (3) ، فَقالوا لَهُ : إنَّ صاحِبَنا حَصِرَ (4) عَن كَلامِكَ ولَم تَحضُرهُ حُجَجُهُ .

فَقالَ لَهُم : فَهاتوا حُجَجَكُم !

فَقالوا لَهُ : إنَّ حُجَجَنا مِن كِتابِ اللّهِ .

فَقالَ لَهُم : فَأَدلوا (5) بِها فَإنَّها أحَقُّ مَا اتُّبِعَ وعُمِلَ بِهِ .

فَقالوا : يَقولُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى مُخبِرا عَن قَومٍ مِن أصحاب النَّبِى صلى الله عليه و آله : «وَ يُؤْثِرُونَ عَلَى أنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَهٌ وَ مَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (6) فَمَدَحَ فِعلَهُم ، وقالَ فى مَوضِعٍ آخَرَ : «وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا» (7) فَنَحنُ نَكتَفى بِهذا .

فَقالَ رَجُلٌ مِنَ الجُلَساءِ : إنّا رَأَيناكُم تَزهَدونَ فِى الأَطعِمَهِ الطَّيِّبَهِ ، ومَعَ ذلِكَ تَأمُرونَ النّاسَ بِالخُروجِ مِن أموالِهِم حَتّى تَمَتَّعوا أنتُم مِنها؟

فَقالَ أبو عَبدِاللّه عليه السلام : دَعوا عَنكُم ما لا تَنتَفِعونَ بِهِ ، أخبِرونى أيُّهَا النَّفَرُ ألكَمُ عِلمٌ بِناسِخِ القُرآن مِن مَنسوخِهِ ، ومُحكَمِهِ مِن مُتَشابِهِهِ ؛ الَّذى

فى مِثلِهِ ضَلّ مَن ضَلّ ، وهَلَکَ مَن هَلَکَ مِن هذِهِ الاُمَّهِ؟

فَقالوا لَهُ : أو بَعضِهِ (8) ، فَأَمّا کُلُّهُ فَلا .

فَقالَ لَهُم : فَمِن هُنا اُتيتُم ! وکَذلِکَ أحاديثُ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله . فَأمّا ما ذَکَرتم مِن إخبارِ اللّهِ إيّانا فى کِتابِهِ عَنِ القَومِ الَّذينَ أخبَرَ عَنهُم بِحُسنِ فِعالِهِم ، فَقَد کانَ مُباحا جائِزا ولَم يَکونوا نُهوا عَنهُ ، وثَوابُهُم مِنهُ عَلَى اللّهِ ، وذلِکَ أنَّ اللّهَ جَلَّ وتَقَدَّسَ أمَرَ بِخِلافِ ما عَمِلوا بِهِ فَصارَ أمرُهُ ناسِخا لِفِعلِهِم ، وکانَ نَهىُ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالى رَحمَةً مِنهُ لِلمُؤمِنينَ ونَظَرا ؛ لِکَيلا يُضِرّوا بِأنفُسِهِم وعِيالاتِهِم مِنهُمُ الصَّعَفَهُ الصِّغارُ وَالوِلدانُ وَالشَّيخُ الفانى وَالعَجوزُ الکَبيرَهُ الَّذينَ لايَصبِرونَ عَلَى الجوعِ ، فَإن تَصَدَّقتُ بِرَغيفى ولارَغيفَ لى غَيرُهُ ضاعوا وهَلَکوا جوعا .

فَمِن ثَمَّ قالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : «خَمسُ تَمَراتٍ أو خَمسُ قُرَصٍ أو دَنانيرُ أو دَراهِمُ يَملِکُهَا الإنسانُ وهُوَ يُريدُ أن يُمضِيَها فَأفضَلُها ما أنفَقَهُ الإنسانُ عَلى والِدَيهِ ، ثُمَّ الثّانِيَهُ عَلى نَفسِهِ وعِيالِهِ ، ثُمَّ الثّالِثَهُ عَلى قَرابَتِهِ الفُقَراءِ ، ثُمَّ الرّابِعَهُ عَلى جيرانِهِ الفُقَراءِ ، ثُمَّ الخامِسَهُ فى سَبيلِ اللّهِ ؛ وهُوَ أخَسُّها أجرا» .

وقالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله لِلأَنصارِىِّ حينَ أعتَقَ عِندَ مَوتِهِ خَمسَهَ أو سِتَّهً مِنَ الرَّقيقِ ولَم يَکُن يَملِکُ غَيرَهُم ولَهُ أولادٌ صِغارٌ : «لَو أعلَمتُمونى أمرَهُ ما تَرَکتُکُم تَدفِنوهُ مَعَ المُسلِمين ، يَترُکُ صِبيَهً صِغارا يَتَکَفَّفونَ النّاسَ !» .

ثُمَّ قالَ : حَدَّثَنى أبى أنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله قالَ : «اِبدَأ بِمَن تَعولُ ، الأَدنى فَالأَدنى» .

ثُمَّ هذا ما نَطَقَ بِهِ الکِتابُ رَدّا لِقَولِکُم ونَهيا عَنهُ مَفروضا مِنَ اللّهِ العَزيزِ الحَکيمِ ، قالَ : «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنفَقُواْ لَمْ يُسْرِفُواْ وَ لَمْ يَقْتُرُواْ وَ کَانَ بَيْنَ ذَ لِکَ قَوَامًا» (9) . أفَلا تَرَونَ أنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى قالَ غَيرَ ما أراکُم تَدعونَ النّاسَ إلَيهِ مِنَ الأَثَرَهِ عَلى أنفُسِهِم ، وسَمّى مَن فَعَلَ ما تَدعونَ النّاسَ إلَيهِ مُسرِفا ، وفى غِيرِ آيَهٍ مِن کِتابِ اللّهِ يَقولُ : «إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِين» (10) ؟ فَنَهاهُم عَنِ الإسرافِ ونَهاهُم عَنِ التَّقتيرِ ولکِن أمرٌ بَينَ أمرَينِ ؛ لايُعطى جَميعَ ما عِندَهُ ، ثُمَّ يَدعُو اللّهَ أن يَرزُقَهُ فَلا يَستَجيبُ لَهُ ، لِلحَديثِ الَّذى جاءَ عَنِ النَّبِى صلى الله عليه و آله :

«إنَّ أصنافا مِن اَمَّتى لايُستجابُ لَهُم دُعاؤُهُم : رَجُلٌ يَدعو عَلى والِدَيهِ . ورَجُلٌ يَدعو عَلى غَريمٍ ذَهَبَ لَهُ بِمالٍ فَلَم يَكتُب عَلَيهِ ولَم يُشهِد عَلَيهِ . ورَجُلٌ

يَدعو عَلَى امرَأَتِهِ وقَد جَعَلَ اللّهُ تَخلِيَهَ سَبيلِها بِيَدِهِ . ورَجُلٌ يَقعُدُ فى بَيتِهِ ويَقولُ : رَبِّ ارزُقنى ؛ ولايَخرُجُ ولا يَطلُبُ الرِّزقَ ، فَيَقولُ اللّهُ لَهُ : عَبدى ، أَلَم أَجعَل لَكَ السَّبيلَ إلَى الطَّلَبِ وَالضَّربَ فِى الأَرضِ بِجَوارِحَ صَحيحَهٍ فَتَكونَ قَد اُعذِرتَ فيما بَينى وبَينَكَ فِى الطَّلَبِ لِاتِّباعِ أمرى ولِكَيلا تَكونَ كَلاًّ عَلى أهلِكَ ؟ فَإن شِئتُ رَزَقتُكَ ، وإن شِئتُ قَتَّرتُ عَلَيكَ وأنتَ غَيرُ مَعذورٍ عِندى . ورَجُلٌ رَزَقَهُ اللّهُ مالاً كَثيرا فَأَنفَقَهُ ثُمَّ أقبَلَ يَدعو: يا رَبِّ ارزُقنى ، فَيَقولُ اللّهُ : أَلَم أرزُقكَ رِزقا واسِعا؟ فَهَلاَّ اقتَصَدتَ فيهِ كَما أَمَرتُكَ ولَم تُسرِف وقَد نَهَيتُكَ عَنِ الإِسرافِ . ورَجُلٌ يَدعو فى قَطيعَهِ رَحِمٍ» .

ثُمَّ عَلَّمَ اللّهُ نَبِيَّهُ صلى الله عليه و آله كَيفَ يُنفِقُ ، وذلِكَ أَنَّهُ كانَت عِندَهُ اُوقِيَّهٌ (11) مِنَ الذَّهَبِ فَكَرِهَ أن يَبيتَ عِندَهُ فَتَصَدَّقَ بِها ، فَأَصبَحَ ولَيسَ عِندَهُ شَىءٌ ، وجاءَهُ مَن يَسأَلُهُ فَلَم يَكُن عِندَهُ ما يُعطيهِ ، فَلامَهُ السّائِلُ ، وَاغتَمَّ هُوَ حَيثُ لَم يَكُن عِندَهُ ما يُعطيهِ وكانَ رَحيما رَقيقا ، فَأَدَّبَ اللّهُ تَعالى نَبِيَّهُ صلى الله عليه و آله بِأمرِهِ فَقالَ : «وَ لاَ تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلاَ تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (12) يَقولُ : إنَّ النّاسَ قَد يَسأَلونَكَ ولا يَعذِرونَكَ ؛ فَإِذا أعطَيتَ جَميعَ ما عِندَكَ مِنَ المالِ كُنتَ قَد حَسَرتَ مِنَ المالِ .

فَهذِهِ أحاديثُ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله يُصَدِّقُهَا الكِتابُ ، وَالكِتابُ يُصَدِّقُهُ أهلُهُ مِنَ المُؤمِنينَ .

وقالَ أبو بَكر عِندَ مَوتِهِ حَيثُ قيلَ لَهُ : أوصِ ، فَقالَ : اُوصى بِالخُمُسِ ،

وَالخُمُسِ كَثيرٌ ، فَإِنَّ اللّهَ تَعالى قَد رَضِىَ بِالخُمُسِ فَأَوصى بِالخُمُسِ ، وقَد جَعَلَ اللّهُ لَهُ الثُّلُثَ عِندَ مَوتِهِ ولَو عَلِمَ أَنَّ الثُّلُثَ خَيرٌ لَهُ أوصى بِهِ .

ثُمَّ مَن قَد عَلِمتُم بَعدَهُ فى فَضلِهِ وزُهدِهِ : سَلمان وأبو ذَر رَضِىَ اللّهُ عَنهُما ؛ فَأَمّا سَلمانُ فَكانَ إذا أخَذَ عَطاءَهُ رَفَعَ مِنهُ قوتَهُ لِسَنَتِهِ حَتّى يَحضُرَ عَطاؤُهُ مِن قابِلٍ ، فَقيلَ لَهُ : يا أبا عَبد اللّه ، أنتَ فى زُهدِكَ تَصنَعُ هذا ، وأنتَ لا تَدرى لَعَلَّكَ تَموتُ اليَومَ أو غَدا ! فَكانَ جَوابُهُ أن قالَ : ما لَكُم لا تَرجونَ لِيَ البَقاءَ كَما خِفتُم عَلَيَّ الفَناءَ ؟ أ ما عَلِمتُم يا جَهَلَهُ أنَّ النَّفسَ قَد تَلتاثُ (13) عَلى صاحِبِها إذا لَم يَكُن لَها مِنَ العَيشِ ما يَعتَمِدُ عَلَيهِ؟ فَإِذا هِىَ أحرَزَت مَعيشَتَهَا اطمَأَنَّت .

وأمّا أبو ذَرٍّ فَكانَت لَهُ نُوَيقاتٌ وشُوَيهاتٌ يَحلَبُها ويَذبَحُ مِنها إذَا اشتَهى أهلَهُ اللَّحمَ ، أو نَزَلَ بِهِ ضَيفٌ ، أو رَأى بِأهلِ الماءِ الَّذينَ هُم مَعَهُ خَصاصَةً (14) نَحَرَ لَهُمُ الجَزورَ أو مِنَ الشِّياهِ عَلى قَدرِ ما يَذهَبُ عَنهُم بِقَرَمِ (15) اللَّحمِ ؛ فَيَقسِمُهُ بَينَهُم ويَأخُذُ هُوَ كَنَصيبِ واحِدٍ مِنهُم لا يَتَفَضَّلُ عَلَيهِم .

ومَن أزهَدُ مِن هؤُلاءِ ، وقَد قالَ فيهِم رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله ما قالَ ، ولَم يَبلُغ مِن أمرِهِما أن صارا لا يَملِكانِ شَيئا البَتَّةَ ، كَما تَأمُرونَ النّاسَ بِإلقاءِ أمتِعَتِهِم وشَيئِهِم ويُؤثِرونَ بِهِ عَلى أنفُسِهِم وعِيالاتِهِم !

وَاعلَموا أيُّهَا النَّفَرُ أنّى سَمِعتُ أبى يَروى عَن آبائِهِ عليهم السلام : أنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله قالَ يَوما : «ما عَجِبتُ مِن شَىءٍ كَعَجَبى مِنَ المُؤمِنِ ، إنَّهُ إن قُرِّضَ جَسَدُهُ فى دارِ

الدُّنيا بِالمَقاريضِ كانَ خَيرا لَهُ ، وإن مَلَكَ ما بَينَ مَشارِقِ الأَرضِ ومَغارِبِها كانَ خَيرا لَهُ ، وكُلُّ ما يَصنَعُ اللّهُ بِهِ فَهُوَ خَيرٌ لَهُ» ، فَلَيتَ شِعرى هَل يَحيقُ (16) فيكُم ما قَد شَرَحتُ لَكُم مُنذُ اليَومِ أم أزيدُكُم ؟

أ ما عَلِمتُم أنَّ اللّهَ قَد فَرَضَ عَلَى المُؤمِنينَ فى أوَّلِ الأَمرِ أن يُقاتِلَ الرَّجُلُ مِنهُم عَشَرَةً مِنَ المُشرِكين لَيسَ لَهُ أن يُوَلِّىَ وَجهَهُ عَنهُم ، ومَن وَلّاهُم يَومَئِذٍ دُبُرَهُ فَقَد تَبَوَّأ مَقعَدَهُ مِنَ النّارِ؟ ثُمَّ حَوَّلَهُم عَن حالِهِم رَحمَةً مِنهُ لَهُم ؛ فَصارَ الرَّجُلُ مِنهُم عَلَيهِ أن يُقاتِلَ رَجُلَينِ مِنَ المُشرِكينَ تَخفيفا مِنَ اللّهِ لِلمُؤمِنينَ ، فَنَسَخَ الرَّجُلانِ العَشَرَةَ .

وأخبِرونى أيضا عَنِ القُضاهِ ، أجَوَرَهٌ (17) هُم حَيثُ يَقضونَ عَلَى الرَّجُلِ مِنكُم نَفقَةَ امرَأتِهِ إذا قالَ: إنّى زاهِدٌ وإنّى لا شَىءَ لى؟ فَإن قُلتُم: جَوَرَهٌ ، ظَلَّمَكُم أهلُ الإسلام ، وإن قُلتُم: بَل عُدولٌ ، خَصَمتُم أنفُسَكُم ، وحَيثُ تَرُدّونَ صَدَقَةَ مَن تَصَدَّقَ عَلَى المَساكينِ عِندَ المَوتِ بِأكثَرَ مِنَ الثُّلُثِ .

أخبِرونى لَو كانَ النّاسُ كُلُّهُم كَالَّذينَ تُريدونَ زُهّادا لاحاجَةَ لَهُم فى مَتاعِ غَيرِهِم ، فَعَلى مَن كانَ يُتَصَدَّقُ بِكَفّاراتِ الأيمانِ وَالنُّذورِ وَالصَّدَقاتِ مِن فَرضِ الزَّكاهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ وَالتَّمرِ وَالزَّبيبِ وسائِرِ ماوَجَبَ فيهِ الزَّكاهُ مِنَ الإبِلِ وَالبَقَرِ والغَنَمِ وغَيرِ ذلِكَ؟ إذا كانَ الأمرُ كَما تَقولونَ لايَنبَغى لِاَحَدٍ أن يَحبِسَ

شَيئا مِن عَرَضِ الدُّنيا إلاّ قَدَّمَهُ وإن كانَ بِهِ خَصاصَهٌ !

فَبِئسَ ما ذَهَبتُم إلَيهِ وحَمَلتُمُ النّاسَ عَلَيهِ ؛ مِنَ الجَهلِ بِكِتابِ اللّهِ وسُنَّهِ نَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله وأحاديثِهِ الَّتى يُصَدِّقُهَا الكِتابُ المُنزَلُ ، ورَدِّكُم إيّاها بِجَهالَتِكُم ، وتَركِكُمُ النَّظَرَ فى غَرائِبِ القُرآنِ مِنَ التَّفسيرِ بِالنّاسِخِ مِنَ المَنسوخِ وَالمُحكَمِ وَالمُتَشابِهِ وَالأَمرِ وَالنَّهيِ .

وأخبِرونى أينَ أنتُم عَن سُلَيمانَ بنِ داوود عليه السلام حَيثُ سَأَلَ اللّهَ مُلكا لايَنبَغى لِاَحَدٍ مِن بَعدِهِ (18) ، فَأعطاهُ اللّهُ جَلَّ اسمُهُ ذلِكَ ، وكانَ يَقولُ الحَقَّ ويَعمَلُ بِهِ ، ثُمَّ لَم نَجِدِ اللّهَ عابَ عَلَيهِ ذلِكَ ولا أحَدا مِنَ المُؤمِنينَ . وداوود النَّبِيِّ عليه السلام قَبلَهُ فى مُلكِهِ وشِدَّهِ سُلطانِهِ ، ثُمَّ يوسُف النَّبِيِّ عليه السلام حَيثُ قالَ لِمَلِكِ مِصر : «اجْعَلْنِى عَلَى خَزَائِنِ الْاَرْضِ إِنِّى حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (19) فَكانَ مِن أمرِهِ الَّذى كانَ أنِ اختارَ مَملَكَهَ المَلِكِ وما حَولَها إلَى اليَمَن ، وكانوا يَمتارونَ الطَّعامَ مِن عِندِهِ لِمَجاعَهٍ أصابَتهُم ، وكانَ يَقولُ الحَقَّ ويَعمَلُ بِهِ ، فَلَم نَجِد أحَدا عابَ ذلِكَ عَلَيهِ . ثُمَّ ذُوالقَرنَين عَبدٌ أحَبَّ اللّهَ فَأَحَبَّهُ اللّهُ وطَوى لَهُ الأَسبابَ ومَلَّكَهُ مَشارِقَ الأَرضِ ومَغارِبَها ، وكانَ يَقولُ الحَقَّ ويَعمَلُ بِهِ ، ثُمَّ لَم نَجِد أحَدا عابَ ذلِكَ عَلَيهِ !

فَتَأَدَّبوا أيُّهَا النَّفَرُ بِآدابِ اللّهِ لِلمُؤمِنينَ ، وَاقتَصِروا عَلى أمرِ اللّهِ ونَهيِهِ ، ودَعوا عَنكُم مَا اشتَبَهَ عَلَيكُم مِمّا لا عِلمَ لَكُم بِهِ ، ورُدُّوا العِلمَ إلى أهلِهِ ؛ تُؤجَروا وتُعذَروا عِندَ اللّهِ تَبارَكَ وتَعالى وكونوا فى طَلَبِ عِلمِ ناسِخِ القُرآنِ

مِن مَنسوخِهِ ومُحكَمِهِ مِن مُتَشابِهِهِ وما أحَلَّ اللّهُ فيهِ مِمّا حَرَّمَ ؛ فَإِنَّهُ أقرَبُ لَكُم مِنَ اللّهِ وأبعَدُ لَكُم مِنَ الجَهلِ . ودَعُوا الجَهالَهَ لِاَهلِها فَإِنَّ أهلَ الجَهلِ كَثيرٌ وأهلَ العِلمِ قَليلٌ ، وقَد قالَ اللّهُ : «وَ فَوْقَ كُلِّ ذِى عِلْمٍ عَلِيمٌ» (20) . (21) .

1- .الغِرْقِئ كزِبْرِج : القشره الملتزقه ببياض البَيض ، أو البياض الذى يؤكل (مجمع البحرين : ج 2 ص 1316 «غرق») .
2- .الجَدْب : القَحْط (النهايه : ج 1 ص 243 «جدب») .
3- .المتَقشِّف : الذى يتبلّغ بالقوت وبالمُرَقّع [من الثياب] (الصحاح : ج 4 ص 1416 «قشف») .
4- .حَصِرَ : عَىَّ فى منطقه ولم يقدر على الكلام (المعجم الوسيط : ج 1 ص 178 «حصر») .
5- .أدْلى بِحجَّتهِ : أثبتها فوصل بها إلى دعواه (المصباح المنير : ص 199 «دلو») .
6- .الحشر: 9 .
7- .الإنسان : 8 .

8- .كلمه «أو» فى قولهم : «أو بعضه» بمعنى بَلْ (مرآه العقول : ج 19 ص 7) .
9- .الفرقان: 67 .
10- .الأنعام: 141 .
11- .الأُوقِيّه : أربعون درهما (الصحاح : ج 6 ص 2527 «وقى») .
12- .الإسراء: 29 .
13- .إنّ النفس قد تلتاث : أى تضطرب ولم تنبعث مع صاحبها (مجمع البحرين : ج 3 ص 1655 «لوث») .
14- .الخَصَاصَهُ : الجُوع والضَّعف ، وأصلها الفقر والحاجه إلى الشىء (النهايه : ج 2 ص 37 «خصص») .
15- .القَرَمُ : شِدّه شهوه اللحم حتّى لا يصبر عنه (النهايه : ج 4 ص 49 «قرم») .
16- .فى نسخه العلاّمه المجلسى قدس سره «يحقّ» بدل «يحيق» ، حيث قال فى مرآه العقول : قوله عليه السلام : «هل يحقّ فيكم» أى يثبت ويستقرّ فيكم ، ويعتقدونه حقّا . قال الفيروزآبادى : حقَّ الأمر : وجب ووقع بلا شكّ ، لازم ومتعدٍّ ، انتهى . وفى بعض النسخ : «يحيق» أى يحيط بكم ويلزمكم ؛ من قوله : «حاق به» أى أحاط به ، و«حاق بهم الأمر» لزمهم ووجب عليهم . . . وهو تصحيف كما لا يخفى (مرآه العقول : ج 19 ص 10) .
17- .الجَوْرُ : نقيض العدل وضدّ القصد ، وقوم جَوَره (القاموس المحيط : ج 1 ص 394 «جور») .
18- .كما قال اللّه تعالى فى كتابه : «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِى وَهَبْ لِى مُلْكًا لاَّ يَنبَغِى لِاَحَدٍ مِّنم بَعْدِى إِنَّکَ أَنتَ الْوَهَّابُ» (صآ: 35) .
19- .يوسف: 55 .
20- .يوسف: 76 .
21- .الكافى: ج 5 ص 65 ح 1 .

2 / 7اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا618.3 . ابن شعبه الحرّانی عن الإمام الکاظم علیه السلاالکافی به نقل از مَسعَده بن صَدَقه :سفیان ثوری بر امام صادق علیه السلام درآمد و دید امام علیه السلام جامه هایی سپید مانند پوسته نازک چسبیده به سفیده تخم مرغ، پوشیده است . گفت: چنین جامه ای در شأن تو نیست!

امام فرمود: «از من بشنو و آنچه را به تو می گویم ، حفظ کن؛ زیرا این در دنیا و آخرت به نفع توست که بر سنّت و حق بمیری و بر بدعت از دنیا نروی .

بدان که پیامبر خدا ، در روزگار قحط و سختی به سر می برد ؛ امّا هرگاه دنیا رو کند، سزاوارترینِ اهل دنیا به برخورداری از آن ، نیکان آن اند ، نه نابه کارانش، و مؤمنانِ آن اند، نه منافقانش، و مسلمانانِ جامعه اند ، نه کافرانش. این ، چه اعتراضی است که می کنی ، ای ثوری! به خدا سوگند، من، با این وضعی که در من می بینی، از زمانی که به سن رشد رسیده ام ، هیچ بام و شامی بر من نگذشته است که در اموال من برای خداوند ، حقّی باشد و به من دستور داده باشد آن را بپردازم ، مگر این که آن حق را پرداخته ام».

در این هنگام ، جماعتی که دَم از زهد می زنند و مردم را نیز به راه و رسم خود، یعنی درویشی و خرقه پوشی فرا می خوانند، در آمدند و به ایشان گفتند: این رفیق ما از سخن گفتن با تو درمانده و قادر به اقامه دلایلش نیست.

امام علیه السلام به آنان فرمود: «پس، شما دلایلتان را بیاورید» .

گفتند: دلایل ما از کتاب خداست.

فرمود: «آن دلایل را بازگو کنید ؛ زیرا این گونه دلایل به پیروی و عمل سزاوارترند».

گفتند: خدای تبارک و تعالی درباره گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «و بر خویشتن ، ترجیح می دهند ، هرچند در خود آنان ، نیازی مبرم باشد، و هر کس از بخل خویش در امان بماند. اینان ، همان رستگاران اند» . پس، عمل این گروه را ستوده است.

در جایی دیگر می فرماید: «و خوراک را با آن که دوستش می دارند، به مستمند و یتیم و اسیر می خورانند» . ما به همین دو آیه بسنده می کنیم.

مردی از حاضران در مجلس گفت: به نظر ما ، شما از خوراکی های لذیذ ، دوری می کنید ؛ ولی به مردم توصیه می کنید که از اموالشان دست بکشند تا شما از آنها بهره مند شوید.

امام صادق علیه السلام فرمود: «این سخنان را که برایتان فایده ای ندارد، رها کنید؛ و شما ای جماعت! به من بگویید که آیا ناسخ و منسوخ قرآن ، و محکم و متشابه آن را می شناسید ؛ همان که هر کس از این امّت به گم راهی و هلاکت افتاد ، از آنها افتاد؟» .

گفتند: بعضی از آنها را می دانیم، امّا همه اش را نه.

فرمود: «گرفتاری شما از همین جاست . احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این گونه است (دارای ناسخ و منسوخ و... است) ؛ امّا این که گفتید : خداوند در کتابش از گروهی خبر داده و کردار آنها را ستوده است، [بدانید که آن روز [این عمل آنان ، آزاد و مجاز بود و از آن ، نهی نشده بودند و ثوابشان هم از آن کار ، بر خداونداست ؛ امّا بعداً خداوند بزرگ و پاک ، خلاف آنچه کردند ، فرمان داد و این فرمان او ، ناسخِ عمل ایشان شد. این نهی خداوند تبارک و تعالی نیز از سر مهر و عنایت به مؤمنان بود ، برای این که به خود و خانواده شان (از جمله به کودکان و فرزندان خردسال و پیرمردان فرتوت و پیرزنان سالخورده خانواده که تحمّل گرسنگی را ندارند) ، صدمه نزنند ؛ چرا که اگر من یک گِرده نان داشته باشم و همان را هم صدقه بدهم ، این افراد [در خانواده ام] از گرسنگی تلف می شوند و می میرند.

از همین جاست که پیامبر خدا فرمود: انسان ، پنج دانه خرما یا پنج گِرده نان یا مقداری دینار و یا درهم دارد و می خواهد آنها را به مصرف برساند . بهترش آن است که آن را صرف پدر و مادرش کند؛ در درجه دوم ، صرف خودش و عائله اش؛ در مرتبه سوم ، صرف خویشاوندان نادارش؛ در مرتبه

چهارم ، صرف همسایگان نادارش؛ در درجه پنجم ، در راه خدا [و جهاد [صرف کند که این ، اجرش از بقیه کمتر است .

پیامبر خدا ، درباره مردی از انصار که هنگام مرگش پنج یا شش بنده خود را آزاد کرد و جز آنها چیزی نداشت و تعدادی فرزند صغیر از خود بر جای نهاد، فرمود: اگر این کار او را به من اطّلاع داده بودید ، نمی گذاشتم او را در گورستان مسلمانان دفن کنید. چند بچّه صغیر باقی می گذارد که دست گدایی پیش مردم دراز کنند » .

سپس فرمود: «پدرم برایم حدیث کرد که پیامبر خدا فرمود: از کسانی که نانخور تو هستند ، آغاز کن، به ترتیب نزدیکی شان به تو .

از این گذشته، قرآن در ردّ گفته (و عقیده) شما و نهی از آن و به عنوان فریضه ای از جانب خداوند عزیز حکیم می فرماید: «و آنان که هرگاه انفاق کنند ، نه زیاده روی کنند و نه تنگ گیرند ؛ بلکه حدّ میانه این دو را در پیش گیرند» . آیا نمی بینید که خداوند تبارک و تعالی جز آن چیزی را گفته است که می بینم شما ، مردم را به آن دعوت می کنید ؛ یعنی ترجیح دادن دیگران بر خود، و بر آن کس که آنچه شما مردم را به آن فرا می خوانید ، به کار بندد ، مُسرف نامیده است و در چند آیه از کتاب خدا می فرماید: «همانا او اسرافکاران را دوست ندارد» ؟

پس، خداوند ، مردم را از اسراف نهی کرده است و از تنگ گرفتن هم نهی کرده است ؛ بلکه باید حدّ وسط را رعایت کرد ، نه این که هر چه دارد ، ببخشد و بعد دعا کند که خدا ، روزی او را برساند . چنین دعایی پذیرفته نمی شود ، به دلیل حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است: چند دسته از امّت من ، دعایشان

مستجاب نمی شود: مردی که پدر و مادرش را نفرین کند؛ مردی که بدهکارش را که به او مالی داده و آن را یادداشت نکرده و گواه نگرفته است [و او مالش را خورده است] ، نفرین کند؛ مردی که زنش را نفرین کند ، حال آن که خداوند اختیار طلاقش را به دست او داده است؛ مردی که در خانه اش بنشیند و بگوید: خدایا ! روزی مرا برسان ، و بیرون نرود و در طلب روزی برنیاید . خداوند به او فرماید: ای بنده من! آیا بدن و اندامی سالم به تو ندادم تا بتوانی برای به دست آوردن روزی در زمین بگردی و در نتیجه [اوّلاً] با پیروی کردن از دستور من در آنچه میان من و تو برای طلب روزی است ، معذور باشی و [ثانیاً] باری بر دوش خانواده ات

نباشی؟ امّا حالا اگر بخواهم ، روزی ات می دهم و اگر بخواهم ، بر تو تنگ می گیرم و تو را در نزد من ، عذری نیست . مردی که خداوند ، ثروت فراوانی روزی او کند و او همه آن را انفاق [یا خرج] کند و بعد دعا کند که: پروردگارا! به من روزی عطا کن . خداوندمی فرماید: آیا روزی فراخی به تو ندادم؟ چرا دستور مرا به کار نبستی و در انفاق آن روزی ، جانب اعتدال نگه نداشتی؟ و چرا اسراف می کنی ، در صورتی که من ، تو را از اسرافکاری نهی کردم؟! و دیگر ، مردی که برای بُریده شدن رابطه خویشاوندی دعا کند .

خداوند به پیامبرش آموخت که چگونه انفاق کند، بدین سان که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله یک اوقیه (1) طلا بود و خوش نداشت شب را با آنها به سر ببرد . پس، همه را صدقه داد. صبح که شد ، چیزی در اختیار نداشت. سائل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد ؛ امّا ایشان چیزی نداشت که به او بدهد. سائل ، ایشان را ملامت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله از این که چیزی نداشت تا به او بدهد و از طرفی انسانی مهربان و دل رحم بود، ناراحت شد. خداوند متعال ، این دستورالعمل را به پیامبرش صادر کرده فرمود: «دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار هم گشاده دستی منما تا ملامت شده ، حسرت زده بر جای بمانی» .

می فرماید: گاه مردم از تو می خواهند و معذورت نمی دارند. پس، اگر همه پولی را که داری ، ببخشی ، آن گاه ، دستت از مال خالی می شود [و چیزی برای انفاق باقی

نمی ماند].

این احادیث پیامبر خداست و قرآن ، آنها را تأیید می کند، و قرآن را هم مؤمنان اهل آن ، تصدیق می کنند.

به ابو بکر در هنگام مرگش گفتند: وصیّت کن .

او گفت: به یکْ پنجم وصیّت می کنم و یک پنجم هم بسیار است. خداوند متعال به یک پنجم رضایت داده است . لذا او به یک پنجم وصیّت کرد، در حالی که خداوند تا یک سوم را در هنگام مرگش، در اختیار او گذاشته بود و اگر ابو بکر می دانست که وصیّت به یک سوم برایش بهتر است ، بدان وصیّت کرده بود.

از این گذشته، پس از او کسی که فضل و زهدش را شما می دانید ، سلمان و ابو ذر هستند. سلمان ، هرگاه مقرّری خود [از بیت المال] را می گرفت ، خرج سال خود را تا سررسید مقرّری سال آینده اش، از آن بر می داشت. به او گفته شد: ای ابو عبد اللّه ! تو با آن همه زهدت این کار را می کنی، در حالی که نمی دانی شاید امروز یا فردا بمیری .

سلمان در پاسخ گفت: چرا شما به همان اندازه که بیم مرگ مرا دارید ، امید به زنده ماندنم ندارید؟ ای نادانان! مگر نمی دانید که نفس ، وقتی زندگی اش تأمین نباشد ، بر صاحبش می شورد و هرگاه زندگی خود را تأمین کند ، آرام می گیرد؟

ابو ذر هم چند تایی شتر و میش داشت که شیر آنها را می دوشید و هرگاه خانواده اش هوس گوشت می کرد یا میهمانی برایش می رسید ، یکی از آنها را سر می بُرید، یا اگر می دید مردمِ آبگاهی که با او زندگی می کردند ، گرسنه اند شتری یا از گوسفندان به اندازه ای که میل و نیاز آنها به گوشت را فرو نشاند، برایشان می کُشت و میانشان تقسیم می کرد و خودش هم به اندازه سهم یکی از آنها ، و نه بیشتر، بر می داشت.

از اینها زاهدتر چه کسی است؟ پیامبر خدا هم در فضیلت آنان سخن ها گفته است . با این حال ، هیچ گاه کارشان به آن جا نرسید که اصلاً چیزی نداشته باشند، آن طور که شما از مردم می خواهید ، دار و ندارشان را رها کنند و دیگران را بر خود و خانواده شان ترجیح دهند .

بدانید ای جماعت که شنیدم پدرم از پدرانش روایت می کند که: روزی پیامبر

خدا فرمود: هیچ چیز به اندازه مؤمن ، مرا متعجّب نساخته است . اگر در دنیا بدنش را با قیچی تکّه تکّه کنند ، برایش خیر است و اگر هم مالک شرق تا غرب زمین باشد ، باز برایش خیر است . [خلاصه] هر کاری که خدا با او بکند ، برایش خیر [و به نفع او [است .

کاش می دانستم که آنچه امروز برایتان توضیح دادم ، در شما کارگر افتاد یا باز هم باید بگویم!

آیا نمی دانید که خداوند در آغاز کار [اسلام] ، بر مؤمنان مقرّر داشت که یک مرد از آنان با ده تن مشرک بجنگد و حق ندارد از برابر آنها بگریزد و در آن روز ، هر کس به مشرکانْ پشت می کرد ، جایگاهش آتش دوزخ بود؟

امّا بعد ؛ خداوند از سرِ مهرش به آنان، این تکلیف را از آنان بگردانَد و از آن پس ، هر مرد مسلمانی می بایست با دو مشرک بجنگد و این ، تخفیفی بود از جانب خداوند در حقّ مؤمنان. پس، [حکم] دو مرد ، [حکمِ] ده مرد را نسخ کرد.

نیز به من بگویید که آیا هرگاه فردی از شما بگوید: «من زاهدم و چیزی ندارم»، ولی قاضیان بر او حکم کنند که نفقه زنش را بدهد، آن قاضیان ستم کرده اند؟ اگر بگویید: ستمکارند ، اهل اسلام ، نسبت ستم کردن به شما می دهند . و اگر بگویید: عادل اند ، خود را محکوم کرده اید. نیز آن جا که صدقه دادن کسی را که در هنگام مرگش بیش از یکْ سومِ مال خود را به مستمندان صدقه دهد ، رد می کنید.

به من بگویید: اگر همه مردم، آن گونه که شما می خواهید، زاهد بودند و نیازی به مال دیگران نداشتند ، پس کفّاره های سوگندها و نذورات و صدقات زکات واجب طلا و نقره و خرما و کشمش و سایر چیزهایی که در آنها زکات واجب است (مانند : شتر و گاو و گوسفند و غیر اینها) به چه کسی داده می شد؟ اگر وضع چنان باشد که شما می گویید ، دیگر هیچ کس نباید چیزی از مال دنیا را نگه دارد ، بلکه باید آن را انفاق کند ، حتّی اگر خودش به آن نیاز شدید داشته باشد.

چه بد راه و مسلکی در پیش گرفته اید و مردم را به آن می کشانید ! این به سبب نا آشنایی به کتاب خداوند و سنّت پیامبر او و احادیث وی است که کتاب آسمانی ،

آنها را تصدیق می کند ، ولی شما از روی نادانی ردّشان می کنید، و اندیشیدن در شگفتی های قرآن و تشخیص ناسخ و منسوخ ، محکم و متشابه ، و امر و نهی را رها کرده اید.

از سلیمان بن داوود علیه السلام به من باز گویید ، آن گاه که از خداوند ، سلطنتی درخواست کرد که سزاوار احدی پس از او نباشد و خداوند بلند نام هم آن را به او داد و [با این حال] سلیمان ، حق می گفت و به حق عمل می کرد و ما ندیده ایم که خداوند و یا احدی از مؤمنان ، این کار (داشتن سلطنتی پرشکوه و بی مانند) را بر او عیب گیرد. پیش از او، داوود نبی علیه السلام نیز پادشاهی و سلطنتی عظیم داشت. یوسف پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به پادشاه مصر گفت: «مرا بر خزانه های زمین [مصر] بگمار که من ، نگهبانی دانایم» و کارش به آن جا کشید که مملکت پادشاه

[مصر] و پیرامون آن تا یمن را در اختیار گرفت و مردم [دیگر نقاط] بر اثر خشک سالی که بدیشان رسیده بود ، از نزد او جیره و آذوقه می بردند.

با این حال ، او حق می گفت و به حق عمل می کرد [و دنیا و جاه و مقام آن ، او را از مسیر حق منحرف نساخت]، و ندیده ایم کسی به این خاطر بر او خرده بگیرد [که چرا سلطنت و پادشاهی داشته است]. ذوالقرنین نیز بنده ای بود که خدا را دوست می داشت و خدا هم او را دوست داشت و اسباب [رسیدن به هرچه می خواهد] (2) را برایش فراهم آورد و او را بر شرق و غرب عالم ، پادشاهی داد و با این حال ، حق می گفت و به آن عمل می کرد، و احدی را هم ندیده ایم که به سبب این امر بر او خرده بگیرد .

پس، ای جماعت! آداب خداوند را نسبت به مؤمنان ، پیشه خود سازید و به امر و نهی خدا بسنده کنید، و آنچه را که بر شما مشتبه شده و بدانها علم

دارید، وا گذارید و علم [به آنها] را به اهلش برگردانید تا هم مأجور باشید و هم نزد خدای تبارک و تعالی معذور. در جستجوی شناخت ناسخ قرآن از منسوخ آن ، و محکمش از متشابهش ، و حلالش از حرامش باشید؛ زیرا این ، شما را به خدا نزدیک تر و از نادانی دورتر می سازد. نادانی را برای اهلش وا نهید که اهل نادانی بسیارند و اهل دانش ، اندک . خداوند می فرماید: «و فرادستِ هر صاحب دانشی، دانشمندی است» .

.

1- .اوقیه: چهل درهم (الصحاح، ج 6، ص 2527 «وقی»).
2- .اشاره است به آیه 84 سوره کهف : «اسباب هرچه را در اختیارش گذاشتیم» .

ص: 148

. .

ص: 149

. .

ص: 150

. .

ص: 151

. .

ص: 152

. .

ص: 153

. .

ص: 154

. .

ص: 155

. .

ص: 156

..

ص: 157

. .

ص: 158

. .

ص: 159

. .

2 / 8الاِستِثمارُ مِنَ الدُّنيا‌الكتاب«وَ ابْتَغِ فِيمَا ءَاتَاکَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لاَ تَنسَ نَصِيبَکَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِن كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْکَ وَ لاَ تَبْغِ الْفَسَادَ فِى الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» . (1)

الحديث624.2 . الطبرسى فى مكارم الأخلاق عن رسول اللّه صلى الرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أصلِحوا دُنياكُم ، وَاعمَلوا لاِآخِرَتِكُم ، كَأَنَّكُم تَموتون غَدا . (2)625.3 . الصدوق بإسناده عِن جابر ، عن أبى جعفر الباقر ععنهِ صلى الله عليه و آله :اِعمَل لِدُنياکَ كَأَنَّکَ تَعيشُ أبَدا ، وَاعمَل لِاآخِرَتِکَ كَأَنَّکَ تَموتُ غَدا . (3)626.4 . الكلينى بإسناده عن سعد الخفّاف ، عن أبى جعفرالإمام علىّ عليه السلام :اِعمَل لِدُنياکَ بِقَدرِ مُقامِکَ فيها . (4)627.1 . التفسير المنسوب للإمام العسكرى عليه السلام :عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المُنسوبَهِ إلَيهِ :يَابنَ آدَمَ ، لَيسَ بِکَ غَناءٌ عَن نَصيبِکَ مِنَ

الدُّنيا ، وأنتَ إلى نَصيبِکَ مِنَ الآخِرَهِ أفقَرُ . (5) .

1- .القصص : 77 .
2- .مسند الشهاب : ج 1 ص 417 ح 717 ، الفردوس : ج 1 ص 101 ح 334 وفيه «فإنّكم» بدل «كأنّكم» وكلاهما عن أبى هريره ، الجامع الصغير : ج 1 ص 164 ح 1089 .
3- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 234 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 156 ح 3569 عن العالم عليه السلام ، كفايه الأثر : ص 227 عن جناده بن أبى اُميد (اُميّه) عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 44 ص 139 ح 6 .
4- .جامع الأخبار : ص 511 ح 1432 .
5- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 321 ح 688 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 35 ح 49 عن معاذ بن جبل من دون إسنادٍ إلى المعصوم .

2 / 8بهره گیری از دنیاقرآن«و در آنچه خدا به تو داده است ، سرای آخرت را بجوی و بهره ات از دنیا را نیز فراموش مکن ؛ و همچنان که خدا به تو نیکی کرده است ، نیکی کن و در زمین ، فساد مجوی ؛ چرا که خدا فسادگران را دوست نمی دارد».

حدیث633.1 . فی الکافی عن الصادق ، عن أمیر المؤمنین علیهماپیامبر صلی الله علیه و آله :دنیایتان را درست کنید و برای آخرتتان کار کنید ، آن سان که گویی همین فردا می میرید.634.2 . علیّ بن إبراهیم، عن أبیه، عن الإمام الحسن العپیامبر صلی الله علیه و آله :برای دنیایت چنان کار کن که گویی تا ابد زنده خواهی ماند، و برای آخرتت چنان کار کن که گویی همین فردا می میری.635.1 . الکلینی بإسناده عن إبراهیم ، عن أبی عبد اللّهامام علی علیه السلام :برای دنیایت به اندازه ماندنت در آن، کار کن.636.2 . الخصیبی بإسناده عن المفضّل بن عمر الجعفی ، عنامام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :ای پسر آدم ! تو را از سهم

دنیایت بی نیازی نیست ؛ امّا به سهم آخرتت نیازمندتری.

.

637.1 . الشيخ الطوسى قدس سره بإسناده عن زكريّا بن مالعنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :الدُّنيا مَطِيَّهُ المُؤمِنِ ، عَلَيها يَرتَحِلُ إلى رَبِّهِ ، فَأَصلِحوا مَطَاياكُم تُبَلِّغكُم إلى رَبِّكُم . (1)638.2 . وعن العلاّمه، عن المفضّل بن عمر، عن جعفر الصاالإمام الصادق عليه السلام : فى بَيانِ ما وَعَظَ بِهِ لُقمان ابنَهُ : خُذ مِنَ الدُّنيا بَلاغا ، ولا تَرفُضها فَتَكونَ عِيالاً عَلَى النّاسِ ، ولا تَدخُل فيها دُخولاً يَضُرُّ بِآخِرَتِکَ . (2)2 / 9هذا طَلَبُ الآخِرَهِ641.ما رواه الصدوق بإسناده عن عبد اللّه بن سنان، عن ذرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مِن فِقهِ الرَّجُلِ أن يُصلِحَ مَعيشَتَهُ ، ولَيسَ مِن حُبِّکَ الدُّنيا طَلَبُ ما يُصلِحُکَ . (3)642.ما رواه الصدوق بإسناده عن عن حمران بن أعين، قال :الكافى عن عبداللّه بن أبى يَعفور :قالَ رَجُلٌ لِاءَبى عَبدِ اللّه عليه السلام : وَاللّهِ إنّا لَنَطلُبُ الدُّنيا ونُحِبُّ أن نُؤتاها !

فَقالَ : تُحِبُّ أن تَصنَعَ بِها ماذا؟

قالَ : أعودُ بِها عَلى نَفسى وعِيالى ، وأصِلُ بِها ، وأتَصَدَّقُ بِها ، وأحُجُّ وأعتَمِرُ .

فَقالَ عليه السلام : لَيسَ هذا طَلَبَ الدُّنيا ، هذا طَلَبُ الآخِرَهِ . (4)643.الكلينى بإسناده عن محمّد بن سليمان ، عن أبيه، عنالأمالى عن عبد اللّه بن أبى يَعفورٍ :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّه عليه السلام يَقولُ : إنّا لَنُحِبُّ الدُّنيا وألاّ

نُعطاها خَيرٌ لَنا ، وما اُعطِىَ أحَدٌ مِنها شَيئا إلاّ نَقَصَ حَظُّهُ فِى الآخِرَهِ .

قالَ : فَقالَ لَهُ رَجُلٌ : إنّا وَاللّهِ لَنَطلُبُ الدُّنيا !

فَقالَ لَهُ أبو عَبدِ اللّه عليه السلام : تَصنَعُ بِها ماذا؟

قالَ : أعودُ بِها عَلى نَفسى وعَلى عِيالى ، وأتَصَدَّقُ مِنها ، وأصِلُ مِنها ، وأحُجُّ مِنها .

قالَ : فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : لَيسَ هذا طَلَبَ الدُّنيا ، هذا طَلَبُ الآخِرَهِ . (5) .

1- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 317 ح 640 .
2- .تفسير القمّى : ج 2 ص 164 عن حمّاد ، قصص الأنبياء : ص 190 ح 238 عن إبراهيم بن عبد الحميد عن أبى الحسن عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 411 ح 2 .
3- .شُعب الإيمان : ج 5 ص 254 ح 6563 عن عبد اللّه بن عمر ، كنز العمّال : ج 3 ص 50 ح 5439 .
4- .الكافى : ج 5 ص 72 ح 10 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 327 ح 903 .
5- .الأمالى للطوسى : ص 662 ح 1381 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 127 ح 130 .

644.الکلینی أیضا بإسناده عن أبی بصیر ، عن أبی جعفر علامام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :دنیا ، مَرکب مؤمن است که با آن به سوی پروردگارش سفر می کند . پس مَرکب هایتان را بِه سازید تا شما را بِه پروردگارتان برسانند.645.العیّاشی عن مسعده بن صدقه، عن أبی جعفر، عن أبیه،امام صادق علیه السلام در ذکر اندرزهای لقمان به فرزندش :از دنیا به قدر کفاف برگیر؛ نه آن را به کلّی کنار نِه که نانخور مردم شوی، و نه آن سان به دنیا درآی که به آخرتت زیان بزند.2 / 9این، دنیاطلبی نیست648.الکلینی بإسناده عن محمّد بن منصور، عن العبد الصالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از فهمیدگی مرد است که معیشتش را درست کند، و تلاش برای آنچه تو را سر و سامان می بخشد ، از دنیا دوستی ات به شمار نمی آید.649.ما رواه الکلینی بإسناده عن حمزه بن بزیع ، عن أبیالکافی به نقل از عبد اللّه بن ابی یعفور :مردی به امام صادق علیه السلام گفت: به خدا که ما دنیاطلب هستیم و دوست داریم دنیا به ما داده شود !

امام علیه السلام فرمود: «دوست داری با آن چه کنی؟» .

گفت: با آن به خودم و خانواده ام بهره ای رسانم، صله رحِم به جا آورم، صدقه بدهم و حجّ و عمره بگزارم.

فرمود: «این ، دنیاطلبی نیست . این ، آخرت طلبی است».650.عدّه من أصحابنا ، عن أحمد بن محمّد ، عن ابن أبی نالأمالی طوسی به نقل از عبد اللّه بن ابی یعفور :از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «ما البتّه دنیا را دوست می داریم ؛ ولی اگر به ما داده نشود ، برای

ما بهتر است. به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد ، مگر آن که بهره او از آخرت ، کم شد».

مردی به ایشان گفت: به خدا سوگند که ما طالب دنیا هستیم !

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «که با آن چه کنی؟»

گفت: با آن به خودم و خانواده ام بهره ای رسانم، از آن صدقه بدهم، با آن صله رَحِم به جا آورم، و از آن حجّ بگزارم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «این ، دنیاطلبی نیست . این ، آخرت طلبی است».

.

راجع : ص 82 (الدنيا الحميده) .

2 / 10الدُّعاءُ لِلرَّفاهِيَهِ فِى المَعيشَهِالكتاب«وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنَا عَذَابَ النَّارِ» . (1)

«وَاكْتُبْ لَنَا فِى هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الآخِرَهِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْکَ» . (2)

الحديثصحيح البخارى عن أنَس :كانَ أكثَرُ دُعاءِ النَّبِى صلى الله عليه و آله : اللّهُمَّ رَبَّنا ، آتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً ، وقِنا عَذابَ النّارِ . (3) .

1- .البقره : 201 .
2- .الأعراف : 156 .
3- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2347 ح 6026 ، الأدب المفرد : ص 204 ح 682 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2070 ح 26 ، سنن أبى داوود : ج 2 ص 85 ح 1519 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 203 ح 11981 وفى الثلاثه الأخيره «دعوه يدعو بها» بدل «دعاء» ، كنز العمّال : ج 7 ص 73 ح 18020 .

2 / 10 دعا برای رفاه در زندگی

ر . ک : ص83 (دنیای پسندیده) .

2 / 10دعا برای رفاه در زندگیقرآن«برخی از مردم می گویند: ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی ، و در آخرت نیز به ما نیکی عطا فرما، و از عذاب آتش نگاهمان دار».

«و برای ما در این دنیا ، نیکی مقرّر فرما و در آخرت نیز؛ زیرا ما به سوی تو بازگشته ایم».

حدیثصحیح البخاری به نقل از اَنَس :بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود: «بار خدایا، ای پروردگار ما ! در دنیا به ما نیکی ، و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش ، نگه دار.

.

الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ : «رَبَّنَا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً» : رِضوانَ اللّهِ وَالجَنَّةَ فِى الآخِرَهِ ، وَالمَعاشَ وحُسنَ الخُلُقِ فِى الدُّنيا . (1)الكافى عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام :يُستَحَبُّ أن تَقولَ بَينَ الرُّكن وَالحَجَرِ : اللّهُمَّ آتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً ، وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ النّارِ .

وقالَ : إنَّ مَلِكا مُوَكَّلاً يَقولُ : آمينَ . (2)صحيح مسلم عن أبى هريره :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : اللّهُمَّ أصلِح لى دينِىَ الَّذى هُوَ عِصمَهُ أمرى ، وأصلِح لى دُنياىَ الَّتى فيها مَعاشى . (3)الأمالى عن أبى بُردَهَ الأسلمى عن أبيه :كانَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله إذا صَلَّى الصُّبحَ رَفَعَ صَوتَهُ حَتّى يَسمَعَ أصحابُهُ يَقولُ : «اللّهُمَّ أصلِح لى دينِىَ الَّذى جَعَلتَهُ لى عِصمَهً» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، «اللّهُمَّ أصلِح لى دُنياىَ الَّتى جَعَلتَ فيها مَعاشى» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، «اللّهُمَّ أصلِح لى آخِرَتِىَ الَّتى جَعَلتَ إلَيها مَرجِعى» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، «اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ ، وأعوذُ بِعَفوِكَ مِن نَقِمَتِكَ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، «اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنكَ ، لا مانِعَ لِما أعطَيتَ ، ولا مُعطِىَ لِما مَنَعتَ ، ولا يَنفَعُ ذَا الجَدِّ (4) مِنكَ الجَدُّ» . (5) .

1- .الكافى : ج 5 ص 71 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 327 ح 900 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 156 ح 3566 ، معانى الأخبار : ص 175 ح 1 وزاد فيهما «والسعه فى الرزق» بعد «الآخره» وكلّها عن جميل بن صالح ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 98 ح 274 عن عبد الأعلى وفيه «السعه فى المعيشه» بدل «المعاش» ، بحار الأنوار : ج 71 ص 383 ح 18 .

2- .الكافى : ج 4 ص 408 ح 7 .

3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2087 ح 71 ، الأدب المفرد : ص 201 ح 668 ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 198 ح 7261 ، مشكاه المصابيح : ج 1 ص 760 ح 2483 ، كنز العمّال : ج 2 ص 182 ح 3645 .

4- .لا ينفع ذا الجَدّ منك الجَدُّ : أى لا ينفع ذا الغنى عنك غناه (لسان العرب : ج 3 ص 107 «جدد») .

5- .الأمالى للطوسى : ص 158 ح 265 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 134 ح 14 ؛ المعجم الأوسط : ج 7 ص 142 ح 7106 نحوه ، عمل اليوم والليله لابن السنى : ص 49 ح 127 عن أبى برزه الأسلمى عن أبيه ، الأذكار

للنووى : ص 202 عن أبى برزه وفيها «بک منک» بدل «بعفوک من نقمتک»
.

1.. جاء فی بحار الأنوار نقلاً عن کتاب الأنوار :امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی دِه و در آخرت نیز نیکی» : [یعنی] خشنودی خدا و بهشت در آخرت، و اخلاق خوش در دنیا.2.وفیه أیضا : قال أبو الحسن البکری فی کتاب الأنوارالکافی به نقل از عبد اللّه بن سنان :امام صادق علیه السلام فرمود: «مستحب است که میان رُکن و حَجَر بگویی: بار خدایا! در دنیا به ما نیکی ، و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش ، نگه دار ».

امام علیه السلام فرمود: «فرشته ای گماشته شده می گوید: آمین !».3.وفیه کذلک خبر شهاده أمیر المؤمنین علیه السلام :صحیح مسلم به نقل از ابو هریره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همیشه می فرمود:بار خدایا! دین مرا که مایه نگهداری کار من است، برایم اصلاح فرما و دنیایم را نیز که زندگی من در آن است، برایم اصلاح کن.الأمالی طوسی به نقل از ابو برده اَسلَمی از پدرش :پیامبر خدا ، پس از خواندن نماز صبح، با صدای بلند ، طوری که یارانش بشنوند ، سه بار می گفت: «بار خدایا»! دین مرا که مایه مصونیت من قرارش داده ای، برایم اصلاح فرما».

سه بار می گفت: «بار خدایا! دنیای مرا که معاش مرا در آن قرار داده ای ، برایم اصلاح فرما».

سه بار می گفت: «بار خدایا! آخرت مرا که بازگشتم را به آن قرار داده ای ، اصلاح کن».

سه بار می گفت: «بار خدایا! من از خشم تو به خشنودی تو پناه می برم، و از کیفر تو به گذشتت پناه می برم».

سه بار هم می گفت: «بار خدایا! من از تو به تو پناه می برم. آنچه را تو عطا کنی ، چیزی مانعش نمی شود، و آنچه را تو ندهی ، کس نمی تواند عطایش کند، و توانگریِ توانگر در برابر توبه به کارش نمی آید». .

1.. ما جاء فی الغیبه للطوسی قال :صحیح مسلم عن أبی مالک عن أبیه :أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِی صلی الله علیه و آله وأتاهُ رَجُلٌ فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، کَیفَ أقولُ حینَ أسأَلُ رَبّی؟

قالَ : قُل : «اللّهُمَّ اغفِر لی وَارحَمنی وعافِنی وَارزُقنی» ویَجمَعُ أصابِعَهُ إلاَّ الإبهامَ ؛ فَإِنَّ هؤُلاءِ تَجمَعُ لَکَ دُنیاکَ وآخِرَتَکَ . (1)2.وبهذا الإسناد ، عن أحمد بن علی الرازی ، قال :مسند أبی یَعلی عن أنس :کانَ رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله إذا فَقَدَ الرَّجُلَ مِن إخوانِهِ ثَلاثَهَ أیّامٍ سَأَلَ عَنهُ ، فَإِن کانَ غائِبا دَعا لَهُ ، وإن کانَ شاهِدا زارَهُ ، وإن کانَ مَریضًا عادَهُ ، فَفَقَدَ رَجُلاً مِنَ الأَنصارِ فِی الیَومِ الثّالِثِ ، فَسَأَلَ عَنهُ ، فَقیلَ : یا رَسولَ اللّهِ ، تَرَکناهُ مِثلَ الفَرخِ لا یَدخُلُ فی رَأسِهِ شَیءٌ إلاّ خَرَجَ مِن دُبُرِهِ ، قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله لِبَعضِ أصحابِهِ : عودوا أخاکُم .

قالَ : فَخَرَجنا مَعَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله نَعودُهُ ، وفِی القَومِ أبو بَکر وعُمَر ، فَلَمّا دَخَلنا عَلَیهِ إذ هُوَ کَما وُصِفَ لَنا ، قالَ : فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : کَیفَ تَجِدُکَ؟

قالَ : لا یَدخُلُ فی رَأسی شَیءٌ إلاّ خَرَجَ مِن دُبُری !

قالَ : ومِمَّ ذاکَ؟

قالَ : یا رَسولَ اللّه ، مَرَرتُ بِکَ وأنتَ تُصَلِّی المَغرِبَ فَصَلَّیتُ مَعَکَ وأنتَ تَقرَأُ هذِهِ السّورَهَ «الْقَارِعَهُ * مَا الْقَارِعَهُ» (2) إلی آخِرِها «نَارٌ حَامِیَهُ» ، قالَ : فَقُلتُ : اللّهُمَّ ما کانَ لی من ذَنبٍ أنتَ مُعَذِّبی عَلَیهِ فِی الآخِرَهِ فَعَجِّل لی عُقوبَتَهُ فِی الدُّنیا ، فَنَزَلَ بی ما تَری .

قالَ رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله : بِئسَ ما قُلتَ ، ألا سَأَلتَ اللّهَ أن یُؤتِیَکَ فِی الدُّنیا حَسَنَهً ، وفِی الآخِرَهِ حَسَنَهً ، ویَقِیَکَ عَذابَ النّارَ؟ !

قالَ : فَأَمَرَهُ النَّبِی صلی الله علیه و آله فَدَعا بِذلِکَ ، ودَعا لَهُ النَّبِی صلی الله علیه و آله ، فَقامَ کَأَنَّما نَشِطَ مِن عِقالٍ (3) . (4) .

1- .صحیح مسلم : ج 4 ص 2073 ح 36 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 381 ح 15877 وفیه «واهدنی» بدل «وعافنی» و ح 15881 عن أبی طارقِ بن

أشيم ، الأدب المفرد : ص 196 ح 651 عن سعد بن طارق بن أشيم الأشجعى وكلاهما نحوه .
2- .القارعه : 1 و 2 .
3- .يقال للمريض إذا بَرأ ، وللمغشىّ عليه إذا أفاق : كأنّما اُنشِطَ من عِقَال . ونَشِطَ : أى حُلَّ . قال ابن الأثير : وكثيرا ما يجىء فى الروايه «كأنّما نَشِطَ من عِقالٍ» وليس بصحيح (لسان العرب : ج 7 ص 414 «نشط») .
4- .مسند أبى يعلى : ج 3 ص 381 ح 3416 ، المطالب العاليه : ج 2 ص 345 ح 2436 ، الدرّ المنثور : ج 8 ص 608 .

1.. ما جاء فی المحاسن :صحیح مسلم به نقل از مالک از پدرش :مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! وقتی از پروردگارم درخواست می کنم، چگونه بگویم؟

فرمود: «بگو: بار خدایا ! مرا بیامرز، و به من رحم کن، و عافیتم بخش و روزی ام ده»، و بجز انگشت شصت ، بقیه انگشتانش را جمع کند ؛ چون اینها ، دنیا و آخرت را برای تو جمع می کند.2.وفی عیون أخبار الرضا علیه السلام قال الصدوق :مسند أبی یعلی به نقل از اَنَس :پیامبر خدا ، هرگاه سه روز فردی از برادرانش را نمی دید ، جویای او می شد ؛ اگر [در شهر] نبود ، برایش دعا می کرد ؛ اگر [در شهر [بود ، به دیدارش می رفت و اگر بیمار بود ، به عیادتش می رفت. یک بار ، سه روز مردی از انصار را ندید، جویای حال او شد. گفته شد: ای پیامبر خدا! از نزد او که آمدیم ، مثل یک جوجه شده بود و هرچه می خورد ، دفع می کرد.

پیامبر خدا به عدّه ای از یارانش فرمود: «از برادرتان عیادت کنید».

ما به همراه پیامبر خدا به عیادت او رفتیم. ابو بکر و عمر هم در آن جمع بودند. چون بر او در آمدیم ، دیدیم همان گونه است که به ما گفته شده بود. پیامبر خدا فرمود: «حالت چگونه است؟» .

گفت: هرچه می خورم ، دفع می کنم.

فرمود: «چرا به این روز افتادی؟» .

گفت: ای پیامبر خدا! روزی به تو برخوردم . مشغول خواندن نماز مغرب بودی و من هم به تو اقتدا کردم و سوره : «الْقَارِعَهُ * مَا الْقَارِعَهُ» تا آخرش «نَارٌ حَامِیَهُم» را قرائت می کردی. من گفتم: خدایا! اگر گناهی دارم که به واسطه آن ، مرا در آخرت عذاب خواهی کرد ، کیفر آن را در همین دنیا به من بچشان. این بلا بر من آمد که می بینی.

پیامبر خدا فرمود: «بد چیزی گفته ای. چرا از خدا درخواست نکردی که در دنیا و در آخرت به تو نیکی دهد و از عذاب آتش ، نگاهت دارد؟ !» .

پس، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود که این گونه دعا کند. آن مرد هم چنان دعا کرد. و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همین گونه دعا کرد و او سرِحال شد و از جا برخاست ، چنان که گویی بند از پایش باز شده باشد. .

1.. جاء فی کتاب القراءات :الإمام زین العابدین علیه السلام :قالَ رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله : ألا اُخبِرُکُم بِما یَکونُ بِهِ خَیرُ الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، وإذا کُربتُم (1) وَاغتَمَمتُم (2) دَعَوتُمُ اللّهَ بِهِ فَفَرَّجَ عَنکُم؟ قالوا : بَلی یا رَسولَ اللّهِ .

قالَ : قولوا : «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ رَبُّنا لا نُشرِکُ بِهِ شَیئا» ثُمَّ ادعوا بِما بَدا لَکُم .

(3)2.وفیه أیضا :الإمام الصادق علیه السلام :کانَ عِلِیُّ بنُ الحُسَین علیه السلام یَدعو بِهذَا الدُّعاءِ :

اللّهُمَّ إنّی أسأَ لُکَ حُسنَ المَعیشَهِ ، مَعیشَهً أتَقَوّی بِها عَلی جَمیعِ حَوائِجی ، وأتَوَصَّلُ بِها فِی الحَیاهِ إلی آخِرَتی ، مِن غَیرِ أن تُترِفَنی (4) فیها فَأطغی ، أو تُقتِرَ (5) بِها عَلَیَّ فَأشقی ، أوسِع عَلَیَّ مِن حَلالِ رِزقِکَ وأفِض عَلَیَّ مِن سَیبِ (6) فَضلِکَ ؛

نِعمَهً مِنکَ سابِغَهً وعَطاءً غَیرَ مَمنونٍ ، ثُمَّ لا تَشغَلنی عَن شُکرِ نِعمَتِکَ بِإکثارٍ مِنها تُلهینی بَهجَتُهُ وتَفتِنّی زَهَراتُ زَهوَتِهِ ، ولا بِإقلالٍ عَلَیَّ مِنها یَقصُرُ بِعَمَلی کَدَّهُ ویَملأُ صَدری هَمَّهُ ، أعطِنی مِن ذلِکَ یا إلهی غِنیً عَن شِرارِ خَلقِکَ ، وبَلاغا أنالُ بِهِ رِضوانَکَ ، وأعوذُ بِکَ یا إلهی مِن شَرِّ الدُّنیا وشَرِّ ما فیها . لا تَجعَلِ الدُّنیا عَلَیَّ سِجنا ولا فِراقَها عَلَیَّ حُزنا ، أخرِجنی مِن فِتنَتِها مَرضِیّا عَنّی مَقبولاً فیها عَمَلی إلی دارِ الحَیَوانِ ومَساکِنِ الأخیارِ ، وأبدِلنی بِالدُّنیَا الفانِیَهِ نَعیمَ الدّارِ الباقِیَهِ . اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن أزلِها وزِلزالِها ، وسَطَواتِ شَیاطینِها وسَلاطینِها ونَکالِها (7) ، ومِن بَغیِ مَن بَغی عَلَیَّ فیها . اللّهُمَّ مَن کادَنی فَکِدهُ ومَن أرادَنی فَأَرِدهُ ، وفُلَّ عَنّی حَدَّ مَن نَصَبَ لی حَدَّهُ ، وأطفِ عَنّی نارَ مَن شَبَّ لی وَقودَهُ ، وَاکفِنی مَکرَ المَکَرَهِ وَافقَأ عَنّی عُیونَ الکَفَرَهِ ، وَاکفِنی هَمَّ مَن أدخَلَ عَلَیَّ هَمَّهُ ، وَادفَع عَنّی شَرَّ الحَسَدَهِ ، وَاعصِمنی مِن ذلِکَ بِالسَّکینَهِ ، وألبِسنی دِرعَکَ الحَصینَهَ ، وَاخبَأنی (8) فی سِترِکَ الواقی ، وأصلِح لی حالی ، وصَدِّق قَولی بِفِعالی ، وبارِک لی فی أهلی ومالی . (9) .

1- .کرَبَهُ الأمرُ : شقّ علیه (المصباح المنیر : ص 529 «کرب») .
2- .فی المصدر : «وأغممتم» ، وما فی المتن أثبتناه من بحار الأنوار .
3- .المحاسن : ج 1 ص 100 ح 71 عن سعید بن المسیّب ، الدعوات : ص 56 ح 143 وفیه «اللّه اللّه اللّه » بدل «لا إله إلاّ اللّه » ، بحار الأنوار : ج 93 ص 208 ح 11 .

4- .المُتْرَفُ : المُتَنَعِّم المتوسّع فى ملاذّ الدنيا وشهواتها (النهايه : ج1 ص 187 «ترف») .
5- .أقْتَرَ اللّهُ رِزْقَهُ : أى ضيّقه وقلّله (النهايه : ج 4 ص 12 «قتر») .
6- .السَّيْبُ : العَطاء (القاموس المحيط : ج 1 ص 84 «سيب») .
7- .النَّكالُ : العُقوبه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1834 «نكل») .
8- .خبأ الشىءَ : سَتَرهُ (القاموس المحيط : ج 1 ص 13 «خبا») .
9- .الكافى : ج 2 ص 553 ح 13 عن أبى بصير ، مصباح المتهجّد : ص 351 ح 466 عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه وراجع الإقبال : ج 1 ص 304 وص 134 وجمال الأُسبوع : ص 295 وص 241 وبحار الأنوار : ج 90 ص 12 ح 2 .

3.وفیه کذلک :امام زین العابدین علیه السلام :پیامبر خدا فرمود: «آیا به شما خبر دهم از چیزی که خیر دنیا و آخرت به آن است، و هرگاه ناراحت و اندوهگین شدید ، با آن خدا را بخوانید و خداوند ، غم و رنج شما را بزداید؟»

گفتند: بگو ای پیامبر خدا!

فرمود: «بگویید: لا إله إلاّ اللّه ربّنا ، لا نشرک به شیئاً ؛ جز خدای یکتا که پروردگار ماست ، خدایی نیست و ما هیچ گونه به وی شِرک نمی ورزیم . سپس ، هر دعایی که خواستید ، بکنید».4.ومن روایاته ما جاء فی کتاب التوحید للصدوق قال :امام صادق علیه السلام :علی بن حسین علیهماالسلام این دعا را می خواند:

«بار خدایا! از تو نیکوییِ معشیت را درخواست می کنم؛ معیشتی که با آن بتوانم همه نیازهایم را برآورم، و بدان وسیله ، در این زندگی به آخرتم نایل آیم؛ نه آن چنان مرا در آن غوطه ور سازی که دچار طغیان شوم، و نه آن سان بر من تنگ گیری که به رنج و سختی بیفتم، از روزیِ حلالت به من گشایش ده و از باران فضلت بر من بریزان. نعمتی بی نقض و دَهِشی بی وقفه از جانب خودت [به من ارزانی دار] ؛ امّا نه چندان بر آن بیفزای که خرّمی اش مرا به خود سرگرم سازد و شکوه و زیبایی اش فریفته ام گردانَد و در نتیجه ، از شکر نعمتت بازمانم، و نه چندان آن را بر من بِکاه که رنج تحصیلش باعث کوتاهی ام در عمل [وعبادت] شود و همّ و غمش سینه ام را پُر کند.

ای معبود من! از این روزی ات آن قدر به من عطا فرما که از بَدانِ خَلقت

بی نیاز شوم و به وسیله آن ، به خشنودیِ (/ بهشتِ) رضوان تو نایل آیم.

پناه می برم به تو ، ای معبود من! از شرّ دنیا و شرّ آنچه در دنیاست. دنیا را بر من زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم قرار مده. مرا از این سرای آزمایش ، در حالی به سرای زندگانی و سکونتگاه نیکان [آخرت [بِبَر که از من ، خشنود باشی و اعمالم پذیرفته باشد ، و نعمت های آن سرای ماندگار را جایگزین این دنیای فنا پذیرم کن.

بار خدایا ! به تو پناه می برم از سختی و بلاهای دنیا و یورش های شیاطین و سلاطین آن ، و تنبیه و مجازات هایش، و از زورگویی و ستمِ کسی که در این دنیا به من ستم کند و زورگویی کند.

بار خدایا ! هرکه برایم نقشه کشید ، تو برایش نقشه بکش، و هرکه قصد من کرد ، قصد او کن و تیغ آن کس را که بر رویم تیغ کشید، کُند کن و آتش آن کس را که برای من آتش افروخت ، خاموش کن و دسیسه دسیسه گران را از من بگردان و چشم های کافران را از من ، کور گردان و بدسِگالی کسی را که نسبت به من در سر پرورانده ، از من دور کن و گزند بدخواهان (یا: شور چشمان) را از من دفع کن و با آرامش [خود] ، مرا از آن نگه دار و زره محکم خود را بر من بپوشان و مرا در پرده نگه دارنده ات پنهان بدار، حالم را نکو گردان و کردارم را مطابق گفتارم قرار ده و به خانواده ام و اموالم برکت عطا فرما. .

5.وفی الخصال :تهذیب الأحکام عن أبی حمزهَ الثُّمالی :أخَذتُ هذَا الدُّعاءَ مِن أبی جَعفَر علیه السلام ، وکانَ یُسَمّیهِ الدُّعاءَ الجامِعَ:

بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ

. . . أسأَ لُکَ اللّهُمَّ الرَّفاهِیَهَ فی مَعیشَتی ما أبقَیتَنی ، مَعیشَهً أقوی بِها عَلی

طاعَتِکَ وأبلُغُ بِها رِضوانَکَ ، وأصیرُ بِها مِنکَ إلی دارِ الحَیَوانِ (1) غَدا .

اللّهُمَّ ارزُقنی رِزقا حَلالاً یَکفینی ولا تَرزُقنی رِزقا یُطغینی ، ولا تَبتَلِیَنّی بِفَقرٍ أشقی بِهِ مُضَیَّقا عَلَیَّ ، أعطِنی حَظّا وافِرا فی آخِرَتی ومَعاشا واسِعا هَنیئاً مَریئا فی دُنیایَ ، ولا تَجعَلِ الدُّنیا عَلَیَّ سِجنا ولا تَجعَل فِراقَها عَلَیَّ حُزنا ، أجِرنی من فِتنَتِها وَاجعَل عَمَلی فیها مَقبولاً وسَعیی فیها مَشکورا .

اللّهُمَّ ومَن أرادَنی فیها بِسوءٍ فَأَرِدهُ ، ومَن کادَنی فیها فَکِدهُ . (2) .

1- .الحَیَوان : قیل : هی الحیاه التی لا یعقبها موت (المصباح المنیر : ص 161 «حیی») .
2- .تهذیب الأحکام : ج 3 ص 76 ح 234 ، الکافی : ج 2 ص 587 ح 26 ولیس فیه «اللهمّ ارزقنی رزقا حلالاً یکفینی» ، مُهج الدعوات : ص 217 ولیس فیه «مریئا» وبزیاده «مرضیّا» بعد «فتنتها» ، بحار الأنوار : ج 94 ص 269 ح 3 وراجع مصباح المتهجّد : ص 549 ح 640 والمقنعه : ص 179 ح 15 .

1.. ما جاء فی الکافی :تهذیب الاحکام به نقل از ابو حمزه ثمالی :این دعا را از امام باقر علیه السلام که آن را دعای جامع می نامید، فرا گرفتم:

«به نام خداوند مهرگستر مهربان... بار خدایا! از تو درخواست می کنم که تا زنده هستم، زندگی ام را در رفاه و آسایش قرار دهی، به طوری که با آن

بر طاعت تو توانا باشم و به خشنودی (/ بهشت) تو نایل آیم و فردا[ی قیامت [از جانب تو به سرای زندگانی [بهشت] بروم.

بار خدایا! روزی حلالی نصیبم کن که در حدّ کفایت من باشد و رزقی که مرا به سرکشی بکشاند ، روزی ام مکن و به فقری گرفتارم مساز که باعث رنج و سختی من گردد، در آخرت ، بهره ای فراوان عطایم کن و در دنیا ، زندگی فراخ و خوش و گوارا. دنیا را بر من زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم قرار مده. مرا از فتنه آن ، در پناه خود دار و اعمالم را در آن ، بپذیر و تلاشم را در آن ، شایان تقدیر قرار ده.

بار خدایا! هرکس در دنیا نسبت به من قصد سوء کرد ، تو قصد او کن و هرکس در آن برایم نقشه کشید ، برایش نقشه بکش. .

2.وفيه أيضا :الإمام زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ قَد تَعلَمُ ما يُصلِحُنى مِن أمرِ دُنياىَ وأخِرَتى ، فَكُن بِحَوائِجى حَفِيّا . (1)3.وفى الكافى كذلک :عنه عليه السلام :اللّهُمَّ أعطِنى كُلَّ سُؤلى ، وَاقضِ لى حَوائِجى ، ولا تَمنَعنِى الإجابَةَ وقَد ضَمِنتَها لى ، ولا تَحجُب دُعائى عَنکَ وقَد أمَرتَنى بِهِ ، وَامنُن عَلَىَّ بِكُلِّ ما يُصلِحُنى فى دُنياىَ وآخِرَتى ؛ ما ذَكَرتُ مِنهُ وما نَسيتُ ، أو أظهَرتُ أو أخفَيتُ ، أو أعلَنتُ أو أسرَرتُ . (2)4.وفيه أيضا :الإمام الصادق عليه السلام مِن دُعاءٍ عَلَّمَهُ يونُسَ بنَ عَمّار :أعطِنى مِن خَيرِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ما أنتَ أهلُهُ ، وَاصرِف عَنّى مِن شَرِّ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ما أنتَ أهلُهُ . (3) .

1- .الصحيفه السجّاديّه : ص 95 الدعاء 22 وراجع مصباح المتهجّد : ص82 ح132 و ص471 ح568 وفلاح السائل : ص 329 ح 317 وبحار الأنوار : ج 86 ص 15 ح 11 .
2- .الصحيفه السجاديه : ص 106 الدعاء 25 .
3- .الكافى : ج 2 ص 259 ح 30 و ص 565 ح 4 و ج 3 ص 327 ح 20 ، عدّه الداعى : ص 257 كلّها عن يونس بن عمّار ، مصباح المتهجّد : ص 139 ح 226 ، المصباح للكفعمى : ص 196 كلاهما من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 95 ص 80 ح 6 .

1.. ما جاء فی الکافی :امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! تو می دانی که کار دنیا و آخرتِ مرا چه چیز به صلاح می آورد . پس حاجت هایم را عطا فرما.2.وفی الخصال قال الصدوق :امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! همه درخواست هایم را به من عطا فرما، حوایجم را برآور و اجابت را که برایم تضمین کرده ای ، از من دریغ مکن و دعایم را که تو خود به آن دستور داده ای ، از درگاهت محجوب مگردان و هر آنچه را که سبب اصلاح من در دنیا و آخرتم شود ، به من عطا فرما ؛ چه آنهایی را که یاد کردم و یا فراموش نمودم، چه آنهایی را که اظهار کردم و یا نهان داشتم، چه آنهایی را که آشکارا گفتم و یا در دل ، بیان داشتم.3.وفی الخصال أیضا :امام صادق علیه السلام بخشی از دعایی که امام علیه السلام به یونس بن عمّار آموخت :از نیکی دنیا و آخرت ، آنچه را که تو اهل آنی ، به من عطا فرما و از بدی دنیا و آخرت نیز ، آنچه را که تو اهل آنی ، از من بگردان. .

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى زِيارَهِ الحُسَينِ عليه السلام عِندَ وَداعِهِ :اللّهُمَّ لا تَشغَلنى فِى الدُّنيا عَن شُكرِ نِعمَتِکَ ، ولا بِإكثارٍ فيها فَتُلهِيَنى عَجائِبُ بَهجَتِها وتَفتِنَنى زَهرَتُها ، ولا بِإقلالٍ يُضِرُّ بِعَمَلى ضَرُّهُ وبَملأَءُ صَدرى هَمُّهُ ، أعطِنى مِن ذلِکَ غِنىً عَن شِرارِ خَلقِکَ ، وبَلاغا (1) أنالُ بِهِ رِضاکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (2)الكافى عن محمّد الجعفى عن أبيه :كُنتُ كَثيرا ما أشتَكى عَينى ، فَشَكَوتُ ذلِکَ إلى أبى عَبدِاللّه عليه السلام ، فَقالَ : ألا اُعَلِّمُکَ دُعاءً لِدُنياکَ وآخِرَتِکَ وبَلاغا لِوَجَعِ عَينَيکَ؟ قُلتُ : بَلى ، قالَ : تَقولُ فى دُبُرِ الفَجرِ ودُبُرِ المَغرِبِ :

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّد عَلَيکَ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلِ النّورَ فى بَصَرى ، وَالبَصيرَةَ فى دينى ، وَاليَقينَ فى قَلبى ، وَالإخلاصَ فى عَمَلى ، وَالسَّلامَةَ فى نَفسى ، وَالسَّعَةَ فى رِزقى ، وَالشُّكرَ لَکَ أبَدا ما أبقَيتَنى . (3)1.. ما جاء فى الكافى وعلل الشرائع واللفظ للكافى :الكافى عن عبد الرّحمن بن سَيابَه :قُلتُ لِاَبى عَبدِ اللّه عليه السلام : أدعو وأنا ساجِدٌ؟ فَقالَ : نَعَم ، فَادعُ لِلدُّنيا وَالآخِرَهِ ، فَإنَّهُ رَبُّ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (4)2.وفى الأمالى قال الطوسى :الكافى عن عِلىّ بن مَهزِيار :كَتَبَ مُحَمَّدُ بنُ إبراهيم إلى أبِى الحَسَنِ عليه السلام : إن رَأيتَ

يا سَيِّدى أن تُعَلِّمَنى دُعاءً أدعو بِهِ فى دُبُرِ صَلاتى يَجمَعُ اللّهُ بِهِ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ .

فَكَتَبَ عليه السلام : تَقولُ :

أعوذُ بِوَجهِکَ الكَريمِ ، وعِزَّتِکَ الَّتى لا تُرامُ ، وقُدرَتِکَ الَّتى لا يَمتَنِعُ مِنها شَىءٌ ، مِن شَرِّ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، ومِن شَرِّ الأوجاعِ كُلِّها . (5) .

1- .البَلاغ : ما يُتَبَلَّغ ويُتَوصَّل به إلى الشىء المطلوب(النهايه : ج 1 ص 152 «بلغ») .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 598 ح 3200 ، كامل الزيارات : ص 436 ح 699 كلاهما عن يوسف الكناسى ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 68 ، مصباح المتهجّد : ص 728 ح 819 كلاهما من دون إسنادٍ إلى المعصوم وفيهما «ذكرک» بدل «شكر نعمتک» وفيها «زهرات زينتها» بدل «زهرتها» و«كدّه» بدل «ضرّه» ، بحار الأنوار : ج 101 ص 204 ح 32 .

3- .الكافى : ج 2 ص 549 ح 11 ، الأمالى للمفيد : ص 179 ح 9 ، الأمالى للطوسى : ص 196 ح 334 ، المصباح للكفعمى : ص 233 وفيها «تكفى به وجع» بدل «بلاغا لوجع» ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 247 ح 2597 وليس فيهما «عليک» ، فلاح السائل : ص 410 ح 282 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 90 ح 8 .
4- .الكافى : ج 3 ص 323 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 299 ح 1207 وفيه «أدعو اللّه » بدل «أدعو» .
5- .الكافى : ج 3 ص 346 ح 28 ، مصباح المتهجّد : ص 51 ح 68 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 86 ص 48 .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در زیارت خداحافظی با امام حسین علیه السلام :بار خدایا ! در دنیا مرا از گزاردن شکر نعمت هایت باز مدار، نه چندان در دنیا فزونی ام بخش که شُکوه خیره کننده آن ، مرا سرگرم سازد و زرق و برقش فریفته ام گرداند، و نه چندان تهی دستم کن که به عملم لطمه بزند و دغدغه اش ذهنم را پُر کند ؛ [بلکه] از آن به اندازه ای به من ببخش که از بَدانِ خلقت بی نیازم گرداند و در حدّی باشد که با آن ، به خشنودی تو دست یابم، ای مهربان ترینِ مهربانان !الکافی به نقل از محمّد جعفی از پدرش :من بسیار به چشم درد مبتلا می شدم. از آن ، به امام صادق علیه السلام شکایت کردم . فرمود: «آیا دعایی برای دنیا و آخرتت و بهبود درد چشمانت به تو نیاموزم؟» .

گفتم: چرا.

فرمود: «در تعقیب نماز صبح و مغرب می گویی:

بار خدایا ! به حقّ محمّد و آل محمّد بر تو ، از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرست و در دیده ام نور قرار ده، در دینم بینش، در دلم یقین، در کردارم اخلاص، در روانم سلامت و در روزی ام گشایش، و این که تا زنده ام ، همواره سپاس گزارِ تو باشم.الکافی به نقل از عبدالرحمان بن سَیابه :به امام صادق علیه السلام گفتم: در حال سجده دعا کنم؟

فرمود: «آری. برای دنیا و آخرت ، دعا کن؛ زیرا که او خداوندگار دنیا و آخرت است».الکافی به نقل از علی بن مهزیار :محمّد بن ابراهیم به ابوالحسن علیه السلام نوشت: سرورم ! اگر صلاح می دانی ، دعایی به من بیاموز که در تعقیبِ نمازم بخوانم

و خداوند به واسطه آن ، خیر دنیا و آخرت را به من بدهد.

امام علیه السلام نوشت: می گویی:

«به ذات بزرگوار تو، و به اقتدار شکست ناپذیر تو، و به قدرتت که هیچ چیز از آن سر بر نمی تابد ، پناه می برم از بدی دنیا و آخرت و از بدی همه دردها». .

1.. ما جاء فی تهذیب الأحکام :الکافی عن هِلقامِ بنِ أبی هِلقام :أتَیتُ أبا إبراهیم علیه السلام (1) فَقُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداکَ ، عَلِّمنی دُعاءً جامِعا لِلدُّنیا وَالآخِرَهِ وأوجِز .

فَقالَ : قُل فی دُبُرِ الفَجرِ إلی أن تَطلُعَ الشَّمسُ : سُبحانَ اللّهِ العَظیمِ وبِحَمدِهِ ، أستَغفِرُ اللّهَ وأسأَلُهُ مِن فَضلِهِ .

قالَ هِلقام : ولَقَد کُنتُ مِن أسوَاَء أهلِ بَیتی حالاً ، فَما عَلِمتُ حَتّی أتانی میراثٌ مِن قِبَلِ رَجُلٍ ما ظَنَنتُ أنَّ بَینی وبَینَهُ قَرابَهً ، وإنِّی الیَومَ لَمِن أیسَرِ أهلِ بَیتی ، وما ذلِکَ إلاّ مِمّا عَلَّمَنی مَولایَ العَبدُ الصّالِح علیه السلام .

(2)2.وفی کتاب الغیبه قال النعمانی :الإمام علیّ علیه السلام :کانَ رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله إذا أمسی قالَ : «. . . اللّهُمَّ إنَّکَ بِجَمیعِ حاجَتی عالِمٌ ، وإنَّکَ عَلی جَمیعِ نُجحِها قادِرٌ ، اللّهُمَّ أنجِحِ اللَّیلَهَ کُلَّ حاجَهٍ لی ، ولا تَزِدنی فی دُنیایَ ، ولا تَنقُصنی فی آخِرَتی» ، وإذا أصبَحَ قالَ مِثلَ ذلِکَ .

(3)عنه علیه السلام فِی الدُّعاءِ :اللّهُمَّ لا تَجعَلِ الدُّنیا لی سِجنا ، ولا فِراقَها عَلَیَّ حُزنا ،

أعوذُ بِکَ مِن دُنیا تَحرِمُنِی الآخِرَهَ ، ومِن أمَلٍ یَحرِمُنِی العَمَلَ ، ومِن حَیاهٍ تَحرِمُنی خَیرَ المَماتِ . (4) .

1- .أی الإمام الکاظم علیه السلام .
2- .الکافی : ج 2 ص 550 ح 12 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 328 ح 962 ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 34 ح 2075 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 131 ح 7 .
3- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 334 ح 7657 عن الحارث ، کنز العمّال : ج 2 ص 634 ح 4951 .
4- .نثر الدرّ : ج 1 ص 284 .

الکافی به نقل از هلقام بن ابی هلقام :خدمت ابو ابراهیم (امام کاظم) علیه السلام رسیدم و گفتم: فدایت شوم! دعایی به من بیاموز که جامع دنیا و آخرت باشد و کوتاه بیاموز.

فرمود: «پس از نماز صبح تا طلوع خورشید بگو: منزّه است خدای بزرگ ، و ستایش ، مخصوص اوست. از خدا آمرزش می طلبم و از فضل او مسئلت می کنم».

وضع زندگی من از همه فامیلم بدتر بود ؛ امّا [در اثر خواندن این دعا [ناگهان ارثیه ای از جانب مردی به من رسید که گمان نمی کردم بین من و او خویشاوندی ای باشد و امروز ، من از ثروتمندترین افراد خاندانم هستم. این نبود ، مگر به برکت دعایی که مولایم ، عبد صالح ، به من آموخت.1.. ما جاء فی المحاسن :امام علی علیه السلام :پیامبر خدا ، شب که می شد، می گفت: «... بار خدایا! تو از همه حاجت هایم آگاهی و به برآوردن همه آنها توانایی. بار خدایا! امشب هر حاجتی که دارم ، برآورده ساز و در دنیایم میفزای و از آخرتم مکاه...» . صبح که می شد نیز چنین دعایی می کرد.2.وفی الکافی :امام علی علیه السلام دعا :بار خدایا! دنیا را برایم زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم مساز. به تو از دنیایی که مرا از آخرت محروم گرداند و از امیدی که

مرا از عمل باز بدارد، و از زندگی ای که مرا از بهترین مُردن محروم سازد ، به تو پناه می برم». .

2 / 11ثَوابُ مَن أخَذَ الدُّنيا بِحَقِّها2.وفى الخصال للشيخ الصدوق قال :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا خَضِرَهٌ (1) حُلوَهٌ ، مَنِ اكتَسَبَ فيها مالاً مِن حِلِّهِ وأنفَقَهُ فى حَقِّهِ أثابَهُ اللّهُ عَلَيهِ وأورَدَهُ جَنَّتَهُ ، ومَنِ اكتَسَبَ فيها مالاً مِن غَيرِ حِلِّهِ وأنفَقَهُ فى غَيرِ حَقِّهِ أحَلَّهُ اللّهُ دارَ الهَوانِ ، ورُبَّ مُتَخَوِّضٍ فى مالِ اللّهِ (2) ورَسولِهِ لَهُ النّارُ يَومَ القِيامَهِ . يَقولُ اللّهُ : «كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَهُمْ سَعِيرًا» (3) . (4)1.عن الحسين بن الحسن بن بندار ، ومحمّد بن قولويه المسند ابن حنبل عن خولَهَ بِنتِ قَيس اِمرَأهِ حَمزَهَ بنِ عَبدِ المُطّلِب رضى الله عنه :إنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله دَخَلَ عَلى حَمزَه فَتَذاكَرَا الدُّنيا ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ الدُّنيا خَضِرَهٌ حُلوَهٌ ، فَمَن أخَذَها بِحَقِّها بورِكَ لَهُ فيها ، ورُبَّ مُتَخَوِّضٍ فى مالِ اللّهِ ومالِ رَسولِهِ لَهُ النّارُ يَومَ يَلقَى اللّهَ . (5)2.عن سعد ، قالَ : حدّثنى أحمد بن محمّد بن عيسى ، عنرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن طَلَبَ الدُّنيا حَلالاً اِستِعفافا عَنِ المَسأَلَهِ ، وسَعيا عَلى أهلِهِ ،

وتَعَطُّفا عَلى جارِهِ ، لَقِىَ اللّهَ ووَجهُهُ كَالقَمَرِ لَيلَهَ البَدرِ . ومَن طَلَبَ الدُّنيا مُكاثِرا بِها حَلالاً (6) مُرائِيا ، لَقِىَ اللّهَ وهُوَ عَلَيهِ غَضبانُ . (7) .

1- .خَضِرَه : أى غَضّه ناعمه طريّه (النهايه : ج 2 ص 41 «خضر») .
2- .رُبّ مُتَخَوّضٍ فى مال اللّه : أى ربّ مُتصرّف فى مال اللّه تعالى بما لا يرضاه اللّه (لسان العرب : ج 7 ص 147 «خوض») .
3- .الإسراء : 97 .
4- .شُعب الإيمان : ج 4 ص 396 ح 5527 عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 3 ص 184 ح 6076 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 10 ص 299 ح 27122 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 587 ح 2374 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 76 ح 6932 عن حمنه وكلاهما نحوه ، المعجم الكبير : ج 24 ص 230 ح 585 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 280 ح 10306 عن عمره بنت الحارث نحوه ، حليه الأولياء : ج 7 ص 311 وليس فيهما صدره ، كنز العمّال : ج 3 ص 184 ح 6075 .
6- .الظاهر أنّ الصواب فى العباره : «من طلب الدنيا حلالاً مكاثرا بها . . .» كما فى أغلب المصادر .
7- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 5 ص 258 ح 7 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 298 ح 10375 ، مشكاه المصابيح : ج 2 ص 658 ح 5207 ، مسند

إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 353 ح 352 ، حليه الأولياء : ج 3 ص 110 كلّها عن أبى هريره وفيها «مكاثرا مفاخرا» ، كنز العمّال : ج 4 ص 12 ح 9247 .

2 / 11 پاداش کسی که دنیا را به حق برگیرد

2 / 11پاداش کسی که دنیا را به حق (1) برگیرد1.. ما جاء فی الکافی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا دل پذیر و شیرین است. هرکه در آن مالی از حلال به دست آورد و در راه درستش هزینه کند ، خداوند ، او را بر این کار ، پاداش دهد و به بهشت خویش بَرَد و هرکه در دنیا ، مالی از غیرِ حلال به دست آورد و به ناحق هزینه اش کند ، خداوند ، او را به سرای خفّت و خواری در آوَرد. ای بسا تصرّف کننده ای در مال خدا (2) و پیامبر او که روز قیامت ، آتش ، سزای اوست. خداوند می فرماید: «هر بار که آتش آن فرو نشیند ، شراره ای [تازه] برایشان می افزاییم».2.وفی الهدایه الکبری للخصیبی :مسند ابن حنبل به نقل از خوله دختر قیس ، همسر حمزه بن عبد المطّلب :پیامبر خدا بر حمزه وارد شد و میان آن دو از دنیا سخن به میان آمد. پیامبر خدا فرمود: «دنیا ، جذّاب و شیرین است. پس هر که آن را به حق برگیرد ، در آن به او برکت داده شود و ای بسا تصرّف کننده در مال خدا و مال پیامبر او که آن روز که خدا را دیدار کند، آتش در انتظار او باشد.3.وفی التوحید قال الصدوق :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دنیا را از راه حلال طلب کند ، برای این که دست خواهش و نیاز به سوی کسی دراز نکند و خانواده اش را تأمین کند و به همسایه اش

محبّتی نماید، با چهره ای چون ماه شب چهارده ، خدا را دیدار کند و هرکه دنیا را از راه حلال بطلبد ، برای آن که با ثروتش بر دیگران بنازد و آن را به رُخ بکشد ، در حالی خداوند را دیدار کند که خدا از او در خشم است.

.

1- .یعنی به اندازه نیاز و از راه حلال.
2- .یعنی برخلاف رضای خدا در آن دخل و تصرّف کند.

4.وفی معانی الأخبار قال :الإمام الباقر علیه السلام :مَن طَلَبَ الرِّزقَ فِی الدُّنیَا استِعفافا عَنِ النّاسِ ، وتَوسیعا عَلی أهلِهِ ، وتَعَطُّفا عَلی جارِهِ ، لَقِیَ اللّهَ یَومَ القِیامَهِ ووَجهُهُ مِثلُ القَمَرِ لَیلَهَ البَدرِ . (1)راجع : ص 352 (التحذیر من الاغترار بالدنیا / الدنیا خضره حلوه) .

.

1- .الکافی : ج 5 ص 78 ح 5 ، تهذیب الأحکام : ج 6 ص 324 ح 890 وفیه «سعیا» بدل «توسیعا» وکلاهما عن أبی حمزه ، ثواب الأعمال : ص 215 ح 1 عن عمرو بن جمیع عن الإمام الصادق علیه السلام ، مسند زید : ص 255 عن الإمام زین العابدین عن أبیه عن جدّه علیهم السلام وکلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 103 ص 8 ح 31 .

ص: 183

امام باقر علیه السلام :هرکس در دنیا به دنبال روزی رود تا دست نیاز سوی مردم دراز نکند و خانواده اش را در آسایش قرار دهد و به همسایه اش کمک کند ، روز قیامت ، با صورتی چون ماه شب چهارده ، خداوند را دیدار می کند.ر . ک : ص353 (برحذر داشتن از فریفته شدن به دنیا/ دنیاخوش و شیرین است) .

.

الفصل الثالث : ما يُنال به خير الدّنيا والآخره3 / 1الحِكمَهالكتاب«يُؤْتِى الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِىَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلاَّ أُوْلُواْ الأَلْبَبِ» . (1)

الحديث2وما جاء فى رجال الكشّى :لقمان عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِوَلَدِهِ :يا بُنَىَّ تَعَلَّم الحِكمَةَ تَشَرَّف بِها . . . وكَيفَ يَظُنُّ ابنُ آدَمَ أن يَتَهَيَّأَ لَهُ أمرُ دينِهِ ومَعيشَتِهِ بِغَيرِ حِكمَهٍ؟ ولَن يُهَيِّئَ اللّهُ أمرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ إلاّ بِالحِكمَهِ ، ومَثَلُ الحِكمَهِ بِغَيرِ طاعَهٍ مَثَلُ الجَسَدِ بِغَيرِ نَفسٍ ومَثَلُ الصَّعيدِ بِغَيرِ ماءٍ ، ولا صَلاحَ لِلجَسَدِ بِغَيرِ نَفسٍ ولا لِلصَّعيدِ بِغَيرِ ماءٍ ولا لِلحِكمَهِ بِغَيرِ طاعَهٍ . (2) .

1- .البقره : 269 .
2- .أعلام الدين : ص 327 ، كنز الفوائد : ج 2 ص 66 و ص 67 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 219 ح 51 .

3 / 1 حکمت

فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت3 / 1حکمتقرآن«حکمت را [خداوند] به هرکه بخواهد ، می دهد، و به هرکه حکمت داده شود ، هر آینه ، خیر فراوان داده شده است ؛ و پند نمی گیرند ، مگر خردمندان».

حدیث1.. ما جاء قی الاختصاص :لقمان علیه السلام در سفارش به فرزندش :فرزندم! حکمت بیاموز تا بدان ، شرافت یابی... آدمی چگونه گمان می برد که بدون حکمت، کار دین و معیشتش سامان می پذیرد؟ خداوند هرگز کار دنیا و آخرت را سامان نمی دهد ، مگر با حکمت، و حکایت حکمت بی طاعت [خداوند] ، حکایتِ جسم بی جان و حکایتِ زمین بی آب است. نه جسم بدون جان به کار می آید ، نه زمین بدون آب ، و نه حکمت بدون طاعت.

.

3 / 2إيثارُ الآخِرَهِ. وفيه أيضا :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن آثَرَ الدُّنيا عَلَى الآخِرَهِ حُرِمَهُما جَميعا ، ومَن آثَرَ الآخِرَهَ عَلَى الدُّنيا أصابَهُما جَميعا . (1)3.وفى تفسير العيّاشى :الإمام علىّ عليه السلام :إن جَعَلتَ دُنياكَ تَبَعا لِدينِكَ ، أحرَزتَ دينَكَ ودُنياكَ ، وكُنتَ فِى الآخِرَهِ مِنَ الفائِزينَ . (2)1.. ما جاء فى كامل الزيارات :الإمام زين العابدين عليه السلام :كَتَبَ رَجُلٌ إلى أبىَ الحُسَينِ بنِ عَلِىٍّ عليه السلام : يا سَيِّدى أخبِرنى بِخَيرِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . فَكَتَبَ إلَيهِ :

بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ

أمّا بَعدُ ، فَإنَّ مَن طَلَبَ رِضَا اللّهِ بِسَخَطِ النّاسِ كَفاهُ اللّهُ اُمورَ النّاسِ ، ومَن طَلَبَ رِضَا النّاسِ بِسَخَطِ اللّهِ وَكَلَهُ اللّهُ إلَى النّاسِ . وَالسَّلامُ . (3)2.وفى عيون أخبار الرضا عليه السلام قال الصدوق :الإمام الصادق عليه السلام :مَن أرادَ الحَديثَ لِمَنفَعَهِ الدُّنيا لَم يَكُن لَهُ فِى الآخِرَهِ نَصيبٌ ، ومَن أرادَ بِهِ خَيرَ الآخِرَهِ أعطاهُ اللّهُ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (4)راجع : ج2 ص316 (آثار الاهتمام بالآخره)

و346 (بركات عماره الآخره) .

.

1- .الفردوس : ج 3 ص 586 ح 5835 عن أبى هريره .
2- .غرر الحكم : ح 3751 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 161 ح 3444 .
3- .الأمالى للصدوق : ص 268 ح 293 عن يحيى بن أبى القاسم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، الاختصاص : ص 225 عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص 485 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 208 ح 17 .
4- .الكافى : ج 1 ص 46 ح 2 ، منيه المريد : ص 138 ، مشكاه الأنوار : ص 245 ح 714 كلّها عن أبى خديجه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 158 ح 2 .

3 / 2ترجیح دادن آخرت1.. ماجاء فی تاریخ مدینه دمشق :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکس دنیا را بر آخرت ترجیح دهد ، از هر دوی آنها محروم می شود و هرکس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد ، به هر دوی آنها دست یابد.2.وفی الموضوعات لابن الجوزی ، قال :امام علی علیه السلام :اگر دنیایت را تابع دینت قرار دهی ، دین و دنیایت را به دست می آوری و در آخرت از کامیابان خواهی بود.1.. ماجاء فی الکافی :امام زین العابدین علیه السلام :مردی به پدرم حسین بن علی علیهماالسلام نوشت: «سرورم! مرا از خیر دنیا و آخرت ، خبر ده».

به او نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان. بدان که هر کس خشنودی خدا را بر ناخشنودی مردم برگزیند ، خدا او را از مردم ، بی نیاز می گرداند و هرکه خشنودی مردم را با ناخشنودی خدا بجوید ، خداوند ، او را به مردم وا می گذارد. بدرود!».2.وفی بصائر الدرجات قال :امام صادق علیه السلام :هرکه حدیث را برای سود دنیا بخواهد [و فرا گیرد] ، در آخرت ، او را بهره ای نیست و هرکه با آن خیر آخرت را بخواهد ، خدا ، خیرِ دنیا و آخرت را به او عطا می کند.ر . ک : ج2 ص317 (آثار اهمّیّت دادن به آخرت)

و 347 (برکات آباد کردن آخرت) .

.

3 / 3الصِّدق1.. ما جاء فی المحاسن :الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام :نَروی أنَّ رَجُلاً أتی سَیِّدَنا رَسولَ اللّه صلی الله علیه و آله فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ عَلِّمنی خُلُقا یَجمَعُ لی خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ .

فَقالَ : لا تَکذِب .

قالَ الرَّجُلُ : وکُنتُ عَلی حالَهٍ یَکرَهُهَا اللّهُ فَتَرَکتُها خَوفا مِن أن یَسأَلَنی سائِلٌ عَنها عَمِلتَ کَذا وکَذا ، فَأَفتَضِحَ أو أکذِبَ ، فَأَکونَ قَد خالَفتُ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله فیما حَمَلَنی عَلَیهِ . (1)2.وفی ثواب الأعمال :تحف العقول فی ذِکرِ حِکَمِ الإمامِ الصّادِقِ علیه السلام :سَأَلَهُ رَجُلٌ أن یُعَلِّمَهُ ما یَنالَ بِهِ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ ولا یُطَوِّلَ عَلَیهِ ، فَقالَ :

لا تَکذِب . (2)3 / 4حُسنُ الخُلُقِ1.. ما جاء فی الهدایه الکبری :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ حُسنَ الخُلُقِ ذَهَبَ بِخَیرِ الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (3) .

1- .الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام : ص 354 ، معدن الجواهر : ص 21 نحوه .
2- .تحف العقول : ص 359 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 241 ح 27 .
3- .ثواب الأعمال : ص 215 ح 1 عن موسی بن إبراهیم رفعه ، الأمالی للصدوق : ص 588 ح 811 عن موسی بن إبراهیم عن الإمام الکاظم عن أبیه عن جدّه علیهم السلام عن اُمّ سلمه عنه صلی الله علیه و آله ، الخصال : ص 42 ح 34 عن الحسن عن أبیه بإسناده رفعه إلیه صلی الله علیه و آله ، مشکاه الأنوار : ص 393 ح 1296 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 384 ح 23 ؛ المعجم الکبیر : ج 23 ص 222 ح 411 ، المنتخب من مسند عبد بن حمید : ص 365 ح 1212 کلاهما عن أنس ، کنز العمّال : ج 16 ص 485 ح 45581 .

3 / 3 راستگویی

3 / 4 خوش خویی

3 / 3راستگوییالفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام :روایت می کنم که مردی خدمت سرورمان پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا اخلاقی بیاموز که خیر دنیا و آخرتِ مرا در خود داشته باشد.

فرمود: «دروغ مگو».

آن مرد گفت: من در وضعیتی خداناپسند قرار گرفتم ، ولی مرتکب آن نشدم؛ چون ترسیدم که کسی از من بپرسد چنین و چنان کردی؟ و من [یا باید راستش را بگویم و] رسوا شوم و یا دروغ بگویم که در این صورت ، با توصیه پیامبر خدا به من مخالفت کرده باشم.تحف العقول در بیان حکمت های امام صادق علیه السلام :مردی از امام علیه السلام تقاضا کرد به او چیزی بیاموزد که با آن به خیر دنیا و آخرت ، دست یابد، و مختصر هم باشد. امام علیه السلام فرمود: «هیچ گاه دروغ مگو».3 / 4خوش خوییپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوش خویی، خیر دنیا و آخرت را به ارمغان می آورد.

.

3 / 5الاِستِغفارالكتاب :«وَ أَنِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِى فَضْلٍ فَضْلَهُ» . (1)

«وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لاَ تَتَوَلَّوْاْ مُجْرِمِينَ» . (2)

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَل لَّكُمْ جَنَّتٍ وَ يَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَرًا» . (3)

الحديث :2.وفى تفسير القمّى :الزهد عن أبى الجَلد :إنَّ داوود النَّبِى عليه السلام أمَرَ مُنادِيا فَنادَى الصَّلاةَ جامِعَةً ، فَخَرَجَ النّاسُ وهُم يَرَونَ أنَّهُ سَيَكونُ مِنهُ يَومَئِذٍ مَوعِظَةٌ وتَأديبٌ ودُعاءٌ ، فَلَمّا وافى مَكانَهُ قالَ : «اللّهُمَّ اغفِر لَنا» وَانصَرَفَ .

فَاستَقبَلَ آخِرُ النّاسِ أوائِلَهُم ، قالوا : ما لَكُم؟ قالوا : إنَّ نَبِىَّ اللّهِ عليه السلام إنَّما دَعا بِدَعوَةٍ واحِدَةٍ ثُمَّ انصَرَفَ ، قالوا : سُبحانَ اللّهِ ، كُنّا نَرجو أن يَكونَ هذَا اليَومُ يَومَ عِبادَةٍ ودُعاءٍ ومَوعِظَةٍ وتَأديبٍ ، فَما دَعا إلاّ بِدَعوَةٍ واحِدَةٍ!

قالوا: فَأَوحَى اللّهُ إلَيهِ أن أبلِغ عَنّى قَومَکَ فَإنَّهُم قَدِ استَقَلّوا دُعاءَکَ ، إنّى مَن أغفِر لَهُ أُصلِح لَهُ أمرَ آخِرَتِهِ ودُنياهُ . (4)راجع : التنميه الاقتصاديه فى الكتاب والسنّه : القسم الثالث / الفصل الرابع / الاستغفار .

.

1- .هود : 3 .
2- .هود : 52 .
3- .نوح : 10 12 .
4- .الزهد لابن حنبل : ص 92 ، حليه الأولياء : ج 6 ص 57 ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 172 .

3 / 5آمرزش خواهیقرآن«از پروردگارتان آمرزش بخواهید و به درگاه او توبه کنید . شما را از بهره ای نیکو، تا سررسیدی معیّن، برخوردار می کند و فزون هر فزونمندی را به وی می دهد» .

«[هود به قوم خود گفت:] ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید و به درگاه او توبه کنید ، تا باران پیوسته تیزبار بر شما بفرستد و نیرویی بر نیروتان بیفزاید، و چون بزهکاران ، پشت مکنید» .

«[نوح گفت:] پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزگار است ، تا باران پیوسته تیزبار بر شما بفرستد و شما را با دارایی ها و فرزندان ، یاری دهد و برای شما باغ ها پدید آورد و رودها برایتان قرار دهد» .

حدیث1.. عن علی بن محمّد بن جعفر بن عنبسه ، عنه ، عن الإالزهد به نقل از ابو جَلَد :داوود پیامبر ، به جارچی فرمود و او فریاد : «جمع شوید» سر داد . مردم ، بیرون آمدند و فکر می کردند که امروز ، داوود علیه السلام به اندرز و موعظت و دعا خواهد پرداخت ؛ امّا چون به جایگاهش آمد، گفت: «بار خدایا! ما را بیامرز» و رفت .

افراد آخر جمعیت ، از آنان که جلو بودند [و بر می گشتند] پرسیدند: چه خبر؟

گفتند: پیامبر خدا فقط یک دعا کرد و برگشت!

گفتند: سبحان اللّه ! ما انتظار داشتیم که امروز ، روز عبادت و دعا و اندرز و موعظت باشد ؛ امّا او فقط یک جمله دعا کرد!

گفتند: خداوند به او وحی کرد که : از طرف من به مردمت بگو آنان ، دعای تو را اندک شمردند، در صورتی که من ، هرکس را بیامرزم ، کار آخرت و دنیایش را اصلاح می کنم.ر . ک : توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش سوم / فصل چهارم / آمرزش خواستن .

3 / 6القِراءَه2.وفى دلائل الإمامه للطبرى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ يُؤمِنُ بِاللّهِ وَاليَومِ الآخِرِ ، فَلا يَدَع أن يَقرَأ فى دُبُرِ الفَريضَهِ بِ «قُلْ هُوَ اللّهُ أحَد» ؛ فَإِنَّهُ مَن قَرَأَها جُمِعَ لَهُ خَيرُ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وغُفِرَ لَهُ ولِوالِدَيهِ ومل وَلَدا . (1)الإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلام :مَن قَرَأ سورَهَ «وَ الطُّورِ» ، جَمَعَ اللّهُ لَهُ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (2)3 / 7الذِّكررسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن اُعطِىَ لِسانا ذاكِرا فَقَد اُعطِىَ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (3)1. جاء فى التوحيد للشيخ الصدوق :عنه صلى الله عليه و آله :«لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِاللّهِ» كَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّهِ ، مَن قالَها نَظَرَ اللّهُ إلَيهِ (4) ، ومَن نَظَرَ اللّهُ إلَيهِ أعطاهُ اللّهُ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (5)2.وفى المحاسن :عنه صلى الله عليه و آله لِلحَسَنِ بن أبى رَزِينٍ :ألا أدُلُّكَ عَلى مِلاكِ هذَا الأَمرِ الَّذى تُصيبُ بِهِ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ؟ عَلَيكَ بِمَجالِسِ أهلِ الذِّكرِ ، وإذا خَلَوتَ فَحَرِّك لِسانَكَ

مَا استَطَعتَ بِذِكرِ اللّهِ ، وأحِبَّ فِى اللّهِ وأبغِض فِى اللّهِ . (6) .

1- .جامع الأخبار : ص 123 ح 230 ، الكافى : ج 2 ص 622 ح 11 ، ثواب الأعمال : ص 156 ح 4 كلاهما عن أبى بكر الحضرمى عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما زياده «اللّه » بعد «جمع» ، بحار الأنوار : ج 92 ص 345 ح 4.
2- .ثواب الأعمال : ص 143 ح 1 عن محمّد بن مسلم ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 185 ح 2492 عن الإمام الصادق عليه السلام ، مجمع البيان : ج 9 ص 245 عن محمّد بن هشام عن الإمام الباقر عليه السلام .
3- .الكافى : ج 2 ص 499 ح 1 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير نور الثقلين : ج 4 ص 285 ح 147 .
4- .فى المصدر : «عليه» بدل «إليه» ، والتصويب من الفردوس .
5- .معجم السفر : ص 184 ح 587 ، الفردوس : ج 5 ص 10 ح 7285 كلاهما عن أبى بكر .
6- .حليه الأولياء : ج 1 ص 367 ، تاريخ دمشق : ج 13 ص 317 ح 3285 وفيه «بمجالسه» بدل «بمجالس» ، كنز العمّال : ج 5 ص 837 ح 43329 .

3 / 6 قرائت سوره توحید و طور

3 / 7 ذکر گفتن

3 / 24قرائت قرآنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که به خدا و آخرت ایمان دارد ، نباید خواندن «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را در تعقیب نماز واجب ، ترک کند؛ زیرا هرکس آن را بخواند ، به خیر دنیا و آخرت دست می یابد، و خودش و پدر و مادرش و فرزندانش آمرزیده می شوند.1. جاء فی الکافی :امام باقر و امام صادق علیهماالسلام :هرکس سوره «والطور» را بخواند ، خداوند ، خیر دنیا و آخرت را برایش گِرد می آورد.3 / 25ذکر گفتنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به هرکس زبانی ذاکر داده شود ، خیر دنیا و آخرت بدو داده شده است.1. قال ابن عدّی الجرجانی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«لا حول ولا قوّه إلاّ باللّه » ، گنجی از گنج های بهشت است. هرکس آن را بگوید ، خدا بر او می نگرد و هرکس که خدا بر او بنگرد ، خیر دنیا و آخرت را به او داده است.2.وروی ابن عدّی الجرجانی روایه أُخری من موضوعاته ،پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حسن بن ابی رزین :آیا تو را بر اساس این امر که با آن به خیر دنیا و آخرت برسی، راهنمایی کنم؟ بر تو باد مجلس های اهل ذکر ؛

و هرگاه خلوت کردی ، تا می توانی زبانت را به ذکر خدا حرکت بده و برای خدا دوست بدار و برای خدا دشمنی بوَرز.

.

3 / 8الرِّفقرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أما إنَّهُ مَن اُعطِىَ حَظَّهُ مِنَ الرِّفقِ فَقَد اُعطِىَ حَظَّهُ مِن خَيرِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، ومَن حُرِمَ حَظَّهُ مِنَ الرِّفقِ فَقَد حُرِمَ حَظَّهُ مِن خَيرِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (1)1. جاء فى كامل الزيارات :الإمام الباقر عليه السلام :مَن اُعطِىَ الخُلُقَ وَالرِّفقَ فَقَد اُعطِىَ الخَيرَ كُلَّهُ وَالرّاحَهَ ، وحَسُنَ حالُهُ فى دُنياهُ وآخِرَتِهِ ، ومَن حُرِمَ الرِّفقَ وَالخُلُقَ كانَ ذلِكَ لَهُ سَبيلاً إلى كُلِّ شَرٍّ وبَلِيَّهٍ إلاّ مَن عَصَمَهُ اللّهُ تَعالَى . (2)3 / 9الصَّلاهُ عَلَى النَّبِىِّ وآلِهِ2.وجاء فى كتاب مَن لا يحضره الفقيه للشيخ الصدوق :الإمام علىّ عليه السلام :إذا كانَت لَكَ إلَى اللّهِ سُبحانَهُ حاجَهٌ فَابدَأ بِمَسأَلَهِ الصَّلاهِ عَلى رَسولِهِ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ سَل حاجَتَكَ ؛ فَإِنَّ اللّهَ أكرَمُ مِن أن يُسأَلَ حاجَتَينِ فَيَقضِىَ إحداهُما ويَمنَعَ الاُخرى . (3) .

1- .مسند أبى يعلى : ج4 ص304 ح4513 ، حليه الأولياء : ج9 ص159 كلاهما عن عائشه وراجع مسند ابن حنبل : ج9 ص504 ح24314 ، مسند الشهاب : ج1 ص274 ح445 و شرح نهج البلاغه : 6 ص 339 ؛ الجعفريّات : ص149 نحوه .
2- .حليه الأولياء : ج3 ص186 ، البدايه والنهايه : ج9 ص311 ؛ كشف الغمّه : ج2 ص345 كلّها عن عبد اللّه بن المبارک ، بحار الأنوار : ج78 ص186 ح23 .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 361 ، نزهه الناظر : ص 48 ح 17 ، الدعوات : ص 22 ح 26 ، روضه الواعظين : ص 354 وفيهما «على النبىّ وآله» بدل «على رسوله» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 313 ح 18 .

3 / 8 مدارا و ملایمت

3 / 9 درود فرستادن بر پیامبر

3 / 26مدارا و ملایمت5.وما رواه الکلینی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدانید که به هرکس بهره اش از مدارا داده شود ، بهره اش از خیر دنیا و آخرت ، داده شده است و هرکس از بهره اش از مدارا محروم شود ، از بهره اش از خیر دنیا و آخرت ، محروم شده است.1. قال الشیخ الصدوق فی الخصال :امام باقر علیه السلام :به هرکس خوش خویی و مدارا داده شود ، تمام خیر و آسایش به او داده شده است و در دنیا و آخرت ، حال و روزش خوش باشد و هرکس از مدارا و خوش خویی محروم گردد ، این برای او راهی به سوی هر بدی و بلایی باشد ، مگر کسی که خدای متعال نگاهش بدارد.3 / 27درود فرستادن بر پیامبرامام علی علیه السلام :هرگاه از خدای سبحان حاجتی داری ، ابتدا درخواست درود فرستادن بر پیامبرش را بکن، سپس حاجتت را بخواه؛ زیرا خداوند ، کریم تر از آن است که دو حاجت از او خواسته شود و یکی را برآورَد و دیگری را برنیاورد.

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ : «يا رَبِّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وآلِ مُحَمَّد» مِئَةَ مَرَّةٍ ، قُضِيَت لَهُ مِئَةُ حاجَةٍ ؛ ثَلاثونَ لِلدُّنيا وَالباقى لِلآخِرَةِ . (1)1. من رواياته :الكافى عن مُرازِم عن الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ رَجُلاً أتى رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى جَعَلتُ ثُلُثَ صَلَواتى لَكَ ! فَقالَ لَهُ خَيراً ، فَقالَ لَهُ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى جَعَلتُ نِصفَ صَلَواتى لَكَ ! فَقالَ لَهُ : ذاكَ أفضَلُ ، فَقالَ : إنّى جَعَلتُ كُلَّ صَلَواتى لَكَ ! فَقالَ : إذا يَكفيكَ اللّهُ ما أهَمَّكَ مِن أمرِ دُنياكَ وآخِرَتِكَ .

فَقالَ لَهُ رَجُلٌ : أصلَحَكَ اللّهُ ، كَيفَ يَجعَلُ صَلاتَهُ لَهُ ؟

فَقال أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : لا يَسأَلُ اللّهَ شَيئاً إلاّ بَدَأَ بِالصَّلاةِ عَلى مُحَمَّد وآلِهِ . (2)3 / 10خَصلَتان2.وفى بصائر الدرجات قال الصفّار :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَصلَتانِ مَن رُزِقَهُما قَد أُعطِيَ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَةِ : مَن إذَا ابتُلِيَ صَبَرَ ، وإذا أُعطِيَ شَكَرَ . (3)3.وفى الكافى :الإمام علىّ عليه السلام :ما أعطَى اللّهُ سُبحانَهُ العَبدَ شَيئا مِن خَيرِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ إلاّ بِحُسنِ خُلُقِهِ وحُسنِ نِيَّتِهِ . (4)4.وفيه أيضا :عنه عليه السلام :جُمِعَ خَيرُ الدُّنيا وَالآخِرَةِ فى كِتمانِ السِّرِّ ومُصادَقَةِ الأخيارِ ، وجُمِعَ الشَّرُّ فِى الإذاعَةِ ومُؤاخاةِ الأشرارِ . (5) .

1- .الكافى : ج 2 ص 493 ح 9 ، ثواب الأعمال : ص 190 كلاهما عن معاويه بن عمّار .
2- .الكافى : ج 2 ص 493 ح 12 ، ثواب الأعمال : ص 188 ح 1 نحوه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 60 ح 42 وراجع الكافى : ج 2 ص 491 ح 3 و 4 .
3- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 247 .
4- .غرر الحكم : ح 9670 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 483 ح 8915 .
5- .الاختصاص : ص 218 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 178 ح 17 .

5.وفی الخصال قال الصدوق :امام صادق علیه السلام :هرکس صد مرتبه بگوید: «پروردگارا ! بر محمّد وآل محمّد ، درود فرست»، صد حاجت او برآورده شود، سی تا برای دنیا و بقیه برای آخرت.6.وقال فی علل الشرائع :الکافی به نقل از مُرازم :امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا ! من ، یکْ سومِ دعاهای خود را برای تو قرار دادم .

حضرت فرمود: «خوب است».

دوباره گفت: ای پیامبر خدا ! من ، نیمی از دعاهایم را برای تو قرار دادم .

فرمود: «این بهتر ، است».

باز گفت: من ، همه دعاهایم را به تو اختصاص دادم .

پیامبر فرمود صلی الله علیه و آله : «در این صورت ، خداوند خواسته های دنیا و آخرتت را برآورده می سازد».

مردی به امام صادق علیه السلام گفت: خداوند ، کارهایت را به سامان کند ! چگونه می شود کسی دعایش را برای پیامبر خدا قرار دهد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «چیزی از خداوند درخواست نکند ، مگر این که با درود فرستادن بر محمّد و خاندان او آغاز کند».3 / 28دو خصلت1. جاء فی الکافی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دو خصلت اند که روزی هرکس شوند ، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است: کسی که هرگاه گرفتار شود ، شکیبایی ورزد و هرگاه برخوردار شود ، سپاس گزاری کند.2.وفیه أیضاً :امام علی علیه السلام :خداوند سبحان ، چیزی از خیر دنیا و آخرت به بنده نداد ، مگر به سبب حُسن خُلق او و حُسن نیّتش.1. جاء فی الکافی :امام علی علیه السلام :خیر دنیا و آخرت ، در رازداری و دوستی با خوبان گِرد آمده است، و بدی در افشای راز و دوستی با بدان ، جمع شده است.

2.وفی تهذیب الأحکام :عنه علیه السلام :الخَیرُ الَّذی لا شَرَّ فیهِ : الشُّکرُ مَعَ النِّعمَهِ ، وَالصَّبرُ عَلَی النازِلَهِ (1) . (2)1. فی البصائر :عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ :خَیرُ الدُّنیا وَالآخِرَهِ فی خَصلَتَینِ : الغِنی ، وَالتُّقی . (3)3 / 11ثَلاثُ خِصالٍ2.فی الکافی :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ثَلاثُ خِصالٍ یُدرَکُ بِها خَیرُ الدُّنیا وَالآخِرَهِ : الشُّکرُ عِندَ النَّعماءِ ، وَالصَّبرُ عِندَ الضَّرّاءِ ، وَالدُّعاءُ عِندَ البَلاءِ . (4)3.و فی البصائر للصفّار قال :عنه صلی الله علیه و آله :ثَلاثٌ یُدرِکُ بِهِنَّ العَبدُ رَغائِبَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ : الصَّبرُ عَلَی البَلایا ، وَالرِّضا بِالقَضاءِ ، وَالدُّعاءُ فِی الرَّخاءِ . (5)4.وفی الکافی للکلینی :عنه صلی الله علیه و آله فی وَصِیَّتِهِ لِعَلِیٍّ علیه السلام :یا عَلِیُّ ، ثَلاثٌ ثَوابُهُنَّ فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ : الحَجُّ یَنفِی الفَقرَ ، وَالصَّدَقَهُ تَدفَعُ البَلِیَّهَ ، وصِلَهُ الرَّحِمِ تَزیدُ فِی العُمُرِ . (6)1. جاء فی الکافی :الإمام الصادق علیه السلام :ثَلاثَهٌ مَن تَمَسَّکَ بِهِنَّ نالَ مِنَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ بُغیَتَهُ : مَنِ اعتَصَمَ بِاللّهِ ، ورَضِیَ بِقَضاءِ اللّهِ ، وأَحسَنَ الظَّنَّ بِاللّهِ . (7) .

1- .النازله : المصیبه الشدیده (المصباح المنیر : ص 601 «نزل») .
2- .تحف العقول : ص 234 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 106 ح 7 ؛ دستور معالم الحکم : ص 26 .
3- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 301 ح 446 .
4- .إرشاد القلوب : ص 149 .
5- .کنز العمّال : ج 15 ص 808 ح 43211 نقلاً عن أبی الشیخ عن عمران بن حصین ، الجامع الصغیر : ج 1 ص 538 ح 3489 .
6- .تحف العقول : ص 7 ، الدعوات : ص 127 ح 314 عن الإمام الباقر علیه السلام ولیس فیه «الدنیا» وفیه «البرّ» بدل «صله الرحم» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 62 ح 4 .
7- .تحف العقول : ص 316 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 229 ح 107 .

2.وفی کامل الزیارات :امام علی علیه السلام :خیری که شرّی در آن نیست: سپاس گزاری بر نعمت است، و شکیبایی در گرفتاری و مصیبت.3.وفی المحاسن فی فضل أکل الرمّان :امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :خیر دنیا و آخرت ، در دو چیز است: توانگری و پرهیزگاری.3 / 29سه خصلت1. جاء فی کتاب البصائر قال الصفّار :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه خصلت است که با آنها خیر دنیا و آخرت به دست می آید: سپاس گزاری در هنگام نعمت و برخورداری، شکیبایی در هنگام سختی، و دعا در هنگام بلا و گرفتاری.1. جاء فی الموضوعات لابن الجوزی قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه چیز است که بنده به واسطه آنها به خواسته های دنیا و آخرت می رسد: صبر بر بلایا، راضی بودن به قضا[ی الهی] ، و دعا در هنگام آسایش و رفاه.2.وفی تذکره الموضوعات للفتنی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام :ای علی! سه چیز است که پاداش آنها در دنیا و آخرت است: حج ، فقر را می زداید ؛ صدقه ، بلا را دور می کند ؛ و صله رَحِم ، عمر را می افزاید.3.وفی موضع آخر منه :امام صادق علیه السلام :سه چیز است که هرکس به آنها چنگ زند ، در دنیا و آخرت به آرزوی خود برسد: آن که به خدا متمسّک شود ؛ و به قضای خدا رضایت دهد ؛ و به خدا حسن ظنّ داشته باشد.

.

4.وفی المحاسن :مصباح الشریعه فیما نَسَبَهُ إلَی الإمامِ الصّادِقِ علیه السلام :ثَلاثَهُ أشیاءَ فی کُلِّ زَمانٍ عَزیزَهٌ ، وهِیَ : الإخاءُ فِی اللّهِ ، وَالزَّوجَهُ الصّالِحَهُ الأَلیفَهُ فی دینِ اللّهِ ، وَالوَلَدُ الرَّشیدُ . ومَن أصابَ إحدَی الثَّلاثَهِ ، فَقَد أصابَ خَیرَ الدّارَینِ وَالحَظَّ الأَوفَرَ مِنَ الدُّنیا . (1)3 / 12أربَعُ خِصالٍ1.جاء فی تفسیر القمّی :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :أربَعٌ مَن اُعطِیَهُنَّ اُعطِیَ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ : قَلبا شاکِرا ، ولِسانا ذاکِرا ، وبَدَنا عَلَی البَلاءِ صابِرا ، وزَوجَهً لاتَبغیهِ خَونا فی نَفسِها ولا مالِهِ . (2)2.وفی عیون الأخبار والخصال قال الصدوق :عنه صلی الله علیه و آله :قالَ اللّهُ : إذا أردَتُ أن أجمَعَ لِلمُسلِمِ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ جَعَلتُ لَهُ قَلبا خاشِعا ، ولِسانا ذاکِرا ، وجَسَدا عَلَی البَلاءِ صابِرا ، وزَوجَهً مُؤمِنَهً تَسُرُّهُ إذا نَظَرَ إلَیها وتَحفَظُهُ إذا غابَ عَنها فی نَفسِها ومالِهِ . (3)الإمام علیّ علیه السلام :أربَعٌ مَن اُعطِیَهُنَّ فَقَد اُعطِیَ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ : صِدقُ حَدیثٍ ، وأداءُ أمانَهٍ ، وعِفَّهُ بَطنٍ ، وحُسنُ خُلُقٍ . (4) .

1- .مصباح الشریعه : ص 307 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 282 ح 3 .
2- .المعجم الکبیر : ج 11 ص 109 ح 11275 ، شُعب الإیمان : ج 4 ص 104 ح 4429 ، حلیه الأولیاء : ج 3 ص 65 وفیه «لا تتبعه» بدل «لاتبغیه» ، الشکر لابن أبی الدنیا : ص 28 ح 34 کلّها عن ابن عبّاس ، کنز العمّال : ج 15 ص 858 ح 43416 ؛ الجعفریّات : ص 230 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله وفیه «صالحه» بدل «لاتبغیه . . .» ، تاریخ الیعقوبی : ج 2 ص 90 ، مشکاه الأنوار : ص 481 ح 1600 عن الإمام الباقر علیه السلام وکلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 82 ص 145 ح 30 .
3- .الکافی : ج 5 ص 327 ح 2 عن برید بن معاویه العجلی عن الإمام الباقر علیه السلام ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 194 ح 705 عن الإمام الباقر علیه السلام .
4- .غرر الحکم : ح 2142 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 74 ح 1807 .

3 / 12 چهار خصلت

مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است :سه چیز است که در هر زمانی کمیاب است: برادری برای خدا ؛ زن شایسته و یار و همراه در دینداری ؛ و فرزند سر به راه . هرکس به یکی از این سه چیز برسد ، به خیر هر دو سرا و به بیشترین سهم از دنیا رسیده است.3 / 30چهار خصلت2.وفی علل الشرائع قال الصدوق :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز است که به هرکس داده شود ، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: دلی شاکر ؛ زبانی ذاکر ؛ بدنی بر رنج و بلا ، صابر ؛ و همسری که به شوهرش و اموال او خیانت نکند.3.وفی البصائر قال الصفّار :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند فرمود: «هرگاه بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی گِرد آورم، دلی خاشع، زبانی ذاکر، بدنی بر رنج و بلا صابر ، و همسر باایمانی که هرگاه به او نگاه کند ، شاد شود و در غیاب شوهر ، خود و مال شوهر را حفظ کند ، به او می دهم».امام علی علیه السلام :چهار چیز است که به هر کس داده شود خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: راستگویی، امانتداری، حلال خواری، و خوش خویی.

.

عنه علیه السلام :مَن اُعطِیَ أربَعَ خِصالٍ فِی الدُّنیا فَقَد اُعطِیَ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ وفازَ بِحَظِّهِ مِنهُما : وَرَعٌ یَعصِمُهُ عَن مَحارِمِ اللّهِ ، وحُسنُ خُلُقٍ یَعیشُ بِهِ فِی النّاسِ ، وحِلمٌ یَدفَعُ به جَهلَ الجاهِلِ ، وزَوجَهٌ صالِحَهٌ تُعینُهُ عَلی أمرِ الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (1)1. جاء فی الکافی :الإمام الباقر علیه السلام :وَجَدنا فی کِتابِ عَلِیٍّ علیه السلام أنَّ رَسولَ اللّه صلی الله علیه و آله قالَ وهُوَ عَلی مِنبَرِهِ :

وَالَّذی لا إلهَ إلاّ هُوَ ، ما اُعطِیَ مُؤمِنٌ قَطُّ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ إلاّ بِحُسنِ ظَنِّهِ بِاللّهِ ، ورَجائِهِ لَهُ ، وحُسنِ خُلُقِهِ ، وَالکَفِّ عَنِ اغتِیابِ المُؤمِنینَ . (2)2.وفی التوحید قال الصدوق :عدّه الداعی :رُوِیَ عَنِ العالِمِ علیه السلام أنَّهُ قالَ : وَاللّهِ ما اُعطِیَ مُؤمِنٌ قَطُّ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ إلاّ بِحُسنِ ظَنِّهِ بِاللّهِ ، ورَجائِهِ لَهُ ، وحُسنِ خُلُقِهِ ، وَالکَفِّ عَن اغتِیابِ المُؤمِنینَ ، وَاللّهُ تَعالی لا یُعَذِّبُ عَبدا بَعدَ التَّوبَهِ وَالاِستِغفارِ إلاّ بِسوءِ ظَنِّهِ وتَقصیرِهِ فی رَجائِهِ اللّهَ وسوءِ خُلُقِهِ وَاغتِیابِهِ المُؤمِنینَ ، ولَیسَ یَحسُنُ ظَنُّ عَبدٍ مُؤمِنٍ بِاللّهِ إلاّ کانَ اللّهُ عِندَ ظَنِّهِ ، لِاَنَّ اللّهَ کَریمٌ یَستَحیی أن یُخلِفَ ظَنَّ عَبدِهِ ورَجاءَهُ ، فَأحسِنُوا الظَّنَّ بِاللّهِ وَارغَبوا إلَیهِ ، فَإنَّ اللّهَ تَعالی یَقولُ : «الظّانّینَ بِاللّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَیْهِمْ دَائِرَهُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اَللّهُ عَلَیْهِمْ» (3) . (4) .

1- .الأمالی للطوسی : ص 577 ح 1190 عن فاطمه بنت الحسین عن أبیها عن الإمام علیّ علیهماالسلام ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 71 عن نوف بن عبد اللّه البکالی ولیس فیه «فی الدنیا» ، بحار الأنوار : ج 69 ص 404 ح 106 .

2- .الکافی : ج 2 ص 71 ح 2 عن برید بن معاویه ، الاختصاص : ص 227 ولیس فیه «ورجائه له وحسن خلقه» ، عدّه الداعی : ص 135 عن الإمام الکاظم علیه السلام ولیس فیه صدره ، مشکاه الأنوار : ص 77 ح 147 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 28 ح 29 .

3- .الفتح : 6 .

4- .عدّه الداعی : ص135، إرشاد القلوب : ص109 عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه، بحار الأنوار : ج6 ص28 ح29.

1. جاء فی علل الشرائع :امام علی علیه السلام :به هرکس در دنیا چهار خصلت داده شود ، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و به بهره خود از هر دو رسیده است: پارسایی ای که او را از حرام های خدا نگه دارد ؛ خوش خویی ای که با آن در میان مردم زندگی کند ؛ بردباری ای که با آن ، نادانی و جسارت نادان را دفع کند ؛ و همسر شایسته ای که او را در کار دنیا و آخرت ، کمک کند.2.وفیالاستبصار:امام باقر علیه السلام :در کتاب علی علیه السلام دیدیم که پیامبر صلی الله علیه و آله روی منبر فرمود: «سوگند به آن که معبودی جز او نیست ، هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد ، مگر به سبب خوش گمانی اش به خدا و امیدش به او، و خوش خویی اش، و خودداری از غیبت کردن از مؤمنان.3.وفیه أیضاً :عُدّه الداعی:از عالم (امام کاظم) علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به خدا سوگند ، هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد ، مگر به واسطه خوش گمانی اش به خداوند و امیدواری اش به او، و خوش خویی اش، و خودداری از غیبت کردن از مؤمنان. خدای متعال ، هیچ بنده ای را پس از توبه و استغفار، عذاب نمی کند ، مگر به سبب بدگمانی اش به خدا، کوتاهی اش در امید داشتن به خدا، بداخلاقی اش، و غیبت کردنش از مؤمنان . هیچ بنده مؤمنی نیست که به خداوند گمان نیک ببرد ، مگر آن که خدا با او مطابق گمانش رفتار کند؛ زیرا خداوند ، بزرگوار است و شرم می کند از این که خلاف گمان و امید بنده اش عمل کند. پس، به خدا گمان نیک ببرید و به درگاهش دعا و تضرّع کنید؛ چه ، خداوند متعال می فرماید: «آنان که به خدا گمان بد ببرند ، بر گِردشان بدی حلقه زند، و خدا بر آنان خشم گرفته است» ». .

3 / 13سِتُّ خِصالٍ1. فى البصائر قال الصفّار :الإمام علىٌّ عليه السلام :جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِىِّ صلَى الله عليه و آله فَقالَ : عَلِّمنى عَمَلاً يُحِبُّنِى اللّهُ عَلَيهِ ، ويُحِبُّنِى المَخلوقونَ ، ويُثرِى اللّهُ مالى ، ويُصِحُّ بَدَنى ، ويُطيلُ عُمُرى ، ويَحشُرُنى مَعَکَ .

فَقالَ : هذِهِ سِتُّ خِصالٍ ، تَحتاجُ إلى سِتِّ خِصالٍ ؛ إذا أرَدتَ أن يُحِبَّکَ اللّهُ فَخَفهُ وَاتَّقِهِ ، وإذا أرَدتَ أن يُحِبَّکَ المَخلوقونَ فَأَحسِن إلَيهِم وَارفُض ما فى أيدِيهِم (1) ، وإذا أرَدتَ أن يُثرِىَ اللّهُ مالَکَ فَزَکِّهِ ، وإذا أرَدتَ أن يُصِحَّ بَدَنَکَ فَأَکثِر مِنَ الصَّدَقَهِ ، وإذا أرَدتَ أن يُطيلَ اللّهُ عُمُرَکَ فَصِل ذَوى أرحامِکَ ، وإذا أرَدتَ أن يَحشُرَکَ اللّهُ مَعى فَأَطِلِ السُّجودَ بَينَ يَدَيِ اللّهِ الواحِدِ القَهّارِ . (2)3 / 14ثَمانُ خِصالٍإلإمامِ علىّ عليه السلام :طَلَبتُ القَدرَ وَالمَنزِلَهَ فَما وَجَدتُ إلاّ بِالعِلمِ ؛ تَعَلَّموا يَعظُم قَدرُکُم فِى الدّارَينِ .

وطَلَبتُ الکَرامَهَ فَما وَجَدتُ إلاّ بِالتَّقوَى ؛ اتَّقوا لِتَکرُموا .

وطَلَبتُ الغِنى فَما وَجَدتُ إلاّ بِالقَناعَهِ ؛ عَلَيکُم بِالقَناعَهِ تَستَغنوا .

وطَلَبتُ الرّاحَهَ فَما وَجَدتُ إلاّ بِتَرکِ مُخالَطَهِ النّاسِ إلاّ لِقوامِ عَيشِ الدُّنيَا ؛ اترُکُوا الدُّنيا ومُخالَطَهَ النّاسِ تَستَريحوا فِى الدّارَينِ وتَأمَنوا مِنَ العَذابِ .

وطَلَبتُ السَّلامَهَ فَما وَجَدتُ إلاّ بِطاعَهِ اللّهِ ؛ أطيعُوا اللّهَ تَسلَموا .

وطَلَبتُ الخُضوعَ فَما وَجَدتُ إلاّ بِقَبولِ الحَقِّ ؛ اقبَلُوا الحَقَّ فَإِنَّ قَبولَ الحَقِّ يُبعِدُ مِنَ الکِبرِ .

وطَلَبتُ العَيشَ فَما وَجَدتُ إلاّ بِتَرکِ الهَوى ؛ فَاترُکُوا الهَوى لِيَطيبَ عَيشُکُم .

وطَلَبتُ المَدحَ فَما وَجَدتُ إلاّ بِالسَّخاوَهِ ؛ کونوا أسخِياءَ تُمدَحوا .

وطَلَبتُ نَعيمَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ فَما وَجَدتُ إلاّ بِهذِهِ الخِصالِ الَّتى ذَکَرتُها . (3) .

1- .فى المصدر «يديهم» والصحيح ما أثبتناه كما فى بحار الأنوار .
2- .أعلام الدين : ص 268 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 164 ح 12 .
3- .جامع الأخبار : ص 341 ح 950 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 399 ح 91 .

3 / 13 شش خصلت

3 / 14 هشت خصلت

3 / 31شش خصلت3.وفی التوحید :امام علی علیه السلام :مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: به من کاری بیاموز که خداوند ، به سبب آن ، مرا دوست بدارد و آفریدگان نیز دوستم بدارند، و خدا دارایی ام را فزون گرداند و تن درستم بدارد و عمرم را طولانی گرداند و مرا با تو محشور کند.

فرمود: «اینها [یی که گفتی] شش چیز است که به شش چیز ، نیاز دارد: اگر می خواهی خدا تو را دوست بدارد ، از او بترس و تقوا داشته باش. اگر می خواهی آفریدگان دوستت بدارند ، به آنان نیکی کن و به آنچه دارند ، چشم مدوز. اگر می خواهی خدا دارایی ات را فزونی بخشد ، زکات آن را بپرداز. اگر می خواهی خدا بدنت را سالم بدارد ، صدقه بسیار بده. اگر می خواهی خداوند عمرت را طولانی گرداند ، به خویشاوندانت رسیدگی کن ؛ و اگر می خواهی خداوند تو را با من محشور کند ، در پیشگاه خدای یگانه قهّار ، سجده طولانی کن.3 / 32هشت خصلت2.وفی ثواب الأعمال قال :امام علی علیه السلام :قدر و منزلت را جُستم و آن را جز به دانش نیافتم. [پس] دانش بیاموزید ، تا قدر و منزلت شما در هر دو سرا بالا برود. ارجمندی را جُستم و آن را جز به تقوا نیافتم. [پس] تقوا پیشه کنید تا ارجمند شوید. توانگری را جُستم و آن را جز به قناعت نیافتم پس قانع باشید تا بی نیاز و توانگر شوید. آسایش را جُستم و آن را جز در ترک آمیزش با مردم، مگر در حدّ گذران

زندگی دنیا نیافتم . پس دنیا و آمیزش با مردم را ترک گویید تا در دو جهان ، آسوده شوید و از عذاب [و رنج] در امان باشید. سلامت را جُستم و آن را جز در اطاعت از خدا نیافتم . پس از خدا اطاعت کنید تا به سلامت مانید. فروتنی را جُستم و آن را جز در پذیرش حق نیافتم . پس حق را بپذیرید؛ زیرا که پذیرش حق [آدمی را [از تکبر دور می سازد. [لذّت [زندگی را جُستم و آن را جز در ترک هوس نیافتم. پس هوس را رها کنید تا زندگی شما خوش و گوارا شود. ستایش را جُستم و آن را جز در سخاوت نیافتم .

پس سخاوتمند باشید تا ستوده شوید. آسایش و سعادت دنیا و آخرت را جُستم و آن را جز با [تحقّق] این اموری که نام بردم ، نیافتم.

.

ص: 206

راجع : ص 184 (الفصل الثالث : ما ينال به خير الدنيا والآخره) ، التنميه الاقتصاديه فى الكتاب والسنّه : القسم الثالث : مبادئ التنميه .

.

ص: 207

ر . ک : ص 185 (فصل سوّم : عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت) ،

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش سوم : مبانی و اصول توسعه .

.

الفصل الرابع : أصناف الناس فی نیل الدّنیا والآخره4.و فی کامل الزیارات قال ابن قولویه :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :النّاسُ أربَعَهٌ . . . فَمُوَسَّعٌ عَلَیهِ فِی الدُّنیا مَقتورٌ عَلَیهِ فِی الآخِرَهِ ، ومَقتورٌ عَلَیهِ فِی الدُّنیا مُوَسَّعٌ عَلَیهِ فِی الآخِرَهِ ، ومَقتورٌ عَلَیهِ فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، ومُوَسَّعٌ عَلَیهِ فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (1)1. ما جاء فی دلائل الإمامه :الإمام علیّ علیه السلام :الحَرثُ (2) حَرثانِ : فَحَرثُ الدُّنیَا المالُ وَالبَنونَ ، وحَرثُ الآخِرَهِ الباقِیاتُ الصّالِحاتُ ، وقَد یَجمَعُهُمُ اللّهُ لِاءَقوامٍ . (3)2.وفی دلائل الإمامه أیضاً :عنه علیه السلام :إنَّ المالَ وَالبَنینَ حَرثُ الدُّنیا ، وَالعَمَلُ الصّالِحُ حَرثُ الآخِرَهِ ، وقَد یَجمَعُهُمَا اللّهُ لِاءَقوامٍ . (4) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 484 ح 18922 ، صحیح ابن حبّان : ج 14 ص 45 ح 6171 وزاد فیه «وشقی فی الدنیا وشقی فی الآخره» ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 97 ح 2442 ، شُعب الإیمان : ج 4 ص 32 ح 4269 وفیهما «شقی فی الدنیا والآخره» بدل «مقتور علیه فی الدنیا والآخره» ، المعجم الکبیر : ج 4 ص 207 ح 4155 کلّها عن خریم بن فاتک ، کنز العمّال : ج 6 ص 379 ح 16142 .

2- .الحَرْثُ : الکَسْب ؛ یقال : فلانٌ یحرُثُ لعیالِهِ ویحترث ؛ أی یکتسِب (مجمع البحرین : ج1 ص381 «حرث») .

3- .تاریخ دمشق : ج 42 ص 503 عن یحیی بن یعمر ، کنز العمّال : ج 16 ص 207 ح 44231 .

4- .الکافی : ج 5 ص 57 ح 6 عن حسن ، نهج البلاغه : الخطبه 23 ، خصائص الأئمّه علیهم السلام : ص 102 ، تحف العقول : ص 217 ، تفسیر القمّی : ج 2 ص 274 ، قرب الإسناد : ص 39 ح 123 کلاهما عن بکر بن محمّد الأزدی عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 72 ص 63 ح 8 ؛ تاریخ دمشق : ج 42 ص 502 عن یحیی بن یعمر ، کنز العمّال : ج 16 ص 192 ح 44216 نقلاً عن وکیع نحوه .

فصل چهارم: گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت1. ما جاء فی المحاسن :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مردم ، چهار دسته اند : ... آن که در دنیا در گشایش است و در آخرت در مضیقه ؛ آن که در دنیا در مضیقه است و در آخرت در گشایش ؛ آن که در دنیا و آخرت در مضیقه است ؛ و آن که در دنیا و آخرت در گشایش است.2.وفی حدیث آخر قال :امام علی علیه السلام :کِشت ، دو گونه است: کِشت دنیا ، مال و فرزند است، و کِشت آخرت ، باقیاتِ صالحات (اعمال صالح) . گاه خداوند ، همه اینها را به عدّه ای می دهد.امام علی علیه السلام :مال و فرزند ، کِشت دنیاست و کار نیک ، کِشت آخرت . گاهی اوقات خداوند ، هر دو اینها را به عدّه ای می دهد.

.

عنه عليه السلام :النّاسُ فِی الدُّنیا عامِلانِ : عامِلٌ عَمِلَ فِی الدُّنیا لِلدُّنیا ، قَد شَغَلَتهُ دُنیاهُ عَن آخِرَتِهِ ، یَخشی عَلی من یَخلُفُهُ الفَقرَ ، ویَأمَنُهُ عَلی نَفسِهِ ، فَیُفنی عُمُرَه فی مَنفَعَهِ غَیرِهِ . وعامِلٌ عَمِلَ فِی الدُّنیا لِما بَعدَها ، فَجاءَهُ الَّذی لَهُ مِنَ الدُّنیا بِغَیرِ عَمَلٍ ، فَأحرَزَ الحَظَّینِ مَعا ومَلَکَ الدّارَینِ جَمیعا ، فَأصبَح وَجیها عِندَ اللّهِ لا یَسأَلُ اللّهَ حاجَهً فَیَمنَعُهُ . (1)الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ اللّهَ سَیَجمَعُ لَنا ولِشیعَتِنَا الدُّنیا وَالآخِرَهَ . (2)1. جاء فی الغیبه للنعمانی والمقتضب قال :تهذیب الأحکام عن إبراهیم بن محمّد عن الإمام الصادق علیه السلام :ما أعطَی اللّهُ عَبدا ثَلاثینَ ألفا وهُوَ یُریدُ بِهِ خَیرا .

وقالَ : ما جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشَرَهَ آلافِ دِرهَمٍ مِن حِلٍّ ، وقَد یَجمَعُها لِاءَقوامٍ ؛ إذا أُعطِیَ القوتَ ورُزِقَ العَمَلَ فَقَد جَمَعَ اللّهُ لَهُ الدُّنیا وَالآخِرَهَ . (3)2.وفی دلائل الإمامه :الإمام علیّ علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : ما أحسَنَ الدّینَ وَالدُّنیا إذَا اجتَمَعا لا بارَکَ اللّهُ فِی الدُّنیا بِلا دینٍ (4) .

1- .نهج البلاغه : الحکمه 269 ، خصائص الأئمّه علیهم السلام : ص 98 ، أعلام الدین : ص 296 ولیس فیهما من «فأحرز» إلی «جمیعا» وفیهما «ملکا» بدل «وجیها» ، غرر الحکم : ح 2139 ولیس فیه ذیله ، بحار الأنوار : ج 73 ص 131 ح 135 .

2- .الکافی : ج 1 ص 474 ح 4 ، الاختصاص : ص 269 ، دلائل الإمامه : ص 289 ح 238 ، بصائر الدرجات : ص 374 ح 1 ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 737 ح 52 کلّها عن یونس بن ظبیان والمفضّل بن عمر وأبی سلمه السرّاج والحسین بن ثویر بن أبی فاخته ، بحار الأنوار : ج 47 ص 87 ح 88 .

3- .تهذیب الأحکام : ج 6 ص 328 ح 907 ، التمحیص : ص 50 ح 87 عن إبراهیم بن عمر وفیه «لقوم» بدل «له» ، مشکاه الأنوار : ص 474 ح 1584 نحوه ، بحار الأنوار : ج 72 ص 66 ح 23 .

4- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : ص 592 الرقم 449 .

امام علی علیه السلام :مردم در دنیا دو گونه عمل می کنند: یکی در دنیا برای دنیا کار می کند ، به طوری که دنیایش او را از آخرتش باز داشته است، برای بازماندگانش از فقر می ترسد ، امّا به فقر خودش [در آخرت] نیست. از این رو ، عمر خود را در راه منفعت دیگران صرف می کند و دیگری در دنیا برای بعد از دنیا کار می کند و از دنیا آنچه برای او مقدّر است ، بدون زحمت و تلاش به او می رسد . چنین کسی هر دو بهره را جمع کرده و هر دو سرا را به دست آورده است و نزد خداوند با آبرو شده ، به طوری که هر حاجتی از خدا بخواهد ، به او بدهد.امام صادق علیه السلام :به زودی خداوند ، دنیا و آخرت را به ما و شیعیان ما خواهد داد.1. جاء فی کتاب الغیبه للنعمانی :تهذیب الاحکام به نقل از ابراهیم بن محمّد امام صادق علیه السلام فرمود:«خداوند ، به هیچ بنده ای سی هزار نداده است که با این کار ، خیر او را خواسته باشد».

و فرمود: «هیچ مردی هرگز از راه حلال ، ده هزار درهم جمع نکرده است. البته گاه خداوند ، آن را به عدّه ای می دهد: هرگاه خوراکش داده و عمل روزی اش شود ، در این صورت ، خداوند ، دنیا و آخرت را برایش جمع کرده است».2.وقال النعمانی :امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : چه نیکوست دین ودنیا، هرگاه با هم جمع شوند/ خداوند به دنیای بدون دین برکت نمی دهد .

3.وقال :عنه عليه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : رُبَّ فَتیً دُنیاهُ مَوفورَهٌ لَیسَ لَهُ مِن بَعدِها آخِرَهْ وآخَرُ دُنیاهُ مَذمومَهٌ تَتبَعُها آخِرَهٌ فاخِرَهْ وآخَرُ فازَ بِکِلتَیهِما قَد جَمَعَ الدُّنیا مَعَ الآخِرَهْ وآخَرُ یُحرَمُ کِلتَیهِما لَیسَ لَهُ الدُّنیا ولاَ الآخِرَهْ (1)عنه علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : أربَعَهٌ فِی النّاسِ مَیَّزتُهُمْ أحوالُهُم مَکشوفَهٌ ظاهِرَهْ فَواحِدٌ دُنیاهُ مَقبوضَهٌ تَتبَعُها آخِرَهٌ فاخِرَهْ وواحِدٌ دُنیاهُ مَحمودَهٌ لَیسَ لَهُ مِن بَعدِها آخِرَهْ وواحِدٌ فازَ بِکِلتَیهِما قَد جَمَعَ الدُّنیا مَعَ الآخِرَهْ وواحِدٌ مِن بَینِهِم ضائعٌ لَیسَ لَهُ دُنیا ولا آخِرَهْ (2) .

1- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : ص 272 الرقم 194 .
2- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : ص 272 الرقم 195 .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : بسا جوانی که برخوردار از دنیا/ امّا بی بهره از آخرت است! و دیگری که دنیاش نکوهیده/ امّا آخرتش افتخار آفرین است! و دیگری که برخوردار از هر دو/ و گِردآورنده دنیا و آخرت با هم است! و دیگری که محروم است از هر دو/ نه دنیایی دارد و نه آخرتی!1. من روایاته ما جاء فی علل الشرائع قال الصدوق :امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : مردم را به چهار دسته متمایز می کنم/ که دارای چهار حالت آشکار و نمایان اند : یکی دستش از دنیا تهی/ امّا دارای آخرتی افتخارآمیز است . یکی دنیایش پسندیده/ امّا از آخرت ، محروم است . یکی به هر دو رسیده/ و دنیا را با آخرت ، گِرد آورده است . و یکی هر دو را از دست داده/ و نه دنیا دارد ، نه آخرت . .

الفصل الخامس : الوعی فی طلب الدّنیارسول اللّه صلی الله علیه و آله :الدُّنیا دُوَلٌ ، فَما کانَ لَکَ مِنها أتاکَ عَلی ضَعفِکَ ، وما کانَ عَلَیکَ لَم تَدفَعهُ بِقُوَّتِکَ ، ومَن انقَطَعَ رَجاؤُهُ مِمّا فاتَ استَراحَ بَدَنُهُ ، ومَن رَضِیَ بِما رَزَقَهُ اللّهُ قَرَّت عَینُهُ . (1)1. جاء فی علل الشرائع :عنه صلی الله علیه و آله :أجمِلوا (2) فی طَلَبِ الدُّنیا ؛ فَإِنَّ کُلاًّ مُیَسَّرٌ لِما خُلِقَ لَهُ . (3)2.وفی دلائل الإمامه :الإمام علیّ علیه السلام :خُذ مِنَ الدُّنیا ما أتاکَ وتَوَلَّ عَمّا تَولّی عَنک ، فَإِن أنتَ لَم تَفعَل فَأَجمِل فِی الطَّلَبِ . (4)1. جاء فی الکافی :عنه علیه السلام :الدُّنیا دُوَلٌ ، فَاطلُب حَظَّکَ مِنها بِأَجمَلِ الطَّلَبِ حَتّی تَأتِیَکَ دَولَتُکَ . (5) .

1- .الأمالی للطوسی : ص225 ح393 عن الحسن بن موسی عن أبیه الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام ، التمحیص: ص54 ح106 عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله ،نهج البلاغه :الکتاب72 عن الإمام علیّ علیه السلام وفیه«الدنیا دار دول» وفیه صدره إلی «بقوّتک»، الخصال: ص258 ح133 عن الإمام الباقر علیه السلام وفیه «ولم تمتنع منه» بدل «لم تدفعه»، تحف العقول: ص40، مشکاه الأنوار: ص233 ح659 عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار: ج73 ص94 ح72.
2- .أجمل فی طلب الشیء : اِتّأد واعتدل ولم یفرّط (لسان العرب : ج 11 ص 127 «جمل») .
3- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 725 ح 2142 ، حلیه الأولیاء : ج 3 ص 265 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 4 ح 2133 ، السنن الکبری : ج 5 ص 434 ح 10403 وفیهما «کتب له منها» بدل «خُلِقَ له» وکلّها عن أبی حمید الساعدی ، کنز العمّال : ج 4 ص 20 ح 9291 .
4- .نهج البلاغه : الحکمه 393 ، تحف العقول : ص 78 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 38 ح 83 .
5- .الخصال : ص 633 ح 10 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، کنز الفوائد : ج 1 ص 61 ، أعلام الدین : ص 173 ولیس فیهما «حتّی تأتیک دولتک» ، غرر الحکم : ح 1913 وفیه «فأجمل فی طلبها واصطبر» بدل «فاطلب حظّک منها بأجمل الطلب» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 .

فصل پنجم : هشیاری در طلب دنیا

اشاره

فصل پنجم: هشیاری در طلب دنیاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، نوبتی است . آن گاه که نوبتش به تو برسد ، به سراغ تو می آید ، هرچند ناتوان باشی و آن گاه که به زیان تو شود ، همه قدرتت هم نمی توانی آن را دفع کنی. هرکه از آنچه از کف رفته ، امید بَرکَنَد ، تنش آسوده گشت و هرکس به آنچه خدا روزی اش کرده خشنود شد، چشمش روشن گشت.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در طلب دنیا آرام باشید (افراط نکنید)؛ زیرا هرکس به آنچه برای او آفریده [و مقدّر] شده است ، می رسد.1. جاء فی الکافی :امام علی علیه السلام :از دنیا آنچه را که به تو می رسد ، برگیر و از آنچه از تو روی می گردانَد ، رو بگردان و اگر چنین نمی کنی [و در پی دنیا می روی] ، پس در طلب آن ، راه اعتدال بپوی.2.وفی علل الشرائع قال الصدوق :امام علی علیه السلام :دنیا، نوبتی است . پس بهره خود از دنیا را با آرامی تمام طلب کن تا آن که نوبت تو فرا رسد.

.

ص: 216

. .

توضیحی درباره میانه روی در طلب دنیا

توضیحی درباره میانه روی در طلب دنیادر این فصل ، لازم است که آفات توسعه مادّی و راه های پیشگیری از آن ، از نگاه قرآن و احادیث اسلامی تبیین گردند تا توسعه مادّی به بهای تخریب معنویت و جهان آخرت برای انسان تمام نشود ؛ لیکن همان طور که در مقدّمه این بخش اشاره شد این مبحث به تفصیل در کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث آمده است (1) و نیازی به تکرار آن در این جا نیست . تنها برای توضیح احادیثی که ملاحظه شد ، به این نکته اشاره می کنیم که جهان بینی الهی ، عامل اصلی برای پرهیز از آفات توسعه مادّی است ؛ زیرا پیوند با آفریننده هستی و ایمان به حیات جاودان ، انسان را از در افتادن به ورطه اعمال نامشروع باز می دارند و مانع استفاده از وسایل نادرست برای دستیابی به اهداف اقتصادی و توسعه نامشروع مادّی می گردند. بدین سان است که آدمی شکار دام دنیای نکوهیده نمی شود . تفکّر توحیدی و ایمان به تقدیر (با مفهوم درست و سازنده اش) در کنار

.

1- .ر . ک : توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش پنجم : آفات توسعه .

مدیریت و کار ، سبب می شوند که انسان با آرامش و آسودگی زندگی کند . انسان هر گاه باور کند که خداوند روزی دهنده است ، دیگر اندوه روزی را نمی خورد؛ چرا که می داند خداوند متعال ، در صورتی که او در طلب روزی خود سستی نکند ، روزی اش را تضمین کرده است . چنین کسی ، حرص نیز نمی ورزد و خود را بیش از حدّی که رَواست در کام سختی ها و خطرها نمی اندازد ؛ بلکه به زندگی کریمانه قناعت می کند و نیز آنچه را از حدّ رفع نیازش فراتر باشد ، انفاق می نماید که این خود ، مایه شکوفایی اقتصاد در گستره جامعه و خدمتی به همه انسان هاست (1) ، و این است معنای میانه روی در طلب دنیا .

.

1- .ر . ک : توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش سوم : اصول ، موانع و آفات توسعه / زهد و توسعه .

بخش دوم : دنیای نکوهیده

اشاره

بخش دوم : دنیای نکوهیدهفصل یکم: شناخت دنیای نکوهیدهفصل دوم: ارزش دنیافصل سوم: برحذر داشتن از دنیافصل چهارم: زیان های دنیادوستیفصل پنجم: ریشه های دنیادوستی

.

درآمد

اشاره

درآمدبر پایه آنچه در تبیین معنای «دنیا» از نگاه قرآن و حدیث آمد ، دنیا به خودی خود ، نه مذموم است و نه ممدوح ؛ بلکه همچون مزرعه ای است که اگر تخم بدی در آن کشت شود ، حاصل آن زیانبار و نکوهیده است و اگر تخم نیکی در آن کاشته شود ، حاصل آن سودمند و ستوده است . از این رو ، تعارضی میان احادیثی که می گویند دنیا مزرعه خیر است (1) و احادیثی که دنیا را مزرعه شر (2) می دانند ، وجود ندارد . بنا بر این ، آنچه در این بخش تحت عنوان «دنیای نکوهیده» آمده ، بدان معنا نیست که دنیا بر دو نوع است : نکوهیده و ستوده ؛ بلکه بدان معناست که بهره گیری از دنیا دو گونه است : مذموم و ممدوح . در بخش دوم از این کتاب ، رهنمودهای بسیار مهمّی در هفت فصل درباره دنیای نکوهیده ارائه می گردند . این رهنمودها به طور خلاصه عبارت اند از :

.

1- .ر .ک : ص 107 (دنیا ، کشتزار آخرت) .
2- .ر .ک : ص 263 (ویژگی های دنیا / کشتزار بدی) .

1 . تفسیر «دنیای نکوهیده»

2 . بی ارزشی دنیای نکوهیده

3 . هشدار نسبت به دام دنیا

1 . تفسیر «دنیای نکوهیده»در فصل یکم ، ابتدا اهمّیت شناخت دنیای نکوهیده مورد تأکید قرار گرفته و سپس دنیای نکوهیده تحت عناوینِ : تعریف دنیا ، ویژگی های دنیا ، مَثَل دنیا و جلوه های دنیا ، تفسیر و تبیین و بدین سان ، مرزبندی گردیده است و در پایان نیز چگونگی اقبال و اِدبار دنیا بیان شده است . چکیده سخن در این باره ، آن است که مرزهای دنیای نکوهیده ، عبارت اند از : ترجیح دادن دنیا بر آخرت ، دل بستگی به دنیا ، فریب هوس های مادّی را خوردن ، اسراف ، تجاوز به حقوق دیگران و . . . (1) و در یک کلمه ، «بهره وریِ نادرست از دنیا» ، که اگر کسی وارد این مرزها گردد ، در دام هوس هایِ نامشروع گرفتار می شود و هلاکت او قطعی است .

2 . بی ارزشی دنیای نکوهیدهآنچه در فصل دوم در تبیین بی ارزشی دنیای نکوهیده آمده است (مانند : دنیا به اندازه بال پشه ای نمی ارزد ؛ پست ترین آفریده در نزد خداست؛ پست تر از مردار است) (2) در نگاهی ابتدایی ، مبالغه آمیز به نظر می رسد ؛ امّا با تأمّل ، معلوم می شود که این تعبیرها در تبیین ارزش بهره گیری از منافع فانیِ دنیا به بهای از دست دادن منافع همیشگی آخرت ، کاملاً دقیق و حساب شده است .

3 . هشدار نسبت به دام دنیادر فصل سوم ، حقیقت لذّت های دنیا تبیین ، و هشدار داده شده که مبادا مسلمانان فریفته شیرینی و خوشی های آن شوند ؛ زیرا محبّت دنیا مبدأ انواع گرفتاری ها

.

1- .ر .ک : ص225 (فصل یکم : شناخت دنیای نکوهیده) .
2- .ر .ک : ص319 (فصل دوم : ارزیابی دنیا) .

4 . بزرگ ترین خطر دنیادوستی

وآلودگی های اخلاقی و عملی است . همچنین تأکید شده است که مصاحبت با دنیای نکوهیده خطرناک است و مصاحب دنیا نمی تواند خود را از گرفتار شدن در دام آن و آلودگی به گناه ، حفظ کند ، همان طور که کسی نمی تواند روی آب ، راه برود و پاهایش تر نشود .

4 . بزرگ ترین خطر دنیادوستیفصل چهارم ، شرح فصل سوم است ؛ زیرا فصل سوم هشدار می دهد که فریفتگی و دل بستگی به دنیا ، ریشه انواع آلودگی ها و گرفتاری هاست و در فصل چهارم ، آثار زیانبار دل بستگی به دنیا در زندگی فردی و اجتماعی ، و دنیوی و اخروی شرح داده شده اند . شایان ذکر است که در میان آثار زیانبار حبّ دنیا ، از همه خطرناک تر ، بیماریِ کوردلی و تباه شدن خرد و اندیشه است و اگر کسی دچار این بیماری گردد ، هرگز رستگار نخواهد شد . به بیان روشن تر ، دل بستگی به دنیا ، از یک سو ، ریشه در نادانی دارد و از سوی دیگر ، ثمره اش نادانی است ؛ امّا این دو نادانی ، با هم متفاوت اند : نادانی اوّل ، قابل درمان است و رهنمودهای اسلام در تعریف دنیای مذموم و تبیین خطر آن ، در حقیقت برای درمان این نوع از نادانی است ؛ ولی نادانی دوم ، قابل درمان نیست ؛ زیرا اگر رهنمودهای اسلام برای زدودن نادانی اوّل به کار گرفته نشد و آدمی در دام دنیا افتاد ، آلودگی های اخلاقی و عملی ، حجاب خرد و قلب می گردند و به تدریج ، در اثر کثرت زنگارهای جان و مزمن شدن بیماری روانی ، قدرت شناخت عقلی و قلبی از انسان سلب می گردد . در این جاست که او دیگر نمی تواند راه نجات را بیابد و سعادتمند شود . درباره این گونه افراد ، خداوند متعال خطاب به پیامبر خود می فرماید :

.

5 . ریشه دل بستگی به دنیا

6 . نشانه های دنیاپرستان و ادب برخورد با آنان

«وَ مَآ أَنتَ بِهَدِی الْعُمْیِ عَن ضَلَلَتِهِمْ . (1) و تو کوران را از گمراهی شان به راه نمی آوری» . یعنی حتّی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نیز که بزرگ ترین طبیب بیماری های روانی است ، نمی تواند او را درمان کند و هدایت نماید .

5 . ریشه دل بستگی به دنیادر فصل پنجم ، روشن می شود که دل بستگی به دنیای نکوهیده ، به دو ریشه باز می گردد : یکی نادانی و ناآگاهی ، و دیگری آرزوی دور و دراز . البته آرزوی دور و دراز نیز ریشه در ناآگاهی و نادانی دارد (2) . بنا بر این ، گام اوّل در درمان بیماریِ دنیادوستی ، تحصیل علم و معرفت ، و گام بعدی ، به کارگیری آن در عمل است .

6 . نشانه های دنیاپرستان و ادب برخورد با آناندر فصل ششم ، نشانه های دنیاپرستان و کسانی که در دام دنیا گرفتار شده اند ، بیان شده تا از این طریق ، جامعه اسلامی آنان را بشناسد . از این رو ، برای آن که انسان ، خود نیز گرفتار این دام نگردد ، نه تنها از بزرگداشت آنان باید اجتناب کند؛ بلکه روی گردانی از آنان نیز ضروری است : « فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّی عَن ذِکْرِنَا وَ لَمْ یُرِدْ إِلاَّ الْحَیَوةَ الدُّنْیَا. (3) پس ، از هر که از ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است ، روی برتاب » .

.

1- .نمل : آیه 81 .
2- .ر .ک : ج2 ص7 (ریشه های دنیا دوستی) .
3- .نجم : آیه 29 .

الفصل الأول : معرفه الدّنيا الذّميمه1 / 1أهَمِّيَّهُ مَعرِفَهِ الدُّنيا1. تقدّم ما جاء في الفصول المختاره للمفيد وفرق الشالإمام علىّ عليه السلام :أُحَذِّرُكُمُ الدُّنيا فَإنَّها لَيسَت بِدارِ غِبطَهٍ (1) ، قَد تَزَيَّنَت بِغُرورِها وغَرَّت بِزينَتِها لِمَن كانَ يَنظُرُ إلَيها ، فَاعرِفوها كُنهَ (2) مَعرِفَتِها . (3)2.وفى الكافى :عنه عليه السلام :مَن جُمِعَ فيهِ سِتُّ خِصالٍ ما يَدَعُ لِلجَنَّهِ مَطلَبا ولا عَنِ النّارِ مَهرَبا : مَن عَرَفَ اللّهَ فَأطاعَهُ ، وعَرَفَ الشَّيطانَ فَعَصاهُ ، وعَرَفَ الحَقَّ فَاتَّبَعَهُ ، وعَرَفَ الباطِلَ فَاتَّقاهُ ، وعَرَفَ الدُّنيا فَرَفَضَها ، وعَرَفَ الآخِرَهَ فَطَلَبَها . (4)1 / 2حَقيقَهُ الدُّنيَا الذَّميمَهِ1 / 2 1إيثارُ الدُّنيا عَلَى الآخِرَهِالكتاب«بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا * وَ الآخِرَهُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» . (5)

.

1- .الغِبْطَهُ : النعمه والسرور (النهايه : ج 3 ص 340 «غبط») .
2- .كُنْهُ الأمر : حقيقته (النهايه : ج 4 ص 206 «كنه») .
3- .مطالب السؤول : ص 52 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 21 ح 82 .
4- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 135 ، جامع الأخبار : ص 296 ح 806 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 304 .
5- .الأعلى : 16 و 17 .

فصل یکم : شناخت دنیای نکوهیده

1 / 1 اهمّیت شناخت دنیا

1 / 2 حقیقت دنیای نکوهیده

1 / 2 1 ترجیح دنیا بر آخرت

فصل یکم: شناخت دنیای نکوهیده1 / 33اهمّیت شناخت دنیاامام علی علیه السلام :شما را از دنیا برحذر می دارم ، که دنیا ، سرای خوشی و شادمانی نیست، بلکه فریبکارانه ، خود را آراسته و با آراستگی و زیورش کسی را که به او بنگرد ، می فریبد . پس دنیا را نیک بشناسید.1.. ومن روایاته ما جاء فی علل الشرائع ، قال الصدوقامام علی علیه السلام :هرکه شش خصلت در او گِرد آمده باشد ، همه اسباب رسیدن به بهشت و رهیدن از آتش را به دست آورده است . هرکه خدا را شناخت و فرمانش بُرد ؛ و شیطان را شناخت و نافرمانی اش کرد ؛حق را شناخت و پیروی اش کرد ؛ باطل را شناخت و از آن پرهیز کرد ؛ دنیا را شناخت و دورش افکند ؛ و آخرت را شناخت و در طلب آن برآمد.1 / 34حقیقت دنیای نکوهیده1 / 2 1ترجیح دنیا بر آخرتقرآن«بلکه شما زندگی دنیا را بر می گزینید ، در حالی که آخرت ، بهتر و ماندگارتر است» .

.

«يَأَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لاَِّزْوَ جِکَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَ أُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلاً» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أيُّهَا النّاسُ ! لا تَشغَلَنَّكُم دُنياكُم عَن آخِرَتِكُم ، فَلا تُؤثِروا أهواءَكُم عَلى طاعَةِ رَبِّكُم ، ولا تَجعَلوا أيمانَكُم ذَريعَةً (2) إلى مَعاصيكُم . (3)1.. ما جاء في التوحيد والأمالى قال الصدوق :عنه صلى الله عليه و آله مِمّا أوصى بِهِ أميرَ المُؤمِنين عليه السلام :وألاّ تُؤثِرَ الدُّنيا عَلَى الآخِرَهِ ؛ لِاَنَّ الدُّنيا فانِيَهٌ وَالآخِرَهَ الباقِيَهُ . (4)2.وفى قصص الأنبياء للراوندى :عنه صلى الله عليه و آله :الوَيلُ كُلُّ الوَيلِ لِمَن باعَ نَعيما دائِمَ البَقاءِ بِكِسرَهٍ تَفنى ، وخِرقَهٍ تَبلى . (5)1.لى بن الحسن ، قال :الإمام علىّ عليه السلام :يَقولُ اللّهُ : «مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَاوَ هُمْ فِيهَا لاَ يُبْخَسُونَ * أُوْلَئِکَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِى الآخِرَهِ إِلاَّ النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَاوَ بَطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (6) فَبِئسَتِ الدّارُ لِمَن لَم يَتَهَيَّبها ولَم يَكُن فيها عَلى وَجَلٍ (7) . (8)2.على بن محمّد قال :عنه عليه السلام :اِركَبِ الحَقَّ وإن خالَفَ هَواکَ ، ولا تَبِع آخِرَتَکَ بِدُنياکَ . (9) .

1- .الأحزاب : 28 .
2- .الذَّريعه : الوسيله (الصحاح : ج 3 ص 1211 «ذرع») .
3- .أعلام الدين : ص 339 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 181 ح 10 .
4- .الخصال : ص 544 ح 19 عن إسماعيل بن الفضل الهاشمى وإسماعيل بن زياد جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، أعلام الدين : ص 347 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 155 ح 7 وفى آخرها «الآخره باقيهٌ».
5- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 119 .
6- .هود : 15 و 16 .
7- .الوَجَلُ : الخوف (الصحاح : ج 5 ص 1840 «وجل») .
8- .تحف العقول : ص 182 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 97 ح 82 .
9- .غرر الحكم : ح 2297 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 79 ح 1907 .

«ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر زندگی دنیا و زیور آن را می خواهید ، بیایید بهره مندتان کنم و به شیوه ای نیکو ، رهایتان سازم» .

حدیث5.وفی مستطرفات السرائر فیما استطرفه من کتاب أبان بنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای مردم! مبادا دنیایتان ، شما را از آخرتتان باز دارد. پس، هوس های خود را بر فرمان بُرداری از پروردگارتان ترجیح ندهید، و عهد و پیمان و سوگندتان را وسیله ای برای نافرمانی هایتان قرار بدهید.1.. ما جاء فی الخصال ، قال الصدوق :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به امیر مؤمنان علیه السلام :و این که دنیا را بر آخرت برنگزینی؛ چرا که دنیا ، رفتنی است و آخرت ، ماندنی.2.وفی سنن الترمذی ومسند أحمد :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وای و صد وای بر کسی که نعمت پاینده را به تکّه نانی که از بین می رود و به کُهنه پارچه ای که می پوسد، بفروشد.1.محمّد بن مسعود ، قال :امام علی علیه السلام :خداوند می فرماید: «آنان که زندگی دنیا و زیورش را می خواهند ، کردارشان را در آن درست به آنان باز می دهیم و از ایشان در آن هیچ نمی کاهند. آنان ، کسانی اند که در آخرت ، جز آتش ندارند و هرچه در آن کرده اند ، هیچ شده است و تباه است آنچه می کرده اند» . پس، چه بد سرایی است [دنیا [برای کسی که از آن نهراسد و در آن ، بیمناک نباشد!2.الکشّی :امام علی علیه السلام :همواره با حق حرکت کن ، هرچند بر خلاف میل تو باشد و آخرتت را به دنیایت مفروش. .

3.ووجدت بخطّ جبرئيل بن أحمد :عنه عليه السلام :رِضاكَ بِالدُّنيا مِن سوءِ اختِيارِكَ وشَقاءِ جَدِّكَ (1) . (2)4.وفى ترجمه يحيى بن أم الطويل :عنه عليه السلام :أيُّهَا النّاسُ ، اتَّقُوا اللّهَ ، فَما خُلِقَ امرُؤٌ عَبَثا فَيَلهُوَ ، ولا تُرِكَ سُدىً فَيَلغُوَ ، وما دُنياهُ الَّتى تَحَسَّنَت لَهُ بِخَلَفٍ مِنَ الآخِرَهِ الَّتى قَبَّحَها سوءُ النَّظَرِ عِندَهُ ، ومَا المَغرورُ الَّذى ظَفِرَ مِنَ الدُّنيا بِأعلى هِمَّتِهِ كَالآخَرِ الَّذى ظَفِرَ مِنَ الآخِرَهِ بِأدنى سَهمَتِهِ . (3)5.وفى ترجمه سعيد بن المسيب :عنه عليه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ فى ذَمِّ الدُّنيا :أ لَستُم فى مَساكِنِ مَن كانَ قَبلَكُم أطوَلَ أعمارا ، وأبقى آثارا ، وأبعَدَ آمالاً ، وأعَدَّ عَديدا ، وأكثَفَ جُنودا ! تَعَبَّدوا لِلدُّنيا أىَّ تَعَبُّدٍ ، وآثَروها أىَّ إيثارٍ ، ثُمَّ ظَعَنوا (4) عَنها بِغَيرِ زادٍ مُبَلِّغٍ ولا ظَهرٍ قاطِعٍ .

فَهَل بَلَغَكُم أنَّ الدُّنيا سَخَت لَهُم نَفسا بِفِديَهٍ ، أو أعانَتهُم بِمَعونَهٍ ، أو أحسَنَت لَهُم صُحبَهً؟ ! بَل أرهَقَتهُم بِالقَوادِحِ (5) ، وأوهَقَتهُم (6) بِالقَوارِعِ (7) ، وضَعضَعَتهُم بِالنَّوائِبِ ، وعَفَّرَتهُم (8) لِلمَناخِرِ ، ووَطِئَتهُم بِالمَناسِمِ (9) ، وأعانَت عَلَيهِم رَيبَ المَنونِ .

فَقَد رَأَيتُم تَنَكُّرَها لِمَن دانَ لَها ، وآثَرَها وأخلَدَ إلَيها ، حينَ ظَعَنوا عَنها لِفِراقِ الأبَدِ ، وهَل زَوَّدَتهُم إلاَّ السَّغَبَ (10) ، أو أحَلَّتهُم إلاَّ الضَّنكَ ، أو نَوَّرَت لَهُم إلاَّ الظُّلمَهَ ، أو أعقَبَتهُم إلاَّ النَّدامَهَ ! أ فَهذِهِ تُؤثِرونَ ، أم إلَيها تَطمَئِنّونَ ، أم عَلَيها تَحرِصونَ؟ فَبِئسَتِ الدّارُ لِمَن لَم يَتَّهِمها ، ولَم يَكُن فيها عَلى وَجَلٍ مِنها ! (11) .

1- .الجَدُّ : الحَظّ والبَخت (الصحاح : ج 2 ص 452 «جدد») .
2- .غرر الحكم : ح 5413 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 269 ح 4937 .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 370 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 79 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 132 ح 136 .
4- .ظَعَنَ : اِرتَحَل (المصباح المنير : ص 385 «ظعن») .
5- .القَدْحُ والقادِحُ : أكالٌ يقع فى الشجر والأسنان (القاموس المحيط : ج 1 ص 242 «قدح») . وفى شرح نهج البلاغه : «الفوادِح» .
6- .الوَهَقُ : حبل يلقى فى عنق الشخص يؤخذ به ويوثق ، وأصله للدواب (المصباح المنير : ص 674 «وهق») .
7- .القارِعه : من شدائد الدهر ؛ وهى الداهيه . ويقال : قَرَعتهم قَوارع الدهر ؛ أى أصابتهم (لسان العرب : ج 8 ص 265 «قرع») .

8- .العَفَرُ : التراب ، وعَفَّره : أى مرّغَهُ (الصحاح : ج 2 ص 751 «عفر») .
9- .المَنَاسِمُ : جمع منسم وهو طرف خُفّ البعير (تاج العروس : ج 17 ص 685 «نسم») .
10- .سَغِبَ : جاع ، وقيل : لا يكون السَّغَب إلاّ الجوع مع التعب (المصباح المنير : ص 278 «سغب») .
11- .نهج البلاغه : الخطبه 111 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 115 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ ؛ مطالب السؤول : ص 50 كلاهما نحوه .

6.وفی الکافی :امام علی علیه السلام :راضی بودن تو به دنیا ، از بدانتخابی تو و از شوربختی توست.7.وفی الاختصاص قال الشیخ المفید :امام علی علیه السلام :ای مردم! از خدا بترسید ؛ زیرا هیچ کس بیهوده آفریده نشده است تا در نتیجه ، عمر خویش را به سرگرمی بگذراند، و سرِ خود رها نشده است تا در نتیجه ، زندگی اش را به پوچی و باطل سپری کند، و دنیای او که خویشتن را برایش آراسته ، نمی تواند جایگزین آخرتی شود که بد نگریستن به آن ، او را در نظرش زشت جلوه گر ساخته است، و فریب خورده ای که به بالاترین خواست خویش از دنیا دست یافته ، مانند کسی نیست که [حتّی] به کم ترین بهره خویش از آخرت ، دست یافته باشد.1.. ما جاء فی الغیبه للنعمانی :امام علی علیه السلام بخشی از خطبه ایشان در نکوهش دنیا :آیا شما در خانه های همان کسانی نیستید که پیش از شما بودند و از شما عمری درازتر داشتند و آثاری ماندگارتر و آرزوهایی دورتر و نیروهایی آماده تر و لشکریانی انبوه تر؟! دنیا را بندگی کردند ، چه بندگی ای! و آن را برگزیدند ، چه برگزیدنی! امّا سرانجام، بی هیچ توشه ای رساننده [به سرمنزل مقصود [و مَرکبی راهوار [طاعات و عبادات] از آن کوچیدند.

آیا هرگز شنیده اید که دنیا جانی فدای آنها کرده باشد، یا کمکی در اختیارشان نهاده باشد، یا با آنان خوش مصاحبتی کرده باشد؟! نه ؛ بلکه چونان خوره (1) به جانشان افتاد و آنان را به کمند بلاها افکند و با مصیبت ها از پا درآوردشان و بینی هایشان را به خاک مالید و لگدکوبشان کرد و پیشامدهای بد روزگار را علیه شان یاری رساند.

شما خود دیده اید که دنیا به هرکس ، سر در فرمانش نهاد و آن را [بر آخرت [برگزید و بدان گرایید ، ناآشنایی و بی اعتنایی نمود، آن گاه که برای همیشه از دنیا کوچیدند. آیا دنیا ، جز گرسنگی توشه ای در اختیارشان نهاد، یا

جز تنگی [معیشت [بر آنها چیزی روا داشت، یا جز تاریکی ، نوری به آنها داد، یا جز پشیمانی برایشان بر جای گذاشت؟! پس، آیا چنین دنیایی را بر می گزینید، یا به آن اطمینان می کنید، یا بر آن حرص می زنید؟ بدسرایی است [دنیا] برای کسی که به آن بدگمان نباشد و از آن ، در بیم و هراس به سر نبرد!.

1- .خوره، بیماری است که آن را آکله و جذام گویند و لب و بینی را می خورد (لغت نامه دهخدا).

2.وفی إکمال الدین واتمام النعمه :الإمام الصادق علیه السلام :المَسجونُ مَن سَجَنَتهُ دُنیاهُ عَن آخِرَتِهِ . (1)3.وفی دلائل الإمامه للطبری عنه :عنه علیه السلام :لا یَشغَلَنکَ طَلَبُ دُنیاکَ عَن طَلَبِ دینِکَ ؛ فَإِنَّ طالِبَ الدُّنیا رُبَّما أدرَکَ ، ورُبَّما فاتَتهُ فَهَلَکَ بِما فاتَهُ مِنها . (2)1.. ماجاء فی کشف الخفاء للعجلونی :الإمام علیّ علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : یا مُؤثِرَ الدُّنیا عَلی دینِهِ وَالنّائِمَ الحَیرانَ عَن قَصدِهِ أصبَحتَ تَرجُو الخُلدَ فیها وقَد أبرَزَ نابُ المَوتِ عَن حَدِّهِ هَیهاتَ إنَّ الموتَ ذو أسهُمٍ مَن یَرمِهِ یَوما بِها یُردِهِ (3)راجع : ج2 ص392 (ذمّ من باع آخرته بدنیا غیره) .

1 / 2 2الطُّمَأنینَهُ إلَی الدُّنیاالکتاب«إِنَّ الَّذِینَ لاَ یَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُواْ بِالْحَیَوهِ الدُّنْیَا وَ اطْمَأَنُّواْ بِهَا و الَّذِینَ هُمْ عَنْ ءَایَتِنَا غَفِلُونَ * أُوْلَئِکَ مَأوَاهُمُ النَّارُ بِمَا کَانُواْ یَکْسِبُونَ» . (4)

.

1- .الکافی : ج 2 ص 455 ح 9 ، المحاسن : ج 2 ص 6 ح 1074 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 105 ح 99 .
2- .المحاسن : ج 1 ص 356 ح 758 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 214 ح 15 .
3- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : ص 202 الرقم 131 .
4- .یونس : 7 و 8 .

1 / 2 2 دل بستگی

3.وفی کامل الزیارات قال ابن قولویه :امام صادق علیه السلام :زندانی [واقعی] کسی است که دنیایش او را از آخرتش باز داشته باشد.4.وفیه أیضا قال :امام صادق علیه السلام :طلب دنیایت ، تو را از طلب دینت باز ندارد؛ زیرا که طالب دنیا ، گاه [آن را] به دست می آورد و گاه از دستش می دهد و به واسطه همان چیزی که از دست داده است ، نابود می شود.1.. ما جاء فی کتاب من لا یحضره الفقیه ، قال الصدوقامام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : ای آن که دنیا را بر دین ، برگزیده ای/ و سرگشته ای و از راه به در رفته ای و امید جاودانگی در دنیا داری/ حال آن که نیش مرگ ، نمایان است ! چه دور است [جاودانگی] ؛چرا که دنیا تیرهادارد/ که هرگاه و بر هر که آنها را بیفکند ، نابود می کند .ر . ک : ج2 ص393 (نکوهش آن که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد).

1 / 2 2دل بستگیقرآن«آنان که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و به آن دل بستند و آنان که از نشانه های ما بی هُش اند ، آنان ، جایگاهشان آتش است، به سبب آنچه که به دست آورده اند» .

.

الحديث4.وفى علل الشرائع ، قال الصدوق :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ : يا دُنيا مُرّى عَلى عَبدِىَ المُؤمِنِ بِأنواعِ البَلايا وما هُوَ فيهِ مِن أمرِ دُنياهُ ، وضَيِّقى عَلَيهِ فى مَعيشَتِهِ ، ولا تَحلَولَى لَهُ فَيَسكُنَ إلَيكَ . (1)5.وفى الكافى :عنه صلى الله عليه و آله :كانَ تَحتَ الجِدارِ الَّذى ذَكَرَهُ اللّهُ تَعالى فى كِتابِهِ : «وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا» (2) لَوحٌ مِن ذَهَبٍ مَكتوبٌ فيهِ :

بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ

عَجَبا لِمَن أيقَنَ بِالمَوتِ كَيفَ يَفرَحُ ، وعَجَبا لِمَن أيقَنَ بِالقَدَرِ كَيفَ يَحزَنُ ، وعَجَبا لِمَن أيقَنَ بِزَوالِ الدُّنيا وتَقَلُّبِها بِأهلِها كَيفَ يَطمَئِنُّ قَلبُهُ إلَيها ، لا إلهَ إلاَّ اللّهُ . (3)1.ما جاء فى رجال الكشّى :الإمام علىّ عليه السلام :سُكونُ النَّفسِ إلَى الدُّنيا مِن أعظَمِ الغُرورِ . (4) .

1- .المؤمن : ص 24 ح 33 عن الإمام الباقر عليه السلام ، التمحيص : ص 49 ح 81 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «فيركن» بدل «فيسكن» ، أعلام الدين : ص 435 وليس فيهما «وما هو فيه من أمر دنياه» ، بحار الأنوار : ج 72 ص 52 ح 73 .
2- .الكهف : 82 .
3- .كنز الفوائد : ج 1 ص 380 عن أنس ، الجعفريّات : ص 238 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تاريخ اليعقوبى : ج 2 ص 101 بزياده «وعجبا لمن يوقن بالنار كيف يضحک» بعد «كيف يحزن» ، الكافى : ج 2 ص 59 ح 9 عن علىّ بن أسباط عن الإمام الرضا عليه السلام ، الخصال : ص 236 ح 79 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، معانى الأخبار : ص 200 ح 1 عن عمر بن جميع رفعه إلى الإمام علىّ عليه السلام ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 44 ح 158 ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 254 ح 180 كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام ، علل الشرائع : ص 62 ح 1 ، تفسير القمّى : ج 2 ص 40 كلاهما عن محمّد بن عماره عن الإمام الصادق عليه السلام ، رجال الكشّى : ج 2 ص 859 ح 1116 عن أحمد بن عمر الحلبى عن الإمام الجواد عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 520 ح 1751 عن الإمام الرضا عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 288 ح 4 .
4- .غرر الحكم : ح 5650 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 285 ح 5155 .

حدیث1.. فی بحارالأنوار وتمام السند فی تاریخ جرجان :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید: «ای دنیا! با انواع بلاها بر بنده مؤمن من ، تلخ شو و امور دنیایش را به کام او شرنگ ساز و زندگی اش را بر او ننگ گردان و برایش شیرین مشو که به تو دل بستگی پیدا کند».2.وفی فلاح السائل :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در زیر آن دیواری که خداوند متعال در ستایش از آن یاد کرده و فرموده است: «و در زیر آن ، گنجی متعلّق به آن دو نفر [کودک یتیم [بود» ، لوحی زرّین قرار داشت و در آن ، چنین نوشته شده بود:

«به نام خدای مهرگسترِ مهربان . در شگفتم از کسی که به مرگ ، یقین دارد ، چگونه شاد می شود؟ و در شگفتم از کسی که به تقدیر ، یقین دارد ، چرا اندوهگین می شود؟ و در شگفتم از کسی که به از کف رفتن دنیا و بی وفایی آن به اهلش یقین دارد ، چگونه به آن دل خوش می کند؟ معبودی جز خدا نیست.1.. ما جاء فی الکافی :امام علی علیه السلام :اعتماد کردن به دنیا ، از بزرگ ترین فریب هاست. .

2.وفی رجال الکشّی :عنه علیه السلام :إنّی اُحَذِّرُکُمُ الدُّنیا ، فَإنّها حُلوَهٌ خَضِرَهٌ . . . کَم مِن واثِقٍ بِها قَد فَجَعَتهُ ، وذی طُمَأنینَهٍ إلَیها قَد صَرَعَتهُ ، وذی أُبَّهَهٍ (1) قَد جَعَلَتهُ حَقیرا . (2)3.وفی بصائر الدرجات :عنه علیه السلام فی کِتابِهِ إلی عَمرِو بنِ العاص فی حَربِ صِفّین :أمّا بَعدُ ، فَإنَّ الَّذی أعجَبَکَ مِنَ الدُّنیا مِمّا نازَعَتکَ إلَیهِ نَفسُکَ ووَثِقتَ بِهِ مِنها لَمُنقَلِبٌ عَنکَ ومُفارِقٌ لَکَ ، فَلا تَطمَئِنَّ إلَی الدُّنیا فَإنَّها غَرّارَهٌ . ولَوِ اعتَبَرتَ بِما مَضی لَحَفِظتَ ما بَقِیَ ، وَانتَفَعتَ بِما وُعِظتَ بِهِ . (3)1.ما جاء فی الکافی :عنه علیه السلام :إنَّ الدُّنیا تُخلِقُ الأبدانَ وتُجَدِّدُ الآمالَ ، وتُقَرِّبُ المَنِیَّهَ وتُباعِدُ الاُمنِیَّهَ ، کُلَّمَا اطمَأنَّ صاحِبُها مِنها إلی سُرورٍ أشخَصَتهُ مِنها إلی مَحذورٍ . (4)2.وفی کتاب الغیبه للنعمانی ، قال :الکافی عن جابر :دَخَلتُ عَلی أبی جَعفَرٍ علیه السلام فَقالَ : . . . یا جابِرُ ، إنَّ المُؤمِنینَ لَم یَطمَئِنّوا إلَی الدُّنیا بِبَقائِهِم فیها ، ولَم یَأمَنوا قُدومَهُمُ الآخِرَهَ .

یا جابِرُ ، الآخِرَهُ دارُ قَرارٍ ، وَالدُّنیا دارُ فَناءٍ وزَوالٍ ، ولکِنَّ أهلَ الدُّنیا أهلُ غَفلَهٍ ، وکَأنَّ المُؤمِنینَ (5) هُمُ الفُقَهاء أهلُ فِکرَهٍ وعِبرَهٍ ؛ لَم یُصِمَّهُم عَن ذِکرِ اللّهِ جَلَّ اسمُهُ ما سَمِعوا بِآذانِهِم ، ولَم یُعمِهِم عَن ذِکرِ اللّهِ ما رَأوا مِنَ الزّینَهِ بِأعیُنِهِم ، فَفازوا بِثَوابِ الآخِرَهِ ، کَما فازوا بِذلِکَ العِلمِ . (6) .

1- .الأُبَّهَهُ : العَظَمه والبهاء (النهایه : ج 1 ص 18 «أبه») .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 111 ، تحف العقول : ص 181 بزیاده «وذی حذر قد خدعته» بعد «قد صرعته» ، غرر الحکم : ح 6947 ح 6949 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 97 ح 82 .
3- .وقعه صفّین : ص 498 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 539 ح 451 .
4- .غرر الحکم : ح 3675 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 146 ح 3243 .
5- .فی تنبیه الخواطر : «وکان المؤمنون» بدل «وکأنّ المؤمنین» .
6- .الکافی : ج 2 ص 132 ح 16 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 193 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 36 ح 17 وراجع کشف الغمّه : ج 2 ص 333 وتحف العقول : ص 287 وتاریخ دمشق : ج 54 ص 281 .

3.وفی ثواب الأعمال :امام علی علیه السلام :من ، شما را از دنیا برحذر می دارم؛ زیرا که دنیا شیرین و خرّم است... چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند و دنیا ، آنان را دردمند ساخت، و چه بسیار کسانی که به دنیا دل خوش کردند و دنیا ، آنان را زمین زد، و چه بسیار افراد با جاه و جلالی که دنیا ، حقیرشان کرد!4.و فی کتاب الغیبه أیضا قال النعمانی :امام علی علیه السلام در نامه اش به عمرو بن عاص در جنگ صفّین :امّا بعد، این دنیایی که تو را خوش آمده و نفست مشتاق آن گشته و بدان ، دل بسته ای، بی گمان ، به تو پشت خواهد کرد و از تو جدا خواهد شد . پس به دنیا دل خوش مکن که دنیا . فریبنده است. اگر از آنچه گذشته است ، عبرت گیری ، آنچه را مانده است ، حفظ خواهی کرد و از پند و اندرزهایش استفاده خواهی کرد.1.امام علی علیه السلام :دنیا، بدن ها را کهنه و آرزوها را نو می کند، مرگ را نزدیک و امید را دور می سازد. هرگاه صاحب دنیا به خوشی ای از آن آسوده خاطر گشت ، دنیا او را از آن خوشی به محذوری کشاند.2.وفیه أیضا :الکافی به نقل از جابر :خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم . فرمود:... ای جابر! مؤمنان به ماندنشان در دنیا مطمئن نیستند و از رسیدن به آخرتشان [بهشت [آسوده خاطر نیستند.

ای جابر! آخرت ، خانه ماندگاری است و دنیا ، خانه نابودی و زوال ؛ امّا اهل دنیا اهل غفلت اند و این مؤمنان اند که اهل فهم و اندیشیدن و عبرت آموختن هستند . نه آنچه با گوش هایشان شنیدند ، آنان را از یاد خداوند که نامش شکوهمند باد کَر ساخت، و نه آنچه از زرق و برق دیدند ، آنان را از یاد خداوند ، کور ساخت. پس به پاداش آخرت دست یافتند، چنان که به این دانش و معرفت ، دست یازیدند. .

3.وفی المحاسن :الإمام الصادق علیه السلام :إن کانَتِ الدُّنیا فانِیَةً فَالطُّمَأنینَةُ إلَیها لِماذا؟! (1)4.وفی الکافی :عنه علیه السلام :کانَ عیسَی بنُ مَریَمَ علیه السلام یَقولُ لِأَصحابِهِ : یا بَنی آدَمَ اهرَبوا مِنَ الدُّنیا إلَی اللّهِ ، وأخرِجوا قُلوبَکُم عَنها ؛ فَإِنَّکُم لا تَصلَحونَ لَها ولا تَصلُحُ لَکُم ، ولا تَبقَونَ فیها ولا تَبقی لَکُم ، هِیَ الخَدّاعَةُ الفَجّاعَةُ ، المَغرورُ مَن اغتَرَّ بِها ، المَغبونُ مَن اطمَأنَّ إلَیها ، الهالِکُ مَن أحَبَّها وأرادَها ، فَتوبوا إلَی بارِئِکُم وَاتَّقوا رَبَّکُم ، وَاخشَوا یَوما لا یَجزِی والِدٌ عَن وَلَدِهِ ، ولا مَولودٌ هُوَ جازٍ عَن والِدِهِ شَیئا . (2)1 / 2 3الرُّکونُ إلَی الدُّنیا2.وفی تفسیر القمّی أیضا :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لا تَرکَنوا إلَی الدُّنیا ؛ فَإِنَّها قَد آذَنَت بِفِراقِها ، ودَعَت إلی غُرورِها ، فَاحذَروا فَجعَتَها . (3)1.قال :عنه صلی الله علیه و آله فی مَوعِظَتِهِ لِابنِ مَسعود :یَابنَ مَسعودٍ ، لا تَرکَن إلَی الدُّنیا ولا تَطمَئِنَّ إلَیها ؛ فَستُفارِقُها عَن قَلیلٍ . (4)2.عن أبی طالب عبداللّه بن الصلت القمّی ، قال :عنه صلی الله علیه و آله :لا تَکونوا مِمَّن خَدَعَتهُ العاجِلَهُ ، وغَرَّتهُ الاُمنِیَّهُ ، فَاستَهوَتهُ الخُدعَهُ ، فَرَکَنَ إلی دارِ سَوءٍ سَریعَهِ الزَّوالِ ، وَشیکَهِ الاِنتِقالِ . إنَّهُ لَم یَبقَ مِن دُنیاکُم هذِهِ

فی جَنبِ ما مَضی إلاّ کَإِناخَهِ راکِبٍ ، أو صَرِّ حالِبٍ (5) ، فَعَلامَ تَعرُجونَ ، وماذا تَنتَظِرونَ؟! (6) .

1- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 393 ح 5836 ، الخصال : ص 450 ح 55 ، التوحید : ص 376 ح 21 ، الأمالی للصدوق : ص 56 ح 12 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 139 کلّها عن أبان بن عثمان ، بحار الأنوار : ج 78 ص 190 ح 1 .
2- .الأمالی للصدوق : ص 650 ح 884 عن منصور بن حازم ، روضه الواعظین : ص 489 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 288 ح 13 .
3- .الفردوس : ج 3 ص 586 ح 5835 عن أبی هریره .
4- .مکارم الأخلاق : ج 2 ص 353 ح 2660 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 104 ح 1 .
5- .أصل الصَّرّ : الجمع والشدّ . ومن عاده العرب أن تَصُرَّ ضُروع الحَلُوبات إذا أرسلوها إلی المَرْعَی سارِحَه ، فإذا راحت عَشیّاً حُلَّت تلک الأصِرّه وحُلبت (النهایه : ج 3 ص 22 «صرر») .
6- .أعلام الدین : ص 340 عن أبی هریره ، بحار الأنوار : ج 77 ص 183 ح 10 .

1 / 2 3 دل بستگی به دنیا

3.حدّثنی محمّد بن قولویه ، قال حدّثنی سعد بن أحمد بامام صادق علیه السلام :اگر دنیا نابود شدنی است ، پس دل خوش کردن به آن ، چرا؟ !4.محمّد بن مسعود ، قال :امام صادق علیه السلام :عیسی بن مریم علیهاالسلام به یارانش می گفت: «ای فرزندان آدم ! از دنیا به خدا بگریزید و دل هایتان را از دنیا بیرون برید ؛ زیرا که نه شما شایسته دنیایید ، نه دنیا شایسته شماست . نه شما در دنیا می مانید ، نه دنیا برای شما می مانَد. دنیا ، فریبکار و مصیبت بار است. فریب خورده [ی واقعی] کسی است که فریب دنیا را بخورد؛ زیان دیده ، کسی است که به دنیا آرمید؛ به هلاکت در افتاده ، کسی است که دنیا را دوست داشت و خواستارش شد. پس به درگاه آفریدگارتان توبه آرید و از پروردگارتان پروا کنید و بترسید از آن روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی آید و هیچ فرزندی نیز به کار پدرش نخواهد آمد.1 / 2 3دل بستگی به دنیا1.. ما جاء فی البصائر للصفار ، قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به دنیا دل مبندید ، که دنیا ، جداییِ خود را اعلام کرده و به فریبندگی های خویش ، فرا می خواند. پس ، از مصیبت آفرینی های آن ، بر حذر باشید.2.وفیه أیضا قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرزش به ابن مسعود :ای پسر مسعود ! به دنیا دل مبند و بدان میارام ؛ زیرا به زودی از آن جدا خواهی شد.3.وفیالمحاسن:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از آنان نباشید که دنیای زودگذر ، فریبشان داد و آرزو ، گولشان زد و اسیر نیرنگ [دنیا] شدند و در نتیجه، به سرای بدی که زود زوال می پذیرد و آماده انتقال [به دیگری] است، دل بستند. آنچه از این دنیای شما باقی مانده ، در برابر آنچه گذشته ، به اندازه خُسباندن اشتری [برای آسودن

ساعاتی] یا بستن پستان حیوان شیردهی (1) بیش نیست. پس بر چه درنگ می کنید و منتظر چه هستید؟ !

.

1- .عرب ها عادت داشتند که هنگام رها کردنِ حیوانات شیرده خویش در چراگاه ، پستان هاشان را با کیسه ای می بستند و غروب که بر می گشتند

، کیسه ها را باز می کردند و حیوانات را می دوشیدند (النهایه : ج 3 ص 22 «صرر»).

1.. جاء فی نوادر المعجزات ودلائل الإمامه ، قال أبوجالإمام علیّ علیه السلام :مَنِ اعتَمَدَ عَلَی الدُّنیا فَهُوَ الشَّقِیُّ المَحرومُ . (1)2.جاء فی إکمال الدین :عنه علیه السلام :مَن حَسُنَ ظَنُّهُ بِالدُّنیا تَمَکَّنَت مِنهُ المِحنَهُ . (2)3.ما جاء فی کتاب الغیبه ، للنعمانی :عنه علیه السلام :هَلَکَ مَنِ استَنامَ إلَی الدُّنیا وأمهَرَها دینَهُ ، فَهُوَ حَیثُما مالَت مالَ إلَیها ، قَدِ اتَّخَذَها هَمَّهُ ومَعبودَهُ . (3)1.جاء فی مختصر الدرجات :عنه علیه السلام :لا تَعصِمُ الدُّنیا مَن لَجَأَ إلَیها . (4)2.جاء فی الأمالی :الإمام زین العابدین علیه السلام :لا تَرکَنوا إلی ما فی هذِهِ الدُّنیا رُکونَ مَنِ اتَّخَذَها دارَ قَرارٍ ومَنزِلَ استیطانٍ ، وَاللّهِ إنَّ لَکُم مِمّا فیها عَلَیها لَدلیلاً وتَنبیها ؛ مِن تَصریفِ أیّامِها وتَغَیُّرِ انقِلابِها ومَثُلاتِها (5) وتَلاعُبِها بِأهلِها ، إنَّها لَتَرفَعُ الخَمیلَ وتَضَعُ الشَّریفَ ، وتورِدُ أقواما إلَی النّارِ غَدا ، فَفی هذا مُعتَبَرٌ ومُختَبَرٌ وزاجِرٌ لِمُنتَبِهٍ . (6)1.. جاء فی کامل الزیارات ، والمزار للمفید ، والمزارعنه علیه السلام لِاَصحابِهِ :أما بَلَغَکُم ما قالَ عیسَی بنُ مَریَمَ علیه السلام لِلحَوارِیّین؟ قالَ لَهُم : . . . أیُّکُم یَبنی عَلی مَوجِ البَحرِ دارا؟ تِلکُمُ الدّارُ الدُّنیا ، فَلا

تَتَّخِذوها قَرارا . (7) .

1- .غرر الحکم : ح 9083 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 425 ح 7198 .
2- .غرر الحکم : ح 8841 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 435 ح 7528 .
3- .غرر الحکم : ح 10033 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 511 ح 9312 .
4- .غرر الحکم : ح 10700 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 538 ح 9941 .
5- .المَثُلات : الأشباه والأمثال ممّا یُعتبر به (مجمع البحرین : ج 3 ص 1671 «مثل») .
6- .الکافی : ج 8 ص 15 ح 2 ، الأمالی للمفید : ص 200 ح 33 نحوه ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 37 وفیه «لنیّته» بدل «لمنتبه» وکلّها عن أبی حمزه الثمالی ، تحف العقول : ص 253 نحوه .
7- .الأمالی للمفید : ص 43 ح 1 عن أبی حمزه الثمالی ، تنبیه الخواطر : ج 1 ص 76 وص133 من دون إسنادٍ إلی المعصوم ، بحار الأنوار : ج 73 ص 107 ح 107 ؛ الزهد لابن حنبل : ص 76 عن مکحول من دون إسنادٍ إلی المعصوم وراجع الدرّ المنثور : ج 2 ص 207 والبدایه والنهایه : ج 2 ص 89 .

2.جاء فی طبّ الأئمّه :امام علی علیه السلام :هرکه به دنیا تکیه کند ، بدبخت و بی بهره است.3.جاء فی الکافی :امام علی علیه السلام :هرکه به دنیا خوش گمان باشد ، گرفتار رنج و سختی می شود.1.. جاء فی التهذیب :امام علی علیه السلام :هرکه به دنیا خو گرفت و دینش را کابین آن قرار داد ، به هر طرف که دنیا رو آورَد ، او نیز رو می کند [و در واقع] ، دنیا را آرمان و معبود خویش گرفته است.2.جاء فی الخصال :امام علی علیه السلام :دنیا از کسی که به آن پناه ببرد ، پاسداری نمی کند.3.جاء فی الهدایه الکبری :امام زین العابدین علیه السلام :به آنچه در این دنیاست ، دل مبندید ، چونان دل بستگیِ کسی که آن را خانه ماندن و منزلگاه همیشگی قرار داده است. به خدا سوگند که در امور این دنیا ، برای شما نشانی و هشداری بر [بی وفایی و ناپایداریِ [دنیاست: اموری چون کشاکش روزگار ، فراز و نشیب های آن ، کیفرهای عبرت آموزش و به بازی گرفتن اهل خود. دنیا، گم نام را بالا می برد و بلندْ پایه را پست می گردانَد و فردای قیامت ، اقوامی را به آتش می افکند و در این همه ، عبرت و تجربه و مایه بازدارندگی است برای شخص هشیار.1.. جاء فی دلائل الإمامه :امام زین العابدین علیه السلام به یارانش :آیا آنچه عیسی بن مریم علیهماالسلام به حواریان فرمود: به شما نرسیده است؟ او به آنان فرمود : «... کدام یک از شما بر [روی [موج دریا خانه ای می سازد؟ دنیا، چنین خانه ای است. پس، آن را اقامتگاه مگیرید». .

2.جاء فی مختصر البصائر قال الحسن بن سلیمان الحلّی :الإمام الصادق علیه السلام :فیما ناجَی اللّهُ بِهِ موسی علیه السلام : یا موسی ، لا تَرکَن إلَی الدُّنیا رُکونَ الظّالِمینَ ورُکونَ مَن اتَّخَذَها أبا وأُمّا . . . وَاترُک مِنَ الدُّنیا ما بِکَ الغِنی عَنهُ ، ولا تَنظُر عَینُکَ إلَی کُلِّ مَفتونٍ بِها ومُوَکَّلٌ إلی نَفسِهِ ، وَاعلَم أنَّ کُلَّ فِتنَهٍ بَدؤُها حُبُّ الدُّنیا . (1)1.. جاء فی مختصر بصائر الدرجات :تنبیه الخواطر :أوحَی اللّهُ تَعالی إلی موسی علیه السلام : أن یا موسی لا تَرکَنَنَّ إلی حُبِّ الدُّنیا ؛ فَلَنِ تَأتِیَنی بِکَبیرَهٍ هِیَ أشَدُّ مِنها . (2)2.جاء فی الخصال :حِلیَه الأولیاء عن کَعبِ الأحبار :إنَّ الرَّبَّ تَعالی قالَ لِموسی علیه السلام : . . . أدنِ الفُقَراءَ وقَرِّب مُجالَستَهُم مِنکَ ، ولا تَرکَنَنَّ إلی حُبِّ الدُّنیا ؛ فَإنَّکَ لَن تَلقانی بِکَبیرَهٍ مِنَ الکَبائِرِ أضَرَّ عَلَیکَ مِنَ الرُّکونِ إلَی الدُّنیا . (3)راجع : ص74 (مَثَل أهل الدنیا / مَثَل المسافر) .

1 / 2 4الاِغتِرارُ بِالدُّنیاالکتاب«یَاأَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلاَ تَغُرَّنَّکُمُ الْحَیَوهُ الدُّنْیَا و لاَ یَغُرَّنَّکُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ» . (4)

.

1- .الکافی : ج 2 ص 135 ح 21 عن ابن أبی یعفور ، قصص الأنبیاء : ص 162 ح 184 عن أبی یعقوب وفیه «بذرها» بدل «بدؤها» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 73 ح 37 .
2- .تنبیه الخواطر : ج 1 ص 134 ، التحصین لابن فهد : ص 27 ح 45 .
3- .حلیه الأولیاء : ج 6 ص 5 .
4- .فاطر : 5 .

1 / 2 4 فریفته شدن به دنیا

3.فی بصائر الدرجات أیضا :امام صادق علیه السلام :از نجواهای خداوند با موسی علیه السلام این بود که: «ای موسی! به دنیا دل مبند ، همانند دل بستگیِ ستمگران و دل بستگیِ کسی که دنیا را پدر و مادرِ خویش گرفته است... از دنیا ، آنچه را که بدان نیازی نداری ، رها کن و به آنان که فریفته دنیا گشته اند و به خود ، وا نهاده شده اند، منگر و بدان که هر گرفتاری ای، آغازش دنیا دوستی است».تنبیه الخواطر:خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای موسی ، زنهار! به دنیادوستی مگرای؛ زیرا هرگز با گناه کبیره ای بر من وارد نشوی که بدتر از دنیادوستی باشد».حلیه الأولیاء به نقل از کعب الأحبار :پروردگار متعال به موسی علیه السلام فرمود: «... بینوایان را به خود نزدیک گردان و با آنان ، همنشینیِ نزدیک داشته باش و به دنیادوستی مگرای؛ زیرا، هرگز با [گناهِ [کبیره ای از کبائر با من دیدار نخواهی کرد که برایت زیانبارتر از گرایشِ به دنیا باشد.ر . ک : ص75 (مَثَل اهل دنیا / مَثَل مسافر) .

1 / 2 4فریفته شدن به دنیاقرآن«ای مردم! به راستی که وعده خدا راست است . پس ، زنهار تا زندگی دنیا شما را نفریبد و زنهار تا آن فریبنده (شیطان) شما را بیهوده به خدا امیدوار نسازد» .

.

الحديث2.جاء فى الهدايه الكبرى للخصيبى ، قال :صحيح البخارى عن أبى سعيد الخُدرى :قالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : إنَّ أكثَرَ ما أخافُ عَلَيكُم ما يُخرِجُ اللّهُ لَكُم مِن بَرَكاتِ الأَرضِ. قيلَ: وما بَرَكاتُ الأَرضِ؟ قالَ : زَهرَةُ الدُّنيا. (1)1.. جاء فى بصائر الدرجات ، قال الصفار :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ أخوَفَ ما أخافُ عَلَيكُم ما يُخرِجُ اللّهُ مِن نَباتِ الأَرضِ وزَهرَةِ الدُّنيا . (2)2.وفيه أيضا قال :عنه صلى الله عليه و آله :يا عَجَبا كُلّ العَجَبِ لِلمُصَدِّقِ بِدارِ الخُلودِ وهُوَ يَسعى لِدارِ الغُرورِ ! (3)1.. جاء فى الكافى :عنه صلى اللّه عليه و آله :أينَ الرّاضونَ بِالمَقدورِ؟ أينَ السّاعونَ لِلمَشكورِ؟ عَجَبٌ لِمَن يُؤمِنُ بِدارِ الخُلودِ كَيفَ يَسعى لِدارِ الغُرورِ ! (4)2.وفيه أيضا :الإمام علىّ عليه السلام عِندَ تِلاوَتِهِ : «يَأَيُّهَا الْاِءنسَنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (5) : حَقّا أقولُ ! مَا الدُّنيا غَرَّتكَ ، ولكِن بِهَا اغتَرَرتَ ، ولَقَد كاشَفَتكَ العِظَاتِ ، وآذَنَتكَ عَلى سَواءٍ . ولَهِيَ بِما تَعِدُكَ مِن نُزولِ البَلاءِ بِجِسمِكَ ، وَالنَّقصِ فى قُوَّتِكَ ، أصدَقُ وأوفى مِن أن تَكذِبَكَ ، أو تَغُرَّكَ . ولَرُبَّ ناصِحٍ لَها عِندَكَ مُتَّهَمٌ ، وصادِقٍ مِن خَبَرِها مُكَذَّبٌ .

ولَئِن تَعَرَّفتَها فِى الدّيارِ الخاوِيَهِ ، وَالرُّبوعِ الخالِيَهِ ، لَتَجِدَنَّها مِن حُسنِ تَذكيرِكَ ، وبَلاغِ مَوعِظَتِكَ ، بِمَحَلِّهِ الشَّفيقِ عَلَيكَ ، وَالشَّحيحِ بِكَ !

ولَنِعمَ دَارُ مَن لَم يَرضَ بِها دارا ، ومَحَلُّ مَن لَم يُوَطِّنها مَحَلاً ، وإنَّ السُّعَداءَ بِالدُّنيا غَدا هُمُ الهارِبونَ مِنهَا اليَومَ . (6) .

1- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2362 ح 6063 وج 3 ص 1045 ح 2687 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 727 ح 121 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 281 ح 5710 كلّها نحوه ؛ المحجّه البيضاء : ج 5 ص 358 .
2- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 16 ح 11035 ، مسند الحميدى : ج 2 ص 325 ح 740 ، حليه الأولياء : ج 7 ص 311 كلّها عن أبى سعيد الخدرى .
3- .ذمّ الدنيا لابن أبى الدنيا : ص 19 ح 14 عن عمرو بن مرّه عن الإمام الباقر عليه السلام ، الدرّ المنثور : ج 6 ص 476 نقلاً عن شُعب الإيمان عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ؛ المحاسن : ج 1 ص 377 ح 831 عن أبى النعمان عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «يعمل» بدل «يسعى» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 184 ح 10 .
4- .الزهد لهنّاد : ج 1 ص 294 ح 514 عن عمرو بن مرّه ، كنز العمّال : ج 3 ص 160 ح 5962 .

5- .الانفطار : 6 .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 223 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 193 ح 59 .

حدیث1.. جاء فی کامل الزیارات :صحیح البخاری به نقل از ابو سعید خُدری :پیامبر خدا فرمود: «بیشترین ترس و نگرانی من برای شما ، از برکت های زمین است که خداوند در اختیارتان می گذارد».

گفته شد: برکت های زمین چیست؟

فرمود: «خرّمی و بهجت دنیا».2.جاء فی الخصال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ترسناک ترین چیزی که من از آن بر شما می ترسم ، محصولات زمین و خرّمی و بهجت دنیاست که خداوند در اختیارتان می گذارد.1.. جاء فی الکافی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شگفتا، شگفتیِ تمام از کسی که به سرای جاودانگی باور دارد و با این حال ، برای سرای فریب (دنیا) می کوشد!2.جاء فی الکافی ، والتهذیب واللفظ للکافی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کجایند خشنودان از تقدیر؟ کجایند کوشندگان برای آنچه مورد قدردانی [از سوی خداوند] قرار می گیرد؟ شگفتا از کسی که به سرای جاودانگی ایمان دارد ، چگونه برای سرای فریب می کوشد؟ !امام علی علیه السلام در هنگام تلاوت آیه «ای انسان! چه چیز تو را به پروردگار کریمت بیهوده امیدوار ساخت؟» :به راستی می گویم، دنیا تو را فریب نداد ؛ بلکه تو به آن فریفته شدی. دنیا به تو پندها [و درس های عبرت آموز] داد و عادلانه و یکسان (همانند دیگران) آگاهت ساخت و به آنچه تو را وعده می دهد، از قبیل : رسیدن رنج و درد به جسمت و کاستی یافتن نیرویت، راستگوتر و وفادارتر از آن است که به تو دروغ بگوید یا فریبت بدهد . دنیا ، راهنماهای بسیار دارد ، امّا تو بدانها بدگمانی و خبرهای راست فراوان دارد ، لیکن تو دروغشان می پنداری.

اگر دنیا را در خانه های بر باد رفته و منزلگاه های تهی گشته [از سکنه] بکاوی، آن را در نیکو اندرزدهی و پندِ رسا دادن ، چونان یار دلسوز و سخت علاقه مند به خود ، خواهی یافت!

[دنیا] نیکو سرایی است برای کسی که آن را سرای [ماندگاریِ] خود نداند و خوب منزلگاهی است برای کسی که در آن منزلگاه ، وطن نگزیند. نیک بختانِ به دنیا ، فردا[ی قیامت] آنان اند که امروز از آن گریزان اند. .

1.. جاء فی الکافی :عنه علیه السلام :الدُّنیا حُلوَهٌ ، الحَلاوَهُ لِمَن اغتَرَّ بِها . (1)2.فی البصائر :عنه علیه السلام :مَا العاجِلَهُ خَدَعَتکَ ، ولکِن بِهَا انخَدَعتَ . (2)3.وفیه أیضا :عنه علیه السلام :الدُّنیا حُلمٌ ، وَالاِغتِرارُ بِها نَدَمٌ . (3)4.وفی الإرشاد :عنه علیه السلام :اِحذَر أن یَخدَعَکَ الغُرورُ بِالحائِلِ (4) الیَسیرِ ، أو یَستَزِلَّکَ السُّرورُ بِالزّائِلِ الحَقیرِ. (5)1.. جاء فی المحاسن :عنه علیه السلام فی ذَمِّ الدُّنیا :تَجافَوا عَنها ، فَإِنَّ المُغتَرَّ مَنِ اغتَرَّ بِها . (6)2.جاء فی مئه منقبه للقمّی ، قال :عنه علیه السلام :ما قَدَّمتَ فَهُوَ لِلمالِکینَ ، وما أخَّرتَ فَهُوَ لِلوارِثینَ ، وما مَعَکَ فَما لَکَ عَلَیهِ سَبیلٌ سِوَی الغُرورِ بِهِ . کَم تَسعی فی طَلَبِ الدُّنیا؟ وکَم تَرعی؟ أفَتُریدُ أن تُفقِرَ نَفسَکَ وتُغنِیَ غَیرَکَ؟ ! (7)3.وفی مختصر البصائر :عنه علیه السلام :أیُّهَا المُعَلِّلُ نَفسَهُ بِالدُّنیَا ، الراکِضُ علی حَبائِلِهَا (8) ، المُجتَهِدُ فی عِمارَهِ ما سَیُخرَبُ مِنها ! أَلَم تَرَ إلی مَصارِعِ آبائِکَ فِی البِلی ، ومَصارِعِ أبنائِکَ تَحتَ

الجَنادِلِ وَالثَّری؟ کَم مَرَّضتَ بِیَدَیکَ ، وعَلَّلتَ بِکَفَّیکَ ، تَستَوصِفُ لَهُمُ الأَطِبّاءَ وتَستَعتِبُ لَهُمُ الأَحِبّاءَ ، فَلَم یُغنِ عَنهُم غَناؤُکَ ، ولا یَنجَعُ (9) فیهِم دَواؤُکَ . (10) .

1- .الاحتجاج:ج1 ص397 ح83 عن عبداللّه بن الحسن، بحار الأنوار: ج32 ص223 ح173؛ کنز العمّال: ج16 ص186 ح44216 نقلاً عن وکیع .
2- .غرر الحکم : ح 9655 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 479 ح 8790 .
3- .غرر الحکم : ح 1384 .
4- .الحَائِلُ : المُتَغَیِّر (النهایه : ج 1 ص 463 «حول») .
5- .غرر الحکم : ح 2612 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 104 ح 2354 .
6- .الکافی : ج 8 ص 174 ح 194 عن محمّد بن النعمان أو غیره عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 351 ح 31 .
7- .مصباح الشریعه : ص 301 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 356 ح 17 .
8- .الحَبَائِل : جمع حِباله وأُحبوله وهو الشَّرَکَ (المصباح المنیر : ص 119 «حبل») .
9- .نَجَعَ الدواءُ : ظَهَر أثَرُه (المصباح المنیر : ص 594 «انتجع») .
10- .الأمالی للمفید : ص 87 ح 2 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 69 ص 319 ح 35 .

4.وفی الکافی :امام علی علیه السلام :دنیا ، شیرین است ؛ شیرینی [دنیا] برای کسی است که فریفته آن شود.1.. جاء فی البصائر ، قال الصفّار :امام علی علیه السلام :دنیا تو را گول نزده است ؛ بلکه تو گول آن را خورده ای.2.جاء فی الهدایه الکبری للخصیبی :امام علی علیه السلام :دنیا یک رؤیاست و فریفته شدن به آن ، مایه پشیمانی است.3.جاء فی الکافی :امام علی علیه السلام :بپرهیز از این که فریفته شدن به [این دنیای] دگرگون شونده ناچیز ، تو را گول بزَنَد، یا شاد گشتن به این فناپذیر بی ارزش ، تو را بلغزاند.4.جاء فی الأمالی ، قال الطوسی :امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا :از دنیا دوری کنید؛ زیرا فریب خورده[ی واقعی] ، کسی است که فریب دنیا را بخورد.5.جاء فی علل الشرائع ، قال الصدوق :امام علی علیه السلام :آنچه [برای آخرتت] پیش بفرستی ، همان از آنِ دارندگان است [و به خودت می رسد] و آنچه بر جای بگذاری ، از آنِ وارثان است و آنچه با توست ، راهی جز فریفته شدن به آن نیست. چه قدر در پی دنیا می کوشی و چه قدر می چری؟ آیا می خواهی خودت را فقیر و دیگران (وارثان) را توانگر سازی؟ !6.جاء فی بصائر الدرجات ، قال الصفار :امام علی علیه السلام :ای آن که خویشتن را به دنیا سرگرم ساخته ای و بر ریسمان های [پوسیده] آن می دوی و در آباد کردن دنیایی که به زودی خراب می شود ، می کوشی ! آیا به گورهای پوسیده پدرانت و پیکرهای خفته در زیر سنگ ها

و خاک های فرزندانت ننگریسته ای؟ چه بسیار کسانی که با دست خود ، پرستاری شان کردی و به معالجه آنان پرداختی، از پزشکان برایشان نسخه و دارو خواستی و از دوستان ، برایشان رضایت طلبیدی ؛ امّا تلاش تو سودشان نبخشید و دارو و درمانت ، در آنان کارگر نیفتاد. .

1.. جاء فی البصائر :عیسی علیه السلام :وَیلٌ لِصاحِبِ الدُّنیا کَیفَ یَموتُ ویَترُکُها ، ویَأمَنُها وتَغُرُّهُ ، ویَثِقُ بِها وتَخذُلُهُ . وَیلٌ لِلمُغتَرّینَ کَیفَ رَهَقَهُم ما یَکرَهونَ وفارَقَهم ما یُحِبّونَ ، وجاءَهُم ما یوعَدونَ . (1)2.. جاء فی مناقب آل أبی طالب :الإمام علیّ علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : فَلَم أرَ کَالدُّنیا بِهَا اغتَرَّ أهلُها ولا کَالیَقینِ استَوحَشَ الدَّهرَ صاحِبُهُ أمُرُّ عَلی رَمسِ (2) القَریبِ کَأنَّما أمُرُّ عَلی رَمسِ امرِیءٍ ما اُناسِبُهُ فَوَاللّهِ لَولا أنَّنی کُلَّ ساعَهٍ إذا شِئتُ لاقیتُ امرَأ ماتَ صاحِبُهُ إذا مَا اعتَزَیتُ الدَّهرَ عَنهُ بِحیلَهٍ تُجَدِّدُ حُزناً کُلَّ یَومٍ نَوادِبُهُ (3)1.. جاء فی الکافی :عنه علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : أحسَنتَ ظَنَّکَ بِالأَیّامِ إذ حَسُنَت ولَم تَخَف سوءَها یَأتی بِهِ القَدَرُ وسالَمَتکَ اللَّیالی فَاغتَرَرتَ بِها وعِندَ صَفوِ اللَّیالی یَحدُثُ الکَدَرُ (4)راجع : ص264 (خصائص الدنیا / دار الغرور) .

.

1- .تنبیه الخواطر : ج 1 ص 132 ، التحصین لابن فهد : ص 29 ح 49 وفیه «أتتهم» بدل «رهقهم» ، المحجّه البیضاء : ج 5 ص 358 وفیه «ألزمهم» بدل «رهقهم» ، بحار الأنوار : ج 14 ص 328 ح 54 وراجع الأمالی للمفید : ص 209 ح 43 وعدّه الداعی : ص 96 .
2- .الرَّمْسُ : القَبْرُ (القاموس المحیط : ج 2 ص 220 «رمس») .
3- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : ص 88 الرقم 45 .
4- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : ص 260 الرقم 182 ؛ البدایه والنهایه : ج 11 ص 184 من دون إسنادٍ إلی المعصوم وفیه «یوما» بدل «سوءها» .

3.جاء فی مختصر بصائر الدرجات :عیسی علیه السلام :بیچاره دنیادار ، که می میرد و دنیا را رها می کند ، به دنیایی اطمینان می کند که او را می فریبد و به دنیایی اعتماد می کند که او را فرو می گذارد [و به موقع ، یاری اش نمی کند]. بیچاره این گول خوردگان ، که آنچه دوست ندارند ، به آنان می رسد و آنچه دوست دارند ، از ایشان جدا می شود و آنچه به ایشان وعده داده می شود ، به سراغشان می آید.امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : چیزی چون دنیا ندیدم که اهلش فریب آن را بخُورند/ و نه چون یقین (مرگ) که صاحب آن ، از روزگار بگریزد. بر گورِ نزدیکان می گذرم، امّا گویی/ بر گور کسی می گذرم که هیچ نسبتی با او ندارم . به خدا سوگند ، اگر نبود که هر ساعتی/ هرگاه بخواهم، کسی را می بینم که یارش مُرده است ، هرگز، به هیچ روی، در برابر روزگار صبر نمی کردم/ روزگاری که هرروز ، مصیبت هایش غمی تازه می آفریند .1.جاء فی الکافی :امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : به روزها نیکْ گمان گشتی ، آن گاه که [با تو] نیک شدند و از بدیِ آنها که دست تقدیر می آورَد ، نترسیدی.

شب ها با تو سرِ سازش نشان داد و تو فریب آنهارا

خوردی امّا در همان زلالی شب هاست که تیرگی پدید می آید.ر . ک : ص 265 (سرای فریب) .

.

1 / 2 5ما يوجِبُ الطُّغيانَ مِنَ الدُّنيا1.. جاء فى مستطرفات السرائر :الإمام علىّ عليه السلام :خُذ مِن قَليلِ الدُّنيا ما يَكفيكَ ، ودَع مِن كَثيرِها ما يُطغيكَ . (1)2.وفيه أيضا :عنه عليه السلام :يَسيرُ الدُّنيا يَكفى ، وكَثيرُها يُردى . (2)عنه عليه السلام :يَسيرُ الدُّنيا خَيرٌ مِن كَثيرِها ، وبُلغَتُها (3) أجدَرُ مِن هَلَكَتِها . (4)1.. جاء فى بصائر الدرجات :عنه عليه السلام فى ذَمِّ الدُّنيا :مَن أقَلَّ مِنها استَكثَرَ مِمّا يُؤمِنُهُ ، ومَن استَكثَرَ مِنهَا استَكثَرَ مِمّا يوبِقُهُ (5) . (6)1 / 2 6ما فَوقَ الكَفافِ مِنَ الدُّنيا4.جاء فى دلائل الإمامه ، والاختصاص :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن غَنِيٍّ ولا فَقيرٍ إلاّ وَدَّ يَومَ القِيامَهِ أنَّهُ أُتِىَ مِنَ الدُّنيا قوتا (7) . (8)1.. جاء فى إكمال الدين :عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن ذى غِنىً إلاّ سَيَوَدُّ يَومَ القِيامَهِ لَو كانَ إنَّما أُوتِىَ فِى الدُّنيا

قوتا . (9) .

1- .غرر الحكم : ح 5044 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 241 ح 4591 .
2- .غرر الحكم : ح 10988 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 555 ح 10238 .
3- .البُلغَه : ما يُتَبَلَّغ [أى يكتَفَى] به من العَيش ولا يَفضُل (المصباح المنير : ص 61 «بلغ») .
4- .غرر الحكم : ح 10993 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 556 ح 10240 وص 553 ح 10194 وفيه «يسير الدين خير من كثير الدنيا» .
5- .يُوبِقه : يُهلِكُه (الصحاح : ص 4 ح 1562 «وبق») .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 111 ، غرر الحكم : ح 8252 وح 8253 نحوه ، تحف العقول : ص 181 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 15 ح 73 نقلاً عن مطالب السؤول وفيهما «لم يَدُم له» بدل «استكثر ممّا يوبقه» .
7- .أى بِقَدَر ما يُمسك الرَّمَق من المطعم (النهايه : ج 4 ص 119 «قوت») .
8- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1387 ح 4140 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 235 ح 12164 وص 335 ح 12710 ، حليه الأولياء : ج 10 ص 69 كلّها عن أنس ، تاريخ بغداد : ج 4 ص 8 عن عبد اللّه نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 394 ح 7115 ، مشكاه الأنوار : ص 230 ح 647 نحوه ، روضه الواعظين : ص 500 ، أعلام الدين : ص 265 وفيه «ما من امرئٍ مسلم غنى . . .» .

9- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 300 ح 10378 عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 197 ح 6143 نقلاً عن الزهد لهنّاد عن أنس .

1 / 2 5 دنیای طغیان آور

1 / 2 6 دنیای بیش از کفاف

1 / 2 5دنیای طغیان آور2.جاء فی الفوائد المجموعه :امام علی علیه السلام :از دنیا ، اندکی که کفایتت کند ، برگیر و بسیارِ آن را که به طغیانت بکشانَد ، فرو بگذار.3.جاء فی الموضوعات قال ابن الجوزی :امام علی علیه السلام :اندکِ دنیا کفایت می کند و بسیارِ آن ، نابود می کند.1.جاء فی الکافی عن محمّد بن یحیی ، عن محمّد بن عیسیامام علی علیه السلام :کم دنیا بهتر از زیادِ آن است و به کفاف آن بسنده کردن ، سزاوارتر است تا گرفتار شدن به هلاکت آن [بر اثر فزون خواهی].2.جاء فی دلائل الإمامه :امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا :آن کس که از دنیا کم برگرفت ، بر آنچه او را ایمن و آسوده می گردانَد ، افزود و آن کس که از دنیا زیاد برگرفت ، بر آنچه او را به نابودی می کشانَد ، افزود.1 / 2 6دنیای بیش از کفاف1.. جاء فی کتاب الموضوعات لابن الجوزی ، قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز قیامت، هرکس از دارا و نادار، آرزو می کند که ای کاش از دنیا به اندازه بخور و نمیر به او داده می شد.2.جاء فی کتاب السقیفه وفدک ، قال الجوهری أخبرنا أبوپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ توانگری نیست ، مگر آن که در روز قیامت آرزو خواهد کرد که ای کاش در دنیا به اندازه نیاز به او داده می شد.

.

3.جاء في التهذيب ، والاستبصار ، قال الطوسى :عنه صلى الله عليه و آله :دَعُوا الدُّنيا لِاَهلِها ، فَمَن أخَذَ مِنَ الدُّنيا فَوقَ ما يَكفيهِ أخَذَ حَتفَهُ (1) وهُوَ لا يَشعُرُ . (2)4.جاء فى أمالى الصدوق ، قال :عنه صلى الله عليه و آله :اُترُكُوا الدُّنيا لِاَهلِهَا ، اترُكُوا الدُّنيا لِاَهلِهَا ، اترُكُوا الدُّنيا لِاَهلِها ؛ فَإِنَّهُ مَن أخَذَ مِنَ الدُّنيا فَوقَ ما يَكفيهِ فَإِنَّهُ يَأخُذُ مِن جَنَّتِهِ ولا يَشعُرُ . (3)5.جاء فى المحاسن :عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ اجعَل رِزقَ آلِ مُحَمَّد قوتا . (4)عنه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لِعَلِيٍّ عليه السلام :يا عَلِيُّ ، ما أحَدٌ مِنَ الأوَّلينَ وَالآخِرينَ إلاّ وهُوَ يَتَمَنّى يَومَ القِيامَهِ أنَّهُ لَم يُعطَ مِنَ الدُّنيا إلاّ قوتا . (5)صحيح البخارى عن عَمرو بن عَوفٍ الأنصارى :إنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله بَعَثَ أبا عُبَيدَهَ بنَ الجَرّاح إلَى البَحرَين يَأتى بِجِزيَتِها ، وكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله هُوَ صالَحَ أهلَ البَحرَين وأمَّرَ عَلَيهِمُ العَلاءَ بنَ الحَضرَمِى ، فَقَدِمَ أبو عُبَيدَه بِمالٍ مِنَ البَحرَين ، فَسَمِعَتِ

الأَنصار بِقُدومِ أبى عُبَيدَهَ فَوافَت صَلاهَ الصُّبحِ مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَلَمّا صَلّى بِهِمُ الفَجرَ انصَرَفَ ، فَتَعَرَّضوا لَهُ ، فَتَبَسَّمَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله حينَ رَآهُم ، وقالَ : أظُنُّكُم قَد سَمِعتُم أنَّ أبا عُبَيدَهَ قَد جاءَ بِشَىءٍ !

قالوا : أجَل يا رَسولَ اللّه .

قالَ : فَأَبشِروا وأمِّلوا ما يَسُرُّكُم ، فَوَاللّهِ لاَ الفَقرَ أخشى عَلَيكُم ، ولكِن أخشى عَلَيكُم أن تُبسَطَ عَلَيكُمُ الدُّنيا ، كَما بُسِطَت عَلى مَن كانَ قَبلَكُم ، فَتَنافَسوها كَما تَنافَسوها ، وتُهلِكُكُم كَما أهلَكَتهُم . (6) .

1- .الحَتْفُ : الهَلاَكُ (المصباح المنير : ص 120 «حتف») .
2- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 156 ، الأمالى للشجرى : ج 2 ص 163 عن أنس وزاد فيه «لأهلها ثلاث مرّات» ، المحجّه البيضاء : ج 6 ص 42 ؛ كنز العمّال : ج 3 ص 193 ح 6117 .
3- .الفردوس : ج 1 ص 108 ح 363 عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 181 ح 6058 .
4- .صحيح مسلم : ج 2 ص 730 ح 126 ، صحيح البخارى : ج 5 ص 2372 ح 6095 وفيه «ارزق آل محمّد» ، سنن الترمذى : ج 4 ص 580 ح 2361 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1387 ح 4139 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 454

ح 9760 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 3 ص 395 ح 7116 ؛ مشكاه الأنوار : ص 492 ح 1640 عن الإمام زين العابدين عليه السلام وفيه «اللّهم اجعل رزق محمّد وآل محمّد الكفاف» ، بحار الأنوار : ج 72 ص 60 .

5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 363 ح 5762 ، مستطرفات السرائر : ص 116 ح 1 كلاهما عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 327 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأخبار : ص 504 ح 1392 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 54 ح 3 .

6- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1152 ح 2988 وج 4 ص 1473 ح 3791 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2274 ح 6 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1324 ح 3997 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 105 ح 17234 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 320 ح 18658 وفيهما «تلهيكم كما ألهتهم» بدل «تهلككم كما أهلكتهم» .

1.. جاء فی تهذیب الأحکام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا را برای اهلش وا گذارید؛ زیرا هرکس که از دنیا بیش از اندازه کفایتش برگیرد، نادانسته، [عوامل] مرگ خود را برگرفته است.2.جاء فی ثواب الأعمال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا را برای اهلش رها کنید ، دنیا را برای اهلش رها کنید ، دنیا را برای اهلش رها کنید؛ زیرا هر کس که از دنیا بیش از اندازه کفایتش بردارد، ناخودآگاه، از بهشت خود بر می دارد [و کم می کند].پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! روزیِ خاندان محمّد را در حدّ نیاز قرار بده.1.. جاء فی کامل الزیارات :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام :ای علی! از پیشنیان و پسینیان، هیچ کس نیست ، مگر آن که در روز قیامت آرزو می کند که ای کاش از دنیا ، جز به اندازه نیاز ، به او داده نمی شد.2.جاء فی أمالی الصدوق ، قال :صحیح البخاری به نقل از عمرو بن عوف انصاری :پیامبر خدا ، ابو عبیده جرّاح را به بحرین فرستاد تا جزیه آن را بیاورد. پیامبر خدا با مردم بحرین [بر پرداخت جزیه] مصالحه کرده و علاء بن حَضرَمی را به امیری ایشان گماشته بود. ابو عبیده با اموالی از بحرین آمد. انصار ، خبر ورود ابو عبیده را شنیدند. نماز صبح را با پیامبر صلی الله علیه و آله گزاردند و ایشان ، چون نماز صبح را با آنان خواند،

برگشت. انصار ، جلو او آمدند. پیامبر خدا ، وقتی آنها را دید ، لبخندی زد و فرمود: «گمان می کنم شنیده اید که ابو عبیده چیزی آورده است» .

گفتند: آری، ای پیامبر خدا!

حضرت فرمود: «پس مژده باد بر شما و امیدوار باشید به چیزی که خوش حالتان می کند. به خدا سوگند ، من از فقر بر شما نمی ترسم ؛ بلکه از این برای شما می ترسم که دنیا بر شما گسترده شود ، چنان که برای پیشینیان شما گسترده شد، و بر سرِ دنیا به رقابت برخیزید ، همچنان که آنان به رقابت برخاستند، و دنیا شما را به هلاکت افکند ، همچنان که آنان را به هلاکت افکند. .

3.جاء فی الکافی :الإمام علیّ علیه السلام :یَابنَ آدَمَ ، ما کَسَبتَ فَوقَ قوتِکَ فَأنتَ فیهِ خازِنٌ لِغَیرِکَ . (1)4.جاء فی البصائر ، قال الصفار :الخصال عن علیّ بن الحسین بن رِباط ، رفعه :شَکی رَجُلٌ إلی أمیرِ المُؤمنِین علیه السلام الحاجَهَ ، فَقالَ لَهُ : اِعلَم أنَّ کُلَّ شَیءٍ تُصیبُهُ مِنَ الدُّنیا فَوقَ قوتِکَ أنتَ فیهِ خازِنٌ لِغَیرِکَ . (2)الإمام علیّ علیه السلام :الوَیلُ لِمَن جَمَعَ الدُّنیا وأورَثَها مَن لا یَحمَدُهُ ، وقَدِمَ عَلی مَن لا یَعذِرُهُ (3) . الدُّنیا دارُ المُنافِقینِ ولَیسَت بِدارِ المُتَّقینَ ، فَلیَکُن حَظُّکَ مِنَ الدُّنیا قِوامَ صُلبِکَ ، وإمساکَ نَفسِکَ ، وَالتَّزَوُّدَ لِمَعادِکَ . (4) .

1- .نهج البلاغه : الحکمه 192 ، خصائص الأئمّه علیهم السلام : ص 112 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 144 ح 28 .
2- .الخصال : ص 16 ح 58 ، روضه الواعظین : ص 468 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 90 ح 61 .
3- .فی المصدر : «یغدره»، والتصویب من بحار الأنوار .
4- .مطالب السؤول : ص 52 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 23 ح 86 .

امام علی علیه السلام :ای پسر آدم ! آنچه بیش از کفافت به دست آوری ، در واقع ، تو خزانه دار آن برای دیگران هستی.الخصال به نقل از علی بن حسین بن رباط، که سند آن را به معصوم علیه السلام رسانده است :مردی به امیر مؤمنان از نیازمندی اش شکایت کرد . به او فرمود: «بدان که آنچه از دنیا بیش از کفافَت به دست آوری ، در واقع ، تو خزانه دار آن برای دیگرانی».1.. جاء فی تفسیر العیّاشی :امام علی علیه السلام :وای بر کسی که [مالِ] دنیا را جمع کند و آن را برای کسی به ارث بگذارد که از او سپاس گزاری نمی کند و [خود] بر کسی (خداوند) وارد شود که عذر و بهانه اش را نمی پذیرد. دنیا ، سرای منافقان است و سرای تقواپیشگان نیست. پس باید بهره ات از دنیا به اندازه ای باشد که قوّت بدنت ، نگهدار جانت و توشه ای برای معادت باشد. .

2.جاء فى الكافى :عنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا دارٌ مُنِىَ لَهَا (1) الفَناءُ ولِاءَهلِها مِنهَا الجَلاءُ ، وهِىَ حُلوَهٌ خَضراءُ ، وقَد عَجِلَت لِلطّالِبِ وَالتَبَسَت بِقَلبِ النّاظِرِ ، فَارتَحِلوا مِنها بِأحسَنِ ما بِحَضرَتِكُم مِنَ الزّادِ ، ولا تَسألوا فيها فَوقَ الكَفافِ ، ولا تَطلُبوا مِنها أكثَرَ مِنَ البَلاغِ . (2)الإمام زين العابدين عليه السلام :الدُّنيا دُنياءانِ : دُنيا بَلاغٍ ، ودُنيا مَلعونَهٍ . (3)راجع : ج2 ص212 (الفصل السادس : أماثل الزهّاد) .

1 / 2 7ما يَمنَعُ خَيرَ الآخِرَهِ مِنَ الدُّنيا1.الخصال بإسناده عن الحسين بن علىّ عن أبيه أمير المتنبيه الخواطر :كانَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله يَقولُ فى دُعائِهِ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن دُنيا تَمنَعُ خَيرَ الآخِرَهِ ، ومِن حَياهٍ تَمنَعُ خَيرَ المَماتِ . (4)2.نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام مِن دُعائِهِ عَقيبَ صَلاتِهِ :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن دُنيا تَمنَعُ خَيرَ الآخِرَهِ ، ومِن عاجِلٍ يَمنَعُ خَيرَ الآجِلِ ، وحَياهٍ تَمنَعُ خَيرَ المَماتِ ، وأمَلٍ يَمنَعُ خَيرَ العَمَلِ . (5)3.نزهه الناظر :لقمان عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِوَلَدِهِ :يا بُنَىَّ ، لا تَدخُلَ فِى الدُّنيا دُخولاً يَضُرُّ بِآخِرَتِکَ ،

ولا تَترُکها تَرکا تَکونُ کَلاًّ (6) عَلَى النّاسِ . (7) .

1- .مُنِىَ له : أى قُدّر (لسان العرب : ج 15 ص 292 «منى») .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 45 ، روضه الواعظين : ص 482 وفيه «مضى» بدل «مُنى» ، غرر الحكم : ح 3697 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 68 ح 28 .
3- .الكافى : ج 2 ص 131 ح 11 عن محمّد بن مسلم بن شهاب وص 317 ح 8 عن محمّد بن مسلم بن عبيد اللّه ، مشكاه الأنوار : ص 466 ح 1555 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 20 ح 9 .
4- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 273 ، الإقبال : ج 2 ص 146 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 260 .
5- .مصباح المتهجّد : ص 64 ح 101 ، فلاح السائل : ص 320 ح 215 ، البلد الأمين : ص 15 كلّها عن معاويه بن عمّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 69 ح 4 .
6- .الكَلُّ : الذى هو عِيال وثِقل على صاحبه (لسان العرب : ج 11 ص 594 «كلل») .
7- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 79 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 124 ح 112 .

1 / 2 7 دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود

4.مهج الدعوات عن الإمام الحسین علیه السلام (فی وَصفِ أولِیاءِ اللّهِ) امام علی علیه السلام :دنیا، سرایی است که برای آن ، نیستی رقم خورده است و برای اهلش رخت بربستن از آن. دنیا ، شیرین و دل پذیر است و شتابان به سراغ خواهانش می رود و به دل بیننده می نشیند . پس با بهترین توشه ای که در اختیار دارید ، از دنیا بکوچید و در آن ، بیش از کفاف مخواهید و از آن ، بیش از آنچه شما را به مقصد می رساند ، نطلبید.5.المعجم الأوسط عن محمّد بن عبد اللّه بن حسین عن علامام زین العابدین علیه السلام :دنیا دو گونه است: دنیای در حدّ کفاف (1) و دنیای لعنت شده.ر . ک : ج2 ص213 (فصل ششم : نمونه های زهد) .

1 / 2 7دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود9.تحف العقول عن الإمام الحسین علیه السلام :تنبیه الخواطر:پیامبر خدا در دعایش می گفت: «خدایا! پناه می برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود، و از زندگی ای که مانع خیر مرگ گردد».10.محاضرات الأُدباء عن الإمام الحسین علیه السلام :امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در تعقیب نمازش :خدایا! پناه می برم به تو از دنیایی که مانعِ خیر آخرت شود و از اکنونی که مانعِ خیر آینده شود و از زندگی ای که مانعِ خیر مرگ گردد و از آرزویی که مانعِ نیکوییِ عمل گردد.11.أعلام الدین عن الإمام الحسین علیه السلام :لقمان علیه السلام در سفارش به فرزندش :فرزندم! نه چندان وارد دنیا شو که به

آخرتت لطمه بزند و نه چنان رهایش کن که باری بر دوش مردم باشی.

.

1- .بلاغ: کفاف، یا آن مقدار از قوت که برای زنده ماندن کفایت کند ؛ وسیله رسیدن به مطلوب.

راجع : ص 184 (ما ينال به خير الدنيا والآخره) .

و 442 (فقر الدنيا والآخره)

و 444 (خسران الدنيا والآخره).

1 / 2 8إذا كانَتِ الدُّنيا أكبَرَ الهُمومِ17.مسند زيد :سنن الترمذى عن ابن عمر :قَلَّما كانَ رَسولُ اللّه صلى اللهَ عليه و آله يَقومُ مِن مَجلِسٍ حَتّى يَدعُوَ بِهؤُلاءِ الدَّعَواتِ لِاَصحابِهِ :

اللّهُمَّ اقسِم لَنا مِن خَشيَتِكَ ما يَحولُ بَينَنا وبَينَ مَعاصيكَ ، ومِن طاعَتِكَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ جَنَّتَكَ ، ومِنَ اليَقينِ ما تُهَوِّنُ بِهِ عَلَينا مُصيباتِ الدُّنيا ، ومَتِّعنا بِأسماعِنا وأبصارِنا وقُوَّتِنا ما أحيَيتَنا ، وَاجعَلهُ الوارِثَ مِنّا ، وَاجعَل ثَأرَنا عَلى مَن ظَلَمَنا ، وَانصُرنا عَلى مَن عادانا ، ولا تَجعَل مُصيبَتَنا فى دينِنا ، ولا تَجعَلِ الدُّنيا أكبَرَ هَمِّنا ، ولا مَبلَغَ عِلمِنا ، ولا تُسَلِّط عَلَينا مَن لا يَرحَمُنا .
(1)18.المعجم الكبير عن سكينه بنت الحسين بن عليّ عن أبيهاالإمام عليّ عليه السلام مِن وَصاياهُ لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام :لا تَكُنِ الدُّنيا أكبَرَ هَمِّكَ .
(2)19.الفردوس عن الحسين بن علىّ عليه السلام عن رسول اللعنه عليه السلام فِى التَّزهيدِ فِى الدُّنيا وَالتَّرغيبِ فى أعمالِ الآخِرَهِ :يَا بنَ آدَمَ ، لا يَكُن أكبَرُ هَمِّكَ يَومَكَ الَّذى إن فاتَكَ لَم يَكُن مِن أجَلِكَ ، فَإِنَّ كُلَّ يَومٍ تَحضُرُهُ

يَأتِى اللّهُ فيهِ بِرِزقِكَ ، وَاعلَم أنَّكَ لَن تَكتَسِبَ شَيئا فَوقَ قوتِكَ إلاّ كُنتَ فيهِ خازِنا لِغَيرِكَ ؛ يَكثُرُ فِى الدُّنيا بِهِ نَصَبُكَ ، ويَحظى بِهِ وارِثُكَ ، ويَطولُ مَعَهُ يَومَ القِيامَهِ حِسابُكَ !

فَاسعَد بِمالِكَ فى حَياتِكَ ، وقَدِّم لِيَومِ مَعادِكَ زادا يَكونُ أمامَكَ ؛ فَإِنَّ السَّفَرَ بَعيدٌ ، وَالمَوعِدَ القِيامَهُ ، وَالمَورِدَ الجَنَّهُ أوِ النّارُ . (3) .

1- .سنن الترمذى : ج 5 ص 528 ح 3502 ؛ عوالى اللآلى : ج 1 ص 159 ح 144 ، الإقبال : ج 3 ص 321 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 92 ح 252 عن محمّد بن مسلم عن أحدهما عليهماالسلام ، مصباح المتهجّد : ص 568 ح 673 وليس فيهما من «قوّتنا» إلى «على مَن ظلمنا» ، منيه المريد : ص

211 كلاهما من دون إسنادٍ إلى المعصوم وراجع المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 709 ح 1934 .
2- .الأمالى للمفيد : ص 221 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 7 ح 8 كلاهما عن الفجيع العقيلى عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 78 ص 98 ح 1 .
3- .الإرشاد : ج 1 ص 234 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 31 ح 58 نقلاً عن تفسير العيّاشى بزياده «فإن همّک يوم» بعد «من أجلک» وراجع نثر الدرّ : ج 1 ص 295 .

1 / 2 8 هرگاه دنیا بزرگ ترین همّ و غم باشد

ر . ک : ص185 (فصل سوم : عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت)

و 443 (فقر در دنیا و آخرت)

و 445 (باختن در دنیا و آخرت) .

1 / 2 8هرگاه دنیا بزرگ ترین همّ و غم باشد25.الأمالی بإسناده عن علیّ بن الحسین عن الحسین بن عل (فی قَولِ اللّه ِ عز و جل : {Q} «هَلْ جَزَآءُ ال) سنن الترمذی به نقل از ابن عمر :کمتر پیش می آمد که پیامبر خدا از مجلسی برخیزد و این دعاها را برای اصحابش نخواند:

بار خدایا! چنان ترسی از خودت نصیب ما کن که میان ما و نافرمانی از تو مانع گردد و چنان اطاعتی از خودت که با آن ، ما را به بهشتت برسانی و چنان یقینی که به سبب آن ، [تحمّل] مصیبت ها و گرفتاری های دنیا را بر ما آسان گردانی و تا زنده ایم ، ما را از گوش هایمان و چشم هایمان و نیرویمان بهره مند گردان و آن را وارث ما قرار ده و خونخواهی ما را از کسی قرار ده که به ما ستم کند و ما را بر هر که با ما دشمنی کند ، پیروزی بخش و مصیبت ما را در دینمان قرار مده و دنیا را بزرگ ترین همّ و غمّ ما و نهایت دانش و شناخت ما قرار مده و کسی را که به ما رحم نمی کند ، بر ما مسلّط مگردان.26.المحاسن عن عمرو بن أبی نصر :امام علی علیه السلام از سفارش های ایشان به فرزندش حسن علیه السلام در هنگام وفات :دنیا، بزرگ ترین همّ و غمّت نباشد.27.المعجم الأوسط عن زید بن أسلم عن الحسین بن علیّ عل (فی قَولِهِ تَعالی : {Q} «وَ شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ) امام علی علیه السلام در تشویق به دل برکَنْدن از دنیا و ترغیب به کارهای آخرت :ای پسر آدم! بزرگ ترین همّ و غَمّت آن روزت نباشد که چون از دستت رفت ، از عمر تو نباشد ؛ (1) زیرا هر روزی که وارد آن می شوی ، خداوند در آن ، روزی ات را می رساند. بدان که هرگز ، چیزی بیش از قُوتت به دست

نمی آوری ، مگر این که تو خزانه دار آن برای دیگران باشی. [فقط [مایه رنج بسیار تو در دنیا می شود و وارثت از آن بهره مند می گردد و به سبب

آن ، حسابرسی تو در روز قیامت به درازا می کشد!

پس با مال خود در زندگی ات [آینده خود را تأمین کن و] خوش بخت شو و برای معادت که در پیش داری ، توشه ای بفرست؛ زیرا سفری دور و دراز پیش رو داری و وعده گاه ، قیامت است و محلّ ورود ، بهشت یا آتش.

.

1- .یعنی : غمِ روزیِ روزی را که جزء عمر تو نیست ، مخور.

1 / 2 9طَلَبُ الدُّنيا بِغَيرِ حَقٍّ30.معانى الأخبار عن شريح بن هانئ :الإمام الصادق عليه السلام :مَن طَلَبَ الدُّنيا بِغَيرِ حَقٍّ ، حُرِمَ الآخِرَةَ بِحَقٍّ . (1)1 / 2 10طَلَبُ الدُّنيا بِعَمَلِ الآخِرَةِ33.جامع الأخبار بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه السلارسول اللّه صلى الله عليه و آله :رِيحُ الجَنَّهِ توجَدُ مِن مَسيرَهِ خَمسِمِئَهِ عامٍ ، ولا يَجِدُ رَيحَ الجَنَّهِ مَن طَلَبَ الدُّنيا بِعَمَلِ الآخِرَهِ . (2)34.التوحيد عن إسحاق بن راهويه :عنه صلى الله عليه و آله :مَن طَلَبَ الدُّنيا بِعَمَلِ الآخِرَهِ طُمِسَ (3) وَجهُهُ ، ومُحِقَ ذِكرُهُ ، واُثبِتَ اسمُهُ فِى النّارِ . (4) .

1- .تحف العقول : ص 321 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 235 ح 57 .
2- .الفردوس : ج 2 ص 271 ح 3261 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 3 ص 474 ح 7492 .
3- .الطَّمُوس : الدروسُ والامِّحاء (الصحاح : ج 3 ص 944 «طمس») .
4- .المعجم الكبير : ج 2 ص 268 ح 2128 ، كشف الخفاء : ج 2 ص 261 ح 2527 ، كنز العمّال : ج 3 ص 227 ح 6275 نقلاً عن المعجم الأوسط وكلّها عن الجارود بن المعلّى .

1 / 2 9 دنیاطلبی به ناحق

1 / 2 10 دنیاطلبی با کار آخرت

1 / 2 9دنیاطلبی به ناحق37.التوحید عن محمّد بن زیاد ومحمّد بن سیّار عن الحسنامام صادق علیه السلام :هرکس دنیا را به ناحق بجوید، از آخرت به حقْ محروم می شود.1 / 2 10دنیاطلبی با کار آخرت40.الإقبال عن الإمام الحسین علیه السلام (فیما نُسِبَ إلَیهِ مِن دُعاءِ عَرَفَهَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بوی بهشت از فاصله پانصد سال به مشام می رسد ؛ امّا کسی که دنیا را با کار آخرت بطلبد، بوی بهشت را استشمام نمی کند.41.التوحید عن عکرمه عن الحسین بن علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکس با کار آخرت، دنیا را بجوید ، چهره[ی انسانی]اش محو می شود ، (1) یادش نابود می گردد و نامش در آتش ثبت می شود.

.

1- .اشاره است به آیه 47 سوره نساء : «مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا ؛ پیش از آن که چهره هایی را محو کنیم» (ر .ک : تفسیر این آیه . گفتنی است که محو شدن چهره را در این جا می توان به بی آبرویی نیز معنا کرد).

42.تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَن طَلَبَ الدُّنيا بِعَمَلِ الآخِرَهِ ، لَم يَكُن لَهُ فِى الآخِرَهِ مِن نَصيبٍ . (1)43.تفسير العيّاشى عن يزيد بن رويان :عنه صلى الله عليه و آله :مَنهومانِ لا يَشبَعانِ : طالِبُ دُنيا وطالِبُ عِلمٍ ؛ فَمَنِ اقتَصَرَ مِنَ الدُّنيا عَلى ما أحَلَّ اللّهُ لَهُ سَلِمَ ، ومَن تَناوَلَها مِن غَيرِ حِلِّها هَلَكَ ، إلاّ أن يَتوبَ أو يُراجِعَ . ومَن أخَذَ العِلمَ مِن أهلِهِ وعَمِلَ بِعِلمِهِ نَجا ، ومَن أرادَ بِهِ الدُّنيا فَهِىَ حَظُّهُ . (2)44.التوحيد عن وهب بن وهب القرشى عن الصادق جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام ،وقال أمير المؤمنين عليّ عليه السلام :النّاسُ عَلى أربَعَهِ أصنافٍ : . . . ومِنهُم مَن يَطلُبُ الدُّنيا بِعَمَلِ الآخِرَهِ ، ولا يَطلُبُ الآخِرَهَ بِعَمَلِ الدُّنيا ، قَد طامَنَ (3) مِن شَخصِهِ ، وقارَبَ مِن خَطوِهِ ، وشَمَّرَ مِن ثَوبِهِ ، وزَخرَفَ مِن نَفسِهِ لِلأَمانَهِ ، وَاتَّخَذَ سِترَ اللّهِ ذَريعَهً إلَى المَعصِيَهِ . (4)45.التوحيد بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام :عنه عليه السلام :لا تَلتَمِسِ الدُّنيا بِعَمَلِ الآخِرَهِ ، ولا تُؤثِرِ العاجِلَهَ عَلَى الآجِلَهِ ؛ فَإِنَّ ذلِكَ شيمَهُ المُنافِقينَ وسَجِيَّهُ المارِقينَ (5) . (6)46.التوحيد بإسناده عن الحسين عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى أنزَلَ كِتابا مِن كُتُبِهِ عَلى نَبِىٍّ مِن أنبِيائِهِ ، وفيهِ :

إنَّهُ سَيَكونُ خَلقٌ مِن خَلقى يَلحَسونَ الدُّنيا بِالدّينِ ، يَلبَسونَ مُسوكَ (7) الضَّأنِ

عَلى قُلوبِ كَقُلوبِ الذِّئابِ أشَدَّ مَرارَهً مِنَ الصَّبِرِ ، ألسِنَتُهُم أحلى مِنَ العَسَلِ ، وأعمالُهُم الباطِنَهُ أنتَنُ مِنَ الجِيَفَ .

أبى يَغتَرّونَ ، أم إيّاىَ يَخدَعونَ، أم عَلَىَّ يَتَجَبَّرونَ؟! فَبِعِزَّتى حَلَفتُ لاَبعَثَنَّ لَهُم فِتنَهً تَطَأُ فى خِطامِها (8) حَتّى تَبلُغَ أطرافَ الأَرضِ ، تَترُكُ الحَكيمَ فيها حَيرانَ . (9) .

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 354 ح 7895 عن أُبىّ بن كعب ، كنز العمّال : ج 10 ص 203 ح 29067 نقلاً عن الديلمى عن أنس ؛ بحار الأنوار : ج 70 ص 218 وراجع مجمع البيان : ج 9 ص 41 .
2- .الكافى : ج 1 ص 46 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 328 ح 906 ، كتاب سليم بن قيس : ج 2 ص 718 وفيهما «منهوم» بدل «طالب» وكلّها عن سليم بن قيس عن الإمام علىّ عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 246

ح 719 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «المال» بدل «دنيا»، بحار الأنوار : ج2 ص35 ح37.
3- .طامَنَ : سَكَنَ وانْخَفَضَ (المعجم الوسيط : ج 2 ص 566 «طمأن») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 32 ؛ إعجاز القرآن : ص 148 ح 227 .
5- .المارق : الخارج عن الدين (مجمع البحرين : ج 3 ص 1689«مرق») .
6- .غررالحكم : ح 10405 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 527 ح 9596 .
7- .المَسْك : الجلد ، الجمع : مُسُوک (تاج العروس : ج 13 ص 640 «مسک») .
8- .الخطام : مقدّم الأنف والفم (المصباح المنير : ص 174 «خطم») .
9- .قرب الإسناد : ص28 ح93 ، ثواب الأعمال : ص304 ح2 نحوه وفيه «يجترئون» بدل «يتجبّرون» وكلاهما عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج73 ص371 ح4 وراجع عيون الأخبارلابن قتيبه : ج 2 ص270 .

47.جامع الأخبار :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکس با کار آخرت در پیِ دنیا باشد ، او را در آخرت ، بهره ای نباشد.48.التوحید بإسناده عن الحسین بن علیّ بن أبی طالب علیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دو آزمندند که سیر نمی شوند: طالب دنیا و طالب علم. پس هر که از دنیا به آنچه خداوند برایش روا شمرده است ، بسنده کند ، به سلامت می مانَد و هرکه آن را از غیرِ حلالش به دست آورد ، نابود می شود، مگر آن که توبه کند یا برگردد (1) و هرکه علم را از اهلش فراگیرد و به علم خویش عمل کند ، نجات می یابد و هرکه مرادش از [تحصیل] علم [رسیدن به] دنیا باشد ، همان دنیا بهره اوست [و در آخرت ، نصیبی ندارد].49.الخصال بإسناده عن الحسین بن علیّ عن أبیه علیّ علیامام علی علیه السلام :مردم ، چهار دسته اند : ... دسته ای از ایشان ، کسانی اند که با اعمال آخرت ، دنیا را می طلبند و با کار دنیا ، در پیِ به دست آوردن آخرت نیستند ، تظاهر به فروتنی و وقار می کنند، گام هایشان را نزدیک به هم بر می دارند [آهسته و سر به زیر ، راه می روند]، دامن جامه شان را [برای حفظ از آلودگی [جمع می کنند ، خویشتن را امانتدار جلوه می دهند و پرده پوشی خداوند [از گناهان] را وسیله ای برای گناه و نافرمانی قرار می دهند.50.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ الشهید عن أبیهامام علی علیه السلام :دنیا را با کار آخرت مجوی و این جهان را بر آن جهان برمگزین که این ، خوی منافقان و خصلتِ از دین خارج شدگان است.51.الخصال بإسناده عن الحسین بن علیّ عن علیّ بن أبی طامام باقر علیه السلام :خداوند تبارک و تعالی کتابی از کتاب هایش را بر پیامبری از پیامبرانش فرو فرستاد و در آن آمده بود:

«به زودی ، بندگانی از مخلوقات من خواهند آمد که دنیا را به واسطه دین می خورند، لباس میش بر دل هایی می پوشند که چون دل های گرگ هاست و

تلخ تر از صبر زرد . (2) زبان هایشان شیرین تر از عسل است و کردارهای باطنی شان متعفّن تر از مُردار.

آیا به من غرّه می شوند، یا مرا می فریبند، یا بر من بزرگی می نمایند؟! به عزّتم سوگند ، فتنه ای بر آنان انگیزم که افسارْ گسیخته پیش می رود تا

آن که همه جای زمین را فرا می گیرد و خردمند را در خود ، حیران می کند». .

1- .توبه کند و از ظلم به مردم باز ایستد. احتمال دارد تعبیر «أو یراجع» که در متن عربی آمده، تردیدی از سوی راوی باشد. احتمال هم دارد «أو» واو تفسیری باشد ؛ یعنی توبه کند و از خطاها و گناهانش دست بکشد. احتمال هم دارد که به صیغه مجهول باشد ؛ یعنی خداوند با فضل خود ، او را بازگردانَد.
2- .صبر زرد که در عربی بدان «صَبِر» گفته می شود ، گیاهی است با گل های زرد یا قرمز و عصاره ای تلخ که برای درمان مورد استفاده قرار می گیرد .

1 / 3خَصائِصُ الدُّنيا1 / 3 1مَزرَعَهُ الشَّرِّالكتاب«وَلاَ يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَهِ وَلِلَّهِ مِيرَ ثُ السَّمَوَ تِ وَالاْءَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» . (1)

«وَ مَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ شَرًّا يَرَهُ» . (2)

الحديث60.الفردوس عن الحسين بن علىّ عليه السلام عن رسول اللالإمام علىّ عليه السلام :الدُّنيا مَزرَعَهُ الشَّرِّ . (3) .

1- .آل عمران : 180 .
2- .الزلزله : 8 .
3- .غرر الحكم : ح 401 وح 693 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 38 ح 834 .

1 / 35ویژگی های دنیا1 / 3 1کشتزار بدیقرآن«و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود عطایشان کرده است ، بخل می ورزند ، هرگز گمان نکنند که آن [بخل] برای ایشان خوب است ؛ بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه به آن بخل ورزیده اند ، در روز قیامت ، طوق گردنشان می شود. میراث آسمان ها و زمین ، از آنِ خداست و خدا به آنچه می کنید ، آگاه است» .

«و هرکس به سنگینی ذرّه ای بدی کند ، آن را می بیند» .

حدیث69.الإقبال عن الإمام الحسین علیه السلام (فی دُعاءِ عَرَفَهَ) امام علی علیه السلام :دنیا، کشتزار بدی است.

.

70.التوحيد عن عمرو بن جميع عن جعفر بن محمّد عليه السعنه عليه السلام :الدُّنيا مَعدِنُ الشَّرِّ ومَحَلُّ الغُرورِ . (1)راجع : ص 106 (الدنيا مزرعه الآخره) .

1 / 3 2سوقُ الخُسرانِالكتاب«وَ الْعَصْرِ * إِنَّ الاْءِنسَنَ لَفِى خُسْرٍ * إِلاَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ وَ تَوَاصَوْاْ بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْاْ بِالصَّبْرِ» . (2)

الحديث77.الرساله القشيريّه :الإمام علىّ عليه السلام :الدُّنيا سوقُ الخُسرانِ . (3)راجع : ص 106 (الدنيا مزرعه الآخره) .

1 / 3 3دارُ الغُرورالكتاب«وَمَا الْحَيَوهُ الدُّنْيَا إِلاَّ مَتَعُ الْغُرُورِ» . (4)

«زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَ تِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَطِيرِ الْمُقَنطَرَهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّهِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَهِ وَالاْءَنْعَمِ وَالْحَرْثِ ذَ لِکَ مَتَعُ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَئَابِ» . (5)

راجع : البقره : 212 والأنعام : 70 والأعراف : 51 والكهف : 46 والجاثيه : 35 .

.

1- .غرر الحكم : ح 1473 .
2- .العصر : 1 3 .
3- .غرر الحكم : ح 396 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 18 ح 18 .
4- .آل عمران : 185 .
5- .آل عمران : 14 .

1 / 3 2 بازار زیانکاری

1 / 3 3 سرای فریب

85.کامل الزیارات عن میسر بن عبد العزیز عن أبی جعفر علیه السلام :دنیا، معدن بدی و جایگاه فریب است.ر . ک : ص107 (دنیا، کشتزار آخرت) .

1 / 3 2بازار زیانکاریقرآن«سوگند به عصر، که به راستی انسان ، دست خوش زیان است ، مگر کسانی که گرویدند و کارهای شایسته کردند و همدیگر را به حق سفارش نمودند و به شکیبایی توصیه کردند» .

حدیث92.بستان الواعظین :امام علی علیه السلام :دنیا، بازار زیان است.ر . ک : ص107 (دنیا ، کشتزار آخرت) .

1 / 3 3سرای فریبقرآن«و زندگی دنیا ، جز مایه فریب نیست» .

«دوستیِ خواستنی ها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب های نشاندار و چارپایان و کشتزار ، برای مردم آراسته شده ؛ [لیکن] اینها برخورداری زندگی دنیاست، حال آن که بازگشتگاه نیکو ، نزد خداست» .

ر . ک : بقره: آیه 212، انعام: آیه 70، اعراف: آیه 51، کهف: آیه 46، جاثیه: آیه 35.

.

الحديث101.الحكايات بإسناده عن الحسين عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عَلَيكُم بِالوَرَعِ وَالاِجتِهادِ وَالعِبادَهِ ، وَازهَدوا فى هذِهِ الدُّنيَا الزّاهِدَهِ فيكُم ؛ فَإِنَّها غَرّارَهٌ ، دارُ فَناءٍ وزَوالٍ . كَم مِن مُغتَرٍّ بِها قَد أَهلَكَتهُ ، وكَم مِن واثِقٍ بِها قَد خانَتهُ ، وكَم مِن مُعتَمِدٍ عَلَيها قَد خَدَعَتهُ وأسلَمَتهُ . (1)102.المناقب والمثالب :الإمام علىّ عليه السلام :عِبادَ اللّهِ ، لا تَغُرَّنَّكُمُ الحَياهُ الدُّنيا ، فَإِنَّها دارٌ بِالبَلاءِ مَحفوفَهٌ ، وبِالفَناءِ مَعروفَهٌ ، وبِالغَدرِ مَوصوفَهٌ . (2)103.الفتوح :عنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا رَنِقٌ (3) مَشرَبُها ، رَدِغٌ (4) مَشرَعُها ، يونِقُ (5) مَنظَرُها ، ويوبِقُ (6) مَخبَرُها ، غُرورٌ حائِلٌ ، وضَوءٌ آفِلٌ ، وظِلٌّ زائِلٌ ، وسِنادٌ مائِلٌ . (7)104.الأمالى عن عبد اللّه بن منصور عن جعفر بن محمّد علعنه عليه السلام :الدُّنيا غُرورٌ حائِلٌ ، وسَرابٌ زائِلٌ ، وسِنادٌ مائِلٌ . (8)105.الخرائج والجرائح عن أبى حمزه عن علىّ بن الحسين عنعنه عليه السلام فى صِفَهِ الدُّنيا :تَغُرُّ وتَضُرُّ وتَمُرُّ ، إنَّ اللّهَ تَعالى لَم يَرضَها ثَوابا لاِءَولِيائِهِ ، ولا عِقابا لاِءَعدائِهِ . (9) .

1- .الأمالى للصدوق : ص 354 ح 432 عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص 488 ، مشكاه الأنوار : ص 450 ح 1509 وفيه «غدّاره» بدل «غرّاره» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 87 ح 51 .
2- .تاريخ دمشق : ج 42 ص 500 عن صالح العجلى ، تذكره الخواصّ : ص 123 نحوه ، المناقب للخوارزمى : ص 370 ح 389 كلاهما عن عبد اللّه بن صالح العجلى عن رجل من بنى شيبان وزاد فيهما «ولا يغرّنّكم باللّه الغرور» بعد «الدنيا» ، كنز العمّال : ج 16 ص 201 ح 44224 ؛ بحار الأنوار : ج 73 ص 117 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ وفيه «بالعناء» بدل «بالفناء» .
3- .ماءٌ رَنِق وعَيْشٌ رَنِق : أى كَدِر (الصحاح : ج 4 ص 1485 «رنق») .
4- .رَدِغٌ : وَحِل (مجمع البحرين : ج 2 ص 692 «ردغ») .
5- .الأنق : الفرح والسرور . والشىء الأنيق : المعجب (النهايه : ج 1 ص 76 «أنق») .
6- .وَبَقَ : هلك (النهايه : ج 5 ص 146 «وبق») .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 83 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 116 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .

8- .غرر الحكم : ح 2053 وح 3669 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 20 ح 112 و ص 145 ح 3233 نحوه .
9- .نهج البلاغه : الحكمه 415 ، روضه الواعظين : ص 483 ، غرر الحكم : ح 513 وفيه صدره ، بحار الأنوار : ج 73 ص 132 ح 136 ؛ مطالب السؤول : ص 57 .

حدیث107.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ عن علیّ بن أبیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پارسایی و سختکوشی و عبادت در پیش بگیرید و به این دنیایی که به شما پشت می کند ، پشت کنید؛ زیرا دنیا فریبکار است و سرای نیستی و نابودی است . چه بسیار کسانی که فریفته دنیا شدند و دنیا نابودشان کرد و چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند ، ولی دنیا به آنان خیانت کرد. چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند ؛ لیکن دنیا آنان را بازی داد و تنهایشان گذاشت.108.الخصال عن فاطمه بنت الحسین عن أبیها علیه السلام :امام علی علیه السلام :ای بندگان خدا! زنهار، زندگی دنیا شما را نفریبد که دنیا ، سرایی است آکَنده از گرفتاری، شناخته شده به نابودی و موصوف به بی وفایی.109.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ عن أبیه علیّ بنامام علی علیه السلام :دنیا ، آبشخورش تیره است، چشمه اش گِل آلود است، ظاهرش شگفتی آور و درونش هلاکت بار است. فریبی از میان رونده است [سراب گونه است]، نوری غروب کننده، سایه ای رفتنی و تکیه گاهی نااستوار است.110.الإرشاد عن الإمام الحسین علیه السلام :امام علی علیه السلام :دنیا ، فریبی از میان رفتنی است و سرابی زایل شدنی و تکیه گاهی نااستوار.111.الطبقات الکبری عن یزید الرشک :امام علی علیه السلام در وصف دنیا :می فریبد و زیان می زند و می گذرد. خداوند متعال ، آن را نه به عنوان پاداشی برای دوستان خود پسندیده است ، نه کیفری برای دشمنانش. .

112.تاريخ الطبرى عن حميد بن مسلم :عنه عليه السلام أيضا :غَرّارَهٌ ؛ غُرورٌ ما فيها ، فانِيَهٌ ؛ فانٍ مَن عَلَيها ، لا خَيرَ فى شَىءٍ من أزوادِها إلاَّ التَّقوى . (1)113.مقتل الحسين (فى وَقائِعِ عاشوراءَ) عنه عليه السلام :اِحذَرُوا الدُّنيا ؛ فَإِنَّها غَدّارَهٌ غَرّارَهٌ خَدوعٌ ، مُعطِيَهٌ مَنوعٌ ، مُلبِسَهٌ نَزوعٌ ، لا يَدومُ رَخاؤُها ، وَلا يَنقَضى عَناؤُها ، ولا يَركُدُ بَلاؤُها . (2)114.الملهوف :عنه عليه السلام :سُرورُ الدُّنيا غُرورٌ ، ومَتاعُها ثُبورٌ (3) . (4)115.الملهوف :عنه عليه السلام :الدُّنيا تُغوى . (5)116.نزهه الناظر :عنه عليه السلام :خَطَرُ الدُّنيا يَسيرٌ ، وحاصِلُها حَقيرٌ ، وبَهجَتُها زورٌ ، ومَواهِبُها غُرورٌ . (6)117.الفتوح عن الإمام الحسين عليه السلام (فيجَوابِهِ لِمَروانَ لَمّا قالَ لَهُ : إنّى آمُ) عنه عليه السلام :أَلا وإنَّ الدُّنيا دارٌ غَرّارَهٌ خَدّاعَهٌ ، تَنكِحُ فى كُلِّ يَومٍ بَعلاً ، وتَقتُلُ فى كُلِّ لَيلَهٍ أهلاً ، وتُفَرِّقُ فى كُلِّ ساعَهٍ شَملاً ؛ فَكَم مِن مُنافِسٍ فيها وراكِنٍ إلَيها مِنَ الاُمَمِ السّالِفَهِ قَد قَذَفَتهُم فِى الهاوِيَهِ ، ودَمَّرَتهُم تَدميرا ، وتَبَّرَتهُم (7) تَتبيرا ، وأصلَتهُم سَعيرا ! (8)118.الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام (فى جَوابِهِ لِمَروانَ حينَ قالَ لَهُ : إنّى آمُ) عنه عليه السلام فِى المُناجاهِ :إلهى ، كَيفَ نَبتَهِجُ فى دارٍ حُفِرَت لَنا فيها حَفائِرُ صَرعَتِها ، وفُتِلَت بِأيدِى المَنايا حَبائِلُ غَدرَتِها ، وجَرَّعَتنا مُكرَهينَ جُرَعَ

مَرارَتِها ، ودَلَّتنَا النَّفسُ عَلَى انقِطاعِ عيشَتِها ، لَولا ما صَغَت (9) إلَيهِ هذِهِ النُّفوسُ مِن رَفائِغِ (10) لَذَّتِها ، وَافتِتانِها بِالفانِياتِ مِن فَواحِشِ زينَتِها . إلهى فَإِلَيكَ نَلتَجِئُ مِن مَكائِدِ خُدعَتِها ، وبِكَ نَستَعينُ عَلى عُبورِ قَنطَرَتِها . (11) .

1- .نهج البلاغه : الخطبه 111 ، تحف العقول : ص 181 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 114 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 230 ، غرر الحكم : ح 3677 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 83 ح 46 .
3- .الثُّبُور : الهلاک والخسران (الصحاح : ج 2 ص 604 «ثبر») .
4- .غرر الحكم : ح 5576 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 283 ح 5097 .
5- .غرر الحكم : ح 25 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 36 ح 734 .
6- .غرر الحكم : ح 5074 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 242 ح 4614 وفيه «وعاجلها» بدل «وحاصلها» .
7- .تَبَّرَهُ تَتبيراً : كَسَّره وأهلَكه (الصحاح : ج 2 ص 600 «تبر») .
8- .الأمالى للطوسى : ص 685 ح 1456 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 374 ح 36 .

9- .صَغَتْ : مَالَتْ (المصباح المنير : ص 342 «صغى») .
10- .الرَّفْغ : سعه العيش والخصب والسَّعَه (لسان العرب : ج 8 ص 430 «رفغ») .
11- .البلد الأمين : ص 315 ، المصباح للكفعمى : ص 491 وفيه «رفائع» بدل «رفائغ» وكلاهما عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 104 ح 14 .

119.تاریخ الطبری عن عقبه بن سمعان :امام علی علیه السلام نیز در وصف دنیا :بس فریبنده است . هر آنچه در دنیاست ، فریب است . فناپذیر است . هرکه در آن است ، از میان می رود. در هیچ یک از توشه های آن، بجز تقوا، خیری نیست.120.تاریخ الطبری عن الحسین بن عقبه المرادی :امام علی علیه السلام :از دنیا برحذر باشید که دنیا ، بس بی وفا و فریبنده و حیله گر است ؛ هم می دهد و هم دریغ می ورزد، هم می پوشاند و هم برهنه می سازد. آسایش آن ، نمی پاید و رنجش ، به سر نمی آید و [توفان [گرفتاری ها و بلایش ، آرام نمی گیرد.121.الذرّیه الطاهره عن محمّد بن حسین بن علیّ بن حسینامام علی علیه السلام :شادی دنیا ، فریب [و پوچ] است و کالایش نابودی و زیان.122.الخصال بإسناده عن الحسین بن علیّ بن أبی طالب علیهامام علی علیه السلام :دنیا، اغوا می کند.123.تاریخ الطبری عن جعفر بن حذیفه الطائی عن الحسین عل (لَمّا بَلَغَهُ خَبَرُ مُسلِمِ بنِ عَقیلٍ) امام علی علیه السلام :دنیا ، اندک است و حاصلش ناچیز و شادی اش دروغ و دِهِش هایش پوچ.124.تأویل الآیات الظاهره عن زید بن علیّ عن أبیه عن جدامام علی علیه السلام :بدانید که دنیا ، سرایی فریبکار و نیرنگباز است، هر روز شوهری می کند و هر شب ، خانواده ای را می کُشد و هر ساعت ، انجمنی را از هم می پاشانَد . چه بسیار مردمانی از ملّت های پیشین که در پیِ دنیا کوشیدند و به آن گراییدند ؛ امّا دنیا به ورطه نابودی افکندشان و به سختی نابودشان کرد و به کلّی آنان را درهم شکست و به کام دوزخ سپردشان!125.الفتوح عن الإمام الحسین علیه السلام :امام علی علیه السلام در مناجات :معبود من! چگونه شاد باشیم در سرایی که در آن برای ما گورها حفر شده و دام های بی وفایی اش با دستان مرگ ، رشته شده و جرعه های شرنگش را به زور به ما نوشانده است و نفس ، ما را از پایان پذیری زندگی اش آگاه ساخته است ؛ اگر نبود که این نفْس ها به خرّمی لذّت هایش

میل کرده اند و فریفته زرق و برق های فراوان و فناپذیر آن شده اند. معبود من! از ترفندهای فریبکارانه دنیا به تو پناه می بریم و برای گذشتن از پُل آن ، از تو یاری می جوییم. .

126.المناقب عن الإمام الحسين عليه السلام (فى قَولِهِ تَعالى : {Q} «الَّذِينَ إِن مَّكَّنّ) الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ أميرَ المُؤمِنين عليه السلام لَمَّا انقَضَتِ القِصَّةُ فيما بَينَهُ وبَينَ طَلحَه وَالزُّبَير وعائِشَه بِالبَصرَه ، صَعِدَ المِنبَرَ فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ وصَلّى عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ثُمَّ قالَ :

يا أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ الدُّنيا حُلوَهٌ خَضِرَهٌ ، تَفتِنُ النّاسَ بِالشَّهَواتِ وتُزَيِّنُ لَهُم بِعاجِلِها ، وَايمُ اللّهِ إنَّها لَتَغُرُّ مَن أمَّلَها وتُخلِفُ مَن رَجاها ، وسَتورِثُ أقواما النَّدامَهَ وَالحَسرَهَ بِإقبالِهِم عَلَيها وتَنافُسِهِم فيها ، وحَسَدِهِم وبَغيِهِم عَلى أهلِ الدّينِ وَالفَضلِ فيها ظُلَما وعُدوانا وبَغيا وأشَرا (1) وبَطَرا . (2)127.الفتوح عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام :أُوصيكُم عِبادَ اللّهِ بِتَقوَى اللّهِ . . . فَلا تَغُرَّنَّكُمُ الدُّنيا ولا تَركَنوا إلَيها ؛ فَإنَّها دارُ غُرورٍ ، كَتَبَ اللّهُ عَلَيها وعَلى أهلِهَا الفَناءَ ، فَتَزَوَّدوا مِنهَا الَّذى أكرَمَكُمُ اللّهُ بِهِ مِنَ التَّقوى وَالعَمَلِ الصّالِحِ ، فَإنَّهُ لا يَصِلُ إلَى اللّهِ مِن أعمالِ العِبادِ إلاّ ما خَلَصَ مِنها ، ولا يَتَقَبَّلُ اللّهُ إلاّ مِنَ المُتَّقينَ . (3) .

1- .الأَشَرُ : البَطَرُ ، وقيل : أشدّ البَطَر (النهايه : ج 1 ص 51 «أشر») .
2- .الكافى : ج 8 ص 256 ح 368 عن سلام بن المستنير ، بحار الأنوار : ج 32 ص 233 ح 186 .
3- .الكافى : ج 3 ص 422 ح 6 عن محمّد بن مسلم .

128.کمال الدین بإسناده عن الحسین عن أبیه علیّ صلوات اامام باقر علیه السلام :امیر مؤمنان علیه السلام ، چون ماجرای میان او و طلحه و زبیر و عایشه در بصره پایان یافت، بر منبر رفت و حمد و ثنای خداوند به جای آورد و بر پیامبر خدا درود فرستاد و آن گاه فرمود: «ای مردم! دنیا شیرین و دل پذیر است، مردم را با خواست ها می فریبد و زرق و برق گذرای خود را در نگاه آنان می آراید. سوگند به خدا که دنیا ، هر که را آرزومند آن شود، می فریبد و هرکه را بدان امید بندد ، نومید می سازد و به زودی ، مردمانی را که به آن روی آورده اند و در آن به رقابت برخاسته اند و بر سر آن بر یکدیگر حسادت می ورزند و بر اهل دین و فضیلت ستم و تعدّی و زورگویی و سرکشی و گستاخی می کنند، دچار پشیمانی و افسوس خواهد کرد.129.الکافی عن الحکم بن عتیبه :امام باقر علیه السلام :ای بندگان خدا ! شما را به تقوای الهی سفارش می کنم... زنهار ، دنیا شما را نفریبد و به آن دل مبندید که دنیا ، فریبکده ای بیش نیست و خداوند ، برای آن و اهلش نابودی رقم زده است. پس، از دنیا توشه تقوا و کار نیک برگیرید ، که خداوند ، ارجمندی شما را در آنها نهاده است؛ زیرا از اعمال بندگان ، تنها آن عملی به درگاه خداوند می رسد که پاک و خالص باشد، و خدا فقط از پرهیزگاران می پذیرد. .

130.شواهد التنزيل عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها الحسينالإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : مَضَى الدَّهرُ وَالأَيّامُ وَالذَّنبُ حاصِلٌ وأنتَ بِما تَهوى عَنِ الحَقِّ غافِلُ سُرورُکَ فِى الدُّنيا غُرورٌ وحَسرَهٌ وعَيشُکَ فِى الدُّنيا مُحالٌ وباطِلُ (1)131.تأويل الآيات الظاهره عن الإمام الحسين عليه السلام (لِأَصحابِهِ بِالطَّفِّ) عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المنَسوبِ إلَيهِ : جَميعُ فَوائدِ الدُّنيا غُرورٌ ولا يَبقى لِمَسرورٍ سُرورُ فَقُل لِلشّامِتينَ بِنا أفيقوا فَإنَّ نَوائِبَ الدُّنيا تَدورُ (2)راجع : ص 240 (حقيقه الدنيا الذميمه / الاغترار بالدنيا)

و 352 (التحذير من الاغترار بالدنيا) .

1 / 3 4دارُ لَعِبٍ ولَهوالكتاب«وَمَا الْحَيَوهُ الدُّنْيَا إِلاَّ لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الآخِرَهُ خَيْرٌ لِّلَّذِين يَتَّقُونَ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ» . (3)

«وَ مَا هَذِهِ الْحَيَوهُ الدُّنْيَا إِلاَّ لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الآخِرَهَ لَهِى الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ» . (4)

«إِنَّمَا الْحَيَوهُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِن تُؤْمِنُواْ وَ تَتَّقُواْ يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَ لاَ يَسْئَلْكُمْ أَمْوَ لَكُمْ» . (5)

«اعْلَمُواْ أَنَّمَا الْحَيَوهُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَهٌ وَ تَفَاخُرُ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِى الأَمْوَ لِ وَ الأَوْلَدِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَ فِى الآخِرَهِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَهٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَ نٌ وَ مَا الْحَيَوهُ الدُّنْيَا إِلاَّ مَتَعُ الْغُرُورِ» . (6)

.

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 412 الرقم 326 .
2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 258 الرقم 178 .
3- .الأنعام : 32 .
4- .العنكبوت : 64 .
5- .محمّد: 36 .
6- .الحديد : 20 .

141.روضه الواعظین عن الحسین بن علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان :روزگار و روزها گذشت و حاصلش گناه بود /

و تو به سبب هواهای نفسانی ات ، از حق غافلی .

شادی تو در دنیا ، فریب و حسرتی بیش نیست

و زیستن تو در دنیا ، محال و ناشدنی است .142.صحیح البخاری عن ابن شهاب عن علیّ بن حسین علیه السامام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : همه منافع دنیا فریب است/ و شادی هیچ شادمانی پایدار نمی ماند . به دشمنیْ شادانِ ما بگو: به هوش باشید/ که مصیبت های دنیا می چرخد [و نوبت شما هم می رسد] .ر . ک : ص241 (حقیقت دنیای نکوهیده / فریفته شدن به دنیا)

و 353 (بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا) .

1 / 3 4سرای بازی و سرگرمیقرآن«و زندگی دنیا ، جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری می کنند ، بهتر است . آیا نمی اندیشید؟» .

«و این زندگی دنیا ، جز سرگرمی و بازی نیست، و سرای آخرت است که زندگی [حقیقی [است . ای کاش می دانستند!» .

«زندگی دنیا، در حقیقت، یک بازی و سرگرمی است و اگر شما ایمان آورید و تقوا پیشه کنید ، مزدهای شما را می دهد، و از شما اموالتان را [در عوض] نمی خواهد» .

«بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در دارایی ها و فرزندان است. [مَثَل آنها] چون مَثَل بارانی است که کشاورزان را رُستنی آن [باران] به

شگفتی اندازد، سپس [آن کِشت [خشک شود و آن را زرد بینی، آن گاه ، خاشاک شود. و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا ، جز کالای فریبنده ای نیست» .

.

الحديث153.معانى الأخبار عن زيد بن علىّ عن أبيه علىّ بن الحسالإمام علىّ عليه السلام فى ذَمِّ الدُّنيا :فَبِئسَتِ الدّارُ لِمَن لم يَتهَيَّبها ولَم يَكُن فيها عَلى وَجَلٍ ، وَاعلَموا وأنتُم تَعلَمونَ أنَّكُم تارِكوها لابُدَّ ، وإنَّما هِىَ كَما نَعَتَ اللّهُ : «لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَهٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِى الْاَمْوَ لِ وَ الْاَوْلَدِ» . (1)1 / 3 5دارُ خَبالٍ156.الأمالى عن عبد الرحمن بن أبى ليلى عن الحسين بن علالإمام علىّ علَيه السلام :إنَّ الدُّنيا دارُ خَبالٍ (2) ووَبالٍ وزَوالٍ وَانتِقالٍ ، لا تُساوى لَذّاتُها تَنغيصَها ، ولا تَفى سُعودُها بِنُحوسِها ، ولا يَقومُ صُعودُها بِهُبوطِها . (3)1 / 3 6دارُ مَعصِيَهٍ159.كشف الغمّه عن الإمام الحسين عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :مِن هَوانِ الدُّنيا عَلَى اللّهِ أنَّهُ لا يُعصى إلاّ فيها ، ولا يُنالُ ما عِندَهُ إلاّ بِتَركِها . (4)160.المناقب عن أبى سعيد دينار عن الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام :دارُ الفَناءِ مَقيلُ (5) العاصينَ ، ومَحَلُّ الأَشقِياءِ وَالمُتَعَدّينَ . (6) .

1- .تحف العقول : ص 182 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 98 ح 81 .
2- .الخَبال : الفساد ، ويكون فى الأفعال والأبدان والعقول (النهايه : ج 2 ص 8 «خبل») .
3- .غرر الحكم : ح 3480 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 151 ح 3313 .
4- .نهج البلاغه : الحكمه 385 ، غرر الحكم : ح 3662 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 132 ح 136 .
5- .المَقيل : الاستراحه نصف النهار إذا اشتدّ الحرّ ، والمَقيل أيضا : الموضع (لسان العرب : ج 11 ص 578 و ص 577 «قيل») .
6- .غرر الحكم : ح 5127 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 251 ح 4703 .

1 / 3 5 سرای تباهی

1 / 3 6 سرای نافرمانی

حدیث162.الأمالی عن أبان بن تغلب عن أبی جعفر محمّد بن علیّامام علی علیه السلام در نکوهش دنیا :بد سرایی است برای کسی که از آن نهراسد و در دنیا ، بیمناک نباشد، و بدانید و می دانید که به ناچار ، دنیا را ترک خواهید کرد، و دنیا چنان است که خداوند ، وصف کرده است: «بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی میانتان و فزون جویی در دارایی ها و فرزندان است» .1 / 3 5سرای تباهی165.عیون أخبار الرضا بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه االمام علی علیه السلام :دنیا، سرای تباهی (1) و گزند و دگرگونی و جا به جایی است، خوشی های آن با تلخی هایش برابری نمی کند، و خوش بختی هایش با بدبختی هایش همسان نیست، و فرازش با نشیبش یکسان نیست.1 / 3 6سرای نافرمانی168.عیون أخبار الرضا بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه االمام علی علیه السلام :از خواری و بی مقداری دنیا در نزد خداست که او ، جز در دنیا نافرمانی نمی شود و جز با ترک آن ، به آنچه [از بهشت و نعمت های ابدی که [نزد خداست ، نمی توان رسید.169.الأمالی عن زید بن علیّ :امام علی علیه السلام :این سرای نیستی، خوابگاهِ نیم روزی نافرمانان است و جایگاه شوربختان و تجاوزگران.

.

1- .ممکن است به آیه 118 سوره آل عمران «لاَ یَأْلُونَکُمْ خَبَالاً» خَبال ، به معنای شر و فساد و تباهی است و به همین جهت ، جنون را «خبل» هم می گویند ؛ چون فساد عقل است.

1 / 3 7دارُ شَقاءٍ172.المستدرک علی الصحیحین بإسناده عِن الحسین بن علیّ عالإمام علیّ علیه السلام :إن کُنتُم لِلنَّعیم طالِبینَ ، فَأعتِقوا أنفُسَکُم مِن دارِ الشَّقاءِ . (1)173.الإرشاد :عنه علیه السلام :الدُّنیا دارُ الغُرَباءِ ، ومَوطِنُ الأشقِیاءِ . (2)1 / 3 8دارُ الظّالِمینَ176.بحار الأنوار عن أبی عبد اللّه الحسین علیه السلامتنبیه الخواطر :قیلَ : أوحَی اللّهُ تَعالی إلی موسی علیه السلام : یا موسی ، ما لَکَ ولِدارِ الظّالِمینَ؟! إنَّها لَیسَت لَکَ بِدارٍ ، أخرِج مِنها هَمَّکَ ، وفارِقها بِعَقلِکَ ، وبِئسَتِ الدّارُ هِیَ ، إلاّ لِلعامِلِ فیها فَنِعمَتِ الدّارُ هِیَ . (3)177.الملهوف عن عمر بن علیّ بن أبی طالب عن الحسین بن عالکافی عن علیّ بن عیسی رَفَعَه :إنَّ موسی علیه السلام ناجاهُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی فَقالَ لَهُ فی مُناجاتِهِ : یا موسی ، طِب نَفسا عَنِ الدُّنیا وَانطَوِ عَنها ، فَإنَّها لَیسَت لَکَ ولَستَ لَها ، ما لَکَ ولِدارِ الظّالِمینَ ! إلاّ لِعامِلٍ فیها بِالخَیرِ ؛ فَإنَّها لَهُ نِعمَ الدّارُ . (4)178.عیون أخبار الرضا بإسناده عن الحسین بن علیّ عن علیالإمام الباقر علیه السلام :إنَّ فیما ناجَی اللّهُ بِهِ موسی علیه السلام أن قالَ : إنَّ الدُّنیا لَیسَت بِثَوابٍ لِلمُؤمِنِ بِعَمَلِهِ ، ولا نِقمَةٍ لِلفاجِرِ [بِقَدرِ] (5) ذَنبِهِ ، وهِیَ دارُ الظّالِمینَ ، إلاّ العامِلَ فیها بِالخَیرِ ؛ فَإنَّها لَهُ نِعمَتِ الدّارُ . (6) .

1- .غرر الحکم : ح 3745 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 163 ح 3479 وفیه «شقاء الدنیا» بدل «دار الشقاء» .
2- .غرر الحکم : ح 1206 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 46 ح 1131 .
3- .تنبیه الخواطر : ج 1 ص 132 ؛ إحیاء علوم الدین : ج 3 ص 302 .
4- .الکافی : ج 8 ص 47 ح 8 ، تحف العقول : ص 494 من دون إسنادٍ إلی الراوی ، أعلام الدین : ص 221 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 36 ح 7 .
5- .ما بین المعقوفین سقط من المصدر ، وأثبتناه من بحار الأنوار .
6- .قصص الأنبیاء : ص 162 ح 183 عن قتیبه الأعشی ، بحار الأنوار : ج 73 ص 104 ح 97 .

1 / 3 7 سرای بدبختی

1 / 3 8 سرای ستمکاران

1 / 3 7سرای بدبختی181.کتاب سلیم بن قیس :امام علی علیه السلام :اگر خواهان نیک بختی و راحتی هستید ، پس جان هایتان را از [بندگیِ این] سرای شوربختی ، آزاد سازید.182.الإرشاد (فی ذِکرِ مَسیرِ الإمامِ الحُسَینِ علیه السلام) امام علی علیه السلام :دنیا، خانه [موقّت] غریبان است و وطنِ شوربختان.1 / 3 8سرای ستمکاران185.التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکریّ علیه السلام :تنبیه الخواطر:گفته شده که خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود: «ای موسی! تو را با سرای ستمکاران چه کار؟! دنیا ، سرای تو نیست، همّتت را از آن بیرون بَر و با خِرَدت از آن جدا شو. دنیا ، بد سرایی است ، مگر برای کسی که در آن به کار و عمل بپردازد که در این صورت، دنیا ، سرای خوبی است.186.الاستنصار عن أبی الجارود عن أبی جعفر محمّد بن علیالکافی به نقل از علی بن عیسی ، در حدیثی که سندش را به معصوم علیه السلام رسانده است :خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام مناجات کرد و در مناجاتش به او گفت: «ای موسی! دل و جان را از دنیا رها کن و از آن روی بگردان؛ زیرا نه دنیا برای توست و نه تو برای دنیایی تو را با سرای ستمکاران چه کار؟! مگر این که کسی در آن ، کار نیک کند که در این صورت ، برای او نیکو سرایی است».187.کفایه الأثر عن إبراهیم بن یزید السمّان عن أبیه عنامام باقر علیه السلام :از جمله مناجات های خداوند با موسی علیه السلام این بود که فرمود: «دنیا ، نه پاداشی است برای عمل مؤمن، و نه کیفر گناه گنهکار است. دنیا ، سرای ستمکاران است ، مگر این که کسی در آن ، کار نیک کند که در این صورت ، برای او نیکوسرایی است».

.

1 / 3 9دارُ الفاسِقينَالكتاب :«سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَسِقِينَ» . (1)

الحديث :193.كمال الدين بإسناده عن الحسين بن علىّ عليهماالسلامتفسير العياشى :عن محمّد بن سابِقِ بن طَلحَه الأَنصارىّ : كانَ مِمّا قالَ هارونُ لِاِبنِى الحَسَنِ موسى عليه السلام حينَ اُدخِلَ عَلَيهِ : ما هذِهِ الدّارُ ؟

قالَ : هذِهِ دارُ الفاسِقينَ . قالَ : وقَرَأَ : «سَأَصْرِفُ عَنْ ءَايَتِىَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِى الأَْرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وإن يَرَوْاْ كُلَّ ءَايَةٍ لاَّ يُؤْمِنُواْ بِهَا وَإِن يَرَوْاْ سَبِيلَ الرُّشْدِ لاَ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلاً وَإِن يَرَوْاْ سَبِيلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلاً» (2) .

فَقالَ لَهُ هارون : فَدارُ مَن هِىَ ؟

قالَ : هِىَ لِشيعَتِنا فَتنَرَهٌ ، ولِغَيرِهِم فِتنَهٌ .

قالَ : فَما بالُ صاحِبِ الدّارِ لا يَأخُذُها ؟

قالَ : اُخِذَت مِنهُ عامِرَةً ، ولا يَأخُذُها إلاّ مَعمورَةً . (3)1 / 3 10دارُ مَن لا دارَ لَهُ196.كفايه الأثر عن محمّد بن مسلم :رسولِ اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا دارُ مَن لا دارَ لَهُ ، ولَها يَجمَعُ مَن لا عَقلَ لَهُ . (4) .

1- .الأعراف : 145 .
2- .الأعراف : 146 .
3- .تفسير العياشى : ج2 ص29 ح78 ، الإختصاص : ص 262 ، بحار الأنوار : ج 48 ص 138 ح 13 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 344 ح 24473 ، ذمّ الدنيا لابن أبى الدنيا : ص 92 ح 182 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 375 ح 10638 وفيهما بزياده «ومال من لا مالَ له» بعد «لا دار له» وكلّها عن عائشه ، كنز العمّال : ج 3 ص 186 ح 6086 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 340 ح 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 73 ص 54 ح 26 .

1 / 3 9 سرای فاسقان

1 / 3 9سرای فاسقانقرآن«به زودی سرای فاسقان (1) را به شما نشان می دهم» .

حدیث202.رجال الکشّی عن فضیل غلام محمّد بن راشد عن أبی عبدتفسیر العیاشی به نقل از محمّد بن سابق بن طلحه انصاری :هنگامی که ابو الحسن (امام کاظم علیه السلام را نزد هارون بردند ، از جمله چیزهایی که هارون به ایشان گفت ، این بود که: این سرا (دنیا) چیست؟

فرمود: «این، سرای فاسقان است. [خداوند متعال] فرمود: «[به زودی سرای فاسقان را به شما نشان می دهم .] به زودی کسانی را که در زمین به ناحق تکبّر می ورزند، از آیاتم روی گردان می سازم [به طوری که] اگر هر نشانه ای را [از قدرت من] بنگرند ، بدان ایمان نمی آورند، و اگر راه صواب را ببینند ، آن را بر نمی گزینند و اگر راه گم راهی را ببینند ، آن را راه خود قرار می دهند» ».

هارون به ایشان گفت: بنا بر این، این سرای کیست؟

فرمود: «برای شیعیان ما یک مرحله است و برای دیگران ، مایه فتنه».

گفت: پس چرا صاحب سرای ، آن را نمی گیرد؟

فرمود: «[چون] از او در حالی ستانده شد که آباد بود، و آن را نمی ستانَد ، مگر در حالی که آباد باشد». (2)1 / 3 10سرای کسی که سرایی ندارد205.کفایه الأثر عن أبی خالد الکابلی عن علیّ بن الحسینپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، سرای کسی است که سرایی [در آخرت] ندارد و کسی برای آن گِرد می آورد که خِرَد ندارد.

.

1- .فسق ، در اصل ، برهنه شدن و از پوست بیرون آمدن بوده است. گفته می شود: «فَسقَ الرّطب» ، یعنی : «رطب پوست انداخت». این کلمه در

گناه کم و بسیار به کار می رود و اعم از کفر است ؛ ولی در گناه بسیار ، متعارف شده است. فاسق ، به کسی گفته می شود که به حکم شرع ، گردن نهاده و سپس از آن تمرّد کرده است. (مفردات ألفاظ القرآن، واژه «فسق»).
2- .به نظر می رسد که امام کاظم علیه السلام در گفتگو ، دنیای نکوهیده را که هارون از آن کام می گرفت ، ابتدا سرای کام روایی فاسقان می نامد ، در ادامه ، هارون با اشاره به امام علیه السلام می گوید: اگر دنیا ، سرای فاسقان است ، ارتباطی با شما و پیروانتان که مدّعی خلافت هستید ، ندارد. امام علیه السلام اشاره می فرماید که اگر دنیا در اختیارِ صاحبان واقعی آن که پیروان ما هستند قرار می گرفت ، مرحله ای بود برای خودسازی و سازندگی ؛ امّا برای غیر آنها مایه فتنه است. در این جا هارون با صراحت می گوید : اگر شما واقعاً خود را صاحب خانه دنیا می دانید ، چرا آن را نمی گیرید؟ امام علیه السلام پاسخ می دهد : «هنگامی که این خانه (یعنی خلافت) از ما گرفته شد ، آباد بود و اکنون ، خراب شده است» . به سخن دیگر ، امام کاظم علیه السلام همان عذر جدّش امام علی علیه السلام در نپذیرفتن خلافت را تکرار کرد که می فرمود «إنَّ الآفاقَ قَد أغامَت وَالمَحَجَّةَ قَد تَنَكَّرَت» (ر.ک : دانش نامه امیرالمؤمنین : بخش پنجم / فصل یکم / حدیث 1285) . فرزندش امام رضا علیه السلام نیز برای نپذیرفتن ولایت عهدی مأمون همین جمله را تکرار فرمود.

206.كفايه الأثر بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا دارُ مَن لا دارَ لَهُ ، ومالُ مَن لا مالَ لَهُ ، ولَها يَجمَعُ مَن لا عَقلَ لَهُ ، وشَهَواتِها يَطلُبُ مَن لا فَهمَ لَهُ ، وعَلَيها يُعادى مَن لا عِلمَ لَهُ ، وعَلَيها يَحسُدُ مَن لا فِقهَ لَهُ ، ولَها يَسعى مَن لا يَقينَ لَهُ . (1)207.كفايه الأثر بإسناده عن الحسين عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :الدّارُ دارُ مَن لا دارَ لَهُ ، وبِها يَفرَحُ مَن لا عَقلَ لَهُ ، فَأنزِلوها مَنزِلَتَها . (2)208.كفايه الأثر عن زيد بن علىّ عن علىّ بن الحسين عن ألإمام الصادق عليه السلام :خَرَجَ النَّبِى صلى الله عليه و آله وهُوَ مَحزونٌ ، فَأتاهُ مَلَكٌ ومَعَهُ مَفاتيحُ خَزائِنِ الأرضِ ، فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، هذِهِ مَفاتيحُ خَزائِنِ الأرضِ ، يَقولُ لَكَ رَبُّكَ : اِفتَح وخُذ مِنها ما شِئتَ مِن غَيرِ أن تَنقُصَ شَيئا عِندى .

فَقالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : الدُّنيا دارُ مَن لا دارَ لَهُ ، ولَها يَجمَعُ مَن لا عَقلَ لَهُ .

فَقالَ المَلَكُ : وَالَّذى بَعَثَكَ بِالحَقِّ نَبِيّا ، لَقَد سَمِعتُ هذَا الكَلامَ مِن مَلَكٍ يَقولُهُ فِى السَّماءِ الرّابِعَهِ حينَ اُعطيتُ المَفاتيحَ ! (3)1 / 3 11أقرَبُ دارٍ مِن سَخَطِ اللّهِ211.كمال الدين عن عبد اللّه بن عمر :الإمام علىّ عليه السلام يَصِفُ الدُّنيا :أقرَبُ دارٍ مِن سَخَطِ اللّهِ ، وأبعَدُها مِن رِضوانِ اللّهِ ؛ فَغُضّوا عَنكُم عِبادَ اللّهِ غُمومَها وأشغالَها ، لِما قَد أيقَنتُم بِهِ مِن فِراقِها وتَصَرُّفِ حالاتِها . (4) .

1- .مشكاه الأنوار : ص 467 ح 1560 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 70 ، روضه الواعظين : ص 491 ، إرشاد القلوب : ص 186 وليس فيه «ومال مَنْ لا مالَ له» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 123 ح 111 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 300 وليس فيه «وشهواتها يطلب من لا فَهْمَ له» .
2- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 309 ح 542 .
3- .الكافى : ج 2 ص 129 ح 8 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : ج 73 ص 54 ح 26 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 161 .

1 / 3 10 سرای کسی که سرایی ندارد

1 / 3 11 نزدیک ترین سرا به خشم خداوند

212.إثبات الهداه عن ثابت بن دینار عن أبی جعفر علیه الپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، سرای کسی است که سرایی ندارد و دارایيِ کسی است که مالی ندارد و کسی از بَهرِ آن گِرد می آورد که خِرَد ندارد و کسی در پیِ خواسته های دنیوی می رود که فهم ندارد، و کسی بر سرِ دنیا دشمنی می ورزد که شناخت ندارد و کسی به خاطر آن حسادت می ورزد که دانایی ندارد و کسی برای آن تلاش می کند که [به آخرت] یقین ندارد.213.کمال الدین بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه السلامامام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :دنیا ، سرای کسی است که سرایی ندارد و کسی به آن شاد می شود که خِرد ندارد . پس دنیا را در جایگاه [واقعی [خودش قرار دهید.214.کفایه الأثر عن یحیی بن جعده بن هبیره عن الحسین بن (فی جَوابِ رَجُلٍ سَأَلَهُ عَنِ الأَئِمَّهِ) امام صادق علیه السلام :روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که غمگین بود ، بیرون آمد. فرشته ای باکلیدهای خزانه های زمین ، نزد ایشان آمد و گفت: «ای محمّد! اینها کلیدهای خزانه های زمین است . پروردگارت به تو می گوید: [خزانه ها را] باز کن و از آنها هر اندازه که می خواهی ، بردار ، بی آن که از آنچه [از مقام و پاداش] نزد من داری ، چیزی کم شود».

پیامبر خدا فرمود: دنیا ، سرای کسی است که سرایی ندارد و کسی برای آن گِرد می آورد که خِرد ندارد.

فرشته گفت: «سوگند به آن که تو را به حق به پیامبری برانگیخت، هنگامی که در آسمان چهارم کلیدها به من داده شد ، از فرشته ای نیز شنیدم که همین سخن را می گفت» .1 / 3 11نزدیک ترین سرا به خشم خداوند217.دلائل الإمامه عن الزهری عن علیّ بن الحسین عن أبیهامام علی علیه السلام در وصف دنیا :نزدیک ترین سرا به خشم و ناخشنودی خداوند و دورترین سرا به خشنودی خداست. پس ای بندگان خدا غم ها و

مشغله های دنیا را از خود ، کم کنید؛ زیرا به جدایی دنیا و ناپایداری حالات آن ، یقین دارید.

.

1 / 3 12سِجنُ المُؤمِنِ وجَنَّةُ الكافِرِ220.كمال الدين بإسناده عن الحسين بن علىّ عن أبيه أميررسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ ، وجَنَّةُ الكافِرِ . (1)221.عقد الدرر عن الحسين بن علىّ عليه السلام :عنه صلى الله علَيه و آله :الدُّنيا لا تَصفو لِمُؤمِنٍ ، كَيفَ وهِىَ سِجنُهُ وبَلاؤُهُ؟! (2)222.كتاب من لا يحضره الفقيه عن سالم عن أبى عبد اللّهعنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ ، فَأىُّ سِجنٍ جاءَ مِنهُ خَيرٌ؟! (3)223.مستدرک الوسائل عن مسروق :عنه صلى اللهُ عليه و آله :الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ ، لا راحَةَ لِمُؤمِنٍ دونَ لِقاءِ اللّهِ . (4)224.كتاب من لا يحضره الفقيه :عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ وسَنَتُهُ (5) ، فَإذا فارَقَ الدُّنيا فارَقَ السِّجنَ وَالسَّنَةَ . (6)225.المحاسن عن زيد بن أرقم عن الحسين بن علىّ عليه السعنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ وجَنَّةُ الكافِرِ ، فَأمّا (7) المُؤمِنُ فَمُرَوَّعٌ فيها ، وأمَّا الكافِرُ فَمُتَمَتِّعٌ مِنها . (8) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 363 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 53 ، الأمالى للطوسى : ص 346 ح 715 عن سلمان ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 47 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 99 ح 84 ؛ صحيح مسلم : ج 4 ص 2272 ح 1 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 562 ح 2324 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1378 ح 4113 كلّها عن أبى هريره ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 699 ح 6545 ، المعجم الكبير : ج 6 ص 236 ح 6087 كلاهما عن سلمان ، كنز العمّال : ج 3 ص 185 ح 6081 .
2- .الفردوس : ج 2 ص 229 ح 3105 ، كشف الخفاء : ج1 ص 410 ح 1317 كلاهما عن عائشه ، كنز العمّال : ج 3 ص 187 ح6090 .
3- .مشكاه الأنوار : ص 465 ح 1553 ، الكافى : ج 2 ص 250 ح 7 عن شعيب عن الإمام الصادق عليه السلام ، مستطرفات السرائر : ص 159 ح 32 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 68 ص 221 ح 11 .
4- .الفردوس : ج 2 ص 229 ح 3106 عن أبى هريره .
5- .السَّنَةُ : الجَدْب ، يقال : أخذتهم السَّنَه ؛ إذا أجدَبوا وأُقحطوا (النهايه : ج 2 ص 413 «سنه») .
6- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 635 ح 6872 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 351 ح 7882 ، الزهد لابن المبارک : ص 212 ح 598 ، الفردوس

: ج 2 ص 229 ح 3104 كلّها عن عبداللّه بن عمرو ، حليه الأولياء : ج 8 ص 177 عن عبد الرحمن بن عمرو ، كنز العمّال : ج 3 ص 185 ح 6081 .
7- .فى المصدر زياده كلمه «سِجن» هنا ، وحذفناها طبقا لباقى المصادر ، إذ لا يصحّ السياق معها .
8- .الجعفريّات : ص 204 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، التمحيص : ص 48 ح 76 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 67 ص 242 ح 77 .

1 / 3 12زندان مؤمن و بهشت کافر228.تاریخ دمشق عن علیّ بن محمّد بن الصایغ عن أبیه عنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است.229.الخصال بإسناده عن الحسین عن أبیه علیّ بن أبی طالبپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا به کام هیچ مؤمنی نمی شود . چگونه شود ، حالْ آن که دنیا ، زندان او و مایه رنج و گرفتاری اوست؟ !230.المؤمن عن سعد بن طریف :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، زندان مؤمن است. کدام زندان است که از آن ، خیر و خوشی آید؟ !231.علل الشرائع عن عبد اللّه بن الحسن عن علیّ بن الحسپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، زندان مؤمن است . هیچ مؤمنی بدون لقای خداوند ، آسایش نمی یابد.232.المحاسن عن إسحاق بن جریر الجریری عن رجل من أهل بیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، زندان مؤمن و قحطگاه اوست و چون از دنیا برود ، از این زندان و قحطگاه می رَهَد.233.شرح نهج البلاغه عن ابن عبّاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است . زندان مؤمن است ؛ چون در آن هراسان است، و بهشت کافر است؛ چون از آن برخوردار است.

.

234.تنبيه الخواطر :عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ وَالقَبرُ حِصنُهُ وَالجَنَّهُ مَأواهُ ، وَالدُّنيا جَنَّهُ الكافِرِ وَالقَبرُ سِجنُهُ وَالنّارُ مَأواهُ . (1)235.الإرشاد :عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ وَالقَبرُ حِصنُهُ وإلَى الجَنَّهِ مَصيرُهُ ، وَالدُّنيا جَنَّهُ الكافِرِ وَالقَبرُ سِجنُهُ وإلَى النّارِ مَصيرُهُ . وإنَّما صارَتِ الدُّنيا لِلمُؤمِنِ سِجنا ؛ لِاَنَّ المَسجونَ مُضطَرٌّ إلَى الصَّبرِ . (2)236.أنساب الأشراف عن الإمام الحسين عليه السلام (فى جَوابِ مَن دَعاهُ إلى نَقضِ بَيعَهِ مُعاوِيَ) عنه صلى الله عليه و آله لِاَبى ذَرٍ :يا أبا ذَرٍ ، إنَّ الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ وَالقَبرَ أمنُهُ وَالجَنَّهَ مَصيرُهُ . يا أبا ذَرٍّ ، إنَّ الدُّنيا جَنَّهُ الكافِرِ وَالقَبرَ عَذابُهُ وَالنّارَ مَصيرُهُ . (3)237.أنساب الأشراف عن الإمام الحسين عليه السلام (لِمُحَمَّدِ بنِ بِشرٍ وسُفيانَ بنِ لَيلَى الهَمِ) عنه صلى الله عليه و آله أيضا :يا أباذَرٍّ ، الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ وجَنَّهُ الكافِرِ ، وما أصبَحَ فيها مُؤمِنٌ إلاّ حَزينا ، فَكَيفَ لا يَحزَنُ المُؤمِنُ وقَد أوعَدَهُ اللّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ أنَّهُ وارِدُ جَهَنَّمَ ولَم يَعِدهُ أنَّهُ صادِرٌ عَنها ! ولَيَلقَيَنَّ أعراضا ومُصيباتٍ واُمورا تَغيظُهُ ، ولَيُظلَمَنَّ فلا يُنتَصَرُ ، يَبتَغى ثَوابا مِنَ اللّهِ تَعالى ، فَلا يَزالُ حَزينا حَتّى يُفارِقَها ، فَإذا فارَقَها أفضى إلَى الرّاحَهِ وَالكَرامَهِ . (4)238.أنساب الأشراف عن الإمام الحسين عليه السلام (فى جَوابِ كِتابٍ كَتَبَهُ إلَيهِ جَماعَهٌ مِن ش) عنه صلى الله عليه و آله :أنزَلَ اللّهُ إلَىَّ جِبريلَ عليه السلام بِأحسَنِ ما كانَ يَأتينى صورَهً ، فَقالَ : إنَّ السَّلامَ

يُقرِئُکَ السَّلامَ يا مُحَمَّد ، ويَقولُ : إنّى أوحَيتُ إلَى الدُّنيا أن تَمَرَّرى وتَكَدَّرى وتَضَيَّقى وتَشَدَّدى عَلى أولِيائى حَتّى يُحِبّوا لِقائى ، وتَسَهَّلى وتَوَسَّعى وتَطَيَّبى لِاَعدائى حَتّى يَكرَهوا لِقائى ؛ فَإنّى جَعَلتُها سِجنا لِاَولِيائى وجَنَّهً لِاَعدائى . (5) .

1- .الجعفريّات : ص 204 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ص 108 ح 74 عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهماالسلام ، تحف العقول : ص 363 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «الصبر حصنه» بدل «القبر حصنه» ، الاعتقادات : ص 96 عنهم عليهم السلام ، الدعوات : ص 280 ح 817 عن الإمام العسكرى عليه السلام ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 78 عن علىّ بن صدقه الرقّى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 73 ص 91 ح 67 .

2- .الفردوس : ج 2 ص 230 ح 3107 عن ابن عمر .

3- .حليه الأولياء : ج 6 ص 353 ، كشف الخفاء : ج 2 ص 400 ح 3276 نقلاً عن الطبرانى وكلاهما عن ابن عمر ؛ إرشاد القلوب : ص 18 نحوه .
4- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 367 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 55 وفيه «أمراضا» بدل «أعراضا» ، الأمالى للطوسى : ص 529 ح 1162 ، أعلام الدين : ص 192 وليس فيهما ذيله من «وليلقينّ . . .» وكلّها عن أبى الأسود الدؤلى ، بحار الأنوار : ج 77 ص 78 ح 3 .
5- .المعجم الكبير : ج 19 ص 7 ح 11 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 149 ح 9800 ، الفردوس : ج 1 ص 145 ح 521 كلاهما نحوه وكلّها عن قتاده بن النعمان ، كنز العمّال : ج 3 ص 191 ح 6110 ؛ أعلام الدين : ص 277 نحوه ، بحار الأنوار : ج 81 ص 194 ح 52 .

239.الطبقات الکبری :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، زندان مؤمن است . گور ، پناهگاه او و بهشت ، جایگاهش و دنیا ، بهشت کافر است و گور ، زندان او و آتش ، جایگاهش.240.دلائل الإمامه عن محمّد بن یعلی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، زندان مؤمن است و گور ، پناهگاه او و بهشت ، سرانجامش است و دنیا ، بهشت کافر است و گور ، زندان او و آتش ، سرانجامش. دنیا ، زندان مؤمن است؛ چون زندانی ، ناگزیر از صبر کردن است.241.کنز الفوائد عن الإمام الحسین علیه السلام (حینَ بَلَغَهُ کَلامُ نافِعِ بنِ جُبَیرٍ فی مُعا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو ذر :ای ابو ذر! دنیا زندان مؤمن است و گور ، آرامشگاه او و بهشت ، سرانجامش . ای ابو ذر! دنیا ، بهشت کافر است و گور ، جایگاه عذاب او و آتش دوزخ ، سرانجامش.242.شرح الأخبار عن بشر بن غالب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو ذر :ای ابو ذر! دنیا ، زندان مؤمن و بهشتِ کافر است و هیچ مؤمنی در دنیا نیست ، مگر آن که اندوهگین است، و چگونه مؤمن ، اندوهگین نباشد ، حالْ آن که خداوند او را بیم در آمدن به دوزخ داده و نویدِ بیرون شدن از آن را به او نداده است؟! بی گمان ، او پیشامدها و مصیبت ها و اموری خواهد دید که او را به خشم می آورد، و ستم ها خواهد چشید ، بی آن که انتقامش گرفته شود و [از این ره گذر [پاداشی از خدای متعال می جوید. پس او هماره اندوهگین است تا آن گاه که از دنیا جدا شود و چون از دنیا رفت ، به آسایش و کرامت [الهی [می رسد.243.عیون الأخبار :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، جبرئیل علیه السلام را در زیباترین چهره ای که بر من وارد می شد ، نزد من فرستاد و او گفت: ای محمّد! سلام ، (1) به تو سلام می رساند و می گوید: «من به دنیا وحی کردم که بر دوستانم تلخ و تیره و تنگ و سخت شو

تا مشتاق دیدار من شوند و بر دشمنانم آسان و فراخ و خوش شو تا که دیدار مرا ناخوش بدارند؛ زیرا من ، دنیا را زندان دوستانم و بهشت دشمنانم قرار داده ام». .

1- .یکی از اسمای خداوند متعال ، «سلام» است ، چنان که در آیه 23 حشر آمده است.

244.تاريخ اليعقوبى :الإمام علىّ عليه السلام :اُهرُبوا مِنَ الدُّنيا وَاصرِفوا قُلوبَكُم عَنها ، فَإنَّها سِجنُ المُؤمِنِ ؛ حَظُّهُ مِنها قَليلٌ ، وعَقلُهُ بِها عَليلٌ ، وناظِرُهُ فيها كَليلٌ (1) ! (2)245.نثر الدرّ :عنه عليه السلام :الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ ، وَالمَوتُ تُحفَتُهُ (3) ، وَالجَنَّهُ مَأواهُ . (4)246.الإمامه والسياسه (فى ذِكرِ قُدومِ مُعاوِيَهَ إلَى المَدينَهِ حاجّ) عنه عليه السلام :الدُّنيا جَنَّهُ الكافِرِ ، وَالمَوتُ مُشخِصُهُ (5) ، وَالنّارُ مَثواهُ . (6)247.الفتوح (فى ذِكرِ قُدومِ مُعاوِيَهَ إلى مَكَّهَ وأخذِهِ) الإمام زين العابدين عليه السلام :لَمَّا اشتَدَّ الأَمرُ بِالحُسَينِ بنِ عَلِى بنِ أبى طالِبٍ عليه السلام نَظَرَ إلَيهِ مَن كانَ مَعَهُ فَإذا هُوَ بِخِلافِهِم ؛ لِاَنَّهُم كُلَّمَا اشتَدَّ الأَمرُ تَغَيَّرَت أَلوانُهُم وَارتَعَدَت فَرائِصُهُم (7) ووَجَبَت (8) قُلوبُهُم ، وكانَ الحُسَينُ عليه السلام وبَعضُ مَن مَعَهُ مِن خَصائِصِهِ تُشرِقُ أَلوانُهُم وتَهدَأُ جَوارِحُهُم وتَسكُنُ نُفوسُهُم ، فَقالَ بَعضُهُم لِبَعضٍ : اُنظُروا لا يُبالى بِالمَوتِ !

فَقالَ لَهُمُ الحُسَينُ عليه السلام : صَبرا بَنى الكِرامِ ، فَمَا المَوتُ إلاّ قَنطَرَهٌ تَعبُرُ بِكُم عَنِ البُؤسِ وَالضَّرّاءِ إلَى الجِنانِ الواسِعَهِ وَالنَّعيمِ الدّائِمَهِ ، فَأَيُّكُم يَكرَهُ أن يَنتَقِلَ مِن سِجنٍ إلى قَصرٍ؟ ! وما هُوَ لِاَعدائِكُم إلّا كَمَن يَنتَقِلُ مِن قَصرٍ إلى سِجنٍ وعَذابٍ ، إنَّ أبى حَدَّثَنى عَن رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله : أنَّ الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ وجَنَّهُ الكافِرِ ، والمَوتُ جِسرُ هؤُلاءِ إلى جَنّاتِهِم ، وجِسرُ هؤُلاءِ إلى جَحيمِهِم ، ما كَذَبتُ ولا كُذِبتُ . (9) .

1- .الكَليل : الذى لم يحقّق المنظور (النهايه : ج 4 ص 198 «كلل») .
2- .غرر الحكم : ح 2551 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 92 ح 2165 .
3- .التُحْفَه : طَرفَهُ الفاكهه ، ثم تستعمل فى غير الفاكهه من الألطاف (النهايه : ج 1 ص 182 «تحف») .
4- .غرر الحكم : ح 1860 .
5- .يقال للرجل إذا أتاه ما يُقلِقه : قد شُخِصَ به . ومنه شخوص المسافِر : خروجه عن منزله (النهايه : ج 2 ص 450 «شخص») .
6- .غرر الحكم : ح 1861 .
7- .الفَريصه : اللحمه بين الجَنب والكتف ، التى لا تزال تُرعَد من الدابّه ، وجمعها فريص وفرائص (الصحاح : ج 3 ص 1048 «فرص») .
8- .وَجَبَ القَلبُ : خَفَق واضطرب (لسان العرب : ج 1 ص 794 «وجب») .
9- .معانى الأخبار : ص 288 ح 3 ، الاعتقادات : ص 52 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 6 ص 154 ح 9 .

248.أنساب الأشراف :امام على عليه السلام :از دنيا بگريزيد و دل هايتان را از آن بگردانيد؛ زيرا دنيا ، زندان مؤمن است، بهره اش از آن اندک است و خِرَدش در [كار] آن ، ناتوان است و چشمش در [ديدن] آن ، ضعيف است!(1)249.الخصال عن النضر بن مالک :امام على عليه السلام :دنيا، زندان مؤمن است و مرگ ، هديه اى است به او و بهشت ، سرپناه اوست.250.بحار الأنوار عن بكر بن أيمن عن الحسين بن علىّ عليامام على عليه السلام :دنيا، بهشت كافر است و مرگ ، كوچاننده او و آتش ، جايگاهش.251.دعائم الاسلام :امام زين العابدين عليه السلام :[در كربلا] چون كار بر حسين بن على بن ابى طالب عليه السلام سخت شد ، همراهانش به او نگريستند ، ديدند كه ايشان به خلاف ايشان است؛ چرا كه هرچه كار سخت تر مى شد ، رنگ از چهره آنان بر مى گشت و بدن هايشان به لرزه و قلب هايشان به تپش مى افتاد ؛ امّا حسين عليه السلام و عدّه اى از ياران خاصّ او ، رنگ چهره شان روشن مى شد و بدن هايشان آرام مى گرفت و دل هايشان تسكين مى يافت. همراهان به يكديگر گفتند: ببينيد، از مرگ باكى نداريد!

حسين عليه السلام به ايشان فرمود: «صبور باشيد ، اى بزرگ زادگان؛ زيرا مرگ ، چيزى نيست ، جز پلى كه شما را از رنج و سختى به سوى بهشت هاى پهناور و خوشى و آرامش هميشگى عبور مى دهد. پس كدام يک از شما دوست ندارد كه از زندانى به كاخى منتقل شود؟ و براى دشمنان شما ، مرگ چيزى نيست ، جز همانند كسى كه از كاخى به زندان و شكنجه گاهى منتقل شود. پدرم از پيامبر خدا برايم حديث كرد كه: «دنيا، زندان مؤمن و بهشت كافر است و مرگ ، پل آنان به سوى بهشتشان و پل اينان به سوى دوزخشان است. هرگز دروغ نگفته ام و به من ، دروغ گفته نشده است». .

1- .مقصود ، آن است كه بصيرت و خردورزى مؤمن ، در امور اخروى است ؛ امّا در تحصيل دنياى نكوهيده كه مانع آخرت است ، چنان بى توجّه است كه گويا انديشه اش ناتوان است يا ديده اش ضعيف و نابينا .

252.الفتوح عن الإمام الحسين عليه السلام (لَمّا أمَرَهُ مَروانُ بِبَيعَهِ يَزيدَ) الكافى عن محمّد بن عَجلان :كُنتُ عِندَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، فَشَكا إلَيهِ رَجُلٌ الحاجَهَ ، فَقالَ لَهُ : اِصبِر فَإنَّ اللّهَ سَيَجعَلُ لَکَ فَرَجا ، ثُمَّ سَکَتَ ساعَهً ، ثُمَّ أقبَلَ عَلَى الرَّجُلِ ، فَقالَ : أخبِرنى عَن سِجنِ الکوفَهِ کَيفَ هُوَ؟ فَقالَ : أصلَحَکَ اللّهُ ضَيِّقٌ مُنتِنٌ ، وأهلُهُ بِأسوَاءِ حالٍ !

قالَ عليه السلام : فَإنَّما أنتَ فِى السِّجنِ فَتُريدُ أن تَکونَ فيهِ فى سَعَهٍ؟ أما عَلِمتَ أنَّ الدُّنيا سِجنُ المُؤمِنِ ؟! (1)253.مثير الأحزان عن الإمام الحسين عليه السلام (لِمَروانَ لَمّا أشارَ عَلَى الوَليدِ والِى المَ) الإمام الصادق عليه السلام :کانَ فيما وَعَظَ اللّهُ بِهِ عيسَى بنَ مَريَمَ عليه السلام أن قالَ لَهُ : . . . يا عيسى ، إنَّ الدُّنيا سِجنٌ ضَيِّقٌ مُنتِنُ الرّيحِ وَحِشٌ ، وفيها ما قَدتَرى مِمّا قَد أَلَحَّ عَلَيهِ الجَبّارونَ ، فَإيّاکَ وَالدُّنيا ، فَکُلُّ نَعيمِها يَزولُ ، وما نَعيمُها إلاّ قَليلٌ . (2)راجع : ج2 ص188 (اجعل الدنيا سجنک) .

.

1- .الکافى : ج2 ص250 ح6، المؤمن : ص26 ح43، مستطرفات السرائر : ص159 ح33، مشکاه الأنوار : ص471 ح1577 عن نصر بن الصباح البلخى ، التمحيص : ص48 ح77، بحار الأنوار : ج68 ص219 ح9.
2- .الأمالى للصدوق : ص 610 ح 842 عن أبى بصير ، الکافى : ج 8 ص 137 ح 103 عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام وليس فيه «ضيّق» وفيه «وحسن فيها» بدل «وحش وفيها» ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 143 وفيهما «تذابح» بدل «ألحّ» ، أعلام الدين : ص 231 من دون إسنادٍ إلى المعصوم وفيه «وحسن فيها» بدل «وحش وفيها» و«يتذابح» بدل «ألحّ» ، بحار الأنوار : ج 14 ص 294 ح 14 .

255.الطبقات الكبرى (فى ذِكرِ أحداثِ يَومِ عاشوراءَ) الكافى به نقل از محمّد بن عجلان :نزد امام صادقَ عليه السلاَم بودم كه مردى به ايشان از تنگ دستى شِكوه كرد. به او فرمود: «صبر كن . به زودى خداوند ، گشايشى در كار تو خواهد داد».

آن گاه ، ساعتى سكوت كرد و سپس ، رو به آن مرد كرد و فرمود: «از زندان كوفه برايم بگو كه چگونه است؟» .

گفت: خداوند ، به سلامتت بدارد! تنگ و بدبوست و زندانيان در بدترين وضع به سر مى برند .

امام عليه السلام فرمود : تو هم [در اين دنيا] در زندانى . پس مى خواهى در آن ، در گشايش و آسايش باشى؟ مگر نمى دانى كه دنيا ، زندان مؤمن است؟ !» .256.الأخبار الطوال :امام صادق عليه السلام :از جمله اندرزهاى خداوند به عيسى بن مريم عليهماالسلام اين بود كه به او فرمود: «... اى عيسى! دنيا، زندانى تنگ و بدبو و وحشتناک است و در آن ، گاه چيزهايى مى بينى كه گردنگشان بر آنها پاى مى فشارند. پس، از دنيا بپرهيز كه همه ناز و نعمت دنيا ، از بين رفتنى است و ناز و نعمتش جز اندک نيست».ر . ک : ج2 ص189 (دنيا را زندان خود بشمار) .

.

1 / 4مَثَلُ الدُّنياأ مَثَلُ السَّمِّ261.تاريخ الطبرى عن أبى عثمان النهدى :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّما مَثَلُ الدُّنيا مَثَلُ السَّمِّ ؛ يَأكُلُهُ مَن لا يَعرِفُهُ . (1)262.تاريخ الطبرى عن الحسين عليه السلام (مِن كَلامِهِ مَعَ أصحابِ الحُرِّ بنِ يَزيدَ) عنه عليه السلام :إنَّمَا الدُّنيا كَالسَّمِّ ؛ يَأكُلُهُ مَن لا يَعرِفُهُ . (2)ب مَثَلُ الحَيَّةِ264.تاريخ الطبرى عن عقبه بن أبى العَيزار :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّما مَثَلُ الدُّنيا مَثَلُ الحَيَّةِ : لَيِّنٌ مَسُّها ، قاتِلٌ سَمُّها ، فَأعرِض عَمّا يُعجِبُكَ فيها لِقِلَّةِ ما يَصحَبُكَ مِنها ، وضَع عَنكَ هُمومَها لِما أيقَنتَ بِهِ مِن فِراقِها وتَصَرُّفِ حالاتِها ، وكُن آنَسَ ما تَكونُ بِها أحذَرَ ما تَكونُ مِنها ؛ فَإنَّ صاحِبَها كُلَّمَا اطمَأنَّ فيها إلى سُرورٍ أشخَصَتهُ (3) عَنهُ إلى مَحذورٍ ، أو إلى إيناسٍ أزالَتهُ عَنهُ إلى إيحاشٍ ! (4)265.تاريخ الطبرى (فى خُروجِ الإمامِ مِنَ المَدينَةِ) الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ فى كتابِ عَلِى صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ : إنَّما مَثَلُ الدُّنيا كَمَثَلِ الحَيَّةِ ؛ ما أليَنَ مَسَّها وفى جَوفِهَا السَّمُّ النّاقِعُ (5) ، يَحذَرُهَا الرَّجُلُ العاقِلُ ، ويَهوى

إلَيهَا الصَّبِىُّ الجاهِلُ . (6) .

1- .الإرشاد : ج 1 ص 296 ، إرشاد القلوب : ص 19 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 418 ح 40 .
2- .عيون أخبار الرضا : ج 1 ص 298 ح 56 ، الأمالى للصدوق : ص 172 ح 174 كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسينى عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، مشكاه الأنوار : ص 468 ح 1567 ، روضه الواعظين : ص 485 ، غرر الحكم : ح 1411 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 88 ح 56 .
3- .شَخَصَ من بلدٍ إلى بلدٍ : أى ذهب ، وأشخصَه غيرُه (الصحاح : ج 3 ص 1043 «شخص») .
4- .نهج البلاغه : الكتاب 68 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 101 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 148 ، روضه الواعظين : ص 483 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 484 ح 689 ؛ مطالب السؤول : ص 51 نحوه وراجع الإرشاد : ج 1 ص 233 و تيسير المطالب : ص 373 .
5- .سَمٌّ ناقِع : بالغٌ ثابت (القاموس المحيط : ج 3 ص 90 «نقع») .
6- .الكافى : ج 2 ص 136 ح 22 عن غياث بن إبراهيم ، نهج البلاغه : الحكمه 119 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 45 ح 121 عن طلحه بن زيد ، تحف العقول : ص 396 عن الإمام الكاظم عليه السلام وكلّها نحوه ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 194 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 75 ح 38 .

1 / 4 مَثَل دنیا

الف مَثَل سَم

ب مَثَل مار

1 / 36مَثَل دنیاالف مَثَل سَم269.الطبقات الکبری :امام علی علیه السلام :مَثَل دنیا ، مَثَل سَم است . کسی سم را می خورد که نمی داند.270.الخرائج والجرائح عن أبی حمزه الثمالی :امام علی علیه السلام :دنیا، در حقیقت، مانند سم است . کسی سم را می خورد که آن را نمی شناسد.ب مَثَل مار272.الأمالی عن عبد اللّه بن منصور عن جعفر بن محمّد علامام علی علیه السلام :مَثَل دنیا ، مَثَل مار است: پوستش نرم است و زهرش کُشنده. پس، از آنچه در دنیا برایت جاذبه دارد ، روی بگردان ؛ زیرا آنچه از آن تو را همراهی می کند ، اندک [کفنی] است . (1) دغدغه های آن (دنیا) را از خود ، دور کن؛ چرا که به جدا شدن از آن و ناپایداری حالاتش یقین داری و آن گاه که با دنیا بیشترین انس را داری ، بیشترین ترس و حذر را از آن داشته باش؛ زیرا که دنیادار ، هر زمان که در آن به خوشی و لذّتی اطمینان کرد، دنیا او را از آن خوشی به مشکلی کشانْد، یا هرگاه انسی گرفت ، اُنس او را تبدیل به تنهایی و وحشت کرد .273.تاریخ الطبری عن الحارث بن کعب وأبی الضحّاک عن علیامام صادق علیه السلام :در کتاب علی که درودهای خدا بر او باد آمده است: حکایت دنیا، در حقیقت، حکایت مار است که پوستی بس نرم دارد ؛ امّا در درونش

زَهر کُشنده است . آدم خردمند ، از آن پرهیز می کند ؛ امّا کودک نادان ، دست به سویش دراز می نماید.

.

1- .یا: اندکی در دنیا می مانی.

274.تاريخ دمشق عن بشر بن طانحه عن رجلٍ من همدان :الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : قَد رَأيتُ القُرونَ كَيف تَفانَت دَرَسَت ثُمَّ قيلَ كانَ وكانَت هِىَ دُنيا كَحَيَّهٍ تَنفُثُ السَّمَّ وإن كانَتِ المَجَسَّهُ (1) لانَت كَم اُمورٍ لَقَد تَشَدَّدتُ فيها

ثُمَّ هَوَّنتُها عَلَىَّ فَهانَت (2)

ج مَثَلُ الجيفَهِ275.مقتل الحسين :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أوحَى اللّهُ إلى داوودَ عليه السلام : مَثَلُ الدُّنيا كَمَثَلِ جيفَهٍ اِجتَمَعَت عَلَيها كِلابٌ يَجُرّونَها ، أفَتُحِبُّ أن تَكونَ كَلبا مِثلَهُم فَتَجُرَّ مَعَهُم؟! (3)276.الأمالى عن حسين بن زيد بن علىّ عن آبائه عليهم الستنبيه الخواطر :رُوِىَ أنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله وَقَفَ عَلى مَزبَلَهٍ فَقالَ : هَلُمّوا إلَى الدُّنيا ، وأخَذَ خِرَقا قَد بَلِيَت (4) عَلى تِلكَ المَزبَلَهِ وعِظاما قَد نَخِرَت (5) ، فَقالَ : هذِهِ الدُّنيا . (6)277.معانى الأخبار عن علىّ بن الحسين عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : ومَن يَذُق الدُّنيا فَإنّيطَعِمتُها وسيقَ إلَينا عَذبُها وعَذابُها فَلَم أرَها إلاّ غُرورا وباطِلاًكَما لاَحَ فى أرضِ الفَلاهِ (7) سَرابُها (8) وما هِىَ إلاّ جيفَهٌ مُستَحيلَهٌ عَلَيها كِلابٌ هَمُّهُنّ اجتِذابُها فَإنْ تَجتَنِبها كُنتَ سِلما لاِءَهلِها وإن تَجتَذِبها نازَعَتکَ كِلابُها (9) .

1- .جسّه : أى مسّه ، والمجسّه الموضع الذى يجسّه الطبيب (الصحاح : ج 3 ص 913 «جسس») .
2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 160 الرقم 89 .
3- .الفردوس : ج 1 ص 141 ح 502 عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : ج 3 ص 214 ح 6215 .
4- .بَلِىَ الثوبُ : خَلُقَ ، فهو بالٍ (المصباح المنير : ص 62 «بلى») .
5- .نَخِرَ العَظمُ : بلى وتَفتّت (المصباح المنير : ص 596 «نخر») .
6- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 128 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 299 .
7- .الفلاه : القفر من الأرض ، لأنّها فُليت أى فُطمت وعُزلت من كلّ خير (تاج العروس : ج 20 ص 56 «فلو») .
8- .السَّرابُ : الذى تراه نصف النهار كأنّه ماء (الصحاح : ج 1 ص 147 «سرب») .
9- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 96 الرقم 49 .

ج مَثَل لاشه

278.الأمالی عن عبد اللّه بن منصور عن جعفر بن محمّد علامام صادق علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : دیدم که چه سان نسل ها نابود شدند/ از میان رفتند و آن گاه ، گفته شد: فسانه گشتند . این دنیاست که چون مار ، زهر می ریزد/ هرچند پوستی نرم دارد . چه بسیار کارها که در آنها سخت گرفتم/ امّا بعد که آسانشان گرفتم ، بر من آسان شدند .ج مَثَل لاشه280.الأمالی عن عبد اللّه بن منصور عن جعفر بن محمّد علیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «حکایت دنیا ، حکایت لاشه ای است که شماری سگ بر آن گِرد آمده اند و این سو و آن سو می کشانند. آیا دوست داری که تو سگی چون آنان باشی و با آنها کشاکش کنی؟ !281.تاریخ الطبری عن الضحّاک المشرقی :تنبیه الخواطر:روایت شده است که پیامبرخدا ، کنار زباله دانی ایستاد و فرمود: «بیایید دنیا را ببینید» ! و چند لته پاره استخوان پوسیده را از زباله دانی برداشت و فرمود: «این، دنیاست !» .282.مقتل الحسین :امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : هر که می خواهد دنیا را بچشد، من آن را مزه کرده ام/ شیرینی و شرنگ آن به ما رسیده است . من ، آن را جز فریب و پوچ نیافتم/همچون سرابی که در بیابان می درخشد . دنیا ، لاشه گندیده ای بیش نیست/ که سگ ها بر سرِ آن ، کشمکش می کنند . اگر از دنیا دوری کنی، با اهل آن آسوده به سر می بری/ و اگر آن را بکشی،سگ ها بر سرِ آن با تو کشمکش می کنند.

.

ص: 294

راجع : ص 324 (تقويم الدنيا / أهون من جيفه)

و12 ح 785 و 786

و212 ح 1163 .

د مَثَلُ الطَّعامِ287.تاريخ الطبرى عن حميد بن مسلم عن الإمام الحسين عليرسول اللّهِ صلى الله عليه و آله :إنَّ مَطعَمَ ابنِ آدَمَ جُعِلَ مَثَلاً لِلدُّنيا وإن قَزَّحَهُ (1) ومَلَّحَهُ ، فَانظُروا إلى ما يَصيرُ! (2)288.نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الدُّنيا ضُرِبَت مَثَلاً لِابنِ آدَمَ ، فَانظُر ما يَخرُجُ مِنِ ابنِ آدَمَ وإن مَزَجَهُ ومَلَّحَهُ إلى ما يَصيرُ! (3)289.الكافى عن أبى جعفر الخثعمى عن الحسين عليه السلام (فى كَلامٍ لَهُ مَعَ أبى ذَرٍّ لَمّا سَيَّرَهُ ع) مسند ابن حنبل عن الحسن عن الضّحّاكِ بن سُفيانَ الكِلابى :إنَّ رَسولَ اللّه صلى اللهِ عليه و آله قالَ لَهُ : يا ضَحّاكُ ما طَعامُكَ؟ قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، اللَّحمُ وَاللَّبَنُ . قالَ : ثُمَّ يَصيرُ إلى ماذا؟ قالَ : إلى ما قَد عَلِمتَ! قالَ : فَإِنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى ضَرَبَ ما يَخرُجُ

مِن ابنِ آدَمَ مَثَلاً لِلدُّنيا . (4) .

1- .قَزَّحَهُ : أى تَوبَلَهُ ، من القِزْح وهو التابل الذى يُطرح فى القدر ، كالكمّون والكزبره ونحو ذلک (النهايه : ج 4 ص 58 «قزح») .
2- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 49 ح 21297 ، الزهد لابن المبارک : ص 169 ح 493 وفيه «قد علم» بدل «فانظروا» ، كنز العمّال : ج 3 ص 213 ح 6213 .
3- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 149 ؛ الزهد لابن المبارک : ص 169 ح 494 وفيه «قزّحه» بدل «مزجه» ، صحيح ابن حبّان : ج 2 ص 476 ح 702 ، المعجم الكبير : ج 1 ص 198 ح 531 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 327 ح 10473 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 254 والأربعه الأخيره نحوه وكلّها عن اُبىّ بن كعب .
4- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 341 ح 15747 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 299 ح 8138 ، شُعب الإيمان : ج 5 ص 29 ح 5653 كلّها عن الضحّاک بن سفيان الكلابى ، كنز العمّال : ج 3 ص 189 ح 6098 وراجع تنبيه الخواطر : ج 1 ص 149 .

ص: 295

د مَثَل خوراک

ر . ک : ص325 (ارزیابی دنیا / بی ارزش تر از مردار) ،

ج2 ص12 ح785 و 786

و 212 ح1163 .

د مَثَل خوراک294.مقاتل الطالبیّین عن سعید بن ثابت :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوراک فرزند آدم ، مثالی است از دنیا، اگرچه بر آن ادویه و نمک بزنند. بنگرید که آن خوراک به چه تبدیل می شود .295.الملهوف عن الإمام الحسین علیه السلام (فیما عَزّی بِهِ أُختَهُ اُمَّ کُلثوم لَمّا أخَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا برای فرزند آدم ، مَثَل زده شده است . پس بنگر که از فرزند آدم ، چه خارج می شود ، هرچند [خوراک را] خوش مزه و نمکینش کند و[به این که [به چه تبدیل می شود .296.الملهوف (فی ذِکرِ أحداثِ عاشوراءَ) مسند ابن حنبل به نقل از حسن از ضحّاک بن سفیان کلابی :پیامبر خدا به او (ضحّاک) فرمود: «ای ضحاک! خوراک تو چیست؟» .

گفت: ای پیامر خدا! گوشت و شیر.

فرمود: «بعد به چه تبدیل می شود؟» .

گفت : به چیزی که خود می دانید .

فرمود: «خداوند تبارک و تعالی آنچه را از انسان دفع می شود ، مَثَلی برای دنیا زده است».

.

297.مقاتل الطالبيّين عن عتبه بن سمعان الكلبّى :تنبيه الغافلين :رُوِىَ عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أنَّ رَجُلاً قَدِمَ عَلَيهِ مِن أرضِ الشّام ، فَسَأَلَهُ عَن أرضِهِم ، فَأخبَرَهُ عَن سَعَهِ أرضِهِم وكَثرَهِ النَّعيمِ فيها ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : كَيفَ تَفعَلَونَ؟ قالَ : إنّا نَتَّخِذُ ألوانا مِنَ الطَّعامِ وتَأكُلُها . قالَ : ثُمَّ تَصيرُ إلى ماذا؟ قالَ : إلى ما تَعلَمُ يا رَسولَ اللّهِ ، يَعنى تَصيرُ بَولاً وغائِطا ، فَقالَ النَّبِى صلى الله عليه و آله : فَكَذلِكَ مَثَلُ الدُّنيا .

298.مثير الأحزان :تنبيه الخواطر عن أبى هُريرَه :قالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : يا أبا هُرَيرَه ، ألا اُريكَ الدُّنيا جَميعا بِما فيها؟ قُلتُ : بَلى يا رَسولَ اللّهِ . فَأخَذَ بِيَدى وأتى بى وادِيا مِن أودِيَهِ المَدينَه ، فَإذا مَزبَلَهٌ فيها رُؤوسُ النّاسِ وعَذِراتٌ وخِرَقٌ وعِظامٌ .

ثُمَّ قالَ لى : يا أبا هُرَيرَه ، هذِهِ الرُّؤوسُ كانَت تَحرِصُ عَلَى الدُّنيا كَحِرصِكُم ، وتَأمُلُ آمالَكُم ، ثُمَّ هِىَ عِظامٌ بِلا جِلدٍ ، ثُمَّ هِىَ صائِرَهٌ رَمادا !

وهذِهِ العَذِراتُ ألوانُ أطعِمَتِكُم اِكتَسَبوها مِن حَيثُ اكتَسَبوها ، ثُمَّ قَذَفوها مِن بُطونِهِم فَأصبَحَت وَالنّاسُ يَتَحامَونَها !

وهذِهِ الخِرَقُ البالِيَهُ كانَت رِياشَهُم ولِباسَهُم فَأَصبَحَت وَالرِّياحُ تَصفِقُها !

وهذِهِ العِظامُ عِظامُ دَوابِّهِمُ الَّتى كانوا يَنتَجِعونَ (2) عَلَيها أطرافَ البِلادِ ! فَمَن كانَ راكِنا إلَى الدُّنيا فَليَبكِ .

فَما بَرِحنا حَتَّى اشتَدَّ بُكاؤُنا . (3) .

1- .تنبيه الغافلين : ص 242 ح 316 وراجع الزهد لابن المبارک : ص 169 و ص 170 .
2- .انتَجَع القَوم : إذا ذهبوا لطلب الكلأ فى موضعه(المصباح المنير : ص 594 «نجع») .
3- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 130 .

299.الملهوف :تنبیه الغافلین:روایت شده است که مردی از سرزمین شام ، خدمت پیامبر خدا رسید. ایشان از او درباره سرزمینشان پرسید. آن مرد از پهناوری سرزمینشان و پُر ناز و نعمت بودنش برای ایشان گفت.

پیامبر خدا فرمود: «آن نعمت ها را چه می کنید؟» .

گفت: غذاهای رنگارنگ درست می کنیم و می خوریم.

فرمود: «بعد چه می شود؟» .

گفت: چیزی که خود می دانی ، ای پیامبر خدا ؛ یعنی تبدیل به ادرار و مدفوع می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا نیز چنین است».300.الدرّ المنثور عن الحسین بن علیّ علیه السلام :تنبیه الخواطر به نقل از ابو هریره :پیامبر خدا فرمود: «ای ابوهریره! آیا همه دنیا را با هر آنچه در آن است ، به تو نشان ندهم؟» .

گفتم: چرا، ای پیامبر خدا !

دستم را گرفت و مرا به یکی از درّه های مدینه برد. در آن جا با زباله دانی رو به رو شدیم که در آن ، اسکلت سرِ آدم و نجاست و پارچه های کهنه پاره و استخوان ، افتاده بود. سپس به من فرمود: «ای ابو هریره! این سرها نیز مثل شما به دنیا حریص بودند و چون آرزوهای شما را داشتند ، امّا تبدیل به اسکلت شدند و بعد ، خاکستر می شوند .

این نجاست ها ، همان غذاهای رنگارنگ شماست که اینان از راه های مختلف به دست آوردند و بعد ، از شکم هایشان دفع کردند و تبدیل به چیزی شد که مردم از آن دوری می کنند .

این لته پاره ها ، جامه ها و پوشاک های ایشان بوده که اکنون ، بادها آنها را به هم می زند و این استخوان ها ، استخوان های چارپایان آنان است که بر آنها سوار می شدند و برای یافتن چراگاه به این طرف و آن طرف می کوچیدند. پس، هرکه دل بسته دنیاست ، باید که بگِرید».

ما تا آن جا بودیم ، سخت گریستیم. .

ه مَثَلُ الغولِ302.مثير الأحزان عن الإمام الحسين عليه السلام (فى مَوتِ مُعاوِيَةَ) الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ الدُّنيا كَالغولِ (1) تُغوى مَن أطاعَها وتُهلِكُ مَن أجابَها ، وإنَّها لَسَريعَةُ الزَّوالِ وَشيكَةُ (2) الاِنتِقالِ . (3)و مَثَلُ الشَّرَكِ304.الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام (فى جَوابِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِيَّهِ لَمّا أشا) الإمام علىّ عليه السلام :إنَّما الدُّنيا شَرَكٌ (4) وَقَعَ فيهِ مَن لا يَعرِفُهُ . (5)305.أُسد الغابه :عنه عليه السلام :الدُّنيا شَرَكُ النُّفوسِ ، وقَرارَهُ كُلِّ ضُرٍّ وبُؤسٍ . (6)306.الفتوح (بَعدَ ذِكرِ كِتابِ أهلِ الكوفَهِ إلَى الإمامِ) عنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا كَالشَّبَكَهِ ؛ تَلتَفُّ عَلَى مَن رَغِبَ فيها وتَتَحَرَّزُ (7) عَمَّن أعرَضَ عَنها ، فَلا تَمِل إلَيها بِقَلبِكَ ولا تُقبِل عَلَيها بِوَجهِكَ ، فَتوقِعَكَ فى شَبَكَتِها وتُلقِيَكَ فى هَلَكَتِها . (8)ز مَثَلُ ماءِ البَحرِ308.الطبقات الكبرى :الإمام الصادق عليه السلام :مَثَلُ الدُّنيا كَمَثَلِ ماءِ البَحرِ ؛ كُلَّما شَرِبَ مِنهُ العَطشانُ ازدادَ عَطَشا حَتّى يَقتُلَهُ . (9) .

1- .الغُول : هى جنس من الجنّ والشياطين ، وكانت العرب تزعم أنّ الغول فى الفَلاه تتراءى للناس فتتغوّل تغوّلاً : أى تتلوّن تلوّنا فى صور شتّى ، وتَغُولهم أى تُضلّهم عن الطريق وتهلكهم (النهايه : ج 3 ص 396 «غول») .
2- .الوَشِيكُ : السَّريع والقريب (النهايه : ج 5 ص 189 «وشك») .
3- .غرر الحكم : ح 3665 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3229 .
4- .الشَّرَك محرّكه : حبائل الصَّيد ، وما يُنصب للطير (القاموس المحيط : ج 3 ص 308 «شرك») .
5- .غرر الحكم : ح 3865 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 177 ح 3652 .
6- .غرر الحكم : ح 2047 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 62 ح 1614 وليس فيه «كلّ» .
7- .احترزت وتَحرَّزْت من كذا : تَوَقّيتُه (الصحاح : ج 3 ص 873 «حرز») .
8- .غرر الحكم : ح 3678 .
9- .الكافى : ج 2 ص 136 ح 24 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 48 ح 129 وفيه «البحر المالح» بدل «ماء البحر» وكلاهما عن طلحه بن زيد ، تحف العقول : ص396 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 195 ، بحار الأنوار : ج73 ص79 ح40 .

ه مَثَل غول

و مَثَل دام وتله

ز مَثَل آب دریا

ه مَثَل غول310.مقتل الحسین :امام علی علیه السلام :دنیا ، به سانِ غول (1) است . هرکه را از آن فرمان ببَرد ، گم راه می سازد و هرکه را اجابتش کند ، نابود می گرداند. دنیا به سرعت زوال می پذیرد و زود [به دیگری] منتقل می شود.و مَثَل دام وتله312.تاریخ الطبری :امام علی علیه السلام :دنیا، در حقیقت، یک دام است . کسی در دام می افتد که نمی داند.313.الفتوح :امام علی علیه السلام :دنیا، دام جان ها و جایگاه هر رنج و گزندی است.314.الفتوح :امام علی علیه السلام :دنیا ، همانند تور [صیّادی] است ؛ بر هر که به آن روی آورد ، می پیچد و به کسی که از آن روی بگرداند ، در نمی پیچد. پس، به دنیا دل مبند و بدان روی میاور که تو را در تور خویش می افکند و به هلاکت می اندازد.ز مَثَل آب دریا316.تهذیب الأحکام عن أیّوب بن أعین عن أبی عبد اللّه عامام صادق علیه السلام :حکایت دنیا، حکایت آب دریاست که هرچه تشنه از آن بیشتر بنوشد ، تشنه تر می شود تا سرانجام ، او را بکُشد.

.

1- .غول: موجودی است از جنس جن و شیاطین. عرب ها معتقد بودند که غول در بیابان بر مردم نمایان می شود و به شکل های مختلف در می آید و آنها را به بیراهه می کشاند و نابودشان می کند (النهایه : ج 3 ص 396 «غول»).

317.دلائل الإمامه عن محمّد الكنانى عن أبى عبد اللّه عيسى عليه السلام :مَثَلُ طالِبِ الدُّنيا مَثَلُ شارِبِ ماءِ البَحرِ ؛ كُلَّمَا ازدادَ شُربا ازدادَ عَطَشا حَتّى يَقتُلَهُ . (1)ح مَثَلُ جَميعِ الرَّذائِلِ319.الطبقات الكبرى عن أبى عون :مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام :الدُّنيا بِمَنزِلَهِ صورَهٍ ؛ رَأسُهَا الكِبرُ ، وعَينُهَا الحِرصُ ، وأُذُنُهَا الطَّمَعُ ، ولِسانُهَا الرِّياءُ ، ويَدُهَا الشَّهوَهُ ، ورِجلُهَا العُجبُ ، وقَلبُهَا الغَفلَهُ ، ولَونُهَا الفَناءُ ، وحاصِلُهَا الزَّوالُ . فَمَن أحَبَّها أورَثَتهُ الكِبرَ ، ومَن استَحسَنَها أورَثَتهُ الحِرصَ ، ومَن طَلَبَها أورَثَتهُ الطَّمَعَ ، ومَن مَدَحَها ألبَسَتهُ الرِّياءَ ، ومَن أرادَها مَكَّنَتهُ مِنَ العُجبِ ، ومَن اطمَأنَّ إلَيها أركَبَتهُ الغَفلَهَ ، ومَن أعجَبَهُ مَتاعُها فَتَنَتهُ ولا تَبقى لَهُ ، ومَن جَمَعَها وبَخِلَ بِها أورَدَتهُ إلى مُستَقَرِّها وهِيَ النّارُ . (2)1 / 5مَثَلُ الدُّنيا وَالآخِرَهِ مَثَلُ ضَرَّتَينِ323.تنبيه الخواطر عن الإمام الحسين عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا ضَرَّهُ (3) الآخِرَهِ . (4)324.تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا وَالآخِرَهُ ضَرَّتانِ ؛ بِقَدرِ ما تَقرُبُ مِن أحَدِهِما تَبعُدُ عَنِ الأُخرى . (5) .

1- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 149 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 318 ، البدايه والنهايه : ج 2 ص 89 عن أبى عبداللّه الصوفى وليس فيه «مثل» .
2- .مصباح الشريعه : ص 196 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 105 ح 100 .
3- .ضرّهُ المرأه : امرأه زوجها (المصباح المنير : ص 360 «ضرّ») .
4- .كشف الخفاء : ج 1 ص 408 ح 1310 .
5- .عوالى اللآلى : ج 1 ص 277 ح 106 و ج 4 ص 114 ح 177 .

ح مَثَل همه رذیلت ها

1 / 5 مَثَل دنیا و آخرت

الف مَثَل دو هوو

325.دعائم الإسلام :عیسی علیه السلام :حکایت دنیاطلب، حکایت نوشنده آب دریاست که هرچه بیشتر بنوشد ، تشنه تر می شود تا عاقبت ، او را بکشد.ح مَثَلِ همه رذیلت ها327.الإقبال عن الإمام الحسین علیه السلام (فیما نُسِبَ إلَیهِ مِن دُعاءِ عَرَفَهَ) مصباح الشریعه در سخنی به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است :دنیا ، به منزله شکلی است که سرِ آن ، تکبّر است و چشمش ، آزمندی و گوشش ، طمع و زبانش ، ریا و دستش ، شهوت و پایش ، خودپسندی و قلبش ، غفلت و رنگش ، نابودی و حاصلش ، زوال. پس، هرکه دنیا دوست شد ، دنیا به او تکبّر داد و هر که دنیا را پسندید ، به او آزمندی داد و هرکه دنیا را طلبید ، به او طمع داد و هرکه دنیا را ستود ، جامه ریا بر قامت او پوشانْد و هرکه خواهان دنیا شد ، به او خودپسندی داد و هرکه به دنیا اطمینان کرد ، او را بر مَرکب غفلت نشانْد و هرکه کالای دنیا خوشایندش شد ، او را فریفت و برایش باقی نماند و هرکه دنیا را گِرد آورد و بخل ورزید ، او را به قرارگاهش، یعنی آتش، در آورد.1 / 5مَثَل دنیا و آخرتالف مَثَل دو هووا331.دعائم الإسلام بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه السلپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا، هووی آخرت است.332.مسند البزّار عن زیاد بن المنذر عن محمّد بن علیّ بپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا و آخرت ، هووی یکدیگرند. هر اندازه به یکی از آنها نزدیک شوی ، از دیگری دور می شوی.

.

333.معانى الأخبار بإسناده عن الحسين بن علىّ بن أبى طاالإمام علىّ عليه السلام :إنَّ مَثَلَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ كَرَجُلٍ لَهُ امرَأتانِ ، إذا أرضى إحداهُما أسخَطَ الأُخرى . (1)334.مسند أبى يعلى عن طلحه بن عبيد اللّه عن حسين عليهعنه عليه السلام :الدُّنيا وَالآخِرَهُ ضَرَّتانِ؛ فَبِقَدرِ ما تُرضى إحداهُما تُسخِطُ الأُخرى. (2)335.الفردوس عن الحسين بن علىّ عليه السلام :عيسى عليه السلام :لا يُطيقُ عَبدٌ أن يَكونَ لَهُ رَبّانِ ، إن أرضى أحَدَهُما أسخَطَ الآخَرَ ، وإن أسخَطَ أحَدَهُما أرضَى الآخَرَ ، وكَذلِكَ لا يُطيقُ عَبدٌ أن يَكونَ خادِما لِلدُّنيا يَعمَلُ عَمَلَ الآخِرَهِ . بِحَقٍّ أقولُ لَكُم ؛ لا تَهتَمّوا بِما تَأكُلونَ (3) ولا ما تَشرَبونَ ؛ فَإنَّ اللّهَ لَم يَخلُق نَفسا أعظَمَ مِن رِزقِها ، ولا جَسَدا أعظَمَ مِن كِسوَتِهِ ، فَاعتَبِروا . (4)ب مَثَلُ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ337.مسند زيد عن زيد بن علىّ عن أبيه عن جدّه الحسين بنالإمام علىّ عليه السلام :مَثَلُ الدُّنيا وَالآخِرَهِ مَثَلُ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ ؛ مَتَى ازدَدتَ مِن أحَدِهِما قُربا اِزدَدتَ مِنَ الآخَرِ بُعدا . (5)338.الأمالى بإسناده عن الحسين بن علىّ عن أبيه علىّ بنعنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا وَالآخِرَهَ عَدُوّانِ مُتَفاوِتانِ ، وسَبيلانِ مُختَلِفانِ ؛ فَمَن أحَبَّ الدُّنيا وتَوَلّاها أبغَضَ الآخِرَهَ وعاداها .

وهُما بِمَنزِلَهِ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ وماشٍ بَينَهُما ؛ كُلَّما قَرُبَ مِن واحِدٍ بَعُدَ مِنَ الآخَرِ ، وهُما بَعدُ ضَرَّتانِ . (6) .

1- .غرر الحكم : ح 3531 ، مشكاه الأنوار : ص 467 ح 1559 ، روضه الواعظين : ص 490 وفيهما «ضرّتان» بدل «امرأتان» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 122 ح 110 .
2- .إحياء علوم الدين : ج 3 ص 307 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 138 عن عيسى عليه السلام .
3- .فى المصدر : «بما لا تأكلون» ، والتصويب من الدرّ المنثور .
4- .تاريخ دمشق : ج 47 ص 445 عن أنس ، الدرّ المنثور : ج 2 ص 213 .
5- .الأمالى للسيّد المرتضى : ج 1 ص107 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 24 نحوه .
6- .نهج البلاغه : الحكمه 103 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 96 ، غرر الحكم : ح 3692 ، تحف العقول : ص 212 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 129 ح 133 .

ب مَثَل مشرق و مغرب

339.مسند زید عن زید بن علیّ عن أبیه عن جدّه :امام علی علیه السلام :حکایت دنیا و آخرت ، حکایت مردی است که دو زن دارد . هرگاه یکی از آن دو را خشنود گردانَد ، دیگری را ناخشنود می سازد.340.عیون أخبار الرضا بإسناده عن الحسین بن علیّ عن أبیامام علی علیه السلام :دنیا و آخرت ، دو هوویند . پس به اندازه ای که یکی از آن دو را خشنود سازی ، دیگری را ناخشنود می گردانی.341.عوالی اللآلی بإسناده عن الحسین الشهید عن أبیه علیعیسی علیه السلام :هیچ بنده ای نمی تواند دو خواجه داشته باشد . اگر یکی از آن دو را راضی کند ، دیگری را ناراضی کرده است و اگر یکی را ناراضی سازد ، دیگری را راضی ساخته است. همچنین، هیچ بنده ای نمی تواند خدمت گزار دنیا باشد و کار آخرت بکند. به حق به شما می گویم: به آنچه می خورید و می آشامید ، اهمّیت ندهید [و غم آن را مخورید] ؛ زیرا که خداوند هیچ جانی را بزرگ تر از روزی اش و هیچ تنی را بزرگ تر از پوشاکش نیافریده است. پس، عبرت گیرید.ب مَثَل مشرق و مغرب343.الدرّ المنثور :امام علی علیه السلام :مَثَل دنیا و آخرت ، مَثَل مشرق و مغرب است . هر اندازه به یکی از آنها نزدیک تر شوی ، از دیگری دورتر می افتی.344.بحار الأنوار عن منیف مولی جعفر بن محمّد عن جعفر بامام علی علیه السلام :دنیا و آخرت، دو دشمن متفاوت و دو راه مختلف اند. پس، هرکه دنیا را دوست بدارد و با آن دوستی ورزد ، از آخرت نفرت دارد و با آن دشمنی می ورزد. [نیز] دنیا و آخرت ، به منزله مشرق و مغرب اند که هرکس میان آن دو را بپیماید ، هرچه به یکی نزدیک شود ، از دیگری دور می شود. از اینها بالاتر، دنیا و آخرت ، هووی هم اند.

.

ج مَثَلُ كَفَّتَيِ الميزانِ346.تاريخ الطبرى عن حميد بن مسلم :الإمام زين العابدين عليه السلام :وَاللّهِ مَا الدُّنيا وَالآخِرَةُ إلاّ كَكَفَّتَيِ الميزانِ ؛ فَأَيُّهُما رَجَحَ ذَهَبَ بِالآخَرِ . (1)1 / 6تَمَثُّلُ الدُّنياأ تَمَثُّلُ الدُّنيا لِلمَسيح350.مسائل علىّ بن جعفر :رسول اللّهِ صلى الله عليه و آله :مُثِّلَت لِاءَخى عيسَى بن مَريَم الدُّنيا فى صورَهِ امرَأَهٍ ، فَقالَ لَها : أ لَكِ زَوجٌ؟ فَقالَت : نَعَم ، أزواجٌ كَثيرَهٌ . فَقالَ : هُم أحياءٌ؟ قالَت : لا ، ولكِن قَتَلتُهُم . فَعَلِمَ حينَئِذٍ أنَّها دنيا مُثِّلَت لَهُ . (2)351.مكارم الأخلاق عن الحسين بن علىّ عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :تَمَثَّلَتِ الدُّنيا لِعيسى عليه السلام فى صورَهِ امرَأَهٍ زَرقاءَ ، فَقالَ لَها : كَم تَزَوَّجتِ؟ قالَت: كَثيرا ، قالَ : فَكُلُّ طَلَّقَكِ؟ قالَت : بَل كُلاًّ قَتَلتُ (3) . قالَ : فَوَيحُ أزواجِكِ الباقينَ ، كَيفَ لا يَعتَبِرونَ بِالماضينَ ! (4)352.الكافى عن عامر بن السمط عن أبى عبد اللّه عليه السالتحصين :رُوِىَ أنَّ عيسى عليه السلام كُشِفَ لَهُ الدُّنيا فَرَآها فى صورَهِ عَجوزَهٍ شَمطاءَ (5) عَلَيها مِن كُلِّ زينَهٍ ، فَقالَ لَها : كَم تَزَوَّجتِ؟ قالَت : لا أُحصيهِم ، قالَ : فَكُلُّهُم

ماتَ عَنكِ ، أو طَلَّقوكِ؟ قالَت : بَل كُلَّهُم قَتَلتُ .

قالَ عيسى عليه السلام : بُؤسا لِاءَزواجِكِ الباقينَ ، كَيفَ لا يَعتَبِرونَ بِأَزواجِكِ الماضينَ؟ كَيفَ أهلَكتِهِم واحِدا واحِدا ولا يَكونونَ مِنكِ عَلى حَذَرٍ؟ ! (6) .

1- .الخصال : ص 64 ح 95 عن الزهرى ، عوالى اللآلى : ج 4 ص 115 ح 178 وفيه «نقصت» بدل «ذهب» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 92 ح 69 .
2- .الفردوس : ج 4 ص 167 ح 6520 عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 236 ح 6324 .
3- .فى المصدر : «بلى ، كلاًّ طلّقت» ، والتصويب من بحار الأنوار و المصادر الأُخرى .
4- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 48 ح 129 عن طلحه بن زيد ، تحف العقول : ص 396 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 469 ح 1573 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 125 ح 120 .
5- .الشَمَطُ : فى الرجل شيب اللحيه ، وفى المرأه شيب الرأس ، يقال للمرأه : شمطاء (تاج العروس : ج 10 ص 313 «شمط») .
6- .التحصين لابن فهد : ص 28 ح 48 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 146 ، إرشاد القلوب : ص 186 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 328 ح 56

؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 315 نحوه .

ج مَثَل دو کفّه ترازو

1 / 6 مجسّم شدن دنیا

الف مجسّم شدن دنیا برای مسیح

ج مَثَل دو کفّه ترازو354.الخصال :امام زین العابدین علیه السلام :به خدا سوگند ، دنیا و آخرت ، درست مانند دو کفّه ترازویند که هرکدام سنگین تر شود ، دیگری سبُک تر می شود.1 / 6مجسّم شدن دنیاالف مجسّم شدن دنیا برای مسیح358.تاریخ واسط عن الإمام الحسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا برای برادرم عیسی بن مریم علیهماالسلام به صورت زنی مجسّم شد. عیسی علیه السلام به او گفت: «آیا تو شوهر داری؟» .

دنیا گفت: آری ؛ شوهرهای بسیار.

عیسی علیه السلام گفت: «آنها زنده اند؟» . گفت: نه . همه آنها را کشته ام».

در این هنگام ، عیسی علیه السلام فهمید او دنیاست که برایش مجسّم شده است.359.فضائل الأشهر الثلاثه بإسناده عن الحسین بن علیّ علامام صادق علیه السلام :دنیا به صورت زنی چشم آبی در برابر عیسی علیه السلام مجسّم شد. عیسی علیه السلام از او پرسید: چند شوی کرده ای؟

گفت: بسیار.

پرسید: «همه آنها تو را طلاق دادند؟» .

گفت: نه . همه را کُشتم. عیسی علیه السلام گفت: «بیچاره شوهران باقی مانده تو که از [سرنوشتِ] گذشتگان ، عبرت نمی گیرند!» .360.عیون أخبار الرضا بإسناده عن الحسین بن علیّ عن أبیالتحصین:روایت شده است که [حقیقت] دنیا برای عیسی علیه السلام مکشوف شد و آن را به صورت

پیر زالی سپید موی دید که انواع زیورها بر اوست. عیسی به او گفت: «چند شوی کرده ای؟» .

گفت: از شمار بیرون اند. عیسی علیه السلام گفت: «همه آنها مُردند یا طلاقت دادند؟» .

گفت: نه . همه شان را کُشتم.

عیسی علیه السلام گفت: «بدبخت ، شوهران باقی مانده تو! چگونه از شوهران

گذشته ات عبرت نمی گیرند؟ چگونه یکایک آنها را نابود کردی و اینان از تو برحذر نیستند» .

.

ب تَمَثُّلُ الدُّنيا لِلنَّبِيِّ362.المعجم الأوسط عن عبايه بن رفاعه عن الحسين بن عليّالمُستدرک عِلى الصَّحيحَين عن أبى بكرٍ :كُنتُ مَعَ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله فَرَأيتُهُ يَدفَعُ عَن نَفسِهِ شَيئا ولَم أرَ مَعَهُ أحَدا ، فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، مَا الَّذى تَدفَعُ عَن نَفسِکَ؟ قالَ : هذِهِ الدُّنيا مُثِّلَت لى ، فَقُلتُ لَها : إلَيکِ عَنّى ، ثُمَّ رَجَعَت فَقالَت : إن أفلَتَّ مِنّى فَلَن يَنفَلِتَ مِنّى مَن بَعدَکَ . (1)ج تَمَثُّلُ الدُّنيا لِاءَميرِ المُؤمِنينَ364.الكافى عن إبراهيم بن عمر اليمانى عن أبى عبد اللّهبحار الأنوار عن عبد اللّه بن سليمان النَّوفَلِى :كُنتُ عِندَ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ عليه السلام فَإذا بِمَولىً لِعَبدِ اللّهِ النَّجاشِى قَد وَرَدَ عَلَيهِ ، فَسَلَّمَ وأوصَلَ إلَيهِ كِتابَهُ ، فَفَضَّهُ (2) وقَرَأهُ ، فَإذا أوَّلُ سَطرٍ فيهِ :

بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، أطالَ اللّهُ بَقاءَ سَيِّدى وجَعَلَنى مِن كُلِّ سوءٍ فِداءَهُ ، ولا أرانى فيهِ مَكروها ؛ فَإنَّهُ وَلِىُّ ذلِکَ وَالقادِرُ عَلَيهِ . اِعلَم سَيِّدى ومَولاىَ أنّى بُليتُ بِوِلايَهِ الأهوازِ ، فَإن رَأى سَيِّدى أن يَحُدَّ لى حَدّا أو يُمَثِّلَ لى مَثَلاً لِاءَستَدِلَّ بِهِ عَلى ما يُقَرِّبُنى إلَى اللّهِ وإلى رَسولِهِ ، ويُلَخِّصَ فى كِتابِهِ ما يَرى لِىَ العَمَلَ بِهِ . . . وأينَ أضَعُ زَكاتى وفيمَن أصرِفُها ، وبِمَن آنَسُ وإلى مَن

أستَريحُ ، وبِمَن أثِقُ وآمَنُ وألجَأُ إلَيهِ فى سِرّى ، فَعَسى أن يُخَلِّصَنِى اللّهُ بِهِدايَتِکَ ودَلالَتِکَ ، فَإنَّکَ حُجَّهُ اللّهِ عَلى خَلقِهِ وأمينُهُ فى بِلادِهِ ، ولا زالَت نِعمَتُهُ عَلَيکَ .

فَأجابَهُ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، جامَلَکَ (3) اللّهُ بِصُنعِهِ ، ولَطَفَ بِکَ بِمَنِّهِ ، وكَلاکَ بِرِعايَتِهِ فَإنَّهُ وَلِىُّ ذلِکَ ، أمّا بَعدُ :

فَقَد جاءَ إلىَّ رَسولُکَ بِكِتابِکَ ، فَقَرَأتُهُ وفَهِمتُ جَميعَ ما ذَكَرتَهُ وسَأَلتَ عَنهُ ، وزَعَمتَ أنَّکَ بُليتَ بِوِلايَهِ الأهوازِ ، فَسَرَّنى ذلِکَ وساءَنى . . . وسَأُنَبِّئُکَ بِهَوانِ الدُّنيا وهَوانِ شَرَفِها عَلى مَن (4) مَضى مِنَ السَّلَفِ وَالتّابِعين ، فَقَد حَدَّثَنى مُحَمَّدُ بنُ عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ عليهم السلام قالَ : لَمّا تَجَهَّزَ الحُسَينُ عليه السلام إلَى الكوفَه أتاهُ ابنُ عَبّاس ، فَناشَدَهُ اللّهَ وَالرَّحِمَ أن يَكونَ هُوَ المَقتولَ بِالطَّفِّ . فَقالَ : أنَا أعرَفُ بِمَصرَعى مِنکَ ، وما وُكدى (5) مِنَ الدُّنيا إلاّ فِراقَها ، ألا أُخبِرُکَ يَابنَ عَبّاسٍ بِحَديثِ أميرِ المُؤمنين عليه السلام وَالدُّنيا؟

فَقالَ لَهُ : بَلى لَعَمرى ، إنّى لاُحِبُّ أن تُحَدِّثَنى بِأمرِها .

فَقالَ أبى : قالَ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام : سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ : حَدَّثَنى أميرُ المُؤمِنين عليه السلام قالَ : إنّى كُنتُ بِفَدَكٍ (6) فى بَعضِ حيطانِها وقَد صارَت لِفاطِمَةَ عليهاالسلام ، قالَ : فَإذا أنَا بِامرَأةٍ قَد هَجَمَت عَلَىَّ ، وفى يَدى مِسحاهٌ وأنَا أعمَلُ بِها ، فَلَمّا نَظَرتُ إلَيها طارَ قَلبى مِمّا تَداخَلَنى مِن جَمالِها ، فَشَبَّهتُها بِبُثَينَةَ بِنتِ

عامِرٍ الجُمَحِى وكانَت مِن أجمَلِ نِساءِ قُرَيش ، فَقالَت : يَابنَ أبى طالِب ، هَل لَكَ أن تَتَزَوَّجَ بى فَاُغنِيَكَ عَن هذِهِ المِسحاهِ ، وأدُلَّكَ عَلى خَزائِنِ الأرضِ فَيَكونَ لَكَ المُلكُ ما بَقيتَ ولِعَقِبِكَ مِن بَعدِكَ؟ فَقالَ لَها : مَن أنتِ حَتّى أخطُبَكِ مِن أهلِكِ؟ فَقالَت : أنَا الدُّنيا . قالَ لَها : فَارجِعى وَاطلُبى زَوجا غَيرى فَلَستِ مِن شَأنى . وأقبَلتُ عَلى مِسحاتى ، وأنشَأتُ أقولُ :

لَقَد خابَ مَن غَرَّتهُ دُنيا دَنِيَّهٌ وما هِىَ إن غَرَّت قُرونا بِنائِلِ أتَتنا عَلى زِىِّ العَزيزِ بُثَينَةُ وزينَتُها فى مِثلِ تِلكَ الشَّمائِلِ فَقُلتُ لَها غُرّى سِوايَ فَإنَّنى عَزوفٌ (7) عَنِ الدُّنيا فَلَستُ بِجاهِلٍ وما أنَا وَالدُّنيا فَإنَّ مُحَمَّدا أحَلَّ صَريعا بَينَ تِلكَ الجَنادِلِ (8) وهَبها أتَتنا بِالكُنوزِ ودُرِّها وأموالِ قارون ومُلكِ القَبائِلِ أليسَ جَميعا لِلفَناءِ مَصيرُها ويَطلُبُ مِن خُزّانِها بِالطَّوائِلِ فَغُرّى سِوايَ إنَّنى غَيرُ راغِبٍ بِما فيكِ مِن مُلكٍ وعِزٍّ ونائِلِ فَقَد قَنِعَت نَفسى بِما قَد رُزِقتُهُ فَشَأنَكِ يا دُنيا وأهلَ الغَوائِلِ (9) فَإنّى أخافُ اللّهَ يَومَ لِقائِهِ وأخشى عَذابا دائِما غَيرَ زائِلِ

فَخَرَجَ مِنَ الدُّنيا ولَيسَ فى عُنُقِهِ تَبِعَهٌ لِاَحَدٍ حَتّى لَقِىَ اللّهَ مَحمودا غَيرَ مَلومٍ ولا مَذمومٍ، ثُمَّ اقتَدَت بِهِ الأئِمَّهُ مِن بَعدِهِ بِما قَد بَلَغَكُم؛ لَم يَتَلَطَّخوا بِشَىءٍ مِن بَوائِقِها (10) ،

صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِم أجمَعينَ وأحسَنَ مَثواهُم (11) . (12) .

1- .المستدرک على الصحيحين : ج4 ص344 ح7856 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 343 ح 10518 ، تاريخ بغداد : ج 10 ص268 الرقم5382 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 30 نحوه ، كنز العمّال : ج7 ص184 ح18598 ؛ تنبيه الخواطر : ج1 ص128 نحوه .
2- .فَضّهُ : كسَرَه وفتحه (النهايه : ج 3 ص 454 «فضض») .
3- .المُجامَلَه : المُعامَلَه بالجَميل (الصحاح : ج 4 ص 1662 «جمل») .

4- .فى المصدر : «على ما مضى» ، والتصويب من الموضع الآخر من بحار الأنوار .
5- .وُكْدِى : أى دَأْبى وقَصْدى (النهايه : ج 5 ص 219 «وكد») .
6- .فَدَک : قريه من قرى اليهود بينها وبين مدينه النبىّ صلى الله عليه و آله يومان ، وبينها وبين خَيْبَر دونَ مَرْحَله . وهى ممّا أفاء اللّه على رسوله صلى الله عليه و آله . وكانت لرسول اللّه صلى الله عليه و آله ؛ لأنّه فتحها هو وأمير المؤمنين عليه السلام لم يكن معهما أحد ، فزال عنها حكم الفَىء ولزِمَها اسم الأنفال ، فلمّا نزل «وَ ءَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» «الإسراء : 26» أى أعطِ فاطمةَ عليهاالسلام فَدَکا ، أعطاها رسول اللّه صلى الله عليه و آله إيّاها ، وكانت فى يد فاطمه عليهاالسلام إلى أن توفّى رسول اللّه صلى الله عليه و آله فأُخذت من فاطمه عليهاالسلام بالقَهر والغَلَبه (مجمع البحرين : ج 3 ص 1370 «فدک») .
7- .عَزَفَت نَفسى عن الشىء تَعزِفُ عُزوفا: أى زَهِدت فيه وانصرفت عنه (الصحاح: ج 4 ص 1403 «عزف») .
8- .الجندلُ : الحَجَر ، والجندل : الموضع تجتمع فيه الحجاره (تاج العروس : ج 14 ص 125 «جندل») .
9- .الغائله : الفساد والشرّ (مجمع البحرين : ج 2 ص 1342 «غول») .
10- .بَوائقُها : أى غوائلها وشرورها (النهايه : ج 1 ص 162 «بوق») .
11- .بحار الأنوار : ج 78 ص 271 ح 112 وج 77 ص189 ح11 مختصرا وكلاهما نقلاً عن كشف الريبه : ص86 (وقد صُحّفت فيه بعض العبارات) وراجع المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 102 .
12- .فى بحار الأنوار نقلاً عن نهج الكيدرى أنّه قال عند شرح قول أمير المؤمنين عليه السلام لهمّام فى وصف المتّقين «أرادتهم الدنيا فلم يريدوها» : من مكاشفات أمير المؤمنين عليه السلام ما رواه الصادق ، عن آبائه عليهم السلام وساق الحديث نحو ما ذكرناه ، ثم قال : فهذا معنى قوله عليه السلام : أرادتهم الدنيا ولم يريدوها (بحار الأنوار : ج 73 ص 83 ح 46) .

ب مجسّم شدن دنیا برای پیامبر

ج مجسّم شدن دنیا برای امیر مؤمنان

ب مجسّم شدن دنیا برای پیامبر366.تاریخ دمشق عن صمصامه بن الطرمّاح :المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو بکر :با پیامبر خدا بودم که دیدم چیزی را از خود می رانَد ، در حالی که کسی را با ایشان ندیدم. گفتم: ای پیامبر خدا! چه چیزی را از خود می رانی؟

فرمود: «این دنیا برایم مجسّم شد و من به او گفتم: از من دور شو. دوباره آمد و گفت: اگر تو از من گریختی، کسانی که بعد از تو می آیند ، از چنگ من نخواهند گریخت».ج مجسّم شدن دنیا برای امیر مؤمنان368.وقعه صفّین (بَعدَ ذِکرِ کَلامِ أمیرِ المُؤمِنینَ وَالحَسَنِ) بحار الأنوار به نقل از عبد اللّه بن سلیمان نوفلی :نزد جعفر بن محمّد صادق علیهماالسلام بودم که یکی از غلامان عبد اللّه نجاشی بر ایشان درآمد و سلام کرد و نامه او را به ایشان داد. امام علیه السلام نامه را گشود و خواند. نامه چنین شروع شده بود:

«به نام خداوند بخشنده مهربان . خداوندِ بلند مرتبه ، عمر سرورم را دراز گردانَد و مرا بلاگردان او سازد و هر غم و گزندی را از ایشان به دور دارد که این همه ، به دست اوست و او بر آن ، تواناست. آقا و مولایم بداند که این جانب به ولایتداری اهواز ، گرفتار آمده ام. بنا بر این ، اگر سرورم صلاح ببیند ، برای من مرزی [و دستور العملی] تعیین کند یا الگویی فرا پیشم نهد تا از طریق آن ، به آنچه مرا به خداوندو پیامبرِ او نزدیک می سازد ، رهنمون شوم و در نامه اش آنچه را که فکر می کند من باید به کار ببندم [بیاوردِ]... و این که زکاتم را به که بدهم و در چه مواردی به مصرفش رسانم ، با چه کسی دمخور شوم ، به چه کسی اطمینان کنم، چه کسی مورد وثوق من و رازدار و امینم باشد. امید است که خداوند به واسطه هدایت و راهنمایی ات مرا نجات بخشد؛ زیرا که شما حجّت خدا بر خلق او و امین او در سرزمینش هستید و همواره از نعمت و نواخت او برخوردارید».

امام صادق علیه السلام در جواب او نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند با

احسان خود ، تو را بنوازد و رَهین سنّت خویش قرار دهد و همواره ، نگهدار تو باشد که این همه ، به دست اوست. اینک ، پیک تو نامه ات را برایم آورد و آن را خواندم و مطالب آن و هر آنچه در آن گفته بودی و درخواست کرده بودی ، دریافتم. گفته ای که به ولایتداری اهواز ، گرفتار شده ای. این خبر ، هم موجب مسرّت من گردید و هم مایه نگرانی ام... از خواری دنیا و بی مقداری مقام آن در نزد گذشتگان و آیندگان برایت بگویم: محمّد بن علی بن حسین علیهم السلام برایم حدیث کرد و فرمود: چون حسین علیه السلام آماده رفتن به کوفه شد ، ابن عبّاس ، خدمت وی رسید و او را به خدا و حقّ خویشاوندی سوگند داد که به این سفر نرود تا مبادا آن کسی که در طَف (کربلا) کشته می شود ، او باشد.

امام به او فرمود: من به قتلگاه خود ، از تو آگاه ترم و من ، از دنیا ، جز مفارقت آن را نمی خواهم. ای پسر عبّاس! آیا داستان امیر مؤمنان و دنیا را برایت نگویم؟!

ابن عبّاس گفت: چرا . به جانم سوگند که دوست دارم ماجرای آن را برایم بازگویی.

پدرم فرمود: علی بن حسین علیهماالسلام گفت: از ابا عبد اللّه [حسین] علیه السلام شنیدم که می فرماید: امیر مؤمنان علیه السلام برایم گفت: من در یکی از باغ های فدک که به فاطمه علیهاالسلام رسیده بود ، (1) با بیل مشغول کار بودم که ناگهان ، زنی سرزده بر من درآمد. با دیدن جمال او ، قلبم از جا کَنده شد. او را شبیه بُثَینه (2) دختر عامر جُمَحی که از زیباترین زنان قریش بود دیدم. آن زن به من گفت: ای پسر ابو طالب ! دوست داری با من ازدواج کنی تا تو را از این بیل ، بی نیاز گردانم

و گنجینه های زمین را به تو نشان دهم که تا زنده ای ، خودت و پس از تو بازماندگانت ، پادشاهی کنید؟

به او گفتم : «تو که هستی تا تو را از خانواده ات خواستگاری کنم؟» .

گفت: من ، دنیایم.

گفتم: «برو و شوهری جز من بجوی» .

سپس بیلم را برداشتم و با خود ، این ابیات را برخواندم:

آن که دنیای دون فریبش داد ، ناکام مانْد/ ودنیا اگر نسل هایی را هم بفریبد، کسی نیست که بخشندگی کند. دنیا در چهره زیبای بُثینه نزد ما آمد/ و جمالش به سان همو می نمود . گفتمش: کسی دیگر را بفریب که من/ از دنیا روی گردانیده ام و نادان نیستم . مرا چه به دنیا؛ زیرا که محمّد/ در میان آن تخته سنگ ها آرمیده است . گیرم که دنیا گنج ها و مرواریدهای خود/ و دارایی های قارون و مُلک قبایل را به من دهد ، آیا نه این است که همه اینها از بین رفتنی اند/ و از گنجورانشان می خواهند که بخشش کنند؟ ! پس، جز مرا بفریب که مرا/ ملک و عزّت و بخشش تو رغبتی نیست . نفس من به آنچه روزی اش شده ، قانع است/ ای دنیا ! برو کار خویش را با غائله جویان پی گیر . من از خداوند، آن روز که دیدارش کنم، می ترسم/ و از عذاب همیشگی و پایدار ، بیمناکم .

آری ! امیر مؤمنان از دنیا رفت ، در حالی که حقّ احدی را به گردن نداشت و خداوند را در حالی دیدار کرد که مورد پسند او بود و هیچ ملامت و نکوهشی متوجّهش نبود. سپس امامانِ پس از او ، به او اقتدا کردند که خبرش

به شما رسیده است. خویشتن را به کمترین پَلشتیِ دنیا نیالودند. درود بر همگی آنان باد و جایگاهشان نکو باد ! (3)

.

1- .فدک: روستایی از روستاهای متعلّق به یهود است که تا مدینه ، دو روز و با خیبر ، کمتر از یک منزل راه فاصله دارد و از غنایمی بود که خداوند به پیامبرش بخشید. به این دلیل به پیامبر خدا تعلّق گرفت که توسّط ایشان و امیر مؤمنان فتح شد و کسی دیگر در فتح آن دخالت نداشت. لذا کلمه «فَی ء» از آن برداشته و نام «انفال» بر آن نهاده شد. چون آیه «وَ ءَاتِ ذَا الْقُرْبَی حَقَّهُو» (اسراء : آیه 26) یعنی فدک را به فاطمه علیهاالسلام بده، نازل شد، پیامبر خدا ، آن را به فاطمه علیهاالسلام داد و تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت همچنان در اختیار فاطمه او بود و بعد به زور از ایشان گرفته شد (مجمع البحرین: ج3، ص170 «فدک»).
2- .در متن عربی : «ثَنِیّه» آمده که براساس متن بحارالأنوار ، آن را اصلاح کردیم.

3- .در بحار الأنوار آمده است: کیدری ، پس از شرح این سخن امیر مؤمنان به همّام در وصف پرهیزگاران که: «دنیا آنان را خواست ؛ امّا آنان دنیا را نخواستند» ، می گوید: از مکاشفات امیر مؤمنان ، روایتی است که امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می کند شارح آن حدیث را نزدیک به آنچه گذشت نقل می کند وسپس می گوید: این است معنای فرمایش او که: «دنیا آنان را خواست ؛ امّا آنان دنیا را نخواستند» (بحار الأنوار : ج 73 ص 83 ح 246).

ص: 308

. .

ص: 309

. .

ص: 310

. .

ص: 311

..

د تَمَثُّلُ الدُّنيا يَومَ القِيامَهِ370.تاريخ الطبرىّ عن الضحّاک المشرقىّ عن الحسين عليه (فى جَوابِ مُسلِمِ بنِ عَوسَجَهَ لَمّا قالَ لَهُ) التحصين عن ابن عبّاس :يُؤتى يَومَ القِيامَهِ بِالدُّنيا فَى صورَهِ عَجوزٍ زَرقاءَ شَمطاءَ ، بادِيَهِ أنيابُها مُشَوَّهَهِ خِلقَتُها ، وتُشرِفُ عَلَى الخَلائِقِ .

فَيَقولُ : تَعرِفونَ هذِهِ؟

فَيَقولونَ : نَعوذُ بِاللّهِ مِن مَعرِفَهِ هذِهِ !

فَيَقولُ : هذِهِ الدُّنيَا الَّتى تَفاخَرتُم عَلَيها ، وبِها تَقاطَعتُمُ الأَرحامَ ، وبِها تَحاسَدتُم وتَباغَضتُم وَاغتَرَرتُم .

ثُمَّ تُقذَفُ فى جَهَنَّمَ ، فَتَقولُ : يا رَبِّ أتباعى وأشياعى؟ فَيَقولُ اللّهُ : ألحِقوا بِها أتباعَها وأشياعَها . (1)راجع : ص330 ح490 و334 ح496 و 497 .

1 / 7إقبالُ الدُّنيا وإدبارُها374.الأمالى بإسناده عن الحسين عليه السلام (فيما قالَهُ لِاُمِّ وَهبٍ لَمّا قُتِلَ ابنُها و) الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ الدُّنيا رُبَّما أقبَلَت عَلَى الجاهِلِ بِالاِتِّفاقِ ، وأدبَرَت عَنِ العاقِلِ بِالاِستِحقاقِ ، فَإِن أتَتکَ مِنها سَهمَهٌ مَعَ جَهلٍ أو فاتَتکَ مِنها بُغيَهٌ مَعَ عَقلٍ ، فَإِيّاکَ

أن يَحمِلَکَ ذلِکَ عَلَى الرَّغبَهِ فِى الجَهلِ وَالزُّهدِ فِى العَقلِ ؛ فَإِنَّ ذلِکَ يُزرى (2) بِکَ ويُرديکَ (3) . (4) .

1- .التحصين لابن فهد : ص 27 ح 47 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 146 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 316 وفيهما «تناجزتم» بدل «تفاخرتم» ، كنز العمّال : ج 3 ص 724 ح 8579 نقلاً عن أبى سعيد بن الأعرابى فى الزهد .
2- .يقال : أزرى بأخيه إزراءً ؛ أى أدخَل عليه عَيْبا (تاج العروس : ج 19 ص 492 «زرى») .
3- .رَدِىَ يَردَى : أى هَلَک . وأرداهُ غيره (الصحاح : ج 6 ص 2355 «ردى») .
4- .غرر الحكم : ح 3683 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 146 ح 3237 وفيه «بالإنفاق» بدل «بالاتّفاق» .

د مجسّم شدن دنیا در روز قیامت

1 / 7 اقبال و ادبار دنیا

د مجسّم شدن دنیا در روز قیامت376.مسند أبی یعلی عن زید بن علیّ بن حسین عن أبیه عن جالتحصین به نقل از ابن عبّاس :روز قیامت، دنیا را در هیئت پیرزنی چشم آبی و سپید موی با نیش هایی بیرون زده و قیافه ای زشت و بدریخت می آورند و آن را بر خلایق نزدیک می کنند. سپس [خداوند [می گوید: «این را می شناسید؟» .

خلایق می گویند: پناه به خدا از این که او را بشناسیم !

می گوید: «این ، همان دنیاست که با آن به یکدیگر فخر می فروختید و به خاطر آن ، از یکدیگر پیوند خویشاوندی می بُریدید و برای آن ، با یکدیگر حسادت می ورزیدید و کینه توزی می کردید و فریب خوردید».

سپس او را به دوزخ پرتاب می کنند و دنیا می گوید: پروردگارا ! پیروانم و دنباله روانم [چه می شوند]؟

خداوند می فرماید: «پیروان و دنباله روانش را نیز به او ملحق کنید».ر . ک : ص331 ح490 و335 ح 496 و 497.

1 / 7اقبال و ادبار دنیا380.نوادر الأُصول عن الحسین بن علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :دنیا ، گاه تصادفاً به نادان روی می آورد و به حق ، از خردمند بر می گردد. پس اگر با وجود نادانی ات ، بهره ای از دنیا به تو رسید یا با وجود خردمندی ات ، به مطلوبی از آن دست نیافتی، مبادا این امر ، تو را وا دارد که به

نادانی رغبت کنی و به خِرد و دانایی پشت نمایی که این ، تو را بی مقدار می کند و به نابودی می کشاند.

.

381.الأمالى عن الحسين بن علىّ بن الحسين عن أبيه عن جدعنه عليه السلام :إذا أقبَلَتِ الدُّنيا عَلى أحَدٍ أعارَتهُ مَحاسِنَ غَيرِهِ ، وإذا أدبَرَت عَنهُ سَلَبَتهُ مَحاسِنَ نَفسِهِ . (1)382.تاريخ الطبرى عن عقبه بن أبى العيزار :الإمام الصادق عليه السلام :إذا أقبَلَت دُنيا قَومٍ كُسوا مَحاسِنَ غَيرِهِم ، وإذا أدبَرَت سُلِبوا مَحاسِنَ أنفُسِهِم . (2)383.مسند أبى يعلى عن يوسف الصبّاغ عن الحسين عليه السل (ولا أعلَمُهُ إلاّ عَنِ النَّبِىِّ صلى الله عليه) الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ الدُّنيا تُقبِلُ إقبالَ الطّالِبِ ، وتُدبِرُ إدبارَ الهارِبِ ، وتَصِلُ مُواصَلَةَ المُلوكِ ، وتُفارِقُ مُفارَقَةَ العَجولِ . (3)384.تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام (فِى الأمرِ بِالمَعروفِ وَالنَّهيِ عَنِ المُنكَ) عنه عليه السلام فى وَصفِ الدُّنيا :إن أقبَلَت غَرَّت ، وإن أدبَرَتَ ضَرَّت . (4)385.الكافى عن بشر بن غالب الأسدى عن الحسين بن علىّ علعنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :إذا أقبَلَتِ الدُّنيا أقبَلَت عَلى حِمارٍ قَطوفٍ (5) ، وإذا أدبَرَت أدبَرَت عَلَى البُراقِ (6) . (7) .

1- .نهج البلاغه : الحكمه 9 ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 130 ح 11 عن إبراهيم بن العبّاس عن الإمام الرضا عن أبيه عليهماالسلام ، مشكاه الأنوار : ص 469 ح 1569 ، نثر الدرّ : ج 1 ص 353 ، روضه الواعظين : ص 488 والأربعه الأخيره عن الإمام الصادق عليه السلام وفيها «أعطته» بدل «أعارته» ، جامع الأخبار : ص 509 ح 1418 ، غرر الحكم : ح 4126 وفيه «كسته» بدل «أعارته» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 357 ح 71 .
2- .تحف العقول : ص 382 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 269 ح 185 .
3- .غرر الحكم : ح 3666 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3230 وفيه «الملول» بدل «الملوك» .
4- .مطالب السؤول : ص 53 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 23 ح 88 .
5- .القَطوف من الدوابّ وغيرها : البطىء (المصباح المنير : ص 509 «قطف») .
6- .البُراق : هى الدابّه التى ركبها رسول اللّه صلى الله عليه و آله ليله الإسراء . قيل : سُمّى بذلک لسرعه حركته (النهايه : ج 1 ص 120 «برق») .
7- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 293 ح 352 .

386.الأمالی عن سعد بن طریف عن أبی جعفر الباقر عن أبیهامام علی علیه السلام :هرگاه دنیا به کسی رو کند ، خوبی های دیگران را نیز به او عاریت می دهد و هرگاه از او برگردد ، خوبی های خودش را هم از او می گیرد.387.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ عن أخیه الحسن بامام صادق علیه السلام :هرگاه دنیا به قومی رو کند ، خوبی های دیگران بر قامت آنان پوشانده می شود و هرگاه پشت کند ، خوبی های خودشان هم از آنان رُبوده می شود.388.جامع الأحادیث عن الحسین بن علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :دنیا ، به سان شخص جوینده می آید و همانند شخص گریزنده می رود و چون شاهان ، پیوند برقرار می کند و مانند کسی که عجله دارد ، جدا می شود.389.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ عن علیّ بن أبیامام علی علیه السلام در توصیف دنیا :دنیا ، اگر روی آورد ، می فریبد و اگر پشت کند ، زیان می زند.390.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ عن أمیر المؤمنیامام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :دنیا وقتی می آید ، سوار بر الاغی کُند رو ، می آید و وقتی می رود ، با بُراق (1) می رود. .

1- .بُراق: مرکب پیامبر خدا در شب معراج . می گویند: آن را «بُراق» گفته اند ، چون تند حرکت می کرده است (النهایه : ج 1 ص 120 «برق»).

391.الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام (فيما نُسِبَ إلَيهِ مِن دُعاءِ عَرَفَةَ) عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : فَمَن يَحمَدُ الدُّنيا بِعَيشٍ يَسُرُّهُ فَسَوفَ لَعَمرِي عَن قَليلٍ يَلومُها إذا أقبَلَت كانَت عَلَى المَرءِ فِتنَةً وإن أدبَرَت كانَت كَثيراً هُمومُها (1)راجع : ج2 ص112 (رفاه العيش / خدمه الدنيا) .

.

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 522 الرقم 396 .

ص: 317

393.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : هرکه دنیا را از سَرِ خوشی بستاید ،/ سوگند به جانم که به زودی آن را خواهد نکوهید . دنیا ، هرگاه بیاید ، مایه گرفتاری آدمی است/ و هرگاه پشت کند ، آه و افسوس هایش بسیار است .ر . ک : ج2 ص113 (آسایش زندگی / خدمت گزاری دنیا) .

.

الفصل الثانى : تقويم الدّنيا2 / 1ما تَعدِلُ جَناحَ بَعوضَةٍ!398.طبّ الأئمّه عن جابر الجعفى عن محمّد الباقر عليه ارسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَو كانَتِ الدُّنيا تَعدِلُ عِندَ اللّهِ مِثلَ جَناحِ بَعوضَةٍ ، ما أعطى كافِرا ولا مُنافِقا مِنها شَيئا . (1)399.الفردوس عن الحسين بن علىّ عليه السلام عن رسول اللعنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الدُّنيا لَو عَدَلَت عِندَ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالى جَناحَ بَعوضَةٍ ، لَما سَقَى الكافِرَ مِنها شَربَةَ مِن ماءٍ . (2) .

1- .تحف العقول : ص 40 ، الدعوات : ص 225 ح 624 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيه «ولا منافقا» ، التمحيص : ص 49 ح 79 عن عبد اللّه بن أبى يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «مثقال» بدل «مثل» ، بحار الأنوار : ج 72 ص 52 ح 72 ؛ كنز العمّال : ج 3 ص 213 ح 6208 نقلاً عن ابن المبارک .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 363 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الكافى : ج 2 ص 246 ح 5 عن فضيل بن يسار عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «عدوّه» بدل «الكافر» ، الأمالى للصدوق : ص 305 ح 348 عن محمّد بن قيس وفيه «عند اللّه من الخير» بدل «عند اللّه » ، الاحتجاج : ج 1 ص 55 ح 22 عن الإمام العسكرى عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «كافرا به مخالفا له» بدل «الكافر» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 87 ح 50 ؛ سنن الترمذى : ج 4 ص 560 ح 2320 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1377 ح 4110 وفيه «قطره أبدا» بدل «شربه من ماء» ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 342 ح 7847 كلّها عن سهل بن سعد ، كنز العمّال : ج 3 ص 195 ح 6132 .

2 / 1 کم مقدارتر از بال پشه

فصل دوم: ارزیابی دنیا2 / 1کم مقدارتر از بال پشه403.الطبقات الکبری عن محمّد بن أبی محمّد البصری :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه بال پشه ای می ارزید، چیزی از آن را به کافر و منافق نمی داد.404.مسند أبی یعلی عن أبی الحوراء :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا اگر در نزد خداوند تبارک و تعالی با بال پشه ای برابری می کرد ، [حتّی [جرعه آبی از آن را به کافر نمی نوشاند.

.

405.ربيع الأبرار :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ نَعيمَ الدُّنيا أقَلُّ وأصغَرُ عِندَ اللّهِ مِن خُرءِ بُعَيضَةٍ ، ولَو عَدَلَت عِندَ اللّهِ جَناحَ ذُبابٍ لَم يَكُن لِمُسلِمٍ بِها لَحاقٌ ، ولا لِكافِرٍ خَلاقٌ (1) . (2)406.تهذيب الأحكام :حِليه الأولياء عن زيدِ بن ثابِت :نامَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله عَلى حَصيرٍ فَأثَّرَ فى جَنبِهِ ، فَقالَت لَهُ عائِشَهُ : يا رَسولَ اللّه هذا كِسرى وقَيصَر فى مُلكٍ عَظيمٍ ، وأنتَ رَسولُ اللّهِ لا شَىءَ لَكَ ؛ تَنامُ عَلَى الحَصيرِ وتَلبَسُ الثَّوبَ الرَّدىءَ!

فَقالَ لَها رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : يا عائِشَهُ ، لَو شِئتُ أن تَسيرَ مَعِيَ الجِبالُ ذَهَبا لَسارَت ، ولَقَد أتانى جِبريل بِمَفاتيحِ خَزائِنِ الدُّنيا فَلَم اُرِدها . اِرفَعِى الحَصيرَ !

فَرَفَعَتهُ ، فَإذا تَحتَ كُلِّ زاوِيَهٍ مِنها قَضيبٌ مِن ذَهَبٍ ما يَحمِلُهُ الرَّجُلُ ، فَقالَ : اُنظُرى إلَيها يا عائِشَه ، إنَّ الدُّنيا لا تَعدِلُ عِندَ اللّهِ مِنَ الخَيرِ قَدرَ جَناحِ بَعوضَهٍ . ثُمَّ غارَتِ القُضبانُ . (3)2 / 2ما لَها قَدرٌ ولا وَزنٌ409.كتاب من لا يحضره الفقيه :الإمام علىّ عليه السلام :اِحذَروا هذِهِ الدُّنيا الخَدّاعَةَ الغَرّارَةَ . . . فَما لَها عِندَ اللّهِ قَدرٌ ولا وَزنٌ ، ولا خَلقٌ فيما بَلَغَنا خَلقا أبغَضَ إلَيهِ مِنها ، وما نَظَرَ إلَيها مُذ خَلَقَها . ولَقَد عُرِضَت عَلى نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله بِمَفاتيحِها وخَزائِنِها لا يَنقُصُهُ ذلِكَ مِن حَظِّهِ مِنَ الآخِرَهِ فَأبى أن يَقبَلَها ؛ لِعِلمِهِ أنَّ اللّهَ عَزَّ وجَلَّ ثَناؤُهُ أبغَضَ شَيئا فَأبغَضَهُ ، وصَغَّرَ شَيئا فَصَغَّرَهُ ، وألاّ يَرفَعَ ما وَضَعَ اللّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ وألاّ يُكثِرَ ما أقَلَّ اللّهُ جَلَّ وعَزَّ ، ولَو لَم يُخبِركَ عَن صِغَرِها عِندَ اللّهِ ، إلاّ أنَّ اللّهَ جَلَّ

وعَزَّ أصغَرَها عَن أن يَجعَلَ خَيرَها ثَوابا لِلمُطيعينَ ، وأن يَجعَلَ عُقوبَتَها عِقابا لِلعاصينَ (4) . (5) .

1- .الخَلاق : النَّصيب (المصباح المنير : ص 180 «خلق») .
2- .تاريخ المدينه : ج 2 ص 557 عن الشعبى .
3- .حليه الأولياء : ج 7 ص 262 وراجع الطبقات الكبرى : ج 1 ص 466 .
4- .جواب «لو» محذوف وتقديره : «لكفى» كما فى بحار الأنوار .
5- .دستور معالم الحكم : ص 37 و ص 39 ؛ بحار الأنوار : ج 73 ص 108 و 110 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ وفيه «الغدّاره» بدل «الغرّاره» .

410.عیون الأخبار عن إسرائیل عن الحسین علیه السلام (أَنَّهُ کانَ إذَا استَسقی قالَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ناز و نعمت دنیا در نزد خداوند ، کمتر و کوچک تر از فضله یک پشه ریز است. اگر دنیا در نظر خداوند به اندازه بال مگسی ارزش داشت، نه مسلمانی به آن می رسید و نه کافری از آن بهره ای می یافت.411.طبّ الأئمّه عن عبد اللّه بن المفضّل النوفلیّ عن أحلیه الأولیاء به نقل از زید بن ثابت :پیامبر خدا بر بوریایی خوابید و بوریا در پهلوی ایشان ، رد انداخت. عایشه گفت: ای پیامبر خدا! کسرا و قیصر ، از سلطنتی بزرگ برخوردارند و شما که پیامبر خدایید ، هیچ ندارید : بر بوریا می خوابید و جامه بی مقدار می پوشید!

پیامبر خدا به او فرمود: «ای عایشه! اگر بخواهم که کوه ها برایم از طلا شوند، چنین می شوند . جبرئیل ، کلیدهای خزانه های دنیا را برایم آورد ؛ ولی من آنها را نخواستم. بوریا را بالا بزن!» .

بوریا را برداشتم . دیدم که زیر هر گوشه ای از آن ، قطعه ای از طلاست که یک مرد نمی تواند آن را بردارد.

پیامبر فرمود: «ای عایشه ! به اینها بنگر. دنیا در نزد خداوند ، حتّی به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد». در این هنگام ، قطعه ها[ی طلا] در زمین فرو رفتند (ناپدید شدند).2 / 2بی قدر و وزن414.کشف الغمّه عن راشد بن أبی روح الأنصاری :امام علی علیه السلام :از این دنیای مکّار فریبکار ، بر حذر باشید... که دنیا در نزد خداوند هیچ قدر و وزنی ندارد، و تا آن جا که به ما خبر رسیده است ، خداوند هیچ مخلوقی نیافریده است که در نزد او منفورتر از دنیا باشد، و از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن نگاه نکرد. کلیدها و خزانه های دنیا به پیامبرمان محمّد صلی الله علیه و آله پیشنهاد شد ، بی آن که از بهره آخرتش چیزی کم شود ؛ امّا او از پذیرفتن آن سر باز زد؛ زیرا می دانست که خداوند چه چیز را ناخوش می دارد، او هم آن را ناخوش داشت، و چه چیز را کوچک می شمارد ، او هم

کوچکش شمرد، و آنچه را خداوند پایین آورده است ، او بالا نبرد، و آنچه را خداوندکم قرار داده ، او زیادش نگرداند.

اگر درباره خُردی دنیا در نزد خداوند ، تو را جز همین اندازه خبر نداده بود که خداوند آن را کوچک تر از آن دانسته که خوبی اش (خوشی اش) را پاداشی برای اهل طاعت قرار دهد و کیفرهایش را کیفری برای اهل معصیت [، همین، کفایت می کرد].

.

2 / 3أهوَنُ الخَلقِ عَلَى اللّهِ417.الدعوات عن علىّ بن الحسين عليه السلام :تنبيه الخواطر :قيلَ : مَكتوبٌ فى صُحُفِ إبراهيمَ عليه السلام : يا دُنيا ما أهوَنَكِ عَلَى الأبرارِ الَّذينَ تَزَيَّنتِ وتَصَنَّعتِ لَهُم ، إنّى قَذَفتُ فى قُلوبِهِم بُغضَكِ وَالصُّدودَ عَنكِ ، وما خَلَقتُ خَلقا أهوَنَ عَلَىَّ مِنكِ ، كُلُّ شَأنِكِ صَغيرٌ ، وإلَى الفَناءِ تَصيرينَ . قَضَيتُ عَلَيكِ يَومَ خَلَقتُكِ ألاّ تَدومى لِاءَحَدٍ ولا يَدومُ أحَدٌ لَكِ ، وإن بَخِلَ بِكِ صاحِبُكِ وشَحَّ عَلَيكِ . (1)418.مُهج الدعوات بإسناده عن الإمام الحسين عليه السلامصحيح مُسلِم عن جابر بن عبد اللّه :إنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله مَرَّ بِالسّوقِ داخِلاً مِن بَعضِ العالِيَهِ (2) ، وَالنّاسُ كَنَفَتهُ (3) ، فَمَرَّ بِجَدىٍ أسَكَّ (4) مَيِّتٍ فَتَناوَلَهُ فَأخَذَ بِأُذُنِهِ ، ثُمَّ قالَ : أيُّكُم يُحِبُّ أنَّ هذا لَهُ بِدِرهَمٍ ؟ فَقالوا : ما نُحِبُّ أنَّهُ لَنا بِشَىءٍ ، وما نَصنَعُ بِهِ؟ !

قالَ : أتُحِبّونَ أنَّهُ لَكُم؟ قالوا : وَاللّهِ لَو كانَ حَيّا كانَ عَيبا فيهِ ؛ لِاءَنَّهُ أسَكُّ ، فَكَيفَ وهُوَ مَيِّتٌ؟

فَقالَ : فَوَاللّهِ لَلدُّنيا أهوَنُ عَلَى اللّهِ مِن هذا عَلَيكُم . (5) .

1- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 130 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 300 عن داوود بن هلال .
2- .العالِيَه والعَوالى : أماكن بأعلى أراضى المدينه ، وأدناها من المدينه على أربعه أميال ، وأبعدُها من جهه نجد ثمانِيه (النهايه : ج 3 ص 295 «علا») .
3- .الكَنَف : الجانب . واكتَنَفهُ القوم : كانوا مِنه يَمْنَةً ويَسْرَه (المصباح المنير : ص 542 «كنف») .
4- .الأسكّ : أى مصطلم الأُذنين مقطوعهما (النهايه : ج 2 ص 384 «سكك») .
5- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2272 ح 2 ، الأدب المفرد : ص 285 ح 962 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 151 ح 14935 ، السنن الكبرى : ج 1 ص 218 ح 660 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 212 ح 6206 ؛ الزهد للحسين بن سعيد : ص 49 ح 131 عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر نحوه .

2 / 3بی ارزش ترین مخلوق در نزد خدا421.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ عن علیّ بن أبیتنبیه الخواطر:گفته شده که: در صُحُف ابراهیم علیه السلام نوشته شده است: «ای دنیا! تو در نزد نیکان ، چه بی ارزشی که خود را برای آنان می آرایی و طنّازی می کنی. من نفرت و بیزاری از تو را در دل های آنان افکنده ام، و مخلوقی ناچیزتر از تو در نزد خودم نیافریده ام. همه چیز تو ، حقیر است، و به نابودی می انجامی. همان روز که تو را آفریدم، حکم کردم که نه تو برای کسی بپایی و نه کسی برای تو بپاید، هرچند دارنده تو ، نسبت به تو ، بخل و زُفتی ورزد.422.مسند أبی یعلی عن طلحه بن عبید اللّه عن الحسین بنصحیح مسلم به نقل از جابر بن عبد اللّه :پیامبر خدا از یکی از مناطق بالا دست مدینه به بازار در آمد و در حالی که مردم او را در میان گرفته بودند، بر لاشه بزغاله گوش بریده ای گذشت. آن را برداشت و گوشش را گرفت و فرمود: «کدام یک از شما دوست دارد که این ، به یک درهم از آنِ او باشد؟» .

گفتند: به هیچ مقداری دوست نداریم که مال ما باشد . با آن ، چه کنیم؟!

فرمود: «دوست دارید که [رایگان ،] مال شما باشد؟» .

گفتند: به خدا سوگند ، اگر زنده بود چون گوش بریده است ، معیوب بود [و آن را نمی خواستیم] ، چه رسد به این که مرده است!

فرمود: «به خدا سوگند که دنیا در نزد خداوند ، بی ارزش تر از این در نزد شماست».

.

2 / 4أهوَنُ مِن جيفَهٍ425.الإرشاد عن عليّ بن الحسين زين العابدين عليه السلاالإمام الصادق عليه السلام :مَرَّ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله بِجَدي أسَكَّ مُلقىً عَلى مَزبَلَهٍ مَيِّتا ، فَقالَ لِاَصحابِهِ : كَم يُساوى هذا؟ فَقالوا لَعَلَّهُ لَو كانَ حَيّا لَم يُساوِ دِرهَما !

فَقالَ النَّبِى صلى الله عليه و آله : وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ لَلدُّنيا أهوَنُ عَلَى اللّهِ مِن هذَا الجَدي عَلى أهلِهِ . (1)426.الطبقات الكبرى :سنن التِّرمذى عن المُستَورِد بن شَدّاد :كُنتُ مَعَ الرَّكبِ الَّذينَ وَقَفوا مَعَ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله عَلَى السَّخلَهِ المَيِّتَهِ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أتَرَونَ هذِهِ هانَت عَلى أهلِها حينَ ألقَوها؟ قالوا : مِن هَوانِها ألقَوها يا رَسولَ اللّهِ ، قالَ : فَالدُّنيا أهوَنُ عَلَى اللّهِ مِن هذِهِ عَلى أهلِها . (2)427.الدعوات عن زين العابدين عليه السلام :مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن رَبيعَه السُّلَمى :كانَ النَّبِى صلى الله عليه و آله فى سَفَرٍ . . . فَلَمّا هَبَطَ الوادِىَ مَرَّ عَلى سَخلَهٍ مَنبوذَهٍ ، فَقالَ : أ تَرَونَ هذِهِ هَيِّنَهً عَلى أهلِها؟ لَلدُّنيا أهوَنُ عَلَى اللّهِ مِن هذِهِ عَلى أهلِها . (3)راجع : ص 292 (مثل الدنيا / مثل الجيفه) .

.

1- .الكافى : ج 2 ص 129 ح 9 عن جميل بن درّاج ، بحار الأنوار : ج 73 ص 55 ح 27 .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 560 ح 2321 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1377 ح 4111 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 294 ح 18035 كلاهما نحوه ، الزهد لابن المبارک : ص 177 ح 508 ، كنز العمّال : ج 3 ص 211 ح 6201 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 11 ح 18986 ، اُسد الغابه : ج 3 ص 234 الرقم 2940 وفيه «فإذا هو راعى غنم وإذا شاه ميته» بدل «مرّ على سخله منبوذه» وراجع روضه الواعظين : ص 491 وبحار الأنوار : ج 73 ص 122 ح 110 .

2 / 4بی ارزش تر از مردار431.مقتل الحسین علیه السلام (فی ذِکرِ مَصرَعِ القاسِمِ بنِ الحَسَنِ) امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا بر لاشه بزغاله گوش بریده ای که در خرابه ای افتاده بود، گذشت. به یارانش فرمود: «این، به چند می ارزد؟» .

گفتند: شاید اگر زنده بود ، به درهمی هم نمی ارزید!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، دنیا در نزد خداوند ، بی ارزش تر از این بزغاله در نزد صاحب آن است».432.تاریخ دمشق عن مسلم بن رباح مولی علیّ بن أبی طالبسنن الترمذی به نقل از مُستَورِد بن شدّاد :من همراه عدّه ای سواره بودم که با پیامبر خدا کنار برّه مرده ای ایستادند. پیامبر خدا فرمود: «به نظر شما آیا این ، در نزد صاحبش بی ارزش بوده که آن را دور انداخته است؟» .

گفتند: ای پیامبر خدا! چون بی ارزش بوده ، آن را دور انداخته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا در نزد خداوند ، بی ارزش تر از این در نزد صاحب آن است».433.مصباح المتهجّد :مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن ربیعه سُلَمی :پیامبر صلی الله علیه و آله در سفری... چون از دره ای پایین رفت، لاشه برّه دور افکنده ای را دید . فرمود: «آیا به نظر شما این برای صاحبش بی ارزش بوده [که آن را دور انداخته] است؟ دنیا در نزد خداوند ، بی ارزش تر از این لاشه در نزد صاحب آن است».ر . ک : ص293 (مَثَل دنیا / مَثَل لاشه) .

.

2 / 5لا يُنالُ ما عِندَ اللّهِ إلاّ بِتَركِها437.تاريخ الطبرى عن فضيل بن خديج الكندى :الإمام علىّ عليه السلام :مِن ذَمامَهِ الدُّنيا عِندَ اللّهِ ألاّ يُنالَ ما عِندَهُ إلاّ بِتَركِها . (1)438.معانى الأخبار عن عبد اللّه بن علىّ بن الحسين عن أعيسى عليه السلام :مِن خُبثِ الدُّنيا أنَّ اللّهَ عُصِىَ فيها ، وأنَّ الآخِرَهَ لا تُنالُ إلاّ بِتَركِها . (2)2 / 6ما نَظَرَ اللّهُ إلَيها مُنذُ خَلَقَها441.بغيه الطلب عن زياد الحارثى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ لَم يَخلُق خَلقا أبغَضَ إلَيهِ مِنَ الدُّنيا ، وإنَّهُ مُنذُ خَلَقَها لَم يَنظُر إلَيها . (3)442.الأمالى عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها الحسين عن علعنه صلى الله عليه و آله :إنّ اللّهَ لَمّا خَلَقَ الدُّنيا أعرَضَ عَنها ، فَلَم يَنظُر إلَيها مِن هَوانِها عَلَيهِ . (4)443.دلائل الإمامه عن فاطمه الصغرى عن أبيها الحسين عليعنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَعالى لَمّا خَلَقَ الدُّنيا نَظَرَ إلَيها ، ثُمَّ أعرَضَ عَنها ، ثُمَّ قالَ : وعِزَّتى وجَلالى لا أنزَلتُکَ إلاّ فى شِرارِ خَلقى . (5) .

1- .غرر الحكم : ح 9367 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 470 ح 8585 وفيه «حقاره» بدل «ذمامه» .
2- .ربيع الأبرار : ج 1 ص 93 ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 299 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 78 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 327 ح 49 .
3- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 338 ح 10500 ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 300 كلاهما عن موسى بن يسار ، كنز العمّال : ج 3 ص 190 ح 6102 نقلاً عن الحاكم فى التاريخ عن أبى هريره ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 129 وليس فيه ذيله .
4- .تاريخ دمشق : ج 20 ص 200 ح 4633 عن أبى بكر الزاهرى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، كنز العمّال : ج 3 ص 190 ح 6100 .
5- .الجامع الصغير : ج 1 ص 274 ح 1787 ، كنز العمّال : ج 3 ص 190 ح 6103 نقلاً عن ابن عساكر عن أبى هريره وليس فيه «نظر إليها» .

2 / 5 به پاداش خداوند ، جز با ترک دنیا نمی توان رسید

2 / 6 خداوند از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن ننگریست

2 / 5به پاداش خداوند ، جز با ترک دنیا نمی توان رسید446.الکافی عن زراره :امام علی علیه السلام :از نکوهیدگی دنیا در نزد خداوند است که آنچه در نزد اوست، جز با ترک دنیا به دست نمی آید.447.الذرّیّه الطاهره عن فاطمه بنت الحسین عن أبیها علیعیسی علیه السلام :از [نشانه های] پلیدی دنیاست که خدا در آن نافرمانی شد، و این که به آخرت جز با ترک دنیا نمی توان رسید.2 / 6خداوند از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن ننگریست450.الخصال بإسناده عن الحسین عن أبیه علیّ علیهماالسلاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند مخلوقی منفورتر از دنیا نیافرید و از زمانی هم که آفریدش ، به آن نگاه نکرد.451.تاریخ بغداد عن أبی هشام القنّاد البصری :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند چون دنیا را آفرید ، از آن روی گرداند و بدان ننگریست؛ چرا که در نزد او بی ارزش بود.452.معانی الأخبار عن ثابت بن دینار عن علیّ بن الحسینپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای متعال چون دنیا را آفرید ، نگاهی به آن کرد و سپس از آن روی گرداند و فرمود: «به عزّت و جلالم سوگند که تو را جز در میان آفریدگان بدخویش ، فرود نمی آورم».

.

453.مستدرک الوسائل :عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ خَلَقَ الدُّنیا مُنذُ خَلَقَها فَلَم یَنظُر إلَیها بَعدُ إلاّ مَکانَ المُتَعَبِّدینَ فیها مِنها ، ولَیسَ بِناظِرٍ إلَیها إلی یَومِ یُنفَخُ فِی الصّورِ ، ویَأذَنُ فی هَلاکِها مَقتا لَها ، ولَم یُؤثِرها عَلَی الآخِرَهِ . (1)454.نزهه الناظر عن الإمام الحسین علیه السلام :عنه صلی الله علیه و آله :یَقولُ اللّهُ : ابنَ آدَمَ ، ما خَلَقتُ هذِهِ الدُّنیا مُنذُ خَلَقتُها إلاّ مِحنَهً عَلی أهلِ الدُّنیا ، ما أنظُرُ إلَیها إلاّ بِعَینِ المَقتِ ، فَلا تُوالِها فَاُعادِیَکَ . (2)2 / 7لَم یَرضَها لِاَولِیائِهِ ولَم یَضِنَّ بِها عَلی أعدائِهِالکتاب«وَ لَوْلاَ أَن یَکُونَ النَّاسُ أُمَّهً وَ حِدَهً لَّجَعَلْنَا لِمَن یَکْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُیُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّهٍ وَ مَعَارِجَ عَلَیْهَا یَظْهَرُونَ * وَ لِبُیُوتِهِمْ أَبْوَ بًا وَ سُرُرًا عَلَیْهَا یَتَّکِئُونَ * وَ زُخْرُفًا وَ إِن کُلُّ ذَ لِکَ لَمَّا مَتَعُ الْحَیَوهِ الدُّنْیَا وَ الآخِرَهُ عِندَ رَبِّکَ لِلْمُتَّقِینَ» . (3)

الحدیث460.دلائل الإمامه عن فاطمه بنت الحسین عن أبیها عن اُمالإمام الصادق علیه السلام فی قَولِهِ تَعالی : «وَ لَوْلاَ أَن یَکُونَ النَّاسُ أُمَّهً وَ حِدَهً لَّجَعَلْنَا لِمَن یَکْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُیُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّهٍ وَ مَعَارِجَ عَلَیْهَا یَظْهَرُونَ» : لَو فَعَلَ لَکَفَرَ النّاسُ جَمیعا . (4)461.تاریخ الیعقوبی عن الإمام الحسین علیه السلام :عنه علیه السلام أیضا :لَو فَعَلَ اللّهُ ذلِکَ لَما آمَنَ أحَدٌ ، ولکِنَّهُ جَعَلَ فِی المُؤمِنینَ أغنِیاءَ

وفِی الکافِرینَ فُقَراءَ ، وجَعَلَ فِی الکافِرینَ أغنِیاءَ وفِی المُؤمِنینَ فُقَراءَ ، ثُمَّ امتَحَنَهُم بِالأمرِ وَالنَّهیِ وَالصَّبرِ وَالرِّضا . (5) .

1- .کنز العمّال : ج 3 ص 214 ح 6216 نقلاً عن ابن عسّال عن أبی هریره .
2- .الفردوس : ج 5 ص 234 ح 8051 عن ابن عمر .
3- .الزخرف : 33 35 .
4- .الزهد للحسین بن سعید : ص 47 ح 127 عن إسحاق بن غالب ، مشکاه الأنوار : ص 510 ح 1716 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 125 ح 118 .
5- .تفسیر القمّی : ج 2 ص 284 ، تفسیر نور الثقلین : ج 4 ص 599 ح 31 .

462.عیون أخبار الرضا بإسناده عن الحسین بن علیّ عن سیّدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند دنیا را آفرید و از زمانی که آن را آفریده ، هنوز به آن نظر نکرده است ، مگر به جاهایی از آن که عبادت پیشگان در آن جایند، و تا روزی هم که در صور دمیده می شود و اجازه نابودی دنیا را می دهد ، به خاطر نفرتش از دنیا ، به آن نگاه نخواهد کرد ، و [هرگز] آن را بر آخرت ترجیح نداده است.463.نزهه الناظر عن الإمام الحسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید: «پسر آدم! این دنیا را از همان زمان که آفریدم ، جز مایه رنج اهل دنیا خلق نکردم. من جز با چشم دشمنی به آن نمی نگرم. پس، آن را دوست مدار که تو را دشمن خواهم داشت».2 / 7خداوند ، آن را برای دوستانش نپسندید و آن را از دشمنانش دریغ نکردقرآن«و اگر نبود بیم آن که [همه] مردم [در انکار خدا] امّتی واحد گردند ، قطعاً برای خانه های کسانی که به [خدای] رحمانْ کفر می ورزند ، سقف ها و نردبان هایی از نقره که بر آنها بالا روند ، و برای خانه هایشان ، درها و تخت هایی که بر آنها تکیه زنند ، و [نیز] زیورهایی [دیگر] قرار می دادیم. و همه اینها جز متاع زندگی دنیا نیست، و آخرت در پیش پروردگار تو ، برای پرهیزگاران است» .

حدیث469.الخصال بإسناده عن الحسین بن علیّ عن علیّ بن أبی طامام صادق علیه السلام درباره این سخن خدای متعال: «و اگر نبود بیم آن که [همه [مردم امّتی واحد گردند ، قطعاً برای خانه های کسانی که به [خدای] رحمانْ کفر می ورزند ، سقف ها و نردبان هایی از نقره که بر آنها بالا روند قرار می دادیم» : [یعنی [اگر خداوند این کار را بکند ، همه مردم ، کافر می شوند.470.مشکاه الأنوار :امام صادق علیه السلام درباره همین آیه :اگر خداوند این کار را می کرد ، دیگر هیچ

کس ایمان نمی آورد ؛ لیکن در میان مؤمنان، توانگر و تهی دست قرار داد و در میان کافران نیز توانگر و تهی دست . سپس از طریق امر و نهی و صبر و رضایت ، آنان را آزمود.

.

471.تاريخ اليعقوبى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ : لَولا عَبدِىَ المُؤمِنُ لَعَصَّبتُ رَأسَ الكافِرِ بِعِصابَةٍ مِن جَوهَرٍ . (1)472.أعلام الدين عن الإمام الحسين عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :قالَ اللّهُ : لَولا أن يَجِدَ عَبدِىَ المُؤمِنُ فى قَلبِهِ (2) ، لَعَصَّبتُ رَأسَ الكافِرِ بِعِصابَةِ حَديدٍ لا يُصَدَّعُ رَأسُهُ أبَدا . (3)473.نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام :قالَ اللّهُ تَعالى : لَولا أن يَجِدَ عَبدِىَ المُؤمِنُ فى نَفسِهِ ، لَعَصَّبتُ المُنافِقَ عِصابَةً لا يَجِدُ أَلَما حَتّى يَموتَ . (4)474.كشف الغمّه :عنه عليه السلام :إنَّهُ تَبارَكَ وتَعالى لَم يُبالِ بِنَعيمِ الدُّنيا لِعَدُوِّهِ ساعَةً قَطُّ . . . ولَولا ذلِكَ لَما جاءَ فِى الحَديثِ : لَولا أن يَحزَنَ المُؤمِنُ لَجَعَلتُ لِلكافِرِ عِصابَةً مِن حَديدٍ لا يُصَدَّعُ رَأسُهُ أبَدا . (5)475.نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا . . . تَقولُ يَومَ القِيامَهِ : يا رَبِّ ، اجعَلنى لِاءَدنى أولِيائِكَ نَصيبا اليَومَ ، فَيَقولُ : اُسكُتى يا لا شَىءَ ، إنّى لَم أرضَكِ لَهُم فِى الدُّنيا ، أرضاكِ لَهُمُ اليَومَ؟! (6)476.مقتل الحسين :عنه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ : وعِزَّتى وجَلالى وعَظَمَتى وَارتِفاعى فَوقَ عَرشى ، إنّى

لاَءَذودُ عَبدِىَ المُؤمِنَ عَنِ الدُّنيا وسَلوَتِها ورِحابِها كَما يَذودُ الرّاعِى الشَّفيقُ إبِلَهُ عَن مَرابِضِ الغِرَّهِ (7) ومَواقِعِ الهَلَكَهِ . (8) .

1- .التمحيص : ص 47 ح 73 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 72 ص 51 ح 69 .
2- .كأنّ مفعول الوجدان محذوف ، أى : شكّا أو حزنا شديدا ، أو يكون الوجد بمعنى الغضب أو بمعنى الحزن ، فقوله : «فى قلبه» للتأكيد (مرآه العقول : ج 2 ص 346) .
3- .الكافى : ج 2 ص 257 ح 24 عن أبى اُسامه ، مشكاه الأنوار : ص 487 ح 1627 ، علل الشرائع : ص 604 ح 74 عن منصور بن يونس نحوه ، بحار الأنوار : ج 67 ص 216 ح 24 .
4- .التمحيص : ص 48 ح 74 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج 67 ص 242 ح 76 .
5- .الإقبال : ج 3 ص 84 عن عطيّه بن نجيح وإسحاق بن عمّار الصيرفى ، بحار الأنوار : ج 82 ص 147 ح 32 .
6- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 301 .
7- .غَرّ فلانٌ فلاناً : غَرَّضه للهَلَكه (لسان العرب : ج 5 ص 17 «غرر») .

8- .الفردوس : ج 5 ص 227 ح 8030 عن أنس .

477.تاریخ الیعقوبی عن الإمام الحسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید: «اگر [به خاطر] بنده مؤمنم نبود ، بر سر کافر ، دستاری از گوهر [باارزش] می بستم».478.المناقب والمثالب عن الحسین بن علیّ علیه السلام :امام صادق علیه السلام :خداوند فرمود: «اگر بنده مؤمنم دل آزرده نمی شد ، بر سر کافر ، دستمالی آهنین می بستم تا هرگز سردرد نگیرد».479.نزهه الناظر عن الإمام الحسین علیه السلام :امام صادق علیه السلام :خداوند متعال فرمود: «اگر بنده مؤمنم آزرده خاطر نمی شد ، هر آینه بر سر منافق ، دستاری می بستم که تا زنده است ، دردی نگیرد».480.عیون أخبار الرضا بإسناده عن علیّ بن الحسین عن أبیامام صادق علیه السلام :خداوند تبارک و تعالی به برخورداری دشمنش از دنیا هرگز لحظه ای اهمّیت نداده است... . اگر چنین نبود ، در حدیث نمی آمد که: «اگر بیم آن نبود که مؤمنْ اندوهگین شود ، هر آینه برای کافر ، دستاری آهنین قرار می دادم که هرگز سردرد نگیرد».481.نثر الدرّ عن الإمام الحسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا... در روز قیامت می گوید: ای پروردگار من! امروز از من برای دون پایه ترین دوستانت نصیبی قرار ده.

خداوند می فرماید: «خاموش ، ای ناچیز! من در دنیا تو را برای آنان نپسندیدم . امروز ، تو را برایشان بپسندم؟!» .482.تاریخ الیعقوبی عن الإمام الحسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید: «به عزّت و جلالم و به عظمت و بلندای مقامم بر فراز عرشم سوگند ، بنده مؤمنِ خود را از دنیا و مشغولیات آن و نزدیک شدن به آن دور می کنم ، چنان که شبان دلسوز ، اشترانش را از

آغل های خطرناک و جایگاه های مرگبار ، دور می گرداند». .

483.الفردوس عن الحسين بن علىّ عليه السلام عن رسول اللعنه صلى الله عليه و آله :إنَّ مِن اُمَّتى مَن لَو أتى بابَ أحَدِكُم فَسَألَهُ دينارا لَم يُعطِهِ إيّاهُ ، ولَو سَألَهُ دِرهَما لَم يُعطِهِ إيّاهُ ، ولَو سَألَهُ فَلسا لَم يُعطِهِ إيّاهُ ، ولَو سَألَ اللّهَ الجَنَّةَ لاَعطاها إيّاهُ ، ولَو سَألَهُ الدُّنيا لَم يُعطِها إيّاهُ ، وما يَمنَعُها إيّاهُ لِهَوانِهِ عَلَيهِ . (1)484.مشكاه الأنوار :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ لَيَحمى عَبدَهُ المُؤمِنَ مِنَ الدُّنيا وهُوَ يُحِبُّهُ ، كَما تَحمونَ مَريضَكُم مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ تَخافونَهُ عَلَيهِ . (2)485.نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إذا أحَبَّ اللّهُ عَبدا حَماهُ الدُّنيا ، كَما يَظَلُّ أحَدُكُم يَحمى سَقيمَهُ الماءَ . (3)486.الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام (فى دُعاءِ عَرَفَةَ) عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ مِن هَوانِ الدُّنيا عَلَى اللّهِ أنَّ يَحيَى بنَ زَكَرِيّا عليه السلام قَتَلَتهُ امرَأةٌ . (4) .

1- .الزهد لابن حنبل : ص 18 عن سالم بن أبى الجعد ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 406 ، كنز العمّال : ج 3 ص 155 ح 5942 نقلاً عن هنّاد عن سالم بن أبى الجعد ؛ الأمالى للشجرى : ج 2 ص 205 عن ثوبان ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 182 .

2- .مسند ابن حنبل : ج 9 ص 158 ح 23683 ، الزهد لابن حنبل : ص 17 كلاهما عن محمود بن لبيد ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 231 ح 7465 عن أبى سعيد الخدرى ، تاريخ دمشق ، ج12 ص288 عن حذيفه بن اليمان نحوه ، إحياء علوم الدين : ج 4 ص 186 وليس فيه ذيله ، كنز العمّال : ج 3 ص 190 ح 6104 وص 331 ح 6801 .

3- .سنن الترمذى : ج 4 ص 381 ح 2036 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 230 ح 7464 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 12 ح 17 ، موارد الظمآن : ص 613 ح 2474 ، التاريخ الكبير : ج 7 ص 185 ح 823 كلّها عن قتاده بن النعمان ، كنز العمّال : ج 3 ص 183 ح 6068 ؛ تنبيه الخواطر : ج 2 ص 32 وفيه «كما يحمى أحدكم مريضه من الماء» بدل «كما يظلّ» .

4- .شُعب الإيمان : ج7 ص328 ح10474 عن اُبىّ بن كعب ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 489 ، كنز العمّال : ج 3 ص 195 ح 6133 .

487.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در میان امّت من ، کسانی هستند که اگر فردی از آنها به در خانه یکی از شما بیاید و از وی دیناری بخواهد ، به او نمی دهد، اگر درهمی بخواهد ، به او نمی دهد، اگر یک فلس(سکه مسی) بخواهد ، به او نمی دهد، و همو ، اگر از خداوند بهشت را بخواهد ، آن را به او می دهد، هرچند ، اگر دنیا را از خدا بخواهد ، آن را به او نمی دهد، و این ندادن دنیا به او ، نه از آن روست که وی در نزد خداوند ، بی ارزش باشد.488.الدعوات عن الإمام الباقر عن علیّ بن الحسین علیهماپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند بنده مؤمنش را از دنیا پرهیز می دهد ؛ چون دوستش دارد ، همچنان که شما بیمارتان را از خوردن و آشامیدن پرهیز می دهید ؛ چون از آن بر او می ترسید.489.نزهه الناظر عن الإمام الحسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، هر گاه بنده ای را دوست بدارد، او را از دنیا پرهیز می دهد، چنان که هر یک از شما همواره بیمارش را از آب ، پرهیز می دهد.490.المناقب عن الإمام الحسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از خواری دنیا در نزد خدا ، یکی این است که یحیی بن زکریّا علیه السلام را یک زن [منحرف ،] به قتل رساند. .

491.كفايه الأثر عن يحيى بن يعمن :عنه صلى الله عليه و آله :يُجاءُ بِالدُّنيا مُصَوَّرَةً يَومَ القِيامَهِ ، فَتَقولُ : يا رَبِّ ، اجعَلنى لِرَجُلٍ مِن أدنى أهِل الجَنَّهِ مَنزِلَهً ، فَيَقولُ اللّهُ : أنتِ أنتَنُ مِن ذلِکَ ، بَل أنتِ وأهلُکِ فِى النّارِ .

(1)492.الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام (فى دُعاءِ عَرَفَهَ) الإمام علىّ عليه السلام :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ أتَتِ الدُّنيا بِأحسَنِ زِينَتِها ، ثُمَّ قالَت : يا رَبِّ ، هَبنى لِبَعضِ أولِيائِکَ . فَيَقولُ اللّهُ تَعالى : اِذهَبى فَأنتِ لا شَىءَ ، أنتِ أهوَنُ عَلَىَّ أن أهَبَکِ لِبَعضِ أولِيائى ، فَتُطوى كَما يُطوَى الثَّوبُ الخَلِقُ ، فَتُلقى فِى النّارِ .

(2)493.الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام :لَو كانَتِ الدُّنيا عِندَ اللّهِ مَحمودَهً (3) لاَختَصَّ بِها أولِياءَهُ ، لكِنَّهُ صَرَفَ قُلوبَهُم عَنها ومَحا عَنهُم مِنهَا المَطامِعَ .

(4)494.مقتل الحسين عليه السلام عن عبد اللّه بن الحسن (فى أحداثِ عاشوراءَ) عنه عليه السلام :مِمّا يَدُلُّکَ عَلى دَناءَهِ الدُّنيا ، أنَّ اللّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ زَواها عَن أولِيائِهِ وأحِبّائِهِ نَظَرا وَاختِيارا ، وبَسَطَها لِاَعدائِهِ فِتنَهً وَاختِبارا .

(5)495.الإرشاد عن الإمام الحسين عليه السلام (مُخاطِبا جَيشَ ابنِ زِيادٍ يَومَ عاشوراءَ) عنه عليه السلام فى ذَمِّ الدُّنيا :دارٌ هانَت عَلى رَبِّها ، فَخَلَطَ حَلالَها بِحَرامِها ، وخَيرَها بِشَرِّها ، وحَياتَها بِمَوتِها ، وحُلوَها بِمُرِّها ، لَم يُصفِهَا اللّهُ تَعالى لِاَولِيائِهِ ، ولَم يَضِنَّ (6) بِها عَلى أعدائِهِ . (7) .

1- .حليه الأولياء : ج 10 ص 73 عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 237 ح 6330 .
2- .حليه الأولياء : ج 1 ص 72 عن زيد بن أسلم عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، كنز العمّال : ج 3 ص 718 ح 8561 .
3- .فى الطبعه المعتمده : «محمودا» ، والتصويب من طبعه بيروت وطهران .
4- .غرر الحكم : ح 7603 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 415 ح 7056 .
5- .بحار الأنوار : ج 73 ص 110 ح 109 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 368 ح 6205 نحوه وفى صدره «فى ذكر رسول اللّه صلى الله عليه و آله : قد حقّر الدنيا وأهون بها وهوّنها وعلم أنّ اللّه سبحانه زواها . . .» .
6- .ضَنِنتُ بالشىء : بخلت به (الصحاح : ج 6 ص 2156 «ضنن») .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 113 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 77 وفيه «لم يرضها» بدل «لم يصفها» ، كشف الغمّه : ج 1 ص 172 وليس فيهما

«حلالها بحرامها» ، غرر الحكم : ح 3687 وليس فيها «وحياتها بموتها» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 123 ح 112 ؛ مطالب السؤول : ص 32 نحوه .

496.نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روز قیامت، دنیا را در حالی که مجسّم شده است ، می آورند و می گوید: ای پروردگار من! مرا برای یکی از دون پایه ترین اهل بهشت ، منزلتی قرار بده.

خداوند می فرماید: «تو متعفّن تر از آنی. نه ! تو و اهل تو ، در آتش اند».497.معانی الأخبار عن شریح بن هانئ عن الحسین علیه السل (لَمّا سَأَلَهُ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلام :) امام علی علیه السلام :چون روز قیامت شود، دنیا با زیباترین زیور خود می آید و می گوید: پروردگارا ! مرا به یکی از دوستانت ببخش.

خداوند متعال می فرماید: «برو، که تو هیچی. تو در نزد من ، بی ارزش تر از آنی که به یکی از دوستانم ببخشمت». پس مانند پارچه ای کهنه مچاله و در آتش افکنده می شود.498.الإقبال عن الإمام الحسین علیه السلام (فی دُعاءِ عَرَفَهَ) امام علی علیه السلام :اگر دنیا در نزد خداوندْ پسندیده بود، آن را به دوستانش اختصاص می داد ؛ امّا او دل های آنان را از دنیا بگردانید و مطامع دنیوی را از آنان پاک ساخت.499.الفردوس عن الحسین بن علیّ علیه السلام عن رسول اللامام علی علیه السلام :از جمله چیزهایی که تو را به پستی دنیا رهنمون می شود ، این است که خداوند از سر لطف و خیرخواهی ، دنیا را از نزدیکان و دوستانش دور ساخت، و از بهر آزمایش و امتحان ، آن را برای دشمنانش گسترانید.500.المعجم الکبیر عن فاطمه بنت الحسین عن حسین بن علیّامام علی علیه السلام در نکوهش دنیا :سرایی است که نزد خداوندش بی ارزش است . از این رو، حلال آن را با حرامش، و نیکش را با بدش، و زندگی اش را با مرگش، و شیرینی اش را با تلخی اش آمیخت. خداوند متعال ، آن را برای دوستانش ناب نگردانید، و از دشمنانش دریغ نورزید. .

501.المناقب :الإمام زين العابدين عليه السلام :مِن هَوانِ الدُّنيا عَلَى اللّهِ تَعالى أنَّ يَحيَى بنَ زَكَرِيّا عليه السلام اُهدِيَ رَأسُهُ [إلى] (1) بَغِيٍّ فى طَستٍ مِن ذَهَبٍ ، فيهِ تَسلِيَهٌ لِحُرٍّ فاضِلٍ يَرَى النّاقِصَ الدَّنِيَّ يَظفُرُ مِنَ الدُّنيا بِالحَظِّ السَّنِيِّ ، كَما أصابَت تِلكَ الفاجِرَهُ تِلكَ الهَدِيَّةَ العَظيمَةَ .

502(2).جامع الأخبار عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام :خَرَجنا مَعَ الحُسَينِ عليه السلام فَما نَزَلَ مَنزِلاً ولاَ ارتَحَلَ مِنهُ إلاّ ذَكَرَ يَحيَى بنَ زَكَرِيّا عليه السلام وقَتلَهُ ، وقالَ يَوما : ومِن هَوانِ الدُّنيا عَلَى اللّهِ أنَّ رَأسَ يَحيَى بنَ زَكَرِيّا عليه السلام اُهدِيَ إلى بَغِيٍّ مِن بَغايا بَنى إسرائيل .

503(3).جامع الأخبار عن الإمام الحسين عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ لَيَتَعاهَدُ عَبدَهُ المُؤمِنَ بِالبَلاءِ كَما يَتَعاهَدُ الغائِبُ أهلَهُ بِالطُّرَفِ (4) ، وإنَّهُ لَيَحميهِ الدُّنيا كَما يَحمِى الطَّبيبُ المَريضَ .

504(5).إرشاد القلوب عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ يَطَّلِعُ عَلَى الدُّنيا فى كُلِّ يَومٍ مَرَّةً أو مَرَّتَينِ ، فَيَقولُ : يا دُنيا ، أنتِ دَنِيَّهٌ فَتَكَدَّرى عَلى عَبدِيَ المُؤمِنِ ولا تَحَلّى لَهُ فَيُفتَتَنَ .

505(6).نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام :الزهد عن وَهب بن مُنَبِّه فى ذِكرِ كَلامِهِ تَعالى لِموسى وأخيهِ هارونَ عليهماالسلام لَمّا بَعَثَهُما إلى فِرعون :ولا يُعجِبكُما زينَتُهُ ولا ما مُتِّعَ بِهِ ، ولا تَمُدّانِ إلى ذلِكَ أعيُنَكُما ، فَإنَّها زَهرَهُ الحَياهِ الدُّنيا وزينَهُ المُترَفينَ ، وإنّى لَو شِئتُ أن اُزَيِّنَكُما مِنَ الدُّنيا بِزينَهٍ يَعلَمُ فِرعون حينَ يَنظُرُ إلَيها أنَّ مَقدُرَتَهُ تَعجِزُ عَن مِثلِ ما اُوتيتُما فَعَلتُ ، ولكِنّى أرغَبُ بِكُما عَن ذلِكَ وأزويهِ (7) عَنكُما ، وكَذلِكَ أفعَلُ بِأولِيائى ، وقَديما ما خِرتُ لَهُم فى ذلِكَ ، فَإنّى لاَذودُهُم عَن نَعيمِها ورَخائِها كَما يَذودُ الرّاعِى الشَّفيقُ إبِلَهُ عَن مَراتِعِ الهَلَكَهِ ، وإنّى لاُجَنِّبُهُم سَلوَتَها وعَيشَها كَما يُجَنِّبُ الرّاعِى الشَّفيقُ إبِلَهُ عَن مَبارِكِ الغِرَّهِ ، وما ذلِكَ لِهَوانِهِم عَلَيَّ ، ولكِن لِيَستَكمِلوا نَصيبَهُم مِن كَرامَتى سالِما مَوفورا ؛ لَم تَكلِمهُ (8) الدُّنيا ، ولَم يُطغِهِ (9) الهَوى . (10) .

1- .ما بين المعقوفين إضافه منّا يقتضيها السياق .
2- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 76 .
3- .الإرشاد للمفيد : ج 2 ص 132 عن علىّ بن يزيد ، كشف الغمّه : ج 2 ص 221 ، إعلام الورى : ج 1 ص 429 كلاهما عن علىّ بن زيد ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 85 ، عوالى اللآلى : ج 4 ص 81 ح 83 نحوه من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 45 ص 298 ح 10 .

4- .أطرف الرجل : أعطاه ما لم يعطه أحدا قبله ، وأطرفت فلانا شيئا ، أى : أعطيته شيئا لم يملک مثله فأعجبه (لسان العرب : ج8 ص 145 «طرف») .
5- .الكافى : ج 2 ص 259 ح 28 عن الحلبى ، تحف العقول : ص 300 ، المؤمن : ص 21 ح 21 عن حمران وفيه «يحميه» بدل «ليحميه الدنيا» ، مسكّن الفؤاد : ص 115 عن حمدان ، مشكاه الأنوار : ص 503 ح 1683 وليس فيه «بالبلاء» ، التمحيص : ص 50 ح 91 عن أبى جميله وكلّها عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 67 ص 213 ح 19 .
6- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 200 .
7- .زَواهُ : نَحّاه (القاموس المحيط : ج 4 ص 339 «زواه») .
8- .الكَلم : الجَرح . وكَلَمَهُ : جَرَحَه (القاموس المحيط : ج 4 ص 172 «كلم») .
9- .فى الزهد لابن حنبل : «يطفه» ، والصواب ما أثبتناه كما فى حليه الأولياء .
10- .الزهد لابن حنبل : ص 82 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 11 ، الدرّ المنثور : ج 5 ص 557 كلاهما نحوه وراجع عدّه الداعى : ص 147 و بحار الأنوار : ج 13 ص 49 ح 18 .

506.تاریخ دمشق عن رجلٍ من همدان عن الحسین بن علیّ علی (یَومَ عاشوراءَ) امام زین العابدین علیه السلام :از نشانه های بی ارزشی دنیا در نزد خداوند متعال، این است که سر یحیی بن زکریّا علیه السلام در تشتی از طلا به یک روسپی پیشکش شد، و این خود ، مایه تسلّی خاطر هر آزاده بافضیلتی است که می بیند یک فرد بی کمال پست ، از دنیا به بهره وافر می رسد، چنان که آن روسپی به آن پیشکش گران سنگ دست یافت.507.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه السلام :امام زین العابدین علیه السلام :با حسین علیه السلام به راه افتادیم. ایشان در هیچ منزلی فرود نمی آمد و از آن نمی کوچید، مگر آن که از یحیی بن زکریّا علیه السلام و کشته شدن او یاد می کرد. روزی فرمود: «از بی ارزشی دنیا در نزد خداست که سر یحیی بن زکریّا علیه السلام به فاحشه ای از فاحشه های بنی اسرائیل پیشکش شد».508.مستدرک الوسائل عن الحسین بن علیّ علیه السلام :امام صادق علیه السلام :خداوند ، بنده مؤمنش را با بلا (گرفتاری) می نوازد ، همچنان که مسافر با تحفه ها خانواده اش را می نوازد ، و او را از دنیا پرهیز می دهد ، همچنان که پزشک ، بیمار را پرهیز می دهد.509.الفتوح :امام صادق علیه السلام :خداوند هر روز ، یکی دو بار به دنیا سرکشی می کند و می فرماید: «ای دنیا ! تو پَستی. پس، بر بنده مؤمنم تیره شو و خود را برایش میارای که فریفته شود».510.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه السلام :الزهد به نقل از وهب بن مُنَبّه ، در بیان سخن خداوند متعال به موسی و برادرش هارون علیهماالسلام ، آن گاه که آنان را به سوی فرعون فرستاد :زرق و برق او و برخورداری اش [از قدرت و ثروت ،] شما را شگفت زده نکند، و چشمانتان را خیره نسازد؛ زیرا آنها تجمّلات زندگی دنیا و زیور مرفّهان اند.

من اگر بخواهم ، شما دو تن را به چنان زیوری از دنیا می آرایم که فرعون وقتی آن را ببیند ، درمی یابد که با همه قدرتش، از داشتن چنان زیوری که به شما داده ام ، ناتوان است ؛ لیکن من شما را از داشتن چنین زیوری برتر می دانم و آن را از شما دور می کنم. من با [همه] دوستانم این گونه عمل می کنم و از قدیم ، همین را برایشان برگزیده ام . من آنان را از خوشی و آسایش دنیا می رانم ، آن سان که ساربان دلسوز ، اشترانش را از چراگاه های مُهلک می راند ، و آنان را از عیش و نوش دنیا دور می کنم ، آن سان که ساربان دلسوز ، اشترانش را از شترخان های خطرناک دور

می کند. و این ، نه از آن روست که نزد من ، بی ارزش باشند ؛ بلکه از آن روست که سهمشان را از بخشش من ، بی کم و کاست و کامل دریافت کنند، به طوری که نه دنیا به آن ، زخمی (نقصی) وارد آورده باشد و نه هوس ، او را سرکش کند. .

2 / 8أهوَنُ مِنَ النَّعلِ المَخصوفِ513.المستدرک على الصحيحين بإسناده عن الحسين عن أبيه عنهج البلاغه عن ابن عبّاس :دَخَلتُ عَلى أميرِ المُؤمِنين عليه السلام بِذى قارٍ وهُوَ يَخصِفُ (1) نَعلَهُ ، فَقالَ لى : ما قيمَةُ هذَا النَّعلِ؟ فَقُلتُ : لا قيمَةَ لَها ! فَقالَ عليه السلام : وَاللّهِ لَهِىَ أحَبُّ إلَىَّ مِن إمرَتِكُم ، إلاّ أن اُقيمَ حَقّا أو أدفَعَ باطِلاً . (2)514.تفسير العيّاشى عن مسعده بن صدقه :الإرشاد :لَمّا تَوَجَّهَ أميرُ المُؤمِنين عليه السلام إلَى البَصرَه نَزَلَ الرَّبَذَه ، فَلَقِيَهُ بِها آخِرُ الحاجِّ فَاجتَمَعوا لِيَسمَعوا مِن كَلامِهِ وهُوَ فى خِبائِهِ .

قالَ ابنُ عَبّاس : فَأَتَيتُهُ فَوَجَدتُهُ يَخصِفُ نَعلاً ، فَقُلتُ لَهُ : نَحنُ إلى أن تُصلِحَ أمرَنا أحوَجُ مِنّا إلى ما تَصنَعُ ! فَلَم يُكَلِّمنى حَتّى فَرَغَ مِن نَعلِهِ ، ثُمَّ ضَمَّها إلى صاحِبَتِها ، ثُمَّ قالَ لى : قَوِّمها ، قُلتُ : لَيسَ لَها قيمَةٌ ! قالَ : عَلى ذاكَ ، قُلتُ : كَسرُ دِرهَمٍ ، قالَ : وَاللّهِ ، لَهُما أحَبُّ إلَىَّ مِن أمرِكُم هذا ! إلاّ أن اُقيمَ حَقّا أو أدفَعَ باطِلاً . (3) .

1- .يَخصِف نَعْلَه : أى يَخرِزُها ؛ من الخَصْف : الضمّ والجمع (النهايه : ج 2 ص 38 «خصف») .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 33 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 9 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 76 ح 50 .
3- .الإرشاد : ج 1 ص 247 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 113 ح 90 وراجع المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 101 .

2 / 8بی ارزش تر از کفش وصله دار517.نثر الدرّ عن أنس :نهج البلاغه به نقل از ابن عبّاس :در ذی قار ، بر امیر مؤمنان علیه السلام در آمدم که مشغول وصله کردن کفش خویش بود. به من فرمود: «این کفش ، چند می ارزد؟» .

گفتم: ارزشی ندارد!

فرمود: «به خدا سوگند که این کفش در نزد من ، محبوب تر از فرمان روایی بر شماست ، مگر آن که حقّی را به پا دارم ، یا باطلی را از میان بردارم».518.المُحلّی عن عبد اللّه بن شدّاد :الإرشاد:چون امیر مؤمنان علیه السلام ره سپار بصره شد، در رَبَذه فرود آمد. در آن جا آخرین گروه حاجیان به دیدار امام علیه السلام آمدند و در خیمه ایشان جمع شدند تا از سخنان ایشان چیزی بشنوند.

ابن عبّاس می گوید: من نزد امام علیه السلام آمدم و دیدم لنگه کفشی را می دوزد . گفتم: پرداختن به اصلاح کار ما ، لازم تر از این کاری است که می کنید!

امام علیه السلام به من چیزی نگفت ، تا آن که کفشش را وصله کرد و آن را کنار لنگه دیگرش گذاشت و آن گاه فرمود: «این را قیمت بگذار».

گفتم: قیمتی ندارد!

فرمود: «یک چیزی بگو!».

گفتم: دِرهمِ شکسته ای [، اگر بیرزد] .

فرمود: «به خدا سوگند که این جفت کفش ، در نزد من ، محبوب تر از این فرمان روایی بر شماست ، مگر آن که حقّی را به پا دارم ، یا باطلی را از میان بردارم».

.

2 / 9أهوَنُ مِن وَرَقَهٍ فی فَمِ جَرادَهٍ521.المناقب عن عمرو بن دینار :الإمام علیّ علیه السلام :إنَّ دُنیاکُم عِندی لاَءَهوَنُ مِن وَرَقَهٍ فی فَمِ جَرادَهٍ تَقضَمُها (1) . ما لِعَلِیٍّ ولِنَعیمٍ یَفنی ولَذّهٍ لا تَبقی؟! (2)2 / 10أهوَنُ مِن عَفطَهِ عَنزٍ524.تاریخ دمشق عن عِصام بن المصطلق :الإمام علیّ علیه السلام :أمّا وَالَّذی فَلَقَ الحَبَّهَ ، وبَرَأَ النَّسَمَهَ ، لَولا حُضورُ الحاضِرِ ، وقِیامُ الحُجَّهِ بِوُجودِ النّاصِرِ ، وما أخَذَ اللّهُ عَلَی العُلَماء ألاّ یُقارّوا عَلی کِظَّهِ (3) ظالِمٍ ، ولا سَغَبِ (4) مَظلومٍ ، لاَءَلقَیتُ حَبلَها عَلی غارِبِها ، ولَسَقَیتُ آخِرَها بِکَأسِ أوَّلِها ، ولاَءَلفَیتُم دُنیاکُم هذِهِ أزهَدَ عِندی مِن عَفطَهِ عَنزٍ . (5) .

1- .قَضَمَت الدابّهُ الشعیرَ تَقضَمُه : کَسَرته بأطراف الأسنان (المصباح المنیر : ص 507 «قضم») .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 224 ، تنبیه الخواطر : ج 1 ص 56 ، إرشاد القلوب : ص 217 ، غرر الحکم : ح 3664 وفیه «أحقر» بدل «أهون» ولیس فیه «تقضمها» ، بحار الأنوار : ج 41 ص 162 ح 57 .
3- .الکِظّه : شیء یعتری الإنسان من الامتلاء من الطعام حتّی لا یطیق التنفّس (مجمع البحرین : ج 3 ص 1574 «کظظ») . والمراد استئثار الظالم بالحقوق .
4- .السَّغَب : الجوع مع التعب (المصباح المنیر : ص 278 «سغب») . والمراد منه هضم حقوقه .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 3 ، علل الشرائع : ص 151 ح 12 ، الإرشاد : ج 1 ص 289 نحوه ، معانی الأخبار : ص 362 ح 1 ، الأمالی للطوسی : ص 374 ح 803 ، الاحتجاج : ج 1 ص 458 ح 105 ، الطرائف : ص 419 وکلّها عن ابن عبّاس .

2 / 9 بی ارزش تر از یک برگ در دهان ملخی

2 / 10 پست تر از تیز دادن یک بز

2 / 9بی ارزش تر از یک برگ در دهان ملخی527.الکافی عن عبد الرحمن العزرمی عن أبی عبد اللّه علیامام علی علیه السلام :دنیای شما در نزد من ، از یک برگ در دهان ملخی که آن را می جود ، بی ارزش تر است. علی را با نعمت های نابود شونده و لذّت های ناپایدار ، چه کار؟ !2 / 10پست تر از تیز دادن یک بز530.الفتوح (فی ذِکرِ ما جَری بَینَ الحُسَینِ علیه السلام قَ) امام علی علیه السلام :هان! سوگند به آن که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور آن جمعیّت [بیعت کننده] نبود و این که با وجود یاوران ، حجّت تمام می شود، و این که خداوند از دانایان پیمان گرفته است که در برابر شکمبارگیِ ستمگر و گرسنگی رنج آورِ ستم دیده آرام نگیرند، هر آینه مهار [اشتر [خلافت را بر گردن آن می انداختم (به حال خود رهایش می کردم) و آخرِ آن را با همان جام نخستینش آب می دادم، و می دیدید که این دنیای شما ، در نزد من ، ناچیزتر از تیز دادن یک بز است.

.

2 / 11أهوَنُ مِن عُراقِ خِنزيرٍ فى يَدِ مَجذومٍ533.قضاء حقوق المؤمنين عن ابن مهران :الإمام علىّ عليه السلام :وَاللّهِ لَدُنياكُم هذِهِ أهوَنُ فى عَينى مِن عُراقِ (1) خِنزيرٍ فى يَدِ مَجذومٍ. (2)2 / 12أمَرُّ مِن حَنظَلَهٍ يَلوكُها ذو سُقمٍ536.عيون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه االإمام علىّ عليه السلام فى ذَمِّ الدُّنيا ، ويَذكُرُ رَجُلاً أتاهُ بِبَعضِ الحَلوى :لَدُنياكُم أهوَنُ عِندى مِن وَرَقَهٍ فى فى جَرادَهٍ تَقضَمُها ، وأقذَرُ عِندى مِن عُراقَهِ خِنزيرٍ يَقذِفُ بِها أجذَمُها ، وأمَرُّ عَلى فُؤادى مِن حَنظَلَهٍ يَلوكُها (3) ذو سُقمٍ فَيَبشَمُها (4) ، فَكَيفَ أقبَلُ مَلفوفاتٍ عَكَمَتها (5) فى طَيِّها ، ومَعجونَهً كَأنَّها عُجِنَت بِريقِ حَيَّهٍ أو قَيِّها؟! اللّهُمَّ إنّى نَفَرتُ عَنها نِفارَ المُهرَهِ مِن راكِبِها ، أُريهِ السُّها ويُرينِى القَمَرَ! (6)

أ أمتَنِعُ مِن وَبرَهٍ مِن قَلوصِها (7) ساقِطَهٍ ، وأبتَلِعُ إبِلاً فى مَبرَكِها رابِطَهً؟! أدَبيبَ العَقارِبِ مِن وَكرِها ألتَقِطُ ، أم قَواتِلَ الرَّقشِ (8) فى مَبيتى أرتَبِطُ؟! فَدَعونى أكتَفى مِن دُنياكُم بِمِلحى وأقراصى ، فَبِتَقوَى اللّهِ أرجو خَلاصى .

ما لِعَلِيٍّ ونَعيمٍ يَفنى ، ولَذَّهٍ تُنتِجُهَا (تَنحَتُهَا) المَعاصى ، سَأَلقى وشيعَتى رَبَّنا بِعُيونٍ مُرّهٍ (9) ، وبُطونٍ خِماصٍ «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَمْحَقَ الْكَفِرِينَ» (10) . (11) .

1- .العَرْق : العظم إذا أُخذ عنه معظم اللحم ، والجمع عُرَاق (النهايه : ج 3 ص 220 «عرق») .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 236 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 78 وفيه «كراع» بدل «عُراق» ، غرر الحكم : ح 3664 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 130 ح 135 .
3- .يَلوكُها : أى يَمضُغها . واللَّوْک : إداره الشىء فى الفم (النهايه : ج 4 ص 278 «لوک») .
4- .بشِمتُ منه بَشَما : أى سئمتُ (الصحاح : ج 5 ص 1873 «بشم») .
5- .عَكَمتُ المتاع : شددته (الصحاح : ج 5 ص 1989 «عكم») .
6- .يُضرَبُ مَثَلاً لمن تخاطبه فيُبعِد فى الجواب (جمهره الأمثال : ج 1 ص 117) . والسُّها : كُويكَب صغير خفىّ الضوء ، والناس يمتحنون به أبصارَهم (لسان العرب : ج 14 ص 408 «سها») .
7- .القَلوص : الناقه الشابّه (النهايه : ج 4 ص 100 «قلص») .
8- .الرَّقشاء : الأفعى (النهايه : ج 2 ص 250 «رقش») .

9- .كذا فى المصدر والظاهر أنه تصحيف «مُرهٍ» .
10- .آل عمران : 141 .
11- .الأمالى للصدوق : ص 722 ح 988 عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 40 ص 348 ح 29 .

2 / 11 بی ارزش تر از استخوان خوکی در دست یک جذامی

2 / 12 تلخ تر از حنظلی که بیماری در دهان می چرخاند

2 / 11بی ارزش تر از استخوان خوکی در دست یک جذامی539.دعائم الإسلام :امام علی علیه السلام :به خدا سوگند که این دنیای شما در چشم من ، بی ارزش تر از استخوان یک خوک در دست یک جذامی است.2 / 12تلخ تر از حنظلی که بیماری در دهان می چرخاند542.علل الشرائع بإسناده عن الحسین بن علیّ عن أخیه الحامام علی علیه السلام در نکوهش دنیا و یادکرد مردی که برای ایشان مقداری شیرینی آورد :هر آینه دنیای شما در نزد من ، از برگی که یک ملخ در دهانش می جود ، بی ارزش تر، و از استخوان خوکی که یک جذامی به دور می افکند ، کثیف تر، و از حنظلی که یک بیمار در دهان می چرخاند و با نفرتْ آن را تُف می کند ، به مذاق جانم تلخ تر است . پس چگونه بسته هایی را که محکم بسته ای ، و شیرینی ای را که گویا با آب دهان مار و یا استفراغ آن درست شده است ، بپذیرم؟ ! بار خدایا ! من از دنیا رمیده ام ، آن سان که کره اسب از داغ کردنش می رمد. من ستاره سُها را به او نشان می دهم و او ماه را به من نشان می دهد. (1)

من که از برداشتن پَرِ کُرکی افتاده از یک ماده اشتر جوان خودداری می کنم، [چگونه [شُتری را که در آغلش بسته است ، ببلعم؟ ! آیا عقرب های زهرآگین را از سوراخشان بگیرم، یا مارهای سمّی کشنده را در خوابگاه خویش ببندم؟ ! (2) رهایم کنید تا از دنیای شما به نمک و چند گرده نانم بسنده کنم، که با پروا کردن از خداوند ، امید رهایی خویش دارم.

علی را با نعمتی که فنا می پذیرد و لذّتی که از معاصی بر می خیزد ، چه کار؟ من و شیعیانم با چشمانی زردی گرفته و شکم هایی گود افتاده ، پروردگارمان را ملاقات خواهیم کرد : «و تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند ، خالص گرداند و کافران را نابود سازد» .

.

1- .این جمله ، ضرب المثلی است برای کسی که شما از او سؤالی می کنی و او جوابی بی ربط به شما می دهد (جمهره الأمثال: ج 1 ص 117) . سُها ، ستاره ای بسیار کوچک و کم نور است و مردم به وسیله آن ، سوی چشم خود را امتحان می کنند (لسان العرب : ج 14 ص 408 «سها»).
2- .به عبارت دیگر: آیا دست خویش در لانه عقرب های زهرآگین فرو برم، یا مارهای کشنده در آستین بپرورم؟!

2 / 13أهوَنُ مِن عَفصَهٍ مَقِرَهٍ545.نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام فى كِتابِهِ إلى عامِلِهِ عَلَى البَصرَه عُثمانَ بنِ حُنَيف :ألا وإنَّ لِكُلِّ مَأموم إماما يَقتَدى بِهِ ، ويَستَضِىءُ بِنورِ عِلمِهِ ، ألا وإنَّ إمامَكُم قَدِ اكتَفى مِن دُنياهُ بِطِمرَيهِ (1) ، ومِن طُعمِهِ (2) بِقُرصَيهِ ، ألا وإنَّكُم لا تَقدِرونَ عَلى ذلِكَ ، ولكِن أعينونى بِوَرَعٍ وَاجتِهادٍ ، وعِفَّهٍ وسَدادٍ . فَوَاللّهِ ما كَنَزتُ مِن دُنياكم تِبرا (3) ، ولاَ ادَّخَرتُ مِن غَنائِمِها وَفرا (4) ، ولا أعدَدتُ لِبالى ثَوبى طِمرا ، ولا حُزتُ مِن أرضِها شِبرا ، ولا أخَذتُ مِنهُ إلاّ كَقوتِ أتانٍ دَبِرَهٍ (5) ، ولَهِىَ فى عَينى أوهى وأهوَنُ مِن عَفصَهٍ (6) مَقِرَهٍ (7) . (8) .

1- .الطِّمر : الثوب الخلق (المصباح المنير : ص 378 «طمرت») .
2- .الطُّعم : الطعام (المصباح المنير : ص 373 «طعمته») .
3- .التِّبر : هو الذهب والفضّه قبل أن يضربا دنانير ودراهم ، ومنهم من يجعله فى الذهب أصلاً (النهايه : ج 1 ص 179 «تبر») .
4- .الوَفْر : المال الكثير (الصحاح : ج 2 ص 847 «وفر») .
5- .الأتان : الحماره الأُنثى خاصّه (النهايه : ج1 ص21 «أتن») . وأتانٌ دبِره : هى التى عُقِر ظَهرُها فَقلَّ أكلُها (شرح نهج البلاغه : ج16 ص207) .
6- .العَفْص : حمل شجره البَلّوط ؛ تحمل سنةً بَلّوطا وسنةً عَفْصا (لسان العرب : ج 7 ص 55 «عفص») .
7- .مَقِرَ الشىء : صارَ مُرّا ، فهو شىءٌ مَقِرٌ . والمَقِرُ أيضا الصَّبِر (الصحاح : ج 2 ص 819 «مقر») .
8- .نهج البلاغه : الكتاب 45 .

2 / 13بی ارزش تر از مازوی تلخ548.کامل الزیارات عن هارون بن خارجه عن أبی عبد اللّهامام علی علیه السلام در نامه اش به عثمان بن حنیف ، کارگزار ایشان در بصره :هان! هر پیروی را پیشوایی است که به او اقتدا می کند و از نور دانشش روشنایی می گیرد. هان! پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان ، بسنده کرده است. البتّه شما توانایی این کار را ندارید ؛ امّا با [در پیش گرفتن [پارسایی و سختکوشی [در کار و عبادت] و پاک دامنی و راستی ، مرا یاری رسانید.

به خدا سوگند که از دنیای شما زر و سیمی نیندوختم، و از غنایم آن ، مالی فراوان پس انداز ننمودم، و بر دو جامه کهنه ام جامه ای نیفزودم، و از زمین آن ، یک وجب به دست نیاوردم، و از خوراک آن جز به اندازه خوراک ماده الاغی ریش پشت برنگرفتم. دنیا در چشم من ، ناقابل تر و بی ارزش تر از یک دانه مازوی (1) تلخ است.

.

1- .برجستگی کروی شکلی به قطر دوازده تا سی سانتی متر که تحت تأثیر گزش حشره سینیپس گالاتنکتوریا (cynips gallaetinctoriae) بر روی جوانه های درخت بلوط مازو ، ایجاد می شود. حشره مذکور برای تخم گذاری ، پوست درخت بلوط را سوراخ می کند که بر اثر آن ، مقدار زیادی از شیره درخت بیرون می زند که مازوسیوم نامیده می شود. از مازو ، در صنعت ، برای تهیّه مرکّب سیاه و رنگ پارچه ها و در پزشکی به عنوان قابض استفاده می شود (ر . ک : فرهنگ معین : «مازو»).

2 / 14حَميمٌ غَسّاقٌ وعَلقَمٌ زُعاقٌ وسَمٌّ أفعى!551.ثواب الأعمال عن هارون بن خارجه عن أبى عبد اللّه عالإمام علىّ عليه السلام :وَاللّهِ ما دُنياكُم عِندى إلاّ كَسَفرٍ عَلى مَنهَلٍ حَلّوا ، إذ صاحَ بِهِم سائِقُهُم فَارتَحَلوا ، ولا لَذاذَتُها فى عَينى إلاّ كَحَميمٍ أشرَبُهُ غَسّاقا (1) ، وعَلقَمٍ أتَجَرَّعُهُ زُعاقا (2) ، وسَمٍّ أفعى أُسقاهُ دِهاقا (3) ، وقِلادَهٍ مِن نارٍ أُوهَقُها (4) خِناقا ، ولَقَد رَقَعتُ مِدرَعَتى هذِهِ حَتَّى استَحيَيتُ مِن راقِعِها ، وقالَ لى : اِقذِف بِها قَذفَ الأتُنِ ؛ لا يَرتَضيها لِيَرقَعَها ، فَقُلتُ لَهُ : اُغرُب عَنّى ، فَعِندَ الصَّباحِ يَحمَدُ القَومُ السُّرى ، وتَنجَلى عَنّا غُلالاتُ الكَرى (5) . (6)2 / 15مُطَلَّقَهُ الأكياسِ554.أعلام الدين عن الإمام الحسين عليه السلام (أنَّهُ قالَ لِرَجُلٍ) الإمام علىّ عليه السلام :إنّى طَلَّقتُ الدُّنيا ثَلاثا بَتاتا لا رَجعَهَ لى فيها ، وأَلقَيتُ حَبلَها عَلى غارِبِها . (7)555.المعجم الكبير عن حبيب بن أبى ثابت :مروج الذَّهَب عن ضِرارِ بن ضَمرَه فى وَصفِ عَلِيٍّ عليه السلام حَيثُ طَلَبَ مِنهُ مُعاوِيَه ذلِكَ :يَستَوحِشُ مِنَ الدُّنيا وزَهرَتِها ، ويَأنَسُ بِاللَّيلِ وظُلمَتِهِ ، وكَأنّى بِهِ وقَد

أرخَى اللَّيلُ سُدولَهُ (8) ، وغارَت نُجومُهُ ، وهُوَ فى مِحرابِهِ قابِضٌ عَلى لِحيَتِهِ يَتَمَلمَلُ تَمَلمُلَ السَّليمِ (9) ، ويَبكى بُكاءَ الحَزينِ ، ويَقولُ :

يا دُنيا غُرّى غَيرى ، ألى تَعَرَّضتِ ، أم إلَىَّ تَشَوَّفتِ (10) ؟ هَيهاتَ هَيهاتَ ! لا حانَ حينُكِ ، قَد أبَنتُكِ (11) ثَلاثا لا رَجعَهَ لى فيكِ . عُمُرُكِ قَصيرٌ ، وعَيشُكِ حَقيرٌ ، وخَطَرُكِ يَسيرٌ . آهِ مِن قِلَّهِ الزّادِ ، وبُعدِ السَّفَرِ ، ووَحشَهِ الطَّريقِ . (12) .

1- .الغَسَّاق بالتخفيف والتشديد : ما يسيل من صديد أهل النار وغُسالتهم (النهايه : ج 3 ص 366 «غسق») .
2- .الزُعاق : الماء المرّ الغليظ لا يطاق شربه (القاموس المحيط : ج 3 ص 241 «زعق») .
3- .دَهَق الماء : أفرغه إفراغا شديدا (القاموس المحيط : ج 3 ص 233 «دهق») .
4- .الوَهَق : حَبلٌ يُلقى فى عنق الشخص يؤخذ به ويُوثَق ، وأصله للدوابّ (المصباح المنير : ص 674 «وهق») .
5- .مَثلٌ يُضرب للرجل يحتمل المشقّه رجاء الراحه (مجمع الأمثال : ج 2 ص 318 الرقم 2382) .

6- .الأماليللصدوق : ص 718 ح 988 عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 40 ص 345 ح 29 .
7- .غرر الحكم : ح 3782 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 170 ح 3567 .
8- .سَدَلَ الثوبَ سَدْلاً : أرخاه ، وسَدَلَت سِترَها وشَعرَها (أساس البلاغه : ص 206 «سدل») .
9- .تَمَلْمَلَ : تَقلّبَ . والسَّلِيم : اللَّدِيغ (القاموس المحيط : ج 4 ص 52 «ملل» و ص 129 «سلم») .
10- .تَشوَّفَ : تَزَيَّنَ . وتَشَوّفَ للشىء : أى طَمَحَ بصرهُ إليه (النهايه : ج 2 ص 509 «شوف») .
11- .بانَتِ المرأه من زوجها : أى انفصلت عنه ووقع عليها طلاقُه . والطلاق البائن : هو الذى لا يملک الزوج فيه استرجاع المرأه إلاّ بعقدٍ جديد (النهايه : ج 1 ص 175 «بين») .
12- .مروج الذهب : ج 2 ص 433 ، الاستيعاب : ج 3 ص 209 ، شرح نهج البلاغه : ج 18 ص 225 وفيهما «باينتک ثلاثا» بدل «أبنتک ثلاثا» ، حليه الأولياء : ج 1 ص 84 ؛ نهج البلاغه : الحكمه 77 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 71 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 79 ، روضه الواعظين : ص 483 ، مشكاه الأنوار : ص 467 ح 1562 وفيها «قد طلّقتک ثلاثا» بدل «قد أبنتک ثلاثا» وكلّها نحوه ، كنز الفوائد : ج 2 ص 160 .

2 / 14 چرکابه ای جوشان ، حنظلی شَرَنگین ، و زهر مار

2 / 15 مطلّقه زیرکان

2 / 14چرکابه ای جوشان ، حنظلی شَرَنگین ، و زهر مار558.سنن ابن ماجه عن فاطمه بنت الحسین عن أبیها علیه الامام علی علیه السلام :به خدا سوگند که دنیای شما در نظر من نیست ، مگر به سان کاروانیانی که در آبگاهی فرود آمده باشند و ناگهان کاروان سالارشان بانگ کوچ برآورد و آنها بکوچند، و خوشی های آن در نگاه من نیست ، مگر چونان چرکابه جوشانی که بنوشم، یا حنظلی شرنگین که جرعه جرعه سر کشم، یا زهر ماری که کاسه کاسه به کامم ریخته شود، یا گردنبند آتشینی که به گردنم آویزند.

من ، این تن پوش خود را چندان پینه زده ام که دیگر از پینه دوز آن ، خجالت می کشم. او به من گفت: «این را همچون ماده الاغ ها به دور انداز» (1) و حاضر نشد که آن را وصله کند. بدو گفتم: از من دور شو، که در بامدادان، شیروانْ ستوده می شوند و رنج بی خوابی از ما زدوده می شود.2 / 15مطلّقه زیرکان561.الخصال بإسناده عن الحسین بن علیّ عن علیّ بن أبی طامام علی علیه السلام :من دنیا را سه طلاقه قطعی کرده ام که دیگر مرا بدان رجوعی نیست، و ریسمانش را بر دوش آن افکنده ام.562.تاریخ أصبهان بإسناده عن الحسین بن علیّ بن أبی طالمروج الذهب به نقل از ضرار بن ضَمْره ، در پاسخ به درخواست معاویه برای توصیف امام علی علیه السلام :از دنیا و زرق و برق آن ، گریزان بود و با شب و تاریکی آن ، انس داشت . گویا می بینم در حالی که شب ، پرده هایش را افکنده

و ستارگانش ناپدید شده اند ، او در محراب خویش محاسنش را به دست گرفته و چون مار گزیده به خود می پیچد و به سان مصیبت زده می گرید و می گوید:

«ای دنیا! غیر مرا بفریب. آیا خود را به من عرضه می کنی، یا که خویشتن را برایم می آرایی؟ مباد، مباد که آن روز برسد! من تو را سه طلاقه کرده ام ، که مرا در آن رجوعی نیست. عمر تو کوتاه است، و عیشت حقیر، و اهمّیتت ناچیز. آه از کمیِ توشه، و دوری سفر و تنهایی [در] راه.

.

1- .تشبیه به الاغ، از این جهت است که الاغ در خودداری از حمل بار ناهموار ، بیش از هر چارپای دیگری عکس العمل نشان می دهد و سعی می کند بارش را بر زمین بیندازد.

563.حليه الأولياء بإسناده عن الحسين بن علىّ بن أبى طاالأمالى عن الأَصبَغ بن نُباتَه :دَخَلَ ضِرارُ بنُ ضَمرَةَ النَّهشَلِى عَلى مُعاوِيَةَ بنِ أبى سُفيانَ ، فَقالَ لَهُ : صِف لى عَلِيّا ! قالَ : أوَتُعفينى ؟ فَقالَ : لا ، بَل صِفهُ لى . فَقالَ لَهُ ضِرار :

رَحِمَ اللّهُ عَلِيّا ، كانَ وَاللّهِ فينا كَأَحَدِنا ؛ يُدنينا إذا أتَيناهُ ، ويُجيبُنا إذا سَأَلناهُ ، ويُقَرِّبُنا إذا زُرناهُ ، لا يُغلَقُ لَهُ دونَنا بابٌ ، ولا يَحجُبُنا عَنهُ حاجِبٌ ، ونَحنُ وَاللّهِ مَعَ تَقريبِهِ لَنا وقُربِهِ مِنّا لا نُكَلِّمُهُ لِهَيبَتِهِ ، ولا نَبتَديهِ لِعَظَمَتِهِ ، فَإِذا تَبَسَّمَ فَعَن مِثلِ اللُّؤلُؤِ المَنظومِ .

فَقالَ مُعاوِيَه : زِدنى مِن صِفَتِهِ ، فَقالَ ضِرارٌ :

رَحِمَ اللّهُ عَلِيّا ، كانَ وَاللّهِ طَويلَ السُّهادِ (1) ، قَليلَ الرُّقادِ ، يَتلو كِتابَ اللّهِ آناءَ (2) اللَّيلِ وأطرافَ النَّهارِ ، ويَجودُ لِلّهِ بِمُهجَتِهِ (3) ، ويَبوءُ إلَيهِ بِعَبرَتِهِ ، لا تُغلَقُ لَهُ السُّتورُ ، ولا يَدَّخِرُ عَنَّا البُدورَ (4) ، ولا يَستَلينُ الاِتِّكاءَ ، ولا يَستَخشِنُ الجَفاءَ .

ولَو رَأَيتَهُ إذ مُثِّلَ فى مِحرابِهِ ، وقَد أرخَى اللَّيلُ سُدولَهُ ، وغارَت نُجومُهُ ، وهُوَ قابِضٌ عَلى لِحيَتِهِ يَتَمَلمَلُ تَمَلمُلَ السَّليمِ ويَبكى بُكاءَ الحَزينِ ، وهُوَ يَقولُ : يا دُنيا أَلى تَعَرَّضتِ ، أم إلَىَّ تَشَوَّقتِ ؟ هَيهاتَ هَيهات ! لا حاجَةَ لى فيكِ ، أبَنتُكِ ثَلاثا لا رَجعَةَ لى عَلَيكِ . ثُمَّ يَقولُ : واه واه لِبُعدِ السَّفَرِ وقِلَّةِ الزّادِ وخُشونَةِ الطَّريقِ !

فَبَكى مُعاوِيَه وقالَ : حَسبُكَ يا ضِرار ، كَذلِكَ كانَ وَاللّهِ عَلِى ، رَحِمَ اللّهُ أبَا الحَسَن . (5) .

1- .السُّهادُ : الأرق (الصحاح : ج 2 ص 492 «سهد») .
2- .آناء الليل : ساعاته (مفردات ألفاظ القرآن : ص 96 «أنا») .
3- .المُهجَه : الرُّوح (القاموس المحيط : ج 1 ص 208 «مهج») .
4- .البَدْرَه : كيسٌ فيه ألف أو عشره آلاف ، والجمع : البُدور (لسان العرب : ج 4 ص 49 «بدر») .
5- .الأمالى للصدوق : ص 724 ح 990 ، بحار الأنوار : ج 41 ص 14 ح 6 .

564.نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام :الأمالى صدوق به نقل از اصبغ بن نباته :ضرار بن ضَمره نَهشَلى بر معاويه بن ابى سفيان در آمد. معاويه به او گفت: على را برايم وصف كن!

ضرار گفت: مرا معاف بدار.

[معاويه] گفت: نمى دارم. او را برايم وصف كن!

ضرار گفت: رحمت خداوند بر على باد! به خدا سوگند كه او در ميان ما همچون يكى از ما بود. هر گاه به نزدش مى رفتيم ، ما را نزديک خود مى نشاند، و هر گاه از او چيزى مى پرسيديم ، پاسخمان مى داد، و هر گاه به ديدارش مى رفتيم ، ما را احترام مى نهاد. هرگز در خانه اش به روى ما بسته نمى شد، و هيچ دربانى نداشت كه ما را از ديدار او منع كند ؛ ليكن با وجود اين ارتباط نزديكى كه ميان ما با او بود، به خدا سوگند از هيبتى كه داشت ، با او سخن نمى گفتيم، و از شُكوهى كه داشت ، شروع [به گفتگو [نمى كرديم. هر گاه لبخند مى زد ، دندان هايش چون مرواريدهاى به رشته كشيده ، نمايان مى شد.

معاويه گفت: باز هم از اوصاف او برايم بگو!

ضرار گفت: رحمت خداوند بر على باد! به خدا سوگند كه او بيشتر شب را

به عبادت مى گذرانيد و كمتر مى خوابيد. در دل شب و هر بام و شام ، كتاب خدا را تلاوت مى كرد. به خاطر خدا جانبازى مى كرد، و به درگاه او اشک مى ريخت. پرده اى برايش افكنده نمى شد (و همواره مردم به او دسترس داشتند)، و هميان ها[ى درهم و دينار] را از ما پنهان نمى ساخت (همه بيت المال را ميان مردم تقسيم مى كرد). بر پشتىِ نرم تكيه نمى زد، و سختى ها[ى زندگى] را سخت به حساب نمى آورد.

كاش او را آن گاه كه شب ، پرده هايش را فرو افكنده بود و ستارگانش غروب كرده بودند ، مى ديدى كه در محرابش ايستاده و محاسن خويش را به دست گرفته است و چونان مارگزيده به خود مى پيچد و به سان مصيبت زده مى گريد و مى گويد: «اى دنيا ! آيا خود را به من عرضه مى كنى، يا آرزومند منى؟ هيهات ، هيهات! مرا به تو نيازى نيست. من تو را سه طلاقه

کرده ام و دیگر مرا به تو رجوعی نیست» و سپس می گوید: «آه، آه از درازی سفر، و کمی ره توشه، و ناهمواری راه».

در این هنگام، معاویه گریست و گفت: بس است ، ای ضرار! به خدا سوگند که علی همین گونه بود. خدا ابو الحسن را رحمت کناد ! .

ص: 350

راجع : ج 2 ص200 (طلِّقوا الدنيا ثلاثا) .

.

ص: 351

ر . ک : ج2 ص200 (دنیا را سه طلاقه کنید)

.

الفصل الثالث : التحذير من الدّنيا3 / 1التَّحذيرُ مِنَ الاِغتِرارِ بِالدُّنيا أ الدُّنيا خَضِرَهٌ حُلوَهٌ571.تاريخ اليعقوبى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِحذَرُوا الدُّنيا ؛ فَإِنَّها خَضِرَهٌ (1) حُلوَهٌ . (2)572.بغيه الطلب عن أحمد بن أبى القاسم عن أبيه :عنه صلى الله عليه و آله لِجرير :يا جَريرُ أسلِم تَسلَم ، يا جَرير أسلِم تَسلَم قالَها ثلاثا . . . يا جَريرُ اُحَذِّرُکَ الدُّنيا وحَلاوَهَ رَضاعِها ومَرارَهَ فِطامِها . (3)573.الاختصاص عن أبى جعفر عن علىّ بن الحسين عن الحسينعنه صلى الله عليه و آله :ألا إنَّ الدُّنيا حُلوَهٌ خَضِرَهٌ ، فَرُبَّ مُتَخَوِّضٍ فِى الدُّنيا مِن مالِ اللّهِ ورَسولِهِ لَيسَ لَهُ يَومَ القِيامَهِ إلاَّ النّارُ . (4) .

1- .خَضِرَه : أى غَضّه ناعمه طريّه (النهايه : ج 2 ص 41 «خضر») .
2- .الزهد لابن حنبل : ص 18 عن مصعب بن سعد ، كنز العمّال : ج 3 ص 182 ح 6066 .
3- .تاريخ المدينه : ج2 ص568 ، الفردوس : ج 5 ص 409 ح 8576 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 3 ص 731 ح 8601 ؛ نزهه الناظر : ص 34 ح 104 وفيهما ذيله من «إنّى اُحذّرک الدنيا . . .» .
4- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 76 ح 6932 عن حمنه بنت جحش ، كنز العمّال : ج 6 ص 509 ح 16760 .

3 / 1 بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا

الف دنیا خوش و شیرین است

فصل سوم: بر حذر داشتن از دنیا3 / 1بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیاالف دنیا خوش و شیرین است578.الأمالی عن یحیی بن أبی القاسم عن الصادق جعفر بن میپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از دنیا بر حذر باشید؛ چرا که دنیا خوش و شیرین است.579.الفتوح (بَعدَ ذِکرِ کِتابِ عُبَیدِ اللّهِ بنِ زِیادٍ إ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جریر :«ای جریر! اسلام بیاور تا به سلامت مانی ، اسلام بیاور تا به سلامت مانی» این را سه بار فرمود . « . . .ای جریر! تو را از دنیا و شیرینی شیر خوردن از آن (دستیابی به دنیا) و تلخی گرفته شدن از شیر آن ، بر حذر می دارم».580.تحف العقول عن الإمام الحسین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان! دنیا شیرین و خوش است . پس، ای بسا کسی که از مال خدا و پیامبر او خود را غرق دنیا می کند ، امّا در روز قیامت ، او را جز آتش نیست.

.

581.نظم درر السمطين عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الدُّنيا حُلوَةٌ خَضِرَةٌ ، فَمَن أصابَ مِنها شَيئا مِن حِلِّهِ فَذاكَ الَّذى يُبارَكُ لَهُ فيهِ ، وكَم مِن مُتَخَوِّضٍ فى مالِ اللّهِ ومالِ رَسولِهِ لَهُ النّارُ يَومَ القِيامَهِ . (1)582.نزهه الناظر :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الدُّنيا حُلوَةٌ خَضِرَةٌ ، وإنَّ اللّهَ مُستَخلِفُكُم فيها فَيَنظُرُ كَيفَ تَعمَلونَ ، فَاتَّقُوا الدُّنيا وَاتَّقُوا النِّساءَ . (2)583.المطالب العاليه عن الحسين بن علىّ عليه السلام عنعنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الدُّنيا حُلوَةٌ خَضِرَةٌ ، فَمَنِ اتَّقى فيها وأصلَحَ ، وإلاّ فَهُوَ كَالآكِلِ ولا يَشبَعُ ، فَبُعدُ النّاسِ كَبُعدِ الكَوكَبَينِ (3) ، أحَدُهُما يَطلُعُ مِنَ المَشرِقِ ، وَالآخَرُ يَغيبُ بِالمَغرِبِ . (4)584.تهذيب الكمال عن ابن عون عن الحسين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :لاَءَنَا فى فِتنَهِ السَّرّاءِ أخوَفُ عَلَيكُم مِن فِتنَهِ الضَّرّاءِ ، إنَّكُم قَدِ ابتُليتُم بِفِتنَهِ الضَّرّاءِ فَصَبَرتُم ، وإنَّ الدُّنيا خَضِرَةٌ حُلوَةٌ . (5)585.مكارم الأخلاق عن إسماعيل بن يسار :صحيح البخارى عن أبى سعيد الخُدرى :إنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله قامَ عَلَى المِنبَرِ ، فَقالَ : إنَّما

أخشى عَلَيكُم مِن بَعدى ما يُفتَحُ عَلَيكُم مِن بَرَكاتِ الأَرضِ . ثُمَّ ذَكَرَ زَهرَهَ الدُّنيا ، فَبَدَأَ بِإحداهُما وثَنّى بِالأُخرى ، فَقامَ رَجُلٌ فَقالَ : يا رَسولَ اللّه ، أوَ يَأتِى الخَيرُ بِالشَّرِّ؟ فَسَكَتَ عَنهُ النَّبِى صلى الله عليه و آله ، قُلنا : يوحى إلَيهِ ، وسَكَتَ النّاسُ كَأنَّ عَلى رُؤُوسِهِمُ الطَّيرَ ، ثُمَّ إنَّهُ مَسَحَ عَن وَجهِهِ الرُّحَضاءَ (6) ، فَقالَ :

أينَ السّائِلُ آنِفا ، أوَ خَيرٌ هُوَ؟ ! ثَلاثا إنَّ الخَيرَ لا يَأتى إلاّ بِالخَيرِ ، وإنَّهُ كُلُّ ما يُنبِتُ الرَّبيعُ ما يَقتُلُ حَبَطا (7) أو يُلِمُّ (8) ، إلاّ آكِلَهَ الخَضِرِ كُلَّما أكَلَت ، حَتّى إذَا امتَلاَءَت خاصِرَتاهَا استَقبَلَتِ الشَّمسَ ، فَثَلَطَت (9) وبالَت ثُمَّ رَتَعَت ، وإنَّ هذَا المالَ خَضِرَةٌ حُلوَةٌ ، ونِعمَ صاحِبُ المُسلِمِ لِمَنِ أخَذَهُ بِحَقِّهِ فَجَعَلَهُ فى سَبيلِ اللّهِ وَاليَتامى وَالمَساكينِ ، ومَن لَم يَأخُذهُ بِحَقِّهِ فَهُوَ كَالآكِلِ الَّذى لا يَشبَعُ ، ويَكونُ عَلَيهِ شَهيدا يَومَ القِيامَهِ . (10) .

1- .المعجم الكبير : ج 24 ص 341 ح 851 عن عمره بنت الحارث بن أبى ضرار ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 280 ح 10306 ، كنز العمّال : ج 3 ص 201 ح 6166 .
2- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2098 ح 99 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 483 ح 2191 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1325 ح 4000 ، مسند ابن حنبل : ج 4

ص 39 ح 11143 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 551 ح 8543 ، السنن الكبرى : ج 7 ص 147 ح 13523 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 278 ح 10301 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 3 ص 210 ح 6197 .
3- .أراد واللّٰهُ أعلم الكواكب التى جَعلها اللّه تعالى منازلَ للقمر ، كما قال : «وَ الْقَمَرَ قَدَّرْنَهُ مَنَازِلَ» وهى التى تسمّى : الأنواء ، فإنّ أحدهما لا يغيب فى المغرب غدوةً حتّى يطلع رقيبه فى المشرق غدوه ، فهما لا يلتقيان ولا يتقاربان ، فكذلک اختلاف أحوال أهل الدنيا فى حظوظهم ومكاسبهم لا يتقارب ؛ قاهرٌ ومقهورٌ ، ومحرومٌ ومرزوق ، ومُعافى ومبتلى ، وأشباه ذلک (أمثال الحديث للرامهرمزى : ص 53) .
4- .مسند أبى يعلى (طبعه دارالثقافه العربيّه) : ج 13 ص 15 ح 7099 عن ميمونه ، كنز العمّال : ج 3 ص 210 ح 6200 نقلاً عن الأسنده للرامهرمزى نحوه .
5- .مسند أبى يعلى : ج 1 ص 364 ح 776 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 280 ح 10308 ، مسند البزّار : ج 3 ص 367 ح 1168 وفيه «فى السرّاء» بدل «فى فتنه السرّاء» ، حليه الأولياء : ج 1 ص 93 وكلّها عن سعد بن أبى وقّاص ، كنز العمّال : ج 3 ص 257 ح 6431 .
6- .الرُّحَضَاء : هو عَرَق يغسل الجلد لكثرته (النهايه : ج 2 ص 208 «رحض») .
7- .حَبَطَ حَبْطا : هَدَرَ (المصباح المنير : ص 118 «حبط») .
8- .ما يُقتل حبطا أو يُلمّ : أى يقرب من ذلک (القاموس المحيط : ج 4 ص 177 «لمّ») .
9- .ثلط الثور والبعير والصبىّ : سلح رقيقا (القاموس المحيط : ج 2 ص 353 «ثلط») . والسَّلْح للطائر وغيره كالتغوّط من الإنسان (اُنظر المصباح المنير : ص 284 «سلح») .
10- .صحيح البخارى : ج 3 ص 1045 ح 2687 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 729 ح 123 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1323 ح 3995 ، سنن النسائى : ج 5 ص 90 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 16 ح 11035 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 281 ح 5710 كلّها نحوه .

586.الهدایه الکبری عن سیف بن عمیره التمّار عن أبی عبدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا شیرین و خوش است. پس ، هر که به چیزی از دنیا از راه حلال دست یابد، خداوند در آن به او برکت می دهد، و ای بسا تصرف کننده در مال خدا و مال پیامبر او که در روز قیامت برایش آتش است.587.تاریخ الطبری عن عقبه بن سمعان :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا شیرین و خوش است. خداوند ، شما را در آن جانشین قرار داده است تا ببیند که چگونه عمل می کنید. پس، از دنیا [زدگی] و زن [بارگی [پروا کنید.588.الفتوح :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا شیرین و خوش است. پس، هر که در آن تقوا پیشه کند و کار شایسته انجام دهد[، رستگار می گردد]، وگرنه همانند کسی خواهد بود که می خورد و سیر نمی شود. پس، دوری مردم [از دنیا و سیر شدن از آن ،] چون دوری دو ستاره ای است که یکی از شرق طلوع می کند و [در همان زمان ، [دیگری غروب می کند. (1)589.الفتوح :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من از آزمایش در رفاه ، برای شما بیشتر می ترسم تا آزمایش در سختی. شما به آزمایش در سختی آزموده شدید و صبر کردید ؛ امّا دنیا خوش و شیرین است.590.کنز الفوائد عن الإمام الحسین علیه السلام (أنَّهُ قالَ یَوما لِابنِ عَبّاسٍ) صحیح البخاری به نقل از ابو سعید خُدری :پیامبر خدا بر منبر ایستاد و فرمود: «ترس من برای شما بعد از رفتنم ، باز شدنِ درِ برکت های زمین به

روی شماست». سپس از ناز و نعمت های دنیا یاد کرد و یکی پس از دیگری ، آنها را برشمرد.

مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! آیا خیر (مال و ثروت دنیا) ، شر می آورد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله جوابش را نداد.

گفتیم: «به او وحی می شود» و مردم ، چنان آرام گرفتند که گویی پرنده روی سر آنان نشسته است (کوچک ترین تکانی نمی خوردند).

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس صورتش را که خیس عرق شده بود، با دست ، پاک کرد و سه بار فرمود: «کجاست آن پرسنده؟ آیا آن ، خیر است؟! خیر ، جز خیر نمی آورد. علف هایی که در بهار می رویند ، [خورنده

خویش را] می کُشند یا تا آستانه کُشته شدن می برند ، مگر آن حیوانی را که خاشاک بخورد. چنین حیوانی می خورد تا آن که معده اش پر می شود و سپس در آفتاب ، دراز می کشد و بعد ، ریقی می زند و ادراری می کند و دوباره می چرد. این مال و ثروت [دنیا [دل پذیر و شیرین است و برای مسلمانی که به اندازه حقّ خود از آن برگیرد و آن را در راه خدا و برای یتیمان و مستمندان خرج کند ، نیکو رفیقی است ؛ امّا کسی که بیش از حقّش از آن برگیرد ، همانند خورنده ای سیری ناپذیر است، و آن مال [که به ناحق برداشته شده ،] در روز قیامت ، علیه او گواهی می دهد». .

1- .مراد پیامبر صلی الله علیه و آله از «دوری دو ستاره...» البتّه خدا داناتر است ستاره هایی هستند که [در بیست و هشت شب هر ماه ،] منزلگاه های ماه اند و«انواء» نام گرفته اند ، همان گونه که خداوند فرموده است: «برای ماه ، منزلگاه هایی مقدّر کردیم» (یس : آیه 39) . هر یکی از آن دو ستاره ، صبحگاهان غروب نمی کند ، مگر این که ستاره دیگر در مشرق طلوع کند. این دو ، نه به همدیگر می رسند و نه به یکدیگر نزدیک می شوند. چنین است اختلاف احوال اهل دنیا در برخورداری و درآمدهایشان ، که به هم نزدیک نمی شوند ؛ اختلاف میان زیر سلطه و مسلّط، برخوردار و محروم، در آسایش و گرفتار ، و مانند اینها .

591.الأمالی بإسناده عن سیّد الشهداء الحسین بن علیّ بنالإمام الباقر علیه السلام :إنَّ أمیرَ المُؤمِنینَ علیه السلام لَمَّا انقَضَتِ القِصَّهُ فیما بَینَهُ وبَینَ طَلحَه وَالزُّبَیر وعائِشَه بِالبَصرَه ، صَعِدَ المِنبَرَ فَحَمِدَ اللّهَ وأثنی عَلَیهِ وصَلّی عَلی رَسولِ اللّه صلی الله علیه و آله ، ثُمَّ قالَ :

یا أیُّهَا النّاسُ ، إنَّ الدُّنیا حُلوَهٌ خَضِرَهٌ ، تَفتِنُ النّاسَ بِالشَّهَواتِ وتُزَیِّنُ لَهُم بِعاجِلِها ... . (1) .

1- .الکافی : ج 8 ص 256 ح 368 عن سلام بن المستنیر ، بحار الأنوار : ج 32 ص 233 ح 186 .

592.تاریخ أصبهان عن فاطمه بنت الحسین عن أبیها الحسینامام باقر علیه السلام :امیر مؤمنان علیه السلام پس از آن که ماجرای میان او و میان طلحه و زبیر و عایشه در بصره [در جنگ جمل] خاتمه یافت ، بر منبر رفت و حمد و ثنای الهی گفت و بر پیامبر خدا درود فرستاد . آن گاه فرمود: «ای مردم! دنیا شیرین و خوش است. مردم را با خواست ها[ی دنیوی [می فریبد، و ظاهر خویش را برای آنان می آراید. .

593.دعائم الإسلام :الكافى عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللّهُ بِهِ عيسى عليه السلام . . . : يا عيسى ، إنَّ الدُّنيا حُلوَةٌ ، وإنَّمَا استَعمَلتُکَ فيها ، فَجانِب مِنها ما حَذَّرتُکَ ، وخُذ مِنها ما أعطَيتُکَ عَفوا (1) .

(2)ب الدُّنيا سَحّارَةٌ595.الفردوس عن الحسين بن علىّ عليه السلام عن رسول اللرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِحذَرُوا الدُّنيا ؛ فَإِنَّها أسحَرُ مِن هاروتَ وماروتَ . (3)596.أعلام الدين عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :قالَ أخى عيسى عليه السلام : مَعاشِرَ الحَوارِيّين ، احذَرُوا الدُّنيا لا تَسحَرکُم ، لَهِىَ وَاللّهِ أشَدُّ سِحرا مِن هاروت وماروت ، وَاعلَموا أنَّ الدُّنيا مُدبِرَةٌ وَالآخِرَةَ مُقبِلَةٌ ، وإنَّ لِکُلِّ واحِدٍ مِنهُما بَنينَ ، فَکونوا مِن أبناءِ الآخِرَهِ دونَ بَنِى الدُّنيا ؛ فَإِنَّ اليَومَ عَمَلٌ ولا حِسابَ ، وغَدا الحِسابُ ولا عَمَلَ . (4)ج الدُّنيا شَبَکَهُ الشَّيطانِ598.تحف العقول :الإمام علىّ عليه السلام :اِحذَرِ الدُّنيا ؛ فَإِنَّها شَبَکَهُ الشَّيطانِ ومَفسَدَهُ الإِيمانِ . (5) .

1- .العَفوُ : أحلُّ المال وأطيبُه ، وخيارُ الشىء وأجودُه ، والفضلُ والمعروف (القاموس المحيط : ج 4 ص 364 «عفو») .

2- .الكافى : ج 8 ص 131 140 ح 103 ، تحف العقول : ص 500 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، الأمالى للصدوق : ص 613 ح 842 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام بزياده «لتطيعنى» بعد «فيها» ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 145 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 298 ح 14 .

3- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 339 ح 10504 ، ذمّ الدنيا لابن أبى الدنيا : ص 54 ح 132 كلاهما عن أبى الدرداء الرهاوى ، نوادر الأُصول : ج 1 ص 75 ، تفسير القرطبى : ج 2 ص 53 كلاهما عن عبد اللّه بن بشر [بسر]المازنى وفيهما «اتّقوا الدنيا ، فوالذى نفسى بيده إنّها لأسحر» ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 301 ، كنز العمّال : ج 3 ص 182 ح 6065 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 .

4- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 244 نقلاً عن الخطيب عن ابن عمر .

5- .غرر الحكم : ح 2608 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 104 ح 2340 .

ب دنیا افسونگر است

ج دنیا، دام شیطان است

599.نثر الدرّ عن الإمام الحسین علیه السلام :الکافی به نقل از علی بن اسباط ، از ائمّه علیهم السلام : از پندهای خداوند به عیسی آن بود که: «... ای عیسی ! دنیا شیرین است، و من تو را در آن به کار گرفته ام . پس، دنیا از آنچه تو را بر حذر داشته ام ، دوری کن، و در آن آنچه را که از روی بخشش عطایت کرده ام ، برگیر (1) ».ب دنیا افسونگر است601.تحف العقول :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از دنیا حذر کنید؛ چرا که از هاروت و ماروت (2) هم افسونگرتر است.602.المناقب والمثالب عن الحسین بن علیّ علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برادرم عیسی علیه السلام گفت: «ای گروه حواریان ! به هوش باشید که دنیا شما را افسون نکند. به خدا سوگند که دنیا افسونگرتر از هاروت و ماروت است. بدانید که دنیا رفتنی است و آخرت ، آمدنی، و برای هر یک از آن دو ، فرزندانی است. پس شما از فرزندان آخرت باشید ، نه فرزندان دنیا؛ زیرا امروز ، روز عمل است نه حساب، و فردا روز حسابرسی است نه عمل».ج دنیا، دام شیطان است604.عیون أخبار الرضا بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه االمام علی علیه السلام :از دنیا بر حذر باش؛ چرا که دام شیطان و تباه کننده ایمان است.

.

1- .یا: از آنچه از دنیا عطایت کرده ام ، پاک ترین و حلال ترین آن را برگیر.
2- .مشهور ، این است که هاروت و ماروت : دو فرشته بوده اند که به مردم بابل ، سحر می آموخته اند تا سحر ساحرانی را که می کوشیدند با سحر زندگی مردم را مختل سازند، باطل نمایند. از ظاهر آیه 102 سوره بقره نیز همین استفاده می شود . (م)

د الدُّنيا غَدّارَهٌ غَرّارَهٌ مَكّارَهٌ خَدّاعَهٌ606.مكارم الأخلاق بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه السلام عليه السلام :اِحذَرُوا الدُّنيا ؛ فَإِنَّها غَدّارَهٌ غَرّارَهٌ خَدوعٌ ، مُعطِيَهٌ مَنوعٌ ، ومُلبِسَهٌ نَزوعٌ . (1)607.المعجم الكبير عن بشر بن غالب عن الإمام الحسين عليعنه عليه السلام :اِحذَروا هذِهِ الدُّنيَا الخَدّاعَهَ الغَرّارَهَ ، الَّتى قَد تزَيَّنَت بِحُلِيِّها ، وفَتَنَت بِغُرورِها ، وغَرَّت بِآمالِها ، وتَشَوَّفَت لِخُطّابِها ، فَأصبَحَت كَالعَروسِ المَجلُوَّهِ ، وَالعُيونُ إلَيها ناظِرَهٌ ، وَالنُّفوسُ بِها مَشغوفَهٌ ، وَالقُلوبُ إلَيها تائِقَهٌ ، وهِىَ لِاَزواجِها كُلِّهِم قاتِلَهٌ ، فَلاَ الباقى بِالماضى مُعتَبِرٌ ، ولاَ الآخِرُ بِسوءِ أثَرِها عَلَى الأوَّلِ مُزدَجِرٌ ، ولاَ اللَّبيبُ (2) فيها بِالتَّجارِبِ مُنتَفِعٌ . (3)608.المحاسن عن بشير بن غالب :عنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا خَدّاعَهٌ صَرّاعَهٌ ، مَكّارَهٌ غَرّارَهٌ سَحّارَهٌ ، أنهارُها لامِعَهٌ ، وثَمَراتُها يانِعَهٌ ، ظاهِرُها سُرورٌ ، وباطِنُها غُرورٌ ، تَأكُلُكُم بِأضراسِ المَنايا ، وتُبيرُكُم (4) بِإِتلافِ الرَّزايا ، لَهُم بِها أولادُ المَوتِ ، وآثَروا زينَتَها فَطَلَبوا رُتبَتَها ... .

دارَت عَلَيكُم بِصُروفِها ، ورَمَتكُم بِسِهامِ حُتوفِها (5) ، فَهِىَ تَنزِعُ أرواحَكُم نَزعا ، وأنتُم تَجمَعونَ لَها جَمعا ، لِلمَوتِ تولَدونَ ، وإلَى القُبورِ تُنقَلونَ ، وعَلَى التُّرابِ تُنَوَّمونَ ، وإلَى الدّودِ تُسَلَّمونَ ، وإلَى الحِسابِ تُبعَثونَ . (6)609.المحاسن عن سدير :عنه عليه السلام :مَن راقَهُ زِبرِجُ (7) الدُّنيا مَلَكَتهُ الخُدَعُ . (8) .

1- .نهج البلاغه : الخطبه 230 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 83 ح 46 .
2- .اللَّبِيبُ : العاقِلُ (الصحاح : ج 1 ص 216 «لبب») .
3- .دستور معالم الحكم : ص 37 ؛ بحار الأنوار : ج 73 ص 108 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
4- .المُبِير : أى المهلك ، يُسرف فى إهلاك الناس (النهايه : ج 1 ص 161 «بور») .
5- .الحَتف : الموت ، والجمع حُتوف (الصحاح : ج 4 ص 1340 «حتف») .
6- .الأمالى للطوسى : ص 652 ح 1353 عن شريح القاضى ، بحار الأنوار : ج 77 ص 371 ح 35 .
7- .الزِبرِجُ : الزينهُ من وَشيٍ أو جوهر أو نحو ذلک (الصحاح : ج 1 ص 318 «زبرج») .
8- .غرر الحكم : ح 8170 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 443 ح 7763 .

د دنیا خیانت پیشه، فریبنده، نیرنگباز و حیله گر است

د دنیا خیانت پیشه، فریبنده، نیرنگباز و حیله گر است611.تحف العقول :امام علی علیه السلام :از دنیا حذر کنید؛ (چرا که خیانتکار ، فریبنده ، حیله گر، عطاکننده و دریغ ورزنده، و پوشاننده و برهنه کننده است.612.الجعفریّات بإسناده عن علیّ بن الحسین عن أبیه علیهامام علی علیه السلام :از این دنیای حیله گر فریبنده ، بر حذر باشید؛ دنیایی که خویشتن را با زیورهایش آراسته، و با فریبایی اش مفتون می سازد، و با آرزوهایش می فریبد، و برای خواستگارانش خودآرایی می کند، و همچون عروس نقاب برکشیده ای شده است که چشم ها بدو خیره گشته، و جان ها شیدایش شده، و دل ها شیفته اش گردیده اند ، و در حالی که او قاتل همه شوهران خویش است ، نه شوهران آینده از شوهران گذشته عبرت می گیرند، و نه بدرفتاری او با اوّلی ، عامل بازدارنده آخری است، و نه خردمند از این تجربه ها سود می برد.613.تاریخ دمشق عن عبد الرحمن بن کثیر عن جعفر بن محمّدامام علی علیه السلام :دنیا، حیله گر است و به خاک افکن و نیرنگباز و فریبنده و افسونگر. جویبارهایش درخشان، و میوه هایش رسیده اند و ظاهرش خوش ، و باطنش پوچ است. با دندان های مرگ ، شما را می خورد، و با بلاهای ویرانگرش نابودتان می کند. مردم در دنیا برای مرگ ، زاده می شوند، با این حال ، زینت دنیا را برگزیدند و جاه آن را طلبیدند.

نادان مردی است آن مرد که شیفته لذّت های دنیا شد، و به شادی آن دل خوش کرد، و از خیانت آن آسوده خاطر گشت. دنیا با مصیبت هایش شما را در میان گرفته، و با تیرهای مرگش شما را نشانه رفته است. او پیوسته جان های شما را می ستاند و شما پیوسته برای او [ثروت] گرد می آورید. برای مرگ ، زاده می شوید، و به سوی گورها می برندتان، و در بستر خاک می خوابانندتان، و به دست کِرم ها می سپارندتان، و برای حسابرسی برانگیخته خواهید شد.614.تحف العقول عن الإمام الحسین علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر که زیور دنیا ، او را خوش آید، فریب ها [ی دنیا اختیاردار او خواهند گشت].

.

615.نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام :بحار الأنوار فى ذِكرِ صُحُفِ إدريسَ عليه السلام :الصَّحيفَةُ الثّانِيَةُ وَالعِشرونَ «صَحيفَةُ الدُّنيا» : تَفَكَّروا فى هذِهِ الدُّنيَا الَّتى تَفتِنُ بِزِبرِجِ زَخارِفِها ، وتَخدَعُ بِحَلاوَةِ تَصاريفِها، ولَذّاتُها شَبيهَةٌ بِنَورِ (1) الوَردِ المَحفوفِ بِالشَّوكِ الكَثيرِ ، فَهُوَ مادامَ زاهِرا يَروقُ العُيونَ ويَسُرُّ النُّفوسَ ، وهُوَ مَعَ ذلِكَ مُمتَنِعٌ بِالشَّوكِ المُقَرِّحِ يَدَ مُتَناوِلِهِ ، فَإذا مَضَت ساعاتٌ قَليلَةٌ ، اِنتَثَرَ الزَّهرُ وبَقِىَ الشَّوكُ ، كَذلِكَ الدُّنيَا الخائِنَةُ الفانِيَةُ ، فَإنَّ حَياتَها مُتَعَقَّبٌ بِالمَوتِ ، وشَبابَها صائِرٌ إلَى الهَرَمِ ، وصِحَّتَها مَحفوفَةٌ بِالمَرَضِ ، وغِناها مَتبوعٌ بِالفَقرِ ، ومُلكَها مَعرَضٌ لِلزَّوالِ ، وعِزَّها مَقرونٌ بِالذُّلِّ ، ولَذّاتِها مُكَدَّرَةٌ بِالشَّوائِبِ (2) ، وشَهَواتِها مُمتَزِجَةٌ بِمَضَضِ النَّوائِبِ ، شَرُّها مَحضٌ ، وخَيرُها مُمتَزِجٌ ، مَن حُبِىَ (3) مِنها بِشَىءٍ مِن شَهَواتِها لَم يَخلُ مِن غُصَصِ مَراراتِها ، وخَوفِ عُقوباتِها ، وخَشيَةِ تَبِعاتِها ، وما يَعرِضُ فِى الحالِ مِن آفاتِها .

هذِهِ حالٌ فازَ مَن سَعِدَ بِها ، فَما تَقولُ فيمَن لَم يَحظَ بِطائِلٍ مِنهَا ! الصَّحيحُ فيها يَخافُ السُّقمَ ، وَالغَنِىُّ يَخشَى الفَقرَ ، وَالشّابُّ يَتَوَقَّعُ الهَرَمَ ، وَالحَىُّ يَنتَظِرُ المَوتَ ، مَنِ اعتَمَدَ عَلَيها وَاستَنامَ إلَيها كانَ مِثلَ المُستَنِدِ إلى جَبَلٍ شاهِقٍ مِنَ الثَّلجِ ؛ يَعظُمُ فِى العُيونِ عَرضُهُ وطولُهُ وسَمكُهُ ، فَإذا أشرَقَت شَمسُ الصَّيفِ عَلَيهِ ذابَ غَفلَةً وسالَ ، وبَقِىَ المُستَنِدُ إلَيهِ وَالمُستَذرى (4) لَهُ بِالعَراءِ ، فَكَذلِكَ مَصيرُ هذِهِ الدُّنيا إلى زَوالٍ وَاضمِحلالٍ ، وَانتِقالٍ إلى دارٍ غَيرِها ، لا يُقبَلُ فيها إلاَّ الإيمانُ ، ولا يَنفَعُ فيها إلاَّ العَمَلُ الصّالِحُ ، ولا يُتَخَلَّصُ فيها إلاّ بِرَحمَةِ اللّهِ ، مَن

هَلَكَ فيها هَوى ، ومَن فازَ فيها عَلا ، وهِىَ مُختَلِفَةٌ دائِمَةٌ . (5) .

1- .النَّورُ : زهر النبت (المصباح المنير : ص 629 «نور») .
2- .الشوائب : الأقذار والأدناس (الصحاح : ج 1 ص 159 «شوب») .
3- .حباه يحبوه : أى أعطاه (الصحاح : ج 6 ص 2308 «حبا») .
4- .استذْريتُ بفلان : أى التجأتُ إليه وصرتُ فى كنفه (الصحاح : ج 6 ص 2345 «ذرا») .
5- .بحار الأنوار : ج 95 ص 468 .

616.المعجم الكبير عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها الحسينبحار الأنوار در یادکرد صُحُف ادریس علیه السلام :صحیفه بیست و دوم ، «صحیفه دنیا»ست: اندیشه کنید درباره این دنیایی که با زیورهایش مفتون می سازد، و با شیرین کاری هایش می فریبد، و لذّت هایش به غنچه گُلی می ماند که خار بسیار ، آن را در میان گرفته است. چنین گُلی ، تا زمانی که شاداب است ، چشم نواز و جان افزاست، و با این حال، در میان خارهایی است که دستِ چیننده اش را زخم می کنند. و چون اندک ساعاتی بگذرد، گل ، پرپر می شود و خار می ماند.

دنیای خیانت پیشه ناپایدار نیز چنین است . زندگی اش مرگ در پی دارد، جوانی اش به پیری می انجامد، سلامتش با بیماری ، در میان گرفته شده است، دارایی اش ناداری در پی دارد، مُلکش در معرض زوال است، عزّتش با ذلّت همراه است، خوشی هایش با ناخالصی ها آمیخته است، خواهش هایش آمیخته با رنج بلاهاست، بدی هایش خالص است، و خوبی هایش آمیخته . هر که چیزی از خواهش های دنیوی به وی داده شود ، از اندوه تلخی های آن و ترس ازکیفرهای آن و بیم پیامدهایش، و آفاتی که در حالْ دامنگیرش می شود، برکنار نیست.

این ، حال کسی است که از آن برخوردار شده است. حال ، درباره کسی که بهره ای از آن نبرده است ، چه می گویی؟ تن درست ، در دنیا از بیماری می ترسد، دارا از نادار شدن می هراسد، جوان ، نگران پیری است، و زنده ، چشم به راه مرگ است. هر که به دنیا تکیه کند و بدان دل خوش نماید ، چونان کسی است که به کوه بلندی از یخ و برف ، تکیه کرده است. پهنا و درازا و ستبری چنین کوهی ، به چشم ، بزرگ می آید ؛ امّا چون آفتاب تموز بر آن بتابد ، به ناگاه آب می شود و روان می گردد، و آن که بدان تکیه کرده و در پناهش در آمده است ، بی پشت و پناه می ماند. حالِ این دنیا نیز چنین است: حرکت به سوی زوال و فروپاشی، و منتقل شدن به سرایی دیگر که در آن جا ،

تنها ایمان پذیرفته می شود، و فقط کار نیک سود می بخشد، و تنها با رحمت خدا نجات می توان یافت. هر که در این سرایْ بازنده شود ، [به دوزخ [سقوط می کند، و هر که برنده شود ، [به درجات عالی بهشت] بالا می رود. .

ه الدُّنيا عَدُوَّهُ أولِياءِ اللّهِ وأعدائِهِ618.تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام (لِرَجُلٍ اغتابَ عِندَهُ رَجُلاً) الإمام علىّ عليه السلام :اِحذَرُوا الدُّنيا ؛ فَإنَّها عَدُوَّهُ أولِياءِ اللّهِ وعَدُوَّهُ أعدائِهِ ، أمّا أولِياؤُهُ فَغَمَّتهُم ، وأمّا أعداؤُهُ فَغَرَّتهُم . (1)و اِحذَرُوا الدُّنيَا الحَذَرَ كُلَّهُ620.المناقب والمثالب عن الحسين بن علىّ عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :اِحذَرُوا الدُّنيَا الحَذَرَ كُلَّهُ ، وضَعوا عَنكُم ثِقَلَ هُمومِها لِما تَيَقَّنتُم لِوَشكِ زَوالِها ، وكونوا أسَرَّ ما تَكونونَ فيها أحذَرَ ما تَكونونَ لَها ، فَإنَّ طالِبَها كُلَّمَا اطمَأنَّ مِنها إلى سُرورٍ أشخَصَهُ عَنها مَكروهٌ ، وكُلَّمَا اغتَبَطَ مِنها بِإقبالٍ نَغَّصَهُ (2) عَنها إدبارٌ ، وكُلَّما ثَبَتَت عَلَيهِ مِنها رِجلاً (3) طَوَت عَنهُ كَشحا (4) ، فَالسّارُّ فيها غارٌّ ، وَالنّافِعُ فيها ضارٌّ ، وُصِلَ رَخاؤُها بِالبَلاءِ ، وجُعِلَ بَقاؤُها إلَى الفَناءِ ، فَرَحُها مَشوبٌ بِالحُزنِ ، وآخِرُ هُمومِها إلَى الوَهنِ . (5)621.دلائل الإمامه بإسناده عن الحسين عليه السلام عن أعنه عليه السلام :اِحذَروها حَذَرَ الشَّفيقِ النّاصِحِ ، وَالمُجِدِّ الكادِحِ . (6)622.نثر الدرّ :عنه عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى : . . . يا أحمَد ، احذَر أن تَكونَ مِثلَ الصَّبِيِّ إذا نَظَرَ إلَى الأخضَرِ وَالأصفَرِ [أحَبَّهُ] (7) ، وإذا اُعطِيَ شَيئا

مِنَ الحُلوِ وَالحامِضِ اغتَرَّ بِهِ . (8) .

1- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 115 .
2- .نَغَّصَه : كَدّرَهُ (القاموس المحيط : ج 2 ص 321 «نغص») .
3- .كذا فى المصدر والصحيح «كلما ثبتت عليها منه رجلٌ» .
4- .طوى فلان عنّى كشحه : إذا قطعك وعاداك (الصحاح : ج 1 ص 399 «كشح») .
5- .بحار الأنوار : ج 73 ص 109 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 161 .
7- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
8- .إرشاد القلوب : ص 199 200 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 22 ح 6 .

ه دنیا، دشمن دوستان و دشمنان خداست

و از دنیا کاملاً بر حذر باشید

ه دنیا، دشمن دوستان و دشمنان خداست624.نثر الدرّ عن الإمام الحسین علیه السلام :امام علی علیه السلام :از دنیا بر حذر باشید؛ چرا که هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنان او . دشمن دوستان اوست ؛ چون غمگینشان می سازد، و دشمن دشمنان اوست ؛ چون فریبشان می دهد.و از دنیا کاملاً بر حذر باشید626.معانی الأخبار عن شریح بن هانی ء عن الحسین علیه ال (لَمّا سَأَلَهُ أبوهُ عَنِ الفَقرِ) امام علی علیه السلام :از دنیا کاملاً بر حذر باشید و بار اندوه های آن را از دوش خویش بردارید؛ چون یقین دارید که به زودی از شما جدا می شود، و آن گاه که بیش از هر زمان دیگر در دنیا شادید، بیش از همیشه از آن بر حذر باشید؛ چرا که طالبِ دنیا هر گاه به شادی ای از آن دل گرم شود ، پیشامدی ناگوار ، او را از آن شادی خارج می سازند، و هر گاه با اقبالی از دنیا شادمان شود، ادباری از آن ، شادیِ او را به کامش تلخ می گرداند، و هر گاه دنیا گامی برای او بردارد ، گامی به او پشت می کند. پس، شادکننده دنیا فریبنده است، و سودمندِ آن ، زیانمند. آسایشش به گرفتاری پیوسته است، بودنش به نابودی واگذار شده است ، شادی اش با اندوه ، آمیخته است، و غم هایش به ناتوانی می انجامد.627.الخصال بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :از دنیا حذر کنید ، همچون حذر کردن دلسوز خیرخواه، و کوشای رنجبر.628.الکافی عن أبی حمزه الثمالی عن أبی جعفر علیه السلاامام علی علیه السلام در یادکرد معراج پیامبر صلی الله علیه و آله :خدای متعال فرمود: «... ای احمد ! بپرهیز از این که چون کودک باشی که هر گاه چشمش به سبز و زردی (چیزی رنگارنگ) می افتد[، آن را می خواهد]، و هر گاه شیرینی و ترشی به او داده

می شود، فریب می خورد». (1)

.

1- .واژه های میان قلاّب را از بحار الأنوار افزوده ایم.

ز اِتَّقوا غُرورَ الدُّنيا630.الفردوس عن الحسين بن علىّ عليه السلام عن رسول اللالإمام علىّ عليه السلام :اِتَّقوا غُرورَ الدُّنيا ؛ فَإِنَّها تَسترجِعُ أبدا ما خَدَعَت بِهِ مِنَ المَحاسِنِ ، وتُزعِجُ (1) المُطمَئِنَّ إلَيها وَالقاطِنَ (2) . (3)631.المناقب عن إسماعيل بن رجاء وعمرو بن شعيب :عنه عليه السلام :فَلا تَغُرَّنَّكُمُ الحَياهُ الدُّنيا ، فَإِنَّما أنتُم فيها سَفرٌ حُلولٌ ، المَوتُ بِكُم نُزولٌ ، تَنتَضِلُ (4) فيكُم مَناياهُ ، وتَمضى بِأخبارِكُم مَطاياهُ ، إلى دارِ الثَّوابِ وَالعِقابِ وَالجَزاءِ وَالحِسابِ . (5)632.شرح الأخبار عن رجاء :عنه عليه السلام :لا يَغُرَّنَّكُم كَثرَهُ ما يُعجِبُكُم فيها ، لِقِلَّهِ ما يَصحَبُكُم منها . (6)633.نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام :لا يَغُرَّنَّكُم ما أصبَحَ فيهِ أهلُ الغُرورِ ، فَإِنَّما هُوَ ظِلٌّ مَمدودٌ إلى أجَلٍ مَعدودٍ . (7)634.المعجم الكبير عن يحيى بن سعيد عن علىّ بن الحسين عنه عليه السلام :عِبادَ اللّهِ ، لا تَغُرَّنَّكُمُ الحَياهُ الدُّنيا ، فَإِنَّها دارٌ بِالبَلاءِ مَحفوفَهٌ ، وبِالفَناءِ مَعروفَهٌ ، وبِالغَدرِ مَوصوفَهٌ ، وكُلُّ مافيها إلى زَوالٍ ، وهِىَ بَينَ أهلِها دُوَلٌ وسِجالٌ (8) ، لَن يَسلَمَ مِن شَرِّها نُزّالُها ؛ بَينا أهلُها فى رَجاءٍ وسُرورٍ إذ هُم مِنها

فى بَلاءٍ وغُرورٍ .

العَيشُ فيها مَذمومٌ ، وَالرَّخاءُ فيها لا يَدومُ ، وإنَّما أهلُها فيها أغراضٌ مُستَهدَفَهٌ ، تَرميهِم بِسِهامِها ، وتَقضِمُهُم بِحِمامِها (9) . (10) .

1- .يقال : أزعَجتُ فلانا عن مَوضِعِهِ ؛ إذا أزَلتَهُ عنه (اُنظر المصباح المنير : ص253 «زعج») .
2- .قَطَن بالمكان : أقام به فهو قاطِن (المصباح المنير : ص 509 «قطن») .
3- .غرر الحكم : ح 2562 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 88 ح 2099 .
4- .يقال : انتَضَل القومُ وتناضَلوا : أى رمَوا للسَّبْق (النهايه : ج 5 ص 72 «نضل») .
5- .الكافى : ج 8 ص 172 ح 193 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 149 وفيه «ينتصل» و «بأخياركم» بدل «تنتضل» و «بأخباركم» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 348 ح 30 ؛ مطالب السؤول : ص 51 نحوه .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 103 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 118 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ ؛ مطالب السؤول : ص 51 .

7- .نهج البلاغه : الخطبه 89 .
8- .سِجَال : أى مرّه لنا ومرّه علينا (النهايه : ج 2 ص 344 «سجل») .
9- .الحِمامُ : قَدَرُ الموت (الصحاح : ج 5 ص 1906 «حمم») .
10- .تاريخ دمشق : ج 42 ص 500 عن عبد اللّه بن صالح العجلى عن أبيه ، تذكره الخواصّ : ص 123 ، المناقب للخوارزمى : ص 370 ح 389 كلاهما عن عبد اللّه بن صالح العجلى عن رجل من بنى شيبان ، دستور معالم الحكم : ص 36 نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 201 ح 44224 ؛ نهج البلاغه : الخطبه 226 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 117 ح 109 .

ز از فریب دنیا بترسید

ز از فریب دنیا بترسید636.تنبیه الخواطر عن الإمام الحسین علیه السلام :امام علی علیه السلام :از فریب دنیا بترسید زیرا دنیا همیشه آنچه را که فریبکارانه داده است ، پس می گیرد، و کسی را که آسوده خاطر در آن اقامت گزیده است ، می راند.637.منیه المرید عن الإمام الحسین علیه السلام (لِرَجُلٍ قالَ لَهُ : اِجلِس حَتّی نَتَناظَرَ فِ) امام علی علیه السلام :زنهار که زندگی دنیا ، شما را نفریبد! شما در دنیا مسافرانی هستید که اُتراق کرده اید . مرگ نیز در میان شما منزل گزیده است ؛ شما را آماج تیرهای خود کرده است، و مرکب های آن ، خبرهای شما را به سرای ثواب و عقاب و سزا و حساب می برند.638.کنز الفوائد عن الإمام الحسین علیه السلام (مِمّا قالَهُ یَوما لِابنِ عَبّاسٍ) امام علی علیه السلام :زنهار که جاذبه های فراوان دنیا شما را نفریبند ؛چرا که از دنیا ، اندکی (کفنی) با خود می برید!639.کشف الغمّه عن الإمام الحسین علیه السلام :امام علی علیه السلام :زنهار که برخورداری فریب خوردگان [دنیا] شما را نفریبد؛ زیرا آن همه، در حقیقت، سایه ای است که تا مدّتی محدود ادامه می یابد!640.الکافی عن محمّد بن علیّ بن جعفر عن الرضا علیه السامام علی علیه السلام :ای بندگان خدا! زنهار که زندگی دنیا شما را نفریبد . دنیا ، سرایی است که بلا از هر سو آن را در میان گرفته است، و به نابودی معروف است، و بی وفایی ، صفت آن است. هر آنچه در دنیاست ، رو به زوال است، و آن ، میان اهلش به نوبت می چرخد و هر روز به کام یکی است. ساکنانش هرگز از گزند او در امان نیستند ؛ گاه در امید و شادمانی به سر می برند و گاه در رنج و ناکامی.

زندگیِ آن ، نکوهیده [و نامطلوب] است، و آسایشش دوام ندارد. مردم دنیا ، در آن هدف های نشانه رفته ای هستند که دنیا تیرهایش را به سوی آنان می افکند، و با مرگ خُردشان می کند.

.

641.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ عن أمیر المؤمنیعنه علیه السلام :غُرورُ الدُّنیا یَصرَعُ . (1)642.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ عن علیّ علیهماعنه علیه السلام :مَنِ اغتَرَّ بِالدُّنیا اغتَرَّ بِالمُنی . (2)ح اِتَّقُوا الرَّغبَهَ فِی الدُّنیا644.کشف الریبه عن عبد اللّه بن سلیمان النوفلی عن جعفرالإمام علیّ علیه السلام :یا أسرَی الرَّغبَهِ أقصِروا ؛ فَإنَّ المُعَرِّجَ عَلَی الدُّنیا لا یَروعُهُ مِنها إلاّ صَریفُ (3) أنیابِ الحَدَثانِ (4) . (5)645.مستدرک الوسائل :عنه علیه السلام :إیّاکَ أن یَنزِلَ بِکَ المَوتُ وأنتَ آبِقٌ (6) مِن رَبِّکَ فی طَلَبِ الدُّنیا . (7)646.تنبیه الخواطر :عنه علیه السلام :إنَّکُم إن رَغِبتُم فِی الدُّنیا أفنَیتُم أعمارَکُم فیما لا تَبقَونَ لَهُ ولا یَبقی لَکُم . (8) .

1- .غرر الحکم : ح 6387 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 347 ح 5872 .
2- .غرر الحکم : ح 8351 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 455 ح 8206 .
3- .الصریف : صریر الباب ، و صریر ناب البعیر (تاج العروس : ج 12 ص 320 «صرف») .
4- .الحَدَثان من الدهر : نُوَبُه وما یحدث منه کحوادثه ، واحدُها حادِث (تاج العروس : ج 3 ص 190 «حدث») .
5- .نهج البلاغه : الحکمه 359 ، غرر الحکم : ح 10994 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 73 ح 27 .
6- .أبَقَ العبدُ : هَرَبَ (النهایه : ج 1 ص 15 «أبق») .
7- .نهج البلاغه : الکتاب 69 ، غرر الحکم : ح 2398 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 98 ح 2262 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 509 ح 707 .
8- .غرر الحکم : ح 3848 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 175 ح 3634 .

ح از دل بستگی به دنیا بپرهیزید

647.معانی الأخبار عن الحسین بن علیّ بن أبی طالب علیهمامام علی علیه السلام :فریب دنیا [آدمی را] به خاک می افکند.648.الخصال عن فاطمه بنت الحسین عن أبیها علیه السلام :امام علی علیه السلام :هر که فریب دنیا را بخورد ، فریب آرزوها را خورده است.ح از دل بستگی به دنیا بپرهیزید650.تحف العقول عن الإمام الحسین علیه السلام :امام علی علیه السلام :ای اسیران خواهش ها! کوتاه بیایید؛ زیرا دنیاگرایان را تنها غژ غژ نیش های [هیولای] مصائب روزگار ، از دنیا می ترساند.651.عیون أخبار الرضا بإسناده عن الحسین بن علیّ عن علیامام علی علیه السلام :مبادا مرگ ، در حالی به سراغت بیاید که تو از پروردگار خویش گریخته ای و در طلب دنیایی!652.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه السلام :امام علی علیه السلام :شما اگر دنیاخواهی پیشه کنید ، عمر خویش را در راه چیزی صرف کرده اید که نه شما برای آن می مانید و نه آن برای شما می ماند.

.

653.مكارم الأخلاق عن الحسين بن علىّ عليه السلام :عنه عليه السلام :الرَّغبَهُ فِى الدُّنيا توجِبُ المَقتَ (1) . (2)راجع : ج2 ص162 (الفصل الخامس : إرشادات لتحصيل الزهد) .

3 / 2التَّحذيرُ مِن لَذّاتِ الدُّنياأ لَذّاتُها آلامٌ658.طبّ الأئمّه بإسناده عن الحسين بن علىّ بن أبى طالبالإمام علىّ عليه السلام :صِحَّهُ الدُّنيا أسقامٌ ، ولَذّاتُها آلامٌ . (3)ب لَذّاتُها تَنغيصٌ660.المعجم الكبير عن بشر بن عبد اللّه الخثعمى عن محمّدالإمام علىّ عليه السلام :إنَّ الدُّنيا مَعكوسَهٌ مَنكوسَهٌ ، لَذّاتُها تَنغيصٌ ومَواهِبُها تَغصيصٌ (4) ، وعَيشُها عَناءٌ وبَقاؤُها فَناءٌ ، تَجمَحُ بِطالِبِها وتُردى راكِبَها ، وتَخونُ الواثِقَ بِها وتُزعِجُ المُطمَئِنَّ إلَيها ، وإنَّ جَمعَها إلَى انصِداعٍ ووَصلَها إلَى انقِطاعٍ . (5)ج عَذبُها أُجاجٌ662.عيون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه االإمام علىّ عليه السلام فى وَصفِ الدُّنيا :سُلطانُها دُوَلٌ (6) ، وعَيشُها رَنِقٌ (7) ، وعَذبُها أُجاجٌ (8) ، وحُلوُها صَبِرٌ (9) ، وغِذاؤُها سِمامٌ، وأسبابُها رِمامٌ، حَيُّها بِعَرَضِ مَوتٍ،

وصَحيحُها بِعَرَضِ سُقمٍ ، مُلكُها مَسلوبٌ ، وعَزيزُها مَغلوبٌ ، ومَوفورُها مَنكوبٌ ، وجارُها مَحروبٌ (10) . (11) .

1- .المَقْت : أشدّ البُغض (النهايه : ج 4 ص 346 «مقت») .
2- .غرر الحكم : ح 1201 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 19 ح 83 .
3- .غرر الحكم : ح 5811 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 303 ح 5400 .
4- .الغُصّه : ما غصّ به الإنسان من طعام أو غيظ (المصباح المنير : ص 448 «غصص») .
5- .غرر الحكم : ح 3661 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3225 .
6- .تَداوَلَ القومُ الشىء تَداوُلاً : هو حصولُه فى يدِ هذا تارةً وفى يدِ هذا أُخرى ، والاسم : الدُّوَلَه ، والجمع دُوَلٌ (المصباح المنير : ص 203 «دول») .
7- .عَيْشٌ رَنِق : أى كَدِرٌ (الصحاح : ج 4 ص 1485 «رنق») .
8- .الأُجاج : الماء الشديد الملوحه (النهايه : ج 1 ص 25 «أجج») .
9- .الصَّبِرْ بكسر الباء : الدواء المرّ (الصحاح : ج 2 ص 707 «صبر») .
10- .المَحرُوبُ : المسلوبُ المنهوبُ (النهايه : ج 1 ص 358 «حرب») .
11- .نهج البلاغه : الخطبه 111 ، تحف العقول : ص 181 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 114 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .

3 / 2 بر حذر داشتن از لذّت های دنیا

الف لذّت های دنیا رنج اند

ب لذّت های دنیا تیرگی آورند

ج گوارای دنیا ، شور است

663.المعجم الصغیر بإسناده عن الحسین بن علیّ عن علیّ بامام علی علیه السلام :دنیاخواهی ، موجب دشمنی می شود.ر . ک : ج2 ص163 (فصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد) .

3 / 2بر حذر داشتن از لذّت های دنیاالف لذّت های دنیا رنج اند668.دعائم الإسلام عن الإمام الحسین علیه السلام :امام علی علیه السلام :تن درستی دنیا ، بیماری است و لذّت هایش ، دردند.ب لذّت های دنیا تیرگی آورند670.کنز العمّال عن فاطمه بنت الحسین عن أبیها عن جدّهاامام علی علیه السلام :همانا دنیا وارونه و باژگونه است: خوشی هایش تیرگی می آورند و بخشش هایش اندوه می آورند (/ گلوگیرند) ، و زندگی اش رنج است و بقایش فنا. جوینده خود را بی اختیار می برد، و سوار خویش را به خاک هلاکت می افکند. به کسی که به او اعتماد کند ، خیانت می ورزد و کسی را که بدان آرام گیرد ، بی قرار (پریشان خاطر) می سازد. اتحاد آن ، به پراکندگی می انجامد و پیوندش ، به جدایی.ج گوارای دنیا ، شور است672.الفردوس عن الحسین بن علیّ علیه السلام عن رسول اللامام علی علیه السلام در توصیف دنیا :قدرتش نوبتی است، عیشش تیره است، گوارایش شور است، شیرینش تلخ است، غذایش زهر است، ریسمان هایش پوسیده است، زنده اش دست خوش مرگ است، سالمش در معرض بیماری

است ، دارایی اش از کف رفتنی است، قدرتمندش شکست خوردنی است ، ثروتمندش اسیر [رنج و گرفتاری] است، و پناهنده به آن ، تاراج شونده است.

د عِزُّها ذُلٌّ674.الأمالى بإسناده عن الإمام الشهيد الحسين بن علىّ عالإمام علىّ عليه السلام فى ذَمِّ الدُّنيا :عِزُّها ذُلٌّ ، وجِدُّها هَزلٌ ، وعُلُوُّها سُفلٌ . (1)675.النوادر بإسناده عن الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام :كَثرَةُ الدُّنيا قِلَّةٌ ، وعِزُّها ذِلَّةٌ ، وزَخارِفُها مُضِلَّةٌ ، ومَواهِبُها فِتنَةٌ . (2)676.الخصال بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه السلام :عنه عليه السلام :سُلطانُ الدُّنيا ذُلٌّ ، وعُلُوُّها سُفلٌ . (3)ه لَذَّتُها غُصَّةُ الآخِرَهِ678.الكافى عن أبى حمزه الثمالى عن أبى جعفر عليه السلاالإمام علىّ عليه السلام :مَا التَذَّ أحَدٌ مِنَ الدُّنيا لَذَّةً إلاّ كانَت لَهُ يَومَ القِيامَهِ غُصَّةٌ . (4)679.الكافى عن أبى حمزه عن أبى جَعفَرٍ عليه السلام :عنه عليه السلام :لِلمُستَحلى لَذَّةَ الدُّنيا غُصَّةٌ . (5)680.حليه الأولياء بإسناده عن الحسين بن علىّ عن علىّ عرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ أكثَرَ النّاسِ فِى الدُّنيا شِبَعا أكثَرُهُم جوعا يَومَ القِيامَهِ . (6) .

1- .نهج البلاغه : الخطبه 191 ، غرر الحكم : ح 3446 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 145 ح 3232 وص 150 ح 3294 .
2- .غرر الحكم : ح 7125 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 390 ح 6610 .
3- .غرر الحكم : ح 5570 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 283 ح 5095 .
4- .غرر الحكم : ح 9618 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 480 ح 8816 .
5- .غرر الحكم : ح 7333 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 404 ح 6823 ، مستدرک الوسائل : ج 11 ص 346 ح 13217 .
6- .عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 39 ح 113 عن داوود بن سليمان الفرّاء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى : ص 346 ح 715 عن سلمان ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 232 ح 130 عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام عن أبى جحيفه عنه صلى الله عليه و آله ، عدّه الداعى : ص 74 وليس فيه «فى الدنيا» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 99 ح 84 ؛ سنن الترمذى : ج 4 ص 649 ح 2478 عن ابن عمر ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1112 ح 3351 عن سلمان وفيهما «أطولهم» بدل «أكثرهم» ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 135 ح 7140 عن أبى جحيفه ، كنز العمّال : ج 3 ص 200 ح 6163 .

د عزّت دنیا ، خواری است

ه خوشی دنیا ، اندوه آخرت است

د عزّت دنیا ، خواری است682.الکافی عن الفضل بن أبی قرّه عن أبی عبد اللّه علیهامام علی علیه السلام در نکوهش دنیا :عزّتش خواری، و جدّی اش شوخی ، و بلندی اش پستی است.683.محاضرات الأدباء :امام علی علیه السلام :زیادِ دنیا اندک است، و عزّتش خواری، و زیورهایش گم راه کننده، ودِهِش هایش مایه گرفتاری.684.مقتل الحسین :امام علی علیه السلام :قدرت دنیا ، خواری است و بلندی اش ، پستی.ه خوشی دنیا ، اندوه آخرت است686.مستدرک الوسائل :امام علی علیه السلام :هیچ کس از دنیا لذّتی نمی چشد ، مگر آن که در روز قیامت ، مایه اندوه او می گردد (/ گلوگیر او می شود).687.کتاب من لا یحضره الفقیه بإسناده عن الحسین بن علیّ (لَمّا قیلَ لَهُ : کَیفَ أصبَحتَ یَابنَ رَسولِ ا) امام علی علیه السلام :آن که لذّت دنیا را شیرین یابد ، به اندوه گرفتار می آید.688.عیون أخبار الرضا بإسناده عن الحسین بن علیّ علیه اپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سیرترینِ مردم در دنیا، گرسنه ترینِ آنها در روز قیامت است.

.

689.الأمالى بإسناده عن الحسين عن أبيه على بن أبى طالبعنه صلى الله عليه و آله :ألا يا رُبَّ نَفسٍ طاعِمَةٍ ناعِمَةٍ فِى الدُّنيا ، جائِعَةٍ عارِيَةٍ يَومَ القِيامَةِ . (1)690.بحار الأنوار :عيسى عليه السلام لِلحَوارِيّين :بِقَدرِ ما تَنصَبونَ (2) هاهُنا تَستَريحونَ هاهُنا ، وبِقَدرِ ما تَستَريحونَ هاهُنا تَنصَبونَ هاهُنا . (3)و حَلاوَتُها مَرارَةُ الآخِرَةِ692.كشف الغمّه عن أبى جعفر محمّد بن علىّ عن أبيه عن جرسول اللّه صلى الله عليه و آله :حُلوَةُ الدُّنيا مُرَّةُ الآخِرَةِ ، ومُرَّةُ الدُّنيا حُلوَةُ الآخِرَةِ . (4)693.تاريخ بغداد بإسناده عن الحسين عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :مَرارَةُ الدُّنيا حَلاوَةُ الآخِرَةِ ، وحَلاوَةُ الدُّنيا مَرارَةُ الآخِرَةِ . (5)694.الخصال بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه السلام :عنه عليه السلام :حَلاوَةُ الدُّنيا توجِبُ مَرارَةَ الآخِرَةِ وسوءَ العُقبى . (6)695.طبّ الأئمّه بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه السلامعيسى عليه السلام لِلحَوارِيّين :يا مَعشَرَ الحَوارِيّين ، كُلوا خُبزَ الشَّعيرِ ونَباتَ الأَرضِ وَالماءَ القَراحَ (7) ، وإيّاكُم وخُبزَ البُرِّ (8) ؛ فَإِنَّكُم لا تَقومونَ بِشُكرِهِ ، وَاعلَموا أنَّ

حَلاوَةَ الدُّنيا مَرارَةُ الآخِرَةِ ، وأشَدَّ مَرارَةِ الدُّنيا حَلاوَةُ الآخِرَةِ . (9) .

1- .شُعب الإيمان : ج 2 ص 170 ح 1461 ، الطبقات الكبرى : ج 7 ص 423 كلاهما عن أبى البجير ، مسند الشهاب : ج 2 ص 308 ح 1423 عن ابن البجير ، كنز العمّال : ج 15 ص 883 ح 43502 ؛ عدّه الداعى : ص 109 ، إرشاد القلوب : ص 157 وفيهما «كاسيه» بدل «طاعمه» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 321 ح 38 .
2- .نَصِبَ الرجل : تعب (الصحاح : ج 1 ص 225 «نصب») .
3- .الدرّ المنثور : ج 2 ص 206 نقلاً عن ابن حنبل عن وهب .
4- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 448 ح 22962 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 345 ح 7861 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 288 ح 10336 ، المعجم الكبير : ج 3 ص 291 ح 3438 ، مسند الشاميّين : ج 2 ص 86 ح 963 كلّها عن أبى مالک الأشعرى ، كنز العمّال : ج 3 ص 192 ح 6115 .
5- .نهج البلاغه : الحكمه 251 ، روضه الواعظين : ص 483 ، غرر الحكم : ح9793 وفيه صدره ، بحار الأنوار : ج 73 ص 131 ح 135 .
6- .غرر الحكم : ح 4881 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4436 .
7- .القَرَاحُ : الماء الذى لم يخالطه شىء يُطيَّب به (النهايه : ج 4 ص 36 «قرح») .

8- .البُرّ : الحِنطَه (لسان العرب : ج 4 ص 55 «برر») .
9- .الدرّ المنثور : ج 2 ص 205 نقلاً عن أحمد عن عطاء الأزرق ، البدايه والنهايه : ج 2 ص 88 عن ابن عمر نحوه وليس فيه «أشدّ» .

و شیرینی دنیا ، تلخی آخرت است

696.الأمالی بإسناده عن الحسین بن علیّ عن أمیر المؤمنیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان! ای بسا انسان سیر و نازپرورده در دنیا که روز قیامت ، گرسنه و برهنه است.697.الکافی عن عبد اللّه بن الولید الجعفی عن رجل عن أبعیسی علیه السلام به حواریان :به اندازه ای که در این جا خسته می شوید ، در آن جا (آخرت) می آسایید، و به اندازه ای که در این جا می آسایید ، در آن جا به خستگی می افتید.و شیرینی دنیا ، تلخی آخرت است699.المعجم الکبیر بإسناده عن علیّ بن حسین علیه السلامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیرینی دنیا ، تلخی آخرت است و تلخی دنیا ، شیرینی آخرت.700.تهذیب الأحکام عن علیّ بن شعیب عن الإمام الصادق علامام علی علیه السلام :تلخی دنیا ، شیرینی آخرت است و شیرینی دنیا ، تلخی آخرت.701.الکافی عن أبی شِهاب :امام علی علیه السلام :شیرینی دنیا ، موجب تلخی آخرت و بدی عاقبت می شود.702.الأمالی عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه العیسی علیه السلام به حواریان :ای گروه حواریان! نان جوین و گیاه زمین و آب بی مزه (1) بخورید و از خوردن نان گندم پرهیز کنید؛ چرا که شما از عهده شُکرش برنمی آیید. و بدانید که شیرینی دنیا ، تلخی آخرت است، و بدترین

تلخی دنیا ، شیرینی آخرت است.

.

1- .آبی که خالص است و طعم دهنده ای به آن افزوده نشده است.

ز ثَروَتُها فَقرُ الآخِرَهِ704.الفردوس عن الحسين بن علىّ عليه السلام عن رسول اللاإمام علىّ عليه السلام :ثَروَهُ الدُّنيا فَقرُ الآخِرَهِ . (1)705.الإرشاد (فى ذِكرِ خُروجِ الحُسَينِ عليه السلام مِنَ المَ) عنه عليه السلام :ما زادَ فِى الدُّنيا نَقَصَ فِى الآخِرَهِ . ما نَقَصَ مِن الدُّنيا زادَ فِى الآخِرَهِ . (2)706.نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام :أغنَى النّاسِ فِى الآخِرَهِ أفقَرُهُم فِى الدُّنيا . أوفَرُ النّاسِ حَظّا مِنَ الآخِرَهِ أقَلُّهُم حَظّا مِنَ الدُّنيا . (3)707.تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :إنّا لَنُحِبُّ الدُّنيا وألاّ نُعطاها خَيرٌ لَنا ، وما أُعطِىَ أحَدٌ مِنها شَيئا إلاّ نَقَصَ مِن حَظِّهِ فِى الآخِرَهِ . (4)708.كتاب من لا يحضره الفقيه بإسناده عن علىّ بن الحسينرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما أعطَى اللّهُ عَبدا مُؤمِنا حَظّا مِنَ الدُّنيا إلاّ مَشوبا (5) بِتَكديرٍ ؛ لِئَلاّ يَكونَ ذلِكَ حَظَّهُ مِن ثَوابِ اللّهِ ، ولِيُكمِلَ اللّهُ لَهُ صَفوَ عَيشِ الآخِرَهِ . (6)709.الأمالى عن هرثمه بن أبى مسلم :عنه صلى الله عليه و آله :لا يَشغَلَنَّکَ طَلَبُ دُنياکَ عَن طَلَبِ دينِکَ ؛ فَإِنَّ طالِبَ الدُّنيا رُبَّما أدرَکَ فَهَلَکَ بِما أدرَکَ ، ورُبَّما فاتَهُ فَهَلَکَ بِما فاتَهُ .

الأَکثَرونَ فِى الدُّنيا هُمُ الأَقَلّونَ فِى الآخِرَهِ إلاّ مَن قالَ : هکَذا ، وهکَذا وحَثا بِيَدِهِ .

وما أُعطِىَ أحَدٌ مِنَ الدُّنيا شَيئا إلاّ کانَ أنقَصَ مِن حَقِّهِ فِى الآخِرَهِ ، حَتّى سُلَيمانُ بنُ داودَ عليه السلام فَإِنَّهُ آخِرُ مَن يَدخُلُ الجَنَّهَ مِنَ الأَنبِياء ؛ لِما أُعطِىَ مِنَ الدُّنيا ، ورَأسُ کُلِّ خَطيئَهٍ حُبُّ الدُّنيا . (7) .

1- .غرر الحكم : ح 4705 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 217 ح 4267 .
2- .غرر الحكم : ح 9619 و 9620 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 480 ح 8817 و 8818 .
3- .غرر الحكم : ح 3221 و 3222 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 115 ح 2554 وص 122 ح 2780 .
4- .الزهد للحسين بن سعيد : ص51 ح138 عن أبى يعقوب ، الأمالى للطوسى : ص662 ح1381، مستطرفات السرائر: ص40 ح6 ، تنبيه الخواطر : ج2 ص79 كلّها عن عبداللّه بن أبى يعفور ، عدّه الداعى : ص100 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 127 ح130 .
5- .الشَّوبُ : الخَلْطُ (الصحاح : ج 1 ص 158 «شوب») .

6- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 47 .
7- .تاريخ اليعقوبى : ج 2 ص 96 .

ز ثروت دنیا ، فقر آخرت است

ز ثروت دنیا ، فقر آخرت است711.ثواب الأعمال عن عمرو بن قیس المشرقی :امام علی علیه السلام :ثروت دنیا، فقر آخرت است.712.الأمالی عن عبد اللّه بن منصور عن جعفر بن محمّد عنامام علی علیه السلام :آنچه در دنیا می افزاید ، در آخرت می کاهد، و آنچه در دنیا می کاهد ، در آخرت می افزاید.713.الإرشاد :امام علی علیه السلام :توانگرترینِ مردم در آخرت ، درویش ترینِ آنان در دنیاست، و بهره مندترینِ مردم از آخرت ، کم بهره ترینِ آنان از دنیاست.714.الفتوح :امام صادق علیه السلام :ما البتّه دنیا را دوست داریم ؛ امّا این که به ما داده نمی شود ، برایمان بهتر است .به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد، مگر آن که از بهره او در آخرت کم شد.715.الخصال بإسناده عن الحسین عن أبیه علیّ بن أبی طالبپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به هیچ بنده مؤمنی بهره ای از دنیا نداد ، مگر آمیخته با تیرگی، تا آن ، سهم او از پاداش خداوند [در آخرت]نباشد، و تا خداوند ، زلالی زندگی آخرت را برایش کامل گرداند.716.اُسد الغابه بإسناده عن الحسین عن أبیه علیّ بن أبیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«زنهار، که طلب دنیایت ، تو را از طلب دینت باز مدارد؛ چرا که طالب دنیا ، گاه [به مطلوبش]می رسد و با همانچه بدان رسیده است ، نابود می شود، و گاه نمی رسد و همانچه بدان نرسیده است ، مایه هلاکت او می گردد!

آنان که در دنیا داراترند ، در آخرت نادارترند ، مگر کسی که چنین و چنان کند»

و با دستش پراکند . (1)

«به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد ، مگر آن که از حقّ او در آخرت کاست، حتّی سلیمان بن داوود علیه السلام . او به خاطر دنیایی که به وی داده شد، آخرین پیامبری است که وارد بهشت می شود. ریشه (/سرآمدِ) هر خطایی ، دنیادوستی است».

.

1- .بدین معنا که از چپ و راست و این سو و آن سو ، بخشش کند و در راه خدا انفاق نماید.

ح رِفعَتُها ضَعَهُ الآخِرَهِ718.نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام :المعجم الكبير عن سلمان عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يُريدُ أن يَرتَفِعَ فِى الدُّنيا دَرَجَةً فَارتَفَعَ ، إلاّ وَضَعَهُ اللّهُ فِى الآخِرَهِ أكبَرَ مِنها . ثُمَّ قَرَأ «وَ لَلْآخِرَهُ أَكْبَرُ دَرَجَتٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلاً» (1) . (2)719.محاضرات الأدباء عن الحسين عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :حَقٌّ عَلَى اللّهِ ألاّ يَرتَفِعَ شَىءٌ مِنَ الدُّنيا إلاّ وَضَعَهُ . (3)720.الأمالى بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :ألا وإنَّ إعطاءَ المالِ فى غَيرِ حَقِّهِ تَبذيرٌ وإسرافٌ ، وهُوَ يَرفَعُ صاحِبَهُ فِى الدُّنيا ويَضَعُهُ فِى الآخِرَهِ ، ويُكرِمُهُ فِى النّاسِ ويُهينُهُ عِندَ اللّهِ . (4)راجع : ص 390 (التحذير من حبّ الدنيا / لا يجتمع مع حبّ الآخره) .

.

1- .الإسراء : 21 .
2- .المعجم الكبير : ج 6 ص 239 ح 6101 ، تفسير ابن كثير : ج5 ص60 كلاهما عن سلمان ، كنز العمّال : ج3 ص 197 ح 6144 .
3- .الفردوس : ج 2 ص 132 ح 2675 عن أنس ، مجمع الزوائد : ج 10 ص 447 ح 17860 عن سعيد بن المسيّب .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 126 ، الأمالى للمفيد : ص 176 ح 6 ، الأمالى للطوسى : ص 195 ح 331 كلاهما عن ربيعه وعماره ، تحف العقول : ص 185 ، الغارات : ج 1 ص 76 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 32 ص 48 ح 32 .

ح بلندی دنیا ، پستی آخرت است

ح بلندی دنیا ، پستی آخرت است723.نزهه الناظر عن الإمام الحسین علیه السلام :المعجم الکبیر به نقل از سلمان :پیامبر خدا فرمود: «هیچ بنده ای نیست که بخواهد در دنیا یک درجه بالا برود و بالا هم برود ، مگر آن که خداوند او را در آخرت ، یک درجه بزرگ تر از آن ، پایینش می آورد».

پیامبر سپس این آیه را خواند: «و قطعاً درجات آخرت بزرگ ترند و برتری آن ، بیشتر است» .724.تحف العقول (فی ذِکرِ مَسائِلَ سَأَلَ الإِمامَ عَنها مَلِکُ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر خداوند است که هیچ چیزی در دنیا بالا نرود ، مگر این که آن را پایین آورد.725.المناقب :امام علی علیه السلام :آگاه باشید که بخشیدن نابه جای مال ، ریخت و پاش و اسراف است. این کار ، صاحب مال را در دنیا بالا می برد ؛ امّا در آخرت ، پست می گرداند، و در میان مردم ، ارجمندش می سازد ؛ ولی نزد خدا بی مقدارش می کند.ر . ک : ص391 (بر حذر داشتن از دنیادوستی / دنیادوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود).

.

3 / 3التَّحذيرُ مِن مُصاحَبَهِ الدُّنيا729.تاريخ دمشق عنِ بشر بن غالب :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّما مَثَلُ صاحِبِ الدُّنيا كَمَثَلِ الماشى فِى الماءِ ، هَل يَستَطيعُ أن يَمشِىَ فِى الماءِ إلاّ وتَبتَلَّ قَدَماهُ؟! (1)730.كامل الزيارات عن أبى الجارود عن أبى جعفر عليه السشُعب الإيمان عن أنس :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : هَل مِن أحَدٍ مَشى عَلَى الماءِ إلاّ ابتَلَّت قَدَماهُ؟ قالوا : لا يا رَسولَ اللّهِ ، قالَ : كَذلِكَ صاحِبُ الدُّنيا ؛ لا يَسلَمُ مِنَ الذُّنوبِ . (2)731.تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام :إرشاد القلوب :كانَ عَلِىُّ بنُ الحُسَين زَينُ العابِدينَ عليه السلام يَتَمَثَّلُ بِهذِهِ ، ويَقولُ :

ومَن يَصحَبِ الدُّنيا يَكُن مِثلَ قابِضٍ عَلَى الماءِ خانَتهُ فُروجُ الأَصابِعِ (3)3 / 4التَّحذيرُ مِن حُبِّ الدُّنياأ رَأسُ كُلِّ خَطيئَهٍ735.الأغانى عن مصعب عن أبيه :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :حُبُّ الدُّنيا رَأسُ كُلِّ خَطيئَهٍ . (4) .

1- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 148 ؛ إحياء علوم الدين : ج 3 ص 317 .
2- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 323 ح 10457 ، مشكاه المصابيح : ج 2 ص 657 ح 5205 ، كنز العمّال : ج 3 ص 198 ح 6151 .
3- .إرشاد القلوب : ص 23 .
4- .كنز الفوائد : ج 1 ص 217 ، الخصال : ص 25 ح 87 عن درست بن أبى منصور عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 508 عن عيسى عليه السلام ، التحصين لابن فهد : ص 27 ح 43 ، غرر الحكم : ح 4868 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 70 ص 315 ح 20 نقلاً عن مصباح الشريعه ؛ شُعب الإيمان : ج 7 ص 338 ح 10501 ، ذمّ الدنيا لابن أبى الدنيا : ص 16 ح 9 كلاهما عن الحسن ، إحياء علوم الدين : ج 3 ص 299 ، البدايه والنهايه : ج 2 ص 89 عن عيسى عليه السلام ، كنز العمّال : ج 3 ص 192 ح 6114 .

3 / 3 بر حذر داشتن از همدمی با دنیا

3 / 4 بر حذر داشتن از دنیادوستی

الف ریشه هر خطا

3 / 3بر حذر داشتن از همدمی با دنیا738.الغیبه عن أبی جعفر السمّان :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حکایت همدم با دنیا ، حکایت کسی است که در آب ، راه می رود. آیا می تواند در آب راه برود ، بدون آن که پاهایش خیس شود؟ !739.رجال النجاشی عن عبید اللّه بن الحرّ :شُعَب الإیمان به نقل از اَنَس :پیامبر خدا فرمود: «آیا کسی هست که بر آب راه برود و پاهایش خیس نشود؟» .

گفتند: نه، ای پیامبر خدا!

فرمود: «همدم با دنیا نیز چنین است. او از گناهان به سلامت نمی ماند».740.المعجم الکبیر عن سفیان بن عیینه :إرشاد القلوب:امام زین العابدین علیه السلام به این شعر ، تمثّل می جست و می گفت:

«همنشین دنیا، مانند کسی است که مشتی آب برگیرد/ شکاف های انگشتان به او خیانت می کنند» .3 / 4بر حذر داشتن از دنیادوستیالف ریشه هر خطا744.المصنّف عن بشر بن غالب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیادوستی ، ریشه هر خطایی است.

.

745.الجوهره عن بشر بن غالب :عنه صلى الله عليه و آله :حُبُّ الدُّنيا رَأسُ كُلِّ خَطيئَةٍ ، ومِفتاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ ، وسَبَبُ إحباطِ (1) كُلِّ حَسَنَةٍ .

746(2).كنز العمّال عن الحسين عليه السلام عن رسول اللّه صالإمام علىّ عليه السلام :أيُّهَا النّاسُ ! إيّاكُم وحُبَّ الدُّنيا ؛ فَإنَّها رَأسُ كُلِّ خَطيئَةٍ ، وبابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ ، وقِرانُ كُلِّ فِتنَةٍ ، وداعى كُلِّ رَزِيَّةٍ . (3)

747.مكارم الأخلاق عن الإمام الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام :ألا وحُبُّ الدُّنيا رَأسُ كُلِّ خَطيئَةٍ ، وبابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ ، ومَجمَعُ كُلِّ فِتنَةٍ ، وداعِيَهُ كُلِّ ريبَةٍ (4) .

748(5).تاريخ الطبرى عن حميد بن مسلم :الإمام زين العابدين عليه السلام لَمّا سُئِلَ عَن أفضَلِ الأعمالِ عِندَ اللّهِ :ما مِن عَمَلٍ بَعدَ مَعرِفَهِ اللّهِ جَلَّ وعَزَّ ومَعرِفَهِ رَسولِهِ صلى الله عليه و آله أفضَلَ مِن بُغضِ الدُّنيا ، وإنَّ لِذلِكَ لَشُعَبا كَثيرَةً (6) ، ولِلمَعاصى شُعَبا : فَأوَّلُ ما عُصِىَ اللّهُ بِهِ الكِبرُ ؛ وهِىَ مَعصِيَهُ إبليسَ حينَ أبى وَاستَكبَرَ وكانَ مِنَ الكافِرينَ ، وَالحِرصُ ؛ وهِىَ مَعصِيَهُ آدَم وحَوّاءَ حينَ قالَ اللّهُ لَهُما : «كُلاَ مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلاَ تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظّلِمِين» (7) ، فَأخَذا ما لا حاجَهَ بِهِما إلَيهِ ، فَدَخَلَ ذلِكَ عَلى ذُرِّيَّتِهِما إلى يَومِ القِيامَهِ ، وذلِكَ أنَّ أكثَرَ ما يَطلُبُ ابنُ آدَمَ ما لا حاجَهَ بِهِ إلَيهِ ، ثُمَّ الحَسَدُ ؛ وهِىَ مَعصِيَهُ ابنِ آدَمَ حَيثُ حَسَدَ أخاهُ فَقَتَلَهُ ، فَتَشَعَّبَ مِن ذلِكَ : حُبُّ النِّساءِ ، وحُبُّ

الدُّنيا ، وحُبُّ الرِّئاسَهِ ، وحُبُّ الرّاحَهِ ، وحُبُّ الكَلامِ ، وحُبُّ العُلُوِّ وَالثَّروَهِ ، فَصِرنَ سَبعَ خِصالٍ ، فَاجتَمَعنَ كُلُّهُنَّ فى حُبِّ الدُّنيا ، فَقالَ الأنبِياء وَالعُلَماء بَعدَ مَعرِفَهِ ذلِكَ : حُبُّ الدُّنيا رَأسُ كُلِّ خَطيئَةٍ . (8) .

1- .حَبِط عملُهُ : بَطَل ثوابُه . وأحبَطَهُ اللّهُ تعالى (الصحاح : ج 3 ص 1118 «حبط») .

2- .إرشاد القلوب : ص 21 ، أعلام الدين : ص 340 عن أبى هريره ، عدّه الداعى : ص 294 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 182 ح 10 .

3- .تحف العقول : ص 215 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 54 ح 97 .

4- .الرِّيْبه : الشكّ ، وقيل : الشكّ مع التُّهمه (النهايه : ج 2 ص 286 «ريب») .

5- .مطالب السؤول : ص 52 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 23 ح 86 .

6- .«إنّ لذلك» أى لبُغض الدنيا ، «لَشُعَبا» أى من الصفات الحسنه والأعمال الصالحه ، وهى ضدّ شعب المعاصى (مرآه العقول : ج 8 ص 279) .

7- .الأعراف : 19 .
8- .الكافى : ج 2 ص 130 ح 11 وص 317 ح 8 كلاهما عن الزهرى محمّد بن مسلم بن شهاب ، مشكاه الأنوار : ص 465 ح 1555 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 59 ح 29 .

749.المعجم الكبير عن ابن أبى ليلى :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :دنيادوستى ، ريشه هر خطا، و كليد هر گناه، و سبب بى حاصل شدن هر كار نيكى است.750.الخصال بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه السلام :امام على عليه السلام :اى مردم! از دنيادوستى بپرهيزيد كه ريشه هر خطا، و درِ هر بلا، و جفت هر فتنه، و فراخواننده هر مصيبتى است.751.الإقبال عن خلّاد بن عمير الكندى :امام على عليه السلام :هان! دنيادوستى ، ريشه هر خطا، و درِ هر بلا، و مجمع هر فتنه، و باعث هر سوء ظنّى است.752.مقاتل الطالبيّين عن يحيى بن عبد اللّه عن الذى أفلامام زين العابدين عليه السلام در پاسخ به سؤال از برترين اعمال در نزد خداوند :بعد از شناخت خداوند و شناخت پيامبر او صلى الله عليه و آله ، هيچ عملى برتر از نفرت از دنيا نيست، و براى آن ، شاخه هاى بسيارى است ، (1) چنان كه گناهان نيز شاخه هايى دارند و نخستين چيزى كه خدا با آن نافرمانى شد ، تكبّر بود و آن ، نافرمانى شيطان بود ، آن گاه كه سرپيچى و گردن فرازى كرد و از كافران شد. و [دوم ، [آزمندى بود و آن ، نافرمانى آدم و حوّا بود ، آن گاه كه خداوند به آن دو فرمود: «از هر چه مى خواهيد ، بخوريد ؛ ولى به اين درخت ، نزديک مشويد كه از ستمكاران خواهيد بود» ؛ امّا آن دو [از سر آزمندى ، [چيزى را برداشتند كه بدان نيازى نداشتند، و اين خصلت به نسل آنها راه يافت تا روز قيامت. از همين رو ، آدميزاد ، به بيشتر آنچه مى طلبد ، نيازى ندارد. و [سوم ،] حسد بود و آن ، نافرمانى پسر آدم بود ، آن گاه كه به برادرش حسادت ورزيد و او را كشت.

و از اين خصلت ها ، زن دوستى، دنيادوستى، رياست خواهى، راحت طلبى، شهوت كلام، حبّ جاه و ثروت ، نشئت گرفت. پس، هفت خصلت شدند كه همگى در دنيادوستى گرد آمده اند. از اين رو، پيغمبران و دانشمندان كه اين نكته را شناخته اند گفته اند: دنيادوستى ، منشأ هر گناهى است. .

1- .يعنى: نفرت از دنيا ، شاخه ها و نتايج فراوانى از صفات نيک و كارهاى شايسته دارد، كه ضدّ شاخه هاى معصيت اند.

753.دعائم الإسلام :الإمام الصادق عليه السلام :رَأسُ كُلِّ خَطيئَةٍ حُبُّ الدُّنيا . (1)754.الأمالى بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه السلام :الكافى عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللّهُ بِهِ عيسى عليه السلام : . . . اعلَم أنَّ رَأسَ كُلِّ خَطيئَةٍ وذَنبٍ هُوَ حُبُّ الدُّنيا ، فَلا تُحِبَّها فَإنّى لا اُحِبُّها . (2)755.عيون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن علىّ عليه اَعيسى عليه السلام فى مَواعِظِهِ :بِحَقٍّ أقولُ لَكُم : إنَّ الَّذي يَخوضُ النَّهرَ لابُدَّ أن يُصيبَ ثَوبَهُ الماءُ وإن جَهَدَ ألاّ يُصيبَهُ ، كَذلِكَ مَن يُحِبُّ الدُّنيا لا يَنجو مِنَ الخَطايا . (3)ب أصلُ كُلِّ مَعصِيَةٍ757.الكافى عن أبى سعيد عن الحسين عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :حُبُّ الدُّنيا أصلُ كُلِّ مَعصِيَةٍ ، وأوَّلُ كُلِّ ذَنبٍ . (4)758.المصنّف عن جابر الجعفى عن الشعبى أو عن أبى جعفر معنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أوَّلَ ما عُصِىَ اللّهُ بِهِ سِتٌّ : حُبُّ الدُّنيا ، وحُبُّ الرِّئاسَةِ ، وحُبُّ الطَّعامِ ، وحُبُّ النَّومِ ، وحُبُّ الرّاحَةِ ، وحُبُّ النِّساءِ . (5) .

1- .الكافى : ج 2 ص 315 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 662 ح 1378 كلاهما عن هشام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 7 ح 1 ؛ الزهد لابن حنبل : ص 117 عن جعفر بن جرفاس عن عيسى عليه السلام .
2- .الكافى : ج 8 ص 131 141 ح 103 ، تحف العقول : ص 500 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، الأمالى للصدوق : ص 613 ح 842 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج1 ص 145 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 298 ح 14 .
3- .تحف العقول : ص 510 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 314 ح 17 .
4- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 122 .
5- .الكافى : ج 2 ص 289 ح 3 ، الخصال : ص 330 ح 27 ، المحاسن : ج 1 ص 459 ح 1063 كلّها عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 205 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 72 ص 105 ح 3 .

ب ریشه هر نافرمانی

759.الکافی عن أبی سعید عقیصا التیمی :امام صادق علیه السلام :ریشه هر خطایی، دنیادوستی است.الکافی به نقل از علی بن اسباط ، از ائمّه علیهم السلام : از جمله اندرزهای خداوندبه عیسی علیه السلام این بود: «... بدان که اساس هر خطا و گناهی ، دنیادوستی است. پس، آن را دوست مدار که من نیز دوستش نمی دارم».عیسی علیه السلام در اندرزهایش :به حق به شما می گویم: کسی که وارد نهر آب شود ، جامه اش تر می شود ، هرچند بکوشد که آب به آن نرسد. این چنین ، هر که دنیا را دوست بدارد ، از خطاها نمی رهد.ب ریشه هر نافرمانیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیادوستی، ریشه هر نافرمانی، و آغاز هر گناهی است.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین عواملی که خدا با آنها نافرمانی شد ، شش چیز بود: دنیادوستی، ریاست خواهی، علاقه مندی به خوراک، علاقه مندی به خواب، راحت طلبی، و زن دوستی.

.

الإمام علىّ عليه السلام :إيّاكَ وحُبَّ الدُّنيا ؛ فَإنَّها أصلُ كُلِّ خَطيئَةٍ ، ومَعدِنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ . (1)عيسى عليه السلام :اِعلَموا أنَّ أصلَ كُلِّ خَطيئَةٍ حُبُّ الدُّنيا . (2)ج بَدءُ كُلِّ فِتنَةٍالإمام علىّ عليه السلام :إنَّما بَدءُ وُقوعِ الفِتَنِ مِن أهواءٍ تُتَّبَعُ ، وأحكامٌ تُبتَدَعُ . (3)الإمام الصادق عليه السلام :فيما ناجَى اللّهُ بِهِ موسى عليه السلام : يا موسى . . . اِعلَم أنَّ كُلَّ فِتنَةٍ بَدؤُها حُبُّ الدُّنيا . (4)د أكبَرُ الكَبائِررسول اللّه صلى الله عليه و آله :أكبَرُ الكَبائِرِ حُبُّ الدُّنيا . (5)عنه صلى الله عليه و آله :ذَنبٌ عَظيمٌ لا يَسأَلُ النّاسُ اللّهَ المَغفِرَةَ مِنهُ : حُبُّ الدُّنيا . (6)الإمام علىّ عليه السلام :أعظَمُ الخَطايا حُبُّ الدُّنيا . (7)ه شَرُّ الفِتَنِالإمام علىّ عليه السلام :شَرُّ الفِتَنِ مَحَبَّةُ الدُّنيا . (8) .

1- .غرر الحكم : ح 2669 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 96 ح 2220 .
2- .ذمّ الدنيا لابن أبى الدنيا : ص 22 ح 33 عن وهيب المكّى ، الزهد لابن حنبل : ص 117 عن سفيان ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 323 ح 10458 عن سفيان بن سعيد وكلاهما نحوه ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 129 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 327 ح 49 .
3- .الكافى : ج 8 ص 58 ح 21 عن سليم بن قيس الهلالى ، نهج البلاغه : الخطبه 50 ، كتاب سليم بن قيس : ج 2 ص 719 ح 18 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 290 ح 8 .
4- .الكافى : ج 2 ص 135 ح 21 عن ابن أبى يعفور ، قصص الأنبياء : ص 163 ح 184 عن أبى يعقوب وفيه «بذرها» بدل «بدؤها» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 73 ح 37 .
5- .الفردوس : ج 1 ص 364 ح 1468 عن ابن مسعود ، كنز العمّال : ج 3 ص 184 ح 6074 .
6- .الفردوس : ج 2 ص 248 ح 3167 عن محمّد بن عجلان ، كنز العمّال : ج 3 ص 202 ح 6171 .
7- .غرر الحكم : ح 2999 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 118 ح 2661 .
8- .غرر الحكم : ح 5747 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 295 ح 5290 .

ص: 387

ج آغاز هر فتنه

د بزرگ ترین گناه کبیره

ه بدترین فتنه

امام علی علیه السلام :از دنیادوستی بپرهیز؛ چرا که ریشه هر خطا و معدن هر بلایی است.عیسی علیه السلام :بدانید که ریشه هر خطایی ، دنیادوستی است.ج آغاز هر فتنهامام علی علیه السلام :سرآغاز پیدایش فتنه ها، در حقیقت ، پیروی از هوس ها و بدعت نهادن در احکام است.امام صادق علیه السلام :در نجواهای خداوند با موسی علیه السلام آمده است: «ای موسی!... بدان که هر فتنه ای ، آغازش دنیادوستی است».د بزرگ ترین گناه کبیرهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بزرگ ترین گناه کبیره، دنیادوستی است.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گناه بزرگی که مردم درباره آن از خداوَنْد طلب مغفرت نمی کنند، دنیادوستی است.امام علی علیه السلام :بزرگ ترینِ خطاها، دنیادوستی است.ه بدترین فتنهامام علی علیه السلام :بدترینِ فتنه ها [و گرفتاری ها] ، حبّ دنیاست.

.

عنه عليه السلام :الوَلَهُ (1) بِالدُّنيا أعظَمُ فِتنَةٍ . (2)عنه عليه السلام :حُبُّ الدُّنيا رَأسُ الفِتَنِ وأصلُ المِحَنِ . (3)و شَرُّ المِحَنِالإمام علىّ عليه السلام :شَرُّ المِحَنِ حُبُّ الدُّنيا . (4)ز رَأسُ الآفاتِالإمام علىّ عليه السلام :رَأسُ الآفاتِ الوَلَهُ بِالدُّنيا . (5)ح لا يَجتَمِعُ مَعَ حُبِّ اللّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :حُبُّ الدُّنيا وحُبُّ اللّهِ لا يَجتَمِعانِ فى قَلبٍ أبَدا . (6)عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَعالى أوحى إلى أخى عيسى عليه السلام : يا عيسى ، لا تُحِبَّ الدُّنيا فَإنّى لَستُ اُحِبُّها ، وأحِبَّ الآخِرَةَ فَإنَّما هِىَ دارُ المَعادِ . (7)الإمام علىّ عليه السلام :كَما أنَّ الشَّمسَ وَاللَّيلَ لا يَجتَمِعانِ ، كَذلِكَ حُبُّ اللّهِ وحُبُّ الدُّنيا لا يَجتَمِعانِ . (8)عنه عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى : . . . يا أحمَد ، لَو صَلّى العَبدُ صَلاةَ أهلِ السَّماءِ وَالأَرضِ ، وصامَ صِيامَ أهلِ السَّماءِ وَالأَرضِ ،

وطَوى (9) مِنَ الطَّعامِ مِثلَ المَلائِكَهِ ، ولَبِسَ لِباسَ العارى ، ثُمَّ أرى فى قَلبِهِ مِن حُبِّ الدُّنيا ذَرَّةً أو سُمعَتِها أو رِياسَتِها أو حِليَتِها أو زِينَتِها ، لا يُجاوِرُنى فى دارى ، ولاَنزِعَنَّ مِن قَلبِهِ مَحَبَّتى ، وعَلَيکَ سَلامى ومَحَبَّتى . (10) .

1- .الوَلَهُ : ذَهابُ العَقلِ والتحيّر من شدّه الوجد (النهايه : ج 5 ص 227 «وله») .
2- .غرر الحكم : ح 1210 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 120 ح 2734 وفيه «المصائب» بدل «فتنه» .
3- .غرر الحكم : ح 4870 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 231 ح 4424 وفيه «رأس» بدل «أصل» .
4- .غرر الحكم : ح 5721 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 293 ح 5222 .
5- .غرر الحكم : ح 5264 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 264 ح 4796 وفيه «باللذّات» بدل «بالدنيا» .
6- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 122 .
7- .الأمالى للطوسى : ص 531 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 368 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 56 كلّها عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 80 ح 3 .
8- .غرر الحكم : ح 7219 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 397 ح 6720 .
9- .رجلٌ طَيّان : لم يأكل شيئا ؛ طَوى كرَضِىَ طَوىً . فإن تعمّد ذلک فطَوَى كرَمَى (القاموس المحيط : ج 4 ص 358 «طوى») .
10- .إرشاد القلوب : ص 199 206 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 30 ح 6 .

و بدترین رنج

ز منشأ آفت ها

ح دنیادوستی با خدادوستی جمع نمی شود

امام علی علیه السلام :شیفتگی به دنیا ، بزرگ ترین فتنه است.امام علی علیه السلام :دنیادوستی، منشأ فتنه ها و ریشه رنج هاست.و بدترین رنجامام علی علیه السلام :بدترین رنج ها، دنیادوستی است.ز منشأ آفت هاامام علی علیه السلام :منشأ همه آفت ها ، عشق به دنیاست.ح دنیادوستی با خدادوستی جمع نمی شودپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیادوستی و خدادوستی ، هرگز در یک دل نمی گنجند.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال به برادرم عیسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! دنیا را دوست مدار؛ زیرا من آن را دوست نمی دارم . و آخرت را دوست بدار؛ زیرا آن جا بازگشت گاه است».امام علی علیه السلام :چنان که خورشید و شب با هم جمع نمی شوند، خدادوستی و دنیادوستی نیز با هم جمع نمی شوند.امام علی علیه السلام در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله :خداوند متعال فرمود: «... ای احمد! اگر بنده به اندازه نمازهای اهل آسمان و زمین نماز بخواند، و به اندازه روزه های اهل آسمان و زمین روزه بگیرد، و چون فرشتگان غذا نخورد، و مانند برهنگان جامه بپوشد ، امّا در دل او ذرّه ای حبّ دنیا یا شهرت آن یا ریاست آن یا زر و زیور آن ببینم ، هرگز در خانه ام به جوار من در

نخواهد آمد، و محبّت خود را از دل او برخواهم کَند. سلام و محبَت من ، برتو باد!

.

عنه عليه السلام :إن كُنتُم تُحِبّونَ اللّهَ فَأَخرِجوا مِن قُلوبِكُم حُبَّ الدُّنيا . (1)عنه عليه السلام :كَيفَ يَدَّعى حُبَّ اللّهِ مَن سَكَنَ قَلبَهُ حُبُّ الدُّنيا؟! (2)الإمام الصادق عليه السلام :وَاللّهِ ، ما أَحَبَّ اللّهَ مَن أَحَبَّ الدُّنيا . (3)عيسى عليه السلام فى مَواعِظِهِ :بِحَقٍّ أقولُ لَكُم : إنَّ العَبدَ لا يَقدِرُ عَلى أن يَخدُمَ رَبَّينِ ، ولا مَحالَةَ أنَّهُ يُؤثِرُ أحَدَهُما عَلَى الآخَرِ وإن جَهَدَ ، كَذلِكَ لا يَجتَمِعُ لَكُم حُبُّ اللّهِ وحُبُّ الدُّنيا . (4)ط لايَجتَمِعُ مَعَ حُبِّ الآخِرَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ فى طَلَبِ الدُّنيا إضرارا بِالآخِرَهِ ، وفى طَلَبِ الآخِرَهِ إضرارا بِالدُّنيا ، فَأَضِرّوا بِالدُّنيا فَإِنَّها أولى بِالإِضرارِ . (5) .

1- .غرر الحكم : ح 3747 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 163 ح 3474 .
2- .غرر الحكم : ح 7002 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 383 ح 6474 .
3- .الكافى : ج 8 ص 129 ح 98 عن حفص بن غياث ، تحف العقول : ص 357 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 226 ح 95 .
4- .تحف العقول : ص 503 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 307 ح 17 .
5- .الكافى : ج 2 ص 131 ح 12 عن ابن بكير عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 209 ح 569 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 192 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيهما «أحقّ» بدل «أولى» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 61 ح 30 وراجع المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 529 ح 8487 وكنز العمّال : ج 3 ص 725 ح 8582 .

ط دنیادوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود

امام علی علیه السلام :اگر به راستی ، خدا را دوست می دارید ، دوستی دنیا را از دل هایتان بیرون کنید.امام علی علیه السلام :کسی که دوستیِ دنیا در دلش خانه کرده است ، چگونه ادّعای دوستیِ خدا می کند؟ !امام صادق علیه السلام :سوگند به خدا کسی که دنیا را دوست دارد ، خدا را دوست ندارد.عیسی علیه السلام در اندرزهایش :به حق به شما می گویم: بنده نمی تواند دو خواجه را خدمت کند و هر چه بکوشد، به ناچار ، یکی از آن دو را بر دیگری برمی گزیند . خدادوستی و دنیادوستی نیز با هم جمع نمی شوند.ط دنیادوستی با آخرت دوستی جمع نمی شودپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیاطلبی به آخرت زیان می زند و آخرت طلبی به دنیا لطمه می زند. شما به دنیا زیان بزنید که آن به زیان زدن ، سزاوارتر است.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أحَبَّ دُنياهُ أضَرَّ بِآخِرَتِهِ ، ومَن أحَبَّ آخِرَتَهُ أضَرَّ بِدُنياهُ ، فَآثِروا (1) ما يَبقى عَلى ما يَفنى . (2)عنه صلى الله عليه و آله :مَن أحَبَّ الدُّنيا ذَهَبَ خَوفُ الآخِرَهِ مِن قَلبِهِ ، وما آتَى اللّهُ عَبدا عِلما فَازدادَ لِلدُّنيا حُبّا إلاّ ازدادَ مِنَ اللّهِ تَعالى بُعدا ، وَازدادَ اللّهُ تَعالى عَلَيهِ غَضَبا. (3)عنه صلى الله عليه و آله :مَن أحَبَّ دُنياهُ وسُرَّ بِها ذَهَبَ خَوفُ الآخِرَهِ مِن قَلبِهِ . (4)عيسى عليه السلام فى مَواعِظِهِ :بِحَقٍّ أقولُ لَكُم : مَن لا يُنَقّى مِن زَرعِهِ الحَشيشَ يَكثُرُ فيهِ حَتّى يَغمُرَهُ فَيُفسِدَهُ ، وكَذلِكَ مَن لا يُخرِجُ مِن قَلبِهِ حُبَّ الدُّنيا يَغمُرُهُ حَتّى لا يَجِدَ لِحُبِّ الآخِرَهِ طَعما . (5)عنه عليه السلام :لا يَستَقيمُ حُبُّ الدُّنيا وَالآخِرَهِ فى قَلبِ مُؤمِنٍ ، كَما لا يَستَقيمُ الماءُ وَالنّارُ فى إناءٍ واحِدٍ . (6)الإمام علىّ عليه السلام :طالِبُ الدُّنيا تَفوتُهُ الآخِرَهُ ويُدرِكُهُ المَوتُ حَتّى يَأخُذَهُ بَغتَةً ، ولا يُدرِكُ مِنَ الدُّنيا إلاّ ما قُسِمَ لَهُ . (7) .

1- .آثرته : فضّلته (المصباح المنير : ص 4 «أثر») .
2- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 165 ح 19717 و 19718 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 343 ح 7853 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 517 ح 6516 ، موارد الظمآن : ص 612 ح 2473 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 259 ح 418 كلّها عن أبى موسى الأشعرى ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 128 ، مجمع البيان : ج 10 ص 722 نحوه وراجع كنز الفوائد : ج 1 ص 61 وأعلام الدين : ص 173 وبحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 .
3- .النوادر للراوندى : ص 157 ح 229 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 399 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، الاختصاص : ص 243 عن الإمام الصادق عليه السلام ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 82 عنهم عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 36 ح 39 .
4- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 179 ، المحجّه البيضاء : ج 6 ص 96 .
5- .تحف العقول : ص 509 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 312 ح 17 .
6- .تنبيه الخواطر : ج1 ص131 ، التمحيص : ص5 عنهم عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج14 ص327 ح51 ؛ إحياء علوم الدين : ج3 ص301.
7- .غرر الحكم : ح 6015 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 317 ح 5522 وفيه «بعنقه» بدل «بغته» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دنیایش را دوست بدارد ، به آخرت خود زیان می رساند، و هر که آخرتش را دوست بدارد ، به دنیای خویش زیان می زند . پس، شما آنچه را ماندگار است ، بر آنچه فناپذیر است ، ترجیح دهید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دنیا را دوست بدارد ، هراس آخرت از دلش می رود . خداوند به هیچ بنده ای علمی نداد و آن علم بر دنیادوستی او نیفزود ، مگر آن که از خداوند متعال دورتر شد، و خشم خداوند متعال بر او فزونی گرفت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دنیایش را دوست بدارد و بدان شادمان گردد ، ترس آخرت از دلش می رود.

عیسی علیه السلام در اندرزهایش :به حق به شما می گویم: هر که زراعتش را از علف های هرز پاک نکند ، علف هایش بسیار می گردد ، چندان که همه زراعت را فرا می گیرد و تباهش می کند. همچنین کسی که دنیادوستی را از دلش بیرون نکند ، همه دلش را فرا می گیرد تا جایی که دیگر مزه آخرت دوستی را نچشد.

عیسی علیه السلام :دوستی دنیا و آخرت ، در دل هیچ مؤمنی نمی گنجند ، چنان که آب و آتش در یک ظرف نمی گنجند.

امام علی علیه السلام :جوینده دنیا، آخرت را از دست می دهد و مرگ ، او را در می رسد و ناگهان او را فرو می گیرد، و از دنیا جز به آنچه قسمت اوست ، نمی رسد.

.

عنه عليه السلام :ما ظَفِرَ بِالآخِرَهِ مَن كانَتِ الدُّنيا مَطلَبَهُ . (1)

عنه عليه السلام :مَن مَلَکَ مِنَ الدُّنيا شَيئا ، فاتَهُ مِنَ الآخِرَهِ أکثَرَ مِمّا مَلَکَ . (2)

عنه عليه السلام :مَن رَغِبَ فى زَخارِفِ الدُّنيا ، فاتَهُ البَقاءُ المَطلوبُ . (3)

عنه عليه السلام :طَلَبُ الجَمعِ بَينَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ مِن خِداعِ النَّفسِ . (4)

عنه عليه السلام :بِإِيثارِ حُبِّ العاجِلَهِ صارَ مَن صارَ إلى سوءِ الآجِلَهِ . (5)

عنه عليه السلام :لا تَجتَمِعُ الآخِرَهُ وَالدُّنيا . (6)

عنه عليه السلام :لا يَنفَعُ العَمَلُ لِلآخِرَهِ مَعَ الرَّغبَهِ فِى الدُّنيا . (7)

عنه عليه السلام :کَيفَ يَعمَلُ لِلآخِرَهِ المَشغولُ بِالدُّنيا ! (8)

راجع : ص 374 (التحذير من لذّات الدنيا / حلاوتها مراره الآخره)

وص 376 (التحذير من لذّات الدنيا / ثروتها فقر الآخره) ،

ج2 ص358 (ما يخرب الآخره) .

3 / 5الحَثُّ عَلى بُغضِ الدُّنيارسول اللّه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لِاءَبى ذَر :يا أبا ذَر ، ما مِن شَىءٍ أبغَضَ إلَى اللّهِ مِنَ الدُّنيا ؛ خَلَقَها ثُمَّ أعرَضَ عَنها فَلَم يَنظُر إلَيها ، ولا يَنظُرُ إلَيها حَتّى تَقومَ السّاعَهُ . (9)

.

1- .غرر الحكم : ح 9558 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 477 ح 8748 .
2- .غرر الحكم : ح 8908 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 434 ح 7501 .
3- .غرر الحكم : ح 8801 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 436 ح 7541 وفيه «التقاء» بدل «البقاء» .
4- .غرر الحكم : ح 5995 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 317 ح 5533 .

5- .غرر الحكم : ح 4314 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 188 ح 3878 .
6- .غرر الحكم : ح 10575 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 533 ح 9728 .
7- .غرر الحكم : ح 10829 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 542 ح 10069 .
8- .غرر الحكم : ح 6976 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 383 ح 6461 .
9- .الأمالى للطوسى : ص 531 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 368 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 56 ، أعلام الدين : ص 194 كلّها عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 80 ح 3 .

امام علی علیه السلام :کسی که دنیا مطلوب او باشد ، به آخرت دست نمی یابد.

امام علی علیه السلام :هر کس چیزی از دنیا را به دست آورد ، بیشتر از آنچه به دست آورده ، از آخرت از دست می دهد.

امام علی علیه السلام :هر کس خواهان تجمّلات دنیا باشد ، زندگی جاویدان مطلوب را از دست می دهد.

امام علی علیه السلام :خواهانِ جمع میان دنیا[ی نکوهیده] و آخرت بودن ، از نیرنگ های نفْس است.

امام علی علیه السلام :با برگزیدنِ دوستی دنیاست که آدمیان به سوء عاقبت ، گرفتار می شوند.

امام علی علیه السلام :آخرت و دنیا[ی نکوهیده] ، با هم جمع نمی شوند.

امام علی علیه السلام :با وجود دنیاخواهی، کار برای آخرت ، سودی نمی بخشد.

امام علی علیه السلام :کسی که سرگرم دنیاست ، چگونه برای آخرت کار کند؟!

ر . ک : ص375 (برحذر داشتن از لذّت های دنیا / شیرینی دنیا ، تلخی آخرت است)

و 377 (برحذر داشتن از لذّت های دنیا / ثروت دنیا ، فقر آخرت است) ،

ج2 و ص359 (آنچه آخرت را ویران می کند) .

3 / 5تشویق به نفرت از دنیاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارشش به ابو ذر :ای ابو ذر! هیچ چیز در نزد خدا منفورتر از دنیا نیست. خداوند ،

دنیا را آفرید ، سپس از آن روی گرداند و بدان ننگریست و تا قیام قیامت هم به آن نمی نگرد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ يُحِبُّ الآخِرَةَ ويُبغِضُ الدُّنيا ، فَأَحِبّوا ما أحَبَّ اللّهُ وأبغِضوا ما أبغَضَ اللّهُ ، ولا تَغتَرّوا بِالزّائِلَهِ عَن أهلِها ، وَاعمَلوا لِلباقِيَهِ ؛ تُدرِكوا ثَوابَ الآخِرَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا أرَدتَ أن يُحِبَّکَ اللّهُ فَأَبغِضِ الدُّنيا ، وإذا أرَدتَ أن يُحِبَّکَ النّاسُ فَما كانَ عِندَکَ مِن فُضولِها فَانبِذهُ إلَيهِم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ فى حُبِّ أهلِ بَيتى عِشرينَ خَصلَهً . . . وَالتّاسِعَهُ بُغضُ الدُّنيا . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ . . . يا أحمَد أبغِضِ الدُّنيا وأهلَها وأحِبَّ الآخِرَهَ وأهلَها . (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام :ما مِن عَمَلٍ بَعدَ مَعرِفَهِ اللّهِ جَلَّ وعَزَّ ومَعرِفَهِ رَسولِهِ أفضَلَ مِن بُغضِ الدُّنيا . (5)

بحار الأنوار:قيل لِعيسى عليه السلام : عَلِّمنا عَمَلاً واحِدا يُحِبُّنَا اللّهُ عَلَيهِ . قالَ : أبغِضُوا الدُّنيا يُحبِبكُمُ اللّهُ . (6)

راجع : ص 326 (تقويم الدنيا / ما نظر اللّه إليها منذ خلقها) .

.

1- .الفردوس : ج 1 ص 167 ح 619 عن أبى هريره .
2- .تاريخ بغداد : ج 7 ص 270 ح 3754 ، البدايه والنهايه : ج 10 ص 137 نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن ربعى بن خراش ، كنز العمّال : ج 3 ص 182 ح 6067 وراجع حليه الأولياء : ج 8 ص 41 .
3- .الخصال : ص515 ح1 عن أبى سعيد الخدرى ، روضه الواعظين : ص 298 ، مشكاه الأنوار : ص 153 ح 376 .
4- .إرشاد القلوب : ص201 ، الجواهر السنيّه : ص 194 ، بحار الأنوار : ج77 ص23 ح6 .
5- .الكافى : ج 2 ص 130 ح 11 عن الزهرى محمّد بن مسلم بن شهاب ، مشكاه الأنوار : ص 465 ح 1555 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 19 ح 9 .

6- .تنبيه الخواطر : ج1 ص134 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 328 ح 55 ؛ شرح نهج البلاغه : ج19 ص288 وفيه «قيل لحكيم . . .» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند آخرت را دوست ، و دنیا را دشمن می دارد. پس ، شما نیز آنچه را خدا دوست دارد ، دوست بدارید و آنچه را دشمن می دارد ، دشمن بدارید ، و فریب چیزی را که از اهلش جدا می شود ، نخورید، و برای آنچه ماندنی است ، کار کنید تا به پاداش آخرت دست یابید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه خواستی که خدا تو را دوست بدارد ، دنیا را دشمن بدار، و هر گاه خواستی که مردمْ تو را دوست بدارند ، زیادی های دنیا را که نزد توست ، پیش آنان بینداز.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :محبّت نسبت به اهل بیت من ، بیست فایده دارد : . . . . نهم: بیزاری از دنیا.

امام علی علیه السلام در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله :خداوند فرمود : «... ای احمد! دنیا و دنیاخواهان را دشمن بدار، و آخرت و آخرتگرایان را دوست بدار».

امام زین العابدین علیه السلام :بعد از شناخت خداوند و شناخت پیامبر او، هیچ کاری برتر از بیزاری از دنیا نیست.

بحار الأنوار:به عیسی علیه السلام گفته شد: یک کار به ما بیاموز که به سبب آن ، خداوند ما را دوست بدارد. فرمود: «دنیا را دشمن بدارید تا خدا دوستتان بدارد».

ر . ک : ص 327 (ارزیابی دنیا / خداوند از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن ننگریست).

.

الفصل الرابع : مضارّ حبّ الدّنيا4 / 1حِجابُ القَلبِالكتاب«كَلاَّ بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ * كَلاَّ إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ» . (1)

الحديثالإمام الكاظم عليه السلام :أوحَى اللّهُ تَعالى إلى داوودَ عليه السلام : يا داوودُ ، حَذِّرِ وأنذِر أصحابَکَ عَن حُبِّ الشَّهَواتِ ، فَإِنَّ المُعَلَّقَةَ قُلوبُهُم بِشَهَواتِ الدُّنيا قُلوبُهُم مَحجوبَةٌ عَنّى . (2)

تنبيه الخواطر عن عبد اللّه بن سلام :يَقولُ اللّهُ فِى التَّوراه: إنَّ القُلوبَ المُتَعَلِّقَةَ بِحُبِّ الدُّنيا مَحجوبَةُ العُقولِ عَنّى . (3)

الاختصاص :قالَ اللّهُ لِداوودَ عليه السلام : يا داوودُ ، احذَرِ القُلوبَ المُعَلَّقَةَ بِشَهَواتِ الدُّنيا ، [فَإِنَّ] (4) عُقولَها مَحجوبَةٌ عَنّى . (5)

.

1- .المطفّفين : 14 و 15 .
2- .تحف العقول : ص 397 ، التحصين لابن فهد : ص 6 ح 3 نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 313 ح 1 .
3- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 229 عن كعب .
4- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
5- .الاختصاص : ص335، بحار الأنوار : ج14 ص39 ح19 ؛ الدرّ المنثور : ج5 ص526 عن ابن الأشعث سنحوه.

4 / 1 حجاب دل

فصل چهارم: زیان های دنیادوستی4 / 1حجاب دلقرآن«البتّه چنین نیست ؛ بلکه آنچه آنان مرتکب می شدند ، بر دل هایشان زنگار بسته است. زهی پندار، که آنان در آن روز ، از پروردگارشان سخت در حجاب اند» .

حدیثامام کاظم علیه السلام :خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی کرد: «ای داوود! یارانت را از دوستیِ هوس ها بر حذر بدار و به آنان هشدار بده؛ زیرا آنان که به خواست های دنیوی دل بسته اند ، دل هایشان از من در حجاب است».

تنبیه الخواطر به نقل از عبد اللّه بن سلام :خداوند در تورات می فرماید: «دل های در گرو دوستی دنیا، خِردهایشان از [درک] من در حجاب اند».

الاختصاص:خداوند به داوود علیه السلام فرمود: «ای داوود! از دل های آویخته به خواست های دنیوی بپرهیز؛ زیرا خِردهای آنها از [درک] من در حجاب اند.

.

4 / 2عَمَى القَلبِالكتاب«أَفَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلاَ تَذَكَّرُونَ» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن يَرغَبُ فِى الدُّنيا فَطالَ فيها أملُهُ ، أعمَى اللّهُ قَلبَهُ عَلى قَدرِ رَغبَتِهِ فيها . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن غَلَبَتِ الدُّنيا عَلَيهِ ، عَمِىَ عَمّا بَينَ يَدَيهِ . (3)

عنه عليه السلام :مَن قَصَرَ نَظَرَهُ عَلى أبناءِ الدُّنيا ، عَمِىَ عَن سَبيلِ الهُدى . (4)

عنه عليه السلام فى ذَمِّ الدُّنيا :مَن راقَهُ زِبرِجُها أعقَبَت ناظِرَيهِ كَمَها (5) . (6)

عنه عليه السلام :اُرفُضِ الدُّنيا ؛ فَإِنّ حُبَّ الدُّنيا يُعمى ويُصِمُّ ويُبكِمُ ويُذِلُّ الرِّقابَ ، فَتَدارَک ما بَقِىَ مِن عُمُرِکَ ولا تَقُل: غَدا أو بَعدَ غَدٍ ؛ فَإِنَّما هَلَکَ مَن كانَ قَبلَکَ بِإقامَتِهِم عَلَى الأَمانِىِّ وَالتَّسويفِ ، حَتّى أتاهُم أمرُ اللّهِ بَغتَةً وهُم غافِلونَ ، فَنُقِلوا عَلى أعوادِهِم إلى قُبورِهِمُ المُظلِمَهِ الضَّيِّقَهِ ، وقَد أسلَمَهُمُ الأَولادُ والأَهلونَ . فَانقَطِع إِلَى اللّهِ بِقَلبٍ مُنيبٍ مِن رَفضِ الدُّنيا ، وعَزمٍ لَيسَ فيهِ انكِسارٌ ولاَ انخِزالٌ (7) . (8)

.

1- .النمل : 4 .
2- .تحف العقول : ص 60 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 عن أنس ، تيسير المطالب : ص 365 عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ؛ تاريخ أصبهان : ج 1 ص 162 ح 144 عن ابن عبّاس وفيه «رغبته» بدل «أمله» ، كنز العمّال : ج 3 ص 209 ح 6194 نقلاً عن أبى عبد الرحمن السلمى فى كتاب المواعظ .
3- .غرر الحكم : ح 8856 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 457 ح 8281 .
4- .غرر الحكم : ح 8870 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 458 ح 8295 وليس فيه «أبناء» .

5- .الكَمَه : العمى (النهايه : ج 4 ص 201 «كمه») .
6- .نهج البلاغه : الحكمه 367 ، تحف العقول : ص 221 وفيه «رواؤها» بدل «زبرجها» ، غرر الحكم : ح 8786 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 131 ح 135 .
7- .الانْخِزَالُ : مِشْيَهٌ فيها تثاقل (القاموس المحيط : ج 3 ص 367 «خزل») .
8- .الكافى : ج 2 ص 136 ح 23 عن أبى جميله عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 466 ح 1556 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 75 ح 39 .

4 / 2کوردلیقرآن«پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گم راه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ ! آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که به دنیا علاقه مند باشد و آرزوهای دور و دراز در آن داشته باشد، خداوند به اندازه علاقه اش به دنیا ، دل او را کور می گرداند.

امام علی علیه السلام :کسی که دنیا بر او چیره گردد ، از دیدن آنچه پیش روی اوست ، کور می شود.

امام علی علیه السلام :هر که نگاه کردنش را به دنیاطلبان محدود کند ، از [دیدن] راه درست ، کور می شود.

امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا :آن که تجمّلات پوچ دنیا خیره اش سازد ، دنیا دو دیده اش را کور می گرداند.

امام علی علیه السلام :دنیا را رها کن؛ چرا که دنیادوستی ، کور و کر و لال و زبون می کند . و باقی مانده عمرت را دریاب و مگو: فردا و پس فردا؛ زیرا آنان که پیش از تو بودند ، از آن روی به هلاکت در افتادند که به آرزوها و امروز و فردا کردن تکیه نمودند ، تا آن که فرمان خدا (مرگ) ، ناگهان و بی خبر برایشان در رسید، و بر تابوت هایشان به سوی گورهای تنگ و تاریکشان برده شدند و فرزندان و خانواده شان آنها را تنها گذاشتند. پس، با دلی توبه کننده و دست از دنیا شسته و عزمی استوار ، به خدا رو کن.

.

عنه عليه السلام :لِحُبِّ الدُّنيا صَمَّتِ الأَسماعُ عَن سَماعِ الحِكمَهِ ، وعَمِيَتِ القُلوبُ عَن نورِ البَصيرَهِ . (1)

عنه عليه السلام :إنَّ مَن غَرَّتهُ الدُّنيا بِمُحالِ الآمالِ ، وخَدَعَتهُ بِزورِ الأَمانِيِّ ، أورَثَتهُ كَمَها ، وألبَسَتهُ عَمىً ، وقَطَعَتهُ عَنِ الاُخرى ، وأورَدَتهُ مَوارِدَ الرَّدى . (2)

راجع : ج2 ص102 (فراغ القلب) .

4 / 3فَسادُ العَقلِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أنتُم عَلى بَيِّنَهٍ مِن أمرِكُم ما لَم يَظهَر مِنكُم سَكرَتانِ : سَكرَهُ الجَهلِ ، وسَكرَهُ حُبِّ الدُّنيا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :أنتُمُ اليَومَ عَلى بَيِّنَهٍ مِن رَبِّكُم ، تَأمُرونَ بِالمَعروفِ وتَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ وتُجاهِدونَ فى سَبيلِ اللّهِ ، ثُمَّ تَظهَرُ فيكُمُ السَّكرَتانِ : سَكرَهُ الجَهلِ ، وسَكرَهُ حُبِّ العَيشِ ، وسَتَحوَّلونَ عَن ذلِكَ ؛ فَلا تَأمُرونَ بِمَعروفٍ ولا تَنهَونَ عَن مُنكَرٍ ... . (4)

.

1- .غرر الحكم : ح 7363 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 404 ح 6841 .
2- .غرر الحكم : ح 3532 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 152 ح 3337 .
3- .ربيع الأبرار : ج 1 ص 618 عن معاذ بن جبل وراجع حليه الأولياء : ج 8 ص 48 وكنز العمّال : ج 3 ص 66 ح 5519 .
4- .حليه الأولياء : ج 8 ص 49 عن أنس ، كنز العمّال : ج 1 ص 214 ح 1070 .

4 / 3 تباهی خِرَد

امام علی علیه السلام :از دنیادوستی است که گوش ها از شنیدن حکمت ، کر گشته و دل ها از [دیدن] نور بینش ، کور شده اند.

امام علی علیه السلام :کسی که دنیا او را با آرزوهای دست نیافتنی بفریبد و با امیدهای دروغینْ گولش زند، برایش کوری به ارث می نهد و بر او نابینایی می پوشاند، و از آخرتْ بریده اش می گرداند و او را به آبشخورهای هلاکت در می آورد.

ر . ک : ج2 ص103 (خالی شدن دل از اغیار) .

4 / 3تباهی خِرَدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تا زمانی که دو مستی در شما پدید نیاید ، پیوسته در مسیر درست هستید : مستی نادانی و مستی دنیادوستی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شما امروز در راه روشن پروردگارتان هستید. امر به معروف و نهی از منکر می کنید و در راه خدا به جهاد می پردازید ؛ امّا پس از آن ، دو مستی در شما پدید می آید: مستی نادانی و مستی عشق به زندگی . پس ، تغییر می کنید و دیگر نه امر به معروف می کنید و نه نهی از منکر... .

.

الإمام علىّ عليه السلام :سَبَبُ فَسادِ العَقلِ حُبُّ الدُّنيا . (1)

عنه عليه السلام :زَخارِفُ الدُّنيا تُفسِدُ العُقولَ الضَّعيفَةَ . (2)

عنه عليه السلام :حُبُّ الدُّنيا يُفسِدُ العَقلَ ، ويُصِمُّ القَلبَ عَن سَماعِ الحِكمَةِ ، ويوجِبُ أليمَ العِقابِ . (3)

عنه عليه السلام :الدُّنيا مَصرَعُ العُقولِ . (4)

راجع : ج2 ص98 (كمال المعرفه / حفظ العقل) .

4 / 4فَسادُ النَّفسِ الغَفلَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما لى أرى حُبَّ الدُّنيا قَدِ غَلَبَ عَلى كَثيرٍ مِنَ النّاسِ حَتّى كَأَنَّ المَوتَ فى هذِهِ الدُّنيا عَلى غَيرِهِم كُتِبَ ! وكَأَنَّ الحَقَّ فى هذِهِ الدُّنيا عَلى غَيرِهِم وَجَبَ ! وحَتّى كَأَن لَم يَسمَعوا ويَرَوا مِن خَبَرِ الأَمواتِ قَبلَهُم ! سَبيلُهُم سَبيلُ قَومٍ سَفرٍ عَمّا قَليلٍ إلَيهِم راجِعونَ ، بُيوتُهُم أجداثُهُم ، ويَأكُلونَ تُراثَهُم (5) ، فَيَظُنّونَ أنَّهُم مُخَلَّدونَ بَعدَهُم ، هَيهاتَ هَيهاتَ ! أما يَتَّعِظُ آخِرُهُم بِأوَّلِهِم ؟ لَقَد جَهِلوا ونَسوا كُلَّ واعظٍ فى كِتابِ اللّهِ ، وأمِنوا شَرَّ كُلِّ عاقِبَهِ سوءٍ ، ولَم يَخافوا نُزولَ فادِحَهٍ وبَوائِقَ (6) حادِثَهٍ . (7)

.

1- .غرر الحكم : ح 5543 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 281 ح 5056 .
2- .غرر الحكم : ح 5494 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 275 ح 5003 .
3- .غرر الحكم : ح 4878 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 231 ح 4421 وفيه «ويصمّ» بدل «ويهمّ» .
4- .غرر الحكم : ح 921 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 35 ح 704 .
5- .التُّراث : أصل التاء فيه واو . تقول : وَرِثتُ أبى ، ووَرِثت الشىء من أبى (الصحاح : ج 1 ص 295 «ورث») .
6- .البوائق : الغوائل والشرور (النهايه : ج 1 ص 162 «بوق») .
7- .الكافى : ج 8 ص 168 ح 190 عن جابر بن عبد اللّه ، تحف العقول : ص 29 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 132 ح 42 ؛ نوادر الأُصول : ج 1 ص

152 عن أنس نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 142 ح 44175 نقلاً عن ابن عساكر .

4 / 4 تباهی جان

الف غفلت

امام علی علیه السلام :علّت تباهی خِرَد، دنیادوستی است.

امام علی علیه السلام :زیب و زر دنیا ، خِرَدهای ناتوان را تباه می گرداند.

امام علی علیه السلام :دنیادوستی ، خِرَد را تباه می کند، گوش را از نیوشیدن حکمت ، کر می سازد، و موجب عذاب دردناک می گردد.

امام علی علیه السلام :دنیا، قتلگاه خِرَدهاست.

ر . ک : ج2 ص99 (کمال یافتن شناخت / نگهداری خرد) .

4 / 4تباهی جانالف غفلتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چه شده است که می بینم دنیادوستی بر بسیاری از مردم ، چیره آمده است، چندان که گویی مرگ در این دنیا برای دیگران رقم خورده، و انگار حق (وظیفه) در این دنیا بر غیر آنان واجب گشته است، و گویی از خبر مردگان پیش از خود ، چیزی نشنیده و ندیده اند؟! راهشان راه گروهی مسافر است و به زودی به سوی آنان باز می گردند ؛ آنان که به خانه های گور خویش رفته اند، و اینان میراث خوارشان شده اند، و می پندارند که پس از آنان جاودانه خواهند زیست. هیهات، هیهات! آیا آخرینشان از اوّلینشان پند نمی گیرند؟ سخنان پندآموز کتاب خدا را نفهمیدند و آنها را به فراموشی سپردند، و خویشتن را از گزند هر بدفرجامی ای در امان پنداشتند، و از فرود آمدن هیچ گونه مصیبت و رویداد مهلکی نهراسیدند.

.

الإمام الصادق علیه السلام :كانَ فیما وَعَظَ بِهِ لُقمان ابنَهُ : یا بُنَیَّ . . . لا تَكُن فی هذِهِ الدُّنیا بِمَنزِلَهِ شاهٍ وَقَعَت فی زَرعٍ أخضَرَ فَأَكَلَت حَتّی سَمِنَت (1) ، فَكانَ حَتفُها عِندَ سِمَنِها . (2)

ب الحِرصرسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن اُشرِبَ قَلبُهُ حُبَّ الدُّنیَا التاطَ (3) مِنها بِثَلاثٍ : شَقاءٍ لا یَنفَدُ عَناهُ ، وحِرصٍ لا یَبلُغُ غِناهُ ، وأمَلٍ لا یَبلُغُ مُنتَهاهُ . (4)

الإمام علیّ علیه السلام :مَن لَهِجَ قَلبُهُ بِحُبِّ الدُّنیَا التاطَ قَلبُهُ مِنها بِثَلاثٍ : هَمٍّ لا یُغِبُّهُ (5) ، وحِرصٍ لا یَترُكُهُ ، وأمَلٍ لا یُدرِكُهُ . (6)

.

1- .فی الكافی : «سمن» ، والتصویب من بحار الأنوار .
2- .الكافی : ج 2 ص 134 ح 20 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 194 كلاهما عن یحیی بن عقبه الأزدی ، بحار الأنوار : ج 73 ص 69 ح 36 .
3- .التاط : لصق (النهایه : ج 4 ص 277 «لوط») .
4- .المعجم الكبیر : ج 1 ص 163 ح 10328 ، حلیه الأولیاء : ج 8 ص 120 ولیس فیه «عناه» وكلاهما عن عبد اللّه بن مسعود ، تنبیه الغافلین : ص 243 ح 317 عن أبی عبیده الأسدی نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 224 ح 6266 .
5- .أغْبَبتُ القومَ وغَبَبْت عنهم : إذا جئت یوما وتركت یوما . وفلان لا یُغِبُّنا عَطاؤه : أی لا یأتینا یوما دون یوم ؛ بل یأتینا كلّ یوم (الصحاح : ج 1 ص 190 و 191 «غبب») . فالمعنی : هَمٌّ لا یفارقه .
6- .نهج البلاغه : الحكمه 228 ، غرر الحكم : ح 8741 وفیه «لا یغنیه» بدل «لا یُغبّه» ، خصائص الأئمّه علیهم السلام : ص 103 وفیه «رجاء لا یناله» بدل «حرص لا یتركه» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 130 ح 135 .

ب آزمندی

امام صادق علیه السلام :از اندرزهای لقمان به فرزندش این بود که: «فرزندم !... در این دنیا به سان گوسفندی مباش که در سبزه زاری افتاده و چندان چریده که پروار گشته است و همان پرواری ، مایه مرگ اوست».

ب آزمندیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دلش مالامال از عشق به دنیا شود ، سه چیز همواره با اوست: مشقّتی که رنج آن تمام نمی شود، حرصی که به بی نیازی نمی انجامد، و آرزویی که به پایان نمی رسد.

امام علی علیه السلام :آن که دلش غرق دنیادوستی شود ، سه چیز از دنیا به دل او درمی آمیزد: اندوهی که دمی از او جدا نمی شود، حرصی که از او دست برنمی دارد، و آرزویی که به آن نمی رسد.

.

عنه عليه السلام مِن كِتابٍ لَهُ إلى مُعاوِيَه :أمّا بَعدُ ، فَإِنَّ الدُّنيا مَشغَلَهٌ عَن غَيرِها ، ولَم يُصِب صاحِبُها مِنها شَيئا إلاّ فَتَحَت لَهُ حِرصا عَلَيها ولَهَجا (1) بِها ، ولَن يَستَغنِيَ صاحِبُها بِما نالَ فيها عَمّا لَم يَبلُغهُ مِنها ، ومِن وَراءِ ذلِکَ فِراقُ ما جَمَعَ ونَقضُ ما أبرَمَ ! ولَوِ اعتَبَرتَ بِما مَضى حَفِظتَ ما بَقِيَ ، وَالسَّلامُ . (2)

عنه عليه السلام مِن كِتابٍ لَهُ إلى عَمرِو بنِ العاص :أمّا بَعدُ ،فَإِنَّ الدُّنيا مَشغَلَهٌ عَن غَيرِها ، وصاحِبَها مَقهورٌ فيها ، لَم يُصِب مِنها شَيئا قَطُّ إلاّ فَتَحَت لَهُ حِرصا ، وأدخَلَت عَلَيهِ مَؤونَةً تَزيدُهُ رَغبَةً فيها ، ولَن يَستَغنِيَ صاحِبُها بِما نالَ عَمّا لَم يَبلُغهُ ، ومِن وَراءِ ذلِکَ فِراقُ ما جَمَعَ ، وَالسَّعيدُ مَن وُعِظَ بِغَيرِهِ . فَلا تُحبِط أجرَکَ أبا عَبدِ اللّه ، ولا تُجارِيَنَّ مُعاوِيَهَ فى باطِلِهِ ، فَإِنَّ مُعاوِيَه غَمَصَ (3) النّاسَ وسَفِهَ الحَقَّ . (4)

راجع : ج2 ص102 (صلاح النفس) .

ج الطَّمَعرسول اللّه صلى الله عليه و آله :حَرامٌ عَلى كُلِّ قَلبٍ يُحِبُّ الدُّنيا أن يُفارِقَهُ الطَّمَعُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تَزالُ نَفسُ ابنِ آدَمَ شابَّهٌ فى طَلَبِ الدُّنيا ، وإنِ التَقَت تَرقُوَتاهُ مِنَ الكِبَرِ . (6)

.

1- .يلهجُ لَهَجا : إذا أُغرى به فثابر عليه (الصحاح : ج 1 ص 339 «لهج») .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 49 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 36 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 483 ح 688 وراجع غرر الحكم : ح 3695 .
3- .غَمَصَ الناسَ : احتقرهم (النهايه : ج 3 ص 386 «غمص») .
4- .وقعه صفّين : ص 110 وراجع ص 498 وبحار الأنوار : ج 32 ص 402 ح 369 .
5- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 122 .
6- .كنز العمّال : ج 3 ص 220 ح 6242 نقلاً عن الديلمى عن أبى هريره .

ج طمع

امام علی علیه السلام در نامه اش به معاویه :امّا بعد ؛ دنیا مایه باز داشتن از غیر خود (آخرت) است، و دنیاخواه ، به چیزی از آن نمی رسد ، جز آن که دری از آزمندی و شیفتگی به دنیا بر رویش گشوده می گردد، و با آنچه از دنیا به دست آورده ، از آنچه به دست نیاورده است ، هرگز احساس بی نیازی نمی کند، در حالی که سرانجام، باید آنچه را گرد آورده است ، بگذارد و برود و آنچه را رشته است ، پنبه کند! و تو اگر از آنچه گذشته است ، پند می گرفتی ، آنچه را مانده است ، پاس می داشتی. بدرود!

امام علی علیه السلام در نامه اش به عمرو بن عاص :امّا بعد ؛ دنیا مایه باز داشتن از غیر خود (آخرت) است، و دنیاپرست در آن ، شکست خورده است. او هرگز به چیزی از دنیا نرسید ، مگر آن که دنیا دری از آزمندی را به رویش گشود، و هزینه ای بر او بار کرد که موجب دنیاخواهی بیشتر او شد. دنیادار ، هر اندازه از دنیا به دست آورد ، باز او را از آنچه به دست نیاورده است ، بی نیاز نمی کند، در حالی که سرانجام او ، جدا شدن از چیزی است که گرد آورده است. خوش بخت ، کسی است که از دیگران پند گیرد. پس، ای ابو عبد اللّه ! اجر خود را ضایع مکن، و با معاویه در راه باطلش همراهی منما؛ چرا که معاویه مردم را خوار می شمارد و برای حق ، ارزشی قائل نیست.

ر . ک : ج2 ص103 (دوستی و پاکی نفس) .

ج طمعپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جدا شدن طمع از دلی که دنیادوست است ، ناشدنی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نفْس آدمی در دنیاخواهی ، پیوسته جوان است ، هرچند از شدّت پیری ، چنبرهای (1) او به هم برسند.

.

1- .چنبر ، چنبره یا ترقوه ، استخوان باریک و نسبتاً بلندی در شانه است که هر یک از دو سر آن ، دارای انحنایی مخالف آن دیگری است (ر .ک : لغت نامه دهخدا).

الإمام علىّ عليه السلام :حُبُّ الدُّنيا يوجِبُ الطَّمَعَ . (1)

د العُبودِيَّهالإمام علىّ عليه السلام :مَن عَظُمَتِ الدُّنيا فى عَينِهِ ، وكَبُرَ مَوقِعُها فى قَلبِهِ ، آثَرَها عَلَى اللّهِ تَعالى ؛ فَانقَطَعَ إلَيها وصارَ عَبدا لَها . (2)

عنه عليه السلام :مَن عَشِقَ شَيئا أعشى بَصَرَهُ ، وأمرَضَ قَلبَهُ ، فَهُوَ يَنظُرُ بِعَينٍ غَيرِ صَحيحَهٍ ، ويَسمَعُ بِأُذُنٍ غَيرِ سَميعَهٍ ، قَد خَرَقَتِ الشَّهَواتُ عَقلَهُ ، وأماتَتِ الدُّنيا قَلبَهُ ، ووَلِهَت عَلَيها نَفسُهُ ، فَهُوَ عَبدٌ لَها ولِمَن فى يَدَيهِ شَيءٌ مِنها ، حَيثُما زالَت زالَ إلَيها ، وحَيثُما أقبَلَت أقبَلَ عَلَيها ، لا يَنزَجِرُ مِنَ اللّهِ بِزاجِرٍ، ولا يَتَّعِظُ مِنهُ بِواعِظٍ ، وهُوَ يَرَى المَأخوذينَ عَلَى الغِرَّهِ حَيثُ لا إقالَهَ ولا رَجعَهَ كَيفَ نَزَلَ بِهِم ما كانوا يَجهَلونَ ، وجاءَهُم مِن فِراقِ الدُّنيا ما كانوا يَأمَنونَ ، وقَدِموا مِنَ الآخِرَهِ عَلى ما كانوا يوعَدون ، فَغَيرُ مَوصوفٍ ما نَزَلَ بِهِم . (3)

عنه عليه السلام :مَن أحَبَّ الدّينارَ وَالدِّرهَمَ فَهُوَ عَبدُ الدُّنيا . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :أبناءُ الدُّنيا عَبيدُ ما يَأكُلونَ ويَلبَسونَ . (5)

عيسى عليه السلام :لا تَتَّخِذُوا الدُّنيا رَبّا فَتَتَّخِذَكُم عَبيدا . (6)

.

1- .غرر الحكم : ح 4872 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4431 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 160 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 36 ، أعلام الدين : ص 246 وفيه «وعظم» بدل «وكبر» .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 109 .
4- .الخصال : ص 113 ح 91 عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : ج 2 ص 107 ح 4 .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 272 ح 843 ، علل الشرائع : ص 341 ح 1 كلاهما عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 85 ص 147 ح 2 .
6- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 129 ، المحجّه البيضاء : ج 5 ص 354 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 327 ح 48 .

د بردگی

امام علی علیه السلام :دنیادوستی ، موجب طمعکاری می شود.

د بردگیامام علی علیه السلام :کسی که دنیا در نظرش بزرگ آید، و در دلش جایگاهی بشکوه یابد، آن را بر خداوند متعال مقدّم می دارد، پس یکسره به دنیا روی می آورد و بنده آن می شود.

امام علی علیه السلام :کسی که عاشق چیزی شود، آن چیزْ دیده [دلِ] او را کم سو می گرداند، و دلش را بیمار می کند. در نتیجه، چنین کسی با چشمی ناسالم می نگرد، و با گوشی ناشنوا می شنود. خواست های دنیوی ، خِرَد او را از هم دریده، و دنیا دلش را میرانده، و جانش شیفته آن گردیده است . از این رو ، بنده دنیا و بنده کسی است که چیزی از دنیا دارد. به هر کجا که دنیا برود ، او نیز بدان جا می رود، و به هر سو که دنیا رو کند ، او نیز بدانْ رو می کند. با هیچ نهی ای از جانب خدا ، باز نمی ایستد، و از هیچ پندی از او ، اندرز نمی گیرد، در حالی که می بیند مرگ ، چه سان ناگهان گریبان دیگران را می گیرد و مجال پوزشخواهی و بازگشتی نمی دهد ، و آنچه نمی دانستند ، بر آنان فرود می آید، و از دنیا که خود را در آن ایمن می پنداشتند ، جدا می شوند، و به آنچه در آخرت وعده داده می شدند ، می رسند. آنچه بر سر آنان می آید ، به راستی در وصف نمی گنجد.

امام علی علیه السلام :هر که درهم و دینار را دوست بدارد ، بنده دنیاست.

امام صادق علیه السلام :دنیاپرستان ، بنده خوراک و پوشاک اند.

عیسی علیه السلام :دنیا را خداوندگار خویش مگیرید که شما را به بندگی می گیرد.

.

ه الجَزَعالإمام الكاظم عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِهِشام :يا هِشامُ ، إنَّ المَسيحَ عليه السلام قالَ لِلحَوارِيّين : . . . إنَّ أجزَعَكُم عِندَ البَلاءِ لاَعَشَدُّكُم حُبّا لِلدُّنيا ، وإنَّ أصبَرَكُم عَلَى البَلاَءِ لاَعَزهَدُكُم فِى الدُّنيا . (1)

و الشَّقاءرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لِعَلِيٍّ عليه السلام :يا عَلِى ، أربَعُ خِصالٍ مِنَ الشَّقاءِ : جُمودُ (2) العَينِ ، وقَساوَةُ القَلبِ ، وبُعدُ الأمَلِ ، وحُبُّ الدُّنيا مِنَ الشَّقاءِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مِن عَلاماتِ الشَّقاءِ : جُمودُ العَينِ ، وقَسوَةُ القَلبِ ، وشِدَّةُ الحِرصِ فى طَلَبِ الدُّنيا ، وَالإِصرارُ عَلَى الذَّنبِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :سَبَبُ الشَّقاءِ حُبُّ الدُّنيا . (5)

عنه عليه السلام :إيّاكَ وَالوَلَهَ بِالدُّنيا ؛ فَإِنَّها تورِثُكَ الشَّقاءَ وَالبَلاءَ ، وتَحدوكَ (6) عَلى بَيعِ البَقاءِ بِالفَناءِ . (7)

.

1- .تحف العقول:ص392393 وص509 من دون إسنادٍ إلى الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج1 ص146 ح30؛ البدايه والنهايه : ج 9 ص 300 ، الدرّ المنثور : ج 2 ص 205 نقلاً عن أحمد وكلاهما عن وهب بن منبه نحوه.
2- .جُمُودُ العَينِ : قِلّه دمعها ؛ كنايه عن قسوه القلب (المصباح المنير : ص 107 «جمد») .
3- .تحف العقول : ص 12 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 360 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو و أنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الخصال : ص 243 ح 97 عن محمّد أبى مالک عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيهما «حبّ البقاء» بدل «حبّ الدنيا من الشقاء» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 65 ح 5 ؛ مجمع الزوائد : ج 10 ص 389 ح 17685 نقلاً عن البزّار عن أنس وفيه «طول الأمل والحرص على الدنيا» بدل «بُعد الأمل وحبّ الدنيا من الشقاء» .

4- .الكافى : ج 2 ص 290 ح 6 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 47 ؛ مجمع الزوائد : ج 10 ص 389 ح 17685 نقلاً عن البزّار عن أنس نحوه .
5- .غرر الحكم : ح 5516 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 98 ح 2269 نحوه .
6- .حَدا الإبلَ : زَجَرها وساقَها (القاموس المحيط : ج 4 ص 315 «حدا») .
7- .غرر الحكم : ح 2707 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 98 ح 2269 .

ه بی تابی

و شقاوت

ه بی تابیامام کاظم علیه السلام در سفارش به هشام :ای هشام! مسیح علیه السلام به حواریان فرمود: «... بی تاب ترینِ شما در هنگام بلا ، علاقه مندترینِ شما به دنیاست، و شکیباترینتان در بلا ، زاهدترینِ شما در دنیاست».

و شقاوتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام :ای علی! چهار خصلت ، از شقاوت است . خشکی چشم (1) و قساوت قلب و آرزوی دراز و دنیادوستی ، از شقاوت اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از نشانه های شقاوت اند: خشکی چشم، قساوت قلب، آزمندی شدید در طلب دنیا، و ادامه دادن به گناه.

امام علی علیه السلام :علّت شقاوت، عشق به دنیاست.

امام علی علیه السلام :زنهار از شیفتگی به دنیا، که بدبختی و رنج برایت بر جای می نهد، و به فروختن زندگی جاودانی به زندگی فناپذیر ، وادارت می کند!

.

1- .کم گریستن. کنایه از سنگ دلی و نداشتن عاطفه و رقّت قلب است (المصباح المنیر : ص 107 «جمد»).

عنه عليه السلام :حُكِمَ عَلى أهلِ الدُّنيا بِالشَّقاءِ وَالفَناءِ وَالدَّمارِ وَالبَوارِ . (1)

عنه عليه السلام :مَن كانَتِ الدُّنيا هَمَّهُ ، طالَ يَومَ القِيامَهِ شَقاؤُهُ وغَمُّهُ . (2)

عنه عليه السلام :مَن كانَتِ الدُّنيا أكبَرَ هَمِّهِ ، طالَ شَقاؤُهُ وغَمُّهُ . (3)

عنه عليه السلام :الدّينُ يُجِلُّ ، الدُّنيا تُذِلُّ . (4)

زِ الهَلاكرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن جَعَلَ الهُمومَ هَمّا واحِدا ؛ هَمَّ آخِرَتِهِ ، كَفاهُ اللّهُ هَمَّ دُنياهُ . ومَن تَشَعَّبَت بِهِ الهُمومُ فى أحوالِ الدُّنيا لَم يُبالِ اللّهُ فى أىِّ أودِيَتِها هَلَكَ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ مَن كانَتِ العاجِلَهُ أملَكَ بِهِ مِنَ الآجِلَهِ ، واُمورُ الدُّنيا أغلَبَ عَلَيهِ مِن اُمورِ الآخِرَهِ ، فَقَد باعَ الباقِىَ بِالفانى ، وتَعَوَّضَ البائِدَ عَنِ الخالِدِ ، وأهلَكَ نَفسَهُ ورَضِىَ لَها بِالحائِلِ الزّائِلِ ، ونَكَبَ بِها عَن نَهجِ السَّبيلِ . (6)

عنه عليه السلام :كُلَّما ازدادَ المَرءُ بِالدُّنيا شُغلاً وزادَ بِها وَلَها ، أورَدَتهُ المَسالِكَ وأوقَعَتهُ فِى المَهالِكِ . (7)

.

1- .غرر الحكم : ح 4932 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 234 ح 4486 .
2- .غرر الحكم : ح 9110 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 425 ح 7189 .
3- .كنز الفوائد : ج 1 ص 345 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 .
4- .غرر الحكم : ح 3 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 18 ح 48 و 49 .
5- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 95 ح 257 ، شُعب الإيمان : ج 2 ص 306 ح 1888 كلاهما عن عبد اللّه بن مسعود ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 481 ح 3658 وج 4 ص 364 ح 7934 كلاهما عن ابن عمر ، حليه الأولياء : ج 2 ص 105 عن عبداللّه بن مسعود وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 203 ح 6178 .
6- .غرر الحكم : ح 3607 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 153 ح 3351 .
7- .غرر الحكم : ح 7200 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 396 ح 6714 .

ز هلاکت

امام علی علیه السلام :مردم دنیا ، محکوم به بدبختی و نیستی و نابودی و هلاکت اند.

امام علی علیه السلام :کسی که دنیا همّ و غم او باشد، در روز قیامت شقاوت و اندوه او به درازا می کشد.

امام علی علیه السلام :کسی که بزرگ ترین اهتمامش دنیا باشد ، گرفتاری و اندوهش به درازا می کشد.

امام علی علیه السلام :دین ، [آدمی را] ارجمند می گرداند، و دنیا ، خوار می سازد.

ز هلاکتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس همه غصّه هایش را یک غصّه یعنی غصّه آخرتش کُنَد ، خداوندغصّه های دنیای او را برطرف می سازد، و هر کس انواع غصّه های دنیا وجودش را فرا بگیرد ، خداوند، اهمّیتی نمی دهد که در کدام وادی از وادی های آن نابود می شود.

امام علی علیه السلام :کسی که زندگی کنونی ، بیشتر از زندگی آینده اختیاردار او باشد و کارهای دنیا بر او چیره تر از کارهای آخرت باشد ، هر آینه ماندگار را به فناپذیر فروخته، و جاویدان را با گذرا عوض کرده، و خویشتن را به نابودی افکنده ، و زندگی دگرگون شونده زوال پذیر را برای خود پسندیده، و از راه روشن به کج راهه رفته است.

امام علی علیه السلام :هر گاه مشغله انسان به دنیا بیشتر شود و علاقه اش به آن فزون تر گردد، دنیا او را به راه های گوناگون می برد و وی را در مهلکه ها می افکند.

.

عنه عليه السلام :مَن لَم يُبالِ ما رُزِئَ (1) مِن آخِرَتِهِ إذا سَلِمَت لَهُ دُنياهُ ، فَهُوَ هالِكٌ . (2)

عنه عليه السلام :آفَةُ النَّفسِ الوَلَهُ (3) بِالدُّنيا . (4)

عنه عليه السلام :زُهدُکَ فِی الدُّنیا یُنجیکَ ، ورَغبَتُکَ فیها تُردیکَ . (5)

عنه عليه السلام :الرَّغبَةُ مِفتاحُ العَطَبِ (6) . (7)

4 / 5الاِستِعلاءالإمام علیّ علیه السلام فی خُطبَتِهِ المَعروفَهِ بِالشِّقشِقِیَّهِ :فَلَمّا نَهَضتُ بِالأَمرِ نَکَثَت (8) طائِفَهٌ ، ومَرَقَت (9) اُخری ، وقَسَطَ (10) آخَرونَ ، کَأَنَّهُم لَم یَسمَعُوا اللّهَ سُبحانَهُ یَقولُ : «تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لاَ یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ ولاَ فَسَادًا وَ الْعَقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ» (11) ! بَلی ، وَاللّهِ سَمِعوها ووَعَوها ، ولکِنَّهُم حَلِیَتِ الدُّنیا فی أعیُنِهِم ، وراقَهُم زِبرِجُها . (12)

.

1- .رزأته رزیئه : أصابته مصیبه (الصحاح : ج 1 ص 53 «رزأ») .
2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 382 ح 5833 ، معانی الأخبار : ص 198 ح 4 ، الأمالی للطوسی : ص 435 ح 974 نحوه ، الأمالی للصدوق : ص 478 ح 644 کلّها عن عبداللّه بن بکر المرادی عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام ، روضه الواعظین : ص 487 وفیهما «زری» بدل «رزئ» ، مشکاه الأنوار : ص 208 ح 566 وفیه «زوی» بدل «رزئ» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 377 ح 1 .
3- .الوَلَه : ذهابُ العقل والتحیّر من شدّه الوَجد (النهایه : ج 5 ص 227 «وله») .
4- .غرر الحکم : ح 3926 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 182 ح 3731 وفیه «العقل» بدل «النفس» .
5- .غرر الحکم : ح 5477 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 276 ح 5031 .
6- .عَطِب عَطَبا : هَلَک (المحیط فی اللغه : ج 1 ص 410 «عطب») .
7- .کنز الفوائد : ج 1 ص 279 ، أعلام الدین : ص 187 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 91 ح 95 .

8- .النَّكثُ : نقض العهد (النهايه : ج 5 ص 114 «نكث») .
9- .مَرَقَ من الدِّين : خرج منه (المصباح المنير : ص 569 «مرق») .
10- .القسطُ : اَلجَوْرُ والعُدُولُ عن الحقّ (الصحاح : ج 3 ص 1152 «قسط») .
11- .القصص : 83 .
12- .نهج البلاغه : الخطبه 3 ، الإرشاد : ج 1 ص 289 ، علل الشرائع : ص 151 ح 12 نحوه ، الاحتجاج : ج 1 ص 457 ح 105 كلّها عن ابن عبّاس ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 2 ص 205 .

امام علی علیه السلام :کسی که هر گاه دنیایش سالم (و تأمین) باشد ، برایش مهم نیست که چه بلایی بر سر آخرتش می آید، در هلاکت است.

امام علی علیه السلام :آفت نفْس، شیفتگی به دنیاست.

امام علی علیه السلام :زهد تو در دنیا، تو را نجات می دهد، و دل بستگی تو به آن ، تو را نابود می کند.

امام علی علیه السلام :دنیاخواهی ، کلید نابودی است.

4 / 5برتری جوییامام علی علیه السلام در خطبه معروف به شقشقیه :چون زمام امور را به دست گرفتم ، گروهی پیمان شکستند، عدّه ای از فرمان به در شدند، و عدّه ای سر از فرمان حق برتافتند. گویی آنان نشنیده اند که خداوند سبحان می فرماید: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواهان برتری جویی و تباهکاری در زمین نیستند ، و عاقبت ، از آنِ تقواپیشگان است» . آری ! به خدا سوگند که آن را شنیدند و فهمیدند ؛ امّا دنیا در چشم آنان زیبا نمود، و زرق و برق آن خیره شان ساخت.

.

راجع : ج2 ص292 (خصائص أبناء الآخره) .

4 / 6التَّنازُعتنبيه الخواطر :قيلَ: صَحِبَ رَجُلٌ عيسَى بنَ مَريَمَ عليه السلام فَقالَ : أكونُ مَعَکَ وأصحَبُکَ . فَانطَلَقا فَانتَهَيا إلى شَطِّ نَهرٍ فَجَلَسا يَتَغَدَّيانِ ومَعَهُما ثَلاثَةُ أرغِفَةٍ ، فَأكَلا رَغيفَينِ وبَقِيَ رَغيفٌ ، فَقامَ عيسى عليه السلام إلَى النَّهرِ فَشَرِبَ ماءً ، ثُمَّ رَجَعَ فَلَم يَجِدِ الرَّغيفَ ، فَقالَ لِلرَّجُلِ : مَن أخَذَ الرَّغيفَ؟ قالَ : لا أدرى . قالَ : فَانطَلَقَ ومَعَهُ صاحِبُهُ ، فَرأى ظَبيَةً مَعَها خِشفانِ (1) لَها ، فَدَعا أحَدَهُما فَأتاهُ فَذَبَحَهُ فَأشوى (2) مِنهُ ، فَأكَلَ هُوَ وذلِکَ الرَّجُلُ ، ثُمَّ قالَ لِلخِشفِ : قُم بِإذنِ اللّهِ ، فَقامَ فَذَهَبَ . فَقالَ لِلرَّجُلِ : أسأَلُکَ بِالَّذى أراکَ هذِهِ الآيَةَ ، مَن أخَذَ الرَّغيفَ ؟ قالَ : لا أدرى . ثُمَّ انتَهَيا إلى وادى ماءٍ ، فَأخَذَ عيسى عليه السلام بِيَدِ الرَّجُلِ فَمَشَيا عَلَى الماءِ ، فَلَمّا جاوَزاهُ قالَ : أسأَلُکَ بِالَّذى أراکَ هذِهِ الآيَةَ ، مَن أخَذَ الرَّغيفَ؟ قالَ : لا أدرى . قالَ : فَانتَهَيا إلى مَفازَةٍ (3) فَجَلَسا ، فَجَمَعَ عيسى عليه السلام تُرابا أو كَثيبا (4) ، فَقالَ : كُن ذَهَبا بِإذنِ اللّهِ ! فَصار ذَهَبا ، فَقَسَّمَهُ ثَلاثَةَ أثلاثٍ فَقالَ : ثُلُثٌ لى وثُلُثٌ لَکَ وثُلُثٌ لِمَن أخَذَ الرَّغيفَ . قالَ : فَأنَا أخَذتُ الرَّغيفَ . فَقالَ : فَكُلُّهُ لَکَ . قالَ : وفارَقَهُ عيسى عليه السلام ، فَانتَهى إلَيهِ رَجُلانِ فِى المَفازَةِ ومَعَهُ المالُ ، فَأرادا أن يَأخُذاهُ مِنهُ ويَقتُلاهُ ، فَقالَ : هُوَ بَينَنا أثلاثٌ ، قالَ : فَابعَثوا أحَدَكُم إلَى القَريَةِ حَتّى يَشتَرِىَ طَعاما ، فَبَعَثوا أحَدَهُم ، فَقالَ الَّذى بُعِثَ : لِاَىِّ شَىءٍ أُقاسِمُ هؤُلاءِ هذَا المالَ لكِنّى أصنَعُ فى هذَا الطَّعامِ سَمّا فَأقتُلُهُما ، فَفَعَلَ . وقالَ أُولئِکَ : لِاَىِّ شَىءٍ نَجعَلُ لِهذا ثُلُثَ المالِ ، ولكِن إذا رَجَعَ قَتَلناهُ وَاقتَسَمنَا المالَ بَينَنا . قالَ : فَلَمّا رَجَعَ إلَيهِما قَتَلاهُ ، وأكَلا الطَّعامَ فَماتا ، فَبَقِىَ ذلِکَ المالُ فى المَفازَةِ وأُولئِکَ الثَّلاثَةُ قَتلى عِندَهُ . فَمَرَّ بِهِم عيسى عليه السلام وهُم عَلى تِلکَ الحالِ ، فَقالَ لِاَصحابِهِ : هذِهِ الدُّنيا فَاحذَروها . (5)

.

1- .الخِشْفُ : وَلَدُ الغزال يطلق على الذكر والأُنثى (المصباح المنير : ص 170 «خشف») .
2- .شَوَيتُ اللحمَ . . . وأشْوَيتُه بالألف لُغه (المصباح المنير : ص 328 «شوى») .
3- .المَفَازَه : البَرِّيّه القَفْر (النهايه : ج 3 ص 478 «فوز») .

4- .الكَثيب : الرمل المستطيل المحدودب (النهايه : ج 4 ص 152 «كثب»)
.
5- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 179 ، المحجّه البيضاء : ج 6 ص 103 عن ليث وراجع الدرّ المنثور : ج 2 ص 219 .

ر . ک : ج2 ص293 (ویژگی های آخرت گرایان) .

4 / 6ستیزهتنبیه الخواطر:آورده اند که: مردی با عیسی بن مریم علیه السلام مصاحبت اختیار کرد و گفت: [می خواهم] با تو باشم و همراهی ات کنم. آن دو به راه افتادند و رفتند تا به کنار جوی آبی رسیدند و نشستند که غذایی بخورند. سه گرده نان با خود داشتند. دو گرده آن را خوردند و یکی باقی ماند. عیسی علیه السلام به طرف رود رفت و آبی نوشید و چون برگشت ، آن گرده نان را ندید. به مرد گفت: «چه کسی نان را برداشت؟» . مرد گفت: نمی دانم. عیسی علیه السلام با آن مرد به راه افتاد. در راه ، آهویی را دید که دو بچه آهو همراهش بودند. یکی از آن دو را صدا زد و آن بچه آهو جلو رفت. عیسی آن را سر برید و مقداری از گوشتش را بریان کرد و هر دو نفر خوردند. سپس به آن بچه آهوی ذبح شده فرمود: «به اذن خدا، برخیز!» بچه آهو برخاست و رفت. عیسی علیه السلام به آن مرد گفت: «تو را به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد، بگو چه کسی آن نان را برداشت؟» . مرد گفت: نمی دانم. باز هم رفتند تا به رودخانه ای رسیدند. عیسی علیه السلام دست مرد را گرفت و هر دو ، بر آب رفتند و چون از آن گذشتند، عیسی علیه السلام گفت: «تو را به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد ، بگو چه کسی نان را برداشت؟» . مرد گفت: نمی دانم. رفتند تا به بیابانی رسیدند. هر دو نشستند. عیسی علیه السلام مشتی خاک یا ریگ برداشت و [به آن] گفت: «به اذن خدا، طلا شو!» و طلا شد . عیسی علیه السلام آنها را سه قسمت کرد و فرمود: «یک سوم ، مال من، یک سوم ، مال تو و یک سوم ، مال کسی که نان را برداشته است». در این هنگام ، مرد گفت: من نان را برداشته ام. عیسی گفت: «حال ، همه اش مال تو» و از او جدا شد. در آن بیابان ، دو مرد به او که حالا مقداری طلا با خود داشت رسیدند. خواستند او را بکشند و طلاهایش را بردارند ؛ امّا او گفت: طلاها را میان خود به سه قسمت می کنیم. و گفت: یک نفرمان را به آبادی بفرستیم تا غذایی بخرد . یک نفرشان را فرستادند. آن که رفته بود ، با خود گفت: چرا این طلاها را با اینها قسمت کنم. در این غذا سمّی می ریزم و آن دو را می کشم . و این کار را کرد. آن دو نفر هم گفتند: چرا یک سوم طلاها را به او بدهیم. وقتی برگشت ، او را می کشیم و طلاها را میان خودمان تقسیم می کنیم. چون آن مرد

برگشت، او را کشتند ، و غذا را خوردند و خود نیز مردند، و در آن بیابان ، آن طلاها ماند و سه کشته در کنارش. عیسی علیه السلام در این حال بر آنان گذشت. به یارانش فرمود: «این است دنیا ! از آن حذر کنید».

.

ص: 420

. .

ص: 421

..

4 / 7التَّعَبرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الزُّهدُ فِى الدُّنيا يُريحُ البَدَنَ ، وَالرَّغبَةُ فِى الدُّنيا تُتعِبُ البَدَنَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن زَهِدَ فِى الدُّنيا استَراحَ قَلبُهُ وبَدَنُهُ ، ومَن رَغِبَ فيها تَعِبَ قَلبُهُ وبَدَنُهُ . (2)

عنه عليه السلام فِى التَّزهيدِ فِى الدُّنيا :مَن رَغِبَ فيها أتعَبَتهُ وأشقَتهُ . (3)

عنه عليه السلام :ثَمَرَةُ الوَلَهِ بِالدُّنيا عَظيمُ المِحنَهِ . (4)

عنه عليه السلام :قُرِنَتِ المِحنَهُ بِحُبِّ الدُّنيا . (5)

راجع : ص 28 (خصائص الدنيا / دار محنه) .

4 / 8الحُزنرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الرَّغبَةُ فِى الدُّنيا تُكثِرُ الهَمَّ وَالحُزنَ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الدُّنيا مَشغَلَهٌ لِلقَلبِ وَالبَدَنِ ، فَإِنَّ اللّهَ يَسأَلُ أهلَ الدُّنيا عَمّا نَعَموا فى حَلالِها ، فَكَيفَ بِما نَعَموا فى حَرامِها؟ (7)

.

1- .الفردوس : ج 2 ص 299 ح 3364 عن أبى هريره .
2- .إرشاد القلوب : ص 125 .
3- .غرر الحكم : ح 8481 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 456 ح 8243 .
4- .غرر الحكم : ح 4611 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 208 ح 4190 .
5- .غرر الحكم : ح 6721 وح 1060 نحوه ، عيون الحكم والمواعظ : ص 369 ح 6218 .
6- .الخصال : ص 73 ح 114 عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 468 ح 1564 ، روضه الواعظين : ص 484 ، إرشاد القلوب : ص 19 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه «تورث» بدل «تكثر» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 91 ح 65 ؛ مسند الشهاب : ج 1 ص 188 ح 278 عن عبداللّه بن عمرو .

7- .الأمالى للطوسى : ص 532 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 369 ح 2661 نحوه وكلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 81 ح 3 .

4 / 7 خستگی

4 / 8 اندوه

4 / 7خستگیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دل برکندن از دنیا ، مایه آسایش تن است و دنیاخواهی ، موجب خستگی تن.

امام علی علیه السلام :آن که به دنیا زهد ورزید، دل و تنش آسود، و آن که در پی آن برآمد، دل و تنش خسته شد.

امام علی علیه السلام در تشویق به ترک دنیا :هر که دنیاخواه شد ، دنیا او را خسته و رنجور ساخت.

امام علی علیه السلام :ثمره شیفتگی به دنیا، رنج بسیار است.

امام علی علیه السلام :دنیادوستی و رنج ، همنشین اند.

ر . ک : ص29 (ویژگی های دنیا / محنتکده) .

4 / 8اندوهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیاخواهی ، گرفتگی و اندوه را زیاد می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا مایه سرگرمی دل و تن [و غافل داشتن آنها از آخرت [است . خداوند از مردم دنیا درباره نعمت های حلالی که برخوردار بوده اند، بازخواست می کند، چه رسد به برخورداری آنان از نعمت های حرام دنیا .

.

الإمام علىّ عليه السلام :لِلمُستَحلى لَذَّةَ الدُّنيا غُصَّةٌ . (1)

عنه عليه السلام :المُستَمتِعونَ بِالدُّنيا تَبكى قُلوبُهُم وإن فَرِحوا ، ويَشتَدُّ مَقتُهُم لِاءَنفُسِهِم وإن اغتُبِطوا بِبَعضِ ما مِنها رُزِقوا . الدُّنيا فانِيَةٌ لا بَقاءَ لَها ، وَالآخِرَةُ باقِيَةٌ لَا فَناءَ لَها . الدُّنيا مُقبِلَةٌ إلَى الآخِرَهِ ، وَالآخِرَةُ مَلجَأُ الدُّنيا . (2)

عنه عليه السلام فى بَيانِ مَضارِّ حُبِّ الدُّنيا :مَن استَشعَرَ الشَّغَفَ (3) بِها مَلاَءَت ضَميرَهُ أشجانا لَهُنَّ رَقصٌ على سُوَيداءِ قَلبِهِ: (4) هَمٌّ يَشغَلُهُ، و غَمٌّ يَحزُنُهُ، كَذلِکَ حَتّى يُؤخَذَ بِكَظَمِهِ (5) فَيُلقى بِالفَضاءِ مُنقَطِعا أبهَراهُ (6) ، هَيِّناً عَلَى اللّهِ فَناؤُهُ وعَلَى الإِخوانِ إلقاؤُهُ . (7)

عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : اُفٍّ عَلَى الدُّنيا وأسبابِها فَإِنَّها لِلحُزنِ مَخلوقَه هُمومُها ما تَنقَضى ساعَةً عَن مَلِكٍ فيها وعَن سوقَه (8)

.

1- .غرر الحكم : ح 7333 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 404 ح 6823 .
2- .مطالب السؤول : ص 52 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 21 ح 82 .
3- .شُغِفَ بالشىء : أُولِعَ به (تاج العروس : ج 12 ص 308 «شغف») .
4- .سَوادُ القلب: حبّته، وقيل: دمه، وإذا صغَّروا ردّوه إلى سويداء (لسان العرب: ج 3 ص 227 «سود»).
5- .الكَظَم : هو مخرج النفس من الحلق (النهايه : ج 4 ص 178 «كظم») .
6- .الأبهر : عِرْقٌ فى الظهر ، وهما أبهران (النهايه : ج 1 ص 18 «أبهَرَ») .
7- .نهج البلاغه : الحكمه 367 ، تحف العقول : ص 221 نحوه ، غرر الحكم : ح 9060 وفيه «بعيدا على الإخوان لقاؤه» بدل «على الإخوان إلقاؤه» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 131 ح 135 .
8- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 390 الرقم 301 .

امام علی علیه السلام :کسی که لذّت دنیا را شیرین بشمرد ، اندوه به سراغش می آید.

امام علی علیه السلام :برخورداران از دنیا، دل هایشان می گرید ، اگرچه [به ظاهر] شاد باشند ، و از خویشتن سخت در خشم اند ، اگرچه برای آنچه از دنیا روزی داده شده اند ، مورد غبطه دیگران باشند. دنیا ، فناپذیر است و بقایی ندارد، و آخرت ، ماندگار است و فنا نمی پذیرد. دنیا رو به آخرت دارد، و آخرت ، پناهگاه دنیاست.

امام علی علیه السلام در بیان زیان های دنیادوستی :آن که دل باخته دنیا شود، دنیا اندرون او را آکنده از اندوه ها (نگرانی ها) می کند که در سویدای دلش به رقص در می آیند . اندوهی او را به خود مشغول می سازد، و غصّه ای اندوهگینش می کند، تا آن که گلویش گرفته ، شاه رگ هایش از کار می افتند و در گوشه ای افکنده می شود. خداوند ، به آسانی نابودش می کند، و دوستان ، به راحتی در گورش می افکنند.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : تفو بر دنیا و اسباب آن/ که برای غم و اندوه آفریده شده است غم هایش دمی پایان نمی گیرند/نه برای شاه و نه برای رعیّت .

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَن تَعَلَّقَ قَلبُهُ بِالدُّنيا تَعَلَّقَ قَلبُهُ بِثَلاثِ خِصالٍ : هَمٍّ لا يَفنى ، وأمَلٍ لا يُدرَكُ ، ورَجاءٍ لا يُنالُ . (1)

4 / 9الحَسرَهالإمام علىّ عليه السلام :مَن كانَتِ الدُّنيا هِمَّتَهُ ، اشتَدَّت حَسرَتُهُ عِندَ فِراقِها . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن كَثُرَ اشتِباكُهُ بِالدُّنيا ، كانَ أشَدَّ لِحَسرَتِهِ عِندَ فِراقِها . (3)

4 / 10فَسادُ الدّينِالكتاب«مَن كَفَرَ بِاللَّهِ مِن بَعْدِ إِيمَنِهِ إِلاَّ مَنْ أُكْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالاْءِيمَنِ و لَكِن مَّن شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ * ذَ لِكَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّواْ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا عَلَى الآخِرَهِ وَ أَنَّ اللَّهَ لاَ يَهْدِى الْقَوْمَ الْكَفِرِينَ» . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 320 ح 17 ، الخصال : ص 88 ح 22 ، تحف العقول : ص 367 ، مشكاه الأنوار : ص 468 ح 1565 ، روضه الواعظين : ص 484 .

2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 382 ح 5833 ، معانى الأخبار : ص 198 ح 4 ، الأمالى للطوسى : ص 435 ح 974 نحوه ، الأمالى للصدوق : ص 477 ح 644 كلّها عن عبداللّه بن بكر المرادى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مشكاه الأنوار : ص 208 ح 566 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 173 عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، روضه الواعظين : ص 487 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 376 ح 1 .

3- .الكافى : ج 2 ص 320 ح 16 عن حفص بن قرط ، عدّه الداعى : ص 105 ، مشكاه الأنوار : ص 473 ح 1582 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 19 ح 8 .

4- .النحل : 106 و 107 .

4 / 9 افسوس

4 / 10 تباهی دین

امام صادق علیه السلام :هر که به دنیا دل بسته شود، دلش به سه چیز بسته می شود: اندوه پایان ناپذیر، آرزوی دست نیافتنی، و امید نارسیدنی.

4 / 9افسوسامام علی علیه السلام :هر که مطلوبش دنیا باشد، در هنگام جدایی از آن ، افسوس بسیار می خورد.

امام صادق علیه السلام :کسی که زیاد گرفتار دنیا شود، هنگام جدا شدن از آن ، بیشترین افسوس را می خورد.

4 / 10تباهی دینقرآن«هر که پس از ایمان آوردنش، به خدا کفر ورزد [، عذابی سخت خواهد داشت] ، مگر آن کس که مجبور شده ؛ ولی قلبش به ایمان ، اطمینان دارد ؛ لیکن هر کس سینه اش به کفرْ گشاده گردد ، خشم خدا بر آنان است و بر آنان عذابی بزرگ خواهد بود ؛ زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت ، برتری داده اند و [هم] این که خدا گروه کافران را هدایت نمی کند» .

.

«وَ وَيْلٌ لِّلْكَفِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ * الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا عَلَى الآخِرَهِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ و يَبْغُونَهَا عِوَجًا أُوْلَئِکَ فِى ضَلَلٍ بَعِيدٍ» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أصبَحَ مِن اُمَّتى وهَمُّهُ غَيرُ اللّهِ ، فَلَيسَ مِنَ اللّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أصبَحَ وَالدُّنيا أكبَرُ هَمِّهِ ، فَلَيسَ مِنَ اللّهِ فى شَىءٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ أكثَرُ هَمِّهِ الحَياهَ الدُّنيا وأكثَرُ سَعيِهِ لِلَذَّهٍ تَفنى ، فَلَيسَ مِنَ الدّينِ فى شَىءٍ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :«لا إلهَ إلاَّ اللّهُ» يَمنَعُ العِبادَ مِن سَخَطِ اللّهِ تَعالى ما لَم يُؤثِروا صَفقَهَ دُنياهُم عَلى دينِهِم ، فَإذا آثَروا صَفقَهَ دُنياهُم عَلى دينِهِم ، ثُمَّ قالوا : «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ» رُدَّت عَلَيهِم ، وقالَ اللّهُ تَعالى : كَذَبتُم . (5)

.

1- .إبراهيم : 2 و 3 .
2- .المحاسن : ج 1 ص 324 ح 649 عن محمّد بن القاسم الهاشمى عن الإمام الصادق عليه السلام ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 121 وفيه «وأكبر همّه» بدل «من اُمّتى» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 243 ح 12 ؛ المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 356 ح 7902 عن عبد اللّه بن مسعود ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 361 ح 10586 عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 225 ح 6268 .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 352 ح 7889 عن حذيفه ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 151 ح 471 عن أبى ذرّ ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 361 ح 10585 عن أنس وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 225 ح 6267 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 130 ، المحجّه البيضاء : ج 5 ص 355 .
4- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 116 .
5- .نوادر الاُصول : ج2 ص73 ، شُعب الإيمان : ج7ص337 ح10497 نحوه وكلاهما عن أنس ، كنز العمّال : ج1 ص 62 ح 221.

«و وای بر کافران از عذابی سخت ؛ همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند و مانع راه خدا می شوند و آن را کج می جویند! آنان در گم راهی دور و درازی هستند» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر فردی از امّت من که صبح کند و دغدغه اش غیر خدا باشد، از خدا نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که صبح کند و دنیا بزرگ ترین دل مشغولی او باشد ، نزد خداوند جایگاهی ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که بیشترین دغدغه اش زندگی دنیا ، و بیشترین تلاشش برای لذّت های فناپذیر باشد، از دین بهره ای ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[گفتنِ] لا إله إلاّ اللّه ، بندگان را از خشم خداوند متعال نگه می دارد ، تا زمانی که داد و ستد [و منافع] دنیایشان را بر دینشان مقدّم ندارند. و هر گاه داد و ستد دنیایشان را بر دینشان مقدّم بدارند و با این حال بگویند: «لا إله إلاّ اللّه » ، به خودشان پس زده می شود و خداوند متعال می گوید: دروغ می گویید.

.

عنه صلى الله عليه و آله :أنتُمُ اليَومَ عَلى بَيِّنَهٍ مِن رَبِّكُم ، قَد بَيَّنَ اللّهُ تَعالى طَريقَكُم ، ما لَم تَظهَر فيكُمُ السَّكرَتانِ (1) : سَكرَهُ العَيشِ ، وسَكرَهُ الجَهلِ . فَأنتُمُ اليَومَ تَأمُرونَ بِالمَعروفِ وتَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ ، وتُجاهِدونَ فى سَبيلِ اللّهِ ، وسَتَحَوَّلونَ عَن ذلِكَ إذا فَشا فيكُم حُبُّ الدُّنيا ؛ فَلا تَأمُرونَ بِالمَعروفِ ولا تَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ ، وتُجاهِدونَ فى غَيرِ سَبيلِ اللّهِ . وَالقائِمونَ يَومَئِذٍ بِالكِتابِ سِرّا وعَلانِيَهً ، كَالسّابِقينَ الأَوَّلينَ مِنَ المُهاجِرين وَالأنصار . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :فَسادُ الدّينِ الدُّنيا . (3)

عنه عليه السلام :ما أفسَدَ الدّينَ كَالدُّنيا . (4)

عنه عليه السلام :مَن عَمَّرَ دُنياهُ ، أفسَدَ دينَهُ وأخرَبَ اُخراهُ . (5)

عنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا لَمَفسَدَهُ الدّينِ ومَسلَبَهُ اليَقينِ ، وإنَّها لَرَأسُ الفِتَنِ وأصلُ المِحَنِ . (6)

عنه عليه السلام :حَرامٌ عَلى كُلِّ قَلبٍ مُتَوَلِّهٍ بِالدُّنيا أن يَسكُنَهُ التَّقوى . (7)

الإمام الحسين عليه السلام :إنَّ النّاسَ عَبيدُ الدُّنيا ، وَالدّينُ لَعقٌ عَلى ألسِنَتِهِم (8) يَحوطونَهُ ما دَرَّت مَعايِشُهُم ، فَإذا مُحِّصوا بِالبَلاءِ قَلَّ الدَّيّانونَ . (9)

.

1- .السُّكْرُ : غَيبوبه العقل واختلاطه من الشراب ، وقد يعترى الإنسان من الغضب أو العشق أو القوّه أو الظفر (المعجم الوسيط : ج 1 ص 438 «سكر») .
2- .تنبيه الغافلين : ص 99 ح 100 ، نوادر الأُصول : ج 2 ص 48 نحوه وراجع حليه الأولياء : ج 8 ص 49 .
3- .غرر الحكم : ح 6554 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 357 ح 6040 .
4- .غرر الحكم : ح 9476 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 480 ح 8831 .
5- .غرر الحكم : ح 8858 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 457 ح 8283 .
6- .غرر الحكم : ح 3518 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 152 ح 3330 .
7- .غرر الحكم : ح 4904 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 233 ح 4472 .

8- .قال الطريحى : من كلام علىٍّ عليه السلام : «وصار دين أحدكم لَعقَةً على لسانه» ؛ قال بعض الشارحين : اللّعقَه : اسم لما تأخذه الملعَقَه ، استعاره للإقرار بالدين باللسان ، وكنّى به عن ضعفه وقلّته (مجمع البحرين : ج 3 ص 1634 «لعق») .
9- .تحف العقول : ص 245 ، كشف الغمّه : ج 2 ص 244 عن الفرزدق وفيه «لغو» بدل «لعق» و «المال» بدل «الدنيا» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 117 ح 2 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شما امروز دارای حجّتی آشکار از جانب پروردگارتان هستید . خداوند متعال ، تا زمانی که دو مستی در میان شما نمایان نشود ، راه شما را آشکار ساخته است: مستی زندگی، و مستی نادانی. شما امروز ، امر به معروف و نهی از منکر می کنید، و در راه خدا به جهاد می پردازید؛ ولی زودا که با شیوع دنیادوستی در میانتان ، از این حال برگردید و دیگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید و در غیر راه خدا بجنگید. کسانی که در آن هنگام ، در نهان و آشکار ، به کتاب [خدا [پایبندی نشان می دهند ، همانند نخستین پیشگامان مهاجران و انصار هستند.

امام علی علیه السلام :دنیا ، مایه تباهی دین است.

امام علی علیه السلام :هیچ چیزی مانند دنیا، دین را تباه نکرد.

امام علی علیه السلام :هر کس دنیای خویش را آباد ساخت ، دینش را تباه و آخرتش را ویران نمود.

امام علی علیه السلام :دنیا ، مایه تباهی دین و از بین رفتن یقین است، و اساس فتنه ها و ریشه رنج هاست.

امام علی علیه السلام :بر هر دلی که شیفته دنیاست ، حرام است که تقوا در آن ، خانه کند.

امام حسین علیه السلام :مردم ، بنده دنیایند و به ظاهر ، دم از دین می زنند و تا زمانی که زندگی شان تأمین شود ، از آن دفاع می کنند؛ امّا چون در بوته آزمایش قرار گیرند ، دینداران اندک اند.

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَن صَفَت لَهُ دُنياهُ فَاتَّهِمهُ فى دينِهِ . (1)

عنه عليه السلام :إذا صَلَحَ أمرُ دُنياكَ فَاتَّهِم دينَكَ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : ما هذِهِ الدُّنيا لِطالِبِها إلاَّ عَناءً وهُوَ لا يَدرى إن أقبَلَت شَغَلَت دِيانَتَهُ إن أدبَرَت شَغَلَتهُ بِالفَقرِ (3)

راجع : ج2 ص106 (بركات الزهد / صلاح الدين) .

4 / 11عَدَمُ الاِلتِذاذِ بِالعِبادَةِعيسى عليه السلام :بِحَقٍّ أقولُ لَكُم : إنَّهُ كَما يَنظُرُ المَريضُ إلى طَيِّبِ الطَّعامِ فَلا يَلتَذُّهُ مَعَ ما يَجِدُهُ مِن شِدَّةِ الوَجَعِ ؛ كَذلِكَ صاحِبُ الدُّنيا لا يَلتَذُّ بِالعِبادَةِ ولا يَجِدُ حَلاوَتَها مَعَ ما يَجِدُ مِن حُبِّ المالِ . وكَما يَلتَذُّ المَريضُ نَعتَ الطَّبيبِ العالِمِ بِما يَرجو فيهِ مِنَ الشِّفاءِ ، فَإذا ذَكَرَ مَرارَةَ الدَّواءِ وطَعمَهُ كَدَّرَ عَلَيهِ الشِّفاءَ ، كَذلِكَ أهلُ الدُّنيا يَلتَذّونَ بِبَهجَتِها وأنواعِ ما فيها فَإذا ذَكَروا فُجأَةَ المَوتِ كَدَّرَها عَلَيهِم وأفسَدَها . (4)

.

1- .الأمالى للطوسى : ص 280 ح 540 وص 284 ح 552 كلاهما عن المنصورى عن عمّ أبيه عن الإمام الهادى عن آبائه عليهم السلام .
2- .تحف العقول : ص 359 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 242 ح 30 .
3- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 262 الرقم 184 .
4- .تحف العقول : ص 507 ، التحصين لابن فهد : ص 5 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 310 ح 17 وراجع عدّه الداعى : ص 96 .

4 / 11 لذّت نبردن از عبادت

امام صادق علیه السلام :هر که دنیایش به کام او شد ، وی را در دینش متّهم کن .

امام صادق علیه السلام :هر گاه کار دنیایت درست شد ، به دینداری ات بدگمان شو.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : این دنیا برای جوینده اش نیست / مگر رنج، و او خود نمی داند دنیا اگر روی آورد، او را از دینش باز می دارد/ و چون برود ، او را به فقر گرفتار می سازد .

ر . ک : ج2 ص107 (برکت های زهد / درستی دین) .

4 / 11لذّت نبردن از عبادتعیسی علیه السلام :به حق برایتان می گویم: همان گونه که بیمار به خوراک خوش مزه می نگرد ، امّا از شدّت دردی که دارد ، از آن لذّتی نمی برد ، دنیادار نیز به سبب عشق به ثروت، از عبادتْ لذّت نمی برد و شیرینی آن را نمی چشد. و همان گونه که بیمار از نسخه طبیب حاذق، به خاطر امید شفایی که در آن دارد، لذّت می برد ، امّا چون تلخی دارو و مزه اش را به یاد آورد ، شفا در نظرش تیره می شود، اهل دنیا نیز از زرق و برق دنیا و انواع خوشی هایی که در آن است ، لذّت می برند؛ امّا چون غافلگیری مرگ را به یاد آورند ، همه این لذّت ها را بر آنان تیره و تباه می سازد.

.

رِسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما جَفوَةُ العُيونِ إلاّ مِن كَثرَةِ الذُّنوبِ ، وما كَثرَةُ الذُّنوب إلاّ مِن قِلَّةِ الوَرَعِ ، وما قِلَّةُ الوَرَعِ إلاّ مِن كَثرَةِ الجَفاءِ ، وما كَثرَةُ الجَفاءِ إلاّ مِن حُبِّ الدُّنيا . (1)

4 / 12حَبطُ الأَعمالِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :سِتَّةُ أشياءَ تُحبِطُ الأَعمالَ : الِاشتِغالُ بِعُيوبِ الخَلقِ ، وقَسوَةُ القَلبِ ، وحُبُّ الدُّنيا ، وقِلَّةُ الحَياءِ ، وطولُ الأَمَلِ ، وظالِمٌ لا يَنتَهى . (2)

4 / 13الشُّغُلُ عَنِ الآخِرَةِالإمام الباقر عليه السلام :كانَ عَلى عَهدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله مُؤمِنٌ فَقيرٌ شَديدُ الحاجَةِ مِن أهلِ الصُّفَّةِ (3) ، وكانَ مُلازِما لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله عِندَ مَواقيتِ الصَّلاةِ كُلِّها لا يَفقِدُهُ فى شَىءٍ مِنها ، وكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَرِقُّ لَهُ ويَنظُرُ إلى حاجَتِهِ وغُربَتِهِ ، فَيَقولُ : يا سَعدُ ، لَو قَد جاءَنى شَىءٌ لاَغنَيتُكَ . قالَ : فَأبطَأَ ذلِكَ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَاشتَدَّ غَمُّ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِسَعدٍ ، فَعَلِمَ اللّهُ سُبحانَهُ ما دَخَلَ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِن غَمِّهِ لِسَعدٍ . فَأهبَطَ عَلَيهِ جَبرَئيلَ عليه السلام ومَعَهُ دِرهَمانِ ، فَقالَ لَهُ : يا مُحَمَّدُ ، إنَّ اللّهَ قَد عَلِمَ ما قَد دَخَلَكَ مِنَ الغَمِّ لِسَعدٍ ، أفَتُحِبُّ أن تُغنِيَهُ؟ فَقالَ : نَعَم . فَقالَ لَهُ : فَهاكَ هذَينِ الدِّرهَمَينِ فَأعطِهِما إيّاهُ ومُرهُ أن يَتَّجِرَ بِهِما . قالَ : فَأخَذَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ثُمَّ خَرَجَ إلى صَلاةِ الظُّهرِ ، وسَعدٌ قائِمٌ عَلى بابِ حُجُراتِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَنتَظِرُهُ ، فَلَمّا رَآهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : يا سَعدُ ، أتُحسِنُ التِّجارَةَ؟ فَقالَ لَهُ سَعدٌ : وَاللّهِ ما أصبَحتُ أملِكُ مالاً أتَّجِرُ بِهِ! فَأعطاهُ النَّبِى صلى الله عليه و آله الدِّرهَمَينِ ، وقالَ لَهُ : اِتَّجِر بِهِما وتَصَرَّف لِرِزقِ اللّهِ. فَأخَذَهُما سَعدٌ ومَضى مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله حَتّى صَلّى مَعَهُ الظُّهرَ وَالعَصرَ ، فَقالَ لَهُ النَّبِى صلى الله عليه و آله : قُم فَاطلُبِ الرِّزقَ ، فَقَد كُنتُ بِحالِكَ مُغتَمّا يا سَعدُ . قالَ : فَأقبَلَ سَعدٌ لا يَشتَرى بِدِرهَمٍ شَيئا إلاّ باعَهُ بِدِرهَمَينِ ولا يَشتَرى شَيئا بِدِرهَمَينِ إلاّ باعَهُ بِأربَعَةِ دَراهِمَ ، فَأقبَلَتِ الدُّنيا عَلى سَعدٍ فَكَثُرَ مَتاعُهُ ومالُهُ وعَظُمَت تِجارَتُهُ ، فَاتَّخَذَ عَلى بابِ المَسجِدِ مَوضِعا وجَلَسَ فيهِ فَجَمَعَ تِجارَتَهُ إلَيهِ ، وكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أقامَ بِلالٌ لِلصَّلاةِ يَخرُجُ وسَعدٌ مَشغولٌ بِالدُّنيا ، لَم يَتَطَهَّر ولَم يَتَهَيَّأ كَما كانَ يَفعَلُ قَبلَ أن يَتَشاغَلَ بِالدُّنيا ، فَكانَ النَّبِى صلى الله عليه و آله يَقولُ : يا سَعدُ ، شَغَلَتكَ الدُّنيا عَنِ الصَّلاةِ! فَكانَ يَقولُ : ما أصنَعُ ، أُضَيِّعُ مالى؟! هذا رَجُلٌ قَد بِعتُهُ فَأُريدُ أن أستَوفِىَ مِنهُ ، وهذا رَجُلٌ قَدِ

اشتَرَيتُ مِنهُ فاَريدُ أن اَوَفِّيَهُ . قالَ : فَدَخَلَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِن أمرِ سَعدٍ غَمٌّ أشَدُّ مِن غَمِّهِ بِفَقرِهِ ، فَهَبَطَ عَلَيهِ جَبرَئيلُ عليه السلام ، فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، إنَّ اللّهَ قَد عَلِمَ غَمَّكَ بِسَعدٍ ، فَأيُّما أحَبُّ إلَيكَ، حالُهُ الاُولى أو حالُهُ هذِهِ؟ فَقالَ لَهُ النَّبِى صلى الله عليه و آله : يا جَبرَئيلُ ، بَل حالُهُ الاُولى ، قَد أذهَبَت (4) دُنياهُ بِآخِرَتِهِ . فَقالَ لَهُ جَبرَئيلُ عليه السلام : إنَّ حُبَّ الدُّنيا وَالأَموالِ فِتنَهٌ ومَشغَلَهٌ عَنِ الآخِرَهِ ، قُل لِسَعدٍ يَرُدُّ عَلَيكَ الدِّرهَمَينِ اللَّذَينِ دَفَعتَهُما إلَيهِ ، فَإنَّ أمرَهُ سَيَصيرُ إلَى الحالَهِ الَّتى كانَ عَلَيها أوَّلاً . قالَ : فَخَرَجَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله فَمَرَّ بِسَعدٍ ، فَقالَ لَهُ : يا سَعدُ ، أما تُريدُ أن تَرُدَّ عَلَىَّ الدِّرهَمَينِ اللَّذَينِ أعطَيتُكَهُما؟ فَقالَ سَعدٌ : بَلى ومِئَتَينِ . فَقالَ لَهُ : لَستُ اُريدُ مِنکَ يا سَعدُ إلاَّ الدِّرهَمَينِ ، فَأعطاهُ سَعدٌ دِرهَمَينِ. قالَ : فَأدبَرَتِ الدُّنيا عَلى سَعدٍ حَتّى ذَهَبَ ما كانَ جَمَعَ ، وعادَ إلى حالِهِ الَّتى كانَ عَلَيها. (5)

.

1- .الفردوس : ج 4 ص 115 ح 6359 عن أنسٍ .
2- .كنز العمّال : ج 16 ص 85 ح 44023 نقلاً عن الفردوس عن عدىّ بن حاتم ، الجامع الصغير : ج 2 ص 46 ح 4658 .
3- .أهل الصُّفَّه: هم فقراء المهاجرين ، ومن لم يكن له منهم منزل يسكنه ، فكانوا يأوون إلى موضع مُظلَّل فى مسجد المدينه يسكنونه (النهايه: ج 3 ص 37 «صفف») .
4- .ذهَبَ بِهِ وأذهَبَهُ غيرُه : أزالَهُ . ويُقال : أذهَبَ به . . . وهو قليل (لسان العرب : ج1 ص493 «ذهب») .
5- .الكافى : ج 5 ص 312 ح 38 عن أبى بصير ، مشكاه الأنوار : ص 473 ح 1583 نحوه ، بحار الأنوار : ج 22 ص 122 ح 92 .

4 / 12 بر باد رفتن اعمال

4 / 13 باز ماندن از آخرت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خشکی چشم ها (1) ناشی از فراوانی گناهان است، و فراوانی گناهان ، ناشی از اندک بودن پارسایی، و اندک بودن پارسایی ، ناشی از درشت طبعی بسیار ، و درشت طبعی بسیار ، ناشی از دنیادوستی .

4 / 12بر باد رفتن اعمالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شش چیز ، اعمال [نیکو] را بر باد می دهد: پرداختن به عیوب مردم، سنگ دلی، دنیادوستی، کم حیایی، درازی آرزو ، و ستمگری که [از ستمکاری [باز نَایستد.

4 / 13باز ماندن از آخرتامام باقر علیه السلام :در زمان پیامبر خدا ، مؤمنی نادار و سخت نیازمند از اهل صُفّه (2) بود که در همه اوقات نماز ، ملازم پیامبر خدا بود و در هیچ نمازی غیبت نداشت. پیامبر خدا ، ناداری و غربت او را می دید و دلش به حال وی می سوخت و می فرمود: «ای سعد! اگر چیزی دستم بیاید ، نیازت را برطرف می کنم». مدّت ها گذشت و به پیامبر خدا چیزی نرسید. غم ایشان برای سعد ، شدّت گرفت. خداوند سبحان که می دانست پیامبر خدا برای سعد ، غم بسیار می خورد ، جبرئیل علیه السلام را با دو درهم فرستاد. جبرئیل به ایشان گفت: ای محمّد! خدا می داند که تو برای سعد ، غم می خوری. آیا دوست داری که او را بی نیاز گردانی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آری». جبرئیل گفت: این دو درهم را بگیر و به او بده و بگو با آنها کاسبی کند. پیامبر خدا [آن دو را] گرفت و سپس برای نماز ظهر ، بیرون رفت . سعد بر درِ اتاق های پیامبر خدا ، منتظر ایشان ایستاده بود. پیامبر خدا چون او را دید ، فرمود: «ای سعد! کاسبی می دانی؟» . سعد گفت: به خدا سوگند ، هیچ گاه پولی نداشته ام که با آن کاسبی کنم! پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو درهم را به او داد و فرمود: «با اینها کاسبی کن و برای به دست آوردن روزی خدا ، تلاش نما». سعد ، آن دو درهم را گرفت و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و نماز ظهر و عصر را با ایشان خواند. آن گاه ، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «برخیز و در پی روزی برو، که من از حال و روز تو ای سعد ناراحت بوده ام». از آن پس ، سعد اگر چیزی با یک درهم می

خرید ، با دو درهم می فروخت، و اگر با دو درهم می خرید ، به چهار درهم می فروخت . بدین ترتیب ، دنیا به سعد رو کرد و سرمایه و ثروتش زیاد شد و تجارتش رونق گرفت. پس، بر درِ مسجد ، جایی گرفت و در آن جا نشست و به کسب پرداخت. هر گاه بلالِ برای نماز اقامه می گفت ، پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون می آمد و می دید که سعد همچنان سرگرم دنیاست و نه آن چنان که پیش از پرداختن به دنیا می کرد وضو گرفته و نه آماده نماز شده است . پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: «ای سعد! دنیا تو را از نماز باز داشته است!» و او می گفت : چه کنم؟ مالم را ضایع کنم؟ به این یکی فروخته ام و می خواهم پولش را از او بگیرم و از آن یکی خریده ام و می خواهم پولش را بدهم. این وضع سعد ، پیامبر خدا را ناراحت تر از زمانی کرد که برای ناداری اش غصّه می خورد. پس، جبرئیل علیه السلام بر او فرود آمد و گفت: ای محمّد! خداوند از این غم تو برای سعد ، آگاه است. کدام یک را دوست تر داری : حالت نخست را ، یا این حالت را؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای جبرئیل! حالت نخست را. دنیای او آخرتش را از بین برده است!» . جبرئیل علیه السلام به او گفت: علاقه مندی به دنیا و ثروت ، گرفتاری و مایه باز ماندن از آخرت است. به سعد بگو آن دو درهمی را که به او داده ای ، به تو برگرداند. با این کار ، به همان حال اوّلش باز می گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون رفت و به سعد برخورد . به او فرمود: «ای سعد! نمی خواهی آن دو درهمی را که به تو داده ام ، به من برگردانی؟» . سعد گفت: چرا؛ [به جای آن ،] دویست درهم می دهم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «نه ، ای سعد! من بیشتر از دو درهم ، از تو نمی خواهم» و سعد دو درهم به ایشان داد. از آن پس، دنیا به سعد پشت کرد ، تا جایی که هر چه جمع کرده بود ، از دست رفت و سعد ، دوباره مثل اوّلش شد.

.

1- .کنایه از گریه نکردن و سنگ دلی و نداشتن رقّت قلب.
2- .اهل صُفَّه، مهاجران تهی دستی بودند که منزلی برای سکونت نداشتند و در زیر سایبانی در مسجد مدینه به سر می بردند (النهایه: ج 3 ص 37 «صفف»).

ص: 436

. .

ص: 437

. .

4 / 14القُعودُ عَنِ الجِهادِالكتاب«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُواْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَوهِ الدُّنْيَا مِنَ الآخِرَهِ فَمَا مَتَعُ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا فِى الآخِرَهِ إِلاَّ قَلِيلٌ» . (1)

الحديثمسند ابن حنبل عن أبى هريره :سَمِعتُ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله يَقولُ لِثَوبانَ : كَيفَ أنتَ يا ثَوبانُ إذا تَداعَتِ عَلَيكُمُ الاُمَمُ كَتَداعيكُم عَلى قَصعَهِ الطَّعامِ يُصيبونَ (2) مِنهُ؟ قالَ ثَوبانُ : بِأبى واُمّى يا رَسولَ اللّهِ أمِن قِلَّهٍ بِنا؟ قالَ : لا ، أنتُم يَومَئِذٍ كَثيرٌ ، ولكِن يُلقى فى قُلوبِكُمُ الوَهنُ . (3) قالوا : ومَا الوَهنُ يا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ : حُبُّكُمُ الدُّنيا وكَراهِيَتُكُمُ القِتالَ . (4)

.

1- .التوبه : 38 .
2- .كذا فى المصدر ، وفى كنز العمّال : «تصيبون» ، وهو المناسب للسياق .
3- .الوَهْنُ : الضُّعف (الصحاح : ج 6 ص 2215 «وهن») .
4- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 281 ح 8721 ، كنز العمّال : ج 3 ص 235 ح 6319 وراجع مسند ابن حنبل : ج 8 ص 327 ح 22460 وسنن أبى داوود : ج 4 ص 111 ح 4297 .

4 / 14نرفتن به جهادقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! شما را چه شده است که چون به شما گفته می شود: در راه خدا بسیج شوید، کندی به خرج می دهید؟ آیا به جای آخرت ، به زندگی دنیا دل خوش کرده اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست» .

حدیثمسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره :شنیدم که پیامبر خدا به ثوبان می فرماید: «چگونه ای تو ای ثوبان ، آن گاه که امّت ها بر ضدّ شما گرد آیند ، آن سان که شما بر گرد قَدَح غذا گرد می آیید تا از آن به نوایی برسید؟» . ثوبان گفت: پدر و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا! آیا از اندک بودن ماست؟ فرمود: «نه . در آن روز ، شما پرشمارید؛ امّا در دل هایتان ضعف افکنده می شود». گفتند : [مقصودتان از] ضعف چیست ، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «علاقه مندی شما به دنیا و بیزاری تان از جهاد».

.

الإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَتِهِ لَمَّا اضطَرَبَ عَلَيهِ أصحابُهُ فى أمرِ الحُكومَهِ :أيُّهَا النّاسُ ، إنَّهُ لَم يَزَل أمرِى مَعَكُم عَلى ما اُحِبُّ حَتّى نَهَكَتكُمُ الحَربُ ، وقَدِ وَاللّهِ أخَذَت مِنكُم وتَرَكَت ، وهِىَ لِعَدُوِّكُم أنهَكُ . لَقَد كُنتُ أمسِ أميرا فَأصبَحتُ اليَومَ مَأمورا ! وكُنتُ أمسِ ناهِيا فَأصبَحتُ اليَومَ مَنهِيّا ! وقَد أحبَبتُمُ البَقاءَ ، ولَيسَ لى أن أحمِلَكُم عَلى ما تَكرَهونَ . (1)

عنه عليه السلام فِى استِنفارِ النّاسِ إلى أهلِ الشّام بَعدَ فَراغِهِ مِن أمرِ الخَوارِجِ :اُفٍّ (2) لَكُم ، لَقَد سَئِمتُ عِتابَكُم ! أرَضيتُم بِالحَياهِ الدُّنيا مِنَ الآخِرَهِ عِوَضا؟ وبِالذُّلِّ مِنَ العِزِّ خَلَفا؟ إذا دَعَوتُكُم إلى جِهادِ عَدُوِّكُم دارَت أعيُنُكُم ؛ كَأنَّكُم مِنَ المَوتِ فى غَمرَهٍ (3) ، ومِنَ الذُّهولِ فى سَكرَهٍ . (4)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 208 ، المعيار والموازنه : ص175 ، وقعه صفّين : ص484 نحوه ، بحار الأنوار : ج32 ص535 ح450 وج100 ص41 ح48 .
2- .اُفٍّ : معناه الاحتقار والاستقلال ، وهى صوت إذا صوّت به الإنسان عُلِمَ أنّه متضجّر متكرِّه (النهايه : ج 1 ص 55 «أفف») .
3- .رَجُلٌ مُغتَمِرٌ : سَكرانُ ، كأنّه اغتَمَرَهُ السُّكر ؛ أى غطّى على عَقلِهِ وسَتَرَهُ (تاج العروس : ج7 ص320 «غمر») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 34 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 74 ح 935 ؛ مطالب السؤول : ص 59 نحوه .

امام علی علیه السلام در خطبه اش که پس از برآشفتن یارانش از کار حکمیّت ایراد کرد :ای مردم! کار من با شما پیوسته چنان بود که من دوست داشتم ، تا آن که جنگ ، شما را فرسوده ساخت، و به خدا سوگند که شماری از شما را گرفت و شماری را باقی گذاشت؛ هرچند برای دشمن شما فرساینده تر بود. من تا دیروز ، فرمانده بودم و امر و نهی می کردم؛ ولی امروز [کار به جایی رسیده که [به من امر و نهی می شود! شما زنده ماندن را دوست دارید و من نمی توانم شما را به آنچه دوست ندارید ، وا دارم.

امام علی علیه السلام در فرا خواندن مردم به جنگ با شامیان ، پس از یکسره کردن کار خوارج :آه از شما! خسته شدم ، از بس که سرزنشتان کردم! آیا به جای آخرت ، به زندگی دنیا رضایت داده اید؟! و عزّت را بر ذلّت برگزیده اید؟! هرگاه شما را به جهاد با دشمنتان فرا خواندم ، چشمانتان پیچ و تاب برداشت ، آن سان که گویی در سَکرات مرگْ گرفتار آمده اید، یا در گیجیِ مستی به سر می برید!

.

4 / 15فَقرُ الدُّنيا وَالآخِرَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أصبَحَ وأمسى وَالدُّنيا أكبَرُ هَمِّهِ ، جَعَلَ اللّهُ تَعالَى الفَقرَ بَينَ عَينَيهِ وشَتَّتَ أمرَهُ ، ولَم يَنَل مِنَ الدُّنيا إلاّ ما قُسِمَ لَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن كانَتِ الدُّنيا هَمَّهُ ، جَعَلَ اللّهُ فَقرَهُ بَينَ عَينَيهِ ، وفَرَّقَ عَلَيهِ شَملَهُ ، ولَم يَأتِهِ مِنَ الدُّنيا إلاّ ما قُدِّرَ لَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أصبَحَ وَالدُّنيا أكبَرُ هَمِّهِ فَلَيسَ مِنَ اللّهِ فى شَىءٍ ، وألزَمَ قَلبَهُ أربَعَ خِصالٍ : هَمّا لا يَنقَطِعُ عَنهُ أبَدا ، وشُغلاً لا يَنفَرِجُ مِنهُ أبَدا ، وفَقرا لا يَبلُغُ غِناهُ أبَدا ، وأمَلاً لا يَبلُغُ مُنتَهاهُ أبَدا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :أنَا زَعيمٌ (4) بِثَلاثٍ لِمَن أكَبَّ عَلَى الدُّنيا : بِفَقرٍ لا غِناءَ لَهُ ، وبِشُغلٍ لا فِراقَ لَهُ ، وبِهَمٍّ وحُزنٍ لاَ انقِطاعَ لَهُ . (5)

.

1- .ثواب الأعمال : ص 201 ح 1 عن ابن أبيبعفور عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : ج 2 ص 319 ح 15 عن عبد اللّه بن أبى يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 49 ح 132 عن أبى هاشم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، تحف العقول : ص 48 ، مشكاه الأنوار : ص 463 ح 1546 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 104 ح 96 .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 642 ح 2465 عن أنس ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1375 ح 4105 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 288 ح 10338 كلاهما عن زيد بن ثابت ، المعجم الكبير : ج 11 ص 213 ح 11690 عن ابن عبّاس ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 123 ح 5990 عن أنس وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 135 ح 44160 .
3- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 130 ، المحجّه البيضاء : ج 5 ص 355 ؛ الفردوس : ج 3 ص 580 ح 5818 عن ابن عمر ، تنبيه الغافلين : ص 245 ح 320 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 226 ح 6272 وراجع أعلام الدين : ص 345 وبحار الأنوار : ج 77 ص 188 ح 10 .
4- .الزعيم : الكفيل (النهايه : ج 2 ص 303 «زعم») .
5- .كنز الفوائد : ج 1 ص 344 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 .

4 / 15فقر در دنیا و آخرتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در شب و روز ، بزرگ ترین دغدغه اش دنیا باشد ، خداوند متعال فقر را پیش چشمان او می نهد [تا همواره احساس فقر کند] و امورش را پریشان می سازد، و از دنیا جز به آنچه برایش قسمت شده، نمی رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دغدغه اش دنیا باشد ، خداوند فقر را پیش چشمان او می نهد، و آرامش [خاطر] او را پریشان می سازد، و از دنیا جز آنچه برایش مقدّر شده ، به او نمی رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در حالی صبح کند که بزرگ ترین دغدغه اش دنیا باشد ، نزد خداوند منزلتی ندارد و خداوند ، چهار چیز را پیوسته در دلش قرار می دهد: اندوهی که هرگز از او جدا نمی شود، گرفتاری ای که هرگز از آن خلاصی نمی یابد، فقری که هرگز به توانگری نمی انجامد، و آرزویی که هرگز به پایان نمی رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس تمام وقت خود را صرف دنیا کند، من سه چیز را برایش ضمانت می کنم: فقری که آن را توانگری نیست، گرفتاری ای که از آن خلاصی نیست، و غم و اندوهی که تمام شدنی نیست.

.

الإمام علىّ عليه السلام :مَن أسرَفَ فى طَلَبِ الدُّنيا ماتَ فَقيرا . (1)

عنه عليه السلام :الزّاهِدونَ فِى الدُّنيا مُلوكُ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، ومَن لَم يَزهَد فِى الدُّنيا ورَغِبَ فيها فَهُوَ فَقيرُ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . ومَن زَهِدَ فيها مَلَكَها ، ومَن رَغِبَ فيها مَلَكَتهُ . (2)

راجع : ص254 (ما يمنع خير الآخره من الدنيا) .

4 / 16خُسرانُ الدُّنيا وَالآخِرَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قَضى نَهمَتَهُ (3) فِى الدُّنيا ، حيلَ بَينَهُ وبَينَ شَهوَتِهِ فِى الآخِرَهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ لُقمان عليه السلام : . . . مَن يَختارُ الدُّنيا عَلَى الآخِرَهِ فاتَتهُ الدُّنيا ، ولا يَصيرُ (5) إلى مُلكِ الآخِرَهِ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :قالَ لُقمانُ عليه السلام : . . . مَنِ اختارَ الدُّنيا عَلَى الآخِرَهِ يَخسَرُهُما كِلتَيهِما ، تَزولُ هذِهِ ولا تُدرَكُ تِلكَ . (7)

لقمان عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِوَلَدِهِ :يا بُنَىَّ ، بِع دُنياكَ بِآخِرَتِكَ تَربَحهُما جَميعا ، ولا تَبِع آخِرَتَكَ بِدُنياكَ تَخسَرُهُما جَميعا . (8)

.

1- .غرر الحكم : ح 8608 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 460 ح 8339 .
2- .إرشاد القلوب : ص 20 .
3- .النَّهْمُ : إفراط الشهوه (المصباح المنير : ص 629 «نهم») .
4- .المعجم الأوسط : ج 8 ص 45 ح 7912 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 125 ح 9722 كلاهما عن البرّاء بن عازب ، كنز العمّال : ج 3 ص 227 ح 6277 .
5- .فى نوادر الأُصول : «لا يصبر» ، والتصويب من الدرّ المنثور .
6- .نوادر الأُصول : ج 1 ص 247 ، الدرّ المنثور : ج 6 ص 510 عن أبى مسلم الخولانى ، كنز العمّال : ج 14 ص 34 ح 37865 .
7- .تفسير القمّى : ج 2 ص 163 عن حمّاد ، بحار الأنوار : ج 13 ص 410 ح 2 وراجع عوالى اللآلى : ج 3 ص 517 ح 11 .

8- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 137 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 422 ح 17 ؛ البدايه والنهايه : ج 9 ص 273 عن ابن أسباط وليس فيه «يا بنيَّ» .

4 / 16 باختن در دنیا و آخرت

امام علی علیه السلام :هر که در طلب دنیا زیاده روی کند ، فقیر از دنیا می رود.

امام علی علیه السلام :بی رغبتان به دنیا، پادشاهان دنیا و آخرت اند. و هر که به دنیا رغبت نشان دهد و به آن دل ببندد ، در دنیا و آخرت ، فقیر است . و هر که نسبت به دنیا زهد ورزد ، مالک آن می شود، و هر که به دنیا دل ببندد ، دنیا مالک او می شود.

ر . ک : ص255 (دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود) .

4 / 16باختن در دنیا و آخرتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خواسته های خود را در دنیا برآورده سازد ، میان او و خواسته هایش در آخرت ، مانع ایجاد می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :لقمان علیه السلام گفت : «... هر که دنیا را بر آخرت برگزیند ، به دنیا نمی رسد، و به مُلک آخرت [نیز] دست نمی یابد».

امام صادق علیه السلام :لقمان علیه السلام گفت : «... هر که دنیا را بر آخرت برگزیند ، هر دوی آنها را می بازد: این ، از بین می رود، و به آن ، دست نمی یابد».

لقمان علیه السلام در سفارش به فرزندش :فرزندم! دنیایت را به آخرتت بفروش تا هر دوی آنها را ببَری، و آخرتت را به دنیایت مفروش که هر دوی آنها را می بازی.

.

الإمام علىّ عليه السلام :مَن باعَ آخِرَتَهُ بِدُنياهُ خَسِرَهُما . (1)عنه عليه السلام :إنَّ مَن باعَ جَنَّةَ المَأوى لِعاجِلَهِ الدُّنيا تَعَسَ جَدُّهُ (2) وخَسِرَت صَفقَتُهُ . (3)عنه عليه السلام :لا تُصلِح دُنياکَ بِمَحقِ (4) دينِکَ ؛ فَتَکونَ مِنَ الأخسَرينَ أعمالاً . (5)عنه عليه السلام :مَعاشِرَ النّاسِ ! اتَّقُوا اللّهَ ، فَکَم مِن مُؤَمِّلٍ ما لا يَبلُغُهُ ، وبانٍ ما لا يَسکُنُهُ ، وجامِعٍ ما سَوفَ يَترُکُهُ ، ولَعَلَّهُ مِن باطِلٍ جَمَعَهُ ، ومِن حَقٍّ مَنَعَهُ ، أصابَهُ حَراما ، وَاحتَمَلَ بِهِ آثاما ، فَباءَ بِوِزرِهِ ، وقَدِمَ عَلى رَبِّهِ آسِفا لاهِفا ، قَد خَسِرَ الدُّنيا وَالآخِرَةَ ، ذلِکَ هُوَ الخُسرانُ المُبينُ . (6)عنه عليه السلام :أخسَرُ النّاسِ مَن رَضِيَ الدُّنيا عِوَضا عَنِ الآخِرَهِ . (7)عنه عليه السلام :إنَّ أخسَرَ النّاسِ صَفقَةً وأخيَبَهُم سَعيا ، رَجُلٌ أخلَقَ بَدَنَهُ فى طَلَبِ آمالِهِ ولَم تُساعِدهُ المَقادِيرُ عَلى إرادَتِهِ ؛ فَخَرَجَ مِنَ الدُّنيا بِحَسَراتِهِ ، وقَدِمَ عَلَى الآخِرَهِ بِتَبِعاتِهِ . (8) .

1- .غرر الحكم : ح 8237 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 445 ح 7818 ؛ مطالب السؤول : ص 48 .
2- .الجَدُّ : الحَظّ والبَخت (الصحاح : ج 2 ص 452 «جدد») .
3- .غرر الحكم : ح 3484 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 151 ح 3318 .
4- .مَحَقَهُ : أى أبطَلَهُ ومَحاه (الصحاح : ج 4 ص 1553 «محق») .
5- .نهج البلاغه : الكتاب 43 ، بحار الأنوار : ج 33 ، ص 516 ح 712 .
6- .نهج البلاغه : الحكمه 344 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 83 ر 88 .
7- .غرر الحكم : ح 3077 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 120 ح 2730 .
8- .غرر الحكم : ح 3594 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 157 ح 3411 .

امام علی علیه السلام :هر که آخرتش را به دنیایش بفروشد ، هر دوی آنها را از کف می دهد.امام علی علیه السلام :هر کس بهشت جاویدان را به دنیای گذرا بفروشد ، بدبخت می شود و در این معامله زیان می کند.امام علی علیه السلام :دنیایت را با از بین بردن دینت آباد مکن که در این صورت ، از زیانکارترین مردمان خواهی بود.امام علی علیه السلام :ای گروه های مردم! پروامندی از خداوند ، در پیش گیرید؛ زیرا چه بسیار است آرزومندِ چیزی که به آن نمی رسد، و سازنده بنایی که در آن ، [مهلتِ [سکونت نمی یابد، و گرد آورنده مالی که به زودی آن را [برای دیگران] بر جای می گذارد ، و شاید آن را از راه نادرست، یا از نپرداختن حقّی ، گرد آورده است . [در این صورت ،] از حرام به آن رسیده و با این کار ، گناهانی به دوش کشیده است . پس وزر و وبال آن را بر عهده می گیرد، و با افسوس و اندوه بر پروردگارش وارد می شود. او دنیا و آخرت را زیان کرده است و این ، همان زیان آشکار است.امام علی علیه السلام :زیانکارترینِ مردم ، کسی است که دنیا را به جای آخرت بپذیرد.امام علی علیه السلام :پر زیان ترین معامله و بی حاصل ترین تلاش را آن مردی کرده که بدنش را در رسیدن به آرزوهایش فرسوده و مقدّرات ، او را در رسیدن به خواستش یاری نکرده اند ، و در نتیجه، با آه و حسرت ها از دنیا رفته و با کوله باری از گناه ، ره سپار آخرت شده است. .

عنه عليه السلام :مَن أخسَرُ مِمَّن تَعَوَّضَ عَنِ الآخِرَهِ بِالدُّنيا؟! (1)عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :ما أخسَرَ صَفقَهَ المُلوكِ إلاّ مَن عَصَمَ اللّهُ ، باعُوا الآخِرَهَ بِنَومَهٍ ! (2)عنه عليه السلام :مَن أغبَنُ مِمَّن باعَ البَقاءَ بِالفَناءِ ؟! (3)عنه عليه السلام :النّاسُ ثَلاثَهُ أصنافٍ : زاهِدٌ مُعتَزِمٌ ، وصابِرٌ عَلى مُجاهَدَهِ هَواهُ ، وراغِبٌ مُنقادٌ لِشَهَواتِهِ ؛ فَالزّاهِدُ لا يُعَظِّمُ ما آتاهُ اللّهُ فَرَحا بِهِ ولا يُكثِرُ عَلى ما فاتَهُ أسَفا . وَالصّابِرُ نازَعَتهُ إلَى الدُّنيا نَفسُهُ فَقَدَعَها (4) ، وتَطَلَّعَت إلى لَذّاتِها فَمَنَعَها . وَالرّاغِبُ دَعَتهُ إلَى الدُّنيا نَفسُهُ فَأجابَها ، وأمَرَتهُ بِإيثارِها فَأطاعَها ، فَدَنَّسَ (5) بِها عِرضَهُ ، ووَضَعَ لَها شَرَفَهُ ، وضَيَّعَ لَها آخِرَتَهُ . (6)عنه عليه السلام :لا تَرغَب فِى الدُّنيا فَتَخسَرَ آخِرَتَکَ . (7)عنه عليه السلام :مَن عَمِلَ لِلدُّنيا خَسِرَ . (8)عنه عليه السلام :إن رَغِبتُم إلَى الدُّنيا خَسِرتُم وهَلَكتُم . (9)عنه عليه السلام :لا تَرغَب فى كُلِّ ما يَفنى ويَذهَبُ ، فَكَفى بِذلِکَ مَضرَّهً . (10) .

1- .غرر الحكم : ح 8509 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 449 ح 7988 .
2- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 346 ح 971 .
3- .غرر الحكم : ح 8508 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 449 ح 7987 .
4- .القدْع : الكفّ والمنع (النهايه : ج 4 ص 24 «قدع») .
5- .الدَّنَسُ : وَسَخُ الثوب والعِرض (القاموس المحيط : ج 2 ص 217 «دنس») .
6- .دستور معالم الحكم : ص 120 .
7- .غرر الحكم : ح 10213 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 518 ح 9410 .
8- .غرر الحكم : ح 7874 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 453 ح 8133 .
9- .غرر الحكم : ح 3853 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 173 ح 3605 .
10- .غرر الحكم : ح 10195 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 520 ح 9460 .

امام علی علیه السلام :کیست زیانکارتر از آن که آخرت را با دنیا عوض کند؟امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :چه پر زیان است معاملت شاهان مگر آن کسی که خدا نگاهش بدارد که آخرت را به خوابی فروختند !امام علی علیه السلام :کیست مغبون تر از آن که جهانِ باقی را به دنیای فانی فروخت؟ !امام علی علیه السلام :مردم ، سه دسته اند: زاهدِ مصمّم، شکیبا در مبارزه با هوس، و خواهنده و پیرو خواهش های نفسانی.

زاهد، آنچه را خداوند به او می دهد ، از سرِ شادی بزرگ نمی شمارد و آنچه را که از دست می دهد، از سر افسوس ، بزرگ نمی داند. شکیبا، نفْسش او را به سوی دنیا کشانْد؛ امّا او آن را باز داشت، و نفْسش به لذّت های آن چشم دوخت؛ لیکن او مانعش شد. و خواهنده، نفْسش او را به دنیا فرا خواند و او اجابتش کرد و به برگزیدن دنیا [بر آخرت] دستورش داد و او اطاعتش کرد، و بدین ترتیب، آبروی خویش را لکّه دار ساخت، و به خاطر دنیا شرافت خود را به پستی کشاند، و آخرتش را تباه کرد.امام علی علیه السلام :به دنیا راغب مشو که آخرتت تباه می گردد.امام علی علیه السلام :هر که برای دنیا کار کرد، زیان کرد.امام علی علیه السلام :اگر خواهان دنیا شوید ، زیان می کنید و نابود می گردید.امام علی علیه السلام :به هر آنچه نابود می شود و از کف می رود ، رغبت مکن که این (رغبت) ، خود ، بالاترین زیان است. .

عنه عليه السلام :إنَّکَ لَن تَلقَی اللّهَ سُبحانَهُ بِعَمَلٍ أضَرَّ عَلَیکَ مِن حُبِّ الدُّنیا . (1)راجع : ص 254 (ما یمنع خیر الآخره من الدنیا) .

4 / 17سوءُ العاقِبَهالإمام علیّ علیه السلام :مَن عَبَدَ الدُّنیا وآثَرَها عَلَی الآخِرَهِ ، استَوخَمَ (2) العاقِبَهَ . (3)عنه علیه السلام :أیُّهَا النّاسُ ! إنَّکُم إن آثَرتُمُ الدُّنیا عَلَی الآخِرَهِ ، أسرَعتُم إجابَتَها إلَی العَرَضِ الأدنی ، ورَحَلَت مَطایا آمالِکُم إلَی الغایَهِ القُصوی ، تورِدُ مَناهِلَ عاقِبَتِهَا النَّدَمَ ، وتُذیقُکُم ما فَعَلَت بِالأُمَمِ الخالِیَهِ وَالقُرونِ الماضِیَهِ ؛ مِن تَغَیُّرِ الحالاتِ وتَکَوُّنِ المَثُلاتِ (4) . (5)الإمام زین العابدین علیه السلام :ما آثَرَ قَومٌ قَطُّ الدُّنیا عَلَی الآخِرَهِ ، إلاّ ساءَ مُنقَلَبُهُم وساءَ مَصیرُهُم . (6)الإمام الصادق علیه السلام :کانَ المَسیح علیه السلام یَقولُ لِأَصحابِهِ : وَیلٌ لِمَن کانَتِ الدُّنیا هَمَّهُ

وَالخَطایا عَمَلَهُ ، کَیفَ یَفتَضِحُ غَدا عِندَ رَبِّهِ؟ (7) .

1- .غرر الحکم : ح 3818 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 172 ح 3601 .
2- .یقال : هذا الأمر وَخِیمُ العاقبه ؛ أی ثقیل ردیء (النهایه : ج 5 ص 164 «وخم») .
3- .الخصال : ص 632 ح 10 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، تحف العقول : ص 122 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 104 ح 95 .
4- .المُثْلَهُ : نِقْمه تنزل بالإنسان فیُجعلُ مثالاً یَرتَدِع به غیرُه ، وجمعه مُثُلات ومَثُلات (مفردات ألفاظ القرآن : ص 760 «مثل») .
5- .تحف العقول : ص 221 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 60 ح 137 .
6- .الکافی : ج 8 ص 16 ح 2 ، الأمالی للمفید : ص 202 ح 33 کلاهما عن أبی حمزه الثمالی ، تحف العقول : ص 253 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 38 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 150 ح 11 .
7- .الأمالی للمفید : ص 209 ح 43 عن ابن سنان ، بحار الأنوار : ج 14 ص 325 ح 38 .

امام علی علیه السلام :تو هرگز خداوند سبحان را با عملی که برایت زیانبارتر از دنیادوستی است ، ملاقات نخواهی کرد.ر . ک : ص255 (دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود) .

4 / 17بدی فرجامامام علی علیه السلام :هر که بندگی دنیا کند و آن را بر آخرت مقدّم بدارد ، فرجامی سخت و ناگوار در انتظار اوست.امام علی علیه السلام :ای مردم! شما چنانچه دنیا را بر آخرت برگزینید ، [در واقع] در پذیرش دعوت آن به متاع پست ، شتافته اید، و مرکب های آرزوهایتان به سوی دورترین هدف ، تاخت برداشته اند و شما را به آبشخورهایی می برند که فرجامشان پشیمانی است، و آنچه را با امّت های پیشین و نسل های گذشته کرده اند، یعنی از کف رفتن نعمت ها و فرود آمدن کیفرها، به شما می چشانند.امام زین العابدین علیه السلام :هرگز هیچ مردمی دنیا را بر آخرت برنگزیدند ، مگر آن که فرجامی بد و سرنوشتی ناگوار یافتند.امام صادق علیه السلام :مسیح علیه السلام به یارانش می گفت: «وای بر کسی که دنیا دغدغه او باشد و خطا ، رفتارش! فردای قیامت ، چه رسوایی ای نزد پروردگارش خواهد داشت!» .

.

عيسى عليه السلام :وَيلٌ لِصاحِبِ الدُّنيا كَيفَ يَموتُ ويَترُكُها ، ويَأمَنُها وتَغُرُّهُ ، ويَثِقُ بِها وتَخذُلُهُ؟! وَيلٌ لِلمُغتَرّينَ كَيفَ أتَتهُم (1) ما يَكرَهونَ وفارَقَتهُم (2) ما يُحِبّونَ وجاءَ بِهِم ما يوعَدونَ؟! وَيلٌ لِمَن كانَتِ الدُّنيا هَمَّهُ وَالخَطايا عَمَلَهُ كَيفَ يَفتَضِحُ غَدا عِندَ اللّهِ؟! (3)راجع : ج2 ص316 (آثار الاهتمام بالآخره) .

4 / 18عَذابُ جَهَنَّمَالكتاب«فَأَمَّا مَن طَغَى * وَ ءَاثَرَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِىَ الْمَأْوَى» . (4)

«أُوْلَئِکَ الَّذِينَ اشْتَرَوُاْ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا بِالآخِرَهِ فَلاَ يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَ لاَ هُمْ يُنصَرُونَ» . (5)

«مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا و هُمْ فِيهَا لاَ يُبْخَسُونَ * أُوْلَئِکَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِى الآخِرَهِ إِلاَّ النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَ بَطِلٌ مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ» . (6)

.

1- .فى بعض نسخ المصدر: «أرتهُم»، وفى تنبيه الخواطر: «رَهِقَهم».
2- .فى تنبيه الخواطر : «وفارقهم» ، وهو المناسب للسياق .
3- .التحصين لابن فهد : ص 29 ح 49 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 132 ، المحجّه البيضاء : ج 5 ص 358 نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 328 ح 54 .
4- .النازعات : 37 39 .
5- .البقره : 86 .
6- .هود : 15 و 16 .

عیسی علیه السلام :بیچاره دنیادار که دنیا را می گذارد و می رود، دنیا را امین می شمارد؛ امّا او فریبش می دهد، و به دنیا اعتماد می کند؛ امّا او تنهایش می گذارد! بیچاره فریب خوردگان [دنیا ، [که آنچه دوست ندارند ، به سراغشان می آید و از آنچه دوست دارند ، جدا می شوند ، و وعده هایی که داده شده اند ، به آنان می رسد! بیچاره کسی که دنیا دغدغه او باشد و خطا ، رفتارش! فردا چه رسوایی ای نزد خداوند خواهد داشت!ر . ک : ج2 ص317 (آثار اهمیت دادن به آخرت) .

4 / 18عذاب دوزخقرآن«امّا آن که سرکشی کرد و زندگی دنیا را مقدّم داشت ، همانا دوزخ ، جایگاه [او [است» .

«آنان ، کسانی هستند که زندگی دنیا را به آخرت خریدند. پس نه عذاب آنان سبک می گردد، و نه یاری می شوند» .

«کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند ، [جزای] کارهایشان را در آن (دنیا) به طور کامل به آنان می دهیم، و به آنان در آن جا ، کم داده نخواهد شد. اینان ، کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود، و آنچه در آن (دنیا) کرده اند ، به هدر رفته، و آنچه انجام داده اند ، باطل گردیده است» .

.

«وَ يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَتِكُمْ فِى حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِى الاْءَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن عَرَضَت لَهُ دُنيا وآخِرَهٌ فَاختارَ الدُّنيا عَلَى الآخِرَهِ ، لَقِىَ اللّهَ يَومَ القِيامَهِ ولَيسَت لَهُ حَسَنَهٌ يَتَّقى بِهَا النّارَ ، ومَن اختارَ الآخِرَهَ عَلَى الدُّنيا وتَرَكَ الدُّنيا رَضِىَ اللّهُ عَنهُ وغَفَرَ لَهُ مَساوِئَ عَمَلِهِ . (2)عنه صلى الله عليه و آله :مَن عَرَضَت لَهُ الدُّنيا وَالآخِرَهُ فَأَخَذَ الآخِرَهَ وتَرَكَ الدُّنيا فَلَهُ الجَنَّهُ ، وإن أخَذَ الدُّنيا وتَرَكَ الآخِرَهَ فَلَهُ النّارُ . (3)عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَقَحَّمَ (4) فِى الدُّنيا فَهُوَ يَتَقَحَّمُ فِى النّارِ . (5)أعلام الدين عن أبى سعيد الخُدرى :سَمِعتُ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله يَقولُ لِرَجُلٍ يَعِظُهُ : . . . لَيَجيئَنَّ أقوامٌ يَومَ القِيامَهِ لَهُم حَسَناتٌ كَأمثالِ الجِبالِ ، فَيُؤمَرُ بِهِم إلَى النّارِ .

فَقيلَ : يا نَبِىَّ اللّهِ ، أمُصَلّونَ كانوا؟

قالَ : نَعَم ، كانوا يُصَلّونَ ويَصومونَ ، ويَأخُذونَ وَهنا مِنَ اللَّيلِ ، لكِنَّهُم كانوا إذا لاحَ لَهُم شَىءٌ مِن أمرِ الدُّنيا وَثَبوا عَلَيهِ . (6) .

1- .الأحقاف : 20 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 14 ح 4968 ، الأمالى للصدوق : ص 515 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص 334 ح 1 عن ابن عبّاس وأبى هريره ، عوالى اللآلى : ج 1 ص 365 ح 58 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 103 ح 92 .
3- .كنز العمّال : ج 3 ص 227 ح 6276 نقلاً عن ابن عساكر عن أبى هريره وابن عبّاس ؛ جامع الأخبار : ص 296 ح 805 عن جابر بن عبد اللّه نحوه .
4- .يقال : اقتحَمَ الإنسانُ الأمرَ العظيم ، وتَقَحَّمَه ؛ إذا رمى نفسه فيه من غير رويّه وتثبّت (النهايه : ج 4 ص 18 «قحم») .
5- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 342 ح 10513 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 3 ص 197 ح 6148 .
6- .أعلام الدين : ص 343 ، التحصين لابن فهد : ص 29 ح 52 ، عدّه الداعى : ص 295 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 217 كلّها نحوه ، بحار الأنوار :

ج 77 ص 186 ح 10 .

«و آن روز [را یاد کن] که کافران به آتش ، عرضه می شوند . [به آنان گفته می شود : [نعمت های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید. پس امروز به سزای آن که در زمین ، به ناحق سرکشی می نمودید و به سبب آن که نافرمانی می کردید، به عذاب خفّت بار ، کیفر می یابید» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که به او [کاری از] دنیا و [کاری از] آخرت عرضه شود و او دنیا را بر آخرت برگزیند ، روز قیامت ، خداوند را در حالی دیدار می کند که او را حتّی یک حسنه هم نیست که با آن ، خود را از آتش نگه بدارد؛ و هر کس آخرت را بر دنیا مقدّم بدارد و [کار] دنیا را وا گذارد ، خداوند از او خشنود می گردد و کارهای بدش را می آمرزد.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دنیا و آخرت برایش پیش بیاید و او آخرت را بگیرد و دنیا را وا گذارد ، بهشت برای او خواهد بود و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را وا گذارد، برای او آتش خواهد بود .پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که بی فکر و تأمّل ، خود را در دنیا بیفکند، خویش را در آتش افکنده است.أعلام الدین به نقل از ابو سعید خُدری :شنیدم که پیامبر خدا به مردی اندرز می دهد و می فرماید : «... روز قیامت ، مردمانی می آیند که به اندازه کوه ها کار نیک دارند؛ امّا امر می شود که آنان را به آتش ببرند».

گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا نمازگزار هم بوده اند؟

فرمود: «آری؛ نماز می خوانده اند، روزه می گرفته اند، و پاسی از شب را هم به عبادت می گذرانده اند؛ لیکن آدم هایی بوده اند که هر گاه چشمشان به چیزی از دنیا می افتاد ، به طرف آن می شتافتند». .

الإمام الصادق عليه السلام :مَرَّ عيسَى بنُ مَريَمَ عليه السلام عَلى قَريَهٍ قَد ماتَ أهلُها وطَيرُها ودَوابُّها ، فَقالَ : أما إنَّهُم لَم يَموتوا إلاّ بِسَخطَهٍ (1) ، ولَو ماتوا مُتَفَرِّقينَ لَتَدافَنوا . فَقالَ الحَوارِيّون : يا روح اللّه وكَلِمَتَهُ ، ادعُ اللّهَ أن يُحيِيَهُم لَنا فَيُخبِرونا ما كانَت أعمالُهُم فَنَجتَنِبَها .

فَدَعا عيسى عليه السلام رَبَّهُ فَنودِيَ مِنَ الجَوِّ : أن نادِهِم ، فَقامَ عيسى عليه السلام بِاللَّيلِ عَلى شَرَفٍ (2) مِنَ الأرضِ ، فَقالَ : يا أهلَ هذِهِ القَريَهِ ! فَأجابَهُ مِنهُم مُجيبٌ : لَبَّيکَ يا روحَ اللّهِ وكَلِمَتَهُ .

فَقالَ : وَيحَكُم ما كانَت أعمالُكُم؟

قالَ : عِبادَهُ الطّاغوتِ وحُبُّ الدُّنيا ، مَعَ خَوفٍ قَليلٍ ، وأمَلٍ بَعيدٍ ، وغَفلَهٍ فى لَهوٍ ولَعِبٍ .

فَقالَ : كَيفَ كانَ حُبُّكُم لِلدُّنيا؟

قالَ : كَحُبِّ الصَّبِيِّ لِاُمِّهِ ؛ إذا أقبَلَت عَلَينا فَرِحنا وسُرِرنا ، وإذا أدبَرَت عَنّا بَكَينا وحَزَنّا .

قالَ : كَيفَ كانَت عِبادَتُكُم لِلطّاغوتِ؟

قالَ : الطّاعَهُ لِاءَهلِ المَعاصى .

قالَ : كَيفَ كانَ عاقِبَهُ أمرِكُم؟

قالَ : بِتنا لَيلَهً فى عافِيَهٍ ، وأصبَحنا فِى الهاوِيَهِ .

فَقالَ : ومَا الهاوِيَهُ؟

فَقالَ : سِجّينٌ .

قالَ : وما سِجّينٌ؟

قالَ : جِبالٌ مِن جَمرٍ توقَدُ عَلَينا إلى يَومِ القِيامَهِ .

قالَ : فَما قُلتُم وما قيلَ لَكُم؟

قالَ : قُلنا : رُدَّنا إلَى الدُّنيا فَنَزهَدَ فيها ، قيلَ لَنا : كَذَبتُم .

قالَ : وَيحَكَ ، كَيفَ لَم يُكَلِّمنى غَيرُكَ مِن بَينِهِم؟ !

قالَ : يا روحَ اللّه ، إنَّهُم مُلجَمونَ بِلِجامٍ مِن نارٍ بِأَيدى مَلائِكَهٍ غِلاظٍ شِدادٍ ، وإنّى كُنتُ فيهم ولَم أكُن مِنهُم ، فَلَمّا نَزَلَ العَذابُ عَمَّنى مَعَهُم ، فَأنَا مُعَلَّقٌ بِشَعرَهٍ عَلى شَفيرِ (3) جَهَنَّمَ ، لا أدرى أُكبكَبُ فيها أم أنجو مِنها .

فَالتَفَتَ عيسى عليه السلام إلَى الحَوارِيّين ، فَقالَ : يا أولِياءَ اللّهِ ، أكلُ الخُبزِ اليابِسِ بِالمِلحِ الجَريشِ (4) وَالنّومُ عَلَى المَزابِلِ ، خَيرٌ كَثيرٌ مَعَ عافِيَهِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (5) .

1- .السُّخْط : الغضب (المصباح المنير : ص 269 «سخط») .
2- .الشَّرَف : العلوّ ، والمكان العالى (الصحاح : ج 4 ص 1379 «شرف») .
3- .شَفِيرُ جهنّم : أى جانبها وحرفها (النهايه : ج 2 ص 485 «شفر») .
4- .مِلحٌ جَريش : لم يُطَيَّب (الصحاح : ج 3 ص 998 «جرش») .
5- .الكافى : ج 2 ص 318 ح 11 عن مهاجر الأسدى ، مشكاه الأنوار : ص 461 ح 1538 عن مهاجر الأسدى عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 10 ح 3 وراجع ثواب الأعمال : ص 303 ح 1 ومعانى الأخبار : ص 341 ح 1 وعلل الشرائع : ص 466 ح 21 وحليه الأولياء : ج 4 ص 61 والبدايه والنهايه : ج 9 ص 296 .

امام صادق علیه السلام :عیسی بن مریم علیه السلام بر آبادی ای گذشت که مردمان و مرغان و چارپایان آن ، همگی مرده بودند. فرمود: «قطعاً اینها بر اثر خشم [الهی [مرده اند، که اگر جدا جدا مرده بودند ، حتما یکدیگر را دفن می کردند».

حواریان گفتند: ای روح و کلمه خدا! دعا کن که خداوند ، آنها را برایمان زنده گرداند تا به ما بگویند که چه اعمالی داشته اند ، تا ما از آنها دوری گزینیم.

عیسی علیه السلام به درگاه پروردگارش دعا کرد. از آسمان ندا آمد که: آنان را صدا بزن.

عیسی علیه السلام شب هنگام ، بر تپّه ای از زمین ایستاد و گفت: «ای اهالی این آبادی !» .

از میان آنان ، یکی پاسخش را داد که: بله، ای روح خدا و کلمه او!

عیسی گفت: «وای بر شما! اعمالتان چه بود [که به این روز افتادید]؟» .

گفت: پرستش طاغوت و دنیادوستی، و ترس اندک [از خدا]، و آرزوی دراز، و غفلت و فرو رفتن در لهو و لعب.

عیسی گفت: «دنیادوستی تان چگونه بود؟» .

جواب داد: همانند علاقه مندی کودک به مادرش. هر گاه دنیا به ما رو می آورد ، خوش حال و شاد می شدیم و هر گاه از ما روی بر می گرداند، گریه می کردیم و اندوهناک می شدیم.

عیسی گفت: «طاغوت پرستی شما چگونه بود؟» .

گفت: از گناهکاران اطاعت می کردیم.

عیسی گفت: «فرجام کارتان چگونه بود؟» .

گفت : شب به سلامت خفتیم و صبح در هاویه بودیم.

عیسی گفت: «هاویه چیست؟» .

گفت: سجّین .

عیسی گفت: «سجّین چیست؟» .

گفت: کوه هایی از اخگر که تا روز قیامت بر ما فروزان اند.

عیسی گفت: «شما چه گفتید و چه پاسخ شنیدید؟» .

گفت: ما گفتیم: ما را به دنیا باز گردان تا در آن ، زهد ورزیم. و به ما گفته شد: دروغ می گویید.

عیسی گفت: «وای بر تو! چرا از میان آنان ، فقط تو با من سخن گفتی؟» .

گفت: ای روح خدا! بر آنان لگامی از آتش زده شده که در دست فرشتگانی خشن و سختگیر است . من در میان آنان بودم ؛ امّا از آنان نبودم و چون عذاب فرود آمد، مرا هم در بر گرفت، و من به مویی بر کناره دوزخ آویخته ام و نمی دانم که در آن خواهم افتاد ، یا نجات خواهم یافت.

عیسی علیه السلام به حواریان رو کرد و گفت: «ای اولیای خدا! خوردن نان خشک با نمکِ نیم کوفته و خفتن در خرابه ها به همراه عافیت دنیا و آخرت، بسیار بهتر است». .

ص: 458

. .

ص: 459

. .

مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمام الصّادِقِ عليه السلام :الطَّمَعُ وَالرَّغبَهُ فِى الدُّنيا أصلانِ لِكُلِّ شَرٍّ ، وصاحِبُهُما لا يَنجو مِنَ النّارِ إلاّ أن يَتوبَ عَن ذلِکَ . (1)راجع : ج2 ص358 (ما يخرّب الآخره) .

4 / 19النَّوادِررسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ تَعالى : يا دُنيا مُرّى عَلى أولِيائى ، لا تَحلَولى لَهُم فَتَفتِنيهم . (2)عنه صلى الله عليه و آله :مَن يَتَوَلَّ الدُّنيا يَعجِز عَنها . (3)عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا عُرسُ المُنافِقين ، وَالقِيامَهُ عُرسُ المُتَّقينَ . (4)الإمام علىّ عليه السلام :الرَّغبَهُ فِى الدُّنيا تُفسِدُ الإيقانَ . (5)عنه عليه السلام :مَن مَلَکَتهُ الدُّنيا کَثُرَ صَرعُهُ (6) . (7)عنه عليه السلام :طَلَبُ الدُّنيا رَأسُ الفِتنَهِ . (8) .

1- .مصباح الشريعه : ص 185 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 349 ح 18 .
2- .مسند الشهاب : ج 2 ص 325 ح 1453 عن عبداللّه بن مسعود .
3- .الكافى : ج 8 ص 82 ح 39 عن أبى الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام وراجع الزهد للحسين بن سعيد : ص14 ح28 وتاريخ اليعقوبى : ج2 ص94 والمصنّف لابن أبى شيبه : ج8 ص163 الرقم 37 .
4- .الفردوس : ج 2 ص 228 ح 3102 عن أنس .
5- .غرر الحكم : ح 4839 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 229 ح 4413 وفيه «حبّ الدنيا» بدل «الرغبه فى الدنيا» .
6- .الصَّرْع : الطَّرحُ على الأرض (القاموس المحيط : ج 3 ص 49 «صرع») .
7- .غرر الحكم : ح 8160 .
8- .غرر الحكم : ح 5990 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 317 ح 5529 .

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است :طمع و دنیاخواهی ، ریشه هر بدی هستند، و دارنده آنها از آتش نمی رهد ، مگر آن که از این دو خصلت ، توبه کند.ر . ک : ج2 ص359 (آنچه آخرت را ویران می کند) .

4 / 19گوناگونپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال می فرماید: «ای دنیا! بر دوستان من تلخ شو، و به کام آنان شیرین مباش ، که فریفته شان می گردانی».پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که به دنیا بپردازد، از آن درمانده می شود.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا ، عروسی منافقان است و قیامت ، عروسی پرهیزگاران.امام علی علیه السلام :میل به دنیا، یقین را به تباهی می کشاند.امام علی علیه السلام :هر که مملوک دنیا شود، زیاد زمین می خورد.امام علی علیه السلام :دنیاطلبی، ریشه فتنه [و گناه] است.

.

عنه عليه السلام :الدُّنيا ضِحكَةُ مُستَعبِرٍ . (1)عنه عليه السلام :الدُّنيا كَما تَجبُرُ تَكسِرُ . (2)عنه عليه السلام :الدُّنيا تُسلِمُ . (3)عنه عليه السلام :قَليلُ الدُّنيا يَذهَبُ بِكَثيرِ الآخِرَهِ . (4)عنه عليه السلام :مَن طَلَبَ مِنَ الدُّنيا شَيئا فاتَهُ مِنَ الآخِرَهِ أكثَرُ مِمّا طَلَبَ . (5)عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :الدُّنيا طَوّاحَهٌ (6) طَرّاحَهٌ فَصّاحَهٌ ، آسِيَهٌ (7) جَرّاحَهٌ . (8)عنه عليه السلام :خَيرُ الدُّنيا حَسرَهٌ ، وشَرُّها نَدَمٌ . (9)عنه عليه السلام :الدُّنيا صَفقَهُ مَغبونٍ ، وَالإنسانُ مَغبونٌ بِها . (10)عنه عليه السلام :غِذاءُ الدُّنيا سِمامٌ (11) ، وأسبابُها رِمامٌ (12) . (13) .

1- .غرر الحكم : ح 403 .
2- .غرر الحكم : ح 1227 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 46 ح 1144 .
3- .غرر الحكم : ح 2 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 35 ح 678 .
4- .غرر الحكم : ح 6795 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 372 ح 6308 وفيه «من الآخره» .
5- .غرر الحكم : ح 8895 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 434 ح 7488 نحوه .
6- .طاحَ يَطُوحُ ويَطِيحُ : هلک ، وسقط ، وتاه فى الأرض . وطَوَّحَه فتَطوَّح : تَوَّهَهُ . وطوّحَتْه الطوائح : قَذَفَته القَواذِف (القاموس المحيط : ج 1 ص 238 «طاح») .
7- .أسَوتُ الجُرحَ : داوَيته، فهو مأسُوٌّ وأسِىٌّ (الصحاح : ج 6 ص 2269 «أسا») .
8- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 271 ح 139 .
9- .غرر الحكم : ح 4963 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 239 ح 4554 .
10- .غرر الحكم : ح 1883 وراجع عيون الحكم والمواعظ : ص 62 ح 1601 .
11- .السُّمّ : ما يقتل ، وجمعه سُموم وسِمام (المصباح المنير : ص 289 «سمّ») .
12- .الرِّمام بالكسر : جمعُ رُمَّه بالضمّ ؛ وهى قطعه حبل باليةً (النهايه : ج 2 ص 267 «رمم») .
13- .غرر الحكم : ح 6428 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 349 ح 5946 وفيه «سهام» وص 232 ح 4442 وزاد فى صدره «حُلو الدنيا صبر» .

امام علی علیه السلام :دنیا، مسخره کسی است که آن را درست ارزیابی کند.امام علی علیه السلام :دنیا، همان گونه که می بندد، می شکند.امام علی علیه السلام :دنیا، [آدمی را] وا می نهد.امام علی علیه السلام :اندکِ دنیا، بسیارِ آخرت را از بین می برد.امام علی علیه السلام :هر که از دنیا چیزی بجوید، در آخرت ، بیشتر از آنچه جُسته است ، از دست می دهد.امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :دنیا سرگردان کننده، دور افکننده، رسواگر، پرستار و زخم بند است.امام علی علیه السلام :خوبِ ، دنیا ، [مایه] افسوس است و بدِ آن ، [مایه [پشیمانی.امام علی علیه السلام :دنیا، سودایی زیانبار است، و [در این سودا] انسان ، زیان کننده .امام علی علیه السلام :خوراک دنیا سم است و ریسمان هایش پوسیده. .

عنه علیه السلام :جودُ الدُّنیا فَناءٌ ، وراحَتُها عَناءٌ ، وسلامَتُها عَطَبٌ ، ومَواهِبُها سَلَبٌ . (1)عنه علیه السلام :المُواصِلُ لِلدُّنیا مَقطوعٌ . (2)عنه علیه السلام :کُلُّ تُنافِسٍ فی مَواهِبِ الدُّنیا ؛ فَإِنَّ مَواهِبَها حَقیرَهٌ . (3)عنه علیه السلام :کُلُّ أرباحِ الدُّنیا خُسرانٌ . (4)عنه علیه السلام :إنَّ الدُّنیا تُعطی وتَرتَجِعُ ، وتَنقادُ وتَمتَنِعُ ، وتوحِشُ وتُؤنِسُ ، وتُطمِعُ وتُؤیِسُ ، یُعرِضُ عَنهَا السُّعَداءُ ، ویَرغَبُ فیهَا الأشقِیاءُ . (5)عنه علیه السلام :کُلُّ ما لا یَنفَعُ یَضُرُّ ، وَالدُّنیا مَعَ حَلاوَتِها تَمُرُّ ، وَالفَقرُ مَعَ الغِنی بِاللّهِ لا یَضُرُّ . (6)عنه علیه السلام :کُلُّ یَسارِ الدُّنیا إعسارٌ . (7)عنه علیه السلام :یا أیُّهَا النّاسُ ! مَتاعُ الدُّنیا حُطامُ موبِئٌ (8) ، فَتَجَنَّبوا مَرعاهُ ؛ قُلعَتُها (9) أحظی مِن طُمَأنینَتِها ، وبُلغَتُها (10) أزکی مِن ثَروَتِها . (11)عنه علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : حَلاوَهُ دُنیاکَ مَسمومَهٌ فَلا تَأکُلُ الشَّهدَ إلاّ بِسَمّ مَحامِدُ دُنیاکَ مَذمومَهٌ فَلا تَکسِبُ الحَمدَ إلاّ بِذَمّ إذا تَمَّ أمرٌ بَدا نَقصُهُ تَوَقَّع زَوالاً إذا قیلَ تَمّ وکَم قَدَرٍ دَبَّ فی غَفلَهٍ فَلَم یَشعُرِ النّاسُ حَتّی هَجَم (12) .

1- .غرر الحکم : ح 4739 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 221 ح 4301 .
2- .غرر الحکم : ح 628 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 25 ح 256 .
3- .غرر الحکم : ح 10287 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 522 ح 9503 .
4- .غرر الحکم : ح 6858 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 375 ح 6334 .
5- .غرر الحکم : ح 3679 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 146 ح 3236 .
6- .غرر الحکم : ح 7201 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 396 ح 6715 وفیه «بعد الغناء» بدل «مع الغنی» .
7- .غرر الحکم : ح 6901 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 377 ح 6380 .
8- .الوَبَاءُ : المرض العام (النهایه : ج 5 ص 144 «وبا») .
9- .منزل قُلْعَه : أی تحوُّلٍ وارتحال لیس بمستوطَن (مجمع البحرین : ج 3 ص 1508 «قلع») .
10- .البُلْغَه : الکفایه ، وهو ما یکتفی به فی العیش (مجمع البحرین : ج 1 ص 187 «بلغ») .
11- .نهج البلاغه : الحکمه 367 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 131 ح 135 وراجع تحف العقول : ص 221 .
12- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : ص 524 الرقم 397 .

امام علی علیه السلام :بخشش دنیا فناست، و آسایشش رنج، و سلامتش نابودی، و دِهِش هایش پس گرفتنی.امام علی علیه السلام :آن که به خاطر دنیا پیوند برقرار کند، پیوندش گسستنی است.امام علی علیه السلام :در مواهب دنیا رقابت مکن؛ چرا که مواهب آن ، خُرد است.امام علی علیه السلام :همه سودهای دنیا ، زیان است.امام علی علیه السلام :دنیا می دهد و پس می گیرد، فرمان می برد و سر می پیچد، رَم می دهد و اُنس می گیرد، و امیدوار می کند و نومید می گرداند. نیک بختان از آن روی می گردانند، و شوربختان به آن می گرایند.امام علی علیه السلام :هر چیزی که سود نرساند، زیان می زند، و دنیا با وجود شیرینی اش تلخ است، و درویشی دنیا با وجود توانگری به خدا (داشتن سرمایه ای چون خداوند) ، زیانی [به انسان] نمی رساند.امام علی علیه السلام :هر توانگری ای در دنیا، تنگ دستی است.امام علی علیه السلام :ای مردم! کالای دنیا [چون] خاشاکی است طاعون زده . پس ، از چریدن در آن ، دوری کنید. رخت بربستن از آن ، خوش تر از آرمیدن در آن است، و قدری از آن به اندازه کفاف ، پاک تر از ثروت آن است.امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : شهد دنیای تو شرنگین است پس شهد را جز با شرنگ نمی خوری ستوده های دنیای تو نکوهیده است /پس ستایش را جز با نکوهش به دست نمی آوری هر گاه کاری کامل شود ، کاستی اش نمایان می شود/ هر گاه گفته شد : کامل شد، منتظر نابود شدنش باش چه بسیار تقدیری که در دلِ غفلتی خزید / و تا مردم به خود آمدند ، بر آنان یورش آورد!.

الإمام الحسن عليه السلام فى ذَمِّ الدُّنيا :الرّاغِبُ فيها عَبدٌ لِمَن يَملِكُها . (1) .

1- .كنز العمّال : ج 16 ص 214 ح 44236 نقلاً عن ابن النجّار .

ص: 467

امام حسن علیه السلام در نکوهش دنیا :دنیاخواه، بنده دنیادار است. .

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

الفصل الخامس : مبادئ حبّ الدنيا5 / 1الجَهلالإمام علىّ عليه السلام :غُرّى يا دُنيا مَن جَهِلَ حِيَلَكِ ، وخَفِىَ عَلَيهِ حَبائِلُ (1) كَيدِكِ . (2)

عنه عليه السلام :الرُّكونُ إلَى الدُّنيا مَعَ ما تُعايِنُ مِنها جَهلٌ . (3)

نتمتن

عنه عليه السلام :الرُّكونُ إلَى الدُّنيا مَعَ ما يُعايَنُ مِن غِيَرِها جَهلٌ . (4)

عنه عليه السلام :الرُّكونُ إلَى الدُّنيا مَعَ ما يُعايَنُ مِن سوءِ تَقَلُّبِها جَهلٌ . (5)

راجع : ص146 (مبادئ الزهد / اليقين) .

5 / 2الحُمقالإمام علىّ عليه السلام :العاجِلَةُ غُرورُ الحَمقى . (6)

.

1- .حَبائِل : جمع حِباله ؛ وهى المَصْيَدَه (تاج العروس : ج 14 ص 134 «حبل») .
2- .غرر الحكم : ح 6413 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 349 ح 5945 .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 384 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 297 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 190 ح 56 ؛ مطالب السؤول : ص 57 .
4- .غرر الحكم : ح 1979 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 59 ح 1508 .
5- .غرر الحكم : ح 2037 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 62 ح 1611 .
6- .غرر الحكم : ح 896 .

فصل پنجم : ریشه های دنیادوستی

5 / 1 نادانی

5 / 2 کم خِرَدی

فصل پنجم: ریشه های دنیادوستی5 / 1نادانیامام علی علیه السلام :ای دنیا ! کسی را بفریب که حیله های تو را نمی شناسد، و دام های نیرنگ تو بر او پوشیده است.

امام علی علیه السلام :دل بستگی به دنیا، با وجود آنچه از آن می بینی، نادانی است.

امام علی علیه السلام :دل بستگی به دنیا، با وجود مشاهده دگرگونی های (پیشامدهای) آن، نادانی است.

امام علی علیه السلام :دل بستگی به دنیا، با وجود مشاهده دگرگونی های نابه جایش، نادانی است.

ر . ک : ص 147 (زمینه های زهد / یقین) .

5 / 2کم خِرَدیامام علی علیه السلام :دنیا ، مایه فریب کم خِرَدان است.

.

ص: 8

عنه عليه السلام :الاِغتِرارُ بِالعاجِلَهِ خُرقٌ (1) . (2)

عنه عليه السلام :الدُّنيا غَنيمَهُ الحَمقى . (3)

عنه عليه السلام :الفَرَحُ بِالدُّنيا حُمقٌ . (4)

5 / 3طولُ الأَمَلِالإمام علىّ عليه السلام :أيُّهَا النّاسُ ! إنَّ الدُّنيا تَغُرُّ المُؤَمِّلَ لَها والمُخلِدَ إلَيها ، ولا تَنفَسُ بِمَن نافَسَ فيها (5) ، وتَغلِبُ مَن غَلَبَ عَلَيها . (6)

عنه عليه السلام :ما أطالَ عَبدٌ الأَمَلَ إلاّ أساءَ العَمَلَ وطَلَبَ الدُّنيا . (7)

راجع : ص330 (ما ينسى الآخره / طول الأمل) .

.

1- .الخُرق بالضمّ : الجهل والحُمق (النهايه : ج 2 ص 26 «خرق») .
2- .غرر الحكم : ح 455 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 31 ح 502 .
3- .غرر الحكم : ح 1110 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 44 ح 1081 .
4- .غرر الحكم : ح 454 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 31 ح 501 .
5- .لا تَنفَسُ بمن نافس فيها : لا تَضَنّ [أى لا تبخل] به ؛ أى من نافَسَ فى الدنيا فإنّ الدنيا تُهينه ولا تَضَنُّ به كما يُضَنُّ بالعلْق النفيس (شرح نهج البلاغه : ج 10 ص 61) .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 178 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 364 ح 96 .
7- .الدعوات : ص 236 ح 655 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 172 ح 6 .

ص: 9

5 / 3 درازیِ آرزو

امام علی علیه السلام :فریفته شدن به دنیا، حماقت است.

امام علی علیه السلام :دنیا، غنیمت کم خِرَدان است.

امام علی علیه السلام :شاد شدن به دنیا، کم خِرَدی است.

5 / 3درازیِ آرزوامام علی علیه السلام :ای مردم! دنیا کسی را که آرزومندش باشد و به آن بگراید ، فریب می دهد، و کسی را که عزیزش بدارد ، عزیز نمی دارد، و کسی را که بر آن چیره شود (/ چیرگی بجوید) ، مغلوب می کند.

امام علی علیه السلام :هیچ بنده ای آرزو را دور و دراز نکرد ، مگر این که کردار را بد کرد و در پی دنیا بر آمد.

ر . ک : ص 331 (عوامل از یاد بردن آخرت / آرزوی دراز) .

.

الفصل السادس : علامات عبيد الدّنيا وأدب مواجهتهم6 / 1صِفاتُ أهلِ الدُّنياالإمام علىّ عليه السلام :إنَّ النَّبِى صلى الله عليه و آله سَأَلَ رَبَّهُ سُبحانَهُ لَيلَةَ المِعراجِ فَقالَ : . . . يا رَبِّ ومَن أهلُ الدُّنيا ومَن أهلُ الآخِرَةِ؟ قالَ : أهلُ الدُّنيا مَن كَثُرَ أكلُهُ وضِحكُهُ ونَومُهُ وغَضَبُهُ ، قَليلُ الرِّضا ، لا يَعتَذِرُ إلى مَن أساءَ إلَيهِ ، ولا يَقبَلُ عُذرَ مَن اعتَذَرَ إلَيهِ ، كَسلانُ عِندَ الطّاعَةِ ، شُجاعٌ عِندَ المَعصِيَةِ ، أمَلُهُ بَعيدٌ وأجَلُهُ قَريبٌ ، لا يُحاسِبُ نَفسَهُ ، قَليلُ المَنفَعَةِ ، كَثيرُ الكَلامِ ، قَليلُ الخَوفِ ، كَثيرُ الفَرَحِ عِندَ الطَّعامِ ، وإنَّ أهلَ الدُّنيا لا يَشكُرونَ عِندَ الرَّخاءِ ، ولا يَصبِرونَ (1) عِندَ البَلاءِ ، كَثيرُ النّاسِ عِندَهُم قَليلٌ ، يَحمَدونَ أنفُسَهُم بِما لا يَفعَلونَ ويَدَّعونَ بِما لَيسَ لَهُم ، ويَتَكَلَّمونَ بِما يَتَمَنَّونَ ، ويَذكُرونَ مَساوِئَ النّاسِ ويُخفونَ حَسَناتِهِم . فَقالَ : يا رَبِّ ، كُلُّ هذَا العَيبِ فى أهلِ الدُّنيا؟ ! [قالَ:] (2) يا أحمَد ، إنَّ أهلَ الدُّنيا كَثيرٌ فيهِمُ الجَهلُ وَالحُمقُ ، لا يَتَواضَعونَ لِمَن يَتَعَلَّمونَ مِنهُ ، وهُم عِندَ أنفُسِهِم عُقَلاءُ ، وعِندَ العارِفينَ حُمَقاءُ . (3)

.

1- .فى المصدر «لا يُبصِرون» والأصحّ ما أثبتناه كما فى بحار الأنوار .
2- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
3- .إرشاد القلوب : ص 199 ص 201 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 23 ح 6 .

6 / 1 ویژگی های اهل دنیا

فصل ششم: نشانه های بندگان دنیا و روش رویارویی با آنان6 / 1ویژگی های اهل دنیاامام علی علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از پروردگار پاکش پرسید:... ای پروردگار من! اهل دنیا چه کسی است و اهل آخرت کیست؟ فرمود: «اهل دنیا ، کسی است که : خوراک و خنده و خواب و خشمش بسیار است؛ خشنودی اش اندک است؛ نه از کسی که به وی بدی کرده است ، پوزش می طلبد، و نه پوزش کسی را که از او پوزش می طلبد، می پذیرد؛ در طاعت ، تنبل است، و در معصیت ، گستاخ؛ آرزویش دور و دراز است و اجلش نزدیک؛ از نفْس خویش حساب نمی کشد؛ کم خیر است؛ پُرگوست؛ کم ترس [از خدا] است؛ و هنگام غذاخوردن ، بسیار شاد است. اهل دنیا در هنگام آسایش ، سپاس گزار نیستند، و هنگام بلا (سختی) شکیبا نیستند؛ زیادِ مردم ، در نظر آنان اندک است؛ خویشتن را به کارهای ناکرده می ستایند، و ادّعای چیزهایی را می کنند که ندارند، و از چیزهایی سخن می گویند که آرزو دارند؛ و بدی های مردم را می گویند و خوبی های آنان را پوشیده می دارند». پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای پروردگار من! همه این عیب ها ، در اهل دنیاست؟! [فرمود:] «ای احمد! در اهل دنیا ، نادانی و کم بخردی های بسیار است : در برابر کسی که از او دانش می آموزند ، فروتنی نمی کنند ، و خویشتن را عاقل می پندارند، در حالی که به نزد فهمیدگان ، مردمانی کم خردند».

.

عنه عليه السلام :حُكِمَ عَلى مُكثِرى أهلِ الدُّنيا بِالفاقَهِ ، وأُعينَ مَن غَنِىَ عَنها بِالرّاحَهِ . (1)

عنه عليه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ يُبَيِّنُ فيها عِصيانَ الخَلقِ :سُبحانَکَ خالِقا ومَعبودا ! بِحُسنِ بَلائِکَ عِندَ خَلقِکَ خَلَقتَ دارا ، وجَعَلتَ فيها مَأدُبَهً ؛ مَشرَبا ومَطعَما ، وأزواجا وخَدَما ، وقُصورا ، وأنهارا ، وزُروعا وثِمارا ، ثُمَّ أرسَلتَ داعِيا يَدعو إلَيها ، فَلاَ الدّاعِىَ أجابوا ، ولا فيما رَغَّبتَ رَغِبوا ، ولا إلى ما شَوَّقتَ إلَيهِ اشتاقوا . أقبَلوا عَلى جيفَهٍ قَدِ افتَضَحوا بِأكلِها ، وَاصطَلَحوا عَلى حُبِّها ، ومَن عَشِقَ شَيئا أعشى (2) بَصَرَهُ ، وأمرَضَ قَلبَهُ ؛ فَهُوَ يَنظُرُ بِعَينٍ غَيرِ صَحيحَهٍ ، ويَسمَعُ بِأُذُنٍ غَيرِ سَميعَهٍ ، قَد خَرَقَتِ الشَّهَواتُ عَقلَهُ ، وأماتَتِ الدُّنيا قَلبَهُ ، ووَلِهَت (3) عَلَيها نَفسُهُ ، فَهُوَ عَبدٌ لَها ، ولِمَن فى يَدَيهِ شَىءٌ مِنها ، حَيثُما زالَت زالَ إليها ، وحَيثُما أقبَلَت أقبَلَ عَلَيها ، ولا يَزدَجِرُ مِنَ اللّهِ بِزاجِرٍ ولايَتَّعِظُ مِنهُ بِواعِظٍ . (4)

عنه عليه السلام فى وَصفِ الظَّلَمَهِ :يَتَنافَسونَ فى دُنيا دَنِيَّهٍ ، ويَتَكالَبونَ (5) عَلى جيفَهٍ مُريحَهٍ (6) ، وعَن قَليلٍ يَتَبَرَّأُ التّابِعُ مِنَ المَتبوعِ ، وَالقائِدُ مِنَ المَقودِ ، فَيَتَزايَلونَ بِالبَغضاءِ ، ويَتَلاعَنونَ عِندَ اللِّقاءِ . (7)

.

1- .غرر الحكم : ح 4938 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 233 ح 4471 وفيه «بالقناعه بالراحه» .
2- .العَشَا : سوء البصر ، وقيل : هو ذهاب البصر (لسان العرب : ج 15 ص 56 «عشا») .
3- .الوَلَهُ : ذهاب العقل والتحيّر من شدّه الوجد (الصحاح : ج 6 ص 2256 «وله») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 109 .
5- .يتكالبون : أى يتواثبون (المصباح المنير : ص 537 «كلب») .
6- .أراحَ اللحمُ : أى أنتَنَ ، وأروَحَ الماءُ وغيره : تغيّرت ريحُه (الصحاح : ج 1 ص 369 «روح») .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 151 .

امام علی علیه السلام :ثروتمندان اهل دنیا ، محکوم به نیازمندی اند، و هر که از دنیا بی نیازی بجوید، آسایش به یاری او می آید.

امام علی علیه السلام در خطبه ای که در آن ، نافرمانی خَلق را توضیح می دهد :پاکی تو ، ای آفریدگار و معبودی که از سرِ عنایتت به بندگانت، سرایی (آخرت) آفریدی و در آن ، خوانی از انواع نوشیدنی و خوردنی ، و همسران و چاکران ، و کاخ ها و رودها ، و محصولات و میوه ها گسترانیدی ، و سپس دعوتگری فرستادی تا [مردم را] به سوی آن [سرای و خوان گسترده] فرا بخواند؛ امّا نه دعوتگر را اجابت کردند و نه به آنچه تو ترغیبشان کردی ، رغبت نمودند، و نه بر آنچه تشویقشان کردی ، شوقی نشان دادند! [آنان] به لاشه ای روی آوردند که با خوردن آن رسوا گشتند، و در دوستی آن ، با یکدیگر سازش کردند . و هر که عاشق چیزی شود ، آن چیز ، چشم او را کور و دلش را بیمار می گرداند، و چنین کسی با چشمی ناسالم می نگرد، و با گوشی ناشنوا می شنود. [عاشق دنیا ،] شهوات ، خِرَد او را از هم دریده، دنیا دلش را میرانده، و جانش سرگشته دنیا شده است. از این رو، بنده دنیا و بنده کسی است که از دنیا چیزی دارد. به هر سو که دنیا برود ، او نیز می رود، و به هر طرف که دنیا رو کند ، او نیز رو می کند. نه با بازدارنده ای از سوی خدا باز می ایستد و نه از هیچ پندآموزی از سوی او ، پند می گیرد.

امام علی علیه السلام در توصیف ستمگران :در دنیایی پست رقابت می کنند، و بر سر لاشه ای گندیده [همچون سگان] به جان یکدیگر می افتند؛ امّا زودا که پیرو از رهبر ، و رهبر از پیرو بیزاری بجوید، و با نفرت ، از یکدیگر جدا شوند، و هنگام دیدار ، یکدیگر را لعنت کنند.

.

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ اللّهَ ثَقَّلَ الخَيرَ عَلى أهلِ الدُّنيا كَثِقلِهِ فى مَوازينِهِم يَومَ القِيامَهِ ، وإنَّ اللّهَ خَفَّفَ الشَّرَّ عَلى أهلِ الدُّنيا كَخِفَّتِهِ فى مَوازينِهِم يَومَ القِيامَهِ . (1)

راجع : ص 292 (خصائص أبناء الآخره)

وص 334 ح 1368 .

6 / 2مَثَلُ عَبيدِ الدُّنياالإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :يا عَبيدَ الدُّنيا ، كَيفَ تُخالِفُ فُروعُكُم أصولَكُم ، وعُقولُكُم أهواءَكُم ، قَولُكُم شِفاءٌ يُبرِئُ الدّاءَ ، وعَمَلُكُم داءٌ لا يَقبَلُ الدَّواءَ ؛ ولَستُم كَالكَرمَهِ (2) الَّتى حَسُنَ وَرَقُها ، وطابَ ثَمَرُها ، وسَهُلَ مُرتَقاها ؛ ولكِنَّكُم كَالشَّجَرَهِ الَّتى قَلَّ وَرَقُها ، وكَثُرَ شَوكُها ، وخَبُثَ ثَمَرُها ، وصَعُبَ مُرتَقاها . جَعَلتُمُ العِلمَ تَحتَ أقدامِكُم ، وَالدُّنيا فَوقَ رُؤوسِكُم ؛ فَالعِلمُ عِندَكُم مُذالٌ مُمتَهَنٌ (3) ، وَالدُّنيا لا يُستَطاعُ تَناوُلُها ؛ فَقَد مَنَعتُم كُلَّ أحَدٍ مِنَ الوُصولِ إلَيها ، فَلا أحرارٌ كِرامٌ أنتُم ، ولا عَبيدٌ أتقِياءُ . وَيحَكُم يا اُجَراءَ السَّوءِ! أمَّا الأجرُ فَتَأخُذونَ ، وأمَّا العَمَلُ فَلا تَعمَلونَ ؛ إن عَمِلتُم فَلِلعَمَلِ تُفسِدونَ ، وسَوفَ تَلقَونَ ما تَفعَلونَ ، يوشِكُ رَبُّ العَمَلِ أن يَنظُرَ فى عَمَلِهِ الَّذى أفسَدتُم ، وفى أجرِهِ الَّذى أخَذتُم . يا غُرَماءَ السَّوءِ ، تَبدَؤونَ بِالهَدِيَّهِ قَبلَ قَضاءِ الدَّينِ ، تَتَطَوَّعونَ بِالنَّوافِلِ ولا تُؤَدّونَ الفَرائِضَ ، إنَّ رَبَّ الدَّينِ لا يَرضى بِالهَدِيَّهِ حَتَّى يُقضى دَينُهُ . (4)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 143 ح 10 ، الخصال : ص 17 ح 61 كلاهما عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 71 ص 225 ح 39 .
2- .الكَرْم : العِنَب (القاموس المحيط : ج 4 ص 170 «كرم») .
3- .امتَهَنتُ الشىءَ : ابتذَلته . ورَجلٌ مَهين : أى حقير (الصحاح : ج6 ص2209 «مهن») .
4- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 324 ح 719 .

ص: 15

6 / 2 مَثَل بندگان دنیا

امام باقر علیه السلام :خداوند ، خوبی را بر اهل دنیا سنگین ساخت ، همچنان که روز قیامت در ترازوهایشان سنگین است، و خداوند بدی را بر اهل دنیا سبک ساخت ، همچنان که روز قیامت در ترازوهایشان سبک است.

ر . ک : ص 293 (ویژگی های آخرت گرایان)

و 335 ح 1368 .

6 / 2مَثَل بندگان دنیاامام علی علیه السلام در سخنان کوتاه منسوب به ایشان :ای بندگان دنیا! چرا شاخه هایتان با ریشه هایتان ، و خِرَدهایتان با هوس هایتان ناسازگار است؟ گفتارتان ، دارویی است که درد را شفا می بخشد؛ ولی کردارتان ، دردی است که درمان نمی پذیرد. شما نه چون تاکید که برگ هایش نیکو و میوه اش خوش و بالا رفتن از آن ، آسان است؛ بلکه چون درختی هستید که کم برگ و پر خار است و میوه اش غیر قابل خوردن، و بالا رفتن از آن ، دشوار است. شما دانش (معرفت) را زیر پاهایتان نهادید، و دنیا را بالای سرهایتان. از این رو، دانش در نزد شما خوار و بی مقدار است . و [با شما] به دنیا هم نمی توان رسید، که شما هر کسی را از رسیدن به آن ، مانع می شوید . پس، شما نه آزادگانی آقامنشید و نه بردگانی پرهیزگار. بدا به حالتان ، ای مزدوران بد! مزد را می گیرید و کار نمی کنید. اگر هم کار کنید ، کار را تباه می کنید. به زودی ، کردار خود را می بینید، و کارفرما به کار تباهی که برایش کرده اید و به مزدی که از او گرفته اید ، رسیدگی خواهد کرد! ای بدهکاران بد! دِین خود را نمی پردازید و هدیه می دهید؛ مستحبّات را به جا می آورید و واجبات را نمی گزارید. بستانکار ، هدیه را نمی پذیرد تا آن که طلب او پرداخت شود.

.

6 / 3النَّهىُ عَن تَعظيمِ صاحِبِ الدُّنيارسولُ اللّه صلى الله عليه و آله :مَن عَظَّمَ صاحِبَ دُنيا وأحَبَّهُ لِطَمَعِ دُنياهُ ، سَخِطَ اللّهُ عَلَيهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لَعَنَ اللّهُ مَن أكرَمَ الغَنِىَّ لِغِناهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَضَعضَعَ لِغَنِىٍّ لِيَنالَ مِمّا فى يَدَيهِ ، أسخَطَ اللّهَ عَلَيهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أتى غَنِيّا فَتَضَعضَعَ لَهُ ، ذَهَبَ ثُلُثا دينِهِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :لا تَضَعوا مَن رَفَعَتهُ التَّقوى ، ولا تَرفَعوا مِنَ رَفَعَتهُ الدُّنيا . (5)

نهج البلاغه :قالَ [عَلِىٌّ] عليه السلام وقَد لَقِيَهُ عِندَ مَسيرِهِ إلَى الشّام دَهاقينُ (6) الأنبار فَتَرَجَّلوا لَهُ وَاشتَدّوا (7) بَينَ يَدَيهِ ، فَقالَ : ما هذَا الَّذى صَنَعتُموهُ؟! فَقالوا : خُلُقٌ مِنّا نُعَظِّمُ بِهِ اُمَراءَنا . فَقالَ: وَاللّهِ ما يَنتَفِعُ بِهذا اُمَراؤُكُم ، إنَّكُم لَتَشُقّونَ عَلى أنفُسِكُم فى دُنياكُم ، وتَشقَونَ بِهِ فى آخِرَتِكُم . وما أخسَرَ المَشَقَّةَ وَراءَهَا العِقابُ ، وأربَحَ الدَّعَةَ مَعَهَا الأمانُ مِنَ النّارِ . (8)

.

1- .ثواب الأعمال : ص 331 ح 1 عن ابن عبّاس وأبى هريره ، أعلام الدين : ص 411 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 360 ح 30 .
2- .إرشاد القلوب : ص 194 .
3- .المعجم الصغير : ج 1 ص 257 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 213 ح 10044 ، تنبيه الغافلين : ص 257 ح 341 كلّها عن أنس ، البدايه والنهايه : ج 9 ص 277 عن وهب وكلّها نحوه .
4- .تحف العقول : ص 8 ، نهج البلاغه : الحكمه 228 عن الإمام علىّ عليه السلام ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 120 ح 379 عن عمرو بن جميع رفعه عن الإمام علىّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، الأمالى للمفيد : ص 188 ح 15 ، الاختصاص : ص 226 وفيه «تضعضع له لشىء يصيبه منه» وكلاهما عن رفاعه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 170 ح 7 ؛

تاريخ بغداد : ج 4 ص 368 عن ابن مسعود ، تذكره الخواصّ : ص 134 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 191 ، غرر الحكم : ص 10228 و 10229 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 518 ح 9392 و 9393 وفيه «تضع . . . ترفع» بدل «تضعوا . . . ترفعوا» .
6- .الدِّهْقان : التاجِر ، وزعيم فلاّحى العجم ، ورئيس الإقليم ، مُعرَّب ، جمعه دَهاقِنَةٌ ودَهاقينُ (القاموس المحيط : ج 4 ص 224 «دهقن») .
7- .الشَّدُّ : العَدْوُ ؛ اشتَدَّ : أى عَدا (الصحاح : ج 2 ص 493 «شدد») .
8- .نهج البلاغه : الحكمه 37 .

6 / 3نهی از بزرگداشت دنیادارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دنیاداری را بزرگ بدارد و به طمع دنیای او دوستش بدارد، خداوند بر او خشم می گیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، کسی را که ثروتمند را به خاطر ثروتش احترام نهد، از رحمتش دور می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای رسیدن به نوایی از ثروتمندی، خود را در برابر او پست کند ، خداوند بر او خشم می گیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بر توانگری در آید و خود را در برابر او پست کند ، دو سوم دینش می رود.

امام علی علیه السلام :آن کس را که پرهیزگاری بالا برده است ، پست مشمارید، و آن کس را که دنیا بالا برده است، بلندمرتبه مشمارید.

نهج البلاغه:در مسیر امام علی علیه السلام به شام، بزرگان انبار ، به دیدارش رفتند و از مرکب های خویش پیاده شده، پیشاپیش او دوان دوان حرکت کردند. فرمود: «این چه کاری است که می کنید؟ !» . گفتند: رسمی است که با آن ، فرمان روایان خود را احترام می نهیم. فرمود: «به خدا سوگند که فرمان روایانِ شما از این کار ، سودی نمی برند و شما نیز با آن ، در دنیایتان ، خود را به زحمت می افکنید و در آخرتتان به رنج می افتید، و چه زیانبار است زحمتی که در پی آن ، عذاب باشد، و چه پر سود است آسایشی که با ایمنی از آتش [دوزخ] همراه باشد !» .

.

6 / 4الأَمرُ بالإعراضِ عَن أبناءِ الدُّنياالكتاب«فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّى عَن ذِكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلاَّ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا * ذَ لِکَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى» . (1)

الحديثالإمام علىّ عليه السلام :خُلطَةُ أبناءِ الدُّنيا تَشينُ (2) الدّينَ وتُضعِفُ اليَقينَ . (3)

عنه عليه السلام :خُلطَةُ أبناءِ الدُّنيا رَأسُ البَلوى وفَسادُ التَّقوى . (4)

عنه عليه السلام :وُدُّ أبناءِ الدُّنيا يَنقَطِعُ لاِنقِطاعِ أسبابِهِ . (5)

.

1- .النجم : 29 و 30 .
2- .الشَّين : العَيب ، وقد شانَه يَشينُه (النهايه : ج 2 ص 521 «شين») .
3- .غرر الحكم : ح 5072 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 242 ح 4613 .
4- .غرر الحكم : ح 5060 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 241 ح 4598 .
5- .غرر الحكم : ح 10117 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 505 ح 9274 .

ص: 19

6 / 4 دستور به روی گرداندن از فرزندان دنیا

6 / 4دستور به روی گرداندن از فرزندان دنیاقرآن«پس، از هر که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است ، روی برتاب. این ، منتهای دانش آنان است . پروردگار تو، خود ، به حال کسی که از راه او منحرف شده ، داناتر است، و او به کسی که راه یافته ، آگاه تر است» .

حدیثامام علی علیه السلام :آمیزش با فرزندان دنیا (دنیا پرستان) ، دین را زشت ، و یقین را سست می کند.

امام علی علیه السلام :معاشرت با فرزندان دنیا، منشأ گرفتاری و تباه کننده پرهیزگاری است.

امام علی علیه السلام :دوستی فرزندان دنیا، با قطع شدن اسباب آن، قطع می شود.

.

عنه علیه السلام :مَوَدَّهُ أبناءِ الدُّنیا تَزولُ لِاءَدنی عارِضٍ یَعرِضُ . (1)

الإمام الکاظم علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ لِهِشامِ بنِ الحَکَم :اِحذَر هذِهِ الدُّنیا وَاحذَر أهلَها . (2)

6 / 5ما یَنبَغی مِنَ الدُّعاءِ عِندَ النَّظَرِ إلی أصحابِ الدُّنیاالإمام زین العابدین علیه السلام مِن دُعائِهِ فِی الرِّضا إذا نَظَرَ إلی أصحابِ الدُّنیا :الحَمدُلِلّهِ رِضیً بِحُکمِ اللّهِ ، شَهِدتُ أنَّ اللّهَ قَسَمَ مَعایِشَ عِبادِهِ بِالعَدلِ ، وأخَذَ عَلی جَمیعِ خَلقِهِ بِالفَضلِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وآلِهِ ، ولا تَفتِنّی بِما أعطَیتَهُم ، ولا تَفتِنهُم بِما مَنَعتَنی ؛ فَأحسُدَ خَلقَکَ ، وأغمَطَ (3) حُکمَکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وطَیِّب بِقَضائِکَ نَفسی ، ووَسِّع بِمَواقِعِ حُکمِکَ صَدری ، وهَب لِیَ الثِّقَةَ لِأُقِرَّ مَعَها بِأنَّ قَضاءَکَ لَم یَجرِ إلّا بِالخِیَرَهِ ، وَاجعَل شُکری لَکَ عَلی ما زَوَیتَ عنّی أوفَرَ مِن شُکری إیّاکَ عَلی ما خَوَّلتَنی . (4) وَاعصِمنی مِن أن أظُنَّ بِذی عَدَمٍ خَساسَةً ، أو أظُنَّ بِصاحِبِ ثَروَهٍ فَضلاً ، فَإنَّ الشَّریفَ مَن شَرَّفَتهُ طاعَتُکَ ، وَالعَزیزَ مَن أعَزَّتهُ عِبادَتُکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، ومَتِّعنا بِثَروَهٍ لا تَنفَدُ ، وأیِّدنا بِعِزٍّ لا یُفقَدُ ، وَاسرَحنا فی مُلکِ الأبَدِ ، إنَّکَ الواحِدُ الأحَدُ الصَّمَدُ ، الَّذی لَم تَلِد ولَم تولَد ، ولَم یَکُن لَکَ کُفُوا أحَدٌ . (5)

.

1- .غرر الحکم : ح 9828 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 487 ح 9003 .
2- .تحف العقول : ص 400 ، بحار الأنوار : ج 1 ، ص 157 ، ر 30 .
3- .غَمِطَ الناسَ کضَرَبَ وسَمِعَ : استحقرَهُم ، والعافیَهَ : لم یشکُرها، والنعمهَ : بَطِرَها (القاموس المحیط : ج 2 ص 376 «غمط») .
4- .دقق أیّها القارئ العزیز فی العباره ، فهی فی غایه الدقه واللطافه .
5- .الصحیفه السجّادیه : ص 139 الدعاء 35 .

6 / 5 دعای بایسته در هنگام دیدن دنیاداران

امام علی علیه السلام :دوستی فرزندان دنیا ، با بروز کوچک ترین پیشامدی ، از بین می رود.

امام کاظم علیه السلام در توصیه هایش به هشام بن حکم :از این دنیا بر حذر باش و از اهل آن حذر کن.

6 / 5دعای بایسته در هنگام دیدن دنیاداراناامام زین العابدین علیه السلام در دعا در مقام رضا ، هنگامی که چشمش به دنیاداران می افتاد :ستایش ، خداوند را از سر خشنودی به حکم خدا. گواهی می دهم که خداوند ، روزی های بندگانش را به عدالت تقسیم کرده، و با همه آفریدگانش به احسان ، رفتار نموده است. بار خدایا! بر محمّد و آل او درود فرست، و مرا با آنچه به دنیاداران داده ای ، در بوته امتحان میفکن، و آنان را به خاطر آنچه به من نداده ای [و به آنان داده ای] ، میازمای، که در نتیجه بر آفریدگانت رشک برم و تقدیر تو را به دیده حقارت بنگرم. بار خدایا! بر محمّد و آل او درود فرست، و جان مرا به قضای خودت شاد بدار، و سینه ام را برای [پذیرش] جایگاه های حُکمت (تقدیرت) بگشای، و مرا چنان اعتمادی [به خودت] ببخش تا به سبب آن ، اقرار کنم که قضای تو ، جز به نیکی روان نگشته است، و مرا بر نداده هایت به من ، سپاس گزارتر از داده هایت به من ، قرار ده. (1) و مرا از این که به خاطر ناداری ، گمان پستی برم ، یا دارایی را برتر بپندارم، مصون بدار؛ زیرا بزرگ ، کسی است که طاعت تو بزرگش کرده است، و عزیز ، کسی است که عبادت تو عزّتش بخشیده است. پس بر محمّد و آل او درود فرست، و ما را از ثروتی پایان ناپذیر برخوردار کن، و با عزّتی از دست ناشدنی ، تأییدمان فرما، و ما را در مُلک جاویدانْ رها گردان، که تویی خدای یگانه یکتای بی نیاز، که نه فرزندی داری و نه فرزند کسی هستی، و تو را هیچ همتایی نیست.

.

1- .خواننده عزیز! در این جمله دقّت کن که در نهایت عمق و زیبایی است.

ص: 22

..

بخش سوم : زهد به دنیا

اشاره

بخش سوم : زهد به دنیافصل یکم: تعریف زهد و تحریف آنفصل دوم: ارزش زهدفصل سوم: برکت های زهدفصل چهارم: زمینه های زهدفصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهدفصل ششم: نمونه های زهد

.

ص: 24

..

درآمد

زهد ، در لغت

درآمدزهد ، در لغتکلمه «زُهد» در اصل به معنای «اندک بودن» و «کم ارزش بودن» چیزی است و از آن جا که این معنا غالبا ملازم با بی رغبتی به آن چیز است ، این کلمه در بی رغبتی نیز به کار می رود . ابن فارس در تبیین معنای «زهد» می گوید : الزاء والهاء والدال أصل یدلّ علی قلّه الشیء ، والزّهید : الشیء القلیل ، وهو مُزْهِدٌ : قلیل المال ، وقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «أفضل الناس مؤمن مُزهِد» ، هو المقلّ . (1) مادّه زاء و هاء و دال (زهد) ، بر اندک بودن چیزی دلالت می کند . «زَهید» ، یعنی چیز اندک و «مُزهِد» یعنی دارای مال اندک . پیامبر خدا فرمود : «برترینِ مردم ، مؤمنِ مُزهد است» یعنی آن که دارایی اندک دارد . جوهری ، «زهد» را چنین معنا کرده است :

.

1- .معجم مقاییس اللغه : ج 3 ص 30 .

زهد ، در قرآن و حدیث

الزّهد خلاف الرّغبه . . . والتَّزهیدُ فی الشیء وعن الشیء : خلاف الترغیب فیه . (1) زهد ، خلاف رغبت است «... التزهید فی الشی ء و عن الشی ء» یعنی در فلان چیز یا نسبت به آن ، زهد (بی رغبتی) ورزیدن . و راغب اصفهانی در المفردات آورده است : الزهید : الشیء القلیل والزّاهد فی الشیء الراغب عنه والراضی منه بالزّهید أی القلیل . (2) زهید : چیز اندک «الزاهد فی الشی ء» یعنی بی اعتنا به آن چیز و رضایت دادن به اندک از آن . بنا بر این ، هر چند کلمه زهد ، هم در قِلّت و هم در بی رغبتی کاربرد دارد ، امّا تأمّل در کلمات واژه شناسان نشان می دهد که معنای نخست ، اصل و معنای دوم ، فرع آن است .

زهد ، در قرآن و حدیثمادّه «زهد» در قرآن ، تنها یک بار ، در داستان حضرت یوسف علیه السلام به کار رفته است : «وَ شَرَوْهُ بِثَمَنِم بَخْسٍ دَرَ هِمَ مَعْدُودَهٍ وَ کَانُواْ فِیهِ مِنَ الزَّ هِدِینَ . (3) و او را به بهای ناچیزی ، به چند درهم ، فروختند و به او بی رغبت بودند » . یعنی فروشندگان یوسف ، به دلیل زهد (بی رغبتی) به وی ، او را به بهای اندکی فروختند . در این آیه ، «زهد» در بی«رغبتی» به کار رفته است و ارتباط آن با بهای اندک ، نشان دهنده معنای اصلی و فرعی آن است .

.

1- .الصحاح : ج2 ص481 .
2- .مفردات ألفاظ القرآن : ص384 .
3- .یوسف : آیه 20 .

یک . تعریف زهد

در احادیث اسلامی غالبا مادّه «زهد» در «بی رغبتی» به کار رفته و به ندرت در معنای «قِلّت» استعمال شده است . در این بخش ، رهنمودهای پیشوایان اسلام درباره زهدورزی نسبت به دنیای نکوهیده و سیره عملی آنان در برخورد با آن ، در شش فصل خواهد آمد ؛ امّا برای آن که پژوهشگران ، با بصیرت بیشتری مباحث آینده را ملاحظه کنند ، با تکیه بر متون این بخش ، توضیحات کوتاهی درباره تعریف زهد ، نشانه های آن ، تفاوت زهد اسلامی و رُهبانیت مسیحی ، حکمت زهد و راه های دستیابی به آن ، ارائه می گردد :

یک . تعریف زهدامام صادق علیه السلام ضمن تبیین سپاهیان خرد و نادانی ، «زهد نسبت به دنیا» را از سپاهیان خرد می شمارد و آن را به نقطه مقابل «رغبت به دنیا» تعریف می نماید و می فرماید : الزُّهدُ وضِدُّهُ الرَّغبَهُ. (1) زهد ، ضدّش رغبت است . با در نظر گرفتن این رهنمود بنیادی که «زهد» از جنود خرد و تحت فرمان قوّه عاقله است ، به دو نکته مهم در تبیین زهد اسلامی می توان دست یافت : نکته اوّل ، این است که زهدی که اسلامْ انسان را بدان دعوت می کند ، خاستگاه عقلی و علمی دارد . به همین جهت ، صد در صد منطبق با خرد و منطق است و اگر پیامبر درونی (خرد) مقصود آن را بداند ، پیش از پیامبران بیرونی ، انسان را بدان دعوت می نماید . نکته دوم ، این است که بی میلی ، دو گونه است :

.

1- .ر .ک : ص 40 ح 802 .

الف . بی میلی طبیعی

ب . بی میلی قلبی

الف . بی میلی طبیعیبی میلی طبیعی ، آن است که طبع انسان نسبت به چیزی میل نداشته باشد ، چنان که بیمار ، تمایلی به خوردن و نوشیدن ندارد .

ب . بی میلی قلبیبی میلی قلبی ، آن است که روح انسان نسبت به چیزی تمایل نداشته باشد ، هر چند طبع او مایل به آن باشد ، مانند بیماری که غذایی را دوست دارد؛ ولی به دلیل این که می داند خوردن آن برای او خطرساز است ، نه تنها در خود میلی نسبت به آن احساس نمی کند؛ بلکه قلبا از آن نفرت دارد . با عنایت به این مقدّمه می توان دریافت که زهد اسلامی ، به معنای بی میلی طبیعی به دنیا نیست (زیرا بی رغبتیِ طبیعی نسبت به لذایذ مادّی ، ارزش نیست و در واقع ، نوعی بیماری است)؛ بلکه زهد اسلامی ، عبارت است از بی رغبتی قلبی نسبت به لذایذی که برای انسان زیانباراند . توضیح مطلب ، این که : گاه انسان طبعا مایل به کاری است؛ امّا خرد ، او را به دلیل زیانبار بودن آن کار منع می کند و انسان نیز با وجود علاقه قلبی به آن ، از انجام دادن آن خودداری می ورزد . این اقدام ، «صبر» نامیده می شود و کسی که خویشتنداری می کند ، «صابر» نامیده می شود؛ چرا که در برابر رغبت طبیعی و میل قلبی خود مقاومت کرده است و این ، ارزشی است بسیار والا ، چنان که از امام علی علیه السلام روایت شده که می فرماید : ما أحسَنَ بِالإِنسانِ أن یَصبِرَ عَمّا یَشتَهی . (1) برای انسان ، چه زیباست که در برابر خواسته[های نفسانی اش] صبر کند .

.

1- .غرر الحکم : ح 9648 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 479 ح 8805 .

امام علی علیه السلام در رهنمودی دیگر ، در پاسخ کسی که از ایشان موعظه خواست ، می فرماید : اُترُک لِما تَبقی ما تَشتَهی أبَدا کَفی بِمَن عَفَّ عَمّا یَشتَهی کَرَما (1) از خواهش های خود به خاطر آنچه جاویدان است ، دست بشوی / در کرامت آدمی ، همین بس که از خواهش های خویش ، خویشتن نگه دارد . البتّه باید توجّه داشت که چنین شخصی از فضیلت صبر برخوردار است ، نه از فضیلت زهد . زهد که یک درجه بالاتر از صبر است آن است که بی میلی قلبی نسبت به لذایذ زیانبار ، چنان بر انسانْ چیره شود که رغبت طبیعی او تحت سیطره آن قرار گیرد ، به گونه ای که خودداری از لذایذ زیانبار ، نیازی به صبر و مقاومت نداشته باشد ؛ بلکه انسان ، دیگر میلی نسبت به آنها در وجود خود ، احساس نکند . امام علی علیه السلام در اشاره به این حالت زیبا می فرماید : ما أحسَنَ بِالإنسانِ ألاّ یَشتَهِیَ ما لا یَنبَغی . (2) برای انسان ، چه زیباست که آنچه را شایسته نیست ، نخواهد! هنگامی که انسان به این مرتبه والا دست یافت و زاهد شد ، نسبت به اقبال و ادبار دنیا بی تفاوت می گردد ؛ نه اِقبال دنیا او را شادمان می کند و نه اِدبار دنیا او را اندوهناک می نماید ، چنان که امام علی علیه السلام در تبیین خصلت «زهد» می فرماید : الزُّهدُ کُلُّهُ بَینَ کَلِمَتَینِ مِنَ القُرآنِ ، قالَ اللّهُ سُبحانَهُ : «لِّکَیْلاَ تَأسَوْاْ عَلَی مَا فَاتَکُمْ وَلاَ تَفْرَحُواْ بِمَا ءَاتَلکُمْ » . (3) زهد ، در دو جمله از قرآن جمع شده است . خداوند سبحان می فرماید : « تا برای

.

1- .شرح الأخبار : ج 2 ص 383 .
2- .غرر الحکم : ح 9649 ، عیون الحکم و المواعظ : ص 479 ح 8806 .
3- .ر. ک : ص 42 ح 803 .

دو . نشانه های زهد

آنچه از دست شما می رود ، افسوس نخورید و برای آنچه به شما می دهد ، شادمان نشوید » . و آنچه در تبیین زهد و تفاوت آن با صبر گفتیم ، در این سخن نورانی امیر مؤمنان علیه السلام خلاصه شده است : إنَّمَا النّاسُ ثَلاثٌ : زاهِدٌ ، وراغِبٌ ، وصابِرٌ . فَأَمَّا الزّاهِدُ فَلا يَفرَحُ بِالدُّنيا إذا أتَتهُ ، ولا يَحزَنُ عَلَيها إذا فاتَتهُ ، وأمَّا الصّابِرُ فَيَتَمَنّاها بِقَلبِهِ ، فَإن أدرَکَ مِنها شَيئا صَرَفَ عَنها نَفسَهُ لِعِلمِهِ بِسوءِ العاقِبَهِ ، وأمَّا الرّاغِبُ فَلاَ يُبالی مِن حِلٍّ أصابَها أم مِن حَرام. (1) مردم ، سه دسته اند : دنیاگریز و دنیاخواه و شکیبا . دنیاگریز ، هر گاه دنیا به او برسد ، شاد نمی شود ، و هر گاه از دستش برود برایش غم نمی خورد . شکیبا ، دنیا را قلبا آرزو می کند؛ اما چون به چیزی از آن برسد ، جانش از آن روی برمی گرداند ؛ زیرا از فرجام بد آن آگاه است . و دنیا خواه اهمّیتی نمی دهد که از طریق حلال به دنیا رسد یا از حرام .

دو . نشانه های زهداحادیث اسلامی ، برای آن که هر کس نتواند ادّعای زهد (بی رغبتی) نسبت به دنیا کند و مدّعیان دروغین از زاهدان راستینْ بازشناخته شوند ، چنان اهمّیت قائل اند که با وجود این که حقیقت زهد ، بی رغبتی است ، (2) بجز در مواردی نادر ، این صفت را از طریق آثار آن ، تعریف و تبیین کرده اند . (3) ساده ترین نشانه زهد (بی رغبتی) ، مصرف اندک است . نمی توان باور کرد که کسی از غذایی که میل ندارد ، فراوان مصرف کند . در بحث از مفهوم لغوی «زهد» نیز گذشت که قِلّت ، در معنای زهد ، تنیده شده است . بنا بر این ، هر چند حقیقت

.

1- .ر .ک : ص42 ح 805 .
2- .ر. ک : ص45 (نشانه های زهد) .
3- .ر. ک : ص 41 (فصل یکم : تعریف زهد و تحریف آن / بی رغبتی) .

سه . مراتب زهد

زهد ، بی میلی روانی است ، امّا بی تردید ، جلوه این خصلت روحی ، باید در زندگی به صورت ساده زیستی و پرهیز از اسراف ، تجمّل گرایی ، تشریفات (و حدّ اقل ، اجتناب از محرّمات) نمایان باشد . بر این پایه ، زهد ، تنها جنبه اخلاقی و روانی ندارد؛ بلکه بُعد عملی نیز دارد و زاهد ، کسی است که اِعراض روانی از دنیای نکوهیده را با اِعراض عملی ، همراه نموده است .

سه . مراتب زهداشاره کردیم که پایین ترینِ مراتب زهد ، بی رغبتی روانی همراه با اجتناب از محرّمات است ؛ امّا بالاترین درجه زهد ، نقطه ای است که حجاب های شناخت ، به کلّی از جلوی دیده دل برداشته می شوند و سالک به مرتبت یقین واصل می گردد . با وصول به این مرتبت است که باطن دنیای نکوهیده برای زاهد کشف می شود و در این هنگام ، انسان نه تنها نسبت به دنیا بی میل می گردد ، بلکه به آن نفرت نیز پیدا می کند ، چنان که امام علی علیه السلام در توصیف پیامبر خدا می فرماید : عُرِضَت عَلَیهِ الدُّنیا فَأبی أن یَقبَلَها ، وعَلِمَ أنَّ اللّهَ أبغَضَ شَیئا فَأبغَضَهُ . (1) دنیا به او پیشنهاد شد؛ امّا از پذیرفتن آن خودداری کرد ، و دانست که خدا چه چیزی را دشمن می دارد؛ او هم آن را دشمن داشت . امام علی علیه السلام نفرت خود از دنیای نکوهیده را با جملاتی مانند : « أمَرُّ عَلی فُؤادی مِن حَنظَلَهٍ یَلوکُها ذو سُقم ؛ (2) دنیا در مذاق من ، تلخ تر از حَنظلی است که شخص بیمار [، با کراهت [می مکد» و یا «أهوَنُ فی عَینی مِن عُراقِ خِنزیرٍ

.

1- .ر. ک : ص 218 ح 1165 .
2- .ر. ک : ج1 ص342 ح511 .

چهار . تفاوت زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت

فی یَدِ مَجذومٍ ؛ (1) دنیا در چشم من ، بی ارزش تر از استخوان یک خوک در دست فردیً جذامی است» ، بیان نموده است .

چهار . تفاوت زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیتمعلوم شد که زهد اسلامی ، هم بُعد درونی دارد و هم بُعد بیرونی ، و زاهد ، هم در درون ، احساس بی رغبتی به دنیا می کند و هم در بیرون ، بی علاقگی او در زندگی آشکار می گردد . در این جا این سؤال پیش می آید که با این تعریف ارائه شده از زهد ، چه تفاوتی میان زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت وجود دارد؟ و چرا روایات احادیث به شدّت از رهبانیتْ نهی کرده اند؟ (2) پاسخ ، این است که زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت ، دو مقوله اند و با هم تفاوت های فراوانی دارند . اصلی ترین و مهم ترین خصوصیت زهد اسلامی که سایر ویژگی ها به آن باز می گردد ، این است که زهد اسلامی ، بر منطق و برهان روشن ، استوار است ؛ امّا رهبانیت مسیحیت ، توجیه علمی و منطقی ندارد . زهد اسلامی ، چشم پوشی از مطلق لذایذ مادّی نیست ، بلکه همان طور که توضیح دادیم تنها چشمپوشی از لذایذ زیانبار است ؛ امّا رهبانیت مسیحیت ، مردم را به چشمپوشی از مطلق لذایذ مادی دعوت می کند . به سخن دیگر ، اسلام ، لذایذ مادّی را به دو بخش تقسیم کرده است : لذایذ سودمند و لذایذ زیانبار . زهد اسلامی ، شامل لذایذ سودمند نمی شود و این ، همان چیزی است که خرد و منطق ، انسان را بدان دعوت می کند . اسلام ، هرگز نمی گوید که انسان باید از لذایذی که برای زندگی او سودمندند ، چشمپوشی کند یا نسبت به آنها بی رغبت باشد . پیامبر خدا ، برای این که زهد اسلامی با رهبانیت مسیحی اشتباه

.

1- .ر. ک : ج1 ص342 ح 510 .
2- .ر. ک : ص 127 (نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است) .

نشود و برای این که از تحریف مفهوم «زهد» پیشگیری نماید ، تصریح می فرماید : لَیسَ الزُّهدُ فِی الدُّنیا تَحریمَ الحَلالِ ، ولا إضاعَةَ المالِ ، ولکِنَّ الزُّهدَ فِی الدُّنیا الرِّضا بِالقَضاءِ ... . (1) زهدورزی نسبت به دنیا ، حرام کردن حلال [بر خود] و یا ترک ثروت نیست؛ بلکه زهدورزی نسبت به دنیا ، عبارت است از : راضی بودن به قضای خدا .. . همه احادیثی که تحت عنوان : «هشدار درباره تحریف زهد» و نیز تحت عنوان : «نهی از رُهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است» آمده اند ، در واقع ، برای تبیین تفاوت های زهد اسلامی و رهبانیت مسیحی اند . اسلام ، اجازه نمی دهد که انسان ، هیچ کاری را بدون شناخت انجام دهد . (2) زهد ورزیدن نسبت به دنیا نیز از این قانون ، مستثنا نیست و به این جهت امام علی علیه السلام می فرماید : لا تَزهَدَنَّ فی شَیءٍ حَتّی تَعرِفَهُ . (3) هرگز در چیزی زهد مَوَرز تا آن گاه که آن را بشناسی . بر این پایه ، پیشوایان اسلام ، با همه هشدارهایی که درباره دنیاگرایی داده اند ، هنگامی که می بینند افرادی ، بدون شناخت ، از دنیا مذمّت می کنند و دیگران را به زهدورزی دعوت می نمایند ، به شدّت با آنها برخورد می کنند . (4) به بیان روشن تر ، اسلام ، دینِ دنیا و آخرت و تأمین کننده منافع مادّی و معنوی ،

.

1- .ر .ک : ص 62 ح849 .
2- .«وَ لاَ تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِی عِلْمٌ ؛ از آنچه بدان علم نداری ، پیروی مکن» (اسراء : آیه 36) .
3- .غرر الحکم : ح 10168 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 520 ح 9448 .
4- .ر .ک : ج1 ص121 (نهی از ناسزا گویی به دنیا و نکوهش آن) .

پنج . حکمت زهد

و دنیوی و اخروی جامعه است . امام علی علیه السلام در به تصویر کشیدن جامعه مطلوبی که اسلامْ مردم را بدان دعوت می کند ، می فرماید : اِعلَموا عِبادَ اللّهِ أنَّ المُتَّقینَ حازوا عاجِلَ الخَیرِ وآجِلَهُ ، شارَکوا أهلَ الدُّنیا فی دُنیاهُم ، ولَم یُشارِکهُم أهلُ الدُّنیا فی آخِرَتِهِم .. . سَکَنُوا الدُّنیا بِأفضَلِ ما سُکِنَت ، وأکَلوها بِأفضَلِ ما اُکِلَت .. . أصابوا لَذَّةَ الدُّنیا مَعَ أهلِ الدُّنیا ، وهُم غَدا جیرانُ اللّهِ ... . (1) ای بندگان خدا ! بدانید که تقواپیشگان ، به خیر دنیا و آخرت دست یافتند . آنان با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند ؛ امّا اهل دنیا در آخرت آنان با آنان شریک نیستند ... . در دنیا به بهترین وجه زیستند و از آن به بهترین وجه خوردند ... . همراه با اهل دنیا به لذّت های دنیا رسیدند و فردای قیامت هم در جوار خداوند هستند . بر این پایه ، در اسلام راستین ، بر خلاف مسیحیت تحریف شده امروز ، دنیا و آخرت در تضاد نیستند ؛ بلکه با تأمّل در رهنمودهای اسلام می توان دریافت که در این آیین ، مادّیت از درون معنویت ، و معنویت از درون مادّیت می جوشد و زهد اسلامی ، تنها در جایی مفهوم پیدا می کند که لذایذ مادّی ، برای فرد یا جامعه و یا هر دو ، زیانبار باشند .

پنج . حکمت زهدزهد اسلامی در همه عرصه های زندگی فردی و اجتماعی ، دارای نقش مثبت و سازنده است . از این رو ، تحصیل آن فوق العاده مورد تأکید احادیث اسلامی است ، تا آن جا که این خصلت ، زیباترین زیور انسان نزد خداوند متعال شمرده شده است (2) . زهد ، در حوزه معرفت شناختی ، آسیب های فردی را از انسان دور می کند و با

.

1- .ر. ک : ج1 ص100 ح 142 .
2- .ر. ک : ص 85 (ارزش زهد / زیباترین زیور) .

برداشتن حجاب از دیده عقل و قلب ، زشتی های دنیای نکوهیده را به انسان نشان می دهد و زمینه را برای رسیدن به حکمت حقیقی و نور علم که از باطن جان سرچشمه می گیرند فراهم می سازد و در بالاترین مراتب آن است که زاهد ، با ملکوت عالَم ، پیوند برقرار می کند و از اسرار جهان هستی آگاه می گردد . (1) زهد ، در عرصه تکامل معنوی ، فرصت لازم را برای خودسازی فراهم می کند ، جان را از بردگی هوس ها رهایی می بخشد ، ایمان و عبادت را در کام جانْ شیرین می کند ، انسان را به آفریدگار خود نزدیک می نماید و سرانجام ، او را به قلّه تکامل انسانی صعود می دهد . (2) زهد ، تنها در عرصه معرفت و معنویت ، کارساز نیست و آسایش و آرامش زندگی مادّی نیز در گرو زهد است . زهد ، مشکلات زندگی را آسان می کند ، به انسانْ عزّت می بخشد و دنیا را در خدمت او قرار می دهد . (3) زهد ، بیش از آنچه در عرصه زندگی فردی کارساز است ، در عرصه های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کارآیی دارد . فرهنگ زهد ، ریشه ظلم و تجاوز به حقوق دیگران را می سوزاند و زمینه را برای ایثار و مُواسات (سهیم کردن دیگران در داشته های خود) فراهم می سازد . همه اختلاف های سیاسی و اقتصادی ، و همه جنگ ها و خونریزی ها ، ریشه در دنیاگرایی دارند . امام علی علیه السلام در تبیین انگیزه مخالفت ها و جنگ هایی که در دوران کوتاه حکومت او اتّفاق افتاد ، در خطبه معروف «شقشقیه» می فرماید : فَلَمَّا نَهَضْتُ بالأَمْرِ نَكَثَتْ طائِفَةٌ ، ومَرَقَتْ أُخْرَى وَقَسَطَ آخَرُونَ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا

.

1- .ر. ک : ص 99 (برکت های زهد / کمال یافتن شناخت) .
2- .ر. ک : ص 103 (دوستی و پاکی نفس) و 105 (چشیدن شیرینی ایمان) و 107 (درستی دین) .
3- .ر. ک : ص 109 (برکت های زهد / آسایش زندگی) .

اللّهَ سُبْحَانَهُ یَقُولُ «تِلْکَ الدَّارُ الاْخِرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لاَ یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الاْءَرْضِ وَلاَ فَسَادًا وَ الْعَقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ » (1) بَلَی ! واللّه لَقَدْ سَمِعُوهَا وَوَعَوْهَا ، وَلکِنَّهُمْ حَلِیَتِ الدُّنْیَا فی أَعْیُنِهِمْ ، وَرَاقَهُمْ زِبْرِجُهَا . (2) چون زمام خلافت را به دست گرفتم ، گروهی پیمان شکستند ، گروهی از فرمان برون شدند ، و گروهی راه ستم پیمودند ، و گویا نشنیدند که خداوند سبحان می فرماید : « آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواهان برتری و تباهی در زمین نیستند و عاقبت ، از آنِ پرهیزکاران است» . آری ، به خدا سوگند که این آیه را شنیدند و فهمیدند؛ امّا دنیا در چشمانشان زیبا آمد و زیب و زیور آن ، خیره شان کرد . آنچه می تواند به جنگ های خانمانسوز در جهان پایان دهد و زندگی را برای جهانیانْ شیرین کند ، زهدورزی رهبران سیاسی است و بدون آن ، همه تلاش ها و برنامه ریزی ها برای تأمین حقوق بشر ، عقیم خواهد ماند ، چنان که تجربه تاریخ نیز این مدّعا را اثبات می نماید .

شش . راه تحصیل زهدپیشوایان اسلام برای تحصیل صفت «زهد» و گسترش این فرهنگ در جامعه ، رهنمودهای ارزشمندی ارائه کرده اند که در فصل چهارم خواهند آمد . این رهنمودها را می توان در پنج عنوان خلاصه کرد :

.

1- .قصص : آیه 83 .
2- .ر. ک : ج1 ص 416 ح 675 .

1 . تقویت بنیادهای معرفتی

2 . تقویت ارزش های دینی

3 . تقویت شخصیت اخلاقی

1 . تقویت بنیادهای معرفتیهر چه قوّه عاقله انسان نیرومندتر گردد و او خدا ، دنیا و آخرت را بهتر بشناسد ، از علاقه اش به دنیای نکوهیده کاسته می گردد. به گفته امام علی علیه السلام : العاقِلُ مَن یَزهَدُ فیما یَرغَبُ فیهِ الجاهِلُ . (1) خردمند به آنچه نادان رغبت دارد ، بی رغبت است . در بالاترین مراتب شناخت ، انسان ، نه تنها به دنیا علاقه ای ندارد ، بلکه نسبت به آن نفرت نیز پیدا می کند . (2)

2 . تقویت ارزش های دینیتقویت ایمان و برنامه های دینی در زندگی ، به تدریج ، موجب زهدورزی در دنیای نکوهیده می گردد ، چنان که در سخنی از امام علی علیه السلام آمده است : الزُّهدُ ثَمَرَهُ الدّینِ . (3) زهد ، میوه دین است .

3 . تقویت شخصیت اخلاقیبزرگواری روحی ، یکی از موانع گرفتار شدن در دام دنیای نکوهیده و هوس های پست است . به گفته امام علی علیه السلام : مَن کَرُمَت نَفسُهُ صَغُرَتِ الدُّنیا فی عَینِهِ . (4) کسی که برای خویش ارج قائل باشد ، دنیا در چشمش کوچک می آید . هر چه انسان در خود بیشتر احساس شخصیت و کرامت کند ، از علاقه او نسبت

.

1- .ر. ک : ص132 ح 1016 .
2- .ر. ک : ج1 ص347 (مطلقه زیرکان) و 395 (تشویق به نفرت از دنیا) .
3- .ر. ک : ص146 ح 1051 .
4- .ر. ک : ص154 ح 1064 .

4 . ساده زیستی

به هوس های زیانباری که به کرامت او ضربه می زنند ، کاسته می گردد . از این رو ، یکی از راه های گسترش فرهنگ زهد در جامعه ، زمینه سازی برای تقویت کرامت انسانی در یکایک مردم است .

4 . ساده زیستییکی از رهنمودهای اهل بیت علیهم السلام برای تحصیل صفات نیک ، تمرین کردن و عادت دادن خود به آثار آن صفات است . برای مثال ، کسی که عصبانی مزاج است ، اگر تمرین کند و مدّتی خود را وا دارد که مانند افراد بردبار عمل نماید ، به تدریج ، بردباری برای او عادت می شود و بردبار می گردد . امام علی علیه السلام می فرماید : إن لَم تَکُن حَلیما فَتَحَلَّم ، فَإِنَّهُ قَلَّ مَن تَشَبَّهَ بِقَومٍ إلاّ أوشَکَ أن یَکونَ مِنهُم . (1) اگر بردبار نیستی ، خود را به بردباری بزن ؛ زیرا کمتر کسی است که خود را به قومی مانند کند ، مگر آن که به زودی ، جزو آنان خواهد شد . برای کسب صفت زهد نیز می توان از همین رهنمود استفاده کرد ؛ یعنی همان طور که واداشتن خود به بردباری ، به تدریج ، موجب بردبار شدن می گردد ، واداشتن خود به زهدورزی نیز به زهد می انجامد ، چنان که در روایتی دیگر ، از آن امام علی علیه السلام نقل شده است : التَّزَهُّدُ یُؤَدّی إلَی الزُّهدِ . (2) واداشتن خود به زهد ، به زهد [واقعی] می انجامد . بنا بر این ، ساده زیستی و اجتناب از تجمّل گرایی و تشریفات در زندگی ، هر چند به معنای زهد (بی رغبتی) در دنیا نیست ، ولی یکی از راه های مهمّ کسب آن است ، و ترویج فرهنگ ساده زیستی در جامعه ، به تقویت فرهنگ زهدگرایی می انجامد . در

.

1- .نهج البلاغه : حکمت 207.
2- .ر. ک : ص154 ح 1066 .

5 . استمداد از خداوند

این باره ، مطالعه سیره عملی پیشوایان دین که در فصل ششم آمده است (1) بسیار آموزنده است .

5 . استمداد از خداونددر کنار تلاش برای تحصیل چهار عنوان گذشته ، «استمداد از خداوند متعال» برای رسیدن به صفت والای زهد و تداوم آن ، جایگاه ویژه ای دارد . از این رو ، یکی از خواسته های پیشوایان دین که خود ، زاهدانِ نمونه بودند در دعاهایشان ، زهد در دنیا بوده است و شگفت آور ، این که امام زاهدان ، علی علیه السلام ، پیش از واقعه جمل ، ضمن دعایی ، به خداوند متعال ، عرض می کند : إن لَم تُعِنّی عَلی دُنیایَ بِزُهدٍ وعَلی آخِرَتی بِتَقوی هَلَکتُ . (2) اگر مرا در کار دنیایم با «زهد» ، و در کار آخرتم با «تقوا» کمک نکنی ، هلاک می شوم . این سخن ، نشان می دهد که اگر عنایت و امدادرسانی خداوند متعال نباشد ، هیچ کس از آلودگی به دنیای نکوهیده و گرفتاری در دام هوس ها مصونیت ندارد .

.

1- .ر. ک : ص 213 (فصل ششم : نمونه های زهد) .
2- .ر .ک : ص156 ح 1071 .

الفصل الأول : تعريف الزهد وتحريفه1 / 1ضِدُّ الرَّغبَهِالكتاب«وَ شَرَوْهُ بِثَمَنِ بَخْسٍ دَرَ هِمَ مَعْدُودَهٍ وَ كَانُواْ فِيهِ مِنَ الزَّ هِدِينَ» . (1)

الحديثالإمام علىّ عليه السلام :زُهدُکَ فى راغِبٍ فيکَ نُقصانُ حَظٍّ ، ورَغبَتُکَ فى زاهِدٍ فيکَ ذُلُّ نَفسٍ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام فى ذِكرِ جُنودِ العَقلِ وَالجَهلِ :الزُّهدُ وضِدُّهُ الرَّغبَهُ . (3)

1 / 2تَعريفُ الزُّهدِالكتاب«لِّكَيْلاَ تَأْسَوْاْ عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلاَ تَفْرَحُواْ بِمَا ءَاتَاكُمْ وَ اللَّهُ لاَ يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» . (4)

.

1- .يوسف : 20 .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 451 ، بحار الأنوار : ح 67 ، ص 195 .
3- .الكافى : ج 1 ص 21 ح 14 ، الخصال : ص 589 ح 13 ، علل الشرائع : ص 114 ح 10 ، المحاسن : ج 1 ص 312 ح 620 كلّها عن سماعه بن مهران ، بحار الأنوار : ج 1 ص 110 ح 7 .
4- .الحديد : 23 .

فصل یکم : تعریف زهد و تحریف آن

1 / 1 بی رغبتی

1 / 2 تعریف زهد

فصل یکم: تعریف زهد و تحریف آن1 / 1بی رغبتیقرآن«و او (یوسف) را به بهای ناچیزی ، به چند درهم ، فروختند، و در او بی رغبت بودند» .

حدیثامام علی علیه السلام :بی رغبتی تو به کسی که به تو راغب است ، کم بختی است، و رغبت تو به کسی که به تو بی رغبت است ، [مایه] خواری نفس است.

امام صادق علیه السلام در یادکرد از سربازان خِرد و نابخردی :زهد که ضدّ آن ، رغبت است.

1 / 2تعریف زهدقرآن«تا بر آنچه از دست شما رفته ، افسوس نخورید و برای آنچه [خداوند] به شما داده است ، شادمانی نکنید؛ و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد» .

.

الحديثالإمام علىّ عليه السلام :الزُّهدُ كُلُّهُ بَينَ كَلِمَتَينِ مِنَ القُرآن ، قالَ اللّهُ سُبحانَهُ : «لِكَيْلاَ تَأْسَوْاْ عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلاَ تَفْرَحُواْ بِمَا ءَاتَاكُمْ» ، ومَن لَم يَأسَ عَلَى الماضى ولَم يَفرَح بِالآتى فَقَد أخَذَ الزُّهدَ بِطَرَفَيهِ . (1)

الأمالى عن حَفصِ بن غِياث :قُلتُ لِلصّادِقِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: مَا الزُّهدُ فِى الدُّنيا؟ فَقالَ : قَد حَدَّ اللّهُ ذلِكَ فى كِتابِهِ ، فَقالَ : «لِكَيْلاَ تَأْسَوْاْ عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلاَ تَفْرَحُواْ بِمَا ءَاتَاكُمْ» . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّمَا النّاسُ ثَلاثَةٌ : زاهِدٌ وراغِبٌ وصابِرٌ . فَأَمَّا الزّاهِدُ فَلا يَفرَحُ بِشَىءٍ مِنَ الدُّنيا أتاهُ ولا يَحزَنُ عَلى شَىءٍ مِنها فاتَهُ ، وأمَّا الصّابِرُ فَيَتَمَنّاها بِقَلبِهِ ، فَإن أدرَكَ مِنها شَيئا صَرَفَ عَنها نَفسَهُ لِما يَعلَمُ مِن سوءِ عاقِبَتِها ، وأمَّا الرّاغِبُ فَلا يُبالى مِن حِلٍّ أصابَها أم مِن حَرامٍ . (3)

عنه عليه السلام :النّاسُ ثَلاثَةُ أصنافٍ : زاهِدٌ مُعتَزِمٌ ، وصابِرٌ عَلى مُجاهَدَةِ هَواهُ ، وراغِبٌ مُنقادٌ لِشَهَواتِهِ . فَالزّاهِدُ لا يُعَظِّمُ ما آتاهُ اللّهُ فَرَحا بِهِ ، ولا يُكثِرُ عَلى ما فاتَهُ أسَفا ... . (4)

عنه عليه السلام :الزُّهدُ ألاّ تَطلُبَ المَفقودَ حَتّى يَعدُمَ المَوجودُ . (5)

.

1- .نهج البلاغه : الحكمه 439 ، مشكاه الأنوار : ص 207 ح 563 ، روضه الواعظين : ص 475 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 317 ح 23 وراجع غرر الحكم : ح 8586 .
2- .الأمالى للصدوق : ص 714 ح 984 ، تفسير القمّى : ج 2 ص 146 ، بزياده «إنّ أعلم الناس باللّه أخوفهم للّه ، وأخوفهم له أعلمهم به ، وأعلمهم به أزهدهم فيها» روضه الواعظين : ص 475 ، مشكاه الأنوار : ص 208 ح 565 .
3- .التوحيد : ص307 عن الأصبغ بن نباته ، الأمالى للصدوق : ص424 ح560 ، الاختصاص : ص237 ، بحار الأنوار : ج10 ص120 . وراجع : ح 725 تحت عنوان (خسران الدنيا والآخره) .
4- .دستور معالم الحكم : ص 120 .
5- .غرر الحكم : ح 1259 .

حدیثامام علی علیه السلام :تمام زهد ، در دو جمله از قرآن [گرد آمده] است . خداوند سبحان فرموده است: «تا بر آنچه از دست شما رفته ، افسوس نخورید و برای آنچه به شما داده است ، شادمان نشوید» . کسی که بر گذشته افسوس نخورد و برای آنچه به دستش می رسد ، شاد نشود ، هر دو جانب زهد (زهد کامل) را گرفته است.

الأمالی ، صدوق به نقل از حفص بن غیاث :به امام صادق علیه السلام گفتم: زهد به دنیا چیست؟ فرمود: «خداوند آن را در کتابش تعریف کرده است: «تا بر آنچه از دست شما می رود ، افسوس نخورید و برای آنچه به شما می دهد ، شادمان نشوید» ».

امام علی علیه السلام :مردم ، سه دسته اند: زاهد، دنیاخواه و شکیبا. زاهد ، هرگاه چیزی از دنیا به او برسد ، بدان شاد نمی شود و برای از دست دادن چیزی از آن نیز اندوهگین نمی شود. شکیبا ، در دل تمنّای دنیا را دارد ، امّا اگر به چیزی از آن دست یابد، چون عاقبتِ بَدَش را می داند، از آن روی بر می تابد. دنیاخواه ، اهمّیتی نمی دهد که از حلال به دنیا برسد یا از حرام.

امام علی علیه السلام :مردم ، سه گروه اند: زاهدِ ثابت قدم، شکیبای در مبارزه با هوای نفس، و دنیاخواهِ پیرو خواهش های خویش . زاهد ، نه برای آنچه خداوند به او می دهد ، شادمانی بسیار می کند، و نه بر آنچه از دستش می رود ، افسوس بسیار می خورد... .

امام علی علیه السلام :زهد ، آن است که تا آنچه داری تمام نشود ، در طلب آنچه نداری برنیایی.

.

الإمام الحسن علیه السلام لَمّا قیلَ لَهُ :مَا الزُّهدُ؟ : الرَّغبَهُ فِی التَّقوی . (1)

الکافی عن السَّکونی عن الإمام الصادق علیه السلام ، قال :قُلتُ لَهُ : مَا الزُّهدُ فِی الدُّنیا؟ قالَ : وَیحَکَ !حَرامَها فَتَنَکَّبهُ (2) . (3)

الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام :سَأَلتُ العالِمَ علیه السلام عَن أزهَدِ النّاسِ ، فَقالَ : الَّذی لا یَطلُبُ المَعدومَ حَتّی یَنفَدَ المَوجودُ . (4)

راجع : ص90 ح922 .

1 / 3عَلاماتُ الزُّهدِأ اِجتِنابُ الحَرامِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :اِجتَنِبِ المَحارِمَ تَکُن زاهِدا . (5)

عنه صلی الله علیه و آله :أزهَدُ النّاسِ مَنِ اجتَنَبَ الحَرامَ . (6)

.

1- .تحف العقول : ص 225 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 102 ح 2 .
2- .تَنَکّبهُ : تَجَنّبهُ (الصحاح : ج1 ص228 «نکب») .
3- .الکافی : ج 5 ص 70 ح 1 ، معانی الأخبار : ص 251 ح 1 عن السکونی عن الإمام الصادق عن الإمام علیّ علیهماالسلام نحوه ، الزهد للحسین بن سعید : ص 49 ح 130 عن إسماعیل بن أبی زیاد رفعه إلی الإمام علیّ علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 70 ص 317 ح 26 .
4- .الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام : ص 371 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 315 ح 19 .
5- .مسند أبی یعلی : ج 5 ص 331 ح 5839 عن أبی هریره .
6- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 395 ح 5840 ، الأمالی للصدوق : ص 72 ح 41 کلاهما عن یونس بن ظبیان عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، معانی الأخبار : ص 195 ح 1 عن أبی حمزه الثمالی عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، تحف العقول : ص 489 عن الإمام العسکری علیه السلام وفیهما «ترک» بدل «اجتنب» ، کنز الفوائد : ج 1 ص 299 عن الإمام علیّ علیه السلام ، أعلام

الدين : ص 322 وفيهما «المحارم» بدل «الحرام» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 112 ح 2 .

1 / 3 نشانه های زهد

الف دوری کردن از حرام

امام حسن علیه السلام در پاسخ به این سؤال که:زهد چیست؟ : رغبت به تقواست .

الکافی به نقل از سکونی :به امام صادق علیه السلام گفتم: [معنای] زهدِ در دنیا چیست؟ فرمود: «زهی تو! از حرامش دوری کن».

الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام :از عالم (امام کاظم) علیه السلام درباره زاهدترینِ مردم پرسیدم . فرمود: «کسی که تا آنچه دارد ، تمام نشود ، در پیِ آنچه ندارد ، بر نیاید».

ر . ک : ص91 ح922 .

1 / 3نشانه های زهدالف دوری کردن از حرامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از حرام ها دوری کن تا زاهد باشی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زاهدترینِ مردم ، کسی است که از حرام ، دوری کند.

.

الإمام علىّ عليه السلام :لا زُهدَ كَالكَفِّ عَنِ الحَرامِ . (1)

عنه عليه السلام :لا زُهدَ كَالزُّهدِ فِى الحَرامِ . (2)

عنه عليه السلام :الزّاهِدُ فِى الدُّنيا مَن لَم يَغلِبِ الحَرامُ صَبرَهُ، ولَم يَشغَلِ الحَلالُ شُكرَهُ. (3)

كتاب من لا يحضره الفقيه :سُئِلَ الصّادِقُ عليه السلام عَنِ الزّاهِدِ فِى الدُّنيا ، قالَ : الَّذى يَترُكُ حَلالَها مَخافَةَ حِسابِهِ ، ويَترُكُ حَرامَها مَخافَةَ عَذابِهِ . (4)

راجع : ص42 ح805 .

ب قَصرُ الأَمَلِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الزُّهدُ فِى الدُّنيا قَصرُ الأَمَلِ ، وشُكرُ كُلِّ نِعمَةٍ ، وَالوَرَعُ عَن كُلِّ ما حَرَّمَ اللّهُ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :أيُّهَا النّاسُ ، الزَّهادَةُ قِصرُ الأَمَلِ ، وَالشُّكرُ عِندَ النِّعَمِ ، وَالتَّوَرُّعُ عِندَ المَحارِمِ . فَإِن عَزَبَ ذلِكَ عَنكُم فَلا يَغلِبِ الحَرامُ صَبرَكُم ، ولا تَنسَوا عِندَ النِّعَمِ شُكرَكُم . (6)

.

1- .غرر الحكم : ح 10549 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 532 ح 9708 .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 113 ، مشكاه الأنوار : ص 207 ح 563 ، روضه الواعظين : ص 475 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 317 ح 23 .
3- .تحف العقول : ص 200 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 37 ح 3 وراجع نهج البلاغه : الخطبه 81 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 400 ح 5861 ، معانى الأخبار : ص 287 ح 1 ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 52 ح 199 ، الأمالى للصدوق : ص 439 ح 580 كلّها عن الحسن بن علىّ الناصر « الناصرى » عن أبيه عن الإمام الجواد عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، مشكاه الأنوار : ص 208 ح 565 ، روضه الواعظين : ص 475 وفيهما «الزهد» بدل «الزاهد» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 311 ح 6 .
5- .تحف العقول : ص 58 وص 220 عن الإمام علىّ عليه السلام ، الكافى : ج 5 ص 71 ح 3 ، معانى الأخبار : ص 251 ح 2 كلاهما عن أبى الطفيل

عن الإمام علىّ عليه السلام .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 81 ، الكافى : ج 5 ص 71 ح 3 ، معانى الأخبار : ص 251 ح 2 كلاهما عن أبى الطفيل، الخصال : ص 14 ح 50 ، تحف العقول : ص 220 وص 58 عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله وكلّها نحوه ، روضه الواعظين : ص 476 ، إرشاد القلوب : ص 19 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 317 ح 23 .

ب کوتاهی آرزو

امام علی علیه السلام :زهدی چون خویشتنداری از حرام نیست.

امام علی علیه السلام :هیچ زهدی مانند ترک حرام نیست.

امام علی علیه السلام :زاهدِ در دنیا ، کسی است که حرام ، بر شکیبایی اش چیره نگردد و حلال ، او را سرگرم و از شکرگزاری غافل نسازد .

کتاب من لایحضره الفقیه:از امام صادق علیه السلام درباره زاهدِ در دنیا سؤال شد . فرمود: «زاهد ، کسی است که حلال دنیا را از بیم حسابش ترک می کند و حرام آن را از ترس کیفرش».

ر . ک : ص43 ح805

ب کوتاهی آرزوپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زهدِ به دنیا ، عبارت است از: کوتاه کردن آرزو، گزاردن شکر هر نعمتی، و پرهیز از هر آنچه خداوند ، حرام کرده است.

امام علی علیه السلام :ای مردم! زهد، کوتاه کردن آرزو، گزاردن شکر نعمت ها، و خویشتنداری از حرام هاست. اگر از عهده این هر سه بر نیامدید ، [لااقلّ بکوشید که [در برابر حرام ، صبر خویشتن را از دست ندهید و سپاس گزاری از نعمت ها را فراموش نکنید.

.

عنه علیه السلام :الزُّهدُ قَصرُ الأَمَلِ . (1)

عنه علیه السلام :الزُّهدُ تَقصیرُ الآمالِ وإخلاصُ الأَعمالِ . (2)

الإمام الباقر علیه السلام :لا زُهدَ کَقَصرِ الأَمَلِ . (3)

ج مُخالَفَهُ الهَویالإمام علیّ علیه السلام :ظَلفُ (4) النَّفسِ عَنِ لَذّاتِ الدُّنیا هُوَ الزُّهدُ المَحمودُ . (5)

عنه علیه السلام :هِمَّهُ الزّاهِدِ مُخالَفَهُ الهَوی ، وَالسُّلُوُّ (6) عَنِ الشَّهَواتِ . (7)

179. تهذیب الکمال مجلد 3 ص397:عنه علیه السلام :کَیفَ یَصِلُ إلی حَقیقَهِ الزُّهدِ مَن لَم یُمِت شَهوَتَهُ؟! (8)د الرِّضا بِالقَضاءِ177. تهذیب التهذیب مجلد 1 ص337 338:رسول اللّه صلی الله علیه و آله :اِرضَ بِقِسمِ اللّهِ تَکُن زاهِدا . (9)176. الجمل ص49 و52:عنه صلی الله علیه و آله :أَشرَفُ الزُّهدِ أَن یَسکُنَ قَلبُکَ عَلی ما رُزِقتَ . (10)175.عنه صلی الله علیه و آله :قالَ الخَضِرُ علیه السلام : . . . مَن یُحَقِّرُ حالَهُ ویَتَّهِمُ اللّهَ بِما قَضی لَهُ ، کَیفَ یَکونُ زاهِدا؟! (11) .

1- .غرر الحکم : ح 872 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 31 ح 533 .
2- .غرر الحکم : ح 1844 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 21 ح 141 .
3- .تحف العقول : ص 286 عن جابر بن یزید الجعفی ، بحار الأنوار : ج 78 ص 165 ح 1 .
4- .ظَلَفَ نفسَه عن الشیء یَظلِفُها ظَلْفا : أی منعها من أن تفعله أو تأتیه (الصحاح : ج 4 ص 1398 «ظلف») .
5- .غرر الحکم : ح 6071 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 324 ح 5602 .
6- .سَلَوْتُ عنه سُلُوّا : صَبَرتُ (المصباح المنیر : ص 287 «سلا») .
7- .کنز الفوائد : ج 1 ص 350 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 92 ح 98 .
8- .غرر الحکم : ح 7000 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 383 ح 6472 وفیه «من أطاع فی الأصل» بدل «من لم یُمت» .
9- .مسند الشهاب : ج 1 ص 372 ح 642 عن أبی هریره .

10- .كنز العمّال : ج 1 ص 37 ح 65 نقلاً عن ابن النجّار فى تاريخه عن ابن عمر .
11- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 79 ح 6908 ، البدايه والنهايه : ج 1 ص 329 كلاهما عن عمر بن الخطّاب ، كنز العمّال : ج 16 ص 145 ح 44176 ؛ منيه المريد : ص 141 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 227 ح 18 .

ج مخالفت با هوای نفس

د راضی بودن به قضای الهی:

174. إرشاد الساری للقسطلانی ج5 ص308:امام علی علیه السلام :زهد ، کوتاه کردن آرزوست.173. طرائف المقال:امام علی علیه السلام :زهد، کوتاه کردن آرزوها و اخلاص در اعمال است.172. میزان الاعتدال مجلد 1 ص279 :امام باقر علیه السلام :زهدی چون کوتاهیِ آرزو نیست.ج مخالفت با هوای نفس170. تهذیب الکمال مجلد 34 ص36 :امام علی علیه السلام :بازداشتن نفس از لذّت های دنیا ، همان زهد پسندیده است .169. الجرح والتعدیل مجلد 2 ص326:امام علی علیه السلام :همّت زاهد ، مخالفت کردن با هوای نفس است و شکیبایی در برابر خواهش ها.168. التاریخ الکبیر مجلد 6 ص107:امام علی علیه السلام :چگونه به حقیقت زهد برسد کسی که شهوت خویش را نکُشته است؟!د راضی بودن به قضای الهی:166. مستدرک الحاکم مجلد 3 ص406 407:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به قسمت خدا راضی باش تا زاهد باشی.165. سیر أعلام النبلاء مجلد 4 ص33:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین زهد ، آن است که دلت به آنچه روزی تو شده است ، آرام گیرد.164. الدر المنثور مجلد 4 ص199:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خضر علیه السلام گفت : «... کسی که از وضع خود ناخشنود باشد و خدا را در آنچه برای او حکم کرده است ، متّهم سازد، چگونه زاهد است؟!» .

.

163. مستدرک الحاکم مجلد 3 ص405:عنه صلی الله علیه و آله لاِءَبی ذَر الغِفارِیِّ :یا أبا ذَرٍّ ، إنَّ المُؤمِنَ لَم یَجزَع مِن ذُلِّ الدُّنیا ، ولَم یُبَل (1) مِن أهلِها وعِزِّها . (2)ه تِلکَ الصِّفاتُ161. مستدرک الحاکم مجلد 3 ص406 407 :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :أمّا عَلامَهُ الزّاهِدِ فَعَشَرَهٌ ؛ یَزهَدُ فِی المَحارِمِ ، ویَکُفُّ نَفسَهُ ، ویُقیمُ فَرائِضَ رَبِّهِ ، فَإن کانَ مَملوکا أحسَنَ الطّاعَهَ ، وإن کانَ مالِکا أحسَنَ المَملَکَهَ ، ولَیسَ لَهُ حَمِیَّهٌ ولا حِقدٌ ، یُحسِنُ إلی مَن أساءَ إلَیهِ ، ویَنفَعُ مَن ضَرَّهُ ، ویَعفو عَمَّن ظَلَمَهُ ، ویَتَواضَعُ لِحَقِّ اللّهِ . (3)160. مستدرک الحاکم مجلد 3 ص405 406:مکارم الأخلاق عن أبی ذرّ :قُلتُ : یا رَسولَ اللّه ، مَن أزهَدُ النّاسِ؟ فَقالَ صلی الله علیه و آله : مَن لَم یَنسَ المَقابِرَ وَالبِلی (4) ، وتَرَکَ فَضلَ زینَهِ الدُّنیا ، وآثَرَ ما یَبقی عَلی ما یَفنی ، ولَم یَعُدَّ غَدا مِن أیّامِهِ ، وعَدَّ نَفسَهُ فِی المَوتی . (5)159. بحار الأنوار مجلد 68 ص367:رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی وَصِیَّتِهِ لاِءَبی ذَرٍّ :یا أبا ذَر ، طوبی لِلزّاهِدینَ فِی الدُّنیَا ، الرّاغِبینَ فِی الآخِرَهِ ، الَّذینَ اتَّخَذوا أرضَ اللّهِ بِساطا ، وتُرابَها فِراشا ، وماءَها طیبا ، وَاتَّخَذُوا الکِتابَ شِعارا ، وَالدُّعاءَ لِلّهِ دِثارا (6) ، وقَرَضُوا

الدُّنیا قَرضا . (7) .

1- .ما اُبالیه : أی ما أکتَرِث له ، وإذا قالوا : لم اُبَلْ ، حذفوا تخفیفا لکثره الاستعمال (الصحاح : ج 6 ص 2285 «بلا») .
2- .حلیه الأولیاء : ج 6 ص 353 عن ابن عمر وراجع کشف الخفاء : ج 1 ص 411 .
3- .تحف العقول : ص 21 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 121 ح 11 .
4- .بَلِیَ المیّتُ : أفنَته الأرض (المصباح المنیر : ص 62 «بَلی») .
5- .مکارم الأخلاق : ج 2 ص 369 ح 2661 ، الأمالی للطوسی : ص 531 ح 1162 ، تنبیه الخواطر : ج 1 ص 284 کلاهما نحوه ؛ کنز العمّال : ج 3 ص 188 ح 6092 نقلاً عن شُعب الإیمان عن الضحّاک .
6- .الشِّعار : الثوب الذی یلی الجسد ؛ لأنّه یَلی شَعْره . والدِّثار : الثوب الذی فوق الشِّعار (النهایه : ج 2 ص 480 «شعر») . قال العلاّمه المجلسی قدس سره : أی یلازمون القرآن والدعاء کلزوم الدِّثار والشِّعار للإنسان (بحار الأنوار : ج 69 ص 276) .
7- .الأمالی للطوسی : ص 532 ح 1162 ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 370 ح 2661 کلاهما عن أبی ذرّ ، نهج البلاغه : الحکمه 104 ، الأمالی للمفید : ص

133 ح 1 ، الخصال : ص 337 ح 40 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 97 كلّها عن نوف البكالى عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 316 ح 22 وراجع الكافى : ج 2 ص 132 ح 15 و تحف العقول : ص 281 .

158. الاعتصام للشاطبی ج1 ص30:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو ذر غفاری :ای ابوذر! مؤمن از خواری خود در دنیا بی تابی نمی کند و به دنیاپرستان و عزّت دنیا ، اهمیّتی نمی دهد.ه مجموعه این صفات156. معجم البلدان مجلد 2 ص468 469:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نشانه زهد ده تاست: به حرام ها بی رغبت است؛ خویشتندار است؛ واجبات پروردگارش را به جا می آورد؛ اگر مملوک است ، فرمان بُردار خوبی است؛ اگر مالک است ، ملکدار خوبی است؛ تندخو وکینه توز نیست؛ به کسی که به او بدی کرده است ، خوبی می کند؛ به کسی که به او زیان زده است ، سود می رساند؛ از کسی که به او ستم کرده است ، گذشت می کند؛ و در برابر حق خداوند ، فروتن است (یا: به خاطر خدا فروتنی می کند).155. الأنساب مجلد 4 ص481 482:مکارم الأخلاق به نقل از ابو ذر :گفتم: ای پیامبر خدا! زاهدترینِ مردم کیست؟

فرمود: کسی که قبرستان و پوسیده شدن را فراموش نکند، از مازاد زیور دنیا ، چشم بپوشد، آنچه را ماندنی است ، بر آنچه از بین رفتنی است ، ترجیح دهد، فردا را از روزهای [عمر] خود نشمارد و خویشتن را در شمارِ مردگان به حساب آورد.154. لسان المیزان مجلد 1 ص475:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر :ای ابو ذر! خوشا به حال دل بُریدگانِ از دنیا و دل دادگان به آخرت؛ آنان که زمین خدا را فرش خود قرار داده اند و خاکش را بستر و آبش را شربت گوارا؛ کتاب خدا را [چونان [جامه زیرین

خود گرفتند و دعا به درگاه خدا را جامه رویین ، (1) و دنیا را به کلّی پشتِ سر انداختند.

.

1- .علاّمه محمّد باقر مجلسی گوید: [یعنی] ملازمت با قرآن و دعا دارند ، چنان که لباس انسان ، مدام با انسان است (بحار الأنوار : ج 69 ص 276).

153. رحله ابن بطوطه ج1 ص93:عنه صلى الله عليه و آله مِمّا أوصى بِهِ عَلِيّا عليه السلام :يا عَلِيُّ ، مَثَّلِ الآخِرَةَ فى قَلبِکَ وَالمَوتَ نَصبَ عَينَيکَ ، ولا تَنسَ مَوقِفَکَ بَينَ يَدَيِ اللّهِ ، وکُن مِنَ اللّهِ عَلى وَجَلٍ ، وَاذکُر نِعَمَ اللّهِ ، وَاکفُف عَن مَحارِمِ اللّهِ ، ونابِذ (1) هَواکَ ، وَاعزِلِ الشَّکَّ وَالطَّمَعَ وَالحِرصَ ، وَاستَعمِلِ التَّواضُعَ وَالعِفَّةَ وحُسنَ الخُلُقِ ولينَ الکَلامِ ، وَاتَّبِع قَولَ الحَقِّ مِن حَيثُ وَرَدَ ، وَاجتَنِبِ البُخلَ وَالکَذِبَ وَالرِّيآءَ وَالعُجبَ ، ولا تَستَصغِر نِعمَةَ اللّهِ وجاوِزها بِالشُّکرِ ، وَاذکُرِ اللّهَ فى کُلِّ وَقتٍ وَاحمَدهُ عَلى کُلِّ حالٍ ، وَاعفُ عَمَّن ظَلَمَکَ وصِل مَن قَطَعَکَ وأعطِ مَن حَرَمَکَ ، وَلَيَکُن صَمتُکَ فِکرا وکَلامُکَ ذِکرا ونَظَرُکَ اعتِبارا ، وتَحَبَّب مَا استَطَعتَ ، وباشِرِ النّاسَ بِالحُسنى ، وَاصبِر عَلَى النّازِلَهِ (2) ، ولا تَستَهِن بِالمُصيبَهِ ، وأطِلِ الفِکرَ فِى المَعادِ ، وَاجعَل شَوقَکَ إلَى الجَنَّهِ ، وَاستَعِذ مِنَ النّارِ ، وَأمُر بِالمَعروفِ وَانهَ عَنِ المُنکَرِ ، ولا تَأخُذکَ فِى اللّهِ لَومَهُ لائِمٍ ، وخُذ مِنَ الحَلالِ ما شِئتَ إذا أمکَنَکَ ، وَاعتَصِم بِالإخلاصِ وَالتَّوَکُّلِ ، ودَعِ الظُّنَّ وابنِ عَلَى الأَساسِ ، وکُن مَعَ الحَقِّ حَيثُ کانَ ، ومَيِّز مَا اشتَبَهَ عَلَيکَ بِعَقلِکَ ؛ فَإنَّهُ حُجَّهُ اللّهِ عَلَيکَ ، وَديعَهٌ (3) فيکَ ، وبَرَکاتُهُ عِندَکَ ، فَذلِکَ أعلامُ الزُّهدِ ومِنهاجُهُ ، وَالعاقِبَهُ لِلمُتَّقينَ . (4) .

1- .نَبَذت الشىء : إذا ألقيته من يدک (الصحاح : ج 2 ص 571 «نبذ») .
2- .النازله : المصيبه الشديده (المصباح المنير : ص 601 «نزل») .
3- .کذا فى المصدر ، والظاهر أنّ الصواب : «ووَديعَتُهُ» .
4- .الفردوس : ج 5 ص 317 ح 8307 عن الإمام علىّ عليه السلام ؛ تيسير المطالب : ص 367 عن أبى إسماعيل العتکى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه .

152. رحله ابن بطوطه ج1 ص93:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به علی علیه السلام :ای علی! پیوسته آخرت را در دلت مجسّم بدار و مرگ را نصب العین خود ، قرار ده . حضورت را در پیشگاه خداوند ، فراموش مکن و از خداترسان باش و نعمت های خدا را به یاد داشته باش . از حرام های خدا ، باز ایست، هَوَست را به دور افکن و از دودلی و طمع و آزمندی ، کناره گیر و فروتنی و خویشتنداری و خوش خویی و نرم گویی را در پیش گیر و پیرو سخن حق باش از هر که باشد . از بخل و دروغ و ریا و خودپسندی دوری کن و نعمت خدا را کوچک مشمار و همواره ، شکر آن را به جای آور و همیشه به یاد خدا باش و در همه حال ، او را سپاس و ستایش گوی و از کسی که به تو ستم کرده است ، درگذر و با کسی که از تو بُریده است ، پیوند برقرار کن و به کسی که از تو مضایقه کرده است ، عطا کن . سکوتت توأم با اندیشیدن باشد وگفتارت ، ذکر خدا و نگاه کردنت عبرت آموختن. تا می توانی ، دوستی بوَرز و با مردم به خوبی رفتار کن و در مصائب و سختی ها صبور باش و مصیبت ها را دستِ کم مگیر . درباره قیامت ، بسیار اندیشه کن و به بهشت ، شوق بورز و از آتش ، به خدا پناه ببر، امر به معروف و نهی از منکر کن و در راه خدا ، سرزنش هیچ سرزنشگری در تو اثر نکند. از حلال، هرگاه برایت فراهم شد، هر اندازه که خواستی ، [بدون اسراف و تبذیر [استفاده کن. به اخلاص و توکّل ، چنگ در زن و گمان را رها کن و بر شالوده بنا کن. باحق باش ، هرجا که بود. آنچه را بر تو مشتبه می شود ، با کمک عقلت تمیز بده؛ زیرا که عقل ، حجّت خدا بر تو و سپرده ای [الهی [در وجود توست و برایت برکت ها دارد. اینهاست نشانه های زهد و راه و روش آن، و عاقبتْ از آنِ پرهیزگاران است. .

151. الإصابه فی تمییز الصحابه لابن حجر 1 / 120:عنه صلی الله علیه و آله فی حَدیثٍ لَهُ مَعَ جَبرَئیلَ علیه السلام :قُلتُ : یا جَبرَئیلُ فَما تَفسیرُ الزُّهدِ؟ قالَ : الزّاهِدُ یُحِبُّ مَن یُحِبُّ خالِقُهُ ، ویُبغِضُ مَن یُبغِضُ خالِقُهُ ، ویَتَحَرَّجُ مِن حَلالِ الدُّنیا ولا یَلتَفِتُ إلی حَرامِها ؛ فَإِنَّ حَلالَها حِسابٌ وحَرامَها عِقابٌ ، ویَرحَمُ جَمیعَ المُسلِمینِ کَما یَرحَمُ نَفسَهُ ، ویَتَحَرَّجُ مِنَ الکَلامِ کَما یَتَحَرَّجُ مِنَ المَیتَهِ الَّتی قَدِ اشتَدَّ نَتنُها ، ویَتَحَرَّجُ عَن حُطامِ الدُّنیا وزینَتِها کَما یَتَجَنَّبُ النّارَ أن تَغشاهُ ، وأن یُقَصِّرَ أمَلَهُ وکَأَنَّ بَینَ عَینَیهِ أجَلَهُ . (1)150. تهذیب الکمال مجلد 3 ص397:الإمام علیّ علیه السلام :إنَّ الزّاهِدینَ فِی الدُّنیا تَبکی قُلوبُهُم وإن ضَحِکوا ، ویَشتَدُّ حُزنُهُم وإن فَرِحوا ، ویَکثُرُ مَقتُهُم أنفُسَهُم وإنِ اغتُبِطوا بِما رُزِقوا . (2)149. أسد الغابه مجلد 1 ص152:عنه علیه السلام :الزّاهِدُ عِندَنا مَن عَلِمَ فَعَمِلَ ، ومَن أیقَنَ فَحَذِرَ ، وإن أمسی عَلی عُسرٍ حَمِدَ اللّهَ ، وإن أصبَحَ عَلی یُسرٍ شَکَرَ اللّهَ ، فَهُوَ الزّاهِدُ . (3)148. لسان المیزان مجلد 6 ص118:عنه علیه السلام فی صِفَهِ الزُّهّادِ :کانوا قَوما مِن أهلِ الدُّنیا ولَیسوا مِن أهلِها ، فَکانوا فیها کَمَن لَیسَ مِنها ، عَمِلوا فیها بِما یُبصِرونَ ، وبادَروا فیها ما یَحذَرونَ ، تَقَلَّبُ أبدانُهُم بَینَ ظَهرانَی أهلِ الآخِرَهِ ، ویَرَونَ أهلَ الدُّنیا یُعَظِّمونَ مَوتَ أجسادِهِم وهُم أشَدُّ إعظاما لِمَوتِ قُلوبِ أحیائِهِم . (4)147. لسان المیزان مجلد 1 ص471 472:عنه علیه السلام :الزّاهِدُ فِی الدُّنیا مَن وُعِظَ فَاتَّعَظَ ، ومَن عَلِمَ فَعَمِلَ ، ومَن أیقَنَ فَحَذِرَ ، فَالزّاهِدونَ فِی الدُّنیا قَومٌ وُعِظوا فَاتَّعَظوا ، وأیقَنوا فَحَذِروا وعَلِموا فَعَمِلوا ، إن

أصابَهُم یُسرٌ شَکَروا ، وإن أصابَهُم عُسرٌ صَبَروا . (5) .

1- .معانی الأخبار : ص 261 ح 1 ، مشکاه الأنوار : ص 423 ح 1419 وفیه «کثره الأکل» بدل «الکلام» ، عدّه الداعی : ص 85 عن الإمام الصادق علیه السلام رفعه إلیه صلی الله علیه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج 69 ص 373 ح 19 ؛ کنز العمّال : ج 3 ص 208 ح 6191 نقلاً عن الدیلمی عن أبی هریره .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 113 ، غرر الحکم : ح 3558 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 152 ح 3342 .
3- .الجعفریّات : ص 232 عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 230 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 320 ح 36 .

5- .الجعفريّات : ص 233 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 213 ، إرشاد القلوب : ص 14 كلاهما نحوه .

146. إكمال الكمال مجلد 7 ص142:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در گفتگویی با جبرئیل علیه السلام :گفتم: ای جبرئیل ! تفسیر زهد چیست؟

گفت: «زاهد ، کسی [و آنچه] را که آفریدگارش دوست دارد ، دوست می دارد و کسی را که آفریدگارش او را ناخوش دارد ، ناخوش می دارد و از حلال دنیا می پرهیزد و به حرام آن ، توجّه نمی کند؛ زیرا حلال آن ، حساب دارد و حرامش کیفر. [زاهد ، [همچنان که به خویشتن رحم می کند ، به همه مسلمانان ، رحم می کند و همان گونه که از لاشه گندیده بسیار بدبو ، دوری می کند ، از سخن [بیجا [می پرهیزد و همان گونه که از آتش دوری می کند که مبادا او را فرا گیرد ، از حُطام دنیوی و زرق و برق آن ، دوری می کند؛ آرزویش کوتاه است ، انگار که مرگ خود را پیش چشم دارد».145. تاریخ الطبری مجلد 10 ص145 146:امام علی علیه السلام :زاهدانِ به دنیا، دل هایشان گریان است ، اگرچه [در ظاهر [بخندند و سختْ اندوهناک اند ، اگرچه [در ظاهر] شادی نمایند و از خود بسیار در خشم اند ، اگرچه به واسطه آنچه روزی شده اند ، مورد غبطه دیگران اند.144. تاریخ الطبری مجلد 10 ص116 117:امام علی علیه السلام :از نظر ما ، زاهد کسی است که دانست و عمل کرد، و کسی که یقین داشت و حذر کرد، و اگر در سختی و تنگ دستی بام خود را به شام رسانْد ، حمد خدا را به جای آورد، و اگر در آسایش و رفاه شام خویش را به بام رسانْد ، شکر خدای را بگزارد. چنین کسی زاهد است.143. وقعه صفین ص324:امام علی علیه السلام در وصف زاهدان :آنان ، گروهی از مردم دنیا هستند؛ ولی اهل دنیا (دنیا دوست) نیستند. در این دنیا ، همچون کسانی هستند که از آن نیستند . در دنیا ، بر اساس بینش و بصیرت عمل می کنند و از آنچه می ترسند (یعنی: مرگ) پیشی گرفتند؛ (1) پیکرهایشان در میان اهل آخرت می گردد (جز با اهل آخرت نمی آمیزند)؛ اهل دنیا را می بینند که مرگِ تن هاشان را بزرگ می شمارند ، در حالی که آنان ، مرگِ دل های زندگانشان را بزرگ تر می شمارند.142. مستدرک الحاکم مجلد 3 ص408:امام علی علیه السلام :زاهدِ به دنیا ، کسی است که پند داده شد و پند گرفت، و کسی است که علم آموخت و به کار بست، و کسی است که یقین یافت و حذر کرد. پس، زاهدانِ به دنیا ، آن مردمانی اند که پند داده شدند و پند گرفتند، و یقین کردند

و حذر کردند ، و علم آموختند و عمل کردند؛ اگر آسایش به آنان برسد ، شکر می گویند و اگر به سختی در افتند ، شکیبایی می ورزند. .

1- .یعنی برای چاره جوییِ آنچه از آن بیم دارند ، از دنیا پیشی می گیرند .

141. مستدرک الحاکم مجلد 3 ص402 403:عنه علیه السلام :الزّاهِدُ فِی الدُّنیا کُلَّما ازدادَت لَهُ تَحَلِّیا ازدادَ عَنها تَوَلِّیا . (1)140. (حدّثنا) أبو العباس محمد بن یعقوب ، حدّثنا العبعنه علیه السلام فی صِفاتِ المُتَّقینَ :أرادَتهُمُ الدُّنیا فَلَم یُریدوها ، وأسَرَتهُم فَفَدَوا أنفُسَهُم مِنها . (2)139. رجال ابن داود ص53:عنه علیه السلام :أفضَلُ الزُّهدِ إخفاءُ الزُّهدِ . (3)138. اختیار معرفه الرجال مجلد 1 ص316 317:عنه علیه السلام فی ذِکرِ حَدیثِ مِعراجِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله :قالَ اللّهُ تَعالی : . . . یا أحمَد ، وُجوهُ الزَّاهِدینَ مُصفَرَّهٌ مِن تَعَبِ اللَّیلِ وصَومِ النَّهارِ ، وألسِنَتُهُم کِلالٌ (4) إلاّ مِن ذِکرِ اللّهِ تَعالی ، قُلوبُهُم فی صُدورِهِم مَطعونَهٌ مِن کَثرَهِ صَمتِهِم ، قَد أعطَوُا المَجهودَ فی أنفُسِهِم لا مِن خَوفِ نارٍ ولا مِن شَوقِ جَنَّهٍ ، ولکِن یَنظُرونَ فی مَلَکوتِ السَّماواتِ وَالأَرضِ فَیَعلَمونَ أنَّ اللّهَ سُبحانَهُ أهلٌ لِلعِبادَهِ . (5)137. اختیار معرفه الرجال مجلد 1 ص314 315:عنه علیه السلام :الزُّهدُ فِی الدُّنیا ثَلاثَهُ أحرُفٍ : زاءٌ وهاءٌ ودالٌ ؛ فَأمَّا الزّاءُ فَترکُ الزّینَهِ ، وأمَّا الهاءُ فَترکُ الهَوی ، وأمَّا الدّالُ فَترکُ الدُّنیا . (6)136. بحار الأنوار مجلد 29 ص583 584 یتحدّث عن صفین:الإمام الحسین علیه السلام :بَینا أمیرُ المُؤمِنینَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِ ذاتَ یَومٍ جالِسٌ مَعَ

أصحابِهِ یُعَبِّئُهُم لِلحَربِ ، إذ أتاهُ شَیخٌ عَلَیهِ شَحبَهُ (7) السَّفَرِ ، فَقالَ : أینَ أمیرُ المُؤمِنینَ؟ فَقیلَ : هُوَ ذا . فَسَلَّمَ عَلَیهِ ، ثُمَّ قالَ :

یا أمیرَ المُؤمِنینَ ، إنّی أتَیتُکَ مِن ناحِیَهِ الشّام ، وأنَا شَیخٌ کَبیرٌ قَد سَمِعتُ فیکَ مِنَ الفَضلِ ما لا أُحصی ، وإنّی أظُنُّکَ سَتُغتالُ (8) فَعَلِّمنی مِمّا عَلَّمَکَ اللّهُ .

قالَ : نَعَم یا شَیخُ . . . إنَّ اللّهَ خَلَقَ خَلقا ضَیَّقَ الدُّنیا عَلَیهِم نَظَرا لَهُم فَزَهَّدَهُم فیها وفی حُطامِها ، فَرَغِبوا فی دارِالسَّلامِ الَّتی دَعاهُم إلَیها وصَبَروا عَلی ضیقِ المَعیشَهِ ، وصَبَروا عَلَی المَکروهِ وَاشتاقوا إلی ما عِندَ اللّهِ مِنَ الکَرامَهِ ، بَذَلوا أنفُسَهُمُ ابتِغاءَ رِضوانِ اللّهِ ، وکانَت خاتِمَهُ أعمالِهِمُ الشَّهادَهَ ، فَلَقُوا اللّهَ وهُوَ عَنهُم راضٍ ، وعَلِموا أنَّ المَوتَ سَبیلُ مَن مَضی ومَن بَقِیَ ، فَتَزَوَّدوا لِآخِرَتِهِم غَیرَ الذَّهبِ وَالفِضَّهِ ، ولَبِسُوا الخَشِنَ ، وصَبَروا عَلَی البَلوی ، وقَدَّمُوا الفَضلَ ، وأحَبّوا فِی اللّهِ ، وأبغَضوا فِی اللّهِ ، أُولئِکَ المَصابیحُ وأهلُ النَّعیمِ فِی الآخِرَهِ ، وَالسَّلامُ . (9) .

1- .الإرشاد : ج 1 ص 298 ، كنز الفوائد : ج 1 ص 345 وفيه «تخلّيا» بدل «تولّيا» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه193 ، روضه الواعظين : ص480 ، تحف العقول : ص 159 وفيه «طلبتهم فأعجزوها» بدل «وأسَرَتهم...»، التمحيص: ص71 ح170 وفيه «طلبتهم فأعجزوها» بعد «فلم يريدوها» ، بحار الأنوار : ج 67 ص 315 ح 50.
3- .نهج البلاغه : الحكمه 28 ، مشكاه الأنوار : ص 207 ح 563 ، روضه الواعظين : ص 475 .
4- .كَلّ يَكِلّ كَلاله : تَعِبَ وأعيا (المصباح المنير : ص 538 «كلّ») .
5- .إرشاد القلوب : ص 199 ص 202 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 26 ح 6 .
6- .جامع الأخبار : ص 297 ح 811 .
7- .الشاحِبُ : المتغيّر اللّون والجسم لعارض من سفر أو مرض ونحوهما (النهايه : ج 2 ص 448 «شحب») .
8- .اغتالَهُ : قَتَله على غِرَّه (المصباح المنير : ص 457 «غول») .
9- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 381 ح 5833 ، معانى الأخبار : ص 198 ح 4 ، الأمالى للصدوق : ص 477 ح 644 ، الأمالى للطوسى : ص 435 ح 974 كلّها عن عبد اللّه بن بكر المرادى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمّى : ص 173 عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام الحسين عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 173 عن الإمام زين العابدين عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 69 ص 272 ح 4 .

135. مناقب آل أبی طالب مجلد 2 ص104:امام علی علیه السلام :کسی که به دنیا بی اعتناست، هرچه دنیا بیشتر خود را برایش بیاراید ، او بیشتر از آن روی می گردانَد.134. المناقب ص249:امام علی علیه السلام در بیان صفات پرهیزگاران :دنیا آنها را خواست؛ امّا آنها دنیا را نخواستند و دنیا اسیرشان کرد؛ امّا آنان ، سَر بَها دادند و خود را از بند دنیا رهانیدند.133. الاختصاص ص81 82:امام علی علیه السلام :برترین زهد، پنهان داشتن زهد است.132. شرح الأخبار مجلد 2 ص521:امام علی علیه السلام در حدیث معراج :خدای متعال فرمود : «... ای احمد! رخسار زاهدان از رنج شب خیزی و روزه داری زرد است و زبان هایشان جز از ذکر خدای متعال ، درمانده است؛ دل هایشان، از کثرت خاموشی، در سینه هایشان ریش است؛ خویشتن را رنجه کرده اند ، نه از ترس آتش و از شوق بهشت ، بلکه در ملکوت آسمان ها و زمین ، اندیشه و نظر می کنند و درمی یابند که خداوند سبحان ، عبادت است».131. شرح الأخبار مجلد 2 ص12:امام علی علیه السلام :زهد به دنیا ، از سه حرف تشکیل شده است : زاء و هاء و دال . زاء ، یعنی ترک زینت؛ هاء ، یعنی ترک هوا؛ و دال ، یعنی ترک دنیا .130. شرح الأخبار مجلد 2 ص12:امام حسین علیه السلام :روزی امیر مؤمنان که درودهای خداوند بر او باد با یارانش نشسته بود و آنها را برای جنگ ، بسیج می کرد که پیرمردی ، در حالی که رنج

و خستگی سفر در چهره اش نمایان بود ، بر او وارد شد و گفت: امیر مؤمنان کجاست؟

ایشان را به او نشان دادند. پیرمرد بر او سلام کرد و آن گاه گفت: ای امیر مؤمنان، من از منطقه شام آمده ام. پیری سالخورده ام که درباره تو فضایل بی شماری شنیده ام و گمان می کنم به زودی ترور خواهی شد. پس، از آنچه خداوند به تو آموخته است ، مرا چیزی بیاموز.

امام علیه السلام فرمود: «باشد ، ای پیرمرد! ... خداوند عدّه ای را آفرید و از سرِ لطف، دنیا را بر آنان تنگ کرد و ایشان را به زهد و بی رغبتی به دنیا و حطَام دنیوی ترغیب فرمود و آنان ، به سرای سلامت (بهشت) که خدا بدان فرایشان خوانده بود ، رغبت کردند و بر سختی معیشت ، صبر کردند و ناملایمات را تحمّل نمودند و به کرامت و پاداشی که نزد خداوند است ، شوق ورزیدند. برای جلب خشنودی خداوند ، فداکاری کردند و عاقبت

زندگی شان ، شهادت شد. پس، خداوند را در حالی ملاقات کردند که از ایشان ، خشنود بود ، دانستند که مرگ ، راهی است که گذشتگان پیمودند و ماندگان ، خواهند پیمود. از این رو، برای آخرت خویش ، توشه ای غیر از زر و سیم بر گرفتند ، جامه خشن پوشیدند و در گرفتاری ها شکیبایی نمودند. مازاد [نیاز خود را برای آخرت [پیش فرستادند ، از برای خدا ، دوستی ورزیدند و از برای خدا ، دشمنی نمودند. اینان ، چراغ های تابان اند و در آخرت ، برخوردار از نعمت. والسلام ! .

129. مختصر تاريخ دمشق لابن منظور ج3 جزء 5 ص91:الإمام زين العابدين عليه السلام :إنَّ عَلامَةَ الزّاهِدينَ فِى الدُّنيَا الرّاغِبينَ فِى الآخِرَهِ : تَركُهُم كُلَّ خَليطٍ وخَليلٍ ، ورَفضُهُم كُلَّ صاحِبٍ لا يُريدُ ما يُريدونَ . ألا وإنَّ العامِلَ لِثَوابِ الآخِرَهِ هُوَ الزّاهِدُ فى عاجِلِ زَهرَهِ الدُّنيا . (1)128. مختصر تاريخ دمشق لابن منظور ج3 جزء 5 ص89:مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام :الزّاهِدُ ؛ الَّذى يَختارُ

الآخِرَهَ عَلَى الدُّنيا ، وَالذُّلَّ عَلَى العِزِّ ، وَالجَهدَ عَلَى الرّاحَهِ ، وَالجوعَ عَلَى الشَّبَعِ ، وعاقِبَهَ الآجِلِ عَلى مَحَبَّهِ العاجِلِ ، وَالذِّكرَ عَلَى الغَفلَهِ ، ويَكونُ نَفسُهُ فِى الدُّنيا وقَلبُهُ فِى الآخِرَهِ . (2) .

1- .تحف العقول : ص 272 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 128 ح 1 وراجع ذمّ الدنيا لابن أبى الدنيا : ص 87 ح 225 .
2- .مصباح الشريعه : ص 192 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 315 ح 20 .

127. تاریخ الطبری لابن جریر الطبری ج11 ص662:امام زین العابدین علیه السلام :نشانه دنیاگریزان آخرت گرای ، ترک هر معاشر و دوستی ، و طرد هر هم صحبتی است که خواسته اش با خواسته آنان ، یکی نیست. آگاه باشید آن که برای پاداش و آخرت کار کند ، به زیب و زیور نقد دنیا ، بی رغبت است.126. الإصابه فی تمییز الصحابه 1 / 119:مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده :زاهد ، کسی است که آخرت را بر دنیا بر می گزیند و خواری [و گم نامی] را بر عزّت [و جاه

و جلال]، و رنج و زحمت را بر تن آسایی، و گرسنگی را بر سیری، و سعادت آخرت را بر محبّت دنیا، و یادِ [خدا بودن] را بر غفلت؛ و پیکرش در دنیاست و دلش در آخرت. .

125. تاريخ الإسلام للذهبى ج3 ص556:الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ الزُّهّادَ فِى الدُّنيا نورُ الجَلالِ عَلَيهِم ، وأثَرُ الخِدمَهِ بَينَ أعيُنِهِم ، وكَيفَ لا يَكونونَ كَذلِكَ ؟ وإنَّ الرَّجُلَ لَيَنقَطِعُ إلى بَعضِ مُلوكِ الدُّنيا فَيُرى عَلَيهِ أثَرُهُ ، فَكَيفَ بِمَن يَنقَطِعُ إلَى اللّهِ تَعالى لا يُرى أثَرُهُ عَلَيهِ؟! (1)124. تاريخ الإسلام للذهبى ج3 ص555:الإمام الرضا عليه السلام لَمّا سُئِلَ عَن صِفَهِ الزّاهِدِ :مُتَبَلِّغٌ (2) بِدونِ قوتِهِ ، مُستَعِدٌّ لِيَومِ مَوتِهِ ، مُتَبَرِّمٌ (3) بِحَياتِهِ . (4)1 / 4دَرَجاتُ الزُّهدِ121. بحار الأنوار مجلد 88 ص391 393:الإمام زين العابدين عليه السلام لَمّا سُئِلَ عَنِ الزُّهدِ :عَشَرَهُ أشياءَ : فَأعلى دَرَجَهِ الزُّهدِ أدنى دَرَجَهِ الوَرَعِ ، وأعلى دَرَجَهِ الوَرَعِ أدنى دَرَجَهِ اليَقينِ ، وأعلى دَرَجَهِ اليَقينِ أدنى دَرَجَهِ الرِّضا .

ألا وإنَّ الزُّهدَ فى آيَهٍ مِن كِتابِ اللّهِ «لِّكَيْلاَ تَأْسَوْاْ عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلاَ تَفْرَحُواْ بِمَا ءَاتَاكُمْ» (5) . (6) .

1- .أعلام الدين : ص304، نزهه الناظر : ص119 ح67 وفيه «إلى ملك الملوك» بدل «إلى اللّه »، بحار الأنوار: ج 78 ص 278 ح 113 .
2- .تَبَلَّغَ بكذا : أى اكتفى به (الصحاح : ج 4 ص 1317 «بلغ») .
3- .بَرِمَ به : إذا سَئمه . وتَبَرَّمَ به مثله (الصحاح : ج 5 ص 1869 «برم») .
4- .نثر الدرّ : ج 1 ص 361 ، العدد القويّه : ص 298 ح 30 ، الدرّه الباهره : ص 38 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 237 عن الإمام زين العابدين عليه السلام وليس فيه «متبرّم بحياته» ، أعلام الدين : ص 307 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 319 ح 33 ؛ تاريخ دمشق : ج 41 ص 403 عن ابن عائشه عن الإمام زين العابدين عليه السلام .
5- .الحديد : 23 .
6- .الكافى : ج 2 ص 128 ح 4 وص 62 ح 10 وليس فيه ذيله ، الخصال : ص 437 ح 26 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 191 كلّها عن هاشم بن البريد ، معانى الأخبار : ص 252 ح 4 عن هاشم بن بريد عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : ص 278 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 50 ح 22 .

120. بحار الأنوار مجلد 88 ص390 391:امام صادق علیه السلام :زاهدانِ به دنیا ، از نورِ جلال و عظمت ، منوّرند و نشانه چاکری بر پیشانی آنان ، هویداست. چگونه چنین نباشند؟ آدمی ، وقتی خود را وقف چاکری حکمرانی از حکمرانان دنیا می کند ، آثار آن در او دیده می شود . پس چگونه ممکن است کسی خود را وقف خدمت به خدای متعال کند و اثر آن بر وی دیده نشود؟ !119. مستدرک الوسائل مجلد 16 ص73:امام رضا علیه السلام در پاسخ به پرسشش از ویژگی زاهد :به کمتر از قُوت خویش بسنده می کند، برای روزِ مرگش آماده است، و از زنده ماندن خود ، دل تنگ است.1 / 4درجات زهد116. سیر أعلام النبلاء مجلد 18 ص558:امام زین العابدین علیه السلام در پاسخ به سؤال از زهد :زهد ، ده درجه دارد: بالاترین درجه زهد ، پایین ترین درجه وَرَع است، و بالاترین درجه وَرَع ، پایین ترین درجه یقین است، و بالاترین درجه یقین ، پایین ترین درجه رضاست .

آگاه باشید که زهد در یک آیه از کتاب خداوند خلاصه شده است: «تا

بر آنچه از دست می دهید ، افسوس نخورید و برای آنچه خدا به شما می دهد ، شادمان نشوید» .

.

1 / 5التَّنبيهُ عَلى تَحريفِ الزُّهدِ113. سير أعلام النبلاء مجلد 4 ص28:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَيسَ الزُّهدُ فِى الدُّنيا تَحريمَ الحَلالِ ، ولا إضاعَةَ المالِ ، ولكِنَّ الزُّهدَ فِى الدُّنيا الرِّضا بِالقَضاءِ ، وَالصَّبرُ عَلَى المَصائِبِ ، وَاليَأسُ عَنِ النّاسِ . (1)112. سير أعلام النبلاء مجلد 4 ص25 30:عنه صلى الله عليه و آله :لَيسَ الزُّهدُ فِى الدُّنيا لُبسَ الخَشِنِ وأكلَ الجَشِبِ (2) ، ولكِنَّ الزُّهدَ فِى الدُّنيا قَصرُ الأَمَلِ . (3)111. الأنساب مجلد 4 ص481 482:عنه صلى الله عليه و آله :الزَّهادَةُ فِى الدُّنيا لَيسَت بِتَحريمِ الحَلالِ ، ولا إضاعَةِ المالِ ، ولكِنَّ الزَّهادَةَ فِى الدُّنيا أَلاّ تَكونَ بِما فى يَدَيكَ أوثَقَ مِمّا فى يَدَيِ اللّهِ ، وأن تَكونَ فى ثَوابِ المُصيبَةِ إذا أنتَ اُصِبتَ بِها أرغَبَ فيها لو أنَّها اُبقِيَت لَكَ . (4)110. طرائف المقال مجلد 2 ص592 593:الكافى عن محمّد بن على رفعه :مَرَّ سُفيانُ الثَّورِى فِى المَسجِدِ الحَرام فَرَأى أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام وعَلَيهِ ثِيابٌ كَثيرَةُ القيمَةِ حِسانٌ ، فَقالَ : وَاللّهِ لاَآتِيَنَّهُ ولاُوَبِّخَنَّهُ .

فَدَنا مِنهُ فَقالَ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، ما لَبِسَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِثلَ هذَا اللِّباسِ ولا عَلِىٌّ عليه السلام ولا أَحَدٌ مِن آبائِكَ !

فَقالَ لَهُ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : كانَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله فى زَمانِ قَترٍ مُقتِرٍ (5) ، وكانَ يَأخُذُ لِقَترِهِ وَاقتِدارِهِ (6) ، وإنَّ الدُّنيا بَعدَ ذلِكَ أرخَتِ عَزالِيَها (7) ، فَأَحَقُّ أهلِها بِها أبرارُها . ثُمَّ تَلا : «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِى أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَتِ مِنَ الرِّزْقِ» (8) ونَحنُ أحَقُّ مَن أخَذَ مِنها ما أعطاهُ اللّهُ ، غَيرَ أنّى يا ثَورِى ماتَرى عَلَىَّ مِن ثَوبٍ إنَّما ألبَسُهُ لِلنّاسِ .

ثُمَّ اجتَذَبَ يَدَ سُفيان فَجَرَّها إلَيهِ ، ثُمَّ رَفَعَ الثَّوبَ الأَعلى وأخرَجَ ثَوبا تَحتَ ذلِكَ عَلى جِلدِهِ غَليظا ، فَقالَ : هذا ألبَسُهُ لِنَفسى ، وما رَأَيتَهُ لِلنّاسِ . ثُمَّ جَذَبَ ثَوبا عَلى سُفيانَ أعلاهُ غَليظٌ خَشِنٌ وداخِلُ ذلِكَ ثَوبٌ لَيِّنٌ ، فَقالَ : لَبِستَ هذَا الأَعلى لِلنّاسِ ، ولَبِستَ هذا لِنَفسِكَ تَسُرُّها ! (9) .

1- .مستدرک الوسائل : ج 12 ص 51 ح 13488 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
2- .الجَشِبُ : الغليظ الخَشِنُ من الطعام ، وكلّ بشع الطعم جَشِب (النهايه : ج 1 ص 272 «جشب») .

3- .مشكاه الأنوار : ص 207 ح 559 ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 44 ح 13471 وراجع بحار الأنوار : ج 70 ص 310 ح 4 .
4- .سنن الترمذى : ج 4 ص 571 ح 2340 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1373 ح 4100 ، الفردوس : ج 3 ص 403 ح 5228 كلّها عن أبى ذرّ ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 57 ح 7954 ، حليه الأولياء : ج 9 ص 303 كلاهما عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 3 ص 181 ح 6059 وراجع أعلام الدين : ص 293 .
5- .الإقتار : التضييق على الإنسان فى الرزق ، وقد أقتر الرجل فهو مُقتِر (النهايه : ج4 ص12 «قتر») .
6- .قُدِرَ على الإنسان رزقُه : مثل قُتِرَ (الصحاح : ج 2 ص 787 «قدر») . وقوله عليه السلام : «وكان يأخذ» أى يأخذ من نفقته فلا يوسّع لقتر الزمان (مرآه العقول : ج 22 ص 317) .
7- .يقال للسحابه إذا انهَمَرت بالمَطَر الجَودِ : أرسَلَت عَزالِيَها (تاج العروس : ج 15 ص 483 «عزل») .
8- .الأعراف : 32 .
9- .الكافى : ج 6 ص 442 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 360 ح 71 وراجع تحف العقول : ص 348 ورجال الكشّى : ج 2 ص 691 ح 740 .

1 / 5هشدار درباره تحریف زهد107. خلاصه الأقوال ص24:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زهد به دنیا ، به حرام کردن حلال [بر خود] و یا ترک دارایی نیست؛ بلکه زهد به دنیا ، عبارت است از: راضی بودن به قضا[ی الهی] و صبر در مصائب، و چشم امید بر کَندن از مردم.106. المناقب ص249:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زهدِ به دنیا ، پوشیدن جامه درشت و خوردن غذای خشک نیست؛ بلکه زهد به دنیا ، عبارت از کوتاه کردن آرزوست.105. سیر أعلام النبلاء مجلد 4 ص30:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زهدِ به دنیا ، به حرام کردن حلال و یا ترک مال نیست؛ بلکه زهد به دنیا آن است که به آنچه در دست توست ، مطمئن تر از آنچه در دست خداست ، نباشی و به ثواب مصیبتی که به تو می رسد ، چندان راغب باشی که آرزو کنی آن مصیبت برایت باقی بماند.104. تهذیب الکمال مجلد 24 ص246:الکافی به نقل از محمّد بن علی، که سند آن را به معصوم علیه السلام می رساند :سفیان ثوری از مسجد الحرام می گذشت که امام صادق علیه السلام را با جامه هایی زیبا و قیمتی دید. گفت: واللّه که نزد او می روم و ملامتش می کنم.

پس، به نزدیک امام علیه السلام رفت و گفت: ای پسر پیامبر خدا! نه پیامبر خدا چنین لباسی پوشید، نه علی و نه هیچ یک از پدرانت!

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «پیامبر خدا ، در روزگاری سخت و در تنگنای معیشت به سر می برد و از این رو ، با سختی زندگی می کرد؛ امّا بعداً دنیا ، خیرات و برکات خود را فرو ریزانْد. پس، سزاوارترینْ مردم دنیا به برخورداری از این نعمت ها ، نیکان هستند» و سپس ، این آیه را تلاوت کرد: « «به گو: چه کسی زیورهای خدا را که برای بندگانش پدید آورده ، و نیز روزی های پاک را حرام گردانیده است؟» [و افزود :] ما به استفاده از این نعمت های خدادادی ، از هر کس دیگر سزاوارتریم. با این حال، ای ثوری! من ، این جامه ای را که بر تَنَم می بینی ، برای مردم پوشیده ام».

امام علیه السلام سپس، دست سفیان را گرفت و به طرف خود کشید و لباس رویی خود را بالا زد و جامه زِبری را که زیر آن پوشیده بود و با بدن

ایشان تماس مستقیم داشت ، نشانش داد و فرمود: «این را برای خودم می پوشم و آنچه را دیدی (لباس رویی را) برای مردم» . آن گاه ، لباس رویی سفیان را که زِبر و درشت بود ، کنار زد و زیر آن ، جامه نرمی بود. فرمود: «تو این رویی را برای چشم مردم پوشیده ای و این زیری را برای خوشایند نَفست !» .

.

ص: 64

راجع : ج1 ص126 (النهى عن الترهّب وتحريم ما أحل اللّه)

و 146 (الاحتجاج على من يدعو إلى ترک الدنيا) .

.

ص: 65

ر . ک : ج1 ص127 (نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است)

و 147 (اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا) .

.

1 / 6التَّحذيرُ مِنَ الزُّهدِ رِئاءً97. الإصابه لابن حجر (1/119 120):رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَقومُ السّاعَهُ حَتّى يَكونَ الزُّهدُ رِوايَهً ، وَالوَرَعَ تَصَنُّعا . (1)96. سير أعلام النبلاء مجلد 4 ص25 26:عنه صلى الله عليه و آله :يَكونُ فى آخِرِ الزَّمانِ قَومٌ يَلبَسونَ الصّوفَ فى صَيفِهِم وشِتائِهِم ، يَرَونَ أنَّ لَهُمُ الفَضلَ بِذلِکَ عَلى غَيرِهِم ، اُولئِکَ يَلعَنُهُم مَلائِکَهُ السَّماواتِ وَالأَرضِ . (2)95. سير أعلام النبلاء مجلد 4 ص19 25:عنه صلى الله عليه و آله :يَأتى فى آخِرِ الزَّمانِ اُناسٌ مِن اُمَّتى يَأتونَ المَساجِدَ يَقعُدونَ فيها حَلَقا ، ذِكرُهُمُ الدُّنيا وحُبُّ الدُّنيا ، لا تُجالِسوهُم فَلَيسَ لِلّهِ بِهِم حاجَهٌ . (3)94. ميزان الاعتدال مجلد 1 ص280:الإمام علىّ عليه السلام :لا تَكُن مِمَّن يَرجُو الآخِرَهَ بِغَيرِ العَمَلِ ، ويُرجِى (4) التَّوبَهَ بِطولِ الأَمَلِ ، يَقولُ فِى الدُّنيا بِقَولِ الزّاهِدينَ ويَعمَلُ فيها بِعَمَلِ الرّاغِبينَ . (5)93. ميزان الاعتدال مجلد 1 ص282:عنه عليه السلام فى أصنافِ المُسلِمين :ومِنهُم مَن أبعَدَهُ عَن طَلَبِ المُلکِ ضُؤولَهُ نَفسِهِ ، وَانقِطاعُ سَبَبِهِ ، فَقَصَرَتهُ الحالُ عَلى حالِهِ ، فَتَحَلّى بِاسمِ القَناعَهِ ، وتَزَيَّنَ بِلِباسِ أهلِ الزَّهادَهِ ، ولَيسَ مِن ذلِکَ فى مَراحٍ ولا مَغدىً . (6)92. كتاب المجروحين مجلد 3 ص151 152:عنه عليه السلام :إذا هَرَبَ الزّاهِدُ مِنَ النّاسِ فَاطلُبهُ ، وإذا طَلَبَ الزّاهِدُ النّاسَ

فَاهرَب مِنهُ . (7) .

1- .حليه الأولياء : ج 3 ص 119 ، الفردوس : ج 5 ص 90 ح 7557 كلاهما عن أبى هريره .
2- .الأمالى للطوسى : ص 539 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 381 ح 2661 كلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 91 ح 3 .
3- .جامع الأخبار : ص 179 ح 435 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 69 وفيه «ناس»بدل «اُناس من اُمّتى» ، بحار الأنوار : ج 83 ص 368 ح 27 .
4- .أرجَأت الأمرَ وأرجَيْته : إذا أخّرْته (النهايه : ج 2 ص 206 «رجا») .
5- .نهج البلاغه : الحكمه 150 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 109 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 199 ح 30 .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 32 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 5 ؛ مطالب السؤول : ص 32 .
7- .غرر الحكم : ح 4078 وح 4079 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 136 ح 3087 و ح 3088 .

1 / 6برحذر داشتن از زهد ریایی89. طرائف المقال مجلد 2 ص592 597:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قیامت برپا نمی شود تا آن که زهد ، قصّه سر زبان ها می شود و پارسایی ، تظاهر.88. روضه الواعظین ص289 290:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در آخر زمان ، جماعتی می آیند که در تابستان و زمستان ، پشمینه می پوشند و این را برای خود ، مایه برتری بر دیگران می دانند. فرشتگان آسمان ها و زمین ، اینان را لعنت می کنند.87. خصائص الأئمّه ص53: وبإسناد عن الأصبغ بن نباته ،پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در آخر زمان ، مردمی از امّت من می آیند که به مساجد می روند و گِرد هم می نشینند و از دنیا و دوستیِ دنیا سخن می گویند. با آنان ننشینید؛ چرا که خداوند را با این افراد ، کاری نیست.86. معجم قبائل العرب مجلد 3 ص1019: اللویسات:امام علی علیه السلام :از آنانی مباش که بدون عمل ، به آخرت امید می بندد و بر اثر داشتن آرزوی دراز ، توبه را به تأخیر می اندازد؛ از دنیا همچون زاهدان سخن می گوید، ولی در عمل ، چون دنیاخواهان رفتار می کند.85. مستدرک الحاکم مجلد2 ص365 إلی ص366:امام علی علیه السلام درباره گروه های مسلمانان :گروهی از مردم را بی لیاقتی ذاتی و نداشتن اسباب و امکانات ، از طلب حکومت ، باز داشته است. از این رو، به وضعی که دارند ، تن داده اند و خود را به نام خوش قناعت ، آراسته اند و جامه زیبای اهل زهد پوشیده اند، در حالی که لَحظه ای از شب و روز ، چنین نبوده اند.84. سیر أعلام النبلاء مجلد 4 ص28 29: وروی عن هرمامام علی علیه السلام :هرگاه زاهد از مردم گریزان شد ، در طلب او بر آی و هرگاه زاهد در طلب مردم برآمد ، از او گریزان شو.83. فی الإصابه لابن حجر 1/119 120:امام صادق علیه السلام :در حال طواف بودم که دیدم مردی لباس مرا می کشد. نگاه کردم، دیدم عبّاد بن کثیر بصری است. گفت: ای جعفر بن محمّد! در یک

چنین جایی ، آن هم با نسبتی که با علی داری، یک چنین جامه هایی می پوشی؟!

گفتم: «از جنس کتان مصری است و به یک دینار خریده ام. علی علیه السلام در زمانی زندگی می کرد که پوشیدن آن چنان جامه هایی برایش

ایرادی نداشت. اگر من در این زمان ، چنان لباس هایی بپوشم ، مردم خواهند گفت: این هم مثل عبّاد ، ریاکار است».

.

50.الإرشاد مجلد 1 ص315 316:الإمام الصادق عليه السلام :بَينا أنَا فِى الطَّوافِ وإذا بِرَجُلٍ يَجذِبُ ثَوبى ، وإذا هُوَ عَبّادُ بنُ كَثيرٍ البَصرِى ، فَقالَ : يا جَعفَرَ بنَ مُحَمَّد ، تَلبَسُ مِثلَ هذِهِ الثِّيابَ وأنتَ فى هذَا المَوضِعِ مَعَ المَكانِ الَّذى أنتَ فيهِ مِن عَلِيٍّ عليه السلام ؟!

فَقُلتُ : ثَوبٌ فُرقُبِىٌّ (1) اشتَرَيتُهُ بِدينارٍ ، وكانَ عَلِىٌّ عليه السلام فى زَمانٍ يَستَقيمُ لَهُ ما لَبِسَ فيهِ ، ولَو لَبِستُ مِثلَ ذلِكَ اللِّباسِ فى زَمانِنا لَقالَ النّاسُ : هذا مُراءٍ مِثلُ عَبّادٍ . (2) .

1- .ثَوبٌ فُرْقُبِىّ : هو ثوب مِصرىّ أبيضُ من كتّان (النهايه : ج 3 ص 440 «فرقب») .

2- .الكافى : ج 6 ص 443 ح 9 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 219 ح 645 ، رجال الكشّى : ج 2 ص 689 الرقم 736 كلّها عن عبد اللّه بن سنان ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 156 ح 554 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 79 ص 308 ح 23 .

ص: 69

..

الفصل الثانى : فضل الزهد2 / 1الحَثُّ عَلَى الزُّهدِالكتاب«لاَ تَمُدَّنَّ عَيْنَيْکَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَ جًا مِّنْهُمْ وَ لاَ تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ و اخْفِضْ جَنَاحَکَ لِلْمُؤْمِنِينَ» . (1)

الحديث57.شرح الأخبار مجلد 2 ص35:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ موسى عليه السلام [لِلخَضِرِ عليه السلام] : اُريدُ أن توصِيَنى بِوَصِيَّةٍ يَنفَعُنِى اللّهُ بِها بَعدَکَ ، فَقالَ الخَضِرُ عليه السلام : . . . يا موسَى بنَ عِمران ، اجعَلِ الزُّهدَ وَالتَّقوى لِباسَکَ . (2)58.كنز العمال مجلد 12 ص76 77:عنه صلى الله عليه و آله :يَابنَ آدَمَ ، ما تَصنَعُ الدُّنيا (3) ؟ حَلالُها حِسابٌ ، وحَرامُها عَذابٌ ! (4)59.صحيح مسلم مجلد 7 ص188 189:عنه صلى الله عليه و آله :مَن أخَذَ مِنَ الدُّنيا مِنَ الحَلالِ حاسَبَهُ اللّهُ ، ومَن أخَذَ مِنَ الدُّنيا مِنَ

الحَرامِ عَذَّبَهُ اللّهُ ، اُفٍّ لِلدُّنيا وما فيها مِنَ البَلِيّاتِ ؛ حَلالُها حِسابٌ وحَرامُها عِقابٌ . (5) .

1- .الحِجر : 88 .
2- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 79 ح 6908 ، البدايه والنهايه : ج1 ص329 كلاهماعن عمر ، كنز العمّال : ج 16 ص 145 ح 44176 .
3- .كذا فى الفردوس ، وفى كنز العمّال : «بالدنيا» .
4- .الفردوس : ج 5 ص 283 ح 8192 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : ج 3 ص 237 ح 6328 نقلاً عن الدارقطنى .
5- .الفردوس : ج 3 ص 585 ح 5830 ، كنز العمّال : ج 3 ص 236 ح 6325 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه وكلاهما عن أنس .

2 / 1 ترغیب به زهد

فصل دوم: ارزش زهد2 / 1ترغیب به زهدقرآن«و به آنچه ما دسته هایی از آنان (کافران) را بدان برخوردار ساخته ایم ، چشم مدوز و برایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان ، فرو گستر» .

حدیث66.مختصر تاریخ دمشق لابن منظور مجلد 3 جزء 5 ص92:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی علیه السلام [به خضر علیه السلام] گفت: میل دارم به من سفارشی کنی که بعد از تو ، خداوند مرا بدان سود برساند.

خضر علیه السلام گفت : «... ای موسی بن عمران! زهد و تقوا را جامه خود گردان».67.کنز العمال مجلد 12 ص74 75:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای پسر آدم! دنیا را می خواهی چه کنی؟ حلالش حساب دارد و حرامش عذاب!68.کنز العمال مجلد 14 ص10 11:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکه از حلال دنیا برگیرد ، خداوند از او حساب کشد و هرکه از

حرام دنیا برگیرد ، خداوند ، او را عذاب کند. اُف به دنیا و رنج و مصیبت های آن. حلالش حساب دارد و حرامش کیفر.

.

69.كتاب المجروحين مجلد 3 ص151 152:عنه صلى الله عليه و آله فى مَوعِظَتِهِ لِابنِ مَسعود :يَابنَ مَسعودٍ ، قَولُ اللّهِ تَعالى : «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً» (1) يَعنى أيُّكُم أزهَدُ فِى الدُّنيا ... .

يَابنَ مَسعود ، النّارُ لِمَن رَكِبَ مُحَرَّما ، وَالجَنَّةُ لِمَن تَرَكَ الحَلالَ ، فَعَلَيکَ بِالزُّهدِ ؛ فَإِنَّ ذلِکَ مِمّا يُباهِى اللّهُ بِهِ المَلائِکَه ، وبِهِ يُقبِلُ اللّهُ عَلَيکَ بِوَجهِهِ ، ويُصَلّى عَلَيکَ الجَبّارُ . (2)70.أسد الغابه مجلد 1 ص151 152:عنه صلى الله عليه و آله :خِيارُكُم أزهَدُكُم فِى الدُّنيا ، وأرغَبُكُم فِى الآخِرَهِ . (3)71.سير أعلام النبلاء مجلد 4 ص26 27:عنه صلى الله عليه و آله :هاجِروا مِنَ الدُّنيا وما فيها . (4)72.الاختصاص ص81 82:عنه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ النّاسِ مُؤمِنٌ مُزهِدٌ . (5)73.مختصر تاريخ دمشق لابن منظور مجلد 3 جزء 5 ص92:عنه صلى الله عليه و آله فى مَوعِظَتِهِ لِاءَميرِ الجَيشِ :وَلتَكُن قُرَّهُ عَينِکَ بِالزُّهدِ وصالِحِ الآثارِ . (6) .

1- .الملک : 2 .
2- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 340 343 ح 2660 عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 93 96 ح 1 ؛ الدرّ المنثور : ج 4 ص 404 نقلاً عن ابن أبى حاتم عن سفيان .
3- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 377 ح 10664 عن أبى ذرّ ، كنز العمّال : ج 3 ص 192 ح 6116 ؛ مستدرک الوسائل : ج 12 ص 51 ح 13488 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
4- .حليه الأولياء : ج 2 ص 260 عن عائشه ، كنز العمّال : ج 3 ص 198 ح 6150 .
5- .غريب الحديث للهروى : ج 1 ص 237 ، النهايه فى غريب الحديث : ج 2 ص 321 ، كنز العمّال : ج 3 ص 188 ح 6094 نقلاً عن الفردوس عن أبى هريره وراجع غريب الحديث للزمخشرى : ج 2 ص 105 .
6- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 353 عن الإمام علىّ عليه السلام .

74.مختصر تاریخ دمشق لابن منظور مجلد3 جزء 5 ص89:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به ابن مسعود :ای پسر مسعود! این سخن خدای متعال که: «تا بیازمایدتان که کدام یک از شما نیک کردارترید» ، به معنای آن است که کدام یک از شما به دنیا زاهدتر و بی رغبت ترید... .

ای پسر مسعود! آتش برای کسی است که مرتکب حرام شود و بهشت ، از آنِ کسی است که حلال را وا گذارد. پس، بر تو باد زهد؛ زیرا زهد ، از چیزهایی است که خداوند با آن بر فرشتگان مباهات می کند و با زهد است که خداوند ، به تو رو می کند و خدای جبّار بر تو درود می فرستد.75.کنز العمال مجلد 12 ص74 75:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترینِ شما کسی است که به دنیا بی رغبت تر و به آخرت ، علاقه مندتر است.76.طرائف المقال:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از دنیا و هر آنچه در دنیاست ، هجرت کنید.77.جامع الرواه مجلد 1 ص110:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترینِ ، مردمان، مؤمنِ کم دار است.78.الاختصاص ص6 7:پیامبر خدا صلی اللهَ علیه و آله در اندرز به فرمانده سپاه :نور دیده ات در زهد و کارهای شایسته ای است که [از تو] برجا می مانَد. .

79. صحیح مسلم مجلد 7 ص188 189: انظر 59 {-1-} .عنه صلی الله علیه و آله لِمُعاذ لَمّا بَعَثَهُ إلَی الیَمَن :اُدعُهُم إلَی الزُّهدِ فِی الدُّنیا وَالرَّغبَهِ فِی الآخِرَهِ ، وأن یُحاسِبوا أنفُسَهُم . (1)80. میزان الاعتدال مجلد 1 ص279: 1048 ... مبارک بنمستدرک الوسائل :قیلَ : یا رَسولَ اللّه ، أیُّ المُؤمِنینَ أفضَلُ؟ قالَ : مَن لَم یَکُن فی قَلبِهِ غِشٌّ لِمُؤمِنٍ ولا حَسَدٌ لَهُ . قیلَ : ثُمَّ مَن؟ قالَ : الزّاهِدُ فِی الدُّنیا ، الرّاغِبُ فِی الآخِرَهِ . (2)81. سیر أعلام النبلاء مجلد 4 ص25 30: عن أصبغ بن زعیسی علیه السلام لِلحَوارِیّین :اِرضَوا بِدَنِیِّ الدُّنیا مَعَ سَلامَهِ دینِکُم کَما رَضِیَ أهلُ الدُّنیا بِدَنِیِّ الدّینِ مَعَ سَلامَهِ دُنیاهُم ، وتَحَبَّبوا إلَی اللّهِ بِالبُعدِ مِنهُم ، وأرضُوا اللّهَ فی سَخَطِهِم . (3)82. سیر أعلام النبلاء مجلد 4 ص25 30:عنه علیه السلام :یا طالِبَ الدُّنیا لِتَبَرَّ ! تَرکُکَ الدُّنیا أبَرُّ . (4)عنه علیه السلام :وَیلَکُم یا عَبیدَ الدُّنیَا ، اتَّخِذوا مَساجِدَ رَبِّکُم سُجونا لِاَجسادِکُم ، وَاجعَلوا قُلوبَکُم بُیوتا لِلتَّقوی ، ولا تَجعَلوا قُلوبَکُم مَأوىً لِلشَّهَواتِ . (5)

الإمام علیّ علیه السلام :عِبادَ اللّهِ ، اُوصیکُم بِالزَّفضِ لِهذِهِ الدُّنیَا التّارِکَهِ لَکُم وإن لَم تُحِبّوا تَرکَها . (6)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 12 ص 51 ح 13488 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
2- .مستدرک الوسائل : ج 8 ص 448 ح 9960 نقلاً عن کتاب الأخلاق .
3- .عدّه الداعی : ص 111 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 322 ح 38 ؛ الدرّ المنثور : ج 2 ص 212 ، البدایه والنهایه : ج 2 ص 89 کلاهما نحوه .
4- .تنبیه الخواطر : ج 1 ص 134 ، المحجّه البیضاء : ج 5 ص 361 ؛ تاریخ دمشق : ج 47 ص 427 عن سفیان الثوری وفیه «إنّما تطلب الدنیا لتُبرّ فترکها أبرّ» .
5- .تحف العقول : ص 509 وص 393 عن الإمام الکاظم عن عیسی علیهماالسلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 312 ح 17 .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 99 ، مصباح المتهجّد : ص 381 ح 508 عن زید بن وهب نحوه ، بحار الأنوار : ج 89 ص 243 ح 68 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به معاذ ، آن گاه که او را به یمن می فرستاد :آنان را به زهد به دنیا ، رغبت به آخرت و پرداختن به محاسبه نفس ، دعوت کن.

مستدرک الوسائل:گفته شد: ای پیامبر خدا! برترینِ مؤمنان کیست؟ فرمود: «کسی که در دلش نسبت به مؤمن دیگر ، ناخَالصی و با حسادت نباشد» . گفته شد: سپس چه کسی؟ فرمود: «آن که به دنیا بی رغبت و به آخرت ، راغب باشد».

عیسی علیه السلام به حواریان :با وجود سلامت دینتان ، به ناچیزِ دنیا رضایت دهید، چنان که دنیاپرستان با وجود سلامت دنیاشان ، به اندک دینداری رضایت می دهند و با دوری گزیدن از دنیاپرستان ، محبوب خداوند شوید و با ناخشنود کردن آنان ، خدا را خشنود گردانید.

عیسی علیه السلام :ای که دنیا را می طلبی تا نیکی کنی! ترک دنیا کردن، خود، نیک تر است.

عیسی علیه السلام :وای بر شما ، ای بندگان دنیا! پرستشگاه های پروردگارتان را زندان تن خویش گردانید و دل هایتان را خانه تقوا کنید و دل هایتان را مأوای هوس ها قرار ندهید.

امام علی علیه السلام :ای بندگان خدا! شما را به ترک این دنیایی سفارش می کنم که علی رغم میلتان ، شما را ترک می گوید.

.

عنه عليه السلام :قَطِّعوا عَلائِقَ الدُّنيا ، وَاستَظهِروا بِزادِ التَّقوى . (1)

عنه عليه السلام :رَحِمَ اللّهُ امرَأً غالَبَ الهَوى ، وأفلَتَ مِن حَبائِلِ الدُّنيا . (2)

عنه عليه السلام :رَحِمَ اللّهُ امرَأً . . . راقَبَ رَبَّهُ ، وتَنَكَّبَ (3) ذَنبَهُ ، وكابَرَ هَواهُ ، وكَذَّبَ مُناهُ . . . عَزوفا (4) عَنِ الدُّنيا سَأما ، كَدوحا (5) لِآخِرَتِهِ مُتَحافِظا . (6)

عنه عليه السلام :أفضَلُ الجِهادِ جِهادُ النَّفسِ عَنِ الهَوى ، وفِطامُها عَن لَذّاتِ الدُّنيا . (7)

عنه عليه السلام :خَيرُ النّاسِ مَن زَهَدَت نَفسُهُ ، وقَلَّت رَغبَتُهُ . (8)

عنه عليه السلام :أفضَلُ النّاسِ مَن تَنَزَّهَت نَفسُه ، وزَهَدَ عَن غُنيَةٍ (9) . (10)

عنه عليه السلام :حُسنُ الزُّهدِ مِن أفضَلِ الإيمانِ . (11)

عنه عليه السلام :لا يَزكو (12) عِندَ اللّهِ سُبحانَهُ إلاّ عَقلٌ عارِفٌ ، ونَفسٌ عَزوفٌ . (13)

عنه عليه السلام :تَعَزَّ عَنِ الشَّىءِ إذا مُنِعتَهُ بِقِلَّهِ ما يَصحَبُکَ إذا اُوتيتَهُ . (14)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 204 ، غرر الحكم : ح 2823 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 130 ح 2946 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 134 ح 138 .
2- .غرر الحكم : ح 5212 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 261 ح 4767 .
3- .تَنَكَّب ذنبَه : أى تجنّبه (مرآه العقول : ج 26 ص 50) .
4- .عَزَفَت نَفسى عن الشىء تَعزِفُ عُزوفا: أى زَهِدت فيه وانصرفت عنه (الصحاح: ج 4 ص 1403 «عزف») .
5- .الكَدْحُ : السعى والحرص والعمل (النهايه : ج 4 ص 155 «كدح») .

6- .الكافى : ج 8 ص 172 ح 193 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : ص 208 نحوه .
7- .غرر الحكم : ح 3232 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 122 ح 2783 .
8- .غرر الحكم : ح 5031 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 239 ح 4543 .
9- .يُقال : غَنِيتُ بكذا عن غيره : إذا استَغنَيت به ، والاسم الغُنيَه ، فأنا غنىّ (المصباح المنير : ص 455 «غنى») .
10- .غرر الحكم : ح 3103 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 121 ح 2750 نحوه .
11- .غرر الحكم : ح 4839 .
12- .الزَّكاء : النَّماء والزياده (المصباح المنير : ص 254 «زكا») .
13- .غرر الحكم : ح 10882 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 544 ح 10101 .
14- .غرر الحكم : ح 4555 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 200 ح 4043 .

امام علی علیه السلام :دل بستگی های خود به دنیا را قطع کنید و از توشه تقوا ، کمک بگیرید.

امام علی علیه السلام :رحمت خدا بر آن کس که بر هوس ، چیره آمد و از دام های دنیا گریخت!

امام علی علیه السلام :رحمت خدا بر آن کس که... پروردگارش را پیوسته در نظر گرفت و از گناه ، دوری کرد و با هوس خویش ، در افتاد و آرزو را دروغ شمرد... از دنیا روی گردان و بیزار شد و برای آخرتش کوشید و طریق احتیاط و هشیاری را پیمود.

امام علی علیه السلام :برترین جهاد، جهاد با هوای نفس و بازداشتن آن از لذّت های دنیاست.

امام علی علیه السلام :بهترینِ مردم ، کسی است که نَفْسش زاهد (قانع) و خواستش اندک باشد.

امام علی علیه السلام :برترینِ مردم ، کسی است که جانش وارسته باشد و با وجود توانگری در دنیا ، زهد بورزد. (1)

امام علی علیه السلام :خوشْ زهدی، برترین درجه ایمان است.

امام علی علیه السلام :نزد خداوند پاک ، بالندگی نمی گیرد ، مگر خِردِ شناسا و نفسِ روی گردان [از دنیا].

امام علی علیه السلام :هرگاه چیزی [از دنیا] به تو داده نشد ، خویشتن را به این دلداری ده که اگر به تو داده شود ، مدّتی اندک با تو می مانَد.

.

1- .آقا جمال خوانساری ، مترجم و شارح غرر الحکم ، برای این عبارت ، چند وجه ذکر کرده است: 1 . به فقر بسازد و خواهش توانگری نداشته باشد. 2 . در دنیا از روی توانگری بی رغبت باشد؛ یعنی قناعت کند و خود را به آن ، توانگر گرداند و به سبب آن ، در دنیا بی رغبت شود . 3 . خود را

از آن ، با وجود قدرت بر سعی در آن ، بی نیاز داند ، نه این که در آن از راه عجز از سعی در آن بی رغبت باشد.

عنه عليه السلام :إنَّکَ لَم تُخلَق لِلدُّنيا ؛ فَازهَد فيها وأعرِض عَنها . (1)

عنه عليه السلام :اِزهَد فِی الدُّنيا وَاعزِف عَنها . (2)

عنه عليه السلام :لِيَکُن زُهدُکَ فيما يَنفَدُ ويَزولُ ، فَإِنَّهُ لا يَبقى لَکَ ولا تَبقى لَهُ . (3)

عنه عليه السلام :يا أيُّهَا النّاسُ ، ازهَدوا فِی الدُّنيا ؛ فَإِنَّ عَيشَها قَصيرٌ ، وخَيرَها يَسيرٌ . (4)

عنه عليه السلام :إن کُنتُم فِی البَقاءِ راغِبينَ ، فَازهَدوا فی عالَمِ الفَناءِ . (5)

عنه عليه السلام فی وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام :اُوصيکَ يا بُنَيَّ بِالصَّلاهِ عِندَ وَقتِها . . . وَالزُّهدِ فِی الدُّنيا ، فَإِنَّکَ رَهنُ مَوتٍ ، وغَرَضُ (6) بَلاءٍ ، وطَريحُ سُقمٍ . (7)

الإمام الحسن عليه السلام :إنَّ الدُّنيا دارُ بَلاءٍ وفِتنَهٍ ، وکُلُّ ما فيها إلى زَوالٍ ، وقَد نَبَّأَنَا اللّهُ عَنها کَيما نَعتَبِرَ ، فَقَدَّم إلَينا بِالوَعيدِ کَی لا يَکونَ لَنا حُجَّهٌ بَعدَ الإِنذارِ ، فَازهَدوا فيما يَفنى ، وَارغَبوا فيما يَبقى . (8)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِمّا کانَ يَعِظُ بِهِ النّاسَ فی مَسجِدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله :اِزهَدوا فيما زَهَّدَکُمُ اللّهُ فيهِ مِن عاجِلِ الحَياهِ الدُّنيا . (9)

.

1- .عيون الحكم والمواعظ : ص 171 ح 3570 ، غرر الحكم : ح 3811 .
2- .غرر الحكم : ح 2398 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 85 ح 2049 .
3- .غرر الحكم : ح 7380 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 405 ح 6858 .
4- .غرر الحكم : ح 11001 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 556 ح 10243 .
5- .غرر الحكم : ح 3744 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 163 ح 3473 .
6- .الغَرَضُ : الهَدَف الذی يُرمى فيه (الصحاح : ج 3 ص 1093 «غرض») .

7- .الأمالى للمفيد : ص 221 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 7 ح 8 نحوه وكلاهما عن الفجيع العقيلى عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 6 ص 132 ح 29 .
8- .التوحيد : ص 378 ح 24 عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه وغيره وراجع المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 31 .
9- .الكافى : ج 8 ص 75 ح 29 ، الأمالى للصدوق : ص 596 ح 822 كلاهما عن سعيد بن المسيّب ، تحف العقول : ص 252 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 145 ح 6 .

امام علی علیه السلام :تو هرگز برای دنیا آفریده نشده ای. پس دل از دنیا برکَن و از آن ، روی بگردان.

امام علی علیه السلام :دل از دنیا برکَن و بدان ، پشت کن.

امام علی علیه السلام :به آنچه که تمام شدنی و زوال پذیر است ، زهد بورز؛ چرا که نه آن برای تو می ماند و نه تو برایش می مانی.

امام علی علیه السلام :ای مردم! به دنیا زهد ورزید؛ زیرا که زندگی آن ، کوتاه و خیرش اندک است.

امام علی علیه السلام :اگر خواهان جهان باقی هستید ، پس به جهان فانی زهد بورزید.

امام علی علیه السلام در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام :فرزندم! تو را به خواندن نماز در وقتش... و زهد (بی اعتنایی) به دنیا سفارش می کنم؛ چرا که تو گروگان مرگ ، آماج رنج (بلا)، و دست خوش بیماری هستی .

امام حسن علیه السلام :دنیا ، سرای رنج و گرفتاری است و هر آنچه در آن است ، رو به نیستی است. خداوند ، ما را از [احوال] دنیا آگاه ساخته است تا درس عبرت بیاموزیم . ما را پیشاپیش بیم داده است تا بعد از هشدار، دیگر عذر و بهانه ای نداشته باشیم. پس به آنچه فنا می پذیرد (یعنی دنیا) زهد بورزید و آنچه را ماندگار است ، بخواهید.

امام زین العابدین علیه السلام از اندرزهای ایشان به مردم در مسجد پیامبر خدا :از این زندگی کنونی دنیا که خداوند شما را به زهد در آن ترغیب کرده است، دل بر کَنید.

.

عنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا قَدِ ارتَحَلَت مُدبِرَةً ، وإنَّ الآخِرَةَ قَدِ ارتَحَلَت مُقبِلَةً ، ولِكُلِّ واحِدَةٍ مِنها بَنونَ ، فَكونوا مِن أبناءِ الآخِرَةِ ولا تَكونوا مِن أبناءِ الدُّنيا ، ألا وكونوا مِنَ الزّاهِدينَ فِى الدُّنيَا الرّاغِبينَ فِى الآخِرَةِ . (1)

الكافى عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللّهُ بِهِ عيسى عليه السلام : . . . يا عيسَى ، ازهَد فِى الفانِى المُنقَطِعِ . (2)

الاختصاص عن صَفوان الجَمّال :قالَ لِىَ [الصّادِقُ عليه السلام] : يا صَفوان ، هَل تَدرى كَم بَعَثَ اللّهُ مِن نَبِىٍّ؟قُلتُ : ما أدرى ، قالَ : بَعَثَ اللّهُ مِئَةَ ألفِ نَبِىٍّ وأربَعَةَ وأربَعينَ ألفَ نَبِىٍّ ، ومِثلَهُم أوصِياءَ ، بِصِدقِ الحَديثِ وأداءِ الأَمانَهِ وَالزُّهدِ فِى الدُّنيا . (3)

2 / 2قِيمَهُ الزُّهدِأ أجَلُّ ما يُعهَدُالإمام علىّ عليه السلام :الزُّهدُ أقَلُّ ما يوجَدُ وأجَلُّ ما يُعهَدُ ، ويَمدَحُهُ الكُلُّ ويَترُكُهُ الجُلُّ (4) . (5)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 131 ح 15 عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : ص 281 ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص 370 عن العالم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 43 ح 18 ؛ صحيح البخارى : ج 5 ص 2359 ، كنز العمّال : ج 3 ص 719 ح 8565 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه وراجع الخصال : ص 51 ح 62 والأمالى للمفيد : ص 93 ح 1 .
2- .الكافى : ج 8 ص 131 ص 134 ح 103 ، الأمالى للصدوق : ص 609 ح 841 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 292 ح 14 .
3- .الاختصاص : ص 263 ، بحار الأنوار : ج 11 ص 59 ح 67 .
4- .جُلُّ الشىء : مُعظَمهُ (الصحاح : ج 4 ص 1658 «جلل») .
5- .غرر الحكم : ح 2021 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 62 ح 1603 .

ص: 81

2 / 2 ارزش زهد

الف ارزشمندترین سفارش

امام زین العابدین علیه السلام :دنیا کوچ کرده است و می رود و آخرت ، کوچ کنان می آید، و برای هریک از آن دو ، فرزندانی است. پس، از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید. هان! از دنیا گریزانِ آخرت خواه باشید.

الکافی به نقل از علی بن اسباط ، از امامان علیهم السلام : از اندرزهای خداوند به عیسی علیه السلام : ... ای عیسی! دل از این دنیای فانی و تمام شدنی بر کَن.

الاختصاص به نقل از صفوان جمّال :[امام صادق علیه السلام] به من فرمود: «ای صفوان! آیا می دانی خداوند چند پیامبر مبعوث کرده است؟» . گفتم: نمی دانم. فرمود: «خداوند ، 144 هزار پیامبر، و به همین اندازه ، وصی برای [دعوت به [راستگویی و امانتداری و زهد به دنیا برانگیخت».

2 / 2ارزش زهدالف ارزشمندترین سفارشامام علی علیه السلام :زهد ، کمترین چیزی است که یافت می شود و ارزشمندترین چیزی است که سفارش می شود. همگان ، آن را می ستایند امّا بیشتر مردم به آن عمل نمی کنند.

.

ب أصلُ الدّينِ وعَونُهُالإمام علىّ عليه السلام :الزُّهدُ أصلُ الدّينِ . (1)

عنه عليه السلام :سِتٌّ مِن قَواعِدِ الدّينِ . . . وَالزُّهدُ فِى الدُّنيا . (2)

عنه عليه السلام :الزُّهدُ أساسُ اليَقينِ . (3)

عنه عليه السلام :عَلَيکَ بِالزُّهدِ فَإِنَّهُ عَونُ الدّينِ . (4)

ج أشَدُّ مِنَ الجِهادِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَركُ الدُّنيا أمَرُّ مِنَ الصَّبرِ ، وأشَدُّ مِن حَطمِ السُّيوفِ فى سَبيلِ اللّهِ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :الفِطامُ عَنِ الحُطامِ (6) شَديدٌ . (7)

د أفضَلُ عِبادَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما يُعبَدُ اللّهُ بِشَىءٍ مِثلِ الزُّهدِ فِى الدُّنيا . (8)

الإمام علىّ عليه السلام :أفضَلُ العِبادَهِ الزَّهادَهُ . (9)

.

1- .غرر الحكم : ح 487 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 35 ح 691 .
2- .غرر الحكم : ح 5638 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 287 ح 5183 .
3- .غرر الحكم : ح 516 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 25 ح 279 .
4- .غرر الحكم : ح 6098 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 335 ح 5742 .
5- .الفردوس : ج 2 ص 70 ح 2395 عن ابن مسعود ، كنز العمّال : ج 3 ص 192 ح 6113 .
6- .حُطَامُ الدنيا : كلّ ما فيها من مال يفنى ولا يبقى (لسان العرب : ج 12 ص 138 «حطم») .
7- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 293 ح 351 .
8- .عدّه الداعى : ص 111 ، التحصين لابن فهد : ص 27 ح 44 وفيه «تُعبِّد» بدل «يُعبَد» ، إرشاد القلوب : ص 158 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 322 ح 38 .
9- .غرر الحكم : ح 2872 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 113 ح 2467 .

ب ریشه دین و کمک آن :

ج سخت تر از جهاد

د برترین عبادت

ب ریشه دین و کمک آنامام علی علیه السلام :زهد، ریشه دین است.

امام علی علیه السلام :شش چیز از پایه های دین است : ... و زهدِ به دنیا.

امام علی علیه السلام :زهد، پایه یقین است.

امام علی علیه السلام :بر تو باد زهد؛ زیرا که آن ، کمک دین است.

ج سخت تر از جهادپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ترک دنیا کردن ، از صبر زرد ، تلخ تر و از در هم شکستن شمشیرها در راه خدا سخت تر است.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :خودداری از حُطام دنیا ، سخت است.

د برترین عبادتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به چیزی چون زهدِ به دنیا عبادت نشود.

امام علی علیه السلام :برترین عبادت، زهد است.

.

عنه علیه السلام :أفضَلُ الطّاعاتِ الزُّهدُ فِی الدُّنیا . (1)

ه أحسَنُ زِینَهِرسول اللّه صلی الله علیه و آله فی قَولِهِ تَعالی : «وَ ءَاتَیْنَهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا» (2) : یَعنِی الزُّهدَ فِی الدُّنیا . وقالَ تَعالی لِموسی علیه السلام : یا موسی ، إنَّهُ لَن یَتَزَیَّنَ المُتَزَیِّنُونَ بِزینَهٍ أزیَنَ فی عَینی مِنَ الزُّهدِ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :ما زانَ اللّهُ العِبادَ بِزینَهٍ أفضَلَ مِن زَهادَهِ الدُّنیا ، وعَفافٍ فی بَطنِهِ وفَرجِهِ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :ما تَزَیَّنَ الأَبرارُ فِی الدُّنیا بِمِثلِ الزُّهدِ فِی الدُّنیا . (5)

الإمام الباقر علیه السلام :کانَ فیما ناجَی اللّهُ بِهِ موسی علیه السلام : . . . ما تَزَیَّنَ لِیَ المُتَزَیِّنُونَ بِمِثلِ الزُّهدِ فِی الدُّنیا عَمّا بِهِمُ الغِنی مِنهُ . (6)

الزهد عن وَهب بنِ مُنَبِّه فی حَدیثِ موسی علیه السلام :فَقالَ لَهُ اللّهُ : . . . اِعلَم أنَّهُ لَم یَتَزَیَّن لِیَ العِبادُ بِزینَهٍ هِیَ أبلَغُ مِنَ الزُّهدِ فِی الدُّنیا ، فَإِنَّها زینَهُ المُتَّقینَ . (7)

راجع : ص230 ح 1183 ،

موسوعه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام : القسم العاشر / الفصل الثانی / زینه الزهد .

.

1- .غرر الحکم : ح 2998 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 118 ح 2660 .
2- .مریم : 12 .
3- .مکارم الأخلاق : ج2 ص340 ح2660 عن عبداللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج77 ص94 ح1 .
4- .حلیه الأولیاء : ج 8 ص 177 عن عبداللّه بن عمر ، کنز العمّال : ج 3 ص 196 ح 6140 .
5- .مسند أبی یعلی : ج 2 ص 265 ح 1614 ، الفردوس : ج 4 ص 105 ح 6332 کلاهما عن عمّار .

6- .ثواب الأعمال : ص206 عن الوصّافى ، بحار الأنوار : ج13 ص349 ح37 وج70 ص313 ح7 وراجع المعجم الكبير : ج12 ص94 ح12650 والمعجم الأوسط : ج4 ص188 ح3937 وشُعب الإيمان : ج7 ص345 ح10527 وكنز العمّال : ج3 ص723 ح8578 .
7- .الزهد لابن حنبل : ص 83 ، عيون الأخبار لابن قتيبه : ج 2 ص 266 نحوه وراجع كنز العمّال : ج 11 ص 626 ح 33053 وبحار الأنوار : ج 40 ص 78 ح 113 .

ه زیباترین زیور

امام علی علیه السلام :برترینِ طاعت ها زهد به دنیاست.

ه زیباترین زیورپیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره این سخن خداوند متعال که: «و در کودکی به او دانایی دادیم» : یعنی زهد به دنیا. خدای متعال به موسی علیه السلام فرمود: «ای موسی! خودآرایان ، هرگز نمی توانند خویشتن را به زیوری که در چشم من زیباتر از زهد باشد، بیارایند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، بندگان را به زیوری برتر از زهدِ به دنیا و عفّت شکم و شهوت نیاراست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیکان ، در دنیا خود را به چیزی چون زهدِ به دنیا نیاراستند.

امام باقر علیه السلام :از جمله مناجات های خدا با موسی علیه السلام این بود که : «... خودآرایان ، خویشتن را به چیزی مانند زهد به دنیا و چشم پوشیدن از آنچه بدان نیازی ندارند ، نیاراستند».

الزهد به نقل از وهب بن منبّه ، در حدیث موسی علیه السلام :خداوند به او فرمود : ... بدان که بندگان ، خود را برای من به زیوری رساناتر از زهد به دنیا نیاراستند؛ چرا که این زیور، زیورِ تقواپیشگان است.

ر . ک : ص231 ح1183 ،

دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام : بخش دهم / فصل دوّم / زیور زهد.

.

و زَينُ الحِكمَهِالإمام علىّ عليه السلام :زَينُ الحِكمَهِ الزُّهدُ فِى الدُّنيا . (1)

ز رَأسُ السَّخاءِالإمام علىّ عليه السلام :رَأسُ السَّخاءِ الزُّهدُ فِى الدُّنيا . (2)

ح مَتجَرٌ رابِحٌالإمام علىّ عليه السلام :الزُّهدُ مَتجَرٌ رابِحٌ . (3)

عنه عليه السلام :الزُّهدُ ثَروَهٌ . (4)

الإمام الحسن عليه السلام :الزَّهادَهُ فِى الدُّنيا هِىَ الغَنيمَهُ البارِدَهُ . (5)

ط مِفتاحُ الخَيرِالإمام علىّ عليه السلام :الزُّهدُ مِفتاحُ صَلاحٍ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :جُعِلَ الخَيرُ كُلُّهُ فى بَيتٍ وجُعِلَ مِفتاحُهُ الزُّهدَ فِى الدُّنيا . (7)

.

1- .غرر الحكم : ح 5470 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 276 ح 5022 .
2- .غرر الحكم : ح 5251 .
3- .غرر الحكم : ح 550 وح 870 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 23 ح 199 .
4- .غرر الحكم : ح 141 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 38 ح 802 .
5- .المعجم الكبير : ج 3 ص 69 ح 2688 ، تاريخ دمشق : ج 13 ص 256 كلاهما عن الحارث الأعور ، كنز العمّال : ج 16 ص 215 ح 44237 ؛ العدد القويّه : ص 53 ح 64 .
6- .غرر الحكم : ح 749 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 30 ح 490 .
7- .الكافى : ج 2 ص 128 ح 2 عن حفص بن غياث ، مشكاه الأنوار : ص 462 ح 1540 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 49 ح 20 .

و جمال و زیبایی حکمت

ز اوج سخاوت

ح سودایی سودآور

ط کلید خوبی ها

و جمال و زیبایی حکمتامام علی علیه السلام :زیبایی حکمت ، در زهد به دنیاست.

ز اوج سخاوتامام علی علیه السلام :گذشتن از دنیا، اوج سخاوت است.

ح سودایی سودآورامام علی علیه السلام :زهد، سودایی سودآور است.

امام علی علیه السلام :زهد، یک ثروت است.

امام حسن علیه السلام :زهد به دنیا، غنیمتی باد آورده است. (1)

ط کلید خوبی هاامام علی علیه السلام :زهد، کلید خوبی و پاکی است.

امام صادق علیه السلام :همه خوبی ها در یک اتاق نهاده شده و کلید آن ، زهد به دنیا قرار داده شده است.

.

1- .غنیمه البارده: غنیمتی است که بدون جنگ به دست آید [فطر المحیط] أقرب الموارد.

الكافى عن عبد اللّه بن القاسِم عن الإمام الصادق عليه السلام :إذا أرادَ اللّهُ بِعَبدٍ خَيرا زَهَّدَهُ فِى الدُّنيا ، وفَقَّهَهُ فِى الدّينِ ، وبَصَّرَهُ عُيوبَها ، ومَن اُوتِيَهُنَّ فَقَد اُوتِىَ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . وقالَ : لَم يَطلُب أحَدٌ الحَقَّ بِبابٍ أفضَلَ مِنَ الزُّهدِ فِى الدُّنيا ، وهُوَ ضِدٌّ لِما طَلَبَ أعداءُ الحَقِّ . قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ مِمّاذا؟ قالَ : مِنَ الرَّغبَهِ فيها . وقالَ : ألا مِن صَبّارٍ کَريمٍ (1) ، فَإِنَّما هِىَ أيّامٌ قَلائِلُ ؟! (2)

مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام :الزُّهدُ مِفتاحُ بابِ الآخِرَهِ وَالبَراءَهُ مِنَ النّارِ . (3)

ى شيمَهُ المُتَّقينَالإمام علىّ عليه السلام :الزُّهدُ شيمَهُ المُتَّقينَ ، وسَجِيَّهُ الأوّابينَ (4) . (5)

عنه عليه السلام :المُؤمِنُ دَأبُهُ زَهادَتُهُ . (6)

.

1- .قوله : «ممّاذا» أى لأىِّ علّه صار ضدّ الحقِّ مطلوبهم . . . وقيل : أى ممّاذا طلب أعداء الحقّ مطلوبهم . والهمزه فى «ألا» للاستفهام و «لا» للنفى ، و«من» زائده لعموم النفى ، والمعنى : ألا يوجد صبّار كريم النفس يصبر عن الدنيا وعلى فقرها وشدّتها ويزهد فيها؟! (مرآه العقول : ج 8 ص 276) .
2- .الكافى : ج 2 ص 130 ح 10 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 192 ، مشكاه الأنوار : ص 206 ح 556 و 557 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 55 ح 28 .
3- .مصباح الشريعه : ص 191 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 315 ح 20 .
4- .الأوَّابون : جمع أوّاب ؛ وهو الكثير الرجوع إلى اللّه تعالى بالتوبه ، وقيل : هو المطيع (النهايه : ج 1 ص 79 «أوب») .
5- .غرر الحكم : ح 1713 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1343 .
6- .غرر الحكم : ح 2103 .

ی خوی پرهیزگاران

الکافی به نقل از عبد اللّه بن قاسم امام صادق علیه السلام فرمود :«هرگاه خداوند برای بنده ای خیری بخواهد ، او را به دنیا بی رغبت می گرداند، در دین آگاه و دانایش می کند و به عیب های دنیا بینایش می سازد. به هرکس این چیزها داده شود ، خیر دنیا و آخرت داده شده است». و فرمود: «هیچ کس ، حق را از راهی بهتر از زهد به دنیا نجُسته است و آن [زهد [ضدّ مطلوب دشمنان حقّ است». گفتم: فدایت شوم! مطلوبشان چیست؟ فرمود: «دنیاخواهی». (1) و فرمود: «آیا شکیبای بزرگ منشی نیست؟! زیرا دنیا چند روزی اندک بیش نیست».

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده :زهد ، کلید دَرِ آخرت (بهشت) ، و رهایی از آتش است. ی خوی پرهیزگاران

امام علی علیه السلام :زهد، خوی پرهیزگاران و خصلت توبه کاران است.

امام علی علیه السلام :مؤمن، پیشه اش زهد است.

.

1- .یا: «و آن [حقّ] ضدّ مطلوب دشمنان حقّ است». گفتم:... از چه رو با حق دشمنی می کنند؟ فرمود: «به خاطر دنیاخواهی».

ک سَجِيَّةُ المُخلَصينَالإمام علىّ عليه السلام :الزُّهدُ سَجِيَّةُ المُخلَصينَ . (1)

2 / 3قيمَةُ الزّاهِدِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أعظَمُ النّاسِ فِى الدُّنيا خَطَرا (2) مَن لَم يَجعَل لِلدُّنيا عِندَهُ خَطَرا . (3)

نوادر الأُصول عن أنس :بَينَما نَحنُ جُلوسٌ عِندَ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله فَقالَ : يَطَّلِعُ عَلَيكُمُ الآنَ رَجُلٌ مِن أهلِ الجَنَّهِ . فَاطَّلَعَ رَجُلٌ مِنَ الأَنصار تَنطِفُ (4) لِحيَتُهُ مِن ماءِ وُضوئِهِ ، مُعَلِّقٌ نَعلَهُ فى يَدِهِ الشِّمالِ . فَلَمّا كانَ مِنَ الغَدِ قالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : يَطلُعُ عَلَيكُمُ الآنَ رَجُلٌ مِن أَهلِ الجَنَّهِ . فَأَطلَعَ ذلِکَ الرَّجُلُ عَلى مِثلِ مَرتَبَتِهِ الأُولى . فَلَمّا كانَ مِنَ الغَدِ قالَ صلى الله عليه و آله مِثلَ ذلِکَ ، فَأَطلَعَ الرَّجُلُ ، فَلَمّا قامَ اتَّبَعَهُ عَبدُ اللّهِ بنُ عَمرِو بنِ العاص ، فَقالَ : إنّى لاحَيتُ (5) أبى فَأَقسَمتُ ألاّ أدخُلَ عَلَيهِ ثَلاثا ، فَإِن رَأَيتَ أن تُؤوِيَنى إلَيکَ حَتّى يَحِلَّ يَمينى فَعَلتَ ، قالَ : نَعَم . فَإِذا لَهُ خَيمَهٌ ، ونَخلٌ ، وشاهٌ ، فَلَمّا أمسى خَرَجَ مِن خَيمَتِهِ ، فَاحتَلَبَ العَنزَ ، وَاجتَنى لى رُطَبَهً ، ثُمَّ وَضَعَهُ فَأَكَلتُ ، فَباتَ نائِما وبِتُّ قائِما ، وأصبَحَ مُفطِرا وأصبَحتُ صائِما ، فَفَعَلَ ذلِکَ ثَلاثَ لَيالٍ ، غَيرَ أَنَّهُ كانَ إذَا انقَلَبَ عَلى فِراشِهِ ذَكَرَ اللّهَ تَعالى وكَبَّرَ حَتّى يَقومَ لِصَلاهِ الفَجرِ ، فَيُسبِغَ الوُضوءَ ، غَيرَ أنّى لا أسمَعُهُ يَقولُ إلاّ خَيرا . فَلَمّا مَضَتِ اللَّيالى ، وكِدتُ أحتَقِرُ عَمَلَهُ ، قُلتُ : يا عَبدَ اللّه ، إنَّهُ لَم يَكُن بَينى وبَينَ والِدى غَضَبٌ ولا هِجرَهٌ ، ولكِنّى سَمِعتُ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله يَقولُ لَکَ ثَلاثَ مَرّاتٍ فى ثَلاثِ مَجالِسَ : «يَطلُعُ عَلَيكُمُ الآنَ رَجُلٌ مِن أهلِ الجَنَّهِ» فَطَلَعتَ أنتَ تِلکَ المَرّاتِ الثَّلاثَ ، فَأَردتُ أن آوِىَ إلَيکَ فَأنظُرَ ما عَمَلُکَ ، فَأخبِرنى ما عَمَلُکَ ؟! قالَ : فَائتِ الَّذى أخبَرَکَ حَتّى يُخبِرَکَ بِعَمَلى . فَأَتَيتُ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله فَقالَ : ايتِهِ فَمُرهُ فَليُخبِرکَ . فَقُلتُ : إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَأمُرُکَ أن تُخبِرَنى . قالَ : أمّا الآنَ فَنَعَم ، لَو كانَتِ الدُّنيا لى فَأُخِذَت مِنّى لَم أحزَن عَلَيها ، ولَو أُعطيتُها لَم أفرَح بِها ، وأبيتُ ولَيسَ عَلى أحَدٍ فى قَلبى غِلٌّ ، ولا أحسُدُهُ عَلى خَيرٍ أعطاهُ اللّهُ إيّاهُ . قالَ عَبدُ اللّهِ : لكِنّى وَاللّهِ أقومُ اللَّيلَ ، وأصومُ النَّهارَ ، ولَو وُهِبَت لى شاهٌ لَفَرِحتُ بِها ، ولَو ذَهَبَت لَحَزِنتُ عَلَيها ، وَاللّهِ لَقَد فَضَّلَکَ اللّهُ عَلَينا فَضلاً بَيِّنا . (6)

.

1- .غرر الحكم : ح 662 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 24 ح 244 .

2- .الخَطَر : ارتفاع القدر والمال والشرف والمنزله (لسان العرب : ج 4 ص 251 «خطر») .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 395 ح 5840 ، الأمالى للصدوق : ص 73 ح 41 كلاهما عن يونس بن ظبيان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، معانى الأخبار : ص 195 ح 1 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنز الفوائد : ج 1 ص 300 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، أعلام الدين : ص 322 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 88 ح 55 .
4- .النَّطْفُ : القَطْرُ . ونَطَفَ الماءُ ونَطَف الحبّ والكوز وغيرهما يَنطِف ويَنطُف : قَطَرَ (لسان العرب : ج 9 ص 336 «نطف») .
5- .لاحَيتُ الرجُلَ : إذا نازعتَه (الصحاح : ج 6 ص 2481 «لحى») .
6- .نوادر الأُصول : ج 1 ص 385 ، الدرّ المنثور : ج 8 ص 114 ، وأيضا بسند آخر عن عبد العزيز بن أبى رواد نحوه .

ک خصلت بندگانِ ناب الهیامام علی علیه السلام :زهد، خصلت بندگان ناب است.

2 / 3ارزش زاهدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پُر ارج ترین مردم در دنیا ، کسی است که به دنیا ارج ننهد.

نوادر الاصول :به نقل از اَنَس: نزد پیامبر خدا نشسته بودیم که ناگاه فرمود: «هم اینک ، مردی از اهل بهشت بر شما در می آید. در این هنگام ، مردی از انصار که آب وضو از ریشش می چکید و کفش خود را در دست چپش گرفته بود وارد شد. فردای آن روز، باز پیامبر خدا فرمود: «هم اینک ، مردی از اهل بهشت بر شما در می آید» و باز ، همان مرد با همان وضع ، وارد شد. فردای آن روز نیز پیامبر صلی الله علیه و آله همان سخن را فرمود و باز ، همان مرد ، وارد شد. چون برخاست و رفت، عبد اللّه بن عمرو بن عاص ، در پیِ او روان شد و [به وی [گفت: من با پدرم مشاجره کرده ام و سوگند خورده ام که تا سه روز ، نزد او نروم. بنا بر این، اگر صلاح می دانی ، مرا نزد خود ، جای ده تا به سوگندم عمل کنم . مرد گفت: باشد. با او رفتم . دیدم خیمه ای و نخلی و گوسفندی دارد. شب که شد ، از خیمه اش خارج شد و بز خود را دوشید و خرمایی چید و آنها را نزد من نهاد و من خوردم و او خودش بی شام خفت و من شب را به نماز و عبادت گذراندم. صبح که شد ، او صبحانه خورد و من ، روزه داشتم . سه شب به همین منوال گذشت و هرگاه در رخت خوابش از این پهلو به آن پهلو می شد ، ذکر خدای متعال می گفت و تکبیر می گفت و صبح برای نماز ، بیدار می شد و وضوی کامل می گرفت و من ، جز سخن خیر از او نمی شنیدم. چون چند شب گذشت و کار او در نظر من تقریباً ناچیز آمد، گفتم: ای بنده خدا! میان من و پدرم ، نه مشاجره ای بوده و نه قهری؛ بلکه از پیامبر خدا ، سه بار در سه مجلس شنیدم که فرمود: «هم اینک ، مردی از اهل بهشت بر شما در می آید» و هر سه بار ، تو وارد شدی . از این رو ، خواستم [مرا به خانه ات ببری] تا عمل تو را ببینم. پس، به من بگو که تو چه عملی انجام می دهی [که اهل بهشت شده ای]؟ مرد گفت: به نزد همان کسی

که به تو خبر داده ، برو تا از عمل من به تو خبر دهد. من نزد پیامبر خدا رفتم. ایشان فرمود: «نزد خود او برو و بگو باید حقیقت را به تو بگوید». من نزد آن مرد رفتم و گفتم: پیامبر خدا به تو امر می کند که مرا خبر دهی. مرد گفت: حال که چنین است ، می گویم. اگر دنیا از من باشد و از من گرفته شود ، ناراحت نمی شوم و اگر دنیا به من داده شود ، از آن شادمان نمی شوم. شب را در حالی می خوابم که از هیچ کس ، کینه ای به دل ندارم، و بر نعمتی که خداوند به او داده است ، حسادت نمی کنم. عبد اللّه گفت: امّا من، به خدا سوگند که شب ها را به عبادت می گذرانم، و روزها را روزه می گیرم ؛ لیکن اگر گوسفندی به من ببخشند ، خوش حال می شوم و اگر از دستم برود ، ناراحت می شوم. به خدا سوگند که خداوند ، تو را بر ما برتری آشکاری داده است.

.

ص: 92

. .

ص: 93

. .

الإمام علىّ علیه السلام :كانَ لی فیما مَضی أخٌ فِی اللّهِ ، وكانَ یُعَظِّمُهُ فی عَینی صِغَرُ الدُّنیا فی عَینِهِ ... . (1)

تنبیه الخواطر :قیلَ لِلحُسَینِ بنِ عَلِیٍّ علیه السلام : مَن أعظَمُ النّاسِ قَدرا؟ قالَ : مَن لَم یُبالِ الدُّنیا فی یَدَی مَن كانَت . (2)

الإمام علىّ علیه السلام فِی الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ :الزّاهِدُ فِی الدّینارِ وَالدِّرهَمِ أعَزُّ مِنَ الدّینارِ وَالدِّرهَمِ . (3)

تاریخ دمشق عن سُفیانَ بن عُیَینَه :قیلَ لِعَلِیِّ بنِ الحُسَین بنِ عَلِیِّ بن أبی طالِبٍ علیه السلام : مَن أعظَمُ النّاسِ خَطَرا؟ قالَ : مَن لَم یَرضَ الدُّنیا خَطَراً لِنَفسِهِ . (4)

الإمام الصادق علیه السلام :قالَ رَجُلٌ لِاءَبی : مَن أعظَمُ النّاسِ فِی الدُّنیا قَدرا؟ فَقالَ : مَن لَم یَجعَلِ الدُّنیا لِنَفسِهِ فی نَفسِهِ خَطَرا . (5)

الإمام الكاظم علیه السلام :إنَّ أعظَمَ النّاسِ قَدرا الَّذی لا یَرَی الدُّنیا لِنَفسِهِ خَطَرا . (6)

.

1- .نهج البلاغه : الحكمه 289 ، غرر الحكم : ح 7264 ، تحف العقول : ص 234 عن الإمام الحسین علیه السلام وفیه «كان من أعظم الناس فی عینی ، وكان رأس ما عَظُم به فی عینی صِغَر الدنیا فی عینه» ، بحار الأنوار : ج 67 ص 314 ح 49 .
2- .تنبیه الخواطر : ج 2 ص 29 ، جامع الأخبار : ص 296 ح 808 ، الدرّه الباهره : ص 28 ، أعلام الدین : ص 302 والثلاثه الأخیره عن الإمام الباقر علیه السلام ، إرشاد القلوب : ص 25 عن الإمام زین العابدین علیه السلام .
3- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 301 ح 436 .
4- .تاریخ دمشق : ج 41 ص 408 ، البدایه والنهایه : ج 9 ص 105 وفیه «من لم یر الدنیا لنفسه قدرا» ؛ تحف العقول : ص 278 ، نثر الدر : ج 1 ص 339 ، نزهه الناظر : ص 94 ح 29 وفیها «لم یر» بدل «لم یرض» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 135 ح 3 .

5- .مستطرفات السرائر : ص 165 ح 10 ، الحكايات للمفيد : ص 97 ح 10 عن يزيد بن خليفه وفيه «تجعل» بدل «يجعل» ، كشف الغمّه : ج 2 ص 363 عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه .
6- .الكافى : ج 1 ص 19 ح 12 عن هشام بن الحكم ، تحف العقول : ص 389 ، الدرّه الباهره : ص 28 عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «قدرا» بدل «خطرا» ، بحار الأنوار : ج 1 ص 141 ح 30 .

امام علی علیه السلام :در گذشته ، برادری دینی داشتم که خُردیِ دنیا در نگاه او، وی را در نظرم بزرگ می نمود... .

تنبیه الخواطر:به حسین بن علی علیهماالسلام گفته شد: پُر ارج ترین مردم کیست؟ فرمود: «کسی که اهمّیت ندهد دنیا در دست کیست».

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :بی اعتنای به دینار و درهم ، با ارزش تر از دینار و درهم است.

تاریخ دمشق به نقل از سفیان بن عُیینه :به علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام گفته شد: مهم ترین مردم چه کسی است؟ فرمود: «کسی که دنیا در نظرش اهمّیتی نداشته باشد».

امام صادق علیه السلام :مردی به پدرم گفت: پُر منزلت ترینِ مردم در دنیا ، چه کسی است؟ فرمود: «کسی که دنیا در دل و دیده اَش بی قدر و منزلت باشد».

امام کاظم علیه السلام :با ارزش ترینِ مردم ، کسی است که برای دنیا ارزشی قائل نباشد.

.

مُسَكِّن الفُؤاد :رُوِیَ أَنَّهُ صلی الله علیه و آله لَمّا ماتَ عُثمانُ بنُ مَظعون کَشَفَ الثَّوبَ عَن وَجهِهِ ، ثُمَّ قَبَّلَ ما بَینَ عَینَیهِ ، ثُمَّ بَکی طَویلاً ، فَلَمّا رُفِعَ السَّریرُ قالَ : طوباکَ یا عُثمانُ لَم تَلبَسکَ الدُّنیا ولَم تَلبَسها . (1)

راجع : ص 292 (خصائص أبناء الآخره) .

2 / 4أنفَعُ الزُّهدِرسولِ اللّه صلی الله علیه و آله :الزُّهدُ فی زَمانِنا هذا فِی الدَّنانیرِ وَالدَّراهِمِ ، ولَیَأتِیَنَّ عَلَی النّاسِ زَمانٌ الزُّهدُ فِی النّاسِ أنفَعُ لَهُم مِنَ الزُّهدِ فِی الدَّنانیرِ وَالدَّراهِمِ . (2)

.

1- .مسکّن الفؤاد : ص 95 ، بحار الأنوار : ج 82 ص 91 ح 43 وراجع الفردوس : ج 2 ص 451 ح 3945 .
2- .کنز العمّال : ج 11 ص 153 ح 31002 نقلاً عن الدیلمی عن ابن عبّاس .

مسکّن الفؤاد:روایت شده است که چون عثمان بن مظعون در گذشت، پیامبر خدا ، پارچه را از روی او کنار زد و پیشانی اش را بوسید و آن گاه ، لختی گریست و چون تابوت را برداشتند، فرمود: «خوشا به حالت ، ای عثمان! نه دنیا تو را پوشید [و فریفت] ، و نه تو [جامه] دنیا را پوشیدی».

ر . ک : ص 293 (ویژگی های آخرت گرایان).

2 / 4سودمندترین زهدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زهد در روزگار ما ، در دوری گُزیدن از دینار و دِرهم است؛ امّا روزگاری بر مردم فرا می رسد که دوری گزیدن از مردم ، برایشان سودمندتر از زهد به دینار و درهم است.

.

الفصل الثالث : بركات الزهد3 / 1كَمالُ المَعرِفَهأ حِفظُ العَقلِالإمام علىّ عليه السلام :حِفظُ العَقلِ بِمُخالَفَهِ الهَوى ، وَالعُزوفِ عَنِ الدُّنيا . (1)

راجع : ج1 ص402 (مضارّ حبّ الدنيا / فساد العقل) .

ب مَعرِفَهُ عُيوبِ الدُّنياالإمام علىّ عليه السلام :اِزهَد فِى الدُّنيا يُبَصِّركَ اللّهُ عَوراتِهاَ ، ولا تَغفُل فَلَستَ بِمَغفولٍ عَنکَ . (2)

ج عِلمٌ بِلا تَعَلُّمٍرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن زَهِدَ فِى الدُّنيا عَلَّمَهُ اللّهُ تَعالَى بِلا تَعَلُّمٍ ، وهَداهُ بِلا هِدايَهٍ ، وجَعَلَهُ بَصيرا وكَشَفَ عَنهُ العَمى . (3)

.

1- .غرر الحكم : ح 4921 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 233 ح 4479 وفيه «بغلبه» بدل «بمخالفه» .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 391 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 297 ، غرر الحكم : ح 2362 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 319 ح 34 .
3- .حليه الأولياء : ج 1 ص 72 عن نصير بن حمزه عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كنز العمّال : ج 3 ص 209 ح 6194 نقلاً عن أبى عبد الرحمن السلمى فى كتاب المواعظ والوصايا عن ابن عبّاس ؛ تحف العقول : ص 60 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 163 ح 187 .

فصل سوم : برکت های زهد

3 / 1 کمالْ یافتنِ شناخت

الف نگهداری خِرَد

ب شناخت عیب های دنیا

ج دانش ، بدون آموختن

فصل سوم: برکت های زهد3 / 1کمالْ یافتنِ شناختالف نگهداری خِرَدامام علی علیه السلام :نگهداری خِرَد ، به سرپیچی از هوس و دوری گزیدن از دنیاست.

ر . ک : ج1 ص403 (زیان های دنیادوستی / تباهی خرد) .

ب شناخت عیب های دنیاامام علی علیه السلام :از دنیا دل بر کن تا خداوند ، تو را به عیب های آن بینا گرداند، و غافل مباش که از تو غافل نیستند.

ج دانش ، بدون آموختنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دل از دنیا بر کند ، خداوند متعال او را دانش می آموزد ، بی آن که از کسی بیاموزد، و هدایتش می کند ، بی آن که کسی به هدایت او بپردازد، و او را بصیرت می بخشد و کوردلی را از او می زداید.

.

حِليَه الأَولياء عن الحسن :خَرَجَ النَّبِى صلى الله عليه و آله عَلى أصحابِهِ ذاتَ يَوم فَقالَ : هَل مِنكُم مَن يُريدُ أن يُؤتِيَهُ اللّهُ عِلما بِغَيرِ تَعَلُّمٍ ، وهُدىً بِغَيرِ هِدايَةٍ ؟ هَل مِنكُم مَن يُريدُ أن يُذهِبَ اللّهُ عَنهُ العَمى ويَجعَلَهُ بَصيرا؟ ألا إنَّهُ مَن رَغِبَ فِى الدُّنيا وأطالَ أمَلَهُ فيها أعمَى اللّهُ قَلبَهُ عَلى قَدرِ ذلِكَ ، ومَن زَهِدَ فِى الدُّنيا وقَصَّرَ أمَلَهُ فيها أعطاهُ اللّهُ عِلما بِغَيرِ تَعَلُّمٍ ، وهُدىً بِغَيرِ هِدايَةٍ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن زَهِدَ فِى الدُّنيا ولَم يَجزَع مِن ذُلِّها ولَم يُنافِس فى عِزِّها ، هَداهُ اللّهُ بِغَيرِ هِدايَةٍ مِن مَخلوقٍ وعَلَّمَهُ بِغَيرِ تَعليمٍ ، وأثبَتَ الحِكمَةَ فى صَدرِهِ وأجراها عَلى لِسانِهِ . (2)

د الحِكمَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا رَأَيتُمُ الرَّجُلَ قَد أُعطِىَ زُهدا فِى الدُّنيا وقِلَّةَ مَنطِقٍ ، فَاقتَرِبوا مِنهُ فَإِنَّهُ يُلقِى الحِكمَةَ . (3)

.

1- .حليه الأولياء : ج 6 ص 312 وج 8 ص 135 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 360 ح 10582 نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 209 ح 6195 ؛ تيسير المطالب : ص 365 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 131 عن أنس نحوه .
2- .تحف العقول : ص 223 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 63 ح 155 .
3- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1373 ح 4101 ، المعجم الكبير : ج 22 ص 392 ح 975 ، شُعب الإيمان : ج7 ص347 ح10534 ، حليه الأولياء : ج 10 ص 405 وفيه «يلقن» بدل «يُلقى» ، تاريخ دمشق : ج15 ص84 ح3679 كلّها عن أبى خلاّد ، مسند أبى يعلى : ج 6 ص 190 ح 6770 عن عبداللّه بن جعفر نحوه ، أسد الغابه : ج6 ص80 ح5839 عن أبى خالد الكندى ، كنز العمّال : ج 3 ص 183 ح 6069 ؛ الأمالى للطوسى : ص531 ح1162، مكارم الأخلاق : ج2 ص369 ح2661 كلاهما عن أبى ذرّ نحوه، بحار الأنوار : ج77 ص80 ح3 .

د حکمت

حلیه الأولیاء به نقل از حسن :روزی ، پیامبر صلی الله علیه و آله به نزد اصحابش آمد و فرمود: «آیا در میان شما کسی هست که بخواهد خداوند ، او را بی آموختن ، دانش عطا کند و بی هدایتگری ، هدایت کند؟ آیا در میان شما کسی هست که بخواهد خداوند ، کوردلی را از او ببرد و بینایش گرداند؟ بدانید که هر کس به دنیا راغب شود و آرزویش را در دنیا دور و دراز کند ، خداوند به همان اندازه ، دلش را کور می گرداند، و هر کس در دنیا زهد بورزد و آرزویش را در دنیا کوتاه کند ، خداوند او را بی آموختن ، دانش عطا می کند و بدون هدایتگری ، هدایت می کند.

امام علی علیه السلام :هر که به دنیا پشت کند و از خواری در آن ، بی تابی نکند و برای عزّتمندی در آن [با جاه و مقام ،] به رقابت نپردازد، خداوند او را بی هدایت مخلوقی ، هدایت می کند و بی آموختن از کسی، دانشش می آموزد و حکمت را در سینه اش ثابت می دارد و آن را بر زبانش جاری می گرداند.

د حکمتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه مردی را دیدید که «زهد در دنیا» و «کم گویی» به او عطا شده است، به وی نزدیک شوید؛ چرا که چنین شخصی ، حکمت می آموزد.

.

عنه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لِاءَبى ذَر :يا أبا ذَر ، ما زَهِدَ عَبدٌ فِى الدُّنيا إلاّ أثبَتَ اللّهُ الحِكمَةَ فى قَلبِهِ وأنطَقَ بِها لِسانَهُ ، وبَصَّرَهُ عُيوبَ الدُّنيا وداءَها ودَواءَها ، وأخرَجَهُ مِنها سالِما إلى دارِ السَّلامِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :بِالزُّهدِ تُثمِرُ الحِكمَةُ . (2)

3 / 2فَراغُ القَلبِالكافى عن سُفيانَ بنِ عُيَينَه :سَأَلتُهُ [أى الإمامَ الصّادقَ عليه السلام] عَن قَولِ اللّهِ : «إلاَّ مَنْ أَتَى اللّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (3) ، قالَ : القَلبُ السَّلِيمُ الَّذى يَلقى رَبَّهُ ولَيسَ فيهِ أحَدٌ سِواهُ . قالَ : وكُلُّ قَلبٍ فيهِ شِركٌ أو شَكٌّ فَهُوَ ساقِطٌ ، إنَّما أرادُوا (4) الزُّهدَ فِى الدُّنيا لِتَفرُغَ قُلُوبُهُم لِلآخِرَهِ . (5)

3 / 3صَلاحُ النَّفسِرسولِ اللّه صلى اللهِ عليه و آله :صَلاحُ أوَّلِ هذِهِ الاُمَّهِ بِالزُّهدِ وَاليَقينِ ، وبَهلِكُ آخِرُها بِالبُخلِ وَالأَمَلِ . (6)

.

1- .. الأمالى للطوسى : ص 531 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 368 ح 2661 وفيه «أنبت» بدل «أثبت» وكلاهما عن أبى ذرّ ، الكافى : ج 2 ص 128 ح 1 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 410 ح 5890 كلاهما عن الهيثم بن واقد الحريرى عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 200 ح 1 عن سيف عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 2 ص 33 ح 27 ؛ حليه الأولياء : ج 3 ص 191 عن جعفر بن محمّد بن عبداللّه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الفردوس : ج 4 ص 69 ح 6215 عن أبى ذرّ وكلاهما نحوه .
2- .غرر الحكم : ح 4229 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 186 ح 3772 .
3- .الشعراء : 89 .
4- .أى الأنبياء والأوصياء ، وفى بعض النسخ : «أراد بالزهد» أى أراد اللّه ، والباء زائده ؛ يعنى أنّ الزهد بالدنيا ليس مقصودا لذاته ، وأنّما أمر الناس به لتكون قلوبهم فارغةً عن محبّه الدنيا ، صالحةً لحبّ اللّه تعالى خالصةً له (مرآه العقول : ج 7 ص 87) .
5- .الكافى : ج 2 ص 16 ح 5 وص 129 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 59 ح 39 نقلاً عن كتاب أسرار الصلاه .

6- .الزهد لابن حنبل : ص 16 عن عبداللّه بن عمرو ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 332 ح 7650 وفيه «هلاكها» بدل «يهلک آخرها» ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 427 ح 10844 وص 428 ح 10845 كلاهما نحوه وكلّها عن شعيب عن أبيه ، كنز العمّال : ج 3 ص 449 ح 7388 .

3 / 2 خالی شدن دل از اغیار

3 / 3 دوستی و پاکی نفس

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر :ای ابو ذر! هیچ بنده ای در دنیا زهد نورزید ، مگر آن که خداوند ، حکمت را در دلش ثابت کرد و زبانش را بدان گویا ساخت، عیب های دنیا و درد و درمان آن را به وی شناساند، و او را سالم از دنیا به سرای سلامت (بهشت) برد.

امام علی علیه السلام :با زهد است که حکمت ، ثمر می دهد.

3 / 2خالی شدن دل از اغیارالکافی به نقل از سفیان بن عیینه :از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند : «مگر کسی که با قلبی سلیم بر خدا در آید» ، پرسیدم . فرمود: «قلب سلیم ، قلبی است که پروردگارش را در حالی دیدار می کند که هیچ کسی جز او در آن نباشد». و فرمود: «هر دلی که در آن شرک یا شکّی باشد ، آن دل بی ارزش است. آنان (پیامبران و اوصیای آنان) (1) از این رو خواهان زهدورزی در دنیا بودند که دل هایشان برای آخرت ، خالی گردد.

3 / 3دوستی و پاکی نفسپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اوّلِ این امّت ، با «زهد» و «یقین» ساخته شد، و آخر آن ، با «بخل» و «آرزو» نابود می شود.

.

1- .در بعضی نسخه ها ، «أراد بالزهد» آمده است ، یعنی خداوند ، خواهان زهد شد (مرآه العقول: ج 7 ص 87).

الإمام علىّ عليه السلام :سَبَبُ صَلاحِ النَّفسِ العُزوفُ عَنِ الدُّنيا . (1)

عنه عليه السلام :مَن زَهِدَ فِى الدُّنيا أعتَقَ نَفسَهُ وأرضى رَبَّهُ . (2)

عنه عليه السلام :أحيِ قَلبَکَ بِالمَوعِظَهِ ، وأمِتهُ بِالزَّهادَهِ . (3)

عنه عليه السلام :لَو زَهِدتُم فِى الشَّهَواتِ لَسَلِمتُم مِنَ الآفاتِ . (4)

عنه عليه السلام :أعرِض عَنِ الدُّنيا تَسلَم . (5)

عنه عليه السلام :ألا وإنَّ الدُّنيا دارٌ لا يُسلَمُ مِنها إلاّ بِالزُّهدِ فيها ، ولا يُنجى مِنها بِشَىءٍ كانَ لَها . (6)

3 / 4حَلاوَهُ الإِيمانِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :حَرامٌ عَلى قُلوبِكُم أن تَعرِفَ حَلاوَهَ الإِيمانِ حَتّى تَزهَدَ فِى الدُّنيا . (7)

.

1- .غرر الحكم : ح 5528 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 282 ح 5082 .
2- .غرر الحكم : ح 8816 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 462 ح 8405 .
3- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، كشف المحجّه : ص 221 عن عمر بن أبى المقدام عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام ، تحف العقول : ص 69 ، نزهه الناظر : ص 61 ح42 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 217 ح 2 ؛ كنز العمّال : ج 16 ، ص 168 ، ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .
4- .غرر الحكم : ح 7587 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 416 ح 7067 .
5- .غرر الحكم : ح 5835 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 304 ح 5408 .
6- .غرر الحكم : ح 2762 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 107 ح 2363 .
7- .الكافى : ج 2 ص 128 ح 2 عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 209 ح 568 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 49 ح 20 .

امام علی علیه السلام :راه پاک شدن نفْس ، پشت کردن به دنیاست.

امام علی علیه السلام :هر که دل از دنیا برکنْد، خویش را [از اسارت دنیا آزاد] ، و پروردگارش را خشنود ساخت.

امام علی علیه السلام :دلت را با اندرز ، زنده بدار، و آن را با زهد ، بمیران.

امام علی علیه السلام :اگر به خواهش های نفْس بی اعتنایی کنید ، از آفت ها به سلامت می مانید.

امام علی علیه السلام :از دنیا روی بگردان تا به سلامت مانی.

امام علی علیه السلام :هان! دنیا سرایی است که از آن ، جز با زهدورزی در آن ، به سلامت نمی توان ماند ، و با چیزی از امور دنیوی نمی توان از دنیا رهید.

3 / 4چشیدن شیرینی ایمانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چشیدن شیرینی ایمان بر دل های شما حرام است ، مگر آن گاه که دل هایتان نسبت به دنیا زهد ورزند.

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلاوَةَ الإِيمانِ فى قَلبِهِ حَتّى لا يُبالِىَ مَن أكَلَ الدُّنيا (1) . (2)

3 / 5صَلاحُ الدّينِالإمام علىّ عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى : . . . يا أحمَد ، إن أحبَبتَ أن تَكونَ أورَعَ النّاسِ فَازهَد فِى الدُّنيا وَارغَب فِى الآخِرَهِ . (3)

عنه عليه السلام :مَن زَهِدَ فِى الدُّنيا حَصَّنَ دينَهُ . (4)

عنه عليه السلام :وُفورُ العِرضِ بِابتِذالِ المالِ ، وصَلاحُ الدّينِ بِإِفسادِ الدُّنيا . (5)

عنه عليه السلام :العِلمُ يُرشِدُکَ إلى ما أمَرَکَ اللّهُ بِهِ ، وَالزُّهدُ يُسَهِّلُ لَکَ الطَّريقَ إلَيهِ . (6)

لقمان عليه السلام فيما وَعَظَ بِهِ وَلَدَه :يا بُنَيَّ ، . . . مَن يَزهَد فِى الدُّنيا يَعمَل لِلّهِ تَعالى ، ومَن يَعمَل لِلّهِ تَعالى يَأجُرهُ اللّهُ . (7)

راجع : ج1 ص426 (مضارّ حبّ الدنيا / فساد الدين) .

.

1- .«حتّى لا يبالى من أكل الدنيا» : يحتمل أن يكون «من» اسم موصول و«أكل» فعلاً ماضيا ، وأن يكون «من» حرف جرّ و «أكل» مصدرا . فعلى الأوّل المعنى: أنّه لا يعتنى بشأن الدنيا بحيث لا يحسد أحدا عليها ، . . . وعلى الثانى أيضا يرجع إلى ذلک ؛ أو المعنى : لا يعتنى بأكل الدنيا والتصرّف فيها (مرآه العقول: ج 8 ص 269) .
2- .الكافى : ج 2 ص 128 ح 2 عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 49 ح 20 .
3- .إرشاد القلوب : ص 199 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 22 ح 6 .
4- .غرر الحكم : ح 8468 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 449 ح 7960 وفيه «حَسُنَ دينُهُ» بدل «حصّن دينَهُ» .
5- .غرر الحكم : ح 10125 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 505 ح 9277 .
6- .غرر الحكم : ح 1835 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 22 ح 143 .

7- .الزهد لابن المبارک : ص 373 ح 1059 .

ص: 107

3 / 5 درستی دین

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آدمی ، شیرینی ایمان را در دلش نمی یابد ، مگر آن گاه که باکی نداشته باشد که دنیا را چه کسی می خورَد.

3 / 5درستی دینامام علی علیه السلام در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله :خداوند متعال فرمود : «... ای احمد! اگر دوست داری که پارساترینِ مردم باشی ، از دنیا روی برتاب و به آخرت بگرای».

امام علی علیه السلام :هر که در دنیا زهد بورزد ، دین خود را نگه داشته است.

امام علی علیه السلام :بسیاریِ آبرومندی ، به بخشش مال است و درستیِ دین ، به خراب کردن دنیا.

امام علی علیه السلام :دانش ، تو را به آنچه خداوند فرمانت داده است ، رهنمون می شود، و زهد ، راه رسیدن به آن را بر تو آسان می سازد .

لقمان علیه السلام در اندرزهایش به فرزندش :فرزندم !... کسی که به دنیا بی رغبت باشد ، برای خداوند متعال کار می کند، و کسی که برای خدای متعال کار کند ، خداوند مزدش را می دهد.

ر . ک : ج1 ص427 (زیان های دنیادوستی / تباهی دین) .

.

3 / 6رَفاهُ العَيشِأ راحَهُ القَلبِ وَالبَدَنِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الزُّهدُ فِى الدُّنيا يُريحُ القَلبَ وَالبَدَنَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ فِى الزُّهدِ لَراحَةً . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :الزُّهدُ فِى الدُّنيَا الرّاحَهُ العُظمى . (3)

عنه عليه السلام :مَن أحَبَّ الرّاحَهَ فَليُؤثِرِ الزُّهدَ فِى الدُّنيا . (4)

عنه عليه السلام :الزُّهدُ أفضَلُ الرّاحَتَينِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :طَلَبتُ الرّاحَهَ فَوَجَدتُها فِى الزُّهدِ . (6)

ب طاعَهُ الدُّنياالإمام علىّ عليه السلام :مَن عَصَى الدُّنيا أطاعَتهُ . (7)

.

1- .الخصال : ص 73 ح 114 عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها عليه السلام ، روضه الواعظين : ص 484 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 120 ح 110 ؛ المعجم الأوسط : ج 6 ص 177 ح 6120 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 348 ح 10538 كلاهما عن أبى هريره وح 10536 عن طاووس ، مسند الشهاب : ج 1 ص 188 ح 278 عن عبد اللّه بن عمرو ، كنز العمّال : ج 3 ص 182 ح 6061 .
2- .أعلام الدين : ص 336 عن ابن عبّاس ، غرر الحكم : ح 329 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه «الراحه فى الزهد» ، بحار الأنوار : ج 103 ص 27 ح 37 .
3- .غرر الحكم : ح 1316 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 47 ح 1198 .
4- .غرر الحكم : ح 8947 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 434 ح 7484 .
5- .غرر الحكم : ح 1651 .
6- .مستدرک الوسائل : ج 12 ص 174 ح 13810 نقلاً عن مجموعه الشهيد .
7- .غرر الحكم : ح 7789 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 452 ح 8085 .

الف آسایش جان و تن

ب فرمانبری دنیا

3 / 6آسایش زندگیالف آسایش جان و تنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دل بر کندن از دنیا ، جان و تن را آسوده می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به راستی که در زهد ، آسایشی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زهد در دنیا ، بزرگ ترین آسایش است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که آسایش می خواهد ، باید زهد در دنیا را برگزیند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زهد، برترین آسایش است.

امام صادق علیه السلام :آسایش را جستم و آن را در زهد یافتم.

ب فرمانبری دنیاامام علی علیه السلام :هر که دنیا را نافرمانی کند ، دنیا از او فرمان می برد.

.

عنه علیه السلام :إنَّ الدُّنیا تُدنِی الآجالَ وتُباعِدُ الآمالَ ، وتُبیدُ الرِّجالَ وتُغَیِّرُ الأَحوالَ ، مَن غالَبَها غَلَبَتهُ ، ومَن صارَعَها صَرَعَتهُ ، ومَن عَصاها أطاعَتهُ ، ومَن تَرَکَها أتَتهُ . (1)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ :کُلُّ شَیءٍ یَعصیکَ إذا أغضَبتَهُ إلاَّ الدُّنیا ، فَإِنَّها تُطیعُکَ إذا أغضَبتَها . (2)

عنه علیه السلام :مَن عَزَفَ عَنِ الدُّنیا أتَتهُ صاغِرَهً . (3)

عنه علیه السلام :مَن أعرَضَ عَنِ الدُّنیا أتَتهُ . (4)

عنه علیه السلام :مَن سَلا (5) عَنِ الدُّنیا أتَتهُ راغِمَهً . (6)

عنه علیه السلام :مَن قَعَدَ عَن طَلَبِ الدُّنیا قامَت إلَیهِ . (7)

عنه علیه السلام :إنَّکَ إن أدبَرتَ عَنِ الدُّنیا أقبَلَت . (8)

ج مُوافَقَهُ الدُّنیارسول اللّه صلی الله علیه و آله :لَمّا خَلَقَ اللّهُ الدُّنیا أمَرَها بِطاعَتِهِ فَأطاعَت رَبَّها ، فَقالَ لَها : خالِفی مَن طَلَبَکِ ووافِقی مَن خالَفَکِ . فَهِیَ عَلی ما عَهِدَ اللّهُ إلَیها وطَبَعَها عَلَیهِ . (9)

.

1- .غرر الحکم : ح 3674 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 146 ح 3242 .
2- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 300 ح 419 .
3- .غرر الحکم : ح 8522 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 450 ح 7999 وفیه «زهد» بدل «عزف» .
4- .غرر الحکم : ح 7790 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 452 ح 8086 .
5- .سَلَوت عنه : صبرتُ عنه (المصباح المنیر: ص 287 «سلا») .
6- .غرر الحکم : ح 8079 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 441 ح 7687 .
7- .غرر الحکم : ح 8563 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 457 ح 8272 .
8- .غرر الحکم : ح 3799 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 171 ح 3574 .
9- .مصباح الشریعه : ص 194 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 315 ح 20 .

ج سازگاری دنیا

امام علی علیه السلام :دنیا، اَجَل ها را نزدیک ، آرزوها را دور و دراز، مردان را نابود ، و احوال (اوضاع) را دگرگون می کند. هر که با دنیا در افتد ، دنیا بر او چیره می گردد، هر که با آن پنجه در افکند ، دنیا به خاکش می افکند، هرکه از دنیا نافرمانی کند ، دنیا از او فرمان می برد، و هر که دنیا را وا نهد ، دنیا خود به سراغش می آید.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :هر چیزی ، هر گاه به خشمش آوری ، از تو نافرمانی می کند ، بجز دنیا که هر گاه به خشمش آوری ، از تو فرمان می برد.

امام علی علیه السلام :هر که از دنیا دوری کند ، دنیا با زبونی نزد او می آید.

امام علی علیه السلام :هر که از دنیا روی گرداند ، دنیا نزد او می آید.

امام علی علیه السلام :هر که از دنیا دست بشوید ، دنیا به رغم میل خود نزد او می آید .

امام علی علیه السلام :هر که از طلب دنیا فرو نشیند ، دنیا پیش رویش قامت می افرازد.

امام علی علیه السلام :تو اگر به دنیا پشت کنی ، دنیا به تو رو می کند.

ج سازگاری دنیاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون خداوند دنیا را آفرید ، فرمانش داد که از او اطاعت کند و دنیا از خداوندگارش اطاعت کرد. پس به دنیا فرمود: «با آن که تو را می جوید ، ناسازگاری کن، و با آن که با تو ناسازگاری می کند ، سازگار باش». پس، دنیا بر این دستوری است که خدا به او داد و خداوند ، آن را بر همین سرشت.

.

الإمام علىّ عليه السلام :لَن يَفتَقِرَ مَن زَهِدَ . (1)

عنه عليه السلام :مَن زَهِدَ فِى الدُّنيا لَم تَفُتهُ . (2)

د خِدمَةُ الدُّنيارسول اللّه صلى الله عليه و آله :أوحَى اللّهُ إلَى الدُّنيا أنِ اخدُمى مَن خَدَمَنى ، وأتعِبى مَن خَدَمَكِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ جَلَّ جَلالُهُ أوحى إلَى الدُّنيا أن أتعِبى مَن خَدَمَكِ ، وَاخدُمى مَن رَفَضَكِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن خَدَمَ الدُّنيَا استَخدَمَتهُ ، ومَن خَدَمَ اللّهَ سُبحانَهُ خَدَمَتهُ . (5)

عنه عليه السلام :الدُّنيا لِمَن تَرَكَها ، وَالآخِرَةُ لِمَن طَلَبَها . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ يَطَّلِعُ عَلَى الدُّنيا فى كُلِّ يَومٍ مَرَّةً أو مَرَّتَينِ ، فَيَقولُ : يا دُنيا . . . مَن خَدَمَكِ فَاستَخدِميهِ ، ومَن خَدَمَنى فَاَخدُميهِ . (7)

.

1- .غرر الحكم : ح 7446 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 408 ح 6906 .
2- .غرر الحكم : ح 8480 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 456 ح 8242 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 363 ح 5762 ، المواعظ للصدوق : ص 27 كلاهما عن حمّاد بن عمر وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 327 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأخبار : ص 504 ح 1392 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 54 ح 3 ؛ تاريخ بغداد : ج 8 ص 44 ح 4100 ، مسند الشهاب : ج 2 ص 326 ح 1454 كلاهما عن عبداللّه بن مسعود ، حليه الأولياء : ج 3 ص 194 عن محمّد بن بشر عن الإمام الصادق عليه السلام .
4- .الأمالى للصدوق : ص 354 ح 432 عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مشكاه الأنوار : ص 450 ح 1509 ، روضه الواعظين : ص 488 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 87 ح 51 .

5- .غرر الحكم : ح 9091 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 465 ح 8470 .
6- .كنز الفوائد : ج 1 ص 345 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 .
7- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 200 وراجع شرح نهج البلاغه : ج 2 ص 95 وج 6 ص 232 .

د خدمت گزاری دنیا

امام علی علیه السلام :آن که زهد بورزد ، هرگز به فقر نمی افتد .

امام علی علیه السلام :هرکه به دنیا زهد ورزد، دنیا از دستش نمی رود [و به نصیب خود از دنیا خواهد رسید].

د خدمت گزاری دنیاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به دنیا وحی فرمود که: «هر که مرا خدمت می کند ، خدمتش کن، و هر که تو را خدمت می کند ، به رنجش بیفکن».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، به دنیا وحی کرد که: «آن را که به خدمت تو در می آید ، به رنج افکن، و آن را که دست از تو می شوید ، خدمت کن».

امام علی علیه السلام :هر که به خدمت دنیا در آید ، دنیا او را به خدمت خویش می گیرد، و هر که خدمت خداوند سبحان کند ، دنیا به او خدمت می نماید.

امام علی علیه السلام :دنیا از آنِ کسی است که ترک آن کند، و آخرت ، از آنِ کسی است که آن را بطلبد.

امام صادق علیه السلام :خداوند در هر روز ، یکی دو بار به دنیا سری می زند و می فرماید : «ای دنیا!... هر که خدمتِ تو می کند ، او را به خدمت گیر، و هر که خدمت من می کند ، خدمتش کن».

.

3 / 7تَهوينُ المَصائِبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن زَهِدَ فِى الدُّنيا هانَت عَلَيهِ المُصيباتُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن زَهِدَ هانَت عَلَيهِ المِحَنُ . (2)

الإمام الكاظم عليه السلام :إنَّ أصبَرَكُم عَلَى البَلاءِ لاَعَزهَدُكُم فِى الدُّنيا . (3)

3 / 8التَّقَرُبُ إلَى اللّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :جُلَساءُ اللّهِ غَدا أهلُ الزُّهدِ فِى الدُّنيا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن يَشتَهى كَرامَةَ الآخِرَهِ يَدَع زينَةَ الدُّنيا ، هُنالِکَ استَحيَا العَبدُ مِنَ اللّهِ ، وهُنالِکَ أصابَ وِلايَةَ اللّهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا أرَدتَ أن يُحِبَّکَ اللّهُ فَأَبغِضِ الدُّنيا . (6)

.

1- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 341 ح 2660 عن عبداللّه بن مسعود ، الكافى : ج 2 ص 50 ح 1 عن جابر عن الإمام الباقر عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، نهج البلاغه : الحكمه 31 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، الأمالى للمفيد : ص 277 ح 3 عن قبيصه بن جابر عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 68 ص 351 ح 19 ؛ تاريخ بغداد : ج 6 ص 301 ح 3341 ، حليه الأولياء : ج 5 ص 10 كلاهما عن الحارث الأعور عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 515 عن قبيصه بن جابر عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 719 ح 8565 .
2- .غرر الحكم : ح 8325 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 447 ح 7889 .
3- .تحف العقول : ص 393 عن هشام بن الحكم وص 509 عن عيسى عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 146 .
4- .الفردوس : ج 2 ص 109 ح 2572 ، كنز العمّال : ج 3 ص 427 ح 7279 نقلاً عن ابن لال وكلاهما عن سلمان .
5- .الزهد لابن المبارک : ص 107 ح 317 ، تفسير الثعالبى : ج 5 ص 487 كلاهما عن الحسن ، كنز العمّال : ج 15 ص 938 ح 43611 .

6- .تاريخ بغداد : ج 7 ص 70 ح 3754 ، تاريخ دمشق : ج 6 ص 290 ح 1549 ، البدايه والنهايه : ج 10 ص 137 كلّها عن ربعى بن خراش ، كنز العمّال : ج 3 ص 182 ح 6067 .

3 / 7 آسان شدن مشکلات

3 / 8 نزدیک شدن به خدا

3 / 7آسان شدن مشکلاتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که به دنیا بی رغبت شود ، سختی ها بر او آسان می گردند.

امام علی علیه السلام :هر که دل از دنیا بر کند ، رنج ها بر او آسان می شوند.

امام کاظم علیه السلام :صبورترینِ شما در برابر بلا ، زاهدترینِ شما در دنیاست.

3 / 8نزدیک شدن به خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همنشینانِ خداوند در فردای قیامت ، آنان اند که در دنیا زاهدند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن که خواهان کرامت آخرت است ، زیور دنیا را رها می کند. همین جاست که بنده از خدا حیا می کند، و این جاست که به [مقام] ولایت خداوند می رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر می خواهی که خداوند تو را دوست بدارد، دنیا را دشمن بدار.

.

عنه صلى الله عليه و آله فى مَوعِظَتِهِ لِرَجُلٍ :اِزهَد فِى الدُّنيا يُحِبَّکَ اللّهُ ، وَازهَد فيما فى أيدِى النّاسِ يُحِبَّکَ النّاسُ . (1)

حِليَه الأَولياء عن مُجاهِد :إنَّ رَجُلاً جاءَ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّه ، دُلَّنى عَلى عَمَلٍ يُحِبُّنِى اللّهُ تَعالى عَلَيهِ ويُحِبُّنِى النّاسُ عَلَيهِ . فَقالَ : أمّا ما يُحِبُّکَ اللّهُ عَلَيهِ فَالزُّهدُ فِى الدُّنيا ، وأمّا ما يُحِبُّکَ النّاسُ عَلَيهِ فَانبِذ إلَيهِم هذَا الغُثاءَ (2) . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى : . . . يا أحمَد ، أهَل تَعرِفُ ما لِلزّاهِدينَ عِندى؟ قالَ : لا يا رَبِّ! قالَ : يُبعَثُ الخَلقُ ويُناقَشونَ الحِسابَ (4) وهُم مِن ذلِکَ آمِنونَ . إنَّ أدنى ما اُعطِى الزّاهِدينَ فِى الآخِرَهِ أن اُعطِيَهُم مَفاتيحَ الجِنانِ كُلِّها حَتّى يَفتَحوا أىَّ بابٍ شاؤوا ، ولا أحجُبَ عَنهُم وَجهِى ، ولاُنَعِّمَنَّهُم بِألوانِ التَّلَذُّذِ مِن كَلامى ، ولاُجلِسَنَّهُم فى مَقعَدِ صِدقٍ ، واُذَكِّرَهُم ما صَنَعوا وتَعِبوا فى دارِ الدُّنيا ، وأفتَحَ لَهُم أربعَهَ أبوابٍ : بابٌ يَدخُلُ عَلَيهِمُ الهَدايا بُكرَهً وعَشِيّا مِن عِندى ، وبابٌ يَنظُرونَ مِنهُ إلَىَّ كَيفَ شاؤوا بِلا صُعوبَهٍ ، وبابٌ يَطَّلِعونَ مِنهُ إلَى النّارِ فَيَنظُرونَ إلَى الظّالِمينَ كَيفَ يُعَذَّبونَ ، وبابٌ يُدخَلُ عَلَيهِم مِنهُ الوَصائِفُ وَالحورُ العينُ . (5)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 348 ح 7873 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1374 ح 4102 وفيه «يحبّوک» بدل «يحبّک الناس» ، المعجم الكبير : ج 6 ص 193 ح 5972 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 344 ح 10522 و 10523 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 373 ح 643 كلّها عن سهل بن سعد ، كنز العمّال : ج 3 ص 187 ح 6091 ؛ الأمالى للطوسى : ص 140 ح 228 وص 202 ح 344 كلاهما عن محمّد بن عيسى الكندى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 70 ص 15 ح 4 .
2- .فى المصدر : «القثّاء» والصحيح ما أثبتناه كما فى كنز العمال .
3- .حليه الأولياء : ج 8 ص 42 ، كنز العمّال : ج 3 ص 224 ح 6263 .
4- .فى بحار الأنوار : «بالحساب» .
5- .إرشاد القلوب : ص 202 ، مستدرک الوسائل : ج 12 ص 48 ح 13483 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به مردی :نسبت به دنیا زهد بورز تا خداوندتو را دوست بدارد، و نسبت به آنچه مردم دارند ، زهد بورز تا مردم دوستت بدارند.

حلیه الأولیاء به نقل از مجاهد :مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا به کاری رهنمون کن که به خاطر آن ، هم خداوند متعال و هم مردم مرا دوست بدارند. فرمود: «آنچه باعث می شود که خداوند تو را دوست بدارد ، زهدورزی در دنیاست، و آنچه موجب می شود که مردم دوستت بدارند ، آن است که این کف (دنیا) را پیش آنان بیفکنی» .

امام علی علیه السلام در یاد کرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله :خداوند متعال فرمود : «... ای احمد! آیا می دانی زاهدان ، چه مقامی در نزد من دارند؟» . گفت: نه ، ای پروردگارم! فرمود: «در روزی که مردم برانگیخته می شوند و به حسابشان رسیدگی می شود ، آنان از این حسابرسی در امان اند. کمترین چیزی که در آخرت به زاهدان می دهم ، این است که همه کلیدهای بهشت ها را در اختیارشان می نهم تا هر دری را که می خواهند ، باز کنند، و روی خود را از آنان پنهان نمی دارم، و از انواع لذّت سخنم برخوردارشان می سازم، و آنان را بر جایگاهی راستین (1) می نشانم ، و کارهایی را که در دنیا کرده اند و رنج هایی را که کشیده اند ، به یادشان می آورم، و چهار در را برایشان می گشایم: دری که از آن ، در هر صبح و شام ، ارمغان های من برایشان برده می شود، دری که از آن به راحتی به من ، هر گونه که بخواهند ، می نگرند، دری که از آن ، آتش را می بینند و به ستمکاران [و گنهکاران] می نگرند که چگونه عذاب می شوند، و دری که از آن ، کنیزکان و حور العین بر آنان وارد می شوند».

.

1- .اشاره است به آیه 55 از سوره قمر : «فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِیکٍ مُّقْتَدِرٍ ؛ در جایگاهی راستی ، نزد فرمان روای توانا» .

عنه علیه السلام :الزُّهدُ قُربَهُ . (1)

عنه علیه السلام :أیَسُرُّکَ أن تَلقَی اللّهَ غَدا فِی القِیامَهِ وهُوَ عَلَیکَ راضٍ غَیرُ غَضبانَ؟ کُن فِی الدُّنیا زاهِدا وفِی الآخِرَهِ راغِبا . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :إذا تَخَلَّی المُؤمِنُ مِنَ الدُّنیا سَما ، ووَجَدَ حَلاوَهَ حُبِّ اللّهِ ، وکانَ عِندَ أهلِ الدُّنیا کَأنَّهُ قَد خولِطَ (3) ، وإنَّما خالَطَ القَومَ حَلاوَهُ حُبِّ اللّهِ فَلَم یَشتَغِلوا بِغَیرِهِ . (4)

3 / 9المَشیُ عَلَی الماءِتنبیه الخواطر :قال الحَوارِیّون لِعیسی علیه السلام : ما لَکَ تَمشی عَلَی الماءِ ونَحنُ لا نَقدِرُ عَلی ذلِکَ؟ فَقالَ لَهُم : وما مَنزِلَهُ الدّینارِ وَالدِّرهَمِ عِندَکُم؟ قالوا : حَسَنٌ . قال : لکِنَّهُما عِندی وَالمَدَرُ (5) سَواءٌ . (6)

.

1- .دستور معالم الحکم : ص 21 .
2- .غرر الحکم : ح 2827 .
3- .یقال : خولط فلان فی عقله ؛ إذا اختلّ عقله (النهایه : ج 2 ص 64 «خلط») . وقال العلاّمه المجلسی قدس سره بعد نقل کلام ابن الأثیر : فقوله : «خولط» بهذا المعنی وخالط بمعنی الممازجه ، وهذا أعلی درجات المحبّین حیث استقرّ حبّ اللّه تعالی فی قلوبهم وأخرج حبّ کلّ شیء غیره منها فلا یلتفتون إلی غیره تعالی ، ویترکون معاشره عامّه الخلق لمباینه طوره أطوارهم ، فهم یعدّونه سفیها مخالطا کما نسبوا الأنبیاء إلی الجنون لذلک (مرآه العقول : ج 8 ص 277) .
4- .الکافی : ج 2 ص 130 ح 10 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 192 وفیه «یشغلوه» بدل «یشتغلوا» وکلاهما عن عبد اللّه بن القاسم ، مشکاه الأنوار : ص 218 ح 596 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 56 ح 28 .
5- .المَدَر : الطین المتماسک (النهایه : ج 4 ص 309 «مدر») .
6- .تنبیه الخواطر : ج 1 ص 156 .

امام علی علیه السلام :زهدورزی ، مایه تقرّب [به خداوند] است.

امام علی علیه السلام :آیا خوش داری که فردای قیامت ، خداوند را در حالی دیدار کنی که از تو خشنود است و در خشم نیست؟ به دنیا بی رغبت باش و به آخرت ، راغب.

امام صادق علیه السلام :هر گاه مؤمن از دنیا دست بشوید ، بلندی می گیرد و شیرینی محبّت خدا را می چشد، و در نظر اهل دنیا دیوانه می نماید ، حال آن که در واقع ، شیرینیِ محبّت خداوند با [جان [آنان آمیخته است و از این رو ، به غیر او نمی پردازند.

3 / 9راه رفتن بر آبتنبیه الخواطر :حواریان به عیسی علیه السلام گفتند: سبب چیست که تو بر آب ، راه می روی و ما نمی توانیم؟ به آنان گفت: «دینار و درهم را در نزد شما ، چه قدر و قیمتی است؟» . گفتند: باارزش اند . عیسی گفت: «امّا در نزد من ، با کلوخ ، یکسان اند».

.

راجع : ص122 ح991 .

3 / 10زِيارَهُ المَلائِكَهصحيح مُسلِم عن حَنظَلَه الاُسَيدى وكانَ مِن كُتّابِ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله :لَقِيَنى أبو بَكر ، فَقالَ : كَيفَ أنتَ يا حَنظَلَه؟ قُلتُ : نافَقَ حَنظَلَهُ ! قالَ : سُبحانَ اللّهِ! ما تَقولُ؟ قُلتُ : نَكونُ عِندَ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله يُذَكِّرُنا بِالنّارِ وَالجَنَّهِ حَتّى كَأنّا رَأىُ عَينٍ ، فَإذا خَرَجنا مِن عِندِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله عافَسنَا (1) الأزواجَ وَالأولادَ وَالضَّيعاتِ فَنَسينا كَثيرا . قالَ أبو بَكر : فَوَاللّهِ إنّا لَنَلقى مِثلَ هذا ! فَانطَلَقتُ أنَا وأبو بَكرٍ ، حَتّى دَخَلنا عَلى رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله . قُلتُ : نافَقَ حَنظَلَهُ يا رَسولَ اللّهِ ! فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : وما ذاكَ؟ قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، نَكونُ عِندَكَ تُذَكِّرُنا بِالنّارِ وَالجَنَّهِ حَتّى كَأنّا رَأىَ عَينٍ ، فَإذا خَرَجنا مِن عِندِكَ عافَسنَا الأزواجَ وَالأولادَ وَالضَّيعاتِ نَسينا كَثيرا ! فَقالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ! إن لَو تَدومونَ عَلى ما تَكونونَ عِندى ، وفِى الذِّكرِ ، لَصافَحَتكُمُ المَلائِكَه عَلى فُرُشِكُم وفى طُرُقِكُم ، ولكِن يا حَنظَلَه ، ساعَهً وساعَهً ثَلاثَ مَرّاتٍ . (2)

.

1- .المعافسه: المعالجه والممارسه والملاعبه (النهايه : ج 3 ص 263 «عفس») .

2- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2106 ح 12 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 666 ح 2514 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1416 ح 4239 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 190 ح 17621 وج 7 ص 32 ح 19067 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 395 ح 1696 .

ص: 121

3 / 10 دیدار فرشتگان

ر . ک : ص123 ح 991 .

3 / 10دیدار فرشتگانصحیح مسلم به نقل از حنظله اُسَیدی که از کاتبان پیامبر خدا بود :ابو بکر به من بر خورد و گفت: چگونه ای ، ای حنظله؟ گفتم: حنظله ، منافق گشته است! ابو بکر گفت: سبحان اللّه ! چه می گویی؟ گفتم: وقتی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستیم و برایمان از آتش و بهشت می گوید ، چنانیم که گویا آنها را به چشم می بینیم؛ ولی از محضر پیامبر خدا که بیرون می رویم ، به زن و فرزند و زندگی مان می پردازیم و بسیاری از سخنان پیامبر را فراموش می کنیم. ابو بکر گفت: به خدا سوگند که ما نیز همین حال را داریم! پس، من و ابو بکر رفتیم تا بر پیامبر خدا وارد شدیم. من گفتم: ای پیامبر خدا! حنظله منافق گشته است! پیامبر خدا فرمود: «چه طور؟» . گفتم: ای پیامبر خدا! آن گاه که نزد شما هستیم و از آتش و بهشت برایمان می گویی ، گویا آنها را به چشم می بینیم؛ امّا از نزد شما که می رویم ، به زن و فرزند و زندگی خود می پردازیم، و بسیاری از آن سخنان را فراموش می کنیم! پیامبر خدا فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، اگر بر آن حالی که نزد من دارید ، دوام آورید ، ... فرشتگان در بسترهایتان و در کوی و برزن هایتان با شما دست می دهند؛ امّا ای حنظله آدمی هر ساعتی ، حالتی دارد» ، و سه بار این جمله را فرمود .

.

سنن الترمذى عن أبى هريره :قُلنا: يا رَسولَ اللّه ، ما لَنا إذا كُنّا عِندَکَ رَقَّت قُلوبُنا وزَهِدنا فِي الدُّنيا وكُنّا مِن أهلِ الآخِرَهِ ، فَإذا خَرَجنا مِن عِندِکَ فَآنَسنا أهالينا وشَمَمنا أولادَنا أنكَرنا أنفُسَنا ؟! فَقالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : لَو أنَّكُم تَكونونَ إذا خَرَجتُم مِن عِندى كُنتُم عَلى حالِكُم ذلِکَ ، لَزارَتكُمُ المَلائِكَهُ فى بُيوتِكُم . (1)

الكافى عن سلام بن المُستَنير :قالَ حُمرانُ بنُ أعيَن لِاءَبى جَعفَرٍ عليه السلام : أُخبِرُکَ أطالَ اللّهُ بَقاءَکَ لَنا وأمتَعَنا بِکَ أنّا نَأتيکَ فَما نَخرُجُ مِن عِندِکَ حَتّى تَرِقَّ قُلوبُنا وتَسلُوَ أنفُسُنا عَنِ الدُّنيا ، ويَهونَ عَلَينا ما فى أيدِى النّاسِ مِن هذِهِ الأَموالِ ، ثُمَّ نَخرُجُ مِن عِندِکَ فَإذا صِرنا مَعَ النّاسِ وَالتُّجّارِ أحبَبنَا الدُّنيا ! فَقالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : إنَّما هِيَ القُلوبُ مَرَّهً تَصعُبُ ومَرَّهً تَسهُلُ . ثُمَّ قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : أما إنَّ أصحاب مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، نَخافُ عَلَينَا النِّفاقَ ! فَقالَ : ولِمَ تَخافونَ ذلِکَ؟ قالوا : إذا كُنّا عِندَکَ فَذَكَّرتَنا ورَغَّبتَنا وَجِلنا (2) ونَسينَا الدُّنيا وزَهِدنا ، حَتّى كَأنّا نُعايِنُ الآخِرَهَ وَالجَنَّهَ وَالنّارَ ونَحنُ عِندَکَ ، فَإذا خَرَجنا مِن عِندِکَ ودَخَلنا هذِهِ البُيوتَ وشَمِمنَا الأَولادَ ورَأينَا العِيالَ وَالأَهلَ ، يَكادُ أن نُحَوَّلَ عَنِ الحالِ الَّتى كُنّا عَلَيها عِندَکَ ، وحَتّى كَأنّا لَم نَكُن عَلى شَىءٍ ، أ فَنَخافُ عَلَينا أن يَكونَ ذلِکَ نِفاقا؟ فَقالَ لَهُم رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : كَلاّ ، إنَّ هذِهِ خُطُواتُ الشَّيطانِ فَيُرَغِّبُكُم فِى الدُّنيا ، وَاللّهِ لَو تَدومونَ عَلَى الحالَهِ الَّتى وَصَفتُم أنفُسَكُم بِها لَصافَحَتكُمُ المَلائِكَه ومَشَيتُم عَلَى الماءِ . (3)

.

1- .سنن الترمذى : ج 4 ص 672 ح 2526 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 171 ح 8049 ، الزهد لابن المبارک : ص 380 ح 1075 ، مسند الطيالسى : ص 337 ح 2583 كلّها نحوه وراجع صحيح ابن حبّان : ج 2 ص 55 ح 344 ومسند أبى يعلى : ج 3 ص 259 ح 3025 وص 337 ح 3291 وكنز العمّال : ج 1 ص 396 ح 1698 وبحار الأنوار : ج 6 ص 42 ح 78 .
2- .الوَجَلُ: الخوف (الصحاح : ج 5 ص 1840 «وجل») .
3- .الكافى : ج 2 ص 423 ح 1 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 109 ح 327 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 210 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 41 ح 78 .

سنن الترمذی به نقل از ابو هریره :[ما اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [گفتیم : ای پیامبر خدا! ما را چه می شود که وقتی نزد شما هستیم ، دل هایمان نرم می شود ، به دنیا بی رغبت می گردیم و آخرت گرا می شویم، و چون از نزد شما خارج می شویم و با زن و فرزندانمان دمخور می شویم ، خودمان را از یاد می بریم؟ پیامبر خدا فرمود: «اگر به همان حالی که وقتی از نزد من خارج می شوید ، باقی می ماندید ، فرشتگان در خانه هایتان به دیدار شما می آمدند».

الکافی به نقل از سلام بن مُستنیر :حُمران بن اَعیَن به امام باقر علیه السلام گفت: خداوند ، شما را برای ما پایدار بدارد و ما را از وجودتان بهره مند گرداند به اطّلاع شما می رسانم که ما وقتی خدمت شما می رسیم ، تا زمانی که نزد شما هستیم ، دل هایمان نرم اند و جان هایمان از دنیا بیزاراند و به این مال و منالی که در دست مردم است بی اعتنا [ییم]؛ امّا از نزد شما که می رویم و با مردم و تجّار و کسبه محشور می شویم ، دنیادوست می گردیم! امام باقر علیه السلام فرمود: «دل است؛ گاه ، سخت می شود و گاه ، نرم». امام باقر علیه السلام سپس فرمود: «یاران محمّد صلی الله علیه و آله گفتند: ای پیامبر خدا! ما از نفاق ، بر خود می ترسیم! فرمود: «چرا از آن می ترسید؟» . گفتند: زمانی که نزد شما هستیم و شما ما را موعظه می کنید و به آخرت تشویق می نمایید ، می ترسیم و دنیا را فراموش می کنیم و به آن بی رغبت می شویم ، تا آن جا که گویا آخرت و بهشت و دوزخ را می بینیم؛ امّا همین که از خدمت شما می رویم و داخل این خانه ها می شویم و فرزندانمان را می بوییم و اهل و عیالمان را می بینیم ، تقریباً از آن حالی که در نزد شما داشتیم ، بر می گردیم، به طوری که گویی اصلاً چنان حالی نداشته ایم! آیا بیم آن دارید که این حالت ما ، نفاق باشد؟ پیامبر خدا به آنان فرمود: «هرگز. اینها گام ها [و وسوسه ها]ی شیطان اند که شما را به دنیا تشویق می کند . به خدا سوگند ، اگر به همان حالی که گفتید ، باقی بمانید ، فرشتگان با شما دست می دهند و بر آب راه می روید».

.

3 / 11التَّكريمُ بِالوَحيِمصباح الزائر عَن كِتابِ مُحَمَّدِ بنِ الحُسَينِ بنِ سُفيانَ البَزَوفَرِى ، فى دُعاءِ النُّدبَهِ ، وذَكَرَ أنَّهُ الدُّعاءُ لِصاحِبِ الزَّمانِ عليه السلام :اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ عَلى ماجَرى بِهِ قَضاؤُكَ فى أولِيائِكَ ، الَّذينَ استَخلَصتَهُم لِنَفسِكَ ودينِكَ ، إذِ اختَرتَ لَهُم جَزيلَ ما عِندَكَ مِنَ النَّعيمِ المُقيمِ الَّذى لا زَوالَ لَهُ ولاَ اضمِحلالَ ، بَعدَ أن شَرَطتَ عَلَيهِمُ الزُّهدَ فى دَرَجاتِ هذِهِ الدُّنيَا الدَّنِيَّهِ وزِبرِجِها ، فَشَرَطوا لَكَ ذلِكَ ، وعَلِمتَ مِنهُمُ الوَفاءَ بِهِ ، فَقَبِلتَهُم وقَرَّبتَهُم وقَدَّمتَ لَهُمُ الذِّكرَ العَلِىَّ ، وَالثَّناءَ الجَلِىَّ ، وأهبَطتَ عَلَيهِم مَلائِكَتَكَ ، وكَرَّمتَهُم بِوَحيِكَ ، ورَفَدتَهُم بِعِلمِكَ . (1)

.

1- .مصباح الزائر : ص 446 نقلاً عن كتاب محمّد بن الحسين بن سنان البزوفرى ، الإقبال : ج 1 ص 504 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 104 .

3 / 11مفتخر شدن به وحیمصباح الزائر به نقل از کتاب محمّد بن حسین بن سفیان بَزوفَری، در دعای ندبه، و گفته است که این ، دعای صاحب الزمان علیه السلام است :بار خدایا ! سپاس ، توراست بر آنچه به قضای تو بر اولیایت گذشت؛ همانان که آنان را برای خودت و دینت برگزیدی؛ چرا که نعمت های فراوانِ ماندگار و زوال ناپذیر و از بین نرفتنی را که نزد توست برای آنان انتخاب کردی، پس از آن که با آنان شرط کردی که از مقامات و زینت این دنیای پست ، چشم بپوشند، و آنان هم این شرط تو را پذیرفتند، و دانستی که به این شرط ، وفا می کنند. پس ، آنان را پذیرفتی و مقرّب درگاه خویش نمودی و نامشان را بلند داشتی و آشکارا آنان را ستوده، فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادی، و به وحی خویش سرافرازشان نموده، از دانش خود عطایشان کردی.

.

3 / 12كَرامَةُ الدُّنيا وَالآخِرَهِأ العِزَّهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَدَعُ الدُّنيا إلاّ لَم يَزَل عَزيزا فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، يَخافُهُ النّاسُ مادامَ فى حالِهِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن سَلا عَن مَواهِبِ الدُّنيا عَزَّ . (2)

ب السَّعادَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :قَد أفلَحَ المُزهِدُ المُجهِدُ (3) ثَلاثا ؛ المُزهِدُ فِى العَيشِ المُجهِدُ فِى العِبادَهِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :اِعزِف عَن دُنياكَ ، تَسعَد بِمُنقَلَبِكَ وتُصلِح مَثواكَ . (5)

عنه عليه السلام :أسعَدُ النّاسِ بِالدُّنيَا التّارِكُ لَها ، وأسعَدُهُم بِالآخِرَهِ العامِلُ لَها . (6)

عنه عليه السلام :أعظَمُ النّاسِ سَعادَهً أكثَرُهُم زَهادَهً . (7)

عنه عليه السلام :إنَّكُم إن زَهِدتُم خَلَصتُم مِن شَقاءِ الدُّنيا ، وفُزتُم بِدارِ البَقاءِ . (8)

.

1- .الفردوس : ج 4 ص 8 ح 6020 عن أبى هريره .
2- .غرر الحكم : ح 9184 .
3- .جَهَد الرجلُ فى كذا : أى جَدَّ فيه وبالَغ (لسان العرب: ج 3 ص 133 «جهد») .
4- .مسند ابن حنبل : ج 7 ص 302 ح 20382 ، الدرّ المنثور : ج 4 ص 253 نقلاً عن عبد اللّه بن أحمد فى زوائد الزهد وليس فيه ذيله .
5- .غرر الحكم : ح 2298 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 78 ح 1881 وفيه «اُعزب» بدل «اعزف» .
6- .غرر الحكم : ح 3310 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 125 ح 2839 .
7- .غرر الحكم : ح 3100 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 112 ح 2448 .
8- .غرر الحكم : ح 3846 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 173 ح 3608 .

ص: 127

3 / 12 کرامت دنیا و آخرت

الف عزّتمندی

ب نیک بختی

3 / 12کرامت دنیا و آخرتالف عزّتمندیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که دنیا را وا نهد ، مگر آن که پیوسته در دنیا و آخرت ، عزّتمند است و تا زمانی که بر آن حال است ، هیبت او در دل مردم خواهد بود.

امام علی علیه السلام :هر که از مواهب دنیا چشم بپوشد ، عزّت می یابد.

ب نیک بختیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رستگار است بی اعتنای سختکوش: بی اعتنا به زندگی، و سختکوش در عبادت (سه بار).

امام علی علیه السلام :از دنیایت دل بر کن تا در بازگشتگاهت نیک بخت شوی و خانه ات (آخرت) را آباد کنی.

امام علی علیه السلام :بهره مندترینِ مردم از دنیا ، کسی است که آن را ترک گوید، و بهره مندترینِ مردم از آخرت ، کسی است که برای آن کار کند.

امام علی علیه السلام :نیک بخت ترینِ مردم ، زاهدترینِ آنهاست.

امام علی علیه السلام :به یقین اگر زهد بورزید ، از بدبختی های دنیا خلاص می شوید و به سرای جاودانگی دست می یابید.

.

عنه علیه السلام :إنَّ السُّعَداءَ بِالدُّنیا غَدا هُمُ الهارِبونَ مِنهَا الیَومَ . (1)

ج النَّجاحالإمام علیّ علیه السلام :فِی العُزوفِ عَنِ الدُّنیا دَرکُ النَّجاحِ . (2)

عنه علیه السلام :زُهدُکَ فِی الدُّنیا یُنجیکَ . (3)

الإمام الرضا علیه السلام :بِالزُّهدِ فِی الدُّنیا أرجُو النَّجاهَ مِن شَرِّ الدُّنیا . (4)

د الرَّحمَهالإمام علیّ علیه السلام :اِزهَد فِی الدُّنیا تَنزِل عَلَیکَ الرَّحمَهُ . (5)

ه الغَنیمَهالإمام علیّ علیه السلام :خالِفِ الهَوی تَسلَم ، وأعرِض عَنِ الدُّنیا تَغنَم . (6)

و کُلُّ دَرَجَهٍ رَفیعَهرسول اللّه صلی الله علیه و آله :عَلامَهُ الوَرَعِ الزُّهدُ فِی الدُّنیا ، فَمَن تَمَسَّکَ بِالوَرَعِ وَالزُّهدِ بَلَّغاهُ کُلَّ دَرَجَهٍ رَفیعَهٍ ، ومَن تَخَلّی مِنهُما لَقِیَنی یَومَ القِیامَهِ عَلی غَیرِ مِلَّتی . (7)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 223 ، غرر الحکم : ح 3562 ، بحار الأنوار : ج 7 ص 115 ح 51 .
2- .غرر الحکم : ح 6448 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 354 ح 5993 .
3- .غرر الحکم : ح 5477 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 276 ح 5031 .
4- .عیون أخبار الرضا : ج 2 ص 139 ح 3 ، علل الشرائع : ص 237 ح 1 ، الأمالی للصدوق : ص 125 ح 115 ، روضه الواعظین : ص 246 کلّها عن أبی الصلت الهروی ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 362 عن أبی الصلت وياسر وغیرهما ، بحار الأنوار : ج 49 ص 129 ح 3 .
5- .غرر الحکم : ح 2275 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 83 ح 1992 .
6- .غرر الحکم : ح 5061 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 241 ح 4599 .
7- .الفردوس : ج 1 ص 205 ح 785 عن ابن مسعود .

ج کامیابی

د رحمت دیدن

ه غنیمت بردن:

و رسیدن به همه درجات بالا

امام علی علیه السلام :بهره مندترین افراد از دنیا در فردای قیامت ، کسانی هستند که امروز از آن می گریزند.

ج کامیابیامام علی علیه السلام :کامیابی ، در گرو دل بر کندن از دنیاست.

امام علی علیه السلام :دل بر کندن تو از دنیا، تو را نجات می دهد.

امام رضا علیه السلام :با زهد در دنیاست که به رهایی از شرّ دنیا امیدوارم.

د رحمت دیدنامام علی علیه السلام :در دنیا زاهد باش تا رحمت بر تو نازل شود.

ه غنیمت بردن:امام علی علیه السلام :با هوای نفْس ، مخالفت کن تا به سلامت بمانی، و از دنیا روی گردان تا غنیمت (1) ببَری.

و رسیدن به همه درجات بالاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نشانه پارسایی ، زهد در دنیاست. پس، هر که به پارسایی و زهد چنگ در زند ، این دو او را به هر درجه بالایی می رسانند، و هر که از این دو ، دست کشد ، روز قیامت مرا بر غیر آیین من دیدار می کند.

.

1- .غنیمت در لغت ، به معنای سود و درآمد است. در اصطلاح ، به مالی گفته می شود که از سرزمین دشمن به دست می آید (غریب الحدیث ، ابن قتیبه : «غنم»، مجمع البحرین : «غنم»).

ز الجَنَّهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى ناجى موسى عليه السلام فَکانَ فيما ناجاهُ أن قالَ : يا موسى . . . أمَّا الزّاهِدونَ فِى الدُّنيا ، فَإِنّى أمنَحُهُم جَنَّتى يَتَبَوَّؤونَ مِنها حَيثُ شاؤوا . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن زَهِدَ فِى الدُّنيا ، قَرَّت عَينُهُ بِجَنَّهِ المَأوى . (2)

عنه عليه السلام :أعرِض عَنِ الدُّنيا ، تَسكُن جَنَّهَ المَأوى . (3)

عنه عليه السلام :مَن لَم يَزهَد فِى الدُّنيا ، لَم يَکُن لَهُ نَصيبٌ فى جَنَّهِ المَأوى . (4)

عنه عليه السلام :مَن زَهِدَ فِى الدُّنيا ، قَرَّت عَينُهُ بِما يَرى مِن ثَوابِ اللّهِ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام :کانَ فيما ناجى بِهِ اللّهُ موسى عليه السلام عَلَى الطّور : أن يا موسى . . . أمَّا المُتَقَرِّبونَ إلَىَّ بِالزُّهدِ فِى الدُّنيا ، فَإِنّى أمنَحُهُم الجَنَّهَ بِحَذافيرِها يَتَبَوَّؤونَ مِنها حَيثُ يَشاؤونَ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِعَبدِ اللّهِ بنِ جُندَبٍ :يَابنَ جُندَب ، إن أحبَبتَ أن تُجاوِرَ الجَليلَ فى دارِهِ ، وتَسکُنَ الفِردوسَ فى جِوارِهِ ، فَلتَهُنِ عَلَيکَ الدُّنيا ، وَاجعَلِ المَوتَ نُصبَ عَينِکَ ، ولا تَدَّخِر شَيئا لِغَدٍ ، وَاعلَم أنَّ لَکَ ما قَدَّمتَ وعَلَيکَ ما أخَّرتَ . (7)

.

1- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 345 ح 10527 عن ابن عبّاس ، کنز العمّال : ج 3 ص 723 ح 8578 .
2- .غرر الحکم : ح 9075 ، عيون الحکم والمواعظ : ص 425 ح 7206 .
3- .غرر الحکم : ح 5838 ، عيون الحکم والمواعظ : ص 301 ح 5345 .
4- .غرر الحکم : ح 9090 ، عيون الحکم والمواعظ : ص 465 ح 8469 .
5- .الأمالى للمفيد : ص 119 ح 3 عن الحسن بن أبى الحسن البصرى ، بحار الأنوار : ج 77 ص 422 ح 41 .
6- .ثواب الأعمال : ص 205 ح 1 عن الوصّافى ، بحار الأنوار : ج 13 ص 349 ح 37 .

7- .تحف العقول : ص 304 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 282 ح 1 .

ز اقامت در بهشت

ز اقامت در بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام به نجوا پرداخت و از جمله نجواهایش این بود که گفت: «ای موسی !... من بهشت خویش را تقدیم زاهدانِ در دنیا می کنم و در هر کجای آن که می خواهند ، ساکن شوند».

امام علی علیه السلام :هر که چشم از دنیا بپوشد ، چشمش به بهشت برین روشن می گردد.

امام علی علیه السلام :از دنیا روی بگردان تا در بهشت برین ساکن شوی.

امام علی علیه السلام :هر که دل از دنیا بر نکند ، او را در بهشت برین سهمی نیست.

امام علی علیه السلام :هر که در دنیا زهد بورزد ، دیده اش به پاداش خداوندروشن می گردد.

امام باقر علیه السلام :از نجواهای خداوند با موسی علیه السلام بر فراز کوه طور ، این بود که: «ای موسی !... به آنان که با زهدورزی در دنیا خود را مقرّب من می سازند ، همه بهشت را عطا می کنم و در هر کجای آن که بخواهند ، جای می گیرند».

امام صادق علیه السلام در توصیه هایش به عبد اللّه بن جُندَب :ای پسر جندب ! اگر دوست داری که همجوار خداوندِ باشُکوه در سرایش گردی، و در بهشت در همسایگیِ او ساکن شوی ، باید دنیا در نظرت خوار باشد، و [نیز] مرگ را در برابر چشمت قرار بده ، و چیزی برای فردایت پس انداز مکن، و بدان که آنچه را [برای قیامتت] پیش بفرستی ، همان از آنِ توست و آنچه بر جای بگذاری ، به زیان توست.

.

الفصل الرابع : مبادئ الزهد4 / 1العَقلرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى خَلَقَ العَقلَ مِن نورٍ مَخزونٍ مَکنونٍ (1) فى سابِقِ عِلمِهِ الَّذى لَم يَطَّلِع عَلَيهِ نَبِىٌّ مُرسَلٌ ولا مَلَکٌ مُقَرَّبٌ ، فَجَعَلَ العِلمَ نَفسَهُ ، وَالفَهمَ روحَهُ ، وَالزُّهدَ رَأسَهُ ... . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :ثَمَرَةُ العَقلِ مَقتُ الدُّنيا ، وقَمعُ الهَوى . (3)

عنه عليه السلام :العاقِلُ مَن يَزهَدُ فيما يَرغَبُ فيهِ الجاهِلُ . (4)

عنه عليه السلام :العاقِلُ مَن زَهِدَ فى دُنيا فانِيَهٍ دَنِيَّهٍ ، ورَغِبَ فى جَنَّهٍ سَنِيَّهٍ خالِدَهٍ عالِيَهٍ . (5)

.

1- .مَکْنُون : أى مستور (تاج العروس : ج 18 ص 485 «کنن») .
2- .معانى الأخبار : ص 313 ح 1 عن أبى زيد عبّاس بن يزيد بن الحسين الکحّال عن أبيه عن الإمام الکاظم عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ص 427 ح 4 عن يزيد بن الحسن عن الإمام الکاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : ص 7 وفيه «وجهه» بدل «روحه» ، بحار الأنوار : ج 1 ص 107 ح 3 .
3- .غرر الحکم : ح 4654 ، عيون الحکم والمواعظ : ص 208 ح 4157 .
4- .غرر الحکم : ح 1523 ، عيون الحکم والمواعظ : ص 48 ح 1226 .
5- .غرر الحکم : ح 1868 ، عيون الحکم والمواعظ : ص 56 ح 1435 .

4 / 1 خِرَد

فصل چهارم: زمینه های زهد4 / 1خِرَدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند تبارک و تعالی خِرَد را از نوری آفریده که در دانشِ پیشینیش اندوخته و نهفته بود و هیچ پیامبر مُرسَل و فرشته مقرّبی ، از آن مطّلع نبود. آن گاه ، دانش را نفْس آن ، فهم را روحش ، و زهد را سرش... قرار داد.

امام علی علیه السلام :میوه خِرَد ، بیزاری از دنیا و مهار کردن هوس است .

امام علی علیه السلام :خردمند ، کسی است که به آنچه نادان رغبت دارد، بی رغبت است .

امام علی علیه السلام :خردمند ، کسی است که از دنیای فناپذیرِ پست ، چشم بپوشد و بهشت برینِ جاوید و بلندمرتبه را بخواهد.

.

عنه عليه السلام :مَن سَخَت نَفسُهُ عَن مَواهِبِ الدُّنيا ، فَقَدِ استَكمَلَ العَقلَ . (1)

عنه عليه السلام :كُن زاهِدا فيما يَرغَبُ فيهِ الجَهولُ . (2)

الإمام الكاظم عليه السلام لِهشام بن الحَكَم :يا هِشامُ ، إنَّ العاقِلَ نَظَرَ إلَى الدُّنيا وإلى أهلِها فَعَلِمَ أنَّها لاَ تُنالُ إلاّ بِالمَشَقَّهِ ، ونَظَرَ إلَى الآخِرَهِ فَعَلِمَ أنَّها لا تُنالُ إلاّ بِالمَشَقَّهِ ، فَطَلَبَ بِالمَشَقَّهِ أبقاهُما . يا هِشام ، إنَّ العُقَلاءَ زَهِدوا فِى الدُّنيا ورَغِبوا فِى الآخِرَهِ ؛ لِاءَنَّهُم عَلِموا أنَّ الدُّنيا طالِبَهٌ مَطلوبَهٌ ، وَالآخِرَهَ طالِبَهٌ ومَطلوبَهٌ ، فَمَن طَلَبَ الآخِرَهَ طَلَبَتهُ الدُّنيا حَتّى يَستَوفِىَ مِنها رِزقَهُ ، ومَن طَلَبَ الدُّنيا طَلَبَتهُ الآخِرَهُ فَيَأتيهِ المَوتُ فَيُفسِدُ عَلَيهِ دُنياهُ وآخِرَتَهُ . (3)

راجع : ص 6 (مبادئ حبّ الدنيا / الجهل ، الحمق) .

4 / 2مَعرِفَهُ اللّهِالكافى عن جَميلِ بن دَرّاج عن الإمام الصادق عليه السلام :لَو يَعلَمُ النّاسُ ما فى فَضلِ مَعرِفَهِ اللّهِ ما مَدّوا أعيُنَهُم إلى ما مَتَّعَ اللّهُ بِهِ الأعداءَ مِن زَهرَهِ الحَياهِ الدُّنيا ونَعيمِها ، وكانَت دُنياهُم أقَلَّ عِندَهُم مِمّا يَطَؤونَهُ بِأرجُلِهِم ، ولَنُعِّموا بِمَعرِفَهِ اللّهِ جَلَّ وعَزَّ وتَلَذَّذوا بِها تَلَذُّذَ مَن لَم يَزَل فى رَوضاتِ الجِنانِ مَعَ أولِياءِ اللّهِ . إنَّ مَعرِفَهَ اللّهِ اُنسٌ مِن كُلِّ وَحشَهٍ ، وصاحِبٌ مِن كُلِّ وَحدَهٍ ، ونورٌ مِن كُلِّ ظُلمَهٍ ، وقُوَّهٌ مِن كُلِّ ضَعفٍ ، وشِفاءٌ مِن كُلِّ سُقمٍ . ثُمَّ قالَ عليه السلام : وقَد كانَ قَبلَكُم قَومٌ يُقتَلونَ ويُحرَقونَ ويُنشَرونَ بِالمَناشيرِ وتَضيقُ عَلَيهِمُ الأرضُ بِرُحبِها ، فَما يَرُدُّهُم عَمّا هُم عَلَيهِ شَىءٌ مِمّا هُم فيهِ ، مِن غَيرِ تِرَهٍ وَتَروا (4) مَن فَعَلَ ذلِكَ بِهِم ولا أذىً ، بَل ما نَقَموا مِنهُم إلاّ أن يُؤمِنوا بِاللّهِ العَزيزِ الحَميدِ (5) ، فَاسأَلوا رَبَّكُم دَرَجاتِهِم ، وَاصبِروا عَلى نَوائِبِ دَهرِكُم ؛ تُدرِكوا سَعيَهُم . (6)

.

1- .غرر الحكم : ح 8904 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 434 ح 7490 .
2- .غرر الحكم : ح 7144 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 393 ح 6657 وفيه «الجاهل» .
3- .الكافى : ج 1 ص 18 ح 12 عن هشام بن الحكم وراجع تحف العقول : ص 387 وبحار الأنوار : ج 78 ص 301 ح 1 .

4- .الوَتْرُ : الجنايه التى يجنيها الرجل على غيره من قتل أو سبى (النهايه : ج 5 ص 148 «وتر») .
5- .إشاره إلى الآيه 8 من سوره البروج .
6- .الكافى : ج 8 ص 247 ح 347 .

امام علی علیه السلام :کسی که از مواهب دنیا سخاوتمندانه می گذرد، خِرَد را به کمال رسانیده است.

امام علی علیه السلام :به آنچه نادانْ رغبت دارد، تو بی رغبت باش.

امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم :ای هشام! خردمند ، درباره دنیا و اهل آن اندیشید و دریافت که دنیا جز با رنج به دست نمی آید، و در باره آخرت نیز اندیشید و دریافت که به آن نیز جز با رنج نمی توان رسید. پس با قبول رنج ، در طلب پاینده تر از آن دو بر آمد. ای هشام! خردمندان ، از دنیا دل بر کندند و به آخرت ، دل بستند؛ زیرا دریافتند که دنیا خواهان است و خواسته شده و آخرت نیز خواهان است و خواسته شده ، و کسی که آخرت را بطلبد ، دنیا در طلب او بر می آید تا او روزی اش را به طور کامل از دنیا بر گیرد، و کسی که دنیا را طلب کند ، آخرت در طلب او بر می آید. و مرگش در می رسد و دنیا و آخرتش را بر او تباه می گرداند.

ر . ک : ص7 (ریشه های دنیا دوستی / نادانی ، کم خردی).

4 / 2شناخت خداالکافی به نقل از جمیل بن دَرّاج :امام صادق علیه السلام فرمود : «اگر مردم بدانند که شناخت خداوندچه ارزشی دارد ، هرگز به زرق و برق و ناز و نعمت زندگی دنیا که خداوند ، دشمنان را از آنها برخوردار ساخته است چشم نمی داشتند، و دنیایشان در نظرشان بی ارزش تر از خاک زیر پایشان می بود، و از نعمت شناخت خداوند برخوردار می شدند و از آن ، چنان لذّت می بردند که شخص از بودن در باغ های بهشت به همراه اولیای خدا لذّت می برد. شناخت خداوند ، زداینده هر دلت نگی ، و یار هر تنهایی، و روشنایی بخش هر تاریکی، و نیرو دهنده هر ضعفی، و شفای هر دردی است». سپس فرمود: «پیش از شما مردمانی بودند که کشته و سوزانده و ارّه می شدند و زمین ، با همه فراخی اش ، بر آنان تنگ می شد؛ امّا هیچ یک از این کارها آنان را از راه و عقیده شان باز نمی داشت . آن مردمان ، نه جنایتی کرده بودند که چنان از آنها انتقام گرفته شود و نه آزاری رسانده بودند؛ بلکه تنها به این سبب از آنان انتقام گرفتند که به خداوندِ شکست ناپذیرِ ستوده ، ایمان آورده بودند. پس، از

پروردگارتان [برای خود ،] درجات آنان را مسئلت کنید و در برابر بلاهای روزگارتان ، شکیبایی ورزید تا به مقام آنان دست یابید».

.

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ أعلَمَ النّاسِ بِاللّهِ أخوَفُهُم مِنهُ ، وأخشاهُم لَهُ (1) ، وأزهَدُهُم فِی الدُّنیا . (2)

عنه علیه السلام :إنَّ أعلَمَ النّاسِ بِاللّهِ أخوَفُهُم لِلّهِ ، وأخوَفُهُم لَهُ أعلَمُهُم بِهِ ، وأعلَمُهُم بِهِ أزهَدُهُم فیها . (3)

عنه علیه السلام :مَن عَرَفَ اللّهَ خافَ اللّهَ ، ومَن خافَ اللّهَ سَخَت نَفسُهُ (4) عَنِ الدُّنیا . (5)

.

1- .الفرق بین الخوف والخشیه : الخشیه : خوف یشوبه تعظیم ، وأکثر ما یکون ذلک عن علم بما یخشی منه ، ولذلک خصّ العلماء بها . الخوف : توقّع مکروه عن أماره مظنونه أو معلومه ، ویضادّ الخوف الأمن (مفردات ألفاظ القرآن : ص283 «خشی» وص303 «خوف») .
2- .إرشاد القلوب : ص 106 .
3- .تفسیر القمّی : ج 2 ص 146 عن حفص بن غیاث ، بحار الأنوار : ج 2 ص 27 ح 5 .
4- .سَخِیَت نفسی عن الشیء : إذا ترکتْه (الصحاح : ج 6 ص 2373 «سخا») .
5- .الکافی : ج 2 ص 68 ح 4 عن أبی حمزه ، تحف العقول : ص 362 ، الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام : ص 381 ، مشکاه الأنوار : ص 211 ح 572 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 357 ح 3 .

امام صادق علیه السلام :داناترینِ مردم به خدا ، با خوف و خشیت (1) ترینِ مردم از او و بی رغبت ترینِ آنان به دنیاست.

امام صادق علیه السلام :خداشناس ترینِ مردم، خداترس ترینِ آنهاست، و خداترس ترینِ مردم ، خداشناس ترینِ آنهاست، و خداشناس ترینِ مردم ، زاهدترینِ آنان در دنیاست.

امام صادق علیه السلام :هر که خدا را شناخت ، از خدا ترسید و هر که از خدا ترسید ، دل از دنیا بر کند.

.

1- .فرق میان خوف و خشیت ، این است که: خشیت ، ترس آمیخته با تعظیم و بیشتر ناشی از شناخت است.

4 / 3مَعرِفَهُ الدُّنیاالکتاب«اعْلَمُواْ أَنَّمَا الْحَیَوهُ الدُّنْیَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِینَهٌ وَ تَفَاخُرُ بَیْنَکُمْ وَ تَکَاثُرٌ فِی الْأَمْوَ لِ وَ الْأَوْلَدِ کَمَثَلِ غَیْثٍ أَعْجَبَ الْکُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ یَهِیجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ یَکُونُ حُطَمًا وَ فِی الآخِرَهِ عَذَابٌ شَدِیدٌ وَ مَغْفِرَهٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَ نٌ وَ مَا الْحَیَوهُ الدُّنْیَا إِلاَّ مَتَعُ الْغُرُورِ» . (1)

الحدیثالمُستدرَک علی الصَّحیحَین عن ابن مسعود :تَلا رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله : «فَمَن یُرِدِ اللَّهُ أَن یَهْدِیَهُ یَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْأِسْلَمِ» (2) ، فَقالَ رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله : إنَّ النّورَ إذا دَخَلَ الصَّدرَ انفَسَحَ ، فَقیلَ : یا رَسولَ اللّهِ ، هَل لِذلِکَ مِن عَلَمٍ یُعرَفُ؟ قالَ : نَعَم ، التَّجافی (3) عَن دارِ الغُرورِ ، وَالإِنابَهُ (4) إلی دارِ الخُلودِ ، وَالاِستِعدادُ لِلمَوتِ قَبلَ نُزولِهِ . (5)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لَو تَعلَمونَ مِنَ الدُّنیا ما أعلَمُ لاَستَراحَت أنفُسُکُم مِنها . (6)

الإمام علیّ علیه السلام :یَنبَغی لِمَن عَلِمَ سُرعَهَ زَوالِ الدُّنیا أن یَزهَدَ فیها . (7)

.

1- .الحدید : 20 .
2- .الأنعام : 125 .
3- .التَّجافی : هو من الجفاء ؛ البُعد عن الشیء (النهایه : ج 1 ص 280 «جفا») .
4- .الإنابه : الرجوع (المصباح المنیر : ص 629 «ناب») .
5- .المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 346 ح 7863 ، کنز العمّال : ج 1 ص 76 ح 302 .
6- .شعب الإیمان : ج 7 ص 286 ح 10330 عن عروه بن الزبیر ، المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 728 ح 6640 عن الزبیر ، کنز العمّال : ج 3 ص 194 ح 6130 .
7- .غرر الحکم : ح 10933 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 549 ح 10130 .

4 / 3شناخت دنیاقرآن«بدانید که زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی میان شما و فزون جویی در اموال و فرزندان نیست. [مَثَل آنها] چون مَثَل بارانی است که رُستنی آن ، کشاورزان را به شگفتی می اندازد . سپس [آن رُستنی] ، خشک می شود و آن را زرد می بینی ، آن گاه خاشاک می شود . و در آخرت ، [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست» .

حدیثالمستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن مسعود :پیامبر خدا این آیه را تلاوت فرمود : «خداوند ، هر کس را که بخواهد هدایت کند ، سینه او را برای اسلام می گشاید» . سپس فرمود: «نور ، هر گاه به سینه در آید ، سینه گشاده می گردد». گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا علامتی برای شناخت این امر ، وجود دارد؟ فرمود: «آری؛ دوری گزیدن از سرای فریب و باطل، روی آوردن به سرای جاودانگی، و آماده شدن برای مرگْ پیش از فرا رسیدن آن».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر آنچه را من از دنیا می دانم ، شما می دانستید، جان هایتان از [همّ و غم های] آن می آسود.

امام علی علیه السلام :کسی که می داند دنیا با چه سرعتی زوال می یابد ، سزاوار است که به آن ، زهد بورزد.

.

عنه علیه السلام :کونوا مِمَّن عَرَفَ فَناءَ الدُّنیا فَزَهِدَ فیها ، وعَلِمَ بَقاءَ الآخِرَهِ فَعَمِلَ لَها . (1)

عنه علیه السلام :یَسیرُ المَعرِفَهِ یوجِبُ الزُّهدَ فِی الدُّنیا . (2)

عنه علیه السلام :ثَمَرَهُ المَعرِفَهِ العُزوفُ عَن دارِ الفَناءِ . (3)

عنه علیه السلام :مَن صَحَّت مَعرِفَتُهُ ، انصَرَفَت عَنِ العالَمِ الفانی نَفسُهُ وهِمَّتُهُ . (4)

عنه علیه السلام :مَن عَرَفَ الدُّنیا تَزَهَّدَ . (5)

عنه علیه السلام :مَن عَرَفَ خِداعَ الدُّنیا لَم یَغتَرَّ مِنها بِمُحالات الأَحلامِ . (6)

عنه علیه السلام :أحَقُّ النّاسِ بِالزَّهادَهِ مَن عَرَفَ نَقصَ الدُّنیا . (7)

عنه علیه السلام :یَنبَغی لِمَن عَرَفَ الدُّنیا أن یَزهَدَ فیها ویَعزِفَ عَنها . (8)

عنه علیه السلام :مَن عَرَفَ الدُّنیا لَم یَحزَن عَلی ما أصابَهُ . (9)

عنه علیه السلام :العالِمُ هُوَ الهارِبُ مِنَ الدُّنیا لاَ الرّاغِبُ فیها ؛ لِاَنَّ عِلمَهُ دَلَّ عَلی أنَّهُ سَمٌّ قاتِلٌ فَحَمَلَهُ عَنِ الهَرَبِ مِنَ الهَلَکَهِ ، فَإِذَا التَقَمَ السَّمَّ عَرَفَ النّاسُ أنَّهُ کاذِبٌ فیما یَقولُ . (10)

.

1- .غرر الحکم : ح 7191 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 396 ح 6691 .
2- .غرر الحکم : ح 10984 .
3- .غرر الحکم : ح 4651 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 208 ح 4156 نحوه .
4- .غرر الحکم : ح 9142 .
5- .غرر الحکم : ح 7831 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 452 ح 8103 .
6- .غرر الحکم : ح 8939 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 463 ح 8425 .

7- .غرر الحكم : ح 3209 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 122 ح 2774 وفيه «أعرف» بدل «أحقّ» .
8- .غرر الحكم : ح 10928 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 555 ح 10228 .
9- .غرر الحكم : ح 8935 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 435 ح 7516 .
10- .إرشاد القلوب : ص 15 .

امام علی علیه السلام :از کسانی باشید که فناپذیریِ دنیا را شناختند و از این رو به آن بی رغبت شدند، و ماندگاری آخرت را دانستند، پس برای آن کار کردند.

امام علی علیه السلام :اندکی شناخت ، موجب زهدورزی در دنیا می شود.

امام علی علیه السلام :ثمره شناخت، روی گردانی از سرای نیستی است.

امام علی علیه السلام :هر که شناختش درست باشد، جان و خواستش از دنیای فانی ، روی گردان می شوند.

امام علی علیه السلام :هر که دنیا را شناخت، زاهد شد.

امام علی علیه السلام :کسی که فریبکاری دنیا را بشناسد ، فریب رؤیاهای پوچ آن را نمی خورد.

امام علی علیه السلام :سزاوارترینِ مردم به زهدورزی ، کسی است که نقص دنیا را بشناسد.

امام علی علیه السلام :سزاوار است کسی که دنیا را شناخته است ، نسبت به آن ، زهد بورزد و از آن ، دوری گزیند.

امام علی علیه السلام :کسی که دنیا را بشناسد ، از رنج هایی که به او می رسد ، اندوهگین نمی شود.

امام علی علیه السلام :دانا کسی است که از دنیا بگریزد ، نه آن که به دنیا بگراید؛ زیرا دانایی [و شناختِ] او رهنمونش می سازد که دنیا زهری کشنده است و همین ، او را به گریختن از مهلکه وا می دارد. پس، اگر زهر را بخورد ، مردم می فهمند که او در آنچه می گوید ، صادق نیست.

.

عنه عليه السلام :إنَّ أولياءَ اللّهِ هُمُ الَّذينَ نَظَروا إلى باطِنِ الدُّنيا إذا نَظَرَ النّاسُ إلى ظاهِرِها ، وَاشتَغَلوا بِآجِلِها إذَا اشتَغَلَ النّاسُ بِعاجِلِها ، فَأماتوا مِنها ما خَشوا أن يُميتَهُم ، وتَرَكوا مِنها ما عَلِموا أنّهُ سَيَترُكُهُم ، ورَأَوُا استِكثارَ غَيرِهِم مِنهَا استِقلالاً ، ودَرَكَهُم لَها فَوتا ، أعداءُ ما سالَمَ النّاسُ ، وسِلمُ ما عادَى النّاسُ ، بِهِم عُلِمَ الكِتابُ وبِهِ عَلِموا ، وبِهِم قامَ الكِتابُ وبِهِ قاموا ، لا يَرَونَ مَرجُوّا فَوقَ ما يَرجونَ ، ولا مَخوفا فَوقَ ما يَخافونَ . (1)

أعلام الدين عن أنس :قالوا : يا رَسولَ اللّه ، مَن أولِياءُ اللّهِ الَّذينَ لا خَوفٌ عَلَيهِم ولا هُم يَحزَنونَ ؟ فَقالَ : الَّذينَ نَظَروا إلى باطِنِ الدُّنيا حينَ نَظَرَ النّاسُ إلى ظاهِرِها ، فَاهتَمّوا بِآجِلِها حينَ اهتَمَّ النّاسُ بِعاجِلِها ، فَأماتوا مِنها ما خَشوا أن يُميتَهُم ، وتَرَكوا مِنها ما عَلِموا أن سَيَترُكُهُم ، فَما عَرَضَ لَهُم مِنها عارِضٌ إلاّ رَفَضوهُ ، ولا خادَعَهُم مِن رِفعَتِها خادِعٌ إلاّ وَضَعوهُ . خُلِقَتِ الدُّنيا عِندَهُم فَما يُجَدِّدونَها ، وخَرِبَت بَينَهُم فَما يَعمُرونَها ، وماتَت فى صُدورِهِم فَما يُحيونَها ، بَل يَهدِمونَها فَيَبنونَ بِها آخِرَتَهُم ، ويَبيعونَها فَيَشتَرونَ بِها ما يَبقى لَهُم . نَظَروا إلى أهلِها صَرعى قَد حَلَّت بِهِمُ المَثُلاتُ ، فَما يَرَونَ أمانا دونَ ما يَرجونَ ، ولا خَوفا دونَ ما يَجِدونَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :فى مُناجاةِ موسى عليه السلام : . . . يا موسى ، إنَّ عِبادِىَ الصّالِحينَ زَهِدوا فِى الدُّنيا بِقَدرِ عِلمِهِم ، وسائِرَ الخَلقِ رَغِبوا فيها بِقَدرِ جَهلِهِم ، وما مِن أحَدٍ عَظَّمَها فَقَرَّت عَينَاهُ فيها ، ولَم يُحَقِّرها أحَدٌ إلاَّ انتَفَعَ بِها . (3)

.

1- .نهج البلاغه : الحكمه 432 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 160 ح 3436 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 319 ح 36 .
2- .أعلام الدين : ص 338 ، الأمالى للمفيد : ص 86 ح 2 عن ابن عبّاس عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ، ص 181 ح 10 ؛ الزهد لابن حنبل : ص 78 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 10 ، الأولياء لابن أبى الدنيا : ص 40 ، ح 18 ، تاريخ دمشق : ج 47 ، ص 466 كلّها عن وهب بن مُنبّه عن عيسى عليه السلام نحوه .
3- .الكافى : ج 2 ص 317 ح 9 ، ثواب الأعمال : ص 263 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 765 ح 1028 ، تفسير القمّى : ج 1 ص 243 كلّها عن حفص

بن غياث ، مشكاه الأنوار : ص 470 ح 1575 ، روضه الواعظين : ص 490 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 21 ح 10 .

امام علی علیه السلام :اولیای خدا کسانی هستند که به باطن دنیا نگریستند ، آن گاه که مردم ظاهر آن را دیدند، و به آینده دنیا پرداختند ، آن گاه که مردم به اکنونِ آن سرگرم شدند. از این رو، از دنیا آنچه را که ترسیدند آنان را بمیراند ، میراندند، و آنچه را که دانستند به زودی ترکشان خواهد کرد ، ترک گفتند، و آنچه را دیگران بسیار [و ارزشمند [شمردند ، اندک [و بی ارزش] شمردند، و دستیابی شان به دنیا را از دست دادن [آخرت [دانستند . با آنچه مردمْ آشتی کردند ، دشمنی ورزیدند، و با آنچه مردمْ دشمنی کردند ، آشتی نمودند . قرآن ، به واسطه آنان دانسته شده است و آنان ، به قرآنْ دانایند . قرآن به وسیله آنان برپاست و آنان به قرآن برپایند. بالاتر از آنچه بدان امید دارند ، چیزی را شایسته امیدواری نمی بینند، و بالاتر از آنچه از آن می ترسند ، چیزی را سزاوار ترس نمی دانند.

أعلام الدین به نقل از اَنَس :گفتند : ای پیامبر خدا! آن اولیای خدا که هیچ بیم و اندوهی به آنان راه ندارد ، (1) چه کسانی هستند؟ فرمود: «کسانی که وقتی مردمْ ظاهر دنیا را دیدند ، آنها باطنش را دیدند. از این رو، وقتی مردم به اکنونِ دنیا اهتمام ورزیدند ، آنها به آینده اش اهتمام نمودند. پس، از دنیا آنچه را که ترسیدند آنان را بمیراند ، میراندند، و آنچه را که دانستند به زودی ترکشان خواهد کرد ، ترک گفتند . در نتیجه، هیچ چیزِ دنیا خود را به آنان عرضه نکرد ، مگر این که دست رد به سینه آن زدند، و هیچ رفعتی از دنیا در صدد فریب آنان بر نیامد ، مگر این که آن را پَست شمردند. دنیا در نزد آنان کهنه شده است و آن را نو نمی کنند، و در میانشان خراب گشته است و آبادش نمی کنند، و در سینه هایشان مرده است و زنده اش نمی کنند؛ بلکه ویرانش می کنند و با آن ، آخرتشان را می سازند، و آن را می فروشند و با آن ، چیزی می خرند که برایشان می ماند. اهل دنیا را دیدند که بر خاک در افتاده اند و انواع کیفرها[ی الهی] را چشیده اند. از این رو، امنیّت را جز در آنچه امید بدان دارند (بهشت) ، و ترس را جز در آنچه می یابند (دوزخ) ، نمی بینند».

امام صادق علیه السلام :در مناجات [خدا با] موسی علیه السلام است که : «ای موسی! بندگانِ نیک من ، به اندازه دانششان (معرفتشان) به دنیا زهد ورزیدند، و دیگر مردمان ، به اندازه نادانی شان به آن راغب گشتند. و هیچ کس نیست که دنیا را بزرگ شمارد و چشمش در آن ، روشن گردد؛ و هیچ

کس [نیست که] آن را خُرد نشمرد ، مگر این که بِدان بهره مند می شود».

.

1- .اشاره است به آیه 62 از سوره یونس .

الإمام الكاظم عليه السلام عِندَ قَبرٍ :إنَّ شَيئا هذا آخِرُهُ لَحَقيقٌ (1) أن يُزهَدَ فى أوَّلِهِ ، وإنَّ شَيئا هذا أوَّلُهُ لَحَقيقٌ أن يُخافَ آخِرُهُ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام : وفيدونِ ما عايَنتَ مِن فَجَعاتِها إلى رَفضِها داعِ وبِالزُّهد آمِرُ فَجِدَّ ولا تَغفَل فَعَيشُکَ زائِلٌ وأنتَ إلى دارِ المَنِيَّهِ صائِرُ ولا تَطلُبِ الدُّنيا فَإِنَّ طِلابَها وإن نِلتَ مِنها غِبُّهُ (3) لَکَ ضائِرُ (4)

راجع : ص 162 (ما الدنيا وما عسى أن تكون) .

4 / 4مَعرِفَهُ الآخِرَهِالإمام علىّ عليه السلام :کَيفَ يَزهَدُ فِى الدُّنيا مَن لا يَعرِفُ قَدرَ الآخِرَهِ ! (5)

عنه عليه السلام فى صِفَهِ الجَنَّهِ :فَلَو رَمَيتَ بِبَصَرِ قَلبِکَ نَحوَ ما يوصَفُ لَکَ مِنها ، لَعَزَفَت نَفسُک عَن بَدائِعِ ما اُخرِجَ إلَى الدُّنيا مِن شَهَواتِها ولَذّاتِها وزَخارِفِ مَناظِرِها . (6)

.

1- .فلانٌ حَقيقٌ بكذا : أى خَليق (المصباح المنير : ص 144 «حقق») .
2- .معانى الأخبار : ص 343 ح 1 عن حفص بن غياث النخعى ، تحف العقول : ص 408 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 103 ح 91 .
3- .غِبُّ كلِّ شىء : عاقبته (الصحاح : ج 1 ص 190 «غبب») .
4- .البلد الأمين : ص 321 عن الزهرى ، روضه الواعظين : ص 496 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 159 ح 19 ؛ تاريخ دمشق : ج 41 ص 405 عن الزهرى .
5- .غرر الحكم : ح 6987 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 384 ح 6489 .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 165 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 68 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 162 ح 104 .

4 / 4 شناخت آخرت

امام کاظم علیه السلام بر سر گوری :چیزی (دنیا) که انجامش این است ، به راستی ، سزاوار است که از همان آغاز ، بدان زهد ورزیده شود، و چیزی (آخرت) که آغازش این است ، هر آینه سزاوار است که از انجام آن ، ترسیده شود.

امام زین العابدین علیه السلام : در کمترین ناملایمات دنیا که دیده ای / دعوتگری است به طرد آن ، و دستور دهنده ای است به ترک آن پس، بکوش و غافل مشو؛ زیرا زندگی تو ، به سر آمدنی است / و تو به سرای مرگ ، ره سپاری و دنیا را مَطلَب ، که طلبیدن دنیا / اگر چه به چیزی از آن برسی ، عاقبت برایت زیانبار است .

ر . ک : 163 (دنیا چیست و چه می تواند باشد؟) .

4 / 4شناخت آخرتامام علی علیه السلام :کسی که قدر آخرت را نمی شناسد ، چگونه در دنیا زهد بورزد؟ !

امام علی علیه السلام در وصف بهشت :اگر با چشم دلت به آنچه از بهشت برایت وصف می شود ، نظر افکنی ، بی گمان جان تو از خواهش ها و خوشی های دل انگیز دنیا و منظره های فریبای آن ، دوری خواهد کرد.

.

عنه علیه السلام :أصلُ الزُّهدِ حُسنُ الرَّغبَهِ فیما عِندَ اللّهِ . (1)

4 / 5الیَقینالإمام علیّ علیه السلام :الزُّهدُ ثَمَرَهُ الیَقینِ . (2)

عنه علیه السلام :زُهدُ المَرءِ فیما یَفنی عَلی قَدرِ یَقینِهِ بِما یَبقی . (3)

عنه علیه السلام :الیَقینُ أفضَلُ الزَّهادَهِ . (4)

عنه علیه السلام :أصلُ الزُّهدِ الیَقینُ ، وثَمَرَتُهُ السَّعادَهُ . (5)

عنه علیه السلام :یُستَدَلُّ عَلَی الیَقینِ بِقَصرِ الأَمَلِ ، وإخلاصِ العَمَلِ ، وَالزُّهدِ فِی الدُّنیا . (6)

4 / 6الدّینالإمام علیّ علیه السلام :الزُّهدُ ثَمَرَهُ الدّینِ . (7)

.

1- .غرر الحکم : ح 3086 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 121 ح 2739 .
2- .غرر الحکم : ح 459 وح 4601 نحوه ، عیون الحکم والمواعظ : ص 26 ح 298 .
3- .غرر الحکم : ح 5488 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 277 ح 5040 .
4- .غرر الحکم : ح 391 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 38 ح 833 .
5- .غرر الحکم : ح 3099 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 121 ح 2749 .
6- .غرر الحکم : ح 10970 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 555 ح 10234 .
7- .غرر الحکم : ح 412 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 33 ح 609 .

4 / 5 یقین

4 / 6 دین

امام علی علیه السلام :ریشه زهد، رغبتِ شایسته است به آنچه نزد خداست .

4 / 5یقینامام علی علیه السلام :زهد، ثمره یقین است.

امام علی علیه السلام :زهد انسان نسبت به آنچه ناپایدار است ، به اندازه یقین اوست به آنچه ماندگار است.

امام علی علیه السلام :یقین، برترین زهد است.

امام علی علیه السلام :ریشه زهد ، یقین است و میوه اش نیک بختی .

امام علی علیه السلام :نشانه های برخورداری از یقین ، کوتاه کردن آرزو، اخلاص در عمل، و زهدورزی در دنیا هستند .

4 / 6دینامام علی علیه السلام :زهد، میوه دین است.

.

عنه علیه السلام :مَن کَرُمَ دینُهُ عِندَهُ هانَتِ الدُّنیا عَلَیهِ . (1)

4 / 7الإخلاصالکافی عن السِّندی عن الإمام الباقر علیه السلام :ما أخلَصَ العَبدُ الإیمانَ بِاللّهِ أربَعینَ یَوما أو قالَ : ما أجمَلَ عَبدٌ ذِکرَ اللّهِ أربَعینَ یَوما (2) إلاّ زَهَّدَهُ اللّهُ فِی الدّنیا ، وبَصَّرَهُ داءَها ودَواءَها ؛ فَأثبَتَ الحِکمَةَ فی قَلبِهِ وأنطَقَ بِها لِسانَهُ . (3)

4 / 8ذِکرُ المَوتِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :کَفی بِالمَوتِ مُزَهِّدا فِی الدُّنیا ومُرَغِّبا فِی الآخِرَهِ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :أفضَلُ الزُّهدِ فِی الدُّنیا ذِکرُ المَوتِ . (5)

عنه صلی الله علیه و آله :ألا فَزورُوا القُبورَ ؛ فَإِنَّها تُزَهِّدُ فِی الدُّنیا وتُذَکِّرُ الآخِرَهَ . (6)

.

1- .غرر الحکم : ح 8605 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 460 ح 8350 .
2- .یؤیّد الاحتمال الأوّل ما روی فی آثار الإخلاص . راجع : موسوعه العقائد الإسلامیّه : مبادئ الإلهام : الإخلاص .
3- .الکافی : ج 2 ص 16 ح 6 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 240 ح 8 وراجع کلام المجلسی قدس سره فی بیانه .
4- .المصنّف لابن أبی شیبه : ج 8 ص 129 ح 28 عن الربیع ، الفردوس : ج 3 ص 290 ح 4868 عن أنس وفیه «بذکر الموت» بدل «بالموت» ، کنز العمّال : ج 15 ص 547 ح 117 نقلاً عن الزهد لابن حنبل .
5- .الفردوس : ج 1 ص 357 ح 1441 عن أنس ، کنز العمّال : ج 15 ص 544 ح 42104 ؛ جامع الأخبار : ص 473 ح 1334 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 137 ح 41 .
6- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 531 ح 1387 ، سنن ابن ماجه : ج 1 ص 501 ح 1571 ، السنن الکبری : ج 4 ص 129 ح 7197 ، أخبار مکّه للأزرقی : ج 2 ص 211 کلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، کنز العمّال : ج 15 ص 653 ح 42589 .

4 / 7 اخلاص

4 / 8 یاد مرگ

امام علی علیه السلام :هر که دینش برای او ارجمند باشد ، دنیا در نظرش خوار می آید.

4 / 7اخلاصالکافی به نقل از سِندی :امام باقر علیه السلام فرمود : «هیچ بنده ای چهل روز ، ایمان به خداوند را خالص نگردانید» یا فرمود : «هیچ بنده ای چهل روز پیوسته ، ذکر خداوند نگفت ، مگر آن که خدایاو را نسبت به دنیا زاهد گردانید و درد و داروی آن را بدو شناساند، و حکمت را در دلش نِگاشت و زبانش را بدان گویا ساخت».

4 / 8یاد مرگپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مرگ، بهترین عاملِ زهدورزی در دنیا و ترغیب به آخرت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین [عامل] زهدورزی در دنیا، یاد مرگ است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان! به زیارت قبور بروید که موجب زهدورزی در دنیا و یادآوری آخرت می شود.

.

الإمام علىّ عليه السلام :مَن أكثَرَ مِن ذِكرِ المَوتِ ، قَلَّت فِى الدُّنيا رَغبَتُهُ . (1)

عنه عليه السلام :مَن صَوَّرَ المَوتَ بَينَ عَينَيهِ ، هانَ أمرُ الدُّنيا عَلَيهِ . (2)

عنه عليه السلام :مَن أكثَرَ مِن ذِكرِ المَوتِ ، رَضِىَ مِنَ الدُّنيا بِاليَسيرِ . (3)

عنه عليه السلام :أُوصيكُم بِذِكرِ المَوتِ وإقلالِ الغَفلَةِ عَنهُ ، وكَيفَ غَفلَتُكُم عَمّا لَيسَ يُغفِلُكُم ، وطَمَعُكُم فيمَن لَيسَ يُمهِلُكُم ! فَكَفى واعِظا بِمَوتى عايَنتُموهُم ، حُمِلوا إلى قُبورِهِم غَيرَ راكِبينَ ، وأُنزِلوا فيها غَيرَ نازِلينَ ، فَكَأَنَّهُم لَم يَكونوا لِلدُّنيا عُمّاراً ، وكَأَنَّ الآخِرَةَ لَم تَزَل لَهُم دارا ، أوحَشوا ما كانوا يوطِنونَ ، وأوطَنوا ما كانوا يوحِشونَ ، وَاشتَغَلوا بِما فارَقوا ، وأضاعوا ما إلَيهِ انتَقَلوا ، لا عَن قَبيحٍ يَستَطيعونَ انتِقالاً ، ولا فى حَسَنٍ يَستَطيعونَ ازدِيادا ، أنِسوا بِالدُّنيا فَغَرَّتهُم ، ووَثِقوا بِها فَصَرَعَتهُم . (4)

الكافى عن أبى عُبَيدَةَ الحَذّاء :قُلتُ لِاَبى جَعفَرٍ عليه السلام : حَدِّثنى بِما أنتَفِعُ بِهِ ، فَقالَ : يا أبا عُبَيدَةَ ، أكثِر ذِكرَ المَوتِ ؛ فَإِنَّهُ لَم يُكثِر إنسانٌ ذِكرَ المَوتِ إلاّ زَهِدَ فِى الدُّنيا. (5)

الإمام الصادق عليه السلام فى حَديثٍ يَذكُرُ فيهِ قِصَّةَ داوودَ عليه السلام :إنَّهُ خَرَجَ يَقرَأُ الزَّبور ، وكانَ إذا قَرَأَ الزَّبورَ لايَبقى جَبَلٌ ولا حَجَرٌ ولا طائِرٌ إلاّ جاوَبَتهُ . فَانتَهى إلى جَبَلٍ ، فَإذا عَلى ذلِكَ الجَبَلِ نَبِىٌّ عابِدٌ ، يُقالُ لَهُ : حِزقيل ، فَلَمّا سَمِعَ دَوِىَّ الجِبالِ وأصواتَ السِّباعِ وَالطَّيرِ عَلِمَ أنَّهُ داوودُ عليه السلام ، فَقالَ داوودُ عليه السلام : يا حِزقيل ، تَأذَنُ لى فَأصعَدَ إلَيكَ؟ قالَ : لا . فَبَكى داوودُ عليه السلام ، فَأوحَى اللّهُ إلَيهِ : يا حزقيلُ ، لا تُعَيِّر داوودَ وسَلنِى العافِيَةَ . قالَ : فَأخَذَ حِزقيلُ بِيَدِ داوودَ ورَفَعَهُ إلَيهِ . فَقالَ داوودُ عليه السلام : يا حِزقيل ، هَل هَمَمتَ بِخَطيئَةٍ قَطّ؟ قالَ : لا . قالَ : فَهَل دَخَلَكَ العُجبُ بِما أنتَ فيهِ مِن عِبادَةِ اللّهِ ؟ قالَ : لا . قالَ : فَهَل رَكَنتَ إلَى الدُّنيا فَأحبَبتَ أن تَأخُذَ مِن شَهَواتِها ولَذّاتِها؟ قالَ : بَلى ، رُبَّما عَرَضَ ذلِكَ بِقَلبى . قالَ : فَما كُنتَ تَصنَعُ إذا كانَ ذلِكَ؟ قالَ : أدخُلُ هذَا الشِّعبَ فَأعتَبِرُ بِما فيهِ . قالَ : فَدَخَلَ داوودُ عليه السلام الشِّعبَ ، فَإذا سَريرٌ مِن حَديدٍ عَلَيهِ جُمجُمَةٌ بالِيَةٌ وعِظامٌ فانِيَةٌ ، وإذا لَوحٌ مِن حَديدٍ فيهِ كِتابَةٌ ، فَقَرَأَها داوودُ عليه السلام فَإذا هِىَ : أنَا أروَى بنُ سَلَم ، مَلَكتُ ألفَ سَنَةٍ ، وبَنَيتُ ألفَ مَدينَةٍ ،

وافتَضَضتُ ألفَ بِكرٍ ، فَكانَ آخِرُ عُمُرى أن صارَ التَّرابُ فِراشى ، وَالحِجارَةُ وِسادَتى ، وَالدّيدانُ وَالحَيّاتُ جيرانى ، فَمَن رَآنى فَلا يَغتَرَّ بِالدُّنيا . (6)

.

1- .غرر الحكم : ح 8766 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 438 ح 7600 .
2- .غرر الحكم : ح 8604 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 460 ح 8349 وفيه «خفّ الاهتمام بأمر الدنيا» بدل «هان أمر الدنيا» .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 349 ، تحف العقول : ص 89 و ص 100 ، كنز الفوائد : ج 1 ، ص 63 ، روضه الواعظين : ص 537 ، بحار الأنوار : ج 71 ، ص 267 ، ر 16 ؛ دستور معالم الحكم : ص 29 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 188 .
5- .الكافى : ج 2 ص 131 ح 13 وج 3 ص 255 ح 18 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 78 ح 210 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 193 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 221 ، مشكاه الأنوار : ص 525 ح 1767 عن الإمام الصادق عليه السلام .
6- .كمال الدين : ص 524 ح 6 ، الأمالى للصدوق : ص 159 ح 157 كلاهما عن هشام بن سالم ، تفسير القمّى : ج 2 ص 231 ، روضه الواعظين : ص 484 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 25 ح 3 .

امام علی علیه السلام :هر که بسیار یاد مرگ کند ، رغبتش به دنیا کم می شود.

امام علی علیه السلام :هر که [پیوسته] مرگ را در برابر دیدگان خود مجسّم کند ، دنیا برایش بی اهمّیت می شود.

امام علی علیه السلام :هر که بسیار یاد مرگ کند ، از دنیا به اندک ، قناعت می ورزد.

امام علی علیه السلام :شما را سفارش می کنم که به یاد مرگ باشید و غفلت از آن را کم کنید. چگونه غافلید از چیزی که از شما غافل نیست، و به کسی (ملک الموت) طمع بسته اید که شما را مهلت نمی دهد؟! مشاهده مردگان ، خود، برای پند آموختن ، بسنده است؛ مردگانی که به گورهایشان حمل شدند ، بی آن که سوار بر مرکَبی باشند، و در گورهایشان فرود آورده شدند ، بی آن که [به اختیارِ] خود فرود آیند. تو گویی آبادگران [و ساکنان] دنیا نبوده اند، و گویی همیشه آخرت ، سرای آنان بوده است! جایی را که وطن خود می پنداشتند ، خالی کردند و در جایی وطن گزیدند که از آن می رمیدند [و آن را خانه خود نمی پنداشتند]. به دنیایی که از آن جدا می گشتند ، سرگرم شدند و آخرتی را که به آن منتقل می شدند ، تباه نمودند ، و [اکنون ،] نه از کار زشتی می توانند برگردند، و نه بر کار نیکی می توانند بیفزایند . به دنیا اُنس گرفتند؛ ولی دنیا آنان را گول زد، و به دنیا اعتماد کردند؛ ولی دنیا آنان را به خاک افکند.

الکافی به نقل از ابو عبیده حذّاء :به امام باقر علیه السلام گفتم : حدیثی برایم بگویید تا از آن بهره مند شوم. فرمود: «ای ابو عبیده! بسیار به یاد مرگ باش؛ زیرا هیچ انسانی از مرگ ، بسیار یاد نکرد ، مگر آن که در دنیا زاهد شد».

امام صادق علیه السلام در حدیثی که در آن ، قصّه داوود علیه السلام را فرمود :او بیرون رفت و به خواندن زبور پرداخت، و هر گاه زبور می خواند ، همه کوه ها و سنگ ها و پرندگان ، با او هم صدا می شدند. به کوهی رسید. بر آن کوه ، پیامبری عابد بود که به او حِزقیل می گفتند. او چون همهمه کوه ها و صدای درندگان و پرندگان را شنید ، دانست که داوود علیه السلام است. داوود علیه السلام گفت: ای حِزقیل! اجازه می دهی که به

نزد تو فراز آیم؟ حزقیل گفت: نه. داوود علیه السلام گریست. خداوند به حزقیل وحی فرمود که: «ای حزقیل! داوود را سرزنش مکن، و از من ، عافیت بخواه». پس ، حزقیل ، دست داوود را گرفت و به سوی خود ، بالا کشید. داوود علیه السلام گفت: ای حزقیل! آیا هرگز قصد گناهی کرده ای؟ گفت: نه. داوود گفت: آیا از این که عبادت خدا را در پیش گرفته ای هرگز دچار غرور شده ای؟ گفت: نه. داوود گفت: آیا هرگز میل به دنیا کرده ای و دوست داشته ای که از خواسته ها و خوشی های آن برگیری؟ گفت: آری ، گاهی به دلم خطور کرده است. داوود گفت: در این صورت ، چه می کنی؟ گفت: به این درّه می آیم و از آنچه در آن است ، عبرت می گیرم. داوود علیه السلام وارد درّه شد . تختی آهنین دید که بر آن ، جمجمه ای فرسوده و استخوان های پوسیده است، و نیز لوحی از آهن که در آن چیزی نوشته بود. داوود علیه السلام آن نوشته را خواند . چنین آمده بود: «من آروی پسر سَلَمْ هستم . هزار سال پادشاهی کردم، و هزار شهر بساختم، و با هزار دختر ، عروسی کردم؛ امّا سرانجام خاک ، بسترم شد و سنگ ، بالشم و کرم ها و مارها همسایگانم. پس ، هر که مرا می بیند ، نباید فریب دنیا را بخورد».

.

ص: 152

. .

ص: 153

. .

4 / 9كَرامَةُ النَّفسِالإمام علىّ عليه السلام :ما كَرُمَت عَلى عَبدٍ نَفسُهُ إلاّ هانَتِ الدُّنيا فى عَينِهِ . (1)

عنه عليه السلام :منَ كَرُمَت نَفسُهُ صَغُرَتِ الدُّنيا فى عَينِهِ . (2)

4 / 10الحَزمالإمام علىّ عليه السلام :أحزَمُكُم أزهَدُكُم . (3)

4 / 11التَّزَهُّدالإمام علىّ عليه السلام :التَّزَهُّدُ يُؤَدّى إلَى الزُّهدِ . (4)

عنه عليه السلام :أوَّلُ الزُّهدِ التَّزَهُّدُ . (5)

عنه عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى : . . . يا أحمَد ، إن أحبَبتَ أن تَكونَ أورَعَ النّاسِ فَازهَد فِى الدُّنيا وَارغَب فِى الآخِرَهِ ، فَقالَ [رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله] : إلهى كَيفَ أزهَدُ فِى الدُّنيا؟ فَقالَ : خُذ مِنَ الدُّنيا حُفَنا مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ وَاللِّباسِ ولا تَدَّخِر لِغَدٍ ، ودُم عَلى ذِكرى . (6)

.

1- .غرر الحكم : ح 9861 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 482 ح 8889 .
2- .غرر الحكم : ح 9130 .
3- .غرر الحكم : ح 2832 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 113 ح 2458 .
4- .غرر الحكم : ح 1120 .
5- .غرر الحكم : ح 2922 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 118 ح 2629 .
6- .إرشاد القلوب : ص 199 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 22 ح 6 .

4 / 9 کرامت نفس

4 / 10 دوراندیشی

4 / 11 خود را به زهد ورزی وا داشتن

4 / 9کرامت نفسامام علی علیه السلام :هیچ بنده ای کرامت نَفْس نیافت ، مگر آن که دنیا در چشمش خوار شد.

امام علی علیه السلام :کسی که کرامت نفْس داشته باشد ، دنیا در نظرش کوچک می شود.

4 / 10دوراندیشیامام علی علیه السلام :دوراندیش ترینِ شما، زاهدترینِ شماست.

4 / 11خود را به زهد ورزی وا داشتنامام علی علیه السلام :خود را به زهدورزی وا داشتن ، به زاهد شدن می انجامد.

امام علی علیه السلام :آغاز زاهد شدن ، خود را به زهد واداشن است.

امام علی علیه السلام یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله :خدای متعال فرمود : «... ای احمد! اگر دوست داری که پارساترینِ مردم باشی، به دنیا زاهد و به آخرت ، راغب باش». [پیامبر خدا] گفت: معبودا! چگونه به دنیا زهد بورزم؟ فرمود: «از دنیا چند مشتی غذا و آب و پوشاک برگیر و برای فردا میندوز، و همواره به یاد من باش».

.

4 / 12الاِستِعانَهُ بِاللّهِإدريس عليه السلام مِن دُعائِهِ :اللّهُمَّ سَلِّ قَلبى عَن كُلِّ شَىءٍ لا أَتَزَوَّدُهُ إلَيکَ ، ولا أنتَفِعُ بِهِ يَومَ ألقاکَ مِن حَلالٍ أو حَرامٍ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الدُّعاءِ :وَارزُقنى مِنَ الدُّنيا وزَهِّدنى فيها . (2)

عنه عليه السلام مِمّا دَعا بِهِ يَومَ الجَمَلِ قَبلَ الواقِعَهِ :أسأَ لُکَ بِاسمِکَ الَّذى عَلا أن تَمُنَّ عَلَىَّ بِواجِبِ شُکرى نِعمَتَکَ ، رَبِّ ما أحرَصَنى عَلى ما زهَّدتَنى فيهِ وحَثَثتَنى عَلَيهِ ، إن لَم تُعِنّى عَلى دُنياىَ بِزُهدٍ (3) وعَلى آخِرَتى بِتَقوى (4) هَلَکتُ . رَبّى دَعَتنى دَواعِى الدُّنيا مِن حَرثِ النِّساءِ وَالبَنينَ فَأَجَبتُها سَريعا وَرَکَنتُ إلَيها طائِعا ، ودَعَتنى دَواعِى الآخِرَهِ مِنَ الزُّهدِ وَالاِجتِهادِ فَکَبَوتُ لَها ، ولَم اُسارِع إلَيها مُسارَعَتى إلَى الحُطامِ الهامِدِ وَالهَشيمِ (5) البائِدِ وَالسَّرابِ الذّاهِبِ عَن قَليلٍ . (6)

صحيح البخارى عن سَعدِ بن أبى وَقّاصٍ :كانَ النَّبِى صلى الله عليه و آله يُعَلِّمُنا هؤُلاءِ الكَلِماتِ كَما تُعَلَّمُ الكِتابَهُ : اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ البُخلِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الجُبنِ ، وأعوذُ بِکَ مِن أن نُرَدَّ إلى أرذَلِ العُمُرِ ، وأعوذُ بِکَ مِن فِتنَهِ الدُّنيا وعَذابِ القَبرِ . (7)

.

1- .مصباح المتهجّد : ص603 الرقم 693 ، الإقبال : ج1 ص182 ، بحار الأنوار : ج98 ص99 ح2 .
2- .الكافى : ج 2 ص 590 ح 30 عن يعقوب بن شعيب عن الإمام الصادق عليه السلام .
3- .فى المصدر : «زهد» ، والتصويب من بحار الأنوار .
4- .فى المصدر : «بتقواى» ، والتصويب فى بحار الأنوار .
5- .الهَشِيمُ : النبات اليابس المتكسّر (المصباح المنير : ص 638 «هشم») .
6- .مُهج الدعوات : ص 126 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 235 ح 9 .
7- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2347 ح 6027 وص 2343 ح 6013 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 562 ح 3567 ، سنن النسائى : ج 8 ص 256 وص 266 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 395 ح 1621 وص 387 ح 1585 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 2 ص 690 ح 5095 وراجع سنن أبى داوود : ج 2 ص 90 ح

1539 وسنن ابن ماجه : ج 2 ص 1263 ح 3844 والمستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 712 ح 1943 .

4 / 12یاری جستن از خداادریس علیه السلام در دعایش :بار خدایا! دلم را از هر چیزی (حلال یا حرام) که ره توشه من به سوی تو نمی شود و در روز دیدارم با تو ، از آن سودی نمی برم، روی گردان کن.

امام علی علیه السلام در دعا :روزیِ مرا از دنیا عطا کن و مرا به آن ، بی رغبت گردان.

امام علی علیه السلام در دعایی در روز جَمَل ، پیش از وقوع جنگ :به حقّ آن نام بلندت ، از تو درخواست می کنم که بر من منّت نهی تا وظیفه شکرگزاری نعمتت را به جای آورم. پروردگارا! چه آزمندم من به آنچه تو مرا نسبت بدان ترغیب به زهد کردی و بر این ، تشویقم نمودی! اگر به من کمک نکنی که در دنیایم زهد بورزم و برای آخرتم تقوا بیندوزم ، نابود خواهم شد. پروردگار من! دعوتگران (انگیزه های) دنیا، از زن و فرزند، مرا فرا خواندند و من به سرعت ، اجابتشان کردم و با میل ، به دنیا گراییدم. و دعوتگران آخرت، از زهد و کوشش در عبادت، مرا فرا خواندند و من صدای آنها را خاموش کردم و آن سان که به سوی خاشاک خشکیده و خسی که بر باد می رود و سرابی که به زودی از میان می رود (دنیا) شتافتم ، به سوی آن دعوتگرها نشتافتم.

صحیح البخاری به نقل از سعد بن ابی وقّاص :پیامبر صلی الله علیه و آله این جملات را ، آن گونه که سواد و نوشتن یاد داده می شود ، به ما می آموخت : «بار خدایا! پناه می برم به تو از بخل . پناه می برم به تو از ترسویی . پناه می برم به تو از این که تا فروترین (دوره) عمر (فرتوتی) ، واپس برده شویم. پناه می برم به تو از گرفتاری دنیا و عذاب قبر».

.

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ يَومَ عَرَفَه :وَانزِع مِن قَلبى حُبَّ دُنيا دَنِيَّهٍ تَنهى عَمّا عِندَکَ ، وتَصُدُّ عَنِ ابتِغاءِ الوَسيلَهِ إلَيکَ ، وتَذهَلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنکَ . (1)

عنه عليه السلام :إلهى أسأَلُکَ بِحَقِّکَ الواجِبِ عَلى جَميعِ خَلقِکَ . . . أن تُسَلِّىَ نَفسى عَنِ الدُّنيا بِمَخافَتِکَ ، وأن تُثنِيَنى بِالكَثيرِ مِن كَرامَتِکَ بِرَحمَتِکَ . (2)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وآلِ مُحَمَّد ، وَاقبِض عَلَى الصِّدقِ نَفسى ، وَاقطَع مِنَ الدُّنيا حاجَتى ، وَاجعَل فيما عِندَکَ رَغبَتى شَوقا إلى لِقائِکَ . (3)

عنه عليه السلام مِن كَلامٍ لَهُ كانَ يَعِظُ بِهِ النّاسَ فى كُلِّ جُمُعَهٍ ، يَقولُ فى آخِرِهِ :أسأَلُ اللّهَ العَونَ لَنا ولَكُم عَلى تَزَوُّدِ التَّقوى وَالزُّهدِ فيها ، جَعَلَنَا اللّهُ وإيّاكُم مِنَ الرّاهِدينَ فى عاجِلِ زَهرَهِ الحَياهِ الدُّنيَا ، الرّاغِبينَ لِآجِلِ ثَوابِ الآخِرَهِ ، فَإِنَّما نَحنُ بِهِ ولَهُ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّد النَّبِىِّ وآلِهِ وسَلَّمَ . (4)

كشف الغُمَّه عن عامر بنِ واثِلَه :كانَ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إذا تَلا هذِهِ الآيَهَ «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ كُونُواْ مَعَ الصَّدِقِينَ» (5) يَقولُ : اللّهُمَّ ادفَعنى فى أعلى دَرَجاتِ هذِهِ النَّدبَهِ (6) ، وأعِنّى بِعَزمِ الإرادَهِ ، وهَبنى حُسنَ المُستَعقَبِ مِن نَفسى ، وخُذنى مِنها حَتّى تَتَجَرَّدَ خَواطِرُ الدُّنيا عَن قَلبى مِن بَردِ خَشيَتى مِنکَ ، وَارزُقنى قَلبا ولِسانا يَتَجارَيانِ فى ذَمِّ الدُّنيا وحُسنِ التَّجافى مِنها ، حَتّى لا أقولَ إلاّ صَدَقتُ ، وأرِنى مَصاديقَ إجابَتِکَ بِحُسنِ تَوفيقِکَ ، حَتّى أكونَ فى كُلِّ حالٍ حَيثُ أرَدتَ . (7)

.

1- .الصحيفه السجّاديّه : ص 197 الدعاء 47 ، الإقبال : ج 2 ص 97 نحوه .
2- .الصحيفه السجّاديّه : ص 223 الدعاء 52 .
3- .الصحيفه السجّاديّه : ص 228 الدعاء 54 .
4- .الكافى : ج 8 ص 76 ح 29 ، الأمالى للصدوق : ص 596 ح 822 كلاهما عن سعيد بن المسيّب ، تحف العقول : ص 252 وفيه «هذه» بدل «زهره» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 146 ح 6 .

5- .التوبه : 119 .
6- .ندبته : أی بعثته ودعوته فأجاب (النهایه : ج 5 ص 34 «ندب») .
7- .کشف الغمّه : ج 2 ص 306 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 153 ح 18 ؛ ینابیع المودّه : ج 2 ص 367 ح 50 نحوه وراجع الصواعق المحرقه : ص 152 .

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش در روز عرفه :دوستیِ دنیای دون را از دلم بَر کن که از [دستیابی به] آنچه نزد توست ، باز می دارد، و از جستن وسیله رسیدن به تو مانع می شود، و از نزدیک شدن به تو غافل می سازد .

امام زین العابدین علیه السلام :معبود من! به آن حقّ تو که بر همه آفریدگانت واجب است ، از تو درخواست می کنم... که با افکندن خوفت در دلم ، دنیا را از یادم ببری، و به مهربانی ات به کرامت (احسان) فراوانت بازم گردانی.

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و جانم را بر راستی [در پندار و گفتار و کردار] بگیر، و نیازم را از دنیا قطع کن، و مرا به آنچه نزد توست ، راغب نما تا به دیدارت مشتاق گردم.

امام زین العابدین علیه السلام در پایان سخنانی که هر جمعه مردم را با آنها موعظه می کرد :از خداوند ، درخواست می کنم که ما و شما را در اندوختن توشه پرهیزگاری و دل برکندن از دنیا کمک کند، و ما و شما را از زِهدوَرزانِ به زرق و برق کنونی زندگی دنیا ، و از راغبانِ به پاداش آینده آخرت قرار دهد؛ چرا که ما وابسته به او و از آنِ اوییم. سلام خداوند بر محمّدِ پیامبر و خاندان او باد!

کشف الغُمَّه به نقل از عامر بن واثله :علی بن الحسین علیه السلام هر گاه این آیه را تلاوت می کرد: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و با راستینان باشید» ، می فرمود: «بار خدایا! مرا در بالاترین درجات این دعا قرار ده، و با اراده ای استوار کمکم کن، و عیبجوییِ نیکو (سازنده) از نفْسم را به من ارزانی دار، و مرا از آن بِستان تا با خنکای ترسم از تو، دلم از خُطورات دنیوی خالی گردد، و دل و زبانی روزی ام کن که در نکوهیدن دنیا و دوری گزیدن شایسته از آن ، همگام باشند ، به طوری که جز راست نگویم، و با حُسن توفیقت، مصادیق اجابتت را به من نشان بده ، به طوری که در هر حال ، چنان باشم که می خواهم».

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وآلِهِ ، وَارزُقنِى الرَّغبَةَ فِى العَمَلِ لَکَ لاِآخِرَتى حَتّى أعرِفَ صِدقَ ذلِکَ مِن قَلبى ، وحَتّى يَکونَ الغالِبُ عَلَىَّ الزُّهدَ فى دُنياىَ . (1)

.

1- .الصحيفه السجّاديّه : ص 94 الدعاء 22 .

ص: 161

امام زین العابدین علیه السلام :خدایا! بر محمّد و آل محمّد ، درود فرست و رغبت به کار خداپسندانه برای آخرتم را روزی ام کن، به طوری که درستی آن را با قلبم بشناسم، و به طوری که زهدورزی به دنیایم ، بر من چیره باشد.

.

الفصل الخامس : إرشاداتٌ لتحصيل الزهد5 / 1مَا الدُّنيا وما عسى أن تَكونَ؟الإمام علىّ عليه السلام فى وَصفِ الدُّنيا :هَل هِىَ إلاّ كَلُعقَهِ الآكِلِ ، ومَذقَهِ (1) الشّارِبِ ، وخَفقَهِ (2) الوَسنانِ (3) . (4)

عنه عليه السلام :إنَّما الدُّنيا ِسِتَّهُ أشياءَ : مَطعومٌ ومَشروبٌ ومَلبوسٌ ومَركوبٌ ومَنكوحٌ ومَشمومٌ ؛ فَأشرَفُ المَطعوماتِ العَسَلُ وهِىَ مَذقَهُ ذُبابَهٍ ، وأشرَفُ المَشروباتِ الماءُ يَستَوى فيهِ البَرُّ وَالفاجِرُ ، وأشرَفُ المَلبوساتِ الحَريرُ وهُوَ نَسجُ دودَهٍ ، وأشرَفُ المَركوباتِ الخَيلُ وعَلَيها ِيُقتَلُ الرِّجالُ ، وأشرَفُ المنَكوحاتِ النِّساءُ وهِىَ مَبالٌ فى مَبالٍ ، وإنَّ المَرأَهَ لَتُزَيِّنُ أحسَنَ ما فيها ويُرادُ أقبَحُ ما فيها ، وأشرَفُ المَشموماتِ هُوَ المِسكُ وهُوَ بَعضُ دَمٍ . (5)

.

1- .المَذْقَه : الشربه من اللبن (النهايه : ج 4 ص 311 «مذق») .
2- .خَفَق فلان خَفْقَةً : إذا نام نومةً خفيفه (لسان العرب : ج 10 ص 80 «خفق») .
3- .الوَسَن : النُّعاس، وقد وَسِنَ الرجلُ فهو وَسنان (الصحاح : ج 6 ص 2214 «وسن») .
4- .. الكافى : ج 8 ص 30 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 41 .
5- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 140 ، بحار الأنوار : ج 64 ص 240 .

5 / 1 دنیا چیست و چه می تواند باشد؟

فصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد5 / 1دنیا چیست و چه می تواند باشد؟امام علی علیه السلام در وصف دنیا :آیا دنیا جز مانند لقمه ای است که خورنده می خورد، و جرعه ای که نوشنده می نوشد، و خواب سبکی که شخص خفته دارد؟

امام علی علیه السلام :دنیا شش چیز است: خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی، سوار شدنی، آمیزشی ، و بوییدنی. بهترینِ خوردنی ها ، عسل است و آن ، [شیره گیاهی] آمیخته با بزاق مگسی است . بهترینِ نوشیدنی ها ، آب است که نیک و بد ، در [استفاده از [آن یکسان اند. بهترینِ پوشیدنی ها ، ابریشم است و آن ، تار [تنیده شده به وسیله [کرمی است. بهترینِ سوارشدنی ها اسب است و بر پشت آن ، مردان به قتل می رسند . بهترینِ آمیزش کردنی ها ، زنان اند و آن ، داخل شدن مَبالی در مبال دیگر است. زن ، بهترین عضو خود (چهره اش) را می آراید و مقصود اصلی ، زشت ترین عضو اوست. و بهترینِ بوییدنی ها ، مشک است و آن ، لخته ای خون است.

.

مطالب السؤول :نُقِلَ عَنهُ [عَلِيٍّ] عليه السلام أَنَّهُ رَأى جابِرَ بنَ عَبدِ اللّه وقَد تَنَفَّسَ الصُّعَداءَ ، فَقالَ عليه السلام لَهُ : يا جابِرُ عَلامَ تَنَفَّسُکَ ؟ عَلَى الدُّنيا؟ فَقالَ جابِرٌ : نَعَم . فَقالَ : مَلاذُّ الدُّنيا سَبعَهٌ : المَأكولُ وَالمَشروبُ وَالمَلبوسُ وَالمَنكوحُ وَالمَركوبُ وَالمَشمومُ وَالمَسموعُ ؛ فَأَلَذُّ المَأكولاتِ العَسَلُ وهُوَ بَصقٌ مِن ذُبابَهٍ ، وأجَلُّ المَشروباتِ الماءُ وكَفى بِإباحَتِهِ وسِياحَتِهِ (1) عَلى وَجهِ الأَرضِ ، وأعلَى المَلبوساتِ الدّيباجُ وهُوَ مِن لُعابِ دودَهٍ ، وأعلَى المَنكوحاتِ النِّساءُ وهِيَ مَبالٌ فِي مَبالٍ ومِثالٌ لِمِثالٍ ، وإنَّما يُرادُ أحسَنُ ما فِي المَرأَهِ لاَءَقبَح ما فيها ، وأعلَى المَركوباتِ الخَيلُ وهِيَ قَواتِلُ ، وأجَلُّ المَشمومات المِسکُ وهُوَ دَمٌ مِن سُرَّهِ دابَّهٍ ، وأجَلُّ المَسموعاتِ الغِناءُ وَالتَّرَنُّمُ وهُوَ إثمٌ . فَما هذِهِ صِفَتُهُ لَم يَتَنَفَّس عَلَيهِ عاقِلٌ ! قالَ جابِرُ بنُ عَبدِ اللّه : فَوَاللّهِ ما خَطَرَتِ الدُّنيا بَعدَها عَلى قَلبى . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :الدُّنيا كَيَومٍ مَضى ، وشَهرٍ اِنقَضى . (3)

الكافى عن جابر :دَخَلتُ عَلى أبى جَعفَرٍ عليه السلام فَقالَ : يا جابِرُ ، وَاللّهِ إنّى لَمَحزونٌ ، وإنّى لَمَشغولُ القَلبِ ، قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ وما شُغلُکَ؟ ! وما حُزنُ قَلبِکَ؟ فَقالَ : يا جابِرُ ، إنَّهُ مَن دَخَلَ قَلبَهُ صافى خالِصِ دينِ اللّهِ شَغَلَ قَلبَهُ عَمّا سِواهُ . يا جابِرُ ، مَا الدُّنيا وما عَسى أن تَكونَ الدُّنيا ، هَل هِيَ إلاّ طَعامٌ أكَلتَهُ ، أو ثَوبٌ لَبِستَهُ ، أوِ امرَأَهٌ أصَبتَها؟ ! (4)

.

1- .فى المصدر : «وسباحتِهِ» .
2- .مطالب السؤول : ص 56 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 11 ح 69 .
3- .غرر الحكم : ح 1205 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 46 ح 1130 .
4- .الكافى : ج 2 ص 132 ح 16 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 193 كلاهما عن جابر ، بحار الأنوار : ج 73 ص 36 ح 17 ؛ البدايه والنهايه : ج 9 ص 310 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه وراجع تحف العقول : ص 268 .

مطالب السؤول :درباره ایشان (امام علی علیه السلام) نقل شده است که دید جابر بن عبد اللّه ، آهی بلند از دل بر کشید. فرمود: «ای جابر! آهت برای چیست؟ برای دنیاست» . جابر گفت: آری. فرمود: «لذّت های دنیا ، هفت نوع اند : خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی، آمیزشی، سوار شدنی، بوییدنی، و شنیدنی. لذیذترینِ خوردنی ها ، عسل است و آن ، بزاق مگسی است. گواراترینِ نوشیدنی ها ، آب است و همین بس که نوشیدنی اش روا و در همه جای زمین ، روان است. عالی ترینِ پوشیدنی ها ، ابریشم است و آن ، از آب دهان کرمی است. عالی ترینِ آمیزش ها ، آمیزش با زنان است و آن داخل شدن مَبالی در مبال دیگر و نزدیک شدن دو عضوِ همانند است. زیباترین چیزی که در زن است، در واقع، برای زشت ترین عضو او خواسته می شود. بهترینِ سوار شدنی ها ، اسب هایند که قاتل اند (در جنگ ها سوارانشان به قَتل می رسند). ارزشمندترینِ بوییدنی ها ، مشک است و آن ، خون ناف حیوانی است. بالاترینِ شنیدنی ها ، غنا (آواز) است که آن [هم [گناه است . پس، هیچ خردمندی برای چیزهایی با این خصوصیات ، هرگز آه نمی کشد!» . جابر بن عبد اللّه می گوید: به خدا سوگند که از آن پس ، هرگز دنیا در دلم حاضر نشد.

امام علی علیه السلام :دنیا، چونان روزی است که گذشت و ماهی که سپری گشت.

الکافی به نقل از جابر :خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم . فرمود: «ای جابر! به خدا که غمگین و دل مشغولم». گفتم : فدایت شوم! گرفتاری ات چیست؟ غم دلت ، برای چیست؟ فرمود: «ای جابر! هر کس زلالی و نابی دین خدا به دلش درآید ، دلش را از غیر او باز می دارد. ای جابر! دنیا چیست و چه می تواند باشد؟ آیا جز خوراکی ای است که بخوری، یا جامه ای که بپوشی، یا زنی که بگیری؟ !» .

.

الزهد عن داوود بن فَرقَد :قُلتُ لِاَبي عَبدِ اللّهِ عليه السلام : ما يَسُرُّنى بِحَقِّكُمُ الدُّنيا وما فيها . فَقالَ : اُفٍّ لِلدُّنيا وما فيها ، وما هِىَ يا داوودُ؟! هَل هِىَ إلاّ ثَوبانِ ، ومِل ءُ بَطنِکَ؟! (1)

تحف العقول :قالَ لَهُ [لِلإمامِ الصّادِقِ عليه السلام] يونُس : لَولائى لَكُم وما عَرَّفَنِى اللّهُ مِن حَقِّكُم أحَبُّ إلَىَّ مِنَ الدُّنيا بِحَذافيرِها . قالَ يونُسُ : فَتَبَيَّنتُ الغَضَبَ فيهِ ، ثُمَّ قالَ عليه السلام : يا يونُس قِستَنا بِغَيرِ قِياسٍ ، مَا الدُّنيا وما فيها؟! هَل هِىَ إلاّ سَدُّ فَورَةٍ ، أو سَترُ عَورَةٍ؟ وأنتَ لَکَ بِمَحَبَّتِنا الحَياةُ الدّائِمَةُ . (2)

5 / 2لا تَأسَوا عَلى ما فاتَكُم ولا تَفرَحوا بِما آتاكُمالكتاب«مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِى الْأَرْضِ وَ لاَ فِى أَنفُسِكُمْ إِلاَّ فِى كِتَبٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَ لِکَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لِّكَيْلاَ تَأْسَوْاْ عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلاَ تَفْرَحُواْ بِمَا ءَاتَاكُمْ و اللَّهُ لاَ يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ » . (3)

الحديثالإمام الصادق عليه السلام :لَمّا اُدخِلَ رَأسُ الحُسَينِ بنِ عَلِىٍّ عليه السلام عَلى يَزيد لَعنَهُ اللّهُ واُدخِلَ عَلَيهِ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام . . . قالَ يَزيدُ : يا عَلِىَّ بنُ الحُسَين «وَ مَا أَصَبَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» ! (4) فَقالَ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام : كَلاّ ، ما هِذِهِ فِينا نَزَلَت ، إنَّما نَزَلَت فينا : «مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِى الْأَرْضِ وَ لاَ فِى أَنفُسِكُمْ إِلاَّ فِى كِتَبٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَ لِکَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لِّكَيْلاَ تَأْسَوْاْ عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلاَ تَفْرَحُواْ بِمَا ءَاتَاكُمْ وَ اللَّهُ لاَ يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» ، فَنَحنُ الَّذينَ لا نَأسى عَلى ما فاتَنا ولا نَفرَحُ بِما أتانا مِنها . (5)

.

1- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 46 ح 123 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 124 ح 116 .
2- .تحف العقول : ص 379 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 265 ح 177 .
3- .الحديد : 22 و 23 .
4- .الشورى : 30 .
5- .تفسير القمّى : ج 2 ص 352 .

الزهد به نقل از داوود بن فَرقَد :به امام صادق علیه السلام گفتم : به حقّتان سوگند که دنیا و آنچه در آن است ، مرا خوش حال نمی کند . (1) امام علیه السلام فرمود: «اُف بر دنیا و آنچه در آن است! مگر دنیا چیست ، ای داوود؟ آیا جز دو جامه و پر شدن شکمت است؟ !» .

تحف العقول به نقل از یونس ، که به امام صادق علیه السلام گفت:ولایت شما را داشتن و شناخت حقّ (منزلت) شما (که خداوند ، آن را به من شناساند) ، نزد من ، محبوب تر از همه دنیاست : آثار ناراحتی را در چهره امام علیه السلام مشاهده کردم . فرمود: «ای یونس! درباره ما ، قیاسِ مَعَ الفارِق کردی. (2) مگر دنیا و هر آنچه در آن است ، چیست؟ آیا آن جز فرو نشاندن هیجانی [برخاسته از گرسنگی یا شهوت] ، یا پوشاندن عورتی است؟! تو به وسیله مهرورزی ات به ما ، زندگی جاوید را به دست آورده ای».

5 / 2بر آنچه از دست داده اید ، افسوس نخورید و برای آنچه خداوند به شما داده است ، شادمانی نکنیدقرآن«هیچ مصیبتی ، نه در زمین و نه در نفْس های شما [به شما] نمی رسد ، مگر آن که پیش از این که آن را پدید آوریم، در کتابی است ، و البته این کار ، برای خدا آسان است ، تا بر آنچه از دست شما رفته ، اندوهگین نشوید و به سبب آنچه به شما داده است ، شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد» .

حدیثامام صادق علیه السلام :چون سر حسین بن علی علیهماالسلام را نزد یزید که لعنت خدا بر او باد بردند و علی بن الحسین علیهماالسلام را نیز آوردند... ، یزید گفت: ای علی بن الحسین! «و هر مصیبتی که به شما می رسد ، به سبب اعمال خودتان است» ! علی بن الحسین علیهماالسلام فرمود: «هرگز! این آیه در باره ما نازل نشد؛ بلکه درباره ما این آیه دیگر نازل شده است: «هیچ مصیبتی ، نه در زمین و نه در نفْس های شما [به شما] نمی رسد ، مگر آن که پیش از این که آن را پدید آوریم، در کتابی است ، و البته این کار ، برای خدا آسان است ، تا بر آنچه از دست شما رفته ، اندوهگین نشوید و به سبب آنچه به شما داده است ، شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد» . ما ، کسانی هستیم .

که برای آنچه از دست می دهیم ، افسوس نمی خوریم و برای آنچه به ما می رسد ، شادمانی نمی کنیم».

.

1- .یا: خوش حالم نمی کند که دنیا و هرچه را که در آن است ، با شما عوض کنم.
2- .یا : ما را به چیزی که قابل قیاس با ما نیست، قیاس کردی.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أسِفَ عَلَى دُنيا فاتَتهُ ، اقتَرَبَ مِنَ النّارِ مَسيرَةَ شَهرٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أسِفَ عَلى دُنيا فاتَتهُ اقتَرَبَ مِنَ النّارِ مَسيرَةَ ألفِ سَنَةٍ ، ومَن أسِفَ عَلى آخِرَةٍ فاتَتهُ اقتَرَبَ مِنَ الجَنَّةِ مَسيرَةَ ألفِ سَنَةٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أصبَحَ حَزينا عَلَى الدُّنيا ، أصبَحَ ساخِطا عَلى رَبِّهِ تَعالى . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما زُوِيَتِ الدُّنيا عَن أحَدٍ إلاّ كانَت خِيَرَةً لَهُ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن أصبَحَ عَلَى الدُّنيا حَزينا ، فَقَد أصبَحَ لِقَضاءِ اللّهِ ساخِطا . (5)

.

1- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 179 ، المحجّه البيضاء : ج 6 ص 96 وفيه «سنه» بدل «شهر» .
2- .كنز العمّال : ج 3 ص 197 ح 6147 نقلاً عن الرازى فى مشيخته عن ابن عمر .
3- .المعجم الصغير : ج 1 ص 257 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 213 ح 10044 كلاهما عن أنس وص214 ح 10045 عن ابن مسعود ، كنز العمّال : ج 3 ص 226 ح 6271 ؛ الأمالى للمفيد : ص 188 ح 15 ، الأمالى للطوسى : ص 229 ح 404 كلاهما عن رفاعه [بن موسى] عن الإمام الصادق عليه السلام ، تاريخ اليعقوبى : ج 2 ص 95 نحوه ، تفسير القمّى : ج 1 ص 381 عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 13 ص 348 ح 35 .
4- .الفردوس : ج 4 ص 68 ح 6213 عن ابن عمر ، كنز العمّال : ج 3 ص 196 ح 6141 .
5- .نهج البلاغه : الحكمه 228 ، تحف العقول : ص 217 ، تفسير العيّاشى : ج 1 ص 120 ح 379 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 196 ح 21 ؛ تذكره الخواصّ : ص 134 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس خورد ، به فاصله یک ماه راه ، به آتش نزدیک می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس خورد ، به اندازه مسافت هزار سال راه ، به آتش نزدیک شده است؛ و هر که برای از دست دادن چیزی از آخرتش افسوس خورد ، به اندازه مسافت هزار سال راه ، به بهشت نزدیک شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که برای دنیا غمگین شود ، از پروردگار متعال خود ، خشمگین شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا از هیچ کس گرفته نشد ، مگر آن که خیر او در آن بود.

امام علی علیه السلام :هر که برای دنیا اندوهناک شود، در واقع، از قضای خداوندخشمگین شده است.

.

عنه علیه السلام :لا یَحِنَّنَّ أحَدُکُم حَنینَ الأَمَهِ عَلی ما زُوِیَ عَنهُ مِنَ الدُّنیا . (1)

عنه علیه السلام مِن کِتابٍ لَهُ إلَی ابنِ عَبّاس :دَع ما فاتَکَ مِنَ الدُّنیا فَلا تُکثِر عَلَیهِ حَزَنا . (2)

عنه علیه السلام :کُلَّما فاتَکَ مِنَ الدُّنیا شَیءٌ فَهُوَ غَنیمَهٌ . (3)

عنه علیه السلام مِن کِتابٍ لَهُ إلَی ابنِ عَبّاسٍ ، وکانَ عَبدُ اللّهِ یَقولُ :«مَا انتَفَعتُ بِکَلامٍ بَعدَ کَلامِ رَسولِ اللّه صلی اللّه علیه و آله کَانتِفاعی بِهذَا الکَلامِ» : أمّا بَعدُ ، فَإنَّ المَرءَ قَد یَسُرُّهُ دَرَکُ ما لَم یَکُن لِیَفوتَهُ ، ویَسوؤُهُ فَوتُ ما لَم یَکُن لِیُدرِکَهُ ، فَلیَکُن سُرورُکَ بِما نِلتَ مِن آخِرَتِکَ ، وَلیَکُن أسَفُکَ عَلی ما فاتَکَ مِنها . وما نِلتَ مِن دُنیاکَ فَلا تُکثِر بِهِ فَرَحا ، وما فاتَکَ مِنها فَلا تَأسَ عَلَیهِ جَزَعا ، وَلیَکُن هَمُّکَ فیما بَعدَ المَوتِ . (4)

عنه علیه السلام مِن کِتابٍ لَهُ إلَی ابنِ عَبّاس بِرِوایَهٍ اُخری :أمّا بَعدُ ، فَإنَّ المَرءَ لَیَفرَحُ بِالشَّیءِ الَّذی لَم یَکُن لِیَفوتَهُ ، ویَحزَنُ عَلَی الشَّیءِ الَّذی لَم یَکُن لِیُصیبَهُ ، فَلا یَکُن أفضَلُ ما نِلتَ فی نَفسِکَ مِن دُنیاکَ بُلوغَ لَذَّهٍ أو شِفاءَ غَیظٍ ، ولکِن إطفاءَ باطِلٍ أو إحیاءَ حَقٍّ ، وَلیَکُن سُرورُکَ بِما قَدَّمتَ ، وأسَفُکَ عَلی ما خَلَّفتَ ، وهَمُّکَ فیما بَعدَ المَوتِ . (5)

.

1- .غرر الحکم : ح 10393 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 520 ح 9436 .
2- .الکافی : ج 8 ص 240 ح 327 .
3- .غرر الحکم : ح 7207 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 395 ح 6689 .
4- .نهج البلاغه : الکتاب 22 ، خصائص الأئمّه علیهم السلام : ص 95 ، تاریخ الیعقوبی : ج 2 ص 205 نحوه ، وکلاهما عن ابن عبّاس ، غرر الحکم : ح 3586 ولیس فیه : «وما نلت . . . جزعا» ، بحار الأنوار : ج 33 ص 495 ح700 ؛ تاریخ دمشق : ج 42 ، ص 503 ، دستور معالم الحکم : ص 79 کلاهما عن ابن عبّاس نحوه .
5- .نهج البلاغه : الکتاب 66 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 492 ح 698 وراجع الکافی : ج 8 ص 240 ح 327 ووقعه صفّین : ص 107 ومطالب السؤول :

ص 52 .

امام علی علیه السلام :مبادا یکی از شما برای آنچه از دنیا به او نرسیده است ، مانند کنیزان ، زار بزند!

امام علی علیه السلام در نامه اش به ابن عبّاس :آنچه را از دنیا از دستت رفته است ، رها کن و زیاد برایش غم مخور.

امام علی علیه السلام :هر وقت چیزی از دنیا را از دست دادی ، در واقع ، غنیمتی است [که آن را به دست آورده ای].

امام علی علیه السلام در نامه اش به عبد اللّه ابن عبّاس ، و عبد اللّه می گفت:«بعد از سخن پیامبر خدا ، از هیچ سخنی به اندازه این سخن ، بهره نبردم» : امّا بعد؛ آدمی گاه ، از رسیدن به چیزی شادمان می شود که حتماً به او می رسیده است، و از نرسیدن به چیزی ناراحت می شود که هرگز به آن دست نمی یافت. پس، شادمانی تو ، باید برای رسیدن به چیزی باشد که به آخرتت مربوط می شود، و اندوهت نیز باید برای از دست دادن چیزی از آخرتت باشد. برای آنچه از دنیایت به دست آورده ای ، زیاد شاد مشو، و برای آنچه از آن از دست داده ای ، ناراحتی و بی تابی مکن؛ بلکه باید غمت ، برای پس از مرگ باشد.

امام علی علیه السلام در نامه اش به ابن عبّاس ، به روایتی دیگر :امّا بعد؛ آدمی از رسیدن به چیزی شاد می شود که برایش از دست رفتنی نیست ، و برای [نداشتن [چیزی غم می خورد که هرگز به آن نمی رسد. پس، نباید بهترین چیز در نزد تو از دنیایت ، رسیدن به لذّتی و یا گرفتن انتقامی باشد؛ بلکه باید خاموش ساختن باطلی و یا زنده ساختن حقّی باشد . و باید خوش حالی ات برای چیزی باشد که [برای فردایت [پیش فرستاده ای، و افسوست به خاطر چیزی باشد که به جا گذاشته ای تا دیگری بهره مند گردد [و تو حسابش را پس بدهی]، و غمت برای پس از مرگ باشد.

.

عنه عليه السلام مِن كِتابٍ لَهُ إلى مُعاوِيَه :فَاحذَرِ الدُّنيا ، فَإِنَّهُ لا فَرَحَ فى شَىءٍ وَصَلتَ إلَيهِ مِنها . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وآلِهِ ، وَاجعَل ثَنائى عَلَيكَ ومَدحى إيّاكَ وحَمدى لَكَ فى كُلِّ حالاتى ، حَتّى لا أفرَحَ بِما آتَيتَنى مِنَ الدُّنيا ، ولا أحزَنَ عَلى ما مَنَعتَنى فيها . (2)

نثر الدرّ :نَظَرَ عَلِىٌّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إلى سائِلٍ يَبكى ، فَقالَ : لَو أنَّ الدُّنيا فى يَدِ هذا ثُمَّ سَقَطَت مِنهُ ، ما كانَ يَنبَغى لَهُ أن يَبكِىَ عَلَيها . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ حَبِّب إلَىَّ صُحبَةَ الفُقَراءِ، وأعِنّى عَلى صُحبَتِهِم بِحُسنِ الصَّبرِ، وما زَوَيتَ عَنّى مِن مَتاعِ الدُّنيَا الفانِيَهِ فَاذخَرهُ لى فى خَزائِنِكَ الباقِيَهِ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ فيما وَعَظَ بِهِ لُقمان ابنَهُ : يا بُنَىَّ . . . لا تَأسَ عَلى ما فاتَكَ مِنَ الدُّنيا ؛ فَإِنَّ قَليلَ الدُّنيا لا يَدومُ بَقاؤُهُ ، وكَثيرَها لا يُؤمَنُ بَلاؤُهُ . (5)

الإمام الرضا عليه السلام :قالَ عيسَى بنُ مَريَمَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ لِلحَواريّين : يا بَنى إسرائيل ، لا تَأسَوا عَلى ما فاتَكُم مِنَ الدُّنيا كَما لا يَأسى أهلُ الدُّنيا عَلى ما فاتَهُم مِن دينِهِم إذا أصابوا دُنياهُم . (6)

.

1- .وقعه صفّين : ص 493 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 537 ح 451 .
2- .الصحيفه السجّاديّه : ص 91 الدعاء 21 .
3- .نثر الدرّ : ج 1 ص 338 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 158 ح 10 ؛ الفصول المهمّه : ص 203 .
4- .الصحيفه السجّاديّه : ص 122 الدعاء 30 .
5- .الكافى : ج 2 ص 134 ح 20 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 194 كلاهما عن يحيى بن عقبه الأزدى ، بحار الأنوار : ج 13 ص 425 ح 19 .
6- .الكافى : ج2 ص137 ح25 عن الوشّاء ، الأمالى للصدوق : ص585 ح805 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 51 ح 137 كلاهما عن الحسن بن

علىّ الخزّاز ، مشكاه الأنوار : ص 469 ح 1568 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 80 ح 41 .

امام علی علیه السلام در نامه اش به معاویه :از دنیا بر حذر باش؛ چرا که رسیدن به هیچ چیز دنیا ، جای شادی ندارد.

امام زین العابدین علیه السلام :خدایا! بر محمّد و آل او درود فرست، و مرا در همه حال به تمجید و ستایشت و سپاس گزاری از خودت بگمار تا برای آنچه از دنیا به من داده ای ، شادمان نگردم، و برای آنچه از دنیا به من نداده ای ، اندوهگین نشوم.

نثر الدرّ:علی بن الحسین علیهماالسلام گدایی را دید که می گرید . فرمود: «اگر [همه [دنیا در دست این مرد بود و از دستش می افتاد ، سزاوارش نبود که برای آن بگرید».

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! مرا دوستدار همنشینی با فقیران گردان، و کمکم کن که در همنشینی با آنان خوب شکیبایی کنم، و آنچه را از متاع دنیای فانی از من دریغ کرده ای ، در گنجینه های جاویدانت برایم اندوخته کن.

امام صادق علیه السلام :از جمله پندهای لقمان به فرزندش ، این بود که: «فرزندم!... برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس مخور؛ چرا که اندکِ دنیا بقایش دوام ندارد، و بسیارِ آن ، خالی از رنج نیست».

امام رضا علیه السلام :عیسی بن مریم که درودهای خداوند بر او باد به حواریان گفت : «ای بنی اسرائیل! برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس مخورید، چنان که دنیاپرستان هر گاه به دنیایشان می رسند ، برای از دست دادن چیزی از دینشان افسوس نمی خورند».

.

5 / 3لا تَنظُروا إلَى الدُّنيا نَظَرَ العاشِقِالكتاب«وَ لاَ تَمُدَّنَّ عَيْنَيْکَ إلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّکَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» . (1)

الحديثالإمام الباقر عليه السلام :لَمّا نَزَلَت هذِهِ الآيَهُ : «وَ لاَ تَمُدَّنَّ عَيْنَيْکَ إلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِآ أَزْوَجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا» اِستَوى رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله جالِسا ، ثُمَّ قالَ : مَن لَم يَتَعَزَّ بِعَزاءِ اللّهِ تَقَطَّعَت نَفسُهُ حَسَراتٍ عَلَى الدُّنيا . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :اُنظُر إلَى الدُّنيا نَظَرَ الزّاهِدِ المُفارِقِ ، ولا تَنظُر إلَيها نَظَرَ العاشِقِ الوامِقِ (3) . (4)

عنه عليه السلام :اُنظُروا فِى الدُّنيا نَظَرَ الزّاهِدِ المُفارِقِ لَها ، فَإِنَّها تُزيلُ الثّاوِىَ السّاكِنَ وتَفجَعُ المُترَفَ الآمِنَ ، لا يُرجى مِنها ما تَوَلّى فَأَدبَرَ ، ولا يُدرى ما هُوَ آتٍ مِنها فَيُنتَظَرَ ، وُصِلَ البَلاءُ مِنها بِالرَّخاءِ ، وَالبَقاءُ مِنها إلى فَناءٍ ، فَسُرورُها مَشوبٌ بِالحُزنِ ، وَالبَقاءُ فيها إلَى الضَّعفِ وَالوَهنِ . (5)

.

1- .طه : 131 .
2- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 46 ح 125 عن ميسر ، تفسير القمّى : ج 2 ص 66 عن الإمام الصادق عليه السلام وج 1 ص 381 عن المفضّل بن عمير عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 51 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 317 ح 25 وراجع الكافى : ج 2 ص 315 ح 5 والخصال : ص 64 ح 95 ومشكاه الأنوار : ص 141 ح 337 .
3- .وَمِقَهُ : أحبّه ، فهو وامق (الصحاح : ج 4 ص 1568 «ومق») .
4- .غرر الحكم : ح 2386 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 82 ح 1971 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 109 ح 109 .
5- .الكافى : ج 8 ص 17 ح 3 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 39 نحوه وكلاهما عن محمّد بن إسماعيل الهمدانى عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تحف العقول : ص 202 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 39 ح 16 وراجع نهج البلاغه : الخطبه 103 وإرشاد القلوب : ص 34 ومطالب السؤول : ص 51 .

5 / 3به دنیا عاشقانه منگریدقرآن«و دیدگانت را به سوی آنچه گروه هایی از آنان را از آن برخوردار کرده ایم ، مدوز که [فقط] زیور زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و [بدان که] روزیِ پروردگار تو ، بهتر و پایدارتر است» .

حدیثامام باقر علیه السلام :چون این آیه نازل شد که: «و دیدگانت را به سوی آنچه اصنافی از آنان را از آن برخوردار کرده ایم ، مدوز که [فقط] زیور زندگی دنیاست» ، پیامبر خدا راست نشست و سپس فرمود: «هر که به دلداری خدا آرام نگیرد، جانش از حسرت های دنیا متلاشی می شود».

امام علی علیه السلام :به دنیا چون زاهدِ دنیاگریز بنگر، و به آن ، چونان عاشق شیدا منگر.

امام علی علیه السلام :به دنیا چونان زاهد دنیاگریز بنگر؛ چرا که دنیا مقیم و ساکن خود را می کوچاند، و مرقّه آسوده خاطر را دردمند می سازد. آنچه از دنیا پشت کرد و رفت ، دیگر به بازگشتش امیدی نیست، و آنچه می آید ، دانسته نیست تا بتوان در انتظارش نشست. رنج دنیا ، با خوشی پیوسته است، و بقای آن به فنا می انجامد. شادی اش با اندوه آمیخته است، و زندگی در آن ، به ناتوانی و سستی منتهی می شود.

.

عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : يا عاشِقَ الدُّنيا لِغَيرِکَ وَجهُها ولَتَندِمَنَّ إذا أرَتکَ قَفاها (1)

5 / 4لا تَشغَلوا قُلوبَکُم بِذِکرِ الدُّنيارسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَشغَلوا قُلوبَکُم بِذِکرِ الدُّنيا . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :ذِکرُ الدُّنيا أدوَأُ الأَدواءِ . (3)

الإمام الحسن عليه السلام مِن کَلامِهِ عِندَ وَداعِ أبى ذَر :يا عَمّاه ؛ إنَّ القَومَ قَد أتَوا إلَيکَ ما قَد تَرى ، وإنَّ اللّهَ بِالمَنظَرِ الأَعلى ، فَدَع عَنکَ ذِکرَ الدُّنيا بِذِکرِ فِراقِها ، وشِدَّةَ ما يَرِدُ عَلَيکَ لِرَخاءِ ما بَعدَها . (4)

5 / 5لا تَطُل فِى الدُّنيا آمالُکُمرسول اللّه صلى الله عليه و آله :طولُ الأَمَلِ يَصرِفُ هِمَمَکُم إلَى الدُّنيا . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن يَأمُلُ أن يَعيشَ غَدا فَإنَّهُ يَأمُلُ أن يَعيشَ أبَدا ، ومَن يَأمُلُ أن يَعيشَ أبَدا يَقسو قَلبُهُ ، ويَرغَبُ فى دُنياهُ ، ويَزهَدُ فِى الَّذى وَعَدَهُ رَبُّهُ تَبارَکَ وتَعالى . (6)

.

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 38 الرقم 9 .
2- .شُعب الإيمان : ج 7 ص 361 ح 10584 عن محمّد بن النظير الحارثى ، كنز العمّال : ج 3 ص 198 ح 6153 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 133 .
3- .غرر الحكم : ح 5176 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 255 ح 4721 وفيه «الداء» بدل «الأدواء» .
4- .الكافى : ج 8 ص 207 ح 251 عن أبى جعفر الخثعمى ، بحار الأنوار : ج 22 ص 436 ح 51 وراجع شرح نهج البلاغه : ج 8 ص 253 .
5- .أعلام الدين : ص 345 عن أبى هريره ، بحار الأنوار : ج 77 ص 188 ح 39 .
6- .الجعفريّات : ص 240 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، كنز الفوائد : ج 1 ص 62 عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله وفيه صدره ، بحار الأنوار : ج 73 ص 167 ح 31 .

5 / 4 دل هایتان را به ذکر دنیا مشغول نسازید

5 / 5 آرزوهای خود را در دنیال کوتاه کنید

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان :ای عاشقِ دنیا! دنیا رو به دیگری دارد / و هر گاه پشتش را به تو نشان دهد ، هر آینه پشیمان خواهی شد .

5 / 4دل هایتان را به ذکر دنیا مشغول نسازیدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دل هایتان را به ذکر دنیا (یاد کردن از دنیا) مشغول نسازید.

امام علی علیه السلام :ذکر دنیا ، بدترینِ دردهاست.

امام حسن علیه السلام در گفتاری در هنگام بدرود با ابو ذر :عموجان! این مردم ، با تو آن کردند که می بینی، و البتّه خداوند در منظر برین است [و ناظر بر همه این کارهاست]. پس، با یاد کردن از جدایی دنیا ، یاد دنیا را از دل برون کن، و به خاطر آسایشِ پس از آن ، سختی هایی را که به تو می رسند ، تحمّل کن.

5 / 5آرزوهای خود را در دنیا کوتاه کنیدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آرزوی دور و دراز، همّت های شما را مصروف دنیا می کند.

امام علی علیه السلام :هر که آرزو دارد که فردا [نیز در این دنیا] زندگی کند ، در واقع ، آرزو دارد که تا ابد زندگی کند، و هر که آرزوی زندگی کردن تا ابد را داشته باشد ، دلش سخت می گردد، و به دنیا راغب می شود، و به آنچه پروردگارش تبارک و تعالی به او وعده داده است ، بی رغبت می گردد.

.

5 / 6كونوا فِی الدُّنیا أضیافارسول اللّه صلی الله علیه و آله :كونوا فِی الدُّنیا أضیافا ، وَاتَّخِذُوا المَساجِدَ بُیوتا ، وعَوِّدوا قُلوبَكُمُ الرِّقَّةَ ، وأكثِرُوا التَّفَكُّرَ وَالبُكاءَ ، ولا تَختَلِفَنَّ بِكُمُ الأَهواءُ ، تَبنونَ ما لا تَسكُنونَ ، وتَجمَعونَ ما لا تَأكُلونَ ، وتَأمُلونَ ما لا تُدرِكونَ . (1)

5 / 7كُن فِی الدُّنیا غَریباسنن التِّرمِذیّ عن ابن عمر :أخَذَ رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله بِبَعضِ جَسَدی ، فَقالَ : كُن فِی الدُّنیا كَأنَّكَ غَریبٌ أو عابِرُ سَبیلٍ ، وعُدَّ نَفسَكَ فی أهلِ القُبورِ . (2)

5 / 8أخرِجوا مِنَ الدُّنیا قُلوبَكُمالإمام علیّ علیه السلام :أخرِجوا مِنَ الدُّنیا قُلوبَكُم مِن قَبلِ أن تَخرُجَ مِنها أبدانُكُم ، فَفیهَا اختُبِرتُم ولِغَیرِها خُلِقتُم . (3)

.

1- .كنز الفوائد : ج 1 ص 344 ، أعلام الدین : ص 146 وص 365 عن أبی سعید الخدری ، إرشاد القلوب : ص 94 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 81 ح 43 ؛ حلیه الأولیاء : ج 1 ص 358 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 426 ح 731 ، تفسیر القرطبی : ج 12 ص 277 كلّها عن الحكم بن عمیر .
2- .سنن الترمذی : ج 4 ص 567 ح 2333 ، صحیح البخاری : ج 5 ص 2358 ح 6053 ولیس فیه ذیله ، سنن ابن ماجه : ج2 ص 1378 ح 4114 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 290 ح 5002 ، كنز العمّال : ج 3 ص 194 ح 6127 ؛ الأمالی للطوسی : ص 381 ح 819 ، مشكاه الأنوار : ص 524 ح 1761 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 52 عن أبی ذرّ ، بحار الأنوار : ج 73 ص 99 ح 85 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 203 ، عیون أخبار الرضا : ج 1 ص 298 ح 56 ، الأمالی للصدوق : ص 172 ح 174 كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسینی عن الإمام العسكری عن آبائه علیهم السلام ، مشكاه الأنوار : ص 468 ح 1567 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 218 ، روضه الواعظین : ص 485 كلّها نحوه ؛ تذكره الخواصّ : ص 132 عن ابن عجلان عن الإمام الصادق عن أبیه عن جدّه عنه علیهم السلام .

5 / 6 در دنیا خود را میهمان بدانید

5 / 7 در دنیا غریب وار زندگی کنید

5 / 8 دل هایتان را از دنیا بیرون ببرید

5 / 6در دنیا خود را میهمان بدانیدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در دنیا [چون] میهمان باشید، و مسجدها را خانه خود بگیرید، و دل هایتان را به نازکی ، عادت دهید، و زیاد اندیشه و گریه کنید، و هوس های گونه گون را به خود راه مدهید ، به این که : آنچه را در آن ساکن نمی شوید، بنا کنید و آنچه را که نمی خورید، گرد آورید و آنچه را که بدان نمی رسید ، آرزو کنید .

5 / 7در دنیا غریب وار زندگی کنیدسنن الترمذی به نقل از ابن عمر :پیامبر خدا ، جایی از بدنم را گرفت و فرمود: «در دنیا چنان باش که گویی غریبی یا رهگذری، و خویشتن را در زمره خفتگان گورها به شمار آور».

5 / 8دل هایتان را از دنیا بیرون ببریدامام علی علیه السلام :پیش از آن که بدن هایتان از دنیا بروند ، دل هایتان را از آن بیرون ببرید؛ زیرا دنیا آزمایشگاه شماست و برای غیر آن ، آفریده شده اید.

.

عنه علیه السلام :كُن فِی الدُّنیا بِبَدَنِکَ ، وفِی الآخِرَهِ بِقَلبِکَ . (1)

5 / 9فِرّوا مِن فُضولِ الدُّنیارسول اللّه صلی الله علیه و آله :فِرّوا مِن فُضولِ الدُّنیا کَما تَفِرّونَ مِنَ الحَرامِ ، وهَوِّنوا عَلی أنفُسِکُمُ الدُّنیا کَما تَتَهَوَّنُ الجیفَهُ ، ونَوِّروا قُلوبَکُم بِتَفَکُّرِ الآخِرَهِ ، وتوبوا إلَی اللّهِ مِن فُضولِ الدُّنیا وسَیِّئاتِ أعمالِکُم ؛ حَتّی تَنجوا مِن شِدَّهِ یَومِ القِیامَهِ . (2)

الإمام علیّ علیه السلام :إنَّما یَنظُرُ المُؤمِنُ إلَی الدُّنیا بِعَینِ الاِعتِبارِ ، ویَقتاتُ مِنها بِبَطنِ الاِضطِرارِ ، ویَسمَعُ فیها بِأُذُنِ المَقتِ وَالإبغاضِ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :تَشَوَّفَتِ (4) الدُّنیا لِقَومٍ حَلالاً مَحضا فَلَم یُریدوها فَدَرَجوا (5) ، ثُمَّ تَشَوَّفَت لِقَومٍ حَلالاً وشُبهَهً ، فَقالوا : لا حاجَهَ لَنا فِی الشُّبهَهِ وتَوَسَّعوا مِنَ الحَلالِ ، ثُمَّ تَشَوَّفَت لِقَومٍ آخَرینَ حَراما وشُبهَهً ، فَقالوا : لا حاجَهَ لَنا فِی الحَرامِ وتَوَسَّعوا فِی الشُّبهَهِ ، ثُمَّ تَشَوَّفَت لِقَومٍ حَراما مَحضا ؛ فَیَطلُبونَها فَلا یَجِدونَها . وَالمُؤمِنُ فِی الدُّنیا یَأکُلُ بِمَنزِلَهِ المُضطَرِّ . (6)

.

1- .حلیه الأولیاء : ج 2 ص 37 ؛ کشف الغمّه : ج 2 ص 193 کلاهما عن أبان بن الطفیل ، غرر الحکم : ح 7164 وفیه «بقلبک وعملک» .
2- .الفردوس : ج 3 ص 149 ح 4401 عن جابر بن عبد اللّه ؛ مستدرک الوسائل : ج 12 ص 54 ح 1396 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب ولیس فیه «ونوّروا قلوبکم بتفکّر الآخره» .
3- .نهج البلاغه : الحکمه 367 ، غرر الحکم : ح 2126 ، تحف العقول : ص 222 وفیه «النفث» بدل «المقت والإبغاض» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 131 ح 135 .
4- .تَشَوَّفَت الجاریهُ : أی تَزیّنت (الصحاح : ج 4 ص 1383 «شوف») .
5- .دَرَجَ : مات (النهایه : ج 2 ص 111 «درج») .
6- .الکافی : ج 5 ص 125 ح 6 ، تهذیب الأحکام : ج 6 ص 369 ح 1066 وفیه «تشوّقت» بدل «تشوّفت» وکلاهما عن عبد اللّه بن القاسم الجعفری .

امام علی علیه السلام :با بدنت ، در دنیا باش و با دلت ، در آخرت.

5 / 9از فزونی های دنیا بگریزیدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همچنان که از حرام می گریزید ، از فزونی های دنیا نیز بگریزید، و همچنان که مردار را خوار می شمارید ، دنیا را نیز در نظرتان خوار گردانید، و با اندیشیدن درباره آخرت ، دل هایتان را نورانی کنید، و از فزونی های دنیا و کردارهای بدتان ، به درگاه خدا توبه برید تا از سختی روز قیامت برَهید.

امام علی علیه السلام :مؤمن به دنیا با دیده عبرت می نگرد، و از آن به اندازه ضرورت می خورد، و با گوش نفرت و دشمنی ، به آن گوش می دهد.

امام صادق علیه السلام :دنیا برای عدّه ای ، به صورت حلالِ محض خودنمایی کرد؛ ولی آنها آن را نخواستند و مردند. سپس برای عدَّه ای به صورت حلال و شبهه ناک نمایان شد و آنها گفتند: «ما را به [مال [شبهه ناک ، نیازی نیست» و از حلال ، تا توانستند ، برگرفتند. سپس برای عدّه ای دیگر به صورت حرام و شبهه ناک خودنمایی نمود و آنها گفتند: «ما را به حرام نیازی نیست» و در [مال] شبهه ناک ، غوطه ور شدند . و سپس برای عدّه ای ، به صورت حرامِ محض نمایان خواهد گردید و آنان آن را می طلبند؛ امّا آن را نمی یابند . مؤمن در دنیا از سرِ ناچاری می خورد.

.

5 / 10اِجعَلِ الدُّنيا شَوكاالإمام علىّ عليه السلام :اِجعَلِ الدُّنيا شَوكا وَانظُر أينَ تَضَعُ قَدَمَکَ مِنها ، فَإِنَّ مَن رَكَنَ إلَيها خَذَلَتهُ ، ومَن أنِسَ بِها أوحَشَتهُ ، ومَن رَغِبَ فيها أوهَنَتهُ ، ومَنِ انقَطَعَ إلَيها قَتَلَتهُ ، ومَن طَلَبَها أرهَقَتهُ ، ومَن فَرِحَ بِها أترَحَتهُ (1) ، ومَن طَمِعَ فيها صَرَعَتهُ ، ومَن قَدَّمَها أخَّرَتهُ ، ومَن أكرَمَها أهانَتهُ ، ومَن آثَرَها باعَدَتهُ مِنَ الآخِرَهِ ، ومَن بَعُدَ مِنَ الآخِرَهِ قَرُبَ مِنَ النّارِ . (2)

5 / 11اِجعَلِ الدُّنيا بِمَنزِلَهِ ما يُصابُ فِى المَنامتنبيه الغافلين عن جابر بن عبد اللّه :شَهِدتُ مَجلِساً مِن مَجالِسِ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله ، إذ أتاهُ رَجُلٌ أبيَضُ الوَجهِ ، حَسَنُ الشَّعرِ وَاللَّونِ ، عَلَيهِ ثِيابٌ بيضٌ ، فَقالَ : السَّلامُ عَلَيكُم يا رَسولَ اللّهِ . فَقالَ النَّبِى صلى الله عليه و آله : وعَلَيکَ السَّلامُ ورَحمَهُ اللّهِ . فَقالَ : يا رَسولَ اللّه مَا الدُّنيا؟ قالَ : حُلمُ المَنامِ ، وأهلُها مُجازَونَ ومُعاقَبونَ . قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ومَا الآخِرَهُ؟ قالَ : الأَبَدُ ؛ فَريقٌ فِى الجَنَّهِ وفَريقٌ فِى السَّعيرِ . فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ومَا الجَنَّهُ؟ قالَ : بَذلُ الدُّنيا لِتارِكِها بِنَعيمِها أبَدا . قالَ : فَما جَهَنَّمُ؟ قالَ : بَذلُ الدُّنيا لِطالِبِها لا يُفارِقُها أهلُها أبَدا . قالَ : فَمَن خَيرُ هذِهِ الاُمَّهِ؟ قالَ : الَّذى يَعمَلُ فيها بِطاعَهِ اللّهِ تَعالى . قالَ : فَكَيفَ يَكونُ الرَّجُلُ فيها؟ قالَ : مُشَمِّرا كَطالِبِ القافِلَهِ . قالَ : فَكَم القَرارُ بِها؟ قالَ : كَقَدرِ المُتَخَلِّفِ عَنِ القافِلَهِ . قالَ : فَكَم ما بَينَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ؟ قالَ : كَغَمضَهِ عَينٍ . قالَ : فَذَهَبَ الرَّجُلُ فَلَم يُرَ . فَقالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : هذا جِبريل ؛ أتاكُم لِيُزَهِّدَكُم فِى الدُّنيا ، ويُرَغِّبَكُم فِى الآخِرَهِ . (3)

.

1- .التَّرَح : ضدّ الفرح . وهو الهلاک والانقطاع أيضا (النهايه : ج 1 ص 186 «ترح») .
2- .مطالب السؤول : ص 52 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 22 ح 84 .
3- .تنبيه الغافلين : ص 239 ح 311 وراجع روضه الواعظين : ص 490 وبحار الأنوار : ج 73 ص 122 .

5 / 10 دنیا را بوته خاری بِدان

5 / 11 دنیا را به سان چیزی بدان که در رؤیا به آن ، دست می یابی

5 / 10دنیا را بوته خاری بِدانامام علی علیه السلام :دنیا را بوته خاری بدان و بنگر که پای خود را در کجای آن می نهی؛ زیرا هر که به دنیا تکیه کند ، دنیا او را وا می نهد، و هر که به آن انس گیرد ، دنیا تنهایش می گذارد، و هر که آن را بخواهد ، دنیا او را خوار می گرداند، و هر که خود را وقف آن کند ، دنیا او را می کُشد، و هر که آن را بجوید ، دنیا او را به سختی می اندازد، و هر که به آن شاد گردد ، دنیا او را اندوهناک می کند، و هر که به آن طمع کند ، دنیا او را به خاک می افکند، و هر که آن را پیش افکند ، دنیا او را پس می افکند، و هر که به آن احترام بگذارد ، دنیا به او اهانت روا می دارد، و هر که آن را ترجیح دهد ، دنیا او را از آخرتْ دور می گرداند، و هر که از آخرت دور شود ، به آتش نزدیک می گردد.

5 / 11دنیا را به سان چیزی بدان که در رؤیا به آن ، دست می یابیتنبیه الغافلین به نقل از جابر بن عبد اللّه :در مجلسی از مجلس های پیامبر خدا حضور داشتم که مردی سفیدرو و خوش مو و رنگ ، در حالی که جامه هایی سپید بر تن داشت ، وارد شد و گفت: سلام بر شما ، ای پیامبر خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «و علیک السلام و رحمه اللّه ». گفت: ای پیامبر خدا! دنیا چیست؟ فرمود: «رؤیایی که در خواب می بینند، و البته اهل دنیا ، پاداش و کیفر خواهند دید». گفت: ای پیامبر خدا! آخرت چیست؟ فرمود: «جاودانگی : گروهی در بهشت و گروهی در دوزخ». گفت: ای پیامبر خدا! بهشت چیست؟ فرمود: «ناز و نعمت ابدی که دنیا به ترک کننده خود می بخشد». گفت: دوزخ چیست؟ فرمود: «بخشش دنیا به دنیاطلب. و اهل آن ، هرگز از آن خارج نمی شوند». گفت: بهترینِ این امّت کیست؟ فرمود: «کسی که کارَش در دنیا ، اطاعت خداوند متعال باشد» . گفت: آدمی در دنیا باید چگونه باشد؟ فرمود: «کمرِ همّتْ بربسته، همانندِ جوینده قافله» . گفت: چند در دنیا می ماند؟ فرمود: «به اندازه عقب مانده از قافله». گفت: فاصله میان دنیا و آخرت ، چه قدر است؟ فرمود: «به اندازه چشم بر هم زدنی » . آن مرد رفت و دیگر دیده نشد. پیامبر خدا فرمود: «این ، جبرئیل بود. آمده بود تا شما را نسبت به دنیا زاهد ، و به آخرت راغب گرداند».

ص: 184

. .

ص: 185

. .

تنبيه الخواطر :قال جابِرٌ الجُعفِى لِجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام : جُعِلتُ فِداکَ عِظنى ! قالَ : يا جابِرُ ، اجعَلِ الدُّنيا مالاً أصَبتَهُ فى مَنامِکَ ثُمَّ انتَبَهتَ ولَيسَ مَعَکَ مِنهُ شَىءٌ . هَل هُوَ إلاّ ثَوبٌ تَلبَسُهُ فَتُبليهِ ، أو طَعامٌ يَعودُ بَعدُ إلى ما تَعلَمُ ؟! فَالعَجَبُ لِقَومٍ حُبِسَ أوَّلُهُم عَن آخِرِهِم ، ثُمَّ نودِىَ فيهِم بِالرَّحيلِ وهُم فى غَفلَهٍ يَلعَبونَ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام لِجابِرٍ :يا جابِرُ . . . أنزِلِ الدُّنيا كَمَنزِلٍ نَزَلتَهُ ثُمَّ ارتَحَلتَ عَنهُ ، أو كَمالٍ وَجَدتَهُ فى مَنامِکَ فَاستَيقَظتَ ولَيسَ مَعَکَ مِنهُ شَىءٌ . إنّى إنَّما ضَرَبتُ لَکَ هذا مَثَلاً ؛ لِاءنَّها عِندَ أهلِ اللُّبِّ وَالعِلمِ بِاللّهِ كَفَىءِ الظِّلالِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :أنزِلِ الدُّنيا كَمَنزِلٍ نَزَلتَهُ فَارتَحَلتَ عَنهُ ، أو كَمالٍ أصَبتَهُ فى مَنامِکَ فَاستَيقَظتَ ولَيسَ فى يَدِکَ شَىءٌ مِنهُ . فَكَم مِن حَريصٍ عَلى أمرٍ قَد شَقِىَ بِهِ حينَ أتاهُ ، وكَم مِن تارِكٍ لِاءَمرٍ قَد سَعِدَ بِهِ حينَ أتاهُ . (3)

راجع : ج1 ص68 (مَثَل الدنيا / مَثَل الحلم) .

5 / 12اجعَلِ الدُّنيا بِمَنزِلَهِ قَنطَرَهٍالإمام الصادق عليه السلام :كانَ فيما وَعَظَ بِهِ لُقمانُ ابنَهُ : يا بُنَىَّ . . . اجعَلِ الدُّنيا بِمَنزِلَهِ قَنطَرَهٍ عَلى نَهرٍ جُزتَ عَلَيها وتَرَكتَها ولَم تَرجِع إلَيها آخِرَ الدَّهرِ . (4)

.

1- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 30 .
2- .الكافى : ج 2 ص 133 ح 16 عن جابر ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 194 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 36 ح 17 ؛ حليه الأولياء : ج 3 ص 187 عن جابر وراجع الأمالى للطوسى : ص 296 ح 582 والزهد للحسين بن سعيد : ص 50 ح 133 ومشكاه الأنوار : ص 470 ح 1574 وبشاره المصطفى : ص 189 والفضائل : ص 7 وكشف الغمّه : ج 2 ص 334 .
3- .تحف العقول : ص 377 عن سفيان الثورى و ص287 .
4- .الكافى : ج 2 ص 135 ح 20 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 194 كلاهما عن يحيى بن عقبه الأزدى ، بحار الأنوار : ج 13 ص 425 ح 19 .

5 / 12 دنیا را به سان پُلی بدان

تنبیه الخواطر به نقل از جابر جُعفی که به امام صادق علیه السلام گفت:فدایت شوم! مرا موعظه کن جعفر بن محمّد (امام صادق علیه السلام) فرمود: «ای جابر! دنیا را مانند مالی بدان که در عالم خواب به دست می آوری و چون بیدار می شوی ، خبری از آن نیست. آیا دنیا ، جز جامه ای است که می پوشی و کهنه اش می کنی، یا غذایی که می خوری و بعد تبدیل به چیزی می شود که می دانی؟! پس، تعجّب است از مردمی که پیشینیانشان نگه داشته شده اند و منتظر پسینیانشان هستند. و در این حال ، در میان نشان بانگِ رفتن سر داده شده است؛ امّا آنان همچنان سرگرم بازی اند!»

امام باقر علیه السلام به جابر :ای جابر!... دنیا را چون منزلگاهی بدان که در آن فرود آمده ای و سپس از آن می کوچی، یا مانند مالی بدان که در عالم خواب یافته ای و چون بیدار می شوی ، خبری از آن نیست. من این را تنها از این رو برای تو مثال آوردم که دنیا در نزد خردمندان و خداشناسان همانند ، جا به جا شدن سایه هاست.

امام صادق علیه السلام :دنیا را به سانِ منزلگاهی بدان که در آن فرود می آیی و سپس از آن می کوچی، یا مانند مالی بدان که در خوابت می یابی و چون بیدار می شوی ، اثری از آن نمی بینی . ای بسا آزمندِ چیزی که چون بدان رسید ، مایه بدبختی او گردید، و ای بسا ترک کننده چیزی که چون آن چیز به او رسید ، مایه خوشبختی اش گردید!

ر . ک : ج1 ص69 (مَثَل دنیا / مَثَل رؤیا) .

5 / 12دنیا را به سان پُلی بدانامام صادق علیه السلام :از اندرزهای لقمان به فرزندش ، این بود که : «فرزندم!... دنیا را به سان پلی بر رودخانه ای بدان که از آن ، گذشته ای و آن را پشت سر نهاده ای و دیگر هرگز به سوی آن بر نمی گردی».

.

5 / 13إجعَلِ الدُّنيا سِجنَكَلقمان عليه السلام فيما وَعَظَ بِهِ وَلَدَهُ :يا بُنَيَّ ، اجعَلِ الدُّنيا سِجنَكَ فَتَكونَ الآخِرَهُ جَنَّتَكَ . (1)

راجع : ج1 ص282 (خصائص الدنيا/ سجن المؤمن وجنّه الكافر) .

5 / 14كونوا فِى الدُّنيا كَسَفرِالإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَهِ يَومِ الفِطر :إنَّ الدُّنيا دارٌ رَضِىَ اللّهُ لِاءَهلِهَا الفَناءَ ، وقَدَّرَ عَلَيهِم بِهَا الجَلاءَ ، فَكُلُّ ما فيها نافِدٌ ، وكُلُّ مَن يَسلُكُها بائِدٌ ، وهِىَ مَعَ ذلِكَ حُلوَهٌ غَضِرَهٌ (2) ، رائِقَهٌ نَضِرَهٌ ، قَد زُيِّنَت لِلطّالِبِ ، ولاطَت (3) بِقَلبِ الرّاغِبِ ، يُطَيِّبُهَا الطّامِعُ ، ويَجتَويها (4) الوَجِلُ الخائِفُ ، فَارتَحِلوا رَحِمَكُمُ اللّهُ مِنها بِأَحسَنِ ما بِحَضرَتِكُم مِنَ الزّادِ ، ولا تَطلُبوا مِنها سِوَى البُلغَهِ ، وكونوا فيها كَسَفرٍ نَزَلوا مَنزِلاً فَتَمَتَّعوا مِنهُ بِأَدنى ظِلٍّ ثُمَّ ارتَحَلوا لِشَأنِهِم ، ولا تَمُدّوا أعيُنَكُم فيها إلى ما مُتِّعَ بِهِ المُترَفونَ ، وأضِرّوا فيها بِأنفُسِكُم ، فَإِنَّ ذلِكَ أخَفُّ لِلحِسابِ ، وأقرَبُ مِنَ النَّجاهِ . (5)

.

1- .الاختصاص : ص 337 عن الأوزاعى ، بحار الأنوار : ج 13 ص 428 ح 23 .
2- .عَيشٌ غَضِرٌ : ناعِمٌ رافِهٌ (تاج العروس : ج7 ص312 «غضر») . وفى بعض نسخ المصدر : «خَضِرَه» بدل «غضره» .
3- .لاط به : لَصِق به (النهايه : ج 4 ص 277 «لوط») .
4- .اجتَوَيت البلَدَ : إذا كرهتَ المقامَ فيه وإن كنت فى نعمه (النهايه : ج 1 ص 318 «جوا») .
5- .مصباح المتهجّد : ص 660 ح 728 عن جندب بن عبد اللّه الأزدى عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 91 ص 30 ح 5 وراجع نهج البلاغه : الخطبه 45 وروضه الواعظين : ص 482 .

5 / 13 دنیا را زندان خود بشمار

5 / 14 در دنیا چون مسافران باشید

5 / 13دنیا را زندان خود بشمارلقمان علیه السلام در اندرزهایش به فرزندش :فرزندم! دنیا را زندان خود قرار ده تا آخرت ، بهشت تو باشد.

ر . ک : ج1 ص283 (ویژگی های دنیا / زندان مؤمن و بهشت کافر) .

5 / 14در دنیا چون مسافران باشیدامام علی علیه السلام در خطبه روز فطر :دنیا سرایی است که خداوند برای اهل آن ، فنا خواسته، و کوچیدن از آن را برایشان مقدّر ساخته است. بنا بر این، هر آنچه در دنیاست ، تمام شدنی است، و هر که در آن گام نهد ، از بین رفتنی . با وجود این، دنیا شیرین و لذیذ است، و خوشایند و دل نشین. خود را برای طالبش آرایش کرده است، و به دلِ خواهانش می چسبد. شخص آزمند ، آن را خوش می یابد، و انسان بیمناکِ ترسان ، از آن بیزار است. پس خدایتان رحمت کناد از دنیا با بهترین توشه ای که در اختیار شماست ، کوچ کنید، و جز به قدر کفاف ، از آن مجویید، و در دنیا چونان مسافرانی باشید که در منزلی فرود آمدند و از کمترین سایه آن استفاده کردند و سپس در پی کار خویش رفتند. در دنیا به ناز و نعمتی که مرفّهان از آن برخوردارند ، چشم مدوزید، و در آن به خویشتن محرومیت دهید؛ چرا که این کار ، حساب [روز قیامت]را سبک تر می کند و به نجات ، نزدیک تر است.

.

عنه عليه السلام :اِعلَموا عِبادَ اللّهِ أنَّ المُؤمِنَ لا يُصبِحُ ولا يُمسى إلاّ ونَفسُهُ ظَنونٌ (1) عِندَهُ ، فَلا يَزالُ زارِيا عَلَيها ومُستَزيدا لَها ، فَكونوا كَالسّابِقينَ قَبلَكُم وَالماضينَ أمامَكُم ؛ قَوَّضوا (2) مِنَ الدُّنيا تَقويضَ الرّاحِلِ ، وطَوَوها طَيَّ المَنازِلِ . (3)

5 / 15كونوا عَنِ الدُّنيا نُزّاهاالإمام علىّ عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ بِالزُّهدِ وَالتَّقوى :كونوا عَنِ الدُّنيا نُزّاها وإلَى الآخِرَهِ وُلاّها (4) ، ولا تَضَعوا مَن رَفَعَتهُ التَّقوى ، ولا تَرفَعوا مَن رَفَعَتهُ الدُّنيا ، ولا تَشيمُوا (5) بارِقَها ، ولا تَسمَعوا ناطِقَها ، ولا تُجيبوا ناعِقَها (6) ، ولا تَستَضيؤوا بِإشراقِها ، ولا تُفتَنوا بِأعلاقِها (7) ؛ فَإنَّ بَرقَها خالِبٌ (8) ، ونُطقَها كاذِبٌ ، وأموالَها مَحروبَهٌ (9) ، وأعلاقَها مَسلوبَهٌ . ألا وهِىَ المُتَصَدِّيَهُ العَنونُ (10) ، وَالجامِحَهُ (11) الحَرونُ (12) ، وَالمائِنَهُ (13) الخَؤونُ ، وَالجَحودُ الكَنودُ (14) ، وَالعَنودُ الصَّدودُ ، وَالحَيودُ (15) المَيودُ (16) . حالُها انتِقالٌ ، ووَطأتُها زِلزالٌ ، وعِزُّها ذُلٌّ ، وجِدُّها هَزلٌ ، وعُلُوُّها سُفلٌ . دارُ حَربٍ وسَلَبٍ ، ونَهبٍ وعَطَبٍ . أهلُها عَلى ساقٍ وسِياقٍ ، ولَحاقٍ وفِراقٍ . قَد تَحَيَّرَت مَذاهِبُها ، وأعجَزَت مَهارِبُها ، وخابَت مَطالِبُها ؛ فَأسلَمَتهُمُ المَعاقِلُ ، ولَفَظَتهُمُ المَنازِلُ ، وأعيَتهُمُ المَحاوِلُ ؛ فَمِن ناجٍ مَعقورٍ (17) ، ولَحمٍ مَجزورٍ ، وشِلوٍ (18) مَذبوحٍ ، ودَمٍ مَسفوحٍ ، وعاضٍّ عَلى يَدَيهِ ، وصافِقٍ بِكَفَّيهِ ، ومُرتَفِقٍ بِخَدَّيهِ ، وزارٍ (19) عَلى رَأيِهِ ، وراجِعٍ عَن عَزمِهِ ؛ وقَد أدبَرَتِ الحيلَهُ ، وأقبَلَتِ الغيلَهُ (20) ، ولاتَ حينَ مَناصٍ (21) . هَيهاتَ هَيهاتَ ! قد فاتَ ما فاتَ ، وذَهَبَ ما ذَهَبَ ، ومَضَتِ الدُّنيا لِحالِ بالِها ، «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُواْ مُنظَرِينَ» (22) . (23)

.

1- .ظَنونٌ عنده : أى متّهمه لديه بالخيانه والتقصير فى طاعه اللّه تعالى (مجمع البحرين : ج 2 ص 1144 «ظنن») .
2- .قَوَّضَ البناءَ : قَلَعهُ وأزالَه ، ومنه «تقويض الخيام» (اُنظر النهايه : ج 4 ص 121 «قوض») . وقال ابن أبى الحديد فى شرحه : أمرهم بالتأسّى بمن كان قبلهم، وهم الذين قوّضوا من الدنيا خيامهم ؛ أى نقضوها، وطووا أيّام العمر كما يطوى المسافر منازل طريقه (شرح نهج البلاغه : ج10 ص 18)
3- .نهج البلاغه : الخطبه 176 ، عدّه الداعى : ص 224 ، غرر الحكم : ح 3493 وليس فيه ذيله من «فكونوا كالسابقين . . .» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 78 ح 12 .

4- .الوَلَه : ذهاب العقل ، والتحيّر من شدّه الوجد (النهايه : ج 5 ص 227 «وله») .
5- .شمت البرق : إذا نظرت إلى سحابته أين تمطر (الصحاح : ج 5 ص 1963 «شيم») .
6- .نَعَقَ : أى صاح وزجَرَ (الصحاح : ج 4 ص 1559 «نعق») .
7- .الأعْلاق : أى نفائس الأموال ، الواحد : عِلق ، قيل : سُمّى به لتعلّق القلب به (النهايه : ج 3 ص 290 «علق») .
8- .يقال للسَّحابِ يومضُ برقُه حتّى يُرجى مطره ثمّ يُخلف ويقلع وينقشع : الخُلَّب ؛ وكأنّه من الخلابه : وهى الخداع بالقول اللطيف (اُنظر النهايه : ج 2 ص 58 «خلب») .
9- .المَحرُوبُ : المسلوبُ المنهوبُ (النهايه : ج 1 ص 358 «حرب») .
10- .المُتَصَدِّيَه العَنُون : أى التى تتعرّض للناس (النهايه : ج 3 ص 313 «عنن») .
11- .جَمَحَ : أى أسرع إسراعا لا يردّه شىء (النهايه : ج 1 ص 291 «جمح») .
12- .فَرَسٌ حَرُون : لا ينقاد ، وإذا اشتدّ به الجرى وقف (الصحاح : ج 5 ص 2097 «حرن») .
13- .المَين : الكذب (النهايه : ج 4 ص 383 «مين») .
14- .الكُنُود : كفران النعمه (القاموس المحيط : ج 1 ص 333 «كند») .
15- .حادَ عن الطريق يَحِيد : إذا عَدَل . والحَيود من أبنيه المبالَغَه (النهايه : ج 1 ص 466 «حيد») .
16- .مَادَ : مالَ وتحرّک (النهايه : ج 4 ص 379 «ميد») .
17- .العَقْر : الجَرْح (القاموس المحيط : ج 2 ص 93 «عقر») .
18- .الشِّلو : العضو ، القطعه (النهايه : ج 2 ص 498 «شلا») .
19- .زارٍ : أى عاتبٌ ساخطٌ غير راضٍ (الصحاح : ج 6 ص 2368 «زرى») .
20- .الغَيلَه : الشقشقه والخديعه والاغتيال (القاموس المحيط : ج 4 ص 27 «غيل») .
21- .وَلاَت حِينَ مَناص : وليس ساعه مهربٍ أو ملجأ (لسان العرب : ج 7 ص 102 «نوص») .
22- .الدخان : 29 .
23- .نهج البلاغه : الخطبه 191 .

امام علی علیه السلام :بدانید ای بندگان خدا که مؤمن ، شب را به روز و روز را به شب نمی رساند ، مگر آن که نفْسش در نزد او متّهم است؛ (1) پیوسته آن را سرزنش می کند و از آن ، [کار و عبادتِ] بیشتر می طلبد. پس، همچون کسانی باشید که پیش از شما رفتند و کسانی که پیش روی شما در گذشتند . آنان ، همانند کوچ کنندگان ، خیمه خویش را از دنیا برچیدند و آن را منزل به منزل ، پیچیده داشتند .

5 / 15از دنیا وارسته باشیدامام علی علیه السلام در سفارش به زهد ورزی و پرهیزگاری :از دنیا وارسته و به آخرت ، دل باخته باشید، و آن را که پرهیزگاری ، بلندمرتبه اش ساخته است ، پست مشمارید، و آن را که دنیا رفعت بخشیده ، بلندمرتبه مپندارید . به آذرخش دنیا امید مبندید، و به گوینده اش گوش مسپارید، و به دعوتش پاسخ مدهید، و از تابشش روشنایی مجویید، و به کالاهای نفیس آن ، فریفته نشوید؛ چرا که آذرخش دنیا ، بی باران و گفتارش دروغ است، و دارایی هایش تاراج و کالاهای نفیس آن [از کف شما [ربوده می شود. آگاه باشید که دنیا [چونان مَرکب ،] آزار دهنده است، و [چون اسبِ [خودسر و سرکش است ، و دروغگو و خیانت پیشه است، و حق ناشناس و ناسپاس است، و ناسازگار و روی گردان است، و پیوسته کژراهه می رود و طریق انحراف می پوید. خاصیّت آن ، جا به جا شدن است، و گام هایش لرزان، و عزّتش ذلّت، و جدّی اش شوخی، و بلندی اش پستی. سرای هجوم و ربودن و غارت و ویرانی است . اهل آن ، همواره آماده رفتن و پیوستن [به رفتگان] و جدا شدن [از مال و اولاد]اند . راه هایش همه سرگردانی اند ، گریزگاه هایش مایه درماندگی اند، و خواسته هایش ناکام کننده (دست نیافتنی). دژهایش اهل خود را تسلیم [دشمن [می کنند، و خانه هایش آنان را از خود بیرون می افکنند، و چاره گری هایش ناتوانشان می گردانند. پس، برخی از آنان ، رهیده ای زخم آلودند، عدّه ای گوشتی پاره پاره، عدّه ای پیکری بی سر، و عدّه ای خونی ریخته شده. یکی دست به دندان می گزد، دیگری کف بر کف می زند، یکی زانوی غم در بغل می گیرد، و دیگری اندیشه خویش را سرزنش می کند ، و آن دیگری ، از تصمیم خویش بر می گردد . چاره اندیشی ، بی حاصل گشته، و مرگ غافلگیرانه روی آورده است و دیگر ، فرصت گریختن نیست. هیهات، هیهات! گذشته ها گذشتند ، و رفته ها رفتند ، و دنیا از پسِ

کار خویش رفت «و آسمان و زمین برایشان نَگریست و مهلت داده نشدند» .

.

1- .یعنی آن را متّهم به خیانت و کوتاهی در طاعت خداوند متعال می کند (مجمع البحرین : ج 2 ص 144 «ظنن»).

ص: 192

. .

ص: 193

. .

5 / 16لِتَكُنِ الدُّنيا فى أعيُنِكُم أصغَرَ مِن حُثالَهِ القَرَظِالإمام علىّ عليه السلام :فَلتَكُنِ الدُّنيا فى أعيُنِكُم أصغَرَ مِن حُثالَهِ القَرَظِ (1) ، وقُراضَهِ الجَلَمِ (2) . (3)

5 / 17اِرفِضوا هذِهِ الدُّنيَا الذَّميمَهَالإمام علىّ عليه السلام :اُوصيكُم عِبادَ اللّهِ بِتَقوَى اللّهِ ، وَاغتِنامِ مَا استَطَعتُم عَمَلاً بِهِ مِن طاعَتِهِ فى هذِهِ الأيّامِ الخالِيَهِ ، وبِالرَّفضِ لِهذِهِ الدُّنيَا التّارِكَهِ لَكُم وإن لَم تَكونوا تُحِبّونَ تَركَها ، وَالمُبلِيَهِ (4) لَكُم وإن كُنتُم تُحِبّونَ تَجديدَها . (5)

عنه عليه السلام :اِرفِضوا هذِهِ الدُّنيَا التّارِكَهَ لَكُم وإن لَم تُحِبّوا تَركَها ، وَالمُبلِيَهَ أجسادَكُم عَلى مَحَبَّتِكُم لِتَجديدِها . (6)

.

1- .حُثاله القَرَظ : نفايته . والقَرَظ : شَجر يُدبغ به ، وقيل : هو ورق السّلم يُدبغ به الأدم (لسان العرب : ج11 ص 142 «حثل» وج7 ص454 «قرظ») .
2- .القُراضَه : ما سقط بالقرض (لسان العرب : ج 7 ص 216 «قرض») . والجَلَم : الذى يُجزّ به الشعر والصوف (النهايه : ج1 ص290 «جلم») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 32 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 8 وفيه «من حُثاله القرص وقراضه الشلجم» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 5 ح 54 ، وراجع مطالب السؤول : ص 32 .
4- .بَلىَ : خَلِقَ فهو بالٍ (المصباح المنير : ص 62 «بلى») .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 429 ح 1263 ، نهج البلاغه : الخطبه 99 ، مصباح المتهجّد : ص 381 ح 508 عن زيد بن وهب ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 253 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 112 ح 109 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ ؛ دستور معالم الحكم : ص 45 نحوه .
6- .غرر الحكم : ح 2577 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 88 ح 2096 .

5 / 16 دنیا، در چشمتان ، خُردتر از تفاله برگ درخت قَرَظ باشد

5 / 17 این دنیای نکوهیده را رها کنید!

5 / 16دنیا، در چشمتان ، خُردتر از تفاله برگ درخت قَرَظ باشدامام علی علیه السلام :باید دنیا در چشمتان ، خُردتر از تفاله برگ درخت قرظ (1) و خرده ریزهایی باشد که از قیچی پشم زنی می افتند.

5 / 17این دنیای نکوهیده را رها کنید!امام علی علیه السلام :ای بندگان خدا! شما را سفارش می کنم به پروا کردن از خداوند و این که تا می توانید ، این ایّام زودگذر عمر را غنیمت بشمرید و به طاعت خدا بپردازید، و رها کنید این دنیایی را که شما را ترک می کند هر چند دوست ندارید شما را ترک گوید ، و پیکر شما را فرسوده می گرداند هرچند شما دوست دارید که آن را نو گردانید .

امام علی علیه السلام :رها کنید این دنیایی را که شما را ترک می کند ، هرچند ترک گفتن آن را دوست ندارید، و جسم های شما را فرسوده می گرداند ، هرچند دوست دارید آن را تازه گردانید.

.

1- .قَرَظ: درختی که از آن برای دبّاغی استفاده می شود . به قولی، برگ درخت سَلَم را گویند که برای دبّاغی پوست به کار می رود (لسان العرب : ج 11 ص 142 «حثل» و ج 7 ص 454 «قرظ»).

عنه عليه السلام :اِرفِضوا هذِهِ الدُّنيا ذَميمَةً ، فَقَد رَفَضَت مَن كانَ أشعَفَ (1) بِها مِنكُم. (2)

عنه عليه السلام :أحسَنُ مِن مُلابَسَهِ الدُّنيا رَفضُها . (3)

عنه عليه السلام :صَلاحُ الآخِرَهِ رَفضُ الدُّنيا . (4)

5 / 18أعرِضوا عَمّا يُعجِبُكُم فِي الدُّنياالإمام علىّ عليه السلام :اُوصيكُم عِبادَ اللّهِ بِتَقوَى اللّهِ وطاعَتِهِ ؛ فَإِنَّها النَّجاهُ غَدا وَالمَنجاهُ أبَدا ، رَهَّبَ فَأبلَغَ ، ورَغَّبَ فَأسبَغَ ، ووَصَفَ لَكُمُ الدُّنيا وَانقِطاعَها وزَوالَها وَانتِقالَها ، فَأعرِضوا عَمّا يُعجِبُكُم فيها لِقِلَّهِ ما يَصحَبُكُم مِنها ، وأقرَبُ دارٍ مِن سَخَطِ اللّهِ وأبعَدُها مِن رِضوانِ اللّهِ . فَغُضّوا (ارفِضوا) عَنكُم عِبادَ اللّهِ غُمومَها وأشغالَها ، لِما قَد أيقَنتُم بِهِ مِن فِراقِها وتَصَرُّفِ حالاتِها ، فَاحذَروها حَذَرَ الشَّفيقِ النّاصِحِ ، وَالمُجِدِّ الكادِحِ . (5)

عنه عليه السلام :إنَّ الدُّنيا لا تَفى لِصاحِبٍ ولا تَصفو لِشارِبٍ ، نَعيمُها يَنتَقِلُ وأحوالُها تَتَبَدَّلُ ، ولَذّاتُها تَفنى وتَبِعاتُها تَبقى ، فَأعرِض عَنها قَبلَ أن تُعرِضَ عَنكَ ، وَاستَبدِل بِها قَبلَ أن تَستَبدِلَ بِكَ . (6)

.

1- .الشعف : شدّه الحبّ وما يغشى قلب صاحبه (النهايه : ج 2 ص 481 «شعف») .
2- .غرر الحكم : ح 2496 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 88 ح 2087 وفيه «أشغف» بدل «أشعف» ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 8 وفيه «أشفق» بدل «أشعف» .
3- .غرر الحكم : ح 3043 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 119 ح 2700 .
4- .غرر الحكم : ح 5806 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 303 ح 5399 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 161 .
6- .غرر الحكم : ح 3682 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 144 ح 3219 وليس فيه «لا تفى لصاحب ، ولا تصفو لشارب» .

5 / 18 از جاذبه های دنیا روی گردانید

امام علی علیه السلام :این دنیای نکوهیده را رها کنید؛ چرا که کسانی از شما را که به آن دل بسته بودند ، رها کرد.

امام علی علیه السلام :از صمیمیت با دنیا ، بهتر رهاکردن آن است.

امام علی علیه السلام :آبادانی آخرت ، در ترک دنیاست.

5 / 18از جاذبه های دنیا روی گردانیدامام علی علیه السلام :ای بندگان خدا! شما را به پروا کردن از خدا و فرمان برداری از او سفارش می کنم؛ چرا که [مایه] نجات در فردا[ی قیامت] و رهایی ابدی [از عذاب الهی]اند . خداوند در تهدید و ترغیب شما ذرّه ای فروگذار نکرده، و دنیا و ناپایداری و زوال و انتقال آن [به دیگری] را به شما شناسانده است. پس، از آنچه در دنیا خوشایند شماست ، روی گردانید؛ چرا که [فقط] اندکی از آن را با خود می برید. دنیا نزدیک ترین جا به خشم خدا و دورترین جا از خشنودی اوست. پس ، ای بندگان خدا! غم ها و گرفتاری های دنیا را از خود دور کنید چرا که به جدایی دنیا و دگرگونی حالات آن ، یقین دارید و از آن حذر کنید ، همچون حذر کردن دلسوز خیرخواه، و کوشای رنجبر.

امام علی علیه السلام :دنیا با هیچ یاری وفا نمی کند، و برای هیچ آشامنده ای زلال نیست. نعمتش جا به جا می گردد و حالاتش دگرگون می شوند و لذّت هایش از بین می روند و پیامدهای آنها باقی می مانند. پس، پیش از آن که دنیا از تو روی گرداند ، تو از آن روی بگردان، و پیش از آن که او کسی دیگر را جایگزین تو کند ، تو دیگری (آخرت) را جایگزین آن کن.

.

عنه عليه السلام :طوبى لِمَن رَكِبَ الطَّريقَةَ الغَرّاءَ ، ولَزِمَ المَحَجَّةَ البَيضاءَ ، وتَوَلَّهَ بِالآخِرَهِ وأعرَضَ عَنِ الدُّنيا . (1)

5 /19أُعزُبوا عَنِ الدُّنيا كَأَشَدِّ ما عَنهُ تَعزُبونَالإمام علىّ عليه السلام :أُعزُبوا عَنِ الدُّنيا كَأَشَدِّ ما أنتُم عَن شَىءٍ تَعزُبونَ ، فَإِنَّها غَرورٌ وصاحِبُها مِنها فى غِطاءٍ مُعَنّىً (2) . (3)

5 / 20أهينُوا الدُّنيا فَإِنَّهُ أهنَأُعيسى عليه السلام :تَهاوَنوا بِالدُّنيا تَهُن عَلَيكُم ، وأهينوها تَكرُمِ الآخِرَهُ إلَيكُم ، ولا تُكرِمُوا الدُّنيا فَتَهونَ الآخِرَهُ عَلَيكُم ، فَلَيسَتِ الدُّنيا بِأَهلِ كَرامَهٍ ، فى كُلِّ يَومٍ تَدعو إلى فِتنَهٍ وخَسارٍ ، ومَا الدُّنيا إلاّ كَحُلمِ المَنامِ ، وَالمَرءُ بَينَ أيقاظٍ ونِيامٍ . (4)

الإمام الكاظم عليه السلام :أهينُوا الدُّنيا وتَهاوَنوا بِها ؛ فَإِنَّها ما أهانَها قَومٌ إلاّ هَنَّأَهُمُ اللّهُ العَيشَ ، وما أعَزَّها قَومٌ إلاّ تَعِبوا وذَلّوا . (5)

.

1- .غرر الحكم : ح 5972 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 314 ح 5487 .
2- .عنّاه : حبسه وأسره (الصحاح : ج 6 ص 2440 «عنا») .
3- .الغارات : ج 2 ص 634 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 35 ح 117 .
4- .أعلام الدين : ص 279 ؛ الدرّ المنثور : ج 2 ص 205 نقلاً عن عبد اللّه بن أحمد عن عمران بن سليمان نحوه .
5- .أعلام الدين : ص 280 وراجع شرح نهج البلاغه : ج 19 ص 327 وسير أعلام النبلاء : ج 4 ص 579 .

5 / 19 از دنیا ، با شدّت تمام ، دوری کنید

5 / 20 دنیا را سبک بگیرید که این ، گواراتر است

امام علی علیه السلام :خوشا به حال کسی که راه روشن را در پیش گرفت، و از مسیر درست جدا نشد، و شیفته آخرت شد و از دنیا روی گرداند!

5 / 19از دنیا ، با شدّت تمام ، دوری کنیدامام علی علیه السلام :از دنیا به شدیدترین وجهی که از یک چیزْ دوری می کنید، دوری نمایید؛ زیرا دنیا فریبنده است و دنیادار در پرده ای از آن ، اسیر است.

5 / 20دنیا را سبک بگیرید که این ، گواراتر استعیسی علیه السلام :دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان شود، و آن را خوار بدارید تا آخرت در نظرتان ارجمند گردد، و دنیا را ارج ننهید ، که آخرت در نظرتان بی ارج می شود . دنیا شایسته احترام نیست: هر روز ، گرفتاری و زیانی به بار می آورد ، و دنیا نیست ، مگر به سان رؤیایی در خواب، و آدمی ، در میان بیداری و خواب!

امام کاظم علیه السلام :دنیا را سبک بدارید و آن را دست کم گیرید؛ چرا که هیچ مردمی دنیا را سبک نداشتند ، مگر آن که خداوند زندگی را برایشان گوارا ساخت؛ و هیچ مردمی دنیا را ارج ننهادند ، مگر این که به زحمت و خواری افتادند.

.

عنه عليه السلام :ما أهانَ الدُّنيا قَومٌ قَطُّ إلاّ هَنَّأَهُمُ اللّهُ إيّاها وبارَکَ لَهُم فيها ، وما أعَزَّها قَومٌ قَطُّ إلاّ نَغَّصَهُمُ اللّهُ إيّاها . (1)

عنه عليه السلام :أهينُوا الدُّنيا فَإنَّهُ أهنَأُ ما يَكونُ عَلَيكُم ؛ فَإنَّهُ ما أهانَ قَومٌ الدُّنيا إلاّ هَنَّأَهُمُ اللّهُ العَيشَ ، وما أعَزَّها قَومٌ إلاّ ذَلّوا وتَعِبوا وكانَت عاقِبَتُهُم النَّدامَةَ . (2)

5 / 21طَلِّقُوا الدُّنيا ثَلاثاالإمام علىّ عليه السلام :الدُّنيا مُطَلَّقَةُ الأَكياسِ (3) . (4)

عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : طَلِّقِ الدُّنيا ثَلاثا وَاطلُبَن زَوجا سِواها إنَّها زَوجَهُ سَوءٍ لا تُبالى مَن أتاها وإذا نالَت مُناها مِنهُ وَلَّتهُ قَفاها (5)

راجع : ج1 ص346 (مطلَّقه الأكياس)

موسوعه الإمام علىّ بن أبى طالب عليه السلام : القسم التاسع/ الفصل السابع/ ضرار بن ضمره

والقسم العاشر / الفصل الثانى / زينه الزهد .

5 / 22كَأَنَّ الدُّنيا لَم تَكُنرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أيُّهَا النّاسُ ! اتَّقُوا اللّهَ حَقَّ تُقاتِهِ وَاسعَوا فى مَرضاتِهِ ، وأيقِنوا مِنَ الدُّنيا بِالفَناءِ ومِنَ الآخِرَهِ بِالبَقاءِ ، وَاعمَلوا لِما بَعدَ المَوتِ ، فَكَأَنَّكُم بِالدُّنيا لَم تَكُن وبِالآخِرَهِ لَم تَزَل . (6)

.

1- .تاريخ اليعقوبى : ج 2 ص 414 عن الحسن بن أسد .
2- .إرشاد القلوب : ص 18 .
3- .الكيّس : العاقل [والجمع : أكياس] (النهايه : ج 4 ص 217 «كيس») .
4- .غرر الحكم : ح 441 .
5- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : ص 36 الرقم 8 ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 2 ص 102 وليس فيه البيت الأخير ، بحار الأنوار : ج 40 ص 328 ح 10 .

6- .أعلام الدين : ص 344 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 187 ح 10 .

ص: 201

5 / 21 دنیا را سه طلاقه کنید

5 / 22 گویی هرگز دنیایی نبوده است!

امام کاظم علیه السلام :هرگز هیچ مردمی دنیا را سبک نداشتند ، مگر این که خداوندآن را برایشان گوارا ساخت و در آن برکتشان داد؛ و هرگز هیچ قومی دنیا را عزیز نداشتند ، مگر این که خداوند آن را به کامشان تلخ ساخت.

امام کاظم علیه السلام :دنیا را کم اهمّیت شمارید؛ زیرا این ، گواراترین چیز بر شماست؛ چرا که هیچ مردمی دنیا را سبک نشمردند مگر این که خداوند زندگی را برایشان گوارا گردانید، و هیچ مردمی دنیا را عزیز نداشتند ، مگر این که خوار و خسته شدند و عاقبتشان پشیمانی بود.

5 / 21دنیا را سه طلاقه کنیدامام علی علیه السلام :دنیا، مُطَلَّقه زیرکان است.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : دنیا را سه طلاقه کن/ و جفتی دیگر بجوی که دنیا زن بدی است/ برایش مهم نیست چه کسی شوی اوست کامش را که از او برگرفت/ در پی شوهر دیگری می رود .

ر . ک : ج1 ص346 (مُطلَّقه زیرکان)

دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام : بخش نهم / فصل هفتم / ضرار بن ضمره

و بخش دهم / فصل دوم / زینت زهد .

5 / 22گویی هرگز دنیایی نبوده است!پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای مردم! از خدا، چنان که باید، بترسید و در جلب خشنودی او بکوشید . به فناپذیری دنیا و جاودانگی آخرت ، یقین کنید، و برای پس از مرگ ، کار کنید ، چنان که گویی هرگز در دنیا نبوده اید و پیوسته در آخرت زیسته اید .

.

الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :كَأَنَّکَ بِالدُّنيا لَم تَکُن ، وکَأَنَّکَ بِالآخِرَهِ لَم تَزَل . (1)

عنه عليه السلام :کُلُّ ماضٍ فَکَأَن لَم يَکُن . (2)

عنه عليه السلام :کَأَنَّ ما هُوَ کائِنٌ مِنَ الدُّنيا عَن قَليلٍ لَم يَکُن ، وما هُوَ کائِنٌ مِنَ الآخِرَهِ لَم يَزَل . (3)

الإمام الباقر عليه السلام :کَتَبَ الحُسَينُ بنُ عَلِىٍّ عليه السلام إلى مُحَمَّدِ (4) بنِ عَلِىٍّ عليه السلام مِن کَربَلاءَ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، مِنَ الحُسَينِ بنِ عَلِىٍ إلى مُحَمَّدِ بنِ عَلِىٍّ ومَن قِبَلَهُ مِن بَنى هاشِمٍ ، أمّا بَعدُ ، فَکَأَنَّ الدُّنيا لَم تَکُن وکَأَنَّ الآخِرَهَ لَم تَزَل ، وَالسَّلامُ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :کانَ أبو ذَرٍ رضى الله عنه يَقولُ فى خُطبَتِهِ : يا مُبتَغِىَ العِلمِ ، کَأَنَّ شَيئا مِنَ الدُّنيا لَم يَکُن شَيئا إلاّ ما يَنفَعُ خَيرُهُ ويَضُرُّ شَرُّهُ ، إلاّ مَن رَحِمَ اللّهُ . (6)

عنه عليه السلام أنَّهُ کانَ يَقولُ : اِعمَل عَلى مَهَلٍ فَإنَّکَ مَيِّتٌ وَاختَر لِنَفسِکَ أيُّهَا الإنسانُ فَکَأَنَّ ما قَد کانَ لَم يَکُ إذ مَضيوکَأَنَّ ما هُوَ کائِنٌ قَد کانَ (7)

.

1- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 309 ح 540 ؛ تفسير التبيان : ج 6 ص 488 .
2- .غرر الحكم : ح 6860 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 375 ح 6338 .
3- .مطالب السؤول : ص 52 ؛ عيون الحكم والمواعظ : ص 91 ح 2145 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 21 ح 81 .
4- .يعنى محمّد بن الحنفيّه .
5- .كامل الزيارات : ص 158 ح 196 عن ميسر بن عبد العزيز ، بحار الأنوار : ج 45 ص 87 ح 23 .
6- .الكافى : ج 2 ص 134 ح 18 عن أبى بصير ، الأمالى للمفيد : ص 179 ح 1 وفيه «عملاً ينفع» بدل «ما ينفع» ، الأُصول الستّه عشر : ص 35

كلاهما عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 22 ص 401 ح 11 .
7- .الأمالي للصدوق : ص 578 ح 793 عن محمّد بن أبى عمير ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 276 ، روضه الواعظين : ص 538 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 172 ح 3 .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :گویا اصلاً در دنیا نبوده ای، و گویا که پیوسته در آخرت بوده ای!

امام علی علیه السلام :هر سپری شونده ای ، مثل این است که [اصلاً] نبوده است.

امام علی علیه السلام :آنچه از دنیا وجود دارد ، تو گویی اصلاً نبوده است، و آنچه از آخرت وجود دارد ، تو گویی همواره بوده است!

امام باقر علیه السلام :حسین بن علی علیهماالسلام از کربلا به محمّد بن علی (1) نوشت: «به نام خداوند رحمتگر مهربان. از حسین بن علی به محمّد بن علی و دیگر فرزندان هاشم. امّا بعد : دنیا چنان است که گویی هرگز نبوده است و آخرت ، چنان است که گویی همواره بوده است! بدرود».

امام صادق علیه السلام :ابو ذر ، در سخنرانی خود می گفت: ای جوینده دانش! گویا هیچ چیز دنیا ، چیزی نبوده است ، جز این که خوبی اش سود می رساند و بدی اش زیان می زند، مگر کسی که خدا به او رحم کند.

امام صادق علیه السلام می فرمود :در مهلتی که داری ، بکوش؛ چرا که تو مردنی هستی / و برای خودت ای انسان نیکی برگزین آنچه بود وگذشت، گویا اصلاً نبوده است/ و هر آینده ای، گویا از ابتدا بوده است!

.

1- .مقصود، محمّد بن حنفیّه است.

5 / 23فى حَلالِها حِسابٌ وفى حَرامِها عِقابٌالإمام الصادق عليه السلام :قيلَ لِاَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : عِظنا وأوجِز ، فَقالَ : الدُّنيا حَلالُها حِسابٌ ، وحَرامُها عِقابٌ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فى وَصفِ الدُّنيا :ما أصِفُ مِن دارٍ أوَّلُها عَناءٌ وآخِرُها فَناءٌ ، فى حَلالِها حِسابٌ وفى حَرامِها عِقابٌ ، مَنِ استَغنى فيها فُتِنَ ، ومَنِ افتَقَرَ فيها حَزِنَ ، ومَن ساعاها (2) فاتَتهُ ، ومَن قَعَدَ عَنها واتَتهُ ، ومَن أبصَرَ بِها بَصَّرَتهُ ، ومَن أبصَرَ إلَيها أعمَتهُ . (3)

5 / 24تَشوبُ نَعيمَها بِبُؤسِالإمام علىّ عليه السلام :إنَّ الدُّنيا خَيرُها زَهيدٌ ، وشَرُّها عَتيدٌ (4) ، ولَذَّتُها قَليلَهٌ ، وحَسرَتُها طَويلَهٌ ، تَشوبُ (5) نَعيمَها بِبُؤسٍ ، وتَقِرنُ سُعودَها بِنُحوسٍ ، وتَصِلُ نَفعَها بِضُرٍّ ، وتَمزِجُ حُلوَها بِمُرٍّ . (6)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 459 ح 13 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 137 نحوه .
2- .ساعاها : سابقها (النهايه : ج 2 ص 370 «سعى») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 82 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 118 ، مشكاه الأنوار : ص 469 ح 1570 ، نزهه الناظر : ص 66 ح 56 ، تحف العقول : ص 201 نحوه بزياده «مَن صَحَّ فيها أمِنَ ، ومَن مَرِضَ فيها نَدِم» بعد «وفى حرامها عقاب» ، روضه الواعظين : ص 488 وفيهما «أتته» بدل «واتته» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 133 ح 136 ؛ المناقب للخوارزمى : ص 364 ح 379 ، كنز العمّال : ج 3 ص 720 ح 8567 نقلاً عن ابن أبى الدنيا والدينورى .
4- .العَتيدُ : الحاضر المُهيّأ (القاموس المحيط : ج 1 ص 312 «عتد») .
5- .الشَّوبُ : الخلط (الصحاح : ج 1 ص 158 «شوب») .
6- .غرر الحكم : ح 3676 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 146 ح 3235 .

5 / 23 حلال دنیا حساب دارد و حرامش کیفر

5 / 24 خوشی دنیا ، با رنج آمیخته است

5 / 23حلال دنیا حساب دارد و حرامش کیفرامام صادق علیه السلام :به امیر مؤمنان علیه السلام گفته شد: ما را اندرزی کوتاه ده. فرمود: «دنیا، حلالش حساب دارد و حرامش کیفر».

امام علی علیه السلام در توصیف دنیا :چه بگویم در وصف دنیایی که آغازش رنج است و انجامش نابودی ، و در حلالش حساب است و در حرامش کیفر؟ هر که در دنیا بی نیاز شد ، گرفتار گردید، هر که فقیر شد ، اندوه دامنگیرش شد ، هر که در پی دنیا دوید ، به آن نرسید، هر که از طلب آن باز ایستاد ، دنیا خود به سراغش رفت، هر که با دنیا دید ، دنیا او را بینا گردانید، و هر که به دنیا نگریست ، دنیا نابینایش گردانید.

5 / 24خوشی دنیا ، با رنج آمیخته استامام علی علیه السلام :دنیا خوبش ناچیز است و بدش حاضر و آماده . لذّتش اندک است و افسوسش طولانی. خوشی اش با رنج آمیخته است، خوش بختی اش با بدبختی قرین است ، سودش به زیانْ پیوسته است، و شیرینی اش با تلخی ممزوج است.

.

عنه عليه السلام :إنَّهُ لَم يُصِبِ امرُؤٌ مِنكُم فى هذِهِ الدُّنيا حَبرَةً (1) إلاّ أورَثَتهُ عَبرَةً (2) ، ولا يُصبِحُ فيها فى جَناحِ أمِنٍ إلاّ وهُوَ يَخافُ فيها نُزولَ جائِحَهٍ (3) ، أو تَغَيُّرَ نِعمَهٍ ، أو زَوالَ عافِيَهٍ . (4)

عنه عليه السلام فى ذَمِّ الدُّنيا :لَم يَكُنِ امرُؤٌ مِنها فى حَبرَهٍ إلاّ أعقَبَتهُ بَعدَها عَبرَهٌ ، ولَم يَلقَ فى سَرّائِها بَطنا إلاّ مَنَحَتهُ مِن ضَرّائِها ظَهرا ، ولَم تَطُلَّهُ فيها ديمَهُ رَخاءٍ إلاّ هَتَنَت (5) عَلَيهِ مُزنَهُ بَلاءٍ ، وحَرِيٌّ إذا أصبَحَت لَهُ مُنتَصِرَهً أن تُمسِيَ لَهُ مُتَنَكِّرَهً ، وإن جانِبٌ مِنهَا اعذَوذَبَ وَاحلَولى ، أمَرَّ مِنها جانِبٌ فَأوبى (6) ، لا يَنالُ امرُؤٌ مِن غَضارَتِها رَغَبا إلاّ أرهَقَتهُ مِن نِوائِبِها تَعَبا ، ولا يُمسى مِنها فى جَناحِ أمنٍ إلاّ أصبَحَ عَلى قَوادِمِ (7) خَوفٍ . (8)

عنه عليه السلام :كَأَنَّ ما هُوَ كائِنٌ مِنَ الدُّنيا عَن قَليلٍ لَم يَكُن ، وما هُوَ كائِنٌ مِنَ الآخِرَهِ لَم يَزَل . إى وَاللّهِ ، عَن قَليلٍ تُشقِى المُترَفَ ، وتُحَرِّكُ السّاكِنَ ، وتُزيلُ الثّاوِىَ . صَفوُها مَشوبٌ بِالكُدرَهِ ، وسُرورُها مَنسوجٌ بِالحُزنِ ، وآخِرُ حَياتِها مُقتَرِنٌ بِالضَّعفِ ، فَلا يُعجِبكُم ما يَغُرُّنَّكُم مِنها ، فَعَن كَثَبٍ تُنقَلونَ عَنها ، وكُلُّ ما هُوَ آتٍ قَريبٌ و «هُنَالِکَ تَبْلُواْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَ رُدُّواْ إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ و ضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ» (9) . (10)

.

1- .الحَبره : النعمه وسعه العيش ، وكذلک الحبور(النهايه : ج 1 ص 327 «حبر») .
2- .العَبْرَه : الدمعه قبل أن تفيض ، أو تردّد البكاء فى الصدر ، أو الحزن بلا بكاء (القاموس المحيط : ج 2 ص 83 «عبر») .
3- .الجائِحه : هى الآفه التى تهلک الثمار والأموال وتستأصلها (النهايه : ج 1 ص 311 «جوح») .
4- .الكافى : ج 8 ص 174 ح 194 عن محمّد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 351 ح 31 ؛ مطالب السؤول : ص 51 نحوه .
5- .هَتَنَتِ السماءُ : صَبَّتْ . ومَطَرٌ هَتُون : هَطُول (لسان العرب : ج 13 ص 430 «هتن») .
6- .الوَبَاء : المرض العام (النهايه : ج 5 ص 144 «وبا») .

7- .قَوادِمُ الطّير : مقاديم ريشه ، وهى عشره فى كلّ جناح (الصحاح : ج 5 ص 2007 «قدم») .
8- .نهج البلاغه : الخطبه 111 ، تحف العقول : ص 180 نحوه وفيه «هتفت» بدل «هتنت» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 97 ح 82 ؛ مطالب السؤول : ص 50 نحوه .
9- .يونس : 30 .
10- .مطالب السؤول : ص 52 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 21 ح 81 .

امام علی علیه السلام :هیچ فردی از شما در این دنیا به شادی ای نرسید ، مگر این که دنیا برای او اشکی به بار آورد، و شبی را در پناه ایمنی به صبح نمی رساند ، مگر این که از فرود آمدن بلایی یا از دست رفتن نعمتی یا از بین رفتن سلامتی بیمناک است.

امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا :هیچ انسانی در دنیا به شادی ای نرسید ، مگر این که در پی آن ، دنیا به او اشک [و اندوه] داد، و از خوشی های دنیا به نوایی نرسید ، مگر این که دنیا از سختی هایش به او چشانید، و در آن ، بارانی از آسایشْ او را تر نکرد ، مگر این که ابر رنج بر او فرو بارید. این ، رسم دنیاست که هر گاه صبحگاهان یاور انسان شود ، شامگاهان به دشمنْ بدل می گردد، و اگر بخشی از آن گوارا و شیرین باشد ، بخش دیگرش تلخ و ناگوار است . هیچ کس از خوشی های آن به مرادی نمی رسد ، مگر آن که دنیا با مصیبت های خود ، او را به ستوه می آورد، و [هیچ کس] روز را با آسودگی خیال ، به شب نمی رساند ، مگر آن که شب را بر بال های ترس به روز می رساند.

امام علی علیه السلام :آنچه از دنیا وجود دارد ، [چنان می شود که] پس از اندکی گویا نبوده، و آنچه از آخرت وجود دارد ، [گویا] از آغاز بوده است. آری ، به خدا ! زودا که دنیا ، برخوردارِ مرفّه را به روز سیاه نشاند، و آرام گرفته را حرکت دهد، و اقامت گزیده را بکوچاند. زلالی دنیا ، آمیخته به تیرگی ، شادی اش بافته با اندوه، و پایان زندگی اش همراه با ناتوانی است. پس مبادا فریبندگی های دنیا شما را خوش آید؛ چرا که به زودی از آن می رَوید، و هر آنچه آمدنی است ، نزدیک است و «آن جاست که هر کس آنچه را از پیش فرستاده است ، می آزماید و [همگان] به سوی خدا، مولای حقیقی خود، باز گردانیده می شوند و آنچه به دروغ بر می ساخته اند ، از دستشان به در می رود» .

.

عنه علیه السلام فی خُطبَهٍ لَهُ :أیُّهَا النّاسُ ، إنَّما أنتُم فی هذِهِ الدُّنیا غَرَضٌ تَنتَضِلُ (1) فیهِ المَنایا ؛ مَعَ کُلِّ جُرعَهٍ شَرَقٌ (2) ، وفی کُلِّ أکلَهٍ غَصَصٌ! لا تَنالونَ مِنها نِعمَهً إلاّ بِفِراقِ اُخری ، ولا یُعَمَّرُ مُعَمَّرٌ مِنکُم یَوما مِن عُمُرِهِ إلاّ بِهَدمِ آخَرَ مِن أجَلِهِ ، ولا تُجَدَّدُ لَهُ زِیادَهٌ فی أکلِهِ إلاّ بِنَفادِ ما قَبلَها مِن رِزقِهِ ، ولا یَحیا لَهُ أثَرٌ إلاّ ماتَ لَهُ أثَرٌ ، ولا یَتَجَدَّدُ لَهُ جَدیدٌ إلاّ بَعدَ أن یَخلَقَ لَهُ جَدیدٌ ، ولا تَقومُ لَهُ نابِتَهٌ إلاّ وتَسقُطُ مِنهُ مَحصودَهٌ ، وقَد مَضَت اُصولٌ نَحنُ فُروعُها ، فَما بَقاءُ فَرعٍ بَعدَ ذَهابِ أصلِهِ ! (3)

عنه علیه السلام :مِن نَکَدِ (4) الدُّنیا تَنغیصُ الاِجتِماعِ بِالفُرقَهِ ، وَالسُّرورِ بِالغُصَّهِ . (5)

عنه علیه السلام :الدُّنیا لا تَصفو لِشارِبٍ ، ولا تَفی لِصاحِبٍ . (6)

.

1- .الغَرَض : الهَدَف الذی یُرمی إلیه . وتناضل القوم : ترامَوا للسَّبْق (المصباح المنیر : ص 445 «غرض» و ص 610 «نضل») .
2- .شَرِقَ : غصَّ (النهایه : ج 2 ص 465 «شرق») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 145 وراجع الحکمه 191 والکافی : ج 8 ص 23 ح 4 والإرشاد : ج 1 ص 238 والأمالی للطوسی : ص 216 ح 379 وتحف العقول : ص 299 وتنبیه الخواطر : ج 1 ص 76 وغرر الحکم : ح 3688 .
4- .النَکَدُ : الشُؤمُ واللُّؤم (لسان العرب : ج 3 ص 427 «نکد») .
5- .غرر الحکم : ح 9326 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 472 ح 8654 .
6- .غرر الحکم : ح 1721 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 23 ح 173 وص 144 ح 3218 .

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش :ای مردم ! شما در این دنیا آماج تیرهای مرگ هستید: با هر جرعه ای ، در گلو جَستنی هست، و با هر لقمه ای ، گلوگیر شدنی. از دنیا به هیچ نعمتی نمی رسید ، مگر با از دست دادن نعمتی دیگر، و هیچ یک از شما روزی به عمرش افزوده نمی گردد ، مگر با کم شدن روزی از اجلش، و هیچ خوراکی نو به او افزوده نمی شود ، مگر با از بین رفتن چیزی از روزیِ قبل او، و هیچ رد و نشانی برایش زنده نمی شود ، مگر با از بین رفتن رد و نشانی دیگر، و هیچ چیز تازه ای برایش به وجود نمی آید ، مگر پس از کهنه شدن چیز تازه ای از او، و هیچ خوشه ای برای او نمی روید ، مگر آن که خوشه ای دیگر قابل درویدن شود. ریشه هایی که ما شاخه های آنها هستیم ، رفتند، و با رفتن ریشه ، آیا شاخه ای باقی می ماند؟ !

امام علی علیه السلام :از شومی دنیا ، این است که لذّت گرد هم آمدن را با پراکندن ، و شادی را با غصّه مکدّر می کند.

امام علی علیه السلام :دنیا برای هیچ نوشنده ای زلال نمی شود و به هیچ یاری وفا نمی کند .

.

5 / 25حُلُوها مرُّالإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَهِ العِيدَينِ :اُوصيكُم عِبادَ اللّهِ بِتَقوَى اللّهِ وكَثرَهِ ذِكرِ المَوتِ ، وَالزُّهدِ فِى الدُّنيَا الَّتى لَم يَتَمَتَّع بِها مَن كانَ فيها قَبلَكُم ، ولَن تبَقى لِاءحَدٍ مِن بَعدِكُم ، وسَبيلُكُم فيها سَبيلُ الماضينَ . ألا تَرَونَ أنَّها قَد تَصَرَّمَت وآذَنَت بِانقِضاءِ ، وتَنَكَّرَ مَعروفُها وأدبَرَت حَذّاءَ (1) ؟! فَهِىَ تُخبِرُ بِالفَناءِ ، وساكِنُها يُحدى بِالمَوتِ ، فَقَد أمَرَّ مِنها ما كانَ حُلوا ، وكَدِرَ مِنها ما كانَ صَفوا ، فَلَم يَبقَ مِنها إلاّ سَمَلَهُ كَسَمَلَهِ الإِداوَهِ (2) ، وجُرعَهُ كَجُرعَهِ الإِناءِ ، يَتَمَزَّزُهَا الصَّديانُ (3) لَم تَنفَع غُلَّتَهُ . فَأزمِعوا عِبادَ اللّهِ بِالرَّحيلِ مِن هذِهِ الدّارِ المَقدورِ عَلى أهلِها الزَّوالُ ، المَمنوعِ أهلُها مِنَ الحَياهِ ، المُذَلَّلَهِ أنفُسُهُم بِالمَوتِ ، فَلا حَىٌّ يَطمَعُ فِى البَقاءِ ، ولا نَفسٌ إلاّ مُذعِنَهٌ بِالمَنونِ ، فَلا يَغلِبَنَّكُمُ الأمَلُ ، ولا يَطُل عَلَيكُمُ الأمَدُ ، ولا تَغتَرّوا فيها بِالآمالِ . (4)

راجع : ج1 ص370 (التحذير من لذّات الدنيا)

و 380 (التحذير من حبّ الدنيا)

و 398 (الفصل الرابع : مضارّ حبّ الدنيا) .

.

1- .حَذّاء : أى خفيفه سريعه (النهايه : ج 1 ص 356 «حذذ») .
2- .سَمْلَه الإداوه : الماء القليل يبقى فى أسفل الإناء (النهايه : ج 2 ص 404 «سمل») .
3- .الصَّدى : العطش (النهايه : ج 3 ص 19 «صدا») .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 518 ح 1484 ، الأمالى للمفيد : ص 159 ح 2 عن مجاهد نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 107 ح 108 وراجع نهج البلاغه : الخطبه 52 وإرشاد القلوب : ص 35 و مصباح المتهجّد : ص 663 ح 730 .

5 / 25شیرین دنیا ، تلخ استامام علی علیه السلام در خطبه نماز عید قربان و عید فطر :ای بندگان خدا ! شما را سفارش می کنم به پروا کردن از خدا، و یاد کردن بسیار از مرگ، و دل برکندن از دنیا؛ دنیایی که پیشینیان شما از آن بهره ای (لذّتی) نبردند، و بعد از شما نیز برای هیچ کس باقی نمی ماند، و راه شما در دنیا ، همان راهی است که گذشتگان پیمودند. آیا نمی بینید که دنیا سپری گشته ، و اِعلام به سر آمدن کرده ، و خوبی هایش دگرگون گشته، و شتابان ، پشت کرده است و می رود؟ دنیا از نیست شدن ، خبر می دهد و [چون ساربان که برای راندن شتران حُدی می خواند ،] برای ساکنان خود ، آواز مرگ سر می دهد. شیرینی های آن تلخ شده و زلالی هایش تیره گشته است، و از دنیا جز ته مانده ای به اندازه ته مانده آب در ته مَشکی ، و جرعه ای مانند جرعه باقی مانده و در ته ظرفی که تشنه کامی آن را می مکد ، امّا عطش او را فرو نمی نشاند، باقی نمانده است. پس، ای بندگان خدا ! عزم رفتن از این سرایی کنید که «رفتن» برای اهل آن ، رقم خورده و زندگی در آن برای مردمانش قدغن شده، و جان هایشان مقهور مرگ گشته است، چندان که هیچ زنده ای طمع ماندگاری ندارد، و هیچ جانی نیست ، مگر این که به مرگْ اذعان دارد [و طعم آن را می چشد]. پس مبادا آرزو بر شما چیره آید، و مدّت عمر برایتان طولانی نماید، و در دنیا فریفته آرزوها شوید !

ر . ک : ج1 ص371 (برحذر داشتن از لذت های دنیا)

و 381 (برحذر داشتن از دنیادوستی)

و 399 (فصل چهارم : زیان های دنیادوستی) .

.

الفصل السادس : أماثل الزهّاد6 / 1الأَنبياءرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَا اتَّخَذَ اللّهُ نَبِيّا إلاّ زاهِدا . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مِمّا يَدُلُّکَ عَلى دَناءَهِ الدُّنيا أنَّ اللّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ زَواها عَن أولِيائِهِ وأحِبّائِهِ نَظَرا وَاختِيارا ، وبَسَطَها لِاَعدائِهِ فِتنَهً وَاختِبارا ، فَأكرَمَ عَنها مُحَمَّدا نَبِيَّهُ صلى الله عليه و آله حينَ عَصَبَ عَلى بَطنِهِ مِنَ الجوعِ ، وحَماها موسى نَجِيَّهُ المُكَلَّمَ ، وكانَت ثُرى خُضرَهُ البَقلِ مِن صِفاقِ (2) بَطنِهِ مِنَ الهُزالِ ، وما سَأَلَ اللّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ يَومَ أوى إلَى الظِّلِّ إلاّ طَعاما يَأكُلُهُ لِما جَهَدَهُ مِنَ الجوعِ ، ولَقَد جاءَتِ الرِّوايَهُ عَنهُ أنَّهُ كانَ اُوحِىَ إلَيهِ : إذا رَأَيتَ الغِنى مُقبِلاً فَقُل : ذَنبٌ عُجِّلَت عُقوبَتُهُ ، وإذا رَأيتَ الفَقرَ مُقبِلاً فَقُل : مَرحَبا بِشِعارِ الصّالِحينَ . وصاحِبَ الرُّوحِ وَالكَلِمَهِ عيسَى بنَ مَريَمَ عليه السلام إذ قالَ : اُدمِىَ (3) الجوعُ ، وشِعارِىَ الخَوفُ ، ولِباسِىَ الصّوفُ ، ودابَّتِى رِجلاىَ ، وسِراجى بِاللَّيلِ القَمَرُ ، وصَلائى (4) فِى الشِّتاءِ مَشارِقُ الشَّمسِ ، وفاكِهَتى ما أنبَتَتِ الأَرضُ لِلأَنعامِ ، أبيتُ ولَيسَ لى شَىءٌ ، ولَيسَ أحَدٌ أغنى مِنّى . أو سُلَيمانَ بنَ داوودَ عليهِ السلام وما اُوتِىَ مِنَ المُلكِ ؛ إذ كانَ يَأكُلُ خُبزَ الشَّعيرِ ، ويُطعِمُ أهلَهُ الحِنطَهَ ، وإذا جَنَّهُ اللَّيلُ لَبِسَ المُسوحَ ، وغَلَّ يَدَهُ إلى عُنُقِهِ ، وباتَ باكِيا حَتّى يُصبِحَ ، ويُكثِرُ أن يَقولَ : رَبِّ إنّى ظَلَمتُ نَفسى كَثيرا ، وإلاّ تَغفِر لى وتَرحَمنى أكُن مِنَ الخاسِرينَ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ سُبحانَکَ إنّى كُنتُ مِنَ الظّالِمينَ . فَهؤُلاءِ أنبِياءُ اللّهِ وأصفِياؤُهُ وأولِياؤُهُ ، تَنَزَّهوا عَنِ الدُّنيا ، وزَهِدوا فيما زَهَّدَهُمُ اللّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ فيهِ مِنها ، وأبغَضوا ما أبغَضَ ، وصَغَّروا ما صَغَّرَ ، ثُمَّ اقتَصَّ الصّالِحونَ آثارَهُم وسَلَكوا مَناهِجَهُم ، وألطَفُوا الفِكَرَ ، وَانتَفَعوا بِالعِبَرِ ، وصَبَروا فى هذَا العُمُرِ القَصيرِ عَن مَتاعِ الغُرورِ الَّذى يَعودُ إلَى الفَناءِ ، ويَصيرُ إلَى الحِسابِ . نَظَروا بِعُقولِهِم إلى آخِرِ الدُّنيا ولَم يَنظُروا إلى أوَّلِها ، وإلى باطِنِ الدُّنيا ولَم يَنظُروا إلى ظاهِرِها ، وفَكَّروا فى مَرارَهِ عاقِبَتِها ، فَلَم تَستَهزَّهُم حَلاوَهُ عاجِلِها ، ثُمَّ ألزَموا أنفُسَهُمُ الصَّبرَ ، وأنزَلُوا الدُّنيا مِن أنفُسِهِم كَالَّتى لا يَحِلُّ لِاَحَدٍ أن يَشبَعَ مِنها إلاّ فى حالِ الضَّرورَهِ إلَيها ، وأكَلُوا مِنها بِقَدرِ ما أبقى لَهُمُ النَّفسَ وأمسَکَ الرّوحَ ، وجَعَلوها بِمَنزِلَهِ الجيفَهِ الَّتى اشتَدَّ تَنَنُّها ، فَكُلُّ مَن مَرَّ بِها أمسَکَ عَلى أنفِهِ مِنها ، فَهُم يَتَبَلَّغونَ مِنها بِأدنَى البَلاغِ ، ولا يَنتَهونَ إلَى الشِّبَعِ مِنَ النَّتنِ ، ويَتَعَجَّبونَ مِنَ المُمتَلىءِ مِنها شِبَعا ، وَالرّاضى بِها نَصيبا . (5)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 12 ص 51 ح 13488 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
2- .الصِّفاقُ : الجلد الذی علیه الشَّعَر (الصحاح : ج 4 ص 1508 «صفق») .
3- .الأُدْم والإدام : ما یؤتَدَم به ، تقول منه : أدَمَ الخُبزَ باللحمِ یأدِمُه (الصحاح : ج 5 ص 1859 «أدم») .
4- .الصِّلاءُ : حَرّ النار (المصباح المنیر : ص 346 «صَلِیَ») .
5- .دستور معالم الحکم : ص 40 ؛ بحار الأنوار : ج 73 ص 110 ح 109 .

فصل ششم: نمونه های زهد6 / 1پیامبرانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، هیچ پیامبری را برنگزید ، مگر این که زاهد بود.

امام علی علیه السلام :از نشانه هایی که تو را به پستی دنیا رهنمون می شود ، این است که خداوند آن را، از روی التفات و نیکخواهی، از اولیا و دوستانش گرفت، و آن را برای دشمنانش، به قصد امتحان و آزمایش، گسترانید. [مثلاً] پیامبرش محمّد صلی الله علیه و آله را از دنیا وارسته داشت ، به طوری که از شدّت گرسنگی ، شکم خود را می بست . نیز آن را از هم راز و هم سخن خود ، موسی ، باز داشت ، به طوری که از شدّت لاغری، سبزی علف ها از زیر پوست شکمش دیده می شد و با این حال ، آن روز که به سایه ای پناه برد ، از خداوند جز غذایی برای خوردن، چیزی نخواست؛ (1) چرا که گرسنگی ، او را بی تاب کرده بود. درباره او روایت رسیده است که به وی وحی می شد: «هر گاه دیدی «توانگری» روی کرده است ، بگو: [اثر] گناهی است که در کیفرش شتاب شده است، و هر گاه دیدی که «فقر» روی کرده است ، بگو: خوش آمدی ، ای نشانه نیکان!» . و نیز از صاحب روح و کلمه [ی الهی] ، عیسی بن مریم علیهماالسلام ، [دنیا را باز داشت]، آن گاه که گفت: «نانخورش من ، گرسنگی است، و جامه زیرینم ، ترس [از خدا] ، و جبّه ام پشمینه ، و ستورم دو پایم، و چراغ شبم ، ماه، و وسیله گرم کردنم در زمستان ، آفتاب، و میوه ام ، آنچه زمین برای حیوانات می رویاند. شب را به صبح می رسانم ، در حالی که هیچ چیز ندارم، و با این همه ، هیچ کسی توانگرتر و بی نیازتر از من نیست». و یا سلیمان بن داوود علیهماالسلام ، با آن سلطنتی که به او داده شد، نان جو می خورد و به کسانش نان گندم می خوراند، و چون شب می شد ، پلاس می پوشید و دستش را به گردنش می بست و تا صبح می گریست و پیوسته می گفت: «پروردگارا! من به خویشتن ستم بسیار کرده ام و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی ، از زیانکاران خواهم بود . معبودی جز تو نیست . منزّهی تو، و من از ستمکارانم». آری! اینان ، پیامبران خدا و برگزیدگان و اولیای او بودند که از دنیا وارسته گشتند و از آن به آنچه خداوند آنان را به زهد ترغیب کرد ، قناعت ورزیدند، و آنچه را او دشمن

می داشت ، دشمن داشتند، و آنچه را او خُرد می شمرد ، خُرد شمردند. سپس مردان نیک ، از آنان پیروی کردند و راه هایشان را پیمودند، و دقیق اندیشیدند، و از عوامل عبرت آموز ، بهره بردند، و در این عمر کوتاه ، از کالای فریبنده دنیا که از کف می رود ، امّا باید برایش حساب پس داد صبورانه چشم پوشیدند. با خِرَدهای خویش به پایان دنیا نگریستند نه به آغاز آن، و به باطن دنیا نگریستند نه به ظاهر آن، و در تلخی فرجام آن اندیشیدند و در نتیجه، شیرینیِ اکنون آن ، تکانشان نداد . صبر را به جان خریدند، و دنیا را چون مردار دانستند که خوردن از آن ، جز در حال اضطرار، حرام است ، و از آن به اندازه ای که رفع گرسنگی کنند و زنده بمانند ، خوردند، و دنیا را به منزله لاشه ای گرفتند که بوی تعفّنش همه جا را گرفته است ، به طوری که هر کس از کنارش می گذرد ، بینی اش را می گیرد. از این لاشه گندیده ، به کمترین قوّت ، بسنده می کنند و هرگز سیر نمی خورند، و از کسی که از آن سیر می خورد و بدان چونان نصیبی رضایت می دهد ، تعجّب می کنند.

.

1- .اشاره است به آیه 24 از سوره قصص.

ص: 214

. .

ص: 215

. .

ربيع الأبرار :كانَ نوحٌ عليه السلام فى بَيتٍ مِن شَعرٍ ألفا وأربَعَمِئَهِ سَنَهٍ ، فَكُلَّما قيلَ لَهُ : يا رَسولَ اللّهِ ، لَو اتَّخَذتَ بَيتا مِن طينٍ تَأوى إلَيهِ ! قالَ : أنَا مَيِّتٌ غَدا فَتارِكُهُ . فَلَم يَزَل فيهِ حَتّى فارَقَ الدُّنيا . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَهٍ لَهُ :ولَقَد كانَ فى رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله كافٍ لَكَ فِى الأُسوَهِ ، ودَليلٌ لَكَ عَلى ذَمِّ الدُّنيا وعَيبِها ، وكَثرَهِ مَخازيها ومَساويها ، إذ قُبِضَت عَنهُ أطرافُها ، ووُطِّئَت لِغَيرِهِ أكنافُها (2) ، وفُطِمَ عَن رَضاعِها ، وزُوِىَ عَن زَخارِفِها . وإن شِئتَ ثَنَّيتُ بِموسى كَليمِ اللّه صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وسَلَّمَ إذ يَقولُ : «رَبِّ إنِّى لِمَا أنزَلْتَ إلَىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (3) ، وَاللّهِ ما سَأَلَهُ إلاّ خُبزا يَأكُلُهُ ؛ لِاءَنَّهُ كانَ يَأكُلُ بَقلَهَ الأَرضِ . ولَقَد كانَت خُضرَهُ البَقلِ تُرى من شَفيفِ صِفاقِ بَطنِهِ ؛ لِهُزالِهِ وتَشَذُّبِ لَحمِهِ . وإن شِئتَ ثَلَّثتُ بِداوود صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وسَلَّمَ صاحِبِ المَزاميرِ وقارِىءِ أهلِ الجَنَّهِ ، فَلَقَد كانَ يَعمَلُ سَفائِفَ الخوصِ بِيَدِهِ ، ويَقولُ لِجُلَسائِهِ : أيُّكُم يَكفينى بَيعَها؟ ويَأكُلُ قُرصَ الشَّعيرِ مِن ثَمَنِها . وإن شِئتَ قُلتُ فى عيسَى بنِ مَريَمَ عليه السلام ، فَلَقَد كانَ يَتَوَسَّدُ الحَجَرَ ويَلبَسُ الخَشِنَ ويَأكُلُ الجَشِبَ . وكانَ إدامُهُ الجوعَ ، وسِراجُهُ بِاللَّيلِ القَمَرَ ، وظِلالُهُ فِى الشِّتاءِ مَشارِقَ الأَرضِ ومَغارِبَها ، وفاكِهَتُهُ ورَيحانُهُ ما تُنبِتُ الأَرضُ لِلبَهائِمِ . ولَم تَكُن لَهُ زَوجَهٌ تَفتِنُهُ ، ولا وَلَدٌ يَحزُنُهُ ، ولا مالٌ يَلفِتُهُ ، ولا طَمَعٌ يُذِلُّهُ . دانَّتُهُ رِجلاهُ ، وخادِمُهُ يَداهُ . فَتَأسَّ بِنَبِيِّكَ الأَطيَبِ الأَطهَرِ صلى الله عليه و آله ، فَإنَّ فيهِ أُسوَهً لِمَن تَأسّى ، وعَزاءً لِمَن تَعَزّى . وأَحَبُّ العِبادِ إلَى اللّهِ المُتَأَسّى بِنَبِيِّهِ وَالمُقتَصُّ لِاءَثَرِهِ ، قَضَمَ الدُّنيا قَضما ، ولَم يُعِرها طَرفا ، أهضَمُ أهلِ الدُّنيا كَشحا (4) ، وأخمَصُهُم (5) مِنَ الدُّنيا بَطنا ، عُرِضَت عَلَيهِ الدُّنيا فَأبى أن يَقبَلَها ، وعَلِمَ أنَّ اللّهَ سُبحانَهُ أبغَضَ شَيئا فَأبغَضَهُ ، وحَقَّرَ شَيئا فَحَقَّرَهُ ، وصَغَّرَ شَيئا فَصَغَّرَهُ . ولَو لَم يَكُن فينا إلاّ حُبُّنا ما أبغَضَ اللّهُ ورَسولُهُ وتَعظيمُنا ما صَغَّرَ اللّهُ ورَسولُهُ ، لَكَفى بِهِ شِقاقا لِلّهِ ومُحادَّهً عَن أمرِ اللّهِ . ولَقَد كانَ صلى الله عليه و آله يَأكُلُ عَلَى الأَرضِ ، ويَجلِسُ جِلسَهَ العَبدِ ، ويَخصِفُ بِيَدِهِ نَعلَهُ ، ويَرقَعُ بِيَدِهِ ثَوبَهُ ، ويَركَبُ الحِمارَ العارِىَ ويُردِفُ خَلفَهُ ، ويَكونُ السِّترُ عَلى بابِ بَيتِهِ فَتَكونُ فيهِ التَّصاويرُ فَيَقولُ : يا فُلانَهُ لِاءِحدى أزواجِهِ غَيِّبيهِ عَنّى ، فَإنّى إذا نَظَرتُ إلَيهِ ذَكَرتُ الدُّنيا وزَخارِفَها . فَأعرَضَ عَنِ الدُّنيا بِقَلبِهِ ، وأماتَ ذِكرَها مِن نَفسِهِ ، وأَحَبَّ أن تَغيبَ زينَتُها عَن عَينِهِ ، لِكَيلا يَتَّخِذَ مِنها رِياشا ، ولا يَعتَقِدَها قَرارا ، ولا يَرجُوَ فيها مُقاما ، فَأخرَجَها مِنَ النَّفسِ ، وأشخَصَها عَنِ القَلبِ ، وغَيَّبَها عَنِ البَصَرِ . وكَذا مَن أبغَضَ شَيئا أبغَضَ أن يَنظُرَ إلَيهِ وأن يُذكَرَ عِندَهُ . ولَقَد كانَ فى رَسولِ اللّه صلى الله

عليه و آله ما يَدُلّکَ عَلى مَساوِىَء الدَّنيا وعُيوبِها ؛ إذ جاعَ فيها مَعَ خاصَّتِهِ ، وزُوِيَت عَنهُ زَخارِفُها مَعَ عَظيمِ زُلفَتِهِ . فَليَنظُرِ ناظِرٌ بِعَقلِهِ : أكرَمَ اللّهُ مُحَمَّدا بِذلِکَ أم أهانَهُ؟ فَإِن قالَ: أهانَهُ ، فَقَد كَذَبَ وَاللّهِ العَظيمِ بِالإِفکِ العَظيمِ . وإن قالَ : أكرَمَهُ ، فَليَعلَم أنَّ اللّهَ قَد أهانَ غَيرَهُ حَيثُ بَسَطَ الدُّنيا لَهُ ، وزَواها عَن أقرَبِ النّاسِ مِنهُ . فَتَأَسّى مُتَأَسٍّ بِنَبِيِّهِ ، وَاقتَصَّ أثَرَهُ ، ووَلَجَ مَولِجَهُ ، وإلاّ فَلا يَأمَنِ الهَلَكَةَ ، فَإِنَّ اللّهَ جَعَلَ مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله عَلَما لِلسّاعَةِ ، ومُبَشِّرا بِالجَنَّةِ ، ومُنذِرا بِالعُقوبَةِ ، خَرَجَ مِنَ الدُّنيا خَميصا ، ووَرَدَ الآخِرَةَ سَليما . لَم يَضَع حَجَرا عَلى حَجَرٍ حَتّى مَضى لِسَبيلِهِ ، وأجابَ داعِيَ رَبِّهِ . فَما أعظَمَ مِنَّةَ اللّهِ عِندَنا حينَ أنعَمَ عَلَينا بِهِ سَلَفا نَتَّبِعُهُ ، وقائِدا نَطَأُ عَقِبَهُ . وَاللّهِ لَقَد رَقَّعتُ مِدرَعَتي هذِهِ حَتَّى استَحيَيتُ مِن راقِعِها ، ولَقَد قالَ لى قائِلٌ : ألا تَنبِذُها؟فَقُلتُ : اُغرُب عَنّى ، فَعِندَ الصَّباحِ يَحمَدُ القَومُ السُّرى (6) . (7)

.

1- .ربيع الأبرار : ج 1 ص 337 .
2- .الكَنَفُ : الجانب (الصحاح : ج 4 ص 1424 «كنف») .
3- .القصص : 24 .
4- .الكَشْح : الخَصْر . وأهضَمُ الكَشْحَين : أى دقيق الخَصْرَين (النهايه : ج 4 ص 175 «كشح») .
5- .الخَمصُ : الجوع ، ورجلٌ خُمصان وخَميص : إذا كان ضامر البطن (النهايه : ج 2 ص 80 «خمص») .
6- .«عند الصَّباحِ يَحمَدُ القومُ السُّرى» : هو مَثَلٌ يُضرب لما يُنال بالمشَقَّه ، ويُوصَل إليه بالتَّعَب (جمهره الأمثال : ج 2 ص 38 الرقم 1293) .
7- .نهج البلاغه : الخطبه 160 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 284 ح 136 وليس فيه ذيله من «واللّه لقد رقعت مدرعتى . . .» .

ربیع الأبرار:نوح علیه السلام هزار و چهارصد سال در سیاه چادری زندگی کرد و هر وقت به او گفته شد: «ای پیامبر خدا! کاش خانه ای گِلی بسازی و در آن به سر بری» ، می گفت: من فردا می میرم و این سیاه چادر را ترک می کنم . و همچنان در آن خیمه بود تا از دنیا رفت.

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش :[زندگی] پیامبر خدا، خود ، برای تو الگویی بسنده است، و دلیلی برای تو بر نکوهیدگی و عیبناکی دنیا، و انبوهیِ ننگ ها و بدی های آن؛ چرا که دنیا از ایشان گرفته شد و برای دیگران فراهم گشت، از شیر [مادر] دنیا باز گرفته شد و از زرق و برق آن ، دور نگه داشته شد. و اگر بخواهی، به عنوان دومین الگو ، از موسی کلیم اللّه که درود و سلام خدا بر او باد یاد می کنم که گفت : «پروردگارا! من به خیری که برایم فرو می فرستی ، نیازمندم» . به خدا سوگند ، او از خداوند ، جز نانی برای خوردن چیزی نخواست؛ چرا که [پیوسته] از رستنی های زمین می خورد ، به طوری که از شدّت لاغری و آب شدن گوشت بدنش، سبزی علف ها از زیر پوست شکمش نمایان بود. و اگر بخواهی ، به عنوان سومین الگو ، از داوود که درود و سلام خدا بر او باد آن صاحب مزامیر و قاری اهل بهشت ، یاد می کنم که با دست خود ، از لیف خرما زنبیل می بافت و به یارانش می گفت: «کدام یک از شما این را برایم می فروشد؟» و از پول آنها نان جو می خرید و می خورد. و اگر بخواهی ، از عیسی بن مریم علیه السلام برایت می گویم که سنگ را بالش خود می کرد و جامه درشت می پوشید، و خوراک خشک می خورد، و خورش وی گرسنگی بود، و چراغش در شب ، ماه، و پناهگاهش در زمستان ، شرق و غرب عالم، و میوه و سبزیجاتش ، علف هایی که زمین برای چارپایان می رویاند . نه همسری داشت که مایه گرفتاری او شود، نه فرزندی که غمش را بخورد، نه ثروتی که او را مشغول خود سازد ، و نه طمعی که موجب خواری او گردد . مَرکبش دو پای او بود و خدمتکارش ، دو دست او. پس، به پیامبرت که از همه پاک تر و وارسته تر است تأسّی بجوی که در او الگویی است برای هر که در پی الگوست، و مایه شکیبایی برای هر که خواهان شکیبایی [در برابر از دست دادن دنیا] است. محبوب ترینِ بندگان در نزد خداوند ، کسی است که به پیامبرش تأسّی بجوید و از او پیروی کند. او از دنیا چندان نخوْرد که دهان را پر کند ، و بدان چندان ننگریست که [حتّی [گوشه چشمی بدان افکند. پهلوهایش از همه لاغرتر و شکمش از همه تهی تر بود. دنیا به او پیشنهاد شد؛ امّا از پذیرفتنش سر

باز زد و دانست که خدای سبحان چیزی (علاقه مندی به دنیا) را دشمن می دارد ، او هم آن را دشمن گرفت، و چیزی را خوار می دارد ، او هم آن را خوار داشت، و چیزی را خُرد می شمارد ، او هم آن را خُرد شمرد. اگر در ما هیچ [عیبی] نبود ، جز همین که آنچه را خدا و پیامبر او دشمن داشته اند ، دوست داشته باشیم و آنچه را خدا و پیامبرش خُرد شمرده اند ، بزرگ شماریم ، همین خود برای مخالفت ما با خدا و سرپیچی از فرمانش کافی بود. او روی زمین [بدون فرش] غذا می خورد، و چون بردگان می نشست و با دست خود کفشش را می دوخت، و با دست خود جامه اش را وصله می زد، و بر الاغ برهنه سوار می شد و یک نفر را هم در ترک خود می نشاند. و [آن گاه که [پرده ای نگارین بر درِ اتاقش آویخته دید ، به همسرش فرمود : «فلانی! این را از برابر چشم من دور کن؛ زیرا هر گاه چشمم به آن می افتد ، به یاد دنیا و زیورهای آن می افتم». (1) آری! او از صمیم دل از دنیا روی برتافت، و یاد آن را در جان خویش میراند، و دوست داشت که زیب و زیور دنیا از برابر چشمش دور باشد تا از آن ، جامه ای زیبا تهیّه نکند، و دنیا را جای ماندن نداند، و به اقامت در آن ، امیدوار نشود. پس، دنیا را از جان خویش به در کرد، و آن را از دلْ دور ساخت، و از چشمش پنهان داشت. آری! این چنین است کسی که چیزی را دشمن می دارد : از نگاه کردن به آن و از این که نام آن در حضور او برده شود ، نفرت دارد. راه و رسم پیامبر خدا ، تو را به بدی ها و عیب های دنیا رهنمون می شود؛ چون او و نزدیکانش در دنیا همیشه گرسنه بودند، و با وجود آن منزلت بزرگی که [نزد خداوند] داشت ، زیورهای دنیا از او دور داشته شدند. پس، هر بیننده ای باید با خِرَد خویش بنگرد و ببیند که: آیا خداوند با این کار ، محمّد را تکریم کرده است ، یا خوارش داشته است؟ اگر بگوید: خوارش داشته، به خدای بزرگ ، سوگند که دروغ و بهتانی بزرگ بسته است، و اگر بگوید: او را تکریم کرده است، پس بداند که خداوند ، دیگران را خوار داشته است؛ چرا که دنیایی را که از نزدیک ترینِ کسان خود گرفته، برای آنان گسترده است. پس، آن که در پی الگوست ، از پیامبر خویش الگو بگیرد و پیروی او نماید و هر جا که او در آمده است ، در آید ، و گرنه از تباه شدن ، ایمن نخواهد بود؛ چرا که خداوند ، محمّد صلی الله علیه و آله را نشانه قیامت ، و نوید دهنده بهشت ، و بیم دهنده از کیفر قرار داد . او با شکم گرسنه از دنیا رفت، و با سلامت به آخرت در آمد. سنگی بر سنگ ننهاد ، تا آن که از دنیا رفت، و دعوتگر پروردگارش را اجابت کرد. پس، خداوند چه منّت بزرگی بر ما نهاده که نعمت وجود او را به ما ارزانی داشت . پیشروی است که ما پیروی اش می کنیم، و پیشوایی است که گام در جای گام او می نهیم. به خدا سوگند ، من این جامه پشمین خویش را چندان پینه کرده ام که از پینه دوزش خجالت می کشم. یکی به

من گفت: نمی خواهی این را به دور بیندازی؟ گفتم: از من دور شو که در بامدادان ، مردم ، شبروان را می ستایند.

.

1- .ر.ک : ص 225 ح 1171 .

ص: 218

. .

ص: 219

. .

عنه علیه السلام فی ذِکرِ النَّبیِّ صلی الله علیه و آله :قَد حَقَّرَ الدُّنیا وصَغَّرَها ، وأهوَنَ بها وهَوَّنَها ، وعَلِمَ أنَّ اللّهَ زَواها عَنهُ اختِیارا ، وبَسَطَها لِغَیرِهِ احتِقارا ، فَأعرَضَ عَنِ الدُّنیا بِقَلبِهِ ، وأماتَ ذِکرَها عَن نَفسِهِ ، وأحَبَّ أن تَغیبَ زینَتُها عَن عَینِهِ ؛ لِکَیلا یَتَّخِذَ مِنها رِیاشا ، أو یَرجُوَ فیها مُقاما . بَلَّغَ عَن رَبِّهِ مُعذِرا ، ونَصَحَ لِاُمَّتِهِ مُنذِرا ، ودَعا إلَی الجَنَّهِ مُبَشِّرا ، وخَوَّفَ مِنَ النّارِ مُحذِّرا . (1)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ جَبرَئیلَ علیه السلام أتانی بِخَزائِنِ الدُّنیا عَلی بَغلَهٍ شَهباءَ (2) ، فَقالَ : یا مُحَمَّد ، إنَّ هذِهِ خَزائِنُ الأَرضِ ولَا تَنقُصُکَ مِن حَظِّکَ عِندَ رَبِّکَ تَعالی . فَقُلتُ : حَبیبی جَبرَئیل ، لا حاجَهَ لی فیها ؛ إذا شَبِعتُ شَکَرتُ رَبّی ، وإذا جُعتُ سَألتُهُ . (3)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 109 ، غرر الحکم : ح 6705 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 368 ح 6205 وفیهما صدره إلی «وبسطها لغیره احتقارا» وفیهما «اختبارا» بدل «احتقارا» ، بحار الأنوار : ج 16 ، ص 285 ، ر 136 .
2- .الشَّهَب : هو أن یغلِب البیاضُ السوادَ ؛ بَغْلٌ أشهَب وبَغْلهٌ شَهْباء (المصباح المنیر : ص 324 «شهب») .
3- .الأمالی للطوسی : ص531 ح1162 ، مکارم الأخلاق : ج2 ص368 ح2661 ، تنبیه الخواطر : ج2 ص57 کلّها عن أبیذرّ .

امام علی علیه السلام در یادکرد پیامبر صلی الله علیه و آله :دنیا را خُرد و کوچک شمرد، و آن را خوار و بی مقدار داشت، و دانست که اگر خداوند دنیا را از او گرفت ، از روی طیب خاطر بود، و اگر برای دیگران گسترد ، از سر تحقیر است. پس، قلباً از دنیا روی گرداند، و نام و یاد آن را در جان خویش میراند، و دوست داشت که زیور دنیا از برابر چشمش دور شود تا مبادا از آن ، جامه ای فاخر برای خویش برگیرد، یا به ماندن در دنیا امید ببندد. پیام پروردگارش را رساند و حجّت را تمام کرد، امّت خویش را نصیحت کرد و هشدار داد، به بهشت خواند و بشارتش را داد، و از آتش ترساند و از آن بر حذر داشت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل علیه السلام گنجینه های دنیا را بر قاطری خاکستری رنگ ، نزد من آورد و گفت: ای محمّد! اینها گنجینه های زمین اند و از سهم تو در نزد پروردگار بلندمرتبه ات چیزی کم نمی کنند. گفتم: دوست من، جبرئیل! مرا به اینها نیازی نیست. هر گاه سیر شوم ، پروردگارم را سپاس می گزارم، و هر گاه گرسنه شوم ، از او درخواست می کنم.

.

سنن الترمذى عن أبى اُمامه عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عَرَضَ عَلِيَّ رَبّى لِيَجعَلَ لى بَطحاءَ (1) مَكَّه ذَهَبا ، قُلتُ : لا يا رَبِّ ، ولكِن أشبَعُ يَوما وأجوعُ يَوما وقالَ ثَلاثا ، أو نَحوَ هذا فَإِذا جُعتُ تَضَرَّعتُ إلَيكَ وذَكَرتُكَ ، وإذا شَبِعتُ شَكَرتُكَ وحَمِدتُكَ . (2)

تنبيه الغافلين عن ابن عبّاس :بَينَما رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله جالِسٌ ، وقد نَزَلَ مَلَكٌ ومَعَهُ جبريلُ عليه السلام ، قالَ جِبريلُ : هذا مَلَكٌ قَد نَزَلَ مِنَ السَّماءِ ، لَم يَنزِل قَطُّ ، استَأذَنَ رَبَّهُ فى زِيارَتِكَ . فَلَم يَمكُث إلاّ قَليلاً حَتّى جاءَ المَلَكُ ، فَقالَ : السَّلامُ عَلَيكَ يا رَسولَ اللّهِ . فَقالَ : وعَلَيكَ السَّلامُ . قالَ المَلَكُ : فَإِنَّ اللّهَ تَعالى يُخبِرُكَ أنَّهُ يُعطيكَ خَزائِنَ كُلِّ شَىءٍ ، ومَفاتيحَ كُلِّ شَىءٍ ، لَم يُعطِهِ أحَدا قَبلَكَ ، ولا يُعطيهِ أحَدا بَعدَكَ ، مِن غَيرِ أن يَنقُصَكَ مِمَّا ادَّخَرَ لَكَ شَيئا ، أو يَجمَعُها لَكَ يَومَ القِيامَهِ ؟ فَقالَ النَّبِى صلى الله عليه و آله : بَل يَجمَعُها لى يَومَ القِيامَهِ . (3)

.

1- .الأبطح : مَسِيل واسع فيه دُقاق الحَصى ، والبطحاء مثل الأبطح ، ومنه بَطحاء مكّه (الصحاح : ج 1 ص 356 «بطح») .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 575 ح 2347 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 280 ح 22252 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 207 ح 7835 ، الزهد لابن المبارک «الملحقات» : ص 54 ح 196 ، كنز العمّال : ج 3 ص 193 ح 6120 ؛ الكافى : ج 8 ص 131 ح 102 عن عبد المؤمن الأنصارى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الأمالى للمفيد : ص 124 ح 1 ، عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 30 ح 36 كلاهما عن داوود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص 116 ح 76 عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلّها نحوه .
3- .تنبيه الغافلين : ص 235 ح 305 وراجع المعجم الأوسط : ج 7 ص 88 ح 6937 .

سنن الترمذی به نقل از ابو امامه :فرمود پیامبر خدا فرمود : پروردگارم به من پیشنهاد کرد که وادی مکّه را برایم طلا کند. گفتم: نه، ای پروردگار من ؛ بلکه یک روز سیر می شوم و یک روز گرسنگی می کشم» و این را سه بار یا در همین حدود فرمود «و هر گاه گرسنه شدم ، و به درگاه تو التماس می کنم و تو را یاد می کنم، و هر گاه سیر شدم ، سپاست می گزارم و تو را می ستایم».

تنبیه الغافلین به نقل از ابن عبّاس :پیامبر خدا نشسته بود که فرشته ای همراه جبرئیل علیه السلام فرود آمد. جبرئیل گفت: این ، است که از آسمان فرود آمده و تاکنون هرگز فرود نیامده است. او از پروردگارش اجازه خواست که به دیدار تو بیاید. لختی بعد، فرشته آمد و گفت: سلام بر تو ، ای پیامبر خدا ! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «و علیک السلام». فرشته گفت: خداوند متعال به تو می گوید که : آیا گنجینه های همه چیز و کلیدهای همه چیز را که پیش از تو به هیچ کس نداده و پس از تو نیز به هیچ کس نخواهد داد بی آن که از آنچه برایت اندوخته است ، چیزی بکاهد عطایت کند ، یا آنها را برای روز قیامتت گرد آورد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آنها را برای روز قیامتم گرد آورد».

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا تَطاوَلت إلَىَّ بِعُنُقِها ، فَقُلتُ : إلَيكِ عَنّى ! فَقالَت : أما إنَّکَ إن لَم تَلحَقنى فَسَيَلحَقُنِى الَّذى بَعدَکَ . (1)

صحيح مسلم عن عائشه :كانَ لَنا سِترٌ فيهِ تِمثالُ طائِرٍ ، وكانَ الدّاخِلُ إذا دَخَلَ استَقبَلَهُ ، فَقالَ لى رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : حَوِّلى هذا ، فَإنّى كُلَّما دَخَلتُ فَرَأيتُهُ ذَكَرتُ الدُّنيا . (2)

صحيح البخارى عن ابن عمر :أتَى النَّبِى صلى الله عليه و آله بَيتَ فاطِمَهَ عليهاالسلام فَلَم يَدخُل عَلَيها ، وجاءَ عَلِىٌّ عليه السلام فَذَكَرَت لَهُ ذلِکَ ، فَذَكَرَهُ لِلنَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، قالَ : إنّى رَأيتُ عَلى بابِها سِترا مَوشِيّا (3) . فَقالَ : ما لى ولِلدُّنيا . فَأتاها عَلِىٌّ عليه السلام فَذَكَرَ ذلِکَ لَها ، فَقالَت : لِيَأمُرنى فيهِ بِما شاءَ . قالَ : تُرسِلُ بِهِ إلى فُلانٍ ؛ أهلِ بيتٍ بِهِم حاجَهٌ . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما لى ولِلدُّنيا ! إنَّما مَثَلى ومَثَلُها كَمَثَلِ الرّاكِبِ رُفِعَت لَهُ شَجَرَهٌ فى يَومٍ صائِفٍ فَقالَ (5) تَحتَها ، ثُمَّ راحَ وتَرَكَها . (6)

.

1- .الفردوس : ج 2 ص 233 ح 3120 عن أبى بكر .
2- .صحيح مسلم : ج 3 ص 1666 ح 88 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 643 ح 2468 ، سنن النسائى : ج 8 ص 213 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 303 ح 24273 وص 312 ح 24321 ، الزهد لابن المبارک : ص 135 ح 400 كلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 242 ح 6353 .
3- .وَشَيتُ الثوبَ : رَقَمْتُه ونَقَشتُه ، فهو مَوْشِىٌّ (المصباح المنير : ص 661 «وشى») .
4- .صحيح البخارى : ج 2 ص 922 ح 2471 وراجع سنن أبى داوود : ج 4 ص 72 ح 4149 ومسند ابن حنبل : ج 2 ص 244 ح 4727 .
5- .قَالَ : مال واستراح (النهايه : ج 4 ص 124 «قول») .
6- .الكافى : ج 2 ص 134 ح 19 عن الحسن بن راشد عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 462 ح 1542 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 147 ، بحار

الأنوار : ج 73 ص 68 ح 35 ؛ مسند ابن حنبل : ج 2 ص 146 ح 4208 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 345 ح 7859 ، الزهد لابن حنبل : ص 13 كلّها عن عبد اللّه بن مسعود نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا به سوی من گردن کشید . گفتم: از من دور شو! گفت: اگر تو مرا نگیری ، آن که بعد از تو می آید ، مرا خواهد گرفت.

صحیح مسلم به نقل از عایشه :پرده ای داشتیم که بر آن عکس پرنده ای بود و هر کس وارد اتاق می شد ، اوّل با آن رو به رو می شد. پیامبر خدا به من فرمود: «این پرده را عوض کن؛ چون هر گاه وارد می شوم و آن را می بینم ، به یاد دنیا می افتم».

صحیح البخاری به نقل از ابن عمر :پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه فاطمه علیهاالسلام رفت امّا وارد نشد. علی علیه السلام که آمد ، فاطمه علیهاالسلام ماجرا را به او گفت. علی علیه السلام موضوع را از پیامبر صلی الله علیه و آله جویا شد . فرمود: «بر درِ اتاق ، پرده ای نگارین دیدم». سپس فرمود: «مرا چه به دنیا؟ !». علی علیه السلام نزد فاطمه علیهاالسلام آمد و موضوع را برایش گفت. فاطمه علیهاالسلام گفت: بفرمایید که با آن ، چه کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آن را برای فلان خانواده نیازمند بفرست » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مرا چه به دنیا؟ ! همانا حکایت من و دنیا ، حکایت سواری است که در یک روز گرم تابستانی ، درختی می بیند و زیر سایه آن استراحتی می کند و سپس آن را ترک می کند و می رود.

.

الإمام الصادق عليه السلام :دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله رَجُلٌ وهُوَ عَلى حَصيرٍ قَد أثَّرَ فى جِسمِهِ ، ووِسادَهِ ليفٍ قَد أثَّرَت فى خَدِّهِ ، فَجَعَلَ يَمسَحُ ويَقولُ : ما رَضِىَ بِهذا كِسرى ولا قَيصَرُ ، إنَّهُم يَنامونَ عَلَى الحَريرِ وَالدّيباجِ وأنتَ عَلى هذَا الحَصيرِ ؟! قالَ : فَقالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : لاَعَنا خَيرٌ مِنهُما ، وَاللّهِ لاَعَنَا أكرَمُ مِنهُما ، وَاللّهِ ما أنَا وَالدُّنيا ، إنَّما مَثَلُ الدُّنيا كَمَثَلِ رَجُلٍ راكِبٍ مَرَّ عَلى شَجَرَهٍ ولَها فَىءٌ فَاستَظَلَّ تَحتَها ، فَلَمّا أن مالَ الظِّلُّ عَنهَا ارتَحَلَ فَذَهَبَ وتَرَكَها . (1)

المُستدرَک على الصَّحيحَين عن ابن عبّاس :دَخَلَ عُمَرُ بنُ الخَطّاب عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وهُوَ عَلى حَصيرٍ قَد أثَّرَ فى جَنبِهِ ، فَقالَ : يا رَسولَ اللّه ، لَو اتَّخَذتَ فِراشا أوثَرَ (2) مِن هذا؟ فَقالَ : ما لى ولِلدُّنيا ، وما لِلدُّنيا وما لى ! وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ، ما مَثَلى ومَثَلُ الدُّنيا إلاّ كَراكِبٍ سارَ فى يَومٍ صائِفٍ ، فَاستَظَلَّ تَحتَ شَجَرَهٍ ساعَهً مِن نَهارٍ ، ثُمَّ راحَ وتَرَكَها . (3)

مجمع البيان عن عمر بن الخطّاب :اِستَأذَنتُ عَلى رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله فَدَخَلتُ عَلَيهِ فى مَشرَبَهِ (4) اُمِّ إبراهيم ، وإنَّهُ لَمُضطَجِعٌ عَلى خَصَفَهٍ (5) وإنَّ بَعضَهُ عَلَى التُّرابِ ، وتَحتَ رَأسِهِ وِسادَهٌ مَحشُوَّهٌ ليفا ، فَسَلَّمتُ عَلَيهِ ثُمَّ جَلَستُ ، فَقُلتُ: يا رَسولَ اللّهِ ، أنتَ نَبِيُّ اللّهِ وصَفوَتُهُ وخِيَرَتُهُ مِن خَلقِهِ وكِسرى وقَيصَرُ عَلى سُرَرِ الذَّهَبِ وفُرُشِ الدّيباجِ وَالحَريرِ ! فَقالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : أُولئِکَ قَومٌ عُجِّلَت طَيِّباتُهُم وهِىَ وَشيکَهُ الاِنقِطاعِ ، وإنَّما اُخِّرَت لَنا طَيِّباتُنا . (6)

.

1- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 50 ح 134 عن عبداللّه بن سنان ، حليه الأبرار : ج 1 ص 209 ح 4 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 126 ح 124 وراجع مشكاه الأنوار : ص 463 ح 1545 .
2- .أوثر : أى أوطأ وألين (النهايه : ج 5 ص 151 «وتر») .
3- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 345 ح 7858 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 646 ح 2744 نحوه ، صحيح ابن حبّان : ج 14 ص 265 ح 6352 ، المعجم الكبير : ج 11 ص 259 ح 11898 ، كنز العمّال : ج 3 ص 243 ح 6361 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 64 ح 65 نحوه ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 78 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 123 ح 112 .

4- .المَشْرَبه : الغرفه (النهايه : ج 2 ص 455 «شرب») .
5- .الخَصَفَه : شیء یعمل من خوص النخل (مجمع البحرین : ج 1 ص 518 «خصف») .
6- .مجمع البیان : ج 9 ص 133 ؛ صحیح البخاری : ج 5 ص 1992 ح 4895 وج 2 ص 1112 ح 34 ، صحیح مسلم : ج 2 ص 1106 ح 30 ، سنن الترمذی : ج 5 ص 423 ح 3318 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 80 ح 222 وج 4 ص 280 ح 1240 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 139 ح 4153 کلّها نحوه ، کنز العمّال : ج 2 ص 528 ح 4663 .

امام صادق علیه السلام :مردی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد . دید که پیامبر صلی الله علیه و آله بر بوریایی خفته است و بالشی از لیف خرما زیر سر دارد که بر بدن و صورت ایشان جا انداخته است . شروع به دست کشیدن بر بوریا کرد و در این حال می گفت: کسرا و قیصر ، به چنین چیزی رضایت نمی دهند. آنها بر حریر و دیبا می خوابند و شما بر این بوریا؟! پیامبر خدا فرمود: «من از آنها بهترم. به خدا ، من از آنها ارجمندترم . به خدا، مرا چه به دنیا؟! حکایت دنیا، در حقیقت، حکایت مرد سواری است که از درختی می گذرد که سایه ای دارد و در سایه آن می آرمد، و چون سایه بر می گردد ، بار بر می بندد و درخت را ترک می کند و می رود» .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن عبّاس :عمر بن خطّاب بر پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد ، در حالی که ایشان بر بوریایی خفته بود و بوریا بر پهلویش جا انداخته بود. گفت : ای پیامبر خدا! کاش تشکی نرم تر از این تهیّه کنید! فرمود: «مرا با دنیا چه کار، و دنیا را با من چه کار؟! سوگند به آن که جانم در دست اوست، حکایت من و دنیا ، حکایت مسافری است که در یک روز تابستانی می رود و ساعتی از روز را در سایه درختی می آساید و سپس آن را ترک می کند و می رود».

مجمع البیان به نقل از عمر بن خطّاب :از پیامبر خدا که در بالاخانه اُمّ ابراهیم بود اجازه خواستم و وارد شدم . دیدم بر بوریایی از لیف خرما، دراز کشیده و قسمتی از بدنش روی زمین است، و بالشی که از لیف خرما پر شده ، زیر سرش قرار دارد. سلام کردم و نشستم و گفتم : ای پیامبر خدا! شما پیامبر و برگزیده خدا و بهترین آفریده او باشی و کسرا و قیصر بر تخت های زرین و فرش های دیبا و حریر بنشینند؟! پیامبر خدا فرمود: «آنان ، مردمانی هستند که خوشی هایشان در همین دنیا به آنان داده شده و آنها به زودی از بین می روند؛ امّا خوشی های ما برای آخرتمان قرار داده شده است».

.

مسند ابن حنبل عن عبد اللّه [بن مسعود] :اِضطَجَعَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله عَلى حَصيرٍ فَأثَّرَ فى جَنبِهِ ، فَلَمَّا استَيقَظَ جَعَلتُ أمسَحُ جَنبَهُ ، فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّه ، ألا آذَنتَنا حَتّى نَبسُطَ لَکَ عَلَى الحَصيرِ شَيئا؟ فَقالَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : ما لى ولِلدُّنيا ، ما أنَا وَالدُّنيا ! إنَّما مَثَلى ومَثَلُ الدُّنيا کَراکِبٍ ظَلَّ تَحتَ شَجَرَهٍ ، ثُمَّ راحَ وتَرَکَها . (1)

مسند ابن حنبل عن ابن عبّاس :قُبِضَ النَّبِى صلى الله عليه و آله ودِرعُهُ مَرهونَهٌ عِندَ رَجُلٍ مِن يَهودَ عَلى ثَلاثينَ صاعا مِن شَعيرٍ ، أخَذَها رِزقا لِعِيالِهِ . (2)

صحيح مسلم عن عائشه :ما شَبِعَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله ثَلاثَهَ أيّامٍ تِباعا مِن خُبزِ بُرٍّ حَتّى مَضى لِسَبيلِهِ . (3)

.

1- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 40 ح 3709 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1376 ح 4109 ، الزهد لابن حنبل : ص 18 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 234 ، مسند الطيالسى : ص 36 ح 277 ، البدايه والنهايه : ج 6 ص 49 عن علقمه بن مسعود نحوه .
2- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 508 ح 2109 ، السنن الكبرى : ج 6 ص 60 ح 11192 ، صفه الصفوه : ج 1 ص 86 ، صحيح البخارى : ج 3 ص 1068 الرقم 2759 ، سنن الترمذى : ج 3 ص 519 الرقم 1214 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 815 الرقم 2439 ، المعجم الكبير : ج 11 ص 215 الرقم11697 والأربعه الأخيره نحوه ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 65 الرقم 66 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 239 .
3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2281 الرقم 21 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 579 الرقم 2358 ، السنن الكبرى : ج 7 ص 74 الرقم 13308 وفيهما «رسول اللّه صلى الله عليه و آله وأهله» ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1110 الرقم 3343 كلّها عن أبى هريره نحوه ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 291 الرقم 24206 ، كنز العمّال : ج 7 ص 187 الرقم18605 .

مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه [بن مسعود] :پیامبر خدا بر بوریایی خوابید و آن بوریا بر پهلوی ایشان جا انداخت. چون بیدار شد ، من شروع به دست کشیدن بر پهلوی ایشان کردم و گفتم: ای پیامبر خدا! اجازه می دهید که برایتان بر روی این حصیر ، چیزی پهن کنیم؟ پیامبر خدا فرمود: «مرا چه به دنیا؟!» مرا با دنیا چه کار؟! حکایت من و دنیا ، چون مسافری است که زیر سایه درختی استراحت می کند و سپس آن را ترک می کند و می رود».

مسند ابن حنبل به نقل از ابن عبّاس :پیامبر خدا ، در حالی از دنیا رفت که زره ایشان به ازای سی صاع (1) جو ، نزد مردی یهودی گرو بود . پیامبر صلی الله علیه و آله جوها را برای خوراک خانواده اش از آن مرد یهودی قرض کرده بود.

صحیح مسلم به نقل از عایشه :پیامبر خدا، تا زمانی که از دنیا رفت ، هرگز سه روزِ پیاپی از نان گندم ، سیر نخورد.

.

1- .صاع، پیمانه ای است معادل چهار مد.

صحيح مسلم عن عائشه :ما شَبِعَ آلُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله مِن خُبزِ شَعيرٍ يَومَينِ مُتَتابِعَينِ حَتّى قُبِضَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله . (1)

صحيح مسلم عن عائشه :إنَّما كانَ فِراشُ رَسولِ اللّه صلى الله عليه و آله الَّذى يَنامُ عَلَيهِ أدَما (2) حَشوُهُ ليفٌ . (3)

صحيح البخارى عن أبى بُردَه :أخرَجَت إلَينا عائِشَه كِساءً وإزارا غَليظا ، فَقالَت : قُبِضَ روحُ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فى هذَينِ . (4)

6 / 2أهلُ البَيتِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا عَلِى ، إنَّ اللّهَ قَد زَيَّنَکَ بِزينَهٍ لَم يُزَيِّن العِبادَ بِزينَهٍ أحَبَّ إلَى اللّهِ مِنها ، زَيَّنَکَ بِالزُّهدِ فِى الدُّنيا وجَعَلَکَ لا تَرزَأ (5) مِنها شَيئا ولا تَرزَأ مِنکَ شَيئا ، ووَهَبَ لَکَ حُبَّ المَساكينِ . (6)

.

1- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2282 الرقم 22 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 579 الرقم 2357 وفيه «رسول اللّه صلى الله عليه و آله » بدل «آل محمّد صلى الله عليه و آله » ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1110 الرقم 3346 وليس فيه «يومين متتابعين» ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 393 الرقم 24719 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 71 الرقم 92 وفيه «رسول اللّه صلى الله عليه و آله » بدل «آل محمّد صلى الله عليه و آله » ، بحار الأنوار : ج 16 ص 243 نحوه وراجع صحيح البخارى : ج 5 ص 2055 الرقم 5059 وص 2067 الرقم 5100 .
2- .الأديم : الجلد المدبوغ ، وجمعها أدَم (المصباح المنير : ص 9 «أدم») .
3- .صحيح مسلم : ج 3 ص 1650 الرقم 38 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1390 الرقم 4151 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 317 الرقم 24347 وفيهما «ضجاع» بدل «فراش» ، السنن الكبرى : ج 7 ص 76 الرقم 13317 ، صفه الصفوه : ج 1 ص 85 ؛ المناقب لابن شهرآشوب : ج 1 ص 171 ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 159 عن الإمام علىّ عليه السلام وليس فيه «الذى ينام عليه» .
4- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2190 الرقم 5480 ، صحيح مسلم : ج 3 ص 1649 الرقم 34 ، سنن أبى داوود : ج 4 ص 45 الرقم 4036 كلاهما نحوه

، سنن الترمذی : ج 4 ص 224 الرقم 1733 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 272 الرقم 24092 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 665 الرقم 4206 وفیها «کساءً ملبّدا» .
5- .یرزأ : یأخذ (النهایه : ج 2 ص 218 «رزأ») .
6- .الأمالی للطوسی : ص 181 ح 303 ، بشاره المصطفی : ص 98 کلاهما عن عمّار ، المحاسن : ج 1 ص 454 ح 1046 عن أبی أیّوب الأنصاری نحوه ، بحار الأنوار : ج 39 ص 298 ح 101 ؛ تاریخ دمشق : ج 42 ص 281 ، حلیه الأولیاء : ج 1 ص 71 ، أُسد الغابه : ج 4 ص 96 الرقم 3789 کلّها عن عمّار نحوه ، کنز العمّال : ج 11 ص 626 ح 33053 وراجع العمده : ص 297 ح 495 .

صحیح مسلم به نقل از عایشه :تا زمانی که پیامبر خدا از دنیا رفت، خاندان محمّد صلی الله علیه و آله هرگز دو روزِ پیاپی از نان جو ، سیر نخوردند.

صحیح مسلم به نقل از عایشه :بستر پیامبر خدا که بر آن می خوابید ، چرمی پر شده از لیف خرما بود.

صحیح البخاری به نقل از ابو بُرده :عایشه یک پیراهن و شلوار زِبر نزد ما آورد و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله در این دو ، قبض روح شد.

6 / 2اهل بیتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! خداوند تو را به زیوری آراسته که بندگان را به زیوری محبوب تر از آن در نزد خود ، نیاراسته است: تو را به زیور زهد آراسته و چُنانت قرار داده که نه تو از دنیا چیزی بر می گیری و نه دنیا از تو چیزی بر می گیرد، و دوستی مستمندان را نیز به تو ارزانی داشته است.

.

عنه صلى الله عليه و آله :يا عَلِيُّ ، إنَّ اللّهَ خَصَّکَ بِأَمرٍ وأعطاکَهُ، لَيسَ مِنَ الأَعمالِ شَیءٌ أحَبُّ إلَيهِ ولا أفضَلُ مِنهُ عِندَهُ ؛ الزُّهدُ فِی الدُّنيا ، فَلَيسَ تَنالُ مِنها شَيئا ولا تَنالُ (1) مِنکَ ، وهِیَ زينَهُ الأَبرارِ عِندَ اللّهِ يَومَ القِيامَهِ . (2)

الإمام علیّ عليه السلام :أنَا الَّذی أهَنتُ الدُّنيا . (3)

عنه عليه السلام :أنَا کابُّ الدُّنيا لِوَجهِها ، وقادِرُها بِقَدرِها ، وناظِرُها بِعَينِها . (4)

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ أميرَ المُؤمِنينَ عَلِیَّ بنَ أبی طالِبٍ عليه السلام اُتِیَ بَخَبيصٍ (5) فَأبی أن يَأکُلَهُ ، فَقالوا لَهُ : أ تُحَرِّمُهُ؟ قالَ : لا ، ولکِنّی أخشی أن تَتوقَ إلَيهِ نَفسی فَأطلُبَهُ . ثُمَّ تَلا هذِهِ الآيَهَ : «أذْهَبْتُمْ طَيِّبَتِکُمْ فِی حَيَاتِکُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُم بِهَا» (6) . (7)

إرشاد القلوب عن سُويدِ بن غَفَلَه :دَخَلتُ عَلی أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام دارَهُ فَلَم أرَ فِی البَيتِ شَيئا ، فَقُلتُ : أينَ الأَثاثُ يا أميرَ المُؤمِنين؟ فَقالَ : يَابنَ غَفَلَهَ ، نَحنُ أهلُ بَيتٍ لا نَتَأثَّثُ فِی الدُّنيا ، نَقَلنا أجَلَّ مَتاعِنا إلَی الآخِرَهِ ، إنَّ مَثَلَنا فِی الدُّنيا کَراکِبٍ ظَلَّ تَحتَ شَجَرَهٍ ، ثُمَّ راحَ وتَرَکَها . (8)

.

1- .فی المصدر «تَنالُهُ» وما أثبتناه هو الأوفق کما فی بحار الأنوار .
2- .الخصال : ص 556 ح 31 عن عامر بن واثله عن الإمام علیّ عليه السلام .
3- .تاريخ دمشق : ج 42 ص 489 ، البدايه والنهايه : ج 8 ص 5 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 128 ، غرر الحكم : ح 3762 وفيه «ورادّها على عقبها» بدل «وناظرها بعينها» ، بحار الأنوار : ج 41 ص 334 ح 55 وراجع مشارق أنوار اليقين : ص 203 .
5- .الخَبِيصُ : المعمول من التمر والسمن ؛ حَلواء معروف يُخبَص [أی يُخلط] بعضه فی بعض (تاج العروس : ج 9 ص 265 «خبص») .
6- .الأحقاف : 20 .
7- .الأمالی للمفيد : ص 134 ح 2 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج 2 ص 177 ح 1501 عن عبد اللّه بن

ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الغارات : ج 1 ص 90 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 323 ح 3 وراجع المناقب لابن شهرآشوب : ج 2 ص 99 .
8- .إرشاد القلوب : ص 20 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! خداوند ، خصلتی به تو اختصاص داده و عطایت کرده است که هیچ عملی در نزد او محبوب تر و برتر از آن نیست: زهد در دنیا. نه تو از دنیا نوایی می گیری و نه دنیا از تو به نوایی می رسد. در روز قیامت، زهد ، زیور نیکان در نزد خداوند است.

امام علی علیه السلام :من آنم که دنیا را بی مقدار شمردم.

امام علی علیه السلام :من دنیا را به رو در افکندم، و به اندازه خودش بدان بها می دهم، و با نگاه خودش به آن می نگرم.

امام باقر علیه السلام :مقداری افروشه (1) برای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام آوردند؛ امّا ایشان از خوردن آن امتناع ورزید. گفتند: حرامش می دانی؟ فرمود: «نه؛ امّا می ترسم بدان علاقه مند شوم و خواهان آن گردم». سپس این آیه را خواند: «نعمت های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید» .

إرشاد القلوب به نقل از سوید بن غَفَله :وارد خانه امیر مؤمنان علیه السلام شدم و در اتاق ، چیزی ندیدم. گفتم: اثاثیه کجاست ، ای امیر مؤمنان؟ فرمود: «ای پسر غَفَله! ما خاندانی هستیم که در دنیا اثاثی تهیّه نمی کنیم و بهترین کالای خود را به آخرت منتقل کرده ایم. حکایت ما در دنیا ، همچون مسافری است که زیر سایه درختی می آساید و سپس آن را ترک می کند و می رود».

.

1- .حلوایی تهیّه شده از خرما و روغن.

الغارات عن أبى مَطَر :أتى [عَلِىٌّ عليه السلام] سوقَ الكَرابيس (1) فَإذا هُوَ بِرَجُلٍ وَسيم ، فَقالَ : يا هذا عِندَکَ ثَوبانِ بِخَمسَهِ دَراهِمَ؟ فَوَثَبَ الرَّجُلُ فَقالَ : نَعَم يا أميرَ المُؤمِنينَ ؛ فَلَمّا عَرَفَهُ مَضى عَنهُ وتَرَکَهُ . فَوَقَفَ عَلى غُلامٍ فَقالَ لَهُ : يا غُلامُ عِندَکَ ثَوبانِ بِخَمسَهِ دَراهِمَ؟ قالَ : نَعَم عِندى ثَوبانِ ؛ أحَدُهُما أخيَرُ مِنَ الآخَرِ ، واحِدٌ بِثَلاثَهٍ وَالآخَرُ بِدِرهَمَينِ ، قالَ : هَلُمَّهُما . فَقالَ : يا قَنبَر ، خُذِ الَّذى بِثَلاثَهٍ ، قالَ : أنتَ أولى بِهِ يا أميرَالمُؤمِنين ؛ تَصعَدُ المِنبَرَ وتَخطُبُ النّاسَ ! فَقالَ : يا قَنبَر ، أنتَ شابٌّ ولَکَ شِرَّهُ (2) الشَّبابِ ، وأنَا أستَحيى مِن رَبّى أن أتَفَضَّلَ عَلَيکَ لِاءَنّى سَمِعتُ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله يَقولُ :«ألبِسوهُم مِمّا تَلبَسونَ ، وأطعِموهُم مِمّا تَأكُلونَ» . ثُمَّ لَبِسَ القَميصَ ومَدَّ يَدَهُ فى رُدنِهِ فَإذا هُوَ يَفضُلُ عَن أصابِعِهِ ، فَقالَ : يا غُلامُ اقطَع هذَا الفَضلَ ، فَقَطَعَهُ ، فَقالَ الغُلامُ : هَلُمَّهُ أكُفَّهُ يا شَيخُ ، فَقالَ : دَعهُ کَما هُوَ ، فَإنَّ الأمرَ أسرَعُ مِن ذلِکَ . (3)

المعجم الكبير عن أسماء بنت عُمَيس عن فاطمه عليهاالسلام :أنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله أتاها يَوما فَقالَ : أينَ ابناىَ؟يَعنى حَسَنا وحُسَينا ، قالَت : أصبَحنا ولَيسَ فى بَيتِنا شَىءٌ يَذوقُهُ ذائِقٌ ، فَقالَ عَلِىٌّ عليه السلام : أذهَبُ بِهِما ، فَإنّى أتَخَوَّفُ أن يَبکِيا عَلَيکِ ولَيسَ عِندَکِ شَىءٌ ؛ فَذَهَبَ إلى فُلانٍ اليَهودِىِّ . فَتَوَجَّهَ إلَيهِ النَّبِى صلى الله عليه و آله فَوَجَدَهُما يَلعَبانِ فى شَرَبَهٍ (4) ، بَينَ أيديهِما فَضلٌ مِن تَمرٍ ، فَقالَ : يا عَلِى ، ألا تَقلِبُ (5) ابنَىَّ قَبلَ أن يَشتَدَّ عَلَيهِمَا الحَرُّ؟ فَقالَ عَلِىٌّ عليه السلام : أصبَحنا ولَيسَ فى بَيتِنا شَىءٌ ، فَلَو جَلَستَ يا نَبِىَّ اللّهِ حَتّى أجمَعَ لِفاطِمَه تَمَراتٍ . فَجَلَسَ النَّبِى صلى الله عليه و آله حَتّى اجتَمَعَ لِفاطِمَه شَىءٌ مِن تَمرٍ ، فَجَعَلَهُ فى صُرَّتِهِ ، ثُمَّ أقبَلَ ، فَحَمَلَ النَّبِى صلى الله عليه و آله أحَدَهُما وعَلِىٌّ عليه السلام الآخَرَ حَتّى أقلَبَهُما . (6)

.

1- .الكِرباس : فارسىّ معرّب ، والجمع كرابيس ؛ وهى ثيابٌ خشنه (الصحاح : ج 3 ص 970 «كربس») .
2- .الشِّرَّه : النشاط والرغبه (النهايه : ج 2 ص 458 «شرر») .
3- .الغارات : ج 1 ص 106 ، روضه الواعظين : ص 121 ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 2 ص 97 عن الأصبغ وأبى مسعده والإمام الباقر عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 103 ص 93 ح 9 .

4- .الشَّرَبَه : حوض يكون فى أصل النخله وحولها (النهايه : ج 2 ص 455 «شرب») .
5- .الانقلاب : الرجوع . أنْقَلِبُ : أرجِع إلى بيتى (النهايه : ج 4 ص 96 «قلب») .
6- .المعجم الكبير : ج 22 ص 422 ح 1040 ، ذخائر العقبى : ص 96 .

الغارات به نقل از ابو مطر :على علیه السلام به بازار کرباس فروشان آمد و به مردی خوش سیما برخورد و به او فرمود: «ای مرد! دو جامه به ارزش پنج درهم داری؟» . مرد از جا جست و گفت: بله، ای امیر مؤمنان! چون مرد ، امام علیه السلام را شناخت ، ایشان او را رها کرد و رفت و نزد جوانی ایستاد و فرمود : «ای جوان! دو جامه به ارزش پنج درهم داری؟» . گفت: آری، دو جامه دارم . یکی از آنها بهتر از دیگری است : یکی به سه درهم و دیگری به دو درهم. امام علیه السلام فرمود: «هر دو را بیاور». سپس فرمود: «ای قنبر! آن سه درهمی را تو بردار». قنبر گفت: ای امیر مؤمنان!، شما بدان سزاوارترید . شما بالای منبر می روید و برای مردم سخنرانی می کنید! فرمود: «ای قنبر! تو جوان هستی و هوس جوانی داری، و من از پروردگارم شرم دارم که بر تو برتری بجویم؛ زیرا از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: « از آنچه خود می پوشید ، به آنها بپوشانید، و از آنچه خود می خورید ، به آنها بخورانید ». آن گاه امام علیه السلام پیراهن را پوشید و دستش را از آستینش بیرون آورد و دید از انگشتانش بلندتر است . [به فروشنده] فرمود: «ای جوان! این اضافی را ببُر» و او آن را برید. جوان گفت: ای پیرمرد! بده آستینت را سردوزی کنم. فرمود: «رهایش کن، که کار ، از این ، شتابان تر است».

المعجم الکبیر به نقل از اسماء بنت عمیس :روزی ، پیامبر خدا نزد فاطمه علیهاالسلام آمد و فرمود : «پسرانم کجایند؟» و مقصودش حسن و حسین بود. فاطمه علیهاالسلام گفت: امروز چیزی در خانه برای خوردن نداشتیم ، و علی گفت: من آن دو را بیرون می برم؛ زیرا می ترسم که گریه کنند و تو ، چیزی نداری . و پیش فلان یهودی رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال علی علیه السلام رفت. دید که حسن و حسین ، در پای درخت خرمایی بازی می کنند و جلوی آنها مقداری خرماست. به علی علیه السلام فرمود: «ای علی! نمی خواهی پیش از آن که هوا گرم تر شود و پسرانم اذیّت شوند ، آنها را به خانه برگردانی؟» . علی علیه السلام گفت: امروز صبح ، چیزی در خانه نداشتیم. ای پیامبر خدا! اگر اندکی بنشینید ، من مقداری خرما برای فاطمه جمع می کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله نشست ، تا آن که مقداری خرما برای فاطمه جمع شد. علی علیه السلام ، آنها را در کیسه اش ریخت و به راه افتاد. پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از بچه ها را به دوش گرفت و علی علیه السلام نیز ، دیگری را و آنها را به خانه بردند .

الكامل فى التاريخ عن عَنتَرَه :دَخَلتُ عَلى عَلِيٍّ عليه السلام بِالخَوَرنَق (1) وهُوَ فَصلُ شِتاءٍ وعَلَيهِ خَلَقُ قَطيفَهٍ (2) وهُوَ يَرعُدُ فيهِ ، فَقُلتُ : يا أميرَ المُؤمِنين ، إنَّ اللّهَ قَد جَعَلَ لَکَ ولاَِهلِکَ فى هذَا المالِ نَصيبا وأنتَ تَفعَلُ هذا بِنَفسِکَ؟ فَقالَ : وَاللّهِ ما أرزَؤُکُم (3) شَيئا ، وما هِىَ إلاّ قَطيفَتِىَ الَّتى أخرَجتُها مِنَ المَدينَه . (4)

تاريخ دمشق عن مُدرِک أبى زياد :كُنّا فى حيطانِ (5) ابنِ عَبّاس ، فَجاءَ ابنى (6) عَبّاس وحَسَن وحُسَين عليهماالسلام ، فَطافوا فِى البُستانِ فَنَظَروا ، ثُمَّ جاؤوا إلى ساقِيَهٍ فَجَلَسوا عَلى شاطِئِها ، فَقالَ لى الحَسَنُ بنُ عَلِيٍّ عليه السلام : يا مُدرِکُ أعِندَکَ غَداءٌ؟ قُلتُ : قَد خَبَزنا، قالَ : اِيتِ بِهِ . قالَ : فَجِئتُهُ بِخُبزٍ وشَىءٍ مِن مِلحٍ جَريشٍ وطاقَتَى بَقلٍ ، فَأكَلَ ثُمَّ قالَ : يا مُدرِکُ أبى زياد ، ما أطيَبَ هذا! ثُمَّ اُتِىَ بِغَدائِهِ وكانَ كَثيرَ الطَّعامِ طَيِّبَهُ فَقالَ : يا مُدرِکک أبى زياد ، اجمَع لى غِلمانَ البُستانِ ، قالَ : فَقَدَّمَ إلَيهِم فَأكَلوا ولَم يَأكُل ، فَقُلتُ : ألا تَأكُلُ؟ فَقالَ : ذاکَ أشهى عِندى مِن هذا . (7)

.

1- .الخَوَرْنَق : موضع بالكوفه (معجم البلدان : ج 2 ص 401) .
2- .القَطِيفه : دثار له خمل (المصباح المنير : ص 509 «قطف») .
3- .يقال : ما رَزَأتُه مالَه ؛ أى ما نَقصتُه (الصحاح : ج 1 ص 53 «رزأ») .
4- .الكامل فى التاريخ : ج 2 ص 442 ، صفه الصفوه : ج 1 ص 134 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 82 ؛ كشف الغمّه : ج 1 ص 173 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 40 ص 334 ح 15 وراجع : موسوعه الإمام علىّ عليه السلام : الفصل الثانى : الخصائص الأخلاقيه / زينه الزّهد.
5- .الحَائِطُ : البستان من النخيل (النهايه : ج 1 ص 462 «حوط») .
6- .كذا ، وفى المختصر والمطبوعه : ابن عبّاس (هامش المصدر) .
7- .تاريخ دمشق : ج 13 ص 238 .

الکامل فی التاریخ به نقل از عنتره :در خُوَرنَق (1) بر علی علیه السلام در آمدم. فصل زمستان بود و ایشان مخمل کهنه ای به تن داشت و می لرزید. گفتم: ای امیر مؤمنان! خداوند برای تو و خانواده ات در این بیت المال سهمی قرار داده و تو با خودت چنین می کنی؟! فرمود: «به خدا سوگند که من از آن ، چیزی بر نمی دارم [که از سهم شما کاسته شود]. این مخمل را هم از مدینه با خود آورده ام». (2)

تاریخ دمشق به نقل از مُدرِک ، ابو زیاد :در باغ ابن عبّاس بودیم که دو فرزند عبّاس و حسن و حسین علیهماالسلام آمدند و دور باغ گشتی زدند و نگاهی کردند . سپس کنار جویی رفتند و نشستند. حسن علیه السلام به من فرمود : «ای مُدرِک! غذایی داری؟» . گفتم: نان پخته ایم. فرمود : «بیاور». من نانی و کمیِ نمک نیم کوفته و دو مشت سبزی برایش آوردم. ایشان خورد و آن گاه فرمود : «ای مُدرک! چه قدر خوش مزه بود» . سپس غذای خود او را که زیاد و لذیذ بود آوردند. فرمود: «ای مُدرک! غلامان باغ را صدا بزن» و غذا را به آنها داد و غلامان خوردند و خود ایشان ، چیزی نخورد. گفتم: خودتان نمی خورید؟ فرمود: «آن غذا [ی تو] را از این ، بیشتر دوست دارم».

.

1- .خُوَرنَق، جایی است در اطراف کوفه (معجم البلدان: ج 2 ص 401) .
2- .ظاهراً این برداشت راوی است ، وگرنه طبق احادیث فراوانی ، امام علی علیه السلام به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ گاه احساس سرما و گرما نمی کرد (ر . ک : دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام : بخش دوم / فصل سیزدهم / خدایا! گرما و سرما را از او دور کن) .

عيون أخبار الرضا عن أبى عبّاد :كانَ جُلوسُ الرِّضا عليه السلام فِى الصَّيفِ عَلى حَصيرٍ وفِى الشِّتاءِ عَلى مِسحٍ (1) ، ولِبسُهُ الغَليظَ مِنَ الثِّيابِ ، حَتّى إذا بَرَزَ لِلنّاسِ تَزَيَّنَ لَهُم . (2)

6 / 3سَلمانعدّه الداعى :تَحَسَّرَ سَلمانُ الفارِسِى رِضوانُ اللّهِ عَلَيهِ عِندَ مَوتِهِ ، فَقيلَ لَهُ : عَلامَ تَأسَّفُكَ يا أبا عَبدِ اللّه ؟ قالَ : لَيسَ تَأسُّفى عَلَى الدُّنيا ، ولكِنَّ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله عَهِدَ إلَينا وقالَ : «لِتَكُن بُلغَةُ أحَدِكُم كَزادِ الرّاكِبِ» ، وأخافُ أن نَكونَ قَد جاوَزنا أمرَهُ وحَولى هذِهِ الأساوِدُ وأشارَ إلى ما فى بَيتِهِ ، إذا هُوَ دَستٌ (3) وسَيفٌ وجَفنَهٌ ! (4)

.

1- .المسح : ثوب من الشعر غليظ (تاج العروس : ج 4 ص 205 «مسح») .
2- .عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 178 ح 1 ، إعلام الورى : ج 2 ص 64 ، كشف الغمّه : ج 3 ص 106 كلاهما عن محمّد بن أبى عبّاد ، المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 360 عن محمّد بن عبّاد .
3- .الدَّسْتُ من الثياب : ما يلبسه الإنسان ويكفيه لتردّده فى حوائجه (المصباح المنير : ص 194 «دست») .
4- .عدّه الداعى : ص 105 ، إرشاد القلوب : ص 18 نحوه ، بحار الأنوار : ج 72 ص 54 ح 85 .

عیون أخبار الرضا به نقل از ابو عبّاد : امام رضا علیه السلام در تابستان ، روی حصیر و در زمستان ، روی پلاس می نشست، و جامه درشت می پوشید، و وقتی در برابر مردم ظاهر می شد ، آراسته می گشت .

6 / 3سلمانعدّه الداعی :سلمان فارسی که خداوند از او خشنود باد در هنگام مرگ ، اظهار تأسّف کرد. پرسیدند: ای ابو عبد اللّه ! تأسّفت برای چیست؟ گفت: «تأسّفم برای دنیا نیست که پیامبر خدا به ما توصیه کرد و فرمود: باید توشه شما مانند توشه مسافر باشد و می ترسم که با این افعی هایی که پیرامونم هستند ، از دستور ایشان تخطّی کرده باشم» و به آنچه در اتاقش بود ، اشاره کرد . دیدم یک دست [پشتی] و یک شمشیر و یک قابلمه است!

.

المُستدرَک على الصَّحيحَين عن أبى سفيان عن أشياخه :دَخَلَ سَعد عَلى سَلمان يَعودُهُ فَبَكى ، فَقالَ لَهُ سَعدٌ : ما يُبكيکَ يا أبا عَبدِ اللّه ، تُوُفِّىَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله وهُوَ عَنکَ راضٍ ، وتَرِدُ عَلَيهِ الحَوضَ وتَلقى أصحابَکَ؟ ! فَقالَ سَلمان : أما إنّى لا أبکى جَزَعا مِنَ المَوتِ ، ولا حِرصا عَلَى الدُّنيا ، ولكِنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَهِدَ إلَينا عَهدا حَيّا ومَيِّتا ، قالَ : «لِتَكُن بُلغَةُ أحَدِكُم مِنَ الدُّنيا مِثلَ زادِ الرّاكِبِ» وحَولى هذِهِ الأساوِدُ . قالَ : فَإنَّما حَولَهُ إجّانَهٌ وجَفنَهٌ ومِطهَرَهٌ ! (1)

الاحتجاج عن سلمان فى جَوابِ كِتابٍ كَتَبَهُ إلَيهِ عُمَر :وأمّا ما ذَكَرتَ أنّى أقبَلتُ عَلى سَفِّ (2) الخوصِ وأكلِ الشَّعيرِ ، فَما هُما مِمّا يُعَيَّرُ بِهِ مُؤمِنٌ ويُؤَنَّبُ عَلَيهِ ! وَايمُ اللّهِ يا عُمَرُ ، لَاَكلُ الشَّعيرِ وسَفُّ الخوصِ وَالاِستِغناءُ بِهِما عَنِ رَفيعِ المَطعَمِ وَالمَشرَبِ ، وعَن غَصبِ مُؤمِنٍ حَقَّهُ وَادِّعاءِ ما لَيسَ لَهُ بِحَقٍّ ، أفضَلُ وأحَبُّ إلَى اللّهِ وأقرَبُ لِلتَّقوى ، ولَقَد رَأيتُ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله إذا أصابَ الشَّعيرَ أكَلَهُ وفَرِحَ بِهِ ولَم يَسخَطهُ . (3)

6 / 4أبو ذَرالإمام الكاظم عليه السلام :قالَ أبو ذَرٍّ رحمه الله : جَزَى اللّهُ الدُّنيا عَنّى مَذَمَّةً بَعدَ رَغيفَينِ مِنَ الشَّعيرِ ؛ أتَغَدّى بِأحَدِهِما وأتَعَشّى بِالآخَرِ ، وبَعدَ شَملَتَيِ الصّوفِ ؛ أتَّزِرُ بِإحداهُما وأتَرَدّى بِالاُخرى . (4)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 353 ح 7891 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 305 ح 10395 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 195 عن جابر نحوه ، تنبيه الغافلين : ص 244 ح 318 ، كنز العمّال : ج 3 ص 721 ح 8573 ؛ تنبيه الخواطر : ج 2 ص 215 نحوه ، روضه الواعظين : ص 538 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 381 ح 14 .
2- .أسففت الخوص : إذا نسجت بعضه فى بعض (المحيط فى اللغه : ج 8 ص 252 «سفّ») .
3- .الاحتجاج : ج 1 ص 317 ح 54 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 361 ح 4 .
4- .الكافى : ج 2 ص 134 ح 17 ، الأمالى للطوسى : ص 702 ح 1502 ، رجال الكشّى : ج 1 ص 120 الرقم 54 نحوه وكلّها عن موسى بن بكر ، بحار الأنوار : ج 22 ص 401 ح 10 .

6 / 4 ابو ذر

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو سفیان ، از اساتیدش :سعد به عیادت سلمان رفت. سلمان گریست. سعد گفت: چرا گریه می کنی ، ای ابو عبد اللّه ؟ پیامبر خدا که از دنیا رفت ، از تو راضی بود، و تو در کنار حوض [کوثر] بر او وارد خواهی شد و دوستانت را ملاقات خواهی کرد . سلمان گفت: «من نه از ترس مرگ ، گریه می کنم و نه به خاطر علاقه مندی به دنیا؛ بلکه پیامبر خدا برای زمان حیاتش و پس از مرگش به ما سفارش کرد و فرمود: باید توشه هر یک از شما به مانند توشه مسافر باشد در حالی که پیرامون من ، این همه افعی است». در پیرامون او ، فقط یک تشت و یک قابلمه و یک آفتابه بود!

الاحتجاج به نقل از سلمان ، در پاسخ نامه ای که عمر به او نوشت :امّا این که نوشته ای که من به بافتن حصیر و خوردن نان جو روی آورده ام : اینها چیزی نیست که به سبب آن ، مؤمن سرزنش و توبیخ شود! ای عمر! به خدا سوگند که خوردن نان جو و بافتن حصیر و بی نیاز شدن از خوردنی ها و نوشیدنی های رنگارنگ و [بی نیاز شدن] از غصب حقّ مؤمن و مطالبه چیزی که حق نیست ، در نزد خداوند ، برتر و محبوب تر است و به پرهیزگاری نزدیک تر. من خود دیدم که پیامبر خدا ، هر گاه نان جوینی به دست می آورد ، با خوش حالی آن را می خورد و اظهار ناخرسندی نمی کرد.

6 / 4ابو ذرامام کاظم علیه السلام :ابو ذر که رحمت خدا بر او باد گفت: از سوی من ، پس از آن دو قرص نان جوین که یکی را چاشت می خورم و دیگری را شام و پس از آن دو جامه پشمین که یکی را شلوار خویش می سازم و دیگری را ردای خویش ، نکوهش خدا بر دنیا باد!.

.

الزهد عن أبى بكر بن المُنكَدِر :بَعَثَ حَبيبُ بنُ أبى سَلَمَه إلى أبى ذَر وهُوَ أميرُ الشّام بِثَلاثِمِئَهِ دينارٍ ، قالَ : اِستَعِن بِها عَلى حاجَتِكَ . فَقالَ أبو ذَرٍّ رحمه الله [لِلرَّسولِ] : اِرجِع بِها إلَيهِ ، أما وَجَدَ أحَدا أغَرَّ بِاللّهِ مِنّا ؟ ما لَنا إلاّ ظِلٌّ نَتَوارى بِهِ ، وثُلَّهٌ مِن غَنَمٍ تَروحُ عَلَينا ، ومَولاهُ لَنا تَصَدَّقَت عَلَينا بِخِدمَتِها ، ثُمَّ أنَا أتَخَوَّفُ الفَضلَ . (1)

.

1- .الزهد لابن حنبل : ص 183 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 161 .

الزهد به نقل از ابو بکر بن مُنکدِر :حبیب بن ابی سَلَمه ، امیر شام ، سیصد دینار برای ابو ذر فرستاد و گفت: از اینها برای رفع نیازهایت استفاده کن. ابو ذر که رحمت خدا بر او باد [به فرستاده] گفت: «آنها را به خودش برگردان . آیا کسی را از ما گستاخ تر به خدا نیافت؟ ما را همین سرپناهی که داریم، و همین چند گوسفندی که شب به نزد ما هستند، و بانویی که با خدمت گزاری خود ، بر ما منّت می نهد ، بس است و از بیشتر از اینها می ترسم» .

.

ص: 244

. .

بخش چهارم : آخرت

اشاره

آخرتشامل :درآمدفصل یکم : آخرت شناسیفصل دوم : توجّه به آخرتفصل سوم : به یاد آخرت بودنفصل چهارم : آباد کردن آخرتفصل پنجم : سودای آخرت

.

ص: 246

..

درآمد

آخرت ، در لغت

آخرت ، در قرآن و حدیث

درآمدآخرت ، در لغتواژه «آخره» مؤنث «آخِر» (بر وزن فاعل) و مقابل «اوّل» و «متقدِّم» است . در العین آمده است : الآخِرُ و الآخِرَهُ : نَقیضُ المُتَقَدِّمُ وَ المُتَقَدِّمَهُ ، و مُقَدَّمُ الشَّیءِ و مُؤَخَّرُهُ. (1) آخِر و آخره ، نقیض متقدّم و متقدّمه هستند ، و [گفته می شود :] مقدَّم (جلوی) یک چیز و مؤخَّر (عقب/ آخر) آن . در المقاییس نیز می خوانیم : الهَمزَهُ وَ الخاءُ وَ الرّاءُ أصلٌ واحِدٌ إلَیهِ تَرجعُ فُروعُهُ ، و هُوَ خِلافُ التَّقَدُّمِ . و هذا قِیاسٌ أخَذناهُ مِنَ الخَلیلِ ... . (2) همزه و خا و را ، یک اصل را تشکیل می دهند و فروعش به آن باز می گردند . و آن ، خلاف «تقدّم» است . این قیاس را ما از خلیل گرفته ایم .

آخرت ، در قرآن و حدیثقرآن کریم ، زندگیِ پیش از مرگ را زندگی اوّل و زندگیِ پس از مرگ را زندگیِ آخِر نامیده است ، مانند :

.

1- .العین : ص 39 .
2- .معجم مقاییس اللغه : ج 1 ص 70 .

«لَهُ الْحَمْدُ فِی الْأُولَی وَ الْآخِرَهِ . (1) در این [سرای] نخستین و در آخرت ، ستایش ، از آنِ اوست» . «وَ إِنَّ لَنَا لَلْآخِرَهَ وَ الْأُولَی . (2) و در حقیقت ، دنیا و آخرت ، از آنِ ماست» . «وَ لَلْآخِرَهُ خَیْرٌ لَّکَ مِنَ الْأُولَی . (3) و آخرت ، برای تو ، بهتر از سرای نخستین است» . در واقع ، قرآن کریم و نیز احادیث اسلامی ، کلمه «آخره» را در یکی از بارزترین مصادیق لغوی آن به کار می برند . از این رو، هنگامی که یزید بن سلام از پیامبر صلی الله علیه و آله می پرسد : «چرا آخرت را آخرت نامیده اند؟»، ایشان در جواب می فرماید : لِاَنَّها مُتَأَخِّرَهٌ تَجیءُ مِن بَعدِ الدُّنیا ، لا توصَفُ سِنینُها ، ولا تُحصی أیّامُها ، ولا یَموتُ سُکّانُها . (4) چون آن متأخّر است و پس از دنیا می آید . سال های آن وصف ناشدنی ، و روزهایش ناشمردنی هستند و ساکنان آن ، هیچ گاه نمی میرند . و از امام علی علیه السلام در وجه تسمیه آخرت نقل شده که : سُمِّیَتِ الآخِرَهُ آخِرَهً ، لِاَنَّ فیهَا الجَزاءَ وَالثَّوابَ . (5) آخرت ، آخرت نامیده شده است ؛ چون سزا و پاداش در آن جاست. همان طور که علاّمه مجلسی توضیح داده، (6) مقصود ، آن است که چون در

.

1- .قصص: آیه 70.
2- .لیل: آیه 13.
3- .ضحی: آیه 4.
4- .ر . ک : ص 256 ح 1199 .
5- .ر . ک : ص 256 ح 1200 .
6- .ر . ک : بحار الأنوار : ج 10 ص 13 .

آخرت ، سزا و ثواب است و جزا متأخّر از عمل است ، زندگی پس از مرگ ، آخرت نامیده شده است . این واژه در قرآن ، گاه صفت «النشأه» است (مانند : «ثُمَّ اللَّهُ یُنشِئُ النَّشْأَهَ الْآخِرَهَ ؛ پس خداوند است که نشأه آخرت را پدید می آورد (1) ») ، گاه صفت «الدار» (مانند : «وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَهَ لَهِیَ الْحَیَوَانُ ؛ و زندگی حقیقی همان سرای آخرت است (2) ») ، گاه مضاف الیه «دار» (مانند : «وَ لَدَارُ الْءَاخِرَهِ خَیْرٌ ؛ و سرای آخرت بهتر است (3) ») و گاه صفت «الیوم» (مانند : «مِنَ النَّاسِ مَن یَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْیَوْمِ الْآخِرِ ؛ و برخی از مردم می گویند که به خدا و روز واپسین ایمان آوردیم (4) ») قرار گرفته است . البتّه در بیشتر موارد ، موصوف ، حذف گردیده و کلمه «آخرت» در مقابل «دنیا» و درباره زندگی پس از مرگ به کار رفته است . در قرآن کریم ، این کلمه در مجموع ، 143 بار تکرار شده است : چهار بار به معنای لغوی آن و 139 بار به معنای «زندگی پس از مرگ» ، و از این تعداد ، 88 بار به صورت «الآخره» و 22 بار به صورت «بالآخره» و سه بار به صورت «لَلآخره» و 26 بار به صورت «الآخِر» (که صفت «الیوم» قرار گرفته است) . نکته قابل توجّه ، این که : در نگاه ابتدایی ، ممکن است تصوّر شود که کلمه «آخرت» معادل کلمه قیامت (یوم الحساب) است ؛ امّا دقّت در ریشه لغوی و کاربردهای آن در قرآن و حدیث به روشنی نشان می دهد که مقصود از کلمه آخرت ، مقابل «دنیا»ست و شامل همه منازل و مواقف پس از مرگ می شود . پس ، قیامت ، تنها یکی از منازل آخرت محسوب می گردد ، چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله قبر را نخستین منزل

.

1- .عنکبوت : آیه 20 .
2- .عنکبوت : آیه 64 و ر . ک : قصص : آیه 83 .
3- .یوسف : آیه 109 .
4- .بقره : آیه 8 .

1 . آخرت در مقایسه با دنیا

آخرت معرّفی می کند : القَبرُ أوَّلُ مَنازِلِ الآخِرَهِ ؛ فَإن یَنجُ مِنهُ فَما بَعدَهُ أیسَرُ مِنهُ ، وإن لَم یَنجُ مِنهُ فَما بَعدَهُ أشَدُّ مِنهُ . (1) گور ، نخستین منزلگاه آخرت است . اگر [انسان] از آن به سلامت برَهَد ، منزلگاه های پس از آن ، آسان تر از آن است و اگر به سلامت نرَهَد ، منزلگاه های پس از آن ، سخت تر از آن خواهد بود . بنا بر این ، آنچه در این بخش مورد توجّه است ، ارائه متونی است که مجموع زندگیِ پس از مرگ را مورد بررسی قرار داده اند ؛ امّا آنچه مربوط به هر یک از منازل و عوالم آخرت می شود (مانند : عالم برزخ ، قیامت ، حساب ، میزان ، صراط ، بهشت و دوزخ) در عناوین مربوط به خود خواهد آمد ، إن شاء اللّه . مهم ترین نکاتی که در این بخش آمده اند ، به طور خلاصه عبارت اند از :

1 . آخرت در مقایسه با دنیاقلم و زبان ، از تبیین عظمت آخرت در مقایسه با دنیا ناتوان است ؛ چرا که فانی را نمی توان با باقی سنجید و «متاع قلیل» با «مُلک کبیر» (2) قابل مقایسه نیست . از این رو ، هر توضیحی برای تفسیر ابدیّت در برابر زندگی موقّت ، نارساست . در احادیث اسلامی با چند مثال به این حقیقت ، اشاره شده است : مثال اوّل : مَا الدُّنیا فِی الآخِرَهِ إلاّ مِثلُما یَجعَلُ أحَدُکُم إصبَعَهُ هذِهِ فِی الیَمِّ ، فَلیَنظُر بِمَ تَرجِعُ ! (3) دنیا در مقایسه با آخرت نیست ، مگر همانند این که یکی از شما این انگشتش را

.

1- .ر . ک : ص256 ح 1201 .
2- .اشاره است به آیه 20 از سوره انسان : «وَ إذَا رَأَیْتَ ثَمَّ رَأَیْتَ نَعِیمًا وَ مُلْکًا کَبِیرًا» وآیه 77 از سوره نساء : «قُلْ مَتَعُ الدُّنْیَا قَلِیلٌ» .
3- .ر . ک : ص 258 ح 1206 .

2 . ویژگی های آخرت

در دریا فرو ببرد . پس ، بنگرد که انگشتش با چه [مقدار آب] باز می گردد ! (دنیا در قیاس با آخرت ، چونان نَمی است در برابر دریا) . مثال دوم : ما أخَذَتِ الدُّنیا مِنَ الآخِرَهِ إلاّ کَما أخَذَ مِخیَطٌ غُرِسَ فِی البَحرِ مِن مائِهِ . (1) دنیا از آخرت بر نگرفته است ، مگر آن سان که سوزنی فرو رفته در دریا از آب آن ، بر گرفته است . مثال سوم : مَا الدُّنیا مِنَ الآخِرَهِ إلاّ کَنَفحَهِ أرنَبٍ. (2) دنیا در برابر آخرت نیست ، مگر چونان یک نَفَس خرگوشی. بدیهی است که این مَثَل ها تنها برای تقریب به ذهن است ، وگرنه حقیقت آخرت ، فوق این معانی است و با ابزار شناخت این جهان ، قابل فهماندن و فهمیدن نیست و به بیان ژرف امیر مؤمنان علیه السلام : کُلُّ شَی ءٍ مِنَ الدُّنیا سَماعُهُ أعظَمُ مِن عِیانِهِ ، وکُلُّ شَی ءٍ مِنَ الآخِرَهِ عِیانُهُ أعظَمُ مِن سَماعِهِ . (3) هر چیز دنیا ، شنیدنش بزرگ تر از دیدن آن است ، و هر چیز آخرت ، دیدنش بزرگ تر از شنیدن آن است .

2 . ویژگی های آخرتمهم ترین ویژگی های آخرت و برجسته ترین تفاوت های آن با دنیا از این قرار است :

.

1- .ر . ک : ص 260 ح1208 .
2- .ر . ک : ص260 ح1209 .
3- .ر . ک : ص260 ح 1210 .

الف قرارگاه

ب خانه همیشگی

ج خانه زندگیِ حقیقی

د حاکمیت مطلق حق

ه شهود حقایق غیبی

الف قرارگاهدنیا محلّ عبور انسان است و از همین رو ، از آن به «پل» تعبیر شده است ؛ امّا آخرت ، جایی است که انسان در آن جا خواهد ماند . و هوشیار ، کسی است که به فکر قرارگاه خود باشد . (1)

ب خانه همیشگیدنیا ، مسافرخانه انسان ، و آخرت ، خانه همیشگی اوست ، و هر انسان عاقلی به تأمین و تجهیز خانه همیشگی خود ، بیش از مسافرخانه اهمّیت می دهد . (2)

ج خانه زندگیِ حقیقیاز منظر قرآن ، زندگی دنیا در برابر زندگی آخرت ، بازیچه ای بیش نیست ، بدین معنا که انسان ، تنها در آخرت می تواند طعم هشیاری و زندگی حقیقی را بچشد و بفهمد زنده بودن یعنی چه . (3)

د حاکمیت مطلق حقدنیا آزمایشگاه انسان است . از این رو ، حق و باطل در آن آمیخته است ؛ امّا آخرت ، جایگاه ظهور نتیجه آزمایش هاست و به همین جهت ، در آن جا چیزی جز حق ، حاکم نخواهد بود . (4)

ه شهود حقایق غیبیهمه انسان ها حقایق غیبی را در آخرت می بینند و آنچه را خداوند متعال در دنیا

.

1- .ر . ک : ص 267 (سرای ماندگاری) .
2- .ر . ک : ص 263 (سرای ماندن) .
3- .ر . ک : ص 271 (سرای زندگیِ حقیقی) و ص 275 (سرای بیداری) .
4- .ر . ک : ص 273 (سرای حق) .

و خانه پاداش کردار نیک و بد

ز دشواری راه

به آنان وعده داده ، بالعیان مشاهده می کنند . بنا بر این ، آنچه در دنیا برای آنان غیب محسوب می شود ، در آخرت به شهادت تبدیل می گردد و همه مردم به مرتبه یقین می رسند . (1)

و خانه پاداش کردار نیک و بددنیا خانه کار است و آخرتْ خانه پاداش ؛ (2) امّا نه به صورت پاداش های دنیوی ؛ بلکه بدین گونه که کار انسان در خانه دنیا ، در خانه آخرت ، به پاداش تبدیل می شود : «فَمَن یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ خَیْرًا یَرَهُ * وَ مَن یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ شَرًّا یَرَهُ . (3) هر کس هم وزن ذرّه ای نیکی کند ، [نتیجه] آن را می بیند ، و هر کس هم وزن ذرّه ای بدی کند ، [نتیجه] آن را می بیند» .

ز دشواری راهیکی از خصوصیات مهمّ خانه آخرت ، دشواری راه آن است که تا انسان از بخشی از خواسته ها و هوس های خود نگذرد ، نمی تواند این راه را طی کند ، به عکسِ راه دنیا که در جهت تمایلات نفسانی است . از این رو ، احادیث اسلامی تأکید می کنند که راه آخرت را که به بهشت منتهی می گردد سختی و رنج ، فرا گرفته است ؛ (4) امّا راه دنیا که به دوزخ منتهی می گردد در میان هوس ها و شهوات است .

.

1- .ر . ک : ص 275 (سرای یقین) .
2- .ر . ک : ص 275 (سرای سزا) .
3- .زلزله : آیه 7 و 8 .
4- .ر . ک : ص 277 (سرای محصور در ناملایمات) .

ح کامیابی شایستگان

ط احاطه آخرت بر دنیا

ح کامیابی شایستگانکامیابی های دنیا لزوما با شایستگی افراد ، مرتبط نیست و چه بسا انسان های شایسته ای که عمر خود را در محرومیت به سر می برند و حقوق آنان به وسیله انسان های ناشایست ، مورد تجاوز قرار می گیرد ؛ امّا کامیابی های آخرت ، ویژه انسان های شایسته است و به فرموده امام علی علیه السلام : أحوالُ الدُّنیا تَتبَعُ الاِتِّفاقَ ، وأحوالُ الآخِرَهِ تَتبَعُ الاِستِحقاقَ . (1) احوال دنیا تابع اتفاق است و احوال آخرت تابع استحقاق .

ط احاطه آخرت بر دنیاآخرین ویژگی برجسته آخرت ، احاطه آن بر دنیاست ، بدین معنا که آخرت هم اکنون وجود دارد و دوزخ ، هم اکنون بر انسان های ناشایست ، و بهشت ، هم اکنون بر انسان های شایسته احاطه دارد ، و به تعبیر دیگر ، دنیا نمادی از آخرت است . (2) البتّه انسان تا وقتی که در نَشئه دنیا قرار دارد ، نمی تواند حقیقت آخرت و بهشت و دوزخ را بفهمد ؛ لیکن با خروج از این نشئه ، حقایق و منازل آخرت ، یکی پس از دیگری برای او آشکار می گردد ، چنان که امام علی علیه السلام فرموده است : النّاسُ نِیامٌ ، فإذا ماتُوا انتَبَهوا. (3) مردمان خوابند و زمانی که مردند ، بیدار می شوند . و قرآن نیز تصریح می کند که :

.

1- .ر . ک : ص 279 (سرایی که احوال آن ، تابع شایستگی است) .
2- .ر . ک : ص 279 (سرای محیط بر دنیا) .
3- .خصائص الأئمّه علیهم السلام : ص 112 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 66 ح 1673 ، عوالی اللآلی : ج 4 ص 73 ح 48 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 39 ؛ جواهر المطالب : ج 2 ص 150 ح 60 ، مئه کلمه ، جاحظ : ص 18 ح 2 ،المناقب خوارزمی : ص 375 ح 395 . نیز ، ر . ک : تنبیه الخواطر : ج 1 ص 150 ، تفسیر الثعالبی : ج 5 ص 286 ، إحیاء علوم الدین : ج 4 ص 35 .

3 . اهتمام به آباد ساختن خانه آخرت

«لَّقَدْ کُنتَ فِی غَفْلَهٍ مِّنْ هَذَا فَکَشَفْنَا عَنکَ غِطَاءَکَ فَبَصَرُکَ الْیَوْمَ حَدِیدٌ . (1) واقعا که سخت از این حال در غفلت بودی . و ما پرده ات را از چشمانت برداشتیم و دیده ات امروز تیز است» .

3 . اهتمام به آباد ساختن خانه آخرتدر فصل دوم تا پنجم این بخش ، با رساترین بیان ها و بلیغ ترین موعظه ها ، بر چهار نکته تأکید شده است : نکته اوّل . لزوم توجّه تام به آبادسازی خانه آخرت و توصیه به کسب ارزش های معنوی برای تهیّه امکانات لازم جهت تجهیز آن . نکته دوم . بیان آنچه موجب یادآوری آخرت و نیز سرمایه گذاری برای دستیابی به آخرت و آبادانی آن می گردد . نکته سوم . آثار و برکات آبادسازی خانه آخرت و تأکید بر این که آبادسازی خانه آخرت ، به معنای تخریب خانه دنیا نیست ؛ بلکه یکی از برکات آبادانی آخرت ، آباد شدن دنیاست و اگر کسی با خدا و معنویت ، پیوند بر قرار کند ، خیر دنیا و آخرت را برای خود فراهم کرده است : «مَّن کَانَ یُرِیدُ ثَوَابَ الدُّنْیَا فَعِندَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ . (2) هرکس پاداش دنیا می خواهد، پاداش دنیا و آخرت در پیشگاه خداست» . نکته چهارم . بر حذر داشتن از : عدم اهتمام به آخرت ، فراموش کردن آن ، آنچه موجب فراموشیِ آخرت و ویرانی آن است ، و آثار و مفاسد ویران شدن خانه آخرت . و اینک ، توضیح این اجمال از متن قرآن و حدیث :

.

1- .قآ : آیه 22 .
2- .نساء : آیه 134 .

الفصل الأوّل: معرفه الآخره1 / 1تَسمِيَهُ الآخِرَهِعلل الشرائع عن يزيد بن سلام أنَّه سَألَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ لَهُ :أخبِرنى لِمَ سُمِّيَتِ الآخِرَهُ آخِرَهً؟ قالَ[صلى الله عليه و آله] : لِاءَنَّها مُتَأَخِّرَهٌ تَجىءُ مِن بَعدِ الدُّنيا ، لا توصَفُ سِنينُها ، ولا تُحصى أيّامُها ، ولا يَموتُ سُكّانُها. (1)

الإمام علىّ عليه السلام :سُمِّيَتِ الآخِرَهُ آخِرَهً ؛ لِاءَنَّ فيهَا الجَزاءَ وَالثَّوابَ. (2)

1 / 2أوَّلُ مَنازِلِ الآخِرَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :القَبرُ أوَّلُ مَنازِلِ الآخِرَهِ ؛ فَإِن يَنجُ مِنهُ فَما بَعدَهُ أيسَرُ مِنهُ ، وإن لَم يَنجُ مِنهُ فَما بَعدَهُ أشَدُّ مِنهُ . (3)

.

1- .علل الشرائع : ص 470 ح 33 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 356 ح 2 .
2- .علل الشرائع : ص 2 ح 1 عن علىّ بن محمّد ، بحار الأنوار : ج 57 ص 355 ح 1 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 1 ص 140 ح 454 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 526 ح 1373 كلاهما عن عثمان ، ربيع الأبرار : ج 4 ص 204 ، شرح نهج البلاغه : ج 11 ص 159 وفيها «شرّ» بدل «أشدّ» ؛ جامع الأخبار : ص 485 ح 1351 ، روضه الواعظين : ص 542 ، بحارالأنوار : ج 6 ص 242 ح 64 .

فصل یکم : آخرت شناسی

1 / 1 نام گذاری آخرت

1 / 2 نخستین منزلگاه آخرت

فصل یکم: آخرت شناسی1 / 1نام گذاری آخرتعلل الشرائع به نقل از یزید بن سلام ، در گفتگو با پیامبر خدا :[گفتم : [مرا خبر دهید که چرا آخرت را آخرت نامیده اند؟ فرمود : «چون متأخّر از دنیاست و پس از آن می آید . سال های آن به وصف نمی آید ، و روزهایش شماره نمی شود و ساکنانش نمی میرند» .

امام علی علیه السلام :آخرت را به این دلیلْ آخرت نامیده اند که سزا و پاداش در آن جاست.

1 / 2نخستین منزلگاه آخرتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گور ، نخستین منزلگاه آخرت است . اگر [انسان] از آن به سلامت برَهَد ، منزلگاه های پس از آن ، آسان تر از آن است ، و اگر از آن به سلامت نَرَهد ، منزلگاه های پس از آن ، سخت تر از آن خواهد بود .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أوَّلُ عَدلِ الآخِرَهِ القُبورُ ؛ لا يُعرَفُ فيها شَريفٌ مِن وَضيعٍ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :المَوتُ أوَّلُ عَدلِ الآخِرَهِ . (2)

عنه عليه السلام :المَوتُ بابُ الآخِرَهِ . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام مِن كَلامِهِ عِندَ قَبرٍ حَضَرَهُ :إنَّ شَيئاً هذا آخِرُهُ لَحَقيقٌ أن يُزهَدَ فى أوَّلِهِ، وإنَّ شَيئاً هذا أوَّلُهُ لَحَقيقٌ أن يُخافَ آخِرُهُ . (4)

1 / 3المُقارَنَهُ بَينَ الآخِرهِ وَالدُّنياالكتاب«فَلاَ تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّهِ أَعْيُنٍ جَزَاءَ بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ » . (5)

«انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَلآخِرَهُ أَكْبَرُ دَرَجَتٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلاً » . (6)

«وَ إِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا» . (7)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :وَاللّهِ مَا الدُّنيا فِى الآخِرَهِ إلاّ مِثلُما يَجعَلُ أحَدُكُم إصبَعَهُ هذِهِ (8) فِى اليَمِّ ، فَليَنظُر بِمَ تَرجِعُ ! (9)

.

1- .دعائم الإسلام: ج 1 ص 233 ، الجعفريّات : ص 205 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 81 ص 283 ح 40 وزاد فى ذيله «وغنىّ من فقير» .
2- .غرر الحكم : ح 1435 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 28 ح 381 .
3- .غرر الحكم : ح 319 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 39 ح 860 .
4- .معانى الأخبار : ص 343 ، تحف العقول : ص 408 كلاهما عن حفص بن غياث النخعى ، بحار الأنوار: ج 73 ص 103 ح 91 .
5- .السجده : 17.
6- .الإسراء : 21.
7- .الإنسان: 20 .

8- .أى السبّابه ، فقد جاء فى المصدر بعد كلمه هذه : «وأشار يحيى بالسبّابه» ويحيى هو ابن سعيد ، من رجال سند الروايه .
9- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2193 ح 55 ، سنن الترمذى : ج 4 ص 561 ح 2323 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1376 ح 4108 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 293 ح 18030 كلّها عن المستورد ، كنز العمّال : ج 3 ص 195 ح 6138 ؛ مشكاه الأنوار : ص 467 ح 1558 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 150 ، روضه الواعظين : ص 482 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 119 ح 110 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین مرحله عدالت آخرت ، گورهایند که در آنها میان شریف و دون پایه ، فرقی نهاده نمی شود.

امام علی علیه السلام :مرگ ، نخستین مرحله عدالت [و داوریِ [آخرت است.

امام علی علیه السلام :مرگ ، دروازه آخرت است.

امام کاظم علیه السلام در سخنانی بر سر قبری که بر آن حاضر شده بود :چیزی (دنیا و زندگی) که پایانش این است ، سزاوار است که به ابتدای آن ، دل بسته نشود ، و چیزی (آخرت) که ابتدایش این جاست ، سزاوار است که از پایان آن ، ترسیده شود.

1 / 3مقایسه میان آخرت و دنیاقرآن«هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است ، به [پاداش [آنچه انجام می داده اند ، برای آنان پنهان شده است» .

«بنگر که چگونه بعضی از آنان را بر بعضی دیگر برتری داده ایم، و قطعا درجات آخرت ،بزرگ تر و برتر است» .

«و چون بدان جا بنگری ، [سرزمینی از] نعمت و کشوری پهناور می بینی» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدا سوگند که دنیا در مقایسه با آخرت ، جز مانند این که فردی از شما این انگشتش (1) را در دریا فرو ببرد ، نیست . پس ، بنگرد که انگشتش با چه [مقدار آب] باز می گردد (دنیا در برابر آخرت ، به اندازه این نم است در برابر دریا) .

.

1- .یعنی انگشت نشانه اش را . در مأخذ ، پس از کلمه «این» آمده است : «یحیی با انگشت نشانه اش ، اشاره کرد» . مقصود از یحیی ، «یحیی بن

سعید» ، از رجال سند این روایت است .

المستدرک علی الصحیحین عن المستورد (1) : کُنّا عِندَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَتَذاکَرُوا الدُّنیا وَالآخِرَةَ ، فَقالَ بَعضُهُم : إنَّمَا الدُّنیا بَلاغٌ لِلآخِرَهِ ، فیهَا العَمَلُ وفیهَا الصَّلاهُ وفیهَا الزَّکاهُ . وقالَت طائِفَهٌ مِنهُم : الآخِرَهُ فیها الجَنَّهُ ، وقالوا ما شاءَ اللّهُ . فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : مَا الدُّنیا فِی الآخِرَهِ إلاّ کَما یَمشی أحَدُکُم إلَی الیَمِّ فَأدخَلَ إصبَعَهُ فیهِ ؛ فَما خَرَجَ مِنهُ فَهِیَ الدُّنیا . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ما أخَذَتِ الدُّنیا مِنَ الآخِرَهِ إلاّ کَما أخَذَ مِخیَطٌ غُرِسَ فِی البَحرِ مِن مائِهِ. (3)

عنه صلی الله علیه و آله :مَثَلُکُم أیُّهَا الاُمَّهُ کَمَثَلِ عَسکَرٍ قَد سارَ أوَّلُهُم ونودِیَ بِالرَّحیلِ ؛ فَما أسرَعَ ما یَلحَقُ آخِرُهُم بِأوَّلِهِم ! وَاللّهِ مَا الدُّنیا مِنَ الآخِرَهِ إلاّ کَنَفحَهِ أرنَبٍ (4) ، الجِدَّ الجِدَّ عِبادَ اللّهِ ! وَاستَعینوا بِاللّهِ رَبِّکُم. (5)

الإمام علیّ علیه السلام :کُلُّ شَیءٍ مِنَ الدُّنیا سَماعُهُ أعظَمُ مِن عِیانِهِ ، وکُلُّ شَیءٍ مِنَ الآخِرَهِ عِیانُهُ أعظَمُ مِن سَماعِهِ ، فَلیَکفِکُم مِنَ العِیانِ السَّماعُ ومِنَ الغَیبِ الخَبَرُ. (6)

.

1- .هو المُستورِد بن شدّاد بن عَمرو القَرَشیّ (انظر ترجمته فی تهذیب الکمال : ج 27 ص 439) .
2- .المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 355 ح 7898 ، کنز العمّال : ج 3 ص 195 ح 6136 .
3- .المعجم الکبیر : ج 20 ص 308 ح 733 عن المستورد ، کنز العمّال: ج 3 ص 195 ح 1637.
4- .کذا فی المصدر بالحاء المهمله ، والظاهر أنّها مصحّفه عن «نفجه» بالجیم . قال ابن الأثیر : کنفجه أرنب : أی کوثبته من مَجثَمه ، یرید تقلیل مدّتها (النهایه : ج 5 ص 88 «نفج») .
5- .الفردوس : ج 4 ص 148 ح 6456 عن عمر ، کنز العمّال : ج 15 ص 797 ح 43163 .
6- .نهج البلاغه: الخطبه 114، عدّه الداعی : ص99 عنهم علیهم السلام ولیس فیه ذیله من «فلیکفکم...»، غرر الحکم: ح 6908 و ح 6907 و ح

7360 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 191 ح 168 .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از مُستورِد (1) : در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که حاضران ، سخن از دنیا و آخرت به میان آوردند . بعضی گفتند : دنیا ، در حقیقت ، جای توشه برداشتن برای آخرت است . در آن ، عمل است و نماز است و زکات . گروهی گفتند : در آخرت ، بهشت است . و هر کس سخنی گفت . پیامبر خدا فرمود : «دنیا در برابر آخرت ، جز به مانند این نیست که فردی از شما به کنار دریا برود و انگشتش را در آن فرو برد . آنچه از [نَم] دریا [با انگشتش [بیرون می آید ، همان دنیاست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آنچه دنیا از آخرت گرفته است ، جز به اندازه آبی که سوزنی فرو رفته در دریا به خود می گیرد ، نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حکایت شما ای مردم همانند سپاهی است که ابتدای آن رفته و ندای کوچ [در آن، [سر داده شده است . پس ، چه زود آخر آن سپاه به اوّلش می رسد! به خدا سوگند ، دنیا در برابر آخرت ، جز به مانند یک نَفَس (جهش) (2) خرگوشی نیست . بکوشید ، بکوشید ای بندگان خدا و از خداوند ، پروردگارتان ، کمک بجویید.

امام علی علیه السلام :هر چیز دنیا [از خیر و شرّش] ، شنیدنش بزرگ تر از دیدن آن است ، و هر چیز آخرت [از پاداش ها و کیفرهایش] ، دیدنش بزرگ تر از شنیدن آن است . پس ، برای دیدن [امور آخرت] به شنیدن [اوصاف آنها] بسنده کنید و برای [آگاهی از [غیب ، به خبر[ی که پیامبران و مُخبرانِ صادق درباره آن به شما داده اند] ، اکتفا نمایید.

.

1- .مراد ، مستورد بن شدّاد بن عمرو قرشی است . برای دیدن شرح حال او ، ر . ک : تهذیب الکمال : ج 27ص 439 .
2- .در مأخذ ، «نفحه (با حا)» آمده است ؛ ولی ظاهرا تصحیف شده «نفجه» (با جیم) باشد . ابن اثیر می گوید : «کنفجه أرنب ؛ مانند یک جهش خرگوش . و مراد ، کم بودن مدّت دنیاست» (النهایه : ج 5 ص 88 ، مادّه «نفج») .

عنه علیه السلام :ما المَغرورُ الَّذی ظَفِرَ مِنَ الدُّنیا بِأَعلی هِمَّتِهِ ، کَالآخَرِ الَّذی ظَفِرَ مِنَ الآخِرَهِ بِأَدنی سُهمَتِهِ. (1)

عنه علیه السلام فی تَمجیدِ اللّهِ :سُبحانَکَ ما أعظَمَ ما نَری مِن خَلقِکَ ! وما أصغَرَ کُلَّ عَظیمَهٍ فی جَنبِ قُدرَتِکَ ! وما أهوَلَ ما نَری مِن مَلَکوتِکَ ! وما أحقَرَ ذلِکَ فیما غابَ عَنّا مِن سُلطانِکَ ! وما أسبَغَ (2) نِعَمَکَ فِی الدُّنیا ! وما أصغَرَها فی نِعَمِ الآخِرَهِ ! (3)

1 / 4خَصائِصُ الآخِرَهِأ دارُ القَرارِالکتاب«یَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَیَوهُ الدُّنْیَا مَتَعٌ وَ إِنَّ الآخِرَهَ هِیَ دَارُ الْقَرَارِ » . (4)

الحدیثالإمامِ علیّ علیه السلام :إِیّاکَ أن تُخدَعَ عن دارِ القَرارِ ومَحَلِّ الطَّیِّبِینَ الأَخیارِ والأَولیاءِ الأَبرارِ ، الَّتی نَطَقَ القُرآن بِوَصفِها وأَثنی عَلَی أهلِها ، ودَلَّکَ اللّهُ سُبحانَهُ عَلَیها ودَعاکَ إلَیها. (5)

.

1- .نهج البلاغه : الحکمه 370 ، تنبیه الخواطر : ج 1 ص 79 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 124 ح 112 .
2- .سَبَغَت النعمهُ: اتّسعَت. وأسبَغَ اللّهُ علیه النعمهَ: أَی أتَمّها (الصحاح: ج 4 ص 1321 «سبغ») .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 109 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 318 ح 43 ؛ المعیار والموازنه : ص 257 نحوه .
4- .غافر : 39.
5- .غرر الحکم : ح 2734 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 100 ح 2300.

1 / 4 ویژگی های آخرت

الف سرای ماندن

امام علی علیه السلام :فریب [دنیا] خورده ای که از دنیا به بالاترین خواست خویش رسیده ، همانند کسی نیست که از آخرت به کمترین بهره خویش دست یافته است .

امام علی علیه السلام در تمجید خداوند :منزّهی تو ، ای خداوند! وه که چه باعظمت است آنچه از آفرینش تو می بینیم! و چه خُرد و ناچیز است هر عظمتی در برابر قدرت تو! و چه هول انگیز است آنچه از ملکوت تو می بینیم! و چه حقیرند اینها در برابر آنچه از پادشاهی تو از ما پنهان است! و چه فراوان و فراگیر است نعمت های تو در دنیا! و چه خُرد و اندک اند اینها در برابر نعمت های آخرت!

1 / 4ویژگی های آخرتالف سرای ماندنقرآن«ای قوم من! این زندگی دنیا ، تنها ، کالایی [ناچیز] است ، و در حقیقت ، آخرت است که سرای ماندن است» .

حدیثامام علی علیه السلام :زنهار که سرای ماندن و آن جایگاهِ پاکانِ نیک سرشت و اولیای نیکوکار را به فریب [شیطان] از کف بدهی ؛ سرایی که قرآنْ آن را وصف کرده و اهلش را ستوده ، و خداوند سبحان ، تو را به آن رهنمون شده و تو را به سوی آن فرا خوانده است!

.

عنه علیه السلام :إنَّمَا الدُّنیا دارُ مَجازٍ وَالآخِرَهُ دارُ قَرارٍ ، فَخُذوا مِن مَمَرِّکُم لِمَقَرِّکُم. (1)

عنه علیه السلام :إنَّمَا الدُّنیا دارُ مَمَرٍّ وَالآخِرَهُ دارُ مُستَقَرٍّ ، فَخُذوا مِن مَمَرِّکُم لِمُستَقَرِّکُم ، ولا تَهتِکُوا أستارَکُم عِندَ مَن یَعلَمُ أسرارَکُم. (2)

عنه علیه السلام فی صِفَهِ أهلِ الجَنَّهِ :قَومٌ لَم تَزَلِ الکَرامَهُ تَتَمادی بِهِم حَتّی حَلّوا دارَ القَرارِ ، وأمِنوا نُقلَهَ الأسفارِ. (3)

عنه علیه السلام :الآخِرَهُ دارُ مُستَقَرِّکُم ، فَجَهِّزوا إلَیها ما یَبقی لَکُم. (4)

الإمام زین العابدین علیه السلام مِن دُعائِهِ یَومَ الثُّلاثاءِ :اللّهُمَّ أصلِح لی دینی ؛ فَإنَّهُ عِصمَهُ أمری ، وأصلِح لی آخِرَتی ؛ فَإنَّها دارُ مَقَرّی وإلَیها مِن مُجاوَرَهِ اللِّئامِ مَفَرّی. (5)

عنه علیه السلام :مَعاشِرَ أصحابی ، الدُّنیا دارُ مَمَرٍّ وَالآخِرَهُ دارُ مَقَرٍّ ، فَخُذوا مِن مَمَرِّکُم لِمَقَرِّکُم. (6)

الإمام الباقر علیه السلام :الآخِرَهُ دارُ قَرارٍ وَالدُّنیا دارُ فَناءٍ وزَوالٍ ، ولکِنَّ أهلَ الدُّنیا أهلُ غَفلَهٍ. (7)

راجع : ج1 ص38 (خصائص الدنیا / دار ممرّ) .

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 203 ، تنبیه الخواطر : ج 2 ص 218 نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 134 ح 138 ؛ تذکره الخواصّ : ص 132 نحوه .
2- .غرر الحکم : ح 3898 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 177 ح 3639 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 165 ، تنبیه الخواطر : ج 1 ص 68 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 163 ح 104 .
4- .غرر الحکم : ح 2050 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 62 ح 1616 وفیه «قراارکم» بدل «مستقرّکم» .
5- .البلد الأمین : ص 123 ، المصباح للکفعمی : ص 164 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 187 ح 25 .

6- .الأمالى للصدوق : ص 289 ح 321 عن طاووس اليمانى ، بحار الأنوار : ج 78 ص 147 ح 7 .
7- .الكافى : ج 2 ص 133 ح 16 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 193 كلاهما عن جابر ، تحف العقول : ص 377 عن سفيان الثورى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 36 ح 17.

امام علی علیه السلام :دنیا ، [در حقیقت،] سرای گذر است و آخرت ، سرای ماندن . پس ، از گذرگاه خود ، برای قرارگاهتان توشه بردارید.

امام علی علیه السلام :دنیا [در حقیقت] ، سرای گذر است و آخرت ، سرای ماندن . پس ، از گذرگاه خود ، برای قرارگاهتان توشه برگیرید و پرده هایتان را در نزد کسی که رازهای شما را می داند ، ندرید.

امام علی علیه السلام در توصیف بهشتیان :آنان گروهی هستند که همواره از کرامت [الهی] بهره مندند ، تا آن گاه که در سرای ماندن فرود آیند و از جابه جایی سفرها آسوده گردند.

امام علی علیه السلام :آخرت ، سرای ماندن شماست . پس ، آنچه را برای شما می ماند ، برای آن سرا آماده سازید.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز سه شنبه :بارخدایا! دینم را برایم درست گردان ؛ چرا که آن ، نگهبان امور من است ، و آخرتم را برایم درست گردان ؛ چرا که آن ، سرای ماندن من و گریزگاه من از همسایگی با فرومایگان است .

امام زین العابدین علیه السلام :ای گروه یاران من! دنیا سرای گذر است و آخرت ، سرای ماندن . پس ، از گذرگاه خویش برای اقامتگاهتان توشه برگیرید.

امام باقر علیه السلام :آخرت ، سرای ماندن است و دنیا سرای رفتن و نیست شدن ؛ امّا اهل دنیا اهل غفلت اند .

ر . ک : ج1 ص39 (ویژگی های دنیا / گذرگاه) .

.

ب دارُ البَقاءِالكتاب«بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا * وَ الآخِرَهُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا أهلَ الخُلودِ ، يا أهلَ البَقاءِ، إنَّكُم لَم تُخلَقوا لِلفَناءِ (2) ، وإنَّما تُنقَلونَ مِن دارٍ إلى دارٍ ، كَما نُقِلتُم مِنَ الأَصلابِ إلَى الأَرحامِ ، ومِنَ الأَرحامِ إلَى الدُّنيا ، ومِنَ الدُّنيا إلَى القُبورِ ، ومِنَ المَوقِفِ إلَى الخُلودِ فِى الجَنَّهِ أوِ النّارِ. (3)

الإمام علىّ عليه السلام :أيُّهَا النّاسُ ! ألا إنَّ الدُّنيا دارُ فَناءٍ وَالآخِرَهَ دارُ بَقاءٍ ، فَخُذوا مِن مَمَرِّكُم لِمَقَرِّكُم. (4)

عنه عليه السلام :عَجِبتُ لِعامِرِ دارِ الفَناءِ، وتارِكِ دارِ البَقاءِ ! (5)

عنه عليه السلام :دارُ البَقاءِ مَحَلُّ الصِّدّيقينَ ، ومَوطِنُ الأَبرارِ وَالصّالِحينَ. (6)

عنه عليه السلام فيما كَتَبَهُ إلَى ابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام :اِعلَم يا بُنَيَّ، أنَّكَ إنّما خُلِقتَ لِلآخِرَهِ لا لِلدُّنيا ، ولِلفَناءِ لا لِلبَقاءِ ، و لِلمَوتِ لا لِلحَياهِ ، وإنَّكَ فى قُلعَهٍ (7) ودارِ بُلغَهٍ (8) وطَريقٍ إلَى الآخِرَهِ. (9)

.

1- .الأعلى : 16 و 17 .
2- .فى المصدر : «للقاء» ، والتصويب من المصادر الأُخرى .
3- .الفردوس : ج 5 ص 297 ح 8237 عن أبى هريره ، تاريخ دمشق : ج 10 ص 490 ، تهذيب الكمال : ج 4 ص 294 ح 782 ، سير أعلام النبلاء : ج 5 ص 91 كلّها عن بلال بن سعد من دون إسنادٍ إلى المعصوم .
4- .عيون أخبار الرضا : ج 1 ص 298 ح 56 ، الأمالى للصدوق : ص 172 ح 174 كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسينى عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، مشكاه الأنوار : ص 468 ح 1567 ، روضه الواعظين : ص 485 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 88 ح 56.
5- .نهج البلاغه : الحكمه 126 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 101 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 62 وفيه «لعامل» بدل «لعامر» ، غرر الحكم: ح 6251 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 199 ح 28 .

6- .غرر الحكم : ح 5126 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 251 ح 4702 .
7- .أى دار تحوّل وارتحال (النهايه: ج 4 ص 102 «قلع») .
8- .البُلغه بالضمّ : الكفايه ؛ وهو ما يكتفى به فى العيش ؛ أى دار عَمَلٍ يُتَبلّغ فيها من صالح الأعمال ويُتَزَوّد (مجمع البحرين : ج 1 ص 187 «بلغ») .
9- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 76 ، كشف المحجّه : ص 228 عن عمر بن أبى المقدام عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 117 نحوه وليس فيه «وللموت لا للحياه» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 205 ح 1 ؛ كنز العمّال : ج 16 ص 173 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ نحوه وليس فيه «وللموت لا للحياه» .

ب سرای ماندگاری

ب سرای ماندگاریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای اهل جاودانگی ، ای اهل ماندگاری! شما برای نابودی آفریده نشده اید ؛ بلکه از سرایی به سرایی انتقال داده می شوید ، همچنان که از پُشت ها به زهدان ها ، و از زهدان ها به دنیا منتقل شدید و از دنیا به گورها ، و از موقف (قیامت) به جاودانگی در بهشت یا دوزخ [انتقال می یابید] .

امام علی علیه السلام :ای مردم! بدانید که دنیا سرای نیستی است و آخرت ، سرای ماندگاری است . پس ، از گذرگاه خود ، برای اقامتگاهتان توشه برگیرید.

امام علی علیه السلام :در شگفتم از کسی که سرای نیستی را آباد می کند و سرای ماندگاری را فرو می گذارد!

امام علی علیه السلام :سرای ماندگاری ، جایگاه صدّیقان و اقامتگاه نیکان و درستکاران است.

امام علی علیه السلام در نامه ای به پسرش حسن علیه السلام :بدان ای پسرم که تو در حقیقت ، برای آخرت آفریده شده ای نه برای دنیا ، و برای رفتن نه برای ماندن [در این سرای خاکی] ، و برای مُردن نه برای زیستن . تو در یک کوچگاه هستی ، در سرایی که باید از آن [برای سفر آخرت] ، توشه برداری و در راهی منتهی به آخرت.

.

عنه علیه السلام :إنَّكُم إنَّما خُلِقتُم لِلآخِرَهِ لا لِلدُّنیا ، ولِلبَقاءِ لا لِلفَناءِ. (1)

عنه علیه السلام :غایَهُ الآخِرَهِ البَقاءُ. (2)

عنه علیه السلام :لِكُلِّ شَیءٍ مِنَ الآخِرَهِ خُلودٌ وبَقاءٌ. (3)

عنه علیه السلام :الدُّنیا أمَدٌ ، الآخِرَهُ أبَدٌ. (4)

عنه علیه السلام :یَنبَغی لِمَن أیقَنَ بِبَقاءِ الآخِرَهِ ودَوامِها أن یَعمَلَ لَها. (5)

عنه علیه السلام فی ذِكرِ حَدیثِ مِعراجِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله :قالَ اللّهُ : ... یا أحمَدُ ... إنَّ أهلَ الآخِرَهِ قُلوبُهُم فی أجوافِهِم قَد قُرِحَت ، یَقولونَ : مَتی نَستریحُ مِن دارِ الفَناءِ إلی دارِ البَقاءِ؟ (6)

الإمام زین العابدین علیه السلام مِن دُعائِهِ فی صَلاهِ اللَّیلِ :اللّهُمَّ وإذ سَتَرتَنی بِعَفوِكَ ، وتَغَمَّدتَنی بِفَضلِكَ فی دارِ الفَناءِ بِحَضرَهِ الأكفاءِ ، فَأجِرنی من فَضیحاتِ دارِ البَقاءِ عِندَ مَواقِفِ الأشهادِ ؛ مِنَ المَلائِكَهِ المُقَرَّبینَ ، وَالرُّسُلِ المُكَرَّمینَ ، وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحینَ. (7)

.

1- .غرر الحكم : ح 3843 ، عیون الحكم والمواعظ : ص 174 ح 3629 .
2- .غرر الحكم : ح 6353 ، عیون الحكم والمواعظ : ص 348 ح 5908 .
3- .غرر الحكم : ح 7298 ، عیون الحكم والمواعظ : ص 402 ح 6783 .
4- .غرر الحكم : ح 4 ، عیون الحكم والمواعظ : ص 36 ح 712 .
5- .غرر الحكم : ح 10934 ، عیون الحكم والمواعظ : ص 555 ح 10229 .
6- .بحار الأنوار : ج 77 ص 21 25 ح 6 نقلاً عن إرشاد القلوب .
7- .الصحیفه السجّادیّه : ص 131 الدعاء 32 ، مصباح المتهجّد : ص 190 ح 272 ، المصباح للكفعمی : ص 83 ، الإقبال : ج 2 ص 154 عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 265.

امام علی علیه السلام :همانا شما برای آخرت آفریده شده اید ، نه برای دنیا ، و برای ماندگاری آفریده شده اید ، نه برای نابودی.

امام علی علیه السلام :پایان آخرت ، ماندگاری است.

امام علی علیه السلام :هر چیزِ آخرت ، جاویدان و ماناست.

امام علی علیه السلام :دنیا موقّتی است و آخرت ، ابدی.

امام علی علیه السلام :کسی که به ماندگاری و پایداری آخرت یقین دارد ، سزاوار است که برای آن کار کند.

امام علی علیه السلام در حدیث معراج :خداوند فرمود : « ... ای احمد! ... همانا اهل آخرت ، دل هایشان در درونشان مجروح گشته است و می گویند : کِی از سرای نیستی آسوده می شویم و به سرای ماندگاری می رویم؟» .

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش در نماز شب :بارخدایا! همچنان که در این سرایِ رفتنی و در حضور همگنان ، با گذشت خودت [گناهان [مرا پوشاندی و مرا غرق در فضل و لطفت نمودی ، از رسوایی های سرای ماندگاری ، در هنگام ایستادن در محضر فرشتگان مقرّب و فرستادگان گرامی و شهدا و نیکان نیز پناهم ده.

.

الكافى عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللّهُ بِهِ عيسى عليه السلام : ... يَابنَ مَريَمَ ، لَو رَأَت عَينُکَ ما أعدَدتُ لِاَولِيائِیَ الصّالِحينَ ذابَ قَلبُکَ وزَهَقَت نَفسُکَ شَوقا إلَيهِ ، فَلَيسَ کَدارِ الآخِرَهِ دارٌ تَجاوَرَ فيهَا الطَّيِّبونَ ، ويَدخُلُ عَلَيهِم فيهَا المَلائِکَهُ المُقَرَّبونَ ، وهُم مِمّا يَأتى يَومَ القِيامَهِ مِن أهوالِها آمِنونَ ، دارٌ لايَتَغَيَّرُ فيهَا النَّعيمُ ولا يَزولُ عَن أهلِها. (1)

راجع : ج1 ص240 (حقيقه الدنيا الذميمه / الاغترار بالدنيا) .

ج دارُ الحَيَوانالكتاب«وَ مَا هَذِهِ الْحَيَوهُ الدُّنْيَا إِلاَّ لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الآخِرَهَ لَهِىَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ » . (2)

الحديثالإمام علىّ عليه السلام مِن دُعائِهِ يَومَ صِفّينَ :اللّهُمَّ وأسأَلُکَ . . . نَشاطا لِذِکرکَ مَا استَعمَرتَنى فى أرضِکَ ، فَإِذا کانَ ما لابُدَّ مِنهُ المَوتُ فَاجعَل ميتَتى قَتلاً فى سَبيلِکَ بِيَدِ شَرِّ خَلقِکَ ، وَاجعَل مَصيرى فِى الأحياءِ المَرزوقينَ عِندَکَ فى دارِ الحَيَوانِ. (3)

.

1- .الكافى : ج 8 ص 131 135 ح 103 ، تحف العقول : ص 497 ، أعلام الدين : ص 230 كلاهما من دون اسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 14 ص 293 ح 14 .
2- .العنكبوت : 64 . و الحَيَوان : الباقيه ، أى ليس فيها إلاّ حياهٌ مستمرّه دائمه خالده لا موت فيها ، فكأنّها فى ذاتها حياه (مجمع البحرين : ج 1 ص 483 «حيى») .
3- .مُهج الدعوات : ص 131 عن سعد بن عبد اللّه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 239 ح 9 .

ج سرای زندگیِ حقیقی

الکافی به نقل از علی بن اسباط ، از ائمّه علیهم السلام : از جمله اندرزهای خداوند به عیسی علیه السلام این بود که : « ... ای پسر مریم! اگر دیده ات آنچه را که برای دوستان درستکارم آماده ساخته ام ، می دید ، دلت از شوق آنها آب می شد و جانت بر می آمد . سرایی چون سرای آخرت نیست . در آن سرای ، پاکان ، همسایه یکدیگرند و فرشتگان مقرّب بر آنان وارد می شوند . آنان از هول و هراس های روز قیامت ، در امان اند . آخرت ، سرایی است که در آن ، نعمت ها دگرگون نمی شوند و از کف صاحبان آنها نمی روند» .

ر . ک : ج1 ص241 (حقیقت دنیای نکوهیده / فریفته شدن به دنیا) .

ج سرای زندگیِ حقیقیقرآن«این زندگی دنیا ، جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی [حقیقی] ، همانا [در [سرای آخرت است ، اگر می دانستند» .

حدیثامام علی علیه السلام از دعای ایشان در روز صفّین :بارخدایا! از تو درخواست می کنم ... تا وقتی مرا در زمینت سکونت [و عمر] می دهی ، همواره به یاد خودت کوشا[یم] بداری . و هر گاه مرگ که از آن گریزی نیست مرا فرا می رسد ، مردنم را کشته شدن در راه خودت به دست بدترینْ آفریده ات قرار بده ، و در آن سرای زندگی[حقیقی] ، مرا در میان زندگانی که نزد تو روزی می خورند ، جای ده.

.

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ عَلىٌّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام يَدعو بِهذَا الدُّعاءِ ... : أعوذُ بِکَ يا إلهى مِن شَرِّ الدُّنيا وشَرِّ ما فيها ، لا تَجعَلِ الدُّنيا عَلَىَّ سِجنا ولا فِراقَها عَلَىَّ حُزنا ، أخرِجنى مِن فِتنَتِها مَرضِيّا عَنّى ، مَقبولاً فيها عَمَلى إلى دارِ الحَيَوانِ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن شَرِّ الدُّنيا وشَرِّ أهلِها وشَرِّ ما فيها ، ولا تَجعَلِ الدُّنيا عَلَىَّ سِجنا ، ولا تَجعَل فِراقَها لى حُزنا ، أجِرنى مِن فِتنَتِها ، وَاجعَل عَمَلى فيها مَقبولاً وسَعيى فيها مَشكورا ، حَتّى أصِلَ بِذلِکَ إلى دارِ الحَيَوانِ ومَساكِنِ الأخيارِ. (2)

راجع : ج1 ص172 ح 231 .

د دارُ الحَقِّالكتاب«ذَ لِکَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ مَئَابًا » . (3)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى خُطبَةٍ لَهُ :أيُّهَا النّاسُ ! إنَّمَا الدُّنيا عَرَضٌ (4) حاضِرٌ يَأكُلُ مِنهَا البَرُّ وَالفاجِرُ ، وَ الآخِرَهُ وَعدٌ صادِقٌ يَحكُمُ فيها مَلِکٌ عادِلٌ ، يُحِقُّ فيهَا الحَقَّ ويُبطِلُ الباطِلَ. (5)

.

1- .الكافى : ج 2 ص 554 ح 13 عن أبى بصير ، جمال الأُسبوع : ص 234 ، مصباح المتهجّد : ص 351 ح 466 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 90 ص 4 ح 1 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 134 عن هارون بن موسى التلعكبرى ، جمال الأُسبوع : ص 241 عن أبى يحيى الصنعانى عن الإمام الباقر عن الإمام زين العابدين عليهماالسلام نحوه ، مصباح المتهجّد : ص 394 ، البلد الأمين : ص 76 وفيهما ذيله من «لا تجعل الدنيا ... » نحوه ، بحار الأنوار : ج 97 ص 338 ح 1 .
3- .النبأ : 39.
4- .العَرَض بالتحريک : متاع الدنيا و حُطامها (النهايه : ج 3 ص 214 «عرض») .
5- .السنن الكبرى : ج 3 ص 306 ح 5807 ، المعجم الكبير : ج 7 ص 288 ح 7158 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 264 ح 41 وفيهما «قادر» بدل «عادل»

وكلّها عن شدّاد بن أوس ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 497 عن أوفى بن دلهم عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 233 ح 6310 .

د سرای حق

امام صادق علیه السلام :علی بن الحسین (امام زین العابدین) علیه السلام این دعا را می خواند ... : «معبود من! از شرّ دنیا و از شرّ هر آنچه در دنیاست ، به تو پناه می برم . دنیا را بر من ، زندان مگردان و جدایی از آن را مایه اندوهم قرار مده . مرا از فتنه سرای دنیا چنان به سرای زندگی [حقیقی] ببَر که از من خشنود باشی و اعمالم در آن ، پذیرفته شده باشد» .

امام صادق علیه السلام :بارخدایا! از شرّ دنیا و شرّ اهل دنیا و شرّ آنچه در دنیاست ، به تو پناه می برم . بارخدایا! دنیا را بر من ، زندان مگردان و جدایی از آن را مایه اندوهم مساز . از فتنه دنیا پناهم بده و اعمالم در آن را پذیرفته درگاهت و تلاش هایم را مورد قدردانی خود قرار بده تا بدین وسیله به سرای زندگی [حقیقی [و سکونتگاه نیکان ، نایل آیم.

د سرای حققرآن«آن [روز] ، روزِ حق است . پس ، هر که می خواهد ، راه بازگشتی به سوی پروردگار خودبجوید» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه هایش :ای مردم! دنیا متاعی نقد است که نیک و بد ، از آن می خورند ، و آخرت ، وعده ای راست است که در آن ، پادشاهی دادگر ، حکومت (/ قضاوت) می کند و در آن ، احقاق حق می نماید و بر باطل ، مهر ابطال می زند.

.

الإمام علىّ علیه السلام :الدُّنیا عَرَضٌ حاضِرٌ یَأکُلُ مِنهُ البَرُّ وَالفاجِرُ ، وَالآخِرَهُ دارُ حَقٍّ یَحکُمُ فیها مَلِکٌ قادِرٌ. (1)

ه دارُ الیَقَظَهِالإمام زین العابدین علیه السلام :الدُّنیا سِنَهٌ (2) وَالآخِرَهُ یَقَظَهٌ ، ونَحنُ بَینَهُما أضغاثُ أحلامٍ (3) . (4)

و دارُ الیَقینِدعائم الإسلام :رُوِیَ عن بَعضِ الأئِمَّهِ علیهم السلام : النّاسُ فی دارِ غَفلَهٍ یَعمَلونَ ولا یَعلَمونَ ، ویَکسِبونَ ویَقتَرِفونَ مِن حَیثُ لا یَدرونَ ، فَإِذا صاروا إلی دارِ الآخِرَهِ صاروا إلی دارِ یَقینٍ یَعلَمونَ ولا یَعمَلونَ. (5)

ز دارُ الجَزاءِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :ألا وإنَّ اللّهَ خَلَقَ الدُّنیا دارَ بَلوی ، وَالآخِرَهَ دارَ عُقبی، فَجَعَلَ بَلوَی الدُّنیا لِثَوابِ الآخِرَهِ سَبَبا ، وثَوابَ الآخِرَهِ مِن بَلوَی الدُّنیا عِوَضا ، فَیَأخُذُ لِیُعطِیَ ، ویَبتَلی لِیَجزِیَ ، وإنَّها لَسَریعَهُ الذَّهابِ ، ووَشیکَهُ الاِنقِلابِ ، فَاحذَروا حَلاوَهَ رِضاعِها لِمَرارَهِ فِطامِها . (6)

عنه صلی الله علیه و آله :ما جَعَلَ اللّهُ فِی الآخِرَهِ غَیرَ دارَینِ : دارَ الثَّوابِ ودارَ العِقابِ ؛ الجَنَّهَ وَالنّارَ ، وهُما دَرَجاتٌ. (7)

.

1- .غرر الحکم : ح 1934 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 58 ح 1480 .
2- .السِّنَهُ: شِدّه النوم ، أو أوّلُه (القاموس المحیط: ج 4 ص 275 «وَسَن») .
3- .أضغاثُ الأحلام : الرؤیا التی لا یصحّ تأویلها لاختلاطها (الصحاح: ج 1 ص 285 «ضغث») .
4- .تنبیه الخواطر: ج 2 ص 24 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 326 ح 737 عن الإمام علىّ علیه السلام وفیه «حلم» بدل «سنه» .
5- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 168 .
6- .أعلام الدین : ص 344 عن ابن عمر ، تحف العقول : ص 483 عن الإمام الهادی علیه السلام وفیه صدره إلی «الدنیا عوضا» ، بحار الأنوار: ج 77 ص 186 ؛ الفردوس: ج 5 ص 281 ح 8186 عن ابن عمر ولیس فیه «وإنّها لسریعه الذهاب ، ووشیکه الانقلاب» ، کنزالعمّال: ج 3 ص 211 ح 6203 .

7- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 25 .

ص: 275

ه سرای بیداری

و سرای یقین

ز سرای سزا

امام علی علیه السلام :دنیا متاعی نقد است که نیک و بد ، از آن استفاده می کنند ، و آخرت ، سرای حق است که پادشاهی مقتدر در آن حکم می راند.

ه سرای بیداریامام زین العابدین علیه السلام :دنیا خواب است و آخرت ، بیداری ، و ما [در فاصله [میان این دو ، خواب هایی آشفته می بینیم.

و سرای یقیندعائم الإسلام :از یکی از ائمّه علیهم السلام روایت شده است که : «مردم در سرای غفلت به سر می برند ؛ سرایی که در آن عمل می کنند ، ولی [به حقایق آن و فرجام اعمال آن [علم ندارند و ندانسته عمل می کنند و مرتکب [هر کاری] می شوند . و چون به سرای آخرت روند ، به سرای یقین رفته اند؛ سرایی که در آن ، علم دارند ، ولی [دیگر] عمل نمی توانند بکنند» .

ز سرای سزاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدانید که خداوند دنیا را سرای گرفتاری و آخرت را سرای مُجازات قرار داد . گرفتاریِ دنیا را سبب پاداش آخرت کرد و پاداش آخرت ، عوض گرفتاری دنیاست . می گیرد تا بدهد و گرفتار می کند تا جزا دهد . دنیا ، زوال شتابانی دارد و به سرعت ، دگرگونی می پذیرد . از شیرینی شیر آن ، به خاطر تلخی جدایی اش بر حذر باشید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند در آخرت ، جز دو سرا قرار نداده است : سرای پاداش و سرای کیفر [، یعنی] بهشت و دوزخ . و این دو ، درجات دارند .

.

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى وعَزَّ وَجلَّ قَسَمَ الدُّنيا لِلبَلاءِ ، وقَسَمَ الآخِرَةَ لِلجَزاءِ. (1)

عنه عليه السلام :فِى الآخِرَهِ حِسابٌ ولا عَمَلٌ. (2)

عنه عليه السلام مِن كِتابِهِ إلى مُحَمَّدِ بنِ أبى بَكرٍ لَمّا وَلاّهُ مِصرَ :الدُّنيا دارُ بَلاءٍ ، وَالآخِرَهُ دارُ الجَزاءِ ودارُ البَقاءِ ؛ فَاعمَل لِما يَبقى ، وَاعدِل عَمّا يَفنى ، ولاتَنسَ نَصيبَکَ مِنَ الدُّنيا. (3)

عنه عليه السلام :الدُّنيا مَنِيَّهُ الأَشقِياءِ ، الآخِرَهُ فَوزُ السُّعَداءِ. (4)

الإمام العسكرى عليه السلام فى التَّفسيرِ المَنسوبِ إلَيهِ ، فى قَولِهِ تَعالى : «وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (5) : يُظهِرونَ التَّوبَهَ والإِنابَهَ ؛ فَإِنَّ مِن حُكمِهِ فِى الدُّنيا أن يَأمُرَکَ بِقَبولِ الظّاهِرِ وتَركِ التَّفتيشِ عَنِ الباطِنِ ؛ لِاَنَّ الدُّنيا دارُ إمهالٍ وإنظارٍ ، وَالآخِرَهَ دارُ الجَزاءِ بِلا تَعَبُّدٍ . (6)

ح دارٌ مَحفوفَهٌ بِالمَكارِهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ألا إنَّ الآخِرَهَ اليَومَ مُحَفَّفَهٌ بِالمَكارِهِ ، وإنَّ الدُّنيا مُحَفَّفَهٌ بالشَّهواتِ. (7)

.

1- .الجعفريّات : ص 240 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .
2- .غرر الحكم : ح 6495 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 354 ح 5977 .
3- .الأمالى للمفيد : ص 268 ح 3 ، الأمالى للطوسى : ص 30 ح 31 بزياده «ودار فناء» بعد «دار بلاء» وكلاهما عن أبى إسحاق الهمدانى ، بحار الأنوار: ج 77 ص 390 ح 11 .
4- .غرر الحكم : ح 694 و 695 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 24 ح 233 و 232 وفيه «فتنه» بدل «منيه».
5- .الأنفال : 33.
6- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 633 ، بحار الأنوار : ج 42 ص 42 ح 14 .
7- .المعجم الكبير: ج 19 ص 200 ح 449 ، اُسد الغابه: ج 4 ص 470 الرقم 4498 وفيه «النار» بدل «الدنيا» وكلاهما عن كليب بن حزن ، كنز

العمّال : ج 15 ص 931 ح 43597 نقلاً عن الأمالى لابن صصرى عن عبداللّه بن جراد نحوه .

ح سرای محصور در ناملایمات

امام علی علیه السلام :خداوند متعال دنیا را برای آزمایش ، معیّن کرد و آخرت را برای سزا دادن .

امام علی علیه السلام :در آخرت ، حسابرسی است و عمل در کار نیست.

امام علی علیه السلام در نامه اش به محمّد بن ابی بکر ، آن گاه که او را به حکومت مصر گماشت :دنیا سرای آزمایش [و عمل] است و آخرت ، سرای سزا دیدن و خانه ماندگاری است . پس برای آنچه ماندگار است ، کار کن و از آنچه نابود می شود ، روی بگردان و [در عین حال ،] بهره ات از دنیا را فراموش مکن.

امام علی علیه السلام :دنیا آرزوی تیره بختان است ؛ آخرت ، کامیابی نیک بختان است .

امام عسکری علیه السلام در تفسیر منسوب به ایشان درباره آیه شریف : «و تا آنان طلب آمرزش می کنند ، خدا عذاب کننده آنان نخواهد بود» : یعنی اظهار توبه و انابه می کنند ؛ زیرا از احکام خداوند در دنیا ، این است که تو را به پذیرفتن ظاهر و جستجو نکردن از باطن ، امر می فرماید ؛ چون دنیا سرای مهلت و فرصت است ، و آخرت ، سرای سزاست و نه عبادت و عمل.

ح سرای محصور در ناملایماتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدانید که آخرت ، امروز ، با ناملایمات در میان گرفته شده است و دنیا با شهوات ، احاطه گشته است.

.

راجع : ج1 ص54 (خصائص الدنيا / محفوفه بالشهوات) .

ط دارٌ أحوالُها تَتبَعُ الاِستِحقاقَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّهُ سُبحانَهُ وتَعالى يُعطِى الدُّنيا لِمَن يُحِبُّ ويُبغِضُ ، ولا يُعطِى الآخِرَةَ إلاّ أهلَ صِفوَتِهِ ومَحَبَّتِهِ. (1)

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ اللّهَ يُعطِى الدُّنيا مَن يُحِبُّ ويُبغِضُ ، ولا يُعطِى الآخِرَةَ إلاّ مَن أحَبَّ. (2)

الإمام علىّ عليه السلام :الدُّنيا بِالاِتِّفاقِ ، الآخِرَةُ بِالاِستِحقاقِ. (3)

عنه عليه السلام :أحوالُ الدُّنيا تَتبَعُ الاِتِّفاقَ ، وأحوالُ الآخِرَةِ تَتبَعُ الاِستِحقاقَ. (4)

راجع : ج1 ص312 (معرفه الدنيا الذميمه / إقبال الدنيا وإدبارها) .

ى دارٌ محيطهٌ بالدُّنياالإمام علىّ عليه السلام لِلجاثَليقِ (5) وقَد سَأَلَهُ عَنِ الجَنَّهِ أ فِى الدُّنيا هِىَ أم فِى الآخِرَهِ؟ وأينَ الآخِرَهُ مِنَ الدُّنيا ؟ : الدُّنيا فِى الآخِرَهِ وَالآخِرَهُ مُحيطَهٌ بِالدُّنيا ، إذ كانَتِ النُّقلَهُ مِنَ الحَياهِ إلَى المَوتِ ظاهِرَهً ، وكانَتِ الآخِرَهُ هِىَ دارُ الحَيَوانِ لَو كانوا يَعلَمونَ ؛ وذلِكَ أنَّ الدُّنيا نُقلَهٌ وَالآخِرَهَ حَياهٌ ومُقامٌ ، مَثَلُ ذلِكَ كَالنّائِمِ ؛ وذلِكَ أنَّ الجِسمَ يَنامُ ، وَالرّوحَ لا تَنامُ ، والبَدَنَ يَموتُ وَالرّوحَ لا تَموتُ (6) ، قالَ اللّهُ : «وَ إِنَّ الدَّارَ الآخِرَهَ لَهِىَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ» (7) . وَالدُّنيا رَسمُ الآخِرَهِ وَالآخِرَهُ رَسمُ الدُّنيا (8) ، ولَيسَ الدُّنيا الآخِرَهَ ولاَ الآخِرَهُ الدُّنيا . إذا فارَقَ الرُّوحُ الجِسمَ يَرجِعُ كُلُّ واحِدٍ مِنهُما إلى ما مِنهُ بَدَأَ وما مِنهُ خُلِقَ ، وكَذلِكَ الجَنَّهُ وَالنّارُ فِى الدُّنيا مَوجودَهٌ وفِى الآخِرَهِ ؛ لِاَنَّ العَبدَ إذا ماتَ صارَ فى دارٍ مِنَ الأرضِ ؛ إمّا رَوضَهٍ مِن رِياضِ الجَنَّهِ ، وإمّا بُقعَهٍ مِن بِقاعِ النّارِ ، وروحُهُ إلى أحَدِ دارَينِ ؛ إمّا فى دارِ نَعيمٍ مُقيمٍ لا يَموتُ فيها ، وإمّا فى دارِ عَذابٍ أليمٍ لايَموتُ فيها ، وَالرَّسمُ لِمَن عَقَلَ مَوجودٌ واضِحٌ ، وقَد قالَ اللّهُ : «كَلاَّ لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينَ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ * ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (9) وعَنِ الكافِرينَ ، فَقالَ : إنَّهُم كانوا فى شُغُلٍ عَن ذِكرى ، وكانوا لا يَستَطيعونَ سَمعا (10) ، ولَو عَلِمَ الإنسانُ ما هُوَ فيهِ ماتَ خَوفا مِنَ المَوتِ ، ومَن نَجا فَبِفَضلِ اليَقينِ. (11)

.

1- .أعلام الدين : ص 277 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 195 ح 52 .
2- .فضائل الشيعه : ص 71 ح 32 ، التمحيص : ص 51 ح 92 كلاهما عن محمّد بن مسلم ، المؤمن : ص 27 ح 47 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 368 ح 2 .
3- .غرر الحكم : ح 228 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 27 ح 363 و 364.
4- .غرر الحكم : ح 2036.
5- .الجَاثَلِيق: رئيس النصارى فى بلاد الإسلام (مجمع البحرين: ج 1 ص 270 «جثلق») .
6- .فى المصدر : «يموت» ، والتصويب من بحار الأنوار .
7- .العنكبوت : 64 .
8- .الرسم : تمثيل الشىء يطلق على ما يقابل الحقيقه كقول الشاعر : «أرى ودّكم رسما وودّى حقيقه» والظاهر أنّ المراد أنّ الدنيا تمثيل الآخره والآخره تمثيل الدنيا ، فيكون مثل قوله سبحانه وتعالى : «وَ أُتُواْ بِهِ مُتَشَبِهًا» (البقره : 25) .
9- .التكاثر : 5 8 .
10- .إشاره إلى الآيه : 101 من سوره الكهف .
11- .إرشاد القلوب : ص 309 عن سلمان ، بحار الأنوار : ج 30 ص 72 ح 1 .

ط سرایی که احوال آن ، تابع شایستگی است

ی سرای محیط بر دنیا

ر . ک : ج1 ص55 (ویژگی های دنیا / احاطه شده به شهوات) .

ط سرایی که احوال آن ، تابع شایستگی استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند پاکِ والا ، دنیا را به دوست و دشمن می دهد ؛ امّا آخرت را جز به کسانی که برگزیده و محبوب او باشند ، نمی دهد.

امام باقر علیه السلام :خداوند ، دنیا را به دوست و دشمنش می دهد ؛ امّا آخرت را جز به کسی که دوستش می دارد ، نمی دهد.

امام علی علیه السلام :دنیا بر حسب اتّفاق است و آخرت بر حسب استحقاق (شایستگی) است .

امام علی علیه السلام :احوال دنیا ، تابع اتّفاق است و احوال آخرت ، تابع شایستگی است .

ر . ک : ج1 ص313 (شناخت دنیای نکوهیده / اقبال و ادبار دنیا) .

ی سرای محیط بر دنیاامام علی علیه السلام در پاسخ جاثلیق (1) که پرسید : آیا بهشت در همین دنیاست ، یا در آخرت است؟ و آخرت در کجای دنیاست؟ : دنیا در [دل [آخرت است و آخرت ، محیط بر دنیاست ؛ زیرا که انتقال از زندگی به مرگ ، آشکار است و در واقع ، این آخرت است که سرای زندگانی است . ای کاش مردم می دانستند که دنیا گذرگاه است و آخرت ، زندگی و اقامتگاه ! حکایت آن ، حکایت شخص خفته است : جسم می خوابد ؛ امّا روح نمی خوابد . [همین طور [بدن می میرد ؛ امّا روح نمی میرد . خداوند می فرماید : «و سرای آخرت ، سرای زندگانی است . ای کاش می دانستند !» . دنیا نمادِ (مثال) آخرت است و آخرت ، نماد دنیاست . نه دنیا ، [خودِ [آخرت است و نه آخرت ، دنیاست . هر گاه روح از بدن جدا شود ، هر یک از آن دو ، به آن جایی که از آن شروع شده و آفریده شده است ، باز می گردد . بهشت و دوزخ نیز ، هم در دنیا موجودند و هم در آخرت ؛ زیرا که بنده ، هر گاه بمیرد ، به خانه ای در زمین می رود که یا

باغی از باغ های بهشت است و یا سرزمینی از سرزمین های دوزخ . و روحش نیز به یکی از دو سرای می رود : یا به سرای پرنعمتِ مانا که در آن نمی میرد و یا به سرای عذابی دردناک که در آن [نیز [نمی میرد . تمثیل (تشابه میان دنیا و آخرت) ، برای کسی که خردمند است ، موجود و آشکار است . خداوند می فرماید : «هرگز چنین نیست! اگر علم الیقین دارید ، به یقین ، دوزخ را می بینید . سپس آن را قطعا به عین الیقین درمی یابید . سپس در همان روز است که از نعمت [ـ روی زمین] پرسیده خواهید شد» . و درباره کافران می فرماید : «آنان از یاد من غافل بودند و توانایی شنیدن [حق را [نداشتند. (2) اگر انسان می دانست که پس از مرگ ، چه خبر است ، از ترسِ مرگ می مُرد ، و هر کس نجات یابد ، به برکت یقین است» .

.

1- .رئیس مسیحیان در کشورهای اسلامی آن روزگار (مجمع البحرین : ج 1 ص 270) .
2- .اشاره است به آیه 101 از سوره کهف .

ص: 280

راجع : ج1 ص22 (خصائص الدنيا) .

.

ص: 281

ر . ک : ج1 ص23 (ویژگی های دنیا) .

.

الفصل الثانى: الاهتمام بالآخره2 / 1الحَثُّ عَلَى الاِهتِمامِ بِالآخِرَهِالكتاب«وَ مَنْ أَرَادَ الآخِرَهَ وَ سَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُوْلَئِکَ کَانَ سَعْيُهُم مَّشْکُورًا » . (1)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِجعَلوا هِمَّتَکُمُ الآخِرَهَ ، لا يَنفَدُ فيها ثَوابُ المَرضِيِّ عَنهُ ، ولا يَنقَطِعُ فيها عِقابُ المَسخوطِ عَلَيهِ. (2)

عنه صلى الله عليه و آله :اِجعَلوا آخِرَتَکُم لاِءَنفُسِکُم ، وسَعيَکُم لِمُستَقَرِّکُم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ لا عَيشَ إلاّ عَيشُ الآخِرَهِ . (4)

.

1- .الإسراء : 19.
2- .أعلام الدين : ص 342 ح 30 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 77 ص 185 ح 10 .
3- .أعلام الدين : ص 340 ح 26 عن أبى أيّوب الأنصارى ، بحار الأنوار : ج 77 ص 182 ح 10 .
4- .صحيح البخارى: ج 5 ص 2357 ح 6050 ، صحيح مسلم: ج 3 ص 1431 ح 127 ، سنن الترمذى: ج 5 ص 694 ح 3857 ، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 343 ح 12757 كلّها عن أنس ، كنزالعمّال: ج 3 ص 379 ح 7038 ؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 185 ، بحار الأنوار: ج 19 ص 124 ح 9 .

2 / 1 تشویق به آخرت گرایی

فصل دوم: اهتمام به آخرت2 / 1تشویق به آخرت گراییقرآن«و کسانی که خواهان آخرت باشند و نهایت کوشش را برای آن بکنند ، در حالی که مؤمن اند ،آنان اند که تلاششان مورد قدردانی واقع خواهد شد» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همّت خود را آخرتْ قرار دهید ؛ آخرتی که در آن ، پاداش کسی که مورد رضایت [الهی [است ، پایان نمی یابد و کیفر (مجازات) شخصی که مورد خشم [خداوند] است ، قطع نمی گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آخرتتان را وجهه همّت خود ، و تلاشتان را برای محلّ استقرار [همیشگی]تان قرار دهید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدا که زندگی ای جز زندگی آخرت نیست .

.

صحيح البخارى عن أنس فى أحداثِ غَزوَهِ الخَندَقِ :جَعَلَ المُهاجِرونَ وَالأَنصارُ يَحفِرونَ الخَندَقَ حَولَ المَدينَهِ ، ويَنقُلونَ التُّرابَ عَلى مُتونِهِم وهُم يَقولونَ : نَحنُ الَّذينَ بايَعوا مُحَمَّدا عَلَى الإِسلامِ ما بَقينا أبَدا قالَ : يَقولُ النَّبِى صلى الله عليه و آله وهُوَ يُجيبُهُم : «اَللّهُمَّ إنَّهُ لا خَيرَ إلاّ خَيرُ الآخِرَه ، فَبارِک لِلأَنصارِ وَالمُهاجِرَه». (1)

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ الدُّنيا دَنِيَّهٌ خُلِقَت لِلفَناءِ ، وَالخَيرُ خَيرُ الآخِرَهِ ، فَإِنَّها خُلِقَت لِلبَقاءِ. (2)

عنه عليه السلام :إنَّكُم إلَى الآخِرَهِ صائِرونَ ، وعَلَى اللّهِ مُعرَضونَ . (3)

عنه عليه السلام :إنَّمَا الحازِمُ مَن كانَ بِنَفسِهِ كُلُّ شُغلِهِ ، ولِدينِهِ كُلُّ هَمِّهِ ، ولِآخِرَتِهِ كُلُّ جِدِّهِ. (4)

عنه عليه السلام :هَمُّ المُؤمِنِ لِآخِرَتِهِ ، وكُلُّ جِدِّهِ لِمُنقَلَبِهِ. (5)

عنه عليه السلام :إنَّكُم إلَى الاِهتِمامِ بِما يَصحَبُكُم إلَى الآخِرَهِ أحوَجُ مِنكُم إلى كُلِّ ما يَصحَبُكُم مِنَ الدُّنيا. (6)

.

1- .صحيح البخارى : ج 4 ص 1504 ح 3874 ، صحيح مسلم : ج 3 ص 1432 ح 130 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 339 ح 12732 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 7 ص 543 ح 22 كلّها نحوه ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 131 ح 7123 ، كنز العمّال: ج 10 ص 456 ح 30104 .
2- .المناقب للخوارزمى : ص 247 .
3- .غرر الحكم : ح 3821 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 174 ح 3615 .
4- .غرر الحكم : ح 3897 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 179 ح 3675 .
5- .غرر الحكم : ح 10052 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 511 ح 9310 .
6- .غرر الحكم : ح 3830 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 174 ح 3617 .

صحیح البخاری به نقل از اَنَس ، در رویدادهای جنگ خندق :مهاجران و انصار ، شروع به کندن خندق بر گرد مدینه کردند و خاک آن را بر پشت خود می بردند و در همان حال ، این بیت را می خواندند : ماییم آنان که با محمّد بیعت کردند / بر اسلام ، تا زنده ایم و تا ابد . پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در جواب آنان می فرمود : «به خدا که خیری جز خیر آخرت نیست . خدایا ! به انصار و مهاجران ، برکت بده».

امام علی علیه السلام :دنیا پَست است و برای نیست شدن آفریده شده است . و خیر ، خیر آخرت است ؛ زیرا که آخرت برای ماندگاری آفریده شده است.

امام علی علیه السلام :شما به سوی آخرت ره سپارید و به پیشگاه خداوند بُرده می شوید.

امام علی علیه السلام :دوراندیش واقعی ، کسی است که تمام مشغولیتش به [اصلاح [نفْسش ، تمام همّتش برای دینش ، و تمام تلاشش برای آخرتش باشد .

امام علی علیه السلام :همّ و غم مؤمن ، برای آخرتش است و تمام کوشش او برای بازگشتگاهش است .

امام علی علیه السلام :شما به اهتمام ورزیدن به آنچه تا آخرت همراهتان است ، نیازمندترید تا به آنچه در دنیا با شماست.

.

عنه علیه السلام :اِجعَل هَمَّکَ وجِدَّکَ لِآخِرَتِکَ. (1)

عنه علیه السلام :اِجعَل هَمَّکَ لِآخِرَتِکَ وحُزنَکَ عَلی نَفسِکَ ؛ فَکَم مِن حَزینٍ وَفَدَ بِهِ حُزنُهُ عَلی سُرورِ الأَبَدِ ، وکَم مِن مَهمومٍ أدرَکَ أمَلَهُ. (2)

عنه علیه السلام فی خُطبَهٍ لَهُ :أمّا بَعدُ ؛ فَإِنَّ الدُّنیا أدبَرَت وآذَنَت بِوَداعٍ ، وإنَّ الآخِرَهَ قَد أقبَلَت وأشرَفَت بِاطِّلاعٍ ، ألَا وإنَّ الیَومَ المِضمارُ (3) وغَدا السِّباقُ ... ألا وإنَّکُم فی أیّامِ أمَلٍ مِن وَرائِهِ أجَلٌ ... فَمَن عَمِلَ فی أیّامِ أمَلِهِ قَبلَ حُضورِ أجَلِهِ ؛ فَقَد نَفَعَهُ عَمَلُهُ ولَم یَضُرُّهُ أجَلُهُ ، ومَن قَصَّرَ فی أیّامِ أمَلِهِ قَبلَ حُضورِ أجَلِهِ ؛ فَقَد خَسِرَ عَمَلَهُ وضَرَّهُ أجَلُهُ. (4)

عنه علیه السلام :أعرِضوا عَن کُلِّ عَمَلٍ بِکُم غِنیً عَنهُ ، وَاشغَلوا أنفُسَکُم مِن أمرِ الآخِرَهِ بِما لابُدَّ لَکُم مِنهُ. (5)

عنه علیه السلام فی قَولِ اللّه : «وَ لاَ تَنسَ نَصِیبَکَ مِنَ الدُّنْیَا» (6) : لا تَنسَ صِحَّتَکَ وقُوَّتَکَ وفَراغَکَ وشَبابَکَ ونَشاطَکَ أن تَطلُبَ بِهَا الآخِرَهَ. (7)

.

1- .غرر الحکم : ح 2288 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 78 ح 1879 وفیه هکذا «اجعل همّک لمعادک تصلح» .
2- .غرر الحکم : ح 2453 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 76 ح 1842 .
3- .أی الیومَ العملُ فی الدنیا للاستباق فی الجنّه. والمِضمار: الموضع الذی تُضمّر فیه الخیل ، وتضمیر الخیل: هو أن یُظاهِر علیها بالعَلَف حتّی تسمن ، ثمّ لا تعلف إلاّ قوتا لتخفّ (النهایه: ج 3 ص 99 «ضمر»).
4- .نهج البلاغه : الخطبه 28 ، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج 1 ص 516 ح 1482 وفیه صدره إلی «السباق» ، الإرشاد: ج 1 ص 235 کلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج 77 ص 417 ح 39 ؛ مطالب السؤول : ص 58 ، تاریخ دمشق : ج 42 ص 497 نحوه ، کنز العمّال: ج 16 ص 202 ح 44225 .
5- .غرر الحکم : ح 2558 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 92 ح 2158 .
6- .القصص: 77.
7- .معانی الأخبار : ص 325 ح 1 ، الأمالی للصدوق : ص 299 ح 336 ، الجعفریّات : ص 176 کلّها عن إسماعیل عن أبیه الإمام الکاظم عن آبائه

عليهم السلام ، الدعوات : ص 122 ح 299 بزياده «وغناک» بعد «نشاطک» ، روضه الواعظين : ص 518 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 177 ح 18 .

امام علی علیه السلام :همّت و تلاشت را برای آخرتت قرار بده.

امام علی علیه السلام :همّت خود را متوجّه آخرتت کن و اندوهت را بر خودت قرار ده ؛ زیرا بسا اندوهناکی که اندوهش ، او را به شادی ابد رسانْد و بسا [دلواپس و [غم زده ای که به آرزوی خود رسید.

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش :دنیا پشت نموده و اعلام بدرود کرده است و آخرت ، روی آورده و در آستانه ورود است . بدانید که امروز ، روز آماده شدن است و فردا هنگام مسابقه ... . بدانید که شما در روزهای امید و آرزویی هستید که از پس آن ، مرگ است ... . پس ، هر که در روزهای امیدواری اش ، پیش از آن که مرگش فرا رسد ، کار کند ، کارش او را سود می بخشد و مُردنش او را زیان نمی رساند ، و هر کس در ایّام امیدواری اش ، پیش از فرا رسیدن اَجَلش ، کوتاهی ورزد ، زیانکار می شود و مرگش به او زیان می رساند.

امام علی علیه السلام :از هر کاری که شما را بدان نیازی نیست ، روی بگردانید و از کار آخرت ، به آنچه شما را گزیری از آن نیست ، بپردازید.

امام علی علیه السلام درباره آیه شریف : «و بهره ات را از دنیا ، فراموش مکن» : بهره گیری از تن درستی و توانایی و فراغت و جوانی و نیرویت را در راه تحصیل آخرت ، فراموش مکن .

.

عنه علیه السلام :اِجعَل لِآخِرَتِکَ مِن دُنیاکَ نَصیبا. (1)

عنه علیه السلام :طوبی لِمَن وُفِّقَ لِطاعَتِهِ ، وحَسُنَت خَلیقَتُهُ ، وأحرَزَ أمرَ آخِرَتِهِ . (2)

عنه علیه السلام :إنَّ أفضَلَ النّاسِ عِندَ اللّهِ مَن أحیا عَقلَهُ ، وأماتَ شَهوَتَهُ ، وأتعَبَ نَفسَهُ لِصَلاحِ آخِرَتِهِ. (3)

عنه علیه السلام :کُن فِی الدُّنیا بِبَدَنِکَ ، وفِی الآخِرَهِ بِقَلبِکَ. (4)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ :الَّذی یَستَحِقُّ اسمَ السَّعادَهِ عَلَی الحَقیقَهِ سَعادَهُ الآخِرَهِ ، وهِیَ أربَعَهُ أنواعٍ : بَقاءٌ بِلا فَناءٍ ، وعِلمٌ بِلا جَهلٍ ، وقُدرَهٌ بِلا عَجزٍ ، وغِنیً بِلا فَقرٍ. (5)

الإمام زین العابدین علیه السلام مُخاطِبا أصحابَهُ یَوما :إخوانی ، اُوصیکُم بِدارِ الآخِرَهِ ، ولا اُوصیکُم بِدارِ الدُّنیا؛ فَإِنَّکُم عَلَیها حَریصونَ وبِها مُتَمَسِّکونَ. (6)

الإمام الصادق علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ لابنِ جُندَبٍ :یَا بنَ جُندَبٍ ، الخَیرُ کُلُّهُ أمامَکَ ، وإنَّ الشَّرَّ کُلَّهُ أمامَکَ ، ولَن تَرَی الخَیرَ وَالشَّرَّ إلاّ بَعدَ الآخِرَهِ؛ لِاءَنَّ اللّهَ جَلَّ وعَزَّ جَعَلَ الخَیرَ کُلَّهُ فِی الجَنَّهِ ، وَالشَّرَّ کُلَّهُ فِی النّارِ ؛ لِاءَنَّهُما الباقِیانِ . (7)

راجع : ج1 ص56 (معرفه الدنیا / خلقت لغیرها) .

.

1- .غرر الحکم : ح 2429 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 85 ح 2057 .
2- .غرر الحکم : ح 5965 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 314 ح 5484.
3- .غرر الحکم : ح 3579 .
4- .حلیه الأولیاء : ج 2 ص 37 عن أبان بن الطفیل؛ کشف الغمّه: ج 2 ص 193 ، غرر الحکم : ح 7164 .
5- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 306 ح 509 .

6- .الأمالى للمفيد : ص 43 ح 1 عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : ج 73 ص 107 ح 107.
7- .تحف العقول : ص 306 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 284 ح 1 .

امام علی علیه السلام :از دنیایت برای آخرتت سهمی قرار بده.

امام علی علیه السلام :خوشا به حال کسی که موفّق به طاعت خداوند شود و اخلاقش نیکو گردد و کار آخرتش را پاس بدارد!

امام علی علیه السلام :برترینِ مردم در نزد خداوند ، کسی است که خِرَدش را زنده گرداند و شهوتشَ را بمیراند و برای اصلاح آخرتش ، خود را به زحمت اندازد.

امام علی علیه السلام :با بدنت در دنیا باش و با قلبت در آخرت.

امام علی علیه السلام در گفتارهای کوتاه منسوب به ایشان :آنچه حقیقتا سزاوار نام سعادت است ، سعادت آخرت است و آن ، چهار نوع است : ماندگاری ای که فنا ندارد ، علمی که با جهل همراه نیست ، قدرتی که با عجز همراه نیست ، و توانگری ای که با فقر همراه نیست.

امام زین العابدین علیه السلام روزی ، خطاب به یارانش :برادرانم! من شما را به سرای آخرت سفارش می کنم . و به سرای دنیا سفارشتان نمی کنم ؛ زیرا که شما [خود به خود [به دنیا حریص هستید و به آن پایبندید .

امام صادق علیه السلام در وصیّتش به پسر جندب :ای پسر جندب ، همه خوبی ، فرا روی توست و همه بدی نیز فراروِی توست و تو خوب و بد را جز پس از آخرت نمی بینی ؛ زیرا که خداوند تمام خوب را در بهشت ، و تمام بد را در جهنّم قرار داد ؛ چرا که این دو ، ماندگارند.

ر . ک : ج1 ص57 (شناخت دنیا / دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است) .

.

2 / 2كونوا من أبناءِ الآخِرَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أيُّهَا النّاسُ ! كونوا مِن أبناءِ الآخِرَهِ ولا تَكونوا مِن أبناءِ الدُّنيا؛ فَإِنَّ كُلَّ اُمٍّ يَتبَعُها وَلَدُها... فَاعمَلوا وأنتُم مِنَ اللّهِ عَلى حَذَرٍ ، وَاعلَموا أنَّكُم مَعروضونَ عَلى أعمالِكُم وأنَّكُم مُلاقُو اللّهِ لابُدَّ مِنهُ «فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ شَرًّا يَرَهُ» (1) . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِلدُّنيا أبناءً ولِلآخِرَهِ أبناءً ، فَكونوا مِن أبناءِ الآخِرَهِ ولا تَكونوا مِن أبناءِ الدُّنيا؛ فَإِنَّ كُلَّ وَلَدٍ يَتبَعُ بِاُمِّهِ ، وإنَّ الدُّنيا قَد تَرَحَّلَت مُدبِرَهً ، وَالآخِرَهَ قَد تَجَمَّلَت مُقبِلَهً. (3)

عنه صلى الله عليه و آله :هذِهِ الدُّنيا قَدِ ارتَحَلَت مُدبِرَهً ، وهذِهِ الآخِرَهُ قَدِ ارتَحَلَت مُقبِلَهً ، ولِكُلٍّ واحِدَهٍ مِنهُما بَنونَ؛ فَإِنِ استَطَعتُم أن تَكونوا مِن أبناءِ الآخِرَهِ ولا تَكونوا مِن أبناءِ الدُّنيا فَافعَلوا؛ فَإِنَّكُمُ اليَومَ فى دارِ عَمَلٍ ولا حِسابٍ ، وأنتُم غَدا فى دارِ حِسابٍ ولا عَمَلٍ. (4)

.

1- .الزلزله : 7 و 8 .
2- .حليه الأولياء : ج 1 ص 265 ، المعجم الكبير : ج 7 ص 288 ح 7158 وفيه صدره إلى «يتبعها ولدها» وكلاهما عن شدّاد بن أوس ، كنز العمّال : ج 3 ص 233 ح 6310 ؛ غرر الحكم : ح 7194 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه صدره إلى «يتبعها ولدها» نحوه .
3- .إرشاد القلوب : ص 21 ، أعلام الدين : ص 345 ح 39 عن أبى هريره ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 370 عن العالم عليه السلام وكلاهما نحوه وليس فيهما «فإنّ كلّ ولد يتبع بأمّه».
4- .الخصال : ص 51 ح 62 عن جابر بن عبداللّه ، الكافى: ج 8 ص 58 ح 21 عن سليم بن قيس عن الإمام علىّ عليه السلام ، الأمالى للمفيد : ص 93 ح 1 عن حبّه العرنى عن الإمام علىّ عليه السلام ، نهج البلاغه: الخطبه 42 عن الإمام علىّ عليه السلام كلّها نحوه ، بحار الأنوار: ج 77 ص 117 ح 13 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه: ج 8 ص 155 ح 1 عن الإمام علىّ عليه السلام ، تاريخ دمشق: ج 42 ص 494 عن أبى عبد الرحمن السلمى عن الإمام علىّ عليه السلام ، شُعب الإيمان: ج 7 ص 370 ح 10616 عن جابر بن عبداللّه وكلّها نحوه ، كنز العمّال: ج 3 ص 819 ح 8856 .

2 / 2فرزند آخرت باشیدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای مردم! از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید ؛ زیرا که هر بچّه ای ، دنبال مادرش حرکت می کند ... . پس ، عمل کنید ، در حالی که از خدا بر حذرید . بدانید که به اعمال شما رسیدگی می شود و خواه ناخواه ، خدا را ملاقات می کنید . «پس ، هر که به وزن ذرّه ای نیکی کند ، آن را می بیند و هر که به وزن ذرّه ای بدی کند ، آن را می بیند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا را فرزندانی است و آخرت را نیز فرزندانی . شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا مباشید ؛ زیرا که هر بچّه ای ، دنبال مادر خود حرکت می کند . همانا دنیا پشت کرده و می رود ، و آخرت ، روی کرده و می آید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این دنیا ، پشت کرده و می رود و این آخرت ، روی کرده و می آید ، و برای هر یک از این دو ، فرزندانی است . پس چنانچه می توانید از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید ، چنین کنید . امروز ، شما در سرایی هستید که جای عمل است و حسابرسی نیست ، و فردا در سرایی خواهید بود که جای حسابرسی است و عمل نیست.

.

الإمام علىّ عليه السلام :فَليَصدُق رائِدٌ (1) أهلَهُ ، وَليُحضِر عَقلَهُ ، وَليَكُن مِن أبناءِ الآخِرَهِ ؛ فَإِنَّهُ مِنها قَدِمَ ، وإلَيها يَنقَلِبُ. (2)

راجع : ص 70 (الحثّ على الزهد) ،

ج1 ص358 (التحذير من الإغترار بالدنيا / الدنيا سحّاره) .

2 / 3خَصائِصُ أبناءِ الآخِرَهِالكتاب«تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لاَ يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِى الأَرْضِ وَلاَ فَسَادًا وَ الْعَقِبَهُ لِلْمُتَّقِينَ » . (3)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى قَولِ اللّهِ : «تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لاَ يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِى الأَرْضِ وَلاَ فَسَادًا» : التَّجَبُّرُ فِى الأَرضِ وَالأَخذُ بِغَيرِ الحَقِّ. (4)

الأمالى عن عبد اللّه بن مسعود :نَعى إلَينا حَبيبُنا ونَبِيُّنا صلى الله عليه و آله نَفسَهُ فَبِأبى واُمّى ونَفسى لَهُ الفِداءُ! قَبلَ مَوتِهِ بِشَهرٍ ، فَلَمّا دَنَا الفِراقُ جَمَعَنا فى بَيتٍ فَنَظَرَ إلَينا فَدَمَعَت عَيناهُ ، ثُمَّ قالَ : مَرحَباً بِكُم ، حَيّاكُمُ اللّهُ ، حَفِظَكُمُ اللّهُ ، نَصَرَكُمُ اللّهُ ، نَفَعَكُمُ اللّهُ ، هَداكُمُ اللّهُ ، وَفَّقَكُمُ اللّهُ ، سَلَّمَكُمُ اللّهُ ، قَبِلَكُمُ اللّهُ ، رَزَقَكُمُ اللّهُ ، رَفَعَكُمُ اللّهُ ! اُوصيكُم بِتَقوَى اللّهِ ، واُوصِى اللّهَ بِكُم إنّى لَكُم نَذيرٌ مُبينٌ ، ألاّ تَعلوا عَلَى اللّهِ فى عِبادِهِ وبِلادِهِ ؛ فَإنَّ اللّهَ تَعالى قالَ لى ولَكُم : «تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لاَ يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِى الأَرْضِ وَلاَ فَسَادًا وَ الْعَقِبَهُ لِلْمُتَّقِينَ» وقالَ سُبحانَهُ : «أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ» (5) . (6)

.

1- .أصل الرائد : الذى يتقدّم القوم يبصر لهم الكلأ ومساقط الغيث (النهايه : ج 2 ص 275 «رود») . ويحتمل أن يكون المراد بالرائد هنا الإنسان نفسه ؛ فإنّه كالرائد لنفسه فى الدنيا يطلب فيه لآخرته ماءً ومرعى . . . أى لينصح نفسه ولا يغشّها بالتسويف والتعليل . أو المعنى : ليصدق كلّ منكم أهله وعشيرته ومن يعنيه أمره ، وليبلّغهم ما عرف من فضلنا وعلوّ درجتنا (بحار الأنوار : ج 29 ص 603) .

2- .نهج البلاغه : الخطبه 154 ، غرر الحكم : ح 6558 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 209 ح 11 .
3- .القصص : 83.
4- .تاريخ دمشق : ج 65 ص 121 ، الأمالى للمحاملى : ص 229 كلاهما عن أبى هريره .
5- .الزمر : 60 .
6- .الأمالى للطوسى : ص 207 ح 354 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 455 ح 1 ؛ المعجم الأوسط : ج 4 ص 208 ح 3996 ، حليه الأولياء : ج 4 ص 168 ، الكامل فى التاريخ : ج 2 ص 7 ، الطبقات الكبرى : ج 2 ص 256 ، المطالب العاليه : ج 4 ص 260 ح 2392 كلّها نحوه .

امام علی علیه السلام :پیشرو (1) باید به کسان خود ، راست بگوید و خِردَش را به کار بگیرد و فرزند [و اهلِ [آخرت باشد ؛ زیرا که از آن جا آمده و به آن جا برمی گردد.

ر . ک : ص71 (ترغیب به زهد) ،

ج1 ص359 (برحذر داشتن از فریفته شدن به دنیا / دنیا افسونگر است) .

2 / 3ویژگی های آخرت گرایانقرآن«آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین ، خواستار برتری و فساد نیستند ،و فرجام ، از آنِ پرهیزگاران است» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه شریف : «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواستار برتری و فساد نیستند» : [یعنی] گردنکشی در زمین [و جامعه [و گرفتن به ناحق .

الأمالی طوسی به نقل از عبد اللّه بن مسعود :محبوب ما و پیامبر ما صلی الله علیه و آله که پدر و مادرم و جانم فدایش باد یک ماه پیش از مرگش ، خبر رحلتش را به ما داد . و چون زمان فراق نزدیک شد ، ما را در اتاقی جمع کرد و نگاهی به ما انداخت و چشمانش پر از اشک شد و سپس فرمود : «خوش آمدید . خداوند شما را زنده بدارد . خداوند شما را حفظ کند . خداوند شما را نصرت دهد . خداوند شما را نفع برساند . خداوند شما را هدایت فرماید . خداوند شما را توفیق بخشد . خداوند شما را به سلامت دارد . خداوند شما را بپذیرد . خداوند شما را روزی دهد . خداوند شما را رفعت بخشد . شما را به تقوای الهی سفارش می کنم ، و به خداوند نیز سفارش شما را می کنم ، و آشکارا به شما هشدار می دهم که در میان بندگان خدا و در زمین او ، بر خدا برتری نجویید ؛ چرا که خداوند متعال ، به من و به شما فرموده است : «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین ، خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [نیک] ، از آنِ پرهیزگاران است» و نیز فرموده است : «آیا جایگاه متکبّران ، در دوزخ نیست؟» » .

.

1- .«رائد (پیشرو)» که در اصل عربی حدیث آمده ، به معنای کسی است که جلوتر از کاروان حرکت می کند تابرای آنها چراگاه و آبگاه بیابد (النهایه : ج 2 ص 275 «رود») . احتمال دارد که مراد از «رائد (پیشرو)» در این جا خودِ انسان باشد ؛ زیرا انسان در دنیا چونان پیشرو برای خویشتن است که در آن ، برای آخرت خود ، آب و چراگاه جستجو می کند ... ؛ یعنی انسان باید خیرخواه خویشتن باشد و باامروز و فردا کردن و تعلّل ورزیدن ، به خود ، خیانت و ناراستی نکند . یا احتمال دارد معنای حدیث این باشد : هر یک از شما باید با خانواده و عشیره و افراد تحت تکفّل خود ، روراست و صادق باشد و حقیقت را به آنها بگوید و از فضایل و علوّ درجات ما ، آنچه را می داند ، به آنان نیز معرّفی کند (بحار الأنوار : ج 29 ص 602) .

المناقب عن زاذان فی ذِکرِ سیرَهِ أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام :إنَّهُ کانَ علیه السلام یَمشی فِی الأَسواقِ وَحدَهُ ، وهُوَ ذاکَ یُرشِدُ الضّالَّ ویُعینُ الضَّعیفَ ، ویَمُرُّ بِالبَیّاعِ وَالبَقّالِ فَیَفتَحُ عَلیهِ القُرآنَ ویَقرَأُ «تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَهُ نَجْعَلُهَا» الآیه . (1)

الإمام علیّ علیه السلام :إنَّ الرَّجُلَ لَیُعجِبُهُ مِن شِراکِ نَعلِهِ أن یَکونَ أجوَدَ مِن شِراکِ صاحِبِهِ فَیَدخُلُ فی قَولِهِ : «تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لاَ یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ وَلاَ فَسَادًا وَ الْعَقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ» . (2)

الإمام الصادق علیه السلام فی قَولِهِ تَعالی : «عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ وَلاَ فَسَادًا» (3) : العُلُوُّ : الشَّرَفُ. وَالفَسادُ : النِّساءُ . (4)

تفسیر القمّی عن حفص بن غیاث :قال أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : یا حَفصُ ، ما مَنزِلَهُ الدُّنیا مِن نَفسی إلاّ بِمَنزِلَهِ المَیتَهِ ؛ إذَا اضطُرِرتُ إلَیها أکَلتُ مِنها. (5) یا حَفصُ ، إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی عَلِمَ مَا العِبادُ عامِلونَ وإلی ما هُم صائِرونَ ، فَحَلُمَ عَنهُم عِندَ أعمالِهِمُ السَّیِّئَهِ لِعِلمِهِ السّابِقِ فیهِم ، فَلا یَغُرَّنَّکَ حُسنُ الطَّلَبِ مِمَّن لا یَخافُ الفَوتَ. ثُمَّ تَلا قَولَهُ : «تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لاَ یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ وَلاَ فَسَادًا وَ الْعَقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ» وجَعَلَ یَبکی ، ویَقولُ : ذَهَبَت وَاللّهِ الأَمانِیُّ عِندَ هذِهِ الآیَهِ . (6)

.

1- .المناقب لابن شهرآشوب : ج 2 ص 104 ، بحار الأنوار : ج 41 ص 54 ح 1 ؛ تاریخ دمشق : ج 42 ص 489 نحوه ، کنز العمّال : ج 13 ص 180 ح 36538 .
2- .تفسیر الطبری : ج 11 ، الجزء 20 ص 122 عن أبی سلمان الأعرج ، تفسیر ابن کثیر : ج 6 ص 269 عن أبی سلام الأعرج ، الکشّاف : ج 3 ص 180؛ سعد السعود : ص 88 ، مجمع البیان : ج 7 ص 420 عن أبی سلام الأعرج نحوه .
3- .القصص : 83 .
4- .تفسیر القمّی : ج 2 ص 147 .
5- .إنّ إعمار الدنیا من المسائل التی أوصی بها القرآن الکریم؛ قال اللّه تعالی : «هُوَ أَنشَأَکُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکُمْ فِیهَا» ، وبناءً علی هذا فلیس

المراد فى هذه الروايات وما يجرى مجراها هو العزوف عن الدنيا وعدم إعمارها ، بل المراد الإكتفاء من إمكاناتها المادّيه بقدر الحاجه ، وحينئذٍ ستكون الدنيا مقدّمه للآخره وموجبه للثواب الأُخروى .
6- .تفسير القمّى : ج 2 ص 146 ، سعد السعود : ص 87 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 193 ح 7.

المناقب ابن شهرآشوب به نقل از زادان ، در بیان سیره امیر مؤمنان علیه السلام :ایشان در بازارها تنها می گشت و گم شده را راهنمایی می نمود و به ناتوان کمک می کرد . از فروشنده و بقّال می گذشت و قرآن را برایش می گشود و این آیه را می خواند : «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم ...» تا آخر آیه.

امام علی علیه السلام :آدمی را از این که بند کفشش نیکوتر از بند کفش دوستش باشد ، خوش می آید و [بدین سبب ،] مشمول این سخن خداوند می شود که : «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین ، خواستار برتری (سرکشی) و فساد نیستند ، و فرجام ، از آنِ پرهیزگاران است» .

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریف : «در زمین ، خواستار برتری (سرکشی) و فساد نیستند» : مراد از «عُلُوّ» ، بزرگی و برتری است ، و مراد از «فساد» ، زنا (زنبارگی و فساد جنسی) .

تفسیر القمّی به نقل از حفص بن غیاث :امام صادق علیه السلام فرمود : «ای حفص! دنیا در نزد من به منزله مُردار است ، که در صورت اضطرار (ناچاری)، از آن می خورم. ای حفص! خداوند متعال می داند که بندگان چه خواهند کرد و به کجا ره سپار خواهند شد . پس ، به سبب علم قبلی ای که درباره آنان دارد ، به هنگام اعمال بدشان ، با آنها بردباری می ورزد . بنا بر این ، حُسن تعقیب (عجله نکردن در مجازات) از جانب کسی که بیمِ از دست رفتن (فرار مجرم) را ندارد ، تو را نفریبد» . امام علیه السلام سپس این آیه را تلاوت کرد : «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین ، خواستار برتری (سرکشی) و فساد نیستند ، و فرجام ، از آنِ پرهیزگاران است» و شروع به گریستن کرد و فرمود : «به خدا سوگند که با این آیه ، آرزوها [برای ثواب بردن بدون عمل ،] بر باد رفت» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أرادَ الآخِرَةَ تَرَکَ زينَةَ الدُّنيا ؛ فَمَن فَعَلَ ذلِکَ فَقَدِ استَحيا مِنَ اللّهِ حَقَّ الحَياءِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله فى وَصِيَّتِهِ لأَبى ذَرٍّ :يا أبا ذَرٍّ ، طوبى لِلزّاهِدين فِى الدُّنيا ، الرّاغِبينَ فِى الآخِرَهِ ، الَّذينَ اتَّخَذوا أرضَ اللّهِ بِساطا ، وتُرابَها فِراشا ، وماءَها طيبا ، وَاتَّخَذُوا الكِتابَ شِعارا ، وَالدُّعاءَ لِلّهِ دِثارا (2) ، وقَرَضُوا الدُّنيا قَرضا . (3)

.

1- .سنن الترمذى : ج 4 ص 637 ح 2458 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 33 ح 3671 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 359 ح 7915 كلّها عن عبداللّه بن مسعود ، كنز العمّال : ج 3 ص 118 ح 5753 ؛ كنزالفوائد : ج 1 ص 217 ، الخصال : ص 293 ح 58 عن عبد اللّه بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، قرب الإسناد : ص 23 ح 79 عن عبداللّه بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 6 ص 131 ح 25 .
2- .الشِّعار : الثوب الذى يلى الجسد ؛ لأنّه يَلى شَعْره . والدِّثار : الثوب الذى فوق الشِّعار (النهايه : ج 2 ص 480 «شعر») . قال العلاّمه المجلسى قدس سره : أى يلازمون القرآن والدعاء كلزوم الدِّثار والشِّعار للإنسان (بحار الأنوار : ج 69 ص 276) .
3- .الأمالى للطوسى : ص 532 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 370 ح 2661 كلاهما عن أبى ذرّ ، نهج البلاغه : الحكمه 104 ، الأمالى للمفيد : ص 133 ح 1 ، الخصال : ص 337 ح 40 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 97 كلّها عن نوف البكالى عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 316 ح 22 وراجع الكافى : ج 2 ص 132 ح 15 و تحف العقول : ص 281 .

ص: 297

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خواستار آخرت است ، زیور دنیا را وا نهد ، و هر کس چنین کند ، به راستی که از خداوند ، حیا کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابوذر :ای ابوذر! خوشا به حال بی رغبتان به دنیا و شیفتگان به آخرت! کسانی که زمین را بستر و خاک آن را فرش و آبش را گوارا و کتاب خدا را تن پوش و دعا را جامه خود کردند و از دنیا کاملاً بریدند .

.

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ عَلامَةَ الرّاغِبِ فى ثَوابِ الآخِرَهِ ، زُهدُهُ فى عاجِلِ زَهرَهِ الدُّنيا، أما إنَّ زُهدَ الزّاهِدِ فى هذِهِ الدُّنيا لا يَنقُصُهُ مِمّا قَسَمَ اللّهُ لَهُ فيها وإن زَهِدَ، وإنَّ حِرصَ الحَريصِ عَلى عاجِلِ زَهرَهِ الحَياهِ الدُّنيا لا يَزيدُهُ فيها وإن حَرَصَ، فَالمَغبونُ مَن حُرِمَ حَظَّهُ مِنَ الآخِرَهِ . (1)

عنه عليه السلام :إنَّ الآخِرَهَ لَها أهلٌ ظَلِفَت (2) أنفُسُهُم عَن مُفاخَرَهِ أهلِ الدُّنيا ؛ لا يَتَنافَسونَ فِى الدُّنيا ، ولا يَفرَحونَ بِغَضارَتِها (3) ، ولا يَحزَنونَ لِبُؤسِها. (4)

عنه عليه السلام فى ذِكرِ حَديثِ مِعراجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى ... يا أحمَدُ ، إنَّ أهلَ الخَيرِ وأهلَ الآخِرَهِ رَقيقَهٌ وُجوهُهُم ، كَثيرٌ حَياؤُهُم ، قَليلٌ حُمقُهُم ، كَثيرٌ نَفعُهُم ، قَليلٌ مَكرُهُمُ ، النّاسُ مِنهُم فى راحَهٍ ، أنفُسُهُم مِنهُم فى تَعَبٍ ، كَلامُهُم مَوزونٌ ، مُحاسِبينَ لِاءَنفُسِهِم مُتَعَيِّبينَ (5) لَها ، تَنامُ أعيُنُهُم ولا تَنامُ قُلوبُهُم ، أعيُنُهم باكِيَهٌ وقُلوبُهُم ذاكِرَهٌ ، إذا كُتِبَ النّاسُ مِنَ الغافِلينَ كُتِبوا مِنَ الذّاكِرينَ ، فى أوَّلِ النِّعمَهِ يَحمَدونَ وفى آخِرِها يَشكُرونَ ، دُعاؤُهُم عِندَ اللّهِ مَرفوعٌ وكَلامُهُم مَسموعٌ ، تَفرَحُ بِهِمُ المَلائِكَهُ ويَدورُ دُعاؤُهُم تَحتَ الحُجُبِ ، يُحِبُّ الرَّبُّ أن يَسمَعَ كَلامَهُم كَما تُحِبُّ الوالِدَهُ الوَلَدَ ولا يُشغَلونَ عَنهُ طَرفَهَ عَينٍ ، ولا يُريدونَ كَثرَهَ الطَّعامِ ولا كَثرَهَ الكَلامِ ولا كَثرَهَ اللِّباسِ ، النّاسُ عِندَهُم مَوتى وَاللّهُ عِندَهُم حَىٌّ كَريمٌ ، يَدعونَ المُدبِرينَ كَرَما ويَزيدونَ المُقبِلينَ تَلَطُّفا ، قَد صارَتِ الدُّنيا وَالآخِرَهُ عِندَهُم واحِدَهً . (6)

.

1- .الكافى: ج 2 ص 129 ح 6 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 206 ح 554 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 73 ص 52 ح 24 .
2- .ظَلِفَت نفسى عن كذا : أى كَفَّت (الصحاح : ج 4 ص 1399 «ظلف») .
3- .غَضارهُ الدنيا : أى طيبها ولذّتها . يقال : إنّهم لفى غضاره من العيش : أى فى خصب وخير (النهايه : ج 3 ص370 «غضر») .
4- .الأمالى للصدوق : ص 478 ح 644 ، الأمالى للطوسى : ص 435 ح 974 وفيه «طلّقت» بدل «ظلفت» وكلاهما عن عبداللّه بن بكر [بكران المرادى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2

ص 173 عن الإمام زين العابدين عنه عليهماالسلام ، مشكاه الأنوار : ص 208 ح 566 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 89 ح 57 .
5- .فى بحار الأنوار : «متعبين لها» .
6- .إرشاد القلوب : ص 199 201 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 24 ح 6 .

امام علی علیه السلام :نشانه کسی که خواهان پاداش آخرت است ، زُهدورزیِ او به زرقِ و برق این دنیای گذراست . بدانید که زهدِ زهدورزِ به این دنیا ، چیزی از آنچه خداوند در دنیا قسمت او کرده است ، نمی کاهد ، هرچند به آن بی میل باشد ، و آزمندیِ شخص آزمندِ به زرق و برق زندگی دنیایی ، چیزی در آن ، [افزون بر آنچه خداوند در دنیا قسمت او کرده است ،] بر او نمی افزاید ، هرچند حرص بورزد . زیان دیده ، کسی است که از بهره آخرتش محروم گردد.

امام علی علیه السلام :همانا آخرت را اهلی است که جان هایشان از فخرفروشی به اهل دنیا باز ایستاده است . [آنان،] نه درباره دنیا به رقابت برمی خیزند ، نه به لذّت ها و خوشی های آن شادمان می شوند ، و نه از ناخوشی های آن اندوهگین می گردند .

امام علی علیه السلام در حدیث معراج :خدای متعال فرمود : « ... ای احمد! همانا اهل خیر و اهل آخرت ، کم رو و پُرحیایند ، حماقتشان اندک و سودشان بسیار است ، کمتر نیرنگ می زنند ، مردم از آنان در آسایش اند ، نفْس هایشان از آنان در رنج است ، گفتارشان سنجیده است ، محاسبه نفْس می کنند و بر آن خُرده می گیرند ، چشمانشان می خوابد و دل هایشان نمی خوابد ، دیدگانشان گریان است و دل هایشان به یاد خداست ، آن گاه که مردم از غافلان نوشته می شوند ، آنان از ذاکرانْ قلمداد می شوند ، در آغاز هر نعمتی حمد می گویند و در آخرش شکر به جا می آورند ، دعای آنان به درگاه خداوند ، بالا می رود و سخنشان [به نزد او] شنیده می شود ، فرشتگان به آنان شاد می شوند و دعایشان در آن سوی حجاب ها (1) می گردد ، پروردگار دوست دارد که سخنشان را بشنود چنان که مادرْ فرزند را دوست می دارد ، چشم بر هم زدنی از او باز نمی مانند ، علاقه ای به پرخوری و پرگویی و جامه زیاد ندارند ، مردم در نظر آنان مردگان اند و خداوند در نظرشان زنده و کریم است ، پشت کنندگان را از روی کَرَم فرا می خوانند و روی آورندگان را مهربانی می افزایند ، و دنیا و آخرت در نزد آنان ، یکی شده است.

.

1- .احتمالاً این جمله اشاره است به انعکاس دعای آنان در عوالمی که حجاب نامیده می شوند .

عنه علیه السلام أیضا :قالَ اللّهُ : . . . یا أحمَدُ ، إنَّ أهلَ الآخِرَهِ لا یَهنَؤُهُمُ الطَّعامُ مُنذُ عَرَفوا رَبَّهُم ، ولایَشغَلُهُم مُصیبَهٌ مُنذُ عَرَفوا سَیِّئاتِهِم ، یَبکونَ عَلی خَطایاهُم ، یُتعِبونَ أنفُسَهُم ولا یُریحونَها ، وإنَّ راحَهَ أهلِ الجَنَّهِ فِی المَوتِ ، وَالآخِرَهُ مُستَراحُ العابِدینَ ، مُؤنِسُهُم دُموعُهُمُ الَّتی تَفیضُ عَلی خُدودِهِم ، وجُلوسُهُم مَعَ المَلائِکَهِ الَّذینَ عَن أیمانِهِم وعَن شَمائِلِهِم ، ومُناجاتُهُم مَعَ الجَلیلِ الَّذی فَوقَ عَرشِهِ. (1)

الإمام الباقر علیه السلام :إنَّ أبناءَ الآخِرَهِ هُمُ المُؤمِنونَ العامِلونَ الزّاهِدونَ ، أهلُ العِلمِ وَالفِقهِ ، وأهلُ فِکرَهٍ وَاعتِبارٍ وَاختِبارٍ ، لا یَمَلّونَ مِن ذِکرِ اللّهِ. (2)

الکافی عن علیّ بن عیسی رفعه :إنَّ موسی علیه السلام ناجاهُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی فَقالَ لَهُ فی مُناجاتِهِ : . . . یاموسی ، أبناءُ الدُّنیا وأهلُها فِتَنٌ بَعضُهُم لِبَعضٍ ، فَکُلٌّ مُزَیَّنٌ لَهُ ما هُوَ فیهِ ، وَالمُؤمِنُ مَن زُیِّنَت لَهُ الآخِرَهُ فَهُوَ یَنظُرُ إلَیها ما یَفتُرُ (3) ، قَد حالَت شَهوَتُها بَینَهُ وبَینَ لَذَّهِ العَیشِ فَأدلَجَتهُ (4) بِالأسحارِ ، کَفِعلِ الرّاکِبِ السّائِقِ إلی غایَتِهِ یَظَلُّ کَئیبا ویُمسی حَزینا ، فَطوبی لَهُ لَو قَد کُشِفَ الغِطاءُ ماذا یُعایِنُ مِنَ السُّرورِ؟ ! (5)

.

1- .بحار الأنوار : ج 77 ص 21 25 ح 6 نقلاً عن إرشاد القلوب ، والطبعه التی بأیدینا خالیه منه .
2- .تحف العقول : ص 287 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 165 ح 2.
3- .الفَترَه : الانکسار والضّعف ، وقد فَتَر یَفتُر فُتورا (الصحاح: ج 2 ص 777 «فتر») .
4- .الإدلاج : السیر باللیل ، وظاهر العباره أنّه استُعمل هنا متعدّیا بمعنی التسییر باللیل ، ولم یأت فیما عندنا من کتب اللغه ... ویمکن أن یکون علی الحذف والإیصال ؛ أی أدلجت الشهوه معه وسیّرته بالأسحار کالراکب الذی یسابق قرنه إلی الغایه التی یتسابقان إلیها (مرآه العقول : ج 25 ص 102) .
5- .الکافی : ج 8 ص 42 47 ح 8 ، تحف العقول : ص 494 نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 336 ح 13.

امام علی علیه السلام در حدیث معراج :خداوند فرمود : « ... ای احمد! همانا اهل آخرت ، از آن هنگام که پروردگارشان را شناختند ، غذایی خوش از گلویشان پایین نرفت و از آن هنگام که گناهانشان را شناختند ، هیچ مصیبتی آنان را به خود مشغول نساخت . بر گناهان خویش می گریند ، نفْس هایشان را به رنج می افکنند و آنها را آسوده نمی گذارند . آسایش اهل بهشت ، در مردن است و آخرت ، آسایشگاه عبادت پیشگان است . مونس آنان ، اشک هایشان است که بر گونه هایشان سرازیر می شود ، و همنشینی آنان ، با فرشتگانی است که در راست و چپ آنان قرار گرفته اند، و راز و نیازشان با خداوند شکوهمندی است که بر فراز عرشِ خویش است» .

امام باقر علیه السلام :فرزندان آخرت ، آنان اند که ایمان دارند و عمل می کنند و زُهدپیشه اند ، [و] اهل دانش و فقه اند و مرد اندیشه و عبرت آموزی و آزمون اند و از یاد خدا خسته نمی شوند .

الکافی به نقل از علی بن عیسی ، که سند آن را به معصوم رسانده است :خداوند متعال با موسی علیه السلام به نجوا سخن گفت و در نجوایش به او فرمود : « ... ای موسی! فرزندان دنیا و اهل آن ، مایه فتنه (فریب و گم راهیِ) یکدیگرند و هر یک ، آنچه را که [از دنیا [دارد ، در نظرش زیبا جلوه می کند ؛ ولی مؤمن ، کسی است که آخرت در نظرش آراسته و زیبا گردیده است و پیوسته به آن می نگرد ، بی آن که از توجّه به آن خسته شود . عشق به آخرت ، میان او و لذّت زندگی مانع گشته و او را در سحرگاهان به تکاپو [و عبادت [کشانده است ، همانند سواری که به سوی مقصدش می راند و شبش را به اندوه و روزش را به غمناکی سپری می کند . خوشا به حال او ، که اگر پرده کنار برود ، چه شادمانی ها که خواهد دید !» .

.

راجع : ج1 ص416 (مضارّ حبّ الدنيا / الاستعلاء) .

2 / 4التَّحذيرُ مِن عَدَمِ الاِهتِمامِ بِالآخِرَهِرسول اللّه صلي الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ يُبغِضُ كُلَّ جَعظَرِيٍّ (1) جَوّاظٍ (2) سَخّابٍ (3) بِالأسواقِ ، جيفَهٍ بِاللَّيلِ حِمارٍ بِالنَّهارِ ، عالِمٍ بِأمرِ الدُّنيا جاهِلٍ بِأمرِ الآخِرَهِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :اِحذَر كُلَّ قَولٍ وفِعلٍ يُؤَدّى إلى فَسادِ الآخِرَهِ وَالدّينِ. (5)

عنه عليه السلام :لَيسَ بِمُؤمِنٍ مَن لَم يَهتَمَّ بِإصلاحِ مَعادِهِ. (6)

عنه عليه السلام :إنَّ مِنَ الشَّقاءِ إفسادَ المَعادِ. (7)

عنه عليه السلام :مَن لَم يَعمَل لِلآخِرَهِ لَم يَنَل أمَلَهُ. (8)

.

1- .الجَعْظَرِىّ : الفَظّ الغليظ المتكبّر (النهايه : ج 1 ص 276 «جعظر») .
2- .الجَوّاظ : الجَموع المَنوع (النهايه : ج 1 ص 316 «جوظ») .
3- .السَّخَب والصَّخَب : الصياح (النهايه : ج 2 ص 349 «سخب») .
4- .صحيح ابن حبّان : ج 1 ص 274 ح 72 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 327 ح 20804 ، موارد الظمآن : ص 485 ح 1975 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 16 ص 4 ح 43679.
5- .غرر الحكم : ح 2597 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 104 ح 2343 .
6- .غرر الحكم : ح 7531 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 412 ح 7012 .
7- .غرر الحكم : ح 3399 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 143 ح 3195 .
8- .غرر الحكم : ح 8994 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 427 ح 7246 .

ر . ک : ج1 ص417 (زیان های دنیا دوستی / برتری جویی) .

2 / 4زنهاردهی از بی توجّهی به آخرتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند ، انسان های تندخوی گردن کلفت بی خیر را که در بازارها هیاهو به راه می اندازند و در شب ، مُردار و در روز ، الاغ و در کار دنیا دانا و در کار آخرت ، نادان اند ، دشمن می دارد.

امام علی علیه السلام :بپرهیز از هر گفتار و کرداری که به تباهی آخرت و دین ، می انجامد.

امام علی علیه السلام :مؤمن نیست کسی که به اصلاح مَعادش اهتمام نورزد.

امام علی علیه السلام :تباه کردن مَعاد ، از بدبختی است .

امام علی علیه السلام :کسی که برای آخرت کار نکند ، به آرزویش نمی رسد .

.

عنه علیه السلام :ما أخسَرَ مَن لَیسَ لَهُ فِی الآخِرَهِ نَصیبٌ. (1)

عنه علیه السلام :ما بالُکُم تَفرَحونَ بِالیَسیرِ مِنَ الدُّنیا تُدرِکونَهُ ولا یَحزُنُکُمُ الکَثیرُ مِنَ الآخِرَهِ تُحرَمونَهُ ! ویُقلِقُکُمُ الیَسیرُ مِنَ الدُّنیا یَفوتُکُم حَتّی یَتَبَیَّنَ ذلِکَ فی وُجوهِکُم ، وقِلَّهِ صَبرِکُم عَمّا زُوِیَ مِنها عَنکُم ؛ کَأَنَّها دارُ مُقامِکُم وکَأَنَّ مَتاعَها باقٍ عَلَیکُم؟ ! (2)فقالَ لَهُ علیّ بن الحسین علیه وعلی آبائه السلامعنه علیه السلام :دَعاکُمُ اللّهُ سُبحانَهُ إلی دارِ البَقاءِ وقَرارَهِ الخُلودِ وَالنَّعماءِ ومُجاوَرَهِ الأَنبیاءِ وَالسُّعَداءِ ، فَعَصَیتُم وأعرَضتُم ، ودَعَتکُمُ الدُّنیا إلی قَرارَهِ الشَّقاءِ ومَحَلِّ الفَناءِ وأنواعِ البَلاءِ وَالعَناءِ ، فَأَطَعتُم وبادَرتُم وأسرَعتُم. (3)الإمام الصادق علیه السلام فِی الدُّعاءِ :رَبِّ دَعَتنی دَواعِی الدُّنیا فَأَجَبتُها سَریعا ورَکَنتُ إلَیها طائِعا ، ودَعَتنی دَواعِی الآخِرَهِ فَتَثَبَّطتُ عَنها وأبطَأتُ فِی الإجابَهِ وَالمُسارَعَهِ إلَیها ، کَما سارَعتُ إلی دَواعِی الدُّنیا وحُطامِهَا الهامِدِ (4) وهَشیمِهَا (5) البائِدِ وسَرابِهَا الذّاهِبِ. (6)

2 / 5حَدُّ الاِهتِمامِ بِالآخِرَهِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :اِعمَل لِدُنیاکَ کَأَنَّکَ تَعیشُ أبَدا ، وَاعمَل لِاٰخِرَتِکَ کَأَنَّکَ تَموتُ غَدا . (7)

.

1- .غرر الحکم : ح 9625 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 480 ح 8821 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 113 ، غرر الحکم : ح 9652 وفیه صدره إلی «تُحرمونه» .
3- .غرر الحکم : ح 5158 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 250 ح 4692 و ح 4693 نحوه .
4- .الهامِد : الیابس (النهایه : ج 5 ص 273 «همد») .
5- .الهَشیم : النبات الیابس المتکسّر (النهایه : ج 5 ص 264 «هشم») .
6- .الکافی : ج 2 ص 591 ح 31 عن عبد الرحمن بن سیّابه ، مصباح المتهجّد : ص 276 ح 383 ، جمال الأُسبوع : ص 143 وفیهما «نسیمها» بدل «هشیمها» ، بحار الأنوار : ج 89 ص 302 ح 10 .
7- .تنبیه الخواطر : ج 2 ص 234 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 3 ص 156 ح 3569 عن العالم علیه السلام ، کفایه الأثر : ص 227 عن جناده بن أبی اُمید (اُمیّه) عن الإمام الحسن علیه السلام ، بحار الأنوار : ج 44 ص 139 ح 6 .

امام علی علیه السلام :چه زیانکار است کسی که او را در آخرت ، بهره ای نیست !

امام علی علیه السلام :شما را چه می شود که به اندک چیزی از دنیا که به دست می آورید ، شادمان می شوید ؛ ولی از دست دادن بسیاری از آخرت ، شما را اندوهگین نمی سازد؟ ! و اندکِ دنیا که از دستتان می رود ، شما را ناراحت و بی تاب می سازد ، چندان که این بی تابی در چهره های شما و در ناشکیبایی تان بر آنچه از شما گرفته شده است ، آشکار می گردد . گویی دنیا اقامتگاه دائمی شماست و کالایش برایتان ماندگار است !

امام علی علیه السلام :خداوند سبحان ، شما را به سوی سرای ماندگاری و اقامتگاه جاودانی و نعمت ها و همسایگی با پیامبران و نیک بختان فرا خوانْد و شما نافرمانی کردید و روی گرداندید ؛ امّا دنیا شما را به اقامتگاه بدبختی و جایگاه نیستی و انواع گرفتاری ها و رنج ها فرا خوانْد و شما اطاعت کردید و از یکدیگر پیشی گرفتید و شتافتید !

امام صادق علیه السلام در دعا :پروردگارا ! دعوتگرانِ دنیا مرا فرا خواندند و من سراسیمه دعوت آنان را پذیرفتم و داوطلبانه اطاعتشان کردم ؛ و دعوتگرانِ آخرت مرا فرا خواندند و من درنگ کردم و در پذیرفتن دعوت آنان و شتافتن به سوی آنان کُندی ورزیدم ، چنان که [بر عکس] به سوی دعوتگران دنیا و خس و خاشاک و علف های خشکیده نابودشونده آن (متاع پوچ و بی ارزش دنیا) و سراب از بین رفتنی اش ، شتاب کردم.

2 / 5اندازه پرداختن به آخرتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای دنیایت چنان کار کن که گویی تا ابد زنده می مانی ، و برای آخرتت چنان کار کن که گویی همین فردا خواهی مُرد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :أصلِحوا دُنياكُم وَاعمَلوا لِاٰخِرَتِكُم كَأَنَّكُم تَموتونَ غَدا. (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اِعمَل عَمَلَ مَن يَرجو أن يَموتَ هَرِما ، وَاحذَر حَذَرَ مَن يَتَخَوَّفُ أن يَموتَ غَدا. (2)

الإمام علىّ عليه السلام مِمّا أوصى بِهِ ابنَهُ الحَسَنَ عليه السلام عِندَ وَفاتِهِ :إذا عَرَضَ شَىءٌ مِن أمرِ الآخِرَهِ فَابدَأ بِهِ ، وإذا عَرَضَ شَىءٌ مِن أمرِ الدُّنيا فَتَأَنَّهُ حَتّى تُصيبَ رُشدَكَ فيهِ . (3)

عنه عليه السلام :إنَّمَا الدَّهرُ ثَلاثَهُ أيّامٍ أنتَ فيما بَينَهُنَّ : مَضى أمسِ بِما فيهِ فَلا يَرجِعُ أبَدا ؛ فَإن كُنتَ عَمِلتَ فيهِ خَيرا لَم تَحزَن لِذَهابِهِ وفَرِحتَ بِمَا استَقبَلتَهُ مِنهُ ، وإن كُنتَ قَد فَرَّطتَ فيهِ فَحَسرَتُكَ شَديدَهٌ لِذَهابِهِ وتَفريطِكَ فيهِ . وأنتَ فى يَومِكَ الَّذى أصبَحتَ فيهِ مِن غَدٍ فى غِرَّهٍ (4) ولا تَدرى لَعَلَّكَ لاتَبلُغُهُ ، وإن بَلَغتَهُ لَعَلَّ حَظَّكَ فيهِ فِى التَّفريطِ مِثلُ حَظِّكَ فِى الأَمسِ الماضى عَنكَ . فَيَومٌ مِنَ الثَّلاثَهِ قَد مَضى أنتَ فيهِ مُفَرِّطٌ ، ويَومٌ تَنتَظِرُهُ لَستَ أنتَ مِنهُ عَلى يَقينٍ مِن تَركِ التَّفريطِ ، وإنَّما هُوَ يَومُكَ الَّذى أصبَحتَ فيهِ ، وقَد يَنبَغى لَكَ إن عَقَلتَ وفَكَّرتَ فيما فَرَّطتَ فِى الأَمسِ الماضى مِمّا فاتَكَ فيهِ مِن حَسَناتٍ ألاّ تَكونَ اكتَسَبتَها ومِن سَيِّئاتٍ ألاّ تَكونَ أقصَرتَ عَنها ، وأنتَ مَعَ هذا مَعَ استِقبالِ غَدٍ عَلى غَيرِ ثِقَهٍ مِن أن تَبلُغَهُ وعَلى غَيرِ يَقينٍ مِن اكتِسابِ حَسَنَهٍ أو مُرتَدَعٍ عَن سَيِّئَهٍ مُحبِطَهٍ (5) ، فَأنتَ مِن يَومِكَ الَّذى تَستَقبِلُ عَلى مِثلِ يَومِكَ الَّذى استَدبَرتَ . فَاعمَل عَمَلَ رَجُلٍ لَيسَ يَأمُلُ مِنَ الأَيّامِ إلاّ يَومَهُ الَّذى أصبَحَ فيهِ ولَيلَتَهُ ، فَاعمَل أو دَع وَاللّهُ المُعينُ عَلى ذلِكَ. (6)

.

1- .مسند الشهاب : ج 1 ص 417 ح 717 ، الفردوس : ج 1 ص 101 ح 334 كلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 15 ص 546 ح 42111.
2- .الكافى : ج 2 ص 87 ح 6 عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 214 ح 8 ؛ السنن الكبرى : ج 3 ص 28 ح 4744 ، شُعب الإيمان : ج 3 ص 402 ح 3886 ، تاريخ دمشق : ج 31 ص

266 والثلاثه الأخيره عن عبداللّه بن عمرو بن العاص نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 672 ح 8418 .
3- .الأمالى للمفيد : ص 221 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 7 ح 8 كلاهما عن الفجيع العقيلى عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 215 ح 16 .
4- .الغِرّه : الغفله (النهايه : ج 3 ص 355 «غرر») .
5- .حَبِطَ عَملُه : بَطَل ثوابه . وأحبَطَه اللّه تعالى (الصحاح : ج 3 ص 1118 «حبط») .
6- .الكافى : ج 2 ص 453 ح 1 عن أبى حمزه عن الإمام زين العابدين عليه السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیایتان را آباد کنید ، و برای آخرتتان چنان کار کنید که گویی همین فردا می میرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عمل کن همانند عمل کردن کسی که امید دارد در پیری بمیرد ، و حذر کن همانند حذر کردن کسی که می ترسد همین فردا بمیرد.

امام علی علیه السلام از سفارش های ایشان به فرزندش حسن علیه السلام ، در هنگام وفاتش :هر گاه چیزی از کار آخرت برایت پیش آمد ، [زود ،] آن را شروع کن ، و هر گاه چیزی از کار دنیا برایت پیش آمد ، درنگ کن تا راه درست را در آن بیابی .

امام علی علیه السلام :روزگار ، سه روز است و تو در میانه آنهایی : دیروزی که با هر آنچه در آن بود ، گذشت و هرگز برنمی گردد . پس ، اگر در آن نیکی انجام داده ای ، از رفتنش اندوهی نداری و از آمدنش خوش حال گشته ای ، و اگر در آن [در انجام دادن اعمال نیک [کوتاهی کرده ای ، از رفتنش و کوتاهی کردنت در آن ، سخت افسوس می خوری . و تو ، در امروزی که در آن به سر می بری ، از فردایش خبر نداری ، و نمی دانی ، که شاید به آن نرسی و اگر هم برسی ، شاید در آن ، همان گونه کوتاهی ورزی که در دیروزِ گذشته کوتاهی کرده ای . پس ، از آن سه روز ، یکی ، روزی است که گذشته است و تو در آن ، کوتاهی ورزیده ای ، و دیگری ، روزی است که چشم به راهش هستی و یقین نداری که در آن ، کوتاهی نمی کنی . تنها روز تو ، آن روزی است که تو در آن به سر می بری ، و تو را سِزَد که در کوتاهی کردن دیروز از دست رفته ات بیندیشی و فکر کنی که چه کارهای نیکی را از دست داده ای و در صدد کسب آنها برنیامده ای و چه بدی ها و گناهانی که در انجام دادنشان کوتاهی نکرده ای . و تو ، با این حال ، با فردایی روبه رو هستی که مطمئن نیستی بِدان می رسی ، و یقین نداری که در آن ، کار نیکی (ثوابی) کسب می کنی و یا از بدی (گناهی) تباه کننده[ی اعمال نیک] باز می ایستی . بنا بر این ، حالتِ تو نسبت به روزی که پیش رو داری ، همانند روزی است که پشت سر گذاشته ای . پس ، همانند کسی عمل کن که از روزها امیدی ندارد ، مگر به همان روز و شبی که در آن به سر می برد . پس ، عمل کن یا وا گذار ، و خدا بر این کار ، یاور است.

2 / 6خصائص طالب الآخِرَةِأ الرَّغبَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :خِيارُكُم عِندَ اللّهِ أزهَدُكُم فِى الدُّنيا وأرغَبُكُم فِى الآخِرَهِ. (1)

الإمام علىّ عليه السلام :كُن فِى الدُّنيا زاهِدا ، وفِى الآخِرَهِ راغِبا. (2)

ب الوَلَهالإمام علىّ عليه السلام :طوبى لِمَن رَكِبَ الطَّريقَةَ الغَرّاءَ ولَزِمَ المَحَجَّةَ البَيضاءَ ، وتَوَلَّهَ (3) بِالآخِرَهِ وأعرَضَ عَنِ الدُّنيا. (4)

.

1- .مستدرک الوسائل : ج 12 ص 51 ح 13488 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب ؛ جامع العلوم والحكم : ج 2 ص 204 عن الحسن نحوه ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 377 ح 10646 عن أبى ذرّ من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، كنزالعمّال : ج 3 ص 192 ح 6116 .
2- .الأمالى للمفيد : ص 119 ح 3 عن الحسن البصرى ، غرر الحكم : ح 2827 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 422 ح 41 .
3- .الوَلَه : ذهاب العقل ، والتحيّر من شدّه الوجد ، وقد وَلِهَ وتَوَلَّهَ واتَّلَهَ (الصحاح : ج 6 ص 2256 «وله») .
4- .غرر الحكم : ح 5972 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 314 ح 5487 .

2 / 6 ویژگی های طالبان آخرت

الف رغبت

ب شیفتگی

2 / 6ویژگی های طالبان آخرتالف رغبتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترینِ شما در نزد خداوند ، زاهدترینِ شما به دنیا و راغب ترینتان به آخرت است.

قال أمیر المؤمنین علیه السلام:امام علی علیه السلام :به دنیا بی رغبت باش و به آخرت ، راغب .ب شیفتگیوقال علیه السلام:امام علی علیه السلام :خوشا به حال کسی که راه روشن ، در پیش گرفت و در مسیر

درست ، حرکت کرد و شیفته آخرت شد و از دنیا روی گرداند!

.

قال أمير المؤمنين عليه السلام:عنه عليه السلام :كونوا عَنِ الدُّنيا نُزّاها ، وإلَى الآخِرَهِ وُلاّها. (1)ومن خطبه له عليه السلام:عنه عليه السلام :شيمَهُ ذَوِى الألباب وَالنُّهى الإقبالُ عَلى دارِ البَقاءِ ، وَالإعراضُ عَن دارِ الفَناءِ ، وَالتَّوَلُّهُ بِجَنَّهِ المَأوى. (2)ج الاِستِعدادومن خطبه له عليه السلام، وهى المعروفه بالشقشقيه:الإمام علىّ عليه السلام :اِستَعِدّوا لِيَومٍ تَشخَصُ فيهِ الأبصارُ ، وتَتَدَلَّهُ (3) لِهَولِهِ العُقولُ ، وتَتَبَلَّدُ (4) البَصائِرُ. (5)قال عليه السلام:عنه عليه السلام :خَيرُ الاِستِعدادِ ما اُصلِحَ بِهِ المَعادُ. (6)د الجِدُّ وَالاِجتِهادومن خطبه له عليه السلام قال:الإمام علىّ عليه السلام :إنَّكَ فى سَبيلِ مَن كانَ قَبلَكَ ، فَاجعَل جِدَّكَ لِاآخِرَتِكَ ولا تَكتَرِث بِعَمَلِ الدُّنيا. (7)فعن أهل البيت عليهم السلام فى حقوق المؤمن:عنه عليه السلام :عَلَيكَ بِالجِدِّ وَالاِجتِهادِ فى إصلاحِ المَعادِ. (8)وروى البخارىّ والترمذىّ وابن ماجه، مرفوعاً:عنه عليه السلام :اِصرِف إلَى الآخِرَهِ وَجهَكَ ، وَاجعَل لِلّهِ جِدَّكَ. (9)
.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 191 ، غرر الحكم : ح 7190.
2- .غرر الحكم : ح 5791 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 297 ح 5305 .
3- .دلَّهَ عقلى : حيّرَه وأدهشَه ، وقد دَلِهَ يَدْلَهُ (النهايه : ج 2 ص 131 «دله») .
4- .تبلَّدَ : تردّد متحيّرا (الصحاح: ج 2 ، ص 449 «بلد») .
5- .غرر الحكم : ح 2573 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 91 ح 2147 وفيه «وتزلّ» بدل «وتتدلّه» .
6- .غرر الحكم : ح 5010 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 238 ح 4529 .
7- .غرر الحكم : ح 3786 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 171 ح 3580 .
8- .غرر الحكم : ح 6135 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 334 ح 5690.
9- .غرر الحكم : ح 2407 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 82 ح 1963 وليس فيه ذيله .

ج آمادگی

د کوشش و تلاش

وروی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :وارسته از دنیا و شیفته آخرت باشید .وروی البخاری والترمذی والنسائی ومسلم والدارمی وابامام علی علیه السلام :خوی و خصلت صاحب دلانِ خردمند ، روی آوردن به سرای ماندگاری ، روی گرداندن از سرای ناپایداری ، و شیفتگی به قرارگاه بهشتی است .ج آمادگیروی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :خود را آماده سازید برای آن روزی که در آن ، چشم ها خیره می گردند و از هراس آن ، خِرَدها از کف می روند و دل ها سرگردان می شوند .روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :بهترین [ابزار] آمادگی ، آن است که با آن ، مَعاد [انسان] آباد شود .د کوشش و تلاشوروی أبو داود مرفوعاً عن ابن عبّاس:امام علی علیه السلام :تو در همان راهی می روی که پیشینیان تو رفتند . پس ، کوششت را برای آخرتت قرار بده و به کار دنیا اعتنا مکن.وروی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :بر تو باد تلاش و کوشش در راه آباد کردن مَعاد!وروی أحمد فی المسند عن ابی سعید مرفوعاً:امام علی علیه السلام :روی خویش را به سوی آخرت بگردان و کوششت را برای خدا قرار بده.

.

روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :جاهِد نَفسَکَ وَاعمَل لِلآخِرَهِ جَهدَکَ. (1)وروى ابن ماجه عن سعد:عنه عليه السلام :عَزيمَهُ الكَيِّسِ وجِدَّهُ لِاِءصلاحِ المَعادِ ، وَالاِستِكثارِ مِنَ الزّادِ. (2)ه العَمَلروى أهل البيت عليهم السلام:رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله :أيُّهَا النّاسُ ! اِسعَوا فى فَكاكِ رِقابِكُم ، وَاعمَلُوا الخَيرَ لِيَومِ فَقرِكُم وفاقَتِكُم. (3)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :اللَّيلُ وَالنَّهارُ مَطِيَّتانِ ، فَاركَبوهُما بَلاغا إلَى الآخِرَهِ. (4)روى أهل البيت عليهم السلامالإمام علىّ عليه السلام :إنَّکَ مَخلوقٌ لِلآخِرَهِ فَاعمَل لَها. (5)وروى أحمد فى المسند والحاكم فى المستدرک عن سهل وأعنه عليه السلام :سالِمِ النّاسَ تَسلَم ، وَاعمَل لِلآخِرَهِ تَغنَم. (6)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :لا يَشغَلَنَّکَ عَنِ العَمَلِ لِلآخِرَهِ شُغلٌ ؛ فَإنَّ المُدَّهَ قَصيرَهٌ. (7)وروى البخارى ومسلم عن أبى هريره:عنه عليه السلام لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أن يَعِظَهُ :لا تَكُن مِمَّن يَرجُو الآخِرَهَ بِغَيرِ العَمَلِ ، ويُرَجِّى التَّوبَهَ بِطولِ الأَمَلِ. (8)وروى أحمد وداود عن معاويه بن عبيده قوله:الإمام الصادق عليه السلام :قالَ عيسَى بنُ مَريمَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ : تَعمَلونَ لِلدُّنيا وأنتُم

تُرزَقونَ فيها بِغَيرِ عَمَلٍ، ولا تَعمَلونَ لِلآخِرَهِ وأنتُم لا تُرزَقونَ فيها إلاّ بِالعَمَلِ ! (9) .

1- .غرر الحكم : ح 2406 .
2- .غرر الحكم : ح 6338 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4451 نحوه.
3- .تنبيه الغافلين : ص 554 ح 898 عن عبد خير عن الإمام علىّ عليه السلام .
4- .الأمالى للشجرى : ج 1 ص 197 ، تاريخ دمشق : ج 61 ص 255 ح 12625 كلاهما عن ابن عبّاس ، كنزالعمّال : ج 3 ص 37 ح 5359 .
5- .غرر الحكم : ح 3810 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 172 ح 3597 .
6- .غرر الحكم : ح 5605 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 285 ح 5148 .
7- .غرر الحكم : ح 10286 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 522 ح 9502 نحوه .
8- .نهج البلاغه : الحكمه 150 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 109 ، تحف العقول : ص 157 وفيه «يرجو» بدل «يرجّى» ، بحار الأنوار : ج 6 ص

37 ح 60 ؛ تذكره الخواصّ : ص 134 نحوه ، كنزالعمّال : ج 16 ص 205 ح 44229 نقلاً عن ابن النجّار .
9- .الكافى : ج 2 ص 319 ح 13 ، الأمالى للطوسى : ص 208 ح 356 كلاهما عن حفص بن غياث ، بحار الأنوار : ج 71 ص 175 ح 13 ؛ سنن الدارمى : ج 1 ص 109 ح 374 ، الزهد لابن حنبل : ص 96 كلاهما عن هشام صاحب الدستوائى .

روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :با نفْس خود ، مبارزه کن و با تمام توانت ، برای آخرت کار کن.وروی الترمذی عن حذیفه:امام علی علیه السلام :تصمیم شخص زیرک و تلاش او ، برای آباد کردن مَعاد و فراهم آوردن هر چه بیشترِ توشه و زاد است .ه عملروی أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی اَلله علیه و آله :ای مردم! در آزادسازیِ خود بکوشید و برای روز ناداری و نیازمندی تان ، کار نیک کنید.وروی الحاکم فی المستدرک:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شب و روز ، دو مَرکب اند . برای رسیدن به آخرت ، بر آن دو ، سوار شوید.روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :تو برای آخرت ، آفریده شده ای . پس برای آن ، کار کن.روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :با مردم در آشتی باش تا سلامت بمانی ، و برای آخرت کار کن تا سود ببَری.روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :مبادا هیچ کاری تو را از کار برای آخرت باز دارد ؛ زیرا که فرصت ، کم است.وروی البخاری وابن ماجه عن ابن مغفل:امام علی علیه السلام خطاب به مردی که از ایشان موعظتی خواست :از آن کسانی مباش که بدون عمل ، به آخرت چشم امید بسته اند و بر اثر آرزوی دراز ، توبه را به تأخیر می افکنند.روی أهل البیت علیهم السلام:عیسی علیه السلام :برای دنیا کار می کنید ، حال آن که در دنیا بدون کار ، روزیِ شما

داده می شود ، و برای آخرت که در آن جز با عمل ، روزی داده نمی شوید ، کار نمی کنید!

.

و التَّزَوُّدالكتاب«وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» . (1)

الحديثالإمام علىّ عليه السلام :ألا مُتَزَوِّدٌ لِآخِرَتِهِ قَبلَ اُزوفِ (2) رِحلَتِهِ.
(3)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :تَفَكَّروا أيُّهَا النّاسُ وتَبَصَّروا وَاعتَبِروا وَاتَّعِظوا، وتَزَوَّدوا لِلآخِرَهِ تَسعَدوا. (4)وروى أحمد فى المسند والترمذى وابن ماجه عن المقدامعنه عليه السلام :اِجعَلوا عِبادَ اللّهِ اجتِهادَكُم فى هذِهِ الدُّنيا التَّزَوُّدَ مِن يَومِهَا القَصيرِ لِيَومِ الآخِرَهِ الطَّويلِ ؛ فَإِنَّها دارُ عَمَلٍ ، وَالآخِرَهُ دارُ القَرارِ وَالجَزاءِ. (5)روى أهل البيت عليهم السلام:الإمام زين العابدين عليه السلام فى الدعاء :وَاجعَل تَقواكَ مِنَ الدُّنيا زادى . (6)وروى الترمذى وابن ماجه والنسائى وأحمد عن سعد:لقمان عليه السلام لِابنِهِ وهُوَ يَعِظُهُ :يا بُنَىَّ ، مِن حينِ سَقَطتَ مِن بَطنِ اُمِّكَ استَدبَرتَ الدُّنيا وَاستَقبَلتَ الآخِرَهَ ، وأنتَ فى كُلِّ يَومٍ إلى مَا استَقبَلتَ أقرَبُ مِنكَ إلى مَا

استَدبَرتَ ، فَتَزَوَّد لِدارٍ أنتَ مُستَقبِلُها ، وعَلَيكَ بِالتَّقوى ؛ فَإِنَّهُ أربَحُ التِّجاراتِ. (7) .

1- .البقره : 197 .
2- .أزِفَ : دنا وقَرُب (النهايه : ج 1 ص 45 «أزف») .
3- .غرر الحكم : ح 2755 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 108 ح 2378 .
4- .غرر الحكم : ح 6589 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 359 ح 6089 .
5- .الكافى : ج 8 ص 174 ح 194 عن محمّد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 150 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 351 ح 31.
6- .الصحيفه السجّاديّه : ص 91 ، الدعاء 21 ، مهج الدعوات : ص 40 و فيه «واجعل زادى من الدنيا تقواك» ، بحار الأنوار : ج 94 ص 334 ح 5 .
7- .إرشاد القلوب : ص 72 ، الاختصاص : ص 338 عن الأوزاعى نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 429 ح 23 .

و توشه برگرفتن

و توشه برگرفتنقرآن«زاد و توشه فراهم سازید که بهترین زاد و توشه ، پرهیزگاری است» .

حدیثروی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :آیا کسی نیست که پیش از نزدیک شدن زمان کوچیدنش [از دنیا ، [برای آخرتش توشه برگیرد؟وروی مسلم والنسائی وابن ماجه عن جابر:امام علی علیه السلام :ای مردم! بیندیشید و بینا شوید و درس عبرت بگیرید و پند بیاموزید و برای آخرت توشه بردارید تا سعادتمند شوید.روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :ای بندگان خدا! کوشش خود را در این دنیا صرف توشه برگرفتن از این چند روزِ کوتاهِ آن برای دوره طولانی آخرت کنید ؛ زیرا که دنیا سرای کار است و آخرت ، سرای اقامت و پاداش.وروی الترمذی والنسائی عن أبی هریره:امام زین العابدین علیه السلام :[خدایا!] پروای از خود را در دنیا ده توشه ام گردان!و أیضاً - روی أهل البیت علیهم السلام:لقمان علیه السلام در اندرز به فرزندش :پسرم! از همان زمان که از شکم مادرت افتادی ، دنیا را پشت سر خود نهادی و آخرت را پیش رویت قرار دادی ، و تو در هر روز ، به آنچه پیش رو داری ، نزدیک تر می شوی تا به آنچه پشت سر

داری . پس ، برای سرایی که پیش رو داری ، توشه برگیر و بر تو باد تقوا که آن سودمندترین سوداگری است.

.

2 / 7آثارُ الاِهتِمامِ بِالآخِرَهِوروى أبو داود وأحمد فى المسند عن ابن عباس:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كانَتِ الآخِرَهُ هَمَّهُ جَعَلَ اللّهُ غِناهُ فى قَلبِهِ ، وجَمَعَ لَهُ شَملَهُ ، وأتَتهُ الدُّنيا وهِىَ راغِمَهٌ ، ومَن كانَتِ الدُّنيا هَمَّهُ جَعَلَ اللّهُ فَقرَهُ بَينَ عَينَيهِ ، وفَرَّقَ عَلَيهِ شَملَهُ ، ولَم يَأتِهِ مِنَ الدُّنيا إلاّ ما قُدِّرَ لَهُ. (1)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :مَن كانَتِ الآخِرَهُ هَمَّهُ وسَدَمَهُ (2) ، لَها يَشخَصُ وإيّاها يَنوى ؛ جَعَلَ اللّهُ الغِنى فى قَلبِهِ ، وجَمَعَ عَلَيهِ ضَيعَتَهُ (3) ، وأتَتهُ الدُّنيا وهِىَ صاغِرَهٌ. (4)روى أهل البيت عليهم السلام أنّه قال:عنه صلى الله عليه و آله :مَن أصبَحَ وأمسى وَالآخِرَهُ أكبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللّهُ لَهُ الغِنى فى قَلبِهِ ، وجَمَعَ لَهُ أمرَهُ ، ولَم يَخرُج مِنَ الدُّنيا حَتّى يَستَكمِلَ رِزقَهُ. (5)وروى أحمد بن حنبل عن زيد بن ثابت قوله:عنه صلى الله عليه و آله :تَفَرَّغوا مِن هُمومِ الدُّنيا مَا استَطَعتُم ؛ فَإِنَّهُ مَن كانَتِ الدُّنيا أكبَرَ هَمِّهِ أفشَى اللّهُ ضَيعَتَهُ ، وجَعَلَ فَقرَهُ بَينَ عَينَيهِ ، ومَن كانَتِ الآخِرَهُ أكبَرَ هَمِّهِ جَمَعَ اللّهُ لَهُ

أُمورَهُ ، وجَعَلَ غِناهُ فى قَلبِهِ. (6) .

1- .سنن الترمذى : ج 4 ص 642 ح 2465 عن أنس ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1375 ح 4105 ، سنن الدارمى : ج 1 ص 80 ح 233 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 140 ح 21646 كلّها عن زيد بن ثابت ، المعجم الكبير : ج 11 ص 213 ح 11690 عن ابن عبّاس وكلّها نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 205 ح 6186 .

2- .السَّدَم : اللّهَج والولوع بالشىء (النهايه : ج 2 ص 355 «سدم») .

3- .الضَّيعه : ما يكون منه معاشه ، كالصنعه والتجاره والزراعه (النهايه : ج 3 ص 108 «ضيع») .

4- .المعجم الأوسط : ج 6 ص 123 ح 5990 وج 8 ص 364 ح 8882 كلاهما عن أنس ، شرح نهج البلاغه : ج 6 ص 231 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 224 ح 264 .

5- .ثواب الأعمال : ص 201 ح 1 عن ابن أبى يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : ج 2 ص 319 ح 15 عن عبد اللّه بن أبى يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص 464 ح 1546 عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيهما ذيله ، تحف العقول : ص 48 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 104 ح 96 .

6- .المعجم الأوسط : ج 5 ص 186 ح 5025 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 227 كلاهما عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : ج 3 ص 184 ح 6077 .

2 / 7آثار اهمّیت دادن به آخرتوروی أهل البیت علیهم السلام - أیضاً-:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که آخرتْ همّ و غم او باشد ، خداوند دلش را بی نیاز می گرداند و پریشانی اش را سامان می دهد و دنیا به رغم میلش ، به او روی می آورد ؛ و کسی که دنیا همّ و غم او باشد ، خداوند فقر را در پیشانی او (/ در پیش چشمانش) قرار می دهد و خاطرش را آشفته می سازد و از دنیا جز همان که برایش مقدّر شده است ، نصیب او نمی شود .روی أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که آخرت ، همّ و غم و وِردش باشد و چشم به آن بدوزد و همواره اندیشه آن را در سر بپروراند ، خداوند دلش را بی نیاز می گرداند و زندگی اش را سامان می بخشد و دنیا ، با حالت زبونی و تسلیم ، به او روی می آورد.و- أیضاً-:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که شب و روز ، بزرگ ترین همّ و غمش آخرت باشد ، خداوند دلش را بی نیاز می گرداند و کارش را سامان می بخشد و از دنیا نمی رود تا آن که روزی اش را کامل دریافت کند.وروی الطبرانی فی المعجم الکبیر عن ابن عباس:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تا می توانید ، خویشتن را از همّ و غم دنیا فارغ گردانید ؛ زیرا هر کس که دنیا بزرگ ترین همّ و غم او باشد ، خداوند زندگی اش را نابسامان

می سازد و فقر را پیش چشم او قرار می دهد ؛ و هر کس که آخرت ، بزرگ ترین همّ و غم او باشد ، خداوند امورش را سر و سامان می دهد و دلش را بی نیاز می گرداند.

.

وروى أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ العَبدَ إن كانَ هَمُّهُ الآخِرَهَ كَفَّ اللّهُ عَلَيهِ ضَيعَتَهُ وجَعَلَ غِناهُ فى قَلبِهِ ، وإن كانَ هَمُّهُ الدُّنيا أفشَى اللّهُ عَلَيهِ ضَيعَتَهُ وجَعَلَ فَقرَهُ بَينَ عَينَيهِ؛ فَلا يُمسى إلاّ فَقيرا ولا يُصبِحُ إلاّ فَقيرا. (1)وروى أبو داود عن أبى موسى:الإمام علىّ عليه السلام :كانَتِ الفُقَهاءُ وَالحُكَماءُ إذا كاتَبَ بَعضُهُم بَعضا كَتَبوا بِثَلاثٍ لَيسَ مَعَهُنَّ رابِعَةً : مَن كانَتِ الآخِرَهُ هَمَّهُ كفاهُ اللّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنيا . . . (2)روى أهل البيت عليهم السلام:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ : يَابنَ آدَمَ ، تَفَرَّغ لِعِبادَتى أملَاَء صَدرَکَ غِنىً وأسُدَّ فَقرَکَ ، وإلاّ تَفعَلَ مَلاَءتُ يَدَيکَ شُغلاً ولَم أسُدَّ فَقرَکَ. (3)وروى أبو داود والترمذى والنسائى عن رافع بن خديج اعنه صلى الله عليه و آله :مَن اُحُدٍ وَالنّاسُ مُحدِقونَ بِهِ :أيُّهَا النّاسُ ! أقبِلوا عَلى ما كُلِّفتُموهُ مِن إصلاحِ آخِرَتِكُم ، وأعرِضوا عَمّا ضُمِنَ لَكُم مِن دُنياكُم ، ولا تَستَعمِلوا جَوارِحَ غُذِّيَت بِنِعمَتِهِ فِى التَّعَرُّضِ لِسَخَطِهِ بِمَعصِيَتِهِ ، وَاجعَلوا شُغلَكُم فِى التِماسِ مَغفِرَتِهِ ، وَاصرِفوا هِمَّتَكُم بِالتَّقَرُّبِ إلى طاعَتِهِ ، مَن بَدَأ بِنَصيبِهِ مِنَ الدُّنيا فَإنَّهُ (4) نَصيبُهُ مِنَ الآخِرَهِ ولَم يُدرِک مِنها مايُريدُ ، ومَن بَدَأ

بِنَصيبِهِ مِنَ الآخِرَهِ وَصَلَ إلَيهِ نَصيبُهُ مِنَ الدُّنيا وأدرَکَ مِنَ الآخِرَهِ مايُريدُ. (5)
.

1- .الزهد لابن حنبل : ص 42 عن الحسن ، سنن الدارمى : ج 1 ص 101 ح 337 عن الحسن من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، الزهد لهنّاد: ج 2 ص 354 ح 667 عن أنس وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 3 ص 190 ح 6105 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج4 ص396 ح5845 عن إسماعيل بن مسلم ، ثواب الأعمال : ص216 ح1 عن السكونى وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عن على عليهم السلام .
3- .سنن الترمذى : ج 4 ص 643 ح 2466 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 279 ح 8704 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 481 ح 3657 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 289 ح 10339 كلّها عن أبى هريره وفى الثلاثه الأخيره «صدرک» بدل «يديک» ، كنزالعمّال : ج 15 ص 770 ح 43022 .
4- .فى أعلام الدين : «فاته» بدل «فإنَّه» ، وهو الأقرب للمعنى .
5- .عدّه الداعى : ص 288 ، أعلام الدين : ص 339 ح 23 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، بحار الأنوار : ج 77 ص 182 ح 23 .

و-أیضاً-:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده اگر همّ و غمش آخرت باشد ، خداوند زندگی اش را برای او سامان می بخشد و بی نیازی اش را در دلش قرار می دهد ؛ و اگر همّ و غمش دنیا باشد ، خداوند زندگی اش را برای او پریشان و پُرمشغله می سازد و فقر را پیش چشم او قرار می دهد . در نتیجه ، شب و روزش را جز با نیازمندی سپری نمی کند (همیشه احساس فقر می نماید) .وروی مسلم وداود والترمذی «أنّه نهی عن بیع النخل حامم علی علیه السلام :فقیهان و حکیمان هر گاه با همدیگر مکاتبه می کردند ، سه چیز را می نوشتند که چهارمی نداشت : آن که همتش آخرت باشد ، خدا کار دنیایش را کفایت می کند... .وروی أبو داود والبخاری والنسائی وابن ماجه عن عمروپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای والامرتبه می فرماید : «ای فرزند آدم ! خود را وقف عبادت من کن تا سینه ات را از بی نیازی پر کنم و فقرت را بزدایم . در غیر این صورت ، دستانت را پر از کار [و مشغله [می گردانم و فقرت را برطرف نمی سازم» .و-أیضاً- روی أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بازگشتش از جنگ اُحُد ، در حالی که مردمْ ایشان را در میان گرفته بودند :ای مردم ! به آباد کردن آخرتتان که بِدان مکلّف شده اید روی آورید و از دنیایتان که برای شما تضمین شده است [و روزیِ تان در آن ، خواه ناخواه می رسد] ، روی گردانید و اعضا و جوارحی را که به نعمت های او تغذیه شده است ، در معصیت او که موجب خشم خداوند می شود به کار نگیرید و به طلب آمرزش از او بپردازید و همّت خود را صرف تقرّب به طاعت او کنید .

کسی که به بهره اش از دنیا آغاز کند ، بهره اش از آخرت را از کف می دهد

و به آنچه از آخرت می خواهد ، نمی رسد ؛ و کسی که به بهره اش از آخرت آغاز کند ، سهمش از دنیا به او می رسد و از آخرت نیز به آنچه می خواهد ، دست می یابد . .

وروى البخارى ومسلم وأبو داود والترمذى عن ابن عمر:الإمام علىّ عليه السلام :مَن أصبَحَ وَالآخِرَهُ هَمُّهُ استَغنى بِغَيرِ مالٍ ، وَاستَأنَسَ بِغَيرِ أهلٍ ، وعَزَّ بِغَيرِ عَشيرَهٍ. (1)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :اِجعَل هَمَّکَ لِمَعادِکَ تَصلَح. (2)وروى البخارى والترمذى وابن ماجه ومسلم وأبو داود عنه عليه السلام :مَن كانَت هِمَّتُهُ آخِرَتَهُ ، كَفاهُ اللّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنيا. (3)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن جَعَلَ كُلَّ هَمِّهِ لِآخِرَتِهِ ، ظَفِرَ بِالمَأمولِ. (4)وروى مسلم وداود والنسائى عن ابن عبّاس:عنه عليه السلام :مَن كانَتِ الآخِرَهُ هِمَّتَهُ ، بَلَغَ مِنَ الخَيرِ غايَهَ اُمنِيَّتِهِ. (5)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :اِشتِغالُکَ بِإِصلاحِ مَعادِکَ يُنجيکَ مِن عَذابِ النّارِ. (6)وروى البخارى عن أبى هريره:عنه عليه السلام لِجابِرِ بنِ عَبدِ اللّهِ الأنصارِىِّ :يا جابِرُ ، قِوامُ الدّينِ وَالدُّنيا بِأربَعَهٍ : عالِمٍ مُستَعمِلٍ عِلمَهُ ، وجاهِلٍ لا يَستَنكِفُ أن يَتَعَلَّمَ ، وجَوادٍ لا يَبخَلُ بِمَعروفِهِ ، وفَقيرٍ لا يَبيعُ آخِرَتَهُ بِدُنياهُ . فَإِذا ضَيَّعَ العالِمُ عِلمَهُ استَنكَفَ الجاهِلُ أن يَتَعَلَّمَ ،

وإذا بَخِلَ الغَنِىُّ بِمَعروفِهِ باعَ الفَقيرُ آخِرَتَهُ بِدُنياهُ . (7) .

1- .الأمالى للطوسى : ص 580 ح 1198 عن عبد اللّه بن محمّد بن عبيد عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 71 عن محمّد بن عجلان عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام الصادق عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 70 ص 318 ح 29 .
2- .غرر الحكم : ح 2308 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 78 ح 1879 .
3- .الكافى : ج 8 ص 307 ح 477 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 396 ح 5845 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، الخصال : ص 129 ح 133 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 181 ح 36 .
4- .غرر الحكم : ح 8512 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 449 ح 7991 .
5- .غرر الحكم : ح 8902 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 434 ح 7489 .
6- .غرر الحكم : ح 1484 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 70 ح 1775 وص 127 ح 2911 وليس فيهما «عذاب» .
7- .نهج البلاغه : الحكمه 372 ، نزهه الناظر : ص 70 ح 66 عن ابن عبّاس نحوه وفيه «قيام الدنيا» بدل «يا جابر ، قوام الدين والدنيا» ، الدعوات : ص

229 ح 637 عن جابر ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 402 ح 274 نحوه وليس فيه ذيله من «فإذا ضيّع العالم . . .» وليس فى الأخيرين «الدين» ، بحار الأنوار : ج 74 ص 417 ح 39 .

وروی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :هر کس روز خود را آغاز کند ، در حالی که همّ و غم او آخرت باشد ، در عین بی پولی ، بی نیاز خواهد بود و در عین بی کسی ، از تنهایی به در می آید و با وجود نداشتن قوم و قبیله ، عزیز و قدرتمند خواهد بود.وروی مالک فی الموطّأ عن عمر:امام علی علیه السلام :همّت خود را صرف مَعادَت کن تا مَعادَت آباد شود.روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :کسی که همّتش آخرتش باشد ، خداوند همّ و غم دنیای او را برطرف می سازد.وروی البخاری مسلم وابن ماجه عن ابی هریره:امام علی علیه السلام :هر کس تمام همّ و غمش را برای آخرتش قرار دهد ، به آرزو می رسد .روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :کسی که آخرتْ همّت او باشد ، در خوبی ، به نهایت آرزویش می رسد.وروی الترمذی:امام علی علیه السلام :پرداختن تو به آباد کردن مَعادَت ، تو را از عذاب آتش می رهاند.و- أیضاً-:امام علی علیه السلام خطاب به جابر :ای جابر! سامان یافتن دین و دنیا ، به چهار چیز است : عالمی که علمش را به کار می گیرد ، جاهلی که از آموختن خودداری نمی کند ، بخشنده ای که در بخشش خویش بخل نمی ورزد ، و فقیری که آخرتش را به دنیایش نمی فروشد . پس هر گاه عالم ، علم خود را تباه کند ،

جاهل [نیز [از آموختن ، خودداری خواهد کرد و هر گاه توانگر در بخشش خود بُخل ورزد ، فقیر [نیز [آخرتش را به دنیایش خواهد فروخت . .

روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن حَرَصَ عَلَى الآخِرَهِ مَلَکَ ، مَن حَرَصَ عَلَى الدُّنيا هَلَکَ. (1)وروى أبو داود وابن ماجه عن ابن عمر:عنه عليه السلام :حَلاوَهُ الآخِرَهِ تُذهِبُ مَضاضَهَ (2) شَقاءِ الدُّنيا. (3)و-أيضاً-:الإمام الصادق عليه السلام :مَن كانَتِ الآخِرَهُ أكبَرَ هَمِّهِ ، كَشَفَ اللّهُ عَنهُ ضيقَهُ ، وجَمَعَ لَهُ أمرَهُ ، وأتَتهُ الدُّنيا وهِىَ راغِمَهٌ. (4)راجع : ص 336 (آثار ذكر الآخره)

و 346 (بركات عماره الآخره) ،

ج1 ص414 (فساد النفس / الهلاک) .

.

1- .غرر الحكم : ح 8441 و ح 8442 .
2- .مَضِضْت من الشىء: تَألَّمت (المصباح المنير : ص 574 «مضض») .
3- .غرر الحكم : ح 4880 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4435 .
4- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 49 ح 132 عن أبى هاشم ، بحار الأنوار : ج 73 ص 126 ح 122.

روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :هر کس حریص آخرتش باشد ، آن را به دست می آورد ؛ و هر کس برای دنیا حرص بزند ، نابود می شود.وروی الترمذی فی الجنائز عن ابن عمر:امام علی علیه السلام :شیرینی آخرت ، رنج و درد گرفتاری دنیا را می بَرد.روی أهل البیت علیهم السلام:امام صادق علیه السلام :کسی که آخرت ، بزرگ ترین همّ و غم او باشد ، خداوند سختی و تنگنایی را از او برطرف می سازد و امورش را سامان می بخشد و دنیا به رغم میلش ، به او روی می آورد.ر . ک: ص 337 (آثار یاد کردن آخرت)

و 347 (برکات آباد کردن آخرت) ،

ج1 ص 415 (تباهی جان / هلاکت) .

.

الفصل الثالث: ذكر الآخره3 / 1الحَثُّ عَلى ذِكرِ الآخِرَهِروى أهل البيت عليهم السلام:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَكفيكُم مِنَ النَّفلِ ذِكرُ الآخِرَهِ. (1)ثمّ أتى النبىّ سبعه أو ثمانيه أو تسعه فقال:عنه صلى الله عليه و آله لِعَلِىٍّ عليه السلام :يا عَلِىُّ ، مَثِّلِ الآخِرَهَ فى قَلبِکَ وَالمَوتَ نَصبَ عَينَيکَ ، ولا تَنسَ مَوقِفَکَ بَينَ يَدَيِ اللّهِ ، وكُن مِنَ اللّهِ عَلى وَجَلٍ ، وَاذكُر نِعَمَ اللّهِ ، وَاكفُف عَن مَحارِمِ اللّهِ ، ونابِذ (2) هَواکَ. (3)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :رَحِمَ اللّهُ عَبدا اِستَحيا مِن رَبِّهِ حَقَّ الحَياءِ ؛ فَحَفِظَ الرَّأسَ وما حَوى ، وَالبَطنَ وما وَعى ، وذَكَرَ القَبرَ وَالبِلى ، وذَكَرَ أنَّ لَهُ فِى الآخِرَهِ مَعادا. (4) .

1- .الفردوس : ج 5 ص 544 ح 9038 عن أسماء بنت أبى بكر ؛ جامع الأخبار : ص 359 ح 1000 وفيه «التفكّر» بدل «النفل» .
2- .نابَذَ : خالَفَ (انظر المصباح المنير : ص 590 «نبذ») .
3- .الفردوس : ج 5 ص 317 ح 8307 عن الإمام علىّ عليه السلام .
4- .الاختصاص : ص 229 ، مشكاه الأنوار : ص 412 ح 1376 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 71 ص 336 ح 21 .

3 / 1 تشویق به یادآوری آخرت

فصل سوم: یاد آخرت3 / 1تشویق به یادآوری آخرتروی أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای تفکّر ، همین شما را بس که به یاد آخرت باشید.وروی أحمد فی المسند عن عباده بن الصامت:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام :ای علی! آخرت را در دلت مجسّم کن [و همواره به یاد آن باش] و مرگ را پیش چشم خود قرار بده و ایستادنت را در پیشگاه خداوند [در روز رستاخیز برای داوری و رسیدگی به اعمال] ، فراموش مکن و از خدا بیمناک باش و نعمت های خدا را [همواره] به یاد داشته باش و از حرام های خدا باز ایست و با هوس خود ، مخالفت کن .و-أیضاً-:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رحمت خدا بر آن بنده ای که از پروردگارش ، چنان که می باید ، شرم کرد ؛ پس ، سر و آنچه را در سر است ، و شکم و آنچه را [از خوراک [در شکم قرار می گیرد ، [از ناپاکی و حرام] نگه داشت و قبر و پوسیدن را [همواره [یاد کرد و به یاد داشت که او را در آخرت ، بازگشتی است!

.

روى أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :بِئسَ العَبدُ عَبدٌ سَها ولَها ونَسِیَ المَقابِرَ وَالبِلی ، بِئسَ العَبدُ عَبدٌ عَتا وطَغی ونَسِیَ المُبتَدَأ وَالمُنتَهی. (1)وروی داود عن أبی هریره:الإمام علیّ علیه السلام :ذِکرُ الآخِرَهِ دَواءٌ وشِفاءٌ ، ذِکرُ الدُّنیا أدوَأ الأدواءِ. (2)روی أهل البیت علیهم السلام:عنه علیه السلام :لَقَد رَأیتُ أصحابَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ، فَما أری أحَدا یُشبِهُهُم مِنکُم ! لَقَد کانوا یُصبِحونَ شُعثا غُبرا ، وقَد باتوا سُجَّدا وقِیاما یُراوِحونَ بَینَ جِباهِهِم وخُدودِهِم ، ویَقِفونَ عَلی مِثلِ الجَمرِ مِن ذِکرِ مَعادِهِم. (3)روی أهل البیت علیهم السلام:عنه علیه السلام من خُطبَهٍ یَصِفُ فیها زَمانَهُ بِالجَورِ ویُقَسِّمُ النّاسَ فیهِ خَمسَهَ أصنافٍ ، ثُمَّ یُزَهِّدُ فِی الدُّنیا :وبَقِیَ رِجالٌ غَضَّ أبصارَهُم ذِکرُ المَرجِعِ ، وأراقَ دُموعَهُم خَوفُ المَحشَرِ ، فَهُم بَینَ شَریدٍ نادٍّ (4) ، وخائِفٍ مَقموعٍ (5) ، وساکِتٍ مَکعومٍ (6) ، وداعٍ مُخلِصٍ ، وثَکلانَ موجَعٍ ، قَد أخمَلَتهُمُ (7) التَّقِیَّهُ ، وشَمِلَتهُمُ الذِّلَّهُ ، فَهُم فی بَحرٍ اُجاجٍ ، أفواهُهُم ضامِزَهٌ (8) ، وقُلوبُهُم قَرِحَهٌ ، قَد وَعَظوا حَتّی مَلّوا ، وقُهِروا حَتّی ذَلّوا ، وقُتِلوا حَتّی قَلّوا. (9) .

1- .سنن الترمذی: ج 4 ص 632 ح 2448 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 351 ح 7885 ، المعجم الکبیر : ج 24 ص 156 ح 401 ، شُعب الإیمان : ج 6 ص 287 ح 8181 کلّها عن أسماء بنت عمیس ، الفردوس : ج 2 ص 22 ح 2144 عن أسماء بنت عمر وکلّها نحوه ، کنز العمّال : ج 16 ص 97 ح 44054 .
2- .غرر الحکم : ح 5175 و 5176 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 256 ح 4748 وص 255 ح 4721 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 97 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 307 ح 29.
4- .نَدَّ : أی شرد وذهب علی وجهه (النهایه : ج 5 ص 35 «ندد») . و فی بحار الأنوار : «ناءٍ» .
5- .قَمَعْتهُ : قَهَرْتهُ (المحیط فی اللغه : ج 1 ص 204 «قمع») .
6- .مکعوم : مِن کَعْم البعیر ؛ وهو أن یشدّ فمه إذا هاج (النهایه : ج 4 ص 180 «کعم») .
7- .خَمَل ذِکْرُه وصوته : خفی . وأخمَلَه اللّه تعالی ، فهو خامل ساقط لا نباهه له (القاموس المحیط : ج 3 ص 371 «خَمَلَ») .
8- .الضّامِز : المُمسِک (النهایه : ج 3 ص 100 «ضمز») .

9- .نهج البلاغه : الخطبه 32 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 5 ح 54 ؛ مطالب السؤول : ص 32 نحوه .

وروی أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بد بنده ای است آن بنده ای که دچار سرگرمی و غفلت است و قبرستان و پوسیده شدن را از یاد برده است! بد بنده ای است آن که نافرمانی و سرکشی کرده و آغاز و فرجام را به فراموشی سپرده است!روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :یاد آخرت ، دارو و درمان است . یاد دنیا ، بدترین دردهاست.وروی البخاری عن أبی هریره:امام علی علیه السلام :من یاران محمّد صلی الله علیه و آله را دیده ام و هیچ یک از شما را شبیه آنان نمی بینم! آنان صبح می کردند ، در حالی که موهایشان ژولیده و چهره هایشان غبارآلود بود و شب را تا صبح به سجده و قیام می گذراندند و پیشانی ها و گونه هایشان را [در پیشگاه خداوند] به خاک می ساییدند و از یاد مَعادشان چنان ناآرام بودند که گویی بر روی آتش ایستاده اند.روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام بخشی از خطبه ایشان که در آن ، از جور زمانه اش می گوید و مردم روزگارش را به پنج گروه تقسیم می کند و سپس به زهد (بی رغبتی به دنیا) فرا می خواند :و [معدود] مردانی باقی مانده اند که یاد بازگشتگاه (قیامت) ، دیدگان آنان را [بر هر حرام و ناروایی] فرو بسته است و ترس رستاخیز ، اشک هایشان را جاری ساخته است .

برخی از آنان رانده و آواره شده اند ، برخی ترسان و مقهور گشته اند، برخی خاموشی اختیار کرده و لب فرو بسته اند، برخی مخلصانه همچنان [به حق و حقیقت [دعوت می کنند ، برخی گریان و دردمندند و تقیّه آنها را به گم نامی کشانده و ناتوانی ، وجودشان را فرا گرفته است ، چنان که گویی در دریایی تلخ فرو رفته اند. دهان هایشان بسته و دل هایشان جریحه دار است . آن قدر نصیحت کرده اند که خسته شده اند ، و چندان مقهور [و سرکوب] گشته اند که به خواری و ناتوانی درافتاده اند، و چندان کشته داده اند که شمارشان اندک گشته است. .

3 / 2ما يُذَكِّرُ الآخِرَهَوروى أبو نعيم فى الحليه:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عودُوا المَرضى وَاتَّبِعُوا الجَنائِزَ تُذَكِّرُكُمُ الآخِرَهَ. (1)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى اللّه عليه و آله : فى حِكمَهِ زِيارَهِ القُبورِ : فَزوروها ؛ فَإِنَّها تُزَهِّدُ فِى الدُّنيا وتُذَكِّرُ الآخِرَهَ. (2)وروى أبو داود والنسائى والبخارى ومسلم وابن ماجه عنه صلى الله عليه و آله أيضا :زوروها ؛ فَإِنَّها تُرِقُّ القَلبَ ، وتُدمِعُ العَينَ ، وتُذَكِّرُ الآخِرَهَ. (3)و-أيضاً-:عنه صلى الله علَيه و آله :زورُوا القُبورَ ؛ فَإِنَّها تُذَكِّرُكُمُ الآخِرَهَ. (4)وروى إبن ماجه عن ابن عباس:عنه صلى الله عليه و آله :إذا دُعيتُم إلَى الجَنائِزِ فَأسرِعوا ؛ فَإِنَّها تُذَكِّرُ الآخِرَهَ. (5)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله علَيه و آلَه لاِعَبى ذَ رٍّ :زُرِ القُبورَ تَذكُرِ بِها الآخِرَهَ ، وَاغسِلِ المَوتى ؛ فَإِنَّ مُعالَجَهَ جَسَدٍ خاوٍ مَوعِظَهٌ بَليغَهٌ ، وصَلِّ عَلَى الجَنائِزِ لَعَلَّ ذلِکَ يَحزُنُکَ ؛ فَإِنَّ الحَزينَ

فى ظِلِّ اللّهِ يَومَ القِيامَهِ. (6) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 96 ح 11445 ، الأدب المفرد : ص 158 ح 518 ، صحيح ابن حبّان : ج 7 ص 221 ح 2955 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 532 ح 6578 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : ج 9 ص 95 ح 25143 ؛ الدعوات : ص 227 ح 635 ، إرشاد القلوب : ص 12 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 224 ح 32 .
2- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 501 ح 1571 ، السنن الكبرى : ج 4 ص 129 ح 7197 كلاهما عن ابن مسعود ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 306 ح 1235 عن ربيعه بن النابغه عن أبيه عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيه «تزهد فى الدنيا» كنز العمّال : ج 15 ص 646 ح 42554 .
3- .السنن الكبرى : ج 4 ص 129 ح 7198 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 532 ح 1393 ، نحوه وكلاهما عن أنس ، كنزالعمّال : ج 15 ص 646 ح 42555.
4- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 500 ح 1569 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 3 ص 223 ح 4 كلاهما عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 15 ص 646 ح 42551 .
5- .قرب الإسناد : ص 86 ح 281 عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، الجعفريّات : ص 33 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 220 عن

الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 72 ص 296 ح 20 .
6- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 366 ح 7941 وج 1 ص 533 ح 1395 ، شُعب الإيمان : ج 7 ص 15 ح 9291 وفيهما «يتعرّض كلّ خير» بدل «يوم القيامه» وكلّها عن أبى ذرّ ، كنز العمّال : ج 15 ص 649 ح 42568 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 288 عن أبى ذرّ نحوه وراجع الدعوات : ص 277 ح 801 .

3 / 2عوامل یادآوری آخرتو-أیضاً-:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از بیماران ، عیادت کنید و در تشییع جنازه ها شرکت نمایید ، که اینها آخرت را به یاد شما می آورند .وروی البخاری ومسلم والترمذی وأبو داود والنسائی عنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان حکمت زیارت قبور :آنها را زیارت کنید ؛ زیرا که این کار ، موجب بی رغبتی به دنیا و یادآوری آخرت می شود.روی أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روایتی دیگر :به زیارت قبور بروید ؛ زیرا که این کار ، دل را نازک می کند و چشم را اشکبار می سازد و آخرت را به یاد می آورد.وروی الطبرانی فی الکبیر:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به زیارت قبور بروید که این کار ، شما را به یاد آخرت می اندازد .روی أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه به تشییع جنازه دعوت شدید ، شتاب کنید ؛ زیرا که شما را به یاد آخرت می اندازد.وروی أبو داود عن أبی هریره:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر :به زیارت قبور برو و از این طریق ، یاد آخرت کن . مردگان را غسل بده ؛ زیرا که زیر و رو کردن یک جسد بی جان ،

اندرزی مؤثّر است ، و بر جنازه ها نماز بخوان ؛ باشد که این کار ، تو را اندوهگین سازد ، که شخص اندوهناک ، روز قیامت در سایه [و پناه خداست] .

.

روى أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :كَفى بِالمَوتِ مُزَهِّدا فِى الدُّنيا ومُرَغِّبا فِى الآخِرَهِ. (1)وروى أبو داود وأحمد عن أبى هريره:الإمام علىّ عليه السلام :عودوا مَرضاكُم وَاشهَدوا جَنائِزَكُم وزوروا قُبورَ مَوتاكُم ؛ فَإِنَّ ذلِکَ يُذَكِّرُكُمُ الآخِرَهَ. (2)3 / 3ما يُنسِى الآخِرَهَ طولُ الأَمَلوروى الترمذى وابن ماجه والبخارى فى الأدب المفرد ورسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ أخوَفَ ما أخافُ عَلى اُمَّتِى الهَوى وطُولُ الأَمَلِ ؛ أمَّا الهَوى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الحَقِّ ، وأمّا طولُ الأَمَلِ فَيُنسِى الآخِرَهَ . (3)روى أهل البيت عليهم السلام:الإمام علىّ عليه السلام :إنَّما أهلَکَ النّاسَ خَصلَتانِ؛ هُما أهلَکَتا مَن كانَ قَبلَكُم وهُما مُهلِکَتانِ مَن يَكونُ بَعدَكُم : أمَلٌ يُنسِى الآخِرَهَ ، وهَوىً يُضِلُّ عَنِ السَّبيلِ. (4) .

1- .المصنّف لابن أبى شيبه : ج 8 ص 129 ح 28 عن الربيع ، كنز العمّال : ج 15 ص 547 ح 42117 .
2- .مسند زيد : ص 180 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليهماالسلام .
3- .الخصال : ص 51 ح 62 عن جابر بن عبداللّه ، الكافى : ج 2 ص 335 ح 3 عن يحيى بن عقيل عن الإمام علىّ عليه السلام ، الأمالى للمفيد : ص 93 ح 1 عن حبّه العرنى عن الإمام علىّ عليه السلام ، نهج البلاغه : الخطبه 42 عن الإمام علىّ عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 163 ح 16 ؛ شُعب الإيمان : ج 7 ص 370 ح 10616 عن جابر بن عبداللّه ، الزهد لابن المبارک : ص 86 ح 255 عن الإمام علىّ عليه السلام ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 494 عن أبى عبد الرحمن السلمى عن الإمام علىّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج 16 ص 22 ح 43764 .
4- .الغارات : ج 2 ص 501 عن يحيى بن سعيد عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 73 ص 167 ح 30 .

3 / 3 عوامل از یاد بردن آخرت

الف آرزوی دراز

وروی ابن ماجه عن ابن عمر:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مرگ ، بهترین عامل بی رغبتی به دنیا و شوق به آخرت است.روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :از بیمارانتان عیادت کنید و در تشییع جنازه هایتان شرکت نمایید و به زیارت قبور مردگانتان بروید ؛ زیرا که این کارها شما را به یاد آخرت می اندازد.3 / 3عوامل از یاد بردن آخرتالف آرزوی درازروی أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ترسناک ترین چیزهایی که از آنها بر امّتم می ترسم ، هوای نفْس و آرزوی دراز است . هوای نفْس ، از حق باز می دارد و آرزوی دراز ، آخرت را از یاد [انسان [می برد .روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :در حقیقت ، دو خصلت ، مردم را به نابودی کشانده است . این دو ، کسانی را که پیش از شما بوده اند ، نابود کرده و همین دو ، کسانی را که بعد از شما نیز می آیند ، نابود خواهد کرد : آرزو که آخرت را از یاد [انسان [می برد ، و هوای نفْس که [انسان را] گم راه می سازد.

.

روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَعالى إذا أرادَ بِعَبدٍ خَيرا حالَ بَينَهُ وبَينَ ما يَكرَهُ ، ووَفَّقَهُ لِطاعَتِهِ ، وإذا أرادَ اللّهُ بِعَبدٍ سوءا أغراهُ بِالدُّنيا وأنساهُ الآخِرَةَ ، وبَسَطَ لَهُ أمَلَهُ ، وعاقَهُ عَمّا فيهِ صَلاحُهُ. (1)ب كَثرَةُ المالروى أهل البيت عليهم السلام:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِحذَرُوا المالَ ، فَإِنَّهُ كانَ فِيما مَضى رَجُلٌ قَد جَمَعَ مالاً ووَلَدا ، وأقبَلَ عَلى نَفسِهِ وعِيالِهِ وجَمَعَ لَهُم فَأَوعى ، فَأتاهُ مَلَكُ المَوتِ فَقَرَعَ بابَهُ وهُوَ فى زِىِّ مِسكينٍ ، فَخَرَجَ إلَيهِ الحُجّابُ فَقالَ لَهُم : اُدعوا إلَىَّ سَيِّدَكُم . قالوا : أو يَخرُجُ سَيِّدُنا إلى مِثلِكَ ! ودَفَعوهُ حَتّى نَحَّوهُ عَنِ البابِ .

ثُمَّ عادَ إلَيهِم فى مِثلِ تِلكَ الهَيئَةِ (2) ، وقالَ : اُدعوا إلَىَّ سَيِّدَكُم وأخبِروهُ أنّى مَلَكُ المَوتِ ، فَلَمّا سَمِعَ سَيِّدُهُم هذَا الكَلامَ قَعَدَ خائِفا فَرِقا (3) ، وقالَ لِأَصحابِهِ : لينوا لَهُ فِى المَقالِ ، وقولوا لَهُ : لَعَلَّكَ تَطلُبُ غَيرَ سَيِّدِنا بارَكَ اللّهُ فيكَ !

قالَ لَهُم : لا ، ودَخَلَ عَلَيهِ وقالَ لَهُ : قُم فَأَوصِ ما كُنتَ موصِيا ؛ فَإِنّى قابِضٌ روحَكَ قَبلَ أن أخرُجَ . فَصاحَ أهلُهُ وبَكَوا .

فَقالَ : اِفتَحُوا الصَّناديقَ وَاكتُبوا (أكِبّوا) ما فيهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ ، ثُمَّ أقبَلَ عَلَى المالِ يَسُبُّهُ ويَقولُ لَهُ : لَعَنَكَ اللّهُ يا مالُ ! أنسَيتَنى ذِكرَ رَبّى وأغفَلتَنى عَن أمرِ آخِرَتى حَتّى بَغَتَنى من أمرِ اللّهِ ما قَد بَغَتَنى؟! (4)راجع : ج1 ص434 (مضارّ حبّ الدنيا / الشغل عن الآخره) .

.

1- .شرح نهج البلاغه : ج 16 ص 153 ؛ بحار الأنوار : ج 33 ص 97 ح 403 .
2- .فى المصدر : «الهيبه» ، والتصويب من بحار الأنوار .
3- .الفَرَق: الخوف والفزع (النهايه : ج 3 ص 438 «فرق») .
4- .عدّه الداعى : ص 95 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 24 ح 27 .

ب دارایی بسیار

وروی البخاری والترمذی عن ابن عباس:امام علی علیه السلام :خدای متعال هر گاه خیر بنده ای را بخواهد ، میان او و آنچه ناخوش می دارد ، حائل می شود و او را به طاعت خودش موفّق می دارد ؛ و خدا هر گاه برای بنده ای بدی اراده کند ، او را فریفته دنیا می گرداند و آخرت را از یادش می برد و آرزویش را دراز می سازد و او را از آنچه صلاح او در آن است ، باز می دارد.ب دارایی بسیارروی أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از ثروت حذر کنید ؛ زیرا که در گذشته مردی بود که مال و اولاد گرد آورد و به خود و خانواده اش پرداخت و برای آنان جمع کرد و اندوخت . ملک الموت در هیئت شخصی فقیر به نزد او آمد و درِ خانه اش را کوبید . دربانان بیرون آمدند . ملک الموت به آنان گفت : خواجه خویش را صدا بزنید که نزد من بیاید.

دربانان گفتند : «خواجه ما برای چون تو کسی ، بیرون آید؟ !» و او را عقب راندند و از درِ خانه دورش کردند.

ملک الموت دوباره با همان هیئت به سوی آنان آمد و گفت : خواجه خویش را صدا بزنید و به او بگویید من ملک الموت هستم .

خواجه ، چون این سخن را شنید ، از ترس و هراس نشست و به یارانش گفت : با او به نرمی سخن بگویید و به او بگویید : خدا خیرت دهد ! شاید دنبال کس دیگری غیر از خواجه ما هستی !

ملک الموت به آنان گفت : خیر . و نزد خواجه رفت و به وی گفت : برخیز و آنچه می خواهی ، وصیّت کن ؛ زیرا پیش از آن که بیرون روم ، جانت را خواهم گرفت .

اهل خانه فریاد زدند و گریستند.

خواجه به آنان گفت : صندوق ها را باز کنید و آنچه را از زر و سیم در آنهاست ، بنویسید (/ بریزید) . آن گاه رو به پول ها کرده و به دشنام دادن به آنها پرداخت و گفت : لعنت خدا بر شما پول ها ! پروردگارم را از یاد من بردید و مرا از کار آخرتم غافل ساختید تا آن که فرمان خدا چنین مرا

غافلگیر کرد !ر . ک: ج1 ص 435 (زیانهای دنیا دوستی / بازماندن از آخرت)
.

.

ج الحِرصُ عَلَى الدُّنياوروى مسلم والنسائى والترمذى وأبو داود عن عائشه:الإمام علىّ عليه السلام :إيّاكَ أن تَغتَرَّ بِما تَرى مِن إخلادِ أهلِ الدُّنيا إلَيها ، وتَكالُبِهِم عَلَيها ؛ فَقَد نَبَّأَكَ اللّهُ عَنها ، ونَعَت هِىَ لَكَ عَن نَفسِها ، وتَكَشَّفَت لَكَ عَن مَساوِئِها ؛ فَإنَّما أهلُها كِلابٌ عاوِيَهٌ ، وسِباعٌ ضارِيَهٌ ، يَهِرُّ بَعضُها عَلى بَعضٍ ، ويَأكُلُ عَزيزُها ذَليلَها ، ويَقهَرُ كَبيرُها صَغيرَها ، نَعَمٌ مُعَقَّلَهٌ (1) ، واُخرى مُهمَلَهٌ ، قَد أضَلَّت عُقولَها ، ورَكِبَت مَجهولَها ، سُروحُ عاهَهٍ (2) بِوادٍ وَعِثٍ (3) ، لَيسَ لَها راعٍ يُقيمُها ، ولا مُسيمٌ يُسيمُها (4) ، سَلَكَت بِهِمُ الدُّنيا طَريقَ العَمى ، وأخَذَت بِأبصارِهِم عَن مَنارِ الهُدى ، فَتاهوا فى حَيرَتِها ، وغَرِقوا فى نِعمَتِها ، وَاتَّخَذوها رَبّا ، فَلَعِبَت بِهِم ولَعِبوا بِها ، ونَسوا ما وَراءَها ، رُوَيدا يُسفِرُ الظَّلامُ كَأن قَد وَرَدَتِ الأظعانُ ، يوشِكُ مَن أسرَعَ أن يَلحَقَ (5)روى أهل البيت عليهم السلام:الإمام الباقر عليه السلام :اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مَفاتيحَ الخَيرِ وخَواتيمَهُ ... اللّهُمَّ انهَجِ إلَىَّ أسبابَ مَعرِفَتِهِ ، وَافتَح لى أبوابَهُ ، وغَشِّنى بِبَرَكاتِ رَحمَتِكَ ، ومُنَّ عَلَىَّ بِعِصمَهٍ عَنِ الإزالَهِ عَن دينِكَ ، وطَهِّر قَلبى مِنَ الشَّكِّ ، ولا تَشغَل قَلبى بِدُنيايَ ، وعاجِلِ مَعاشى عَن آجِلِ ثَوابِ آخِرَتى. (6)وروى فى الموطأ عن ابن المسيّب:الإمام الصادق عليه السلام :كَم مِن طالِبٍ لِلدُّنيا لَم يُدرِكها ، ومُدرِكٍ لَها قَد فارَقَها ، فَلا

يَشغَلَنَّكَ طَلَبُها عَن عَمَلِكَ ، وَالتَمِسها مِن مُعطيها ومالِكِها ، فَكَم مِن حَريصٍ عَلَى الدُّنيا قَد صَرَعَتهُ ، وَاشتَغَلَ بما أدرَكَ مِنها عَن طَلَبِ آخِرَتِهِ ، حَتّى فَنِيَ عُمُرُهُ وأدرَكَهُ أجَلُهُ. (7) .

1- .المعَقَّلَه : المشدوده (النهايه : ج 3 ص 281 «عقل») .
2- .العاهَه: الآفه. وأعاهَ القَومُ : أصابَت ماشِيَتَهم العاهه (الصحاح: ج 6 ص 2242 «عوه») .
3- .الوَعْث : الرمل ، والمشى فيه يشتدّ على صاحبه ويشقّ (النهايه : ج 5 ص 206 «وعث») .
4- .السائمه من الماشيه : الراعيه؛ يقال : سامَت تَسُوم سَوْما ، وأسَمْتُها أنا (النهايه : ج 2 ص 426 «سوم») .
5- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، كشف المحجّه : ص 229 عن عمر بن أبى المقدام عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام ، تحف العقول : ص 76 نحوه ، بحار الأنوار: ج 77 ص 224 ح 2 .
6- .الكافى : ج 2 ص 588 ح 26 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 76 ح 234 ، مُهج الدعوات : ص 217 كلّها عن أبى حمزه الثمالى ، المقنعه : ص 178

من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 94 ص 269 ح 3 .
7- .الكافى : ج 2 ص 455 ح 9 ، مشكاه الأنوار : ص 464 ح 1549 نحوه .

ج آزمندی به دنیا

ج آزمندی به دنیاروی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :مبادا چسبیدن دنیاپرستان به دنیا و حرص و آزمندی شان به آن ، تو را بفریبد ؛ چرا که خداوند تو را از حال دنیا آگاه ساخته ، و دنیا ، خود نیز از حقیقت خویش ، پرده برداشته و بدی هایش را برای تو آشکار ساخته است .

همانا دنیاپرستان ، [چونان] سگان پارس کننده و ددان درنده اند که بر یکدیگر خُرناس می کشند . نیرومندشان ناتوانشان را می خورد و بزرگ ترهایشان کوچک ترهایشان را مغلوب می کنند ، [یا چونان [اُشترانی (/ چارپایانی) هستند ، برخی پای بسته و برخی دیگر رها شده [در بیابان [که خِرَدهایشان را از دست داده اند و راه بیابان خشک در پیش گرفته اند، [یا چونان] رمه هایی آفت زده که به صحرایی شنزار رو کنند ، نه چوپانی دارند که آنها را سر و سامان دهد و نه چراننده ای که به چراگاهشان بَرد .

دنیا آنان (دنیاپرستان) را به راه کوری (بیراهه) کشانده و دیدگانشان را از مناره هدایت فرو پوشانده است . از این رو، در حیرانی های دنیا سرگردان اند و در ناز و نعمت های آن غرقه گشته اند و آن را به پروردگاری گرفته اند . دنیا آنها را به بازی گرفته است و آنان نیز با دنیا بازی می کنند و فراسوی دنیا (آخرت) را از یاد برده اند . مشتاب ، که به زودی ، تاریکی برطرف می شود ، گویا مسافران به منزل رسیده اند و آنان که می شتابند ، به زودی [به کاروانیان[می پیوندند.وروی البخاری ومسلم وأحمد عن أبی هریرهامام باقر علیه السلام :بارخدایا! من از تو آنچه را نیکی با آن آغاز می شود و پایان می یابد ، درخواست می کنم ... .

بارخدایا! اسباب شناخت خیر (خوبی) را برایم روشن بگردان و درهای آن را به رویَم بگشای و مرا غریق برکات رحمتت بگردان و با مصون داشتنم از انحراف از دینت ، مرا رهین منّتت ساز و قلبم را از تردید ، پاک بگردان و دلم را با مشغول کردن به دنیایم و مَعاش این جهان گذرا ، از پاداش آینده آخرتم باز مدار.روی أهل البیت علیهم السلام:امام صادق علیه السلام :چه بسیار دنیاطلبانی که به آن نرسیدند و چه بسیار کسانی که به

دنیا رسیدند و از آن جدا شدند [و رفتند] ! پس مبادا که طلب دنیا ، تو را از عمل کردن [برای آخرت] باز بدارد . و دنیا را از دهنده آن و مالکش (خداوند) بخواه . ای بسا آزمندِ به دنیا که دنیا او را به خاک افکنْد و به جهت آنچه از دنیا به دست آورْد ، از طلب آخرتش باز مانْد ، تا آن که عمرش سپری شد و مرگش فرا رسید !

.

راجع : ج1 ص210 ح 286 .

د مُجالَسَةُ أهلِ المَعاصیوروی أحمد فی المسند عن أبی الدرداء:عیسی علیه السلام :لا تُجالِسوا أهلَ المَعاصی! فَیُرَغِّبوکُم فِی الدُّنیا ویُنسوکُم الآخِرَهِ . (1)ه سَماعُ اللّهوفقال علیّ علیه السلام:لقمان علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ لِابنِهِ :لا تَسمَعِ المَلاهی؛ فَإِنَّها تُنسیکَ الآخِرَهَ ، ولکِن احضُرِ الجَنائِزَ ، وزُرِ المَقابِرَ ، وتَذَکَّرِ المَوتَ وما بَعدَهُ مِنَ الأَهوالِ ؛ فَتَأخُذَ حِذرَکَ. (2)3 / 4آثارُ ذِکرِ الآخِرَهِفقال عمر:الإمام علیّ علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ علیه السلام :أکثِر ذِکرَ الآخِرَهِ وما فیها مِنَ النَّعیمِ وَالعَذابِ الأَلیمِ ؛ فَإِنَّ ذلِکَ یُزَهِّدُکَ فِی الدُّنیا ویُصَغِّرُها عِندَکَ. (3)فقال علقمه الخصیّ لعمر:عنه علیه السلام :مَن أکثَرَ مِن ذِکرِ الآخِرَهِ قَلَّت مَعصِیَتُهُ. (4) .

1- .نثر الدرّ : ج 7 ص 36 .
2- .إرشاد القلوب : ص 72.
3- .تحف العقول : ص 76 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 205 ح 1 نقلاً عن کشف المحجّه .
4- .غرر الحکم : ح 8769 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 437 ح 7563 .

د همنشینی با گنه پیشگان

ه گوش سپردن به آلات لهو و لعب

3 / 4 آثار یاد کردن آخرت

ر . ک: ج1 ص 211 ح286 .

د همنشینی با گنه پیشگانوروی البخاری فی الأدب المفرد والحاکم فی المستدرکعیسی علیه السلام :با اهل معاصی ، همنشینی نکنید که شما را به دنیا علاقه مند می سازند و آخرت را از یادتان می برند.ه گوش سپردن به آلات لهو و لعبوروی فی الموطأ وأبو داود عن عائشه:لقمان علیه السلام در سفارش به فرزندش :به آلات لهو و لعب ، گوش مکن ؛ زیرا که اینها آخرت را از یاد تو می برند ؛ بلکه در تشییع جنازه ها شرکت کن ، به زیارت قبور برو و مُردن و هول و هراس های پس از آن را یاد کن تا همواره هشیار و آماده باشی.3 / 4آثار یاد کردن آخرتوروی النسائی والترمذی وأبو داود عن جابر:امام علی علیه السلام در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام :آخرت و نعمت ها و عذاب دردناکِ آن را بسیار یاد کن ؛ زیرا که این کار ، تو را به دنیا بی رغبت می سازد و آن را در نزد تو کوچک می گرداند.وروی ابن ماجه عن عبدالرحمن بن عوف:امام علی علیه السلام :هر کس بسیار یاد آخرت کند ، کمتر مرتکب گناه می شود.

.

روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :طوبى لِمَن ذَكَرَ المَعادَ فَاستَكثَرَ مِنَ الزّادِ. (1)وروى البيهقى فى شعب الإيمان عن ابن مسعود:عنه عليه السلام :طوبى لِمَن ذَكَرَ المَعادَ فَأحسَنَ. (2)راجع : ص 316 (آثار الاهتمام بالآخره)

و 328 (ما يذكّر الآخره)

و 342 (عماره الآخره) .

3 / 5آثارُ نِسيانِ الآخِرَهِالكتاب« وَنَادَى أَصْحَبُ النَّارِ أَصْحَبَ الْجَنَّهِ أَنْ أَفِيضُواْ عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُواْ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَفِرِينَ * الَّذِينَ اتَّخَذُواْ دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَوهُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُواْ لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُواْ بِئَايَتِنَا يَجْحَدُونَ» . (3)

« وَ لَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُواْ رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَ سَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ * وَ لَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَ لَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّى لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ * فَذُوقُواْ بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَكُمْ وَ ذُوقُواْ عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» . (4)

«وَ قِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَأْوَاكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُم مِّن نَّصِرِينَ * ذَ لِكُم بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ ءَايَتِ اللَّهِ هُزُوًا وَ غَرَّتْكُمُ الْحَيَوهُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لاَ يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَ لاَ هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ» . (5)

.

1- .غرر الحكم : ح 5954 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 314 ح 5494 .
2- .غرر الحكم : ح 5980 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 313 ح 5478 .
3- .الأعراف : 50 و 51 .
4- .السجده : 12 14 .
5- .الجاثيه : 34 و 35 .

وروی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :خوشا آن که به یاد مَعاد بود و در نتیجه ، توشه افزود!روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :خوشا آن که به یاد مَعاد بود و در نتیجه ، کار نیک کرد!ر . ک: ص 317 (آثار اهمیّت دادن به آخرت)

و 329 (عوامل یادآوری آخرت)

و 343 (آباد کردن آخرت) .

3 / 5آثار از یاد بردنِ آخرتقرآن«و دوزخیان ، بهشتیان را آواز می دهند که : از آن آب ، یا از آنچه روزیِ شما کرده است ، بر ما فرو ریزید . [بهشتیان [می گویند : «خدا آنها را بر کافران ، حرام کرده است» . همانان که دین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگی دنیا فریبشان داد . پس ، همان گونه که آنان دیدار امروزخود را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند ، ما نیز امروز ، آنان را از یاد می بریم» .

«و کاش هنگامی را که مجرمان ، سرهایشان را پیش پروردگارشان به زیر افکنده اند ،می دیدی[که می گویند] : «پروردگارا! دیدیم و شنیدیم . پس ، ما را باز گردان تا کار شایسته کنیم ؛چرا که ما یقین داریم» . و اگر می خواستیم ، حتما به هر کسی به اجبار ، هدایتش رامی دادیم ؛ لیکن سخن من ، محقّق گردیده که : «هر آینه جهنّم را از همه جِنّیان و آدمیان خواهم آکند» . پس به [سزای [آن که دیدار این روزتان را از یاد بردید ، [عذاب را [بچشید و به[سزای] آنچه انجام می دادید ، عذاب جاودان را بچشید» .

«و گفته [می]شود : «همان گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید ، امروز ، شما رافراموش خواهیم کرد ، و جایگاهتان در آتش است و شما را یاورانی نخواهد بود» . این ، بِدان سبب است که شما آیات خدا را به ریشخند گرفتید و زندگی دنیا فریبتان داد . پس ، امروز ، نه ازاین [آتش ، [بیرون آورده می شوند و نه عذرشان پذیرفته می گردد» .

.

«يَدَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَکَ خَلِيفَةً فِى الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لاَ تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّکَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدُ بِمَا نَسُواْ يَوْمَ الْحِسَابِ » . (1)

الحديثو-أيضاً-:الإمام علىّ عليه السلام فى ذَمِّ عَمرِو بنِ العاصِ :عَجَبا لِابنِ النّابِغَهِ ! يَزعُمُ لِاَهلِ الشّامِ أنَّ فِىَّ دُعابَهً وأنِّى امرُؤٌ تِلعابَهٌ (2) ، اُعافِسُ (3) واُمارِسُ ! لَقَد قالَ باطِلاً ونَطَقَ آثِما. أما وشَرُّ القَولِ الكَذِبُ إنَّهُ لَيَقولُ فَيَكذِبُ ، ويَعِدُ فَيُخلِفُ ، ويُسأَلُ فَيَبخَلُ ، ويَسأَلُ فَيُلحِفُ (4) ، ويَخونُ العَهدَ ويَقطَعُ الإِلَّ (5) ؛ فَإذا كانَ عِندَ الحَربِ فَأىُّ زاجِرٍ وآمِرٍ هُوَ ما لَم تَأخُذِ السُّيوفُ مَآخِذَها ، فَإذا كانَ ذلِکَ كانَ أكبَرُ مَكيدَتِهِ أن يَمنَحَ القَرمَ (6) (القَومَ) سُبَّتَهُ (7) ، أما وَاللّهِ إنّى لَيَمنَعُنى مِنَ اللَّعِبِ ذِكرُ المَوتِ ، وإنَّهُ لَيَمنَعُهُ مِن قَولِ الحَقِّ نِسيانُ الآخِرَهِ ، إنَّهُ لَم يُبايِع مُعاوِيَهَ حَتّى شَرَطَ أن يُؤتِيَهُ أتِيَّهً ، ويَرضَخَ لَهُ عَلى تَركِ الدّينِ رَضيخَهً (8) . (9)راجع : ص 330 (ما ينسى الآخره) .

.

1- .صآ : 26.
2- .التِّلعابَهُ : الكثير اللعب والمرَح . والتاء زائده (النهايه : ج 1 ص 194 «تلعب») .
3- .المُعافَسَه : المعالجه والممارسه والملاعبه (النهايه : ج 3 ص 263 «عفس») .
4- .يقال : أَلْحفَ فى المسأله يُلحِف إلحافا : إذا ألحّ فيها ولزمها (النهايه : ج 4 ص 237 «لحف») .
5- .الإلّ : النسب والقرابه (النهايه : ج 1 ص 61 «ألل») .
6- .القَرْم من الرجال : السيّد المعظّم (لسان العرب: ج 12 ص 473 «قرم») .
7- .السُّبَّه : الاست ؛ أى العجز أو حلقه الدبر . والمراد به كشفه سوأته شاغرا برجليه لمّا لقيه أمير المؤمنين عليه السلام فى بعض أيّام صفّين وقد اختلطت الصفوف واشتعل نار الحرب (بحار الأنوار : ج 33 ص 222) .
8- .الرَّضْخ : العطيّه القليله (النهايه : ج 2 ص 228 «رضخ») . والمراد بالأتيّه والرضيخه ولايه مصر . ولعلّ التعبير عنها بالرضيخه لقلّتها بالنسبه إلى ترک الدين (بحار الأنوار : ج 33 ص 222) .

9- .نهج البلاغه : الخطبه 84 ، الاحتجاج : ج 1 ص 433 ح 96 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 221 ح 509 .

«ای داوود! ما تو را در زمین ، خلیفه (جانشین) قرار دادیم . پس ، میان مردم به حق داوری کن و زنهار از هوس ، پیروی مکن که تو را از راه خدا به در می کند . در حقیقت ، کسانی که از راه خدابه درمی روند ، به [سزای] آن که روز حساب را فراموش کرده اند ، عذابی سخت خواهند داشت» .

حدیثروی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام در نکوهش عمرو بن عاص :شگفتا از پسر نابغه! (1) به اهل شام گفته است که من مردی لوده و بازیگوشم ، و [مدام] شوخی و بازیگری می کنم!

حقّا که یاوه گفته است و زبان به گناه آلوده است . بدانید که او در حالی که بدترین سخن ، [سخنِ [دروغ است کارش دروغ گفتن است ، کارش خُلف وعده است ، کارش بخل ورزیدن است ، و در خواستن ، سماجت می کند . عهدشکن و بُرنده پیوند خویشاوندی است .

در هنگام جنگ ، تا شمشیرها به حرکت درنیامده اند، چه امر و نهی کننده ای است ؛ امّا همین که شمشیرها سرها را نشانه می روند ، بزرگ ترین نیرنگش این است که ما تحتش (عورتش) را برای بزرگ مرد (/ جماعت) نمایان می سازد!

هان که به خدا سوگند ، یاد مرگ ، مرا از پرداختن به سرگرمی و بازیچه ، باز می دارد ، و از یاد بردن آخرت ، او را از گفتن حق ، مانع می شود . او با معاویه بیعت نکرد ، مگر آن گاه که با او شرط نمود عطیّه ای به او بدهد و در قبال دست بر داشتن از دینش ، آن دِهِش ناچیز (حکومت مصر) را عطایش کند.ر . ک: ص 331 (عوامل از یاد بردن آخرت) .

.

1- .نابغه، نام مادر عمرو بن عاص است که زنی بد نام بود .

الفصل الرابع: عماره الآخره4 / 1الحَثُّ عَلى حَرثِ الآخِرَهِ وعِمارَتِهاالكتاب«مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الآخِرَهِ نَزِدْ لَهُ فِى حَرْثِهِ وَ مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِى الآخِرَهِ مِن نَّصِيبٍ » . (1)

الحديثوروى -أيضاً- عن أهل البيت عليهم السلام أنّه قال:الإمام علىّ عليه السلام :مَن عَمَرَ دُنياهُ خَرَّبَ مَآ لَهُ ، مَن عَمَرَ آخِرَتَهُ بَلَغَ آمالَهُ. (2)وروى مسلم والترمذى وابن ماجه وأبو داود عن ابن مسعنه عليه السلام :يُنادى مُنادٍ يَومَ القِيامَهِ : ألا إنَّ كُلَّ حارِثٍ مُبتَلىً فى حَرثِهِ وعاقِبَهِ عَمَلِهِ غَيرَ حَرَثَهِ القُرآنِ ؛ فَكونوا مِن حَرَثَتِهِ وأتباعِهِ ، وَاستَدِلّوهُ عَلى رَبِّكُم ، وَاستَنصِحوهُ عَلى أنفُسِكُم ، وَاتَّهِموا عَلَيهِ آراءَكُم ، وَاستَغِشّوا (3) فيهِ أهواءَكُم. (4) .

1- .الشورى : 20 . والحَرْث : الزرع ، والمراد به : نتيجه الأعمال التى يؤتاها الإنسان فى الآخره على سبيل الاستعاره ، كأنّ الأعمال الصالحه بذور وما تنتجه فى الآخره حَرْث. والمراد بالزياده له فى حرثه : تكثير ثوابه ومضاعفته ، قال تعالى : «مَن جَآءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» الأنعام : 160 ، وقال : «وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَن يَشَآءُ» البقره : 261 (الميزان فى تفسير القرآن : ج 18 ص 40) .)
2- .غرر الحكم : ح 8347 و ح 8348 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 455 ح 8202 و ح 8203 .
3- .اسْتَغَشّه : ضدّ انتصحه واستنصحه ، أو ظنّ به الغِشّ (القاموس المحيط : ج 2 ص 281 «غشّ») .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 176 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 24 ح 24 .

4 / 1 تشویق به کِشتن و آباد کردن آخرت

فصل چهارم: آباد کردن آخرت4 / 1تشویق به کِشتن و آباد کردن آخرتقرآن«کسی که کِشت آخرت بخواهد ، برای وی بر کِشته اش می افزاییم ، و کسی که کِشت دنیابخواهد ، به او از آن می دهیم ، و[لی] در آخرت ، او را نصیبی نیست» .

حدیثروی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :آن که دنیایش را آباد می کند ، بازگشتگاهش را ویران می کند ؛ [و [آن که آخرتش را آباد می کند ، به آرزوهایش دست می یابد .وروی البخاری عن ابن عباس:امام علی علیه السلام :روز قیامت ، منادی ای بانگ می زند : «هان! [امروز ، [هر کِشتگری گرفتار [و در گرو [کِشته خویش و فرجام کار خود است ، بجز کِشتگرانِ قرآن» .

پس ، شما از کشتگرانِ قرآن و پیروان آن باشید و از آن به پروردگارتان راه ببرید و آن را مشاور خود قرار دهید و آرایتان را با آن بسنجید و خواست ها (عقاید و کیش ها)یتان را در برابر آن ، ناخالص بدانید.

.

روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :إنَّ مِن أبغَضِ الرِّجالِ إلَى اللّهِ تَعالى لَعَبدا وَكَلَهُ اللّهُ إلى نَفسِهِ ، جائِرا عَن قَصدِ السَّبيلِ سائِرا بِغَيرِ دَليلٍ ، إن دُعِيَ إلى حَرثِ الدُّنيا عَمِلَ ، وإن دُعِيَ إلى حَرثِ الآخِرَهِ كَسِلَ ! كَأَنَّ ما عَمِلَ لَهُ واجِبٌ عَلَيهِ ، وكَأَنَّ ما وَنى (1) فيهِ ساقِطٌ عَنهُ. (2)وروى ابن ماجه والنسائي عن عائشه:عنه عليه السلام :سارِعوا إلى مَنازِلِكُم رَحِمَكُمُ اللّهُ الَّتي اُمِرتُم بِعِمارَتِهَا ، العامِرَهِ الَّتى لا تَخرَبُ ، الباقِيَهِ الَّتى لا تَنفَدُ ، الَّتى دَعاكُم إلَيها وحَضَّكُم عَلَيها ورَغَّبَكُم فيها ، وجَعَلَ الثَّوابَ عِندَهُ عَنها. (3)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :إنَّكُم إلى عِمارَهِ دارِ البَقاءِ أحوَجُ مِنكُم إلى عِمارَهِ دارِ الفَناءِ. (4)وروى الترمذي وأبو داود عن علىّ عليه السلام:عنه عليه السلام :يَنبَغى لِلعاقِلِ أن يُقَدِّمَ لِآخِرَتِهِ ويَعمُرَ دارَ إقامَتِهِ. (5)و-أيضاً-:لقمان عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِوَلَدِهِ :اِعلَم يا بُنَيَّ ، أنِ مِن حينِ نَزَلتَ مِن بَطنِ اُمِّكَ استَدبَرتَ الدُّنيا وَاستَقبَلتَ الآخِرَهَ ، فَأصبَحتَ بَينَ دارَينِ : دارٍ تَقرُبُ مِنها ودارٍ تَباعَدُ عَنها ، فَلا تَجعَلَنَّ هَمَّكَ إلاّ عِمارَهَ دارِكَ الَّتى تَقرُبُ مِنها ويَطولُ مُقامُكَ بِها ؛ فَلَها خُلِقتَ وبِالسَّعيِ لَها اُمِرتَ ، ثُمَّ أطِعِ اللّهَ بِقَدرِ حاجَتِكَ إلَيهِ ، وَاعصِهِ بِقَدرِ صَبرِكَ عَلى عَذابِهِ. (6)راجع : ص134 ح1020 ،

ج1 ص106 (الدنيا مزرعه الآخره)

وص208 ح284 و 285 .

.

1- .وَنَى : فَتَرَ وقَصَّر (النهايه : ج 5 ص 231 «ونا») .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 103 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 58 ح 37.
3- .الكافى : ج 8 ص 361 ح 551 عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : ج 77 ص 364 ح 33.
4- .غرر الحكم : ح 3832 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 173 ح 3611 .
5- .غرر الحكم : ح 10932 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 555 ح 10231 .
6- .أعلام الدين : ص 93.

عن أهل البيت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :از منفورترین مردمان در نزد خدای متعال ، بنده ای است که خداوند او را به خود وا گذاشته ، از راه راست به در رفته و بی راهنما حرکت می کند . اگر به کِشت دنیا فرا خوانده شود ، عمل می کند و اگر به کِشت آخرت دعوت شود ، تنبلی می ورزد ! تو گویی آنچه برای آن عمل می کند (کار دنیایی) ، بر او واجب است و آنچه در آن سستی و کوتاهی می ورزد (کار آخرت) ، از او برداشته است.وروی أحمد عن ابن مسعود:امام علی علیه السلام :خدایتان رحمت کناد ! به سوی منزلگاه هایتان که به آباد کردن آنها مأمور شده اید ، بشتابید ؛ منزلگاه های آبادی که [هرگز [خراب نمی شوند و منزلگاه های ماندگاری که [هیچ گاه] از بین نمی روند ؛ منزلگاه هایی که [خداوند ، [شما را به سوی آنها فرا خوانده و به آنها تشویقتان کرده و پاداش خود را در آنها قرار داده است.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :شما به آباد کردن سرایِ ماندن ، نیازمندترید تا به آباد کردن سرای رفتن .وروی ابن ماجه عن ابن عمر:امام علی علیه السلام :سزاوار است که خردمند ، آخرت خویش را مقدَّم بدارد و سرای اقامتش را آباد سازد.عن أهل البیت علیهم السلام:لقمان علیه السلام در سفارش به فرزندش :بدان ای فرزندم از همان زمان که از شکم مادرت افتادی ، دنیا به تو پشت کرد و آخرت به تو روی نمود و تو ، در میان دو سرای ، قرار گرفتی : سرایی که به آن نزدیک می شوی و سرایی [دیگر [که هماره از آن دور می گردی .

پس ، زنهار که همّ و غم خود را جز برای آباد کردن آن سرایت قرار ندهی که به آن نزدیک می شوی و در آن ، اقامتت به درازا می کشد ؛ زیرا تو برای آن سرا آفریده شده ای و به تلاش برای آن ، مأمور گشته ای.

دیگر ، آن که: از خداوند ، به اندازه ای که به او نیاز داری ، اطاعت کن و به اندازه ای که تحمّل عذابش را داری ، از او نافرمانی کن.ر . ک: ص 135 ح 1020 ،

ج1 ص107 (دنیا ، کشتزار آخرت)

وص209 ح284 و 285 .

.

4 / 2بَرَكاتُ عِمارَهِ الآخِرَهِالكتاب«مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الآخِرَهِ نَزِدْ لَهُ فِى حَرْثِهِ وَ مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِى الآخِرَهِ مِن نَّصِيبٍ » . (1)

الحديثعن أهل البيت عليهم السلام:رسول اللّه صلي الله عليه و آله :مَن أصلَحَ أمرَ آخِرَتِهِ ، أصلَحَ اللّهُ لَهُ أمرَ دُنياهُ. (2)و-أيضاً-:عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ يُعطِى الدُّنيا عَلى نِيَّهِ الآخِرَهِ ، وأبى أن يُعطِىَ الآخِرَهَ عَلى نِيَّهِ الدُّنيا. (3)وروى البخارى ومسلم والترمذى وأحمد عن عائشه:عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَهٌ مَن كُنَّ فيهِ يَستَكمِلُ إيمانَهُ : رَجُلٌ لا يَخافُ فِى اللّهِ لَومَهَ لائِمٍ ، ولا يُرائى بِشَى ءٍ مِن عَمَلِهِ ، وإذا عُرِضَ عَلَيهِ أمرانِ ؛ أحدُهُما لِلدُّنيا وَالآخَرُ لِلآخِرَهِ ، اختارَ أمرَ الآخِرَهِ عَلَى الدُّنيا. (4)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ العَبدَ المُؤمِنَ إذا كان فِى انقِطاعٍ مِنَ الدُّنيا وإقبالٍ مِنَ الآخِرَهِ نَزَلَ إلَيهِ مَلائِكَهٌ مِنَ السَّماءِ ، بيضُ الوُجوهِ كَأَنَّ وُجوهَهُمُ الشَّمسُ ، مَعَهُم كَفَنٌ مِن أكفانِ الجَنَّهِ ، وحُنوطٌ مِن حُنوطِ الجَنَّهِ ، حَتّى يَجلِسوا مِنهُ مَدَّ البَصَرِ ، ثُمَّ يَجى ءُ مَلَكُ المَوتِ حَتّى يَجلِسَ عِندَ رَأسِهِ ، فَيَقولَ : أَيَّتُهَا النَّفسُ الطَّيِّبَهُ ، اُخرُجى إلى

مَغفِرَهٍ مِنَ اللّهِ ورِضوانٍ. (5) .

1- .الشورى : 20 .
2- .عدّه الداعى : ص 216 ، نهج البلاغه : الحكمه 89 ، غرر الحكم : ح 8857 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 72 ص 305 ح 51 .
3- .الزهد لابن المبارک : ص 193 ح 549 ، مسند الشهاب : ج 2 ص 164 ح 1108 ، الفردوس : ج 1 ص 151 ح 546 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : ج 3 ص 181 ح 6056 ؛ إرشاد القلوب : ص 186 وفيه «ولا» بدل «وأبى أن» ، بحار الأنوار : ج 103 ص 25 ح 29 نقلاً عن عدّه الداعى وفيه «بعمل» بدل «على نيّه» فى كلا الموضعين .
4- .تاريخ دمشق : ج 38 ص 13 ح 7577 عن أبى هريره ، كنز العمّال : ج 15 ص 817 ح 43247 .
5- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 413 ح 18559 ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج 3 ص 256 ح 1 ، شُعب الإيمان : ج 1 ص 356 ح 395 ، الزهد لهنّاد : ج 1 ص 205 ح 339 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 94 ح 107 ، مسند

الطيالسى : ص 102 ح 753 كلاهما نحوه وكلّها عن البرّاء بن عازب ، كنز العمّال : ج 15 ص 627 ح 42495 .

4 / 2برکات آباد کردن آخرتقرآن«کسی که کِشت آخرت را بخواهد ، برای وی بر کِشته اش می افزاییم ، و کسی که کِشت این دنیا رابخواهد ، به او از آن می دهیم ؛ ولی در آخرت ، او را نصیبی نیست» .

حدیثعن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس کار آخرتش را درست کند ، خداوند کار دنیایش را برای او درست می نماید.وروی الترمذی وأبو داود عن زید بن ثابت:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، دنیا را با انگیزه آخرت می دهد و امتناع دارد که آخرت را با انگیزه دنیا بدهد. (1)عن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه چیز است که هر کس آنها را دارا باشد ، ایمانش را کامل گردانیده است ، این که : در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری نهراسد ، و در هیچ کارش ریا نکند ، و هر گاه دو کار برایش پیش آید که یکی برای دنیا و دیگری برای آخرت است ، کار آخرت را بر دنیا برگزیند.عن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده مؤمن ، هر گاه در حال جدا شدن از دنیا و روی آوردن به آخرت باشد ، فرشتگانی سپیدروی ، چنان که گویی چهره هایشان آفتاب درخشان است ، از آسمان با کفنی از کفن های بهشت و حُنوطی از حنوط های بهشت نزد او فرود می آیند و در فاصله یک چشم رس ، نزدش می نشینند . آن گاه ملک الموت می آید و کنار سر او می نشیند و می گوید : «ای نفْس پاک!

به سوی آمرزش و رضوان خداوند ، بیرون شو» .

.

1- .مقصود ، آن است که اگر کار با انگیزه خدایی و برای اصلاح آخرت باشد ، خداوند ، دنیای انسان را نیزاصلاح می کند ؛ امّا اگر کسی کاری را با انگیزه مادّی انجام دهد ، پاداشی در آخرت نخواهد داشت .

وروى أبو داود عن علىّ عليه السلام:عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا طالِبَهٌ ومَطلوبَهٌ ، وَالآخِرَهُ طالِبَهٌ ومَطلوبَهٌ ؛ فَمَن طَلَبَ الآخِرَهَ طَلَبَتهُ الدُّنيا حَتّى يَستوفِىَ مِنها رِزقَهُ ، ومَن طَلَبَ الدُّنيا طَلَبَتهُ الآخِرَهُ حَتّى يَأتِيَهُ المَوتُ فَيَأخُذَهُ بَغتَهً. (1)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :ألا إنَّ الدُّنيا وَالآخِرَهَ طالِبَتانِ ومَطلوبَتانِ ؛ فَطالِبُ الآخِرَهِ تَطلُبُهُ الدُّنيا حَتّى يَستَكمِلَ رِزقَهُ ، وطالِبُ الدُّنيا تَطلُبُهُ الآخِرَهُ حَتّى يَأخُذَ المَوتُ بِعُنُقِهِ. (2)وروى البخارى عن المسوّر:عنه صلى الله عليه و آله :ما تَرَكَ عَبدٌ لِلّهِ أمرا لا يَترُكُهُ إلاّ لِلّهِ تَعالى ، إلاّ عَوَّضَهُ اللّهُ مِنهُ ما هُوَ خَيرٌ لَهُ مِنهُ فى دينِهِ ودُنياهُ. (3)عن أهل البيت عليهم السلام:الإمام علىّ عليه السلام :لا يَترُكُ النّاسُ شَيئا مِن دُنياهُم لِإِصلاحِ آخِرَتِهِم إلاّ عَوَّضَهُمُ اللّهُ سُبحانَهُ خَيرا مِنهُ. (4)وروى الترمذى وابن ماجه عن أبى هريرة:عنه عليه السلام :الرِّزقُ رِزقانِ : طالِبٌ ومَطلوبٌ ؛ فَمَن طَلَبَ الدُّنيا طَلَبَهُ المَوتُ حَتّى يُخرِجَهُ عَنها، ومَن طَلَبَ الآخِرَهَ طَلَبَتهُ الدُّنيا حَتّى يَستَوفِىَ رِزقَهُ مِنها. (5) .

1- .تنبيه الغافلين : ص 244 ح 317 عن أبى عبيده الأسدى ، المعجم الكبير : ج 10 ص 163 ح 10328 ، حليه الأولياء: ج8 ص120 كلاهما عن ابن مسعود نحوه وليس فيهما «والآخره طالبه ومطلوبه»، كنز العمّال: ج3 ص225 ح6266 ؛ الكافى : ج 1 ص 18 ح 12 عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تحف العقول : ص 387 عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيهما «فيفسد عليه دنياه وآخرته» بدل «فيأخذه بغته» ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 409 ح 5886 عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 302 ح 1 .
2- .أعلام الدين : ص 345 ح 38 عن ابن عبّاس ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 129 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 188 ح 10 .
3- .تاريخ دمشق : ج 10 ص 374 ح 2588 عن عبداللّه بن عمر ، كنز العمّال : ج 3 ص 428 ح 7287.
4- .غرر الحكم : ح 10830 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 541 ح 10041 .
5- .نهج البلاغه : الحكمه 431 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 38 ح 86 .

عن أهل البيت عليهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا طالب است و مطلوب ، و آخرت [نیز] طالب است و مطلوب . پس ، هر کس آخرت را طلب کند ، دنیا در طلب او برمی آید تا او روزی اش را از آن به تمام و کمال دریافت کند ؛ و هر کس دنیا را طلب کند ، آخرت در طلب او برمی آید تا مرگ به سراغش آید و ناگهان او را بگیرد.وروی البخاری ومسلم والترمذی والنسائی وابن ماجه وأپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آگاه باشید که دنیا و آخرت ، هر دو ، طالب اند و مطلوب . دنیا طالب آخرت را طلب می کند تا این که او روزی خویش را به تمام و کمال دریافت نماید ؛ و [نیز [آخرت ، در طلب طالب دنیاست تا این که مرگ ، گردن او را بگیرد.عن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای به خاطر خدا کاری را کاری که انجام دادن آن ، نزد خدا ناپسند است مگر آن که خداوند ، چیزی را که برای دین و دنیای او بهتر از آن است ، به او عوض داد.وروی الطبرانی فی الکبیر عن الأسود بن سریع:امام علی علیه السلام :مردم ، چیزی از دنیایشان را برای اصلاح آخرتشان فرو نگذاشتند ، مگر آن که خداوند سبحان ، بهتر از آن چیز را عوضشان داد.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :روزی ، دو گونه است : روزی ای که طالب توست و روزی ای که تو طالب آنی . پس هر که طالب دنیا باشد ، مرگ ، او را خواهد طلبید تا از دنیا بیرونش کند ، و هر که طالب آخرت باشد ، دنیا او را خواهد طلبید تا روزی اش را به تمامی به او برساند . .

وروى الترمذى وابن ماجه عن بريده:عنه عليه السلام :ألا وإنَّهُ لا يَضُرُّكُم تَضييعُ شَيءٍ مِن دُنياكُم بَعدَ حِفظِكُم قائِمَةَ دينِكُم ، ألا وإنَّهُ لا يَنفَعُكُم بَعدَ تَضييعِ دينِكُم شَىءٌ حافَظتُم عَليهِ مِن أمرِ دُنياكُم. (1)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :ألا وإنَّهُ لا يضُرُّكُم تَواضُعُ شَىءٍ مِن دُنياكُم بَعدَ حِفظِكُم وَصِيَّةَ اللّهِ وَالتَّقوى ، ولا يَنفَعُكُم شَىءٌ حافَظتُم عَليهِ مِن أمرِ دُنياكُم بَعدَ تَضييعِ ما اُمِرتُم بِهِ مِنَ التَّقوى. (2)وروى الطبرانى عن عمر:سعد السعود نقلاً عن الزَّبورِ :بَنى آدَمَ رِهانَ (3) المَوتِ ! اِعمَلوا لِآخِرَتِكُم وَاشتَروها بِالدُّنيا ، ولا تَكونوا كَقَومٍ أخَذوها لَهوا ولَعِبا ، وَاعلَموا أنَّ مَن قارَضَنى نَمَت بِضاعَتُهُ وتَوَفَّرَ رِبحُها ، ومَن قارَضَ الشَّيطانَ [قُرِنَ] (4) مَعَهُ. (5)عن أهل البيت عليهم السلام:الإمام علىّ عليه السلام :عَلَيكَ بِالآخِرَهِ تَأتِكَ الدُّنيا صاغِرَةً. (6)وروى أبو داود وأحمد:عنه عليه السلام :طالِبُ الآخِرَهِ يُدرِكُ مِنها أمَلَهُ ، ويَأتيهِ مِنَ الدُّنيا ما قُدِّرَ لَهُ. (7)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :إنَّكَ إن عَمِلتَ لِلآخِرَهِ فازَ قِدحُكَ (8) . (9)وروى البخارى والترمذى ومسلم وابن ماجه وأبو داود عنه عليه السلام :مَن عَمِلَ لِدينِهِ كَفاهُ اللّهُ أمرَ دُنياهُ . (10)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن عَمِلَ لِلمَعادِ ظَفِرَ بِالسَّدادِ. (11)وروى الترمذى عن ابن مسعود:عنه عليه السلام :مَن أصلَحَ المَعادَ ظَفِرَ بِالسَّدادِ. (12) .

1- .نهج البلاغه : الخطبه 173 .
2- .تحف العقول : ص 184 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 96 ح 1 ؛ المعيار والموازنه : ص 112 نحوه .
3- .فى الطبعه المحقّقه (بتحقيق فارس الحسّون) : ص 98 «رهائن» بدل «رهان» .
4- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
5- .سعد السعود : ص 49 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 46.
6- .غرر الحكم : ح 6080 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 335 ح 5711 .
7- .غرر الحكم : ح 6014 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 317 ح 5521 .
8- .قِدْحُک بالكسر : أى نصيبک ، مأخوذ من قِداح الميسِر (بحار الأنوار : ج 101 ص 251) .
9- .غرر الحكم : ح 3816 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 171 ح 3571 .
10- .نهج البلاغه : الحكمه 423 ، روضه الواعظين : ص 407 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 367 ح 17 .

11- .غرر الحكم : ح 8044 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 431 ح 7418 .
12- .غرر الحكم : ح 8368 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 447 ح 7901 وفيه «بالرشاد» بدل «بالسداد» .

عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :بدانید که با وجود حفظ بنیان دینتان ، هر چه از دنیایتان از دست بدهید ، زیانی به شما نمی زند . بدانید که در صورت ضایع کردن دینتان ، هر آنچه از دنیایتان حفظ کنید ، سودی به شما نمی رساند.وروی أبو داود عن أبی هریره وأحمد عن الزبیر:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدانید که با وجود پایبندی تان به سفارش خداوند و تقوا ، فرو نهادن چیزی از دنیایتان ، به شما زیانی نمی زند ؛ و در صورت فرو نهادن تقوا که بدان فرمان داده شده اید، آنچه از امور دنیایتان حفظ کنید ، به شما سودی نمی رساند.عن أهل البیت علیهم السلام:سعد السعود به نقل از زَبور :بنی آدم در گرو مرگ اند! برای آخرتتان کار کنید و آن را با [دادن [دنیا بخرید ، و چونان مردمانی نباشید که آخرت را سرگرمی و بازی گرفتند .

بدانید که هر کس به من قرض دهد ، کالایش رشد می کند و سود آن کالا فراوان می شود ؛ و هر کس به شیطان قرض دهد ، با او قرین می گردد.وروی البخاری ومسلم والنسائی والترمذی وأبو داود واامام علی علیه السلام :به آخرت چنگ در زن تا دنیا زبونانه ، خود ، نزد تو آید .عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :طالب آخرت ، به آرزوی خود از آن می رسد و از دنیا ، [همه [آنچه برایش مقدّر شده ، به او می رسد.وروی البزار عن أبی سعید:امام علی علیه السلام :تو اگر برای آخرت کار کنی ، به نصیبت دست می یابی.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :هر که برای دینش کار کرد ، خداوند ، کار دنیایش را کفایت کرد .وروی مسلم والترمذی وأبو داود عن أبی هریره:امام علی علیه السلام :هر که برای مَعاد کار کرد ، به راه درست دست یافت.عن أهل البیت:امام علی علیه السلام :هر که مَعاد را آباد کرد ، به راه درست دست یافت. .

وروى الترمذى عن أبى سعيد:عنه عليه السلام :أربَحُ النّاسِ مَن اشتَرى بِالدُّنيا الآخِرَةَ. (1)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :الرّابِحُ مَن باعَ العاجِلَةَ بِالآجِلَهِ. (2)راجع : ص 316 (آثار الإهتمام بالآخره)

و 336 (آثار ذكر الآخره)

و 362 (الحث على تجاره الآخره).

4 / 3ما يَعمُرُ الآخِرَهَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لِكُلِّ خَرابٍ عِمارَهٌ ، وعِمارَهُ الآخِرَهِ العَقلُ. (3)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :مَن أرادَ الآخِرَهَ فَليَدَعِ زينَهَ الحَياهِ الدُّنيا. (4)وروى النسائى عن ابن عمر:عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ أعِنّى عَلى دينى بِدُنيا ، وعَلى آخِرَتى بِتَقوى. (5)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :لا تَنالونَ الآخِرَهَ إلاّ بِتَركِكُمُ الدُّنيا وَالتَّعَرّى مِنها ، أُوصيكُم أن تُحِبّوا ما أحَبَّ اللّهُ و تُبغِضوا ما أبغَضَ اللّهُ. (6) .

1- .غرر الحكم : ح 3076 ، عيون الحكم و المواعظ : ص 120 ح 2729 .
2- .غرر الحكم : ح 1488 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 28 ح 370 .
3- .كنز الفوائد : ج 1 ص 56 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 95 ح 34 .
4- .الخصال : ص 293 ح 58 ، الأمالى للصدوق : ص 714 ح 983 كلاهما عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، قرب الإسناد : ص 23 ح 79 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : ص 505 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 131 ح 25 ؛ مسند ابن حنبل : ج 2 ص 33 ح 3671 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 359 ح 7915 كلاهما عن عبد اللّه بن مسعود نحوه ، كنزالعمّال : ج 3 ص 118 ح 5753 .
5- .تاريخ دمشق : ج 18 ص 87 الرقم 2159 عن الربيع بن يونس عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تهذيب الكمال : ج 5 ص 96 الرقم 950 ، سير أعلام النبلاء : ج 6 ص 267 الرقم 117 كلاهما عن الربيع عن الإمام الصادق عليه السلام ، الفردوس : ج 1 ص 470 ح 1913 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ؛ مصباح المتهجّد : ص 172 ح 259 من دون إسنادٍ إلى المعصوم وفيه «ودنياى» بدل «بدنيا» ، العدد

القويّه : ص 157 ح 88 عن الربيع عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج 87 ص 298 ح 85 .
6- .مستدرک الوسائل : ج 12 ص 54 ح 13496 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .

وروی الترمذی عن ابن عمر:امام علی علیه السلام :سود کننده ترین مردم ، کسی است که آخرت را به دنیا خرید.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :سود بَرنده ، کسی است که این جهان را با آن جهان ، سودا کرد.ر . ک: ص 317 (آثار اهمّیت دادن به آخرت)

و 337 (آثار یاد کردن آخرت)

و 363 (تشویق به سودای آخرت) .

4 / 3آنچه آخرت را آباد می کندعن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر خرابی را آباد کننده ای است و آباد کننده آخرت ، عقل است.وروی الترمذی وابن ماجه عن أبی هریره:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس آخرت را می خواهد ، باید زیور زندگی دنیا را رها کند.عن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بارخدایا! مرا با دنیا به دینم ، و با تقوا به آخرتم ، کمک کن .و-أیضاً-:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به آخرت دست نمی یابید ، مگر با رها کردن [علاقه به] دنیا و برهنه شدن از آن . به شما سفارش می کنم که دوست بدارید آنچه را خدا دوست می دارد و دشمن بدارید آنچه را خدا دشمن می دارد.

.

وروى الترمذى وأبو داود والنسائى عن أبى هريره:عنه صلى الله عليه و آله :إذا أحَبَّ اللّهُ عَبدا أغلَقَ عَلَيهِ اُمورَ الدُّنيا ، وفَتَحَ لَهُ اُمورَ الآخِرَهِ . (1)عن أهل البيت عليهم السلام:الإمام علىّ عليه السلام :لا يُدرِكُ أحَدٌ رِفعَةَ الآخِرَهِ إلاّ بِإخلاصِ العَمَلِ ، وتَقصيرِ الأَمَلِ ، ولُزومِ التَّقوى. (2)ورواه ابن ماجه والنسائى والترمذى وابن حنبل عن حبشعنه عليه السلام :مَن عَمَرَ دارَ إقامَتِهِ فَهُوَ العاقِلُ. (3)علىّ عليه السلام روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :العاقِلُ مَن غَلَبَ هَواهُ ، ولَم يَبِع آخِرَتَهُ بِدُنياهُ. (4)وروى الترمذى وأبو داود عن أبى الدرداء:عنه عليه السلام :العاقِلُ مَن هَجَرَ شَهوَتَهُ ، وباعَ دُنياهُ بِآخِرَتِهِ. (5)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن لَم يُؤثِرِ الآخِرَهَ عَلَى الدُّنيا فَلا عَقلَ لَهُ. (6)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن أحَبَّ فَوزَ الآخِرَهِ فَعَلَيهِ بِالتَّقوى. (7)وروى ابن ماجه وأبو داود عن ابن عمر:عنه عليه السلام :مَن سَعى لِدارِ إقامَتِهِ ، خَلُصَ عَمَلُهُ وكَثُرَ وَجَلُهُ. (8)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن سَلِمَ مِنَ المَعاصى عَمَلُهُ ، بَلَغَ مِنَ الآخِرَهِ أمَلَهُ. (9)روى الطبرانى عن ابن عباس:عنه عليه السلام :إن رَغِبتُم فِى الفَوزِ وكَرامَهِ الآخِرَهِ ، فَخُذوا فِى الفَناءِ لِلبَقاءِ. (10)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :عَوِّد نَفسَكَ فِعلَ المَكارِمِ وتَحَمُّلَ أعباءِ المَغارِمِ ؛ تَشرُف نَفسُكَ ، وتُعمَر آخِرَتُكَ ، ويَكثُر حامِدوكَ. (11) .

1- .كنز العمّال : ج 3 ص 204 ح 6181 نقلاً عن الفردوس عن أنس.
2- .غرر الحكم : ح 10864 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 543 ح 10095 .
3- .غرر الحكم : ح 8298 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 446 ح 7845 .
4- .غرر الحكم : ح 1983 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 59 ح 1511 وفيه «العالم» بدل «العاقل» .
5- .غرر الحكم : ح 1727 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1352 .
6- .غرر الحكم (طبعه طهران ، ترجمه: محمّد على الأنصارى) : ص 699 ح 1301 .
7- .غرر الحكم : ح 8906 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 434 ح 7492 .
8- .غرر الحكم : ح 8599 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 459 ح 8335 .
9- .غرر الحكم : ح 8834 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 436 ح 7532 .
10- .غرر الحكم : ح 3746 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 163 ح 3480 .

11- .غرر الحكم : ح 6232 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 341 ح 5817 .

وروی البخاری ومسلم وابن ماجه والترمذی وأبو داود عپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند هر گاه بنده ای را دوست بدارد ، امور دنیا را بر او می بندد و امور آخرت را بر او می گشاید.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :هیچ کس به جایگاه رفیع آخرت نمی رسد ، مگر با اخلاص در عمل ، کوتاه کردن آرزو و در پیش گرفتن تقوا.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :کسی که سرای اقامتش را آباد کند ، خردمند است.جعفر بن أبی طالب:امام علی علیه السلام :خردمند ، کسی است که بر هوس خویش چیره شود و آخرتش را به دنیایش نفروشد.وروی الطبرانی عن ابن عباس:امام علی علیه السلام :خردمند ، کسی است که از شهوتش دوری کند و دنیایش را به آخرتش بفروشد.روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :کسی که آخرت را بر دنیا ترجیح ندهد ، از خِرَد ، بی بهره است.و-أیضاً-:امام علی علیه السلام :هر کس رستگاری آخرت را دوست دارد ، باید تقوا پیشه کند.وروی أبو داود عن علیّ:امام علی علیه السلام :کسی که برای سرای اقامتش بکوشد ، عملش خالص می گردد و بیمش فزونی می گیرد.روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :هر کس اعمالش از معصیت به سلامت مانَد ، به آرزویش از آخرت ، دست می یابد.وروی مسلم والبخاری فی الأدب وأحمد بن حنبل عن أبیامام علی علیه السلام :اگر خواهان رستگاری و عزّتمندیِ آخرت هستید ، در این سرای فانی ، برای سرای باقی [، توشه [برگیرید.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :خود را به انجام دادن [و کسب] خصلت های والای انسانی و به دوش کشیدن بار غرامت ها و بدهی ها[ی دیگران و پرداختن از طرف آنها [عادت بده تا جانت شریف گردد و آخرتت آباد شود و ستایندگانت فزونی گیرند . .

وروى أبو داود عن واثله بن الأسقع:عنه عليه السلام :حَصِّلُوا الآخِرَةَ بِتَركِ الدُّنيا ، ولا تُحَصِّلوا بِتَركِ الدّينِ الدُّنيا. (1)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن رَغِبَ فى نَعيمِ الآخِرَهِ قَنَعَ بِيَسيرِ الدُّنيا . (2)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن أيقَنَ بِالآخِرَهِ سَلا (3) عَنِ الدُّنيا . (4)روى البخارى ومسلم وابن ماجه والترمذى والنسائى وأبعنه عليه السلام :مَن أيقَنَ بِالآخِرَهِ أعرَضَ عَنِ الدُّنيا . (5)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :ذِلَّ فى نَفسِكَ وعِزَّ فى دينِكَ ، وصُن آخِرَتَكَ وَابذُل دُنياكَ. (6)وروى أبو هريره فى سنن أبو داود:عنه عليه السلام :لا يُدرِكُ أحَدٌ ما يُريدُ مِنَ الآخِرَهِ إلاّ بِتَركِ ما يَشتَهى مِنَ الدُّنيا. (7)وعن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن أحَبَّ الدّارَ الباقِيَهَ لَهِىَ (8) عَنِ اللَّذّاتِ. (9)وروى البخارى ومسلم والترمذى وأبو داود عن واثله بنالإمام الكاظم عليه السلام لِهِشام بنِ الحَكَمِ :يا هِشامُ ، إنَّ المَسيحَ عليه السلام قالَ لِلحَوارِيّينَ : ... يا عَبيدَ الدُّنيا ، بِحَقٍّ أقولُ لَكُم : لا تُدرِكونَ شَرَفَ الآخِرَهِ إلاّ بِتَركِ ما تُحِبّونَ ، فَلا تُنظِروا بِالتَّوبَهِ غَدا ؛ فَإنَّ دونَ غَدٍ يَوما ولَيلَةً و قَضاءَ اللّهِ فيهِما يَغدو و يَروحُ. (10)عن أهل البيت عليهم السلام:عيسى عليه السلام :مِن خُبثِ الدُّنيا أنَّ اللّهَ عُصِىَ فيها ، وأنَّ الآخِرَهَ لا تُنالُ إلاّ بِتَركِها. (11)وروى ابن ماجه وأبو داود عن ابن عمر:عنه عليه السلام مِن مَواعِظِهِ فِى الإنجيلِ وغَيرِهِ :بِحَقٍّ أقولُ لَكُم يا عَبيدَ الدُّنيا ، كَيفَ

يُدرِكُ الآخِرَهَ مَن لا تَنقُصُ شَهوَتُهُ مِنَ الدُّنيا ولا تَنقَطِعُ مِنها رَغبَتُهُ؟ (12) .

1- .غرر الحكم : ح 4911 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 233 ح 4476 .
2- .غرر الحكم : ح 8507 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 449 ح 7986.
3- .سَلا عنه : نَسِيَه (لسان العرب: ج 14 ص 394 «سلا») . أى نَسِى ذكرها وذهل عنها .
4- .غرر الحكم : ح 8665 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 441 ح 7662 .
5- .غرر الحكم : ح 8421 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 448 ح 7947 وفيه «آمن» بدل «أيقن» .
6- .غرر الحكم : ح 5192 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4729 .
7- .غرر الحكم : ح 10822.
8- .لَهِيتُ عن الشىء: إذا سَلَوتَ عنه وتركتَ ذكرَه وأضربتَ عنه (الصحاح: ج 6 ص 2487 «لها») .
9- .غرر الحكم : ح 8593 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 459 ح 8330 .

10- .تحف العقول : ص 392 و ص 508 عن عيسى عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 145 ح 30 .
11- .ربيع الأبرار : ج 1 ص 93 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 129 نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 327 ح 49 .
12- .تحف العقول : ص 511 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 315 ح 17 .

و-أيضاً-:امام على عليه السلام :با ترک [علاقه به] دنيا ، آخرت را تحصيل کنيد و با ترک دين ، دنيا را تحصيل نکنيد.وروى البزار عن أنس:امام على عليه السلام :کسى که به نعمت هاى آخرت راغب باشد ، به اندکِ دنيا قناعت مى ورزد.عن أهل البيت عليهم السلام:امام على عليه السلام :کسى که به آخرت يقين داشته باشد ، دنيا را فراموش مى کند.عن أهل البيت عليهم السلام:امام على عليه السلام :کسى که به آخرت يقين داشته باشد ، از دنيا روى مى گرداند.وروى الترمذى عن ابن عباس:امام على عليه السلام :در نَفْسَت خوار و در دينَت عزيز باش و آخرتت را حفظ کن و دنيايت را ببخش.عن أهل البيت عليهم السلام:امام على عليه السلام :هيچ کس به آنچه از آخرت مى خواهد ، نمى رسد ، مگر با رها کردن آنچه از دنيا مى خواهد.وروى البخارى ومسلم والترمذى والنسائى وأبو داود واامام على عليه السلام :هر که سراى ماندگار را دوست دارد ، از لذّت ها روى مى گرداند.عن أهل البيت عليهم السلام:امام کاظم عليه السلام خطاب به هشام بن حَکَم :اى هشام! مسيح عليه السلام به حواريان فرمود : « ... اى بندگان دنيا! حقيقتى را به شما بگويم : به شرافت آخرت نمى رسيد ، مگر با وا نهادن آنچه دوست مى داريد . پس ، کار توبه را به فردا ميفکنيد ؛ زيرا که قبل از فردا[ى قيامت] ، روز و شبى است و قضاى (حُکم) خداوند در آن روز و شب ، آمد و شد مى کند» .وروى ابن ماجه عن ابن عباس:عيسى عليه السلام :از پليدى دنيا ، اين است که خداوند در آن معصيت مى شود ، و آخرت به دست نمى آيد ، مگر با ترک دنيا.عن أهل البيت عليهم السلام:عيسى عليه السلام از اندرزهايش در انجيل و جز آن :حقيقتى را به شما بگويم :

اى بندگان دنيا! کسى که دنياخواهىِ او کم نمى شود و رشته رغبتش به دنيا قطع نمى گردد ، چگونه به آخرت دست يابد؟!.

ص: 358

راجع : ص 114 ح 980

و 118 ح997

و 196 ح 1134

و 230 (أماثل الزّهاد/أهل البيت).

4 / 4ما يُخَرِّبُ الآخِرَهَالكتاب«فَأَمَّا مَن طَغَى * وَ ءَاثَرَ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِىَ الْمَأْوَى » . (1)

«وَ يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَتِكُمْ فِى حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِى الاْءَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ » . (2)

«مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لاَ يُبْخَسُونَ * أُوْلَئِکَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِى الآخِرَهِ إِلاَّ النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَ بَطِلٌ مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ » . (3)

الحديثوروى النسائى وأحمد عن معاذ:رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى وَصاياهُ لِابنِ مَسعودٍ :يَابنَ مَسعودٍ ... اِتَّقِ اللّهَ فِى السِّرِّ

وَالعَلانِيَهِ ... فَإِنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ : «وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ» (4) . ولا تُؤثِرَنَّ الحَياهَ الدُّنيا عَلَى الآخِرَهِ بِاللَّذّاتِ وَالشَّهَواتِ؛ فَإِنَّهُ تَعالى يَقولُ فى كِتابِهِ : «فَأَمَّا مَن طَغَى * وَ ءَاثَرَ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِىَ الْمَأْوَى» يَعنِى الدُّنيا المَلعونَهَ ، وَالمَلعونَ ما فيها إلاّ ما كانَ لِلّهِ . (5) .

1- .النازعات: 37 39 . و الهُون : أى الهَوان ، يريد العذاب المتضمّن لشدّه وإهانه (مجمع البحرين: ج 3 ص 1887 «هون») .
2- .الأحقاف : 20 .
3- .هود: 15 و 16 .
4- .الرحمن: 46 .
5- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 354 ح 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 105 ح 1 .

4 / 4 آنچه آخرت را ویران می کند

ر . ک: ص 115 ح 980

و 119 ح 997

و 197 ح 1134

و 231 (نمونه های زهد / اهل بیت) .

4 / 4آنچه آخرت را ویران می کندقرآن«امّا هر که طغیان کرد و زندگی دنیوی را برگزید ، پس ، جایگاه او همان آتش است» .

«و روزی که آنانی که کفر ورزیده اند ، بر آتش عرضه می شوند ، [به آنان می گویند: [نعمت های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید . پس ، امروز به سزای آن که در زمین ، به ناحق سرکشی می نمودید و به سبب این که نافرمانی می کردید ، به عذاب خفّت آور ، کیفر داده می شوید» .

«کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند ، [جزای] کارهایشان را در آن به طور کامل به آنهامی دهیم و به آنان در آن جا کم داده نخواهد شد . اینان ، کسانی هستند که در آخرت ، جز آتش برایشان نخواهد بود و آنچه در آن جا (دنیا) کرده اند ، به هدر رفته و آنچه انجام می داده اند ، باطل گردیده است» .

حدیثعن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش هایش به ابن مسعود :ای پسر مسعود ! ... در نهان و آشکار از خدا بترس ... ؛ زیرا که خدای متعال می فرماید : «و برای کسی که

از مقام پروردگارش بترسد ، دو بهشت است» و با در پیش گرفتن لذّات و شهوات ، زندگی دنیا را بر آخرت برمگزین ؛ زیرا که خدای متعال در کتابش می فرماید : «و امّا هر که طغیان کرد ، و زندگی دنیوی را برگزید ، پس ، جایگاه او همان آتش است» . مقصود ، دنیای لعنت شده است . هر آنچه در دنیاست ، لعنت شده است ، مگر آنچه برای خدا باشد.

وروى أبو داود عن ابن عمر:الإمام علىّ عليه السلام :زِيادَهُ الدُّنيا تُفسِدُ الآخِرَهَ. (1)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن رَضِىَ بِالدُّنيا فاتَتهُ الآخِرَهُ. (2)وروى مسلم وابن ماجه عن أنس قال:عنه عليه السلام :ما ظَفِرَ بِالآخِرَهِ مَن كانَتِ الدُّنيا مَطلَبَهُ. (3)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :ما زادَ فِى الدُّنيا نَقَصَ فِى الآخِرَهِ. (4)وروى مسلم والنسائى عن عبدالمطّلب بن ربيعه:عنه عليه السلام :حَلاوَهُ الدُّنيا توجِبُ مَرارَهَ الآخِرَهِ وسوءَ العُقبى. (5)راجع : ج1 ص414 (فساد النفس / الهلاک)

و 450 (مضارّ حبّ الدنيا / سوء العاقبه)

و 452 (مضارّ حبّ الدنيا / عذاب جهنّم).

.

1- .غرر الحكم : ح 5490 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 275 ح 5000 وفيه «النقصان فى» بدل «تفسد» .
2- .غرر الحكم : ح 8376 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 448 ح 7923 .
3- .غرر الحكم : ح 9558 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 477 ح 8748 .
4- .غرر الحكم : ح 9619 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 480 ح 8817 .
5- .غرر الحكم : ح 4881 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4436 .

وروی الطبرانی فی الأوسط عن أبی هریره:امام علی علیه السلام :فزونی دنیا ، آخرت را تباه می کند.و-أیضاً-:امام علی علیه السلام :کسی که به دنیا رضایت بدهد ، آخرت از دستش می رود.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :کسی که دنیا مقصود او باشد ، به آخرت دست نمی یابد.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :آنچه بر دنیا بیفزاید ، از آخرت می کاهد .عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :شیرینی دنیا ، موجب تلخی آخرت و بدیِ عاقبت می شود.ر . ک: ج1 ص415 (تباهی جان / هلاکت)

و 450 (زیان های دنیادوستی / بدی فرجام)

و 453 (زیان های دنیادوستی / عذاب دوزخ) .

.

الفصل الخامس: تجاره الآخره5 / 1الحَثُّ عَلى تِجارَهِ الآخِرَهِالكتاب«إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَبَ اللَّهِ وَ أَقَامُواْ الصَّلَوهَ وَ أَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ سِرًّا وَ عَلاَنِيَهً يَرْجُونَ تِجَرَهً لَّن تَبُورَ » . (1)

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَ أَمْوَ لَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ» . (2)

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفُ بِالْعِبَادِ » . (3)

«فَلْيُقَتِلْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا بِالآخِرَهِ وَمَن يُقَتِلْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا » . (4)

«رِجَالٌ لاَّ تُلْهِيهِمْ تِجَرَهٌ وَ لاَ بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَوهِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَوهِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالاَْبْصَرُ» . (5)

«وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لاَ يَحْتَسِبُ» . (6)

.

1- .فاطر: 29 . ولن تبورَ : لن تَكسُد (مجمع البحرين : ج1 ص203 «بور»)
.
2- .التوبه : 111 .
3- .البقره : 207 .
4- .النساء : 74 .
5- .النور : 37 .
6- .الطلاق : 2 و 3 .

5 / 1 تشویق به سودای آخرت

فصل پنجم: سودای آخرت5 / 1تشویق به سودای آخرتقرآن«کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزی شان کرده ایم ،پنهانی و آشکارا انفاق می کنند ، به سودایی امید بسته اند که هرگز کساد نمی شود» .

«همانا خدا از مؤمنان ، جان و مالشان را به [بهای [این که بهشت برای آنان باشد ، خریده است» .

«و از میان مردم ، کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد ؛ و خدابه بندگان ، مهربان است» .

«پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می کنند ، در راه خدا بجنگند ، و هر کس درراه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود ، به زودی مُزدی بزرگ به او خواهیم داد» .

«مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات ، غافل نمی سازد و از روزی که در آن ، دل ها و دیده ها دگرگون می شود ، می هراسند» .

«و هر کس از خدا پروا کند ، خدا برای او برون شدی قرار می دهد و از جایی که گمان نمی برد ، روزی اش می دهد» .

.

الحديثعن أهل البيت عليهم السلام:رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى مَوعِظَتِهِ لِابنِ مَسعودٍ :يَابنَ مَسعودٍ ، وَالَّذى بَعَثَنى بِالحَقِّ نَبِيّا ، إنَّ مَن يَدَعِ الدُّنيا ويُقبِل عَلى تِجارَةِ الآخِرَةِ ، فَإنَّ اللّهَ تَعالى يَتَّجِرُ لَهُ مِن وَراءِ تِجارَتِهِ ويُربِحُ اللّهُ تِجارَتَهُ ، يَقولُ اللّهُ تَعالى : «رِجَالٌ لاَّ تُلْهِيهِمْ تِجَرَةٌ وَ لاَ بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَوهِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَوهِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالاْءَبْصَرُ» . (1)وروى البخارى ومسلم وأبو داود عن النعمان بن بشير:المعجم الكبير عن معاذ بن جبل :سَمِعتُ رَسولَ اللّه صلى الله عليه و آله يَقولُ : يا أيُّهَا النّاسُ ، اِتَّخِذوا تَقوَى اللّهِ تِجارَةً يَأتِكُمُ (2) الرِّزقُ بِلا بِضاعَةٍ ولا تِجارَةٍ ، ثُمَّ قَرَأَ : «وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لاَ يَحْتَسِبُ» . (3)عن أهل البيت عليهم السلام:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَعالى : وعِزَّتى وجَلالى وعَظَمَتى وقُدرَتى وعَلائى وَارتِفاعِ مَكانى ، لايُؤثِرُ عَبدٌ هَوايَ عَلى هَواهُ إلاّ جَعَلتُ غِناهُ فى نَفسِهِ ، وكَفَيتُهُ هَمَّهُ ، وكَفَفتُ عَلَيهِ ضَيعَتَهُ ، وضَمَّنتُ السَّماواتِ وَالأَرضَ رِزقَهُ ، وكُنتُ لَهُ مِن وَراءِ تِجارَهِ كُلِّ تاجِرٍ . (4) .

1- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 356 ح 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 106 ح 1 .
2- .فى المصدر : «يأتيكم» ، والتصويب من المصادر الأُخرى .
3- .المعجم الكبير : ج 20 ص 97 ح 190 ، مسند الشاميّين : ج 1 ص 234 ح 415 ، حليه الأولياء : ج 6 ص 96 ، الفردوس : ج 5 ص 270 ح 8154 ، كنز العمّال : ج 3 ص 96 ح 5666 .
4- .المحاسن : ج 1 ص 97 ح 63 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلام ، الكافى : ج 2 ص 137 ح 2 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 25 ح 56 كلاهما عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال : ج 3 ص 5 عن أبى عبيده الحذّاء عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : ص 395 عن الإمام الكاظم عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 75 ح 2 ؛ المعجم الكبير : ج 12 ص 113 ح 12719 عن ابن عبّاس نحوه ، كنز العمّال : ج 1 ص 232 ح 1161 .

حدیثعن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به ابن مسعود :ای پسر مسعود! سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برگزید ، کسی که دنیا را وا نهد و به سودای آخرت روی آورد ، خداوند متعال از پس سوداگری اش ، برای او تجارت می کند و سوداگری اش را سودآور می گرداند . خدای متعال می فرماید : «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات ، غافل نمی سازد و از روزی که در آن ، دل ها و دیده ها دگرگون می شود ، می هراسند» .عن أهل البیت علیهم السلام:المعجم الکبیر به نقل از معاذ بن جبل :از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید : «هان ، ای مردم! تقوای الهی را تجارت بگیرید تا بی هیچ کالا و تجارتی ، به شما روزی برسد» . ایشان سپس این آیه را خواند : « «و هر کس از خدا پروا کند ، خدا برای او برون شُدی قرار می دهد و از جایی که گمان نمی برد ، روزی اش می دهد» » .عن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای متعال می فرماید : «به عزّت و جلالم و عظمت و قدرتم و بلندی و رفعت مقامم سوگند ، هیچ بنده ای دلخواه مرا بر دلخواه خودش ترجیح نمی دهد ، مگر آن که جانش را بی نیاز می گردانم و خواستش را برمی آورم و مَعاش او را سامان می بخشم و آسمان ها و زمین را ضامن روزیِ او می گردانم و از پس تجارت هر تاجری ، هوای او را دارم». .

وروى ابن ماجه وداود عن عمر بن شعيب عن أبيه عن جدّعنه صلى الله عليه و آله :منَ خافَ أدلَجَ (1) ، ومَن أدلَجَ بَلَغَ المَنزِلَ ، ألا إنَّ سِلعَةَ اللّهِ غالِيَةٌ ، ألا إنَّ سِلعَةَ اللّهِ الجَنَّةُ . (2)عن أهل البيت عليهم السلام:سعد السعود نقلاً عن الزَّبور :يا داوُدُ ، مَن تاجَرَنى فَهُوَ أربَحُ المَتاجِرِ . (3)عن أهل البيت عليهم السلام:الإمام علىّ عليه السلام :مَن تاجَرَ اللّهَ رَبِحَ. (4)وروى النسائى عن أبى هريره:عنه عليه السلام :تاجِرِ اللّهَ تَربَح. (5)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام فى وَصفِ المُتَّقينَ :صَبَروا أيّاما قَصيرَةً أعقَبَتهُم راحَةً طَويلَةً ، تِجارَةٌ مُربِحَةٌ يَسَّرَها لَهُم رَبُّهُم . (6)و-أيضاً-:عنه عليه السلام :إنّى لَم أرَ مِثلَ الجَنَّهِ نامَ طالِبُها ، ولا كَالنّارِ نامَ هارِبُها ، ولا أكثَرَ مُكتَسِبا مِمَّن كَسَبَهُ اليَوم (7) تُذخَرُ فيهِ الذَّخائِرُ وتُبلى فيهِ السَّرائِرُ. (8)وروى البخارى عن أبى سعيد ومسلم عن ابن عمر وابن ماعنه عليه السلام :بيعوا ما يَفنى بِما يَبقى ، وتَعَوَّضوا بِنَعيمِ الآخِرَهِ عَن شَقاءِ الدُّنيا. (9)
.

1- .يقال : أدلَجَ بالتخفيف إذا سار من أوّل الليل ، وادّلج بالتشديد إذا سارَ من آخره ... ومنهم من يجعل الإدلاج للّيل كلّه (النهايه : ج 2 ص 129 «دلج») . قال الشيخ البهائى : ربّما يطلق الإدلاج على العباده فى الليل مجازا ؛ لأنّ العباده سير إلى اللّه تعالى (بحار الأنوار : ج 87 ص 189) .
2- .سنن الترمذى : ج 4 ص 633 ح 2450 عن أبى هريره ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 343 ح 7852 عن اُبىّ بن كعب ، كنز العمّال : ج 3 ص 142 ح 5885 .
3- .سعد السعود : ص 49 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 46.
4- .غرر الحكم : ح 7872 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 453 ح 8131 .
5- .غرر الحكم : ح 4461 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 201 ح 4066 .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 193 ، الأمالى للصدوق : ص 667 ح 897 عن عبد الرحمان بن كثير الهاشمى عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 159 وليس فيه «تجاره» ، كنز الفوائد : ج 1 ص 90 عن نوف البكالى نحوه ، بحار الأنوار : ج 67 ص 315 ح 50 .
7- .فى بحار الأنوار : «لِيَومٍ» ، والظاهر أنّه هو الصواب .
8- .تحف العقول: ص152 ، غرر الحكم: ح 2761 وفيه صدره إلى «هاربها» ، بحار الأنوار: ج 77 ص293 ح 2.
9- .غرر الحكم : ح 4455 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 196 ح 4017 .

عن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن که ترسید ، سرِشب راه پیمود و آن که سرِشب راه پیمود ، به منزل رسید . بدانید که کالای خدا گران است ؛ بدانید که کالای خدا بهشت است.وروی الترمذی عن علی بن حاتم فی تفسیرها:سعد السعود به نقل از زَبور :ای داوود! کسی که با من سودا کند ، سودای او سودآورترینِ تجارت هاست.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :آن که با خدا سودا کرد ، سود بُرد.وروی الطبرانی فی المعجم الکبیر:امام علی علیه السلام :با خدا سودا کن تا سود بری.و-أیضاً-:امام علی علیه السلام در توصیف تقواپیشگان :چند روزی کوتاه ، شکیبایی کردند و در پی آن ، به آسایش طولانی دست یافتند ؛ سودایی سودآور که پروردگارشان برایشان فراهم آورد.وروی مسلم وأبو داود وابن ماجه والترمذی عن ابن مسعامام علی علیه السلام :چیزی چون بهشت ندیدم که طالب آن خفته باشد ؛ و چیزی همانند آتش ندیدم که گریزانِ از آن ، در خواب رفته باشد ؛ و سود بَرنده تر از کسی ندیدم که برای روزی ، کسب کند که در آن روز ، اندوخته ها اندوخته می شود و نهان ها آشکار می گردد.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :آنچه را که از بین می رود ، به آنچه می ماند ، بفروشید و سختی و رنج دنیا را با ناز و نعمت آخرت ، عوض کنید. .

وروى الترمذى عن ابن عمر:عنه عليه السلام :اِعلَموا أنَّ ما نَقَصَ مِنَ الدُّنيا وزادَ فِى الآخِرَهِ خَيرٌ مِمّا نَقَصَ مِنَ الآخِرَهِ وزادَ فِى الدُّنيا ، فَكَم مِن مَنقوصٍ رابِحٍ ومَزيدٍ خاسِرٍ . (1)و-أيضاً-:عنه عليه السلام :ألا حُرٌّ يَدَعُ هذِهِ اللُّماظَهَ (2) لِاَهلِها؟! إنَّهُ لَيسَ لِاَنفُسِكُم ثَمَنٌ إلاَّ الجَنَّهَ؛ فَلا تَبيعوها إلاّ بِها . (3)وروى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :إنَّ مَن باعَ نَفسَهُ بِغَيرِ الجَنَّهِ فَقَد عَظُمَت عَلَيهِ المِحنَهُ. (4)وروى أحمد فى المسند عن عائشه:عنه عليه السلام :ألا إنَّهُ قَد أدبَرَ مِنَ الدُّنيا ما كانَ مُقبِلاً وأقبَلَ مِنها ما كانَ مُدبِرا ، وأزمَعَ (5) التَّرحالَ عِبادُ اللّهِ الأخيارُ ، وباعوا قَليلاً مِنَ الدُّنيا لايَبقى بِكَثيرٍ مِنَ الآخِرَهِ لا يَفنى . (6)و-أيضاً-:عنه عليه السلام فى يَومِ صِفّينَ :ألا رَجُلٌ يَشرى نَفسَهُ لِلّهِ ويَبيعُ دُنياهُ بِآخِرَتِهِ؟ (7)وروى البخارى فى الأدب ومسلم عن عائشه:عنه عليه السلام :لَيسَ مَن ابتاعَ نَفسَهُ فَأعتَقَها كَمَن باعَ نَفسَهُ فَأوبَقَها. (8)وروى مسلم والبخارى والترمذى وابن ماجه عن أبى هريرعنه عليه السلام :الرّابِحُ مَن باعَ الدُّنيا بِالآخِرَهِ ، وَاستَبدَلَ بِالآجِلَهِ عَنِ العاجِلَهِ. (9) .

1- .نهج البلاغه : الخطبه 114.
2- .اللُّماظهُ : ما يبقى فى الفم من أثر الطعام (النهايه : ج 4 ص 271 «لمظ») . والمراد بها الدنيا ؛ أى : ألا يوجد حرّ يترک هذا الشىء الدنىءَ لأهله .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 456 ، تحف العقول : ص 391 عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 68 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 306 ح 1 وراجع الكافى : ج 1 ص 19 ح 12 و غرر الحكم : ح 3473.
4- .غرر الحكم : ح 3474 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 150 ح 3309.
5- .أزمَعَ الأمرَ وبه وعليه : مَضى فيه وثَبَّتَ عليه عَزمَه (لسان العرب : ج 8 ص 143 «زمع») .
6- .نهج البلاغه : الخطبه 182 ، غرر الحكم : ح 2781 و 2782 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 126 ح 953 .
7- .وقعه صفّين : ص 308 عن عمر بن سعد ، الغارات : ج 2 ص 479 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 483 ح 419 ؛ شرح نهج البلاغه : ج 5 ص 243 .
8- .الإرشاد : ج 1 ص 298 ، كشف اليقين : ص 181 ح 223 ، معدن الجواهر : ص 26 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 419 ح 40 .

9- .غرر الحكم : ح 1879 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 56 ح 1442 نحوه .

و-أیضاً-:امام علی علیه السلام :بدانید که آنچه از دنیا می کاهد و به آخرت می افزاید ، بهتر است از آنچه از آخرت می کاهد و به دنیا می افزاید ؛ زیرا چه بسیار اندکی که سود کرد و [چه بسیار [افزونی که زیان کرد! وروی أحمد فی المسند عن أبی بکر:امام علی علیه السلام :آیا آزاده ای یافت نمی شود که این ته مانده غذا در دهان را برای کسی که در خورِ آن است ، وا نهد؟ (1) به راستی که جان های شما را بهایی جز بهشت نیست . پس ، آنها را جز به بهشت مفروشید.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :هر کس خود را به چیزی جز بهشت بفروشد ، رنج بسیار می کشد.وروی الطبرانی فی الکبیر:امام علی علیه السلام :آگاه باشید که آنچه از دنیا روی آورده بود ، پشت کرده است و آنچه از آن پشت کرده بود ، روی آورده است و بندگان نیک خدا ، بار کوچیدن بربستند و این دنیای اندکِ نامانا را به آخرتِ بسیارِ مانا فروختند.و-أیضاً-:امام علی علیه السلام در روز صفّین :آیا مردی نیست که جان خویش را به خدا بفروشد و آخرتش را به دنیایش بخرد؟وروی البخاری ومسلم والنسائی وأبو داود عن أنس:امام علی علیه السلام :آن که جان خویش را خرید و آزادش ساخت ، همانند آن کسی نیست که جانش را فروخت و به هلاکتش افکند.و-أیضاً-:امام علی علیه السلام :سود برنده ، کسی است که دنیا را به آخرت فروخت و این جهان را به آن جهان ، عوض کرد. .

1- .مقصود از ته مانده غذا ، دنیاست . معنای عبارت ، این است که : آیا آزادمردی پیدا نمی شود که این دنیای پست و بی ارزش را به اهلش وا گذارد؟

وروى الترمذى عن ابن عباس:عنه عليه السلام :بِضاعَةُ الآخِرَهِ كاسِدَهٌ (1) ، فَاستَكثِر مِنها فى أوانِ كَسادِها . (2)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَنِ اتَّخَذَ طاعَةَ اللّهِ بِضاعةً أتَتهُ الأَرباحُ مِن غَيرِ تِجارَهٍ. (3)و-أيضاً-:عنه عليه السلام :لا رِبحَ كَالثَّوابِ. (4)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :اِكتِسابُ الثَّوابِ أفضَلُ الأَرباحِ ، وَالإِقبالُ عَلَى اللّهِ رَأسُ النَّجاحِ. (5)وروى الترمذى وابن ماجه عن عبداللّه بن سلام:عنه عليه السلام :اِكتِسابُ الحَسَناتِ مِن أفضَلِ المَكاسِبِ. (6)و-أيضاً-:عنه عليه السلام :الدُّنيا دارُ صِدقٍ لِمَن عَرَفَها ، ومِضمارُ الخَلاصِ لِمَن تَزَوَّدَ مِنها ، هِىَ مَهبَطُ وَحيِ اللّهِ ومَتجَرُ أولِيائِهِ ، اتَّجَروا فَربَحُوا الجَنَّهَ. (7)وروى الترمذى عن جابر:عنه عليه السلام :مَنِ ابتاعَ آخِرَتَهُ بِدُنياهُ رَبِحَهُما. (8)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :صُن دينَکَ بِدُنياکَ تَربَحهُما ، ولا تَصُن دُنياکَ بِدينِکَ فَتَخسَرهُما. (9)و-أيضاً-:الإمام زين العابدين عليه السلام :مَن تَعزّى عَنِ الدُّنيا بِثَوابِ الآخِرَهِ فَقَد تَعزّى عَن حَقيرٍ بِخَطيرٍ ، وأعظَمُ مِن ذلِکَ مَن عَدَّ فائِتَها سَلامَهً نالَها وغَنيمَهً اُعينَ عَلَيها . (10) .

1- .كَسَد الشىءُ : لم ينفُق ؛ لِقلّه الرغبات (المصباح المنير : ص 533 «كَسَدَ») .
2- .كنز الفوائد : ج 1 ص 279 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 90 ح 95 .
3- .غرر الحكم : ح 8864 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 458 ح 8289 .
4- .نهج البلاغه: الحكمه 113 ، غرر الحكم: ح 10467 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 409 ح 122 ؛ مطالب السؤول: ص 57 .
5- .غرر الحكم : ح 1971.
6- .غرر الحكم : ح 1572 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 125 ح 2860.
7- .الإرشاد : ج 1 ص 296 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 418 ح 40 ؛ تاريخ دمشق: ج 42 ص 498 عن عاصم بن ضمره وكذلک عن محمّد بن معروف المكّى عن أبيه وكلاهما نحوه ، كنز العمّال: ج 3 ص 732 ح 8603 .
8- .غرر الحكم : ح 8236 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 445 ح 7817 .
9- .غرر الحكم : ح 5861 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 303 ح 5378 .
10- .الأمالى للطوسى : ص 613 ح 1266 عن زيد بن علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 82 ص 131 ح 14.

عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :[بازارِ] کالای آخرت ، کساد است . پس ، در زمان کساد آن ، از این کالا بسیار فَراهم آور.وروی البخاری عن أنس:امام علی علیه السلام :کسی که طاعت خدا را کالا (سرمایه تجارت) قرار دهد ، بی آن که تجارتی کند ، سودها به سوی او سرازیر می شوند .عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :هیچ سودی چون ثواب نیست.وروی ابن ماجه عن سراقه بن جعذم:امام علی علیه السلام :کسب کردن ثواب ، برترین سود است ، و روی آوردن به خدا ، اساس کامیابی است.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :کسب کردن حسنات ، از برترین درآمدهاست.وروی البخاری ومسلم وابن ماجه عن أبی هریره:امام علی علیه السلام :دنیا سرای راستی است برای آن کس که آن را شناخت ، و میدان رهایی است برای آن کس که از آن توشه برداشت . دنیا فرودگاه وحی خداوند و تجارت خانه اولیای اوست . [آنان] تجارت کردند و بهشت را سود بردند.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :کسی که آخرتش را به دنیایش بخرد ، هر دو را سود می برد.و-أیضاً-:امام علی علیه السلام :دینت را با دنیایت نگه دار تا هر دو را سود ببری ، و دینت را ابزار نگهداری دنیایت قرار مده که هر دو را از کف می دهی.عن أهل البیت علیهم السلام:امام زین العابدین علیه السلام :کسی که به خاطر ثواب آخرت ، در برابر [از دست دادن [دنیا شکیبایی ورزد ، هر آینه به خاطر امر مهمّی ، در برابر چیزی حقیر ، شکیبایی ورزیده است . از این مهم تر ، کسی است که آنچه را از دنیا از دستش رفته ، سلامتی می داند که به آن دست یافته و غنیمتی می شمارد که برای [به دست آوردن [آن ، یاری شده است. .

وروى أحمد فى المسند عن نافع بن عبدالحارث:عنه عليه السلام فِى الدُّعاءِ :اللّهُمَّ ومَتى وَقَفنا بَينَ نَقصَينِ فى دينٍ أو دُنيا فَأَوقِعِ النَّقصَ بِأسرَعِهما فَناءً ، وَاجعَلِ التَّوبَةَ فى أطوَلِهِما بَقاءً . وإذا هَمَمنا بِهَمَّينِ يُرضيكَ أَحَدُهُما عَنّا ويُسخِطُكَ الآخَرُ عَلَينا ، فَمِل بِنا إلى ما يُرضيكَ عَنّا ، وأوهِن قُوَّتَنا عَمّا يُسخِطُكَ عَلَينا ، ولا تُخَلِّ فى ذلِكَ بَينَ نُفوسِنا وَاختِيارِها ؛ فَإِنَّها مُختارَةٌ لِلباطِلِ إلاّ ما وَفَّقتَ ، أمّارَةٌ بِالسُّوءِ إلاّ ما رَحِمتَ. (1)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام فى مُناجاهِ العارِفينَ :إلهى فَاجعَلنا مِنَ الَّذينَ تَوَشَّحَت (2) أشجارُ الشَّوقِ إلَيكَ فى حَدائِقِ صُدورِهِم ... وَاستَقَرَّ بِإدراكِ السُّؤولِ ونَيلِ المَأمولِ قَرارُهُم ، ورَبِحَت فى بَيعِ الدُّنيا بِالآخِرَهِ تِجارَتُهُم. (3)وروى ابن ماجه والنسائى وأبو داود عن صفوان بن أميعنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى وَداعِ شَهرِ رَمَضانَ :وأنتَ الَّذى زِدتَ فِى السَّومِ عَلى نَفسِكَ لِعِبادِكَ ، تُريدُ رِبحَهُم فى مُتاجَرَتِهِم لَكَ وفَوزَهُم بِالوِفادَهِ عَلَيكَ وَالزِّيادَهَ مِنكَ فَقُلتَ تَبارَكَ اسمُكَ وتَعالَيتَ : «مَن جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَهِ فَلاَ يُجْزَى إِلاَّ مِثْلَهَا» (4) ، وقُلتَ : «مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَ لَهُمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِى كُلِّ سُنمبُلَهٍ مِّاْئَهُ حَبَّهٍ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَن يَشَاءُ» (5) ، وقُلتَ : «مَّن ذَا الَّذِى يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَهً» (6) ، وما أنزَلتَ مِن نَظائِرِهِنَّ فِى القُرآنِ مِن تَضاعيفِ الحَسَناتِ. (7) .

1- .الصحيفه السجّاديّه : ص 47 الدعاء 9.
2- .الوشاح : شىء يُنسج من أديم عريضا ، ويرصّع بالجواهر ، وتشدّه المرأه بين عاتقيها. توشّحت هى : أى لبسته (الصحاح : ج 1 ص 415 «وشح») . والكلام هنا على سبيل الاستعاره .
3- .بحار الأنوار : ج 94 ص 150 .
4- .الأنعام : 160 .
5- .البقره : 261 .
6- .البقره : 245 .
7- .الصحيفه السجّاديّه : ص172 الدعاء 45 ، المصباح للكفعمى: ص 846 ، مصباح المتهجّد : ص 642 ح 718 ، الإقبال: ج 1 ص 423 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 173 ح 1 .

و-أیضاً-:امام زین العابدین علیه السلام در دعا :بارخدایا! هر گاه میان دو نقصان ، یکی در دین و یکی در دنیا ، قرار گرفتیم ، نقصان را در همانی قرار بده که زودگذرتر است و توبه را در همانی قرار بده که ماندگارتر است . و هر گاه میان دو خواست قرار گرفتیم که یکی از آن دو ، تو را از ما خشنود می سازد و آن دیگری ، تو را بر ما خشمگین می نماید ، ما را به آنی متمایل گردان که تو را از ما خشنود می سازد و نیروی ما را به آن یک که تو را بر ما خشمگین می نماید ، سست بگردان و در آن ، ما را به اختیار خودمان وا مگذار ؛ زیرا که نفْس های ما ، اگر توفیق خود را یارشان نگردانی ، باطل را برمی گزینند و در صورتی که تو رحم نکنی ، به بدی فرمان می دهند.فقال عمر:امام زین العابدین علیه السلام در مناجاه العارفین :معبود من! ما را از کسانی قرار بده که باغ های سینه های آنان ، کمربند مرصّع نشانِ شوقِ به تو را بر کمر بسته اند ... و نهادِ آنان با رسیدن به خواسته شان و نِیل به آرزویشان آرام گرفته است و با فروختن دنیا به آخرت ، تجارتی سودآور کرده اند.وروی الموطأ عن ابن عمر:امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در وداع با ماه رمضان :و تو کسی هستی که در معامله با بندگانت ، همواره به سود آنان ، بر بها می افزایی و می خواهی که در سودای با تو ، آنان سود برند و کامیاب و با دست پُر از جانب تو ، به پیشگاهت درآیند . پس ، تو که خجسته نام و بلندمرتبه ای فرمودی : «هر کس کار نیکی بیاورَد ، ده برابر به او پاداش داده می شود و هر که بدی بیاورَد ، تنها همانند آن کیفر می بیند» و نیز فرمودی : «مَثَل آنان که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند ، مَثَل دانه ای است که هفت خوشه برآورَد و در هر خوشه ای ، صد دانه باشد . خدا پاداش هر کس را که بخواهد ، چند برابر می کند» و نیز فرمودی : «کیست که به خدا قرض الحسنه بدهد تا خدا بر آن ، چند برابر بیشتر بیفزاید؟» و امثال این آیات که در قرآن درباره چند برابر کردن حسنات ، فرو فرستاده ای. .

و-أيضاً-:الإمام الصادق عليه السلام :تَقولُ إذا أصبَحتَ وأمسَيتَ : ... اللّهُمَّ إنَّ اللَّيلَ وَالنَّهارَ خَلقانِ مِن خَلقِکَ فَلا تَبتَلِيَنّی فيهِما بِجُرأَةٍ عَلی مَعاصيکَ ، ولا رُکوبٍ لِمَحارِمِکَ ، وَارزُقنی فيهِما عَمَلاً مُتَقَبَّلاً وسَعيا مَشکورا وتِجارَةً لَن تَبورَ. (1)وروی الخطيب فی تاريخ بغداد عن أبی أمامه:الإمام الكاظم عليه السلام مِن دُعائِهِ عَقيبَ الفَريضَهِ :اللّهُمَّ بِبِرِّکَ القَديمِ ... أنتَ اللّهُ الَّذی لا إلهَ إلاّ أنتَ ، لَقَد فازَ مَن والاکَ ، وسَعَدَ مَن ناجاکَ ، وعَزَّ مَن ناداکَ ، وظَفِرَ مَن رَجاکَ ، وغَنِمَ مَن قَصَدَکَ ، ورَبِحَ مَن تاجَرَکَ. (2)و-أيضاً-:عنه عليه السلام :لا رِبحَ إلاّ لِمَن باعَ اللّهَ نَفسَهُ . (3)وروی مسلم والنسائی وابن ماجه عن عائشه:لقمان عليه السلام لِابنِهِ يَعِظُهُ :يا بُنَيَّ ، اِتَّخِذ تَقوَی اللّهِ تِجارَةً تَأتِکَ الأَرباحُ مِن غَيرِ بِضاعَةٍ. (4)راجع : ص 138 (مبادئ الزهد / معرفه الدنيا) ،

ج1 ص38 (الدنيا / دار ممرّ)

و 390 (التحذير من حبّ الدنيا / لا يجتمع مع حبّ الآخره) .

5 / 2تَفسيرُ تِجارَهِ الآخِرَهِالكتاب«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَرَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ وَتُجَهِدُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَ لِكُمْ وَ أَنفُسِكُمْ ذَ لِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ». (5)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 337 ح 982 عن عمّار بن موسى ، مصباح المتهجّد : ص 206 ح 299 نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 287 ح 48.
2- .مصباح المتهجّد : ص 59 ح 92 ، البلد الأمين : ص 13 ، المصباح للكفعمی : ص 35 وفيه «ورُحِمَ» بدل «وربح» من دون إسنادٍ إلی المعصوم ، بحار الأنوار : ج 86 ص 53 ح 58 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروی .
3- .أعلام الدين : ص 120.
4- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 231 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 426 ح 21 .
5- .الصفّ : 10 و 11 .

وروی أبو داود والترمذی والنسائی وابن ماجه عن أبیامام صادق علیه السلام :در هر بام و شام می گویی : « ... بارخدایا ! شب و روز ، دو آفریده از آفریده های تو هستند . پس ، در آنها مرا گرفتار گستاخی بر معاصی ات و ارتکاب حرام هایت مگردان ، و در آنها مرا عملی پذیرفته ، تلاشی در خورِ تقدیر ، و تجارتی که هرگز کساد نمی شود ، روزی فرما.روی أهل البیت علیهم السلام:امام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در تعقیبات نماز :بارخدایا ! به حقّ احسان دیرین و ازلی ات ... ؛ تویی آن خدایی که معبودی جز تو نیست . هر آینه رستگار شد آن که پیروی تو کرد ، و نیک بخت شد آن که با تو به راز و نیاز پرداخت ، و عزّتمند شد آن که تو را صدا زد ، و کامیاب شد آن که به تو امید بست ، و غنیمت بُرد آن که آهنگ [کوی] تو کرد ، و سود بُرد آن که با تو سودا کرد.وروی ابن ماجه عن أبی هریره:امام کاظم علیه السلام :سود نبُرد ، مگر آن کس که خویشتن را به خدا فروخت.وروی أبو داود عن زید بن خالد:لقمان علیه السلام در اندرز به فرزندش :فرزندم ! پروا از خدا را تجارت خود گردان تا بی هیچ سرمایه ای ، سودها به سوی تو سرازیر شوند.ر . ک: ص139 (زمینه های زهد / شناخت دنیا) ،

ج1 ص39 (ویژگی های دنیا / گذرگاه)

و 391 (برحذر داشتن از دنیادوستی / دنیادوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود) .

5 / 2معنای سوداگری آخرتقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید ! آیا شما را رهنمون شوم به تجارتی (سودایی) که شما را ازعذابی دردناک می رهاند ؟ به خدا و رسول او ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان هایتان جهادکنید . این برای شما بهتر است ، اگر بدانید» .

.

«إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَبَ اللَّهِ وَ أَقَامُواْ الصَّلَوهَ وَ أَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَهً يَرْجُونَ تِجَرَهً لَّن تَبُورَ» . (1)

الحديثعن أهل البيت عليهم السلام:الإمام الباقر عليه السلام فِى قَولِهِ تَعالى : «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَرَهٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ» : فَقالوا : لَو نَعلَمُ ما هِىَ لَبَذَلنا فيهَا الأَموالَ وَالأَنفُسَ وَالأَولادَ ، فَقالَ اللّهُ : «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَتُجَهِدُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَ لِكُمْ وَ أَنفُسِكُمْ إلى قَولِهِ ذَ لِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (2)وروى أبو داود وابن ماجه عن أبى أمامه:فتح البارى عن سعيد بن جبير أيضا :لَمّا نَزَلَت قالَ المُسلِمونَ : لَو عَلِمنا هذِهِ التِّجارَهَ لاَعطَينا فيهَا الأَموالَ وَالأَهلينَ ، فَنَزَلَت : «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ» . (3)و- أيضاً-:رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى وَصاياهُ لِابنِ مَسعودٍ :يَابنَ مَسعودٍ ، كُلُّ ما أبصَرتَهُ بِعَينِکَ وَاستَحلاهُ (4) قَلبُکَ فَاجعَلهُ لِلّهِ ، فَذلِکَ تِجارَهُ الآخِرَهِ ؛ لِاَنَّ اللّهَ يَقولُ : «مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ وَ مَا عِندَ اللَّهِ بَاقٍ» (5) . (6) .

1- .فاطر : 29 .
2- .تفسير القمّى : ج 2 ص 365 عن أبى الجارود .
3- .فتح البارى : ج 6 ص 6 ، زاد المسير : ج 8 ص 17 ، الدرّ المنثور : ج 8 ص 149 نقلاً عن ابن أبى حاتم وكلاهما نحوه .
4- .فى بحار الأنوار : «واستحلاه» .
5- .النحل : 96 .
6- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 357 ح 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 106 ح 1.

«کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزی شان کرده ایم ،پنهانی و آشکارا انفاق می کنند ، به تجارتی امید بسته اند که هرگز کساد نمی شود» .

حدیثروی أبو داود والترمذی:امام باقر علیه السلام درباره آیه شریف : «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را رهنمون شوم به تجارتی که شما را از عذابی دردناک می رهاند؟» : [مؤمنان [گفتند : اگر بدانیم که آن تجارت چیست ، جان و مال و فرزندانمان را در راه آن می بخشیم .

پس خداوند فرمود : «به خدا و رسول او ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان هایتان جهاد کنید ... . این است رستگاری بزرگ» .عن أهل البیت علیهم السلام:فتح الباری به نقل از سعید بن جبیر ، درباره آیه شریف : «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را رهنمون شوم به تجارتی که ...» : چون این آیه نازل شد ، مسلمانان گفتند : اگر بدانیم این تجارتْ کدام است ، مال و خانواده خود را در راه آن می دهیم .

پس [دنباله آیه] نازل شد : «به خدا و رسول او ایمان آورید» .روی الترمذی عن فاطمه بنت قیس:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به ابن مسعود :ای پسر مسعود! هر آنچه را چشمت دید و دلت هوس کرد ، برای خدا قرار بده که این ، تجارت (سوداگریِ) آخرت است ؛ زیرا که خداوند می فرماید : «آنچه نزد شماست ، رفتنی است و آنچه نزد خداست ، ماندنی است» . .

وروى البخارى فى الأدب ومسلم والترمذى وأبو داود عنعنه صلى الله عليه و آله :لَيسَ شَىءٌ أطيَبَ عِندَ اللّهِ مِن ريحِ فَمِ صائِمٍ تَرَکَ الطَّعامَ وَالشَّرابَ لِلّهِ رَبِّ العالَمينَ ، وآثَرَ اللّهَ عَلى ما سِواهُ، وَابتَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنياهُ، فَإنِ استَطَعتَ أن يَأتِيَکَ المَوتُ وأنتَ جائِعٌ ، وکَبِدُکَ ظَمآنُ فَافعَل ؛ فَإنَّکَ تَنالُ بِذلِکَ أشرَفَ المَنازِلِ ، وتَحُلُّ مَعَ الأَبرارِ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ . (1)و-أيضاً-:مكارم الأخلاق :قالَ ابنُ مَسعودٍ [لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله] : بِأبى أنتَ وأُمّى يا رَسولَ اللّهِ ، کَيفَ لى بِتِجارَهِ الآخِرَهِ؟

فقال صلى الله عليه و آله : لا تُريحَنَّ لِسانَکَ عَن ذِکرِ اللّهِ ، وذلِکَ أن تَقولَ : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ لِلّهِ ولا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَاللّهُ أکبَرُ» فَهذِهِ التِّجارَهُ المُربِحَهُ . وقالَ اللّهُ تَعالى : «يَرْجُونَ تِجَرَهً لَّن تَبُورَ * لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ» (2) . (3)وروى مسلم والنسائى وابن ماجه والموطأ عن أنس:الإمام الرضا عليه السلام فى تَفسيرِ قَولِهِ تَعالى : «وَ الَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ...» (4) : إنَّ رَجُلاً مِنَ الأَنصارِ كانَ لِرَجُلٍ فى حائِطِهِ نَخلَهٌ وكانَ يَضُرُّ بِهِ ، فَشَكا ذلِکَ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَدَعاهُ ، فَقالَ : أعطِنى نَخلَتَکَ بِنَخلَهٍ فِى الجَنَّهِ ! فَأبى .

فَبَلَغَ ذلِکَ رَجُلاً مِنَ الأَنصارِ يُكَنّى أبَا الدَّحداحِ ، فَجاءَ إلى صاحِبِ النَّخلَهِ ، فَقالَ : بِعنى نَخلَتَکَ بِحائِطى (5) ، فَباعَهُ ، فَجاءَ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، قَدِ اشتَرَيتُ نَخلَهَ فُلانٍ بِحائِطى.

قالَ : فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : فَلَکَ بَدَلُها نَخلَهٌ فِى الجَنَّهِ ، فَأنزَلَ اللّهُ تَبارَکَ

وتَعالى عَلى نَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله «وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الأُنثَى * إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى * فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى» يَعنِى النَّخلَهَ «وَ اتَّقَى * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى » بِوَعدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله «فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» (6) . (7) .

1- .التحصين لابن فهد : ص 20 ح 39 عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل ، مستدرک الوسائل: ج 7 ص 499 ح 8741 .
2- .فاطر : 29 و 30 .
3- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 356 ح 2660 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 106 ح 1 .

4- .الليل : 1.
5- .الحائط : البستان من النخيل إذا كان عليه حائط ؛ وهو الجدار (النهايه: ج 1 ص 462 «حوط») .
6- .الليل: 3 7 .
7- .قرب الإسناد : ص 355 ح 1273 عن البزنطى وراجع تفسير القمّى: ج 2 ص 425 ومجمع البيان: ج 10 ص 759 .

عن أهل البيت عليهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نزد خداوند ، چیزی خوش تر از بوی دهان روزه داری نیست که به خاطر خدای پروردگار جهانیان ، از خوردن و آشامیدن ، خودداری ورزیده و خدا را بر ماسِوای او برگزیده و آخرتش را به دنیایش خریده است .

پس ، اگر می توانی کاری کنی که وقتی مرگْ تو را در می رسد ، گرسنه باشی و جگرت تشنه باشد ، چنین کن ؛ زیرا که با این کار ، به عالی ترین منازل می رسی و با نیکان و شهیدان و شایستگان ، همنشین می شوی .وروی النسائی ومسلم والترمذی وأبو داود والبخاری وامکارم الأخلاق :ابن مسعود [به پیامبر خدا] گفت : پدر و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا! چگونه تجارت آخرت کنم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «هرگز زبانت را از یاد خدا میاسای ، یعنی این که [پیوسته [بگویی : سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلاّ اللّه و اللّه أکبر . این است تجارت سودآور . خدای متعال می فرماید : «به تجارتی امید بسته اند که هرگز کساد نمی شود ، تا مُزدهای آنان را به تمام و کمال ، به آنان بدهد و از فضل خویش بر آنان بیفزاید» » .عن أهل البیت علیهم السلام:امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه شریف : «و سوگند به شب ، آن گاه که فرو پوشد ...» : مردی در باغ یکی از انصار ، درخت خرمایی داشت و این امر موجب آسیب رسانی [و مزاحمتِ [وی برای مرد انصاری شده بود . مرد انصاری ، از این موضوع به پیامبر خدا شکایت کرد .

پیامبر صلی الله علیه و آله او را فرا خواند و فرمود : «درخت خرمایَت را به درخت خرمایی در بهشت به من بفروش !» ، و[لی] مرد نپذیرفت.

این خبر به گوش مردی دیگر از انصار (معروف به ابو الدَّحداح) رسید . پس ، نزد صاحب نخل آمد و گفت : درخت خرمایت را به باغ خرمایم می خرم . او بدین صورت ، باغش را فروخت و سپس نزد پیامبر خدا آمد

و گفت : ای پیامبر خدا! نخل فلانی را به [بهای] باغم خریدم.

پیامبر خدا به او فرمود : «به جای آن ، یک نخل در بهشت از آنِ توست» .

پس ، خداوند متعال ، این آیه را بر پیامبرش صلی الله علیه و آله نازل فرمود : «و سوگند به آن که نر و ماده را آفرید ، همانا تلاش شما پراکنده است . امّا آن که عطا کرد ...» یعنی درخت خرما را « ...و پروا داشت و پاداش نیکوتر را تصدیق کرد ...» یعنی وعده پیامبر خدا را « ...به زودی راه آسانی را پیش پای او خواهیم گذاشت» . .

وروى الترمذي والنسائى وأبو داود وابن ماجه وأحمد عمسند ابن حنبل عن أنس :إنَّ رَجُلاً قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ لِفُلانٍ نَخلَةً وأنَا اُقيمُ حائِطى بِها ، فَأمُرهُ أن يُعطِيَنى حَتّى اُقيمَ حائِطى بِها .

فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : أعطِها إيّاهُ بِنَخلَهٍ فِى الجَنَّهِ ! فَأَبى.

فَأَتاهُ أبُو الدَّحداحِ ، فَقالَ : بِعنى نَخلَتَکَ بِحائِطى ، فَفَعَلَ ، فَأَتَى النَّبِى صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى قَدِ ابتَعتُ النَّخلَهَ بِحائطى ، فَاجعَلها لَهُ فَقَد أعطَيتُکَها.

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «کَم مِن عِذقٍ راحَ لِاءَبِى الدَّحداحِ فِى الجَنَّهِ !» قالَها مِرارا .

قالَ : فَأَتَى امرَأَتَهُ فَقالَ : يا اُمَّ الدَّحداحِ اخرُجى مِنَ الحائِطِ ؛ فَإِنّى قَد بِعتُهُ بِنَخلَهٍ فِى الجَنَّهِ .

فَقالَت : رَبِحَ البَيعُ أو کَلِمَهً تُشبِهُها . (1)عن أهل البيت عليهم السلام:الإمام علىّ عليه السلام فى تَحريضِهِ النّاسَ بِصِفّينَ :إنَّ اللّهَ دَلَّکُم عَلى تِجارَهٍ تُنجيکُم مِن عَذابٍ أليمٍ وتُشفى (2) بِکُم عَلَى الخَيرِ : الإِيمانِ بِاللّهِ ، وَالجِهادِ فى سَبيلِ اللّهِ ،

وجَعَلَ ثَوابَهُ مَغفِرَهً لِلذَّنبِ ، ومَساکِنَ طَيِّبَهً فى جَنّاتِ عَدنٍ ، وقالَ : «إنَّ اللّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَتِلُونَ فِى سَبِيلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُم بُنْيَنٌ مَّرْصُوصٌ» (3) . (4) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 293 ح 12484 ، صحيح ابن حبّان : ج 16 ص 113 ح 7159 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 24 ح 2194 ، موارد الظمآن : ص 564 ح 2271 ، المعجم الكبير : ج 22 ص 300 ح 763 كلّها نحوه .
2- .أشفى على الشىء : أشرف عليه (الصحاح : ج 6 ص 2394 «شفى») .
3- .الصفّ : 4 .
4- .الكافى: ج 5 ص 39 ح 4 عن مالک بن أعين ، الإرشاد : ج 1 ص 265 ، وقعه صفّين : ص 235 عن عبد الرحيم بن عبد الرحمن عن أبيه وكلاهما

نحوه ، بحار الأنوار : ج 32 ص 562 ح 468 ؛ تاريخ الطبرى : ج 5 ص 16 عن أبى عمره الأنصارى نحوه .

وروی ابن ماجه وأبو داود:مسند ابن حنبل به نقل از اَنَس :مردی گفت : ای پیامبر خدا ! فلانی درخت خرمایی [در باغ من [دارد و من می خواهم باغم را با آن ، دیواربندی کنم . دستور دهید درختش را به من بدهد تا با آن ، باغم را دیواربندی کنم.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «نخلت را ، در ازای نخلی در بهشت ، به او بده» .

آن مرد نپذیرفت.

ابو دَحداح نزد آن مرد آمد و گفت: نخلت را به باغ خرمایم بفروش.

مرد فروخت.

ابو دحداح ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : من آن نخل را به [بهای] باغم خریدم . آن نخل را به آن مرد (صاحب باغ) بدهید ؛ زیرا که من آن را به شما [هدیه [می دهم.

پیامبر خدا چند بار فرمود : «چه بسیار خُرمابُن هایی که در بهشت ، از آنِ ابو دحداح شد !» .

ابو دحداح ، نزد همسرش آمد و گفت : ای اُمّ دَحداح ! باغ را ترک کن ؛ زیرا که من آن را به نخلی در بهشت فروختم.

همسرش گفت : سودای سودآوری است (یا جمله ای شبیه به این) .عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام در تحریک و ترغیب لشکریان در جنگ صفّین :خداوند شما را به تجارتی رهنمون شده که شما را از عذابی دردناک می رهاند و شما

را به خیر ، نزدیک می سازد : ایمان آوردن به خدا و جهاد کردن در راه خدا . او پاداش آن را آمرزش گناه و سکونتگاه هایی خوش و پاک در باغ های بهشت قرار داد ، و خداوند فرمود : «همانا خدا دوستدار کسانی است که در راه او ، صف در صف ، جهاد می کنند ، چنان که گویی بنایی سُربی اند» . .

وروى الترمذى وأبو داود عن ابن عمر:عنه عليه السلام :لا تِجارَةَ كَالعَمَلِ الصّالِحِ. (1)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :الأعمالُ فِى الدُّنيا تِجارَةُ الآخِرَهِ. (2)وروى البخارى ومسلم وأبو داود والترمذى والنسائى واعنه عليه السلام :العَمَلُ بِطاعَهِ اللّهِ أربَحُ ، ولِسانُ الصِّدقِ أزيَنُ وأنجَحُ. (3)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :فِى الطّاعَهِ كُنوزُ الأرباحِ. (4)وروى الترمذى عن أبى هريره:عنه عليه السلام :الطّاعَهُ وفِعلُ البِرِّ هُمَا المَتجَرُ الرّابِحُ. (5)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :أطِع تَربَح. (6)وروى البخارى ومسلم والترمذى والنسائى عن جابر:عنه عليه السلام :العَمَلُ بِطاعَهِ اللّهِ أربَحُ. (7)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :فِى الاِنفِرادِ لِعِبادَهِ اللّهِ كُنوزُ الأرباحِ. (8)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن عَمِلَ بِالحَقِّ رَبِحَ. (9) .

1- .نهج البلاغه : الحكمه 113 ، مشكاه الأنوار : ص 207 ح 563 ، روضه الواعظين : ص 475 ، غرر الحكم : ح 10545 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 409 ح 122 ؛ مطالب السؤول : ص 57 .
2- .غرر الحكم : ح 1307 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 47 ح 1193 .
3- .غرر الحكم: ح 1862 ، عيون الحكم و المواعظ : ص 55 ح 1431 وفيه «أرجح» بدل «أنجح» .
4- .غرر الحكم : ح 6447 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 353 ح 5954 .
5- .غرر الحكم : ح 2158 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 68 ح 1718 .
6- .غرر الحكم : ح 2241 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 78 ح 1898 .
7- .غرر الحكم : ح 1320 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 29 ح 412 .
8- .غرر الحكم : ح 6504 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 354 ح 5979 .
9- .غرر الحكم : ح 7694 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 423 ح 7127 .

وروی فی الموطأ:امام علی علیه السلام :هیچ تجارتی چون کار نیک نیست.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :اعمال در دنیا ، تجارت آخرت اند .وروی البخاری ومسلم والنسائی وأبو داود عن ابن عمر:امام علی علیه السلام :عمل کردن به طاعت خداوند ، سودمندتر ، و زبان راستی (نام نیک) ، زینت بخش تر و موفقیت آمیزتر است.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :در طاعت [خداوند] ، گنج های سود ، نهفته است.وروی مسلم والبخاری والترمذی عن جابر:امام علی علیه السلام :طاعت [خداوند] و انجام دادن کار نیک ، تجارت هایی سودآورند.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :اطاعت [خدا] کن تا سود بری.وروی الترمذی وابن ماجه عن معاذ بن جبل:امام علی علیه السلام :عمل کردن به طاعت خداوند ، سودمندترین [تجارت [است.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :در تنهایی عبادت خداوند ، گنج های سود ، نهفته است.روی البخاری ومسلم وأبو داود وابن ماجه وأحمد:امام علی علیه السلام :هر که به حق عمل کند ، سود می بَرد. .

عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :إذا أملَقتُم (1) فَتاجِرُوا اللّهَ بِالصَّدَقَهِ. (2)وروى مسلم والترمذى والنسائى عن ابن عمر:عنه عليه السلام :أزكَى المالِ مَا اشتُرِىَ بِهِ الآخِرَهُ. (3)وروى البخارى عن ابن عمر:عنه عليه السلام :الصَّدَقَهُ أعظَمُ الرِّبحَينِ. (4)وروى مسلم عن أبى هريره:عنه عليه السلام :عَلَيکَ بِالإحسانِ ؛ فَإِنَّهُ أفضَلُ زِراعَهٍ وأربَحُ بِضاعَهٍ. (5)عن أهل البيت عليهم السلام:الإمام الصادق عليه السلام :إنّى لاُملِقُ أحيانا فَاُتاجِرُ اللّهَ بِالصَّدَقَهِ. (6)وروى الترمذى وابن ماجه وأحمد عن ابن عمر:الإمام المهدى عليه السلام فِى الدُّعاءِ المَعروفِ بِدُعاءِ العَلوِىِّ المِصرِىِّ :اللّهُمَّ بِکَ أعوذُ وبِکَ ألوذُ ... ومِنکَ أسأَلُ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ ، و لا تَرُدَّنى إلاّ بِذَنبٍ مَغفورٍ و سَعىٍ مَشکورٍ و تِجارَهٍ لَن تَبورَ. (7)5 / 3التَّحذيرُ مِن اشتِراء الدُّنيا بِالآخِرَهِالكتاب«أُوْلَئِکَ الَّذِينَ اشْتَرَوُاْ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا بِالآخِرَهِ فَلاَ يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَ لاَ هُمْ يُنصَرُونَ » . (8)

.

1- .الإملاق: الافتقار (الصحاح: ج 4 ص 1557 «ملق») .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 258 ، عدّه الداعى : ص 60 عن الإمام الصادق عليه السلام ، غرر الحكم : ح 4019 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 133 ح 66 ؛ المئه كلمه للجاحظ : ص 104 ح 88 ، المناقب للخوارزمى : ص 376 ح 395 .
3- .غرر الحكم : ح 3040 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 119 ح 2699 .
4- .غرر الحكم : ح 1673 .
5- .غرر الحكم : ح 6112 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 334 ح 5704 .
6- .كشف الغمّه: ج 2 ص 417 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 206 ح 54 .
7- .مُهج الدعوات : ص 349 عن محمّد بن علىّ العلوى المصرى ، بحار الأنوار: ج 95 ص 278 ح 34 وراجع الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 404 .
8- .البقره : 86 .

عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :هر گاه فقیر شُدید ، به وسیله صدقه دادن ، با خدا سودا کنید.وروی البخاری عن أبی ذرّ:امام علی علیه السلام :پاک ترین (/بالنده ترین) مال ، مالی است که با آن ، آخرت خریده شود.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :صدقه ، بزرگ ترین سوداست.وروی البخاری ومسلم والنسائی وأبو داود وابن ماجه عامام علی علیه السلام :احسان کنید که آن ، برترین کِشت و سودآورترین کالا (سرمایه) است.عن أهل البیت علیهم السلام:امام صادق علیه السلام :من گاهی اوقات ، تنگ دست می شوم و [برای رفع تنگ دستی خود ،] با صدقه دادن ، به تجارت با خداوند می پردازم.عن أهل البیت علیهم السلام:امام مهدی علیه السلام در دعای معروف به دعای عَلوی مِصری :بارخدایا! به تو پناه می برم و دست به دامن تو می شوم ... و از تو درخواست می کنم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و مرا از درگاهت برمگردانی ، مگر با آمرزش گناهم و پذیرفته شدن تلاشم و [نیز با] تجارتی که هرگز کساد نمی شود.5 / 3زنهاردهی از سودا کردنِ آخرت به دنیاقرآن«آنان ، کسانی هستند که زندگی دنیا را به جهان دیگر خریدند . پس نه عذابشان سبک می گردد و نه آنان یاری می شوند» .

.

الحديثعن أهل البيت عليهم السلام:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :بَشِّر هذِهِ الاُمَّةَ بِالسَّناءِ وَالرِّفعَهِ وَالدّينِ والنَّصرِ وَالتَّمكينِ فِى الأَرضِ؛ فَمَن عَمِلَ مِنهُم عَمَلَ الآخِرَهِ لِلدُّنيا لَم يَكُن لَهُ فِى الآخِرَهِ نَصيبٌ . (1)وروى مسلم وأبو داود وابن ماجه عن أبى هريره، يقولالإمام علىّ عليه السلام :إيّاكَ أن تَبيعَ حَظَّكَ مِن رَبِّكَ وزُلفَتَكَ (2) لَدَيهِ بِحَقيرٍ مِن حُطامِ الدُّنيا. (3)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :لا يَترُكُ النّاسُ شَيئًا مِن أمرِ دينِهِم لِاستِصلاحِ دُنياهُم ، إلاّ فَتَحَ اللّهُ عَلَيهِم ما هُوَ أضَرُّ مِنهُ. (4)وروى الترمذى عن ابن خزيمه:عنه عليه السلام :لا تَبيعُوا الآخِرَهَ بِالدُّنيا ، ولا تَستَبدِلُوا الفَناءَ بِالبَقاءِ. (5)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :أيُّهَا النّاسُ ! إنَّكُم إن آثَرتُمُ الدُّنيا عَلَى الآخِرَهِ أسرَعتُم إجابَتَها إلَى العَرَضِ الأدنى ، ورَحَلَت مَطايا آمالِكُم إلَى الغايَهِ القُصوى ، تورِدُ مَناهِلَ عاقِبَتُها النَّدَمُ ، وتُذيقُكُم ما فَعَلَت بِالأُمَمِ الخالِيَهِ وَالقُرونِ الماضِيَهِ ؛ مِن تَغَيُّرِ الحالاتِ وتَكَوُّنِ المَثُلاتِ (6) . (7)وروى أنس والترمذى وابن ماجه وأبو داود عن الحسن بنعنه عليه السلام :لَيسَ عَنِ الآخِرَهِ عِوَضٌ ، ولَيسَتِ الدُّنيا لِلنَّفسِ بِثَمَنٍ. (8) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 44 ح 21278 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 346 ح 7862 ، شُعب الإيمان : ج 5 ص 334 ح 6833 ، حليه الأولياء : ج 1 ص 255 نحوه وكلّها عن اُبىّ بن كعب ، كنز العمّال : ج 12 ص 157 ح 34465 ؛ إعلام الورى : ج 1 ص 89 عن اُبىّ بن كعب ، مجمع البيان : ج 5 ص 224 نحوه .
2- .الزُّلْفَه والزُّلفى : القُربَه والمنزله (الصحاح : ج 4 ص 1370 «زلف») .
3- .غرر الحكم : ح 2701 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 98 ح 2263 .
4- .نهج البلاغه : الحكمه 106 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : ص 97 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 107 ح 5 .
5- .غرر الحكم : ح 10335 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 524 ح 9545 وفيه «البقاء بالفناء» بدل «الفناء بالبقاء» .
6- .المَثُلات : عقوبات أمثالهم من المكذّبين . يقال : المثلات : الأشباه والأمثال ممّا يعتبر به (مجمع البحرين : ج 3 ص 1671 «مثل») .
7- .تحف العقول : ص 221 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 60 ح 137 .
8- .غرر الحكم : ح 7502 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 411 ح 6999 .

حدیثوروی مسلم والترمذی وابن ماجه وأحمد عن جابر:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بشارت باد این امّت را به بلندی و عظمت و دین و پیروزی و قدرت یافتن در زمین! پس ، هر که از آنان کار آخرت را برای دنیا انجام دهد، در آخرت ، او را نصیبی نخواهد بود.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :زنهار که بهره ات از پروردگارت و قرب و منزلتت در نزد او را به متاع کوچک دنیا بفروشی !وروی أحمد عن أبی هریره:امام علی علیه السلام :مردم ، امری از امور دین خود را به خاطر آباد کردن دنیایشان فرو نمی گذارند ، مگر آن که خداوند ، زیانبارتر از آن را برایشان می گشاید.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :آخرت را به دنیا مفروشید و بقا (آخرت) را با فنا (دنیا) عوض نکنید.وروی الترمذیّ ومسلم والموطّأوابن ماجه عن أبی هریرامام علی علیه السلام :ای مردم! شما اگر دنیا را بر آخرت برگزینید ، در [قبولِ [کالای پَست و بی ارزش آن ، به آن ، زود پاسخ داده اید و مَرکب آرزوهایتان را تا دورترین مقصد تازانده اید ، و آن ، شما را به آبشخورهایی می برد که فرجامش پشیمانی است و طعم دگرگونی حالات و کیفرهایی را که به امّت های پیشین و نسل های گذشته چشانید ، به شما نیز می چشاند.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :آخرت ، عوض ندارد و دنیا ، بهای جان [آدمی] نیست. .

وروى أبو داود عن بريره:عنه عليه السلام :اِستَفرِغ جَهدَکَ لِمَعادِکَ تُصلِح مَثواکَ ، ولا تَبِع آخِرَتَکَ بِدُنیاکَ. (1)و-أيضاً-:عنه عليه السلام :أَصلِح مَثواکَ ، ولا تَبِع آخِرَتَکَ بِدُنیاکَ. (2)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :لَبِئسَ المَتجَرُ أن تَرَی الدُّنیا لِنَفسِکَ ثَمَنا ومِمّا لَکَ عِندَ اللّهِ عِوَضا . (3)وروى ابن ماجه عن جابر:عنه عليه السلام :مَن أغبَنُ مِمَّن باعَ البَقاءَ بِالفَناءِ؟! (4)و-أيضاً-:الإمام علىّ عليه السلام :مَن أخسَرُ مِمَّن تَعَوَّضَ عَنِ الآخِرَهِ بِالدُّنیا؟! (5)وروى أحمد فى المسند:عنه عليه السلام :أخسَرُ النّاسِ مَن رَضِیَ الدُّنیا عِوَضا عَنِ الآخِرَهِ . (6)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام :مَن باعَ آخِرَتَهُ بِدُنیاهُ خَسِرَهُما . (7)وروى أحمد فى المسند وابن ماجه عن ابن عمر:الإمام الصادق عليه السلام : «وَ لَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ» بِالعَذابِ ، إذ باعُوا الآخِرَهَ بِالدُّنیا ورَهَنوا بِالعَذابِ الدّائِمِ أنفُسَهُم «لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ» (8) أَنَّهُم قَد باعوا أنفُسَهُم بِالعَذابِ ولكِن لا يَعلَمونَ ذلِکَ لِكُفرِهِم بِهِ ، فَلَمّا تَرَكُوا النَّظَرَ فى حُجَجِ اللّهِ حَتّى يَعلَموا ، عَذَّبَهُم عَلَى اعتِقادِهِمُ الباطِلَ وجَحدِهِمُ الحَقَّ. (9)روى أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام فى زِيارَهِ الإمامِ الحُسَينِ عليه السلام يَومَ الأَربَعينَ :اللّهُمَّ ، إنّى أشهَد أنَّهُ ... بَذَلَ

مُهجَتَهُ فيکَ لِيَستَنقِذَ عِبادَکَ مِنَ الجَهالَهِ وحَيرَهِ الضَّلالَهِ ، وقَد تَوازَرَ عَلَيهِ مَن غَرَّتهُ الدُّنيا وباعَ حَظَّهُ بِالأرذَلِ الأدنى . (10) .

1- .غرر الحكم : ح 2411 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 85 ح 2052 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 69 ، كشف المحجّه : ص 222 عن عمر بن أبى المقدام عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 217 ح 2 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 32 ، غرر الحكم : ح 7355 وفيه «ليس» بدل «لبئس» ، عيون الحكم والمواعظ : ص 404 ح 6845 .
4- .غرر الحكم : ح 8508 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 449 ح 7987 .
5- .غرر الحكم : ح 8509 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 449 ح 7988 .
6- .غرر الحكم : ح 3077 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 120 ح 2730 .
7- .غرر الحكم : ح 8237 ؛ مطالب السؤول : ص 48 .
8- .البقره: 102 .
9- .عيون أخبار الرضا : ج 1 ص 269 ح 1 عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار عن الإمام العسكرى عن آبائه عليهم السلام ، التفسير المنسوب إلى

الإمام العسكرى عليه السلام : ص 475 ح 304 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 321 ح 3 .
10- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 113 ح 201 ، مصباح المتهجّد : ص 788 ح 857 كلاهما عن صفوان بن مهران ، بحار الأنوار : ج 101 ص 331 ح 2 .

وروی أحمد عن علیّ:امام علی علیه السلام :نیرویت را صرف مَعادت کن تا جایگاه [ابدی] خود را آباد کنی ، و آخرتت را به دنیایت مفروش.عن أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :اقامتگاه [ابدی] خویش را آباد کن و آخرتت را به دنیایت مفروش.وروی مسلم عن عائشه:امام علی علیه السلام :بد تجارتی است این که دنیا را بهای جانت و عوضی که نزد خدا داری ، بدانی !و-أیضاً-:امام علی علیه السلام :کیست مغبون تر از کسی که بقا [و آخرت جاویدان] را به فنا [و دنیای گذرا] بفروشد؟وروی أحمد عن أنس:امام علی علیه السلام :کیست زیان دیده تر از کسی که آخرت را با دنیا عوض کرد؟ !روی أهل البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :زیانکارترین مردم ، کسی است که به جای آخرت ، به دنیا رضایت داد.وروی الترمذی عن علیّ:امام علی علیه السلام :کسی که آخرتش را به دنیایش بفروشد ، هر دو را باخته است.وروی مسلم والبخاری وأبو داود وابن ماجه عن عائشه:امام صادق علیه السلام : «چه بد است آنچه جان هایشان را به آن فروختند» ، یعنی به عذاب ؛ زیرا که آخرت را به دنیا فروختند و جان هایشان را به گروِ عذابِ همیشگی دادند . (ای کاش می دانستند) که جان هایشان را به عذاب فروخته اند؛ امّا به دلیل کافر بودنشان به آن (عذاب) ، این را [که جان خود را به بد چیزی فروخته اند ، [نمی دانند .

پس ، چون اندیشیدن در حجّت های خدا را فرو نهادند تا [در نتیجه این اندیشه و تأمّل ، این حقیقت را] بدانند ، خداوند آنان را به سبب اعتقاد باطلشان و انکار حق ، عذاب کرد.عن أهل البیت علیهم السلام:امام صادق علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین :بارخدایا! من گواهی می دهم که آن بزرگوار ... خون خود را در راه تو نثار کرد تا بندگانت را از

جهالت و سرگشتگیِ گم راهی برهاند ، در حالی که آنان که دنیا فریبشان داد و بهره خود [از آخرت] را به [دنیای] پَست فروختند ، علیه او همیار شدند. .

روى الترمذى ومسلم والبخارى وأبو داود وأحمد عن ابنعنه عليه السلام فى زِيارَةِ الإمامِ الحُسَينِ عليه السلام :فَأعذَرَ فِى الدُّعاءِ ، وبَذَلَ مُهجَتَهُ فيكَ... حَتّى ثارَ عَلَيهِ مِن خَلقِكَ مَن غَرَّتهُ الدُّنيا ، وباعَ الآخِرَةَ بِالثَّمَنِ الأوكَسِ (1) . (2)روى أهل البيت عليهم السلام:الإمام الكاظم عليه السلام :مَن رَضِىَ مِنَ اللّهِ بِالدُّنيا فَقَد رَضِىَ بِالخَسيسِ. (3)وروى البخارى ومسلم وأبو داود والترمذى والنسائى واالكافى عن عليّ بن عيسى رفعه :إنَّ موسى عليه السلام ناجاهُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى فَقالَ لَهُ فى مُناجاتِهِ : ... يا موسى ، الدُّنيا نُطفَهٌ (4) لَيسَت بِثَوابٍ لِلمُؤمِنِ ولا نَقِمَهٍ مِن فاجِرٍ ؛ فَالوَيلُ الطَّويلُ لِمَن باعَ ثَوابَ مَعادِهِ بِلَعقَهٍ لَم تَبقَ ، وبِلَعسَهٍ (5) لَم تَدُم . (6)راجع : ج1 ص224 (حقيقه الدنيا الذميمه / إيثار الدنيا على الآخره)

و 444 (مضارّ حبّ الدنيا / خسران الدنيا والآخره) .

.

1- .الثمن الأوكس : الأنقص (مجمع البحرين: ج 3 ص 1969 «وكس») .
2- .كامل الزيارات : ص 401 ح 639 عن أبى حمزه الثمالى ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 59 ح 131 ، المزار الكبير : ص 376 كلاهما من دون إسنادٍ إلى المعصوم نحوه ، بحار الأنوار : ج 101 ص 177 ح 30 .
3- .تحف العقول : ص 391 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 306 ح 1 .
4- .الدنيا نُطْفهٌ : أى ماء قليل مكدّر . قال فى القاموس : النُّطفه بالضمّ : الماء الصافى قلّ أو كثر ، أو قليل ماء يبقى فى دلو أو قربه . أى الدنيا شىء قليل ؛ لا يصلح نعمتها لحقارتها أن تكون ثوابا للمؤمن ، ولا بلاؤها وشدّتها لقلّتها أن تكون عذابا وانتقاما من فاجر (مرآه العقول : ج 25 ص 103).
5- .اللَّعْس بالفتح : العَضّ ، والمراد هنا ما يقطعه بأسنانه من شىء مأكول مرّه واحده (مرآه العقول : ج 25 ص 103) .
6- .الكافى : ج 8 ص 42 47 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 37 ح 7 .

عن أهل البیت علیهم السلام:امام صادق علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام :پس ، با دعوت [مردم به حق، [حجّت را تمام کرد و خون و جان خود را در راه تو بخشید ... تا آن که کسانی از خَلق تو که دنیا فریبشان داد و آخرت را به کمترین بها فروختند ، بر او شوریدند.عن أهل البیت علیهم السلام:امام کاظم علیه السلام :کسی که از خداوند به دنیا رضایت دهد ، به پَست ، رضایت داده است.وروی البخاری وابن ماجه والترمذی وأبو داود عن أبیالکافی به نقل از علی بن عیسی ، از معصوم علیه السلام :خداوند متعال با موسی نجوا کرد و در نجوایش با او گفت : « ... ای موسی ! دنیا ، اندک آبی تیره است ؛ نه پاداشی [در خور] برای مؤمن و نه کیفری [مناسب] برای بی ایمان است . پس ، وای و صد وای بر کسی که پاداش مَعادش را به لیسیدنی ناماندگار و گاز زدنی ناپایدار فروخت !ر . ک: ج1 ص225 (حقیقت دنیای نکوهیده / ترجیح دنیا بر آخرت)

و 445 (زیان های دنیادوستی / باختن در دنیا و آخرت) .

.

5 / 4ذَمٌّ مَن باعَ آخِرَتَهُ بِدُنيا غَيرِهِروى أهل البيت عليهم السلام:رسول اللّه صلى الله عليه و آله :شَرُّ النّاسِ مَن باعَ آخِرَتَهُ بِدُنياهُ ، وشَرٌّ مِن ذلِکَ مَن باعَ آخِرَتَهُ بِدُنيا غَيرِهِ. (1)عن أهل البيت عليهم السلام:عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أشَدَّ النّاسِ نِدامَةً يَومَ القِيامَهِ ، رَجُلٌ باعَ آخِرَتَه بِدُنيا غَيرِهِ. (2)وروى البخارى ومسلم والترمذى وابن ماجه وأبو داود وعنه صلى الله عليه و آله :شَرُّ النّاسِ مَن تَأذّى بِهِ النّاسُ ، وشَرٌّ مِن ذلِکَ مَن أكرَمَهُ النّاسُ اتِّقاءَ شَرِّهِ ، وشَرٌّ مِن ذلِکَ مَن باعَ دينَهُ بِدُنيا غَيرِهِ. (3)و-أيضا-:الإمام علىّ عليه السلام :قِوامُ الدُّنيا بِأربَعَهٍ : بِعالِمٍ مُستَعمِلٍ لِعِلمِهِ ، وبِغَنِيٍّ باذِلٍ لِمَعروفِهِ ، وبِجاهِلٍ لا يَتَكَبَّرُ أن يَتَعَلَّمَ ، وبِفَقيرٍ لا يَبيعُ آخِرَتَهُ بِدُنيا غَيرِهِ.

وإذا عَطَّلَ العالِمُ عِلمَهُ ، وأمسَکَ الغَنِيُّ مَعروفَهُ ، وتَكَبَّرَ الجاهِلُ أن يَتَعَلَّمَ ، وباعَ الفَقيرُ آخِرَتَهُ بِدُنيا غَيرِهِ فَعَلَيهِمُ الثُّبورُ (4) . (5) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 353 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 319 ح 2656 عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 46 ح 3 .
2- .التاريخ الكبير : ج 6 ص 128 عن أبى هريره ، كنزالعمّال : ج 3 ص 510 ح 7660 .
3- .الاختصاص : ص 243 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 281 ح 7 وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 353 ح 5762 و مستطرفات السرائر : ص 111 ح 1 .
4- .الثُّبور : الهلاک (النهايه : ج 1 ص 206 «ثبر») .
5- .تحف العقول : ص 222 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 62 ح 143.

5 / 4نکوهش آن که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشدعن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدترینِ مردم ، کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد ، و بدتر از او ، کَسی است که آخرت خویش را برای دنیای دیگری بفروشد.وروی الطبرانی فی الکبیر عن عمر:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پرندامت ترینِ مردم در روز قیامت ، مردی است که آخرتش را برای دنیای دیگری بفروشَد.عن أهل البیت علیهم السلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدترینِ مردم ، کسی است که مردم از او آزار ببینند ، و از او بدتر ، کسی است که مردم از بیمِ گزندش ، به او احترام بنهند ، و از او بدتر ، کسی است که دینش را برَای دنیای دیگری بفروشد.وروی الترمذی وابن ماجه عن عمر بن الأحوص:امام علی علیه السلام :استواری دنیا ، به چهار چیز است : عالِمی که علمش را به کار می گیرد ، توانگری که نیکی (بخشش) می کند ، نادانی که از آموختنْ تکبّر نمی ورزد ، و ناداری که آخرتش را برای دنیای دیگری نمی فروشد.

هر گاه عالِم ، علمش را به کار نبندد و توانگر ، از نیکی (بخشش) دریغ کند و نادان از آموختنْ تکبّر ورزد و نادار ، آخرتش را برای دنیای دیگری بفروشد ، نابودی گریبانگیرشان می شود.

.

و-أيضاً-:عنه عليه السلام لَمّا قيلَ لَهُ :أىُّ الخَلقِ أشقى ؟ : مَن باعَ دينَهُ بِدُنيا غَيرِهِ . (1)وروى النسائى وأبو داود عن معقل بن يسار:عنه عليه السلام :بِئسَ الرَّجُلُ مَن باعَ دينَهُ بِدُنيا غَيرِهِ. (2) ربّنا آتنا فى الدنيا حسنه وفى الآخره حسنه وقنا عذاب النار ربّنا لاَ تجعلنا من الأخسرين أعمالاً الّذين ضلّ سعيهم فى الحياه الدنيا وهم يحسبون أنّهم يحسنون صنعا .

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 383 ح 5833 ، معانى الأخبار : ص 198 ح 4 ، الأمالى للصدوق : ص 478 ح 644 ، الأمالى للطوسى : ص 435 ح 974 كلّها عن عبد اللّه بن بكر [بكران] المرادى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 174 عن الإمام زين العابدين عنه عليهماالسلام وفيه «آخرته» بدل «دينه» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 301 ح 1 .
2- .غرر الحكم : ح 4403 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 193 ح 3969 .

وروی الطبرانی فی المعجم عن ابن مسعود:امام علی علیه السلام در پاسخ این پرسش که :شقاوتمندترینِ مردم کیست؟ : کسی که دینش را برای دنیای دیگری بفروشد.عن أهلَ البیت علیهم السلام:امام علی علیه السلام :بد مردی است کسی که دینش را برای دنیای دیگری می فروشد! پروردگارا ! به ما در دنیا نیکی عطا کن ؛ و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما ؛ و ما را از عذاب آتش ، نگاه دار . پروردگارا ! ما را از زیانکارترینِ مردم ، قرار مَده ؛ آنها تلاش هایشان در زندگی دنیا گم شده است و با این حال ، می پندارند که کار نیک انجام می دهند .

.

ص: 396

..

ص: 397

. .

ص: 398

. .

ص: 399

. .

ص: 400

. .

ص: 401

. .

ص: 402

. .

. .

ص: 404

. .

ص: 405

. .

ص: 406

. .

ص: 407

. .

. .

ص: 409

. .

ص: 410

. .

ص: 411

..

ص: 412

. .

ص: 413

. .

ص: 414

. .

ص: 415

. .

ص: 416

. .

ص: 417

..

ص: 418

. .

فهرس المنابع والمآخذ1 . الاختصاص ، المنسوب إلى أبى عبداللّه محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، الطبعه الرابعه ، 1414 ه . 2 . الإرشاد فى معرفه حجج اللّه على العباد ، أبو عبداللّه محمّدبن محمّدبن النعمان العكبريالبغدادى المعروف بالشيخ المفيد(ت 413 ه) تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، الطبعه الأُولى ، 1413 ه . 3 . أعلام الدين فى صفات المؤمنين ، أبو محمّد الحسن بن أبى الحسن الديلمى (ت 711 ه) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسّه آل البيت عليهم السلام ، الطبعه الثانيه ، 1414 ه . 4 . إعلام الورى بأعلام الهدى ، أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (ت 548 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، بيروت : دارالمعرفه ، الطبعه الأُولى ، 1399 ه . 5 . الإقبال بالأعمال الحسنه فيما يعمل مرّه فى السنه ، أبو القاسم علىّ بن موسى الحلّى الحسنى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، تحقيق: جواد القيّومى ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، الطبعه الأُولى ، 1414 ه . 6 . أمالى الشجرى ، يحيى بن الحسين الشجرى (ت 499 ه) ، بيروت : عالم الكتب ، الطبعه الثالثه ، 1403 ه . 7 . أمالى الطوسى ، أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (ت 460 ه) ، تحقيق : مؤسّسه البعثه ، قم : دارالثقافه ، الطبعه الأُولى ، 1414 ه .

.

8 . أمالى الصدوق ، أبو جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، بيروت : مؤسّسه الأعلمى ، الطبعه الخامسه ، 1400 ه . 9 . أمالى المفيد ، أبو عبد اللّه محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق: حسين اُستاد ولى ، وعلىّ أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، الطبعه الثانيه ، 1404 ه . 10 . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار عليهم السلام ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (ت 1110 ه) ، تحقيق : دار إحياء التراث ، بيروت : دار إحياء التراث ، الطبعه الاُولى ، 1412 ه . 11 . البلد الأمين ، تقىّ الدين إبراهيم بن زين الدين الحارثى الهمدانى المعروف بالكفعمى(ت 905 ه) . 12 . تاج العروس من جواهر القاموس ، محمّد بن محمّد مرتضى الحسينى الزبيدى (ت 1205 ه) ، تحقيق : علىّ الشيرى ، بيروت : دار الفكر . . تاريخ الاُمم والملوک = تاريخ الطبرى . . تاريخ دمشق = تاريخ مدينه دمشق . 13 . تاريخ الطبرىّ (تاريخ الاُمم والملوک) ، أبو جعفر محمّد بن جرير الطبرىّ الإمامى (ق 5 ه) ، تحقيق : محمّد أبو الفضل إبراهيم ، بيروت : دار المعارف . 14 . التاريخ الكبير ، أبو عبداللّه محمّد بن إسماعيل البخارى (ت 256 ه) ، بيروت : دار الفكر . 15 . تاريخ مدينه دمشق ، علىّ بن الحسن ابن عساكر الدمشقى ، تحقيق: علىّ شيرى ، بيروت : دار الفكر ، 1415 ه . 16 . التحصين لابن طاووس ، علىّ بن الطاووس الحلّى (ت 664 ه) ، قم : دار الكتاب ، 1413 ه . 17 . تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله ، أبو محمّد الحسن بن علىّ الحرانى المعروف بابن شعبه (ت 381 ه)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، الطبعه الثانيه 1404 ه . 18 . تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم) ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصروى الدمشقى (ت 774 ه) ، تحقيق : عبدالعظيم غيم ، ومحمّد أحمد عاشور ، ومحمّد إبراهيم البنّا ، القاهره : دار الشعب . 19 . تفسير القمّى ، علىّ بن إبراهيم القمى ، تصحيح : السيّد طيّب الموسوى الجزائرى ، النجف : مطبعه النجف .

.

20 . تفسير الطبرىّ (جامع البيان عن تأويل آى القرآن) ، أبو جعفر محمّد بن جرير الطبرىّ (310 ه)، بيروت : دار الفكر . 21 . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام ، تحقيق : مؤسّسه الإمام المهدى عج ، قم : مؤسّسه الإمام المهدى عج ، الطبعه الأُولى ، 1409 ه . 22 . تنبيه الخواطر ونزهه النواظر (مجموعه ورّام) ، أبو الحسين ورّام بن أبى فراس (ت 605 ه) ، بيروت : دارالتعارف ودار صعب . 23 . تنبيه الغافلين ، أبو الليث نصر بن محمّد السمرقندى (ت 372 ه) ، تحقيق: يوسف علىّ بديوى ، بيروت : دار ابن كثير ، الطبعه الأُولى ، 1413 ه . 24 . التهذيب (تهذيب الأحكام فى شرح المقنعه) ، أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسىّ (ت 460 ه . ق) ، بيروت : دارالتعارف ، الطبعه الأُولى 1401 ه . 25 . تهذيب تاريخ دمشق الكبير ، أبو القاسم علىّ بن الحسين بن هبه اللّه المعروف بابن عساكر الدمشقىّ (ت 571 ه) ، تحقيق : عبدالقادر بدران ، بيروت : دار إحياء التراث العربىّ ، الطبعه الثالثه 1407 ه . 26 . تهذيب الكمال فى أسماء الرجال ، يونس بن عبدالرحمن المزّىّ (ت 742 ه . ق) ، تحقيق : الدكتور بشّار عوّاد معروف ، بيروت : مؤسّسه الرساله ، الطبعه الأُولى 1409 ه . 27 . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ، أبو جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، طهران : مكتبه الصدوق . 28 . جامع الأخبار أو معارج اليقين فى أُصول الدين ، محمّد بن محمّد الشعيرى السبزوارى (ق 7 ه) تحقيق: مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، الطبعه الأُولى ، 1414 ه . 29 . الجعفريّات = الأشعثيّات ، أبو الحسن محمّد بن محمّد بن الأشعث الكوفى (ق 4 ه) ، طهران : مكتبه نينوى ، طُبع فى ضمن قرب الإسناد . 30 . حليه الأولياء وطبقات الأصفياء ، أبو نُعيم أحمد بن عبداللّه الأصبهانى (ت 430 ه) ، بيروت : دارالكتاب العربى ، الطبعه الثانيه ، 1387 ه . 31 . خصائص الأئمّه عليهم السلام ، أبو الحسن الشريف الرضى محمّد بن الحسين بن موسى الموسوى (ت 406 ه) ، تحقيق : محمّد هادى الأمينى ، مشهد : آستان قدس رضوى .

.

32 . الخصال ، أبو جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، بيروت : مؤسّسه الأعلمى ، الطبعه الاُولى ، 1410 ه . 33 . الدُرّ المنثور فى التفسير المأثور ، جلال الدين عبدالرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت 911 ه) ، بيروت : دارالفكر ، الطبعه الاُولى ، 1414 ه . 34 . ربيع الأبرار ونصوص الأخبار ، أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشرى (ت 538 ه) ، تحقيق : سليم النعيمى ، قم : منشورات الرضى ، الطبعه الاُولى ، 1410 ه . 35 . روضه الواعظين ، محمّد بن الحسن بن علىّ الفتّال النيسابورى (ت 508 ه) ، تحقيق : حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسّسه الأعلمى ، الطبعه الاُولى ، 1406 ه . 36 . زاد المسير فى علم التفسير ، عبدالرحمان بن على القرشى البغدادى (ابن الجوزى) (م 577ق) ، تحقيق : محمّد عبداللّه ، بيروت : دارالفكر ، 1407 ق ، الطبعه الاُولى . 37 . الزهد ، أبو عبد اللّه أحمد بن محمّد بن حنبل الشيبانى (ت 241 ه) ، بيروت : دار الكتب العلميه . 38 . الزهد ، أبو عبدالرحمن بن عبداللّه بن المبارک الحنظلى المروزى (ت 181 ه) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، بيروت : دار الكتب العلميّه . 39 . الزهد ، أبو محمّد الحسين بن سعيد الكوفى الأهوازى (ت 250 ه) ، تحقيق : غلام رضا عرفانيان ، قم : حسينيان ، الطبعه الثانيه ، 1402 ه . 40 . الزهد ، هنّاد بن السَّرىّ الكوفى (ت 243 ه) تحقيق : عبدالرحمان الفريوائى ، الكويت : دار الخلفاء لكتاب الإسلامى ، الطبعه الاُولى ، 1406ه . 41 . سعد السعود ، أبو القاسم علىّ بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، قم : مكتبه الرضى ، الطبعه الاُولى ، 1363 ه . ش . 42 . سنن الترمذى (الجامع الصحيح) . أبو عيسى محمّد بن عيسى بن سوره الترمذى(ت 279) ، تحقيق : أحمد محمّد شاكر ، بيروت : دار احياء التراث . 43 . سنن الدارمى ، أبو محمّد عبداللّه بن عبدالرحمن الدارمى (ت 255 ه) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، بيروت : دار العلم . 44 . السنن الكبرى ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائى، تحقيق : عبد الغفّار سليمان البندارى، بيروت : دار الكتب العلميه ، الطبعه الاُولى ، 1411 ه . 45 . السنن الكبرى ، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علىّ البيهقى (ت 458 ه) ، تحقيق : محمّد عبدالقادر عطا ، بيروت : دارالكتب العلميه ، الطبعه الاُولى ، 1414 ه .

.

46 . سير أعلام النبلاء ، أبو عبداللّه محمّد بن أحمد الذهبىّ (ت 748 ه) ، تحقيق : شُعيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسّسه الرساله ، الطبعه العاشره 1414 ه . 47 . شرح نهج البلاغه، كمال الدين ميثم بن علىّ بن ميثم البحرانى ، تصحيح : عده من الأفاضل، بيروت : دارالآثار للنشر ودارالعالم الاسلامى ، 1402 ه . 48 . شرح نهج البلاغه ، عزّ الدين عبدالحميد بن محمّد بن أبى الحديد المعتزلى المعروف بابن أبى الحديد (ت 656 ه) ، تحقيق : محمّد أبوالفضل إبراهيم ، بيروت : دار إحياء التراث ، الطبعه الثانيه ، 1387 ه . 49 . شُعب الإيمان ، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقى (ت 458 ه) ، تحقيق : محمّد السعيد بسيونى زغلول ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، الطبعه الأُولى ، 1410 ه . 50 . الصحاح تاج اللغه وصحاح العربيّه ، أبو نصر إسماعيل بن حمّاد الجوهرى (ت 398 ه) ، تحقيق : أحمد بن عبد الغفور عطّار ، بيروت : دار العلم للملايين ، الطبعه الرابعه 1410 ه . 51 . صحيح ابن حبّان ، علىّ بن بلبان الفارسى المعروف بابن بلبان (ت 739 ه) ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسسه الرساله ، الطبعه الثانيه ، 1414 ه . 52 . صحيح البخارى ، أبو عبداللّه محمّد بن إسماعيل البخارى (ت 256 ه) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، بيروت : دار ابن كثير ، الطبعه الرابعه 1410 ه . 53 . صحيح مسلم ، أبو الحسين مسلم بن الحجّاج القشيرى النيسابورى (ت 261 ه) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبدالباقى ، القاهره : دارالحديث ، الطبعه الأُولى ، 1412 ه . 54 . الصحيفه السجّاديّه ، الإمام زين العابدين عليه السلام ، تحقيق : علىّ أنصاريان ، المستشاريّه الثقافيّه دمشق. 55 . الطبقات الكبرى ، محمّد بن سعد كاتب الواقدى (ت 230 ه) ، بيروت : دارصادر . 56 . عدّه الداعى و نجاه الساعى ، أبو العبّاس أحمد بن محمّد بن فهد الحلّى الأسدى (ت 841 ه) ، تحقيق : أحمد موحّدى ، طهران : مكتبه وجدانى . 57 . العين ، أبو عبد الرحمن الخليل بن أحمد الفراهيدى (ت 175 ه) ، تحقيق : مهديالمخزومى ، قم : دار الهجره ، الطبعه الأُولى ، 1409 ه . 58 . عيون الحكم والمواعظ ، أبو الحسن علىّ بن محمّد الليثى الواسطى (قرن 6 ه) ، تحقيق : حسين الحسنى البيرجندى ، قم : دار الحديث ، الطبعه الأُولى ، 1376 ه . ش .

.

59 . الغارات ، أبو إسحاق إبراهيم بن محمّد بن سعيد المعروف بابن هلال الثقفى (ت 283 ه)، تحقيق : السيّد جلال الدين المحدّث الأرموى ، طهران : أنجمن آثار ملّى ، الطبعه الاُولى ، 1395 ه . 60 . غرر الحكم ودرر الكلم ، عبدالواحد الآمدى التميمى (ت 550 ه) ، تحقيق : مير سيّد جلال الدين محدّث الأرموى ، طهران : جامعه طهران ، الطبعه الثالثه ، 1360 ه . ش . 61 . فتح البارى شرح صحيح البخارى ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م 852ق) ، تحقيق : عبدالعزيز بن عبداللّه بن باز ، بيروت : دار الفكر ، 1379ق ، الطبعه الاُولى . 62 . الفردوس بمأثور الخطاب ، أبو شجاع شيرويه بن شهردار الديلمىّ الهمدانىّ (ت 509 ه) ، تحقيق: السعيد بن بسيونى زغلول ، بيروت : دارالكتب العلميّه ، الطبعه الاُولى ، 1406 ه . 63 . الفقيه = كتاب من لايحضره الفقيه ، أبو جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى . 64 . القاموس المحيط ، أبو طاهر مجدالدين محمّد بن يعقوب الفيروزآبادى (ت 817 ه) ، بيروت : دارالفكر ، الطبعه الاُولى ، 1403 ه . 65 . قرب الإسناد ، أبو العبّاس عبداللّه بن جعفر الحميرى القمّى (ت بعد 304 ه) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، الطبعه الاُولى ، 1413 ه . 66 . الكافى ، أبو جعفر ثقه الإسلام محمّد بن يعقوب بن إسحاق الكلينى الرازى (ت 329 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، طهران : دارالكتب الإسلاميه ، الطبعه الثانيه ، 1389 ه . 67 . كامل الزيارات ، أبو القاسم جعفر بن محمّد بن قولويه (ت 367 ه) ، تحقيق : عبدالحسين الأمينى التبريزى ، النجف الأشرف : المطبعه المرتضويه ، الطبعه الاُولى ، 1356 ه . 68 . الكامل فى التاريخ ، أبو الحسن علىّ بن محمّد الشيبانىّ الموصلىّ المعروف بابن الأثير (ت 630 ه) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار إحياء التراث العربىّ ، الطبعه الاُولى 1408 ه . . كتاب من لا يحضره الفقيه = الفقيه . 69 . الكشّاف ، محمود بن عمر الزمخشرى (م538ق) ، بيروت : دار المعرفه . 70 . كشف الغمّه فى معرفه الأئمّه ، علىّ بن عيسى الإربلىّ (ت 687 ه) ، تصحيح : السيّد هاشم الرسولىّ المحلاّتىّ ، بيروت : دارالكتاب الإسلامىّ ، الطبعه الاُولى ، 1401 ه . 71 . كشف المحجّه لثمره المهجه ، أبو القاسم رضىّ الدين علىّ بن موسى بن طاووس الحسنى (ت 664 ه)، تحقيق: محمّد الحسّون ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، الطبعه الاُولى ، 1412 ه .

72 . كشف اليقين فى فضائل أميرالمؤمنين عليه السلام ، جمال الدين أبى منصور الحسن بن يوسف بن علىّ بن المطهّر الحلّى المعروف بالعلاّمه (ت 726 ه) ، تحقيق : على آل كوثر ، قم : مجمع إحياء الثقافه الإسلاميّه ، الطبعه الاُولى 1411 ه . 73 . كنزالعمّال فى سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين علىّ المتّقى بن حسام الدين الهندى (ت 975 ه)، تصحيح: صفوه السقا، بيروت : مكتبه التراث الإسلامى ، الطبعه الاُولى 1397 ه . 74 . لسان العرب ، أبو الفضل جمال الدين محمّد بن مكرم بن منظور المصرى (ت 711 ه) ، بيروت : دار صادر ، الطبعه الاُولى ، 1410 ه . 75 . مئه كلمه للإمام أميرالمؤمنين علىّ بن أبى طالب عليه السلام ، من مختارات أبى عثمان عمرو بن بحر بن محبوب الكنانىّ المعروف بالجاحظ (ت 255 ه)، شرح : أبو الثناء أحمد بن محمّد الزيلى السيواسى ، تحقيق: رياض مصطفى العبداللّه ، بيروت : دارالحكمه ، الطبعه الاُولى 1416 ه . 76 . مجمع البحرين ، فخر الدين الطريحىّ (ت 1085 ه) ، تحقيق : السيّد أحمد الحسينىّ ، طهران : مكتبه نشر الثقافه الإسلاميّه ، الطبعه الثانيه 1408 ه . 77 . مجمع البيان فى تفسير القرآن ، أبو علىّ الفضل بن الحسن الطبرسىّ (ت 548 ه .) ، تحقيق : السيد هاشم الرسولىّ المحلاّتىّ والسيّد فضل اللّه اليزدىّ الطباطبائىّ ، بيروت : دار المعرفه ، الطبعه الثانيه ، 1408 ه . 78 . المحاسن ، أبو جعفر أحمد بن محمّد بن خالد البرقى (ت 280 ه) ، تحقيق : السيّد مهدى الرجائى، قم : المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام ، الطبعه الاُولى ، 1413 ه . 79 . مرآه العقول فى شرح أخبار آل الرسول ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسىّ (ت 1111 ه)، تحقيق : السيّد هاشم الرسولىّ المحلاّتىّ ، طهران : دارالكتب الإسلاميّه ، الطبعه الاُولى 1404 ه . 80 . المزار الكبير ، أبو عبد اللّه محمّد بن جعفر المشهدى (قرن 6 ه) ، تحقيق : جواد القيّومى الإصفهانى ، قم : نشر قيّوم ، الطبعه الاُولى ، 1419 ه . 81 . المستدرک على الصحيحين ، أبو عبداللّه محمّد بن عبداللّه الحاكم النيسابورى (ت 405 ه)، تحقيق : مصطفى عبدالقادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، الطبعه الاُولى ، 1411 ه . 82 . مسند أحمد ، أحمد بن محمّد بن حنبل الشيبانى (ت 241 ه) ، تحقيق : عبد اللّه محمّد الدرويش ، بيروت : دار الفكر ، الطبعه الثانيه ، 1414 ه .

.

83 . مسند أبى داوود الطيالسى ، سليمان بن داوود الجارود البصرى المعروف بأبى داوود الطيالسى (ت 204 ه) ، بيروت : دار المعرفه . 84 . مسند الشاميّين ، أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيّوب اللخمىّ الطبرانى (ت 360 ه) ، تحقيق : حمدى عبدالمجيد السلفى ، بيروت : مؤسّسه الرساله ، الطبعه الأُولى 1409 ه . 85 . مسند الشهاب ، أبو عبداللّه محمّد بن سلامه القضاعى (ت 454 ه) ، تحقيق : حمدى عبدالمجيد السلفى ، بيروت : مؤسسه الرساله ، الطبعه الأُولى ، 1405 ه . 86 . مشكاه الأنوار فى غرر الأخبار ، أبو الفضل علىّ الطبرسى (ق 7 ه) ، طهران : دارالكتب الإسلاميه ، الطبعه الأُولى ، 1385 ه . 87 . المصباح فى الأدعيه والصلوات والزيارات ، تقىّ الدين إبراهيم بن علىّ بن الحسن العاملى الكفعمى (ت 900 ه)، تصحيح: الشيخ حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسسه الأعلمى للمطبوعات ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 88 . مصباح المتهجّد ، أبو جعفر محمّد بن الحسن بن علىّ بن الحسن الطوسى (ت 460 ه) ، تحقيق : علىّ أصغر مروارید ، بيروت : مؤسسه فقه الشيعه ، الطبعه الأُولى ، 1411 ه . 89 . المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى ، أحمد بن محمّد المقرى الفيّومى (ت 770 ه) ، قم : دار الهجره ، الطبعه الثانيه ، 1414 ه . 90 . المصنّف فى الأحاديث والآثار ، أبو بكر عبداللّه بن محمّد بن أبى شيبه العبسى الكوفى (ت 235 ه) ، تحقيق : سعيد محمّد اللّحام ، بيروت : دار الفكر . 91 . مطالب السؤول فى مناقب آل الرسول ، كمال الدين محمّد بن طلحه الشافعى (ت 654 ه) ، نسخه مخطوطه ، قم : مكتبه آيه اللّه المرعشى .. 92 . معانى الأخبار ، أبو جعفر محمّد بن علىّ بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، الطبعه الأُولى ، 1361 ه . ش . 93 . المعجم الأوسط ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمىّ الطبرانىّ (ت 360 ه) ، تحقيق : طارق بن عوض اللّه ، وعبدالحسن بن إبراهيم الحسينىّ ، القاهره : دار الحرمين ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 94 . المعجم الكبير ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (ت 360 ه) ، تحقيق : حمدى عبدالمجيد السلفى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، الطبعه الثانيه ، 1404 ه .

.

95 . معجم مقاييس اللغه ، أحمد بن فارس الرازى القزوينى ، قم : مكتبه الإعلام الإسلامى . 96 . معدن الجواهر ورياضه الخواطر ، أبو الفتح محمّد بن علىّ الكراجكى (ت 449 ه) ، تحقيق : السيّد أحمد الحسينى ، طهران : المكتبه المرتضويه ، الطبعه الثانيه ، 1394 ه . 97 . مكارم الأخلاق ، أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (ت 548 ه) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى ، الطبعه الأُولى ، 1414 ه . 98 . مناقب آل أبى طالب = مناقب ابن شهرآشوب ، أبو جعفر رشيد الدين محمّد بن علىّ بن شهر آشوب المازندرانى (ت 588 ه) ، قم : المطبعه العلميه . 99 . المناقب (المناقب للخوارزمى) ؛ للحافظ الموفّق بن أحمد البكرى المكّى الحنفى الخوارزمى (568 ه) تحقيق : مالک المحمودى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، الطبعه الثانيه ، 1414 ه . 100 . المنجد فى اللغه ، لويس معلوف (معاصر) ، بيروت : دارالمشرق ، الطبعه الأُولى 1973م. 101 . مهج الدعوات و منهج العبادات ، أبو القاسم علىّ بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، قم : دارالذخائر ، الطبعه الأُولى ، 1411 ه . 102 . موارد الظمآن إلى زوائد ابن حبّان ، نور الدين علىّ بن أبى بكر الهيثمىّ (ت 807 ه) ، تحقيق : عبدالرزّاق حمزه ، بيروت : دار الكتب العلميّه . 103 . نثر الدرّ ، منصور بن حسين آبى (ت 421 ه) ، تحقيق : محمّد علىّ قرنه ، مصر : مركز تحقيق التراث ، الطبعه الأُولى ، 1981 م . 104 . النهايه فى غريب الحديث والأثر ، أبو السعادات مبارک بن مبارک الجزرى المعروف بابن الأثير (ت 606 ه) ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوى ، قم : مؤسسه إسماعيليان ، الطبعه الرابعه ، 1367 ه . ش . 105 . نهج البلاغه ، ما اختاره أبو الحسن الشريف الرضى محمّد بن الحسين بن موسى الموسوى من كلام الإمام أميرالمؤمنين عليه السلام (ت 406 ه) ، تحقيق : السيّد كاظم المحمّدى ومحمّد الدشتى ، قم : انتشارات الإمام على عليه السلام ، الطبعه الثانيه ، 1369 ه . 106 . وقعه صفّين ، نصر بن مزاحم المنقرى (ت 212 ه) ، تحقيق : عبدالسلام محمّد هارون ، قم : مكتبه آيه اللّه المرعشى ، الطبعه الثانيه ، 1382 ه .

.

فهرست تفصیلی .

ص: 429

. .

ص: 430

. .

. .

ص: 432

. .

ص: 433

. .

. .

ص: 435

. .

ص: 436

. .

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109